



مرکز تحقیقات رایانگی

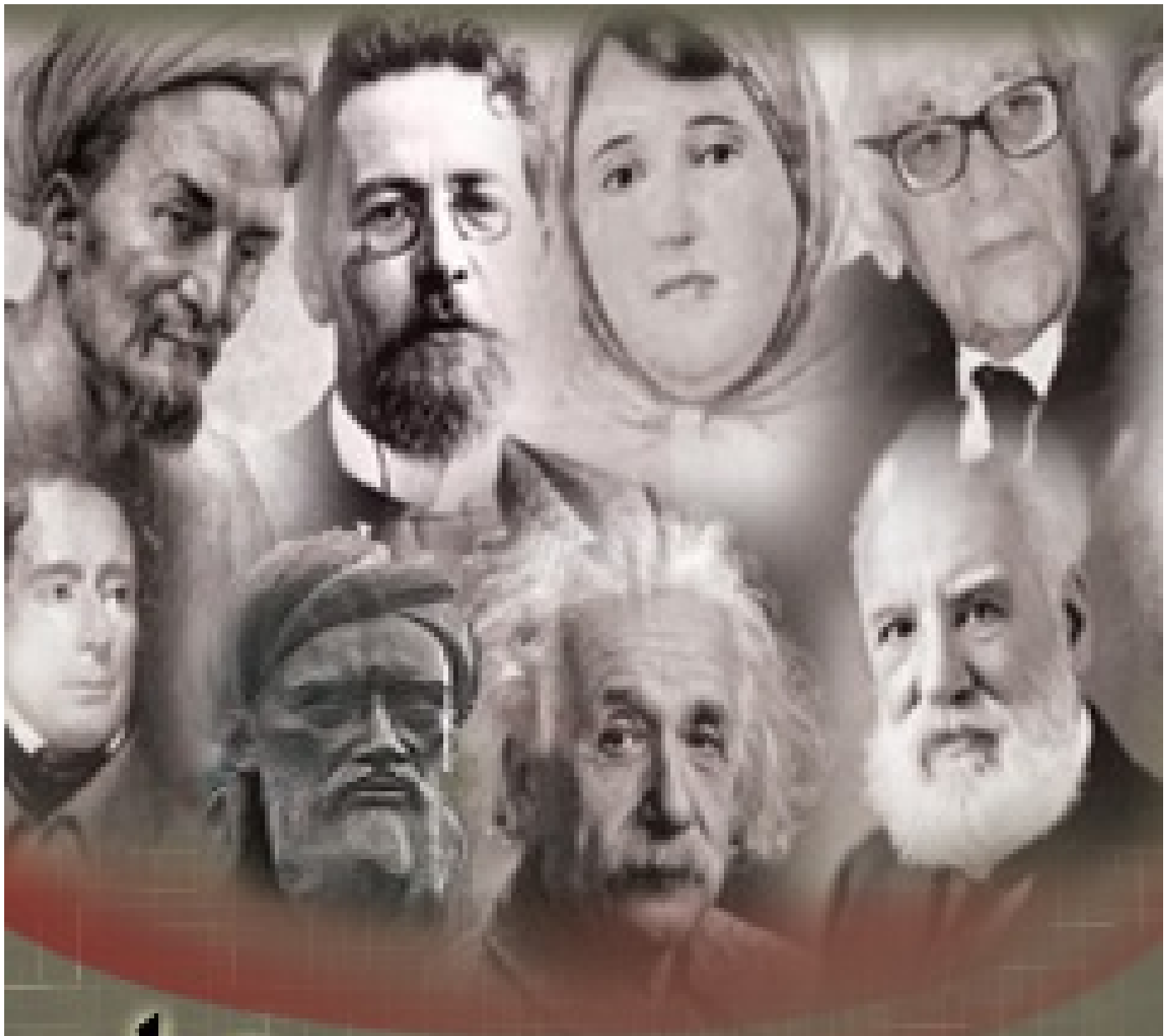
اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۷

مرکز تحقیقات رایانه ای قانمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۳۳	زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد ۷
۳۳	مشخصات کتاب
۳۳	قرآن
۳۳	ابراهیمی، محمدحسین
۳۳	ابراهیمی، مهدی
۳۴	ابن ابی‌الخیر حمدانی، برهان‌الدین، ابوالحارث محمد
۳۴	ابن ابی‌حاتم رازی، ابومحمد عبدالرحمان
۳۵	ابن ابی‌طیب نیشابوری، ابوالحسن علی
۳۵	ابن ابی‌مریم شیرازی، ابوعبدالله نصر
۳۶	ابن ابی‌هند سرخسی، ابوبکر، ابومحمد داوود
۳۶	ابن بابویه ابوجعفر، محمد
۳۹	ابن شهرآشوب سروی مازندرانی، رشیدالدین
۴۰	ابن مردویه اصفهانی، ابوبکر احمد
۴۱	ابن نقیب بلخی، جمال‌الدین، ابوعبدالله محمد
۴۱	ابن‌بندار قزوینی، ابویوسف عبدالسلام
۴۲	ابن‌بواب، ابوالحسن علی
۴۲	ابن جراح بغدادی، ابوالحسن علی
۴۳	ابن حبیب نیشابوری، ابوالقاسم حسن
۴۳	ابن سلم رازی اصفهانی، ابویحیی عبدالرحمان
۴۴	ابن سینا، ابوعلی حسین
۴۵	ابن شاهین، ابوجعفر عمر
۴۶	ابن عبدک گرگانی

- ۴۶ ابن فتی، ابو عبدالله سلمان، سلیمان
- ۴۶ ابن قتیبه‌ی دینوری، ابومحمد عبدالله
- ۴۷ ابن ماجه‌ی قزوینی، ابو عبدالله محمد
- ۴۸ ابن مظفر شیرازی، جلال‌الدین، ابوالمیمان مسعود
- ۴۸ ابن مظفر شیرازی، زین‌الدین، طاهر
- ۴۹ ابن مغفل نسفی، ابواسحاق ابراهیم
- ۴۹ ابن مهریزد اصفهانی، ابومسلم محمد
- ۴۹ ابن یزداد قمی نیشابوری، ابوالحسن علی
- ۵۰ ابوالبرکات کازرونی، محمد
- ۵۰ ابوالشیخ اصفهانی، ابومحمد عبدالله
- ۵۰ ابوبکر
- ۵۱ ابوترابی، علی اکبر
- ۵۲ ابوترابی، محمود
- ۵۳ اثنی عشری، حسین
- ۵۴ احدی، مهدی
- ۵۵ احمدزاده بزاز، عبدالمطلب
- ۵۵ احمدیان، ابراهیم
- ۵۶ احمدیان، مرتضی
- ۵۸ اخوان طبسی، محمد
- ۵۸ اخوان طبسی، محمد
- ۵۹ ادیب بهروز، محسن
- ۵۹ اذکائی، پرویز
- ۶۰ اردبیلی، جمال‌الدین محمد
- ۶۱ استادی مقدم، رضا

- اسدی نسب، محمدعلی ۶۳
- اسدی، علی ۶۳
- اسدی، کاظم ۶۴
- اسفراینی طوسی، ابوالمظفر شاهفور، طاهر ۶۵
- اسکندرلو، محمدجواد ۶۵
- اسلامی پناه، هادی ۶۷
- اشراقی، محمدتقی ۶۷
- اشرفی، امیررضا ۶۸
- اشعری قمی، یعقوب ۶۹
- اصفهان‌ای، شمس‌الدین، ابوالثناء محمود ۷۰
- اصیل‌الدین واعظ شیرازی، عبدالله ۷۰
- اطروش، ناصرالحق، ابومحمدحسن ۷۱
- اعرج نیشابوری، نظام‌الدین حسن ۷۱
- اعمی، مختار ۷۲
- اکبرنژاد، مهدی ۷۲
- اکبری کارمزدی، محمد ۷۳
- الهی طباطبایی، محمدحسن ۷۴
- الهی قمشه‌ای، مهدی ۷۵
- الهی، عباس ۷۶
- امجد، محمود ۷۷
- امیدی فرد، عبدالله ۷۸
- امیرخانی، علی ۷۹
- امین زارع، محمدرضا ۷۹
- امین، نصرت ۸۰

۸۲	امینی پور، عبدالله
۸۴	انصاری، کریم
۸۵	انصاری، مسعود
۸۶	انواری، جعفر
۸۷	اورعی، مرتضی
۸۷	اولیایی، مصطفی
۸۸	اویسی، محمدحسین
۸۹	ایازی، محمدعلی
۸۹	ایچی صفوی، معین‌الدین، محمد
۹۰	ایمانی، حسین
۹۰	آدمی خوارزمی، ابوالفضل محمد
۹۰	آقاجفی، محمد
۹۱	آل اسحاق، علی
۹۵	آیتی، عبدالحسین
۹۷	بابا نعمت الله نخجوانی
۹۷	بابایی، علی اکبر
۹۸	بازرگان، مهدی
۱۰۸	باقربان ساروی، احمد
۱۰۹	بحر العلوم، محمد مهدی
۱۱۰	بحرانی، جعفر
۱۱۰	بحرانی، هاشم
۱۱۱	بخارایی، ابراهیم
۱۱۱	بخاری، عنایت‌الله
۱۱۱	براری گاوزنی، عبدالحق

- ۱۱۳ برارش، علیرضا
- ۱۱۴ برگانی قزوینی، محمد صالح
- ۱۱۴ برگانی قزوینی، موسی
- ۱۱۵ برقانی خوارزمی، ابوبکر احمد
- ۱۱۵ برکلی حنفی، تقی‌الدین محمد
- ۱۱۶ بروجردی، جمال‌الدین محمد
- ۱۱۶ بروجی، صبغۀ الله
- ۱۱۷ برهان‌الدین هروی، حیدر
- ۱۱۷ بزدوی، فخر الاسلام، ابوالحسن علی
- ۱۱۷ بسطامی، ضیاء‌الدین، ابوشجاع عمر
- ۱۱۸ بشیر تبریزی، نجم‌الدین، ابونعمان
- ۱۱۸ بغوی، ظهیرالدین، ابومحمد حسین
- ۱۱۹ بلاغی، شیخ حسن
- ۱۲۴ بلاغی، محمدجواد
- ۱۲۹ بلخی، جمال‌الدین عبدالله
- ۱۳۰ بهاء‌الدینی، رضا
- ۱۳۱ بهرامی، محمد حسین
- ۱۳۱ بهرامی، ناصر
- ۱۳۲ بهشتی، سیدعلی
- ۱۳۲ بهلول گنابادی، محمدتقی
- ۱۳۳ بهمینی، سعید
- ۱۳۳ بیات، محمود
- ۱۳۴ بیاری، علی اکبر
- ۱۳۴ بیرجندی، علی اصغر

- ۱۳۵ بیضاوی فارسی، ابوالخیر، ابوسعید عبدالله
- ۱۳۵ بیهقی خسروجردی، ابوبکر احمد
- ۱۳۶ بیهقی، ابوجعفر احمد
- ۱۳۶ پارسا، شمس‌الدین محمد
- ۱۳۷ پشایی، محمدتقی
- ۱۳۷ پایانی اردبیلی، احمد
- ۱۳۹ پاینده، جعفر
- ۱۴۰ پرهیزگار، شهریار
- ۱۴۱ پور طباطبایی، مجید
- ۱۴۳ پوررنجبر، کوکب
- ۱۴۴ پهلوان، منصور
- ۱۴۴ تبریزی، موسی
- ۱۴۵ تفلیزی، حسین
- ۱۴۵ تهامی، فاطمه
- ۱۴۶ ثعلبی، ابواسحاق، احمد
- ۱۴۶ ثقفی، محمد
- ۱۴۷ جاربردی، فخرالدین، ابوالمکارم احمد
- ۱۴۸ جرجانی، ابوالحسن علی
- ۱۴۸ جزائری، نعمت‌الله
- ۱۴۹ جعفری تبار، مجید
- ۱۴۹ جعفری تبار، مجید
- ۱۵۰ جعفری، اباذر
- ۱۵۰ جمالی، قربان
- ۱۵۱ جمالی، نصرت الله

- ۱۵۲ جوادی آملی، عبدالله
- ۱۵۵ جوان آراسته، حسین
- ۱۵۶ جوانی گلوچه، رسول
- ۱۵۷ حاجی اسماعیلی، محمد
- ۱۵۸ حاجی صادقی، عبدالله
- ۱۵۹ حاجی علی لالانی، عبدالله
- ۱۶۰ حارثی عاملی، عزالدین حسین
- ۱۶۰ حافظ القرآن فراهانی، کاظم
- ۱۶۳ حامد حسین، محمدتقی
- ۱۶۴ حائری پور، محمد مهدی
- ۱۶۵ حائری، محمدعلی
- ۱۶۵ حبیبی احمد آبادی، علی
- ۱۶۷ حجازی، مهدی
- ۱۶۸ حجت، هادی
- ۱۶۸ حجتی، سید محمدباقر
- ۱۷۳ حر عاملی، احمد
- ۱۷۳ حسن پور، ابوالقاسم
- ۱۷۴ حسن زاده آملی، حسن
- ۱۷۹ حسنی اردکانی، عبدالرسول
- ۱۸۰ حسنی، علی اکبر
- ۱۸۱ حسین مقدم، یحیی
- ۱۸۱ حسینی ادیبانی، مسلم
- ۱۸۲ حسینی ارسنجانی، محمدحسن
- ۱۸۲ حسینی شیرازی، صادق

- ۱۸۷ حسینی کوهساری، اسحاق
- ۱۸۸ حسینی، اسماعیل
- ۱۸۹ حفید تفتازانی، سیف‌الدین، احمد
- ۱۸۹ حقی، مهدی
- ۱۹۰ حکمت، علی اصغر
- ۱۹۳ حکیم باشی، حسن
- ۱۹۴ حکیم، منذر
- ۱۹۵ حکیمی - محمد رضا
- ۱۹۹ حلبی، علی اصغر
- ۲۰۰ حویزی اصفهانی، قوام‌الدین جعفر
- ۲۰۰ حویزی، عبدالعلی
- ۲۰۱ حویزی، فرج الله
- ۲۰۱ حیدری نیک، مجید
- ۲۰۲ حیدری، علی
- ۲۰۳ خاتمی، احمد
- ۲۰۴ خادمی حسینی، ابوالقاسم
- ۲۰۵ خادمی کوشا، محمدعلی
- ۲۰۶ خالقی پور، مجید
- ۲۰۷ خالقی، محمود
- ۲۰۷ خائفی، عبدالله
- ۲۰۸ خراسانی، علی
- ۲۰۹ خرم دل، مصطفی
- ۲۱۰ خرمشاهی، بهاء‌الدین
- ۲۱۲ خرمشاهی، جواد

- ۲۱۳ خزانه، محمود
- ۲۱۳ خزعلی، ابوالقاسم
- ۲۱۵ خمینی، روح‌الله
- ۲۱۸ خواجوئی، ابوالحسن
- ۲۱۸ خوبی، ابوالقاسم
- ۲۲۰ خوئی، ابوالقاسم
- ۲۲۱ خیرخواه، احمد
- ۲۲۲ دارمی سمرقندی، ابومحمد عبدالله
- ۲۲۲ دارینی، محمد
- ۲۲۳ دامغانی، افتخارالدین، محمد
- ۲۲۳ داودی لیمونی، سعید
- ۲۲۴ داوری آشتیانی، حسین
- ۲۲۵ داوودی کهکی، محمدرضا
- ۲۲۵ دقاق نیشابوری، ابوعلی حسن
- ۲۲۶ دق‌ی دینوری دمشقی، ابوعمر، ابوبکر محمد
- ۲۲۶ دوانی، جلال‌الدین محمد
- ۲۲۷ دولابی، ابوبشر محمد
- ۲۲۷ دهقان، اکبر
- ۲۲۸ دهقان، محمدحسین
- ۲۲۹ دهکردی، احمد
- ۲۳۰ دهلوی، شاه ولی الله
- ۲۳۲ دیاری بیگدلی، محمدتقی
- ۲۳۲ دیلمی، ابوالفتح ناصر
- ۲۳۳ دین پرور، حسین

- ۲۳۳ ذوالفنون عراقی، حبیب‌الله
- ۲۳۴ رازی، ابوالفتح جمال‌الدین حسین
- ۲۳۴ رازی، ابوالفتح سلیم
- ۲۳۵ رازی، ابوحاتم محمد
- ۲۳۶ رازی، زین‌الدین، ابو عبدالله محمد
- ۲۳۶ راستی، حسین
- ۲۳۸ راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین
- ۲۳۹ رامیار، محمود
- ۲۳۹ رجبی، عباس
- ۲۴۰ رجبی، محمود
- ۲۴۲ رحمانی فرد، حسین
- ۲۴۲ رحمتی شهرضا، محمد
- ۲۴۳ رستگار، یعسوب‌الدین
- ۲۴۴ رستم نژاد، غضنفر
- ۲۴۵ رشتی، میرزا حبیب‌الله
- ۲۵۰ رضایی، حسن رضا
- ۲۵۱ رضایی، علی
- ۲۵۲ رضایی، محمدعلی
- ۲۵۲ رضوی قمی، ابراهیم
- ۲۵۳ رفعت نژاد، محمدنقی
- ۲۵۴ رفیعی محمدی، ناصر
- ۲۵۵ رفیعی، محسن
- ۲۵۵ روحانی، احمد
- ۲۵۶ روحانی، سید شمس‌الدین

- ۲۵۶ رودباری، ابوعبدالله احمد
- ۲۵۷ رهنما، زین‌العابدین
- ۲۵۸ ری شهری، محمد
- ۲۶۰ ریحان یزدی، علیرضا حسینی
- ۲۶۱ زاغولی مروزی، ابوعبدالله محمد
- ۲۶۱ زاهد علایی بخاری، ابوعبدالله، محمد
- ۲۶۲ زاهدی گیلانی، ابوطالب
- ۲۶۲ زاهدی، ابوالفضل
- ۲۶۳ زبیده
- ۲۶۴ زعفرانی اصفهانی، ابوسعید حسین
- ۲۶۴ زمانی، محمد هاشم
- ۲۶۵ زمانی، محمدحسن
- ۲۶۶ زمخشری، ابوالقاسم محمود
- ۲۶۶ زنجانی، ابوالمناقب محمود
- ۲۶۷ زنجیره فروش، علی
- ۲۶۷ زواره‌ای، ابوالحسن علی
- ۲۶۸ زوزنی، ابوجعفر محمد
- ۲۶۸ سادات فخر، محمد محسن
- ۲۶۹ سبحانی نیا، محمدتقی
- ۲۶۹ سبزواری، زین‌العابدین
- ۲۷۰ ستوده نیا، محمدرضا
- ۲۷۰ سجادی، احمد
- ۲۷۴ سجاسی زنجانی، حسین
- ۲۷۴ سجاوندی غزنوی، محمد

- ۲۷۵ سحر خوان، محمد
- ۲۷۶ سراقی، علی
- ۲۷۶ سراوندی، یاسمینه
- ۲۷۶ سعیدی روشن، محمدباقر
- ۲۷۷ سعیدی زاده، رسول
- ۲۷۸ سلطان القراء تبریزی، محمود
- ۲۷۹ سلطانعلی
- ۲۷۹ سلطانی رناتی، مهدی
- ۲۸۰ سلمی نیشابوری، ابو عبدالرحمان
- ۲۸۱ سمرقندی، ناصرالدین، ابوالقاسم محمد
- ۲۸۱ سمعانی مروزی، ابوالمظفر منصور
- ۲۸۲ سمعانی مروزی، قوام‌الدین
- ۲۸۳ سورا آبادی، ابوبکر عتیق
- ۲۸۳ سهل تستری، ابومحمد
- ۲۸۴ سیبویه ثانی، برهان‌الدین ابراهیم
- ۲۸۴ سید کریمی، عباس
- ۲۸۵ سیدی نیا، اکبر
- ۲۸۵ سیفی، علی اکبر
- ۲۸۶ شالباف، شوقی
- ۲۸۷ شاه بیک، حسین
- ۲۸۸ شاهرودی، محمدعلی
- ۲۸۹ شب زنده دار، مهدی
- ۲۹۰ شرعی، محمدعلی
- ۲۹۶ شریعت اصفهانی، فتح‌الله

- ۲۹۶ شریعتی مزینانی، محمدتقی
- ۲۹۹ شریعتی، علی
- ۳۰۷ شریفی حسینی، ابوالفتح
- ۳۰۸ شعار، یوسف
- ۳۰۸ شفیعی دارابی، حسین
- ۳۱۰ شفیعی، حسین
- ۳۱۱ شفیعی، علی
- ۳۱۲ شکرانی، رضا
- ۳۱۳ شمس الدین، محمدحسن
- ۳۱۴ شمس القراء، عبدالغفور
- ۳۱۴ شوشتری، عبدالقائم
- ۳۱۵ شهرستانی، محمد مهدی
- ۳۱۵ شهرستانی، هبة‌الدین
- ۳۱۶ شهریکندی، کریم
- ۳۱۷ شهیدی پور، محمدرضا
- ۳۱۸ شهیدی، میرزا ابوتراب
- ۳۱۹ شیبانی، محمد
- ۳۲۰ شیخ الاسلامی، محمود
- ۳۲۱ شیخ الرئیسی، محمد
- ۳۲۱ شیخ‌الاسلام تبریزی، محمود
- ۳۲۲ شیخ‌بهائی، بهاء‌الدین، محمد
- ۳۲۳ شیرازی، ابومحمد، حسن
- ۳۲۵ شیرازی، حسن
- ۳۲۶ شیرازی، محمدحسن

- ۳۲۶ شیروانی، ابوالحسن
- ۳۲۶ صابونی نیشابوری، شیخ الاسلام، ابوعثمان اسماعیل
- ۳۲۷ صاحبی فرد، علی اکبر
- ۳۲۸ صادق نیا، مه‌راب
- ۳۲۹ صادقی فدکی، جعفر
- ۳۳۰ صادقی، محمد
- ۳۳۲ صفی، مجتبی
- ۳۳۲ صدرالشریعه بخاری، جمال الدین عبیدالله
- ۳۳۳ صعلوکی نیشابوری، ابوسهل محمد
- ۳۳۳ صفارزاده، طاهره
- ۳۳۶ صفائی حائری، علی
- ۳۳۸ صلواتی، محمود
- ۳۳۹ سناری خوارزمی، ابوالحسن علی
- ۳۴۰ صنیعی، مهدی
- ۳۴۰ ضیایی مرندی
- ۳۴۱ طالبی نیا، سعید
- ۳۴۱ طالقانی، ابوالخیر، احمد
- ۳۴۲ طالقانی، محمود
- ۳۴۴ طاووس یمانی، ابوعبدالرحمان طاووس
- ۳۴۵ طاهری، احمدعلی
- ۳۴۶ طاهری، حسین
- ۳۴۶ طباطبایی بروجردی، حسین
- ۳۵۳ طباطبایی، ابوالفضل
- ۳۵۴ طباطبایی، محمدحسین

- ۳۶۳ طباطبائی، محمد حسین
- ۳۶۵ طبرسی، امین‌الدین، امین الاسلام، ابوعلی فضل
- ۳۶۷ طبرسی، حسین
- ۳۶۸ طبسی، احمد
- ۳۶۸ طسوجی، احمد
- ۳۶۹ طوسی
- ۳۷۰ طیب اصفهانی، سید عبدالحسین
- ۳۷۱ ظاهری، خلیل
- ۳۷۱ ظهیر
- ۳۷۲ ظهیر نیشابوری، ظهیرالدین، فخرالدین ابوجعفر، محمد
- ۳۷۲ عابدی، محمد
- ۳۷۳ عابدینی، احمد
- ۳۷۷ عارف کشفی، جعفر
- ۳۷۸ عاصم کوفی
- ۳۷۸ عالمی، خلیل
- ۳۷۹ عالیشاهی، احمد
- ۳۷۹ عالیشوندی، مسعود
- ۳۸۱ عباسی، فرج الله
- ۳۸۲ عباسی، مراد
- ۳۸۳ عبداللهی، محمود
- ۳۸۴ عتابی بخاری، زین‌الدین، أبونصر، أبوالقاسم احمد
- ۳۸۴ عتیقی، محمدهادی
- ۳۸۵ عرفان، حسن
- ۳۸۶ عزیری سجستانی، ابوبکر محمد

- ۳۸۶ عزیزکیا، غلامعلی
- ۳۸۷ عسال اصفهانی، ابواحمد محمد
- ۳۸۸ عسکرآبادی، مهدی
- ۳۸۹ عصار لواسانی، محمد
- ۳۹۰ عطاء خراسانی، ابویوب، عطاء
- ۳۹۱ عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم
- ۳۹۲ علامی، محمد
- ۳۹۳ علوی مهر، حسین
- ۳۹۴ علی بابایی، احمد
- ۳۹۶ علی بن محمد باقر
- ۳۹۶ علی پور، حسین
- ۳۹۷ علی محمدی، کریم
- ۳۹۷ علی نقی پور، احمد
- ۳۹۸ علیاناسب، ضیاءالدین
- ۳۹۹ علیزاده، غلامحسین
- ۳۹۹ عمادالدین
- ۴۰۰ عمادزاده‌ی اصفهانی، حسین
- ۴۰۱ عمادی چاچکامی، کمال الدین
- ۴۰۲ عمرانی خوارزمی، ابوالحسن علی
- ۴۰۲ عنبری نیشابوری، ابوزکریا یحیی
- ۴۰۳ عوفی، نورالدین، سدیدالدین محمد
- ۴۰۴ عیاشی سمرقندی، ابوالنضر محمد
- ۴۰۵ عیسی زاده، ولی الله
- ۴۰۵ غروی علیاری، علی

- ۴۰۷ غروی، محمد
- ۴۰۹ غزنوی، ناصرالدین تاج الشریعه، ابوعلی عالی
- ۴۱۰ غفاری ساروی، حسین
- ۴۱۰ غفوری، حبیب الله
- ۴۱۱ غلام جمشیدی، محمدصادق
- ۴۱۱ فارس‌سیجانی، پرویز
- ۴۱۲ فاضل استرآبادی، محمد
- ۴۱۳ فاضل بخشایش، جواد
- ۴۱۳ فاضل هندی، بهاء‌الدین محمد
- ۴۱۴ فاطمی ابهری، محمد
- ۴۱۵ فتال نیشابوری، ابوعلی، ابوجعفر محمد
- ۴۱۵ فتحی، علی
- ۴۱۶ فتونی عاملی نباطی اصفهانی، ابوالحسن علی
- ۴۱۷ فخر رازی، فخرالدین ابو عبدالله، ابوالمعالی، ابوالفضل محمد
- ۴۱۸ فراء، ابومحمد حسین
- ۴۱۹ فرجی سلطان آبادی، علی اکبر
- ۴۱۹ فرخ، علی
- ۴۲۰ فروغی نژاد، عبدالله
- ۴۲۱ فرید گلپایگانی، حسن
- ۴۲۲ فسایی، حسن حسینی
- ۴۲۳ فقیهی، محمدرضا
- ۴۲۳ فلسفی، محمد تقی
- ۴۲۶ فندرسکی، ابوطالب
- ۴۲۶ فولادوند، محمدمهدی

- ۴۲۷ فیاضی، غلامرضا
- ۴۲۸ فیروزآبادی، مجدالدین، ابوطاهر محمد
- ۴۲۹ فیروزمهر، محمد مهدی
- ۴۲۹ فیض الاسلام، علینقی
- ۴۳۰ فیض کاشانی، محسن
- ۴۳۲ فیض، علیرضا
- ۴۳۲ قابل، هادی
- ۴۳۳ قادری، عاصم
- ۴۳۴ قاری، محمد
- ۴۳۴ قاری، محمد حسن
- ۴۳۴ قاسملو خوبی، یعقوب
- ۴۳۵ قاسمی، حسین
- ۴۳۶ قاسمی، علی محمد
- ۴۳۶ قاضی القضاة همدانی اسدآبادی، ابوالحسن، ابوالحسین عبدالجبار
- ۴۳۷ قاضی رئیس نسوی، ابوعمر، ابوعمر محمد
- ۴۳۷ قاضی زاده، کاظم
- ۴۳۸ قاضی سعید، محمد
- ۴۳۹ قاضی یزدی
- ۴۳۹ قاضی، علی آقا
- ۴۴۶ قاینی، ابوشریف محمد
- ۴۴۶ قربانی، علی اصغر
- ۴۴۸ قزوینی حلی نجفی، معزالدین محمد مهدی
- ۴۴۸ قزوینی، فاطمه
- ۴۴۹ قشیری نیشابوری، ابوالقاسم، زین الاسلام، عبدالکریم

- ۴۵۰ قصری زاده، منصور
- ۴۵۱ قطب رازی، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد
- ۴۵۲ قطب راوندی، قطب‌الدین، ابوالحسن، سعید
- ۴۵۳ قطب‌الدین شیرازی، ابوالثناء محمود
- ۴۵۴ قطب‌الدین طریثی نیشابوری، ابوالمعالی مسعود
- ۴۵۵ قلی زاده مشکول، مجتبی
- ۴۵۵ قمی لاهوری، ابوالقاسم بن حسن
- ۴۵۶ قمی مشهدی، محمد
- ۴۵۶ قمی، ابوالقاسم سعد
- ۴۵۷ قمی، عباس
- ۴۵۸ قمی، محمد بن رضا
- ۴۵۹ قمی، محمود
- ۴۵۹ قنادی، صالح
- ۴۶۰ قوام السنه اصفهانی، ابوالقاسم اسماعیل
- ۴۶۱ قوامی، تقی
- ۴۶۱ قوشچی سمرقندی، علاء‌الدین علی
- ۴۶۲ کازرونی، ابوبکر محمد
- ۴۶۲ کازرونی، منصور
- ۴۶۳ کاشانی نجفی، مصطفی
- ۴۶۴ کاشانی، عبدالرزاق
- ۴۶۶ کاشانی، عبدالمطلب
- ۴۶۶ کاشانی، علم الهدی
- ۴۶۷ کاشانی، علی اکبر
- ۴۶۸ کاشانی، فتح‌الله

- ۴۶۸ کاشف‌الغطاء
- ۴۶۹ کاشفی سبزواری هروی، معین‌الدین، حسین
- ۴۷۰ کاشی، کمال‌الدین، ابوالغنائم عبدالرزاق
- ۴۷۱ کامجری مروزی، ابویعقوب اسحاق
- ۴۷۱ کجی بصری، ابومسلم ابراهیم
- ۴۷۲ کرمانی، شمس‌الدین، ابوعبدالله محمد
- ۴۷۲ کرمانی، علی اصغر
- ۴۷۳ کرمانی، نورالدین، ابوالقاسم محمود
- ۴۷۳ کریمی والا، محمدرضا
- ۴۷۴ کریمی، جعفر
- ۴۷۶ کریمی، جلال
- ۴۷۷ کریمی، علیجان
- ۴۷۹ کریمی، مصطفی
- ۴۷۹ کریمیان میقلان، علی
- ۴۸۰ کسائی، علی
- ۴۸۱ کسروی اصفهانی، ابوحسین علی
- ۴۸۱ کشفی دارابی بروجردی، جعفر
- ۴۸۲ کشی جرجانی، ابوزرعه محمد
- ۴۸۳ کعبی، عباس
- ۴۸۴ کلابادی بخاری، شمس‌الدین، ابوالعلاء محمود
- ۴۸۵ کلابادی، ابونصر احمد
- ۴۸۵ کلانتری، ابراهیم
- ۴۸۶ کمره‌ای، خلیل
- ۴۹۰ کوتاه اصفهانی، ابوحامد محمد

- ۴۹۰ کوتاه جویباری اصفهانی، ابومسعود عبدالجلیل
- ۴۹۱ کوثری، عباس
- ۴۹۱ کوسج مروزی، ابویعقوب اسحاق
- ۴۹۲ کوملادی همدانی، ابوالفضل صالح
- ۴۹۳ کیهراسی طبری، شمس الاسلام عمادالدین، ابوالحسن علی
- ۴۹۳ کیوان قزوینی، عباسعلی
- ۴۹۴ گرگانی، ابوالمحاسن حسین
- ۴۹۴ گنجی، ابوعبدالله محمد
- ۴۹۵ گیلانی استرآبادی، عبدالوحد
- ۴۹۵ گیوه چی مفرد، حسن
- ۴۹۶ لالکائی، ابوالقاسم هبة الله
- ۴۹۷ لاهیجی، محمدباقر
- ۴۹۷ لطیفی، محمود
- ۴۹۸ لؤلؤی بخلی، یحیی زکریا
- ۴۹۸ متفکر، حسین
- ۴۹۹ مجتهد بروجردی، جمال‌الدین
- ۴۹۹ مجتهد تبریزی، محمدعلی
- ۵۰۰ محبی پروشی، صاحب علی
- ۵۰۱ محقق، مهدی
- ۵۰۵ محققان گورتانی، رضا
- ۵۰۵ محلاتی شیرازی، صدرالدین
- ۵۰۶ محمدی عراقی، محسن
- ۵۰۸ محمدی عراقی، محمود
- ۵۰۹ محمدی مظفر، محمدحسن

- ۵۰۹ محمدی، اردشیر
- ۵۱۰ محمدی، صادق
- ۵۱۰ محمدی، محمدحسین
- ۵۱۱ محمودی، امیرملک
- ۵۱۲ محمودی، حسن
- ۵۱۲ محمودی، محسن
- ۵۱۳ محمودی، محمد
- ۵۱۴ مختاری، علی
- ۵۱۵ مدیر شانه‌چی، کاظم
- ۵۱۶ مراغی، علی اکبر
- ۵۱۶ مرتضوی، محمد
- ۵۱۷ مردانی ولندانی، محمدمهدی
- ۵۱۸ مرعشی خراسانی، ابوالفضل احمد
- ۵۱۸ مرعشی، محمد
- ۵۱۸ مرغینانی، برهان‌الدین، ابوالحسن علی
- ۵۱۹ مروودی، ابوالحارث سربج
- ۵۱۹ مروزی، ابوبکر ابراهیم
- ۵۲۰ مروزی، ابوعثمان سعید
- ۵۲۰ مسجد جامعی، محمدحسین
- ۵۲۱ مسعودزاده، محمدرضا
- ۵۲۲ مسعودی، عبدالهادی
- ۵۲۲ مسعودی، محمدمهدی
- ۵۲۳ مشکى، محمد
- ۵۲۴ مشکینی، علی اکبر

- ۵۲۵ مشهدی، هدایة اللّٰه
- ۵۲۶ مصدر الامور، مرتضی
- ۵۲۶ مطهری، مرتضی
- ۵۳۱ مظاهری، حسین
- ۵۴۸ مظفر، محمدتقی
- ۵۴۹ مظفر، محمدحسین
- ۵۵۰ مظهری، محمدحسن
- ۵۵۰ معرفت، محمدهادی
- ۵۵۳ معزی، محمدکاظم
- ۵۵۳ مفتاح، محمدهادی
- ۵۵۵ مفتون دنبلی آذربایجانی، عبدالرزاق
- ۵۵۶ مفسر تهرانی، علی
- ۵۵۶ مفسر نیشابوری، ابونصر منصور
- ۵۵۷ مفید، محمد
- ۵۵۷ مقدسی شیرازی، ابوالفرج عبدالواحد
- ۵۵۷ مقصودی، فریبا
- ۵۵۸ مقیسه، حسین
- ۵۵۹ مقیسه، حسین
- ۵۶۰ مکارم شیرازی، ناصر
- ۵۶۴ ملاحسنی، علیرضا
- ۵۶۵ ملاصدرا شیرازی، صدرالدین محمد
- ۵۶۷ ملامحمدی، محمد
- ۵۶۷ ملک پور، محمدجعفر
- ۵۶۸ ملک زاده، محمدحسین

- ملکی متهور، حمید ۵۷۲
- ملکی میانجی، محمدباقر ۵۷۳
- ملکی، باقر ۵۷۴
- ممدوحی، حسن ۵۷۴
- منصوری، کریم ۵۷۹
- منصوری، مهدی ۵۸۰
- موحدی محب، عبدالله ۵۸۰
- مودب، رضا ۵۸۱
- موذن زاده، رحیم ۵۸۲
- موذن زاده، رحیم ۵۸۳
- موسوی احمد آبادی، مجتبی ۵۸۵
- موسوی برزکی، محمد ۵۸۵
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی ۵۸۶
- موسوی نسب، جعفر ۵۸۷
- موسوی، محمداسماعیل ۵۸۷
- موسویان، ابوالفضل ۵۸۸
- موسویان، عباس ۵۸۹
- مهدوی راد، محمدعلی ۵۸۹
- مهدوی نیا، محمدتقی ۵۹۱
- مهدی زاده، مسلم ۵۹۱
- مهدی زاده، میرستار ۵۹۲
- مهری، عباس ۵۹۳
- میبدی، رشیدالدین ابوالفضل ۶۰۰
- میبدی، محمدفاکر ۶۰۰

- ۶۰۱ میر داماد نجف آبادی، علی
- ۶۰۲ میر عبداللهی، محمود
- ۶۰۳ میرجلیلی، علی محمد
- ۶۰۵ میرخانی، احمد
- ۶۰۶ میرداماد
- ۶۰۷ میردامادی، مجتبی
- ۶۰۸ میرمحمدی، ابوالفضل
- ۶۱۰ میرمحمدی، کمال الدین
- ۶۱۰ میرمسیب، مهدی
- ۶۱۲ میقانی، رضا
- ۶۱۳ ناصری دولت آبادی، محمد
- ۶۱۴ ناصری، علی
- ۶۱۵ ناطقی، غلامحسین
- ۶۱۶ نبوی، ابوالفضل
- ۶۱۸ نجار زادگان، فتح الله
- ۶۱۸ نجار شوشتری، محمد
- ۶۱۹ نجارزادگان، فتح الله
- ۶۲۰ نجفی اصفهانی مجدالدین، محمد علی
- ۶۲۱ نجفی کاشانی، علی
- ۶۲۳ نجفی یزدی، محمد
- ۶۲۳ نجفی، محمدصادق
- ۶۲۸ نسفی، برهان الدین، ابوالفضایل
- ۶۲۸ نسفی، حافظ الدین، ابوالبرکات عبدالله
- ۶۲۹ نسفی، نجم الدین، ابوحفص عمر

- ۶۳۰ نصیری، علی
- ۶۳۰ نظری منفرد، علیرضا
- ۶۳۱ نعیمی جرجانی، ابومنصور، احمد
- ۶۳۱ نقاش اصفهانی، ابوسعید محمد
- ۶۳۲ نکبونی، ابوزکریا یحیی
- ۶۳۲ نمازی اصفهانی، ملا فتح الله
- ۶۳۷ نمازی شاهرودی، علی
- ۶۴۰ نواب اصفهانی، محمد
- ۶۴۱ نوروزی، محمد
- ۶۴۱ نوری فرد، نورعلی
- ۶۴۲ نوری همدانی، حسین
- ۶۴۷ نوغانی، مهدی
- ۶۴۸ نوقاتی سجستانی، ابوعمر محمد
- ۶۴۹ نیریزی، ارشدالدین، ابوالحسن علی
- ۶۴۹ نیشابوری، ابوالحسن علی
- ۶۵۰ نیشابوری، ابوالحسن محمد
- ۶۵۰ نیشابوری، ابوالفضل احمد
- ۶۵۰ نیشابوری، ابوالقاسم سلمان
- ۶۵۱ نیشابوری، ابوبکر محمد
- ۶۵۱ نیشابوری، ابوزکریا یحیی
- ۶۵۲ نیشابوری، ابوسعید عبدالملک
- ۶۵۳ نیشابوری، ابوسعید احمد
- ۶۵۳ نیشابوری، ابو عبدالله محمد
- ۶۵۴ نیشابوری، ابوعلی حسین

- ۶۵۴ نیشابوری، ابوعمرو محمد
- ۶۵۵ نیشابوری، نجم‌الدین، ابوالقاسم محمود
- ۶۵۵ واثقی نیا، حسین
- ۶۵۶ واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی
- ۶۵۷ واعظ یزدی، غلامرضا
- ۶۵۸ وحید خراسانی، حسین
- ۶۵۸ وخشی بلخی، ابوعلی حسن
- ۶۵۹ ورنو سفادرائی سدهی، محمد حسن
- ۶۵۹ وفا، جعفر
- ۶۶۰ وفایی شوشتری، محمدمهدی
- ۶۶۱ وهب
- ۶۶۲ هادوی، اصغر
- ۶۶۲ هاشمی رفسنجانی، اکبر
- ۶۸۱ هاشمی نژاد، عبدالکریم
- ۶۸۱ هروی بغدادی، ابوعبید قاسم
- ۶۸۲ هروی، ابواسحاق احمد
- ۶۸۳ هروی، ابوذر عبد، عبدالله
- ۶۸۳ هروی، ابوسعید ابراهیم
- ۶۸۴ هروی، ابو عبدالرحمان، ابو جعفر محمد
- ۶۸۵ هروی، ابو عبدالله، محمد
- ۶۸۵ هروی، ابوعلی حسین
- ۶۸۵ هروی، ابومحمد عبدالله
- ۶۸۶ هزار، علیرضا
- ۶۸۶ هسنجانی رازی، ابواسحاق ابراهیم

- ۶۸۷ هلالی خراسانی، ابومحمد، ابوالقاسم ضحاک
- ۶۸۸ همدانی، ابوالعلاء حسن
- ۶۸۸ همدانی، ابوجعفر محمد
- ۶۸۹ یابری محمد، صادق
- ۶۸۹ یزدی، رشیدالدین
- ۶۹۰ یزدی، علی اکبر
- ۶۹۰ یزدی، محمد
- ۶۹۳ یزدی، معین‌الدین
- ۶۹۴ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد ۷

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰
 عنوان و نام پدید آور : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان / واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
 مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : [۹۰۱۸] ص.: مصور.
 یادداشت : عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
 یادداشت : کتابنامه: ص. [۹۰۱۸].
 عنوان روی جلد : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
 موضوع : سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها
 رده بندی کنگره : CT۲۰۳ / ف ۲۸ و ۶۷ ۱۳۸۵
 رده بندی دیویی : ۹۲۰/۰۲

قرآن

ابراهیمی، محمدحسین

قرن: ۱۵
 جنسیت: مرد
 ملیت: ایران
 محمدحسین ابراهیمی
 محل تولد : کازرون
 شهرت
 تابعیت : ایران
 تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

ابراهیمی، مهدی

قرن: ۱۵
 جنسیت: مرد
 ملیت: ایران
 مهدی ابراهیمی
 محل تولد : مشهد
 شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی ابراهیمی متولد ۱۳۴۲ در مشهد از خانواده‌ای روحانی هستم. دوران تحصیل ابتدایی را در مدرسه جوادیه که یکی از مدارس حاج آقای عابدزاده بود گذراندم و پس از تعطیلی آن مدارس توسط رژیم پهلوی به مدارس دولتی رفتم و تا پایان دوره راهنمایی تحصیل کردم. بعد از اتمام دوره راهنمایی که مصادف با سال ۵۷ شروع انقلاب اسلامی بود وارد حوزه علمیه مشهد شدم و در مدرسه علمیه حاج آقای موسوی نژاد به تحصیل پرداختم و همزمان دروس دبیرستان را نیز تا مقطع دیپلم ادامه دادم. دروس سطح اول و عالی حوزه علمیه و ۲ سال درس خارج را در مشهد گذراندم و از سال سوم ورود به حوزه به تدریس ادبیات، منطق و معانی بیان و اصول نیز پرداختم. در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۷۲ در درسهای خارج فقه و اصول استادان محترم آن حوزه بنام آیت الله تبریزی، فاضل، وحید خراسانی و ... شرکت کردم و درسهای فلسفه را نیز در مشهد و قم نزد استاد آقای آشتیانی و آیت الله حسن زاده آملی گذراندم.

در ایام تحصیل در قم در امتحانات مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کردم و در مقطع فوق لیسانس ادامه تحصیل دادم. در سال ۱۳۷۲ موفق به اخذ فوق لیسانس شدم و مجدداً به مشهد مراجعت کردم و در گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی و فردوسی مشهد مشغول به کار شدم. در سال ۱۳۷۶ به استخدام دانشگاه علوم پزشکی مشهد در آمدم و به عنوان عضو هیئت علمی و مدیر گروه فعالیت خود را ادامه دادم. در بهمن سال ۱۳۷۷ در گرایش علوم قرآن و حدیث در دانشگاه قم در مقطع دکتری پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۲ فارغ التحصیل شدم و هم اکنون در رتبه استادیاری پایه در دانشگاه علوم پزشکی مشهد در گروه معارف اسلامی مشغول به کار هستم و بعضی از واحدهای درسی مرتبط با علوم انسانی مثل اصول و فلسفه تعلیم و تربیت را در این دانشگاه نیز تدریس می‌کنم.

ابن ابی‌الخیر حمدانی، برهان‌الدین، ابوالحارث محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، عالم، مفسر و واعظ شیعی. شیخ منتجب‌الدین از او به صفت‌های عالم، مفسر، صالح و واعظ یاد کرده است. از آثار وی: «مفتاح التفسیر» یا «تفسیر ابن ابی‌الخیر»؛ «دلایل القرآن»؛ «عین الاصول»؛ «شرح الشهاب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۲۳/ ۲۱، ۳۶۷/ ۱۵، ۳۴۴/ ۱۳، ۲۵۲/ ۸، ۲۴۰/ ۴). ریاض العلماء (۱۲۸/ ۵)، فوائد الرضویه (۵۷۱)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۱).

ابن ابی‌حاتم رازی، ابومحمد عبدالرحمان

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۲۷ - ۲۴۰ ق)، متکلم، مفسر، فقیه، رجال‌شناس، حافظ و محدث. در ری متولد شد و در همانجا نشو و نما یافت. وی در محله‌ی درب حنظله‌ی ری ساکن، و خانه و مسجدش در آن محل واقع بود. به همراه پدر به حج رفت و سفرهای بسیاری نیز به شهرهای مختلف اسلامی، همچون شام و مصر و اصفهان داشت. قرآن را نزد فضل بن شاذان آموخت و پس از آن به فراگیری حدیث روی آورد، زیرا پدرش اجازه نداده بود که قبل از قرائت قرآن به حدیث پردازد. در فراگیری حدیث از محضر استادان بسیاری از جمله پدرش، ابوحاتم رازی، و ابوسعید اشج و یونس بن عبدالاعلی و علی بن مُنذر طریقی و احمد بن سِتّان و مسلم بن حجاج و حجاج بن شاعر و ابراهیم مُزنی و بحر بن نصر و محمد بن عبدالملک بن زنجویه و ابوزرعه رازی و ابن واره بهره جست و از آنها حدیث شنید. ابن عدی، حسین بن علی حسینک تمیمی، علی بن عبدالعزیز بن مردک، حمد اصفهانی، ابواحمد حاکم، احمد بن محمد بصیر رازی، ابراهیم بن محمد بن یزداد، احمد بن محمد بن یزداد، ابراهیم بن محمد نصرآبادی، ابوسعید عبدالوهاب رازی و دیگران از وی حدیث نقل کرده‌اند و او را ثقه دانسته‌اند. چون ابن ابی حاتم، امیرالمؤمنین علی (ع) را مقدم بر عثمان می‌داند، سلیمانی وی را شیعه به حساب آورده است. پدرش ابوحاتم، عبادت و ورع وی را ستوده است. از آثار وی: «الجرح والتعدیل»، «تقدمه المعرفة للجرح والتعدیل»، «التفسیر»، «الرد علی الجهمیه»، «العلل» یا «علل الحدیث»، «المسند»، «الفوائد الکبیر»، «ثواب الاعمال»، «المراسیل»، «فوائد الرازیین» یا «فوائد اهل الری»، «الکنی»، «الزهد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹۹ / ۴)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۳۲)، تهذیب التهذیب (۲۹ / ۹)، الجرح والتعدیل (مقدمه / د - ط)، ریحانه (۲ / ۲۸۶)، سیر النبلاء (۲۶۹ - ۲۶۳ / ۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷ / ۴)، کشف الظنون (۱۸۴۰، ۱۴۵۸، ۱۴۴۰، ۵۸۳ - ۵۸۲، ۴۳۶)، لسان المیزان (۳۰۰ - ۲۹۹ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل / رازی)، معجم المؤلفین (۱۷۱ - ۱۷۰ / ۵)، هدیه العارفین (۵۱۳ / ۱).

ابن ابی طیب نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۵۸ ق)، مفسر و شاعر. در نیشابور متولد شد. در اوایل قرن پنجم قمری در نیشابور چهار مدرسه بزرگ برای چهار فرقه بنا شد و آن مدرسه را که جهت شیعه و عدلیه و زیدیه، در محله اسفیریس بنا کردند، به نام امام علی بن ابی طیب نامیدند. او را در ۴۱۴ ق برای موعظه به دربار سلطان محمود غزنوی بردند، به محض ورود بی‌اجازه نشست و بی‌اجازه شروع به حدیث خواندن کرد، سلطان پندناپذیر فرمان داد تا بر سر او چنان ضربه‌ای زدند که از اثر آن ناشنوا شد. وی را شاگردان بسیاری بود که از آن جمله: خواجه ابوالقاسم علی بن محمد است. وی در سبزواری درگذشت. از آثارش: «التفسیر الکبیر»، در سی جلد؛ «التفسیر الاوسط»، در یازده جلد؛ و «التفسیر الصغیر»، در سه جلد؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۱۹ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۷ / ۱)، تاریخ بیهق (۱۹۴)، سیر النبلاء (۱۷۴ - ۱۷۳ / ۱۸)، معجم الادباء (۲۷۶ - ۲۷۳ / ۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۱ - ۱۳۰ / ۷).

ابن ابی مریم شیرازی، ابوعبدالله نصر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۵۶۵ ق)، مفسر، خطیب، دانشمند و ادیب. اهل فسا بود. در تفسیر، قرائت و نحو مهارت داشت و خطیب شیراز بود. از برهان‌الدین محمود کرمانی روایت می‌کرد. قاضی مجدالدین اسماعیل و قاضی سراج‌الدین مکرّم از شاگردان او بودند. از آثارش: «الكشف والبيان»، در تفسیر قرآن، در هشت جلد، مشهور به «تفسیر ابن ابی مریم»؛ «الموضح»، در قرائت هشتگانه یا دهگانه، که آن را شاگردان از گفته‌های استاد تقریر کرده‌اند؛ «الارفاد فی شرح الارشاد»؛ «الافصاح فی شرح الايضاح»، در شرح «ایضاح» ابوعلی فارسی؛ «عیون التصریف»؛ «المنتقی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۴۸- ۳۴۷/ ۸)، تذکره‌ی هزار مزار (۴۳۰- ۴۲۹)، ریحانه (۳۶۷- ۳۶۶/ ۷)، کشف الظنون (۱۹۰۵- ۱۹۰۴، ۴۳۷، ۲۱۲)، معجم الادباء (۲۲۵- ۲۲۴/ ۱۹)، معجم المؤلفین (۹۱- ۹۰/ ۱۳)، هدیة العارفین (۴۹۱/ ۲).

ابن ابی‌هند سرخسی، ابوبکر، ابومحمد داوود

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۴۱- ۱۱۳۹ ق)، محدث و مفسر شیعی. وی از یاران امام باقر (ع) بود. در خراسان به دنیا آمد. وی از سعید بن مسیب و عکرمه و شعبی و حسن بصری و محمد بن سیرین و بسیاری دیگر حدیث شنید؛ و ثوری و شعبه و ابن جریح و یحیی القطان و ابن علیّه و بسیاری دیگر از او نقل حدیث کرده‌اند. او را از حفاظ بصره می‌شناسند. وی در زمان حسن بصری فتوی می‌داد. احمد بن حنبل و ابن معین و نسائی و ابوحاتم رازی و عجللی او را ثقه دانسته‌اند. در پنج «صحیح» از صحاح ششگانه به روایات او احتجاج شده است. در سفری که به حج می‌رفت در میانه راه درگذشت. از آثار وی: «تفسیر ابن ابی‌هند».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۷۰/ ۶)، تاریخ الاسلام (حوادث ۴۱۵- ۴۱۳/ ۱۴۰- ۱۲۱)، تاریخ الکبیر (۲۳۲- ۲۳۱/ ۳)، تهذیب التهذیب (۱۸۳- ۱۸۲/ ۳)، الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۴۱۲- ۴۱۱/ ۲)، الذریعه (۲۴۰/ ۴)، ذیل تاریخ الکبیر (۹۰- ۸۹/ ۲)، رجال الطوسی (۱۲۰)، سیر النبلاء (۳۷۹- ۳۷۶/ ۶)، طبقات ابن سعد (۱۹۰- ۱۸۹/ ۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۵۹)، معجم رجال الحدیث (۹۱/ ۷).

ابن بابویه ابوجعفر، محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوجعفر محمد بن علی ابن حسین فرزند مهتر ابوالحسن علی بن حسین قمی و ملقب به صدوق (ف. ۳۸۱. ه.ق.). او از اساتید بسیار از جمله پدر خود و محمد بن حسن ابن الولید ادب و فقه را فراگرفت.

وی با سلاطین و اعظام شیعه زمان خود آمیزش داشت. کتاب من لا یحضره الفقیه خود را که از کتب معتبر شیعه و یکی از کتب اربعه است به نام الولید نوشته است. مدتی نیز در بغداد تدریس می‌کرده در اواخر عمر در ری متوطن شد و وزیر رکن‌الدوله، صاحب بن عباد او را گرامی می‌داشت. ابن بابویه کتاب عیون الاخبار الرضا را به نام صاحب بن عباد نوشت. از کتب دیگر اوست: اکمال‌الدین، امالی، معانی، الاخبار، کتاب التوحید، ثواب الاعمال، علل الشرائع، کتاب الخصال، و کتاب الاعتقاد که همه به طبع رسیده.

محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی. کنیه وی ابوجعفر و لقبش (صدوق) است و او چنانکه شیخ گوید: به جلالت قدر معروف و به قوه حافظه موصوف در مضممار فقاقت یکه‌سوار و در میدان احادیث و اخبار و بصیرت به احوال رجال علمدار، او را کتابهای بسیار و مصنفات بیشماری است و آنها را در فهرست ذکر کرده‌ایم.

نجاشی و علامه فرموده‌اند: او پیشوای ما شیعه و فقیه ماست. و در خراسان رئیس طایفه بوده.

در سنه ۳۵۵ وارد بغداد شد و با حوادث سن شیوخ طائفه بسماح حدیث مستفیض و بهره‌مند شدند و علامه نیز پس از این سخن او را به جلالت قدر و حفظ و بصیرت به احوال رجال و ناقدیت اخبار ستایش کرده و گفته است در قمین مانند او در قوه حافظه و حفظ حدیث و کثرت علم دیده نشده قریب سیصد کتاب تصنیف کرده و آنها را در کتاب کبیر خود ذکر کرده‌ایم و به موافقت نجاشی گفته وفات وی در ری سنه ۳۸۱ بوده.

وحید بهبهانی قدس سره الشریف در تعلیقه از محقق بحرانی نقل کرده که در حاشیه کتاب بلغه که در علم رجال است چنین گفته: مشایخ ما یکی از دیگری از شیخ‌بهای رحمه‌الله‌علیه روایت کرده‌اند که: کسی از وی از حال این شیخ بزرگوار سؤال کرد. پس از تعدیل و توثیق و ثنا و ستایش او فرمود که در قدیم‌الایام کسی از من سؤال کرد که زکریا بن آدم و شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه کدام یک افضل و در مرتبه جلالت اکملند گفتم زکریا بن آدم، چه اخبار بسیار و احادیث بی‌شمار از ائمه اطهار علیهم صلوات‌الله‌الملك الغفار در مدح او وارد شده. پس از این جواب در خواب خدمت شیخ صدوق (ره) رسیدم آن جناب به من عتاب کرده فرمود، از کجا دانستی که زکریا بن آدم از من افضل است و روی از من برگردانید.

این بزرگوار در السنه اهل علم ملقب به رئیس‌المحدثین و صدوق مطلق است و گفتیم که او با برادرش (حسین بن بابویه) بدعاء حضرت صاحب‌الامر عجل‌الله‌فرجه متولد شده‌اند و مدح ایشان قبل از ولادتش به زبان آن لسان‌الله جاری شده.

بالجمله جلالت او پیدا و آشکار و عدالت او کالشمس فی رایع‌النهار است کتب و مصنفات وی بتفصیل در کتاب رجال شیخ و نجاشی (ره) مذکور است و حضرتش را در مجلس رکن‌الدوله دیلمی با علمای مخالفین در اثبات خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین و حقانیت مذهب شیعه مناظره‌ایست که قاضی نورالله شوشتری نورالله مرقد الشریف در (مجالس المؤمنین) آن را نقل کرده از خوف اطباب از درجش اجتناب شد.

قبر شریفش در شهر ری نزدیکی قبر منور حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در وسط باغ مستوفی با بقعه و قبه عالی زیارتگاه عامه مردم است، این نویسنده ترجمه او را مفصلاً با تراجم دانشمندان و رجال علمی که در اطراف مزار او مدفون‌اند در کتاب «تذکره المقابر» فی «احوال المفخر» خود نگاشته‌ام من جمله کرامات آن بزرگوار که جماعتی از اعلام در کتب خود ثبت نموده‌اند در زمان فتح‌علیشاه خواستند قبر شریفش را تعمیر نمایند ناگزیر به نبش شدند دیدند جسد مطهرش بحال خود باقیست و نپوسیده است و بر نوک ناخن و محاسن او رنگ حنا باقی است.

مرحوم حاج شیخ عبدالله مامقانی در رجال خود (تنقیح‌المقال) می‌گوید و از چیزهایی که گواهی به جلالت او می‌دهد اضافه بر آنچه گذشت که برای من نقل کرده‌اند بسند صحیح متجاوز از چهل سال قبل، از عدل ثقه امین سید ابراهیم لواسانی تهرانی (جد سادات لواسانی) قدس سره که در اواخر صده سوم بعد از هزار (۱۳۰۰) سیل قبر او را خراب کرد و جسد شریفش نمودار شد، سید

لواسانی از اشخاصی بوده که داخل قبر شده و دیده که جسد شریفش صحیح و سالم است و تغییر نکرده گویا روح او الآن از جسدش مفارقت نموده و رنگ حنا بر محاسن و زردی حنا در پای او موجود است.

نگارنده گوید- این حکایت را شنیدم از سید استادم علامه بزرگوار فقیه و محدث اهل البیت علیهم السلام آیه‌الله نجفی مرعشی مدظله که فرمودند مرحوم پدرم علامه ورع حاج سید محمود مرعشی در سفر مشهدش در تهران با عده‌ای از علماء مرکز به زیارت بدن شریف مرحوم صدوق موفق شده و دست او را بوسیده که نرم بود و ناخن یک دستش را گرفته و دست دیگرش را نگرفته بود (گویا دست راست را روز پنجشنبه گرفته و دست چپ را برای روز جمعه گذارده که در شب جمعه وفات نموده).

و این مطلب از متواتراتست و افرادی که به این فیض رسیده‌اند نامبردگان زیراند:

۱- سید ابراهیم لواسانی ۲- میرزا ابوالحسن جلوه حکیم و فیلسوف آن عصر ۳- سید محمود مرعشی ۴- حاج آقا محمد آل آقا سبط و حید بهبهانی ۵- آخوند ملا محمد اندرمانی و بعضی دیگر.

از تصنیفات و تألیفات آن بزرگوار قدس سره که مطبوع و در کتابخانه نگارنده موجود است نامبرده‌های زیر است: ۱- کتاب من لا یحضره الفقیه ۲- کتاب علل الشرایع ۳- کتاب معانی الاخبار ۴- کتاب الامالی ۵- کتاب التوحید ۶- کتاب خصال ۷- کتاب المقنع ۸- کتاب ثواب الاعمال ۹- کتاب عقاب الاعمال ۱۰- کتاب عیون اخبار الرضا ۱۱- کتاب الاعتقادات ۱۲- کتاب حقوق الاخوان ۱۳- کتاب صفات الشیعه ۱۴- کتاب اکمال الدین و اتمام النعمه که به امر حضرت صاحب‌الامر روحی له الفداء نوشته است و از کتابهای بسیار ارزنده او کتاب مدینه‌العلم است که متأسفانه از قرن ششم به بعد مفقود شده و اثری از او نیست و به گفته بعضی از بزرگان اگر مفقود نشده بود ما را از کتب اربعه مستغنی می‌کرد.

این بزرگوار دانشمندی نابغه و متحرک بوده و فکری مواج داشته است. او در روزگار سلطنت رکن‌الدوله دیلمی و وزارت صاحب بن عباد که هر دو شیعی مذهب و شخصیتی ممتاز داشته‌اند به منظور معرفی شیعه، دست به یک سلسله مسافرت‌های طولانی زد و همه جا با استقبال شایان اهل فضل و رجال حدیث روبرو شد، این مسافرت‌ها از ری که مقر وی بود شروع و به ری نیز پایان یافت، به طوری که از تألیفات او استفاده می‌شود صدوق در سال ۳۵۲ هجری در نیشابور بود که آن روز مرکز علمی بزرگ اهل تسنن بود توقف داشت و همانسال به بغداد و از بغداد به کوفه رفته و تا سال ۳۵۴ در کوفه بوده سپس در ۳۵۵ به بغداد مراجعت کرده و در ۳۶۷ به خراسان سفر کرد و تا سال ۳۶۸ در نیشابور ماند و همان سال عازم ماوراءالنهر و بخارا شد و در سال ۳۷۲ کتاب با عظمت «من لا یحضره الفقیه» را در قصبه «ایلاف» از توابع شهر تاریخی «بلخ» تألیف کرد.

رجال و دانشمندی که افتخار مجاورت این بزرگوار را یافته‌اند بسیار و از معاریف و مشاهیر آنان نامبردگان زیر می‌باشند.

۱- مرحوم علامه عالیقدر و حکیم ربانی حاج شیخ علی مدرس نوری (ره)

۲- مرحوم سید المتالهین فیلسوف و حکیم امامیه علامه بزرگ میرزا ابوالحسن جلوه.

۳- مرحوم شیخ الحکماء والفقهاء میرزا طاهر تنکابنی.

۴- مرحوم عالم جلیل‌القدر میرزا مسیح طالقانی استاد و مدرس مدرسه مروی که ماده تاریخ فوتش این آیه: (لن یستنکف المسیح ان یشکون عبداً لله) است

۵- مرحوم حجة الاسلام و شیخ الاعلام حاج شیخ محمد آملی والد ماجد آیه‌الله آملی معاصر ما.

۶- عالم بزرگوار حاج شیخ احمد خندق‌آبادی پدر بزرگوار شیخ المحدثین حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی معاصر.

۷- دانشمند جلیل‌القدر حاج شیخ محمد خندق‌آبادی فرزند آن مرحوم.

و بسیاری دیگر که ذکر آنها موجب اطناب و طالین مراجعه به کتاب تذکره‌المقابر نویسنده کنند.

(وف ۳۸۱ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، حافظ قرآن و رجال‌شناس شیعی. مشهور به شیخ صدوق. وی یکی از برجسته‌ترین فقها

و محدثان شیعه است. اهل قم بود و در خانواده‌ای فقیه و دانشور به دنیا آمد. پدرش، ابوالحسن علی بن حسین، شیخ قمی‌ها در زمان خویش، نیز محدث و فقیه والایی بود. در قم از پدرش و محمد بن حسین بن ولید و محمد بن علی ماجیلویه و احمد بن علی بن ابراهیم قمی و دیگران، فقه و حدیث آموخت. استادان شناخته شده‌ی او را در قم و دیگر شهرها متجاوز از دویست نفر می‌دانند. سپس راهی سفری دراز گردید و در ری، نیشابور، مشهد، بلخ، بخارا، مدینه، کوفه، بغداد و همدان، نزد عالمان بزرگ آن عصر به تحصیل علم پرداخت و از سرآمدان شیعه‌ی آن روزگار شد. شیخ مفید و حسین بن عبیدالله غضائری و حسین بن علی بن بابویه از شاگردان معروف او بودند. دانش، حافظه قوی و استواری او در معارف شیعی، آثارش را به لحاظ اهمیت در صدر قرار می‌دهد. در آخرین سالهای زندگی به درخواست شیعیان ری در آن شهر ساکن شد و در همان جا درگذشت. تألیف حدود سیصد اثر را به وی نسبت می‌دهند و نجاشی از یکصد و هشتاد کتاب او نام می‌برد. مهم‌ترین آثار وی عبارت‌اند از: «من لا یحضره الفقیه»، یکی از کتب چهارگانه‌ی شیعه؛ «الاعتقادات»؛ «مدینه العلم»؛ «عیون اخبار الرضا (ع)»، که به درخواست صاحب بن عباد نوشت؛ «الخصال» «اثبات الخلافة»؛ «فضائل الشیعه»؛ «علل الشرایع»؛ «دعائم الاسلام»؛ «ثواب الاعمال»؛ «کتاب الامالی»، معروف به «مجالس»؛ «معانی الاخبار»؛ «اثبات الوصیة»؛ کتاب «التوحید»؛ «صفات الشیعه»؛ «نصوص الائمة». [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

منابع زندگینامه [۱]: الاعلام (۷ / ۱۵۹)، اعیان الشیعه (۲۵ - ۲۴ / ۱۰)، ایضاح المکنون (۵۸۴، ۵۰۵، ۴۹۱، ۴۹۰، ۴۵۶، ۳۵۰، ۳۴۲، ۳۱۶، ۳۱۵، ۲۹۷، ۲۶۱، ۱۹۶، ۱۰۳ / ۲ / ۴۷۷، ۴۷۳، ۳۴۸، ۱۲۳ / ۱)، تاریخ ادبی ایران (۵۴۸ - ۵۴۷ / ۱)، تاریخ بغداد (۳ / ۸۹)، خاتمه مستدرک الوسائل (۳ / ۲۴۰، ۲۵۷ - ۲۶۵)، دانشنامه (۳ / ۴۳۱ - ۴۳۲)، دایرة المعارف فارسی (۱۷ - ۱۶ / ۱)، الذریعه (۲۴ / ۱۷۹)، رجال النجاشی (۳۱۶ - ۲۲ / ۲۰۴، ۲۱ / ۲۶۰، ۱۶ / ۳۱۳، ۳۷۵، ۴۵ / ۱۵، ۱۶۲ / ۷ / ۴۸۲، ۴ / ۳۱۵، ۲ / ۲۲۶، ۲ / ۴۹۵)، رجال الطوسی (۳۱۶ - ۳۱۱ / ۲)، روضات الجنات (۱۳۵ - ۱۲۳ / ۶)، رجال ابن داود (قسم ۳۲۵ - ۳۲۴ / ۱)، ریاض العلماء (۱۲۲ - ۱۱۹ / ۵)، ری باستان (۲ / ۴۲۲، ۲ / ۴۲۶ - ۴۲۴ / ۱)، ریحانه (۴۳۹ - ۴۳۴ / ۳)، سیر النبلاء (۳۰۴ - ۳۰۳ / ۱۶)، الفهرست لابن الندیم (۳۶۳)، الفهرست للطوسی (۳۰۵ - ۳۰۴)، فوائد الرضویه (۵۶۴ - ۵۶۰)، کشف الظنون (۱۱۷۴)، الکنی واللقاب (۲۲۳ - ۲۲۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابن بابویه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۷ - ۶۱۲ / ۵)، مجالس المؤمنین (۴۶۳ - ۴۵۴ / ۱)، معجم المؤلفین (۳ / ۱۱)، معجم رجال الحدیث (۳۲۶ - ۳۱۶ / ۱۶)، هدیه الاحباب (۵۰ - ۴۹)، هدیه العارفین (۵۳ - ۵۲ / ۲).

ابن شهر آشوب سروی مازندرانی، رشیدالدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۸۸ - ۴۸۸ ق)، عالم، متکلم، محدث، فقیه، مفسر، ادیب و شاعر شیعی. در ساری متولد شد. نیای وی شهر آشوب از شاگردان شیخ طوسی بود و ابن شهر آشوب به واسطه‌ی پدر خود از او روایت می‌کرد. در هشت سالگی قرآن را حفظ می‌خواند. از زمخشری و احمد و محمد غزالی و خطیب خوارزمی اجازه‌ی روایت داشت. بنا به دلایل مذهبی به حلب که در آن زمان در پرتو حمایت حمدانیها پیشرفته‌ترین مرکز علمی تشیع و پناهگاه شیعیان بود، رفت. مدتی نیز در بغداد اقامت داشت. به دلیل اینکه بلاغتش در خطبه مورد پسند مقتفی، خلیفه‌ی عباسی، واقع شد و مواعظش در وی مؤثر افتاد، منصب تدریس در بغداد و لقب رشیدالدین گرفت. پدرش شیخ علی بن شهر آشوب، ابومنصور احمد طبرسی، امین‌الدین طبرسی، ابوالفتوح رازی، قطب راوندی، و فتال نیشابوری، از جمله‌ی استادان وی بودند. شاگردان زیادی نزد وی تربیت شدند. محقق حلی خود را به یک واسطه شاگرد او

می‌دانسته است. شهرت و مقبولیت وی چندان بود که علی‌رغم اعتقادات شیعی، مورد احترام و قبول اهل تسنن نیز بود و وی را از محدثین ثقه می‌دانند. مقبره‌ی ابن شهر آشوب در جبل جوشن نزدیک مشهد حسینی قرار دارد. از آثار وی: «معالم العلماء»، که فصلی از آن درباره‌ی شعرای شیعه است؛ «مناقب آل ابی‌طالب»؛ «متشابه القرآن»؛ «بیان التنزیل»؛ «اعلام الطرائق فی الحدود والحقائق»؛ «انساب آل ابیطالب»؛ «الاسباب والنزول علی مذهب آل رسول (ص)»؛ «الحاوی»؛ «الاصناف»؛ «المنهاج»؛ «المخزون المکنون فی عیون الفنون».[۱]

ساری قدیم‌الایام معدن رجال و دانشمندان بزرگ علمی بوده و بزرگان از قبیل علامه جلیل‌القدر جناب محمد بن علی بن شهر آشوب ساروی مازندرانی منسوب به آن می‌باشد.

این بزرگوار از علماء قرن ششم هجری و صاحب تألیفات عدیده مانند مناقب آل ابیطالب و متشابهات القرآن و معالم العلماء و غیره می‌باشد.

علماء علم رجال وی را چنین ستوده‌اند.

محمد بن علی بن آشوب السروی نورالله مرقدہ السنی فخر الشیعه و تاج الشریعه محی آثار المناقب والفضائل والبحر المتلاطم الزخار الذی لیس له ساحل قطب المحدثین و شیخ مشایخهم رئیس العلماء و فقیههم رشید الملة والدين شمس الاسلام والمسلمین فقیه وجیه و محدث مفسر محقق ادیب اریب شاعر منشی بلیغ جامع فنون فضائل و محاسن عالم ربانی شیخ رشید بن ابن شهر آشوب المازندرانی صاحب ۱- مناقب آل ابیطالب ۲- والمعالم ۳- و مثالب النواصب ۴- والمخزون المکنون فی عیون الفنون ۵- و اعلام الطرائق فی الحدود ۶- والحقایق ۷- والاصناف ۸- و مائده الفایده ۹- والمثال فی الامثال والاسباب ۱۰- والنزول علی مذهب آل الرسول ۱۱- والحاوی ۱۲- والانصاف ۱۳- والمنهاج الی غیر ذلك مما ذكره فی رجاله المسمى بمعالم العلماء.

وی در شب جمعه ۲۲ شعبان سنه ۵۸۸ ق ه وفات یافته و در بیرون حلب در بالای کوه معروف به جبل جوشن در جوار مشهد السقط (محسن بن حسین الشہید (ع)) و قبر احمد بن منیر و ابن زهره.

و ما به خواست خدا عده‌ای از رجال گذشته و معاصر این شهر را به نظر ارباب فضل و دانش می‌آوریم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۷/ ۱۶۷)، اعیان الشیعه (۱۷/ ۱۰)، ایضاح المکنون (۴۵۲، ۴۲۷، ۴۲۱/ ۲، ۱۰۳، ۶۹/ ۱)، خاتمه مستدرک الوسائل (۶۰- ۵۶/ ۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۶۳- ۶۶۲/ ۵)، الذریعه (۲۳۳، ۱۵۴/ ۲۳، ۳۱۹- ۳۱۸/ ۲۲، ۲۰۱، ۹۹- ۹۸/ ۲۱، ۲۳۱، ۲۰/ ۷۶، ۷۳، ۶۳- ۶۲، ۱۱- ۱۰/ ۱۹، ۱۷۸- ۱۷۷/ ۳، ۴۷۶، ۳۷۸، ۲۳۹، ۱۲/ ۲)، روضات الجنات (۲۷۲- ۲۶۹/ ۶)، ریاض العلماء (۱۲۸- ۱۲۴/ ۵)، ریحانه (۶۰- ۵۸/ ۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۴- ۲۷۳/ ۶)، فوائد الرضویه (۵۷۱- ۵۶۸)، قصص العلماء (۴۲۸- ۴۲۹)، کشف الظنون (۱۵۸۴، ۱۲۶۹، ۷۷)، الکنی والالقباب (۳۳۳- ۳۳۲/ ۱)، لسان المیزان (۳۹۵/ ۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن شهر آشوب)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۵- ۶۲۴/ ۵)، معجم المؤلفین (۱۷- ۱۶/ ۱۱)، نامه‌ی دانشوران (۴۶- ۴۵/ ۵)، الوافی بالوفیات (۱۶۴/ ۴)، هدیه‌ی الاحباب (۶۹)، هدیه‌ی العارفین (۲/ ۱۰۲).

ابن مردوبه‌ی اصفهانی، ابوبکر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۰- ۳۲۳ ق)، محدث، حافظ، مفسر و مورخ. از ابوسهل بن زیاد قطان، ابن اسحاق خراسانی، محمد اسواری، احمد بن‌دار و دیگران

حدیث شنید. ابوالقاسم عبدالرحمان بن منده، ابوبکر مستملی عطار و ابن شکرویه و برخی دیگر از وی روایت شنیدند. در «معجم البلدان» و «الکنی واللقاب» و «هدیه الاحباب» سال وفات او ۳۵۲ ق ذکر شده است. از آثار وی: «المستخرج علی صحیح البخاری»؛ «التاریخ»، درباره‌ی تاریخ اصفهان؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر الکبیر»، معروف به «تفسیر ابن مردویه»؛ «الامالی»، در سیصد مجلس. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۲۴۶)، ریحانه (۸/ ۲۰۰)، سیر النبلاء (۳۱۱- ۳۰۸/ ۱۷)، کشف الظنون (۴۳۹)، الکنی واللقاب (۴۰۶/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم البلدان (۱/ ۲۱۶)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۹۰)، الوافی بالوفیات (۸/ ۲۰۱)، هدیه الاحباب (۸۷)، هدیه العارفین (۷۲- ۷۱/ ۱).

ابن نقیب بلخی، جمال‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۹۸- ۶۱۱ ق)، مفسر و فقیه حنفی. پدران او از مردم بلخ بودند. در قدس به دنیا آمد. به مصر رفت و در مدرسه عاشوریه آنجا مشغول تدریس شد. سپس به قدس مراجعت کرد و در همان جا درگذشت. از آثارش: تفسیری است به نام «التحریر والتحیر لاقوال ائمة التفسیر فی معانی کلام السمع البصیر»، شامل اسباب نزول و قرآات و اعراب و لغات و علم باطن و حقایق آن در پنجاه یا هفتاد یا نود و نه مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۲۱)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۷۲۴)، ریحانه (۸/ ۲۵۶)، کشف الظنون (۳۵۸)، الکنی واللقاب (۴۴۱/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابن‌نقیب)، معجم المؤلفین (۵۰- ۴۹/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۳۷- ۱۳۶/ ۳)، هدیه العارفین (۱۳۹/ ۲).

ابن بندار قزوینی، ابویوسف عبدالسلام

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۸۸- ۳۹۳ ق)، مفسر، متکلم و محدث معتزلی. اصلاً قزوینی است و در آنجا به دنیا آمد. ابتدا در زادگاهش به تحصیل پرداخت. وی از شاگردان برجسته قاضی عبدالجبار همدانی بود و در نزد وی کلام خواند و مذهب اعتزال را از او اخذ کرد. در همدان از ابوطاهر بن سلیمه و در اصفهان از ابونعیم، و نیز از اساتید دیگر بهره گرفت. گرانمایه، خوش محضر و ظریف بود. ابوالقاسم بن سمرقندی ابوغالب بن بناء، هبة الله بن طاووس و اسماعیل بن محمد تیمی و أبوسعد بغدادی و دیگران از وی حدیث شنیدند. سالیان بسیاری در مصر به سر برد. چندی هم در طرابلس (شام) سکنی کرد. از دمشق دیدار کرد و آن شهر را بَلَدِ النَّصْب، شهر دشمنان امیرالمؤمنین و خاندانش (ع) نامید. در اواخر عمر مقیم بغداد شد، و در همان جا درگذشت و در گورستان خیزران دفن شد. ابن‌اثیر تاریخ تولد وی را ۴۱۱ ق ذکر کرده است و در «هدیه العارفین» نیز به تبع آن چنین آمده است. از آثار وی: «حدائق ذات بهجة»، تفسیر قرآن در سیصد جزء که هفت جزء آن درباره‌ی سوره فاتحه است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۱۳۱)، سیر النبلاء (۶۲۰- ۶۱۶/ ۱۸)، الكامل (۸/ ۱۷۸)، كشف الظنون (۶۳۴)، لسان المیزان (۳۶۲، ۳۵۰، ۳۴۷- ۴/ ۳۴۷)، معجم المؤلفین (۵/ ۲۳۱)، هدیه العارفین (۱/ ۵۶۹).

ابن بواب، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۳/ ۴۱۳ ق)، خطاط مذهب، حافظ، قاری، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ابن بواب یا ابن ستری و ملقب به علاءالدین و قبله‌الکتاب. پدرش پرده‌دار دستگاه آل بویه بود و شهرت وی هم از این رو است. ابوالحسن نیز یک چند در خدمت بهاءالدوله‌ی دیلمی سرپرستی کتابخانه‌ی بهاءالدوله را در شیراز بر عهده داشت. خوشنویسی را از ابن اسد کاتب آموخت، برخی او را شاگرد حسن بن مقله و بعضی شاگرد محمد بن مقله دانسته‌اند. خط نسخ را به شیوه‌ی خود می‌نوشت و اصولی نیز برای آن وضع کرد. وی را پایه گذار شیوه‌ی ریحانی و محقق نیز دانسته‌اند. آموزشگاهی برای تعلیم خط تأسیس کرد که تا ۶۹۸ ق برجا بود. شصت و چهار نسخه قرآن به خط خود نوشته بود. ابن بواب به خدمت فخرالملک، ابو غالب محمد بن علی بن خلف واسطی، والی عراق، از جانب بهاءالدوله، درآمد و ندیم وی شد. در بغداد در گذشت و در جوار امام احمد حنبل به خاک سپرده شد. آثاری از وی در مجموعه‌ی چستریتی لندن و کتابخانه لاله لی استانبول باقی است. نسخه قرآن کتابخانه چستریتی به امضای او و به تاریخ ۳۹۱ ق است که هم از نظر خط و هم از تذهیب مجلل است. اشعاری نیز در فن خط و لوازم آن سروده که ادیبان «القصیده الرائیة» او را در نهایت بلاغت دانسته‌اند. شهرت او در تکمیل و تنقیح شیوه‌ی ابن مقله است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: اطلس خط (۳۰۸- ۳۰۰)، الاعلام (۵/ ۱۸۳)، پیدایش خط و خطاطان (۷۵، ۷۴- ۷۰)، تاریخ گزیده (۶۹۶)، تاریخ هنرهای ملی (۷۴۴- ۷۳۹/ ۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۳/ ۴۵۴)، دائرةالمعارف البستانی (۴۱۱- ۴۱۰)، ریحانه (۴۲۴- ۴۲۲/ ۷)، سرآمدان فرهنگ (۳۶- ۳۵/ ۱)، سیر النبلاء (۳۲۰- ۳۱۵/ ۱۷)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۴)، كشف الظنون (۱۳۳۹)، الکنی واللقاب (۲۳۴/ ۱)، گلستان هنر (۱۹، ۱۸، ۱۲)، مجالس المؤمنین (۲/ ۴۸۸)، معجم الادباء (۱۳۴- ۱۲۰/ ۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۸/ ۷)، مناقب هنرمندان (۱۱۳، ۴۲، ۳۸- ۳۷)، نامه‌ی دانشوران (۱۰۵- ۹۱/ ۵)، وفيات الاعیان (۳۴۴- ۳۴۲/ ۳)، هدیه الاحباب (۵۱).

ابن جراح بغدادی، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۳۴- ۲۴۵ ق)، ادیب، نویسنده، محدث، مفسر و مورخ. از خاندانی ایرانی تبار بود. از احمد بن بیدیل قاضی و حسن بن محمد زعفرانی و دیگران حدیث شنید. فرزندش عیسی و ابوالقاسم طبرانی و ابوطاهر ذهلی از او حدیث روایت کرده‌اند. وی وزیر مقتدر و قاهر عباسی بود که امور مالی دولت را سامان داد. مدتی خلیفه او را برکنار کرد و به زندان انداخت و پس از آزادی به ریاست دیوانها منصوب شد. در ۳۱۱ ق او را به مکه، سپس به صنعا تبعید کرد. در ۳۱۲ ق بخشوده و ریاست دیوان اشراف مصر و شام به او

سپرده شد. پس از آن در ۳۱۵ ق مجدداً به وزارت رسید، ولی باز بر اثر حسد درباریان خشم خلیفه بر وی نازل شد و او را دستگیر و زندانی کردند. ابن جراح از وزرای ایرانی دربار خلفای عباسی بود، که زندگی پر فراز و نشیبی را گذراند، اما در پایان زندگی، در بغداد، محتشم زیست. او را به نیک رفتاری و نیک خلقی ستوده‌اند. هارولدباون خاورشناس انگلیسی کتابی درباره‌ی زندگی وی به نام «زندگی علی بن عیسی و عصر او» به انگلیسی نوشته است. از آثارش: «دیوان رسائل»؛ «معانی القرآن» و تفسیر آن که با همکاری ابوالحسن واسطی و ابن مجاهد مقری تألیف شد، «جامع الدعاء»؛ «کتاب الکتاب و سیاسه المملکه و سیره الخلفاء». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار الوزراء (۱۳۱- ۱۲۶) الاعلام (۱۳۳/۵)، تاریخ بغداد (۱۶- ۱۴/۱۲)، روضات الجنات (۲۰۷- ۲۰۶/۵)، سیر النبلاء (۳۰۱- ۲۹۸/۱۵)، فهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۱۲- ۲۱۱، ۶۰)، معجم الادباء (۷۳- ۶۸/۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۲- ۱۶۱/۷).

ابن حبیب نیشابوری، ابوالقاسم حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۰۶ ق)، مفسر، قاری، واعظ، مورخ، ادیب و نحوی. از اصم و ابوالحسن کارزی و ابوحاتم بن حبان و ابوزکریا عنبری حدیث شنید. ابوالقاسم ثعلبی از خواص شاگردان وی بود. نخست مذهب کرامی داشت، اما بعدها به مذهب شافعی گروید. در علوم و معانی قرآت مختلف امام عصر خود بود و در نیشابور سرچشمه علم به حساب می‌آمد. وی در آنجا به تدریس مشغول بود و گروه فراوانی از مجلس درس او بهره‌مند گردیدند. ابوبکر حیری واعظ و محمد فرغانی و حسین سکاکی از وی روایت کرده‌اند. ابن حبیب در مغازی، قصص و سیر نیز پیشگام بود. از آثار وی: «تفسیر النیسابوری القدیوم» یا «تفسیر قرآن مجید»؛ «عقلاء المجانین». از وی آثاری در آداب و مواعظ و نیز اشعاری پراکنده بر جای ماند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۲۷۸/۶)، سیر النبلاء (۲۳۸- ۲۳۷/۱۷)، کشف الظنون (۴۶۰)، لغت‌نامه (ذیل / حسن)، معجم المؤلفین (۲۷۸/۳)، الوافی بالوفیات (۲۴۰- ۲۳۹/۱۲)، هدیة العارفين (۲۷۴/۱).

ابن سلم رازی اصفهانی، ابویحیی عبدالرحمان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۹۱- ۲۱۱ ق)، عالم، حافظ، محدث و مفسر. در ری متولد شد. وی امام مسجد جامع اصفهان بود. از سهل بن عثمان و عبدالعزیز بن یحیی و حسین بن عیسی زهری روایت کرده، و قاضی ابواحمد عسال و ابوالقاسم طبرانی و ابوالشیخ بن حیان و عبدالرحمان بن سیاه از وی حدیث شنیدند. از آثارش: «المسند»، در حدیث؛ «التفسیر»، تفسیری بر قرآن.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹۹/۴)، ری باستان (۳۱۹/۲)، سیر النبلاء (۵۳۱- ۵۳۰/۱۳)، معجم المؤلفین (۱۷۵/۵)، هدیة العارفين

(۱/ ۵۱۳).

ابن سینا، ابوعلی حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۷/ ۴۲۸- ۳۷۰ ق)، پزشک، فیلسوف، منطقی و دانشمند. مشهور به ابن سینا یا ابوعلی سینا، در مغرب زمین آویسن یا آویسنا و ملقب به حجة الحق، شیخ‌الرئیس، شرف‌الملک و امام‌الحکما. ابن سینا در افشنه‌ی بخارا، زادگاه مادرش، متولد شد. پدر وی از دیوانیان دستگاه سامانیان بود و در تربیت فرزندان خود سخت کوشا. پدر ابن سینا، عبدالله، شیفته‌ی تعلیمات اسماعیلیان بود. ابن سینا، علی‌رغم اشراف به نظر و عقاید این گروه، گرایش به این فرقه نداشت. در چهارده سالگی در علم بر استاد خود ابو عبدالله ناتلی پیشی گرفت، چندان که مشکلات منطقی را بر استاد خود می‌گشود. در شانزده سالگی جمعی از پزشکان فاضل زبردست او کار می‌کردند. ابوعلی با مداوای بیماری نوح بن منصور سامانی امیر خراسان اجازه یافت که از کتابخانه‌ی عالی امیر استفاده کند. در هجده سالگی جامع‌العلوم شد و از این پس ترقیات وی نتیجه‌ی اجتهاد شخصی خود وی بود. در بیست و یک سالگی نخستین اثر فلسفی خود را تحت عنوان «العروضیه» به درخواست ابوالخیر عروسی نوشت. پس از درگذشت پدر، به خدمات دیوانی روی آورد. به زودی فکر و تدبیر او مورد قدردانی واقع شد. امیران علاوه بر نصایح پزشکی او در سیاست نیز خواستار رأی او شدند. چندین بار به وزارت رسید، و در معرض رشک دیگران قرار گرفت. چندین بار فرار کرد. مدتی زندانی شد. ولی از زندان گریخت. چهارده سال در آرامش در دربار علاءالدوله دیلمی در اصفهان می‌زیست. بر اثر مسافرتها و شب زنده‌داریها و بی‌توجهی به خود به قولنج مبتلا شد و در ضمن لشکرکشی علاءالدوله در همدان درگذشت و در همین شهر به خاک سپرده شد. در جشن یادبود هزاره‌ی او بر مزارش بنایی ساختند. شهرت ابن سینا چندان است که از مرزهای سرزمینهای اسلامی گذشته و به سراسر جهان رسیده است. آثار او به زبانهای مختلفی ترجمه و منتشر شده‌اند. ابن سینا، علاوه بر پزشکی و فلسفه، در نجوم، فیزیک، علوم طبیعی نیز آثاری دارد از آن جمله، در اواخر عمر به دستور علاءالدوله آلتی شبیه ورنیه کنونی برای به دست آوردن نتایج دقیق در رصد اختراع کرد. از هوش و حافظه‌ی وی سخنها گفته‌اند و او را سرآمد فلاسفه اسلامی دانسته‌اند. وی با ابوریحان بیرونی و ابوسهل مسیحی، معاشرت و مباحثه داشت و از معاصرینش می‌توان ابن خمار و ابوالفرج بن طیب را نام برد و از جمله شاگردان او ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان، ابن زیله، ابو عبدالله معصومی، ابو عبید جوزجانی را با ابوسعید ابوالخیر نیز مباحثه‌ای داشت که بسیار مشهور است. ابن سینا در زمینه‌ی ادبیات نیز کتابهایی نوشت و اشعاری نیز به وی منسوب است. از آثار او: «النجاه»؛ «الاشارات والتنبیها»؛ در منطق و حکمت؛ «الشفاء» در حکمت علمی نظری؛ «دانشنامه‌ی علائی»، به فارسی؛ «اسرار الصلاة»؛ «مبدأ و معاد»؛ «قانون»، در طب. این کتاب با وجود ناقص بودن، سبب اشتها ابن سینا در اروپا شد. «اسباب حدوث الحروف و مخارجها»، در زبان‌شناسی؛ «الموجز الکبیر»؛ «الموجز الصغیر»، هر دو در منطق؛ «رساله حی بن یقظان»؛ «المدخل الی صناعة الموسیقی»، در موسیقی که از آثار فارابی کامل‌تر و جامع‌تر است؛ «مقاله فی آله رصدیه». در کل ۲۷۶ عنوان کتاب به او نسبت می‌دهند که ۱۳۱ اثر را با انتساب صحیح و مابقی را با انتساب مشکوک از او دانسته‌اند. [۱]

شیخ‌الرئیس حجة الحق شرف‌الملک امام‌الحکماء ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی معروف به ابن سینا (و. افشنه یا خرمین ۳۷۰- ف. همدان ۴۲۸ ه.ق). پدر او از مردم بلخ و مادر وی ستاره از اهل افشنه (نزدیک بخارا) بود. ابن سینا در بخارا کسب علم کرد و در ده سالگی قرآن را از بر نمود و نزد ابو عبدالله ناتلی منطقی و هندسه و نجوم آموخت. و پایه وی از استاد درگذشت. از

آن پس به تعقیب علوم طبیعی و ما بعدالطبیعه و طب پرداخت. آثار فارابی فکر ابن سینا را به خود جلب کرد و مشوق او در مطالعه آثار فلسفی گردید. وی در عنفوان شباب نوح بن منصور پادشاه سامانی را معالجه کرد و از کتابخانه گرانهای او بهره‌ها برد. ابن سینا بخارا را ترک گفت و به گرگانج شتافت، و از آنجا به حکم ضرورت به خراسان و سپس به گرگان و ری و همدان و اصفهان شد و آثار ذی‌قیمت خویش را در این سفرها تحریر کرد. شیخ در همدان به وزارت شمس‌الدوله رسید. و سالهای اخیر عمر را در اصفهان در حمایت علاء‌الدوله کاکویه گذرانید و در سفری که همراه امیر مزبور به همدان می‌شد، در راه مریض گردید و در همدان درگذشت. آرامگاه او را بدانجا برپا داشته‌اند. به مناسبت هزارمین سال تولد وی، جشنی در سال ۱۳۳۱، ه. ش. در ایران منعقد گردید. مؤلفات ابن سینا همواره مورد توجه بوده و شروح متعدد بر آنها نوشته‌اند و بسیاری از آنها نیز به زبانهای غربی ترجمه شده است. آثار مهم ابن سینا - کتاب‌الشفاء کتاب القانون فی الطب، کتاب‌الاشارات، کتاب‌النجا، دانشنامه علائی (به فارسی) و غیره است. آرامگاه ابن سینا.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الباقیه (۳۹۵)، از فردوسی تا سعدی (۱۵۷-۱۵۲)، استادان موسیقی (۳۳-۳۲)، الاعلام (۲۶۲-۲۶۱/۲)، اعیان الشیعه (۸۰-۶۹/۶)، ایضاح المکنون (۶۷۲، ۵۵۵/۲)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۴۹-۱۴۸/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۷-۳۴۶، ۳۴۳-۳۴۲، ۳۱۹-۳۰۳/۱)، تاریخ حکماء قفطی (۵۷۰-۵۵۵)، تاریخ طب (۶۳۳-۴۷۷/۲)، تاریخ فلسفه در اسلام (۷۲۱-۶۸۳/۱)، تاریخ گزیده (۶۸۹-۶۸۸)، تاریخ موسیقی (۱۵۳-۱۴۸/۱)، تاریخ نجوم اسلامی (۳۲۱-۳۲۰، ۳۱۳، ۴۵، ۳۸، ۳۵-۳۴)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان‌الحکمه (۴۳-۲۹)، حبیب‌السیر (۴۴۹/۲)، دائرة‌المعارف البستانی (۵۳۹-۵۳۵/۱)، الذریعه (۲۳۲، ۲۲۳-۲۲۲، ۲۲۰، ۲۱۸، ۲۱۷-۲۱۵، ۱۵۴، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۲۹، ۱۲۲، ۱۲۱، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۶۵، ۵۱، ۴۸، ۲۶، ۲۵، ۲۴-۱۷/۳۸۱، ۱۵/۱۴، ۲۰۱، ۱۴/۲۴۰، ۲۳۹، ۱۰/۴۷، ۸/۱۸۴، ۱۳۰، ۷/۱۲۸، ۵/۴۳، ۲۸۶، ۴۰۷، ۳۷۱/۱)، روضات الجنات (۱۷۳-۱۵۹/۳)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۴-۲۹)، سرگذشت ابن‌سینا (۱۹-۱)، سیر النبلاء (۵۳۷-۵۳۱/۱۷)، فوائد الرضویه (۴۵۹-۴۵۸/۲)، کشف‌الظنون (۲۰۳۱، ۱۹۰۰، ۱۷۹۳، ۱۷۸۳، ۱۶۲۱، ۱۵۵۰، ۱۵۳۳، ۱۵۲۰، ۱۴۶۶، ۱۴۵۵، ۱۴۵۴، ۱۴۴۰، ۱۴۳۰، ۱۴۰۸، ۱۳۸۹، ۱۳۴۱، ۱۳۲۷، ۱۳۱۱، ۱۱۸۶، ۱۰۵۵، ۹۵۳، ۹۰۰، ۸۹۷، ۸۹۶، ۸۹۴، ۸۹۱، ۸۸۹، ۸۸۰، ۸۷۹-۸۷۶، ۸۷۰، ۸۶۲، ۸۶۱، ۸۵۲، ۸۴۶، ۸۴۳، ۸۴۱، ۷۶۶، ۷۵۷، ۷۳۶، ۶۸۵، ۶۲۴، ۶۶۳، ۴۵۱، ۴۴۹، ۳۸۰، ۳۷۷، ۲۳۸، ۲۰۱، ۱۸۳، ۹۴، ۶۳، ۵۱، ۳۷-۳۶، ۱۲)، الکنی واللقاب (۳۲۳-۲۰-۳۲۰/۱)، لسان‌المیزان (۵۴۱-۵۳۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابوعلی سینا)، مجالس المؤمنین (۱۸۹-۱۸۱/۲)، معجم المؤلفین (۲۳-۲۰-۱/۴)، مقدمه بر تاریخ علم (۸۱۸-۸۱۶/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۰-۷۷۹/۲)، نامه‌ی دانشوران (۱۴۶-۸۹/۱)، وفیات الاعیان (۱۶۲-۱۵۷/۲)، الوافی بالوفیات (۴۱۲-۳۹۱/۱۲)، هدیة الاحباب (۶۷-۶۶)، هدیة العارفين (۳۰۹-۳۰۸/۱).

ابن‌سینا، ابوجعفر عمر

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۸۵-۲۹۷ ق)، محدث، حافظ، واعظ و مفسر. از محدثین ثقه و مورد اعتماد است که در بغداد متولد شد و در شام، عراق، بصره و فارس حدیث شنید. ابوبکر باغندی و ابوالقاسم بغوی از جمله‌ی محدثانی بودند که وی از آنان حدیث شنید. و ابوبکر برقانی، ابوسعید مالینی و ابوبکر محمد بن اسماعیل وراق از او روایت حدیث کردند. بیش از سیصد تصنیف داشته است از جمله‌ی آنها: «تفسیر قرآن»، حدود سی مجلد با اسناد مفصل؛ «المسند» یا «السنة»، در حدیث؛ «معجم الشيوخ»؛ «کشف‌الممالک»؛ «ناسخ‌الحدیث

و منسوخه؛ «تاریخ اسماء الثقات»؛ «الافراد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۶/۵)، تاریخ بغداد (۲۶۸-۲۶۵/۱۱)، دائرة المعارف البستانی (۵۴۰-۵۳۹/۱)، سیر النبلاء (۴۳۵-۴۳۱/۱۶)، کشف الظنون (۱۹۲۰، ۱۴۲۶، ۱۴۲۵-۱۳۹۴)، معجم المؤلفین (۲۷۴-۲۷۳/۷)، هدیة العارفين (۱/۷۸۱).

ابن عبدک گرگانی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۳۴۰ ق)، مفسر، ادیب، فقیه و متکلم امامی. معروف به عبدکی. عبدک اختصار عبدالکریم است. اهل گرگان بود و پیشوای شیعیان آنجا. مدتی در نیشابور توطن کرد. از عمران بن موسی جرجانی و همطبقه او حدیث شنید. حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. او سرانجام در گرگان درگذشت. از آثار وی: «التفسیر» یا «تفسیر ابن عبدک»؛ «شرح الجامع الصغیر» و «شرح الجامع الکبیر» محمد بن حسن شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ «الاقتداء بعلی»؛ «الرد علی الاسماعیلیه». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۹/۷)، اعیان الشیعه (۴۳۸-۴۳۷/۹)، الذریعه (۱۸۳/۱۰، ۲۴۴/۴)، رجال ابن داود (قسم ۳۲۵/۱)، رجال النجاشی (۳۰۱-۳۰۰/۲)، ریحانه (۱۰۳/۸)، الفهرست للطوسی (۳۶۸، ۳۰۶)، کشف الظنون (۵۶۸، ۵۶۲)، معجم رجال الحدیث (۳۳۱/۱۶)، معجم المؤلفین (۲۶/۱۱).

ابن فتی، ابو عبدالله سلمان، سلیمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۹۳ ق)، لغوی، نحوی و مفسر. متولد نهروان بود. یاقوت حموی گوید که نشو و نمای او در ری بوده است. وی در بغداد نحو را نزد ثمانینی و لغت را نزد حسن بن دهان و حدیث را از قاضی ابوطیب طبری فراگرفت، و به شهرهای عراق سفر کرد و به تعلیم پرداخت. سرانجام در اصفهان مقیم شد و در همان جا درگذشت. از آثار او: «تفسیر القرآن»؛ «شرح الايضاح» ابوعلی فارسی، در نحو؛ «شرح دیوان المتنبی»؛ «شرح الامالی»؛ «علل القراءات»؛ «القانون»، در زبان شناسی، ده مجلد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶۹/۳)، روضات الجنات (۸۴-۸۲/۴)، ریحانه (۱۳۸-۱۳۷/۸)، کشف الظنون (۱۳۱۳، ۱۱۶۰، ۸۱۲، ۴۴۶، ۲۱۲، ۱۶۳)، معجم الادباء (۲۵۳-۲۵۱/۱۱)، معجم المؤلفین (۲۳۹/۴)، الوافی بالوفیات (۳۱۳-۳۱۱/۱۵).

ابن قتیبه‌ی دینوری، ابو محمد عبدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۷۶- ۲۱۳ ق)، فرهنگ‌نویس، زبان‌شناس، نویسنده، محدث و مفسر. از مردم مرو بود. نزد استادانی چون اسحاق بن راهویه، ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی و عباس بن فرج ریاشی درس خواند. بیشترین تأثیر را از ابن مقفع و ارسطو پذیرفت. آثار جاحظ را خوب می‌شناخت. شکوفایی او با جنبش سنت‌گرایی متوکل همزمان بود. وی توانست با پاره‌ای از نوشته‌های خود از اصلاحات متوکل پشتیبانی کند، و در اندک زمانی سخنگوی این مذهب شود. در ۲۳۶ ق قاضی دینور شد و بعد از آن همین سمت را در بصره داشت تا زنگیان، شهر را تاراج کردند. ابن قتیبه پس از آن تمام هم خود را بر سر تدریس گذاشت. وی علاوه بر پایگاه بلندی که در میان اهل سنت داشت، پایه‌گذار مکتب زبان‌شناسی بغداد بود که مکتبی آمیخته از مکاتب نحوی کوفه و بصره به شمار می‌رفت. وی سومین نثرنویس بزرگ عرب پس از ابن مقفع و جاحظ است. آوازه‌ی او در عرب به خاطر توانایی وی در نگارش آثار ادبی است که گونه‌ای انسان‌گرایی را در جریان‌های فکری آن زمان نشان می‌دهد. پسرش، احمد، و قاسم بن اصنع و عبدالرحمان شکری از شاگردان او بودند. آثار او تا مصر نیز رفت. از آثارش: «ادب الکاتب»، کتابی واژگانی است برای دبیران که پیشگفتار پر آوازه‌ی آن بیانیه‌ای فرنگی-سیاسی است؛ «کتاب الانواء» درباره‌ی گاهنامه اخترشناسی با اطلاعاتی درباره‌ی برج‌های دوازده‌گانه، کهکشان راه شیری و پیکره‌های آسمانی که تمام متن کتاب باقی مانده است؛ «المعارف»، در شناخت و شرح رجال؛ «الشعر والشعراء» برگزیده‌ی شعر عرب به ترتیب زمان حیات شاعران که پیشگفتار آن بیانیه‌ی مکتب نئوکلاسیک شمرده می‌شود؛ «تفسیر غریب قرآن»، تفسیر واژگانی بر آیه‌های دشوار؛ «تأویل مختلف الحدیث»، بزرگ‌ترین اثر کلامی ابن قتیبه که در آن شرح اندیشه‌های دینی و سیاسی و باورهای وی آمده است؛ «تأویل القرآن»، در معانی و بیان و اعجاز قرآن؛ «عیون الاخبار»، مجموعه‌ی بزرگ ادبی؛ «غریب الحدیث»، شرحی لغوی بر حدیث از پیامبر (ص) تا معاویه؛ «اعلام النبوة»؛ «الامامة والسیاسة»؛ «جامع النحو».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۲۸۰)، ایضاح المکنون (۵۰۶، ۱۴۶، ۱۳۴، ۲/ ۳۵۶، ۱/ ۱۷۰)، تاریخ مشاهیر کرد (۱/ ۷)، تاریخ بغداد (۱۷۰/ ۱۰)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۶۴۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶/ ۷۷۵- ۷۸۱)، روضات الجنات (۱۰۳- ۱۰۰/ ۵)، ریحانه (۱۵۲/ ۸)، سیر النبلاء (۲۹۷- ۲۹۶، ۱۲/ ۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۳۰)، کشف الظنون (۱۷۲۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۴، ۱۴۱۵، ۱۳۹۹، ۱۳۹۲، ۱۲۰۴، ۱۱۸۴، ۱۱۰۲، ۸۰۷، ۷۶۰، ۷۲۲، ۶۰۹، ۵۷۵، ۴۶۳، ۳۳۵، ۱۰۸، ۴۷، ۳۲)، الکنی والالقباب (۳۸۷- ۳۸۳/ ۱)، لسان المیزان (۱۶۱- ۱۵۸/ ۴)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۴۰۲، ۶/ ۱۵۰)، وفيات الاعیان (۴۳- ۴۲/ ۳)، هدیة العارفين (۴۴۲- ۴۴۱/ ۱).

ابن ماجه قزوینی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۷۳- ۲۰۹ ق)، حافظ، محدث، مفسر و مورخ. برخی گفته‌اند که ماجه لقب پدر وی است نه جدش. ابن ماجه برای گردآوری حدیث به ری، بصره، دمشق، بغداد، حمص، شام مصر و حجاز سفر کرد. در دمشق از هشام بن عمار و عباس بن ولید خلّال و در حمص از محمد بن مصفی و در عراق از ابوبکر بن ابی شیبیه و احمد بن عبده و اسماعیل فزاری و دیگران حدیث شنید. محمد بن عیسی ابهری و ابوطیب بغدادی و ابو عمرو احمد مدینی و ابوالحسن علی بن قَطّان از شاگردان وی بودند. وی سرانجام در قزوین درگذشت. آوازه‌ی او بیشتر به جهت کتاب «السنن» است که چهار هزار حدیث را در آن گرد آورده و یکی از کتابهای ششگانه «صحیح» در حدیث اهل سنت است. ابن ماجه خود گوید: چون کتاب «السنن» را بر ابوزرعه عرضه کردم، گفت: «گمان من آن

است که اگر این کتاب در دسترس مردم قرار گیرد دیگر کتابها یا اکثرشان بی‌رونق شوند». از دیگر آثار وی: «تفسیر القرآن»؛ «تاریخ قزوین»، که گویا هر دو از میان رفته‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/ ۱۵)، تهذیب التهذیب (۹/ ۴۵۷-۴۵۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۲۳- ۸۲۲/ ۶)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۶۷۳)، دائرةالمعارف فارسی (۱/ ۲۲)، ریحانه (۸/ ۱۸۳)، سیر النبلاء (۲۸۱- ۲۷۷/ ۱۳)، کشف الظنون (۱۴۰۵، ۱۰۰۴، ۴۳۹، ۳۰۰)، الکامل (۶/ ۶۲)، الکنی واللقاب (۱/ ۳۹۸)، نامه‌ی دانشوران (۴/ ۳۴۰-۳۴۲)، معجم البلدان (۴/ ۳۹۱)، معجم المؤلفین (۱۱۶- ۱۱۵/ ۱۲)، الوافی بالوفیات (۵/ ۲۲۰)، وفيات الاعیان (۴/ ۲۷۹).

ابن مظفر شیرازی، جلال‌الدین، ابوالمیا من مسعود

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۲۵ق)، مفسر، واعظ، عارف و دانشور. وی نیای مادری ابوالعباس زرکوب شیرازی، نویسنده‌ی «شیرازنامه» و نیای سوم جنید شیرازی، نویسنده‌ی «شد الازار» بود. دوبار حج گزارد اما سعی کرد که مردم بر آن مطلع نشوند. او در مسجد آدینه‌ی سنقری وعظ می‌کرد و در بقعه‌ی شیخ کبیر درس حکمت می‌گفت. در شیراز سپرده شد. از تألیفات وی: «کتاب مفتاح الروایات و مصباح الحکایات»، کتابی در فضائل اهل بیت- علیهم‌السلام- در چهار مجلد، مشتمل بر دوازده باب. بعلاوه وی دارای تألیفات و مجموعات و اجازات و اسانید معتبر است که اکثر آنها از شیوخ پدرش بوده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان شیراز (۲۱۷)، بزرگان نامی پارس (۴۰۷- ۴۰۶/ ۱)، تذکره‌ی هزار مزار (۱۳۲- ۱۳۱)، شیرازنامه (۱۷۹)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۲۳۱).

ابن مظفر شیرازی، زین‌الدین، طاهر

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف پس از ۷۰۰ق)، عالم، عارف، مفسر و محدث. برای تحصیل علم مسافرت بسیار کرد و صحبت مشایخ را دریافت. به تدریس و تربیت اهل علم علاقه داشت و چندین سال در سیر و سلوک و درس و افاده و وعظ بود. کتاب «جامع الاصول» مجدالدین ابن اثیر جزیری را از قطب‌الدین محمود شیرازی روایت می‌کرد. او را مجموعه‌ها و اجازات از پدر خود در تفسیر و حدیث و فقه و تصوف و تاریخ است. در پایان زندگی سفری به جزایر خلیج فارس، کیش و هرمز، کرد. در بین راه چون به نماز شب نشست و برخاست می‌کرد، نگهبان قافله، به اشتباه، تیری به پیشانی او زد و به زندگیش خاتمه داد. جنازه‌اش را به شیراز آوردند و در بیرون دروازه فسا دفن کردند. از آثار وی: کتابی در فضیلت علم و شرف دانشمندان به نام «تحفه الحلفاء الی حضره الخلفاء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان شیراز (۲۱۵- ۲۱۴)، بزرگان نامی پارس (۲۷۳- ۲۷۱/ ۱)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۳۵- ۲۳۱، ۲۲- ۲۱)،

شیرازنامه (۱۷۹)، معجم المؤلفین (۳۹/ ۵).

ابن معقل نسفی، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۹۵ ق)، محدث و مفسر و فقیه حنفی. از مردم روستای سانج در نزدیکی نسف بود. «صحیح» بخاری را از مؤلف آن روایت کرد و از قتیبه بن سعید، ابوکریب، هشام بن عمار حدیث شنید. فرزندش، سعید بن ابراهیم، و علی طغامی و خلف بن محمد خَیام از وی روایت کردند. ابن معقل چندی قاضی نسف (نخشب) بود و عالم آن سامان به حساب می‌آمد. از آثار وی: «المسند» در حدیث؛ «التفسیر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۷۰)، سیر النبلاء (۱۳/ ۴۹۳)، کشف الظنون (۱۶۸۵، ۴۳۶)، معجم المؤلفین (۱/ ۱۱۵)، الوافی بالوفیات (۴/ ۱۴۹).

ابن مهریزد اصفهانی، ابومسلم محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۵۷/ ۴۵۹- ۳۶۶ ق)، ادیب، مفسر و محدث معتزلی. معروف به ابومسلم اصفهانی. وی محدث اصفهانی و از بزرگان معتزله‌ی عصر خویش است. ابومسلم آشنای به عربیت و به گفته یحیی بن منده آشنای به نحو بود. او از شاگردان ابوبکر بن مُقَری بود و سعید بن ابی‌رجاء صیرفی و حسین خلّال و محمد بن حمد کبریتی از وی روایت کرده‌اند. او شیخ و استاد اسماعیل بن علی حمامی است. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «جامع التأویل لمحكم التنزیل» یا «تفسیر قرآن»، تفسیر بزرگی در بیست مجلد؛ «جامع الرسائل»؛ «ناسخ الحدیث و منسوخه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۱۶۳)، سیر النبلاء (۱۴۷- ۱۴۶/ ۱۸)، لسان المیزان (۳۷۴- ۳۷۳/ ۶)، معجم المؤلفین (۵۰- ۴۹/ ۱۱)، میزان الاعتدال (۳/ ۶۵۵)، الوافی بالوفیات (۱۳۱- ۱۳۰/ ۴)، هدیة العارفین (۲/ ۷۱).

ابن یزید قمی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۵ ق)، فقیه، محدث و مفسر حنفی. از مردم ری بود. اما مدتی در نیشابور نیز زندگی کرد. از محمد بن شجاع ثَلَجی فقه آموخت و از محمد بن حمید رازی حدیث شنید. ابوبکر احمد بن سعد بن نصر و احمد کاغدی از او روایت می‌کردند. چندی در

نیشابور به املای حدیث می‌پرداخت. ابن یزداد در فقه دستی توانا داشت و از مشاهیر فقهای حنفی روزگار خویش بود. با اندیشه‌های شافعی مخالفت می‌ورزید و بر کتابهای او خرده می‌گرفت و بر اصحاب شافعی ردیه می‌نوشت. از آثار وی: «احکام القرآن»؛ «اثبات القیاس والاجتهاد و خبر الواحد»؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۷۸/ ۵)، سیر النبلاء (۲۳۷- ۲۳۶/ ۱۴)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۸۴)، کشف الظنون (۲۰)، معجم المؤلفین (۲۵۱- ۲۵۰/ ۷)، هدیه العارفین (۶۷۵/ ۱).

ابوالبرکات کازرونی، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ ابوالبرکات تاج‌الدین محمد بن احمد بن ابراهیم مدنی شافعی کازرونی معروف به (حاج هراس) از دانشمندان قرن هشتم و نهم هجریست زیرا تولدش ۷۵۷ و وفاتش ۸۴۳ می‌باشد. تألیفات عدیده دارد که از آنهاست.

۱- بحرالساده فی الاخلاق والادب (فارسی) ۲- تفسیر القرآن ۳- شرح التنبيه (تألیف ابواسحاق اسفراینی) ۴- شرح فروع (ابن ابی‌الحدید) ۵- شرح مختصر التنبيه (در سه جلد) ۶- مختصر المعنی (للبارزی در فروع دین).
بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوالشیخ اصفهانی، ابومحمد عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۹- ۲۷۴ ق)، محدث، مفسر و رجالی. محدث اصفهان بود. وی از کودکی در جستجوی حدیث بود. از جد مادری‌اش، محمود بن فرج زاهد، و محمد بن عبدالله همدانی، رییس اصفهان، و ابراهیم بن رسته، و احمد بن رسته اصفهانی، و ابوالقاسم بغوی و علی بن سعید رازی، و محمد بن یحیی مروزی، و جعفر فریابی حدیث شنید. ابن منده و ابن مردویه و احمد بن عبدالرحمان شیرازی و سفیان بن حسنکویه و ابونعیم حافظ و محمد بن علی بن بهروز مرد و فضل بن محمد کاشانی و محمد بن علی بن سمویه و احمد بن محمد یزدی از وی حدیث شنیدند. ابن مردویه او را محدثی امین و مورد اعتماد دانسته است. وی شصت سال به تصنیف و تألیف اشتغال داشت. از آثار وی: «التفسیر»؛ «ثواب الاعمال»، در پنج مجلد؛ «السنن»؛ در چند مجلد؛ «السنة»؛ «طبقات المحدثین باصفهان و الواردین علیها»، در دو مجلد؛ «العظمة»، رساله‌ای در تاریخ.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶۴/ ۴)، ریحانه (۱۵۶- ۱۵۵/ ۷)، سیر النبلاء (۲۸۰- ۲۷۶/ ۱۶)، کشف الظنون (۱۴۳۹، ۱۴۰۷، ۱۴۰۶)، لغت‌نامه (ذیل / عبدالله)، معجم المؤلفین (۱۱۴/ ۶)، هدیه العارفین (۴۴۷/ ۱).

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عتیق بن محمد هروی سوراآبادی، به قول حمدالله مستوفی و حاج خلیفه معاصر الب ارسلان سلجوقی بود، و بنابراین در اواسط قرن پنجم زندگی می کرده است. وی مؤلف «تفسیر سوراآبادی» (م.ه) است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابوترابی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر ابوترابی، در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در شهر مقدس قم متولد شد. پدر بزرگوارش آیت الله سید عباس ابوترابی، فرزند آیت الله سید ابوتراب و مادرش دختر آیت الله سید محمد باقر علوی قزوینی است. حجت الاسلام ابوترابی تحصیلات ابتدایی تا پایان دوره دبیرستان را با موفقیت سپری کرد و در سال ۱۳۳۶، موفق به اخذ دیپلم ریاضی شد. پس از اخذ دیپلم با توصیه پدر بزرگوارش به تحصیل دروس دینی علاقمند شد و در سال ۱۳۳۷ به مشهد مقدس عزیمت نمود و در مدرسه نواب اقامت گزید. دروس مقدماتی و دوره سطح را با جدیت و تلاش شبانه روزی و استعدادی شگرف در حوزه علمیه مشهد گذراند و از اساتید بزرگی چون ادیب نیشابوری و مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی بهره های فراوانی برد. با آغاز نهضت امام خمینی (ره) در سال ۴۲، همراه با حاج آقا مصطفی وارد جریانات سیاسی شد و در تظاهرات مردم قم در ۱۵ خرداد سال ۴۲، حضوری فعال داشت. در هجوم عوامل رژیم ستمشاهی به مدرسه فیضیه، مورد ضرب و شتم مأمورین شاه قرار گرفت. در پی تبعید حضرت امام (ره) به نجف اشرف، ایشان نیز به نجف مشرف و مشغول تحصیل شد و در محضر امام راحل (ره) از درس خارج فقه و اصول معظم له بهره مند شد. پس از حدود شش سال تحصیل در نجف، هنگامی که اعلامیه های امام خمینی (ره) را در کیف خود جاسازی کرده بود تا به ایران بیاورد، در مرز خسروی بازداشت شد و ساواک ایشان را به زندان قصر شیرین، سپس به زندان کرمانشاه و زندان کمیته مشترک و پس از آن به زندان اوین منتقل کرد و او را مورد شکنجه و بازجویی قرار داد. پس از آزادی از زندان، فصل جدیدی در فعالیتهای سیاسی ایشان آغاز شد و همراه با شهید مجاهد، سید علی اندرزگو علاوه بر مبارزات سیاسی، به سازماندهی جهاد مسلحانه همت گماشتند و در این دوره بارها مورد تعقیب ساواک قرار گرفتند. مرحوم ابوترابی به واسطه حشر و نشر فراوان با شهید اندرزگو، عمیقاً با خصوصیات اخلاقی و صفات حسنه آن مجاهد فی سبیل الله آشنا شده بود و خاطرات بسیاری از او به یاد داشت. در توصیف شهید اندرزگو فرموده است که: «شهید سید علی اندرزگو، از یک اخلاق اسلامی در سطح بسیار بالا برخوردار بود و آن گونه بود که قرآن می فرماید: "... اشداء علی الکفار و رحماء بینهم". مرحوم ابوترابی، با افرادی چون شهید رجایی ارتباط نزدیک و همکاری تنگاتنگی داشت و در جلسات ماهانه شهید آیت الله بهشتی شرکت می کرد و از نزدیک با آن شهید عزیز در زمینه جذب نیروهای فعال و تحصیلکرده همکاری داشت. وی همچنین با سایر مبارزان و علمای مجاهد دوران ستمشاهی، از جمله رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای همکاری و ارتباط داشت. با آغاز مبارزات انقلابی مردم ایران، او سر از پا نمی شناخت و خواب را بر خویش حرام کرده بود به طوری که خود ایشان می گفت: "در آن روزهای پر التهاب، کار ما سنگین بود و بسیار اتفاق می افتاد که در طول شبانه روز کمتر از یک ساعت می خوابیدیم". در جریان پیروزی انقلاب، فرماندهی

گروهی از مردم که کاخ سعدآباد را به تصرف در آوردند به عهده داشت و امکانات و وسایل موجود در کاخ را مورد حفاظت قرار داده و تحویل مقامات ذی صلاح داد. ایشان همچنین با همکاری برادرشان حجت الاسلام سید محمد حسن ابوترابی، در تصرف پادگان لشکر قزوین نقش کلیدی داشتند و از خروج اسلحه و ادوات و تجهیزات جنگی ممانعت کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان رئیس کمیته انقلاب اسلامی قزوین به خدمت محرومان و مستضعفان پرداخت و پس از آن با رأی مردم، به عضویت شورای شهر قزوین انتخاب و رئیس شورا شد. همزمان با آغاز جنگ تحمیلی، با لباس رزم به سوی جبهه رفت و در کنار شهید دکتر مصطفی چمران در ستاد جنگهای نامنظم به سازماندهی نیروهای مردمی پرداخت و شخصاً به مأموریت های شناسایی رزمی و دشوار می رفت. آزادی منطقه پر حادثه و خطرناک ((دب حردان)) به فرماندهی وی و در رأس یک گروه متشکل از یکصد رزمنده فداکار، یکی از اقدامات ایشان است. مرحوم ابوترابی سرانجام در روز ۲۶ آذر ماه سال ۵۹ در جریان یکی از مأموریت های شناسایی که برای تکمیل شناسایی قبلی خویش انجام داد تا نیروهای ستاد جنگهای نامنظم آماده یک عملیات گسترده شوند، بر اثر اشتباه یکی از همراهان خود، در حالی که هفت کیلومتر از نیروهای خودی دور شده و تا ۲۰۰ متری دشمن پیشروی کرده بود، هنگام بازگشت مورد شناسایی دشمن بعثی قرار گرفت و گرچه می توانست خود را از دام دشمن برهاند، اما چون قصد داشت همراهان خود را نجات دهد، با تانک و نفربر به تعقیب وی پرداختند و نهایتاً به اسارت دشمن در آمد. مرحوم ابوترابی پانزده ماه اول اسارت را در سلولهای زندانهای بغداد و تحت شدیدترین شکنجه ها گذراند و در اراده پولادین این مرد خدا خللی ایجاد نشد تا پس از سپری کردن سختی های فراوان و دو بار تا پای چوبه دار رفتن با لطف و رحمت الهی و امدادهای غیبی، ایشان به اردوگاه و جمع اسیران ایرانی منتقل شد. حجت الاسلام ابوترابی پس از حضور در جمع سایر اسیران، با رهبری حکیمانه خود و با تمسک به ائمه معصومین (ع) و با معنویت و سعه صدر و حلم و بردباری فوق العاده مکر و حيله دشمنان بعثی را بی تأثیر نمود و شمع محفل ایران شد و در جهت تقویت روحیه مقاومت و ایمان آنان از هیچ اقدام و ایثاری دریغ نورزید. هدف و راه را به آنان نشان می داد و چون ابری فیاض، امید و ایمان را بر آنان می بارید. اردوگاههای عنبر، موصل ۱، ۳، ۴ و رمادیه و تکریت ۵، ۱۷، ۱۸، و نیز سلولهای زندانهای بغداد شاهد خوبیها و مجاهدتهای خستگی ناپذیر آن عارف حکیم هستند. این عارف مجاهد، پس از ده سال اسارت سرانجام در سال ۱۳۶۹، همراه با خیل آزادگان سرفراز به میهن اسلامی بازگشت و به جای آنکه پس از سی سال مبارزه و تلاش طاقت فرسا به استراحت پردازد، راهی دشوارتر را در پیش گرفت و همراهی آزادگان و پی گیری مشکلات آنان را وظیفه خود می دانست و در این راه تمام تلاش و توان خود را صرف کرد و در تاریخ ۷/۷/۶۹ با حکم رهبر معظم انقلاب در جایگاه نماینده ولی فقیه در امور آزادگان قرار گرفت و تمام سعی خویش را به کار بست تا آزادگان، مایه عزت و تقویت نظام جمهوری اسلامی باشند. در دوره های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی، با رأی بالای مردم قدرشناس تهران به عنوان نفر دوم و سوم مجلس راه یافت و در خانه ملت، با نطق های خود، مسئولین و کارگزاران نظام را به رعایت عدالت، توجه به توده مردم و حفظ ارزشهای دینی نمود. مرحوم ابوترابی، تقویت و دفاع از نظام اسلامی و ولایت فقیه را واجب می دانست و نسبت به شخص مقام معظم رهبری ارادت و اعتقاد ویژه ای داشت و اطاعت از ایشان و تقویت معظم له را در هر مجلس و محفلی متذکر می شد. آن مجاهد خستگی ناپذیر، سرانجام در تاریخ دوازدهم خرداد ۷۹ در حالی که همراه پدر بزرگوارشان عازم مشهد مقدس و زیارت حضرت ثامن الحجج (ع) بودند، در جاده بین سبزوار و نیشابور، بر اثر تصادف جان به جان آفرین تسلیم کرد و ارواح آن عالمان وارسته از خاک به افلاک پر کشیده و به لقاء الله پیوستند. این بزرگوار در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا (ع) غرفه ۲۴ به خاک سپرده شد.

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود ابوترابی آبندانسری

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ شمسی در خانواده ای مذهبی در شهر ساری متولد شدم. در سال تحصیلی ۵۵ - ۵۶ شمسی از کلاس سوم نظری به سبب اوضاع ناهنجار و نامساعد محیط دبیرستان، ترک تحصیل کردم. از آن پس تا سال ۱۳۵۸ به کار کشاورزی و مشاغل آزاد مشغول بودم، تا اینکه پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال تحصیلی ۵۸ - ۵۹ توفیق ورود به حوزه علمیه قم را یافتم. دروس مقدماتی تا سطح عالی را سال ۱۳۶۶ به پایان رساندم و از سال ۶۷ در درس خارج اصول از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی و شیخ جواد تبریزی و شیخ جعفر سبحانی و در درس خارج فقه از محضر حضرات آیات عظام: شیخ جواد تبریزی و جوادی آملی و احمدی فقیه یزدی و برخی دیگر از بزرگان استفاده فراوان نمودم. در خلال سالهای مذکور حداقل یک سال از درس تفسیر حضرت آیت الله مشکینی و دو سال از درس تفسیر استاد فرزانه جوادی آملی با قرآن بیشتر آشنا شده و مأنوس گشتم، که ذوق حلاوت آن سبب شد تا در سال تحصیل ۷۳ - ۷۴ در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه شرکت نمایم، که به لطف حق تعالی در سال ۷۶ - ۷۷ دوره را به پایان رسانده، که مهر ماه سال ۱۳۸۴ از رساله سطح چهار (دکتر) با عنوان «پژوهشی در تفاسیر روایی شیعه» دفاع نمودم.

در خلال سالهای ۶۱ تا ۷۵ در درس کلام، فلسفه و عرفان از محضر اساتید فرزانه و آیات عظام: حسن زاده آملی، جوادی آملی، عسکری گیلانی و انصاری شیرازی استفاده شایان بردم. همزمان با تحصیلات به فعالیتهای تدریسی، تحقیقی، تالیفی و تبلیغی در حد توان پرداختم و نیز در طول هشت سال دفاع مقدس حداقل به مدت یک سال توفیق حضور در جبهه های حق علیه باطل به شکل رزمی، تبلیغی را داشتم.

در حال حاضر با برخی از مراکز تحقیقی و نیز در مرکز جامعه الزهراء (س) در بخش امور پایان نامه به راهنمایی دانش پژوهان، همکاری دارم.

اثنی عشری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج آقا حسین بن السید الجلیل المرحوم الحاج السید حاج آقا اثنی عشری اعتمادی از علماء ابرار و اتقیاء اخیار شهرستان ری (زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه السلام) است که به تقوا و پارسائی و تعصب در دین معروف و موصوف بوده‌اند.

وی در سال ۱۳۱۸ قمری در شهر ری متولد و در مهد تربیت مرحوم والدش که از روساء آستانه مقدسه و محترمین زاویه مقدسه

بوده نشو و نما یافته و دروس جدید را به پایان رسانیده آنگاه بتحصیل مقدمات و ادبیات در مدرسه محمدیه تهران پرداخته و بعد از تکمیل آن در سال ۱۳۴۹ قمری به قم مهاجرت و سطوح را از اساتید حوزه چون مرحوم ادیب تهرانی و میرزا محمد همدانی و آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی مد ظله فرا گرفته و در دروس خارج مرحوم آیت‌الله حایری مقداری و پس از ایشان از محضر مرحومین علمین آیتین حجت و خونساری استفاده نموده و در سال ۱۳۶۲ قمری بوطن مذکور خود برگشته و بوظائف دینی پرداخته و در آستانه مقدسه اقامه جماعت و همه شب تبلیغ دین و تفسیر کتاب مبین نموده و در امر بمعروف و نهی از منکر بسیار سعی و جدی و در این موضوع (لا- یخافه لومه لائم) بوده تا در شب پنجشنبه پنجم ماه شعبان ۱۳۸۴ قمری که در هنگام انجام وظیفه در بالای منبر بسکته قلبی بدرود حیات گفته و در رواق مطهر نزدیک درب حرم شریف مدفون گردیده است.

از آثار اوست تفسیر اثنی عشری در ۱۴ جلد که در حیات آن مرحوم طبع و نشر گردیده و دیگری رساله‌ای در اخبار و احادیث و رساله‌ای در اصول عقاید که بطبع رسیده است.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

احدی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی احدی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادبیات را در حد تدریس فرا گرفتم، بطوری که پس از گذشت چهار سال، شرح بر هدایه بنام کتاب "الزبد" را نوشته و استاد مدرس افغانی تقریظ بسیار ارزشمندی را بر این کتاب نوشتند. دو نکته را در آنجا اشاره فرمودند:

۱- بنده را بعنوان مجتهد در نحو و صرف تلقی دادند.

۲- دیگران را در اخذ مسائل متقن نحوی، بر کتاب حقیر ارجاع داده اند. این دو نکته مایه تشویق بنده شد، بطوری که تدریس را در کنار تحصیل شروع نمودم. همواره از اساتید بسیار مجرب در اصول پایه نظیر استاد مصطفی اعتمادی استفاده نمودم، که تعلیق فرائد الاصول را پس از اتمام رسائل شروع نمودم. پس از آن مکاسب را محضر استاد ستوده و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، و کفایه الاصول را نزد فاضل لنکرانی تلمذ نمودم.

خارج اصول را نزد استاد وحید خراسانی به اتمام رساندم. خارج فقه را نزد آیه الله مرحوم حاج میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی استفاده نمودم. اشتیاق وافر به فلسفه و عرفان و تفسیر باعث شد که شرح منظومه را از محضر انصاری شیرازی و اسفار را از محضر جوادی آملی و حسن زاده آملی و نیز عرفان را از این دو بزرگوار فیض ببرم و هنوز ادامه دارد و اکنون مشغول تدریس اسفار و تمهید و کفایه و خارج اصول می باشم.

مباحث روانشناسی را مدت هفت سال با تحقیق و پژوهش ادامه دادم و به مقطع صاحب نظری رسیدم و اکنون در حد کارشناسی، استفاده می‌گردد. و این دانش باعث شد که در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی وارد شوم و از اطلاعات به روز استفاده کامل نمایم.

منابع زندگینامه: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

احمدزاده بزاز، عبدالمطلب

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالمطلب احمدزاده بزاز

محل تولد: خرمشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) اهواز شدم. در زمان ورود به حوزه مدرک سال دوم تجربی را داشتم، تا سال ۱۳۶۵ در این حوزه درس خواندم. ادبیات را به طور کامل، معالم الاصول، شرح لمعه، اصول مظفر و قسمت قطع و ظن رسائل را در اهواز به پایان بردم. از سال ۱۳۶۵ به حوزه قم آمدم و تا سال ۶۹-۶۸ باقیمانده سطح یعنی براءت و استصحاب، رسائل، مکاسب و کفایه را گذراندم. پس از آن همزمان با شروع درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی، باقیمانده دوره متوسطه را به صورت متفرقه خواندم.

درس خارج اصول از ابتدا بر اساس کفایة الاصول از سال ۱۳۶۹ شروع و در سال ۱۳۸۶ به پایان رسیده است. درس خارج فقه در سالهای ۶۹ و ۷۰ مباحث صلاة بوده است و پس از آن مباحث فقه المعاملات (از ابتدای بیع) بر اساس مکاسب شروع شده که تاکنون ادامه دارد. حدوداً ده سال همزمان با درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی از محضر درس خارج مباحث طهارت تا خمس (بر اساس عروه) حضرت حجة الاسلام حاج شیخ محسن وحید خراسانی نیز استفاده برده ام. از سال ۱۳۷۱ جهت تحصیل در رشته حقوق وارد دانشگاه مفید شده ام که اکنون در حال تدوین رساله در مقطع دکتری می باشم. امتحان جامع نیز سپری شده است.

در زمان تحصیل دروس حوزوی، به صورت پراکنده از مباحث ادبیات گرفته تا فقه و اصول تدریس داشته ام که بیشتر آنها را در خاطر ندارم. پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد نیز دروس تخصصی رشته حقوق را از جمله در دانشگاه آزاد اسلامی اهواز تدریس کرده ام.

احمدیان، ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم احمدیان

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب ابراهیم احمدیان در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم. نخست در مدرسه مرحوم آقای خلیخالی (امام صادق علیه السلام) و سپس مدرسه امام خمینی (ره) و آن گاه در مدرسه مرحوم آقای گلپایگانی مشغول شدم. دوره ادبیات را زیر نظر آقایان طالقانی و مرحوم مدرس افغانی و نیز آقای آدینه نند و علیدوست گذراندم. همزمان در جبهه های جنگ نیز حضور داشتم و این موجب شد تا دوره ادبیات برایم اندکی طولانی شود. استادانم در فقه و اصول عبارت بودند از: آقایان اشتهااردی، پایانی و نامدار. در سال ۱۳۷۰ به دانشگاه مشهد رفتم و در رشته ادیان و عرفان دوره کارشناسی را طی کردم. سپس در دانشگاه تهران با رتبه یک پذیرفته شدم و دوره را طی کردم. همزمان در درس خارج آقایان مرحوم خاتم یزدی و نیز آیت الله وحیدی شرکت جستم.

احمدیان، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی احمدیان

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب مرتضی احمدیان متولد ۱۳۲۳ شمسی در شهرستان نجف آباد اصفهان متولد شدم و در سال ۱۳۳۹ گواهینامه پایان تحصیلاتی خود را از دبستان شیخ بهائی گرفتم.

در سال ۱۳۴۱ ش طلبه شدم و در مدرسه الحجة نجف آباد مشغول تحصیلات دروس حوزوی شدم. جامع المقدمات را که در نجف آباد خواندم راهی حوزه علمیه قم شدم و به مدرسه حقانی وارد شدم. در آنجا مشغول خواندن کتاب سیوطی شدم. کتاب سیوطی، مغنی، مختصر، معالم، اصول الفقه رسائل، مکاسب و کفایه را در مدرسه حقانی خواندم. به اضافه دروس جنبی مانند: تاریخ اسلام، معارف، دروس عقائد، طبیعی (یک دوره فشرده طب) زبان، مکالمه عربی، المحاورات العربیه، زبان انگلیسی، شامل کتاب های

دایرکت متد ۱ و ۲ و ۳، اکسفورد و... تفسیر قرآن، تعلیم خط نستعلیق، ریاضیات، ادبیات فارسی و... و حدود سال ۵۱ یا ۱۳۵۲ بود که پس از کفایه از مدرسه حقانی بیرون آمدم و به درس خارج مراجع آن وقت مانند آیت الله حاج آقا مرتضی حائری و آیت الله العظمی فانی اصفهانی و آیت الله العظمی وحیدخراسانی و آیت الله العظمی گلپایگانی تلمذ کردم.

البته به درس آیت الله العظمی تبریزی و غیره نیز رفتم و در نجف اشرف که رفتم در سال ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ به قسمتی از درس ولایت فقیه امام خمینی (ره) هم رفتم البته در آن موقع اینجانب مشغول دروس سطح بودم اما پس از اینکه از نجف اشرف آمدم و ازدواج نمودم در مضیقه مالی بسیار شدیدی قرار گرفتم به طوری که نه کرایه منزل را می توانستم بپردازم و نه هزینه روزمره زندگی را، لذا مدتی مشغول روزه و نماز استیجاری شدم اما چون بسیار مشکل بود، رفتم به چاپخانه علمیه نبش کوچه آبشار قم و در آنجا خط خود را ارائه دادم و مشغول خطاطی کتب علمی مانند آیات الاحکام آیت الله سلطانی و فقه الحج، و الشواهد المنتخبه مدرس افغانی و غیره شدم و در برابر هر صفحه سی خطی که به صورت رحلی بود فقط ۳ تومان دریافت می کردم و تقریباً در آن موقع ماهی هزار تومان خطاطی می نمودم و با همین پول ناچیز توانستم منزلی هم در نیروگاه قم بسازیم و یادم هست یکماه کار کردم تا توانستم پرده کرکره اطاق را بخرم و بابت یک کتاب که نیاز داشتم سه روز روزه استیجاری گرفتم تا کتاب معراج السعاده نراقی را بخرم حالا چون اصل بر این بود که زندگینامه علمی به نگارش درآید لذا از زندگینامه سیاسی و غیره و کارهای سیاسی قبل از انقلاب و دستگیر شدن و زندانی شدن و... خودداری می شود. اینجانب در سال ۱۳۴۷ در نجف اشرف اولین کتاب خود را به زبان عربی نگاشتم و آن را به نام "دلیل الزائر" نام گذاری کردم.

دومین کتاب خود را به نام "زندگی زناشویی" نوشتم که متأسفانه اولین کتاب در نقل و انتقال به ایران مفقود شد و کتاب دوم را طلبه‌ای که عازم کویت بود از من گرفت که بخواند و برگرداند ولی برد و دیگر آن را برنگرداند، و چون طبع شعر مختصری داشتم از این رو شهید محمد منتظری مجله فردوسی آن زمان را آورد که بخوانم و در شعر و ادبیات فارسی از آن بهره گیرم و علت توفیق یافتن به نوشتن این بود که روزی به اتفاق حجه الاسلام سید محمود دعائی از نجف اشرف راهی کربلا شدیم و در آنجا خدمت آیت الله العظمی سید محمد شیرازی رسیدیم ایشان هم ما را تشویق به نوشتن کتاب کرد، که اینجانب خدمت ایشان عرض کردم که ما طلبه‌ای مبتدی هستیم چه بنویسیم؟ ایشان فرمودند: «شما لازم نیست کتاب‌های علمی بنویسید بلکه می توانید از کتاب‌های مختصری که معارف اسلامی را به زبان ساده برای عوام بیان نماید شروع کنید و بنده کتاب‌های کوچک چند صفحه‌ای مانند: "اعرف الشیعه، من هم الشیعه" و... نوشته‌ام تا کتاب‌های بزرگ اینجانب هم با تشویق ایشان شروع به نوشتن کتاب کردم.

در نجف اشرف مقالات عربی می نوشتم و به مناسبت‌های مختلف در احتفالات می خواندم. یادم هست در آن زمان مقاله‌ای نوشتم به نام «مَنْ هُوَ الامام جعفر بن محمد الصادق (ع)» و داستان حمله نظامیان شاه به مدرسه فیضیه و قتل و غارت و دستگیری طلاب را هم در آن مقاله نوشتم و در جشن تولد آن حضرت خواندم، و چون علاقه به اشعار هم داشتم سه دفترچه ۲۰۰ برگی از اشعار عربی و فارسی و مطالب متفرقه یادداشت کردم که دو جلد کتاب کشکول قسمتی از آنهاست، و از شدت علاقه به نوشتن صبح که شروع به کار می نمودم ناگاه می دیدم ظهر شده و هیچ احساس خستگی نمی کردم.

اکثر کتاب‌هایی که نوشته‌ام به سفارش ناشرین و غیره بوده است، مخصوصاً ترجمه‌ها و خطاطی‌ها تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. و شاید این به خاطر توجه و گوشه چشمی است که حضرت به اینجانب نموده باشد

اوائل طلبگی نمی دانم حالا خواب دیدم یا حالت شهود بود که در پشت بام منزل دیدم حضرت ولی عصر (عج) نشسته و شمشیر دو دم «ذوالفقار» را بر زانوی خود نهاده و کاغذی پیچیده شده به صورت لوله‌ای در دست دارد و ما چند طلبه بودیم دو زانو حلقه‌وار در جلو ایشان نشسته بودیم و هرگاه با هم صحبتی می کردیم ایشان چیزی بر روی آن طومار و کاغذ می نوشت و ما طلاب از وحشت دیگر قادر بر سخن گفتن نبودیم، و خانم بنده نقل می نماید که قبل از اینکه من شوهر کنم در نجف آباد بودم و چون در

آن زمان منازل، آب لوله‌کشی نداشت ما می‌رفتیم از قنات آب می‌آوردیم، قناتی در نجف آباد است به نام شیر بچه که با سطح زمین تقریباً چهار متر و خورده‌ای فاصله داشت که هم‌اکنون هم هست و از آبش مردم استفاده می‌کنند، خلاصه می‌گویم رفتیم آب بیاوریم دیدم سیدی نورانی بر روی آب نشسته و جا نماز خود را پهن نموده و بر روی قبله نشسته است تا من نگاه کردم او به من نظر فرمود، من هم چون به حد بلوغ نرسیده بودم از دیدن منظره دلهره و اضطراب مرا گرفت و رفتم به مادر خود و دیگران گفتم، آنها نگاه کردند و چیزی ندیدند، باز من نگاه کردم و حضرت را دیدم و به آنها گفتم، آنها باز نگاه کردند و چیزی ندیدند، من به همسرم گفتم، حضرت به تو توجه نموده است.

اخوان طبسی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد اخوان طبسی

محل تولد: طبس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اخوان طبسی در سال ۱۳۵۴ یا ۱۳۵۵ بود که برای تحصیل علوم حوزوی به شهر قم آمدم و در مدرسه علمیه ای که در خیابان صفائیه کوچه ممتاز به نام مدرسه رسالت معروف بود مشغول به تحصیل شدم. بعد از انقلاب هم در مدارس دیگری به تحصیل اشتغال داشتم از جمله سه سال در مدرسه علمیه اسلامیة و سه سال هم در اصفهان و بعد هم دوباره به قم برگشتم و تا به حال ساکن قم بوده‌ام.

برای تدریس به مدارس علمیه چند شهر به نامهای آباده، گرگان، شیراز، گلپایگان، لردگان که از جمله آنهاست رفته‌ام.

اخوان طبسی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد اخوان طبسی

محل تولد: طبس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمداخوان طبسی در سال ۱۳۵۴ یا ۱۳۵۵ بود که برای تحصیل علوم حوزوی به شهر قم آمدم و در مدرسه علمیه ای که در خیابان صفائیه کوچه ممتاز به نام مدرسه رسالت معروف بود مشغول به تحصیل شدم. بعد از انقلاب هم در مدارس دیگری به تحصیل اشتغال داشتم از جمله سه سال در مدرسه علمیه اسلامیة و سه سال هم در اصفهان و بعد هم دوباره به قم برگشتم و تا به حال ساکن قم بوده ام.

برای تدریس به مدارس علمیه چند شهر به نامهای آباءه، گرگان، شیراز، گلپایگان، لردگان که از جمله آنهاست رفته ام.

ادیب بهروز، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن ادیب بهروز

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۹

اذکائی، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پرویز اذکائی، به سال ۱۳۱۸ در همدان زاده شد. تحصیلات خود را در آن شهر و تهران و سپس دانشگاه منچستر (انگلستان) ادامه داد. مطالعات وی به طور عمده در تاریخ و فلسفه است. کتاب "الآثار الباقیه عن القرون الخالیة" پرویز اذکائی، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رسته: تاریخ و فلسفه تحصیلات رسمی و حرفه ای: پرویز اذکائی تحصیلات خود را در همدان و تهران و سپس دانشگاه منچستر (انگلستان) ادامه داد. مطالعات وی به طور عمده در تاریخ و فلسفه است. جوایز و نشانها: کتاب "الآثار الباقیه عن القرون الخالیة" پرویز اذکائی، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: پرویز اذکائی در رشته‌های کتاب شناسی و رجال شناسی و تاریخ علم نیز دارای تألیفات است. تاکنون ۳۴۰ عنوان اثر، شامل ۳۰ کتاب، ۶۰ رساله علمی مفصل و گفتارهای بلند و کوتاه در دائره المعارف‌ها و نشریات معتبر، از وی به چاپ رسیده است. چند اثر مشهور وی از این قرار است: زندگینامه بیرونی (ترجمه)، کارنامه بیرونی (تألیف)، فرمانروایان گمنام (تاریخ)، رساله قبه الارض ایرانی (هیأت و نجوم)، رساله زروانی (علمای اسلام)، مفاتیح الاسرار (تفسیر

شهرستانی)، تاریخ نگاران ایران (ج ۱)، ابوریحان بیرونی (آراء و افکار)، خاندان شاهیه خوارزم (رساله)، فهرست ماقبل الفهرست (۲ ج)، تبارشناسی در ایران (رساله)، الآثار الباقیه بیرونی (تحقیق و تعلیق)، حکیم رازی (نظام فلسفی)، طب روحانی (رازی)، ماتیکان عین القضاة همدانی، فهرست نسخ خطی همدان، فرهنگ مردم همدان، مورخان همدان، ناموران همدان، قراگزلوهای همدان، علویان همدان، میرسید علی همدانی (احوال و آثار)، رساله حکیم الهی همدان (عین القضاة)، باباطاهر نامه (هفده گفتار)، رساله عراق عجم (در عهد ایلخانان)، درگزین تا کاشان (سه گفتار)، کتاب شناسی همدان، تاریخ معاصر همدان، راهنمای همدان، گفتارهای مغان، مادشناسی و همدان نامه (بیست گفتار درباره مادستان).

آثار: الآثار الباقیه عن القرون الخالیة و یژگی اثر: تحقیق، این کتاب، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: الآثار الباقیه عن القرون الخالیة/ تألیف ابوریحان محمد بن احمد البیرونی؛ تحقیق و تعلیق پرویز اذکائی. - تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۰. کط، ۸۹۵ ص.: جدول، نمونه، نمودار. کتابنامه: ص [۷۴۹]-[۷۷۱]؛ همچنین به صورت زیرنویس. به اعتقاد برخی از محققان، الآثار الباقیه، شاهکار دانشمند و محقق بزرگ ابوریحان بیرونی و مایه افتخار مسلمانان، خاصه ایرانیان است. این کتاب به دلیل داشتن مطالب با ارزش بسیاری درباره تقویم و گاه شماری ملل مختلف، جشن‌ها، اعیاد، ایام شادمانی و روزهای غمناکی اقوام گوناگون، مراسم فرقه‌های مذهبی، نکات تازه‌ای در تاریخ شاهان بابل و ایران و روم و ... مطالبی مهم در باب کتب مقدس، یهود، صابئیان، زرتشتیان، مانویان، مزدک، حلاج و ... از اهمیت بسیار برخوردار است. به همین سبب، نخستین بار، ۱۲۵ سال پیش، ادوارد زاخائو (خاورشناس بزرگ آلمانی) آن را با مقدمه‌ای عالمانه در لایپزیگ (آلمان) در سال ۱۸۷۸ م. تصحیح و چاپ کرد. وی که به اهمیت این کتاب پی برده بود، سال بعد (۱۸۷۹) آن را به انگلیسی ترجمه کرد و با حواشی و شروح بسیار در لندن منتشر ساخت. اما آنچه تصحیح و چاپ مجدد آن را ضروری ساخته، دستیابی به سه نسخه خطی نسبتاً کهن است که حکایت از تجدیدنظر و تکمیل به دست ابوریحان دارد. تصحیح متن حاضر، افزون بر نسخه تصحیح شده زاخائو (بر اساس نسخ موجود در لندن، پاریس و ...) با مقابله چند نسخه دیگر از کتابخانه‌های «عمومی» استانبول، «توپقاپوسرای» استانبول و «دانشگاه ادینبورگ» انگلستان که زاخائو آن‌ها را ندیده بود، صورت گرفته است. این اثر گرانشنگ که از اعتبار جهانی برخوردار است و همواره مورد استناد و مراجعه محققان بوده، با ویرایشی دقیق و تحقیقی جامع به اهتمام استاد اذکائی، از بیرونی شناسان معاصر، که سالیان متمادی درباره احوال و آثار بیرونی قلم می‌زند، سامان پذیرفته است. از ویژگی‌های این کتاب، علاوه بر مقدمه تحقیقی، تعلیقات آن، یعنی حجمی افزون بر ثلث کتاب حاضر است که مشتمل بر پانصد و بیست یادداشت مفید و عمیق کوتاه و بلند است که برخی از آن‌ها حاصل کار زاخائو و برخی دیگر، حاصل کار محقق کتاب است و هر یادداشت با نام پژوهشگر آن متمایز شده است. از دیگر امتیازات این چاپ، فقره‌بندی و شماره گذاری عبارات، تنظیم دقیق جدول‌ها و نیز فهرس فنی و نمایه‌های ضروری و کارآمد است که بر اعتبار آن افزوده است. ۲ زندگینامه بیرونی (ترجمه) ۳ فرمانروایان گمنام (تاریخ) و یژگی اثر: رساله ۴ کارنامه بیرونی (تألیف) منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

اردبیلی، جمال‌الدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۴۷ ق)، مفسر، فقیه و نحوی. از اهالی اردبیل بود. وی مؤلف کتاب «شرح نمودج» زمخشری است که از قرن هفتم تاکنون از کتب درسی حوزوی بوده و در مجموعه‌ی «جامع المقدمات» برای تعلیم مبتدیان علوم عربی آمده است. از دیگر آثار وی: حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر؛ «الانوار»، در فقه شافعی. صاحب «هدیه العارفین» اردبیلی را با نادری رومی، معروف به غنی‌زاده، شاعر ترک زبان قرن دهم و یازدهم، اشتباه کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۸۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۲۹۰)، ریحانه (۱/ ۴۲۵)، کشف الظنون (۱۸۵)، معجم المؤلفین (۱۷۸/ ۱۰)، هدیه العارفین (۲/ ۲۷۵).

استادی مقدم، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا استادی مقدم

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیه‌الله رضا استادی مقدم (تهرانی) در سال ۱۳۱۶ در تهران در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج خداداد که در سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت، مردی متدین و اهل خیر بود که همواره فرزند خود را در مسائل معنوی و مادی کمک می‌کرد. او در قبرستان وادی السلام قم در مقبره‌ای که خود تهیه کرده بود، مدفون است.

آیه‌الله استادی در سن هفت سالگی به دبستان رفت و در دوازده سالگی تحصیلات دوره ابتدایی را به پایان رساند. پس از آن تا شانزده سالگی به کار و کسب مشغول بود. در شانزده سالگی به وساطت دو نفر از مؤمنان، به مسجد امین الدوله بازار تهران و مدرسه علمیه مروی رفت و تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. حدود چهار سال از عمر طلبگی خود را در تهران سپری کرد و سپس به حوزه علمیه قم شرفیاب شد و در دروس دوره سطح شرکت می‌کرد. سپس حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و از محضر استادان برجسته روزگار خود بهره برد. او دو بار به عتبات عالیات مشرف شده بود که نخستین بار آن در دوران کودکی و بار دوم در دوران تحصیل بود و چند ماه به طول انجامید که در طی این چند ماه در درس خارج برخی از استادان آن دیار نیز حاضر شد.

آیه‌الله استادی در طی این سالها، شوق فراوانی به گردآوری کتب و مطالعه آنها داشت که این مسأله، بعدها در شکل‌گیری روحیه پژوهشگری او تأثیر بسزایی داشت. همچنین در این سالها در درس اخلاق استادان حوزه علمیه تهران و قم حاضر می‌شد.

آیه‌الله رضا استادی در سالهای تحصیل خود، محضر استادان بسیاری را درک کرد. او در حدود چهار سال در تهران، از محضر آقایان حاج شیخ عبدالکریم حق شناس امام جماعت مسجد امین الدوله، حاج شیخ احمد مجتهدی امام جماعت مسجد حاج ملاجعفر، مرحوم حاج شیخ هادی مقدس واعظ، مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی امام جماعت مسجد بزازهای تهران و... استفاده

کرد. در قم نیز در چند سالی که دروس دوره سطح را می‌خواند به درس آیة‌الله ستوده، آیة‌الله میرزا حسین نوری، آیة‌الله خزعلی، آیة‌الله محمدی شاه‌آبادی، آیة‌الله جعفر سبحانی، آیة‌الله منتظری، آیة‌الله مکارم شیرازی، آیة‌الله سلطانی بروجردی، آیة‌الله آذری قمی رفت و از درس ایشان بهره برد.

در ضمن در درس اخلاق و توسل مرحوم آیة‌الله حاج شیخ عباس طهرانی و مرحوم حاج آقا حسین فاطمی شرکت کرد. با پایان یافتن دوره سطح نیز به دروس خارج آیات عظام مرحوم سید حسن فرید اراکی، مرحوم سید محمد محقق داماد یزدی، مرحوم سید محمدرضا گلپایگانی، مرحوم سید کاظم شریعتمداری، مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و آیة‌الله حاج سید موسی شبیری زنجان‌ی رفت و در چند ماهی که در نجف حضور داشت، در درس خارج امام خمینی (ره)، آیة‌الله العظمی خویی (ره) و شهید سید محمد باقر صدر (ره) شرکت جست. او در سالهای تحصیل خود که نزدیک به بیست سال بود، با برخی از فضلا و بیش از همه با آیة‌الله سید محسن خرازی درسها را مباحثه می‌نموده است و در طی این سالها، خود از تدریس دروسی که خوانده بود، غافل نماند. ایشان از باب تیمن و تبرک از مرحوم آیة‌الله سید مصطفی صفایی خوانساری و مرحوم آیة‌الله شیخ محمد تقی تستری (مؤلف قاموس الرجال) و آیة‌الله نجومی اجازه روایت دریافت کرد.

آقای استادی تا به امروز فعالیتهای فرهنگی بسیاری را به عالم اسلام تقدیم داشته است. او در طول سالهای متمادی به تدریس کتابهای شرح لمعه، اصول فقه، مکاسب، رسائل، کفایه، و نیز اصول عقاید و تفسیر پرداخته و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پرورانده است.

از آغازین سالهای تحصیل، به امر تبلیغ اهتمام داشته و به نقاط گوناگونی رفته و مردم آنجا را ارشاد نموده است. همچنین در برخی سمینارها و همایشهای علمی، مانند کنگره شیخ انصاری، شیخ فضل الله نوری، رشیدالدین میبیدی، سید حسن مدرس، میرزا کوچک خان، سید شرف الدین و کنگره امام رضا (ع) و نیز همایش اقتصاد اسلامی به ایراد سخن پرداخته است. از کارهای مهم ایشان در این عرصه تهیه، تنظیم و چاپ آثار سه کنگره عظیم شیخ مفید، مقدس اردبیلی و آفاحسین خوانساری است که حدود ۵ سال، بیشتر اوقات ایشان را به خود مصروف داشته است. پس از آن نیز تنظیم آثار کنگره فاضلین نراقی و نخبگان گلپایگان و چاپ آن به عهده ایشان بوده است.

آیة‌الله استادی سه سال مدیر حوزه علمیه قم و پنج سال سرپرست کتابخانه مسجداعظم بود و چند سال است که عضو شورای عالی حوزه علمیه قم می‌باشد. او حدود شش سال از اعضای هیأت امنای دائرةالمعارف اسلامی، سه سال از اعضای مشاوران کتابخانه آستان قدس رضوی بود و حدود سی سال است که به همراه آیة‌الله خرازی، در هیأت مدیره مؤسسه در راه حق می‌باشد. وی از سال ۱۳۵۰ تاکنون در کنار درس، به تألیف، تصحیح و ترجمه نیز اشتغال داشته است.

آیة‌الله استادی تاکنون حدود ۱۵۰ مقاله نگاشته که پس از چاپ در مجلات به صورت کتابهایی با نامهای مختلف تجدید چاپ شده که در بخش تألیفات ایشان یاد شد. وی کتب بسیاری را تصحیح نموده است که از جمله می‌توان الکافی فی الفقه، تقریب المعارف، نفس المهموم، دو جلد از جواهر الکلام، المسلك محقق حلّی، ۹ رساله از محقق حلّی، منهج الرشاد، هفده رساله فارسی، چهارده رساله عربی، سی رساله مرحوم آقامیرزا احمد آشتیانی را نام برد.

همچنین وی بر چاپ کتب بسیاری نظارت داشته است که از جمله آنها به میزان الطالب، چهارده جلد از تفسیر نور، التوازن الاسلامی، الحکومت الاسلامیه فی روایات الشیعه و چند جلد از تألیفات آیة‌الله العظمی اراکی را می‌توان اشاره کرد.

آیت‌الله استادی در پیش از انقلاب، دوشادوش مردم به مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه پرداخت و پس از انقلاب به عضویت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد. وی همواره به تبعیت از راه امام خمینی (ره) و حمایت از رهبری مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید داشته و همواره دستاوردهای انقلاب را که همانا حاصل خون هزاران شهید بوده، پاس می‌داشته است.

اسدی نسب، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی اسدی نسب

محل تولد: بروجرد

شهرت: اسدی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تا کلاس اول علوم تجربی (دیرستان) را به صورت شبانه خواندم. در سال ۵۶ وارد حوزه علمیه بروجرد شدم و در سال ۵۹ وارد حوزه علمیه قم گردیدم، تا سال ۶۷ دروس سطح را به اتمام رساندم و وارد دروس خارج شدم.

از سال ۷۰ تا ۷۳ (به مدت چهار سال) در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر شرکت نمودم و از اساتیدی چون آیه الله معرفت، مکارم، خزعلی، شب زنده دار و دیگران بهره مند شدم و رساله سطح چهار را با موضوع قرآن و سکولاریسم با راهنمایی آیه الله غروی و مشاوره حجة الاسلام غروی انجام دادم و دفاع کردم.

از آن زمان تاکنون مشغول تدریس و تحقیق می باشم که به آنها اشاره می کنم:

الف: فلسفه، تدریس بدایه و نهایه ب: ادبیات عرب، تدریس سیوطی و جامع المقدمات ج: تفسیر، تدریس المیزان مجمع البیان و علوم قرآن در حوزه و دانشگاه علامه طباطبائی د: اصول، رسائل و کفایه ه: فقه، مکاسب و لمعه. در زمینه تحقیقاتی:

الف: نوشتن کتبی در زمینه علوم قرآن مثل جامع البیان فی الاحادیث المشترکه حول القرآن حدود ۶۵۰ صفحه ب: مناہج التفسیر از دیدگاه شیعه و سنی به میزان ۵۵۰ صفحه ج: قرآن و سکولاریسم برای دانشجویان د: اشتغال به تفسیری روان برای جوان در یک جلد که هم اکنون مشغول آن هستم. ه: نوشتن مقالات مختلف در زمینه علوم قرآن که به برخی از آنها اشاره شد. و: ترجمه برخی از آثار و مقالات از جمله ترجمه جلد اول تفسیر "المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید" به میزان ۶۰۰ صفحه و هم اکنون نیز با سمت عضو هیات علمی گروه قرآن پژوهی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی^۱ مشغول نوشتن تفسیر کامل فارسی روان و تک جلدی می باشم که امید است در سال ۱۳۹۰ به اتمام برسد. این تفسیر طوری طراحی شده است که بتواند حدود هفتصد هزار کلمه در خود جای دهد.

اسدی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اسدی

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اسدی در سال ۱۳۴۸ در یکی از روستاهای اطراف زنجان متولد شدم. تحصیلات ابتدائی راهنمایی و دبیرستان را در زنجان گذراندم. سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شده و سطح یک حوزه را در زنجان و تهران به پایان رساندم. در سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه قم شدم.

همراه با درسهای حوزه تا مقطع خارج فقه و اصول در مقطع کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی از موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۰ از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان "مواجهه آیات و روایات با جنبه های منفی فرهنگ پذیری" دفاع کردم. پایان نامه یاد شده در سال ۱۳۸۲ از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور به عنوان پژوهش برتر دینی سال انتخاب و در پنجمین همایش تجلیل از پژوهشگران برتر حوزه دین موفق به دریافت لوح تقدیر و جایزه شد و هم اکنون در دست پاره ای اصلاحات است تا از سوی موسسه امام خمینی (ره) منتشر شود.

از سال ۱۳۷۹ در زمینه تالیف و ارزیابی با دایره المعارف قرآن کریم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) همکاری دارم، بیش از ۲۰ مقاله برای دایره المعارف مزبور نوشته ام. از سال ۱۳۸۲ تاکنون مدیر گروه ادیان دایره المعارف هستم، همچنین عضو هیات علمی و عضو شورای علمی گروه دایره المعارف ها در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی می باشم.

اسدی، کاظم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کاظم اسدی

محل تولد: بصره

شهرت

تابعیت: عراق

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

نشأت احب الشعر و الرسم و الخط و قراءت القرآن الکریم و الکتب الدینیة خاصه التي فيها ذکر مولانا الحجه بن الحسن المهدی (علیه الصلاه و السلام) و حفظت المزید من القوائد الشعریه و الفت العرید من القوائد الشعریه و كذلك فی مجال الرسم، و کان لی شغف بتعلم علوم اهل البيت (ع) منذ الصغر و حاولت منذ البدايه و تمنیت ذلك کثیرا ان اکون طالبا طيله حیاتی و قد رزقنی الله

ذکر بعد عناء کبیر. و کنت اعشق المنیر و قراءت العزاء الحسینی و قد رزقنی الله عز وجل ذلک بعد جهد جهید. - درست الابتدائیه و المتوسطه والثانویه فی محافظه البصره بتفوق و کنت اعطی من الامتحانات النهائیه بسبب التفوق. - درست معهد الکترونیک و تخرجت من الاوائل. - تم ایفای الی ایتالیا - روما و فلورنسا و اکملت فیها دراسه الالکترونیک و تخرجت بتفوق و بدرجه ممتاز. - درست اللغه الایطالیه لمده اربعه سنوات دراسه تخصص فی البصره. - درست اللغه الانگلیزیه لمده اربعه سنوات دراسه تخصص فی البصره. - درست اللغه الایطالیه لمده سنتین فی البصره. - درست اللغه الانگلیزیه لمده سنتین فی البصره. - بدات بدراسه الحوزه المبارکه فی سنه ۱۹۸۵ م فی عهد السید الخوئی (رض) و لکن بصوره سریه. - ارتبطت بالسید ابوالقاسم الخوئی و کنت احمل الخمس الیه من البصره و الاحکام الشرعیه و غیرها. - درست فی معهد الامامین الحسینین (ع) للخطابه لمده (۴ سنوات). - درست فی حوزہ دائره العلوم الاسلامیه المقدمات و السطوح. - درست فی جامعہ آل البیت العالمیه لاکمال الماجستير (کارشناسی ارشد) لمده ثلاث سنوات. - درست البحث الخارج فقها و اصولا- فی مدرسه الحجثیه. - درست البحث الخارج فقها و اصولا فی منتدی جبل عامل (حوزه لبنانیها). - درست الفلسفه و الاصول و العرفان النظری علی ید آیت الله السید کمال الحیدری (حفظه الله). - درست الاصول (بحث خارج) علی ید السید علی رضا الحائری. - درست الفقه و الاصول (بحث خارج) علی ید آیت الله الشیخ فاضل المالکی من ۱۳۸۴-۱۳۸۲. - توجهت للکتابه و التالیف و خاصه فی مجال الادیان و القصائد و لی بحوث و کتب و مقالات فی القرآن الکریم و العهدين (الکتاب المقدس) و السیره و التاريخ و القصائد و عقائد الادیان السماویه. - تم طبع ثلاث کتب لحد الان و لکن طبع محدود علی حسابی الخاص. - لی عشره کتب جاهزه للطبع مبتکره. - تم تکلیفی شخصیا بکتابه کتب خاصه فی مواضع خاصه و مهمه و ثلاثم روح العصر و ذلک من قبل بعض العلماء و الاساتذہ الکبار فی قم المقدسه و لازالت هذه الکتب تحت الید اسال الله عز و جل التوفیق بانجازها. و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آلہ الطیبین الطاهرین.

اسفرائینی طوسی، ابوالمظفر شاهفور، طاهر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۷۱ ق)، فقیه، اصولی، مفسر و متکلم شافعی. از بزرگان عصر خویش بود و در فنون مختلف دست داشت. وی داماد استاد ابومنصور بغدادی بود. او از ابن مَحْمَش و اصحاب اصم نقل حدیث کرده و زاهر شحّامی از شاگردان او بوده است. در «طبقات الشافعیه» و به تبع آن «الاعلام» و «تاریخ نظم و نثر» و همچنین در جلد چهارم «معجم المؤلفین» از وی به عنوان فرزند طاهر یاد شده است. ابوالمظفر در طوس در گذشت. از آثار وی: «التبصیر فی الدین و تمیز الفرقه الناجیه عن الفرق الهالکین»؛ «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم»، تفسیری از قرآن به زبان فارسی؛ «الاوسط» در ملل و نحل؛ کتابی در «اصول».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶۰/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۷)، سیر النبلاء (۴۰۲- ۴۰۱/ ۱۸)، کشف الظنون (۱۸۲۰، ۴۴۲، ۳۴۰، ۲۶۸)، لغت نامه (ذیل / اسفرائینی)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۴۷۱)، معجم المؤلفین (۳۸/ ۵، ۳۱۰/ ۴)، هدیه العارفین (۴۳۰/ ۱).

اسکندرلو، محمدجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جواد اسکندر لو

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۲

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۰ در شهرستان همدان در یک خانواده مذهبی متولد شدم. در سال ۱۳۵۶ به منظور فراگیری معارف و علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم. ادبیات عرب، منطق و علوم بلاغی را (۶۰-۱۳۵۶) در مدرسه مبارکه رضویه خواندم. لمعتین (۶۳-۶۱) را نزد آیت الله اشتهاردی و استاد شماعی همدانی، رسائل و مکاسب (۶۷-۶۴) را نزد آیت الله اعتمادی و آیت الله علوی گرگانی، کفایتین (۶۹-۶۷) را نزد آیت الله اعتمادی، خارج فقه (۸۰-۷۰) را نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله نوری همدانی خارج اصول (۷۸-۷۰) را نزد آیت الله فاضل و آیت الله مکارم شیرازی.

تحصیلات دانشگاهی:

مقطع کارشناسی الهیات و معارف اسلامی (۷۴-۷۱) موسسه در راه حق.

مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآنی (۷۸-۷۴) موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث (۸۳-۷۹) تربیت مدرس دانشگاه قم.

ملاحظات: در مهر ماه ۱۳۷۸ از پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "نقد و ترجمه مدخل قرآن از دایره المعارف دین" دفاع نموده و امتیاز ۲۰ را احراز کردم و در سال ۱۳۷۹ در کنکور دکترای علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کرده و با کسب رتبه اول پذیرفته شدم. در تاریخ ۲۲/۳/۸۲ موضوع پایان نامه دکتری بنده تحت عنوان "نقد و بررسی تحقیقات خاور شناسان در زمینه تاریخ گذاری آیات و سور قرآن" به تصویب رسید و در تاریخ ۱۵/۱۰/۸۳ مورد دفاع قرار گرفت و با درجه عالی و امتیاز ۱۸/۵ پذیرفته شد.

فراگیری زبان انگلیسی:

الف) دوره عالی زبان انگلیسی مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۵ (طی ۷۰۰ ساعت آموزش) که در تاریخ ۳۱/۴/۶۶ گواهینامه آن را (مهور به مهر مرکز زبان های خارجی دانشگاه تهران، مرکز زبان های خارجی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی و مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) است، دریافت نمودم.

ب) در سال ۱۳۶۹ جهت تقویت مکالمه زبان انگلیسی، کلاس های آن را در زبانکده انگلیسی (ای. اچ. پ) پشت سر نهاده و موفق به اخذ دیپلم زبان (با امتیاز ۲۰) گردیدم.

ت) اخذ گواهینامه مترجمی زبان از نیروی دریایی پاکستان (۱۳۷۰)

ملاحظه: در سال ۱۳۷۰ از سوی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عازم بندر کراچی پاکستان شدم و در طی مدت شش ماه در جمع برادران سپاهی که جهت گذراندن دوره تخصصی زیر دریایی به نیروی دریایی پاکستان اعزام شده بودند، به عنوان مبلغ و مترجم زبان انگلیسی حضور داشته و در پایان دوره موفق به اخذ گواهینامه مزبور شدم.

اسلامی پناه، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی اسلامی پناه

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: عراق

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی اسلامی پناه در سال ۱۳۳۷ در شهر کربلا و در یک خانواده روحانی بدنیا آمدم. تحصیلات ابتدائی را در مدارس عراقی گذرانده، از همان زمان با حوزه کربلا و نجف آشنا شدم. در سال ۱۳۵۱ از کربلا اخراج شده و در قم سکونت کردم. در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قم شده، در مدرسه آیت الله گلپایگانی دروس مقدمات را طی نمودم. از دروس سطح، رسائل را نزد استاد اعتمادی و مکاسب و کفایه را نزد استاد ستوده به پایان رساندم. در همان زمان در سال ۱۳۵۹ وارد موسسه در راه حق شدم و دوره چهار ساله را طی نمودم. بیشتر درسها را نزد استاد مصباح یزدی و آیت الله معرفت و استاد فیاضی گذراندم. در سال ۱۳۷۳ پایان نامه خود را به راهنمایی استاد اعرافی دفاع کردم. از همان زمان در بخش تاریخ و سیره اهل بیت (ع)، با دفتر تبلیغات اسلامی همکاری خوبی داشتم و عضو گروه زن در اندیشه اسلامی موسسه امام خمینی (ره) شدم و این دو کار تا سال ۱۳۸۰ ادامه داشت. از سال ۱۳۸۰ در مدارس وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس علوم قرآن، تفسیر و فقه پرداخته و هم اکنون نیز ادامه دارد.

اشراقی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۸- ۱۳۱۳ ق)، عالم، مفسر، خطیب و شاعر. حجت‌الاسلام اشراقی در قم متولد شد. مقدمات و سطوح را نزد پدرش و سایر مدرسین مانند حاج شیخ ابوالقاسم کبیر فراگرفت و عمده‌ی تحصیلات خود را نزد آیت‌الله حائری به پایان برد و از برجسته‌ترین شاگردان وی بود. او سرانجام به مقام اجتهاد نایل آمد و در فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان صاحب نظر گردید. در حیات آیت‌الله حائری به تدریس فقه و اصول و حکمت و کلام پرداخت. اشراقی طبع شاعری نیز داشت. در تهران درگذشت و در قم در مسجد بالا سر دفن شد. از آثار وی: «تفسیر سوره‌ی یوسف» و «تفسیر سوره‌ی اعلی و ن والقلم». آثار دیگری از او بجا مانده که به چاپ نرسیده از جمله: «اربعین»؛ تقریرات فقه «مکاسب» آیت‌الله حائری؛ و تعلیقاتی بر کتب فقهی و اصولی. [۱]

میرزا شهاب‌الدین بن العالم الجلیل و الخطیب الجمیل میرزا محمدتقی اشراقی یکی از افاضل حوزه و حفید مرحوم آیت‌الله ارباب

می‌باشد.

در سال ۱۳۰۲ شمسی در شهر مذهبی قم به دنیا آمده و اوان کودکی را در مهد تربیت والد ماجد خود گذرانیده و تحصیلات جدید را تا دریافت دیپلم موفق شده و به زبان فرانسه مسلط گردیده و ضمن علوم قدیمه ادبیات و منطق را نزد والد خود خوانده و پس از آن در سال ۱۳۲۱ شمسی رسماً در سلک روحانیت درآمده و در مدت سه سال سطوح فقه و اصول را نزد اساتید حوزه تمام نموده و درس خارج را نزد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی شروع کرده و در سن بیست و پنج سالگی پدر را از دست داده و یکسال پس از آن با وصلت کردن با مرجع عالیقدر آیت‌الله العظمی... پدر روحانی بزرگی خداوند تعالی نصیبت فرموده که از محضر درس و جلسات خصوصی وی بهره‌های وافری برده و هم به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و مدت دوازده سال تمام از محضر آیت‌الله... (ابوالزوجه) خود خوشه‌چینی کرده و در ضمن در رشته معقول از اساتید فن استفاده نموده و در فن تفسیر از محضر درس پدر و زحمات فراوانی که خود متحمل گذشته مهارت تامی پیدا نموده و هم به تدریس فقه و اصول اشتغال دارد از تالیفات ارزنده مطبوع ایشان کتب زیر می‌باشد:

۱- پاسداران وحی که در بحث امامت کتاب کم نظیر است که با معیت آقای محمد فاضل نوشته است.

۲- چهره‌های درخشان بحث در آیه تطهیر ۳- سخن حق در تفسیر در ۲۰ مجلد که دو مجلد آن به چاپ رسیده است اما کتب چاپ نشده ایشان ۱- دانستنیهای از اسلام ۲- شرح بر عروه‌الوثقی که کتاب طهارت آن تکمیل است و در نظر دارد دماء ثلاثه را که کتاب مستدل نفیسی است علیحده چاپ نماید ۳- فی الاحوط والاقوی که فتاوی مراجع را بر حاشیه عروه مورد بحث قرار داده است.

میرزا محمد تقی اشراقی فرزند مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمد ارباب یکی از علماء و دانشمندان بنام حوزه علمیه قم بوده‌اند که در سال ۱۳۱۳ ق در قم متولد شده و در مهد تربیت پدری چون مرحوم علامه ارباب نشو و نما نموده و مقدمات و سطوح را از والد خود و سایر اساتید و آیات عظام قم مثل مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و دیگران آموخته تا در سلک شاگردان میرزا مرحوم آیت‌الله حایری درآمده و عمده تحصیلات را از آن بزرگوار تحصیل نموده و از برجسته‌ترین شاگردان آن مرحوم به شمار می‌رفته است

مرحوم علامه اشراقی دارای مقام اجتهاد و حقا در هر علم و فنی از فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان حایز آن مقام منبع بود و از زمان مرحوم آیت‌الله حایری تدریس فقه و اصول و کلام و حکمت و تفسیر را با بیانی شیرین می‌نمود و مخصوص در فن خطابه و ابتکارات منبری و تحقیق در مطالب در عصر خود کم‌نظیر بود علم خود را به زیور حلم و وقار و تواضع و حسن اخلاق آراسته و در این فضائل گوی سبقت از بسیاری از اقران خود ربوده بود به قدری مهارت و استادی در تطبیق مطالب داشت و حق مطلب را اداء کرده و داد سخن می‌داد که عقول مات و خردها حیران می‌ماند، در ۲۵ ماه رمضان ۱۳۶۸ در تهران سکنه قلبی نموده و جنازه‌اش با احترام فوق‌العاده‌ای حمل به قم و در مسجد بالاسر نزدیکی قبر مرحوم آیت‌الله حایری مدفون گردید.

تالیفات ایشان که مطبوع شده تفسیر سوره یوسف و سوره ن والقلم و غیر مطبوع اربعین در حدوث و تقریرات فقه مکاسب مرحوم آیت‌الله حایری و تعلیقاتی بر کتب فقیه و اصولیه و حکمت و فلسفه می‌باشد مانند مرحوم والدش دارای طبع روان و ذوق فراوان بود.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

منابع زندگینامه [۱]: الذریعه (۲۶/۲۱۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۴- ۱۸۳/ ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۸- ۳۳۷/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۶- ۲۴۵/ ۲).

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیررضا اشرفی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به حول و قوه الهی و با عنایات حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء وارد حوزه مقدسه علمیه قم شدم. دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) به مدیریت حجت الاسلام والمسلمین علی عطایی اصفهانی گذراندم. در آن زمان تدریس دروس ادبیات عرب و منطق را در آن مدرسه استاد تهرانی، طالقانی و مظهر علی (پاکستانی) به عهده داشتند، لذا دروس مذکور را در محضر این سه استاد گذراندم. در درس معالم الاصول از محضر آیت الله شیخ یحیی انواری استفاده کردم. دروس اصول فقه و لمعه را نزد حجج اسلام علی حسینی بوشهری و سید احمد خاتمی و علی محمدی خراسانی گذراندم.

بین سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ در درس رسائل استاد علی محمدی خراسانی و مکاسب محرمة آیت الله عراقچی حاضر شدم. جلد اول و دوم کفایة الاصول را نزد استاد سید محمد رضا یزدی (عضو فعلی فقهای شورای نگهبان) گذراندم. و پس از آن حدود ۵ سال در درس خارج اصول ایشان در مدرسه علمیه آیت الله العظمی گلپایگانی (روبروی شیخان قم) تلمذ نمودم. ضمناً حدود ۴ سال از محضر درس خارج فقه آیت الله العظمی میرزا جواد آقا تبریزی (ره) و خارج فقه آیت الله عبدالله جوادی آملی استفاده کردم.

همزمان با اشتغال به دروس فقه و اصول بین سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴ دوره پنج ساله الهیات و معارف اسلامی موسسه در راه حق را گذراندم و در سال ۱۳۷۴ از آن موسسه با مدرک کارشناسی الهیات و معارف اسلامی فارغ التحصیل شدم. در همان سالها گروه های آموزشی و پژوهشی موسسه مزبور به ریاست آیت الله مصباح یزدی فعالیت خود را در قالب موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ادامه دادند، بنده نیز دوره آموزشی کارشناسی ارشد پیوسته علوم قرآنی آن موسسه را بین سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ گذراندم و در سال ۱۳۷۸ از رساله ام با عنوان نقد و بررسی دیدگاههای علوم قرآنی علامه بلاغی (ره) دفاع نموده و با مدرک کارشناسی ارشد علوم قرآنی از آن موسسه فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۰ در دوره دکتری علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم و در خرداد ۱۳۸۵ از رساله ام با عنوان مبانی و قواعد تفسیری علامه طباطبائی (ره) دفاع نمودم و با مدرک دکتری علوم قرآن و حدیث از آن مرکز فارغ التحصیل شدم.

ضمناً از سال ۱۳۷۹ به عنوان عضو هیئت علمی و عضو شورای علمی گروه علوم قرآنی و از بهمن ۱۳۸۵ به عنوان قائم مقام مدیر گروه علوم قرآنی با موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) همکاری می کنم. والحمد لله رب العالمین.

اشعری قمی، یعقوب

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۷۴ ق). عالم، محدث و مفسر. ذهبی از او تعبیر به عالم اهل قم کرده است. از برادرانش، عبدالرحمن و عیسی و عمران بن عبدالله، و نیز جعفر بن ابی‌المغیره و اعمش و لیث بن ابی‌سلیم روایت کرده است. ابن‌مهدی، منصور خزاعی، هیشم بن خارجه، ابوریع زهرانی و عمرو بن رافع قزوینی و محمد بن حمید رازی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. نسائی و ابوالقاسم طبرانی او را موثق دانسته و ابن‌حبان او را در کتاب «الثقات» خود ذکر کرده است. در «سنن» چهارگانه از او نقل حدیث شده است. و بخاری نیز در «صحیح» خود از او بطور تعلیق حدیث نقل کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تهذیب التهذیب (۳۴۰/ ۱۱)، الجرح و التعديل (ج ۴، ق ۲۱۰- ۲۰۹/ ۲)، سیر النبلاء (۳۰۰- ۲۹۹/ ۸)، لسان المیزان (۳۲۲- ۳۲۱/ ۹)، میزان الاعتدال (۴۵۲/ ۴).

اصفهانی، شمس‌الدین، ابوالثناء محمود

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۴۹- ۶۷۴ ق)، مفسر، صوفی، متکلم، منطقی، عروضی و نحوی. در اصفهان متولد شد و فنون متداول را در زادگاه خود نزد پدر و جمال‌الدین ابی‌رجا و دیگران فراگرفت. مدتی در اصفهان و تبریز به تدریس پرداخت و از معاصران شیخ حسن چوپانی و قاضی مظفرالدین شاه قزوینی بود. پس از زیارت خانه خدا به دمشق رفت و در جامع اموی به تدریس پرداخت، سپس به قاهره رفت و در خانقاهی که قوصون برای او بنا کرده بود به ارشاد و تربیت مریدان مشغول شد و در همان شهر بود تا درگذشت. و در قرافه دفن شد. از آثار: وی «تشید القواعد فی شرح تجرید العقاید»؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب در نحو؛ شرح «ساویه»، در عروض؛ «انوار الحقایق الربانیة فی تفسیر الآیات القرآنیة»؛ شرح «منهاج» بیضاوی؛ «ناظر العین»؛ «شرح مختصر السؤل و الأمل فی علمی الاصول و الجدل»؛ «شرح الطوالع»، در منطق و کتاب مختصری در اصول دین.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵۲/ ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۳۰، ۲۲۹/ ۳)، حبیب السیر (۲۳۲/ ۳)، الذریعه (۱۴۰/ ۱۳)، روضات الجنات (۱۱۷/ ۸)، ریحانه (۲۴۹- ۲۴۸/ ۳)، کشف الظنون (۱۹۹۱، ۱۹۲۱، ۱۸۷۹، ۱۸۵۵، ۱۷۱۷، ۱۳۷۱، ۱۱۴۸، ۱۱۳۷، ۱۱۱۶، ۴۴۳، ۴۴۲، ۳۴۶، ۲۳۵)، لغت‌نامه (ذیل / محمود)، معجم المؤلفین (۱۷۳/ ۱۲)، هدیه العارفین (۴۰۹/ ۲).

اصیل‌الدین واعظ شیرازی، عبدالله

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۸۴/ ۸۸۳ ق)، مفسر و محدث. وی در زمان سلطان ابو سعید گورکان از شیراز به هرات رفت و در آنجا اقامت گزید به همین جهت به هروی نیز مشهور بوده است. او به دستور آن پادشاه هفته‌ای یکبار در مدرسه‌ی عالیه گوهرشاد آغا، به موعظه و نصیحت

می پرداخت. وی در هرات درگذشت و نزدیک مدرسه گوهرشاد آغا دفن شد. از جمله تألیفات وی: کتاب «درج الدرر فی میلاد سیدالبشر»؛ رساله‌ی «مزارات هرات» یا «مقصد الاقبال السلطانیه و مرصد الاعمال الخاقانیه»؛ رساله‌ی «مزارات شیراز»؛ «المجتبی فی سیره المصطفی»؛ «المجتبی من کتاب المجتبی فی سیره المصطفی»، خلاصه‌ای از کتاب سابق الذکر است که برای جمال‌الدین ابراهیم معروف به ابی کالیجار وزیر نوشته است؛ کتاب «معراج الاعمال»، در اوراد و عبارات؛ «غرفه الحصن»، ترجمه «مختصر حصن الحصین»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۶۰۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۰۶/۵)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۴-۲۴۳)، حبیب السیر (۳۳۴/۴)، الذریعه (۱۱۰/۲۲)، ۲۲۸/۲۱، ۳۲۶، ۱/۲۰، ۴۴/۱۶، ۵۸/۸، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۸/۹)، کشف الظنون (۷۴۵، ۶۷۰)، مجالس المومنین (۵۲۷-۵۲۶/۱)، مزارت هرات (مقدمه)، معجم المؤلفین (۶۸/۶)، هدیه العارفین (۴۷۰-۴۶۹/۱)، هفت اقلیم (۲۱۷-۲۱۶/۱).

اطروش، ناصرالحق، ابومحمدحسن

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۰۴/۳۰۲-۲۳۰/۲۲۵ ق)، مفسر، متکلم، فقیه، محدث، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ناصر کبیر. جد مادری شریف رضی و شریف مرتضی است. شیخ طوسی او را در شمار اصحاب امام هادی (ع) آورده است. حاکم طبرستان بود و از این رو که بر اثر اصابت شمشیری در نبرد گاه کر شده بود به اطروش خوانده می‌شد. وی در فقه و دین علامه بود و در شعر توانا. ابن ابی‌الحدید گوید که او صاحب سیف و قلم و از بزرگان فقهای امامیه و شیخ طالبین و عالم و زاهد و ادیب و شاعر ایشان بود. او اسلام را در میان ساکنان ساحل دریای خزر نشر داد و در حدود دویست هزار دیلمی و گیلانی به دست وی ایمان آوردند، و او را در شهرهای آنان مساجدی بنا کرد. به گفته‌ی طبری و ابن‌اثیر او حاکمی عادل و نیک سیرت بود و مردم همانند او را در عدل و برپایی حق و حسن روش ندیدند. وی سرانجام در آمل طبرستان درگذشت و مزارش در همان شهر زیارتگاه عموم است. تألیفات و آثار وی بیش از سیصد کتاب بوده است. از جمله آثارش: «اصول الدین»؛ «الامالی»؛ «الامامه الصغیر»؛ «الامامه الکبیر»؛ «امهات الاولاد»؛ «البساط»، در علم کلام؛ «تفسیر الاطروش»، در دو مجلد که در آن به ۱۰۰۰ بیت از ۱۰۰۰ قصیده احتجاج کرده؛ «الفقه الناصریه» که شریف مرتضی علم‌الهدی آن را شرح و تصحیح کرد و «المسائل الناصریات» نامید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۱۶)، اعیان الشیعه (۱۸۴-۱۷۹/۵)، الذریعه (۲۹۹/۱۶، ۲۶۱/۴، ۳۱۵، ۳۰۸/۲)، رجال الطوسی (۴۱۲)، رجال النجاشی (۱۷۱-۱۷۰/۱)، روضات الجنات (۲۵۳-۲۵۱/۲)، ریحانه (۹۸/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۲/۴)، الکامل (۱۴۸/۶)، الکنی و الالقاب (۳/۲۳۲)، لغت‌نامه (ذیل / اطروش)، مروج الذهب، ترجمه (۶۹۰/۲)، معجم المؤلفین (۳/۲۵۲).

اعرج نیشابوری، نظام‌الدین حسن

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم ق)، عالم دینی، مفسر، عارف و ادیب. معروف به نظام نیشابوری و نظام اعرج. او را از علمای عامه دانسته‌اند و بعضی به او نسبت تشیع داده‌اند. اصلش از قم و ساکن نیشابور و به آورده‌ی برخی از مآخذ اصلش از نیشابور و ساکن قم بود. وی از شاگردان قطب‌الدین محمد بن مسعود شیرازی به شمار می‌آمد. در پاره‌ای از منابع وی جزو علمای سده‌ی نهم قمری آورده شده چون تاریخ اتمام بعضی از مجلدات «تفسیر» مشهور او را در حدود ۸۵۰ ق ذکر کرده‌اند، در حالی که برخی از منابع ۷۲۸ ق را تاریخ صحیح اتمام می‌دانند. از آثارش: «غرائب القرآن و رغائب الفرقان»، در تفسیر که به «تفسیر نیشابوری» معروف است و آن را به اشاره استادش، قطب‌الدین محمد بن مسعود شیرازی، تألیف کرد؛ «لب التأویل»، در تفسیر قرآن؛ «اوقاف القرآن»، که به امر قطب‌الدین شیرازی به اسم خواجه سعدالدین ساوجی وزیر الجایتو (م ۷۱۱ ق) نوشته است، «توضیح التذکره»، شرح «تذکره النصیریة» خواجه نصیر طوسی، در هیئت که در ۷۱۱ ق تألیف نموده است؛ شرح «الشافیة» ابن حاجب، در علم صرف که به «شرح نظام» معروف است؛ شرح «مفتاح العلوم» سکاکی؛ «الربع المقنطر»؛ رساله‌ای در «علم الحساب». [۱]

نظام‌الدین حسن بن محمد نیشابوری (ف. ۹۰۰ ه. ق). از علمای قرن نهم است. آثارش: کتاب «شرح تذکره‌ی طوسی» در هیأت، کتاب «شرح مجسطی»، کتاب «شرح نظام» در صرف، کتاب «تفسیر» معروف به تفسیر نیشابوری و شرحی بر کتب زیج. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۳۴، ۲۳۳/۲)، اعیان‌الشیعه (۲۴۹-۲۴۸/۵)، الذریعه (۲۸۴/۱۸، ۳۲-۳۱/۱۶، ۱۴۲/۱۳، ۷۲/۱۰، ۴۹۲، ۲۰۶/۴، ۱۲۱/۳، ۴۸۰/۲)، روضات‌الجنت (۱۰۱-۹۶/۳)، ریحانه (۱۹۹-۱۹۷/۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۴۷-۴۶/۸)، کشف‌الظنون (۱۷۶۳، ۱۵۹۵، ۱۱۹۵، ۱۰۶۲، ۱۰۲۱، ۳۹۲-۳۹۱)، الکنی واللقاب (۲۵۶/۳)، معجم‌المؤلفین (۲۹۱، ۲۸۲-۲۸۱/۳)، هدیة‌الاحباب (۲۵۷)، هدیة‌العارفین (۲۸۳/۱).

اعمی، مختار

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاری اصفهانی، فاضل ادیب شاعر، از دانایان به علوم قرآن و تجوید، و از دانشمندان قرن دهم در اصفهان است. کتب چندی در تجوید تألیف نموده، از آن جمله است:

۱- درج المضامین، منظومه‌ای در ۷۲ بیت در تجوید، در سال ۹۴۹ تألیف نموده، و آن را مولی علی بن جعفر استرآبادی شرح نموده، و آن را: «در نثار» در شرح تجوید ملا مختار نامیده، و در ۱۲۸۰ از شرح فارغ شده، و این شرح به طبع رسیده. در الذریعه سه شرح دیگر از این تجوید نام می‌برد

۲- رساله‌ای فارسی در تجوید ۳- مختار القراء، نسخه‌ای از آن نزد نگارنده موجود است؛ و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اکبرنژاد، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی اکبر نژاد

محل تولد: شیروان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی اکبر نژاد در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه ایلام شدم و برخی دروس مقدماتی را در آنجا گذراندم. با شروع تظاهرات و راهپیمایی‌های دوران انقلاب عملاً دروس حوزوی تعطیل شد و با پیروزی انقلاب، در اسفند ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه قم شدم.

در سال ۱۳۶۸ دروس سطح را به پایان رساندم و وارد درس خارج شدم همزمان با دوره سطح برخی دروس مانند بعضی از کتابهای فلسفی از جمله بدایه و نهاییه را خواندم و در زمان تحصیل در دوره خارج، مدتی در درس اسفار آیت الله حسن زاده و آیت الله جوادی آملی نیز شرکت کردم. درس خارج را نزد آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، وحید خراسانی و مومن قمی گذراندم.

در سال ۱۳۷۰ بعنوان عضو تحقیقاتی تفسیر راهنما، به اعضای نویسنده آن تفسیر ملحق و بعد از چند ماه کار در گروه برداشتهای اولیه روائی، وارد گروه کنترل نهایی فیش‌های حدیثی تفسیر شدم و این همکاری تا سال ۱۳۷۴ ادامه داشت و بدلیل رفتن به شهرستان در سال ۱۳۷۴ پایان یافت.

در سال ۱۳۷۱ در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کردم و در دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی پذیرفته شدم. در پاییز سال ۱۳۷۴ از رساله این دوره با عنوان "جدال در قرآن" دفاع کردم.

در زمستان ۱۳۷۴ بعنوان مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌های ایلام و علوم پزشکی ایلام منصوب شدم و همزمان دروس دانشگاهی را تدریس می‌کردم. در سال ۱۳۷۷ بعنوان عضو هیئت علمی دانشگاه در آمدن تا سال ۱۳۸۰ که با قبولی در دوره دکترای علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم، به قم منتقل شدم و عملاً مشغول تحصیل حوزوی و دانشگاهی و نیز انجام کارهای تحقیقی شدم که اکنون رساله دکترا آماده دفاع می‌باشد.

در سال ۱۳۸۱ با دعوت مرکز فرهنگی انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم به گروه حدیث این موسسه پیوسته و با همکاری چند تن از دوستان، اکنون مجموعه احادیث مهدویت دسته بندی و آماده چاپ و ارائه نرم افزاری می‌باشد.

اکبری کارمزدی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد اکبری کارمزدی

محل تولد: سواد کوه (عباس آباد)

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اکبری کارمزدی فرزند هادی در تاریخ ۱۰/۱/۱۳۴۳ در خانواده ای مذهبی و قرآنی متولد شدم. دوران ابتدائی را در محل و راهنمایی را در آلاشت به پایان رساندم به پیشنهاد ابوی مرحوم و به خاطر علاقه ای که در درون خود نسبت به درس حوزوی می دیدم راهی حوزه علمیه رستم کلاه در یکی از شهرهای استان مازندران به سرپرستی مرحوم آیه الله ایازی شدم و جامع المقدمات را همگام با قیام عمومی مردم در سال ۱۳۵۷ شروع نمودم که با تهدیدات طاغوت حوزه علمیه تعطیل شد به ناچار در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۱۳۶۰ مشغول تحصیل در مدرسه مرحوم آیه الله گلپایگانی شدم. با اتمام لمعتین در درس های آزاد حوزه شرکت نمودم که اصول فقه را در خدمت استاد حسینی بوشهری و صالحی افغانی بودم. مکاسب را در محضر اساتیدی چون استاد بنی فضل، مرحوم پایانی و استاد قدبری تلمذ کردم و رسائل را محضر آیه الله فاضل استفاده کردم و پنج سال متوالی خارج اصول را در محضر آیه الله سبحانی به پایان رساندم. همگام با خارج اصول به مدت ۸ سال خارج فقه را در محضر آیه الله مکارم تلمذ نمودم. ضمناً سالیان سال در درس تفسیر قرآن محضر آیه الله جوادی آملی بودم. حدود سال ۱۳۷۲ به خاطر علاقه ای که به قرآن و تفسیر قرآن پیدا کردم وارد رشته علوم قرآنی و تفسیر شدم. بعد از اتمام ۴ سال مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که بخاطر مشکلاتی، کار ناتمام و مهلت آن به سر آمد که برای بار دوم مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که تا به حال ادامه دارد. بعد از پایان دوره تخصصی برای انجام کار تحقیقات قرآنی در مرکز فرهنگ معارف قرآن مشغول و با تشکیل پرونده ها و سپس ارزیابی مقاله ها و نهائی کردن مقاله ها در بخش مقابله، نزدیک به ۹ سال است که دنبال می کنم نتیجه کارهایی که انجام گرفت انتشار پنج جلد از دایره المعارف قرآنی و دو جلد اعلام قرآن گروهی می باشد و چند مقاله که به نام اینجانب در دایره المعارف چاپ شده است. در حال حاضر در درس فقه آیه الله جوادی آملی مشغول می باشم.

الهی طباطبایی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد حسن الهی طباطبایی

ولادت: ۱۳۲۵ق.

محل ولادت: تبریز

وفات: ۱۳۸۸ق

محل دفن: قم

محل تحصیل: تبریز، نجف

اساتید: حضرات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی، سید حسین بادکوبه ای و ...

شاگردان: حسن حسن زاده آملی، میرزا محمد علی ارتقایی، میرزا موسی تبریزی و ...

تالیفات: رساله ای در علم موسیقی و روابط معنوی روح با صداها (که خود آن را از بین برد).

او از شاگردان مبرز مرحوم سید علی قاضی بود. در سعه صدر و پاکی و حسن خلق زبانزد بود. سیر و سلوک را یک دوران خاص و با اعمال خاصی نیم دانست بلکه آن را در متن همین زندگی عادی تعریف می کرد و زندگی رسول الله (ص) را شاهد این مطلب می آورد. می فرمود: مراقبه یعنی آدم در همین زندگی روزمره غفلت را از خودش دور کند.

ایشان پس از یازده سال اقامت در شهر ساقی کوثر، به دلیل وضع نامناسب معیشتی مجبور شد همراه برادر خویش، علامه طباطبایی، به تبریز باز گردد. در تبریز به تدریس فلسفه و تربیت جویندگان کمال پرداخت. ارتباط ایشان با مرحوم قاضی از طریق نامه برقرار بود، عباراتی چون " جعلت فداک " و " عزیز دلم " که آیت الله قاضی در این نامه ها خطاب به آقای الهی به کار می برد گویای عظمت شان ایشان نزد استاد است. استاد سید محمد حسین قاضی می فرماید: با اینکه خود آقا به علامه و بردارش گفته بود که به ایران برگردند اما دوری آن ها برایشان بسیار ناگوار بود و هر وقت یاد آن ها می افتاد گریه می کرد.

زمانی که آیت الله الهی در قم بود، در مجلس روضه ای که در منزل میرزا تقی زرگری تشکیل می شد، شرکت می کرد. یک بار بعد از اتمام روضه در سینی مسی برایش چای آوردند. او انگشت خود را بر لب گذارد و بعد به سینی مسی زد. سینی تبدیل به طلا شد. بعد فرمود: " ما طلا را می خواهیم چه کنیم؟ " دوباره انگشت بر لب گذاشت و به سینی زد و سینی به حالت اول برگشت! با وجود چنین قدرت روحی، زمانی برای پرداخت قرضش به دو هزار تومان احتیاج پیدا کرد و چون این مبلغ را نداشت مدتی زندانی شد!

این گفتار علامه طباطبایی مشهور است که می فرمود: من خودم از اخوی استفاده می کنم توصیه همیشگی ایشان هنوز در خاطر اطرافیان است: از حسنات اعمالتان که خیال می کنید حسنه است توبه کنید، تا چه رسد به معاصی!

سید محمد حسن الهی در سال ۱۳۸۸ هجری قمری درگذشت. شرح احوال ایشان در کتاب الهیه از انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشمس آمده است.

الهی قمشه ای، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم ربانی و حکیم متاله استاد میرزا مهدی الهی قمشه‌ای فرزند حکیم و عارف بزرگ میرزا ابوالحسن از دانشمندان به نام و حکماء والامقام و اساتید عظام معاصر تهران بوده‌اند تولد ایشان در حدود ۱۳۲۲ در قمشه اصفهان (شهرضا) واقع شده و در بیت علم و تقوا پرورش و دروس ابتدائی و سطوح نهائی را در فقه و اصول از علماء بزرگ و حکماء قمشه و اصفهان فرا گرفته و از آنجا مسافرت به مشهد مقدس نموده و از اساتید خراسان چون مرحوم آقا بزرگ حکیم و آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و میرزا مهدی اصفهانی و مرحوم آیت‌الله بررسی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تهران عزیمت نموده و در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس فلسفه و حکمت و سایر علوم پرداخته تا در ربیع‌الثانی ۱۳۹۳ قمری بدرود حیات گفته و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه (ع) مدفون شده است.

استاد الهی دارای تالیفات ارزنده مرحوم استاد الهی قمشه‌ای در فلسفه و حکمت و دیوان بزرگ هزار صفحه‌ای می‌باشد که شرح حال خود را در صفحه ۳۹۵ دیوانش به نظم آورده که نویسنده عین آن را با بعضی از غزلیاتش تقدیم اهل ذوق و معرفت و پژوهش می‌نمایم باشد که روح پرفتوح آن حکیم ربانی و عارف صمدانی این گنجهکار را یاد و دوستانش دعا فرمایند.

- آثار گرانقدر مرحوم استاد الهی قمشه‌ای.
- ۱- ترجمه آزاد و خلاصه‌التفسیر قرآن کریم.
 - ۲- ترجمه آزاد مفاتیح‌الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی طاب ثراه.
 - ۳- ترجمه و شرح صحیفه سجادیه.
 - ۴- حکمت الهی جلد اول (یک دوره حکمت از امور عامه و طبیعیات و الهیات خاص و بیان نبوت و امامت عامه و خاصه و معاد).
 - ۵- حکمت الهی جلد سوم شرح خصوص حکیم فارابی و شرح خطبه توحیده مولا امیرالمؤمنین و اخلاق علمی و عرفانی صد کلمه از کلمات مولا علی علیه‌السلام.
 - ۶- کلیات دیوان الهی (نغمه الهی - نغمه حسینی - نغمه عشاق).
 - ۷- توحید هوشمندان ترجمه و شرح خصوص فارابی.
- (۱۳۹۲ - ۱۳۲۰ ق)، حکیم، عالم و شاعر، متخلص به الهی. در شهرضا (قمشه) متولد شد. مقدمات علوم فقه و اصول و حکمت را از شیخ‌های قمشه‌ای و دیگران آموخت و جهت تکمیل آن به اصفهان رفت و در خدمت آقا شیخ محمدحکیم خراسانی و پس از آن در خراسان در محضر مرحوم آقابزرگ حکیم مشهدی و آقا شیخ اسدالله یزدی مشغول شد تا در حکمت و فلسفه صاحب‌نظر شد. مدتی نیز در حوزه‌ی درس آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و میرزامهدی اصفهانی حاضر گشت. سپس به تهران آمد و در مدرسه‌ی عالی سپهسالار به تدریس حکمت و فلسفه پرداخت. همچنین به سمت استاد زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و استاد فلسفه در دانشکده‌ی الهیات (معقول و منقول)، تدریس کرد. وی در تهران وفات یافت و در قم، در جوار حضرت معصومه (ع)، به خاک سپرده شد. از آثار منشور وی: «رساله‌ای در فلسفه‌ی کلی»، «شرح رساله‌ی حکیم فارابی»، «رساله‌ای در سیر و سلوک»، «حاشیه‌ای بر «مبدأ و معاد» ملاصدرا»، «رساله‌ای در مراتب ادراک»، «رساله‌ای در مراتب عشق». و از آثار منظوم وی: «نغمه‌ی عشاق»، «دیوان» شعر، «نغمه‌ی حسینی»، که تاریخ بزرگترین شهید اسلام است؛ «نغمه‌ی الهی». و از دیگر آثار او: «ترجمه‌ی قرآن مجید»؛ «ترجمه صحیفه‌ی سجادیه»؛ «ترجمه مفاتیح‌الجنان»؛ و «تصحیح و تحشیه‌ی تفسیر ابوالفتوح رازی». [۱]
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)
- منابع زندگینامه [۱] تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۵-۵۳)، الذریعه (۱۱۳۵، ۹۲ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۳۹-۳۳۴ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۵)، گلزار معانی (۴۵۸-۴۵۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۶-۱۰۸ / ۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۰-۳۶۸ / ۶).

الهی، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس الهی

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اخذ دیپلم تجربی در سال ۱۳۸۳ وارد حوزه علمیه شهرستان بابل شدم و پس از مدت کمی تحصیل در حوزه علمیه روحیه وارد حوزه علمیه قم گردیده و در مدرسه الهادی (ع) شروع به تحصیل کردم و پس از گذراندن دوران مقدماتی و سپس در خارج از مدرسه موفق به گذراندن دوره سطوح عالی حوزه علمیه قم شدم.

حدود ۶ سال در مدارس علمیه قم مانند الهادی (ع) و رضویه و علوی به تدریس ادبیات عرب، تفسیر و علوم قرآنی پرداختم و امتحانات سطوح عالی را با موفقیت گذرانده و ۴ بار مصاحبه خارج فقه و اصول شرکت کردم و پایان نامه ای را تحت عنوان علوم قرآنی در تفسیر المیزان برای اخذ سطح سه یا کارشناسی ارشد نوشته و دو سال و خرده ای پیش دفاع کرده و اصلاحات آن پس از اخذ نمره ۱۷ رو به پایان است.

و برای نوشتن دوره دکتری آماده ام البته پس از تحویل مدرک فوق لیسانس هم اکنون در مدرسه امام (ع) با سابقه سه سال تدریس و در دانشکده علوم قرآنی با سابقه دو سال تدریس و در دانشکده اصول دین و مدرسه عالی بنت الهدی در خدمت طلاب خارجی و دانشجویان ایرانی هستم. و مشغول مطالعه و تحقیق و آماده کردن مقالاتی با عناوین و موضوعات مختلف هستم.

امجد، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله شیخ محمود امجد به سال ۱۳۱۸ هـ ش در خانواده ای روحانی در شهرستان کنگاور از توابع شهر «کرمانشاه» به دنیا آمد، پدرش از واعظان توانا و از علمای آن دیار بود که به عنوان پایگاهی در مسیر ایران به کربلا، میزبان علمای هم عصر خویش بود. و جدش از عالمان ذی فنون ملقب به «افصح المتکلمین» بود. پدر بزرگ ایشان از علما و شعرای با اخلاص و ارادتمند خاندان عصمت و طهارت است که تضمین های عاشورایی ایشان از اشعار حافظ مشهور است. در حدود ۱۸ سالگی تحصیلات جدید را رها و به انگیزه تحصیل علوم دینی به شهر مقدس قم مشرف شد و در مدت کوتاهی دوره مقدمات و سطح را به پایان رسانده و به درس خارج مشغول گردید. در درس خارج فقه و اصول از محضر استادانی چون حضرات آیات عظام: امام خمینی، داماد، حاج آقا حسین فاطمی، بهاء الدینی و بهجت - قدس الله اسرار الماضین، و دامت برکات الباقین منهم - و در فلسفه و عرفان عملی از محضر پربار علامه طباطبایی قدس سره استفاده فراوان برد. و در حدود ۲۰ سال پایان عمر گهربار معظم له با ایشان انس داشت و در جلسات عمومی و خصوصی ایشان شرکت می کرد ارادت علامه نیز به ایشان مشهود بوده است بطوری که می فرموده اند به او امجد کرمانشاهی نگویند بلکه امجد کربلایی بگویند. بزرگترین استاد اخلاق و عرفان ایشان مرحوم آیت الله العظمی بهاء الدینی است که از سال ۱۳۵۱ هـ ش. با آیت الله العظمی بهاء الدینی مأنوس و استفاده فراوان برد. و نیز در حدود سال ۱۳۵۰ با آیت الله العظمی بهجت - دامت برکاته - مرتبط شد و افزون بر بهره برداری از درس خارج فقه و اصول آن عارف ارتباط خاص و نزدیک با معظم له داشت و اینک حدود یک دهه است که ایشان در تهران ساکن و دانشجویان و جوانان از جلسات بهره های اخلاقی می برند و علامه طباطبایی می گفت: «ایشان قوی است.» روش تربیتی و رفتاری و اخلاق اجتماعی و زهد بی نظیر ایشان باعث شده، جوانان خصوصا دانشجویان، این عالم گرانقدر را همچون نگینی در آغوش بگیرند. مباحث اخلاقی و نماز جماعت ایشان در مسجد کوی دانشگاه تهران و مراسمی چون عزاداری ایام محرم و احیاء شبهای قدر، همه عاشقان فضیلت را به سوی خویش جذب کرده است. از خصوصیات بارز ایشان اخلاص عجیب و بی اعتنایی او به دنیا است به طوری که بسیار دیده اند که مجالس بسیار کوچک و

در ظاهر کم اهمیت و افراد بی نام و نشان را بر مجالس بسیار بزرگ ترجیح داده اند. آنچه در نظر ایشان اهمیت دارد ارادت و اخلاص به اهل بیت عصمت طهارت علیهم السلام است. عشق به جوانان، دلسوزی برای آنان و محبت پدران ایشان باعث شده است که جوانان هم به او عشق ورزند و با ایشان رابطه ای صمیمی داشته باشند.

امیدی فرد، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبد الله امیدی فرد

محل تولد: فارمد مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب عبدالله امیدی فرد در سال ۱۳۳۶ در یکی از روستاهای نزدیک به مشهد مقدس به نام فارمد که مردم محل آنرا پژمه هم می خوانند دیده به جهان گشودم. در همان روستا دوره ابتدائی را که آن زمان شش سال طول می کشید به پایان رساندم و به پیشنهاد پدرم که از شاگردان و دوستان نزدیک آیات حضرت آیه الله حاج آقای مروارید و حضرت آیه الله حاج میرزا جواد آقا تهرانی بود وارد حوزه علمیه مشهد شدم و تحصیلات حوزوی را در مدرسه علمیه بعثت زیر نظر آیه الله مروارید شروع کردم این زمان مهر ماه ۱۳۵۰ بود پس از سه سال با موافقت پدرم با مرحوم حاج شیخ عباسعلی سبزی عازم حوزه علمیه قم شدم.

در سال هزار سیصد و پنجاه و چهار به درس مکاسب حضرت آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و رسایل حضرت آیت الله اعتمادی و برخی از مباحث مکاسب را هم نزد آیت الله ستوده شرکت نموده و تلمذ نمودم. در ادامه دروس سطح توفیق یافتم کفایتین را نزد آیه الله العظمی فاضل و شرح تجرید را نزد استاد شهید خلیلی و منظومه را نزد آقایان دکتر بهشتی و آیه الله یحیی انصاری و برخی از مباحث اشارات را نزد آیت الله حسن زاده و برخی از قسمت های اسفار را نزد آیه الله جوادی آملی فرا بگیرم. در سال ۵۸ رسماً حضور در دروس خارج را با شرکت در فقه آیه الله صانعی و آقایان دیگر شروع کردم بیشترین تاثیر را از آیات عظام فاضل، صانعی، منتظری و تا اندازه ای هم از محضر آیات عظام وحید خراسانی، آیه الله حاج شیخ جواد تبریزی داشته ام.

باید یاد آور شوم که همزمان با دروس حوزه به تحصیلات جدید هم ادامه دادم نخست دوره راهنمایی را و سپس دوره دبیرستان را با اخذ دیپلم اقتصاد به پایان رساندم و در اولین دوره مدرسه عالی طلاب موفق به اخذ مدرک آن دوره که ارزش لیسانس معارف اسلامی را داشت گردیدم و در اولین دوره تربیت مدرس هم موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و از سال ۱۳۷۱ ضمن تدریس در دانشگاه به عنوان هیات علمی، توفیق دریافت درجه دکتری در رشته فقه و مباحث حقوق اسلامی از دانشکده الهیات تهران را پیدا کردم.

از توفیقات بزرگ که خداوند به اینجانب عطا فرموده آن است که از آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی همواره در خدمت انقلاب بوده هر چند سمت های مهم و حساس را نداشته ام اما در حد توان از سویی در خدمت نظام مقدس بوده و هستم و... و از سویی از خدمت در دانشگاه به قشر جوان در راستای اهداف نظام اسلامی خدمت نموده ام و از همه بهتر در حوزه همواره با تدریس تلاش

کرده ام اندوخته های اندکم را به دیگران انتقال دهم در همین راستا مدتی را به عنوان مدیر یکی از مدارس علمیه قم سپری می کرده ام غیر از تدریس در مدارس تحت برنامه مدیریت حوزه تدریس خصوصی ادبیات و دروس سطح از سال ۱۳۷۴ با تدریس صفات اصول شهید صدر سپس کفایه و مکاسب و... را در حجرات و سپس مدرسه حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی را داشته ام.

امیرخانی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی امیرخانی

محل تولد: گونبان بخش دینور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی امیرخانی فرزند امام قلی در سال ۱۳۵۱ در روستای گونبان از توابع بخش دینور استان کرمانشاه به دنیا آمده و تحصیلات مقطع ابتدائی را در همان روستا گذرانده و در سال ۱۳۶۳ تحصیلات دوره راهنمائی را در کرمانشاه آغاز کردم. در سال ۱۳۶۷ به سبب علاقه به معارف و علوم اسلامی و حوزوی وارد حوزه علمیه آیت الله بروجردی (ره) شدم و پس از یک سال به خاطر فقدان امکانات علمی و آموزشی در آزمون سراسری حوزه علمیه قم شرکت و موفق به کسب رتبه قبولی شدم. دروس مقدمات را در مدرسه علمیه مهدی موعود (عج) خواندم و در سال ۱۳۷۱ برای ادامه تحصیل و تکمیل دروس سطح وارد مدرسه علمیه امام محمد باقر (ع) شدم و از محضر اساتید بزرگوار و توانا بهره بردم. در سال ۱۳۸۰ موفق شدم که دروس سطح (کفایتین و مکاسب) را به اتمام برسانم و به درس خارج راه پیدا کردم. از سال ۱۳۸۰ تاکنون در درس خارج فقه استاد بزرگوارم حضرت آیت الله جوادی آملی بهره می برم. از سال ۱۳۷۲ شروع به نوشتن کردم و در سمیناری که بانی آن دانشگاه تهران بود مقاله ارائه کردم که عنوان رتبه سوم را به خود اختصاص داد. در سال ۱۳۷۳ همکاری خود را با چاپ مقاله به مناسبت وحدت حوزه و دانشگاه در روزنامه اطلاعات با روزنامه و مجلات آغاز کردم سپس با مراکز پژوهشی و تحقیقاتی همکاری خود را آغاز کردم.

امین زارع، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا امین زارع

محل تولد: سبزوار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ در خانواده‌ای مذهبی و متوسط در سبزوار متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در همان شهر سپری کردم. در میان اساتید آن دوره استاد محمود کیانی دبیر ادبیات بیشترین تاثیر مثبت را بر من داشتند. در بحبوحه انقلاب با حضرت آیت الله سید محمد حسن علوی آشنا شدم و ارتباط خوبی با محضر ایشان پیدا کردم. ارتباط با ایشان درس تقوی، معنویت، خلوص و سادگی بود و هم اکنون نیز از این جهت بهره‌های وافری از ایشان می‌برم. همچنین ادامه فعالیت درسی ام تاکنون نتیجه سفارش، تاکید و تشویق ایشان و استادم آیت الله سبحانی می‌باشد.

حدود سال ۱۳۶۱ به واسطه استادم حجة الاسلام سید سلیمان علوی وارد حوزه علمیه شدم و تا پایه سوم را در مدرسه رسالت و امام خمینی (ره) گذراندم. بعد از آن به صورت آزاد سطح را به پایان رساندم. پس از پایان سطح حدود پنج سال در مبحث خارج نکاح استاد آیت الله شبیری زنجانی و خارج اصول آیت الله سبحانی شرکت کردم. تقریرات نیم دوره اصول و بخشی از کتاب نکاح به زبان عربی مکتوبات این دوره است.

هم اکنون در درس فقه آیت الله مکارم شیرازی شرکت می‌نمایم. سایر فعالیت‌های بنده به ترتیب: در سالهای ۶۶ و ۶۷ دوبار افتخار حضور در جبهه داشتم و در سال ۷۱ به عنوان نماینده سازمان تبلیغات در مقدونیه به آن کشور مسافرت کردم و در مسیر راه در کشور آلبانی توقیفی داشتم. ماموریت بنده در مقدونیه با تظاهرات خیابانی و اعتراضات مسلمانان مقدونیه مصادف شد و همین امر باعث شد دولت مرکزی و مسیحی مقدونیه تقریباً همه مجموعه‌ها و هیئت‌های خارجی مسلمان را از مقدونیه اخراج کند و مجموعه بنده نیز مشمول همین قاعده شده و به ایران بازگشتیم.

گذراندن یک دوره کامل زبان انگلیسی در دانشکده باقرالعلوم علیه السلام دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم نیز از فعالیت‌های سالهای ۷۳ و ۷۴ اینجانب بوده است از سال ۷۸ تاکنون در بخش‌های مختلف پایگاه حوزه نت (تحقیقات، پاسخ به سوالات، بخش انگلیسی و...) مشغول به همکاری هستم. همچنین در سال ۷۹ به مناسبت پاسخگویی به چند پرسش راجع به جناب ذوالقرنین و اقوام یاجوج و ماجوج، کتابچه‌ای در مورد ایشان با نام «ذوالقرنین در قرآن» تحریر و چاپ نمودم که بحمدالله مورد استقبال خوبی هم قرار گرفت.

امین، نصرت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(۱۴۰۵ - ۱۳۰۸ ق)، عالم و مجتهد. آمنه بیگم حاجیه نصرت‌خانم، فرزند حاج سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در اصفهان متولد شد. دایی‌اش آیت‌الله شریعت اصفهانی بود. از کودکی به تحصیل پرداخت و پس از فراگیری مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، فقه و اصول و علوم معقول و منقول و حکمت و کلام را نزد آیت‌الله آقاسید علی مجتهد نجف‌آبادی و آقاسید ابوالقاسم دهکردی تکمیل کرد و به مرتبه‌ی استنباط رسید. پس از امتحانات کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقامیرزا ابراهیم اصطهباناتی شیرازی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌الله حائری یزدی و آیت‌الله نجفی مرعشی؛ و اجازه‌ی روایت از آقا شیخ محمدرضا

نجفی مسجدشاهی نائل آمد. تمام عمر را به تألیف و تدریس گذراند و مدرسه‌ای به نام مکتب فاطمه (س) تأسیس کرد که در آن زنان و دختران ایرانی به تحصیل و کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آیت‌الله میرزا آقای شیرازی در اجازه‌نامه‌اش به وی، او را با این اشعار توصیف کرده است.

فَلَوْ كُنَّ النِّسَاءُ بِمِثْلِ هَذِي
لَفَضَّلْتُ النِّسَاءَ عَلَى الرِّجَالِ
فَلَا التَّائِيثُ لِاسْمِ الشَّمْسِ عَارِ
وَلَا التَّذْكَيرُ فِخْرٌ لِلْهِلَالِ

وی آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد از جمله آثارش: «الاربعین الهاشمیه»، «شرح چهل حدیث»، «اخلاق و راه سعادت بشر»، که ترجمه و اقتباسی است از «طهاره الاعراق فی تصحیل الاخلاق» ابن مسکویه؛ «روش خوشبختی و توصیه به خواهران»؛ «سیر و سلوک»، در روش اولیاء الله؛ «مخزن العرفان» و «کنز العرفان»، در علوم قرآن؛ «تفسیر قرآن»، در پانزده جلد؛ «معاد یا آخرین سیر بشر»؛ «النفحات الرحمانیه فی الواردات القلییه»، حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ «مخزن اللثالی فی فضایل مولی الموالی».[۱]

۱۳۰۸ ق - ۱۳۶۲ ش، حاجیه نصرت خانم از زنان دانشمند معاصر. پدرش حاج سید محمدعلی بن حسن حسینی مشهور به امین‌التجار اصفهانی و مادرش دختر حاج سید مهدی جناب و دائی‌اش مرحوم شریعت اصفهانی بود. از اوان کودکی در اصفهان به تحصیل پرداخت و پس از آموزش مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، سالیانی دراز در فقه و اصول فرائد و فصول و کفایه و خارج صلاحت و طهارت، و در کلام دو جلد شوارق، و در فلسفه از ابتدا تا الهیات اسفار را در خدمت آقا میر سید علی نجف‌آبادی آموخت و هر چند که در این ضمن به عقد ازدواج پسر عم خویش حاج میرزا آقا معین‌التجار درآمده بود و تعهد و وظائف خانه‌داری می‌کرد، کمال سعی در تحصیل مبذول می‌داشت.

بر اثر این گونه استقامت و بذل سعی به مراقب علمی والائی رسید و از پی امتحان کتبی به دریافت اجازه‌ی اجازت از آقا میرزا آقای اصطهباناتی و حاج شیخ محمد کاظم شیرازی و آیت‌الله نجفی مرعشی و همچنین اجازه‌ی روایت از آقا شیخ محمدرضا مسجد شاهی نائل آمد. خانم امین عمر خود را یکسره به تألیف و تدریس گذراند. مدرسه‌ای به نام «مکتب فاطمه» تأسیس کرد که زنان و دختران در آن به کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آثار بسیاری تألیف کرد که از آن جمله‌اند، الاربعین الهاشمیه (۱۳۲۸ ش) که ترجمه و اقتباسی است از اخلاق ابن مسکویه؛ روش خوشبختی و اقتباسی است از اخلاق ابن مسکویه؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران (۱۳۷۱ ق)؛ سیر و سلوک در روش اولیاء (۱۳۲۳ ش)؛ مخزن العرفان (۱۳۲۶ ش به بعد)؛ تفسیر کامل قرآن در ۱۵ جلد؛ معاد یا آخرین سیر بشر (۱۳۲۶ ش)، النفحات الرحمانیه فی الواردات القلییه (۱۳۶۹ ق) حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ مخزن اللثالی در فضل مولی الموالی. خانم امین آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد.[۲]

مجتهد، فقیه، مدرس.

تولد: ۱۲۶۵، اصفهان.

درگذشت: ۲۳ خرداد ۱۳۶۲، اصفهان.

حجت‌الاسلام سیده نصرت بیگم امین (معروف به بانوی ایران) فرزند سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در چهار سالگی برای آموزش قرآن و فراگیری خواندن و نوشتن راهی مکتب شد.

بانو امین همچنان به تحصیل ادامه می‌داد تا اینکه در پانزده سالگی با پسر عموی خود حاج میرزا ملقب به معین‌التجار که از بازرگانان سرشناس و معتبر اصفهان بود ازدواج نمود و به خانه‌داری و تربیت فرزندان مشغول شد. اما این امر مانع ادامه تحصیل و

مطالعه و تحقیق وی در معارف اسلامی نشد و به تحصیل صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، علم حدیث، فقه، اصول، فلسفه و عرفان پرداخت و با وجود مشکلاتی که در فضای حاکم بر آن ایام برای زنان در امر تحصیل وجود داشت، طلبگی و تحصیل خود را در سطوح عالی نیز ادامه داد تا اینکه در چهل سالگی مرتب و تسلط علمی ایشان مورد تأیید مراجع تقلید وقت قرار گرفت و به دریافت درجه‌ی اجتهاد و روایت نایل شد. بانو امین از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتب، تدریس، پاسخگویی به پرسش‌های دینی و ارشاد دختران و زنان پرداخت.

آثار ایشان عبارتند از: اربعین الهاشمیه (به زبان عربی، ۱۳۵۶ ق.)؛ جامع الشتات (زبان عربی) معاد یا آخرین سیر بشر (تهران، ۱۳۲۶، تبریز چاپ دوم، ۱۳۳۴)؛ نفحات الرحمانیه فی الوردات القلییه (به زبان عربی، اصفهان، ۱۳۶۹)؛ اخلاق (ترجمه کتاب ابن مسکویه)؛ مخزن العرفان (تفسیر قرآن در پانزده جلد)؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی (تهران، ۱۳۳۱)، این کتاب در تبریز و اصفهان نیز به چاپ رسیده است؛ مخزن اللثالی در مناقب مولی الموالی امیرالمؤمنین علی (ع)؛ سیر و سلوک؛ در روش اولیاء و طریق سیر سعدهاء (اصفهان ۱۳۲۳).

حجت‌الاسلام امین در سال ۱۳۴۴ با سرمایه خود مکتبی به نام «فاطمه سلام‌الله علیها» و نیز دبیرستانی دخترانه تأسیس کرد تا فضایی برای ادامه تحصیل بانوان فراهم آید. ایشان همچنین در کانون تبلیغات و تعلیمات دینی بانوان اصفهان به تدریس معارف و تفسیر قرآن می‌پرداخت.

مزار بانو امین در اصفهان قرار دارد.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: [۱] تذکره القبور (۴۴۵)، الذریعه (۲۴۸/۲۴، ۲۲۹/۲۰)، علماء معاصرین (۳۲۵-۳۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۶) - ۱۱۴/۳، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۹-۵۵۷/۶).

[۲] منبع: دایرةالمعارف تشیع، ۲/۵۲۷.

امینی پور، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله امینی پور

محل تولد: شوش دانیال

شهرت: عبدالله (امیر) امینی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۶/۳

زندگینامه علمی

زندگی نامه علمی

نگارش و ترجمه:

کودکان و نوجوانان (۱۳۷۱-۱۳۸۳)

آغاز نگارش و ترجمه از ۱۳۷۳ با مجله سلام بجه ها و در ادامه (۱۳۷۲ - ۱۳۸۳) با پوپک و دوچرخه و حدیث زندگی و در ده ها

شماره و در حدود ۱۰۰ صفحه، برای کودکان و نوجوانان نوشته شد.

سردبیری (۱۳۷۴ - ۱۳۷۶)

کار با سردبیری مجله میراث شهاب (نشریه کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی) ادامه یافت. چاپ و انتشار آن در دو سال و نیمی که با کتابخانه همکاری وجود داشت، ادامه یافت، سپس در ۱۳۷۴ و ۷۵ با مجله تبیان همکاری (ترجمه).

همکاری با مجلات و روزنامه‌ها (۱۳۷۵ تا کنون)

از ۱۳۷۵ همکاری با روزنامه‌ها آغاز می‌شود. در ابتدا روزنامه کیهان با درج مقاله «فرهنگبان بزرگ میراث اسلامی» و چاپ دوباره آن در روزنامه رسالت (خرداد ۷۶).

نخستین معرفی و نقد کتاب (کتاب شناسی) در مجله فقه (بهار ۷۶) سپس در مجلات زیر ادامه می‌یابد: حوزه، آینه پژوهش، کتاب ماه دین، پژوهش و حوزه، حکومت اسلامی، میقات حج، روزنامه جمهوری اسلامی (ضمیمه صحیفه)، کوثر، پیام زن و ... در کتاب «برگزیده مقالات» چاپ ۱۳۸۴ شرحی درباره نهج البلاغه به چاپ رسیده است.
زن پژوهی:

از ۱۳۷۹ به بعد نگارش و ترجمه مقالات زن پژوهی در مجلات: پیام زن، زنان و پگاه حوزه شروع می‌شود، که برآیند چاپ و انتشار مقالاتی در این نشریه است:

پیام زن، شماره ۹۹ و ۱۱۵ و ۱۱۸ و ۱۱۶ و ۱۲۲ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۳۱ و ۱۳۵ و ۱۳۶

و پگاه حوزه، شماره ۷۰ و ۷۱ و ۷۵ و ۹۳ و زنان، شماره ۱۱۶

شرح حال: از ۱۳۷۶ به بعد کتب و مقالاتی در شرح حال نوشته شده، از جمله در: روزنامه کیهان و رسالت،

مجلات: میراث شهاب، تبیان، کوثر، یاد ایام (شهریور ۷۶) بینات و پیام زن.

کتابها: شکوه فقاقت (۱۳۷۹) فرزانه ناشناخته (۱۳۸۱) مزربان وحی و خرد (۱۳۸۱)

قرآن پژوهی: نخستین کتاب در این باره «مصحف فاطمی» است که ۱۳۸۲ (چاپ اول) و ۱۳۸۷ (چاپ دوم) توسط «دلیل ما» به چاپ رسید. نیز در کتاب «زندگی شخصی امام علی» مصحف امام علی (ع) (۱۳۸۰) چاپ شد. کتاب دیگر «تحقیق و حاشیه بر تفسیر سوره حمد» مرحوم محمد تقی فلسفی است که آذر ۷۸ مرکز فرهنگ و معارف قرآن با عنوان «تفسیر بیان» بدون ذکر نام محقق چاپ کرده است.

سپس مقالاتی در نشریات:

تبیان، کوثر (ش ۳۳) پیام زن (۱۱۶ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۸۷ و ۸۸) کتاب ماه دین، روزنامه جام جم (ش ۹۲۵) بینات (ش ۳۳) و میراث شهاب (ش ۱۴)

مهدی پژوهی:

افزون بر ترجمه کتاب چند جلدی «معجم احادیث الامام المهدی» و «غیبت امام مهدی» (چ موعود عصر، ۱۳۷۸) مقالاتی در مجلات: موعود و انتظار

تدریس:

از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۲ در جامعه الزهرا (بخش غیر ایرانی ها و بخش روزانه) تدریس ادبیات عرب و تاریخ اسلام به مدت ده سال. تبلغ: در جبهه جنگ (۱۳۶۲) و نیز زادگاه محقق.

مدیریت: مدیریت روابط عمومی و امور بین الملل کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی، مدیر آموزش کتابخانه، (۱۳۷۳ - ۱۳۷۶)

مدیر اجرایی مجله فقه اهل بیت (۱۳۷۸ - ۱۳۸۳) نیز همکاری با مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان مدارس خارج از کشور

(۱۳۷۰ - ۱۳۷۳)

نوآوری:

تأسیس انجمن علمی مترجمان که شرح آن در مصاحبه با نشریات زیر آمده

روزنامه جام جم / ۲۰ اردیبهشت ۸۳

روزنامه کیهان / ۱۹ خرداد ۸۳

نشریه کتاب هفته / ۲۳ شهریور ۸۱ و ۶ تیر ۸۳

نشریه پگاه حوزه / ۲۸ فروردین ۸۱

نشریه نصوص معاصره / کشور بحرین / محرم ۱۴۱۶ (مارس ۲۰۰۵)

نشریه پژوهش و حوزه / بهار ۸۱

کسب نشان و جوایز علمی:

تقدیر از نگارش مقالات در کنگره بین المللی شرف الدین

تقدیر از نگارش مقاله برای همایش سیره حکومتی امام علی ، مشهد (دانشگاه فردوسی)

تقدیر از نگارش مقاله مصحف فاطمی ، همایش بانوی آفتاب ، گرگان

تقدیر از نگارش مقاله مهدی موعود از دیدگاه آیات ، تهران (دانشگاه رودهن)

تقدیر از نگارش مقاله برای دومین کنگره عاشورا پژوهشی ، قم

نیز تقدیر از همکاری با دفتر تبلیغات اسلامی ، همچنین مجله پیام زن

انصاری، کریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کریم انصاری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مراحل ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را تا سال اول دانشگاه رشته مهندسی برق در کشور عراق طی کردم. سپس در سال ۱۳۵۹ به جمهوری اسلامی ایران تبعید شدم.

در سال ۱۳۶۱ تحصیلات حوزوی خود را شروع کردم. مقدمات را پیش عمده ای از اساتید مشهد خواندم. سپس دروس لمعتین را نزد استاد مهدوی و مکاسب و رسائل را نزد اساتید: تبریزیان و اعتمادی (نوار کاست) خواندم. کفایتین را نزد استاد رضا زاده و خارج فقه و اصول تا پنج سال نزد آیت الله مرحوم حاج آقای فلسفی (قدس سره) خواندم.

سال ۱۳۷۵ به شهر مقدس قم منتقل شدم. بلافاصله در درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی و فقه آیت الله العظمی

میرزا جواد تبریزی شرکت نمودم. در سال ۱۳۸۰ - ۱۳۸۱ دوره کامل اصول را به اتمام رسانیدم و هم اکنون درس خارج فقه شرکت می‌کنم. به مدت کوتاهی، اشتغال به تدریس داشتم که حدوداً سه الی چهار سال ادامه داشت. به علت اشتغال به تحقیقات علوم اسلامی و نوشته‌های مختلف، تدریس را رها کردم.

سال ۱۳۶۵ شروع به فعالیت تحقیقات اسلامی نمودم و نزدیک به تحقیق شصت جلد کتاب شرکت نمودم. از سال ۱۳۶۸ به عنوان مدیر تحقیقات موسسه آل البیت (ع) شعبه مشهد منصوب شدم. از سال ۱۳۷۵ که به شهر قم منتقل شدم، در شعبه مرکز موسسه آل البیت (ع) به عنوان مسئول کل تحقیقات موسسه منصوب شده و عضو هیئت مدیره آن موسسه گردیدم و این سمت تا به حال ادامه دارد.

انصاری، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران استاد مسعود انصاری خوشابر، یکی از اسلام شناسان و محققان عالی مقام و سختکوش و پرکار و صاحب نظر و صاحب اثر در اغلب زمینه‌ها و رشته‌های علوم اسلامی، به ویژه علوم قرآنی و فقه (همراه با حقوق) و حدیث و نیز مترجمی تواناست که به شمه‌ای از آثار ایشان اشاره خواهد شد.

او در سال ۱۳۴۵ در شهرستان تالش / طالش به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود گذراند، و همزمان به آموزش مقدمات علوم دینی پرداخت. پس از به پایان رساندن تحصیلات دوره‌ی متوسطه، برای تکمیل آموخته‌های دینی به حوزه‌ی علمیه‌ی دارالعلوم زاهدان رفت. پس از طی مراحل لازم، در تهران به تحصیل در دانشکده‌ی حقوق (در دانشگاه شهید بهشتی) پرداخت، و با شور و شوقی بیکران تحصیلات حوزوی را پی گرفت و نزد استاد محمد شیخ الاسلامی، فقه، کلام، تفسیر، علوم قرآنی، نحو و علوم بلاغی را تا مدارج عالی فرا گرفت و در سال ۱۳۷۰ ش در محضر این استاد عالیقدر و از دست ایشان - در ۲۵ سالگی - اجازه‌ی مکتوب «افتاء» به شیوه‌ی مرسوم در مذهب شافعی، دریافت داشت و دو سال بعد از دانشکده‌ی حقوق فارغ التحصیل شد و پس از آن قرآن پژوهی و اسلام شناسی و تالیف و ترجمه و تحقیق را پیشه‌ی خود ساخت و تاکنون آثار معتناهایی، هم از نظر ارزشمندی خود اثر، و هم از نظر کیفیت عالی پژوهش، پدید آورده که مایه‌ی اعجاب اهل فن و ارباب نظر است. مهم ترین و طبعاً شریف ترین اثر ایشان ترجمه‌ی قرآن کریم به شیوه‌ی شیوا در کمال صحت و دقت است که بخشهای بعدی این مقاله، تماماً به بحث درباره‌ی آن و معرفی آن اختصاص دارد. بعضی از آثار دیگر ایشان عبارت است از:

- تالیف بیش از چهارصد مقاله برای دو اثر مرجع: دانشنامه‌ی قرآن و قرآن پژوهی و فرهنگ آثار (بخش معرفی کتابهای عربی و فارسی، به سرپرستی جناب رضا سید حسینی و سه محقق برجسته‌ی دیگر)

- ترجمه‌ی کتاب واقعه‌ی کربلا، اثر عباس محمود عقاد

- ترجمه‌ی مجموعه‌ای از حدوداً چهار هزار حدیث و خطبه و نامه و عهدنامه، و وصایا و کلمات قصار، و احادیث موضوعی، با ذکر اسناد هر حدیث از کتب ششگانه (صحاح سته) اهل سنت و کتب اربعه‌ی شیعه، با همکاری بهاء الدین خرمشاهی. نام این مجموعه که تدوین فرهنگ وار و انواع فهارس را در بر دارد، پیام پیامبر (ص) است.

- هدیه‌ی معراج (احکام نماز در فقه شافعی)

- اهمیت نماز جماعت (ترجمه)

- پدیده‌ی افراط در تکفیر (ترجمه از اثر دکتر قضاوی)

- زن در اسلام و نقش زن در فعالیتهای اجتماعی (ترجمه از اثر فیصل مولوی)

- ترجمه‌ی مجموعه‌ای از آثار جبران خلیل جبران (از جمله اشکی و لبخندی، تندبادها، موسیقی، عروسان مرغزار، بالهای شکسته، عیسی فرزند انسان، تازه و طرفه‌ها، و ارواح سرکش)

- ترجمه‌ی کتاب خاتم النبیین اثر سمیع عاطف الزین که ممکن است عنوان فارسی آن «حضرت محمد در مکه / حضرت محمد در مدینه» باشد.

- قاموس شگرفیهای قرآن (در دست تدوین)

- پژوهشهای تاریخی در قرآن (ترجمه‌ی اثر بیومی مهران، زیر چاپ)

- دانشنامه‌ی حقوق خصوصی این اثر مرجع ۳ جلدی، در مرحله‌ی حروف نگاری است. و یکی از آثار و کوششهای قرآن پژوهی دیگر ایشان تصحیح علمی و هر چه دقیق تر ترجمه‌ی شاه ولی الله دهلوی از مهم ترین و دقیق ترین ترجمه‌های قرآن مجید به زبان فارسی است، که متأسفانه چاپ آن در حدود یک دهه به درازا کشیده و هنوز هم منتشر نشده است.

برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه‌های امروزی فارسی قرآن کریم

انواری، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر انواری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جعفر انواری در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) دروس مقدماتی را به پایان رساندم و دروس سطح (رسائل، مکاسب و کفایه) را در حوزه، بصورت آزاد خواندم.

در کنار تحصیل فقه و اصول در دیگر دروس حوزه مانند نهج البلاغه، عقائد، تفسیر و... شرکت داشتم. در سال ۱۳۵۶ پس از پایان دروس سطح به درس خارج فقه و اصول راه یافتم و در دوران شرکت در درس خارج که حدود بیست سال بطول انجامید از محضر حضرات آیات عظام وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره مند شدم.

در سال ۱۳۶۰ وارد موسسه در راه حق شدم و از دروس آن موسسه که افزون بر رشته‌های مختلف اقتصادی و فلسفی، در قالب اقتصاد و فلسفه شهید صدر، از دروس فلسفه (فلسفه، نهاییه، برهان، شفا و اسفار) و معارف قرآن استاد مصباح یزدی کسب فیض نمودم.

در سال ۱۳۶۳ در گروههای تحقیقاتی تفسیر و علوم قرآن، به کاوش و پژوهش پرداختم و در همان سال ها تدریس مباحث معارف قرآن استاد مصباح یزدی را نیز عهده دار شدم. از سال ۱۳۶۱ تدریس دروس معارف اسلامی را در دانشگاه آغاز کردم که ۱۸ سال

تدریس این دروس در دانشگاه تهران بطول انجامید.

با تاسیس موسسه علمی پژوهشی امام خمینی (ره)، در رشته علوم قرآنی به پژوهش و همکاری با بخش آموزش ادامه دادم و در سال ۱۳۸۰ بعنوان عضو هیئت علمی آن موسسه پذیرفته شدم که هم اکنون با بخش آموزش در تدریس دروس قرآنی و با پژوهش در تحقیقات قرآنی ادامه همکاری دارم.

اورعی، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی اورعی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان دوره ابتدائی در سال ۵۱ وارد حوزه علمیه خوانسار و در سال ۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. سطح را در مدرسه مرحوم آیه‌الله گلپایگانی خواندم و درس خارج را در محضر مرحوم آیه‌الله فاضل و حضرت آیه‌الله مکارم شیرازی شرکت کردم. زبان انگلیسی را در دفتر تبلیغات فرا گرفتم. سفرهای تبلیغی به زبان انگلیسی در کشورهای یاد شده داشتم. ۱۴ سال است که در نگارش دائرة المعارف قرآن کریم و فرهنگ قرآن در مرکز فرهنگ و معارف قرآن مشارکت دارم.

اولیایی، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی اولیایی در سال ۱۳۱۶، در یکی از روستاهای ملایر به دنیا آمد. پس از آنکه تحصیلات خود را در مقطع ابتدایی و متوسطه به پایان برد، در سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۹ موفق به اخذ لیسانس شد. پس از آن هم چنان به تحصیلات خود ادامه داد تا آنکه در سال ۱۳۵۵، موفق به اخذ درجه ی دکتری فرهنگ عربی و علوم قرآنی شد. او که در سال ۱۳۲۶ وارد شده بود، پس از اخذ درجه دکترا به دانشگاه تربیت معلم منتقل گردید و تا سال ۱۳۵۶ در دانشسرای عالی زاهدان که وابسته دانشگاه زاهدان بود به تدریس پرداخت. دکتر اولیایی سپس به دانشگاه اراک رفته و فعالیت های آموزشی خود را در این دانشگاه دنبال نمود. وی در طول خدمات آموزشی و تدریس در دانشگاه، به کار پژوهش و تالیف نیز پرداخته است و آثاری چند به چاپ رسانده است. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی گرایش: علوم قرآنی تحصیلات رسمی و حرفه ای: مصطفی

اولیایی پس از آنکه تحصیلات خود را در مقطع ابتدایی و متوسطه را به پایان برد، در سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۹ موفق به اخذ لیسانس شد. پس از آن همچنان به تحصیلات خود ادامه داد تا آنکه در سال ۱۳۵۵، موفق به اخذ درجه ی دکتری فرهنگ عربی و علوم قرآنی شد. فعالیتهای آموزشی: مصطفی اولیایی پس از آنکه تحصیلات متوسطه را به پایان برد، در سال ۱۳۲۶ وارد آموزش و پرورش شد. او پس از اخذ مدرک دکترا در سال ۱۳۵۳ از آموزش و پرورش به دانشگاه تربیت معلم منتقل گردید و تا سال ۱۳۵۶ در دانشسرای عالی زاهدان که وابسته دانشگاه زاهدان بود به تدریس پرداخت. دکتر اولیایی سپس به دانشگاه اراک رفته و فعالیت های آموزشی خود را در این دانشگاه دنبال نمود. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مصطفی اولیای در طول خدمات آموزشی و تدریس در دانشگاه، از کار پژوهش و تالیف نیز غافل نبوده و آثاری چند به چاپ رسانده است. آثار: آشنایی با علوم قرآنی و ویژگی اثر: این کتاب به بحث پیرامون علوم قرآنی از آغاز پیدایی آن در زمینه های علوم فی القرآن و للقرآن و آن دسته از علومی که قرآن موجب گسترش آنها شده در شانزده فصل مورد بررسی قرار گرفته است.

منابع زندگینامه: دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش: بهاءالدین خرمشاهی، تهران: انتشارات دوستان و ناهید، ص ۳۲۳

اویسی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدحسین اویسی فرزند غلامعلی اویسی قزوینی (۱۳۳۶ - ۱۴۱۱ ق) از علمای اعلام و مدرسان نامدار حکمت و فلسفه در قزوین بود. وی پس از آنکه تحصیلات خود را در حوزه علمیه ی قم به پایان رساند، به زادگاه خود قزوین مراجعت کرد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه پرداخت. او آثاری چند در حوزه علوم قرآنی به تالیف رسانده است. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: شیخ محمدحسین فرزند غلامعلی اویسی قزوینی (۱۳۳۶ - ۱۴۱۱ ق) از علمای اعلام و مدرسان نامدار حکمت و فلسفه در قزوین بوده است. تحصیلات رسمی و حرفه ای: شیخ محمدحسین اویسی مقدمات علوم و فنون ادب را در زادگاه خود فراگرفت. در حدود سال ۱۳۷۲ ق به قم هجرت نموده و در مجلس درس بزرگان حوزه حاضر گردید. استادان و مربیان: محمدحسین اویسی دروس طلبگی همچون صرف و نحو و... را در قزوین نزد سید احمد عمادحاج سیدجوادی و شیخ مهدی قاضی فراگرفت و سپس مشغول تحصیل در فقه و اصول گردید و فلسفه را از محضر فیلسوف شهیر، شیخ ابوالحسن رفیعی قزوینی استفاده کرد. وی پس از آنکه به قم مهاجرت نمود، خارج فقه را از محضر آیت الله بروجردی استفاده کرد و برای یادگیری اصول درس شیخ عباس شاهرودی و سیدمحمد داماد حاضر شد. اویسی سالیان متمادی از محضر درس علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان استفاده کرد. فعالیتهای آموزشی: محمدحسین اویسی پس از آنکه تحصیلات خود را در حوزه علمیه ی قم به پایان رساند، به زادگاه خود قزوین مراجعت کرد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه پرداخت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمدحسین اویسی همراه با تدریس، به تالیف و تفسیر قرآن نیز پرداخت. او تفسیر خود را مدت سی سال در چندین مجلد جمع و تالیف نموده است. آرا و گرایشهای خاص: شیوه و روش محمدحسین اویسی در تفسیر قرآن بدین گونه است که پس از ذکر آیه با بهره گیری از روایات، به تفسیر آن می پردازد و در ضمن آن اقوال دیگر مفسران، مانند فخر رازی را بیان کرده و مورد نقد عالمانه قرار می دهد و سپس برای روشن تر شدن بحث به اشعاری از شاعران قدیم تمسک می کند. آثار: تفسیر اویسی ویژگی اثر: این تفسیر به زبان فارسی و ثمره جلسات تفسیر قرآنی است که شبهای ماه رمضان برای مردم و طلاب در طول سی سال بیان داشته است و سپس آن را جمع آوری و به صورت کتاب مستقلی درآورده است.

منابع زندگینامه: قرآن پژوهان قزوین ، تالیف: سیدمحمدعلی ایازی ، تهران: موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران ، ص ۱۴۸

ایازی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد علی ایازی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد سید محمد علی ایازی متولد ۱۳۳۳ شمسی یکی از قرآن پژوهان معاصر است که تحصیلات حوزوی خود را از سال ۱۳۴۷ از حوزه علمیه مشهد آغاز کرد. پس از گذراندن دوره ادبیات و مقداری از سطح به حوزه علمیه قم وارد شد و از استادان سطح آقایان: محقق داماد، فاضل ، ستوده، صلواتی و سلطانی از درس خارج اصول آیات عظام: وحید خراسانی ، آقا موسی زنجانی و فاضل لنکرانی یک دوره را تمام کرد. همچنین از درس فقه آیات عظام: منتظری و شیخ جواد تبریزی (به مدت ۱۵ سال) و نیز اندکی از درس حاج شیخ مرتضی حائری و اراکی استفاده برد. درس فلسفه را گرچه در آغاز با درس آیت الله حسن زاده آملی شروع کرد، اما مدت ۱۰ سال در خدمت آیت الله جوادی آملی اسفار و تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم را تلمذ کرد و نیز از محضر سید جلال الدین آشتیانی در فلسفه و عرفان بهره برد. در کنار تحصیلات و از همان سال های نخست ورود به حوزه، به درس تحقیق و پژوهشهای تحقیقی در زمینه قرآن توجه بسیار داشت و مدت ۳ سال در درس تفسیر آیه الله خزعلی و درس فلسفه جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن شهید مطهری و در کارهای تحقیقاتی با این شهید در سال ۵۵ تا ۵۷ شرکت داشت. او در کنار تحصیل و تحقیق از کارهای فرهنگی و تالیف نیز غافل نبود و به ویژه پس از دوره های متمادی تحصیل فقه و اصول و فلسفه ، بیشتر وقت خود را به تحقیقات قرآنی اختصاص داده است و در این زمینه افزون بر مقالات گوناگون در مجلات و همایش ها، کتاب های بسیاری را تالیف کرده است.

ایجی صفوی، معین الدین، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۰۶/۹۰۵-۸۳۲ ق)، مفسر، محدث و عالم شافعی. وی از اهالی ایج از توابع فارس بود. از آثار وی: «جامع البیان» یا «جوامع التبیان فی تفسیر القرآن»، مشهور به «تفسیر صوفی»، یا «تفسیر ایجی»، که در سال ۱۷۸۹ م در لاهور چاپ شده است؛ «بیان المعاد الجسمانی والروح»؛ «شرح اربعین النووی»؛ «شعب الایمان»، در اخبار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶۸/۷)، ایضاح المکنون (۳۰۳/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۷/۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۲)، ریحانه (۲۱۱) - ۲۱۰/۱، کشف الظنون (۶۱۰، ۴۵۲، ۶۰)، معجم المؤلفین (۱۵۳/۱۰).

ایمانی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین ایمانی

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

آدمی خوارزمی، ابوالفضل محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۶۲/ ۵۶۱ ق)، مفسر، نحوی، لغوی و محدث. ملقب به زین المشایخ. او در ادبیات از پیشگامان و در زبان عرب خحجت به حساب می‌آید. لغت و علم اعراب را از زمخشری آموخت و پس از او بر جایش نشست. او حدیث را نیز از زمخشری و دیگران شنید. در ترسل و نقد شعر دست داشت. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ «شرح الاسماء الحُسنى»؛ «مفتاح التنزیل»؛ «تقویم اللسان»؛ در نحو؛ «الاعجاب فی علم الاعراب»؛ «الهدایه فی المعانی والبیان»؛ «اعجاز القرآن»؛ «اسرار الادب و افتخار العرب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۲۲۷)، کشف الظنون (۲۰۴۰، ۱۸۲۹، ۱۷۶۰، ۵۹۵، ۴۸۸، ۴۶۹، ۴۰۰، ۱۳۲، ۱۲۰، ۹۱، ۸۴، ۵۱)، معجم الادباء (۵/ ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۳۸- ۱۳۷/ ۱۱)، الوافی بالوفیات (۴/ ۳۴۰)، هدیة العارفین (۲/ ۹۸).

آقاجفی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، فقیه و مفسر. در نجف اشرف به دنیا آمد. پس از پرورش در محضر پدر که از علمای همدان بود و خواندن مقدمات و سطوح به حوزه درس علمای بزرگ نجف چون آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله غروی اصفهانی راه یافت و از آنان بهره‌ی کامل گرفت. پس از نیل به مقامات عالی به همدان مهاجرت کرد و به ترویج

مذهب و تألیف و تصنیف پرداخت. از آثار وی: تفسیر شریف «انوار درخشان» است که در پانزده جلد عرضه شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲/ ۲۴۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۶- ۴۱۵/ ۷).

آل اسحاق، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ علی آل اسحاق در ۲۵ تیر سال ۱۳۱۸ ش. در خوئین، از توابع زنجان، خانواده مذهبی‌اش را با میلاد خود پر از شور و شادی کرد. پدرش نام علی را برای وی برگزید. علی از همان هشت سالگی که با پدر به قم آمد، شروع به تحصیل نمود و مقدمات را در محضر آیه الله سید حسن بدلا (رئیس ائمه جماعت) و استادان دیگر به پایان برد. وی در شانزده سالگی در سال ۱۳۳۴ ش به نجف اشرف می‌رود و در مدرسه آیه الله بروجردی اقامت می‌گزیند و دروس حوزه را تا رسیدن به مرحله اجتهاد ادامه داد و به گفته خانواده ایشان، از دو عالم بزرگ: آیه الله سید محسن حکیم و آقا بزرگ تهرانی، اجازه اجتهاد گرفت. او در شب جمعه ۲۴ خرداد سال ۱۳۸۰ ش بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع می‌گوید.

گروه: علوم انسانی

رشته: الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب: پدر شیخ علی آل اسحاق، حاج شیخ عبدالکریم خوئینی، از عالمان بزرگ عصر خود به شمار می‌رود. وی از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بود. روحیه مبارزاتی شدیدی داشت و با عمال و وابستگان حکومت طاغوتی رضاخان، که با منافع مردم در تضاد بود، به شدت مقابله می‌کرد؛ به عنوان نمونه در مقابل دو خان، که می‌خواستند زمین‌های کشاورزی مردم را به تصرف خود درآورند، ایستادگی کرد و توانست آنان را از تصرف در اموال مردم باز دارد. مادر علی که از سلاله پاک پیامبر بود، زنی صبور در مقابل مشکلات و دوستدار علم و فضیلت بود.

خاطرات کودکی: برادر شیخ علی آل اسحاق می‌گوید: در نزدیکی‌های خانه ما تعدادی بوقلمون آورده بودند. من و بچه‌های دیگر، از جمله علی، به تماشای آن‌ها رفتیم و نزدیک غروب برای انجام فریضه مغرب به خانه برگشتیم. رسم خانه ما این بود که نمازها را در خانه به جماعت و با امامت پدر برگزار می‌کردیم و تمامی افراد خانواده، چه مردان و چه زنان، در نماز جماعت شرکت می‌کردند. هنگامی که پدر می‌خواست اقامه نماز کند، علی شروع به گریه کرد. وقتی پدر علت گریه‌اش را پرسید، گفت: «من هم بوقلمون می‌خواهم.» و به گریه خود ادامه می‌دهد. پدر بدون عصبانیت و با آرامش کامل رو به فرزند می‌کند و می‌گوید: نماز مغرب را با خلوص نیت بخوان و هر حاجتی که داری از خدا بخواه؛ خداوند است که حاجات را برآورده می‌کند. علی همین کار را انجام می‌دهد. پس از تمام شدن نماز، در خانه به صدا در می‌آید. هنگامی که من در را باز کردم، یکی از همسهریان را که یک بوقلمون در دست داشت، دیدم. او به خانه وارد شد و علی به خواسته خود رسید. از این خاطره به خوبی می‌توان فهمید که محیط رشد علی چگونه بوده است؛ او در خانواده‌ای پرورش می‌یابد که اهل خانه مقید به نماز اول وقت بودند و تحت تربیت پدری بودند که نام و یاد خدا را گره‌گشای مشکلات و برآوردن حاجات می‌دانست و روشن است که تنها از چنین خانواده‌هایی، مردانی شایسته و الگو چون آقا شیخ علی آل اسحاق، برخوانند خاست.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: تربیت فرزندان یکی از وظایف مهم هر پدر و مادری است. مرحوم شیخ علی آل اسحاق نیز با

جدیت فراوان می‌کوشید تا به این وظیفه خود عمل کند. از این رو، او هیچ‌گاه از سفارش به فرزندان خود دریغ نمی‌ورزید و واضح است که این سفارش‌ها، راه‌گشای افکار تمامی جوانان خواهد بود؛ چنان که گفته است...: «اسلام رابه دقت بشناسید و آن طوری که دسته‌بندی کرده‌ام، به دقت مطالعه کنید. تاریخ زندگی پیامبر اسلام و ائمه (ع) را هر چند سال یکبار بررسی نمایید. تا می‌توانید با هم دوست و با محبت باشید و بر سر مسائل جزئی با هم اختلاف نکنید. در این انقلاب، تا وقت درس است، درس بخوانید و سپس خدمت کنید. به مادران که خیلی رنج کشیده است، کمک کار باشید، پس از ازدواج رابطه صمیمی خود را با مادران قطع نکنید. والسلام. با چشم گریان و دستی لرزان. خداحافظ».

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: شیخ علی آل اسحاق در سال ۱۳۲۶ ش. از زنجان به قم مهاجرت کرد تا در آن شهر به تدریس علوم اسلامی و سایر فعالیت‌ها بپردازد؛ وی در آن سال، هشت بهار از عمرش گذشته بود. وی از همان هشت سالگی که با پدر به قم آمد، شروع به تحصیل نمود و مقدمات را در محضر آیة‌الله سید حسین بُدَلّا (رئیس ائمه جماعات) و استادان دیگر به پایان برد. وی در شانزده سالگی در سال ۱۳۳۴ ش. در حالی که دو سال از فوت پدر مهربانش می‌گذشت، تصمیم گرفت به عراق برود و در آنجا به تحصیل ادامه دهد؛ اما تیرگی روابط دو کشور ایران و عراق، باعث شد که این سفر انجام نشود. به همین سبب به حضرت معصومه (س) پناه برد و با توسل به آن حضرت، توانست مجوز اقامت در عراق را دریافت کند و به عتبات عالیات سفر نماید. او به نجف اشرف می‌رود و در مدرسه آیة‌الله بروجردی اقامت می‌گیرند. آقا شیخ علی آل اسحاق در نجف اشرف در محضر شیخ صدرای بادکوبه‌ای «مکاسب» را فرا گرفت و کتاب «رسائل» را، به همراه ۳ نفر دیگر به طور خصوصی در محضر آیة‌الله آقا جواد تبریزی، آموخت. وی جلد اول «کفایه» را نزد آیة‌الله حسین راستی کاشانی، آیة‌الله حسین وحید خراسانی، آیة‌الله حاج شیخ علی فلسفی (که اکنون در مشهد ساکن است) و جلد دوم آن را با پیشنهاد آیة‌الله محمدباقر حکیم نزد آیة‌الله شهید محمدباقر صدر به اتمام رساند. وی که به مقام علمی شهید صدر پی برده بود، در جلسات درس دیگر او، که کتاب‌های «فلسفتنا»، «اقتصادنا» و برخی مباحث دیگر را تعلیم می‌داد، شرکت می‌کند و همان دروس را در مسجد هندی نجف برای عموم محصلین تدریس می‌نماید. شیخ علی، «شرح تجرید» را در محضر آیة‌الله شهید سیداسدالله مدنی و «فلسفه» را در محضر آیة‌الله شیخ عباس قوچانی و همچنین علم طب را از مرحوم سیدحسین حکیم فرا گرفت. به علاوه، دو سال در درس خارج فقه آیة‌الله سیدابوالقاسم خوئی و سید محمود شاهرودی شرکت جست و سپس به مدت ۱۲ سال، دو دوره درس خارج فقه آیة‌الله میرزا محمدباقر زنجان‌ی را گذراند. پس از تشریف فرمایی امام خمینی به نجف، در درس خارج فقه ایشان و نیز در درس «ولایت فقیه» امام شرکت کرد و تا سال ۱۳۵۳ ش. که حکومت بعث عراق امام را دستگیر کرد، در محضر ایشان بود. شیخ علی دروس حوزه را تا رسیدن به مرحله اجتهاد ادامه داد و به گفته خانواده ایشان، از دو عالم بزرگ: آیة‌الله سیدمحسن حکیم و آقابزرگ تهرانی، اجازه اجتهاد گرفت.

خاطرات و وقایع تحصیل: پس از رحلت آیة‌الله حکیم وی نمایندگی امام راحل در همان منطقه را بر عهده گرفت. او در بخشی از خاطراتش ارتباط نزدیک با امام را این چنین بیان می‌دارد: «آن روزها در حوزه علمیه نجف اشرف من موقعیت خوبی داشتم؛ داماد مرحوم آیة‌الله العظمی آقامیرزا باقر زنجان‌ی (ره) بودم و نمایندگی از طرف مرحوم آیة‌الله العظمی حکیم (ره) در شهر سنجان استان موصل عراق را داشتم. و امام راحل با مرحوم پدرم حضرت آیة‌الله آقای شیخ عبدالکریم خوینی آشنایی کامل و علاقه داشتند و آن روز دل و جرأت می‌خواست که کسی به امام اظهار محبت کرده، در کنارش قرار گیرد. من با تمام ناملایماتی که برایم فراهم شده بود، شب و روز در کنار آن رادمرد الهی قرار گرفته، با تمام نیرو آنچه در توان داشتم، در خدمت ایشان بودم. در تمام جلسات عمومی و از اولین روز شروع درس فقه و نماز جماعت‌ها و گاه در جلسات خصوصی شرکت می‌کردم. مدتی مسئولیت پرداخت شهریه را بر عهده گرفته و مدتی در جلسه استفتائات به دستور ایشان شرکت می‌کردم و شبانه‌روز حداقل پنج بار به خدمتشان می‌رسیدم. خلاصه اخبار رادیوهای عربی و خارجی را در مسیر راه بیان می‌کردم. لذت‌بخش‌ترین خاطره یک شب زمستانی بود که

امام مرا جهت تجدید کتابت صورت نمایندگی نمایندگان خود در سطح جهان خواسته بودند. آن شب تا اذان صبح مشغول نوشتن شده و از این که امام چنین اعتمادی را به من نموده و از میان دوستان مرا انتخاب فرموده، بیش از حد خوشحال و خرسند بودم. وی درباره حساسیت امام به بیت‌المال چنین می‌گوید: «در نجف، روزی به منزل امام رفتم. برخلاف همیشه درب خانه امام بسته بود و صدای فریاد امام به گوش می‌رسید. درب خانه را زدم، خادم درب را باز کرد و گفت: امام بسیار ناراحتند. وقتی وارد شدم، فهمیدم ناراحتی امام به خاطر آن است که آقاسیدمصطفی ۲۵۰ درهم (یک چهارم دینار) به گوجه‌فرنگی نوپر داده است و امام می‌فرمود: چرا هنوز که گوجه ارزان نشده، آن مقدار پول را از سهم امام به گوجه داده است؟ سپس به او فرمود: همین الان برو گوجه‌ها را پس بده».

استادان و مربیان: از استادان شیخ علی آل اسحاق که دروس مختلف را در محضرشان آموخته بود می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: شیخ صدرای بادکوبه ای آیه الله حسین راستی کاشانی آیه الله حسین وحید خراسانی آیه الله حاج شیخ علی فلسفی آیه الله محمدباقر حکیم آیه الله شهید محمدباقر صدر آیه الله شهید سید اسدالله مدنی آیه الله شیخ عباس قوچانی آیه الله سید ابوالقاسم خوئی مرحوم سید حسین حکیم سید محمود شاهرودی آیه الله میرزا محمدباقر زنجانی امام خمینی

همسر و فرزندان: شیخ علی آل اسحاق دارای ۵ فرزند بود: سه دختر و دو پسر. یکی از پسران او در جبهه‌های جنگ به شهادت رسید که نامش «محمدجواد» بود. محمدجواد جوانی فعال، پرشور، و خداجوی بود و در مسجد اباذر (واقع در محله زاویه قم) در عرصه‌های مختلف به فعالیت مشغول بود؛ همانند جمع‌آوری کمک‌ها به رزمندگان، جذب جوانان برای امور فرهنگی و مذهبی و... اکنون نیز کتابخانه آن مسجد به نام همین جوان فعال مزین است. پسر دیگر ایشان «رضا» نام دارد که هم اکنون در حال تحصیل است. دامادهای این عالم پرتلاش عبارتند از: ۱- مهندس ابوالحسن آل اسحاق، که در جبهه جنگ به فیض شهادت نایل شد. و برادر وی به نام حسین پس از او به افتخار دامادی عموی خود یافت. ۲- دکتر ساحلی است، که در محله نیروگاه قم، مطب دارد. و به درمان بیماران توفیق یافته است. ۳- آقای دهقان که کاردار وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در ژاپن می‌باشد.

وقایع میانسالی: این مرد مجاهد و نستوه که تا آخرین نفس بر آرمان‌های خود پافشاری کرد و یک لحظه از خدمت به دین و نظام اسلامی غفلت نورزید، در اواخر عمرش به خاطر مرض قند و ناراحتی قلبی، کمتر موفق به فعالیت‌های اجتماعی می‌شد؛ اما دغدغه تهاجم آشکار فرهنگی و گسترش فساد در میان جوانان و... آراکش را از او ربوده بود؛ به طوری که شب جمعه ۲۴ خرداد سال ۱۳۸۰ ش. در تماس تلفنی با برادرش درباره اوضاع فرهنگی گفت و گو می‌کند.

زمان و علت فوت: شیخ علی آل اسحاق ساعت ۲ نیمه شب ۲۴ خرداد ۱۳۸۰ ش نیز بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع می‌گوید. پیکر مرحوم شیخ علی (ره) روز شنبه ۲۶ خرداد با شرکت گسترده مردم از مسجد امام حسن عسکری (ع) تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) تشییع شد و شرکت کنندگان در غم از دست دادن این یار دلسوز امام، اشک ماتم ریختند. پس از تشییع، بدن مطهرش در گلزار علی بن جعفر (ع)، در قطعه مخصوص پدر شهیدان به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: شیخ علی آل اسحاق نیز مانند بسیاری از روحانیون دیگر که مردم را به انقلاب فرا می‌خواندند، همیشه در سفرهای تبلیغی خود، ضمن تبیین اهداف نظام اسلامی، مردم را با انقلاب و امام آشنا می‌کرد. در همین راستا وقتی در شهر خرم‌آباد در مسجد علوی سخنرانی نمود و مواضع انقلاب را بیان کرد، دستگیر شد. (۳) در اوایل سال ۱۳۵۶ ش. به مدت ۳ ماه در، یافت آباد تهران به تبلیغ و فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی پرداخت. همچنین، صندوق قرض‌الحسنه‌ای تأسیس کرد تا سهمی در رفع مشکلات مادی مردم آن‌جا داشته باشد. همزمان با پیروزی انقلاب در شهر سنجان، واقع در استان مرکزی مشغول تبلیغ شد. پس از پیروزی انقلاب بر اساس احساس وظیفه و با تجربه‌ای که در مناطق سنی‌نشین داشت، به استان سیستان و بلوچستان سفر کرد و با تشکیل بسیج مردمی و ایجاد وحدت میان شیعه و سنی، توانست توطئه‌های ضدانقلاب را در آن سامان خنثی کند. نتیجه فعالیت‌های

وی، تصرف صدا و سیمای آن ناحیه به دست نیروهای انقلاب بود و از آن طریق خبر پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی با شور و شغف خاصی به گوش هموطنان رسید. پس از آرام شدن اوضاع، به استان مرکزی بازگشت و در سمت مسئول کمیته انقلاب اسلامی همان منطقه به فعالیت خود ادامه داد. آشوب‌های کردستان موجب شد که شیخ علی چندین بار برای ایجاد آرامش در آن منطقه، با نیروهای تحت فرمان خود به آنجا برود. پس از آن به تهران دعوت شد و مسئولیت بخش فرهنگی کل کمیته‌های انقلاب اسلامی را بر عهده گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی، عده زیادی به دنبال فرصت بودند تا این انقلاب نوپا را تضعیف کنند و آن گونه که می‌خواهند، انقلاب را تغییر دهند. آنان برای رسیدن به همین هدف، جوانان پاکدل و ساده را فریفته، با شعارها و افکار انحرافی، آنان را گمراه می‌ساختند. شیخ علی آل اسحاق که این خطر را به خوبی حس کرده بود، به مقابله با این جریان برخاست و با پاسخ به شبهات و جذب جوانان نقشه‌های آنان را خنثی می‌ساخت. وی بعدها نیز در ارگان‌های مختلف، از جمله: سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، اداره بهداری و بهزیستی در شهرهای مختلف کلاس‌هایی را تشکیل داد. گذشته از این‌ها، شیخ علی دو سفر تبلیغی نیز به خارج از کشور داشت؛ یک بار به آذربایجان سفر کرد و بار دیگر به لبنان رفت. همچنین مدت ۱۰ تا ۱۱ سال از طرف آیه‌الله گلپایگانی امام جماعت مسجد اباذر واقع در منطقه زاویه قم بود. او رابطه بسیار صمیمی با جوانان مخصوصاً طلاب جوان داشت؛ به طوری که حتی در اردوهای زیارتی نیز همراه آنان بود.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: وی در زمان مرجعیت آیه‌الله حکیم، نماینده ایشان در استان موصل عراق در شهرهای سنجار و طلعفر بود و به مدت ۱۱ سال در فصل تابستان، دهه محرم، دهه صفر و ماه رمضان به آنجا می‌رفت. از آنجا که مردم آن مناطق کرد بودند، او قبل از اعزام در طی سه ماه زبان کردی را فرامی‌گیرد. شیخ علی، در ایام تبلیغ، در جلسات مناظره و مباحثه با اهل سنت آن ناحیه شرکت می‌جست. این تلاش‌ها، باعث گرایش و جذب عده زیادی به مذهب تشیع گردید؛ به طوری که توانست مسجد و مدرسه علمیه بسازد.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: از فعالیت‌های شیخ علی آل اسحاق به خوبی آشکار است که وی به امور فکری، فرهنگی و دینی مردم بسیار حساس بوده است. اگر چه وی در طول عمر خود فعالیت‌های فرهنگی، مبارزاتی داشت، اما بنا بر احساس وظیفه در برابر اقشار کم درآمد و طلاب، اقدام به فعالیت‌های اقتصادی کرد. یکی از آن فعالیت‌ها، گرفتن امتیاز صادرات و واردات از طریق مرز آذربایجان بود. وی درآمد حاصله را در امور فرهنگی و حمایت از طلاب و دیگر موارد لازم صرف نمود. همچنین به منظور خدمت به طلاب، یکی از مؤسّسین تعاونی طلاب نیز بود. او که برای پیشبرد اهداف اسلام از هیچ کاری دریغ نورزیده بود، وقتی جنگ نابرابر عراق بر ایران تحمیل شد، باز هم وظیفه خود را به خوبی انجام داد و بارها و بارها در جبهه‌های حق علیه باطل شرکت جست و دوشادوش رزمندگان اسلام اسلحه به دست گرفت و به ستیز با دشمنان دین خدا برخاست. وی در تشکیل بسیج عشایر و سازماندهی نیروهای مقاوم بومی در منطقه جنوب نیز نقش خود را به خوبی ایفا نمود.

شاگردان: وی شیخ علی آل اسحاق مبارز ترکیه‌ای) یکی از آنان است. وی پس از انقلاب در دانشگاه‌های مختلف از جمله: دانشگاه شهید بهشتی تهران، دانشگاه تبریز و دانشکده امام حسین (ع) به فعالیت پرداخت و به عنوان استاد دانشگاه، معارف دین اسلام را برای دانشجویان مطرح می‌کرد. همچنین در مدارس علمیه از جمله: مدرسه امام خمینی (ره)، مدرسه حجتیه (برای طلاب خارجی)، مدرسه الهادی و مدرسه صدوقی (برای طلاب ایرانی) درس اخلاق و دروس دیگر می‌گفت. فقه و اصول را نیز در خانه‌اش تدریس می‌نمود. همچنین برای پاسخ به شبهه‌های مطرح شده، کلاسی در مدرسه فیضیه تحت عنوان «احکام اجتماعی قرآن و تبیین مسائل روز» تشکیل داده بود.

آرا و گرایشهای خاص: زندگی شیخ علی آل اسحاق رنگ خدایی داشت و این، در اعمال و رفتار او هویدا بود. رابطه روحی و معنوی با ائمه اطهار داشت. زهد و پارسایی او زبانزد و کاملاً به زخارف دنیا بی‌توجه بود. با وجود این که موقعیت رسیدن به

پست‌ها و مقامات متعددی داشت، ترجیح می‌داد ساده زندگی کند. هرکس وارد منزلش می‌شد؛ ساده‌زیستی را به خوبی در او و زندگی‌اش مشاهده می‌کرد. با اهل خانه بسیار مهربان بود. خانواده‌اش چنان با اخلاق خوش و رفتار اسلامی او انس داشتند که تحمل فقدان او، بر ایشان، بسیار دشوار بود.

چگونگی عرضه آثار: شیخ علی آل اسحاق آثار دیگری نیز دارد که به چاپ نرسیده است؛ از جمله ۱: قرائت امام خمینی (ره) از ولایت مطلقه فقیه یا حکومت جهانی فرامین الهی؛ ۲: تقریرات اصول فقه مرحوم آیه الله العظمی محمد باقر زنجانی؛ ۳: النکاح علی المذاهب الخمسه (عربی)؛ ۴: الفقه الاسلامی (الحلقه الاولى، عربی)؛ ۵: آخرین نظریات علمای اصول در محور کفایه الاصول از مرحوم آخوند تا امام؛ ۶: مبانی فکری امام امت یا اصول سیاسی، اجتماعی اسلام؛ ۷: بهترین راهنمای حج (مطابق با فتاوی امام خمینی)؛ ۸: معالم دین یا تنظیم مضامین عالی دعای ندبه.

آثار:

- ۱ آشنایی با مکتب وحی
- ۲ اخلاق و رفتار یا اصول تزکیه و حکمت
- ۳ اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان
- ۴ اصول خود سازی یا اخلاق در مکتب وحی الهی
- ۵ جبهه یا دانشگاه خود سازی
- ۶ زمینه اسلام شناسی
- ۷ کنترل زبان
- ۸ مسئولیت امت از دیدگاه امام
- ۹ یاد خدا عامل انقلاب

آیتی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین بافقی یزدی (۱۲۸۸ ق - ۱۳۷۴ ق / ۱۳۳۲ ش) معروف به آیتی و متخلص به «ضیایی»، «آواره» و «آیتی»، از شعرا، محققان، نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر که پس از ورود و درنگ ۱۸ - ۲۰ ساله‌ی او در سلک بهائیت و طی مدارج تبلیغ در آن مسلک و دریافت لقب رئیس المبلغین و القاب دیگر و الواح تشویقی از عباس افندی و شوقی افندی و به سر بردن چند سالی با آنها، با دیدن کژیها و ناراستیها، دوباره به اسلام و تشیع بازگشت و شرح حال این دوران سرگشتگی فکری و به تعبیر خود فریب خوردگی را در کتاب کشف الحیل (۳ جلد، تهران، ۱۳۷۰ - ۱۳۱۰ ش با تجدید چاپهای مکرر) نوشته و این زندگی پرتلاطم از او شخصیت پرآوازه و حقیقت جو ساخته است. او فرزند حاج ملا محمد بن محمد بن حاج بزرگ، در خانواده‌ی علم و عرفان به دنیا آمد. پدرش حاج (ملا-) آخوند تفتی از ائمه‌ی جماعت و خطبای فرهیخته‌ی یزد، و در زادگاه خویش نیز امام جماعت و مرجع حل و فصل امور شرعی مردم بود. زادگاهش قصبه‌ی تفت از نواحی یزد بود. تحصیلات مقدماتی را در مکتب خانه‌ی

زادگاهش آغاز کرد و اولین معلمش پدرش بود. در سال ۱۳۰۳ ق به یزد رفت و پس از فراگیری صرف و نحو و علم بلاغت و منطق در ۱۳۰۵ ق به قصد ادامه‌ی تحصیلات، سفر به عتبات عالیات کرد، و به فراگیری فقه و اصول پرداخت. یک سال بعد پدرش در گذشت و او به درخواست مادر به زادگاهش بازگشت و نظر به ابراز علاقه‌ی هم‌ولایتی‌ها مسند پدر را که امامت جماعت و وعظ و خطابه بود عهده دار شد. در سی و سه سالگی که امامت جماعت مسجد تفت و تصدی امور شرعیه را عهده دار بود، بعضی از مبلغان بهایی کتابهای این فرقه را به ترفند، به تعبیر خودش، به مطالعه‌ی او رساندند و چون مطالعه‌ی این کتابها آشکار شد، یکی از رقبای روحانی، او را به بد دینی و انحراف عقیده متهم کرد و آزار و ایذاء و بدنامی و رنجهای روحی همراه آن، او را به دامان بهائیت سوق داد. خود در این مورد می‌گوید: «... دستار از سر برافکندم و ریش خود را از بن برکندم و به جهانگردی پرداختم. چون محرم اسرار شدم و مقام عالی یافته بودم رئیس المبلغین شدم».

ابتدا مدتی در تهران و رشت و اردستان و کاشان به کارهای فرهنگی و تاسیس مدارس و تبلیغ بهائیت پرداخت و سپس چند بار به عکا (مقر سران بهائیت) مسافرت کرد و از طرف عباس افندی (عبدالبهاء) به «آواره» مشهور گردید و به دستور یا درخواست او و سایر روسای مرکز به تالیف کتاب مآثر البهائیه پرداخت (نام کامل آن الکواکب الدریه فی مآثر البهائیه) که در تاریخ ظهور و تشکیل بهائیت است. خود در مورد این کتاب می‌گوید: «چون خواستم طبع کنم عباس افندی نسخه‌ی آن را طلبد و دستوراتی داد. ناچار بسیاری از آن را تغییر دادم و بنده سه دفعه در تحت نفوذ حضرات به تحریفات و جعلیات مبتلا شد و اینک می‌گویم آن کتاب که بعداً به کواکب الدریه موسوم شده، در دو جلد، به کلی از درجه‌ی اعتبار ساقط است...» اما چون تغییرات دلخواه سران بهائیت در آن وارد شده طبیعی است چنانکه در مقاله‌ی دانشنامه‌ی ایرانیکا (به انگلیسی، جلد سوم، ذیل «آیتی» آمده است) «این کتاب هنوز اثر عمده‌ای در موضوع خود به شمار می‌آید».

به نوشته‌ی دایره‌المعارف تشیع: «... پس از فوت عباس افندی (۱۳۴۰ ق)، شوقی افندی جانشین او آواره را به عکا احضار نمود و آواره از طریق بادکوبه و اسلامبول به عکا و از آنجا به دستور شوقی و برای تبلیغ، مسافرتی به انگلستان و فرانسه نمود. آواره در اواخر عمر عباس افندی و سپس در اوایل شوقی افندی به میزان زیادی از سوء اخلاق و فساد روسا و مبلغین فرقه‌ی بهائیت اطلاع حاصل نمود و از کرده‌ی خود پشیمان شد؛ و در مسافرت به اروپا و در مراجعت هنگام اقامت در مصر، در احوالات آنها و مخصوصاً در علل و جهات انصراف میرزا ابوالفضل گلپایگانی و میرزا نعیم و میرزا علی اکبر رفسنجانی [با ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، در این عصر، اشتباه نشود] که از بهائیان اصلی و از مبلغین به نام آنها بودند، از فرقه‌ی بهائیت تحقیق و تفحص بسیار نمود و یقین حاصل کرد که آن سه تن با وجود تحمل زحمات و مشقات در طریق بهائیت و انجام تبلیغات فراوان برای این فرقه اخیراً از آن تبری جسته و از عمل خود نادم گشته بودند. آواره نیز هنگام اقامت در مصر زمره‌ی مخالف آغاز و به جمع آوری اسناد و تصاویر و تهیه‌ی یادداشتهای لازم علیه بهائیت مبادرت نمود و با ورود به تهران مخالفت خود را آشکار کرد و به تالیف کتاب کشف الحیل اقدام نمود. این کتاب در سه جلد [و گاه چاپ شده در یک مجلد، چاپ تهران ۱۳۰۷ - ۱۳۱۰] و حاوی شرح و تفصیل کافی راجع به حیلها و نیرنگهای بهائیان تدوین گردیده و ... سند ارزنده و گوهر گرانبهایی است...» (دایره‌المعارف تشیع، ج ۱، ص ۲۴۲)

به نوشته‌ی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی او در سال ۱۳۴۸ ق / ۱۹۲۹ م در تهران اقامت گزید و به خدمت وزارت معارف (آموزش و پرورش) درآمد، و به عنوان دبیر به تدریس در دوره‌ی متوسطه پرداخت. با طبع و ذوق سخنوری که داشت، به پژوهشهای ادبی روی آورد و نشریه‌ی ادبی / انتقادی به نام نمکدان [که بعضی منابع برآنند که مقالات مختلف اغلب یا تمامی ۶۱ شماره‌ی آن را خود او با اسامی مستعار گوناگون نوشته است] در سال ۱۳۰۸ ش منتشر کرد که در واقع گاهنامه بود و انتشارنامنظم آن چند سالی دوام آورد. مجموعه‌ی آثار او مشتمل بر ۱۷ کتاب است که عمده‌ترین آنها ترجمه‌ی تفسیر آمیز قرآن کریم است

که به کتاب نبی (به ضم نون) یا قرآن فارسی [یا به قول خود آیتی ، به نقل از یکی از فضلا که در مقدمه ی ترجمه اش آورده فارسی قرآن، که دقیق تر و به ادب شرعی نزدیک تر از قرآن فارسی است] مشهور است . از دو کتاب الکوکب الدریه و کشف الحیل نیز نام بردیم . کتابی نیز به نام تکمیل کتاب کشف الحیل و بیان الحق و نیز جزوه ای به نام ضمیمه ی کشف الحیل دارد و آتشکده ی یزدان (تاریخ یزد) ، و تاریخ فلاسفه ، و فرهنگ آیتی و اثر قرآنی دیگری به نام قصیده ی قرآنی و ترانه ی روحی (که چون تاریخ نشر آن در منابع شرح حال او نیامده نمیتوان راجع به صحت کلی آنکه در کدام مرحله ی حیاتش نوشته / سروده است ، قضاوت کرد) .

برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

بابا نعمت الله نخجوانی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۲۰ ق)، صوفی و مفسر حنفی. معروف به شیخ علوان. وی اهل نخجوان بود و در اواخر عمر به سرزمین عثمانی رفت و در آق شهر ساکن شد، به همین جهت به علوان آق شهری نیز معروف شد. او از عرفای طریقت نقشبندیه بود و در آق شهر درگذشت. آثار وی عبارتند از: «فواتح الالهیه و مفاتح الغیبیه الموضحة للكلم القرآنیة و الحکم الفرقانیة»، در تفسیر، که در سال ۹۰۲ ق به پایان رسیده است؛ حاشیه بر «انوار التنزیل و اسرار التأویل»؛ شرح بر «گلشن راز»، به فارسی؛ «هدیه الاخوان»، در تصوف.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲/۹)، تاریخ نظم و نثر (۲۸۲)، ریحانه (۲۱۷/۱)، کشف الظنون (۲۰۲۸، ۱۲۹۲، ۱۸۹)، لغت نامه (ذیل / بابا نعمه الله)، معجم المؤلفین (۱۱۱/۱۳)، هدیه العارفین (۴۹۷/۲).

بابایی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر بابائی

محل تولد: اراک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب علی اکبر بابائی متولد ۱۳۳۳ در اراک پس از آموختن قرآن و برخی کتاب های مذهبی در مکتب خانه و تحصیلات ابتدایی در مدارس دولتی و دروس مقدماتی حوزه مانند صرف و نحو در حوزه علمیه اراک در سال ۱۳۵۳ ه.ش وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۵۹ ه.ش سایر دروس مقدماتی و سطوح عالی حوزوی را فرا گرفتم و در سال ۱۳۶۰ به دروس خارج اصول و

فقه راه یافتم، مدت کوتاهی از درس خارج اصول آیت الله مکارم و خارج فقه آیت الله تبریزی استفاده کردم ولی عمده تحصیلات خارج فقه و اصول این جانب از درس‌های خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی بوده است حدود ۱۲ سال در درس خارج اصول و حدود ۲ سال در درس خارج فقه معظم له شرکت کرده‌ام همزمان با تحصیلات خارج فقه اصول در برنامه‌های درسی مؤسسه در راه حق و پس از اتمام دوره عمومی تحقیقات خود را در رشته تخصصی تفسیر علوم قرآنی در این مؤسسه آغاز کردم و تا سال ۱۳۷۳ ادامه یافت از سال ۱۳۷۳ تا کنون در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که قبلاً دفتر حوزه و دانشگاه نامیده می‌شد به پژوهش در موضوع مباحث علوم قرآنی با گرایش منطق فهم قرآن اشتغال داشته‌ام و نتیجه آن تألیف کتاب‌های: روش شناسی تفسیر قرآن، مکاتب تفسیری ج ۱ و ۲ تاریخ تفسیر قرآن بوده است.

بازرگان، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۳ - ۱۲۸۶ ش)، استاد دانشگاه، محقق، اسلام‌شناس و قرآن‌پژوه. مهندس بازرگان در تهران به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۰۷ ش با اولین گروه اعزامی دانشجویان به فرانسه عزیمت کرد. او در رشته‌ی ترمودینامیک فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۱۳ ش به ایران بازگشت. و در سال ۱۳۱۵ ش درس ترمودینامیک (ماشینهای حرارتی) را در دانشکده‌ی فنی بنیان نهاد و به عنوان دانشیار به تدریس این رشته پرداخت. چند سالی نیز ریاست دانشکده‌ی فنی را عهده‌دار بود وی همکاری خود را با نوشتن مقاله‌ی «مذهب در اروپا» با کانون اسلام در سال ۱۳۱۹ ش شروع کرد. بازرگان با سمت معاون وزارت فرهنگ در دولت دکتر مصدق انجام وظیفه کرد. سپس از سوی دکتر مصدق به ریاست هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت منصوب شد و برای مأموریت خلع ید از شرکت نفت انگلیس به آبادان رفت. بازرگان زمانی که مدیر کل سازمان آب تهران بود، اولین راه‌اندازی انشعاب آب تهران را بدون کمک مهندسین خارجی انجام داد. او به خاطر امضای نامه‌ی اعتراض آمیز به انتخابات غیر قانونی مجلس به دستور سپهد زاهدی نخست‌وزیر کودتا، برکنار شد. بازرگان یکی از مهمترین پایه گذاران و نقش آفرینان نهضت مقاومت ملی بود و با کشف چاپخانه نهضت مقاومت ملی در سال ۱۳۳۴ ش به همراه عده‌ای دیگر از سران نهضت مقاومت دستگیر و زندانی شد. در سال ۱۳۴۱ ش بار دیگر به ده سال زندان محکوم شد. در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ش، مهندس از چهره‌های درخشان درجه‌ی اول جنبش انقلابی مردم ایران بود. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به طور مخفیانه به عضویت «شورای انقلاب» درآمد و آنگاه مأمور تشکیل کابینه و تأسیس دولت موقت انقلاب شد. مهندس بازرگان با حکم رهبر و پیشنهاد شورای انقلاب به نخست‌وزیری منصوب شد، ولی در آبان ماه ۱۳۵۸ ش استعفا داد. او در انتخابات نخستین دوره‌ی مجلس به نمایندگی از طرف مردم تهران به مجلس شورای اسلامی راه یافت. سرانجام در ضمن سفر طبابتی در ژنو در گذشت و بعد از انتقال پیکر او به تهران، در قم دفن شد. از آثار وی: «علمی بودن مارکسیسم»؛ «بررسی نظریه‌ی اریک فروم»؛ «بازیابی ارزشها»، در چهار جلد؛ «مطهرات در اسلام»؛ «راه طی شده»؛ «ذره‌ی بی‌انتهای»؛ «بعثت و تکامل»؛ «جمله‌شناسی قرآن»؛ «آفات توحید»؛ «بازگشت به قرآن»، در چهار جلد؛ «بینهایت کوچکها»؛ «ترمودینامیک صنعتی»؛ «حکومت جهانی واحد»؛ «عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان»؛ «مرز میان دین و سیاست». [۱]

محقق، نویسنده، استاد.

تولد: ۱۲۸۶، تهران.

درگذشت: ۳۰ دی ۱۳۷۳، سویس.

مهدی بازرگان، فرزند حاج عباسقلی آقا تبریزی بازرگان تهرانی، در سال ۱۳۰۷ با نخستین گروه دانشجویان ایرانی به اروپا رفت و در رشته‌های مهندسی ماشین و مهندسی نساجی از فرانسه فارغ‌التحصیل شد، پس از بازگشت به ایران، در همان رشته‌ی تخصصی خود در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۲۰ با پای گذاشتن در کانون اسلام به فعالیت‌های سیاسی و دینی رو آورد. از سال ۱۳۱۴ (تا ۱۳۳۰) در دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران بر کرسی استادی نشست و از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ همزمان ریاست این دانشگاه را نیز به عهده داشت.

وی زمان دولت دکتر محمد مصدق به عنوان رییس هیئت مدیره‌ی موقت شرکت ملی نفت و سپس به عنوان مدیر عامل سازمان آب تهران به فعالیت می‌پرداخت.

مهندس مهدی بازرگان نخستین بار در سال ۱۳۳۴ گرفتار زندان شد و پس از آزادی، در بهمن ۱۳۴۱ دوباره دستگیر و به ده سال زندان محکوم شد. پس از آزادی از بند، در آبان سال ۱۳۴۶ به کار در شرکت‌های مهندسی روی آورد تا آن که بار دیگر در شهریور سال ۱۳۵۷ دستگیر شد. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی (ره) به عضویت شورای انقلاب درآمد و زمانی کوتاه پس از آن به عنوان نخست وزیر دولت موقت منصوب شد، اما با تسلیم استعفانامه‌ی خود در اعتراض به اشغال سفارت آمریکا از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از سمت نخست وزیری کنار رفت.

وی در گذر عمر خود با گروه‌هایی چون «کانون اسلام»، «کانون مهندسی ایران»، «انجمن اسلامی مهندسين»، «جامعه‌ی تعلیمات اسلامی» و «مؤسسه‌ی دین و اخلاق» در زمینه‌های مذهبی همکاری بسیار داشت.

فهرستی از آثار وی به شرح زیر است: *مطهرات در اسلام* (چاپ دوم، ۱۳۳۳)؛ *سیر تحول در قرآن*، راه طی شده (۱۳۲۷)، این کتاب به دفعات به چاپ رسیده است؛ *اسلام با کمونیسم*، عشق و پرسش یا ترمودینامیک انسان (۱۳۳۵)؛ *بررسی نظریه‌ی اریک فروم؛ بی‌نهایت کوچکها؛ مذهب در اروپا؛ یادداشت‌هایی از سفر حج؛ از خداپرستی تا خودپرستی؛ اسلام و جوانان* (۱۳۴۱)؛ *انسان و خدا* (۱۳۳۹)؛ *بازی جوانان با سیاست؛ ترمودینامیک صنعتی* (۲ جلد، ۱۳۳۳-۱۳۳۱)؛ *حکومت واحد جهانی* (۱۳۴۲)؛ *خداپرستی و افکار روز؛ خودجوشی؛ ضریب و تبادل مادیات و معنویات؛ مرز میان دین و سیاست مسئله‌ی وحی*.

پیکر مهندس بازرگان بنا بر وصیت خودش در قم به خاک سپرده شد.

فرزند حاج میرزا عباسقلی خان، در ۱۲۸۶ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در مدارس ثروت و سلطانی پایان داد و دوره‌ی متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی که بنیانگذار آن ابوالحسن فروغی بود پایان بخشید. در سال ۱۳۰۷ بازرگان در کنکور اعزام محصل به اروپا شرکت کرد و با نمرات عالی جزء ده نفر اول شد و به پاریس رفت. مدت پنج سال مدرسه لیسه و مدرسه سانترال را طی کرد و مهندس معدن شد و مدت یک سال هم در کارخانجات نساجی انگلستان استاژ و کارآموزی داد و در سال ۱۳۱۴ به ایران بازگشت و لدی‌الورود به خدمت وظیفه اعزام شد و دوره مزبور را پایان داد. شورای عالی وزارت فرهنگ تحصیلات بازرگان را معادل درجه دکترا تشخیص داد و بلافاصله برای تدریس به دانشکده فنی دعوت به کار شد. در آن تاریخ استادان دانشگاه می‌توانستند با حفظ سمت دانشگاهی در سازمان‌های دیگر نیز استخدام شوند. مهندس بازرگان ابتدا در راه آهن اشتغال ورزید و سپس به اتفاق احمد علی ابتهاج، محسن فروغی، کاظم جفرودی و مهندس مشایخی به بانک ملی وارد شدند و اداره ساختمان را تحویل گرفتند. مهندس بازرگان عهده‌دار قسمت تأسیسات بانک ملی شد. در سال ۱۳۲۱ بازرگان به معاونت دانشکده فنی انتخاب گردید و در ۱۳۲۴ پس از فوت غلامحسین رهنما، برای مدت سه سال به ریاست دانشکده فنی انتخاب شد و در سال ۱۳۲۷ شورای استادان دانشکده فنی برای سه سال دیگر ریاست او را تمدید نمودند. مجموعاً مدت شش سال ریاست دانشکده فنی با او بود.

در سال ۱۳۳۰ که دکتر مصدق زمام امور را در دست گرفت و صنعت نفت را ملی نمود، سه هیئت برای خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس تعیین شد. یک هیئت از مجلس سنا که عبارت بودند از: آقایان مرتضی قلی بیات، دکتر احمد متین دفتری، محمد سروری، ابوالقاسم نجم و دکتر شفق. از مجلس شورای ملی اعضاء هیئت مختلط برای نظارت در امر خلع ید عبارت بودند از: آقایان دکتر عبدالله معظمی، دکتر علی شایگان، اللهیار صالح، حسین مکی و ناصرقلی اردلان. از طرف دولت نیز اشخاص زیر برای خلع ید تعیین گردیدند: محمدعلی وارسته، مهندس کاظم حسیبی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر عبدالحسین علی آبادی و محمد بیات.

بازرگان همزمان با انتخاب در هیئت خلع ید به معاونت وزارت فرهنگ منصوب گردید. قرار بر این شد که هیئت خلع ید برای اداره امور شرکت ملی نفت هیئت مدیره موقتی از بین خود انتخاب نمایند. نظر به آقای دکتر محمود حسابی تعلق گرفت ولی ایشان برای قبول چنین سمتی اختیاراتی خواستند که هیئت مختلط و دکتر مصدق با آن مخالف بودند. سرانجام در اثر تلاش آقای مهندس حسیبی، آقای مهندس بازرگان برای ریاست هیئت مدیره موقت تعیین شد و نامه‌ای از طرف دکتر مصدق به دانشگاه تهران بشرح زیر نوشته شد:

دانشگاه تهران- چون لازم است آقای مهندس بازرگان رئیس و استاد دانشکده فنی تا مدتی وظیفه‌ی فعلی خود را که عضویت هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران است ادامه دهند و نخواهند توانست در اول سال تحصیلی جاری وظایفی را که در دانشگاه به عهده دارند انجام نمایند، مقتضی است موافقت فرمائید ایشان با حفظ عنوان و سمت و حقوق در دانشگاه برای مدت یکسال ریاست هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران را عهده‌دار باشند و مراتب را نیز به ایشان ابلاغ نمایید.

نخست‌وزیر- دکتر محمد مصدق

آقای مهندس بازرگان در کتاب شصت سال خدمت و مقاومت در مورد مأموریت خطیر خود چنین نوشته‌اند: اداره شرکت ملی نفت ایران، با اوضاع و شرایطی که خلع ید صورت گرفت کار عظیمی بود و حالت «پرش در تاریکی» داشت. ولی به خواست خداوند و همت مردم ایران، مرحله اول مدیریت که حفظ سازمان و بهره‌برداری از تأسیسات عمومی بود بخوبی انجام گرفت خلع ید صددرصد انجام گرفت. مدیریت سرتاسر شرکت نفت سابق به دست ایرانیان افتاد. جای هفتصد متخصص فنی و اداری و مالی را عده‌ای در حدود ۷۰ نفر ایرانی پر کردند که تقریباً ۵۰ نفر از کارمندان متخصص شرکت و بیست نفر از داوطلبان انتقال یافته از مرکز بودند. اما مشکل اخلاقی و فرهنگی بود که به تدریج و پس از پیروزی با آن روبرو می‌شدیم و اسم آن را باید دوران «غنائم‌گیری» گذاشت. حسادت‌ها، برتری‌جوئی‌ها، رقابت‌های ناسالم و ملاحظات غیرمسئولانه، منفعت‌طلبی‌های شخصی، میدان مساعد پیدا کرده بود.

حالا کارها براه افتاده و خطرات و مشکلات اولیه مرتفع شده بود و همه پهلوان میدان شده بودند. این مسئله منحصر به آنجا نبود، بلکه مربوط به کل مملکت و از نوع سیاسی و اداری و اقتصادی بود که علیه دولت مصدق اعمال می‌شد. اشکال عمده و گره کار هیئت مدیره این بود که همکاران حاضر نمی‌شدند یک نفر را به عنوان مدیرعامل ثابت تعیین کنند و دست او را برای پیشبرد کارها و اجرای تصمیمات باز بگذارند در حالی که به قول دکتر متین دفتری، یک دکان سبزی‌فروشی هم نمی‌تواند بدون مسئول و مدیر کار کند تا چه رسد به آن دستگاه عظیم و پیچیده شرکت نفت.

البته دکتر مصدق به ضرورت این امر توجه داشت ولی ملاحظات سیاسی- اجتماعی مرکز و علاقه او به رعایت نظرات بعضی از نمایندگان، دستش را بسته بود. او درگیر توطئه‌های داخل و خارج بود و در چند جبهه مبارزه می‌کرد. آقای مکی که در روز عزیمت دکتر مصدق و همراهان به آمریکا جهت حضور در شورای امنیت سازمان ملل، اسم خود را در هیئت اعزامی از رادیو نشنید، از همان لحظه ناسازگاری را شروع کرد؛ چون عقیده داشت که «مصدق را من آورده‌ام و نفت را من ملی کرده‌ام». مکی در همه امور برای خود حق آمریت قائل بود. وی به عنوان یکی از اعضای هیئت مختلط، شأن خود را بالاتر از آن می‌دانست که در

جلسات هیئت مدیره بطور منظم حضور و مشارکت داشته باشد. بدون مشورت با سایر اعضای هیئت با مسئولین مربوطه دستور صادر می‌کرد. به عنوان مثال دستور تغییر مسیر اتوبوسرانی یا انتقال یک کارگر شاکی، از شهری به شهر دیگر. آقایان اعضای هیئت مختلط که برای حل و فصل مشکلات و یاری هیئت مدیره در میان احساسات پرشور مردم و کارگران به آبادان آمده بودند نسبت به یکدیگر برتری طلبی می‌کردند، در یک مورد یکی از اعضای هیئت مختلط که استاد دانشگاه هم بود، از اینکه مهندس حسینی بیش از او مورد احترام و ابراز احساسات واقع شده بود در موقع ناهار با خشم زیاد او را مورد بی‌مهری و عتاب شدید قرار داد. بعد از ظهر همان روز که جلسه در منزل من تشکیل شده بود درگیری دیگری با لحن ناهنجارتری میان آقای مکی و مهندس حسینی بر سر انتخاب یا اعتماد به بعضی از مسئولین و مشاورین شرکت روی داد در حالی که رانندگان و کارکنان از پشت پنجره با بهت و حیرت شاهد آن صحنه‌ی تأسف آور بودند! به هر حال، حضور و خدمت من در خوزستان حدود ۹ ماه بیشتر نبود.

مأموریت مهدی بازرگان در سمت ریاست هیئت مدیره موقت صنعت ملی شده نفت قریب ۹ ماه طول کشید. عدم هماهنگی و دسته‌بندی‌هایی که در داخل هیئت خلع‌ید به تبعیت از اختلافات و رقابت‌های سیاسی و اداری مرکز پدیدار شده بود. همچنین انعکاس و تأثیرات غیر مستقیم که اختلاف و کارشکنی‌های مخالفان دولت و سیاست‌های مرکز در اوضاع داشت او را وادار به کناره‌گیری نمود و مجدداً به دانشگاه بازگشت و دو سه ماهی در دانشکده فنی اشتغال به کار داشت تا اینکه دکتر مصدق تصمیم گرفت به آب لوله‌کشی تهران سر و صورتی بدهد، از این رو مهندس بازرگان برای تصدی آب لوله‌کشی تهران انتخاب شد و در مدت قلیلی کار لوله‌کشی را به ثمر رسانید و آب تصفیه شده را به قسمتی از خانه‌های شهر تهران رسانید.

کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ و ساقط کردن دولت ملی مصدق، تغییراتی در شئون مملکت ایجاد کرد. این کودتا برای این انجام گرفت که مسئله نفت به صورتی که منافع دولت‌های خارجی در آن ملحوظ شود حل گردد. بنابراین قرار شد کنسرسیومی که اکثر سهام آن متعلق به انگلیس و آمریکا باشد تشکیل شود و نفت ملی شده ایران به آن کنسرسیوم واگذار گردد. لذا لازم بود انتخابات دوره هجدهم هرچه زودتر با نمایندگانی که از طرف دولت تعیین و انتخاب می‌شوند، قرارداد بین ایران و کنسرسیوم تصویب شود. در چنین اوضاع و احوالی عده‌ای در صدد برآمدند حداقل ابراز وجود کنند و اعتراضی بنمایند. نامه‌ای به عنوان وزیر کشور یا رئیس انجمن مرکزی انتخابات نوشتند و در آن نامه درخواست شده بود دستور فرمایند شرایط آزادی انتخابات تأمین شود. از جمله امضاء کنندگان نامه مهندس مهدی بازرگان رئیس آب تهران بود. این نامه به دولت گران آمد که یکی از مدیران که با دولت همکاری دارد این نامه را امضاء کند. نتیجه‌ی مذاکرات مهندس بازرگان با دولت بر این محور قرار گرفت که ایشان از ریاست سازمان آب تهران استعفا بدهند، و استعفا دادند. دولت زاهدی و دولت‌های بعد از آن تمام مساعی خود را به کار بردند تا استقلال دانشگاه را که سنگری علیه طرح‌های سرکوب‌گرانه آنها بود بگیرند و نگذارند در مراکز کشور جزیره امنی وجود داشته باشد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد عده‌ای از علاقمندان به دکتر مصدق «نهضت مقاومت ملی» را تشکیل دادند. در هفتم شهریور ۱۳۳۲ کمیته مخفی نهضت مقاومت اعلامیه‌ای منتشر کرد و خط مشی خود را در سه اصل بشرح زیر اعلام نمود:

۱- ادامه نهضت ملی و اعاده استقلال و حکومت ملی.

۲- مبارزه علیه هرگونه استعمار خارجی اعم از سرخ و سیاه.

۳- مبارزه علیه حکومت‌های دست‌نشاندهی خارجی و عمال فساد.

تدریجاً احزاب ملی نیز به نهضت ملی پیوستند. نهضت مقاومت ملی به پیروی از راه مصدق، آرمان‌های او را عامل اساسی ایجاد اتحاد و همبستگی اقشار جامعه در راستای مبارزه علیه رژیم کودتا می‌دانست.

تظاهرات روز ۱۶ مهر به نشانه اعتراض به محاکمه مصدق، شایگان و رضوی صورت گرفت. در آن روز بازار تهران، دانشگاه و

مدارس تعطیل گردید. این تظاهرات به طول انجامید و مأمورین انتظامی و چاقوکشان دولتی با دانشجویان و مردمی که به صفوف آنها پیوسته بودند به زد و خورد پرداختند. تعداد زیادی مجروح و دستگیر شدند. این تظاهرات بازتاب وسیعی در رسانه‌های خبری اروپا و آمریکا داشت. تظاهرات دیگری روز ۲۱ آبان به وقوع پیوست. نقش اول را دانشجویان در دست داشتند. بازار تهران نیز به حمایت دانشجویان تعطیل گردید. دولت کودتا عده‌ی زیادی را دستگیر و سرانجام سقف قسمتی از بازار را خراب کرد. در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در اعتراض به تجدید روابط ایران و انگلیس و ورود نیکسون به ایران، از روز شنبه ۱۴ آذر با ایراد سخنرانی در کلاس‌ها شروع شد. عصر آن روز در دانشکده‌ها تظاهرات پرشوری انجام پذیرفت. روز دوشنبه ۱۶ آذر عده‌ی زیادی از افراد نظامی وارد محوطه دانشگاه شدند. دانشجویان در کلاس‌های خود تظاهرات می‌کردند و سرانجام برخورد بین دانشجویان و سربازان از دانشکده فنی که مرکز عمده فعالیت دانشگاه بود شروع شد. به همین دلیل دستگاه قصد داشت که با سرکوب دانشجویان این دانشکده زهر چشم خود را نشان دهد. بنابراین تیراندازی در دانشکده فنی شروع شد و در نتیجه سه نفر از دانشجویان به درجه شهادت نائل شدند. کمیته دانشگاه عزای عمومی و تعطیل اعلام کرد. در مراسم برگزاری سومین روز شهادت دانشجویان چند هزار دانشجو و هزاران نفر از مردم تهران در حالی که جاده تهران- میدان شوش را سربازان محاصره کرده بودند و مانع حرکت مردم بودند، شرکت کردند. در خیابان مقابل امامزاده عبدالله، بین مردم و سربازان زد و خورد در گرفت و عده‌ای مجروح شدند. اعتصاب دانشگاه دو هفته ادامه یافت و حادثه ۱۶ آذر به عنوان یک روز «مقاومت تاریخی» در تاریخ دانشگاه ثبت شد و در همان ایام انتخابات دوره هجدهم مجلس شورای ملی آغاز گردید و نهضت مقاومت ملی دوازده نفر از اعضای خود را که بیشتر آنها در زندان بودند برای نامزدی انتخابات معرفی کرد. این دوازده تن عبارت بودند از: مهندس احمد رضوی، دکتر عبدالله معظمی، دکتر علی شایگان، محمدعلی انگجی، دکتر کریم سنجابی، اللهیار صالح، مهندس احمد زیرک‌زاده، سرهنگ احمد اخگر، جلالی موسوی، محمود نریمان، اصغر پارسا و مهندس کاظم حسینی.

سرانجام دولت تصمیم گرفت عده‌ای از استادان دانشگاه را اخراج کند که عبارت بودند از: دکتر عبدالله معظمی، دکتر یدالله سبحانی، دکتر قریب، دکتر عابدی، دکتر جناب، مهندس عطائی، مهندس خلیلی، مهندس انتظام، دکتر نعمت‌اللهی، دکتر بیژن، دکتر میربائی و مهندس مهدی بازرگان.

با تمام مقاومتی که از طرف دکتر سیاسی رئیس دانشگاه برای ابطال تصمیم دولت نسبت به اخراج استادان انجام گرفت، مع الوصف تصمیم به تغییر او گرفته شد و احکام اساتید اخراجی را رضا جعفری وزیر فرهنگ وقت امضاء کرد. اخراج اساتید هیچگونه اثری در مبارزات دانشجویان نکرد و حملات به دولت کودتا شدیدتر شد و سرانجام دولت تصمیم به بازداشت عده‌ای گرفت که عبارت بودند از: آیت‌الله حاج آقا رضا زنجانی، دکتر یدالله سبحانی، مهندس عزت‌الله سبحانی و مهندس مهدی بازرگان. در شهرستان‌ها نیز عده‌ای بازداشت شدند. زندانی شدن مهندس بازرگان و هم‌سنگران وی قریب پنج ماه به طول کشید و مجدداً به دانشگاه بازگشتند و همچنان به مبارزه خود علیه رژیم ادامه دادند.

در سال ۱۳۳۹ محمدرضا پهلوی طی نطقی از آزادی انتخابات سخن گفت و در نتیجه سران و کارگردانان سابق جبهه ملی و دیگر دستجات و جمعیت‌های سیاسی در صدد برآمدند فعالیت سیاسی را بطور علنی شروع کنند. بدین منظور رهبران نهضت مقاومت ملی از جمله مهندس بازرگان، دکتر یدالله سبحانی و آیت‌الله سید محمود طالقانی همراه با سران فعالان جبهه ملی سابق و همکاران دکتر مصدق از قبیل سید باقرخان کاظمی، دکتر غلامحسین صدیقی، دکتر عبدالله معظمی، اللهیار صالح، سید محمود نریمان، مهندس احمد زنگنه، دکتر کریم سنجابی و داریوش فروهر. پس از چند جلسه بحث و گفتگو درباره تأسیس یک سازمان سیاسی در برگیرنده‌ی همه‌ی نیروهای ملی موافقت شد. سرانجام روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۹ طی اعلامیه‌ای خبر تشکیل جبهه ملی دوم انتشار یافت. مهندس بازرگان در این سازمان سیاسی، عضو شورای عالی بود.

اولین برنامه جبهه ملی دوم، شرکت در انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی بود که آنهم با مخالفت شدید دکتر اقبال نخست‌وزیر شروع شد و در نتیجه عده‌ای از سران جبهه ملی دوم از جمله مهندس مهدی بازرگان در مجلس سنا متحصن شدند. مدت این تحصن پنج هفته به طول انجامید و پس از انتخابات و افتتاح مجلس از طرف شاه اجازه دادند متحصنین به خانه‌های خود بروند. نتیجه انتخابات زمستانی دوره‌ی بیستم بین حزب ملیون و حزب مردم تقسیم شد و سرسپردگان رژیم و کسانی که در کودتای مرداد ماه ۱۳۳۲ مشارکت فعال داشتند، به مجلس راه یافتند. از ملی‌گراها فقط اللهیار صالح از کاشان انتخاب شد. صالح هنگام طرح اعتبارنامه‌ها، انتخابات دوره‌ی بیستم را مخدوش دانست و تقاضای ابطال انتخابات را نمود. در اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ دولت شریف‌امامی سقوط کرد و دکتر امینی با حمایت همه‌جانبه‌کندی، به ریاست دولت انتخاب گردید و سرانجام مجلس را منحل نمود. دکتر امینی در نخستین روزهای حکومت خود، آزادی اجتماعات و نطق و بیان را آزاد کرد. در نتیجه روز ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ یک میتینگ بزرگ در میدان جلالیه از طرف جبهه ملی تشکیل شد که قریب یک صد هزار نفر در آن شرکت داشتند.

نهضت آزادی در ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ چند روز پس از معرفی کابینه دکتر امینی تشکیل شد. نهضت آزادی از عناصر ترکیب‌دهنده جبهه ملی نبود، آنها با تمام احزاب و دستجات ملی همکاری داشتند.

در اواخر دی ماه ۱۳۴۰ عده‌ای از دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران از جمله دارالفنون و البرز در اعتراض به تعطیل مجلس تظاهراتی برپا کردند که منجر به خراج چند تن از دانش‌آموزان گردید و چون اقدام برای بازگشت اخراج‌شدگان به نتیجه نرسید. روز اول بهمن چند دانشکده دانشگاه تهران در اعتراض به تعطیل مجلس و پشتیبانی از دانش‌آموزان اخراجی کلاس‌های درس را تعطیل کردند و به تظاهرات پرداختند. شاه دستور سرکوب دانشجویان را صادر کرد. کماندوها پس از یورش به محوطه دانشجویان را تا کلاس درس دنبال کردند و عده زیادی از جمله چند تن از استادان را کتک زدند، وسایل آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها و میکروسکوپ‌ها را شکستند، کتابخانه‌ها را ویران نمودند و کتاب‌ها را پاره کردند. آمار مجروحین این حمله وحشیانه از ۶۰۰ نفر تجاوز کرد. دکتر احمد فرهاد رئیس دانشگاه این یورش سبعانه را محکوم کرد و از ریاست دانشگاه استعفا داد. روزهای بعد مدارس تهران تظاهراتی در اعتراض به حمله کماندوها به دانشگاه برپا کردند که به خیابان‌ها کشیده شد. روز سوم بهمن یکی از دانش‌آموزان دبیرستان علمیه پشت بهارستان به شهادت رسید و عده‌ی زیادی مجروح شدند. سرتیپ محسن مبصر رئیس پلیس تهران و سرهنگ اکسیر معاون پلیس در این حملات عامل اصلی بودند و قتل را که توسط پلیس انجام گرفته بود به گردن دیگری انداختند.

جبهه ملی دوم در ۱۳۳۳ بدون توفیق در برنامه‌های خود، به انحلال انجامید و در نتیجه مهندس بازرگان و دکتر سحابی پس از بحث و مذاکره زیاد به این نتیجه رسیدند که فعالیت سیاسی و تشکیل یک حزب و جمعیت در شرایط موجود مملکت، لازم و واجب است ولی مرام و ایدئولوژی این جمعیت با حزب باید مبنی و مأخوذ از اسلام باشد. بر همین اساس تصمیم به تأسیس نهضت آزادی ایران گرفته شد. ایدئولوژی نهضت آزادی ایران حفظ اصالت نهضت ملی در چهارچوب وحدت با جنبش نوین اسلامی بود و تدریجاً نهضت آزادی توانست رسالت تاریخی خود را در آن مرحله از رشد جنبش به بهترین وجهی انجام دهد به طوری که پس از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به مرحله متکامل‌تری ارتقاء یابد و نهضت آن مکتب مجاهدپروری بشود که از درون خود مجاهدین پرافتخاری را به ملت تقدیم نماید. بطور خلاصه مرامنامه نهضت آزادی در چهار اصل خلاصه می‌شد: ۱- مسلمان بودن نه به این معنی که یگانه وظیفه‌ی خود را روزه و نماز می‌دانیم بلکه ورود ما به سیاست و فعالیت اجتماعی من باب وظیفه ملی و فریضه دینی بود. دین از سیاست جدا نیست. ۲- ایرانی بودن ۳- تابعیت از قانون اساسی ۴- مصدقی بودن.

از نظر حزب نهضت آزادی، مصدق یگانه رئیس دولتی بود که در طول تاریخ ایران محبوب و منتخب واقعی اکثریت مردم بود و قدم در راه خواسته‌های مردم برداشت. ضمناً لازم به یادآوری است که مهندس بازرگان قبل از اعلام تشکیل نهضت آزادی، تصمیم

خود را در نامه‌ای بوسیله‌ی دکتر غلامحسین مصدق به استحضار دکتر محمد مصدق رسانیده و پاسخی دریافت داشتند. متن نامه و پاسخ آن به شرح زیر است:

۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۰

جناب آقای دکتر مصدق پیشوای نهضت ملی ایران

با استحضاری که از وفاداری و ایمان مداوم مردم نسبت به اصول نهضت ملی ایران دارید و علاقه و انتظاری که در دل‌های فرزندان وطن به احیای آزادی و تأمین استقلال کشور عزیز وجود دارد و با توجه به تحولات اخیر جهانی، عده‌ای از افراد مؤمن و مبارز که در طول هشت سال اختناق از ادامه راه پیشوای محبوب و تعقیب خواسته‌های مردم آرام ننشسته بودند، در صدد برآمدن با توکل به عنایت خداوندی و به سرمایه شرف و غیرت و همت مردم آزاده ایران جمعیتی بنام «نهضت آزادی ایران» تشکیل دهند. یقین دارم از پشتیبانی و راهنمایی‌های پیشوای بزرگ خود پیوسته برخوردار خواهیم بود.

با تقدیم صمیمی‌ترین درود و سلام دوستان و ارادتمندان

از طرف مؤسسين نهضت آزادی ایران- مهندس مهدی بازرگان

پاسخ نامه بشرح زیر است:

احمدآباد- ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۰

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان

قربانت شوم. مرقومه محترمه مورخ ۲۱ جمادی، مبشر تشکیل جمعیتی بنام نهضت آزادی ایران عز وصول بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. تبریكات صمیمانه خود را تقدیم می‌کنم و تردید ندارم که این جمعیت تحت رهبری شخص شخیص جنابعالی موفق به خدمات بزرگی نسبت به مملکت خواهد شد و بنده توفیق جنابعالی و همکاران محترمتان را در این راه از خداوند مسئلت دارم.

دکتر محمد مصدق

استقبال مردم مخصوصاً جوانان از عضویت در نهضت آزادی بیش از انتظار شد و گروه کثیری از طبقات مختلف جامعه، دانشگاهیان، بازاریان و کسبه و کارمندان دولت به نهضت پیوستند. گروهی از فعالین نهضت آزادی در اروپا و آمریکا دوره‌های آموزش چریکی در الجزیره دیدند.

فکر مقاومت مسلحانه در برابر رژیم کودتا از اواخر ۱۳۴۲ پس از سرکوب آخرین مقاومت ملی مذهبی و متلاشی شدن نیروهای اپوزیسیون و شکست نهضت ملی و از بین رفتن امکانات مبارزه از طریق قانونی، شکل گرفت به طوری که در سال ۱۳۴۳ همه گروه‌ها و دستجات مخالف رژیم با افکار و ایدئولوژی‌های گوناگون به یک نتیجه‌ی واحد رسیدند که تنها راه مبارزه با رژیم شاه، مبارزه‌ی مسلحانه است. ترور حسنعلی منصور نخست‌وزیر، در مقابل در ورودی مجلس شورای ملی در اول بهمن ماه ۱۳۴۳ و به گلوله بستن شاه در کاخ مرمز از طرف یکی از افراد گارد محافظ دربار، اخطار آغاز مبارزه‌ی مسلحانه علیه رژیم کودتا بود. سازمان چریکی مجاهدین خلق ایران توسط سه تن از اعضای نهضت آزادی ایران: محمد حنیف نژاد، سید محسن و علی اصغر بدیعزادگان در شهریور ۱۳۴۴ پایه‌گذاری شد.

سازمان فدائیان خلق ایران سابقه‌ی عضویت یا همکاری با حزب توده را داشتند ولی عناصر تشکیل‌دهنده‌ی مجاهدین خلق ایران از اعضای رادیکال نهضت آزادی بودند.

ناگفته نماند بنیانگذاران نهضت آزادی سه نفر بودند که عبارت بودند از دکتر یدالله سبحانی، آیت‌الله طالقانی و مهندس مهدی بازرگان. ریاست نهضت عملاً با بازرگان بود.

واکنش نهضت آزادی ایران در روز سوم بهمن ماه ۱۳۴۱ در برابر فراندوم، بسیار شدید بود. شورای مرکزی نهضت آزادی

اعلامیه‌ای زیر عنوان «ایران در آستانه‌ی یک انقلاب بزرگ!» منتشر کرد. فرازهایی از اعلامیه‌ی مزبور به این شرح بود:

... عامل این انقلاب، نه دهاتی‌ها هستند، نه شهریها، نه ملت، نه مجلس و نه دولت. یک نفر است، شخص پادشاه مملکت!

این انقلاب یک پدیده‌ی نوظهور تاریخ است! زیرا انقلاب دو طرف دارد و انقلاب‌کننده‌ی آن تو سری خورده، زجر کشیده، محروم شده، خشمگین و مظلوم اجتماع است. انقلاب را در برابر طبقه‌ی قاهر غاصب حاکم ظالم انجام می‌دهند اما امروز هیئت حاکمه و دستگاهی انقلاب می‌کنند که تا دیروز خود از طریق ارباب‌ها، مالک‌ها و مأمورین دولت، یگانه حامی نظام ارباب رعیتی و فئودالیت و وکیل‌ساز و برخوردار از اقتصاد اجحاف مالکیت و سرمایه‌داری بود و در مرحله‌ی نهائی عامل تمام فشارها و فسادها (... انقلاب از این بزرگتر نمی‌شود که با یک گردش کوچک زمان، ضارب خودش مدافع مضروب بی‌زبان بشود.

اقبال‌ها و شریف‌امامی‌ها می‌آیند تا آنچه حزب و دموکراسی و انتخابات است به لجن‌مالی و رسوائی بکشند. با اشاعه فساد و تعمیم و توسعه اختلاس‌های کلان به کلیه دستگاه‌های لشکری و کشوری، پرده ننگ را آنقدر بالا می‌زنند و ارکان دولت و سلطنت را علی‌رغم ادعاهای ثابت سیاسی و اجتماعی ایران آنقدر متزلزل می‌نمایند که داخل و خارج متوحش می‌شوند. می‌ترسند مبادا ملت پرمدعای ایران کاسه صبرش لبریز شود و معجزه انقلاب و قیامی آزاد سر بزند.

سیاست توافق به باز کردن یک سوپاپ خطر دیگر، در این دیگ زنگ خورده پوسیده است (... دولت امینی را روی کار می‌آورند و سیاست آمریکا علاقه‌ای به شخص و طبقه ندارد. آنها برنامه می‌خواستند، طالب اصلاحات ارضی و مبارزه با فساد بودند، برای اینکه جلوی کمونیسم را بگیرند. بنابراین مسافرتی به اروپا و آمریکا به عمل آمد و وعده و قول و قراری مبادله شد. که شخص اول مملکت شخص اول و وسط و آخر مملکت و مجری ظاهر و باطن برنامه باشد. نخست‌وزیر رفت و نوکر حلقه بگوشی به جایش نشست، فقط یک مدعی در میان است، باید او را از میدان برد، اسلحه را از دست و زبانش گرفت...

هر فرد عادی از خود می‌پرسد اگر رفراندوم یا مراجعه به آرای عمومی کار مجاز و صحیحی است، پس چرا همین دستگاه در محاکم به قول خودش قانونی ذی صلاحیت، جناب آقای دکتر مصدق را به جرم رفراندوم، محکوم و محبوس کرد و دکتر اقبال نوکر جان‌نثار، ملت‌یون ایران را به عنوان رفراندومچی بودن از حق نماینده شدن محروم کرد. اگر این کار بد و خلاف قانون است، پس چطور شاه مملکت رفراندومچی می‌شود؟ سبحان‌الله، این چه بام دو هوائی است!؟

انقلاب باید از درون باشد نه بیرون. کشاورزانی که با گوسفند و گرگ آشنا هستید فریب نخورید و گرگ خود را بشناسید. همزمان با انتشار این اعلامیه، مأمورین ساواک ابتدا مهندس مهدی بازرگان و آیت‌الله طالقانی و دکتر سبحانی را دستگیر کردند. چند روز بعد عده‌ای از دوستان و همکاران آنها را در نهضت آزادی به زندان انداختند و سرانجام محاکمه‌ای برای آنان ترتیب داده شد و کیفرخواستی تنظیم گردید.

کیفرخواست دادستان ارتش پس از تشریح موارد اتهام و نتیجه‌ی تحقیقات از متهمین به این شرح بود:

... نوع بزه و انطباق با قانون: عمل سه نفر متهمین ردیف‌های ۳- ۲- ۱- (مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سبحانی و آیت‌الله طالقانی) جزء مؤسسين جمعیت نهضت آزادی می‌باشند و این جمعیت، مرام و رویه آنان ضدیت با سلطنت مشروطه ایران می‌باشد و همچنین متهمین ردیف ۸- ۷- ۶- ۵- ۴ و ۹ (مهندس عزت‌الله سبحانی، دکتر عباس شیبانی، احمدعلی بابائی، ابوالفضل حکیمی، سید مهدی جعفری و پرویز عدالت‌منش که عضو نهضت آزادی نیست) از جهت عضویت مزبور، جنائی منطبق با بند ۱ ماده ۱ قانون مقدمین علیه امنیت و استقلال کشور و از جهت اهانت‌های مکرر و گستاخانه به مقام شامخ سلطنت از درجه جنحه و منطبق با ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی می‌باشد و صدور حکم مجازات آنها با رعایت ماده ۲ الحاقیه به اصول محاکمات جزائی مورد تقاضاست. تاریخ و محل وقوع جرم: تهران اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ از تاریخ تشکیل جمعیت نهضت آزادی. ضمناً پرونده‌ای بنام افرادی که پرونده آنها تاکنون ارجاع نشده یا دستگیر نشده‌اند مفتوح است. دادستان- سرهنگ فخر مدرس.

محاكمه سرانجام انجام گرفت و متهمین و وكلاى مدافع آنها كه از برجسته‌ترین حقوقدانان كشور بودند، داد سخن دادند به طوری كه بعضی از اعضاى دادگاه تحت تأثیر قرار گرفتند. سرانجام در روز ۱۶ دی ماه ۱۳۴۲ دادگاه بدوى نظامى بدون ورود در ماهیت امر و دفاع و وكلاى مدافع و متهمین، پایان كار خود را اعلام و متهمین را به جرم اقدام بر ضد امنیت كشور و اهانت به مقام سلطنت به مجازات‌های زیر محكوم كرد:

۱- مهندس مهدى بازرگان و آیت‌الله طالقانى، هر يك ده سال زندان تأدیبی.

۲- دكتر یدالله سبحانى، دكتر عباس شیبانى و احمدعلی بابائى، هر يك شش سال زندان مجرد.

۳- مهندس عزت‌الله سبحانى، ابوالفضل حكیمى و محمد مهدى جعفرى، هر يك چهار سال زندان مجرد.

۴- پرویز عدالت‌منش كه عضو نهضت آزادى ایران نیست، يك سال حبس تأدیبی.

دادگاه تجدید نظر سران نهضت آزادى بسیار طولانى شد و مجموعاً ۷۶ جلسه تشكيل گردید. آراء صادره به شرح زیر بود:

متهم ردیف يك (آقای مهندس بازرگان)، متهم ردیف ۳ (آیت‌الله طالقانى)، ردیف ۴ آقای عزت‌الله سبحانى، ردیف ۵ دكتر عباس شیبانى، ردیف ۶ آقای احمدعلی بابائى، ردیف ۷ مهندس ابوالفضل حكیمى، ردیف ۸ آقای مهدى جعفرى، ردیف ۹ آقای پرویز عدالت‌منش. حكم دادگاه بدوى تأیید شد. در مورد متهم ردیف ۲ آقای دكتر یدالله سبحانى با توجه به عدم پیشینه كیفى، ۳۸ سال سابقه فرهنگى، كبر سن و معیل بودن متهم و نحوه دفاعیات، با رعایت ماده ۵ مكرر از قانون مجازات عمومى از جهت اهانت به مقام شامخ سلطنت و عهده‌دار بودن ریاست شورای جمعیتى كه رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه است، به چهار سال زندان مجرد محكوم می‌شود.

در تاریخ ۲۵ تیرماه هشت تن محكومین طى نامه‌ای از زندان قصر تقاضای فرجام‌خواهى كردند. در ۱۵ مرداد به آنها اطلاع داده شد كه شاه با تقاضای آنها موافقت نكرده و حكم محكومیت آنها قطعى است. محاكمه مهندس مهدى بازرگان و سایر سران نهضت آزادى در يكی از بیدادگاه‌های محمدرضا پهلوى يكی از محاكمات مهم و پر سر و صدای پنجاه سال اخیر است و می‌توان گفت كه بعد از محاكمه‌ی دكتر مصدق و یاران او دارای اهمیت و اعتبار خاصى است. پاسخ‌گوئى بازرگان و سایر متهمین به یاوه‌سرائى آقای دادستان بسیار جالب و حائز اهمیت بود. دفاعیات و وكلاى سران نهضت آزادى تماماً بدون ترس و واهمه، سستى این محاكمه را عریان ساخت.

بازرگان مخالف سلطنت مشروطه نبود و این مطلب را چندین بار در دادگاه عنوان كرد. او مخالف دخالت‌های شاه در تمام شئون مملكتى بود. بازرگان از دیکتاتوری شاه سخن گفت و بدون ترس و واهمه، آنچه را لازم تشخیص می‌داد در دادگاه بیان نمود.

پس از محاكمه‌ی سران نهضت آزادى و محكومیت آنان در دادگاه و عدم قبول فرجام‌خواهى، چهار تن از وكلاى مدافع سران نهضت آزادى ایران به اتهام توهین به مقام سلطنت به شرح زیر بازداشت و محاكمه شدند: سرتیپ على اصغر مسعودى، سرهنگ عزیزالله امیر رحیمى، سرهنگ دكتر اسمعیل علمیه و سرهنگ على اصغر غفارى. افسران مزبور هر كدام به مجازات‌هائى كه بیش از يك سال بود محكوم گردیدند و نتیجه‌ی این محاكمه علاوه بر تحمل زندان، اخراج از ارتش بود.

بازرگان مبارزات سیاسى خود را از بعد از کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ آغاز كرد. این مبارزه با مخالفت با انتخابات مجلس هیجدهم و سپس قرارداد با كنسرسيوم كه نتیجه‌ی آن واگذارى صنعت نفت به آمریكا و انگلیس بود آغاز شد و سرانجام در مخالفت با انقلاب سفید شاه و مردم، بازرگان و یاران وی دستگیر و محاكمه شدند.

بازرگان پس از آزادى از زندان، مبارزات خود را ادامه داد و از نیمه‌های سال ۱۳۵۶ این مبارزات بصورت حادى آغاز گردید.

در سال ۱۳۵۷ بازرگان به محكومیت مجدد آیت‌الله طالقانى طى اعلامیه‌ای شدیداً اعتراض نمود و بازداشت شد و قریب ده روز در زندان بسر برد و روز ۲۶ شهریور از زندان آزاد شد. روز ۲۹ مهر ماه، مهندس بازرگان به اتفاق دكتر میناچى برای ملاقات با

آیت‌الله خمینی به پاریس عزیمت نمود. در روز هشتم دی ماه، امام خمینی فرمانی برای حل و فصل مشکلات نفت برای بازرگان صادر نمودند. در این فرمان آمده بود:... جنابعالی که در اداره صنایع نفت دارای سوابق و تجارب هستید یک هیئت پنج نفری مرکب از جناب حجت‌الاسلام حاج شیخ اکبر رفسنجانی و جناب آقای مهندس کتیرائی و دو نفر را با نظر خودتان و مشورت آقایان تعیین نمایید و این هیئت تحت سرپرستی جنابعالی، مناطق نفتی را بازرسی نموده و در امر تولید نفت نظارت نمایند. پس از صدور فرمان امام، کارکنان اعتصابی صنعت نفت ایران برای تولید نفت مورد نیاز داخلی، به سر کار خود بازگشتند. روز سوم بهمن ماه بازرگان اعلام کرد بختیار باید استعفا کند، در غیر این صورت باید ارتش را بکار گیرد.

روز چهارم بهمن ماه مهندس بازرگان طی مصاحبه‌ای نحوه‌ی تشکیل شورای انقلاب و دولت موقت اسلامی را تشریح کرد و گفت الگوئی که ما برای حکومت اسلامی در نظر داریم دوران رسالت و رهبری ده ساله‌ی حضرت محمد (ص) در مدینه و دوران پنج ساله‌ی امام حضرت علی (ع) در کوفه است.

روز ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ امام خمینی مهندس بازرگان را بعنوان رئیس دولت موقت تعیین کردند و فرمانی در این مورد شرف صدور یافت.

در همان روز مهندس بازرگان رئیس دولت موقت در پاسخ مصاحبه‌ی شاپور بختیار که گفته بود رئیس دولت موقت را بازداشت می‌کنم، گفت از این اخطار نمی‌ترسم، اگر تهدید می‌خواهند بکنند به چیز دیگری ما را تهدید کنند، این چیز خیلی کوچکی است، اگر عملی شود بنده شخصاً خیلی ممنون می‌شوم چون راحت می‌شوم.

در روز شانزدهم بازرگان نخست‌وزیر موقت، برنامه و وظایف دولت موقت را بیان کرد و گفت از وظایف عمده دولت موقت اینست که یک همه‌پرسی برپا کند تا نظر مردم را درباره‌ی تغییر رژیم و تحول آن به جمهوری دموکراتیک اسلامی بپرسد. سپس این وظیفه را خواهد داشت که انتخابات مجلس مؤسسان را برگزار کند، مجلسی که قانون اساسی آینده را تدوین خواهد کرد. وظیفه‌ی سوم نیز انتخابات مجلس خواهد بود که به موجب قانون اساسی جدید تشکیل می‌شود و پس از این مجلس دولت رسمی تعیین خواهد شد.

روز شانزدهم جامعه‌ی روحانیت اعلام کرد برای تأیید بازرگان راهپیمائی بزرگ روز پنجشنبه ۱۹ بهمن در تهران و شهرستان‌ها انجام خواهد گرفت.

در همان روز شاپور بختیار به دنبال انتخاب بازرگان به ریاست دولت موقت گفت در ایران تنها یک حکومت وجود خواهد داشت. ساخت ایران تجزیه‌ناپذیر است. اگر بختیار تنها به حرف زدن اکتفا کند یک مسئله است. اگر بخواهد دست به عملی دیگر بزند مسئله‌ی دیگری مطرح می‌شود.

در اجرای خواسته‌ی امام روز نوزدهم بهمن ماه مبنی بر راهپیمائی مردم در تأیید دولت موقت، میلیون‌ها تن از مردم برای حمایت از آیت‌الله خمینی و دولت موقت اسلامی، در تهران و شهرستان‌ها به خیابان‌ها آمدند و راهپیمائی گسترده‌ای در سراسر ایران برپا نمودند. تنها در تهران متجاوز از دو میلیون نفر در این راهپیمائی مشارکت داشتند. غیر از تمام طبقات مردم روحانیون، اصناف، احزاب سیاسی و همافران در این رفراندوم شرکت داشتند. در پایان راهپیمائی تهران قطعنامه‌ای در ۷ ماده قرائت شد و مردم یکپارچه آن را تأیید کردند. در بعضی از شهرستان‌ها راهپیمائی مردم به آتش و خون کشیده شد. به دنبال راهپیمائی مردم در تأیید دولت بازرگان، بختیار اعلام کرد در کشور واحدی چون ایران دو دولت را نمی‌پذیرد و دولتی را که گویا مهندس بازرگان درصدد تشکیل آن است، به رسمیت نمی‌شناسد.

روز بیستم بهمن ماه مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر دولت انقلابی، طی یک سخنرانی که در دانشگاه تهران ایراد کرد، برنامه‌ی دولت موقت را اعلام کرد. بازرگان در نخستین سخنرانی‌اش در برابر مردم گفت مأموریتی که رهبر انقلاب به من داده است،

پرمخاطره‌ترین و سنگین‌ترین مأموریت در عمر ۷۱ ساله‌ی مشروطیت ایران است که به نخست‌وزیر ایران داده شده است. آنگاه بازرگان افزود: خطوط اصلی و وظایف دولت موقت به قرار ذیل است:

۱- احراز و انتقال قدرت ۲- ارائه و اثبات حقانیت (همان فراندوم) ۳- احیاء و اداره و اصلاح مملکت ۴- انتخابات مجلس مؤسسان و ارجاع به آراء عمومی برای تدوین و تصویب قانون اساسی جدید ۵- انتخابات مجلس شورای ملی ۶- استعفا و تحویل کار به رئیس‌جمهور و دولت رسمی بعدی.

روز ۲۱ بهمن ماه، فرماندار نظامی تهران و حومه اعلامیه‌ی شماره ۴۰ را انتشار داد و اعلام نمود ساعت منع عبور و مرور در تهران را افزایش داده و رفت و آمد را از ساعت ۱۶/۳۰ تا ۵ بامداد ممنوع اعلام کرد. در همان روز متعاقب اعلامیه‌ی شماره ۴۰، فرمانداری نظامی اعلامیه‌ی شماره ۱۱ را صادر نمود. در این اعلامیه آمده بود: فرمانداری نظامی تهران و حومه به حکم وظیفه و مسئولیت سنگینی که به عهده دارد نمی‌تواند در مقابل عملیات ضد انسانی و وحشیانه عناصر اخلاک‌گر و فریب خورده بی‌تفاوت بماند، علیهذا بدینوسیله ساعت عبور و مرور شبانه را تا ساعت ۱۱ روز یکشنبه ۲۲ بهمن تمدید می‌نماید. به دنبال این اعلامیه، امام خمینی پیام مهمی انتشار داد و اعلامیه‌های حکومت نظامی را خدعه و خلاف شرع دانست و مردم به هیچوجه به آن اعتنا نکردند و در نتیجه مردم به خیابان‌ها ریختند.

روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن، تهران و سایر شهرها تبدیل به میدان جنگ شد. لشکر گارد بطور ناگهانی به نیروز هوایی حمله کرد و مردم نیز به کلاتری‌ها یورش بردند و غالب کلاتری‌ها به تصرف مردم درآمد. مهندس بازرگان طی پیامی اعلامیه‌های فرمانداری نظامی را توطئه علیه انقلاب خواند.

سرانجام در ساعت ۱۰/۵ بامداد روز ۲۲ بهمن، شورای عالی ارتش با شرکت رئیس ستاد، وزیر جنگ و غالب فرماندهان تشکیل جلسه داد و پس از بحث و مذاکره، اعلامیه صادر و متذکر شد برای جلوگیری از هرج و مرج و خونریزی، بیطرفی خود را در مناقشات فعلی اعلام و به یگان‌های نظامی دستور داده شد که به پادگان‌های خود مراجعه نمایند. به دنبال اعلامیه شورای عالی ارتش و جمع‌آوری سربازان تمام تهران و شهرها به دست مردم انقلابی افتاد و سرانجام صدای انقلاب در روی صفحه تلویزیون نقش بست و بدین ترتیب رژیم ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهنشاهی و آخرین سلسله‌ی سلطنتی ایران سقوط کرد.

بازرگان سیاستمداری مسلمان و مبارزی خستگی‌ناپذیر بود. وی در سی‌امین روز دی ماه ۱۳۷۳ در تهران وفات یافت.

تألیفات بازرگان بشرح زیر می‌باشد: ۱- مطهرات در اسلام ۲- سیر تحول در قرآن ۳- ره طی شده ۴- اسلام یا کمونیسم ۵- عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان ۶- نظریه اریک فروم ۷- بی‌نهایت کوچکها ۸- مذهب در اروپا ۹- یادداشت‌هایی از سفر حج ۱۰- از خداپرستی تا خودپرستی ۱۱- اسلام و جوانان ۱۲- انسان و خدا ۱۳- بازی جوانان با سیاست ۱۴- ترمودینامیک صنعتی ۱۵- حکومت واحد جهانی ۱۶- خداپرستی و افکار روز ۱۷- خودجوشی ۱۸- ضریب و تبادل مادیات و معنویات ۱۹- مرز میان دین و سیاست ۲۰- مسئله وحی ۲۱- انقلاب در دو حرکت ۲۲- شصت سال خدمت و مقاومت (خاطرات مهندس مهدی بازرگان، جلد اول).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] ایران فردا (اسفند ۱۳۷۳، ویژه‌نامه درگذشت مهندس بازرگان)، خاطرات بازرگان (شصت سال خدمت و مقاومت)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۳-۳۷۲/۶)، نشر دانش (س ۱۵، ش ۱ و ۲، ص ۸۲).

باقریان ساروی، احمد

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد باقریان ساروی

محل تولد: بهشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در آغاز پاییز سال ۴۲ وارد حوزه علمیه کوهستان بهشهر شدم و در سال ۴۴-۴۳ در قم و سپس به مدت دو سال در رستمکلاهی بهشهر تحصیلات مقدماتی را گذرانده و در سال (پاییز) ۴۸ مجدداً وارد قم شدم و دروس سطح را در خدمت اساتیدی همانند مرحوم فاضل هرندی و علوی گرگانی و دوزدوزانی و آیت الله فاضل لنکرانی و موسوی تبریزی (سید ابوالفضل) و مرحوم آیت الله سلطانی (کفایه ج ۱) و آیت الله حائری (سید محمد کاظم) (کفایه ج ۲) گذرانده و درس خارج را که از سال ۵۰ شروع شد نزد اساتیدی همچون وحید خراسانی و مرحوم میرزا هاشم آملی و حسین نوری همدانی و فاضل لنکرانی گذراندم. یک دوره کامل خارج اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی گذرانده و درس‌ها را به صورت عربی نوشته‌ام. و در سال ۷۰-۶۹ برای تدریس به گرگان رفته و مدت نه سال در مدرسه علمیه امام باقر(ع) گنبد و مدرسه امام خمینی گرگان و مدرسه سعدیه رامیان به تدریس از سیوطی تا اصول فقه و شرح لمعه پرداخته‌ام و مجدداً وارد قم شده و دروس رسائل و مکاسب و کفایه را تدریس داشته‌ام. ولی اکنون نزدیک به یک سال است که به سبب بیماری توفیق تدریس عمومی را ندارم ولی کارهای تحقیقاتی را که از شش سال پیش در مرکز پژوهش‌های اسلامی (فرهنگ و معارف قرآن) شروع کرده‌ام ادامه می‌دهم و در نگارش و تدوین فرهنگ قرآن شرکت دارم که هم اکنون آن اثر ۸ جلد به چاپ رسیده است.

بحر العلوم، محمد مهدی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۱۲-۱۱۵۵ ق)، فقیه، محدث، مفسر و مجتهد. وی در کربلا به دنیا آمد. هنوز به هفت سالگی نرسیده بود که خواندن و نوشتن را فراگرفت و سطوح اولیه را در مدت سه یا چهار سال تمام کرد و هنوز، به دوازده سالگی نرسیده بود که در محضر والدش به تحصیل خارج اصول پرداخت و از محضر وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی نیز استفاده کرد. بحرالعلوم به پانزده سالگی نرسیده بود که به درجه‌ی اجتهاد نائل شد و استادانش به اجتهاد او شهادت دادند. سپس به نجف رفت و در درس علماء نجف حضور یافت و مشهور شد. پس از چندی به بروجرد رفت. در اواخر سال ۱۱۹۳ ق مجدداً به نجف اشرف مراجعت کرد. وی چنان بر احکام آن مذاهب تسلط علمی داشت که اهل سنت او را از خود می‌دانستند. درباره‌ی وی گفته‌اند که از کسانی که به آخرین مرحله‌ی ترقی رسیده و در فضایل ادبی و علوم عقلی و نقلی بر همگان فائق آمده است. او در شعر و ادب نیز گوی سبقت را از دیگران ربوده، منظومه‌ی فقهی او شاهد زنده است. برخی از آثار وی: «مصاییح»، در فقه؛ «تحفه‌الکرام»، در تاریخ مکه و بیت الحرام؛ «رساله در

عصیر عنبی؛ «الفوائد الرجالیه»؛ «شرح باب حقیقه و مجاز»؛ «فوائد اصولیه»؛ «رساله در مناسک حج و عمره»؛ «رساله در قواعد احکام مشکوک»؛ «رساله در انفعال آب قلیل»؛ «الدره البهیة»؛ در نظم بعضی مسائل اصولیه؛ «دیوان» شعر، در مدح و رثاء اهل البیت. بحر العلوم علاوه بر آثار علمیه و تألیفات نفیسه، آثار بنایی و خدمات مذهبی و اجتماعی نیز دارد که برخی از آنها عبارتند از: تعیین مشاعر حج و مواقیت احرام، بنا سور مسجد کوفه، بناء حجرات در اطراف مسجد کوفه، بناء مأذنه‌ی صحن علوی؛ تجدید ساختمان مسجد شیخ طوسی در نجف، تعیین مقام امام زمان (عج) در مسجد سهله و...

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۴/۷)، ایضاح المکنون (۲۴۲، ۲۰۶/۲، ۴۶۱/۱)، تاریخ بروجرد (۲۵۰-۱۷۲/۲)، دایرةالمعارف فارسی (۳۹۰/۱)، الذریعه (۸۳-۸۲/۲۱، ۱۲۷/۹، ۴۶۳-۴۶۲/۳)، ریحانه (۲۳۵-۲۳۴/۱)، شرح حال رجال (۶/۴)، الکنی و الالقاب (۷۱-۶۷/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۷/۳)، معجم المؤلفین (۶۱/۱۲)، هدیة العارفين (۳۵۱/۲).

بحرانی، جعفر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۸۸/۱۰۹۱ ق)، عالم، محدث، مفسر و شاعر امامی. ساکن شیراز و حیدرآباد هند بود. وی با شیخ حر عاملی معاصر بود، و از شیخ علی بن سلیمان بحرانی و سید نورالدین عاملی برادر صاحب «مدارک»، روایت نموده است. سید نعمت الله جزایری، در شیراز، نزد وی تلمذ کرده است. سید علی خان، صاحب «السلافة»، نیز از شاگردان او است. شیخ سلیمان بن علی بن ابی ظبیه بحرانی نیز از وی روایت کرده است. بحرانی از دوستان نزدیک شیخ صالح بن عبدالکریم بحرانی بود که هر دو در شیراز ساکن بودند. شیخ صالح در شیراز باقی ماند اما، شیخ جعفر به حیدرآباد هند رفت و مقیم شد و در آنجا مرجعیت عام یافت و عهده‌دار امور دینی مردم شد و همان جا در گذشت. وی تصانیفی در تفسیر و حدیث و علوم عربی دارد که از آن جمله کتاب «اللباب» است. از دیگر آثار وی «دیوان» شعر است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۳۸-۱۳۶/۴)، الذریعه (۱۹۴/۹)، روضات الجنات (۱۸۸-۱۸۷/۲)، ریحانه (۲۳۱-۲۳۰/۱)، الکنی و الالقاب (۹۴-۹۳/۳)، معجم المؤلفین (۱۴۳/۳).

بحرانی، هاشم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۰۷/۱۱۰۹ ق)، فقیه، مفسر، محدث و رجالی امامی. معروف به علامه البحرین. در کتکان از توابع بحرین به دنیا آمد. نسب او را به سید مرتضی علم الهدی و از او به امام موسی کاظم (ع) می‌رسانند. او محدثی متبع بود و در کثرت تتبع او را ثانی مجلسی می‌دانند. دامنه مرجعیت او از بحرین فراتر رفت و در بیشتر شهرهای شیعه‌نشین از وی تقلید می‌کردند. صاحب «جواهر» او و مقدس اردبیلی را، به عنوان نمونه یاد می‌کند و واجد ملکه عدالت می‌داند. سید هاشم بحرانی از کسانی چون شیخ فخرالدین طریحی نجفی

و سید عبدالعظیم استرآبادی نقل روایت کرده و علمایی همچون شیخ حر عاملی از وی روایت کرده‌اند. او دارای بیش از هفتاد و پنج تألیف بزرگ و کوچک دارد که صاحب «ریاض العلماء» اکثر این کتابها را در نزد فرزندش، سید محسن دیده است. از جمله آثار وی: «اثبات الوصیه»؛ «ارشاد المسترشدين»؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، در شش مجلد، گردآوری خبرهایی در زمینه تفسیر از کتابهای ناشناخته کهن؛ «معالم الزلفی فی معارف النشأة الاولى و الاخری»؛ «مدینه المعجزات» یا «مدینه المعاجز»؛ ترتیب کتاب «تهذیب» شیخ طوسی؛ «البهجة المرضیه فی اثبات الخلافة و الوصیه»؛ «نزهة الابرار و منار الافکار فی الجنة و النار»؛ «روضه العارفين»؛ «غایه المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام»؛ «الدر النضید فی فضائل الحسین الشہید»؛ «تنبيه الاریب»، در رجال «تهذیب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴۸/۹)، اعیان الشیعه (۲۵۰- ۲۴۹/۱۰)، ایضاح المکنون (۷۱۶، ۶۸۹، ۶۳۴، ۵۰۵، ۴۵۶، ۴۴۲، ۱۴۱، ۱۲۵/۲، ۵۹۵، ۴۵۳، ۴۲۱، ۴۱۹، ۳۲۳، ۲۷۹، ۲۰۳، ۱۷۹/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۹/۵)، الذریعه (۴۸/۷، ۹۳/۳، ۳۹۸/۲)، روضات الجنات (۱۶۹- ۱۶۶/۸)، ریاض العلماء (۳۰۴- ۲۹۸/۵)، ریحانه (۲۳۳/۱)، فوائد الرضویه (۷۰۶- ۷۰۵)، الکنی و الالقاب (۱۰۸- ۱۰۷/۳)، معجم المؤلفین (۱۳۲/۱۳).

بخارایی، ابراهیم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۰۴ ق)، حافظ، قاری و شاعر. وی خطیب مسجد جامع بخارا و از مریدان مولانا خواجه کاشانی بود، پس از مرگ او مدتی از ملازمان خواجه ابواسحاق جوینیاری گشت. ابراهیم قرآن را از برداشت و با صدایی خوش می‌خواند و در سرودن قصیده، غزل، رباعی و قطعه نیز توانا بود. یک «مثنوی» در طریقه‌ی سلسله‌ی خواجهگان و سه «دیوان» شعر سروده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۵۸۸- ۵۸۷).

بخاری، عنایت‌الله

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۷۶ ق)، مفسر، نحوی و عالم حنفی. از آثار وی: حاشیه بر «تفسیر سورة البقره» بیضاوی؛ حاشیه بر «شرح العضدیة» دوانی؛ حاشیه بر «شرح اثبات الواجب»؛ حاشیه بر «شرح الکافیة» جامی، در نحو؛ حاشیه بر «شرح حکمة العین» مبارک‌شاه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱/ ۱۴۱)، معجم المؤلفین (۱۴- ۱۳/ ۸)، هدیه العارفين (۱/ ۸۰۴).

براری گاوزنی، عبدالحق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحق براری گاوزنی

محل تولد: رود بست

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۶ در عهد طاغوت دیپلم علوم تجربی (طبیعی آن زمان) را دریافت کردم (از شهرستان بابلسر). با اینکه در کنکور دانشگاه آن زمان شرکت کرده بودم اما شوق تحصیل حوزوی و دانستن زبان عربی مرا به مدرسه علمیه فریدونکنار که تازه به دست حجة السلام محمودیان نماینده آیت الله العظمی گلپایگانی در فریدونکنار (مسجد صاحب الزمان) دائر شده بود، وارد شدم و به تدریج صدای انقلاب از قم و تهران و... به مازندران هم رسیده بود که البته با حال و هوایی که داشتیم در اولین اعتراضات مردم قم خود را به قم و تهران می کشانیدیم و درس و بحث‌ها تحت الشعاع فعالیت انقلاب قرار گرفته بود و بارها تهدید و تحت تعقیب بودم بالاخره با پیروزی انقلاب اسلامی به حوزه مشهد جهت تقویت ادبیات رفته بودم و در درس حجت هاشمی ادیب معروف شرکت کرده بودم. سیوطی را گذراندم. شوق حوزه قم مرا به قم کشانده بود آغاز جنگ آغاز حال و هوایی دیگر بود و چند سال جنگ به خاطر ارتباط با گردان یا رسول فریدونکنار و حاج حسین بصیر که تا جانشینی لشکر ۲۵ کربلا پیش رفته بود و در کربلای ۱۰ در قله‌های مائوت عراق به شهادت رسیده بود به خاطر ارتباط دامادی و برادرخانمی با ایشان و همراهی با مجاهدان شمال روزگار جنگ را با اهل جنگ محشور بودیم و البته درس و بحثم را در مدرسه گلپایگانی صفائیه می گذراندم.

یکی از خاطراتم اینکه هرگز بحث خبر واحد را از اصول فقه و معالم تا کفایه استاد ندیده بودم و همه‌اش در این قسمت از بحث در جبهه‌ها بودم! دوارن جنگ تمام شد و با دوستان زمان جنگ حاج آقا داود صمدی آملی و حاج آقا مسرور قائم شهری که هم مباحثه‌های اینجانب بودند به درس و بحث مشغول بودیم بعد از اتمام لمعتین از مدرسه گلپایگانی (ره) برای دروس بعدی وارد حوزه (بیرون از مدرسه) شدیم. رسائل را خدمت آیت الله اعتمادی و قسمتی از لمعه را هم با وجدانی فخر گذراندم و در ضمن با نوار دروس فلسفه (بدایه و نهایه را) با مباحثه دوستان گذراندم. کفایه را با اساتیدی چند از آیت الله صالحی مازندرانی و احمدی یزدی و آیت الله راستی پیش بردیم و در درس خارج اصول آیت الله فاضل لنکرانی حفظه الله شرکت کردیم (حدود ۶ سال) و با درس فقه آیت الله جوادی بحث اجاره در مدرسه سعادت و حدود و تعزیرات از آیت الله مرحوم شیخ جواد تبریزی (ره) استفاده کردیم. روزها ساعت ۱۱ حدود ۵ سال با تفسیر آیت الله جوادی آملی در مسجد اعظم همراه بودیم و با آغاز درس مصباح الانس ابن فناری از آیت الله حسن زاده آملی خواستیم تا ما را به حضور بپذیرد نامبرده امتناع کرد، فرموده بودند چون پایینی‌ها را نخواندید نمی شود (تمهید القواعد - فصوص الحکم و...) اما اصرار کردیم تا اجازه استفاده از نوارهای فصوص را مرحمت کردند و همراه با استفاده از درس فصوص به شکل نوار از درس مصباح الانس ایشان استفاده می کردیم - حال و هوای عجیبی و شوق زیادی را در این دوران نشان می دادیم.

متأسفانه درس مصباح الانس به دلیلی که اینجا مطرح نمی کنم تعطیل شد و مایه تاسف ما شد. سه جلد اول اسفار را با آیت الله حسن زاده آملی گذرانیدیم با اینکه جلد اول را با آیت الله جوادی آملی سر کرده بودیم. سال ۷۲ در کنکور سراسری شرکت کردم و در

رشته فلسفه غرب در دانشگاه شهید بهشتی تهران قبول شدم، دوره کارشناسی فلسفه غرب در دانشگاه موجب ضعف ارتباط لازم با حوزه تلقی می‌شد و بالاخره سال ۷۶ کارشناسی را تمام نمودم. در طول این سالها به اندازه یک نماینده پر حرارت مجلس برای مردم زادگاهم چه تلاش‌ها و عمران و آبادی‌ها که نکردم در طول سال تحصیلی علاوه بر تبلیغ در حوزه شهر بابلسر و فریدونکنار زادگاهم (که بین این دو شهر بوده است (رودبست)) چه وقت‌ها و سفرها که هزینه نکردم و ناله اهل خانه به آسمان بلند بود و با توجیه اینکه امروز وقت این کارها هم هست از درس و بحث گاه می‌زدم و چه کارها که نکرده بودم. بحمدالله از احداث مدرسه ابتدایی تا راهنمایی و ساختن مسجدی باشکوه در حدود هزار متر مربع (با بالکس) و به شکل جمکرانی و احداث آسفالت در حدود ۳ کیلومتر در زادگاه خود و تلاش برای آوردن تلفن و آب آشامیدنی و بسیار کارهای عمرانی و محلی دیگر که همین‌ها مرا مدت‌ها معطل خود کرده بود مشغول بودم. با سخنرانی‌های زمان جنگ و بعد از جنگ از مسجد تا میدان شهر فریادگر دفاع از امام و انقلاب اسلامی بودم و بحمدالله با همان روحیه همچنان در سنگرم (الحمدالله الذی هدانا...)

در سال ۱۳۸۰ در کارشناسی ارشد فلسفه غرب در دانشگاه تهران مرکز قبول شدم و مقارن این قبولی همراه با حاج آقا دهقان وارد کار در دفتر نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) همراه با تدریس دروس معارف مشغول شدم قبل از دانشگاه بین‌المللی امام (ره) در دانشگاه علوم پزشکی ارتش در تهران به تدریس دروس معارف و اخلاق پزشکی و ریشه‌های انقلاب اسلامی می‌پرداختم. الان بیش از ده سال است که به تدریس دروس معارف مشغولم و همچنان در دفتر نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی در خدمت فعالیت‌های همراه با آمال رهبری می‌باشم.

برازش، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهندس علیرضا برازش در سال ۱۳۳۴ ش در شهر تهران به دنیا آمد. ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته «علوم قرآنی و حدیث» از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران می‌باشد. کتاب "المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی" تالیف علیرضا برازش، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم قرآنی تحصیلات رسمی و حرفه ای: علیرضا برازش پس از طی دوره ابتدائی و متوسطه به دانشگاه علم و صنعت راه یافت و موفق به اخذ درجه مهندسی صنایع (تولید صنعتی) گردید و پس از آن مدرک فوق‌لیسانس را در رشته «علوم قرآنی و حدیث» از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دریافت کرد. جوایز و نشانها: کتاب "المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی" تالیف علیرضا برازش، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار: المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی و ویژگی اثر: تالیف- این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است- آشنایی با کتاب: «المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی» این کتاب از بهترین معاجم لفظی است که برای کتب حدیث تدوین شده است. مؤلف سخت کوش با مبنا قرار دادن متن معتبری از اصول کافی و با اتکاء بر موازین فهرست‌نگاری موج‌بات سهولت و سرعت دستیابی محققین را به تمامی کلمات مهم

(اسامی و افعال) با توجه به ریشه آنها فراهم کرده و نیز با ارائه یک جدول تطبیقی، محل هر باب را در مهمترین شرحها، تصحیحها و ترجمه‌های اصول کافی به دست داده است ۲ قرآن صاعد مجمع الانوار

برغانی قزوینی، محمد صالح

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۳ - ۱۲۷۰ ق)، فقیه اصولی و مفسر. وی برادر شهید ثالث بود. در برغان کرج به دنیا آمد. مقدمات علم و ادب را نزد پدرش در برغان خواند و «قرآن» و «نهج البلاغه» را از حفظ کرد و سپس به قزوین رفت. فقه و اصول را نزد علمای قزوین و علوم عقلی را نزد آخوند ملا آقا محمد بیدآبادی فراگرفت. آنگاه به عتبات عراق رفت و در کربلا به حوزه‌ی درس علامه وحید بهبهانی پیوست. بعد از مدتی به زادگاهش بازگشت و از محضر پدر استفاده بیشتر برد. سپس به قم رفت و از حوزه‌ی درس میرزای قمی بهره‌مند شد و پس از آن به اصفهان سفر کرد و در محضر ملاعلی نوری علوم عقلی را تکمیل کرد و بعد در مشهد از حوزه‌ی درس شهید میرزا مهدی خراسانی استفاده برد. وی مجدداً به سوی عراق رهسپار شد و در نجف از شیخ جعفر کاشف الغطاء و در کربلا از سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، بهره‌ها گرفت و به درجه اجتهاد رسید. در حدود سال ۱۲۲۰ ق به ایران بازگشت و در تهران سکنی گزید و عهده‌دار کرسی تدریس و فتوا شد و طلاب علوم دینی گرد او جمع شدند. خاندان برغانی با جریان شیخیه و بایه برخوردی جدی داشتند. وی در کربلا در حال دعا در بالای سر مبارک حضرت سیدالشهدا (ع) از دنیا رفت. از برغانی حدود سیصد کتاب و رساله و حاشیه باقی مانده است که از آن جمله: تفسیر «معدن الانوار و مشکاة الاسرار»، در یک مجلد؛ تفسیر «مفتاح الجنان»، در هشت مجلد؛ تفسیر «بحر العرفان و معدن الایمان»، در هفده مجلد؛ تفسیر «کنز العرفان»؛ «غنیمه المعاد فی شرح الارشاد»، در چهارده مجلد، در فقه؛ «مسالك»، «اعمال السنه»، به فارسی؛ «الدره الثمینة»، در مواعظ؛ «منبع البکاء»، به عربی، مقتل؛ «معدن البکاء»، به فارسی، مقتل.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۴/۷)، اعیان الشیعه (۳۶۹/۹)، ایضاح المکنون (۱۴۸/۲ - ۳۰۴/۱)، الذریعه (۳۲۵، ۲۲۰، ۲۱/ ۱۵۹، ۱۸/ ۷۱، ۱۶/ ۷۷، ۱۳/ ۹۶-۹۵، ۸/ ۴۲-۴۱، ۳/ ۲۴۵، ۲/ ۴)، روضات الجنات (۳۸۷-۳۸۶/۴)، ریحانه (۲۴۸/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶۱ - ۶۶۰/ ۱۳)، الکنی و الالقاب (۶۴/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۲/۶)، المآثر و الآثار (۱۸۳، ۱۴۴)، معجم المؤلفین (۸۶/۱۰)، مینودر (۸۴۵/۲).

برغانی قزوینی، موسی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

موسی برغانی قزوینی در سال ۱۲۵۹، در قزوین به دنیا آمد. وی علوم اسلامی را نزد علمای زمان خود و همچنین بزرگان خانواده اش فراگرفت. روش تفسیری برغانی قزوینی، کلامی و روایی است که با ذکر آیه به بیان روایات و احادیث وارد شده در پیرامون آن می‌پردازد و سپس نظرات و آراء مفسران پیشین و پدرش ملا صالح را متذکر شده به نقد و بررسی آنها می‌پردازد. گروه: علوم

انسانیرشته: الهیات و معارف اسلامی‌الدین و انساب: موسی برغانی قزوینی صالحی فرزند ملا صالح برغانی قزوینی (م ۱۲۹۸ق) از علمای قرن سیزدهم هجری در دوران سلاطین قاجار بوده است. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: شیخ موسی برغانی قزوینی از خانواده علم و دانشی است که هر کدام از آن خانواده به نوبه خود با تدریس، تبلیغ و تالیف در زمینه های قرآنی و علوم اسلامی خدمتی در خور تحسین به جامعه علمی نموده و یادگارانی از خود برجای گذاشته است. تحصیلات رسمی و حرفه ای: شیخ موسی برغانی قزوینی، علوم اسلامی را نزد علمای زمان خود و همچنین بزرگان خانواده اش فراگرفت. آرا و گرایشهای خاص: روش تفسیری موسی برغانی قزوینی، کلامی و روایی است که با ذکر آیه به بیان روایات و احادیث وارد شده در پیرامون آن می پردازد و سپس نظرات و آراء مفسران پیشین و پدرش ملا صالح را متذکر شده به نقد و بررسی آنها می پردازد. آثار: اسرارالتزیل فی تفسیر القرآن و ویژگی اثر: این کتاب تفسیری است به زبان عربی و در دو جلد تالیف شده است. نسخه اصلی این تفسیر نزد میرزا حسن صالحی در قزوین موجود است.

منابع زندگینامه: قرآن پژوهان قزوین، مولف: سیدمحمدعلی ایازی، تهران: موسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴

برقانی خوارزمی، ابوبکر احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۵-۳۳۶ ق)، فقیه، محدث، قرآن پژوه، نحوی. معروف به حافظ کبیر. از اهالی خوارزم بود که در بغداد سکنی گزید. در خوارزم ابوالعباس حیری نیشابوری و در هرات از ابوالفضل بن خمیرویه و در جرجان از ابوبکر اسماعیلی و در بغداد از ابوعلی صواف و محمد بن جعفر بندار و در نیشابور از ابوعمرو بن حمدان و ابواحمد حاکم و در دمشق از ابوبکر بن ابی‌الحدید و در مصر از حافظ عبدالغنی حدیث شنید. ابو عبدالله صوری و ابوبکر بیهقی و ابوبکر خطیب بغدادی و ابواسحاق شیرازی و ابوطاهر احمد کرجی و بسیاری دیگر از شاگردان وی بودند. خطیب بغدادی او را ثقه، پرهیزکار و دانای فقه و حدیث توصیف کرده است. ابوبکر تا زمان مرگ خویش از تألیف و تصنیف باز نایستاد. او در بغداد درگذشت. از آثار وی «مسند» ی است که جامع تمامی احادیث «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم است. او احادیث سفیان ثوری و شعبه و ایوب و دیگران را نیز جمع آوری کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۲۰۵)، تاریخ بغداد (۳۷۶-۳۷۳/۴)، ریحانه (۲۴۹-۲۴۸/۱)، سیر النبلاء (۴۶۸-۴۶۴/۱۷)، کشف الظنون (۱۶۸۲)، لکنی و الالقاب (۷۸/۲)، معجم المؤلفین (۷۴/۲)، الوافی بالوفیات (۳۳۱/۷)، هدیة العارفین (۷۴/۱).

برکلی حنفی، تقی‌الدین محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۸۱-۹۲۶/۹۲۹ ق)، صوفی، واعظ نحوی، فقیه، مفسر و محدث. وی ایرانی الاصل و از دانشمندان نامی عثمانی بود. ظاهراً چون حنفی مذهب بود، از ترس صفویه به آن سرزمین رفت. از جزئیات احوالش اطلاعی در دست نیست. وی مؤلف کتابهای بسیاری به زبان عربی و فارسی است که در فنون مختلف نوشته شده است و معلوم می‌شود که در همه‌ی علوم زمان دست داشته است. از آثار

وی: تعلیقه بر «اصلاح الوقایه فی فروع» ابن کمال پاشا؛ «اظهار الاسرار»، در نحو؛ «انقاذ الهالکین»، که در سال ۹۶۷ ق تألیف کرده است؛ «ایقاظ النائمین»، که در سال ۹۷۲ به پایان رسانیده؛ «رساله فی عدم جواز اخذ الاجره للقراءة و عدم جواز وقف النقود»؛ «جلاء القلوب»، که در سال ۹۷۱ ق به پایان رسانیده است؛ «صحاح عجمیه»، به فارسی؛ «فرائض» و شرح آن؛ «کفایه المبتدی»، در صرف؛ شرح «لب الالباب فی علم الاعراب» یا شرح «مختصر الکافی» بیضاوی، معروف به «امتحان الاذکیاء»؛ حاشیه بر «شرح الوقایه» صدر الشریعه ثانی. «دامغه المبتدعین و کاشفه بطلان الملحدین»؛ «آداب البرکوی»، «الاربعون»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۸۷- ۲۸۶/ ۶)، ایضاح المکنون (۴۴۲/۱) تاریخ نظم و نثر (۳۹۵)، الذریعه (۱۲۵/۵)، کشف الظنون (۲۰۲۲- ۲۰۲۰، ۱۵۰۰، ۱۲۴۶، ۱۰۷۴، ۵۹۲، ۲۱۵، ۲۱۴- ۱۸۴، ۱۸۳- ۱۱۷، ۱۰۹، ۵۴)، معجم المؤلفین (۱۲۴- ۱۲۳/ ۹)، هدیة العارفين (۲۵۲/۲).

بروجردی، جمال‌الدین محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۲ ق)، فقیه، محدث و مفسر. مشهور به مجتهد بروجردی. وی نوهی دختری میرزای قمی، صاحب «قوانین»، و خلف حاج ملا اسدالله حجه الاسلام بود که مقام فقاہت و تبخرش در حدیث و تفسیر مسلم بود. وی از پدرش حجه الاسلام اجازہی اجتهاد داشت. جمال‌الدین در اواخر عمر به مشهد مشرف شد و از آنجا به تهران آمد و چندین سال به ترویج شریعت و ارشاد مردم مشغول بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۳۳۰- ۳۲۷/ ۲)، علماء معاصرین (۳۳۶- ۳۳۵)، گنجینهی دانشمندان (۱۹۲/۳)، المآثر و الآثار (۱۴۳- ۱۴۲).

بروجی، صبغه الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۱۵ ق)، مفسر و فقیه متصوف. اصل او از اصفهان بود. در بروج هند متولد شد، و در مدینه ساکن شد و تا پایان عمر در آنجا ماند. از آثار وی: «اراءة الدقائق فی شرح مرآة الحقائق»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ «باب الوحده»؛ «مالا یسع المرید ترکه کل یوم من سنن القوم»؛ و چند رساله دیگر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۸۷/۳)، ایضاح المکنون (۴۲۰/۲، ۱۶۱، ۵۳/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل / بروجی)، معجم المؤلفین (۱۷- ۱۶/ ۵)، هدیة العارفين (۴۲۵/۱).

برهان‌الدین هروی، حیدر

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۸۰- ح ۸۳۰ ق)، مفسر، متکلم و ادیب. معروف به صدر هروی. عالم به معانی و بیان بود و از شاگردان ارشد ملاسعد تفتازانی به حساب می‌آمد. در «هدیه العارفین» سال وفات وی ۸۴۵ ق ذکر شده است. از آثارش: حاشیه بر «شرح کشف» استادش، در تفسیر؛ شرح بر «ایضاح المعانی» قزوینی، در معانی و بیان؛ حاشیه بر «فرائض سراجیه» یا شرح «فرائض سجاوندی»؛ شرح «المواقف» قاضی ایجی، در علم کلام.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۲۵۶/۱)، کشف الظنون (۱۸۹۴، ۱۴۷۹، ۱۲۴۷، ۲۱۱)، معجم المؤلفین (۹۲/۴)، هدیه العارفین (۳۴۲-۳۴۱). (۱)

بزدوی، فخر الاسلام، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۸۲- ۴۰۰ ق)، فقیه اصولی، محدث و مفسر حنفی. مشهور به ابی العسر. نسبتش به بزده، قلعه‌ای در نزدیک نسف، می‌رسد از بزرگان سمرقند و پیشوای اصحاب ماوراءالنهر و خود صاحب طریقه‌ای در مذهب حنفی بود. سمعانی گوید که دوستش ابوالمعالی محمد بن نصر، خطیب سمرقند، تنها راوی اوست. وی در سمرقند به خاک سپرده شد. او را تصانیف بسیاری است، از آن جمله: «کنز الوصول الی معرفه الاصول» یا «اصول بزدوی»، در اصول فقه، که به همراه شرح آن به نام «کشف الاسرار» علاءالدین بخاری چاپ شده است؛ «المبسوط»، یازده مجلد؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی؛ شرح «الجامع الصغیر» شیبانی؛ شرح «الجامع الصحیح» بخاری؛ «غناء الفقهاء»، در فقه؛ «کشف الاستار» یا «تفسیر القرآن»، در یک‌صد و بیست جزء.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۴۸/۵)، ایضاح المکنون (۳۸۸، ۳۴، ۲/)، سیر النبلاء (۶۰۳- ۶۰۲/ ۱۸)، کشف الظنون (۱۵۸۱، ۱۴۸۵، ۱۰۱۶، ۵۶۸، ۵۶۳، ۵۵۳، ۴۶۷، ۱۱۳- ۱۱۲)، معجم البلدان (۴۸۷- ۴۸۶/ ۱)، معجم المؤلفین (۱۹۲/۷)، الوافی بالوفیات (۴۳۰/۲۱)، و هدیه العارفین (۶۹۳/۱).

بسطامی، ضیاءالدین، ابوشجاع عمر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۷۰/ ۵۶۲- ۴۷۵ ق)، مفسر، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. محدث و مسند بلخ و امام مسجد راغوم یا راغوام بود. بسطامی نزد

پدرش و سپس نزد ابوالقاسم احمد خلیلی و ابراهیم بن محمد اصفهانی درس خواند، و در محضر ابوجعفر محمد بن حسین سمنجانی فقه آموخت. او حتی در کهن سالی نیز بر دانش اندوزی حریص بود و از هر کسی چیزی می‌آموخت. کلامش شیرین و در وعظ و خطابه‌ی او نکته‌ها نهفته بود. سمعانی و فرزندش، ابومظفر، و ابوالفرج ابن جوزی و ابوروح هروی، و بسیاری دیگر، از شاگردان وی به حساب می‌آیند. وی در بلخ درگذشت. از آثار وی: «ادب المریض و العائد»؛ «لقطات العقول»؛ «مزالیق یا مزالق العزله» یا «من الف العزله».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۲۳/۵)، سیر النبلاء (۴۵۴-۴۵۲/۲۰)، کشف الظنون (۱۶۵۹-۱۴۶۴، ۴۸)، معجم المؤلفین (۳۱۳/۷)، هدیة العارفین (۷۸۴/۱).

بشیر تبریزی، نجم الدین، ابونعمان

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۴۶-۵۷۰ ق)، مفسر. ملقب به نجم‌الدین و مکنی به ابونعمان و معروف به صوفی و زینی و جعفری. در اردبیل به دنیا آمد. بشیر در بغداد فقه آموخت و از محضر یحیی ثقفی و ابن کلیب و ابوالفتح مندائی استفاده کرد. دمیاطی و محب طبری و ابوالعباس ابن ظاهری و دیگران از شاگردان وی بودند. او در مکه درگذشت. از آثارش: «التفسیر الکبیر» یا «تفسیر نجم‌الدین»، در چند مجلد؛ «الحديث الاربعین فی امور الدین»؛ «احاسن الکلام و محاسن الکرام».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۹/۲)، ایضاح المکنون (۳۰/۱)، سیر النبلاء (۲۵۶-۲۵۵/۲۳)، کشف الظنون (۶۴۴، ۴۶۰)، معجم المؤلفین (۴۷-۴۶/۳)، الوافی بالوفیات (۱۶۲-۱۶۱/۱۰).

بغوی، ظهیر الدین، ابومحمد حسین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۱۶/۵۱۰-۴۳۶ ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث و عارف. ملقب به محیی السنه و مشهور به ابن‌فراء، یا فراء. منسوب به بغ یا بغشور، از قریه‌های میان سرخس و هرات در فقه شاگرد قاضی حسین بن محمد مرورودی و در عرفان شاگرد شبلی، ابومحمد مرتعش و عبدالله منازل بود. بغوی چون مجلس درس آراست هیچ‌گاه بی‌طهارت به تدریس آغاز نکرد. از جمله شاگردان وی در حدیث ابوالفتوح محمد بن محمد طایی و ابومنصور محمد عطاری و ابوالمکارم فضل‌الله بن محمد نوقانی بوده‌اند. او با غزالی معاصر بود. وی در مرورود، درگذشت و در کنار شیخش، قاضی حسین مرورودی در مقبره‌ی طالقان دفن شد. از جمله‌ی آثار وی: «التهذیب»، در فروع فقه شافعی؛ «شرح السنه»، در حدیث؛ «معالم التنزیل»، در تفسیر؛ «مصاییح السنه»؛ «الجمع بین الصحیحین»؛ «شمائل النبی المختار»؛ «الکفایه فی فروع الشافعیه»، به فارسی.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۸۴/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۲۹-۹۲۸، ۲۶۰/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۶)، حبیب السیر (۳۱۹/۲)، دائره المعارف الاسلامیه (۲۷/۴)، روضات الجنات (۱۸۱-۱۷۵/۳)، ریحانه (۲۷۲-۲۷۱/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۷۹/۱)، سیر النبلاء (۴۴۳-۴۳۹/۱۹)، کشف الظنون (۱۴۹۹)، الکنی و الالقاب (۸۸/۲)، لغت نامه (ذیل / بغوی)، معجم البلدان (۵۵۴-۵۵۳/۱)، معجم المؤلفین (۶۱/۴)، نامه‌ی دانشوران (۲۵۹-۲۵۷/۷)، الوافی بالوفیات (۶۳/۱۳)، وفیات الاعیان (۱۳۷-۱۳۶/۲)، هدیة العارفین (۳۱۲/۱).

بلاغی، شیخ حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علامه شیخ حسن بلاغی

در روز چهارشنبه ای از ماه رجب، در یکی از محله‌ها نجف (محله براق) در خانه دانشمند عامل و روحانی فاضل، علامه شیخ حسن بلاغی، ستاره ای چشم به جهان گشود که امید آن می رفت تا گمشدگان وادی شب گون نادانی را به کرانه های صبح امید رساند. این نورسیده را محمد جواد نام نهادند. و بدین سان در سال ۱۲۸۲ ق. (۸۰) خداوند نعمتی دیگر به جامعه شیعه عنایت کرد. آل بلاغی یکی از خاندانهای نجیب، شریف و قدیمی شهر نجف بوده اند. این دودمان پاک بسان چشمه ای پربرکت همواره جوشیده و طراوت بخشیده اند و تشنگان را سیراب کرده و همگی به جلال و بزرگی در علم و ادب شهرت داشته اند. جرعه نوش علم و معرفت.

محمد جواد پس از آنکه نشو و نما یافت و دوران کودکی را پشت سر گذاشت در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد و شاگردی آن مکتب گردید. علوم مقدماتی را در حضور نورانی علمای نجف فراگرفت و تا ۲۴ سالگی از اساتید بزرگ آن حوزه عظیم، استفاده های علمی و معنوی فراوانی برد.

روان پاک بلاغی که شیفته کسب معارف و درک فضایل بود او را در سال ۱۳۰۶ ق. مجبور به ترک زادگاهش کرد و او با دلی مالا مال از عشق و علاقه به فراگیری دانش و خودسازی، وارد شهر مقدس کاظمین شد تا بتواند در سایه اندیشه های بلند آن دیار، به اهداف عالی اش نایل آید.

ایشان شش سال از عمر مبارکش را در این شهر صرف تحصیل و تهذیب نمود و تا سال ۱۳۱۲ ق. در کاظمین ماند. او در همان شهر با خانواده شریف عالم بزرگوار سید موسی جزایری وصلت نمود.

در سی سالگی به زادگاهش نجف اشرف بازگشت و در درس سرآمدترین استوانه های علمی و عملی عصر خویش حاضر شد و سرزمین سبز فکرش را با زلال آبهای با صفای آن حوزه طراوت بخشید و مدت ۱۴ سال در این دانشگاه بزرگ اسلامی ماند و از باغ و بوستانهای نجف خوشه های فراوان علم و معنویت چید.

شیخ محمد جواد بلاغی که سالهای متمادی را در پی علم و عمل گذرانده بود در سال ۱۳۲۶ ق. وارد شهر مقدس سامرا شد و در درس مرجع مجاهد و رهبر انقلابی، میرزا محمد تقی شیرازی شرکت جست و ده سال بر سفره علمی این مجتهد سترگ و بیدار مهمان بود و با استفاده از جنبه های روحی و معنوی آن بزرگوار، خویشتن را تقویت کرد.

این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا ۵۴ سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت نمود.

راهنمایان رهرو خوبیها

اندیشمندان و فرزاندگانی که علامه بلاغی در حضور نورانی آنان نشست و آموخت عبارت اند از:

۱. فقیه بزرگوار شیخ محمد طه نجف (متوفی ۱۳۲۳ ق.).
 ۲. فقیه محقق حاج آقا رضا همدانی (متوفی ۱۳۲۲ ق.).
 ۳. عالم و اصولی مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ق.).
 ۴. علامه فقیه سید حسن صدرالدین کاظمی (متوفی ۱۳۵۴ ق.).
 ۵. فقیه بزرگ شیخ محمد حسین مامقانی (متوفی ۱۳۲۳ ق.).
 ۶. علامه محدث میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۰ ق.).
 ۷. فقیه عالی‌مقام سید محمد حسن هاشم‌هندی غروی (متوفی ۱۳۲۳ ق.).
 ۸. مرجع مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی ۱۳۳۸ ق.). (۸۱)
- پیوند دانش و مبارزه

این متعهد و وظیفه شناس از تبار روحانیتی بیدار و آگاه بود که در پی استقلال طلبی کشور عراق از یوغ استعمار انگلیس در سال ۱۳۳۶ ق. - برای بار دوم - آهنگ شهر کاظمین کرد و در جرگه جهاد و دفاع از ثغور اسلامی حضور یافت و به صف مجاهدان پیوست.

آینده ساز دلسوز

اینک نام تنی چند از پروردگان آن فقیه آینده ساز را ذکر می‌نمایم.

۱. آیه الله العظمی آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (متوفی ۱۴۱۱ ق.).
۲. آیه الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (متوفی ۱۴۱۴ ق.).
۳. آیه الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی (متوفی ۱۳۹۵ ق.).
۴. علامه ادیب آقای میرزا محمد علی اردوبای نجفی (متوفی ۱۳۸۰ ق.).
۵. علامه سید محمد صادق بحر العلوم (متوفی ۱۳۹۰ ق.).
۶. آیه الله شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (متوفی ۱۳۸۶ ق.).
۷. آیه الله شیخ محمد مهدوی لاهیجی (متوفی ۱۴۰۳ ق.).
۸. آیه الله شیخ نجم‌الدین جعفر عسکری تهرانی (متوفی ۱۳۹۵ ق.).
۹. حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفی ۱۴۰۵ ق.).
۱۰. آیه الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی (متوفی ۱۴۰۵ ق.).
۱۱. میرزا محمد علی مدرس خیابانی
۱۲. استاد ادیب علی خاقانی
۱۳. آیه الله شیخ علی محمد بروجرودی (متوفی ۱۳۹۵ ق.).
۱۴. شیخ مهدی بن داوود الحجار (متوفی ۱۳۵۸ ق.).
۱۵. علامه محقق حاج شیخ مجتبی لنگرانی نجفی
۱۶. آیه الله سید صدرالدین جزایری (متوفی ۱۳۸۸ ق.).
۱۷. شیخ ابراهیم بن شیخ مهدی قریشی
۱۸. شیخ مرتضی مظاهری نجفی

۱۹. آیه الله سید مرتضی لنگرودی (متوفی ۱۳۸۳ ق.)

۲۰. علامه میرزا محمد علی ادبی تهرانی

تراوش قلم

آثار سبز او در زمینه های فقه ، تفسیر ، تاریخ ، اصول فقه ، عقاید و رد یهود و نصارا و مادیون و بابت و بهائیت تدوین یافته است .
نشانه های ماندگار ایشان عبارت است از:

۱. تفسیر آلاء الرحمن ۲. رساله ای در پاسخ به پرسشهایی که از جبل عامل برای ایشان فرستاده و در آن شبهاتی درباره قرآن نموده بودند
۳. الرحلة المدرسیة یا المدرسة السیارة ۴. الهدی الی یدن المصطفی ۵. التوحید والتثلیت ۶. اعاجیب الاکاذیب ۷. انوار الهدی
۸. البلاغ المبین ۹. نصایح الهدی ۱۰. المسیح و الانجیل ۱۱. نسما ت الهدی ۱۲. المصایح فی بعض من ابداع فی الدین فی القرن الثالث عشر ۱۳. مصباح الهدی ۱۴. مسئلة فی البداء ۱۵. نور الهدی ۱۶. اجویة المسائل البغدادیة ۱۷. داعی الاسلام و داعی النصرانیة
۱۸. تا ۴۵. مجموعه از تعلیقه ، حاشیه و رساله های فقهی ، در این میان رساله ای در احکام وضو به چشم می خورد که علامه خود آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است ۴۶. رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول ۴۷. رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمر بن خطاب ۴۸. رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام ۴۹. رد بر کتاب ((تعلیم العلماء)) نوشته غلام احمد قادیانی ۵۰. رد بر کتاب ((حیة المسیح)) نوشته غلام احمد قادیانی ۵۱. رد بر کتاب ((ینایع الکلام)) ۵۲. رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی (این چهار رساله در رد شبه های مخالفان اسلام بویژه مبلغان مسیحی نوشته است .)
۵۳. رساله ای در رد حسیون (رد بر فرقه قادیانیه است .) ۵۴. داروین و اصحابه .(۸۲)

مهتاب ادب

یکی از ویژگیهای شخصیت علمی علامه بلاغی ، جنبه ادبی ایشان است . او دانشمندی ادیب و ادیبی دانشمند بود. نوشته هایش را با قلم و سبکی ابتکاری و جدید و در قالبهای ادبی و شعر، داستان ، رمان و مناظره به رشته تحریر در آورده و برخی از مسائل عقیدتی و فلسفی را در قالب شعر سروده و شعرش حامل پیام بوده است .

ایشان در ثنا و رثای اهل بیت علیهم السلام چکامه هایی چند سروده است . یکی از آنها را که مرثیه ای برای امام حسین علیه السلام است مرور می کنیم :

یا تریب الخد فی رمض الطفوف

لیتینی دونک نهبا للسیوف یا نصیرالدین اذ عزالنصیر

و حمی الجار اذ عزالمجیر

و شدید الباس والیوم العسیر

و شمال الوفد فی العام العسوف

کیف یا خامس اصحاب الکسا

و ابن خیر المرسلین المصطفی

و ابن ساقی الحوض فی یوم الظماء

و شفیع الخلق فی الیوم المخوف

یا صریعا ثاویبا فوق الصعید

و خضب الشیب من فیض الوریذ

کیف تقضی بین اجناد یزید

ضامیا تسقی بکاسات الحتوف (۸۳)

- ای کسی که گونه هایت در سرزمین کربلا بر خاک گرم افتاد! ای کاش من به جای تو، جایگاه ضربه های شمشیر می شدم .
 - ای یاور دین هنگامی که یاران اندک شدند! و ای امید بی پناهان هنگامی که پناه دهندگان کم شدند.
 - ای کسی که در روز جنگ و سختی صبر بسیار داری و ای ملجاء وارد شدگان در سالهای خشکی و سخت .
 - چه سان است ای پنجمین اصحاب کساء و ای فرزند بهترن رسولان (حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم)
 - ای فرزند ساقی حوض (حضرت علی علیه السلام) در روز تشنگی ، شفاعت کننده مردم در روز ترسناک .
 - ای کشته افتاده روی زمین و ای کسی که محاسنت با خون گلویت خضاب است .
 - چگونه تشنه ماندی بین لشکر یزید، در حالی که سیرابت می کردند از جام مرگها.
- چکاد تلاش

آموختن زبانهای خارجی با امکانات محدود آن روز، کاری بسیار مشکل بوده است . علامه بلاغی علاوه بر زبان عربی ، زبانهای عبری ، انگلیسی و فارسی (۸۴) را خوب می دانست و به آنها تسلط داشت و فراگیری آنها به شخصیت علمی ایشان برجستگی ویژه ای بخشیده بود.

درباره چگونگی آموختن زبان عبری چنین نگاشته اند: ((زبان عبری را از یهود دوره گرد آموخته است . در آن روزگار گروهی یهودی در شهرهای عراق بودند که مقداری جنس ، پارچه و امثال آن ، بر دوش داشتند و در کوچه و بازار می گشتند و می فروختند. بلاغی از این فرصت استفاده می کرد و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسید. گاه مجبور می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود به دیگران بسیار بخل می ورزیدند. بلاغی گاه شیرینی و شکلات می خرید تا اگر بچه ای یهودی ببیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.)) (۸۵)

شکوه گمنامی

گمنام زیست و بی هیاهو، ولی نامش در گمنامی اوست و هنرش در اخلاص والایش ...

شکوه گمنامی و حماسه اخلاص او در شعار معروفش تجلی کرده که می فرمود:

((انی لا اقصدا الا الدفاع من الحق لا فرق عندی بین ان یکون باسمی او اسم غیری.)) (۸۶): من جز دفاع از حق انگیزه ای نداشتم. بنابراین هیچ فرقی نیست که کتاب به نام من یا نام دیگری منتشر شود.

اسوه زهد

درباره ساده زیستی اش گویند:

((اتاقی کوچک داشت و محقر. در آن جز بوریایی و روفرشی یی که بر آن می نشست هیچ چیز نبود. در زمستان وسایل گرم کردن و در تابستان وسایل سرد کردن نداشت؛ با اینکه مزاجی ضعیف داشت و بیمار بود. با این احوال، هیچ گاه از این اتاق بیرون نمی رفت مگر برای نیازهای ضروری.)) (۸۷)

بحقیقت که ایشان با بی پیرایگی اش اسوه برجسته زهد و پارسایی بود.

خیاگر بیداری

حیاتش ترکیبی از دو عنصر عقیده و جهاد بود و حرکتش بر مبنای این دو عنصر هیچ گاه گوشه نشینی را نگزید و آرام نگرفت و پیوسته حریت آمیخته با حیات را بر سر و روی جامعه اسلامی می پاشید و خوابهای گران را بر می آشفته گویند:

((برخی از بهائیان جاسوس استعمار در محله ای در بغداد، مکانی را به نام حظیره برای اجتماع خود بنا نهادند. بلاغی با شنیدن این خیر دیگر آرام نگرفت و استراحت را بر خود روا نداشت تا با مراجعه به دادگاه و قانون آنان را به ترک آن محل واداشت و پس از مدتی آنجا را به مسجدی تبدیل کرد و در آن نماز و شعایر حسینی اقامه می شد.)) (۸۸)

این روحانی آگاه، مرز و بوم را همواره نگهبان بود و برای بیدار ساختن جامعه دل می سوزاند و تمام هستی خود را فدای خدمت به حق و خلق کرد.

وی برای چاپ کتاب ((الهدی)) (در رسوا سازی خدعه ها و توطئه های مبلغان مسیحی) پولی نداشت. بناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتاب را به چاپخانه فرستاد تا خداوند اندک اندک اثاثیه خانه و زندگانی وی را فراهم ساخت (۸۹).

آخرین هجرت

آسمان شهر غم رنگ بود و اندوهبار. اشک هجران بر گونه های شهر جاری بود. زیرا خورشید اندیشه ای رو به غروب بود که هفتاد سال در آسمان علمی شیعه نور بخشیده بود. تقویم عمری رو به پایان می شد که برگ برگ وجودش را وقف خدمت کرده بود.

باد خزان بر باغ پرشکوفه رادمردی وزیدن گرفته بود که سراسر عمرش بهار بود و بیداری فصل فراق در گوش جان علامه آهنگ وداع می نواخت و نسیم ((ارجعی)) (۹۰) جانان در بوستان جاننش وزیدن داشت و در حیاط ((حیاتش)) می رفت که با قفل مرگ بسته شود. او که عمری در وادی رضای حق قدم و قلم زد اکنون مجنون صفت مشتاق نوشیدن جام وصال بود.

سرانجام این چکاد تعبد و تخصص، فقیه و ادیب فرزانه و مجاهد زاهد، شب دوشنبه بیست و دوم شعبان ۱۳۵۲ ق. (۹۱) ندای حضرت دوست را لبیک گفت و مرغ جاننش با کوله باری از خدمت و خوبی و افتخار به سرای ابدی پر کشید و در آستان دوست جای گرفت. خاکیان را در سوگ و عرشیان را در سرور نشانند. حوزه های علمیه - بویژه طلاب نجف - در این فقدان، غرق در ماتم شد. پس از تجلیل و تشییع، پیکر پاکش را در حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن مبارک حضرت علی علیه السلام، در کنار آرامگاه جواد بن محمد حسینی (مؤلف کتاب مفتاح الکرامه) به خاک سپردند.

روحش شاد، راهش سبز و پر رهرو و تربتش از شمع رضای جانان نورانی باد.

آثار:

تفسیر آلاء الرحمن

الرحله المدرسیه یا المدرسه السیاره

الهدی الی یدن المصطفی

التوحید والتثلیت

اعاجیب الاکاذیب

انوار الهدی

البلاغ المبین

نصایح الهدی

المسیح و الانجیل

نسمات الهدی

المصایح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر

مصباح الهدی

مسئله فی البداء

نور الهدی

اجویه المسائل البغدادیه

داعی الاسلام و داعی النصرانیه

رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول

رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمر بن خطاب

رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام

رد بر کتاب ((تعلیم العلماء))

رد بر کتاب ((حیاه المسیح))

رد بر کتاب ((ینایع الکلام))

رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی

رساله ای در رد حسیون

بلاغی، محمدجواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در روز چهارشنبه ای از ماه رجب ، در یکی از محله ها نجف (محله براق) در خانه دانشمند عامل و روحانی فاضل ، علامه شیخ

حسن بلاغی، ستاره ای چشم به جهان گشود که امید آن می رفت تا گمشدگان وادی شب گون نادانی را به کرانه های صبح امید رساند. این نورسیده را محمد جواد نام نهادند. و بدین سان در سال ۱۲۸۲ ق. خداوند نعمتی دیگر به جامعه شیعه عنایت کرد. آل بلاغی یکی از خاندانهای نجیب، شریف و قدیمی شهر نجف بوده اند. این دودمان پاک بسان چشمه ای پربرکت همواره جوشیده و طراوت بخشیده اند و تشنگان را سیراب کرده و همگی به جلال و بزرگی در علم و ادب شهرت داشته اند. جرعه نوش علم و معرفت.

محمد جواد پس از آنکه نشو و نما یافت و دوران کودکی را پشت سر گذاشت در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد و شاگردی آن مکتب گردید. علوم مقدماتی را در حضور نورانی علمای نجف فراگرفت و تا ۲۴ سالگی از اساتید بزرگ آن حوزه عظیم، استفاده های علمی و معنوی فراوانی برد.

روان پاک بلاغی که شیفته کسب معارف و درک فضایل بود او را در سال ۱۳۰۶ ق. مجبور به ترک زادگاهش کرد و او با دلی مالا مال از عشق و علاقه به فراگیری دانش و خودسازی، وارد شهر مقدس کاظمین شد تا بتواند در سایه اندیشه های بلند آن دیار، به اهداف عالی اش نایل آید.

ایشان شش سال از عمر مبارکش را در این شهر صرف تحصیل و تهذیب نمود و تا سال ۱۳۱۲ ق. در کاظمین ماند. او در همان شهر با خانواده شریف عالم بزرگوار سید موسی جزایری وصلت نمود.

در سی سالگی به زادگاهش نجف اشرف بازگشت و در درس سرآمدترین استوانه های علمی و عملی عصر خویش حاضر شد و سرزمین سبز فکرش را با زلال آبهای با صفای آن حوزه طراوت بخشید و مدت ۱۴ سال در این دانشگاه بزرگ اسلامی ماند و از باغ و بوستانهای نجف خوشه های فراوان علم و معنویت چید.

شیخ محمد جواد بلاغی که سالهای متمادی را در پی علم و عمل گذرانده بود در سال ۱۳۲۶ ق. وارد شهر مقدس سامرا شد و در درس مرجع مجاهد و رهبر انقلابی، میرزا محمد تقی شیرازی شرکت جست و ده سال بر سفره علمی این مجتهد سترگ و بیدار مهمان بود و با استفاده از جنبه های روحی و معنوی آن بزرگوار، خویشتن را تقویت کرد.

این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا ۵۴ سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت نمود. راهنمایان رهرو خوبیها

اندیشمندان و فرزانهانی که علامه بلاغی در حضور نورانی آنان نشست و آموخت عبارت اند از:

۱. فقیه بزرگوار شیخ محمد طه نجف (متوفی ۱۳۲۳ ق.).
۲. فقیه محقق حاج آقا رضا همدانی (متوفی ۱۳۲۲ ق.).
۳. عالم و اصولی مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ق.).
۴. علامه فقیه سید حسن صدرالدین کاظمی (متوفی ۱۳۵۴ ق.).
۵. فقیه بزرگ شیخ محمد حسین مامقانی (متوفی ۱۳۲۳ ق.).
۶. علامه محدث میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۰ ق.).
۷. فقیه عالیمقام سید محمد حسن هاشم هندی غروی (متوفی ۱۳۲۳ ق.).
۸. مرجع مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی ۱۳۳۸ ق.).

پیوند دانش و مبارزه

این متعهد وظیفه شناس از تبار روحانیتی بیدار و آگاه بود که در پی استقلال طلبی کشور عراق از یوغ استعمار انگلیس در سال ۱۳۳۶ ق. - برای بار دوم - آهنگ شهر کاظمین کرد و در جرگه جهاد و دفاع از ثغور اسلامی حضور یافت و به صف مجاهدان

پیوست .

آینده ساز دلسوز

اینک نام تنی چند از پروردگان آن فقیه آینده ساز را ذکر می نمایم .

۱. آیه الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی ۱۴۱۱ ق .)
۲. آیه الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (متوفی ۱۴۱۴ ق .)
۳. آیه الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)
۴. علامه ادیب آقای میرزا محمد علی اردوبای نجفی (متوفی ۱۳۸۰ ق .)
۵. علامه سید محمد صادق بحرالعلوم (متوفی ۱۳۹۰ ق .)
۶. آیه الله شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (متوفی ۱۳۸۶ ق .)
۷. آیه الله شیخ محمد مهدوی لاهیجی (متوفی ۱۴۰۳ ق .)
۸. آیه الله شیخ نجم الدین جعفر عسکری تهرانی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)
۹. حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفی ۱۴۰۵ ق .)
۱۰. آیه الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی (متوفی ۱۴۰۵ ق .)
۱۱. میرزا محمد علی مدرس خیابانی
۱۲. استاد ادیب علی خاقانی
۱۳. آیه الله شیخ علی محمد بروجردی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)
۱۴. شیخ مهدی بن داوودالحجار (متوفی ۱۳۵۸ ق .)
۱۵. علامه محقق حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی
۱۶. آیه الله سید صدرالدین جزایری (متوفی ۱۳۸۸ ق .)
۱۷. شیخ ابراهیم بن شیخ مهدی قریشی
۱۸. شیخ مرتضی مظاهری نجفی
۱۹. آیه الله سید مرتضی لنگرودی (متوفی ۱۳۸۳ ق .)
۲۰. علامه میرزا محمد علی ادبی تهرانی

تراوش قلم

آثار سبز او در زمینه های فقه ، تفسیر، تاریخ ، اصول فقه ، عقاید و رد یهود و نصارا و مادیون و باییت و بهائیت تدوین یافته است .
نشانه های ماندگار ایشان عبارت است از:

۱. تفسیر آلاء الرحمن ۲. رساله ای در پاسخ به پرسشهایی که از جبل عامل برای ایشان فرستاده و در آن شبهاتی درباره قرآن نموده بودند ۳. الرحلة المدرسیة یا المدرسة السیارة ۴. الهدی الی یدن المصطفی ۵. التوحید والتثلیت ۶. اعاجیب الاکاذیب ۷. انوارالهدی ۸. البلاغ المبین ۹. نصایح الهدی ۱۰. المسیح و الانجیل ۱۱. نسّمات الهدی ۱۲. المصایح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر ۱۳. مصباح الهدی ۱۴. مسئلة فی البداء ۱۵. نورالهدی ۱۶. اجویة المسائل البغدادیة ۱۷. داعی الاسلام و داعی النصرانیة ۱۸. مجموعه از تعلیقه ، حاشیه و رساله های فقهی ، در این میان رساله ای در احکام وضو به چشم می خورد که علامه خود آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است . رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول . رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمر بن خطاب . رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام . رد بر کتاب ((تعلیم العلماء)) نوشته غلام

احمد قادیانی رد بر کتاب ((حیاء المسیح)) نوشته غلام احمد قادیانی رد بر کتاب ((ینایع الکلام)). رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی (این چهار رساله در رد شبه های مخالفان اسلام بویژه مبلغان مسیحی نوشته است). رساله ای در رد حسیون (رد بر فرقه قادیانیه است). داروین و اصحابه.

مهتاب ادب

یکی از ویژگیهای شخصیت علمی علامه بلاغی، جنبه ادبی ایشان است. او دانشمندی ادیب و ادیبی دانشمند بود. نوشته هایش را با قلم و سبکی ابتکاری و جدید و در قالبهای ادبی و شعر، داستان، رمان و مناظره به رشته تحریر در آورده و برخی از مسائل عقیدتی و فلسفی را در قالب شعر سروده و شعرش حامل پیام بوده است.

ایشان در ثنا و رثای اهل بیت علیهم السلام چکامه هایی چند سروده است. یکی از آنها را که مرثیه ای برای امام حسین علیه السلام است مرور می کنیم:

یا تریب الخد فی رمض الطفوف

لیتنی دونک نهبا للسیوف یا نصیرالدین اذ عزالنصیر

و حمی الجار اذ عزالمجیر

و شدید الباءس والیوم العسیر

و ثمال الوفد فی العام العسوف

کیف یا خامس اصحاب الکسا

و ابن خیر المرسلین المصطفی

و ابن ساقی الحوض فی یوم الظماء

و شفیع الخلق فی الیوم المخوف

یا صریعا ثاویا فوق الصعید

و خضب الشیب من فیض الوریذ

کیف تقضی بین اجناد یزید

ضامیا تسقی بکاسات الحتوف

- ای کسی که گونه هایت در سرزمین کربلا بر خاک گرم افتاد! ای کاش من به جای تو، جایگاه ضربه های شمشیر می شدم.

- ای یاور دین هنگامی که یاران اندک شدند! و ای امید بی پناهان هنگامی که پناه دهندگان کم شدند.

- ای کسی که در روز جنگ و سختی صبر بسیار داری و ای ملجاء وارد شدگان در سالهای خشکی و سخت.

- چه سان است ای پنجمین اصحاب کساء و ای فرزند بهترن رسولان (حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم)

- ای فرزند ساقی حوض (حضرت علی علیه السلام) در روز تشنگی، شفاعت کننده مردم در روز ترسناک.

- ای کشته افتاده روی زمین و ای کسی که محاسنت با خون گلویت خضاب است.

- چگونه تشنه ماندی بین لشکر یزید، در حالی که سیرابت می کردند از جام مرگها.

چکاد تلاش

آموختن زبانهای خارجی با امکانات محدود آن روز، کاری بسیار مشکل بوده است. علامه بلاغی علاوه بر زبان عربی، زبانهای عبری، انگلیسی و فارسی را خوب می دانست و به آنها تسلط داشت و فراگیری آنها به شخصیت علمی ایشان برجستگی ویژه ای بخشیده بود.

درباره چگونگی آموختن زبان عبری چنین نگاشته اند: ((زبان عبری را از یهود دوره گرد آموخته است. در آن روزگار گروهی یهودی در شهرهای عراق بودند که مقداری جنس، پارچه و امثال آن، بر دوش داشتند و در کوچه و بازار می گشتند و می فروختند. بلاغی از این فرصت استفاده می کرد و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسید. گاه مجبور می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود به دیگران بسیار بخل می ورزیدند. بلاغی گاه شیرینی و شکلات می خرید تا اگر بچه ای یهودی ببیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.))

شکوه گمنامی

گمنام زیست و بی هیاهو، ولی نامش در گمنامی اوست و هنرش در اخلاص والایش ...

شکوه گمنامی و حماسه اخلاص او در شعار معروفش تجلی کرده که می فرمود:

((انی لا اقصدا الا للدفاع من الحق لا فرق عندی بین ان یکون باسمى او اسم غیرى.)) من جز دفاع از حق انگیزه ای نداشتم. بنابراین هیچ فرقی نیست که کتاب به نام من یا نام دیگری منتشر شود.

اسوه زهد

درباره ساده زیستی اش گویند:

((اتاقی کوچک داشت و محقر. در آن جز بوریایی و روفرشی بی که بر آن می نشست هیچ چیز نبود. در زمستان وسایل گرم کردن و در تابستان وسایل سرد کردن نداشت؛ با اینکه مزاجی ضعیف داشت و بیمار بود. با این احوال، هیچ گاه از این اتاق بیرون نمی رفت مگر برای نیازهای ضروری.))

بحقیقت که ایشان با بی پیرایگی اش اسوه برجسته زهد و پارسایی بود.

خنیار بیداری

حیاتش ترکیبی از دو عنصر عقیده و جهاد بود و حرکتش بر مبنای این دو عنصر هیچ گاه گوشه نشینی را نگزید و آرام نگرفت و پیوسته حریت آمیخته با حیات را بر سر و روی جامعه اسلامی می پاشید و خوابهای گران را بر می آشفت گویند:

((برخی از بهائیان جاسوس استعمار در محله ای در بغداد، مکانی را به نام حظیره برای اجتماع خود بنا نهادند. بلاغی با شنیدن این خبر دیگر آرام نگرفت و استراحت را بر خود روا نداشت تا با مراجعه به دادگاه و قانون آنان را به ترک آن محل واداشت و پس از مدتی آنجا را به مسجدی تبدیل کرد و در آن نماز و شعایر حسینی اقامه می شد.))

این روحانی آگاه، مرز و بوم را همواره نگهبان بود و برای بیدار ساختن جامعه دل می سوزاند و تمام هستی خود را فدای خدمت به حق و خلق کرد.

وی برای چاپ کتاب ((الهدی)) (در رسوا سازی خدعه ها و توطئه های مبلغان مسیحی) پولی نداشت. بناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتاب را به چاپخانه فرستاد تا خداوند اندک اندک ائاثیه خانه و زندگانی وی را فراهم ساخت.

آخرین هجرت

آسمان شهر غم رنگ بود و اندوهبار. اشک هجران بر گونه های شهر جاری بود. زیرا خورشید اندیشه ای رو به غروب بود که هفتاد سال در آسمان علمی شیعه نور بخشیده بود. تقویم عمری رو به پایان می شد که برگ برگ وجودش را وقف خدمت کرده بود.

باد خزان بر باغ پرشکوفه رادمردی وزیدن گرفته بود که سراسر عمرش بهار بود و بیداری فصل فراق در گوش جان علامه آهنگ وداع می نواخت و نسیم ((ارجعی)) جانان در بوستان جانش وزیدن داشت و در حیاط ((حیاتش)) می رفت که با قفل مرگ بسته

شود. او که عمری در وادی رضای حق قدم و قلم زد اکنون مجنون صفت مشتاق نوشیدن جام وصال بود.

سرانجام این چکاد تعبد و تخصص، فقیه و ادیب فرزانه و مجاهد زاهد، شب دوشنبه بیست و دوم شعبان ۱۳۵۲ ق. ندای حضرت دوست را لیک گفت و مرغ جاننش با کوله باری از خدمت و خوبی و افتخار به سرای ابدی پر کشید و در آستان دوست جای گرفت. خاکیان را در سوگ و عرشیان را در سرور نشانده. حوزه های علمیه - بویژه طلاب نجف - در این فقدان، غرق در ماتم شد. پس از تجلیل و تشییع، پیکر پاکش را در حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن مبارک حضرت علی علیه السلام، در کنار آرامگاه جواد بن محمد حسینی (مؤلف کتاب مفتاح الکرامه) به خاک سپردند.

روحش شاد، راهش سبز و پر رهرو و تربتش از شمع رضای جانان نورانی باد. آثار: ۱. تفسیر آلاء الرحمن

۲. الرحلة المدرسية یا المدرسة السیارة

۳. الهدی الی یدن المصطفی

۴. التوحید والتثلیت

۵. اعاجیب الاکاذیب

۶. انوار الهدی

۷. البلاغ المبین

۸. نصایح الهدی

۹. المسیح و الانجیل

۱۰. نسّمات الهدی

۱۱. المصایح فی بعض من ابداع فی الدین فی القرن الثالث عشر

۱۲. مصباح الهدی

۱۳. مسئله فی البداء

۱۴. نور الهدی

۱۵. اجویة المسائل البغدادیة

۱۶. داعی الاسلام و داعی النصرانیة

۱۷. رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول

۱۸. رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمر بن خطاب

۱۹. رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام

۲۰. رد بر کتاب ((تعلیم العلماء))

۲۱. رد بر کتاب ((حیاء المسیح))

۲۲. رد بر کتاب ((ینایع الکلام))

۲۳. رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی

۲۴. رساله ای در رد حسیون

بلخی، جمال الدین عبدالله

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۹۸-۶۱۱ ق)، مفسر. در قدس متولد شد و در مصر اقامت گزید و در الازهر تحصیل کرد و سرانجام به زادگاهش بازگشت و همان جا در گذشت. جمال‌الدین صاحب «تفسیر» ی بزرگ است که آن را با عنایت به پنجاه تفسیر نوشته است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷۰/۴)، معجم المؤلفین (۱۲۱/۶).

بهاء‌الدینی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۹ فروردین ۱۲۶۷ (عید غدیر خم ۱۳۲۷ ق.)، قم.
درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۷۶ (۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.)، قم.

آیت‌الله سید رضا بهاء‌الدینی، فرزند صفی‌الدین خدمتگزار آستانه حضرت معصومه و حافظ بسیاری از سوره‌های قرآن مجید و معروف به «کشف‌الایات» بود. وی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی، در شش سالگی به مکتبخانه رفت و به فراگیری نصاب، گلستان، خواندن و نوشتن پرداخت و پس از آن به آموختن علوم دینی روی آورد، و توانست مغنی را نزد میرزا محمدعلی ادیب تهرانی، شرح لمعه و فرائد الاصول را در محضر آخوند میرزا محمد همدانی، قوانین الاصول را نزد آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و مکاسب را در مجلس درس آیت‌الله سید صدرالدین صدر بیاموزد.

سپس در نوزده سالگی در درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد. پس از وفات ایشان به درس حضرات آیات عظام: سید صدرالدین صدر، سید محمد حجت، سید محمدتقی خوانساری و حاج آقا حسین بروجردی حاضر شد و مبانی فقهی و اصولی‌اش را استوار ساخت و در بیست و پنج سالگی از آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد دریافت نمود.

ایشان در کنار تحصیل به تدریس مقدمات و سطوح روی آورد و سیوطی، مغنی، حاشیه، مطول، قوانین (پنج دوره) رسایل، مکاسب و کفایه را تدریس کرد و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. سپس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و در مدت بیست سال، چند کتاب فقهی و چند دوره اصول را تدریس نمود و مجموع سالهای تدریس وی، شصت سال به طول انجامید.

آیت‌الله بهاء‌الدینی در جنب تحصیل و تدریس به اقامه جماعت و تألیف نیز پرداخت و نوشتارهایی پیرامون قرآن مجید، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه از او به یادگار ماند و این همه خمیرمایه درسهای اخلاقی وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم را تشکیل داد.
در اسفند ۱۳۷۵ سمیناری در تحلیل از وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم برپا شد و از شخصیت وی تجلیل گردید و کتابی با نام آیت بصیرت در شرح زندگی او منتشر شد.

آیت‌الله بهاء‌الدینی در سن نود سالگی در روز شنبه بیست و هشتم تیر ۱۳۷۶ (سیزدهم ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله فاضل لنکرانی بر آن در مسجد بالا سر حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

بهرامی، محمد حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین بهرامی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۵/۳

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین بهرامی در سال ۱۳۵۴ در تهران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهر قم گذراندم و در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه شدم. مقدمات را در مدرسه شهیدین گذراندم. سطح را در حوزه و در محضر اساتیدی از جمله حجج اسلام موسوی تهرانی، اعتمادی(ره)، احمدی میانجی و دیگر اساتید طی کردم. چند سالی نیز در درس خارج اساتیدی از جمله آیات عظام شبیری زنجانی، مکارم شیرازی و وحیدتبریزی شرکت نمودم.

در کنار تحصیل در مراکز سفیران هدایت، جامعه الزهرا و مدرسه امام خمینی(ره) به تدریس پرداخته ام. هم اکنون نیز در مدرسه امام خمینی(ره) و دانشگاه قم در رشته علوم قرآن و حدیث مشغول به تدریس می باشم. سال ۱۳۷۵ و همزمان با سطح، از طریق موسسه امام خمینی(ره) به کارشناسی ارشد پیوسته در رشته الهیات مشغول شده و در سال ۱۳۸۱ با نگارش پایان نامه "اندیشه های حدیثی علامه محمد تقی شوشتری در کتاب النجعه" فارغ التحصیل شدم.

در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه تربیت مدرس قم در رشته علوم قرآن و حدیث برای گذراندن مقطع دکتری پذیرفته شدم. و هم اکنون پس از طی دوره آموزشی در آستانه نگارش پایان نامه می باشم. از سال ۱۳۷۷ در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در بخش شبکه اینترنت مشغول به کار شدم. از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ مدیر پایگاه اطلاع رسانی حوزه بودم و از سال ۱۳۸۲ تا کنون نیز به عنوان معاون شبکه مرکز مشغول به فعالیت می باشم.

بهرامی، ناصر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصر بهرامی

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ناصر بهرامی در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه شدم و در زادگاهم کرمانشاه در مدرسه آیت الله بروجردی مشغول به فرا گرفتن متون درسی حوزوی شدم. سطح مقدمات را در همانجا به پایان رسانیدم و مشغول به سطوح بالاتر شدم. و دروس بالاتر را مانند کفایه، رسائل، مکاسب را در محضر حضرات آقایان آیت الله زرنندی نماینده ولی فقیه و امام جمعه کرمانشاه، حاج آقا مجتبی میبدی، حاج آقا عبدالخالق عبداللهی، فرا گرفتم. و در همان مدرسه مذکور مشغول به تدریس سیوطی، مغنی، مقدمات شدم و در مدرسه امام صادق (ع) کرمانشاه لمعه و سیوطی تدریس نموده ام و در سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس خارج فقه و اصول را در نزد حضرات آیات مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، نوری همدانی، جعفر سبحانی، جوادی آملی و به مدت دو سال هم در تفسیر حجت الاسلام سید احمد خاتمی شرکت نمودم و در حال حاضر در درس فقه آیت الله مکارم مشغول هستم. در این مدت مشغول پژوهش بوده و هستم و بیشتر کارهایم را در خانه انجام می‌دهم و کاری را در دست اقدام دارم بنام خطابات قرآنی و امیدوارم خداوند متعال به ما توفیق دهد تا بتوانیم در راه علم و معرفت کوشا باشیم و برای جامعه اسلامی فردی مفید و صالح باشیم.

بهشتی، سیدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۵۴ ق)، عالم، ادیب، لغوی، مفسر، فقیه و محدث. معروف به مفسر. در کربلا متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. وی در تهران ساکن و از اعلام معاصر تهران بود. بهشتی در زهد و تقوی کم‌نظیر بود. او متجاوز از بیست و دو سال پی‌درپی در مسجد جامع تهران تفسیر قرآن می‌گفت. در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله شهر ری دفن شد. از آثار وی تفسیر «مقنیات الدرر و ملتقطات الثمر»، به عربی، در دوازده مجلد است که در تهران به طبع رسید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۱۷۹-۱۷۸/۴)، مقنیات الدرر (ج ۱/ مقدمه مؤلف).

بهلول گنابادی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۰ ق)، شاعر. معروف به بهلول. اصل وی بجستان گناباد است. وی در سبزوار متولد شد و همان جا تحصیل علوم قدیمی کرد. سپس بیشتر به وعظ و روضه‌خوانی و مسافرت در ایران و عراق مشغول بود. وی برای مخالفت با قانون اتحاد شکل و تبدیل لباسهای مختلف و معمولی ایرانی به لباس واحد نیم‌تنه و شاپو، در مشهد سخنرانی‌هایی کرد که منجر به شورش در آنجا شد که در نهایت وی را به افغانستان بازگشت و در سال ۱۳۴۹ ق به ایران بازگشت. بهلول حافظه‌ای نیرومند داشت. او را منظومه‌ای است در حدود هزار و دویست بیت که خود از آن تعبیر به «مجموعه‌ی دینی» کرده و در آن شرح حال خود و بعضی وقایع زمان خود را به

تصویر کشیده است. مجموعه‌ی شعرش به نام «بهلول» به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۴۹-۱۴۸/۹)، سخنوران نامی معاصر (۶۳۴-۶۳۱/۱)، صد سال شعر خراسان (۱۵۷-۱۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۲/۲).

بهمنی، سعید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید بهمنی

محل تولد: باجیگران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات متوسطه در سال ۶۱-۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم. ابتدا به مدت سه سال به طور آزاد درس‌های حوزه را از استادان مختلف آموختم و پس از سه سال در حوزه ثبت نام کرده و قبول شدم. دروس سطح را در سال ۶۹ به پایان رسانده و سپس دروس خارج را آغاز کردم. در سال ۷۱-۷۰ در دوره‌های تربیت محقق و مدیر و مبلغ مناطق اهل سنت شرکت کرده و به مدت دو سال دوره عمومی آن را گذراندم و پس از یک سال دوره تخصصی فقه و اصول را طی کردم. این دوره‌ها پس از مدتی به نام رشته‌های تخصصی فوق و مذاهب اسلامی از سوی حوزه علمیه قم به رسمیت شناخته شد.

بیات، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود بیات

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود بیات در حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه شهرستان نیشابور و تقریباً بعد از ۳ سال در حوزه مشهد به مدت دو سال و

سپس راهی قم شده و تاکنون مشغول بوده‌ام. در سال ۶۳ - ۱۳۶۲ به مدت یک سال تمام از طرف حوزه علمیه قم برای تدریس ادبیات به شهرستان میناب رفتم. در سال ۸۱ - ۸۲ به مدت یک سال در دانشکده علوم قرآنی تدریس قرآن و علوم مربوطه به مقدمات قرآن از قبیل ادبیات بوده‌ام و در خلال تحصیل مقداری هم تدریس داشته‌ام.

در ضمن به مدت سه سال از طرف معاونت تهذیب در مدرسه شهید صدوقی واقع در بلوار صدوق به امر تهذیب مشغول بوده‌ام و در مدارس امام صادق و بقیه الله واقع در حاجی آباد یک سال تحصیلی تقریباً تدریس تجوید و صرف داشته‌ام. اکنون پایان‌نامه سطح چهار را تحویل داده‌ام و مقدمات دفاع انشاء الله فراهم می‌گردد. نیز در دانشگاه علامه طباطبایی تهران مشغول تدریس تفسیر موضوعی هفته‌ای یک روز در هفته می‌باشم.

بیاری، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر بیاری

محل تولد: جعفر آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۵/۴

زندگینامه علمی

بنده تا سوم راهنمایی را در محل تولد خواندم. بعد وارد حوزه علمیه قم شدم. همزمان بطور غیر حضوری دیپلم را گرفتم. در مدارس علمیه امام صادق(ع)، امام باقر(ع)، رضویه و معصومیه ادامه تحصیل دادم و در دروس خارج فقه آقایان فاضل لنکرانی، هادوی، کعبی شرکت کردم. در تفسیر آیت الله جوادی آملی هم ۶ سال شرکت داشتم، دوره های تربیت مربی دفتر تبلیغات را گذرانده‌ام (شش ماه). در مرکز ادبی حوزه شرکت و دوره ادبیات را گذراندم. در سال ۱۳۷۶ وارد موسسه امام خمینی شدم و دوره کارشناسی و سپس ارشد را گذراندم. الان در حال تدوین پایان نامه هستم. همزمان فعالیت های تبلیغی هم دارم که عمده آن در دبیرستانهای کشور است از طریق اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان و بسیج دانش آموزی.

بیرجندی، علی اصغر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۰ - ۱۳۱۰ ق)، مفسر و مدرس. وی از بزرگان و سرآمدان علوم دینی در سده‌ی سیزدهم و اوایل چهاردهم هجری قمری بود و همچنین از مشایخ و استادان حاج محمد باقر بیرجندی. از وی تفسیری دو جلدی به نام «التفسیر بالمأثور» به جای مانده که

نظیر «تفسیر البرهان» سید هاشم بحرانی است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الذریعه (۲۶۵/۴)، ریحانه (۳۰۵/۱).

بیضاوی فارسی، ابوالخیر، ابوسعید عبدالله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۹۶ - ۶۸۰ ق)، عالم، ادیب، محدث، مفسر و مورخ اشعری شافعی. معروف به قاضی بیضاوی. اهل بیضاوی فارس بود. پدرش در زمان سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد زنگی قاضی القضاة فارس بود و بعد از او این منصب به پسرش رسید. وی بعد از مدتها اقامت در شیراز، اواخر عمر را در تبریز سپری کرد. قاضی معاصر با علامه حلی امامی و خواجه نصیرالدین طوسی و صلاح‌الدین صفدی بود. او در گورستان چرنداب تبریز مدفون است. بیضاوی در عربی و فارسی تألیفاتی دارد. از جمله: کتاب تفسیر که به «تفسیر بیضاوی» یا «انوار التنزیل و اسرار التأویل» شهرت دارد و شیخ بهایی بر آن شرح نوشته است. «الایضاح»، در اصول دین؛ «تهذیب الاخلاق» در تصوف؛ «شرح التنبيه»، در فقه؛ «شرح الکافی»، در نحو؛ «شرح المصایح»، در فقه؛ «شرح مطالع»، در منطق؛ «منهاج الوصول الی علم الاصول»، در اصول فقه؛ «طوالع الانوار» و «مطالع الانظار»، در توحید و کلام؛ «غایة القصوی فی درایة الفتوی»، در فقه شافعی؛ «شرح منتخب الاصول»، در لغت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۴۸/۴)، بزرگان نامی پارس (۲۸۱-۲۷۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰۹، ۲۲۸، ۲۲۳-۲۲۲، ۲۱۸/۳)، تاریخ گزیده (۷۰۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۰-۱۳۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۸-۵۱۷/۱)، دایرةالمعارف فارسی (۴۹۰/۱)، الذریعه (۱۹۲/۲۴، ۱۷۹-۱۷۸/۲۳)، روضات الجنات (۱۳۰-۱۲۷/۵)، ریحانه (۳۰۶/۱)، شیرازنامه (۱۸۲)، طرائق الحقائق (۶۶۶-۶۶۲/۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸/۱)، کشف الظنون (۱۹۵۹، ۱۸۸-۱۸۶)، الکنی و الالقاب (۱۱۳/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ بیضاوی)، معجم المؤلفین (۴۰۰/۱۳، ۹۸-۹۷/۶)، نامه‌ی دانشوران (۱۵۱-۱۳۷/۸)، هدیه‌ی الاحباب (۱۱۱-۱۱۰)، هدیه‌ی العارفین (۴۶۳-۴۶۲/۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۵-۱۳/۲).

بیهقی خسروجردی، ابوبکر احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۵۸/۴۵۴-۳۸۴ ق)، فقیه شافعی، حافظ، محدث، مفسر و متکلم اصولی. ملقب به فخرالزمان. در خسروجردی بیهق متولد شد، و در همان جا نشو و نما یافت. وی به بغداد و کوفه و مکه سفر کرد و در نیشابور رحل اقامت افکند، در همان جا درگذشت و در بیهق دفن شد. ابوبکر در علوم گوناگون دارای دستی توانا بود. امام الحرمین گوید که: شافعی بر گردن تمام شافعیان حق دارد جز بیهقی، و این بیهقی است که با کثرت تصنیفاتش در حمایت مذهب شافعی بر او منت دارد. ذهبی گوید که اگر بیهقی می‌خواست قادر به تأسیس مذهب جدید بود. بیهقی از شاگردان ابو عبدالله حاکم نیشابوری و ابوالفتح ناصر مروزی و ابن فورک و ابو علی رودباری و

عبدالله بن یوسف بن نامویه است. شیخ الاسلام ابو علی انصاری و ابو عبدالله فرزای و ابوالقاسم سحامی و ابوالمعالی محمد فارسی از شاگردان وی بوده‌اند. به خاطر گستردگی دانش و معرفتش به اختلاف، در حدود یکهزار ساله تصنیف کرد. از جمله آثار او: «السنن کبیر»، ده مجلد و «السنن صغیر»، دو مجلد، در حدیث؛ «دلایل النبوة»، در سه مجلد؛ «الجامع المصنف فی شعب الایمان»؛ «المبسوط فی نصوص الشافعی»، در ده مجلد؛ «الاسماء و الصفات»؛ «المعارف».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۱۳/۱)، اعیان الشیعه (۵۶۹-۵۶۸/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۴/۱)، دائرةالمعارف اسلامیة (۴۳۰-۴۲۹/۴)، روضات الجنات (۲۶۴-۲۶۰/۱)، ریحانه (۳۰۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۹۳/۱)، سیر النبلاء (۱۷۰-۱۶۳/۱۸)، الکامل (۱۰۴/۸)، کشف الظنون (۲۰۵۱، ۱۹۵۷، ۱۸۳۶، ۱۷۳۹، ۱۷۲۶، ۱۶۲۱، ۱۵۸۲، ۱۴۵۵، ۱۳۹۳، ۱۳۹۱، ۱۰۴۷، ۱۰۰۷، ۷۶۰، ۷۲۱، ۵۷۴، ۴۰۰، ۲۶۱، ۱۷۵، ۵۳، ۹)، لغت‌نامه (ذیل / احمد بن حسین)، معجم البلدان (۴۲۴/۲)، معجم المؤلفین (۲۰۷-۲۰۶/۱)، الوافی بالوفیات (۳۵۴/۶)، وفيات الاعیان (۷۶-۷۵/۱)، هدیة العارفين (۷۸/۱).

بیهقی، ابوجعفر احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ح ۵۴۴-۴۷۰ ق)، محدث، فقیه، مفسر و ادیب. معروف به بوجعفرک. وی اهل نیشابور بود. گروهی از نجبا همصحبت وی بودند و جماعتی نزد وی دانش فراگرفتند. او از ابونصر احمد بن محمد بن صاعد قاضی و ابوالحسن علی بن حسن بن عباس صندلی واعظ و دیگران سماع حدیث داشت. تاج‌الدین محمود بن ابی‌المعالی خواری، در مقدمه‌ی کتاب «ضالۃ الادیب» می‌آورد که احمد بن علی بیهقی در ادب و قرائت امام بود و کتاب «صحاح» جوهری، در لغت را، پس از قرائت بر ابوالفضل احمد بن محمد میدانی، حفظ کرد. از جمله‌ی تألیفات او: «المحیط»، در لغات قرآن؛ «ینایع اللغه»؛ «تاج المصادر»، در لغت عرب؛ کتاب «المحیط بعلم القرآن».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۱-۳۲۰/۲)، دایرةالمعارف فارسی (۴۹۷/۱)، روضات الجنات (۲۷۰/۱)، سیر النبلاء (۲۰۸/۲۰)، کشف الظنون (۲۰۵۲-۱۶۱۹، ۲۶۹)، لغت‌نامه (ذیل / احمد بن علی)، معجم الادباء (۵۱-۴۹/۴)، معجم المؤلفین (۴/۲)، الوافی بالوفیات (۲۱۵-۲۱۴/۷)، هدیة العارفين (۸۴/۱).

پارسا، شمس‌الدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۸۲۲ ق)، مفسر، فقیه، نویسنده و صوفی. وی اهل بخارا و از اصحاب درجه‌ی اول خواجه بهاء‌الدین نقشبند و از اولاد عبدالله بن جعفر طیار بود. او نسبتش به حافظ‌الدین کبیر، محمد بخاری می‌رسد. از مشاهیر عرفای سلسله‌ی نقشبندیه است. چون مردی پارسا و دانشمند بود، بهاء‌الدین وی را پارسا لقب داد. پارسا، کتب بسیاری در تصوف دارد که به شیوه‌ی تفکر و تحلیل ابن‌عربی از

مسائل عرفانی، نزدیک است. وی همچنین در نقل حدیث نیز دست داشت و کرامات بسیاری را به او نسبت داده‌اند. در هنگام بازگشت از سفر حج، در مدینه در گذشت و او را در جوار مزار حضرت عباس (ع) به خاک سپردند. وی پسری داشت به نام خواجه حافظالدین ابونصر پارسا که او هم از مشایخ معروف نقشبندیه به شمار می‌رود. از آثارش: «فصل الخطاب لوصول الاحباب»، در محاضرات؛ «الفصول الستة»؛ «اربعون حدیثا»؛ «تفسیر القرآن العظیم»، در یکصد مجلد؛ «رساله‌ی قدسیه»؛ «عقاید حکیم ابوالقاسم اسحق بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن زید سمرقندی»؛ «انیس الطالبین و عدة السالکین»؛ «تفسیر سوره‌ی فاتحه‌ی کتاب»؛ «رساله‌ی کشفیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷۳/۷)، ایضاح المکنون (۱۹۱/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۳-۴۸۲/۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۸۱-۲۸۰)، تذکره الشعراء (۳۷۹)، حبیب السیر (۵-۴/۴)، الذریعه (۱۷/۵۰، ۲۳۳-۲۳۲/۱۶)، رشحات عین الحیات (مقدمه ۱۱۱-۱۰۱، ۸۸، ۴۴)، ریحانه (۳۱۰/۱)، طرائق الحقائق (۶۲/۳)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۸۲۳)، معجم المؤلفین (۳۰۰/۱۱)، نفحات الانس (۴۰۰-۳۹۷)، هدیه العارفین (۱۸۳/۲).

پاشایی، محمدتقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد تقی پاشایی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد تقی پاشایی در فروردین سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در شهر مقدس مشهد متولد گردید. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و در سال ۵۷ موفق به اخذ دیپلم ریاضی گردید. ایشان در سال ۵۸ جهت تحصیل علوم حوزوی وارد حوزه علمیه اشتهاورد شد و بعد از شش ماه در مدرسه علمیه برهان شهرری ادامه تحصیل داد و از سال ۶۴ تا کنون در حوزه علمیه مقدسه قم مشغول تحصیل و تدریس و تحقیق می‌باشد.

پایانی اردبیلی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عمده الفضلاء الفخام و العلماء الاعلام آقای حاج شیخ احمد پایانی در سال ۱۳۴۶ قمری در شهرستان اردبیل متولد شده و بعد از

اتمام فارسی و طی مقدمات در مدرسه ملا ابراهیم اردبیل در سال ۱۳۶۶ به قم آمده و سطوح عالی را نزد اساتید معظم قم خوانده و خارج مکاسب را از مرجع عالیقدر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حجت قدس‌الله سره استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و یک دوره درس خارج اصول مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد محقق یزدی معروف به داماد را فرا گرفته و اکنون به تدریس فقه و اصول و مباحثات خصوصی اشتغال دارند.

وی از فضلاء متین و مدرسین خلیق و باتقوای حوزه علمیه است که علم خود را با حلم و ورع قرین ساخته است. عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲۹۶ (۵ رمضان ۱۳۴۶ ق.)، اردبیل.

درگذشت: ۶ اسفند ۱۳۷۵، قم.

آیت‌الله احمد پایانی اردبیلی در حدود پنج سالگی به مکتبخانه رفت و خواندن قرآن مجید و فنون تجوید و قرائت و متون فارسی چون گلستان و نصاب‌الصبيان را فرا گرفت و پس از آن در مدارس دولتی تحصیلات ابتدایی را آموخت. در سن چهارده سالگی به مدرسه علمیه ملا- ابراهیم شتافت و به خواندن ادبیات عرب پرداخت و به لباس روحانیت ملبس شد. در اوایل سال ۱۳۶۶ ق. به مقصد ادامه‌ی تحصیل به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و به تحصیل سطوح فقه و اصول پرداخت و مکاسب را نزد آیت‌الله مجاهدی و رسائل را در محضر آیت‌الله سلطانی طباطبایی و کفایة‌الاصول را هم در درس آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی فرا گرفت.

آیت‌الله پایانی اردبیلی همزمان با ادامه‌ی تحصیل، به تدریس کتابهای حاشیه ملا عبدالله و معاصم‌الاصول پرداخت. وی در سال ۱۳۷۰ ق. به درس فقه آیت‌الله حاج سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای حاضر شد و پس از آن در دروسهای فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی و سپس در دروسهای فقه و اصول آیت‌الله سید محقق داماد شرکت جست و مبانی عملی خویش را استوار ساخت. استاد حدود پنجاه سال به تدریس کتابهای مهم فقه و اصول پرداخت.

آیت‌الله پایانی اردبیلی از بدو شروع مبارزات مرجعیت و روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) علیه رژیم ستم شاهی، به پیکار با نظام پهلوی پرداخت. پس از انقلاب اسلامی نیز از تأیید و پشتیبانی مواضع حضرت امام دریغ نکرد. از اشتغالات دیگر ایشان شرکت مستمر در جلسه دیرین تفسیر قرآن کریم بود که با حضور جمعی از بزرگان و دانشمندان تشکیل می‌شدند.

آیت‌الله پایانی به غیر از تدریس متوالی، در ایام تعطیلی حوزه‌ی علمیه‌ی قم رخت سفر برمی‌بست و برای تبلیغ شعایر دین به نقاط دیگر هجرت می‌کرد و به راهنمایی مردم و اقامه جماعت می‌پرداخت و این تا سالیان پایان عمرش ادامه داشت. او دارای اجازه‌ی نقل حدیث و امور حسبه از استادش آیت‌الله حجت بود.

تألیفات ایشان عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای (بحث بیع)؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی بروجردی؛ فهرست جامع الشتات میرزای قمی؛ شرح مکاسب به نام «ارشاد الطالی الی حقایق المکاسب» از اول مکاسب محرمة تا اواسط خیارات؛ حاشیه کفایة‌الاصول؛ حاشیه‌ی مکاسب (که حاشیه بر مکاسب محرمة (در یک جلد) و حاشیه بر بیع در دو جلد به چاپ رسیده است)؛ «رساله فی احکام الاراضی و اقسام‌ها» که در مجموعه مقالات کنگره‌ی شیخ انصاری به چاپ رسیده؛ «رساله فی بیع الفضولی» که در مجموعه مقالات کنگره‌ی محقق اردبیلی به چاپ رسید. آنچه از تقریرات ایشان به چاپ رسیده است، عبارتند از: در کلاس درس مکاسب (شرح قسمتی از مکاسب محرمة در سه جلد، نوشته آقای رضا محمودی)؛ در محضر شیخ انصاری (نوشته جواد فخار طوسی)؛ در این کتاب مکاسب محرمة در نه جلد، و نیمی از بیع در هشت جلد و اکثر خیارات در نه جلد شرح گشته و همه آنها نیز به چاپ رسیده است).

آیت‌الله پایانی اردبیلی سرانجام در تاریخ یکشنبه ششم اسفند ماه ۱۳۷۵ در هفتاد سالگی جان سپرد. پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله شبیری زنجانی بر آن، در جوار مرقده استادش آیت‌الله سید محقق داماد- که در صحن حرم حضرت معصومه (س) به خاک

سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

پاینده، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر پاینده

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جعفر مشهور به پاینده فرزند حسنعلی پس از گذراندن دروس مکتبی در سال ۱۳۴۴ به حوزه علمیه الحجه در نجف آباد وارد شدم و در مدت یک سال و نیم دروس مقدمات و سیوطی و مغنی و منطق را نزد مرحوم حاج شیخ غلام حسین منصور و مرحوم حاج آقا محمود مدرس و دیگر اساتید گذراندم. این مدرسه در آن زمان تحت نظر مرحوم حاج شیخ عباس ایزدی بود و بعضی دروس را شخص ایشان عهده دار بودند. پائیز سال ۱۳۴۶ به حوزه علمیه قم آمدم و در مدرسه حاج ملا-صادق در چهار مردان که تحت نظر مرحوم آیت الله گلپایگانی بود، دروس معالم و مختصر و حاشیه و منطق و ... را نزد آقایان امینی و حاج حسن آقا تهرانی و آدینه وند خواندم و در سال تحصیلی ۱۳۴۷ به مدرسه حقانی تحت مدیریت مرحوم شهید قدوسی وارد شده و دنباله درس معالم و مختصر را نزد آیات: جنتی و خزعلی خوانده و دروس سطح عالی را به ترتیب نزد این آقایان گذراندم؛ حضرات آیات: مرحوم حرم پناهی و آیت الله محمدی گیلانی، درس لمعه آیت الله مومن قمی، درس اصول فقه آیت الله آذری قمی، درس رسائل شیخ مرحوم آیت الله احمدی میانجی، درس مکاسب آیت الله یوسف صانعی، درس کفایه آیت الله جوادی آملی، درس بدایه الحکمه آیت الله حسن زاده آملی، درس هیئت و کلیله و دمنه آیت الله دکتر احمد بهشتی، درس انشاء و نویسندگی آیت الله شهید قدوسی، درس اخلاق و عروه الوثقی آیت الله شهید مفتاح و آیت الله انصاری شیرازی، درس منظومه منطق آیت الله مصباح یزدی، ضمناً دروس متفرقه دیگری هم مثل مکالمه عربی، تجوید قرآن و معلومات عمومی تا حد دیپلم در زمینه طبیعی، زبان انگلیسی و تشریح کالبد بدن انسان وجود داشت که از دبیران فرهنگی استفاده می شد. نزدیک پنج سال دروس یاد شده در مدرسه حقانی گذرانده شد و از سال ۵۲ که اوج اختناق در زمان شاه بود، بنده از مدرسه حقانی به مدرسه خان و حجتیه آمدم و سه سال تحت تعقیب ساواک شاه قرار گرفتم و همواره در مسافرت و متواری بودم. سال ۵۵ و ۵۶ در خارج کشور (سوریه و لبنان و کویت و ...) به سر میبردم و بیشتر اعلامیه های امام را در بین ایرانیان زائر و زوار حج پخش می کردم (با جمعی از دوستان). در این پنج سال از نظر دروس حوزه وقفه ای ایجاد شد.

اساتید دروس خارج یا عالی از سال ۱۳۶۰: درس اسفار اربعه تا آخر نزد آیت الله جوادی آملی، قسمتی از اشارات نزد آیت الله حسن زاده آملی، عرفان نظری درس فصوص قیصری نزد آیت الله حسن زاده آملی، درس تمهید القواعد نزد آیت الله جوادی آملی، درس خارج اصول نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله صانعی، درس خارج فقه زکات و مکاسب محرمة و ولایت فقیه نزد

آیت الله منتظری، درس خارج قسمتی از طهارت و صلوة نزد آیت الله تبریزی، نوارهای درسی برهان شفا از استاد مصباح یزدی.

پرهیزکار، شهریار

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد شهریار پرهیزکار، در ۲۵ مرداد ماه سال ۱۳۴۳ هـ.ش در شهر تهران دیده به جهان گشود. اشتیاق خود او به آموختن قرآن و نیز جوّ مذهبی خانواده، یکی از عوامل اصلی در گرایش قرآنی او شد. خود او می گوید: میل و اشتیاق درونی به شنیدن نغمات روحانی، اعم از دعا و قرآن که بویژه توسط مادرم در برخی مواقع به شکلی محزون تلاوت می شد مرا ترغیب می کرد. یکی از تفریحات کودکی من این بود که گوشه ای می نشستم و مسابقه ای قرآنی برای خودم ترتیب می دادم و خود را قاری تجسم می نمودم و احساس می کردم که از من دعوت شده برای اجرای برنامه و در شروع مسابقه باید من بخوانم بعد هم با یک لحن و وضعیت خاصی شروع می کردم به خواندن و خانواده این را دیدند بیشتر توجه شان جلب شد و مرا به جلسات قرآن راهنمایی کردند، استاد شهریار پرهیزکار، در سال ۱۳۵۲ که ۹ سال بیشتر نداشت، با شنیدن پخش چند تلاوت زیبا از مسابقات جهانی در مالزی که از طریق تلویزیون پخش می شد، مجذوب تلاوت قرآن شد و بخصوص تلاوت استاد محمد تقی مروت که رتبه نخست آن سال را در مسابقات مالزی را کسب کردند، بر او اثری ویژه گذاشت و زندگی آینده اش در مسیر قرآن رقم زد.

آقای شهریار پرهیزکار، روحوانی و روانخوانی و مباحث اجمالی در زمینه تجوید مقدماتی را در محضر استاد ادیب و تجوید و صوت و لحن قرآن کریم را همزمان در جلسات استاد مروت آغاز کرد. و سپس با راهنمایی استاد و مروت به جلسات درس استاد مولائی حضور یافت و بدین ترتیب، حفظ قرآن را نیز آغاز نمود. استاد پرهیزکار، اولین بار بصورت رسمی در مسابقات قرآنی که در سال ۱۳۵۶ در مسجد لاله زار و در مقابله با رژیم طاغوت برگزار شد به تلاوت پرداخت در این مراسم که بسیار با شکوه برگزار شد آیاتی از سوره مبارکه یوسف را به زیبایی تلاوت کردند.

آقای پرهیزکار پس از دریافت دیپلم در سال ۱۳۶۰، در دانشگاه شهید بهشتی تهران و در رشته کامپیوتر و نرم افزار تحصیل خود را آغاز کرد و مدرک کارشناسی را دریافت نمود. آقای پرهیزکار در سال ۱۳۶۹ ازدواج کرد که ثمره این ازدواج دو فرزند بنامهای فاطمه و مهدیه است.

استاد پرهیزکار قرآن کریم را در طول سه سال در جلسات حفظ استاد مولائی از حفظ نمود او همچنین در بسیاری از مسابقات داخلی در کشور شرکت کرده و رتبه های ممتاز کسب نموده است.

در سال ۱۳۶۲ در مسابقات بین المللی جمهوری اسلامی ایران در حفظ ۱۵ جزء رتبه نخست را کسب کرد همچنین در سال ۱۳۶۴ در حفظ ۲۰ جزء رتبه دوم را در کشور عربستان بدست آورد در سال ۶۶ هم استاد پرهیزکار در رشته حفظ کل قرآن در مسابقات بین المللی ایران شرکت کرد و رتبه نخست را در این مسابقات از آن خود ساخت. او علاوه بر آن، در سال ۷۱ نیز به رتبه نخست مسابقات کشور عربستان در رشته حفظ کل دست یافت. وی شیرین ترین خاطرات فراموش نشدنی خود را دستبوسی حضرت حضرت امام خمینی (ره) و تفقد و صمیمیت ایشان را با خود دانسته و خاطره دیگر را ورودشان به داخل کعبه پس از انجام مسابقات عربستان، در سال ۶۶ می داند.

دوره کامل تلاوت ترتیلی با صدای استاد پرهیزکار که از سالها پیش و به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ضبط شده است همه ساله از شبکه های مختلف رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش می شود. که بسیار مورد توجه دوستداران و

علاقه مندان به قرآن قرار گرفته است. نوار کاست با تکرار تلاوت ترتیل با صدای استاد پرهیزکار برای علاقه مندان به حفظ قرآن کریم تدوین شده است و در دسترس علاقه مندان است. آقای پرهیزکار مانند بسیاری دیگر از اساتید و صاحب‌ظران امر تلاوت معتقدند که قاری قرآن شایسته است در ابتدای کار از یک قاری مصری برجسته تقلید کند و در این مرحله باید از هرگونه ابداع و ابتکار سبک نوین پرهیز کند او معتقد است پس از سپری کردن این دوره می‌توان سبکی نو، ابداع کرد به همین دلیل خود او نیز در ابتدا از مرحوم استاد عبدالباسط سپس مرحوم منشاوی و پس از آن از مصطفی اسماعیل تقلید نموده است. آقای پرهیزکار به قاریان جوانی که در ابتدای راه هستند سفارش می‌کند که در شنیدن تلاوتها برای یادگیری توجه و دقت بالایی را مبذول دارند؛ یعنی بصورت تفننی به تلاوت گوش ندهند بلکه به تمام ظرایف و ریزه کاری های تلاوت قاری مورد تحقیق گوش بسپارند. استاد پرهیزکار تا کنون در جلسات مختلفی در سطح تهران و یا در دبیرستانهای مختلف در زمینه ای قرآنی تدریس کرده اند ایشان هم چنین در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دو واحد درس آوا شناسی را تدریس نموده است. آقای پرهیزکار در زمینه فعالیت های قرآنی خود در دوره های تربیت مربی قرآن، در سپاه پاسداران و تصمیم گیری جلسات برخی از نهادهای کشور حضوری فعال داشته است. او در طول ۸ سال دفاع مقدس که دل و جان نیروهای رزمنده لبریز از معنویت بود، در ایامی که مجاهدان این مرز و بوم با عشق به قرآن و اهل بیت (ع) لحظات را سپری می کردند حضور قاریان برجسته کشور در جمع آنان تأثیری بسزا داشت، از این رو استاد پرهیزکار نیز مانند بسیاری از برادران قاری در جمع رزمندگان اسلام در جبهه های مختلف حاضر می شد و با تلاوت آیات وحی دل و جان آنها را از عشق حق حیاتی دوباره می بخشید.

آقای پرهیزکار از اساتید؛ رفعت، شعشاعی، مصطفی اسماعیل و شعیب به عنوان قاریان برتر پیشکسوت در کشور مصر یاد می کند. او همچنین در میان اساتید حاضر در کشور مصر از اساتید: شحات محمد انور، الیثی و نعینع به عنوان قاریان برتر کشور مصر نام می برد. وی در توصیه های خود به جوانان معتقد است که فعالیت در امر قرآنی به یک اشتیاق و علاقه خاصی نیازمند است و صرف دوست داشتن را کافی نمی داند؛ باید عشق و علاقه در خود ایجاد کرد تا بتوان با این موتور محرکه که از درون ما را سوق می دهد به سمت انس هر چه بیشتر با قرآن در این عرصه موفق باشیم.

پور طباطبایی، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مجید پور طباطبائی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۶/۱

زندگینامه علمی

در مورخه یکم شهریور ماه ۱۳۳۶ در تهران متولد شدم، سه سال اول ابتدایی را در قم خواندم از تابستان ۱۳۴۵ به تهران منتقل شدم. دیپلم ریاضی خود را در سال ۱۳۵۴ از دبیرستان محمد علی فروغی تهران دریافت کردم. از سال ۱۳۵۰ مشغول آموختن زبان انگلیسی در مؤسسات انگلیسی شکوه، ملی زبان، انجمن ایران و آمریکا (کنون زبان فعلی) بودم. در همان سال در کنکور سراسر

در رشته زبان انگلیسی مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی پذیرفته شدم. تحصیل در دوره کارشناسی مدت سیزده سال طول کشید و در سال ۱۳۶۷ از دانشگاه علامه طباطبایی فارغ التحصیل شدم. علاقه به ادبیات و سینما از سال ۱۳۴۹ به واسطه آشنایی و رفاقت با یکی از اقوام (که دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه تهران بود) در اینجانب شکل گرفت. (این علاقه منجر به تسلط نسبی به ادبیات و سینمای قبل از انقلاب ایران و جهان شد که البته با هدایت و راهنمایی‌های مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری (ره) (مشهور به عین - صاد) شکل و سمت و سوی مناسب شد.

در سال ۱۳۵۷ (اردیبهشت ماه) به خاطر شرکت در فعالیت های سیاسی به مدت یک ترم از دانشگاه اخراج شدم که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دانشگاه باز گشتم. از اواخر سال ۵۹ با آشنایی با مرحوم آیت الله رحمانی خلیلی که به تازگی از نجف به تهران آمده بود علاقمند به آموختن دروس حوزوی گشتم، البته این علاقه بیشتر ریشه در آشنایی با مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری که در اواخر سال ۱۳۵۵ در منزل یکی از اقوام که از مکه آمده بود شروع شده بود. از مهر ماه ۱۳۶۰ به طور رسمی از تهران به قم منتقل شدم تا برای آموزش حوزوی خود شکل مناسب و مفیدی فراهم کنم. با توجه به سن (حدود ۲۴ سال) و تلاش برخی از فضلاء حوزه دروس ادبیات را تا پایان سال تحصیلی ۱۳۶۱ به پایان بردم. تیر ماه ۶۱ با زمزمه بازگشایی دانشگاه‌ها به تهران باز گشتم ولی دروس حوزوی را رها نکردم و به طور خصوصی از محضر حجه الاسلام و المسلمین مرحوم شیخ مجتبی عاملی زید عزه متوفای فروردین ۱۳۸۵ در محله سرچشمه تهران دروس معالم و کتابهای اولیه شرح لمعه استفاده کردم.

در اواخر سال ۱۳۶۱ با تشکیل پرونده رسمی در حوزه علمیه قم تصمیم به اقامت دائمی در قم گرفتم و از همین رو از شهریور ۶۲ ادامه دروس سطح را پی گرفتم. اصول فقه مظفر را از استاد فقهی استفاده کردم، و کتابهای مختلف (لمعه) را از بزرگانی چون مرحوم پایانی، حاج شیخ علی پناه اشتهاوردی، مرحوم حجه الاسلام محامی (زید عزه) فرا گرفتم. پس از آن فراگیری مکاسب محرمة و رسائل را به طور همزمان از محضر اساتیدی چون حجه الاسلام اعتمادی، موسوی تهرانی (زید عزه) آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری آغاز کردم. پس از اتمام رسائل، کفایه جلد یک را از محضر آیت الله صفایی حایری و جلد دوم را از محضر حجه الاسلام موسوی تهرانی استفاده کردم. بیع و خیارات را هم از محضر مرحوم صفایی حایری بهره بردم. در سال ۱۳۶۹ موفق به پایان دوره سطح و گذراندن امتحانات شفاهی پایه دهم شدم. درس خارج خود را به منظور فراگیری رجال، با همراهی چند تن از فضلاء با حضور در درس خارج (حج) حضرت آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی شب ها یک ساعت پس از نماز مغرب و عشاء در منزل ایشان آغاز کردم. (در آن تاریخ سال هشتم درس حج ایشان بود که با حضور حدود ۱۲ تن ادامه می یافت). همزمان در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت می کردم. پس از دو سال درس خارج فقه خود را در محضر آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی و خارج اصول را در محضر آیت الله مومن ادامه دادم.

در همان سال‌ها حضرت آیت الله مومن مسائل مستحدثه را در روزهای جمعه در منزل خود با حضور ۷ الی ۸ نفر پی می گرفتند که اینجانب نیز در آن حلقه شرکت می کردم. در طول این مدت (از سال ۶۹ تا ۷۸) جمعی از فضلاء به صورت موضوعی بر روی برخی عناوین فقهی کار دسته جمعی انجام می دادند و وقتی در هر موضوع جزئی به نتایجی دست می یافتند، حاصل مطالعه خود را به عرض مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری می رساندند و ایشان نتیجه بررسی های آنان را مورد نقد و ارزیابی قرار داده و نواقص کار آنان را گوشزد و سمت و سو می داد. افتخار همراهی دوستان در این محفل را نیز داشتم. از سال ۱۳۶۴ به دلیل آن که دروس متداول حوزوی عطش اینجانب و جمعی از دوستان که همگی دروس دانشگاهی را نیمه تمام گذارده و به حوزه آمده بودیم، را پاسخ نمی گفت با هدایت مرحوم آیت الله صفایی حایری به بررسی مطالعه عرفان و فلسفه پرداختیم این سیر مطالعاتی حدود ۳ سال طول کشید که برای اینجانب حاصلی به عنوان بررسی فلسفه افلاطونی و تأثیر آن بر عرفان و فلسفه مسیحیان و مسلمانان را داشت که به دلیل وسواس های اینجانب هنوز برای نشر به هیچ ناشری ارائه نشده است.

از سال ۱۳۶۷ همین جمع به دلالت و هدایت مرحوم استاد به مطالعه تاریخ اسلام رو آوردیم که برای اینجانب حاصلی تحت عنوان (ابوطالب تجلی ایمان) داشت که بعدها با تجدید نظر به چاپ رسید. از سال ۱۳۷۱ با آشنایی با دکتر علی لاریجانی که به واسطه حجة الاسلام مهندس مجتبی همدانی (که از زمان حضور در واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی در سال های ۵۸ - ۶۰ با یکدیگر آشنایی و رفاقت داشتیم) به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در پی آن صدا و سیما راه یافتیم و در کنار دروس حوزوی به انجام خدماتی نائل آمدم. در سال ۱۳۷۵ با تشکیل دانشکده اصول دین، در اولین دوره آن دانشکده پذیرفته شدم که در سال ۱۳۷۸ از آن دانشکده با نگارش پایان نامه‌ای تحت عنوان جایگاه صحیح مسلم در سیر تدوین حدیث (که از نمره ۲۰ برخوردار شد) فارغ التحصیل گردیدم. این پایان نامه در ششمین دوره پایان نامه برتر رتبه اول مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات را به خود اختصاص داد. این رساله بالغ بر ۵ جلد و ۱۵۶۰ صفحه آ- چهار است که هنوز هیچ ناشری خود را برای چاپ و نشر آن به خطر نینداخته است. در پایان خاطر نشان می‌شود که در حال حاضر در حال نگارش پژوهشی تحت عنوان رویارویی خاورشناسان با قرآن در حدود ۱۰۰۰ صفحه برای مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی هستم.

پوررنجبر، کوب

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

مدرس قرآن.

تولد: ۱۲۸۲ شیراز.

درگذشت: ۱۲ اسفند ۱۳۷۰.

کوب پوررنجبر، فرزند محمداسماعیل که پزشکی مشهور بوده است، پس از اتمام تحصیلات خود به شغل معلمی تعلیمات دینی در وزارت فرهنگ سابق روی آورد.

از سن شانزده سالگی به جمع‌آوری مستندات در روش‌های تدریس علوم اسلامی پرداخت. در اثنای آموزش تعلیمات دینی در مدارس بود که ایشان اعراب‌گذاری و تصحیح نسخ قرآن چاپ کشورهای پاکستان، هندوستان و دیگر کشورهای اسلامی را آغاز کرد.

کوب پوررنجبر با تغییر روش‌های تدریس قرآن و زیباسازی صفحات این کتاب آسمانی از سویی و ویراستاری و صفحه‌آرایی متن آموزشی و درک بصری راحت لغات از سویی دیگر تلاش نمود تا آموزش قرآن را به نونهالان و نوآموزان علوم دینی ساده و آسانتر سازد.

فعالیت دیگر استاد پوررنجبر بازنویسی مفاتیح‌الجنان بود. ویژگی این نسخه اعراب‌گذاری کامل کلمات در زیر و بالای حروف بود و روال سنتی حاشیه‌نویسی در متن که دشواری زیادی برای خوانندگان را به همراه دارد، کنار گذاشت و حاشیه در متن صفحات قرار داده شد و از فنون زیبانگاری و هنر خطاطی نیز استفاده نمود.

استاد پوررنجبر در سن بیست و هفت سالگی نابینا شد ولی با دیدن حضرت فاطمه (س) در خواب شفا یافت، و عمر خود را وقف قرآن و علوم دینی کرد. ره‌آورد چهل و شش سال خدمت در مراکز دولتی و ملی ایشان، تأسیس مرکز آموزش ابتدایی (کوبیه) در شهر مشهد است.

استاد از سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۶۳ به منظور تدریس قرآن مجید، ساده‌ترین روش ممکن خودآموزی در شش جلد تحت عنوان خودآموز و روش تدریس قرائت مجید را تألیف نمود. این خودآموز توسط انتشارات اسلامیه به چاپ رسیده است. از آثار دیگر او تصحیح خودآموز گفتگوی حسین و حسن است. استاد کوکب پوررنجبر سرانجام در سن هشتاد و دو سالگی روز دوازدهم اسفند ۱۳۷۰ دار فانی را وداع گفت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

پهلوان، منصور

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

منصور پهلوان

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان موفقیت آمیز دوران متوسطه در سال ۱۳۵۱ هجری شمسی بخاطر عشق و علاقه فراوان وارد حوزه علمیه تهران شد. در کنار تحصیل حوزوی در سال ۱۳۷۲ در مقطع دکترا در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. در طی مدت تحصیل سفرهای علمی و تبلیغی فراوانی به کشورهای خارجی داشته است. نامبرده در کنار تحصیل به تدریس در دانشگاههای تهران پرداخت و در کنار تدریس به راهنما و مشاوره دانشجویان در مقطع دکترا پرداخت و تاکنون حدود ۲۵۰ مورد مشاوره و راهنمایی در این رابطه ارائه کرده است.

ایشان در طول سالهای عمر خویش خدمات علمی و فرهنگی سیاسی انجام داده است که از آن جمله می توان سرپرستی شبکه ۱ و ۲ سیما، سرپرستی دانشگاه بین المللی اسلامی لندن و مدیر مسئول بررسی مقالات دانشگاه تهران را نام برد.

تبریزی، موسی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۷ ق)، فقیه، مفسر و زاهد. از شاگردان شیخ انصاری و آیت الله کوه کمری بود. از آثار وی «اوثق الوسائل»، در شرح «رسائل» شیخ انصاری معروف به «حاشیه‌ی میرزا موسی» است که در ۱۲۹۵ ق از تألیف آن فارغ شده و این کتاب به عنوان بهترین شرح «رسائل» مورد استفاده‌ی خواص می‌باشد. از دیگر آثار وی: حاشیه‌ای بر «قوانین الاصول» که پسر خواهرش، میرزا لطفعلی بن میرزا علی، آن را تدوین نمود و محتمل است که همان «غایه المأمول»، در کشف معضلات اصول فقه باشد؛ «تفسیر میرزا موسی»، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۷۸ / ۱۰)، الذریعه (۱۶ / ۱۶، ۱۷۹، ۶ / ۴۷۳، ۲)، ریحانه (۳۵۳ / ۳، ۳۲۵ / ۱)، شهیدان راه فضیلت (۵۴۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۳-۳۳۲ / ۶).

تفلیسی، حسین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۱۹۷ ق)، عارف و مفسر ایرانی. در اصفهان زندگی می‌کرد. در آن شهر مجلس درسی داشت و هم در آن شهر درگذشت. وی با عارف الهی، آقا محمد بیدآبادی (وف ۱۱۹۷ ق) معاصر بود. اثر مشهور وی «تفسیر القرآن» است که به «تفسیر تفلیسی» شهرت یافته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵۱/۶)، تذکره القبور (۲۷۹)، الذریعه (۲۶۷/۴)، معجم المؤلفین (۳۱۷/۳).

تهامی، فاطمه

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

فاطمه سادات تهامی در سال ۱۳۳۹ در تهران متولد شد. ایشان دارای دکترای رشته علوم قرآنی از دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد. وی از بهمن سال ۱۳۷۱ تا شهریور ۱۳۸۳ عضو هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران و پس از آن، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم بود. کتاب "قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک" ترجمه فاطمه سادات تهامی، در سال ۱۳۸۶ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم قرآنی تحصیلات رسمی و حرفه ای: فاطمه سادات تهامی دوره ابتدایی و راهنمایی را در تهران گذراند و مقطع دبیرستان را در فرانسه در کالج بونل به پایان رساند. بعد از بازگشت به ایران، مدرک کارشناسی خود را در رشته الهیات و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران اخذ کرد. سپس در رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس مدرک دکترای خود را گرفت. رساله وی در این دوره با عنوان «نقش ایرانیان در تدوین و نشر حدیث» چاپ و منتشر شد. خاطرات و وقایع تحصیل: فاطمه سادات تهامی از دوران تحصیل خود چنین می‌گوید: در دبیرستان رشته ریاضی خواندم اما به ادبیات خصوصاً ادبیات کلاسیک و نویسندگان روسی علاقه مندم فلسفه اسلامی و فلسفه غرب را هم خوانده‌ام و در موضوع ادیان بیش از بقیه کار کرده‌ام. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فاطمه سادات تهامی از بهمن سال ۱۳۷۱ تا شهریور ۱۳۸۳ عضو هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران و پس از آن، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم بود. جوایز و نشانها: کتاب "قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک" ترجمه فاطمه سادات تهامی، در سال ۱۳۸۶ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: فاطمه سادات تهامی با زبان‌های فرانسه، انگلیسی و عربی آشنایی دارد و مقالات متعددی از این سه زبان ترجمه کرده است و نخستین اثر مستقل او که از سوی انتشارات سهروردی در سال ۱۳۸۵ به چاپ

رسید، ترجمه‌ای است از کتاب «قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک» نوشته دینز ماسون.

آثار: قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک و ویژگی اثر: تالیف: دینز ماسون؛ ترجمه فاطمه سادات تهامی - تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۰۲۴ صفحه. این کتاب در سال ۱۳۸۶، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است. منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

ثعلبی، ابواسحاق، احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۶/۴۲۷/۴۳۷ ق)، قاری، مفسر، حافظ، مورخ، فقیه، ادیب و محدث. از اهالی نیشابور بود. وی از ابوطاهر بن خزیمه و ابوبکر بن مهران مقری و ابومحمد مخلصی و همطبقه‌ی آنان روایت کرده است. استادان بسیار دیده و احادیث بسیار شنیده است. ابوالحسن واحدی تفسیر را از او روایت کرده است. در علم قرآن او را یگانه‌ی زمان خود می‌دانستند. از آثار وی: «عرایس المجالس فی قصص الانبیاء»؛ «الکشف و البیان فی تفسیر القرآن» معروف به «تفسیر کبیر» یا «تفسیر ثعلبی»؛ «تاج العرایس»؛ «ربیع المذکرین». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۶- ۲۰۵/ ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، الذریعه (۶۷- ۶۶/ ۱۸، ۲۴۳- ۲۴۲/ ۱۵)، روضات الجنات (۲۵۷- ۲۵۵/ ۱)، ریحانه (۳۶۸- ۳۶۷/ ۱)، سیرالنبلاء (۴۳۷- ۴۳۵/ ۱۷)، کشف الظنون (۱۴۹۶، ۱۱۳۱)، الکنی و الألقاب (۱۳۱/۲)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم الادباء (۳۸- ۳۶/ ۵)، الوافی بالوفیات (۳۰۸- ۳۰۷/ ۷)، وفیات الاعیان (۸۰- ۷۹/ ۱)، هدیه العارفین (۷۵/۱).

ثقفی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۵- ۱۳۱۳ ق)، فقیه، مفسر و شاعر امامی. وی در تهران به دنیا آمد و در آن شهر نشو و نما یافت. مقدمات علوم را در خدمت استادانی چون آقامیرزا کوچک، آقا شیخ آقا بزرگ اخوان ساوجیان فراگرفت. در سال ۱۳۴۱ ق رهسپار قم شد و به مجلس درس شیخ عبدالکریم حایری یزدی پیوست. نزدیک هفت سال که در قم بود یک دوره معقول و منقول از سید ابوالحسن رفیعی قزوینی آموخت و چندی نیز از مباحث شیخ محمدرضای اصفهانی مسجد شاهی بهره‌مند شد. وی از دو استادش، حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و سید ابوالحسن رفیعی اجازه‌ی روایت و اجتهاد داشت. پس از گرفتن اجازه‌ی اجتهاد به تهران بازگشت و تا پایان زندگی به تالیف کتاب، ارشاد مردم انجام وظایف شرعی پرداخت. چون درگذشت، پیکرش را به مشهد رضوی بردند و در آنجا به خاک سپردند. وی پدر زن امام خمینی (ره) بود. از آثار وی: «تقریرات» بحث نکاح آیت‌الله حایری؛ «غرر العوائد» در حواشی بر «درر الفوائد» آیت‌الله حایری؛ حواشی بر «تقریرات منظومه‌ی» سید ابوالحسن رفیعی؛ «دیوان» اشعار؛ «روان جاوید» در تفسیر «قرآن

مجید»، [۱]

میرزا محمد بن العلامه المتبحر و البحاثة المتتبع صاحب شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور الحاج میرزا ابوالفضل بن العلامه الکبیر صاحب التقریرات و التألیفات الحاج میرزا ابوالقاسم الکلانتر النوری التهرانی معروف به آیت‌الله ثقفی از مفاخر علماء معاصر و افاضل فقهاء عصر حاضر و ساکن خیابان پامنار تهرانت که در همان ناحیه بوظائف دینی و روحی و اقامه جماعت و تبلیغات اشتغال دارند.

والد مرحوم ایشان علامه‌ی شهیر حاج میرزا ابوالفضل فرزند عالم محقق حاج میرزا ابوالقاسم تهرانی است که نام نامی آن دو بزرگوار زینت بخش کتب تراجم است در جمادی‌الثانیه سال ۱۳۱۳ ق- ه در تهران ولادت یافته و از بدو عمر اشتغال بتحصیل علوم دینیه داشته مقدمات و ادبیات و سطوح فقه و اصول را غالباً در نزد دو عالم کامل آقا میرزا کوچک و آقا شیخ آقا بزرگ اخوان ساوجیان تاب ثراهما پایان رسانده و در سنه ۱۳۴۱ ق- ه برای تکمیل مدارج علم به بلده مقدسه قم هجرت نموده و قریب هفت سال در آن شهر اقامت داشته و در این مدت یکدوره معقول را در نزد سید الحکماء و المجتهدین آقای حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی دامت افادته فرا گرفته و جنابش تصدیق کمال ایشان را در علوم عقلیه و نقلیه نموده است و دو دوره اصول خارج و عمده مباحث فقهیه را از بحث رئیس الشیعه مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی رضوان الله علیه استفاده نموده و حضرتش بخط شریف تصریح بمقام اجتهاد و اعتماد او فرموده و در خلال این احوال چندی از بحث شیخ الفقهاء و المحدثین مرحوم شیخ محمد رضای اصفهانی مسجد شاهی اعلی الله مقامه مستفیض بوده و از ایشان بتحصیل اجازه عامه بلیغه مشتمل بر سه طریق متصل بامام علیه‌السلام با تصریح به اهلیت فتوی فائز گشته است.

مترجم محترم دارای تألیفات و آثار گرانقدری است که ذیلاً از نظر تان میگذرد:

۱- غرر العوائد در حواشی بر درر الفوائد مرحوم حایری.

۲- حواشی بر تقریرات منظومه حاج سید ابوالحسن قزوینی.

۳- رساله در عدم جواز رجوع بحکام جور.

۴- روان جاوید در تفسیر قرآن در ۵ جلد که مطبوع میباشد.

۵- حواشی بر سیوطی.

۶- تقریرات نکاح مرحوم آیت‌الله حائری.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۹- ۴۱۲/۴)، مکارم الآثار (۶/۲۰۴۵).

جاربردی، فخرالدین، ابوالمکارم احمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۶ ق)، فقیه و ادیب شافعی. وی از فضلای شاگردان قاضی بیضاوی و از داناترین دانشمندان تبریز بود و اوقات خود را بیشتر به تدریس و تالیف در زمینه علوم عقلی و نقلی صرف می‌کرد. بین جاربردی و قاضی عضدی ایچی مشاجرات بسیاری در علوم بود. وی در تبریز درگذشت. از تألیفات او: «الحواشی علی الکشاف» زمخشری؛ شرح «المنهاج» بیضاوی؛ حاشیه بر «شرح المفصل» ابن حاجب، در نحو؛ «شرح اصول البزدوی»؛ «شرح الحاوی الصغیر» قزوینی، و فروع فقه شافعی؛ «شرح الشافیه»، ابن حاجب، در صرف؛ «شرح الهدایه للمرغینانی» در فروع حنفیه؛ «المغنی»، در نحو. [۱]

(منسوب به جاربرد) ابوالمکارم فخرالدین احمد ابن حسن بن یوسف، دانشمند معروف قرن هشتم (ف. تبریز ۷۴۶ ه.ق.). وی پیوسته موظبت بر تحصیل علوم می‌کرد و به افاده طالبان علم ممارست داشت.

او ساکن تبریز بود و در همانجا در گذشت. جاربردی نزد قاضی بیضاوی صاحب تفسیر معروف تلمذ کرده و با قاضی عضدالدینی ایجی معارضات و مناقضات داشته. وی تألیفات بسیار دارد از جمله: شرح شافیه ابن الحاجب در علم صرف، کتاب السراج الوهاج که شرح بر کتاب منهاج استادش قاضی ناصرالدین بیضاوی است در علم اصول، تعلیقات بر کشاف. المغنی که رساله‌ایست در نحو. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۰۷/۱)، حیب السیر (۲۳۲/۳)، روضات الجنات (۳۴۷-۳۴۵/۱)، ریحانه (۳۸۰/۱)، کشف الظنون (۶۲۶، ۱۰۲۱، ۱۴۷۸، ۱۸۷۹، ۲۰۳۶، ۲۲۲)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، الکنی و الالقاب (۱۳۷/۲)، معجم المؤلفین (۱۹۹-۱۹۸/۱)، هدیه العارفین (۱۰۸/۱).

جرجانی، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۶ / ۳۶۲ - ۲۹۰ ق)، ادیب، شاعر، خطاط، مورخ، مفسر و فقیه شافعی. از جرجان به همراه برادرش ابوبکر محمد به نیشابور آمد و در این شهر حدیث شنید و دانشهای مختلف را آموخت، تا آنجا که نعالبی او را در خوشنویسی و شعر و نثر با ابن مقله و بحتری و جاحظ برابر دانسته است و ابن خلکان نیز شعر وی را ستوده. ابتدا قاضی جرجان بود و بعد قاضی القضاة ری و از نزدیکان خاص صاحب بن عباد شد. در هفتاد سالگی در ری در گذشت. جنازه‌اش به جرجان منتقل شد. یاقوت حموی و ذهبی وفات وی را در دهه آخر قرن چهارم ذکر کرده‌اند. از آثار او: «الوساطة بین المتتبی و خصومه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «تهذیب التاریخ»، که گویا همان کتاب «صفة التاریخ» است؛ «مجموعه‌ی رسائل»؛ «کتاب الوکالة»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵/ ۱۱۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۴-۳۵۵/۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۲۷۳-۲۷۱ / ۴۰۰-۳۸۱)، تاریخ نیشابور (۱۷۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷/ ۹۴۶)، ریحانه (۱/ ۴۰۲)، سیر النبلاء (۲۱-۱۹ / ۱۷)، الکامل (۷/ ۸۸)، کشف الظنون (۱۴۷۱، ۷۸۲)، الکنی و الالقاب (۲/ ۱۴۴)، لغت‌نامه (ذیل / علی)، معجم المؤلفین (۷/ ۱۲۳)، معجم الادباء (۳۵-۱۴ / ۱۴)، هدیه العارفین (۱/ ۶۸۴)، وفيات الاعیان (۳/ ۲۷۸-۲۸۱).

جزائری، نعمت‌الله

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(قس. نعمة‌الله): جزائری. سید نعمت‌الله بن عبدالله جزائری شوشتری (ف. ۱۱۱۲ ه.ق)، از اکابر متأخرین علمای امامیه که در فقه و حدیث و تفسیر و ادب و علوم عربی متبحر و استاد بود. وی از شاگردان علامه‌ی مجلسی و ملامحسن فیض کاشانی است و از تألیفات او: انس الوحید، حاشیه‌ی استبصار، حاشیه‌ی شرح جامی، شرح روضه کافی، شرح کبیر، نورالانوار و هدیه‌ی المؤمنین است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

جعفری تبار، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجة الاسلام والمسلمین استاد مجید جعفری تبار در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در شهر مقدس قم در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشود و از همان خردسالی تحت تربیت پدر بزرگوارشان مرحوم آیت الله حاج شیخ محمود جعفری تبار خواندن قرآن را آموختند.

ایشان قرائت و تحقیق مصطلح قرآنی را از سن ۱۰ سالگی آغاز نموده و انس و ممارست زیاد با آیات و کتب تفسیری باعث شد تا بتواند کل قرآن کریم را با ۲۰ روایت - ۱۴ روایت مشهور و ۶ روایت غیر مشهور حفظ نماید.

استاد جعفری تبار در زمینه تفسیر، علوم و معارف قرآنی، صاحب آثار متعددی می‌باشند و همین احاطه به علوم قرآنی باعث گردیده تا سبک زیبای تلاوت ایشان مبتنی بر «تطابق لحن با معنی» استوار گردد و همین امر موجب گردیده تا شنونده در هنگام شنیدن تلاوت ایشان به درک عمیق‌تری از آیات الهی نایل گردد. تأثر شدید مستمعین در جلسه تلاوت آیات آخر سوره بقره که در شب شهادت حضرت علی (ع) مصادف با چهلمین شب درگذشت پدر استاد جعفری تبار - اجرا شده تأیید کننده این مطلب است. این تلاوت و نیز تلاوت سوره توحید که به وجوه مختلف تلاوت شده است از زیباترین تلاوت‌های ایشان می‌باشد.

ایشان در شهرهای مختلف ایران به تلاوت پرداخته ولی عمدتاً جلسات تلاوت خود را در مسجد رفعت قم برگزار می‌کند. جلسات مرکزی فنون قرائت و معارف قرآنی در سال ۱۳۶۹ زیر نظر ایشان تأسیس شد.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

جعفری تبار، مجید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجة الاسلام والمسلمین استاد مجید جعفری تبار در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در شهر مقدس قم در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشود و از همان خردسالی تحت تربیت پدر بزرگوارشان مرحوم آیت الله حاج شیخ محمود جعفری تبار خواندن قرآن را آموختند.

ایشان قرائت و تحقیق مصطلح قرآنی را از سن ۱۰ سالگی آغاز نموده و انس و ممارست زیاد با آیات و کتب تفسیری باعث شد تا بتواند کل قرآن کریم را با ۲۰ روایت - ۱۴ روایت مشهور و ۶ روایت غیر مشهور حفظ نماید.

استاد جعفری تبار در زمینه تفسیر، علوم و معارف قرآنی، صاحب آثار متعددی می‌باشند و همین احاطه به علوم قرآنی باعث گردیده تا سبک زیبای تلاوت ایشان مبتنی بر «تطابق لحن با معنی» استوار گردد و همین امر موجب گردیده تا شنونده در هنگام شنیدن تلاوت ایشان به درک عمیق‌تری از آیات الهی نایل گردد. تأثر شدید مستمعین در جلسه تلاوت آیات آخر سوره بقره که در شب شهادت حضرت علی (ع) مصادف با چهلمین شب درگذشت پدر استاد جعفری تبار - اجرا شده تأیید کننده این مطلب است. این

تلاوت و نیز تلاوت سوره توحید که به وجوه مختلف تلاوت شده است از زیباترین تلاوت‌های ایشان می‌باشد. ایشان در شهرهای مختلف ایران به تلاوت پرداخته ولی عمدتاً جلسات تلاوت خود را در مسجد رفعت قم برگزار می‌کند. جلسات مرکزی فنون قرائت و معارف قرآنی در سال ۱۳۶۹ زیر نظر ایشان تأسیس شد.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

جعفری، اباذر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اباذر جعفری

محل تولد: هشتروند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد سال ۱۳۵۱ در شهرستان هشتروند از توابع تبریز. مهاجرت به شهر قم در سال ۱۳۵۴ آغاز تحصیلات ابتدایی از سال ۱۳۵۸ در قم تا سال اول دبیرستان در دبیرستان امام صادق(ع) قم. ورود به حوزه علمیه مقدسه در سال ۱۳۶۷ و آغاز تحصیلات در مدرسه علمیه رسالت تا سال سوم و ادامه تحصیلات در مدرسه امام محمد باقر(ع) و سپس شرکت در دروس عمومی حوزه مبارکه تا اتمام سطح و تحصیل خارج. ورود به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در سال ۱۳۷۵ و تحصیل در دوره کارشناسی ارشد پیوسته آن موسسه و فارغ التحصیل در سال ۱۳۸۰. همزمان اشتغال به فعالیت پژوهشی در دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی این موسسه به مدت ۷ سال. اشتغال به فعالیت تحقیقی و مدیریتی در مرکز فرهنگ و معارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. به مدت ۴ سال همکاری با استاد پاسخگویی به مسائل دینی در امور پژوهشی و ساماندهی اطلاعات پرسش و پاسخ مراکز پاسخگویی دینی بمدت ۴ سال. تدریس دروس تفسیر، تفسیر موضوعی و روش تفسیر در دانشگاه.

جمالی، قربان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قربان جمالی

محل تولد: محمود آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد از اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه روحیه بابل شدم و در عرض سه سال خوشه چینی از خرمن علم استاد حاج آقا محمدی لمعتین را تمام نموده و در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم. دوره عالی سطح حوزه را در ۷ سال به اتمام رساندم و همینطور ۱۰ سال درس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی - جوادی آملی - سبحانی و همینطور ۱۲ سال در درس تفسیر استاد جوادی آملی شرکت نموده و بهره‌های علمی فراوانی بردم. در دوره چهار ساله تخصصی تفسیر علوم شرکت نموده و با دفاع از پایان‌نامه با موضوع «تعامل ایمان و عمل در قرآن و سنت» با راهنمایی مرحوم آیت الله معرفت در سال ۱۳۸۱ مدرک سطح ۴ را گرفتم و فعلاً اشتغال به کارهای پژوهشی و نیز تدریس در دانشگاهها می‌باشم. در سطح کارشناسی دوره عمومی در گرایش‌های تفسیر موضوعی قرآن، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و آیین زندگی را تدریس می‌کنم و در سطح کارشناسی ارشد دروس علوم قرآن ۱ و ۲ و ۳، علم رجال، فق الحدیث، حدیث شیععه و سنی تدریس می‌کنم که تقریباً ۱۰ ترم تحصیلی تدریس می‌کنم. و همینطور به عنوان عضو کمیته تخصصی گروه راهنمایی و مشاوره و داوری پایان‌نامه‌های ارشد را انجام می‌دهم. و الان نیز راهنمایی و مشاوره چندین پایان‌نامه را در دانشگاه در دست دارم. در باب کتاب و مقالات و پاسخ به شبهات نیز کارهای مختصری انجام دادم. یک کتاب تألیف نمودم و با عنوان «تدبیر معیشت از دیدگاه آیات و روایات» که چاپ شده است. در مقاله با عنوان «تدبیر معیشت از دیدگاه اسلام ۱ و ۲» و مقاله برگزیده اجلاس نماز با عنوان «سیمای اخلاقی نماز گزاران».

جمالی، نصرت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نصرت الله جمالی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۴/۱۰

زندگینامه علمی

نصرت الله جمالی در خانواده ای مذهبی و اهل علم و دانش در روستای ورزنه گلپایگان پرورش یافته و هر روز با صوت دل نشین قرائت قرآن پدر از خواب بیدار می شد. خانواده او اگر چه روحانی رسمی نبودند ولی نسل اندر نسل اهل قرآن و مکتب رفته گذشتگان بوده اند و محل مراجعه مردم برای مشکلات علمی و نوشتاری. سال ۱۳۴۲ آغاز مرحله آموزش کلاسیک او بود. قرآن و نوشتن را پیش از آن از پدر مهربان آموخته؛ بعد از اتمام ۹ سال از تحصیل ، سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه جانی خان (جهانگیر خان) ساکن گشت و برای تحصیل به مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی می رفت با پشتکاری که از خود نشان داد در کلاس دیپلمه های این مدرسه وارد شد چند سال را در این مدرسه و بعد در مدرسه رضویه دوران مقدماتی را سپری

کرده سپس وارد دروس فقه و اصول موجود در دروس عمومی حوزه شد. در کنار دروس حوزوی دیپلم خود را نیز به طور متفرقه (ثبت نام برای امتحان) گرفت. جریان انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام حرکت تحصیلی را کند کرد و در ایام تبلیغی از سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار به سخنرانی و تبلیغ پرداخت. بعد از پیروزی انقلاب در کنار دروس حوزوی دانشگاه شد و رشته زبان و ادبیات عرب را انتخاب کرد که به درس های حوزوی لطمه نزنند. بعد از اتمام سطح در درسهای خارج فقه و اصول، اخلاق و تفسیر و فلسفه شرکت کرد و از اساتیدی چون: مرحوم مدرس افغانی، مرحوم ستوده، مرحوم مشکینی و آقایان دوزدوزانی، محقق داماد، اعتمادی، موسوی تهرانی، موسوی تبریزی، صافی گلپایگانی، سبحانی، وحید خراسانی و... استفاده کرد. در دانشگاه مورد توجه اساتیدی چون دکتر انوار، دکتر موسوی و دکتر جعفری قرار گرفت و برای دانشجویان هم‌رشته اش نیز مبادی العریبه را مباحثه می‌کرد. او علاوه بر مدارج علمی حوزوی خارج بعد از کارشناسی، در رشته ی علوم قرآن و حدیث، نایل به اخذ کارشناسی ارشد از دانشکده اصول الدین شد و از اساتیدی چون مرحوم معرفت و مرحوم علامه عسکری بهره گرفت و پایان نامه خود را درباره ی «انقراض امت ها در قرآن و نهج البلاغه» ارائه داد با نمره عالی پذیرفته شد. او دارای ۱۰ اثر چاپی که اولین آن: کتاب «سرزمین های اسلامی» چاپ عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ که بین ۷ نوشته در همین موضوع، رتبه ی اول را در هیأت علمی آن نهاد به دست آورد یک سکه طلا برنده شد. این کتاب تا چند سال در ارتش تدریس می شد. بقیه آنها درباره فرهنگ اسلامی است که عبارتند از: «عوامل سقوط حکومت ها در قرآن و نهج البلاغه»، «اعتکاف»، «اخلاق تبلیغی»، «فرازی از سیره تبلیغی امام علی»، «عقل و عاقل»، «زن در نهج البلاغه»، «اندرزنامه»، «روش گفتمان یا منظره» و آخرین کتاب چاپی او: «روش گفتمان یا جدل و استدلال در قرآن» است که در سال ۱۳۷۶ در دانشکده علوم قرآنی قم تدریس و در سال ۱۳۸۶ منتشر شد. نامبرده دارای چند مقاله چاپی و غیر چاپی است به اضافه چند نوشته ی منتشر نشده از دیگر آثار اوست که با توجه به شغل فرهنگی او در سازمان فرهنگ و ارتباطات برای امور کارشناسی نوشته شده است. در ضمن نام او به عنوان دین پژوهان حوزوی در کتابی به همین نام توسط معاونت پژوهش حوزه علمیه قم آمده است. دو مقاله از نامبرده به نام: «نامه ای به مادران افغانستان» و «روش گفتمان یا مناظره» و چند شعر مذهبی در سایت ها آمده است. متن بعضی از کتابهایش نیز در کتابخانه های اینترنتی آمده است.

جوادی آملی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت‌الله جوادی آملی در سال ۱۳۱۲ (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علما، وعاظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال ۱۳۲۴ (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالی‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فراگرفتند. سپس در سال ۱۳۳۰ (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی (ره) که از اعظام عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالی و معقول را در آن محضر شریف فراگرفتند. این سیر علمی تا سال ۱۳۳۵ (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت‌الله شعرانی (ره) و آیت‌الله الهی قمشه‌ای (ره) فراگرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد

والامقام، آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال ۱۳۳۵ (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر کریمه‌ی اهل بیت، حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت‌الله العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت‌الله محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالی‌ی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فراگرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.

از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر کرده‌اند.

آیت الله جوادی آملی و وقف :

واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌الله جوادی آملی است که نامشان ما را از هر گونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدنظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکلی است عطاافشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف‌نامه حضرت آیت الله جوادی آملی بسم الله الرحمن الرحیم و ایاه نستعین الحمد لله الذی یأخذ الصدقات و یرببها و صلی الله علی رسولہ الذی یطهر نفوس المتصدقین و یرزقها بها، و علی اهل بیتہ الذین استنوا بسنتہ (ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الذین نبذوها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثرا، فانی در ذات، صفت، فعل و اثر خداوند می‌باشد، اسناد هر گونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شئون هستی به غیر خدا صحیحاً بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شئون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موخیدان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لا املک لنفسی نفعا ولا ضرّاً... لیس لك من الامر شیء... و برای دیگران در معاد، روشن می‌گردد، یوم لا تملک نفس لنفس شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، ممضی، و عهدی ایفاء می‌گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شئون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از آن هر گونه تصرفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرف در شأنی از شئون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتماً به عنوان امثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبدالله واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولی، و نه به عنوان خلیفه

مالک یا وکیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد آبق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرفی شهر قم، عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. ۱- مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافری از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدق و واقف می‌باشد. ۲- فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: *أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ*، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، *مَظْهَر أَخَذَ خُدا خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه *خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ* بها، آن خواهد شد که، و ما *أَخَذْتَ إِذْ أَخَذْتَ*، و لکن *اللَّهُ أَخَذَ*. ۳- چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، *مُطَهَّرَ نَفْسٍ* از اوساخ، و *مُزَكِّيَ رُوحٍ* از ادناس و اقدار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از درن و رین، توانای ادراک صحیح و وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ ملکوت و طائران طاهر از دَنَسِ مُلْکِک، مَسَّ نمی‌کنند،... *لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ*. ۴- از آن جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفاف می‌باشد، با اندک غبار گردِ مَنّت و اذیت، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز، کلم طیب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، الیه *يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ*، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى*. ۵- چون صدقه جاری همانند سنت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعين خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، *نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ*، و جزء اعمال بَرّ متوفی محسوب می‌گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کاملاً بیان شد،... *وَالْمُتَّصِدِّقِينَ وَالْمُتَّصِدِّقَاتِ... أَعْيَدَ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا... يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ* - لیس *يَتَّبِعُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ*، الا ثلاث خصال: صدقه اجراها فی حیاته، فهی تجری بعد موته، و سنّه هدی سنّها، فهی *يَعْمَلُ بِهَا* بعد موته، او ولد صالح *يَدْعُو لَهُ* - و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه گانه در این حدیث یا امور شش گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحان روح رائج الی الله خواهد بود. ۶- چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیت‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی الله، و رجعت به وطن اصلی، مطرح می‌کنند، و به شیوه نکوهیده *أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ*، *أَنَا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ* را، به، *رَبِّ ارْجِعُونِ... مَبْدَلٌ سَاخْتُمُ*، و تمنی کاذب را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می‌گویند: *... فَأَصْدَقُ وَأَكْنُ مِنَ الصَّيِّحَاتِ* - و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلین فرمود: *الصَّدَقَةُ وَالْحَبْسُ ذَخِيرَتَانِ فِدَعُوهُمَا لِيَوْمَهُمَا*. ۷- از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات الله علیهم اجمعین، قرآن ناطق‌اند، و در تمام حسنات، امامت امت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حکم آن معتقد، و به احکام آن عامل‌اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: *تَصَدَّقَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِأَمْوَالٍ جَعَلَهَا وَقْفًا، وَكَانَ يُنْفِقُ مِنْهَا عَلَى أَضْيَافِهِ، وَأَوْقَفَهَا عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ... و درباره حضرت امیرالمؤمنین، علیه السلام، آمده است: *كَانَ عَبْدًا لِلَّهِ، قَدْ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ، عَمِدًا إِلَى مَالِهِ فَجَعَلَهُ صَدَقَةً مَبْتُولَةً تَجْرِي بَعْدَهُ لِلْفُقَرَاءِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ انْمَا جَعَلْتَ هَذَا لِتَصْرِفَ النَّارَ عَن وَجْهِی وَ لِتَصْرِفَ وَجْهَی عَن النَّارِ، وَ حَضْرَتِ صَدِّيقِهِ كَبْرِي، فَاطِمَةَ زَهْرًا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا، أَمْوَالِي رَا وَقَفَ فَرَمُودَهُ وَ تَوَلَّيْتُ أَن رَا بَه حَضْرَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن***

بن علی علیهما السلام، سپس به سید شهدا حضرت حسین بن علی علیهما السلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ‌تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. ۸- چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، هماره، به آن ذوات مقدّس اّساء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابه ذو مقدره الا وقف وقفا. ۹- همان‌طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه کردن، ارث بردن و مانند آن، ردیلت وافر را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وقف چشمه یثیع چنین فرمود:... هی صدقه، بتة بتلاّ فی حجج بیت‌الله و عابری سبیل، لا تباع و لا توهب و لا تورث فمن باعها او وهبها فعليه لعنة الله والملائكة والناس اجمعین، لا یقبل الله منه صرفا و لا عدلاً. ۱۰- شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامی چنین دینی، رحمه للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد، جایز است و آیه مبارک و کریم، لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحبّ المقسطین، گواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی - جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف - نمودم خانه ابتیاعی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیه‌الله نجفی مرعشی) پشت مسجد آیه‌الله گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محققان، مؤلفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث الله الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الحوه، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توفی و ادراک لقاء الله، به فرزندم جناب حاج شیخ مرتضی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواست، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزند بزرگ این خاندان خواهد بود. تمام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسراء است. ایجاب و قبول، اقباض و قبض، حاصل، و صیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شد، ربّنا تقبل منّا و خذ منّا و طهرنا به والحمد لله ربّ العالمین، الذی یرث الارض و من علیها. منبع: میراث جاویدان برگرفته از کتاب: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

جوان آراسته، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین جوان آراسته

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۴۱ در مشهد مقدس در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۵۶ پس از اتمام مقطع راهنمایی توفیق ورود به حوزه علمیه را پیدا نمود و بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۸ از زادگاه خود، به قم مهاجرت کرده. ابتدا در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و سپس با بازگشایی مدرسه حقانی در آن جا به تحصیلات حوزوی ادامه داد. دروس سطح عالی حوزه را در محضر اساتیدی همچون حضرات آقایان راستی کاشانی و اعتمادی (رسائل) بنی فضل و کاشانی (مکاسب) و ستوده (کفایه) فرا گرفت. از سال ۱۳۶۷ در درس خارج اصول فقه از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و در درس خارج فقه از حضرات آیات فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و حاج شیخ جواد تبریزی استفاده کرد. در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ با شرکت در مباحث تفسیر قرآن استاد فرزانه حضرت آیت الله جوادی آملی بیش از پیش با قرآن مأنوس و از این محفل معنوی بهره برد. در کنار دروس حوزوی از سال ۱۳۷۰ تصمیم به ادامه تحصیلات جدید گرفته، دروس دبیرستان را در سال ۱۳۷۴ به پایان رسانده و در همان سال موفق به ورود به دانشگاه تهران (پردیس قم) در رشته حقوق گردید. پس از اتمام سه ساله دوره کارشناسی حقوق، در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی همان دانشگاه پذیرفته و در اردیبهشت سال ۱۳۸۰ فارغ التحصیل گردید.

جوانی گلوجه، رسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رسول جوانی گلوجه

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۷۴ وارد حوزه علمیه شدم. دوران مقدمات حوزه را در حوزه علمیه ولی عصر عج شهرستان بناب واقع در آذربایجان شرقی به پایان رساندم. بعد از ورود به قم مشغول دروس سطح حوزه گردیده از دروس اساتید معظم حوزه استفاده کردم. در همان سالهای اولیه ورود به حوزه علمیه به خاطر علاقه ای که داشتم، در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی نیز مشغول به تحصیل گردیده و موفق شدم دروس سطح ۲ این رشته را نیز در تاریخ ۱۳۸۳ به پایان رساندم.

در ضمن موفق گشتم چندین ترم جزو نفرات ممتاز باشم. و با یک سال تاخیر در تاریخ ۸۵ نیز با قبولی در امتحانات ورودی تحصیل در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را در مقطع کارشناسی ارشد پی بگیرم هم اکنون نیز سه سال است در دروس خارج فقه و اصول مشغول به تحصیل می باشم که هم اکنون که در سال ۸۶ می باشم سومین سال تحصیل در دروس خارج را می گذرانیم. در طی این دوران در ضمن تحصیل در دروس متداول و تخصصی در واحد تحقیقات و پژوهشهای فرهنگی حوزه، قسمت قرآن و

تربیت و کلام و فلسفه مشغول پاسخ گوئی به سوالات بودم. که بیش از سه سال سابقه دارم. مقاله ای با عنوان جوان و بحران هویت اینجانب در هفته نامه پرتو سخن به چاپ رسید. و مقاله ای نیز با عنوان جوان و هویت در مجله علمی تخصصی معرفت در حال انتشار می باشد. مقاله دیگری نیز با عنوان (کرامت انسان در سیره نبوی) برای موسسه نشر آثار حضرت امام ره نیز نوشته ام که در حال چاپ و انتشار می باشد. اینجانب در سایت اسلامی حضرت استاد هادوی تهرانی نیز به عنوان محقق پاسخ به سوالات اینترنتی مشغول می باشم. همینطور در پژوهشکده علمی - کاربردی باقرالعلوم مربوط به سازمان تبلیغات اسلامی هم مشغول به تحقیق می باشم. اخیرا نیز از پژوهشکده صدا و سیما مرکز قم جهت همکاری در پروژه ای قرآنی دعوت گردیده ام.

حاجی اسماعیلی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حاجی اسماعیلی

محل تولد: وسفو نجرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده دوران ابتدائی و راهنمایی را در روستای وسفونجرد از بخش خلیجستان قم سپری نمودم و در ضمن تحصیل مانند دیگر بچه های روستائی به کار کشاورزی مشغول بودم و بعد از اتمام تحصیلات راهنمایی نیز مدتی در روستا مشغول کشاورزی نمودم و در سال شصت و هشت برای تحصیلات طلبگی به قم آمدم، شوق اصلی من برای آمدن به حوزه سید بزرگواری بودند بنام آقای تقوی که در روستا بودند و خودشان مقداری دروس حوزوی خوانده بودند و معلومات خوبی داشتند که بنده در مدتی که در روستا درس می خواندم بعد از تمام شدن درس با چند نفر دیگر خدمت ایشان می رسیدیم و آموزش قرآن می دیدیم و در ضمن نکات اخلاقی خوبی نیز ایشان می فرمود به جهت اینکه از شاگردان خصوصی آیت اله سید حسین فاطمی بودند و از این رو نقش موثری در تربیت بنده داشتند به هر حال با مساعدت ایشان به قم آمدم و مشغول درس طلبگی شدم و بعد از اتمام سال تحصیلی در قم در تعطیلات تابستان، با برخی از دوستان به مشهد می رفتیم و تعطیلات را مشغول مباحثه و مطالعات آزاد می شدیم. بعد از اتمام پایه پنج حوزه کم کم به امر تبلیغ نیز پرداختم ابتدا در تابستان برای دانش آموزان تدریس می نمودم و سپس در ایام ماه مبارک رمضان و محرم به تبلیغ می رفتیم از آنجا که به کار با کودکان علاقه مند بودم یک دوره آموزش تربیت مربی کودکان و نوجوانان را در سال هفتاد و سه گذراندم و سپس در همان مرکز در بخش تحقیقات مشغول کارهای قرآنی شدم و یک کار گروهی را مشغول شدیم که آیات قرآن از اول تا آخر به صورت سؤال و جواب طرح می کردیم برای نوجوانان که جزء اول آن به صورت کتاب منتشر شد و چند جزئی هم به صورت جزوه ولی کار ناتمام باقی ماند در سال هفتاد و هفت همزمان با درس معمول حوزه در رشته تخصصی علوم قرآنی دفتر تبلیغات دوره محقق و نویسندگی علوم قرآنی را گذراندم در سال هفتاد و هشت پس از اتمام سطح به

درس خارج مشغول شدم و اصول را با استاد احمد عابدی که با خواهش خودمان در منزلشان گذاشته بود شروع کردم و فقه را در درس آیت الله جوادی آملی در فیضیه شرکت می کردم و بعد از درس با دوستان مباحثه می نمودم سال هشتاد و یک در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شدم و مدت دو سال این دوره را گذراندم و سپس پایان نامه خود را به نام وحی و تجربه دینی به راهنمایی استاد ربانی گلپایگانی که چند سالی در درس کلام ایشان در فیضیه شرکت می کردم تدوین نموده و دفاع کردم در کنار فقه و اصول به تفسیر علاقه زیادی داشتم و چند سال در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی و استاد خاتمی شرکت می کردم و اکنون نیز دوره مهارت های بیان تفسیر را می گذرانم. و مشغول کارهای تحقیقاتی در زمینه قرآنی هستم.

حاجی صادقی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله حاجی صادقی

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

سپاس بی کران و شکر خدا را بر همه نعمت هایش به ویژه نعمت هدایت و ولایت که کاملترین مرحله آن با تمسک به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تحصیل می شود و درود و صلوات الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و علماء و مصلحان بزرگ به ویژه حضرت امام خمینی ره که با نهضت خود اسلام ناب محمدی ص را احیاء کرد و با درود به ارواح پاک شهدای عزیزی که به اسلام و مسلمین عزت و اقتدار بخشیده و کفر و نفاق را ذلیل کردند. این بنده ناچیز و متنعم به الطاف رب العالمین از اینکه در برابر نعمت های بی شمار الهی و دولت حقه و فرصت های فراوانی که در اختیار داشتم، نتوانستم تکلیف و وظیفه خود را انجام دهم، شرمنده و در عین حال چشم امید به مغفرت و رحمت خدا دارم و آنچه در این گزارش خواهم آورد اولاً نسبت به عنایات خدا و زمینه ها و فرصت هایی که اسلام و انقلاب برای همه ما فراهم کرده است بسیار ناچیز می باشد و ثانیاً اگر احتمالاً در برخی موارد اندک موفقیتی هم حاصل شده باشد آن را لطف و امداد الهی می دانم نه نتیجه عملکرد خویش، چرا که به قول آن روحانی شهید بزرگوار «توان ما به میزان امکانات در دست ما نیست، بلکه توان ما به میزان اتصال ما به خداست»

اینجانب در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذوالفقار) شدم و دروس مقدماتی و پایه را در محضر اساتید بزرگوارى مانند آیت الله سید حسن امامی و حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر فقیه گذراندم و سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم وارد شدم و سطوح عالی را در محضر اساتید برجسته ای نظیر مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اعتمادی و آیت الله اشتهاردی به پایان رساندم و حدود ده سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام شرکت کردم که بیشترین آن دروس آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مظاهری می باشد و این در حالی بود که بنا به اقتضات زمان و جنگ تحمیلی مدتی از حضور در حوزه علمیه محروم ماندم لکن از امدادهای دیگر خدا بهره مند گشتم.

در سال ۱۳۶۹ در کنار دروس حوزوی در کنکور کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس پذیرفته شدم و هم زمان به عنوان عضو هیات علمی دانشکده شهید محلاتی به تدریس هم اشتغال داشتم. در سال ۱۳۷۵ به عنوان نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه امام حسین علیه

السلام منصوب شدم و هم زمان در کنکور علوم قرآن و حدیث (مقطع دکتری) پذیرفته شدم. در سال ۱۳۷۸ به قم بازگشته و مسئولیت گروه الهیات دانشکده شهید محلاتی را پذیرفته و در سال ۱۳۸۱ دوره دکتری را به پایان رساندم و از همان سال تا به حال مسئولیت پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه (ریاست) را بر عهده دارم. بعد از جنگ مهمترین اشتغالات علمی اینجانب عبارت بودند از:

۱. تدریس در مقطع کارشناسی ارشد، کارشناسی، مراکز حوزوی در موضوعات مختلفی مانند علوم قرآن، روش های تفسیر، تفسیر موضوعی و تربیتی (برخی از سوره ها)، فلسفه اسلامی، فلسفه و نظام سیاسی اسلام، دروس معارف و ...
 ۲. تحقیق و تالیف در موضوعاتی که به نظر حقیر مورد نیاز جامعه می باشد که فهرست حدود سی عنوان از کتاب ها، مقالات و جزوات درسی به پیوست می باشد.
 ۳. سرپرستی اجرایی مراکز علمی و خدمت گذاری به نخبگان و فرهیختگان علوم اسلامی و حوزوی.
- بار دیگر اقرار می کنم تا به حال توانسته ام همچون سربازی شایسته و مقبول برای مولایم باشم امید است با توفیق الهی در آینده مقداری جبران کنم.

حاجی علی لالانی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله حاجی علی لالانی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از پایان دوره ابتدایی وارد هنرستان فنی و حرفه‌ای شدم و بعد از ۵ سال دوره دبیرستان (نظام قدیم) دروس جدید را رها کرده و در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. تا سال ۶۸ سطح حوزه را به پایان رساندم و در دروس خارج حوزه شرکت کردم. از اواسط دروس سطح حوزه وارد بحث‌های فلسفه و تفسیر (دروس آیت الله جوادی آملی و حسن زاده آملی) شدم. و در سال ۱۳۷۰ با شروع دروس تخصصی حوزه به رشته تخصصی تفسیر وارد شدم و همزمان تدریس در دانشگاهها را شروع کردم که تا به حال نیز ادامه دارد. بعد از دفاع از پایان نامه حوزه و رساله پایان نامه‌های علمی کارشناسی ارشد با دانشگاه آزاد اسلامی اراک و مرکز جهانی همکاری داشته‌ام که حدود ۱۳ پایان نامه راهنما و ۱۰ پایان نامه مشاور و حدود پنجاه پایان نامه را داوری کرده‌ام. از سال ۱۳۸۰ با نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها همکاری داشته و در بخش ارزشیابی اساتید دروس معارف فعالیت داشته‌ام. و از سال ۱۳۸۳ در مرکز تخصصی تفسیر و مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس تفسیر و علوم آن مشغول هستم و اخیراً عضو هیئت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی شده‌ام.

حارثی عاملی، عزالدین حسین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۸۴-۹۱۸ ق)، فقیه امامی، مفسر، محدث، متکلم و محقق. پدر شیخ بهایی بود. اصلاً از جبل عامل و ساکن اصفهان و قزوین بود. نسبت او به حارث اعور همدانی، از خواص امیرالمؤمنین علی (ع) می‌رسد. حارثی با خانواده خود به دعوت شاه طهماسب صفوی از موطن اصلی به اصفهان آمد و مدتی در آن شهر به تدریس و افادات علمی مشغول شد و بعد به درخواست شاه صفوی در قزوین متوطن شد. عزالدین در پایان عمر به بحرین رفت و در آنجا مسکن اختیار کرد و همان جا در گذشت و در دیه مصلی، از توابع هجر بحرین، دفن شد. وی از شاگردان برتر شهید ثانی و سید حسن بن جعفر کرکی بود و در اکثر علوم اسلامی روزگار خود توانا و یگانه دهر بود. فرزندش شیخ بهایی و شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «المعالم»، و سید حسن بن علی بن شدم حسینی و شیخ رشیدالدین اصفهانی و بسیاری دیگر از شاگردان شیخ حسین می‌باشند. از آثار وی: شرح «القیه» الشهید؛ «مناظره مع بعض علماء حلب»، در امامت؛ «دیوان» شعر؛ شرح «قواعد الاحکام» علامه، «درایة الحدیث» یا «وصول الاخیار الی اصول الاخبار»؛ «تحفه اهل الایمان»، در قبله؛ کتاب «الاربعین»، در اخلاق؛ رساله «الوسواسیة»؛ رساله «الرضاعیة»؛ «الغرر والدرر»؛ «جوابات الاعتراضات العشره»؛ «رساله فی الاعتقادات حقه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۶۰)، اعیان الشیعه (۵۶/۶)، ایضاح المکنون (۵۱۶، ۳۴۶/۱)، تکمله امل الآمل (۱۸۶-۱۸۲)، الذریعه (۷۰/۱۵، ۳۸/۱۱، ۲۴۹/۹، ۱۶۳-۱۶۲، ۶/۱۷۵/۵، ۴۱۴/۱)، روضات الجنات (۳۳۶-۳۹۲/۲)، ریحانه (۱۳۰-۱۲۶/۴)، فوائد الرضویه (۱۴۰-۱۳۸)، الکنی واللقاب (۱۰۵-۱۰۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل / حسین)، معجم المؤلفین (۱۷/۴)، هدیة العارفین (۳۲۰/۱).

حافظ القرآن فراهانی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم کربلائی کاظم از اهالی ساروق فراهان (حافظ القرآن) عجیب زمان بود.

وی که مدت چند ماهی در منزل نگارنده بود در قم مردی عامی و بی‌سواد و پیرمردی سالخورده و کهن سال و دارای سر کوچک و پیشانی پرچین کوتاه و رنگی گندمی تیره بود و دانشمندان روانشناس می‌گفتند در مغز این مرد هیچگونه استعداد و نیروی حفظ و درکی وجود ندارد.

این مرد با این کیفیت به طوری قرآن شریف را حافظ بود که برای غیر معصوم و امام که حجت خداست میسور نیست و این بنده صدها بار او را تجربه و آزمایش نمودم نشد که تأمل و فکر کند و جواب بدهد هر آیه‌ای از آیات شریفه قرآن را که می‌پرسیدند اگر از آیات مکرره بود فوراً می‌گفت این آیه مشابه دارد.

و در فلاّن سوره و فلاّن سوره هست در سوره فتح مثلاً آیه قبلش این و آیه بعدش اینست و در سوره احزاب هم هست و قبل و بعدش اینست. و اگر غیر مکرر بود فوراً می‌خواند و می‌گفت در آن سوره است و قبل و بعدش چنین است و مشابه ندارد.

آیات را بسیار تند می‌خواند و غالباً در شبانه‌روز دو مرتبه قرآن را ختم می‌نمود و بالعکس هم می‌خواند یعنی از آخر سوره شروع می‌کرد تا به اول می‌رسید.

سوره بقره بزرگترین سوره قرآنی را از آیه شریف (آمن الرسول...) می‌خواند تا به اول سوره مضافاً بر این حفظ با اینکه سواد عربی و فارسی و حتی از دو خواندن قرآن را نداشت هر آیه را که سؤال می‌کردند بدون تأمل و توقف سریعاً می‌خواند و می‌گفت در کدام سوره است.

آن آیه را نشان هم می‌داد یعنی می‌گفتند کربلائی کاظم این آیه را از قرآن نشان بده و هر قرآن کوچک و بزرگ خطی و چاپی بدست او می‌دادند با گرفتن یک قبضه از قرآن همان آیه مطلوب را ارائه می‌داد چشمش ضعیف و مانند جسمش ناتوان و کم‌دیده شده بود.

نیازمند به کمک و عصاکش بود غالباً پسر کوچکش دست او را می‌گرفت یا کس دیگر. روزی نگارنده دست او را گرفته و نزد پرفسور صدوقی چشم‌پزشک معروف بردم و پرفسور او را معاینه و گفت چشمش دو آب آورده یکی آب سفید (آب مروارید) که هنوز نرسیده و یکی آب سیاه که پر نشده و حتماً باید عمل شود.

گفتم آقای پرفسور ایشان را می‌شناسی گفت خیر گفتم در روزنامه‌ی اطلاعات و کیهان و مجله خواندنیها او را معرفی و شرح حال او را طبع و نشر نمودند گفت در اثر گرفتاری وقت مطالعه جرائد را ندارم شما ایشان را معرفی کنید گفتم ایشان با اینکه سواد فارسی و عربی و قرآنی و غیره ندارد حافظ القرآن است.

تعجب کرد گفت اگر آیه‌ای از قرآن سؤال کنم فوراً جواب می‌دهد. گفتم امتحانش مجانی است.

گفت عمو بگو آیه خمر در کجاست فوراً گفت در سوره‌ی مائده آیه ۹۰ (یا ایها الذین آمنوا ان الخمر والمیسر والانصاب والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون) و آیه قبلش لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم... و آیه بعدش انما یرید الشیطان یوقع بینکم العداوة... یوقع بینکم العداوة...

بر تعجب دکتر افزوده شد. گفتم آقای پرفسور مهمتر اینکه این آیه و هر آیه را که سؤال کردید فوراً از قرآن نشان می‌دهد دکتر گفت این عجیب‌تر است بعد گفت عمو جان می‌توانی این آیه را از قرآن نشان دهی گفت آری دکتر یک قرآن خطی مذهب (طلائی) از قفسه کتابهایش بیرون آورد و به دست وی که پشت دستگاه معاینه چشم نشسته بود داد و گفت این آیه را نشان بده.

کربلائی کاظم قرآن را گرفت فقط با یک قبضه و دفعه باز و به دست دکتر داد و گفت این آیه خمر دیدیم درست است پرفسور گفت وای بر ما چرا با داشتن مانند اینها گامی برای دین یا دنیایمان بر نمی‌داریم اگر چنانچه این در کشورهای خارجه اروپا و امریکا بود همه روز او را در معرض (نمایش) گذارده و برای دیدن او هزارها بلیط می‌فروختند و بسیار عجیب و بهت‌آور بود که با چشم نابینا و آب آورده‌اش که بدون دست گیر راه رفتن برایش مشکل بود آیات را از قرآنهای مختلف بدون ورق زدن قرآن آورده و نشان می‌داد.

کلیه مراجع تقلید نجف مانند مرحوم آیت‌الله العظمی آسید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله العظمی خوئی و آیت‌الله العظمی شیرازی و آیت‌الله آقای آقا میرزا مهدی شیرازی و آیت‌الله العظمی میلانی و آیت‌الله آمیرزا هادی خراسانی در کربلا و آیات و مراجع بزرگ حوزه علمیه قم چون مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر و آیت‌الله فیض و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و دیگران و علماء بزرگ همدان و کرمانشاه و اراک و ملایر و تهران و مشهد و غیره وی را دیده و آزمایش و امتحان نموده و گفتند این امر غیر عادی و غیر طبیعی است.

اجتماع علماء کربلاء برای امتحان وی در منزل آیت‌الله آمیرزا مهدی شیرازی

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ هادی جلیلی کرمانشاهی در کرمانشاه پس از دیدن او وی را به عراق اعزام نمود و چون به کربلاء وارد

شد علماء در منزل مرحوم آیت‌الله امیرزا مهدی شیرازی اجتماع نموده و از وی سؤال کرده و پاسخ همه را داده تا یکی از آقایان سؤال می‌کند کربلاء کاظم آیه‌ی... الذی خلقکم من نفس واحده ثم خلق منها زوجها... در کدام سوره است.

فوراً می‌گوید آیه این طور نیست گفتند پس چطور است گفت الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و این آیه اول سوره نساء است که اولش این است یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده... گفتند ابن هشام در مغنی در باب (ثم) آیه را با (ثم) ذکر کرده و استشهاد و استدلال به آن نموده گفت من مغنی و ابن هشام نمی‌شناسم این آیه ثم ندارد. و آیه به این معنی در سه سوره اول قرآنست اول سوره چهارم آیه یک که خواندم.

دوم سوره هفتم اعراف آیه ۱۸۹ که این طور است هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها در اینجا هم ثم ندارد و خلق هم ندارد بلکه جعل دارد.

سوم سوره سی و نهم زمر آیه هشتم خلقکم من نفس واحده ثم جعل منها زوجها... در اینجا (ثم) دارد ولی الذی یا هو الذی ندارد... آقایان علماء همه مبهور شده وقتی مغنی آوردند دیدند حرف کربلائی کاظم درست و ابن هشام نحوی اشتباه کرده است. خلاصه خبر او منتشر و در جرائد ثبت و نشر گردید و همگان گفتند این فوق‌العاده و معجزه و خارق عادت است. حافظ شدن کربلائی کاظم

نگارنده در سال ۱۳۶۵ ق وی را در مدرسه فیضیه قم ملاقات وقتی دیدم طلاب و محصلین و فضلاء اطراف او جمع شده و مرتب از او سؤال و او فوراً جواب می‌دهد او را دعوت به منزل نموده و چندی از او پذیرائی و از کیفیت حافظ شدن او پرسیدم مشروحاً توضیح داد. و من ضبط کردم و اکنون برای روشن شدن دل پیروان مکتب ولایت و کور شدن چشم منکرین ولایت تکوینی مانند (بوالفضول قمی‌ها) رو که خود را علامه معرفی و مشهور ساخته ولی عاری از علم و معرفت است. در اینجا می‌نگارم. نگارنده: کربلائی کاظم چگونه حافظ قرآن شدی.

کربلائی کاظم گفت: ماه رمضان یک نفر عالم از طرف آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم یزدی به قریه ما آمد و درباره احکام دین و خمس و زکوة صحبت کرد و گفت هر کس حساب سال نداشته باشد و یا زکوة مالش را ندهد نماز و روزه‌اش درست نیست و همه عباداتش عاقل و باطل است.

من بعد از منبر آن آقا به خانه آمده و به پدرم گفتم زکوة می‌دهی. گفت زکوة چی. این حرفها را از کجا یاد گرفته‌ای گفتم: این آقا که از قم آمده می‌گوید هر کس زکوة مالش را ندهد نماز و روزه‌اش باطل و مالش حرام است. گفت آن آقا برای خودشان می‌گویند. من هیچ وقت مال خودم را به کسی نمی‌دهم. من گفتم بابا من هم پیش شما نمی‌مانم چون مال شما حرام است. و از پدرم قهر کرده به قم آمدم پدرم عقب من فرستاد و مرا برد.

به او گفتم زکوة می‌دهی می‌مانم نمی‌دهی می‌روم گفت این فضولی‌ها به تو چه مربوط تو برو کارت را بکن. گفتم من برای شما کار نمی‌کنم چون مالت حرام است فرار کردم آمدم به تهران و مدتی در دولاب تهران عملگی کردم باز پدرم کسی را فرستاد و مرا برد. باز به او گفتم: اگر مالت را حساب نکنی و زکوة آن را نمی‌دهی این بار جائی می‌روم که دیگر مرا نیابی.

بالاخره پیرمردهای آبادی جمع شده و به پدرم گفتند کاظم بزرگ شده شاید می‌خواهد خودش مستقلاً برای خود کار کند. تو یک قطعه زمین و قدری بذر (گندم) به او بده تا خودش بکارند. پدرم قبول کرد یک قطعه زمین و هشت بار گندم به من داد. من فوراً آن گندم را نصف کردم چهار بارش را به فقراء دادم و چهار بارش را کاشتم خداوند برکت زیادی مرحمت کرد. و در موقع خرمن باز نصف کردم محصول خود را با بینوایان و فقراء و به همین کیفیت زکوة خود را بیش از معمول و حق زکوة می‌پرداختم و برکت زیادی هم داشت.

تا سالی گندم را درو کردم و خرمن نمودم و بعد از چند روز که خرمنم را کوبیده و باد می‌دادم نزدیک ظهر شد و باد ایستاد و هوا

گرم شد. گفتم باشد عصری که هوا خنک شد می‌آیم و باد می‌دهم پس پشته‌ای علوفه برای گوسفندانم جمع کرده و به پشت گرفته و به سمت آبادی روانه شدم در وسط راه به دو سید جوان نورانی بسیار خوشگل و زیبا برخورددم. به آنها سلام کردم و گفتم امامزاده می‌روید.

گفتند آری. گفتم منم بیایم با شما گفتند بیا و من خیال می‌کردم آنها راه امامزاده را بلد نیستند ولی دیدم خیر از من جلوتر می‌روند رفتیم تا به امامزاده‌ای که او را شاهزاده حسین می‌گویند رسیدیم من پشته را زمین گذارده با آنها به حرم آن امامزاده رفتم آنها فاتحه می‌خواندند.

و من صندوق قبر را می‌بوسیدم و دور می‌گشتم ولی آنها این کار را نمی‌کردند بعد از آنجا بیرون آمده به امامزاده دیگر که نزدیک آنجاست و او را شاهزاده جعفر می‌گویند رفتیم و من در حرم دور می‌زدم و قبر را می‌بوسیدم ولی آنها ایستاده و فاتحه می‌خواندند. تصرف ولایتی

بعد به من گفتند آن بالا را بخوان گفتیم من سواد ندارم و خواندن نمی‌دانم گفتند نگاه کن به آن کتیبه خوانا می‌شوی. نگاه کردم کتیبه‌ای دیدم که نه قبلاً بود و نه بعداً و به خط سفید نورانی نوشته بود در دور حرم.

«ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی سته ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامرہ الا له الخلق والامر تبارک رب العالمین ادعوا ربکم تضرعاً وخفیةً انه لا یحب المعتدین و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها و ادعوه خوفاً و طمعاً ان رحمت الله قریب من المحسنین.

و بعد مرا نگاه داشته یکی از آنها دست به صورت من تا سینه‌ام کشیده و سوره الحمد را خوانده و به من فوت کرده و قرآن را به تمامی در سینه من هشتند (یعنی گذاشتند) و من غش کردم و افتادم وقتی به هوش آمدم که شب بود و برخاستم برای آبادی آمدم و چون بده رسیدم یکی از اهالی آبادی بنام کلبعلی مرا صدا زد و گفت کاظم کجائی چرا نمی‌روی خرمندت را جمع کنی گفتم دو نفر آقا آمده بودند به امامزاده من هم با آنها رفتم آنها تمام قرآن را هشتند تو سینه من. کلبعلی گفت پسر مگر دیوانه شده‌ای.

تمام قرآن را آقا شیخ عبدالکریم مجتهد یزدی هم از حفظ ندارد گفتم امتحان کنید مردم ده رسیده و جریان را شنیده مرا به خانه‌ی ملای ده بردند او گفت کاظم دروغ نمی‌گوید حسابش درست است از وقتی از پدرش سوا شده هر سال زکوتش را داده و می‌دانم که او تا حال هیچ سواد نداشته و درس نخوانده است. پس قرآن جلوی من گذارده گفتند بخوان گفتم از رو نمی‌خوانم از حفظ پرسید. پس از سوره الرحمن پرسید خواندم و بعد سوره یس و بعد سوره مریم. پس از آن از سوره بزرگها پرسیدند خواندم.

ملای آبادی ما قرآن را که در جلویش بود و با خواندن مطابقه و مقابله می‌کرد قرآن را بوسید و به طاقچه گذارد و گفت: بچه‌ها کاظم کارش شده است. که مردم بر سر من ریخته و لباس بدن مرا پاره پاره کردند و اگر ملا مرا از دست مردم نجات نداده و در اطاق زن و بچه خود نبرده و در را روی من نبسته بود مردم ده گوشت تن مرا هم به عنوان تبرک و نظر کرده شده می‌کنند.

و ملا مردم را به زحمت از خانه بیرون کرده و نزد من آمد و گفت کاظم اگر جان خودت را دوست داری شبانه از این محل برو و الاصبح مردم تو را به عنوان تبرک تکه تکه می‌کنند. گفتم گوسفندها و خرمند را چکنم گفت من می‌گویم کسان تو آنها را جمع و حفظ کنند.

پس به من خرجی داده و شبانه از ده به ملایر خدمت مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا شهاب ملایری رفته و جریان را گفتم کم کم خیر من به تویسرکان و همدان و کرمانشاه و عراق و غیره رسید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۶ - ۱۲۴۶ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، مفسر، محدث، متکلم و ادیب. وی را با نسبت‌های موسوی نیشابوری، کتوری، هندی و کلهنوی نوشته‌اند. حامد حسین در لکهنو به دنیا آمد. وی از ارکان علمای امامیه بوده است. کلام را در محضر پدرش، مفتی سید محمدقلی، و فقه و اصول را نزد سید حسین بن دلدار علی نقوی، و معقول را در خدمت سید مرتضی بن سید محمد و ادب را در حوزه‌ی مفتی سید محمد عباس فراگرفت. او تصنیفات فراوانی دارد با مراجعه به کتاب «عبارات» وی معلوم می‌شود که کسی به پایه او در فن کلام بخصوص در باب امامت بدان منوال کار نکرده است. کتابخانه‌ی ارزشمند میرحامد حسین یکی از خزاین گرانبهای شرقی در دوران اخیر است. این کتابخانه حاوی هزاران جلد کتاب است که برخی از آنها از دستنویسهای قدیمی است. از آثار وی: «عبارات الانوار فی امامة الائمه الاطهار»؛ «اسفار الانوار عن وقایع افضل الاسفار»؛ «استقصاء الافحام و استیفاء الانتقام فی رد المنتهی الکلام»؛ «الشریعة الغراء»، در فقه: «الشعلة الجواله»؛ «شمع المجالس»، قصاید عربی و فارسی در مرثی؛ مثنوی «شمع و دمع»، به اردو؛ «الظلل الممدود والطلح المنضود»؛ «افحام اهل الیمن فی رد ازالة الغین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۸۱/۴)، ایضاح مکنون (۹۲/۲)، الذریعه (۲۱۵-۲۱۴/۱۵، ۲۳/۱۰، ۲۵۷، ۲/۳۱)، ریحانه (۳۷۹-۳۷۷/۳)، فوائد الرضویه (۹۲-۹۱)، لغت‌نامه (ذیل / حامد حسین)، معجم المؤلفین (۷۱۷/۳).

حائری پور، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی حائری پور

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از طی تحصیلات راهنمایی و اول دبیرستان در کاشان وارد حوزه علمیه مرحوم آیه‌الله العظمی یتربی ره کاشان شدم سال ۱۳۶۳ پس از سه سال گذراندن ادبیات عرب در سال ۱۳۶۶ به حوزه علمیه قم آمدم و به درس های فقه و اصول (لمعه و اصول فقه) پرداختم و همزمان دیپلم گرفتم. و تا سال ۱۳۷۲ سطح را به پایان بردم. در دس خارج یک دوره اصول نزد آیه‌الله سبحانی از شاگردان حضرت امام خمینی ره گذراندم و همزمان حدود ۲ سال در بحث های خارج فقه ایشان شرکت کردم. در سال ۱۳۷۶ در کنار درس خارج به رشته تخصصی علوم قرآن و تفسیر روی آوردم و مدت چهار سال در این دوره بودم. از سال ۱۳۷۰ همزمان با پایان دوره سطح به تدریس دروس حوزوی هم می پرداختم که هنوز ادامه دارد. در سال ۱۳۸۰ وارد مرکز تخصصی مهدویت شدم و به عنوان اولین دوره این رشته به تحصیل پرداختم که حدود سه سال طول کشید. و فعلا- با موسسه آینده روشن هم در زمینه

مهدویت همکاری می‌کنم. در دهه هفتاد مدت دو سال در مرکز ادبی حوزه (زیر نظر آقای جواد محدثی) دوره نگارش عمومی و تخصصی را مقداری نزد آقای محدثی و بیشتر نزد سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا) گذراندم. فعلا مقداری به درس خارج و بیشتر به تدریس در حوزه مشغول هستم. والحمدالله رب العالمین.

حائری، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی حائری

محل تولد: سبزوار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۵۵ در حالی که مدرک سیکل را گرفتم وارد حوزه علمیه سبزوار شدم و پس از یک سال وارد حوزه علمیه قم شده در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی پس از امتحان ورودی پذیرش شدم و تا سال ۱۳۶۶ در آنجا مشغول به تحصیل بودم و سپس در درس مکاسب و کفایه آیت الله ستوده شرکت کردم و خلاصه پس از اتمام دوره سطح و اتمام آن در سال ۱۳۷۳ و اتمام امتحانات آن دوره و شش سال شرکت در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه مثل شرح منظومه، بدایه الحکمه و نهایه الحکمه نزد آیت الله فاضل، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله انصاری شیرازی و دکتر احمد بهشتی، وارد فضای تحقیق شدم که در سال ۱۳۶۹ کتاب مسالک الافهام که مولف آن شهید ثانی است. این کتاب شرح کتاب شرایع الاسلام سه جلد آن با محققین آن مرکز همکاری داشتم و پس از آن کتاب قواعد الفقهیه آیت الله فاضل را برای تحقیق متون آن به دست گرفتم. و پس از آن کتابی به نام علل و عوامل ظهور و سقوط تمدن‌ها در منابع اسلامی را شروع به نوشتن کردم، بعد به عنوان پایان نامه هم از من پذیرفته شد و هیئت داوران نمره عالی به آن دادند. مدتی با بخش تحقیق و پژوهش ستاد اقامه نماز استان قم همکاری داشتم.

حبیبی احمد آبادی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی حبیبی احمدآبادی

محل تولد: کربلاء

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه المهدی (عج) که زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) بود مشغول به تحصیل شدم. بعد از دو سال به مدرسه علمیه رسالت منتقل شدم و تا اتمام لمعتین در آن مدرسه به درس خود ادامه دادم. با پیروزی انقلاب اسلامی و نیاز شدید به دبیران دینی، دو سال اول انقلاب را در دبیرستان‌ها و دانشسراهای محلات و بوشهر به تدریس کتاب‌های دینی و آموزش قرآن پرداختم و بعد از آن برای ادامه تحصیل به قم بازگشتم و سر درس رسائل و مکاسب حاضر شدم. در کنار تحصیل در فرصت‌های مناسب برای تبلیغ به جبهه‌ها اعزام می‌شدم، ولی با توجه به مطالعات و تحقیقات جنبی که در علوم قرآنی داشتم و تجربیات و موفقیت‌های کسب شده در امر تدریس و کلاس‌داری و نیاز شدید به معلمین قرآن (با توجه به نهضت قرآنی که به برکت انقلاب اسلامی راه افتاده بود) تمامی همت و وقت خود را صرف برگزاری دوره‌های تربیت معلم قرآن کریم نمودم.

با تاسیس بخش قرآن سازمان تبلیغات اسلامی، همکاری خود را با آن بخش شروع کردم و ضمن تدریس در دوره‌های تربیت معلم قرآن کریم، ویژه معلمین آموزش و پرورش که از سراسر کشور در تابستان‌ها در تهران جمع می‌شدند برای برگزاری دوره‌های ضمن خدمت معلمین قرآن به شهرها اعزام و به تدریس مهارت‌های تدریس قرآن کریم می‌پرداختم.

با گسترش فعالیت‌های قرآنی بخش قرآن و تبدیل آن به دار القرآن الکریم سازمان تبلیغات اسلامی و کانون‌های قرآن در مراکز استان‌ها و شهرستان‌هایی که سازمان تبلیغات اسلامی در آن شهرستان‌ها نمایندگی داشت، از طرف دار القرآن به آن مرکز جهت برگزاری دوره‌های تربیت معلم قرآن کریم اعزام می‌شدم تا معلمین مورد نیاز برای آموزش قرآن در تابستان‌ها و ماه مبارک رمضان، آموزش لازم را دیده باشند و به تدریس یکنواخت قرآن کریم در سراسر کشور بپردازند.

برای آموزش یکنواخت قرآن کریم در سراسر کشور، ابتدا با همکاری دو تن از اساتید دار القرآن کریم، جزوه آموزش قرآن کریم تهیه نمودیم. سپس آن جزوه در دو سطح: یک برای خردسالان و دو برای بزرگسالان توسط این جانب تکمیل و برای معلمین قرآن نیز کتاب راهنمای تدریس روخوانی قرآن کریم تالیف نمودم که بعدها اصلاح و تکمیل شد و الحمد لله اکنون به عنوان کتاب مشهور برای آموزش قرآن در اختیار علاقمندان می‌باشد، به طوری که هر سال بیش از دویست هزار جلد روخوانی قرآن کریم و ده هزار جلد راهنمای تدریس روخوانی قرآن کریم چاپ و منتشر می‌شود.

همزمان با فعالیت‌های قرآنی در شهرستان‌ها، کانون قرآن سازمان تبلیغات اسلامی قم را تاسیس و دوره‌های متعدد تربیت معلم قرآن کریم در طول سال برای طلاب ایرانی و غیر ایرانی و عموم علاقمندان قرآن کریم برگزار می‌نمودیم که الحمد لله با استقبال بسیار طلاب مواجه می‌گردید.

در کنار فعالیت‌های قرآنی، کار تحقیقات در زمینه‌های مختلف علوم قرآنی را ادامه دادم و ضمن تکمیل کتاب‌های قبلی، کتاب‌های دیگری را تالیف که در ادامه آورده‌ام.

در سال ۱۳۷۶ واحد قرآن مرکز مدیریت حوزه علمیه قم را راه‌اندازی و اقدام به برگزاری دوره‌های تربیت معلم قرآن کریم ویژه طلاب علوم دینی (ایرانی و غیر ایرانی) نمودم که دوره‌های مذکور در سطح عالی و به صورت استدلالی برگزار می‌شد.

کتاب رسم و ضبط مهارت‌های تدریس قرآن کریم این جانب رتبه تشویقی کتب برگزیده حوزه را در اولین سال تشکیل این نهاد به خود اختصاص داد و امسال نیز به عنوان خادم قرآن در استان قم انتخاب شدم.

خداوند را شاکرم که در حدود ۲۵ سال فعالیت های قرآنی بیش از پنجاه هزار نفر علاقمندان تدریس قرآن کریم ، معلمین آموزش و پرورش ، طلاب علوم دینی ایرانی و غیر ایرانی اعم از خواهر و برادر ، دوره های آشنایی با مهارت های تدریس قرآن کریم را نزد این جانب طی کرده اند ، و بیش از صد هزار نفر از کتاب های رسم و ضبط و مهارت های تدریس قرآن کریم استفاده کرده اند ، و بیش از دو میلیون نفر از کتاب های آموزش قرآن این جانب بهره مند شده اند .

اکنون به یاری خداوند در کنار حضور در درس خارج فقه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی به تدریس و تحقیق نیز مشغول می باشم .

حجازی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی حجازی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

نا به سامانی های واپسین روزهای حکومت قاجار در کام زمانه شراره می ریخت ، سال ۱۳۰۳ هجری بود . در کانون کهن علم و فلسفه شهر باستانی قمشه (شهرضا) و در خانه عالم بزرگ شهر «حاج سید فضل الله حجازی» لبخندها می شکفت و تولد سید مهدی حجازی را با شادی می آمیخت ، او دوران کودکی را در خانواده ای که در علم و تقوا سابقه دیرین داشت سپری کرد و از تربیت های علمی و اخلاق پدر و نیاکان خویش پرتو گرفت. در آغاز جوانی برای تحصیل علوم دینی رهسپار اصفهان گردید. سالها در اصفهان با تلاش پیگیر ، ساده زیستی ، خودسازی و باور پولادین ، رشته های مختلف فرهنگ اسلامی را فرا گرفت ، استادان او در اصفهان عبارت بودند از : آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی ، آیت الله میرزا علی آقای شیرازی ، آیت الله حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی ، آیت الله طیب ، آیت الله خادمی ، آیت الله حاج آقا صدر کوهپایه ای ، آیت الله حاج شیخ احمد فیاض . آیت الله حجازی در سال ۱۳۷۰ هجری برای تعالی بیشتر علمی و کسب تخصص فراتر فرهنگی و نیل به درجه عالی اجتهاد رهسپار نجف اشرف شد . وی علی رغم تنگناهای مادی در طول ۱۷ سال سکونت در نجف اشرف به فراگیری پیگیر علوم اسلامی پرداخت و از محضر مراجعی چون: حضرت امام خمینی ، آیت الله العظمی حکیم ، آیت الله العظمی خویی ، آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی ، آیت الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سبزواری ، آیت الله العظمی حاج سید جواد تبریزی ، آیت الله العظمی حاج سید یحیی یزدی رحمه الله علیهم اجمعین بهره کافی گرفت. دستیابی به درجه اجتهاد یکی از فرازمنندترین فله های ارتقای علمی و فقهی در حوزه های علمیه رسیدن به رتبه اجتهاد و گرفتن اجازه اجتهاد از مراجع بزرگی که به ایشان اجازه اجتهاد داده اند عبارتند از : آیت الله العظمی سید یحیی حسینی یزدی نجفی ، آیت الله العظمی حاج سید محمد جواد طباطبائی تبریزی نامبرده در اول نوشته خویش آیت الله حجازی را این گونه وصف می کند: سید مهدی حجازی ، دانشمند فاضل ، تقوا پیشه پیراسته ، برگزیده بزرگان ، پشتوانه

دانشمندان اسلام، رهرو راه استوار صاحب ذوق آراسته به مرتبه اجتهاد رسیده اند. آیت الله العظمی سید ابوالمعالی حاج سید عبدالاعلی سبزواری، ایشان نیز در مرقومه خویش درباره آیت الله حجازی می نویسد: حجه الاسلام حجازی با آراستگی اخلاق معارف اسلامی را فرا گرفته است، مبانی احکام را استوار ساخته و به درجه اجتهاد رسیده است.

حجت، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی حجت

محل تولد: کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی حجت در سال ۱۳۴۷ در شهر کرمان متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در دبستان احمدی و صفاری و راهنمایی را در مدرسه آیت الله سعیدی کرمان پشت سر گذاشتم. پس از یکسال تحصیل در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه کرمان شدم و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم (مدرسه کرمانیها) گردیدم. در سال ۱۳۶۷ در امتحانات سراسری حوزه موفق به احراز رتبه اول پایه سوم گردیدم. در کنار دروس حوزوی در تابستان به صورت متفرقه دروس مقطع متوسطه را امتحان و در رشته علوم انسانی دیپلم گرفتم. و همراه با دروس حوزوی از سال ۱۳۷۰ در مقطع کارشناسی رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی را آغاز کردم. و در سال ۱۳۷۵ در رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۷ با معدل ۹۲/۱۹ فارغ التحصیل گردیدم. پایان نامه این مقطع با عنوان "بررسی و طبقه بندی فقه های مربوط به ترجمه های قرآن کریم به زبان فارسی" رتبه سوم کشوری را در رشته علوم قرآن و حدیث کسب کرد.

در همان سال در مقطع دکترای رشته علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس قم پذیرفته شده و همزمان از سال ۱۳۷۶ در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه نیز مشغول به تحصیل شدم. و ۴ سال دوره آموزشی آن را با موفقیت به اتمام رساندم. سال ۱۳۸۳ موفق به اخذ دکترا از مرکز تربیت مدرس قم گردیدم. از سال ۱۳۷۹ به عنوان عضو هیأت علمی در دانشکده علوم حدیث شهر ری به تدریس مشغول گردیده ام و هم اکنون عضو هیأت علمی و معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی این دانشکده ام.

حجتی، سید محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سیدمحمد باقر حجتی (متولد بیست و پنجم اسفند ماه ۱۳۱۱ - بابل)، نام آشنایی در میان محققان و مدرسان علوم قرآنی است که نیم قرن از عمر پرمایه خویش را صرف تعلیم و تدریس در این حوزه معنوی کرده است. او از معدود روحانیانی است که در کنار طی مدارج حوزوی نزد علمای دینی، تحصیلات عالی را نیز تا دریافت درجه دکترای حکمت و فلسفه از دانشگاه تهران (در سال ۱۳۴۶) ادامه داده و در هر دو حوزه تحصیل، مقام و جایگاه ویژه‌ای یافته است. سیدمحمدباقر در کنار این دو حوزه معرفتی، در شاخه کتابداری نیز، خدمات قابل توجهی را برای فهرست نویسی کتب دینی به ثمر رسانده و نخستین تلاشهای جدی برای تدوین نسخ خطی کتابخانه دانشکده الهیات - که سالها سرپرستی آن را نیز بر عهده داشته - توسط او انجام شده است. گروه: علوم انسانی ریشه: الهیات و معارف اسلامی گرایش: علوم قرآنی و حدیثوالدین و انساب: سید محمد باقر حجتی، فرزند مرحوم حضرت حجه الاسلامی والمسلمین سید محمد حجتی، فرزند مرحوم حضرت آیه العظمی سید محمد باقر حجتی مازندرانی بار فروشی ملا محلی است. جدشان حضرت الیه العظمی سید محمد باقر حجتی از مراجع تقلید در مازندران و از شاگردان آیات عظام سیدمحمد کاظم طباطبایی و محمد کاظم خراسانی و ملاعبدالله مازندرانی در حوزه علمیه نجف بوده است. پدر دکتر حجتی از علما و ائمه جماعت خوشنام شهرستان بابل بوده که هم اکنون یاد و مزار او و مقام و مزار جدش سخت مورد احترام مردم شهرستان مذکور است. خاطرات کودکی: سیدمحمدباقر حجتی در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد و به فراخور محیط، از کودکی با مشی دینی خانواده، راه و رسم شریعت و دینداری آموخت و تحصیلات ابتدایی را در بابل آغاز کرد در مدرسه نیز شوق آموختن علوم قرآنی در او با حضور خانمی به نام صبوری که معلم قرآن مدرسه بوده و مشوق سیدمحمدباقر خردسال بیشتر می شود... «چون تنها کسی که در کلاس درس ایشان بیش از دیگران به روخوانی قرآن آشنا بود، مرا شناسایی کرده بودند [و] همواره تشویقم می کردند. لکن این خانم شیدای قرآن - به علت بیماری سل - در جوانی دنیای فانی را وداع گفت و این بنده در همان دوران کودکی آن چنان از مرگ زودرس این آموزگار دلسوز قرآن، گرفتار افسردگی و اندوه مداوم بودم که نمی توانستم باور کنم جای ایشان در دبستان خالی است و همواره خاطره علاقه بی حد و حصر ایشان به قرآن و تقوی و عفت... در ذهنم تجدید می شود و مرا افسرده و متأثر می کند» تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: تحصیلات رسمی سید محمد باقر حجتی از زبان ایشان به قرار زیر است: من از همان اوایل کودکی در کنار پدرم (پدرم امام جماعت یکی از مساجد بابل بود و مجلس تفسیر قرآن نیز داشت) بودم و عشق و علاقه به قرآن، از همان دوره در من ایجاد شد. به همین دلیل بعد از چند سال تحصیل در حوزه بابل به قصد ادامه تحصیلات حوزوی، به مدرسه مروی تهران رفتم. در همان زمان به دانشگاه تهران راه یافتم و بعد از اخذ مدرک لیسانس وارد مقطع دکترا شدم (در آن زمان دوره فوق لیسانس وجود نداشت). در سال ۱۳۴۶ با ارائه پایان نامه موفق به اخذ درجه دکترا در رشته فلسفه شد. مخاطرات و وقایع تحصیل: از وقایع مهم سید محمود باقر حجتی سفر وی به سوریه و انجام تحقیقات و مطالعاتی پیرامون علم حدیث و زبان عربی بود. فعالیت‌های ضمن تحصیل: سید محمدباقر حجتی در کنار تحصیل در رشته الهیات در دانشگاه تهران، به تحصیل علوم قرآنی و حدیث در حوزه علمیه مشغول بود. استادان و مربیان: سیدمحمد باقر حجتی در طی این دوران در محضر استادان بنام مدرسه مروی همچون سید صدرالدین رضوی، حاج میرزا ابوالقاسم گرجی، علامه شعرانی، علامه محمدتقی جعفری و علامه مرتضی مطهری، میرزا باقر آشتیانی، سید ابوالقاسم رفیعی قزوینی و... به تلمذ و تحصیل می پرداخت و در بیرون از مدرسه نیز سیر حکمت و فلسفه اسلامی را نزد علامه مرتضی مطهری دنبال می کند. همزمان با تحصیل در مدرسه مروی، با تشویق دوستان و آشنایان، در آزمون ورودی دانشکده معقول و منقول - که اکنون با نام دانشکده الهیات و معارف شناخته می شود - شرکت می کند و به جمع دانشجویان رشته فقه و مبانی علوم اسلامی دانشگاه تهران می پیوندد. دوره لیسانس را در محضر استادان نامی دانشکده همچون میرجلال الدین محدث ارموی، مهدی الهی قمشه‌ای، سیدمهدی حمیدی، سیدمحمدباقر سبزواری، احمدناظرزاده کرمانی، سید کمال الدین نوربخش، محمدباقر هوشیار، محمدعبده بروجردی، مجتبی مینوی، سیدحسن تقی زاده و دیگران با کسب امتیازات

و نمرات عالی به پایان می‌برد و دوره دکترا را نیز در رشته حکمت و فلسفه اسلامی همان دانشگاه با احراز مقام اول به اتمام می‌رساند. در دوره دکترا نیز از محضر استادان شیخ محمدعلی حکیم، حاج حسین علی راشد، محمود شهابی و غلامحسین صدیقی و احمد فرید استفاده می‌کند. وقایع میان‌سال: سید محمدباقر حجتی پس از اخذ دکترا در سال ۱۳۴۶ به عنوان استادیار به استخدام دانشگاه تهران منصوب شد، وی برخلاف رشته تحصیلی اش، به دلیل علاقه وافر به علوم قرآنی به تدریس در رشته زبان و ادبیات عرب و ترجمه و قرائت و تفسیر قرآن پرداخت و به تدریج پایه گذار رشته علوم قرآن و حدیث در دانشگاه تهران بعد از انقلاب اسلامی شد و از آن زمان تاکنون علاوه بر تدریس و تألیف و ترجمه، مدیریت دانشکده الهیات و معارف اسلامی / گروه علوم قرآن و حدیث، را بر عهده دارد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سید محمد باقر حجتی از سال ۱۳۳۹ ه.ش استاد گروه الهیات و معارف اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه تهران بوده است. وی مدتی مدیر گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس و عضو فرهنگستان دمشق (مجمع اللغة العربیه) و سایر مجامع و انجمن‌های علمی قرآنی بوده است. ریاست دایره کتابداری و راهنمایی و کتاب‌یابی کتابخانه دانشگاه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۴-۱۳۶۶ ریاست کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۸ مدیریت گروه فرهنگ عربی و علوم قرآنی از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ و مدیریت علوم قرآن و حدیث از سال ۱۳۶۵ تا کنون در دانشگاه تهران مدیریت گروه علوم قرآن و حدیث از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۰ در دانشگاه تربیت مدرس معاونت پژوهشی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۰ عضویت هیئت‌گزینش کتاب از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۳ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عضویت کمیته برنامه ریزی الهیات در شورای عالی برنامه ریزی از تاریخ ۱۳۶۴ تا ۱۳۸۲ از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی داور و عضو کمیته تخصصی علوم انسانی جشنواره خوارزمی از تاریخ ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۳ عضویت شورای پژوهشی دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ عضویت کمیته تخصصی علوم انسانی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ مشاور سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی از تاریخ ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۴ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عضویت شورای پژوهشی دانشگاه امام صادق و مسئولیت پژوهشی گروه علوم قرآن و حدیث همین دانشگاه در سال ۱۳۷۳ عضویت فرهنگستان دمشق «مجمع اللغة العربیه به دمشق» در سال ۱۳۶۵ رسماً به عنوان عضو این فرهنگستان از جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. فعالیت‌های آموزشی: سید محمد باقر حجتی از سال ۱۳۳۹ به تدریس علوم قرآنی و حدیث در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌های معتبر ایران از جمله دانشگاه تربیت مدرس مشغول بوده است. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط ایشان: کارشناسی ارشد علوم قرآنی ۱ علوم قرآنی ۲ دکترا تحقیق درباره ترجمه قرآن تفسیر ۲ مقدمه‌کتاب و روش‌های تفسیری ۱ سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: مطالعه، تحقیق و تألیف کتاب‌ها و مقالات علمی بی‌شمار در زمینه علوم قرآنی و حدیث حاصل فعالیت‌های سید محمدباقر حجتی بوده است. آرا و گرایش‌های خاص: سید محمد باقر حجتی از جمله دانشمندی است که تحصیلات دانشگاهی جدید را با تحصیلات حوزوی قدیم همراه کرده و با تلفیق این دو. آثاری بدیع آفریده است و دیدگاهی نوین به علوم قرآنی حدیث بخشیده است. جوایز و نشانها: * جایزه احراز رتبه اول در مسابقه مقاله نویسی راجع به کودکان و نوجوانان از حوزه علمیه قم در سال ۱۳۵۶ به مناسبت نگارش مقاله (کارآیی تشویق و تنبیه در تربیت کودکان و نوجوانان). * جایزه و لوح تقدیر بهترین پژوهش کاربردی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴ به مناسبت نگارش مقاله تحقیق درباره ابن عباس و مقام وی در تفسیر که در شماره ۱۷ و ۱۸ مجله مقالات و بررسی‌ها در سال ۱۳۵۳ چاپ و منتشر شده است. * جایزه و لوح تقدیر به مناسبت انتخاب کتاب پژوهشی در تاریخ قرآن کریم به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۳ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی * جایزه و لوح تقدیر به مناسبت طرح و تدوین کتاب "فهرست موضوعی نسخه‌های خطی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران" که در سال ۱۳۷۰ حائز رتبه اول طرح‌های علوم انسانی در پنجمین جشنواره خوارزمی شناخته شد. * جایزه و لوح تقدیر کتاب فوق‌الذکر: علاوه بر اینکه این کتاب حائز رتبه اول طرح‌های علوم انسانی را

دریافت کرد، در ۱۳۷۱ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کتاب سال شناخته شد. جایزه و لوح تقدیر به مناسبت انتخاب ایشان به عنوان استاد ممتاز دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۹. جایزه و لوح تقدیر استاد نمونه کشور در سال تصیلی ۱۳۷۲-۱۳۷۱ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد و آموزش عالی. لوح تقدیر به مناسبت خدمتگزاری به ساحت قرآن کریم و معرفی دکتر سید محمد باقر حجتی، به عنوان یکی از خادمین قرآن کریم در سال ۱۳۷۳ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. دریافت اجازه روایت از دانشمندان برجسته مصری محمد غزالی در سال ۱۳۶۷ در ایام اقامت در الجزایر ضمن شرکت در بیست و دومین کنفرانس اسلامی در الجزایر. برگزیده شده به عنوان چهره ماندگار علوم قرآن و حدیث در دومین همایش چهره های ماندگار سال ۱۳۸۱. دریافت جایزه و لوح تقدیر و نشان درجه یک پژوهش در سال ۱۳۸۴ از سوی دانشگاه تهران. دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب کتاب "فهرست موضوعی نسخ های خطی عربی در کتابخانه جمهوری اسلامی ایران" تالیف سید محمد باقر حجتی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (در دوره دهم) از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چگونگی عرضه آثار: مقالات چاپ شده در نشریات معتبر علمی: - مقالات بزبان فارسی: ۷۴ مقاله - مقالات بزبان عربی: ۱۶ مقاله - مقالات بزبان انگلیسی و ترکی: ۵ مقاله - بقیه مقالات: ۲۱ مقاله استاد راهنما پایان نامه های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری: بیش از ۳۰۰ پایان نامه

آثار: ۱ آداب تعلیم و تعلم در اسلام (ترجمه کتاب «منیة المرید فی آداب المفید و المستفید» شهید ثانی) ویرگی اثر: تالیف- نشر بنیاد قرآن -۱۳۶۰۲ آداب تعلیم و تعلیم در اسلام ویرگی اثر: ترجمه -۱۳۵۹۳ ابلیس فی القرآن و الحدیث ویرگی اثر: تالیف- بزبان عربی -۴ ابن عباس و مکانته فی التفسیر و المعارف الاخری ویرگی اثر: ترجمه، دارالروضه، ۱۳۷۸۵ ابن عباس و مکانته فی التفسیر و المعارف الاخری ویرگی اثر: تالیف، دارالروضه، ۱۳۶۹۶ اسباب النزول ویرگی اثر: تالیف -دفتر نشر فرهنگ و ارشاد اسلامی ۷ اسلام در کنار مصیبت دیدگان و افسرده دلان (ترجمه «مسکن الفؤاد عند فقد الاحبّه و الاولاد» از شهید ثانی) ویرگی اثر: ترجمه -۱۳۶۳۸ اسلام و تعلیم و تربیت (بخش اول: تربیت - بخش دوم: تعلیم) در دو مجلد ۹ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم ویرگی اثر: تالیف - انتشارات نهضت زنان مسلمان -برنده جایزه کتاب سال ۱۳۶۳ -تاریخ قرآن» اصطلاح تازه ای است که اول بار «تئودورنولدکه» مستشرق بزرگ آلمانی آنرا بکار برد و مرحوم ابو عبدالله زنجانی در پی این نامگذاری کتابی تحت عنوان «تاریخ القرآن» به نگارش آورد و قبل از انقلاب نیز رساله ای در همین زمینه توسط استاد محمود رامیار تألیف گردید. برای تدوین کتاب «پژوهشی در تاریخ قرآن کریم» سالها توسط مؤلف محترم کوشش محققانه ای بعمل آمده است. کتاب با بحث از عناوین و اسامی قرآن کریم آغاز شده و سپس به وحی الهی سخن به میان آورده است. آنگاه تحقیق فشرده ای در زمینه نزول قرآن و اولین و آخرین آیات نازله ارائه می دهد. سپس فصولی تحت عنوان «آیه» و «سوره» به تحلیل مباحث مخلف پیرامون این دو عنوان پرداخته است. بحث پیرامون فواتح سور، حروف مقطعه و شمار حروف و کلمات و آیات و پیدایش خط و خط عربی و امی بودن پیامبر از دیگر مباحث این کتاب است. سپس به نگارش قرآن در زمان پیامبر و بعد آن و موضوع جمع آوری آیات پرداخته و قرائت قرآن و قاریان آن را به تفصیل تشریح نموده است. جمع و ترتیب و تدوین قرآن و تاریخ آن موضوع دیگری است که مؤلف محترم به تفصیل به آن مبادرت ورزیده است. تاریخ شیوه نگارش قرآن و اعراب گذاری کلمات و ارائه نمونه هائی از قرآن قدیمی و خطوط مختلف ادامه بحث می باشد. کتاب با فهرست های ارزنده ای تکمیل گردیده است. ۱۰ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم ویرگی اثر: برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۱ تاریخ شیعه ویرگی اثر: ترجمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸۱۲ تاریخ شیعه ویرگی اثر: ترجمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، در سال ۱۳۷۶۱۴ تعلیم و تربیت اسلامی ویرگی اثر: تالیف -۱۳۶۲۱۵ تفسیر کاشف ویرگی اثر: ترجمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، جلد ۱ این کتاب با همکاری عبدالکریم بی آزار شیرازی ترجمه شده است. ۱۶ تفسیر کاشف در ۷ جلد ویرگی اثر: تالیف، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

۱۳۶۸۱۷، تفسیر سوره واقعه و ویژگی اثر: تالیف - ۱۳۶۱۱۸ تقدیم و تصحیح پاره ای از رسالات حکمی و عرفانی حکیم قاینی و ویژگی اثر: این کتاب در دست طبع و انتشار است. ۱۹ توضیح البرهان در تجوید قرآن و ویژگی اثر: ترجمه - دفتر نشر فرهنگ و اسلامی و سازمان همت در سال ۱۳۸۱۲۰ چهارده مقاله و ویژگی اثر: این کتاب که اکثر گفتارهای آن مربوط به تفسیر و علوم قرآن است - ۱۳۶۱۲۱ در حریم کعبه حاوی حکمت‌های عرفانی مناسک حج و ویژگی اثر: تالیف - بزبان عربی - مرکز تحقیقات حج ۱۳۷۷۲۲، در حریم کعبه حاوی حکمت‌های عرفانی مناسک حج و ویژگی اثر: ترجمه، مرکز تحقیقات حج، ۱۳۷۸۲۳ در آمد به تحقیق در اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم و ویژگی اثر: ترجمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸۲۴ در آمد به تحقیق در اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم و ویژگی اثر: ترجمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹۲۵ روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی (ترجمه کتاب «الدراسات النفسیة عند المسلمین و الغزالی بوجه خاص» از دکتر عبد الکریم عثمان) در دو مجلد و ویژگی اثر: ترجمه - ۱۳۶۱۲۶ سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو تا اواخر قرن دوم هجری ۲۷ سیری در سیره نویسی و مروری بر احوال و آثار پارهای از سیره نویسان و ویژگی اثر: تالیف، مشهد کنگره جهانی حضرت رضا(ع)، ۱۳۷۱۲۸ سیری در سیره نویسی و مروری بر احوال و آثار پارهای از سیره نویسان و ویژگی اثر: ترجمه، مشهد کنگره جهانی حضرت رضا(ع)، ۱۳۷۸۲۹ فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی در ۴ جلد کتابخانه های جمهوری اسلامی و ویژگی اثر: ..، تالیف، انتشارات سروش، ۱۳۷۶۳۰ فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی در کتابخانه های جمهوری اسلامی ای و ویژگی اثر: تالیف، تهران سازمان مدارک انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، این کتاب در دوره دهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «فهرست موضوعی نسخ های خطی عربی در کتابخانه جمهوری اسلامی ایران»: فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران و تاریخ علوم و تراجم دانشمندان اسلامی / نگارش سید محمد باقر حجتی به کوشش سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. - تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۷۰. ج. بالای عنوان: کشاف الفهارس و وصاف المخطوطات العربیه فی مکتبات فارس. مندرجات: ج ۱، علوم قرآنی، قرائت و تجوید. کتابخانه های کشور ما هزاران نسخه بسیار ارزشمند کتابهای عربی و اسلامی را تا کنون حفظ کرده است. ولی متأسفانه هنوز بطور شایسته معرفی نشده و جهان عرب و غیر آن از این ذخائر گرانها اطلاعی ندارند. مسلماً فهرست کردن و معرفی آنها امری ضروری و خدمتی شایان به معارف اسلامی و نشان دهنده اهمیت و عنایت ایرانیان به میراث فرهنگی اسلامی است. گرچه مستشرقان مانند سزگین و بروکلیمان در این زمینه کارهایی به انجام رسانیده اند ولیکن این کتاب با شیوه خاص خود در زبان فارسی حقاً اثری ابتکاری و منحصر بفرد است. و بدون تردید راه همواری را پیش روی محققان اسلام و اسلام شناسان قرار می دهد. امید است با همت والای مؤلف محترم و به وجود آمدن امکانات، بیش از پیش شاهد تکمیل و عرضه بقیه مجلدات این اثر نفیس به بازار دانش و تحقیق باشیم. ۳۱ فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی و ویژگی اثر: ترجمه، انتشارات سروش، ۱۳۷۸۳۲ فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ای و ویژگی اثر: ترجمه، تهران سازمان مدارک انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸۳۳ فهرست نسخ خطی و ویژگی اثر: فهرست بسیاری از نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران توسط استاد دکتر سید محمد باقر حجتی تهیه شده است که بالغ بر دهها جلد بوده اند. ۳۴ فهرست نسخه های خطی و عکسی (کتابخانه دانشکده الهیات و معرف اسلامی دانشگاه تهران) در دو جلد و ویژگی اثر: تالیف - انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸۳۵ فهرست نسخه های خطی کتابخانه (دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران) و ویژگی اثر: تالیف - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۴۵۳۶ فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک در شش جلد و ویژگی اثر: تالیف - ۱۳۵۲ توسط انتشارات آستان قدس رضوی ۳۷ گامی فراسوی روانشناسی اسلامی و ویژگی اثر: ترجمه - دفتر نشر فرهنگ و ارشاد اسلامی ۳۸ گزیده کتاب آداب تعلیم و تربیت در ایلام و ویژگی اثر: تالیف - چاپ توسط وزارت آموزش و پرورش - ۱۳۶۱۳۹ مجموعه بحثهای

تربیتی و ویژگی اثر: تالیف - ۱۳۶۲۴۰ مختصر تاریخ القرآن الکریم و ویژگی اثر: این کتاب به اهتمام رایزنی فرهنگی ایران در دمشق با تیراژ چندین هزار ۴۱ مدخلی بر کاوش در تاریخ ادیان و ویژگی اثر: ترجمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷۴۲ مدخلی بر کاوش در تاریخ ادیان و ویژگی اثر: ترجمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸۴۳ مقدمه ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم و ویژگی اثر: ترجمه، سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۸۴۴ مقدمه ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم و ویژگی اثر: ترجمه، سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، ۱۳۶۶۴۵ میثاق در قرآن و ویژگی اثر: تالیف - با همکاری جناب آقای دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی - ۱۳۶۴۴۶ نمی ازیم اسرار قرآن کریم ترجمه «من اسرار القرآن» اثر دکتر مصطفی محمود و ویژگی اثر: ترجمه - برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حر عاملی، احمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد ابن حسن بن علی مشغری، از دانشمندان شیعه عهد صفوی (و. ۱۰۴۰ ه.ق. - ف. پس از ۱۱۲۰ ه.ق.) وی برادر محمد شیخ الاسلام مشهور است. او پس از مرگ برادر در ۱۱۰۴ به مقام شیخ الاسلامی رسید و در ۱۱۱۵ به دستور شاه سلطان حسین صفوی به اصفهان رفت.

از آثار او: تاریخ صغیر، تاریخ کبیر، تفسیر قرآن، جواهر کلام، حاشیه بر مختصر نافع را باید نام برد. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حسن پور، ابوالقاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم حسن پور

محل تولد: گناباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای ابوالقاسم حسن پور در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملاً مذهبی در شهرستان گناباد دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه خود به فراگیری علوم دینی وارد حوزه علمیه گناباد گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زاید الوصف او به تحصیل او را به مشهد مقدس کشاند و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله مرتضوی، آیت

الله صالحی و آیت الله رضا زاده بهره‌ها برد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم قرآنی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹ از دانشگاه رضوی فارغ التحصیل گردید و پایان نامه خود را با عنوان "کمال انسان در قرآن" به اتمام رسانید. ایشان ضمن تبلیغ و تدریس، به امر تحقیق و پژوهش هم مشغول می‌باشد و در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات "المعجم فی لغت القرآن" و "اهل البيت فی القرآن الکریم" و... از جمله آثار ایشان است.

حسن زاده آملی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والعلم الاعلام آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد ۱۳۰۷ شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه الله آملی و آیه الله شعرانی و آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشته‌های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره‌مند گردیده و در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.

دارای تألیفات عدیده‌ای مانند تقویم حسن زاده و ۵ جلد شرح نهج البلاغه مرحوم میرزا حبیب الله هاشمی خوئی از جلد ۱۵ تا جلد ۱۹ میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که ۱۵ مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.

مرحوم آیه الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تقریظ مفصلی برای شرح ایشان مرقوم که در اول جلد ۱۵ شرح نهج البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد ۱۴ شرح مزبور درباره‌ی معظم له چنین نوشته‌اند:

(ثم ان حضره الفاضل الادیب العالم الاریب الجامع بین العلوم العقلیه والنقلیه والحائز للملکه العلمیه والعملیه الشیخ المؤمن الشیخ حسن الاعلی ضاعف الله قدره و اجزل اجر له تصدی لشرح باقی کتاب نهج البلاغه و هو الحری به والمتوقع منه و هو کما قال بعض الانصار کما قیل عذیقها المرجب و جذیلها المحکل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم علی حاز الرتبه القصوی و فاز بالقدح المعلی و نرجو من الله له التوفیق و لنا.

العبد ابوالحسن الشعرانی

تألیفات و تصحیحات

آثار عرفانی و اخلاقی

لقاء الله

وحدت از دیدگاه عارف و حکیم

انه الحق

ولایت تکوینی

عرفان و حکمت متعالیه

الهی نامه متن الهی نامه
 انسان در عرف عرفان
 کلمه علیا در توقیفیت اسماء
 اصول و امتهات حکمی و عرفانی
 تصحیح رساله مکاتبات
 تصحیح و تعلیق تمهید القواعد
 تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصری
 تصحیح و تحشیه رساله تحفه الملوک فی السیر و السلوک
 مفاتیح المخازن
 شرح فصوص الحکم
 مشکاه القدس علی مصباح الأنس
 شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ
 نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور
 باب رحمت
 نامه ها برنامه ها
 قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند
 آثار فلسفی و منطقی
 اتحاد عاقل به معقول
 نصوص الحکم بر فصوص الحکم
 رساله جعل
 صد کلمه
 تصحیح اسفار اربعه
 تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء
 رساله ای در تضاد
 رساله ای در اثبات عالم مثال
 رساله ای در حرکت جوهری
 ممد الهمم فی شرح فصوص الحکم
 رساله نفس الأمر
 نهج الولایه
 درر القلائد علی غرر القرائد
 النور المتجلی فی الظهور الظلی
 مفاتیح الأسرار لسلاک الأسفار
 سرح العیون فی شرح العیون

- گشتی در حرکت
- الحجج البالغة علی مجرد النفس الناطقة
- گنجینه گوهر روان
- رساله ای در اثبات عالم مثال
- رساله مُثُل
- تصحیح و تعلیق شرح اشارات
- ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات
- تصحیح و تعلیق شفا
- ترجمه و تعلیق الجمع بین الرأیین
- رساله اعتقادات
- الأصول الحکمیة
- رساله رؤیا
- من کیستم
- رساله فی التضاد
- دروس معرفت نفس
- نثر الدراری علی نظم اللثالی
- آثار فقهی
- رساله ای در مسائل متفرقه فقهی
- تعلیقات علی العروة الوثقی فی الفقه
- وحیزه ای در مناسک حج
- آثار تفسیری
- تصحیح خلاصه المنهج
- انسان و قرآن
- آثار کلامی
- خیر الأثر در رد جبر و قدر
- تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار
- لیلة القدر و فاطمه علیها السلام
- رساله فی الإمامة
- رساله ای در کسب کلامی
- فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب
- رساله حول الرؤیا
- آثار روایی
- تصحیح نهج البلاغه

تصحیح سه کتاب (ابی الجعد ، نثر اللثالی ، طب الأئمة)

تکملة منهاج البراعة

مصادر و مأخذ نهج البلاغه

انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه

شرح چهل حدیث در معرفت نفس

رساله ای در اربعین

آثار ریاضی و هیوی

دروس معرفه الوقت و القبلة

رساله کلّ فی فلک یسبحون

رساله ای در تناهی ابعاد

تصحیح کتاب الإستیعاب فی صنعہ الأضطراب للبیرونی

تعیین سمت قبله مدینه

الصحیفه العسجدیة فی آلاتِ رصدیة

الکوکب الدرّی فی مطلع التّاریخ الهجری

رساله سی فصل

تعليق تحفه الأجلّة فی معرفه القبلة

رساله قطب نما و قبله نما

تعليقه بر رساله مولا مظفر

رساله میل کلی

رساله ظلّ

رساله تکسیر دایره

تصحیح کتاب المناظر فی کیفیة الابصار

رساله ای در اختلاف منظر و انکسار نور

رساله فی تعیین البعد بین المکزین و الأوج

رساله فی الصّبح و الشّفق

رساله ای پیرامون فنون ریاضی

رساله ای در مطالب ریاضی

دروس هیأت و دیگر رشته های ریاضی

تصحیح و تعليق شرح جغمینی

تصحیح و تعليق تحرير اصول اقلیدس

تصحیح و تعليق اُکر مانالاؤس

تصحیح و تعليق تحرير اُکر ثاوذوسیوس

شرح زیج بهادری

تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الغ بیک

تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر بیست باب

تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی

استخراج جداول تقویم

تصحیح و تعلیق الدرّ المکنون و الجوهر المصون

دروس معرفت اوافق

شرح قصیده کُنوز الأسماء آثار ادبی

تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصّبیان

تصحیح کلیله و دمنه

تصحیح و اعراب اصول کافی

دیوان اشعار

قصیده ینبوع الحیاة

مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین

تعلیق بر باب توحید حدیقه الحقیقه

تصحیح گلستان سعدی

تعلیق بر قسمت معانی مطوّل

امثال طبری

آثار متفرقه

تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن

هزار و یک نکته

هزار و یک کلمه

مجموعه مقالات

ده رساله فارسی

کشیکل

مصاحبات مناجات علامه حسن زاده

- الهی، تا تو لیبیک نگویی من کجا الهی گویم؟

- الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگیر

- الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد

- الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده

- الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم

- الهی، شکر است که دنیا را آخرتم شد

- الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو

- الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار

- الهی، روزم را چون شبم روحانی بگردان و شبم را چون روز نورانی
- الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است
- الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟
- الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!
- الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟
- الهی، اگر ستارالعیوب نبود، ما از رسوایی چه می کردیم!؟
- الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویا

توصیه‌هایی از علامه حسن‌زاده آملی

دهان روح و تن

انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی که هرزه خوراک می‌شوند، هرزه کار می‌گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می‌گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهر آگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاک است، آن نبات هم پاک و میوه‌اش شیرین خواهد بود و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.* خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندک و کار بسیار

بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت بکاری و غرس کنی. این جا را دریاب، این جا جای تجارت و کسب و کار است و وقت هم خیلی کم است. وقت خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهیم العطاش» یعنی شتران تشنه را می‌بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می‌کوشند و می‌شتابند و از یکدیگر سبقت می‌گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کيفر اعمال بد این‌جا خودشان مبتلا شده‌اند.» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست بسازیم.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسنى اردکانى، عبدالرسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرسول حسنى اردکانى

محل تولد: اردکان فارس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عبد الرسول حسنی اردکانی در اردکان فارس شهرستان سپیدان متولد شدم. پس از اخذ مدرک تحصیلی ششم ابتدایی، با رتبه اول در میان ۳۶ نفر دانش آموز، در مدرسه آقا بابا خان شیراز سه سال طلبه بودم. در سال ۴۳ به قم آمدم و با آیت الله مکارم و آیت الله ربانی شیرازی آشنا شدم دو دوره درس خارج اصول آیت الله مکارم شرکت کردم. مقداری از اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله سبحانی استفاده کردم. با تایید ستاد انقلاب فرهنگی و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مدت ۱۲ سال در دانشگاه تهران معارف اسلامی تدریس نمودم. مدت ۸ سال در دانشگاه آزاد قم و سه سال در دانشگاه قم تفسیر قرآن و نهج البلاغه تدریس نمودم. شرح لمعه و رسائل را نیز در حوزه تدریس نموده ام. از محضر آیت الله گلپایگانی، نوری همدانی، محمدی گیلانی، انصاری شیرازی و مقداری هم از محضر استاد مطهری استفاده کرده ام.

دارای مدرک لیسانس از دانشگاه قم می باشم سال ۱۳۶۱، بیشتر از همه اصول و فقه و تفسیر و عقاید را از محضر حضرت آیت الله مکارم شیرازی بهره مند شده ام. مدت ده سال از سال ۶۴ تا سال ۷۴ مسئول تبلیغات اسلامی راه آهن استان مرکزی از قم تا نزدیک درود انجام وظیفه تبلیغی داشته ام. قائم مقام معاونت تهذیب و اخلاق حوزه علمیه قم مرکز مدیریت هستم. در ماه محرم ۵۶ به جای حضرت حجت الاسلام و المسلمین آیت الله مجد الدین محلاتی شیرازی در ایرانشهر دهه عاشورا سخنرانی داشتم روز سوم بود، عصرها جلسه عقائد برای نسل جوان داشتم بعد از جلسه متوجه روحانی بزرگواری شدم که در گوشه حسینیه نشسته بودند نزدیک رفتم سلام و احترام کردم فرمود "سید علی خامنه ای" هستم به ایرانشهر تبعید شده ام. تا روز ۱۳ محرم که در ایرانشهر بودم شبانه روز در خدمتشان بودم شب ها که سخنرانی می کردم حضور داشتند. چند بار با اساتید دانشگاه شرفیاب محضر ایشان شدم که مورد لطف و عنایت خاص قرار دادند.

حسنی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر حسنی

محل تولد: لنگرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۷/۱۲/۴

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر حسنی فرزند حبیب الله، اسفند ماه ۱۳۱۷ در لنگرود گیلان متولد شدم و تا کلاس هفتم دبیرستان را همان جا گذراندم. در سال ۱۳۳۲ پدرم مرا به قم فرستاد و در مدرسه علمیه خان، حجره ای برایم فراهم شد. به سرعت و با پشتکار،

مقدمات از امثله، صمدیه، سیوطی، مغنی، مطول، معالم، قوانین و لمعتین را نزد علما و مدرسین آنروز خواندم؛ رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) را نیز خوانده و امتحان دادم.

در سال ۱۳۳۹ با اتمام کفایتین بمدت یکماه و نیم در درس خارج علمی و استدلالی آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی (ره) و نیز آیت الله اراکی (ره) شرکت کردم و همه مطالب را به عربی نوشته و مورد تشویق واقع شدم که متأسفانه در حملات ساواک به فیضیه، در دوم فروردین ۱۳۴۲ از بین رفت. بعد از فوت آیت الله بروجردی (ره) در درس امام خمینی (ره) شرکت کردم. بعد از سه سال که تبعید ایشان به ترکیه و عراق پیش آمد، به درس مراجع آن زمان آیات عظام گلپایگانی (ره)، شریعتمداری (ره)، حائری (ره)، محقق داماد (ره) و میرزا هاشم آملی (ره) می رفتم. برخی از کتب آیت الله حکیم (ره) و آیت الله خوئی (ره) را استفاده و مطالعه می کردیم؛ اسفار را نزد علامه طباطبائی (ره) خواندم و فلسفه تطبیقی را نزد آقای مهدی حائری (ره) و برخی دروس تکمیلی را نزد مراجع فعلی خواندم.

حسین مقدم، یحیی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید یحیی حسین مقدم

محل تولد: نکاء

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از گذراندن دوره مکتب‌خانه در روستای محل ولادت (سوجلما از توابع شهرستان نکاء) وارد حوزه علمیه رستمکلا (از توابع شهرستان بهشهر مازندران) شدم و از محضر آیت الله ابوالحسن ایازی تا سال ۱۳۴۹ شمسی استفاده کردم، دوره مقدمات و قسمتی از لمعین و معالم الاصول را در آن حوزه خواندم.

و در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی روز شهادت امام همام موسی بن جعفر (ع) وارد حوزه علمیه قم عش آل محمد (ص) صانها الله عن الحوادث شدم و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگواری که قبلاً نام آنها ذکر شده تلمذ نمودم. تا اینکه از حدود سال ۵۴ و ۵۵ در درس خارج آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی و آیت الله مکارم و آیت الله مشکینی و اساتید دیگری که نام آنها را قبلاً ذکر کردم شرکت نمودم. و مدت سه سال بعد از پیروزی انقلاب در موسسه در راه حق از محضر آیت الله مصباح یزدی استفاده کردم. لازم به ذکر است در ایام تابستان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بعد از آن تا سال ۱۳۶۳ هجری شمسی در روستای بادالسبر از توابع شهرستان نکاء در محضر آیت الله سید خلیل محمدی بادالسبری مشغول تحصیل بوده و در ضمن تدریس نیز می نمودم.

حسینی ادیانی، مسلم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مسلم حسینی ادیانی

محل تولد: قائم شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

حسینی ارسنجانی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدحسن حسینی ارسنجانی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

جمعی از اساتید سطوح عالی، تفسیر، فلسفه، منطق و کلام: آیات عظام سلطانی، فاضل لنکرانی و آیات حسینی ارسنجانی، حاج شیخ یحیی انصاری، سید محمد کاظم آیت الهی، خزلی، مشکینی، ستوده، جوادی آملی، مجدالدین محلاتی، دوزدوستانی، شب زنده دار، و کریمی جهرمی؛ اساتید خارج فقه و اصول، آیات عظام: گلپایگانی (ره) (۵ سال فقه)، مرتضی حائری یزدی (ره) (۵ سال فقه)، حسینعلی منتظری (۱۵ سال فقه)، هاشم آملی (ره) (۴ سال اصول). تدریس سیوطی، معالم و لمعتین و نهج البلاغه.

حسینی شیرازی، صادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی روز ۲۰ ذی حجه ۱۳۶۰ق در کربلای معلا دیده به جهان گشود.

وی دروس دینی و حوزوی را از بزرگان علما و مراجع در حوزه علمی فرا گرفت و به درجات عالی اجتهاد نائل شد.

عالمان اسلامی ایشان را فقیهی جامع، اصولی مبرز و آشنا به علوم معقول و منقول می شناسند و به پرهیزکاری و زهد و ورع و فضایل اخلاقی ایشان اعتراف دارند.

ایشان در بیت مجدد شیرازی رحمه الله علیه که خاندان علم و فضیلت و پرهیزکاری و اجتهاد است رشد یافت.

نگارش آثار متعدد و گوناگون برای سطوح مختلف مردم از خصوصیات ایشان می باشد که در ادامه فهرست آنها خواهد آمد. ایشان همچنین برای فقها و مجتهدان درس ها و مباحثی را در فقه و اصول با استدلال علمی و دقیق و با روشی متین و زیبا و علمی به رشته تحریر در آورده اند.

بیش از ۳۰ سال است که در بحث خارج فقه و اصول ایشان جمعی از علما و دانشمندان و فضلا حاضر می شوند و برخی از مدرسان خارج در حوزه علمیه قم و سوریه و شماری از مبلغان نقاط مختلف دنیا از شاگردان این عالم فرزانه می باشند.

خاندان آیت الله العظمی شیرازی

آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی از فرزندان زید بن علی بن الحسین بن علی امیرالمؤمنین سلام الله علیهم است و در خاندانی پرورش یافته که در طول یکصد و پنجاه سال اخیر در فقاہت و مرجعیت معروف و شاخص بوده اند. در زیر به نام برخی از این اختران تابناک اشاره می نمایم:

۱. بزرگ مرجع آیت الله العظمی حاج سید محمد حسن شیرازی قدس سره معروف به مجدد شیرازی صاحب نهضت مشهور تنباکو در ایران (وفات وی در سال ۱۳۱۲ق می باشد)؛

۲. بزرگ مرجع آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی قدس سره رهبر انقلاب ۱۹۲۰م در عراق (وفات وی در سال ۱۳۳۸ق می باشد)؛

۳. بزرگ مرجع آیت الله العظمی حاج سید علی شیرازی قدس سره فرزند مجدد شیرازی از بزرگان و مراجع شیعه در نجف اشرف (وفات وی در سال ۱۳۵۵ق می باشد)؛

۴. آیت الله العظمی آقا سید اسماعیل شیرازی قدس سره (وفات وی در سال ۱۳۰۵ق می باشد)؛

۵. بزرگ مرجع حضرت آیت الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی (وفات وی در ۱۱ صفر ۱۳۸۲ق می باشد)؛

۶. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره (پدر ایشان) از بزرگان مراجع شیعه در کربلای معلا (وفات وی در ۲۸ شعبان ۱۳۸۰ق می باشد)؛

۷. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته (برادر معظم له) که در ۲ شوال ۱۴۲۲ق به رحمت ایزدی پیوست؛

۸. آیت الله شهید سید حسن شیرازی اعلی الله مقامه (یکی دیگر از برادران معظم له) بنیانگذار حوزه علمیه در کنار حرم مطهر حضرت زینب کبری سلام الله علیها که در ۶ جمادی الثانی ۱۴۰۰ق در بیروت با ترور ناجوانمردانه دژخیمان بعث عراق به شهادت رسید.

استادان

ایشان مراحل مختلف دروس علمی را زیر نظر بزرگان علما و مراجع در حوزه علمیه کربلا دنبال کردند و به درجات بالای اجتهاد دست یافتند. برخی از استادان ایشان عبارتند از:

۱. پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی میرزا مهدی حسینی شیرازی قدس سره .

۲. برادر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره .

۳. آیت الله العظمی آقا سید هادی میلانی قدس سره .

۴. آیت الله العظمی آقا شیخ محمد رضا اصفهانی قدس سره .

۵. آیت الله شیخ محمد شاهرودی قدس سره .

۶. آیت الله حاج شیخ محمد صدقی مازندرانی قدس سره .

۷. آیت الله حاج شیخ جعفر رشتی قدس سره .

۸. آیت الله سید کاظم مدرسی قدس سره .

مؤسسات

از جمله اهتمامات خاص ایشان توجه به امر مؤسسات دینی، فرهنگی، خیریه و خدماتی است. صدها مؤسسه دینی و فرهنگی، مساجد، حسینیه ها، شبکه های تلویزیونی، شبکه های ماهواره ای، رادیو، حوزه ها، زائرسرا، سایت های اینترنتی، مدارس، کتابخانه ها، مراکز انتشاراتی و درمانگاه ها تحت عنایات و ارشادات ایشان مشغول به فعالیت می باشند.

توجه به اخلاق و تهذیب

این بزرگ مرد علم و اخلاق نسبت به تربیت علمی و اخلاقی طلاب و فضلا اهمیت شایانی قائل است. دروس اخلاق ایشان که در کشورهای عراق، کویت و ایران ایراد شده است زبانزد همه علاقه مندان مکتب اخلاقی اسلام می باشد و از محضر مبارکش شمار فراوانی از فضلا و علما استفاده کرده اند. شایان ذکر است که درس های اخلاق ایشان به صورت جزوه و کتاب چندین مرحله به چاپ رسیده است. اخلاق اسلامی و نمونه ایشان زینت بخش شخصیت والای علمی معظم له می باشد و هر شخصی که با ایشان معاشرت داشته باشد خلق نیک و فضایل انسانی و خوشرویی معظم له، اولین چیزی است که توجه او را جلب خواهد کرد. دوری از مظاهر دنیا در کنار تقوا و ورع، توکل بر خدا، تواضع فراوان در برابر مردم، اخلاق نیکو، احترام به کوچک و بزرگ، صبر، پایداری و ثبات قدم، تحمل مشکلات در راه اعلای کلمه حق، نشر و معرفی فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم، دوستی برای خدا و در راه خدا، خدمت به مردم و مدارا با آنان و محاسبه نفس شعار این بزرگوار می باشد که خود، قبل از دیگران به این امور عمل می نماید.

تألیفات

ایشان تألیف و تصنیف را در سن جوانی آغاز کرده و تاکنون نیز آن را دنبال می کند. همچنین در موضوعات و ابواب مختلف فقهی، اصولی، اعتقادی، فرهنگی و تاریخی تألیفاتی دارند که در این جا به برخی از آثار ایشان اشاره می شود: - بیان الفقه:

در چند مجلد که جلد اول آن در باب اجتهاد و تقلید می باشد و ۷۲ مسأله از کتاب اجتهاد و تقلید را شامل می شود و دارای ۷۰۰ صفحه می باشد. این کتاب در لبنان به چاپ رسیده و از تألیفات آن مرجع بزرگوار در کربلای معلست. - بیان الأصول «۱۰ جلد»:

۶ جلد آن (مجلدات مربوط به قاعده «لا ضرر ولا ضرار» و استصحاب «قطع ظن» «تعادل و ترجیح») به چاپ رسیده است. این کتاب شامل مباحث علمی، دقیق، استدلالی و مفصل در علم اصول بوده، از تألیفات ایشان در شهر مقدس قم می باشد و تاکنون چندین مرتبه به چاپ رسیده است. - توضیح شرائع الاسلام «۴ جلد»:

شرح توضیحی بر کتاب شرائع الاسلام تألیف محقق حلی قدس سره شامل هزاران تعلیق و توضیح در ابواب مختلف فقهی نظیر عبادات و معاملات و ایقاعات و غیره می باشد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلست بوده و مورد توجه بسیار حوزه های علمیه و مجامع علمی و دانشگاهی قرار گرفته و حتی به عنوان کتاب درسی و مرجعی مهم تعیین گردیده است. - شرح تبصره المتعلمین «۲ جلد»:

شرحی بر کتاب تبصره المتعلمین فی أحكام الدین مرحوم علامه حلی رحمه الله علیه بوده و ابواب مختلف فقه از طهارت تا دیات را مورد بررسی قرار می دهد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلست در سال ۱۳۸۲ق می باشد و تاکنون چندین بار تجدید چاپ گردیده و اولین بار در نجف اشرف در سال ۱۳۸۲ق به چاپ رسیده است. - شرح بر کتاب سیوطی «۲ جلد»:

شرح تعلیقی است بر کتاب البهجة المرضية فی شرح الألفية تألیف جلال الدین سیوطی. این کتاب از کتب علمی و درسی حوزه های علمیه و از تألیفات ایشان در کربلای معلّا در سال ۱۳۸۶ ق می باشد. در پی استقبال فراوان طلاب سطوح حوزه چندین بار تجدید چاپ شده است.

- شرح اللمعة الدمشقية «۱۰ جلد»:

شرح تعلیقی جامع و کامل بر کتاب شرح اللمعة الدمشقية تألیف شهید ثانی قدس سره که از مهم ترین کتب درسی در حوزه علمیه می باشد و ان شاء الله به زودی چاپ خواهد شد. - موجز در منطق:

در این اثر اصول علم منطق به روشی آسان و روشن برای نوآموزان حوزه نوشته شده و در بعضی از حوزه ها جزء برنامه درسی قرار گرفته است. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلّا در سال ۱۳۸۴ ق می باشد • کتاب های اعتقادی:

از جمله کتب مهم در دفاع از مذهب اهل بیت علیهم السلام می توان به مجموعه کتاب هایی اشاره کرد که این عالم ربانی و مرجع بزرگوار تحریر نموده است. - علی سلام الله علیه در قرآن «۲ جلد»:

در این کتاب ۷۱۱ آیه شریفه از قرآن کریم که در بیان فضیلت و عظمت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب سلام الله علیه و در شأن ایشان نازل شده مورد بررسی قرار گرفته است. تمامی این فضایل برگرفته از مصادر و کتب معتبر عامه می باشد و بر اساس ترتیب سوره های قرآنی، از سوره حمد تا سوره اخلاص می باشد. جمع آوری و تدوین آن در کربلای معلّا انجام شده است. - فاطمه زهرا سلام الله علیها در قرآن:

شامل آیاتی است که پیرامون حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نازل شده است. این کتاب بنابر مصادر و کتب عامه و در شهر مقدس قم در سال ۱۴۰۸ ق تألیف شده است. تعداد صفحات این کتاب ۳۶۰ صفحه می باشد و چندین بار تجدید چاپ شده است. - اهل البیت سلام الله علیهم در قرآن:

این کتاب نیز شامل آیاتی است که در شأن و مقام باعظمت اهل بیت علیهم السلام نازل شده و از مصادر و کتب معتبر عامه جمع آوری گردیده و از سوره فاتحه تا کوثر را شامل می شود و از تألیفات ایشان در کویت است و شامل ۴۰۷ صفحه می باشد. - شیعه در قرآن:

موضوع این اثر آیات شریفه ای از قرآن کریم است که درباره شیعیان حضرت علی بن ابی طالب سلام الله علیهما نازل شده. در این کتاب تمامی شأن نزول ها، تأویل ها و تفسیرهای آیات از کتب و مصادر عامه آورده شده است. - حضرت مهدی سلام الله علیه در کتب اهل سنت:

این کتاب شامل مجموعه زیادی از روایات نبوی پیرامون حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است و تمامی مصادر آن از کتاب های عامه می باشد. این اثر ارزشمند از تألیفات ایشان در کربلای معلّا و در ۱۲۶ صفحه چندین بار چاپ شده که نخستین چاپ آن مربوط به سال ۱۴۰۰ ق در مؤسسه الوفا لبنان می باشد. - حقائق عن الشيعة: (شیعه و اتهامات ناروا)

این کتاب در اثبات عقاید و رد برخی شبهاتی است که از طرف دشمنان مذهب مطرح شده و ایشان در این کتاب با بیانی روشن، زیبا و آسان به این شبهات پاسخ داده اند. کتاب مذکور از تألیفات آن بزرگوار در کربلای معلّا است که در ۸۰ صفحه چندین مرتبه به چاپ رسیده است • کتاب های فرهنگی:

در این بخش به معرفی آثار فکری و ارشادی معظم له می پردازیم: - قیاس در شریعت اسلامی:

این کتاب مسأله مهم قیاس و احکام آن را در شریعت و دین اسلام مورد بحث و بررسی قرار می دهد و از تألیفات ایشان در شهر مقدس کربلاست. - منزلت نماز جماعت در اسلام:

این کتاب شامل مجموعه ای از احادیث شریفه در فضیلت نماز جماعت و بیان فلسفه و احکام آن است و ایشان در سن جوانی در

کویت تألیف کرده اند. - روزه:

فلسفه روزه و احکام آن که به صورتی ساده و روان در کربلا تألیف شده و در نجف اشرف به چاپ رسیده است. - حج شامل احکام و مسائل مربوط به حج به صورت ساده و روان که در کربلا تألیف شده است. - مقدماتی در اقتصاد اسلامی:

در این کتاب که در کویت و ایران به چاپ رسیده ویژگیهای مهم اقتصاد اسلامی بررسی شده و تفاوت آن با دیگر مکاتب اقتصادی به روشنی نمایان شده است. - اقتصاد و مشکل ربا:

بیانگر زیان های ربا در اقتصاد جهانی و راه حل آن می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی است که در کویت و ایران به چاپ رسیده است. - اسلام و سیاست: (السیاسة من واقع الإسلام)

در این کتاب دیدگاه اسلام درباره سیاست و سیره رسول خدا، امیرالمؤمنین و ائمه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين در زمینه مسائل سیاسی شرح و توضیح داده شده است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلاست و شامل ۴۱۴ صفحه می باشد و ترجمه آن به نام اسلام و سیاست در ایران به رشته چاپ در آمده است. - شراب و جامعه:

زیان ها و مفسد شراب در جامعه موضوع این کتاب است که ایشان در کربلا تألیف کرده اند و چندین بار در نجف و قم تجدید چاپ شده است. - زشتی های بی حجابی:

شامل بحثی درباره ضرورت حجاب و مفسد بی حجابی می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی در کربلا تألیف شده است. - داستان های آموزنده:

شامل مجموعه ای از داستان های آموزنده و از نوشته های ایشان در سن جوانی در کربلا تألیف شده که در نجف اشرف در سال ۱۳۷۸ ق به چاپ رسیده است. - حدود در اسلام:

این کتاب درباره فلسفه حدود در اسلام و بیان شروط و احکام آن می باشد و از تألیفات ایشان در کربلا تألیف شده که در بیروت به چاپ رسیده است. - راهی به سوی بانک اسلامی:

این کتاب دیدگاه کاملی درباره بانکداری اسلامی ارائه می دهد و مسائل و اشکالات برطرف شدن قانون ربا را در نظام بانکی بررسی می نماید و مسائل و وظایف مهم بانک های اسلامی را با توجه به آخرین نظریات موجود در قانون اقتصاد جهانی روشن و بیان می کند. این اثر ۱۰۴ صفحه دارد و در سال ۱۳۹۲ ق در کربلا تألیف شده و در سال ۱۹۷۲ م در دارالصادق لبنان به چاپ رسیده است • رجال و شخصیت ها

- مالک اشتر نخعی:

شرح حال شخصیت و سردار بزرگ اسلام مالک اشتر نخعی رضوان الله تعالی علیه است که در کربلا تألیف شده و در سال ۱۳۸۷ ق در چاپخانه الغری الحدیثه در نجف اشرف به چاپ رسیده است. - شهید اول:

شرح حال و بیان زندگی مختصری از شهید اول شیخ شمس الدین ابو عبد الله محمد بن جمال الدین مکی فرزند شمس الدین محمد مطلبی دمشقی عاملی جزینی همدانی است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلا تألیف شده و ضمن سلسله کتاب هایی تحت عنوان «بزرگان شیعه» می باشد که در نجف اشرف چاپ شده است. - شهید ثانی:

شرح حال مختصر شهید ثانی شیخ زین الدین علی بن احمد الجبل عاملی می باشد. این اثر از نوشته های آن بزرگ مرجع در کربلا تألیف شده و جزء سلسله کتاب های «بزرگان شیعه» است که در نجف اشرف به چاپ رسیده است. - پدر:

این کتاب شامل بخش های آموزنده ای از زندگی مرحوم آیت الله العظمی حاج سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره می باشد که به مناسبت چهلمین سالگرد رحلت آن مرجع عظیم به رشته تحریر در آمده است.

شایان ذکر است تعدادی از کتاب های یادشده به زبان های فارسی، انگلیسی، اردو، آذری، کردی، بنگالی، سواحلی، هندی و دیگر زبان ها ترجمه شده و به چاپ رسیده است.

اجازه مرحوم آیت الله العظمی سید محمد شیرازی قدس سره

متن اجازه اجتهاد و ارجاع از طرف مرحوم حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته به حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظلّه العالی در امور تقلید.

« ترجمه متن »

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على محمد و آله الطاهرين

اما بعد، همان گونه که از نزدیک مشاهده کردم، حضرت آیت الله حاج سید صادق شیرازی دامت تأییداته به مرتبه بالایی از مقام اجتهاد و همچنین مقام والایی از تقوا و عدالت رسیده است و ایشان را شایسته مقام فتوا و تقلید و هر آنچه یک فقیه عادل عهده دار می شود، می دانم.

بنابراین رجوع به ایشان در کلیه مسائل، مشروط به اجازه مرجع عادل و تقلید از ایشان جایز می باشد، و او را به تقوای بیشتر و احتیاط در کلیه احوال که راه نجات است توصیه می کنم، همان گونه که برادران ایمانی را سفارش می کنم تا به گرد ایشان جمع شده، از وجودشان در کلیه زمینه ها استفاده کنند. خدای متعال توفیق دهنده و هدایتگر می باشد و تنها او یاری دهنده است. محمد الشیرازی

حسینی کوهساری، اسحاق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید اسحق حسینی کوهساری

محل تولد: نکا- ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۲/۱۵

زندگینامه علمی

حقیر سید اسحاق حسینی کوهساری در سال ۱۳۲۸ در روستای کوهسار کتن از توابع شهرستان نکا متولد شدم. دوران ابتدائی تحصیل را در حوزه علمیه نکا تحت نظر آیت الله سیموندهی طاب ثراه و سپس به مدت چهار سال در حوزه علمیه امام صادق (ع) قم تحت نظر آیت الله دار ابکلائی ادامه تحصیل داده ام.

در سال تحصیلی ۴۶-۴۷ وارد حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه سعادت تحت نظر آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی تحت اشراف و نظر آن دو عزیز به تحصیل ادامه داده قوانین را نزد استاد دوزدوزانی، رسائل را نزد استاد اعتمادی، مکاسب را نزد استاد ستوده، کفایتین را نزد آیت الله سلطانی و اسفار را نزد حسن زاده آملی و جوادی آملی و استاد مصباح یزدی گذراندم. تقریباً دو دوره درس اصول و فقه آیت الله میرزا هاشم آملی و مقدار اندکی از محضر آیت الله گلپایگانی و مرتضی حائری و مدت ۸ سال از محضر آیت الله تبریزی و مدت ۶ سال از محضر آیت الله جوادی و مدت ۴ سال از محضر آیت الله منتظری استفاده کرده ام.

تقریباً چند سال قبل از انقلاب وارد مدرسه در راه حق شده و دوره آموزشی دروس معارف و فلسفه و بقیه دروس موسسه را گذرانده و سپس وارد موسسه باقرالعلوم (ع) و بعد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شده ام. مدت ۱۲ سال به عنوان مدرس دروس معرفت شناسی، انسان شناسی، و خداشناسی با طرح ولایت بسیج دانشجویی افتخار همکاری داشته ام و پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآنی موسسه را دریافت نموده ام. حقیر از سال ۶۰-۵۹ جز اولین گروهی بوده ام که وارد دانشگاه تهران شده ام و از آن زمان تاکنون به عنوان تدریس معارف اسلامی ۱ و ۲ اخلاق، تاریخ اسلام همکاری داشته ام و اکنون عضو گروه الهیات پردیس قم هستم و درس تفسیر تاریخ قرآن و تاریخ تفسیر و درس های وانسیه را به عهده دارم. کتب و مقالاتی هم نگاشته ام که خوشبختانه کتاب تاریخ فلسفه اسلامی به عنوان کتاب درس در مرکز تخصصی فلسفه حوزه تحت مدیریت استاد فیاضی که حقیر افتخار تدریس متن کتاب را بر عهده دارم و مرکز جهانی اهل بیت (جامعه المصطفی کنونی) و دانشگاه معارف اسلامی قم و برخی از دانشگاهها دولتی و آزاد جز کتب درس قرار گرفت و الان تحت چاپ است. حقیر کارشناسی ارشد فلسفه خبرگان بدون مدرک را هم گرفته ام و اخیراً تز دکتری نقد و بررسی مبانی تفسیر عرفانی را تحت نظر استاد سید محمد باقر حجتی و حبیب الله طاهری و مشاوره دکتر الهیات و دکتر سبحانی گذرانده ام. و اکنون مشغول نگارش تفسیر سوره حمد به عنوان کتاب درس دانشگاه و آماده سازی پایان نامه جهت چاپ می باشم. در ضمن حقیر افتخار روحانی کاروان در طول بیست سال را دارم و از نظر منبر و نوکری امام حسین قم و خطابه هم موفق هستم و در استانهای مختلف افتخار نوکری را دارم و الان بواسطه عضویت هیئت علمی امکان رفتن به خارج از قم را ندارم تقریباً در لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب و سپاه قم دانشگاه شهید محلاتی افتخار همکاری را در این داشته و دارم.

حسینی، اسماعیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید اسماعیل حسینی

محل تولد: آذربایجان شرقی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۳/۳۰

زندگینامه علمی

بنده حقیر در استان آذربایجان شرقی، شهرستان اهربخش خاروانا در روستای نچق در سال ۵۶ بدنی آمدم بعد از آنکه به سن هفت سالگی رسیده‌ام، تحصیلات ابتدائی را در همان محل طی کرده و چون در محل خودمان (روستای نچق) مدرسه راهنمایی نبود لذا برای ادامه تحصیلات در مقطع راهنمایی به بخش خاروانا مراجعه کرده و در آنجا مشغول تحصیل در مقطع راهنمایی شدم. بعد از تعطیلات دوره راهنمایی به جهت این که علاقه زیادی حتی از دوران ابتدائی به درس های حوزه و علوم دینی داشتم تا در آینده روحانی خوبی باشم حتی در همان محل با این که معلمین اسرار می کردند که درس شما خوب است همین دروس را ادامه بدهید با این حال این علاقه شدید مرا از آن درس های دوره دبیرستانی منصرف کرد و آمدم به نزدیکترین محل که شهرستان جلفا و هادی

شهر بود در آنجا به تحصیلات حوزوی مشغول شدم، بعد از یک سال تحصیل در آنجا دیدم وضعیت آنجا مرا قانع نمی‌کند و بر بنده چنان مفید واقع نمی‌شود، برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه ولیعصر (عج) تبریز انتقال گرفتم و ادامه تحصیلات مقدماتی را در آن حوزه مبارکه گذراندم و در سال ۸۰ به قم آمدم و در خدمت استادانی چون استاد محسن فقیهی و استاد فاطمی و استاد سید حسن خمینی و استاد سیدمحمد ابن الرضا خونساری درس رسایل و مکاسب و کفایه را آموختم و الان در خدمت آیت الله سبحانی و آیه الله مکارم شیرازی و استاد محمدابن الرضا درس خارج فقه و اصول را فرامی‌گیرم.

اینجانب بعد از طی دوره مقدماتی علاقه زیادی به تبلیغ و تحقیق داشتم که این علاقه در سال ۱۳۸۵ که از طرف مقام معظم رهبری به سال پیامبر اعظم (ص) نام گذاری گردید مرا شدیداً وادار نمود تا در آن سال بتوانم کتابی در مورد آن حضرت به رشته تحریر درآورم. از آن سال به بعد هم اکنون مدتی است مشغول تحقیق در عنوانهای مختلفی می‌باشم از جمله: (کتابی به نام راهی بسوی سعادت «مواعظ و سفارشات رسول اکرم (ص) به علی (ع) و اباذر» که چاپ شده، و آداب زندگی در سیره رسول اکرم (ص) «اخلاقی-اجتماعی-عبادی-سیاسی وچهل حدیث» که در دست چاپ است و کتابهایی در موضوعات کرامات و معجزات رسول اکرم (ص) و راههای مبارزه با فقر و پز شک خانواده) که هنوز آنها را باخاطر مشکلات مالی نتوانستم به چاپ برسانم و بنده حقیر حافظ نصف قرآن کریم می‌باشم و به رشته تفسیر و علوم قرآنی بیشتر علاقه داشته و کار می‌کنم که تا در آینده به حول قوه الهی بتوانم در عنوانهای تفسیری تحقیق و تدریس داشته باشم «انشاءالله»

حفید تفتازانی، سیف‌الدین، احمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۱۶ق)، فقیه، محدث، مفسر و متکلم شافعی. معروف به شیخ الاسلام. چون از نوادگان محقق تفتازانی بود، به احمد حفید نیز شهرت داشت. وی مدت سی سال در زمان سلطان حسین بایقرا عهده‌دار قضای هرات بود. شاه اسماعیل صفوی، او را با پنج تن از علماء هرات در مرو کشت. وی در بیشتر علوم زمان، بویژه فقه و حدیث و تفسیر یگانه‌ی زمان و فرید عصر بود. از آثار وی: «شرحی بر تهذیب المنطق و الکلام»؛ «تعلیقه بر شرح عقاید نسفیه»؛ «حاشیه بر مختصر»؛ «حاشیه بر مطول»؛ «الفوائد و الفرائد» و «شرح فرائض السراجیه»؛ «حاشیه بر شرح الوقایه لصدر الشریعه».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حیب السیر (۳۴۹/۴)، روضات الجنات (۳۵۳-۳۵۲/۱)، کشف الظنون (۲۰۲۳، ۱۴۸۰، ۱۲۴۷، ۱۱۴۴، ۵۱۶، ۴۷۵)، الکنی و الالقاب (۱۲۲-۱۲۱/۲)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۲۰۶-۲/۲۰۵)، هدیه العارفین (۱۳۸/۱).

حقی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی حقی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۸۱ به بعد در درسهای فقهی حضرات آیات وحید خراسانی و مرحوم آیت الله تبریزی شرکت کردم و همزمان به تدریس درس مکاسب مرحوم شیخ در مدرسه خان و مدرسه امام عصر اشتغال دارم و از سال ۸۳ تاکنون به همراه دوست گرامی جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای سید علی عماد بیرجندی طرحی را که در ارتباط با فقه القرآن با نگاهی متفاوت از آنچه تاکنون رایج بوده آغاز کرده ایم که احتمالاً برای تکمیل آن بین ۱۰ تا ۱۵ سال نیاز به زمان است و می تواند آثار و نتایج علمی خوبی برای محققان حوزوی در برداشته باشد. طرح مذکور در مرحله فیش برداری و مطالعات اولیه قرآنی قرار دارد و در مراحل بعد نیاز به همکاری و یاری تعداد زیادی از محققان حوزه خواهد داشت که امید است مورد عنایت حضرت ولی عصر قرار گیرد.

تنظیم آثار علمی مرحوم والدم که شامل دست نوشته های فراوان فقهی، تفسیری، کلامی و فلسفی است از دیگر دغدغه های اینجانب است که امیدوارم بتوان سر و سامانی به آنها داده و بخشهایی از آن را به جامعه عرضه دارم، انشاء الله. از سال ۷۷ تا ۸۴ نیز بطور مستمر در حلقه جلسه تفسیر جمعی از بزرگان حوزه که بصورت هفته ای ۲روز تشکیل می شد شرکت کرده و بهره علمی فراوانی از محضر آقایان بردم. همچنین با توجه به نیاز فراوان جوانان و نوجوانان به مفاهیم و معارف ناب قرآن و اهل بیت و کمبود کارهای علمی و بی توجهی به این سنین از سوی محققان حوزه ای، طرح چند جلد کتاب آموزشی موضوعات منتخب قرآن همراه با معانی قابل درک و ابزارهای تفهیم و انتقال این مفاهیم به گروههای سنی ۴ تا ۱۸ سال را در دست تالیف و تحقیق دارم که امیدوارم به تدریج تکمیل و به جامعه عرضه گردد. بخشهایی از این موضوعات در موسسه حفظ قرآن کوثر و مدارس تابع آن در سالهای گذشته تدریس شده و نتایج مثبت آن مورد ارزیابی قرار گرفته است و هم اکنون آماده تکثیر و ارائه به سایر مراکز آموزشی کشور است.

حکمت، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مورخ، شاعر، مترجم.

تولد: ۱۲۷۱ (۱۳۱۰ ق.)، تهران.

درگذشت: ۳ شهریور ۱۳۵۹، تهران.

علی اصغر حکمت فرزند احمد علی مستوفی (حشمت الممالک شیرازی) بود. اجداد وی از علمای شیراز بودند و از طرف مادر نیز نوهی حسن فسایی نویسندهی کتاب فارسنامه ناصری بود و جد او سید علیخان کبیر صاحب شرح صحیفه نام داشت.

علی اصغر حکمت تحصیلات علوم قدیم (مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی) را در شیراز (در مدرسه‌ی علمیه و منصوریه) فراگرفت. سپس در تهران در دبیرستان کالج آمریکایی به تحصیل ادامه داد. در تاریخ ۱۳۳۷ ق. در وزارت معارف مشغول به کار

شد. در سال ۱۳۴۶ ق. به وزارت دادگستری انتقال یافت و در سال ۱۳۰۹ به منظور تکمیل تحصیلات خود به فرانسه و انگلستان عزیمت کرد و از دانشگاه سربن پاریس در رشته‌ی ادبیات فارغ‌التحصیل گردید و به تهران بازگشت.

مشاغل و فعالیت‌های وی به این شرح است: رییس بازرسی وزارت معارف، ۱۲۹۹؛ رییس اداره‌ی کل معارف، ۱۳۰۷؛ مأمور مطالعات در تعلیم و تربیت و قوانین ثبت اسناد در اروپا، ۱۳۱۲ - ۱۳۰۰ (بازگشت به تهران در شهریور ۱۳۱۲)؛ کفیل وزارت معارف، ۱۳۱۲؛ وزیر فرهنگ، ۱۳۱۷ - ۱۳۱۳؛ رییس دانشگاه تهران، ۱۳۱۷ - ۱۳۱۴؛ وزیر کشور، ۱۳۱۸؛ وزیر بهداری، ۱۳۲۰؛ وزیر دادگستری، ۱۳۲۲؛ رییس کمیسیون ملی یونسکو در ایران از سال ۱۳۲۵؛ وزیر مشاور؛ ۱۳۲۶ و ۱۳۳۲ وزیر امور خارجه، ۱۳۲۸ - ۱۳۲۷؛ استاد کرسی تاریخ مذاهب و ادبیات ایران در دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۹؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۹؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس عمومی یونسکو منعقد در فلورانس (۱۹۵۰) و دهلی نو (۱۹۵۶)؛ سفیر کبیر ایران در هند ۱۳۳۶ - ۱۳۳۲؛ وزیر مختار در تایلند، ۱۳۳۵؛ وزیر امور خارجه، ۱۳۳۸ - ۱۳۳۷؛ رییس هیئت مدیره انجمن آثار ملی، ۱۳۳۳ - ۱۳۲۴؛ رییس هیئت مؤسسان انجمن آثار ملی و ریاست انجمن، ۱۲۴۴؛ از نخستین اعضای فرهنگستان ایران؛ بنیانگذاری مجله «تعلیم و تربیت» (این مجله از انتشارات وزارت فرهنگ بود و شماره‌ی اول آن در فروردین ۱۳۰۴ منتشر شد)؛ حکمت در بیست و یکم خرداد ۱۳۵۱ کتابخانه شخصی خود را شامل پنج هزار جلد کتاب چاپی، تعداد زیادی نسخ خطی و مجموعه‌های روزنامه (از زمان ناصرالدین شاه تا زمان معاصر) و مجموعه‌های کتاب‌های تفسیر و کتاب‌های مربوط به قرآن (از عربی و فارسی و انگلیسی و تعدادی مرقعات) به کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران اهدا کرد که در مخزنی به نام او نگاهداری می‌شود، شرکت در جلسات کانون دانش پارس (به هنگامی که وی برای تدریس و سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات به شیراز می‌آمد، به پیشنهاد علی سامی ریاست افتخاری کانون دانش به او واگذار شد)، شرکت گاییگاه در جلسات «شب‌های شیراز» در تهران.

از جمله نشان‌های اوست: نشان درجه اول وزارت فرهنگ، ۱۲۹۹؛ نشان لژیون دونور از دولت فرانسه؛ نشان درجه اول همایون، ۱۳۲۵؛ نشان درجه اول نیل از دولت مصر، ۱۳۱۸؛ نشان درجه اول الکوکب الاردنی از دولت هاشمی اردن؛ ۱۳۲۸، نشان درجه‌ی اول سردار اعلا از دولت افغانستان، ۱۳۲۹؛ نشان رسمی درجه‌ی اول از دولت‌های هلند، دانمارک، انگلستان، ژاپن و ایتالیا.

فهرست آثار او به شرح زیر است: امثال قرآن مجید (فصلی از تاریخ قرآن کریم، ۱۳۳۳)، حروف مقطعه‌ی قرآنی یا فواتح صدور و فصلی از تاریخ قرآن (۱۳۳۱، نشریه مجله «مهر»); تفاسیر بوعلی سینا از قرآن مجید؛ تصحیح و تحشیه کشف الاسرار و عدّه‌الابرار خواجه رشیدالدین میبیدی معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری؛ سعدی تا جامی (ترجمه‌ی جلد سوم دوره‌ی تاریخ ادبیات ادوارد براون، در منبع دیگر به این صورت از آن یاد شده است: ترجمه‌ی جلد سوم تاریخ ادبی ایران و در منبع دیگری آمده است: چهارمین جلد از تاریخ ادبیات ایران، (۱۳۲۷)؛ شادباش نوروزی (مجموعه اشعار، ۱۳۲۶)؛ پارسی نغز (مجموعه آثار پارسی سره از نویسندگان ایران قدیم و جدید، ۱۳۲۳)؛ امین و مأمون (ترجمه عربی آثار جرجی زیدان)؛ پنج حکایت از شکسپیر (دو جلد، لاهور، ۱۹۵۷ م.)؛ پنج درام از شکسپیر (دو جلد، تهران، ۱۳۳۳)؛ دوستداران وطن، تقویم معارف از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ (تحصیح و تحشیه)؛ جام جهان نما؛ رساله‌ی قضایای عامه در «علوم طبیعی» ترجمه از انگلیسی؛ رساله در باب علیشیر نوایی (۱۳۲۶)؛ ایران در فرهنگ جهان (۱۳۲۶)؛ شعر معاصر؛ رستاخیز (اثر لئون تولستوی، ۱۳۳۹)؛ راه زندگی (اثر نیکلا حداد مصری، ۱۳۴۶ ق.)؛ شرح حال و منتخب جامی (ظاهرا همین کتاب با نام زندگی جامی شاعر ایرانی در سال ۱۳۲۰ هم به چاپ رسیده است)؛ مطالعاتی در باب حافظ (با عنوان دیگری: درسی از دیوان حافظ نیز به چاپ رسیده است، ۱۲۲۰ - ۱۳۱۹)؛ مطالعه تطبیقی رومئو و ژولیت با لیلی و مجنون نظامی (۱۳۱۷)؛ مقدمه و تحشیه و تصحیح مجالس النفائس علیشیر نوایی؛ رساله در احوال «اثر» پرشکفتی شاعر معروف فارسی؛ نقش فارسی بر احجار هند (کلکته، ۱۹۵۷ م.)، چاپ دوم، تهران، ۱۳۳۸)؛ شکونتلا یا انگشتر گمشده (کالیداس، ترجمه، بمبئی، ۱۳۳۶)؛ نه گفتار در تاریخ ادیان (شیراز، نشریه دانشگاه، تهران، ۱۳۴۱)؛ الواح بابل (اثر ادوار شی‌یر، ۱۳۴۱)؛ اسلام از نظرگاه

دانشمندان غرب (۱۳۴۰، چاپ دوم)؛ اصول فن مناظره (۱۳۱۶)، افسانه دلپذیر (اثر ویلیام شکسپیر، ۱۳۲۱)، الف لیله و لیله (مقدمه کتاب به قلم حکمت، ۱۳۱۵)؛ گلزار حکمت جلد اول؛ مجله‌ی «تعلیم و تربیت»؛ مجله‌ی رسمی وزارت معارف از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۵. سخن حکمت شامل سه هزار و پانصد بیت از اشعار حکمت با مقدمه‌ی سید حسن سادات ناصری به خط نستعلیق ابراهیم بوذری، سرزمین هند (۱۳۳۷، نشریه‌ی ۵۱۵ دانشگاه تهران)، تاریخ ادیان، دیوان جامی (با مقدمه و تصحیح و اهتمام ایشان). گذشته از این مجموعه مقالاتی که به قلم وی در مجلات مختلف ایران منتشر شده و همه شامل مباحث ادبی و تاریخی است.

علی‌اصغر حکمت روز دوشنبه سوم شهریور ۱۳۵۹ برابر چهاردهم شوال ۱۴۰۰ ق. در تهران وفات یافت و در شیراز در مقبره‌ی خانوادگی در حضرت عبدالعظیم «باغ طوطی» به خاک سپرده شد.

فرزند احمدعلی خان حشمت‌الممالک است که در ۱۲۷۲ در شیراز تولد یافت. حشمت‌الممالک از مستوفیان شیراز بود. حکمت تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شیراز گذراند و در رشته‌های ادبیات فارسی و عربی مطالعاتی نمود و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران وارد شد و ضمن گذراندن مدرسه‌ی آمریکائی، تحصیلات ادبی و فقه و اصول را ادامه داد و نزد حکما و فقهاء درجه اول آن روز مانند مرحوم میرزا طاهر تنکابنی تلمذ کرد.

در ۱۲۹۷ وارد خدمات فرهنگی گردید و با نشر مقالات محققانه و تدریس زبان انگلیسی در مدارس متوسطه، کسب شهرت نمود و وارد فعالیت‌های سیاسی شد و با کمک عده‌ای از دوستان و همفکران خود، به زعامت علی‌اکبر داور حزب رادیکال را بنیانگذاری کردند. تا ۱۳۰۹ در وزارت معارف خدمت می‌نمود و مشاغلی مانند ریاست کارگزینی، بازرسی و اداره کل معارف را تصدی می‌نمود. در این سال به تشکیلات جدید داور در دادگستری وارد شد و پس از چندی برای مطالعه در امور قضائی و ثبتي به اروپا اعزام گردید.

حکمت در اروپا وارد دانشکده‌ی حقوق و ادبیات گردید و درجه‌ی لیسانس از هر دو رشته گرفت. مأموریت دیگر حکمت در اروپا، مطالعه در امر آموزش و پرورش دانشگاه بود. وی در این مدت تحقیقاتی درباره‌ی امر تعلیم و تربیت به عمل آورده و مرتباً گزارش آن را به تهران ارسال می‌داشت.

حکمت در شهریور ۱۳۱۲ به تهران احضار شد و در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی ابتدا کفیل و بعد وزیر معارف و رئیس دانشگاه گردید. حکمت در کابینه‌ی جم نیز وزیر فرهنگ بود تا اینکه در شهریور ماه ۱۳۱۷ از خدمت معاف شد.

دوران پنج ساله‌ی وزارت فرهنگ علی‌اصغر حکمت را باید دوران تحول فرهنگی در ایران نام نهاد. تأسیس دانشگاه تهران، تأسیس دانشسراهای مقدماتی در سراسر کشور، برگزاری جشن هزاره‌ی فردوسی، تأسیس فرهنگستان ایران، بوجود آوردن پیشاهنگی و تغییر برنامه‌های مدارس به اصول تعلیماتی کشورهای خارج، ایجاد تحول در زبان و ادبیات پارسی، توجه به آثار باستانی و تشکیل موزه‌ی ایران باستان و تربیت کادر آموزشی و انتشار نشریات سودمند و توجه به امر ورزش در مدارس، توسعه و تکمیل مدارس ابتدائی و متوسطه از جمله کارهای او بود.

حکمت پس از معافیت از وزارت فرهنگ، شش ماه بلاشغل بود تا اینکه در اسفند ۱۳۱۷ در ترمیم کابینه‌ی محمود جم، به وزارت کشور منصوب شد. در کابینه‌ی دکتر متین دفتری نیز سمت وزارت کشور را عهده‌دار بود. در خرداد ۱۳۱۹ بار دیگر از خدمت معاف گردید و به کار تحقیق و مطالعه پرداخت.

در ترمیم کابینه‌ی فروغی در سی‌ام شهریور ۱۳۲۰، حکمت وزیر بازرگانی و پیشه و هنر شد. در ترمیم دیگر کابینه‌ی فروغی، وزارت بهداری را بر عهده گرفت. در کابینه‌ی سهیلی نیز همچنان وزیر بهداری بود.

در ۱۳۲۲ در نخست‌وزیری دوم علی سهیلی، وزارت دادگستری بر عهده‌ی حکمت قرار گرفت. در کابینه‌ی قوام‌السلطنه در سال ۱۳۲۶ وزارت مشاور یافت. در کابینه‌ی ساعد در ۱۳۲۷ وزیر امور خارجه گردید و در دولت زاهدی وزیر مشاور بود. در ۱۳۳۷ در

کابینه‌ی دکتر اقبال مجدداً وزیر امور خارجه شد و آنگاه به سفارت ایران در هند مأمور گردید. علی‌اصغر حکمت گذشته از اینکه پنج سال در سه کابینه وزیر فرهنگ و رئیس دانشگاه تهران بود، دو نوبت وزیر کشور، دو مرتبه وزیر امور خارجه، یک بار وزیر دادگستری، دو بار وزیر پیشه و هنر، دو بار وزیر بهداری، سه دفعه وزیر مشاور و یک بار سفیر کبیر بوده است.

حکمت در سال ۱۳۱۴ که وزیر فرهنگ بود، کشف حجاب را اجرا کرد و در روز ۱۷ دی ماه جشنی در دانشسرای عالی منعقد نمود و چادر و حجاب از سر عده‌ای از فرهنگیان برداشت و شاه نیز حجاب همسر و دختران خود را برداشته، در آن مجمع شرکت کرد. معلمین و دانش‌آموزان مجبور شدند در مدارس بدون حجاب شرکت نمایند و همین مسئله موجب اشاعه‌ی کشف حجاب گردید. اقدام حکمت در این مورد درخور سرزنش بسیار است. وی در کتابی به نام سی خاطره از عصر پهلوی، اقدام خود را در این زمینه نوشته است و نقش خود را در آن دوران به نمایش گذاشته است. پاداش حکمت در این خوشرقصی، این بود که از کفالت وزارتخانه به وزارت منصوب شد.

حکمت در دو نوبت وزارت امور خارجه‌ی خود دست به یک اقدام فرهنگی زد و آن انتشار مجله‌ی وزارت امور خارجه بود که مقالات تحقیقی و تاریخی زیادی در آن به چاپ می‌رسید و یکی از منابع مهم سیاست خارجی ایران می‌باشد. حکمت در اواخر عمر ریاست یکی از مدارس عالی را بر عهده داشت. وی در جوانی با خواهر سردار فاخر حکمت ازدواج کرده و صاحب سه دختر شد.

او از روز تأسیس دانشگاه تهران، یکی از اساتید و مدرسین دانشکده‌ی ادبیات و علوم معقول و منقول بود و پیوسته با داشتن مشاغل سیاسی، دقیقه‌ای از حضور در سر کلاس غفلت نمی‌ورزید.

دارای تألیفات و تحقیقات بسیاری است که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. ترجمه و تحشیه‌ی تاریخ ادبیات ایران تألیف پروفیسور ادوارد براون تحت عنوان از سعدی تا جامی - پارسی نغز، سرزمین هند، نه گفتار در تاریخ ادیان، دو تفسیر یکی از ابوالفتوح رازی و دیگری از خواجه عبدالله انصاری در ده مجلد است. تاریخ ادیان هم از دیگر تألیفات اوست. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حکیم باشی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن حکیم باشی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

آدرس اینترنتی

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۵ در تهران به دنیا آمدم و در سال ۱۳۵۴ در مشهد مقدس به فراگیری علوم حوزوی مشغول گردیدیم و پس از گذراندن سطوح عالی حوزه در درس خارج فقه و اصول نزد آیت الله فلسفی و آیت الله مرتضوی طی مدت ۲۰ سال شرکت نمودم. همچنین در درس تفسیر آیات معظم میرزا جواد آقا تهرانی، محمد صادق سعیدی رها و آیت الله سید عزالدین زنجانی شرکت کردم. علوم قرآنی را نیز از آیت الله معرفت آموختم. از حدود ۱۵ سال پیش به تحقیق و نگارش در رشته های فقه، علوم قرآنی و تفسیر پرداختم. هم اینک به تدریس فقه، علوم قرآنی و تفسیر در حوزه علمیه مشهد مقدس و دانشکده علوم قرآنی و مرکز تربیت مدرس قرآن اشتغال دارم.

حکیم، منذر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید منذر حکیم

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

بسمه تعالی تولد: ۲۹ شوال ۱۳۷۲ هجری قمری (۲۰/۴/۱۳۳۲ش) کربلا- ورود به حوزه علمیه: ۱۳۴۹-۱۳۵۳ ش، نجف اشرف (مقدمات، سطوح، خارج) ۱۳۵۳-۱۳۷۲ش، قم (خارج) اساتید مقدمات و سطوح: آیه الله شهید سید اسد الله مدنی، آیه الله سید محمود شاهرودی، آیه الله شیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی، آیه الله شیخ بشیرحسین نجفی، آیه الله سید نورالدین اشکوری و حجه الاسلام شیخ محمد سعید نعمانی، شهید حجه الاسلام شیخ ماجد بدرآوی، آیه الله سید محمد تقی طباطبائی تبریزی، آیه الله میرزا حبیب الله اراکی، آیه الله شیخ مرتضی اشرفی شاهرودی، آیه الله سید حسن مرتضوی، استاد شهید سید عبد الصاحب حکیم، آیه الله شیخ ابوالحسن انواری زنجانی، آیه الله شیخ مصطفی اشرفی، آیه الله سید کاظم الحائری، آیه الله سید محمد مفتی الشیعه، استاد شیخ غلامرضا عرفانیان، آیه الله شیخ علی کاتبی مرندی، و آیه الله فرخنده تبریزی، استاد شیخ عباس طبرسی مازندرانی آیه الله شیخ محمد امین زین الدین، حجه الاسلام دکتر شیخ محمد باقر مقدسی. اساتید اخلاق: آیه الله شهید سید اسد الله مدنی، استاد شهید سید عبد الصاحب الحکیم، استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی، استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی، شیخ عبد الحسین واعظ خراسانی، آیه الله شیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی. اساتید تفسیر: استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی، شیخ عباس طبرسی مازندرانی، آیه الله سید حسن مرتضوی، آیه الله شیخ بشیرحسین النجفی، آیه الله خزعلی، آیه الله جوادی آملی. خارج اصول در محضر آیات عظام: آیه الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی، آیه الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر، آیه الله العظمی شیخ حسین وحید خراسانی، آیه الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، آیه الله العظمی میرزا هاشم آملی، آیه الله العظمی سید کاظم حائری، آیه الله العظمی سید محمد مفتی الشیعه اردبیلی. مباحث خارج فقه در محضر محضر آیات عظام: امام خمینی (ره)، شهید سید محمد باقر صدر، سید علی سیستانی، میرزا کاظم التبریزی، شیخ محمد طاهر آل شیر خاقانی، میرزا جواد آقای تبریزی، شیخ حسین وحید خراسانی، سید کاظم حائری را درک نمودم. تدریس: تمام دروس مقدمات، کتب سطوح اولیه و سطوح عالی حوزوی، خارج تاریخ و علوم تاریخ، علوم قرآن و تفسیر، علوم تربیتی و اخلاق، فلسفه و کلام، مباحث جامعه

شناسی کلیه دروس معارف در دانشگاه در مقاطع مختلف تحصیلی استاد مشاور و راهنمای و داور در بسیاری از رساله های علمی در مرکز جهانی علوم اسلامی و (جامعه المصطفی العالمیه)، حوزه علمیه قم، جامعه الزهراء، مرکز مدیریت خواهران، جامعه آل البيت (ع)، مؤسسه پژوهشی امام خمینی (قدس). برخی تحقیقات و تألیفات: - المرشد الی تعلیم قراءة القرآن الکریم - اصول عقائد (در دو سطح مقدماتی) - نگاهی به سر فصل ها و متون دروس معارف اسلامی در دانشگاهها - ترجمه ی اصول فلسفه و روش رئالیسم ج ۱ - تحقیق فقه معالم الدین - تحقیق رساله لاضرر شیخ انصاری - تحقیق مقالات الأصول (محقق عراقی) - تاریخ تطور فقه و اصول در مکتب اهل بیت (ع) - حیاة الإمام شرف الدین - عصر الإمام شرف الدین - قراءة فاحصة فی تراث الإمام شرف الدین - عصر الإمام البلاغی - قبسات من حیاة شهید المحراب السید محمد باقر الحکیم - تاریخ عصر غیبت باهمکاری پور سید آقایی - درسنامه عصر غیبت - تاریخ عصر غیبت کبری - النظریة الإجتماعیة فی فکر الشهید السید محمد باقر الصدر (جامعه شناسی قرآنی) - موسوعه أعلام الهدایة (جلد ۱۴) - فی رحاب أعلام الهدایة (جلد ۵) - موسوعه "تأریخ الإسلام (جلد ۴) - قبسات من سیرة القادة الهداء (جلد ۲) - دروس تمهیدیة فی تأریخ و سیرة قادة الهداء (جلد ۲) - فی رحاب سید المرسلین الرسول المصطفی (ص) برخی طرح های علمی: - نظریه ی اخلاقی اسلام - مبانی نظریه و نظام اخلاقی اسلام - طرح تاریخ و علوم تاریخ در قرآن کریم - طرح پیشنهادی آموزش در مقطع اجتهاد - مبانی و زمینه ها و شیوه ایجاد تحول در حوزه های علمیه - برنامه آموزشی پیشنهادی برای حوزه های علمیه بر محوریت قرآن کریم برخی مسؤولیت ها: مدیریت سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مدیریت حوزه های علمیه اهواز و دزفول مدیریت پژوهش در: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (بخش عربی) مدیریت برنامه ریزی و آموزش در: سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مجمع اندیشه اسلامی مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران و... مدیریت اولین دوره ی تربیت محقق در مؤسسه ی دائره المعارف فقه اسلامی مدیریت گروه فقه خانواده در جامعه المصطفی العالمیه مدیریت گروه فقه در دانشگاه مجازی المصطفی

حکیمی - محمد رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد حکیمی در چهاردهم فروردین ۱۳۵۴ (۱۳۱۴ ق) (استاد، تاریخ درگذشت خویش را به اصحاب سرش گفته است و «سر اهل السر مما لا یباح»؛ اما امید است که با دعای همان اصحاب سر، آن تاریخ به تأخیر افتد و استاد دیرتر بزید. ان ذلک علی الله یسیر.)، در مشهد زاده شد. پدرش، حاج عبدالوهاب حکیمی (م ۱۳۶۹ ش)، که از یزد به آستان امام رضا - ع - پناه برده بود، از محترمین بازار مشهد و متشرع و اهل مراقبه بود و از شبهات می گریخت. حکیمی در سال ۱۳۲۰ به مکتب و سپس به مدرسه رفت. پس از فرا گرفتن قرآن و صد کلمه (از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی - ع - با ترجمه ی منظوم)، و نیز مقداری از دیوان حافظ، درسهای دوره ی ابتدایی را در مدرسه فرا گرفت. در سال ۱۳۲۶ به حوزه ی علمیه ی مشهد وارد شد و بیست سال در آنجا به علم اندوزی و خود سازی پرداخت. هشت سال به درسهای مقدمات و سطح و دوازده سال به درس خارج اشتغال داشت و در جنب آن، پانزده سال به تحصیل فلسفه و کلام پرداخت.

ادبیات عرب را نخست در نزد چند تن از طلاب فاضل، و بار دیگر در نزد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری، معروف به ادیب ثانی (م ۱۳۵۵ ش)، فرا گرفت و تقریرات همه ی دروس او را نوشت. اصول فقه و فقه را در محضر آیت الله میرزا احمد مدرس یزدی (م ۱۳۵۰ ش)، که خویشاوندش بود، و آیت الله علی نمازی شاهرودی (م ۱۳۶۴ ش)، و دیگر دروس سطح و مقداری از خارج را، از

جمله خارج کفایه، در محضر آیت الله شیخ هاشم قزوینی (م ۱۳۳۹ ش)، آموخت. همچنین دوازده سال از افاضات آیت الله شیخ مجتبی قزوینی (م ۱۳۴۶ ش)، بهره برد و جلدین کفایه و خارج فقه و نیز درس معارف اعتقادی و اجتهادی و فلسفه (شرح اشارات و اسفار) و نقد فلسفه را از محضر او فرا گرفت و ضمن تماشای رواق اشراق، همراه مشائیان تمشی کرد. ده سال نیز در درس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی (م ۱۳۵۴ ش)، حاضر شد و تقریرات درس اصول وی را بتفصیل و تقریرات برخی از دروس فقه را باختصار نوشت.

شرح باب حادی عشر را از بعضی از فضلا، و شرح تجرید را در محضر شیخ عبدالنبی کجوری (م ۱۴۱۹ ق)، و شرح منظومه را از شیخ غلامحسین محامی بادکوبه‌ای (م ۱۳۳۳ ش)، آموخت، در پی آموختن علوم مرسوم حوزه، در سری هم در علوم دیگر کشید که مبادا چیزی را فروهسته باشد: نجوم و تقویم را در نزد حاج شیخ اسماعیل نجومیان (م ۱۳۵۶ ش)، و اوفاق و رمل را از محضر حاج سید ابوالحسن حافظیان (م ۱۳۶۰ ش)، و حاجی خان مخیری (م ح ۱۳۵۰ ش)، و شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. گزافه نیست اگر بگویم از کوچکی آثار بزرگی در مشی حکیمی نمایان بود: بالای سرش ز هوشمندی می تافت ستاره‌ی بلندی. شاهد اینکه در نوزده سالگی، هنگامی که درسهایش در نزد ادیب ثانی پایان یافته بود، قصیده‌ای به عربی، در بیش از چهل بیت، پاس مقام استاد را، سرود و در شب نوروز ۱۳۳۳، به وی پیشکش کرد. آنکه که آن ادیب اریب، آن قصیده‌ی عربی را، از آن طلبه‌ی نوجوان دید، انگشت تعجب به دهان گرفت و او را، علی رؤوس الاشهاد، برکشید و «متنبی جوان» خواند. (شرح این موضوع خواهد آمد).

نیز گفتنی است که استاد حکیمی دو جلد کفایه را در طی یک سال تحصیلی در نزد شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. شیخ استاد چندان از ذکاوت و سرعت انتقال وی شگفت زده شده بود که گفت: «تاکنون کسی با این استعداد ندیدم که جلدین کفایه را در یک سال بخواند». (معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص ۴۰۲).

این را هم بگویم چندی پس از آنکه حکیمی شرح منظومه را به صورت اجتهادی و انتقادی، در نزد محامی بادکوبه‌ای فرا گرفت، وی دیگر او را نه «حکیمی»، که «حکیم» می خواند و می گفت: «یا»ی نسبت را از نام حکیمی بردارید؛ او دیگر نه «حکیمی»، که «حکیم» است.

همچنین روزی آیت الله میلانی، در هنگام درس اصول، پس از اینکه بسمله گفت و خطبه خواند، چشم چرخاند و شاگرد جوانش را، که در گوشه‌ای نشسته بود و در دیدگاه استاد نبود، ندید. سکوت کرد و سکوت مجلس را فرا گرفت که مگر چه شده آقا درس را متوقف کرده است! آنگاه فرمود: آقای حکیمی نیستند. افلاطون تا ارسطو حاضر نمی شد درس را شروع نمی کرد؛ می گفت عقل در مجلس درس حاضر نیست.

آری، آن «متنبی جوان»، در نزد ادیب ثانی، و آن «حکیم»، در نظر محامی بادکوبه‌ای، «ارسطوی دوم» و «عقل مجلس درس»، در نزد آیت الله میلانی بود. و دانستنی است که حکیمی جوانترین فرد در درس میلانی بود و همگان از او پیشنهاد علمی و حوزوی دیرینه‌تری داشتند. حتی در آن جمع، فاضلانی بودند که حکیمی برخی از متون مقدمات و سطح را نزد آنان خوانده بود.

این را نیز بگویم که استاد حکیمی قدم در سی سالگی نگذاشته بود که علامه شیخ عبدالحسین امینی (م ۱۳۴۹ ش)، در نامه‌ای که از نجف برایش نوشت، وی را با عنوان «العلامة الجلیل» مورد خطاب قرار داد. در این نامه، که با عبارت «با هزاران شوق دیدار» آغاز شده، استاد حکیمی به همکاری مطبوعاتی دعوت گردیده و در آن آمده است:

زیاد از حد مایلیم که از قلم و قدم شما خدمات شایانی نسبت به مولا بوده باشد و شما شریک این اعمال گردید که تحقیقا موجب توفیق است. لذا این زحمت را به عهده‌ی جناب عالی می گذارم؛ والا رفقای زیادی در تهران هست که با جان و دل حاضرند که این خدمات را عهده‌دار شوند. و این تصدیع، رمز محبت حقیر است نسبت به شما. (این نامه‌ی بدون تاریخ در حدود ۱۳۴۱ نوشته شده

و تصویری از آن در نزد اینجانب هست).

در همین سالها بود که شیخ آقا بزرگ تهرانی (م ۱۳۴۸ ش)، در ضمن اجازه‌ی روایی به استاد حکیمی، از وی با القاب «الفاضل الکامل البارع الاریب والاستاد المحقق الماهر الادیب» یاد کرد. (شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص ۶۷. تاریخ ابن اجازه رجب ۱۳۸۲، برابر با آذر ۱۳۴۲ است.) و این اجازه کتبی، پس از اجازه‌ی شفاهی‌ای بود که شیخ در حرم مطهر امام رضا -ع- در جمادی الاول ۱۳۸۲ به استاد حکیمی داده بود.

هیچگاه استاد حکیمی از زندگی آموزشی خود حکایت نکرده است؛ فقط در یک - دو جا، آن هم جایی که می‌خواسته است خاطر نشان کند که با علم اصول مخالف نیست، بناچار، از تحصیلاتش، آن هم فقط تحصیلات اصولی خویش، سخن گفته است: در ایام تحصیل، کفایه و مقداری از درس خارج را نزد آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی خواندم، و مقداری خارج کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی. و هفت سال در درس خارج اصول آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (۱۳۱۳ ق - ۱۳۹۵ ق)، حاضر می‌شدم و همه‌ی درس را با دقت می‌نوشتم؛ به طوری که هیچیک از شاگردان ایشان در آن دوره به این تفصیل نمی‌نوشتند. سپس مقداری از مطالب را (از باب «اوامر»)، به عربی برگردانم و در صدد تنظیم و تألیف تقریرات اصول ایشان بر آمدم. بخشی از مقدار عربی شده را نزد ایشان بردم، دیدند و پسندیدند و بسیار تشویق و ترغیب کردند که همه، به همان صورت، آماده شود تا به چاپ برسد. و خود اظهار می‌داشتند که اگر این تقریرات تدوین یابد و تعریب گردد و به چاپ برسد، در شمار بهترین و مهمترین کتب علم اصول جای خواهد گرفت...

باری، این امور بود، لیکن اینجانب پس از تأمل در اینکه در علم اصول فقه کتابهای بسیاری نوشته شده است، و اصول آیت الله میلانی نیز مفصل است، و همچنین پس از اینکه استاد دیگر، مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی، به چاپ کتابهایی در اصول و تقریرات اصولی، افزون بر آنچه هست، رضایت خاطر می‌ندارند، از ترجمه‌ی کامل و چاپ و عرضه‌ی آن تقریرات منصرف گشتیم. (مکتب تفکیک، ص ۳۶۹-۳۶۸. همچنین استاد در همین باره مرقوم داشته‌اند: «کتاب اصولی را که از افاضات مرحوم آیت الله العظمی میلانی (م ۱۳۹۵ ق)، با تحریراتی از خودم، شروع به نوشتن کردم و مقداری را خدمتشان بردم، پس از ملاحظه فرمودند: «اگر این کتاب را تکمیل کنید و چاپ شود کفایه را نسخ می‌کند.» معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص ۴۰۳).

استاد حکیمی سالها در لباس روحانیت بود، (حکیمی تا سال ۱۳۴۵، که در حوزه‌ی مشهد بود، کسوت روحانیت داشت، اما لباسش را سنگین نکرده بود. به جای قبا یک پالتوی ساده می‌پوشید و عمامه‌اش به دستار شبیه بود.) اما هرگز روحانیت را حرفه‌ی خود نکرد. زیرا پس از آنکه لباس روحانیت به تن کند، لباس زهد و اعراض به تن کرده بود. سرانجام در سال ۱۳۴۵، با رضایت استادش، شیخ مجتبی قزوینی، از حوزه و لباس روحانیت بیرون آمد، اما همواره نگاهش به حوزه است و مخاطبش، نسلهای جوان حکیمی جوان، در حوزه علمیه‌ی خراسان، در محضر استادانی زانو زد که، همه و همه، پروا پیشه بودند و از دنیا رسته و پشت کرده به جاه و مقام. هر یک، جهانی در گوشه‌ای بودند و همنشین خدا (گفته‌اند: «رسد آدمی به جای که بجز خدا نبیند»)، اما از این برتر هم در امکان است و می‌توان گفت رسد آدمی به جایی که همنشین خدا شود. این، ادعایی از جانب انسان نیست، بلکه ارتقایی است که خداوند به آدمی ارزانی داشته و فرموده است: انا جلیس من ذکرنی. و خدازی («خدازی»)، از ساخته‌های استاد حکیمی است و آن را معادل کلمه‌ی «متأله» نهاده و در توضیح آن نوشته است: «انسانی که در شناخت خدا و توجه به خدا و عبادت خدا غرق است؛ برای خدا هست و برای خدا زندگی می‌کند...» خورشید مغرب، ص ۱۹۲. به عبارت دیگر، خدازی کسی است که ترجمه‌ی این آیه باشد: قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین. سوره‌ی انعام (۶)، آیه‌ی ۱۶۲. و به دور از تعلقات دنیوی و مرید بازی و آقا منشی و اشرافیگری علمی. استاد حکیمی، حکایت‌هایی از مشی و منش ساده و مردمی آنان نقل می‌کند که امروزه افسانه و مثل شده است و مانند آنها را در کتابهای گذشتگان می‌توان یافت. (شرح حال شماری از این استادان در

کتاب مکتب تفکیک آمده است).

از میان آن استادان، آنکه بیش از همه بر حکیمی تأثیر گذاشت و در معماری شخصیت علمیش نقش داشت، شیخ مجتبی قزوینی بود. وی، به گفته‌ی استاد حکیمی، یکی از سه رکن مکتب تفکیک (مکتب تفکیک به نظریه‌ای گفته می‌شود که قائل به تفکیک دین از فلسفه و عرفان است. شرح آن بیاید.) در قرن چهاردهم هجری بود و صاحب کشف و کرامات و مشرف شده به آستان حضرت ولی عصر - عج - و داری اخلاق باطنی و اهل عبادات و ریاضات و مسغرق در خلصات. (برای تحقیق بیشتر درباره‌ی وی رجوع شود به: محمد علی رحیمیان، متأله قرآنی شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، مقدمه‌ی محمد رضا حکیمی (چاپ اول: قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲). حکیمی دوازده سال از محضر او درس آموخت، اما چهل سال است که به مکارم اخلاقی او رطب اللسان است و هنوز خود را مرید وی می‌داند.

استاد حکیمی در کتاب خورشید مغرب، از چهار تن از متقدمان و چهار تن از معاصران یاد کرده است که به محضر آن حضرت مشرف شدند. چهار فرد اخیر عبارتند از: سید موسی زر آبادی (م ۱۳۵۳ ق)، میرزا مهدی اصفهانی (م ۱۳۶۵ ق)، شیخ علی اکبر الهیان (م ۱۳۸۰ ق) و شیخ مجتبی قزوینی (م ۱۳۸۶ ق). (ر.ک: خورشید مغرب: ص ۲۰۵). از این چهار تن، دو فرد اخیر، استاد حکیمی بودند و دو فرد نخست، استاد استادان او.

به هر رو، حکیمی در محضر استادانی زانوی ادب زد که، به یافت او، به محضر حضرت ولی عصر - عج - حضور یافته بودند. از این روست که وی، شاهکار خویش را (جلد سوم تا ششم الحیاء (کتاب مزبور، تألیف استاد حکیمی و محمد حکیمی و علی حکیمی، از دانشوران حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان، است. این کتاب همواره به استاد نسبت داده می‌شود و ما نیز در کتاب حاضر، برای رعایت اختصار، گاه چنین کرده‌ایم؛ اما به گفته‌ی استاد، الحیاء «تألیف مشترک» است.)، به این چهار چهره تقدیم و از آنان چنین یاد کرده است: «عالمان بزرگ ربانی»، «متألهان سترگ قرآنی»، «سره سازان معارف و حیانی»، «پیرانندگان بنیادهای تعقل قرآنی»، «متعقلان ژرفکاو» و «مربیان تأثیر آفرین». (ر.ک: ترجمه‌ی الحیاء، ج ۳، ص ۳-۴. گفتنی است از آنجا که ترجمه‌ی الحیاء را استاد حکیمی، با دقت بسیار، ویراسته و با متن آن تطبیق داده، در سراسر این کتاب بدان ارجاع داده شده است. به هر حال، ترجمه‌ی الحیاء، اعتبار اصل کتاب را دارد و، مضافاً اینکه، گاه مطالبی افزون بر اصل، به خامه‌ی استاد حکیمی، در آن آمده است).

هنگامی که حکیمی مدارج عالی علمی را در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد گذراند، دو راه در پیش داشت: یا مانند دیگر همدرسان خود در حوزه بماند و به تدریس فقه و اصول بپردازد و، نهایتاً، سر از مرجعیت در آورد، و یا اینکه پلی از حوزه به جامعه و جوانان بزند و خوراک فکری برای آنان فراهم آورد و، نهایتاً، به آنجا برسد که اینک رسیده است.

گذشت که استاد حکیمی، مانند همدرسان خود، در حوزه نماند و پلی از حوزه به جامعه زد و، به عبارت خویش، «هجرت الی التکلیف» کرد. وی در خرداد ۱۳۴۵، هنگامی که از سی سالگی گذشته بود، از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد به تهران آمد، و در واقع، از همه‌ی القاب و مقامات و مزایا و عناوین حوزه چشم پوشید.

استاد حکیمی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ در چند مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی در تهران، از جمله بنیاد فرهنگ ایران، شرکت سهامی انتشار و مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین، اشتغال داشت. (برخی از همکاران حکیمی در انتشارات فرانکلین عبارت بودند از: احمد آرام، احمد سمیعی گیلانی، ابوالحسن نجفی، نجف دریابندری، جهانگیر افکاری، اسماعیل سعادت، عبدالمحمد آیتی، غلامعلی حداد عادل و عبدالحسین آذرنگ. کریم امامی، از مسؤولان این انتشارات، در مصاحبه‌ای گفته است: برخی از کارکنان فرانکلین کسانی بودند که به علت فعالیت‌های سیاسی به زندان رفته بودند و در سازمان‌های دولتی نمی‌توانستند شاغل شوند. مؤسسه‌ی فرانکلین این افراد را می‌پذیرفت و ساواک هم تقریباً راضی بود که اینها در فرانکلین مشغول به کار شوند. زیرا می‌خواست در جایی کار کنند که آمد و رفت و روابطشان زیر نظر باشد. یکی از کسانی که تحت نظر ساواک بود، آقای محمدرضا حکیمی بود.

عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشی (به کوشش)، «سلسله گفت و گوها پیرامون نشر نو فرهنگ»، بخارا (شماره‌ی ۲۲-۲۱، آذر ذ اسفند ۱۳۸۰)، ص ۱۵۷. او، بدرستی و از سر اجتهاد، تشخیص داده بود که باید در مؤسسه‌های فرهنگی داخل شد و تا آنجا که می‌توان «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت». همچنین محض احتیاط و برای اطمینان بیشتر، از دو مرجع تقلید (آیت الله خمینی و آیت الله خوئی)، اجازه گرفت. پس از چند سال فعالیت هم که می‌خواست کناره بگیرد، با استاد مطهری مشورت کرد و او نه تنها کناره‌گیری را صلاح ندانست، بلکه «حرام» شمرد. بدین ترتیب با اطمینان بیشتر به کار مشغول شد و در آن مدت با صتیح محتوایی شماری آثار و تعلیقه نگاری بر چند کتاب مهم، ضمن کار اداری، «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت».

همکاران حکیمی در آن مؤسسه‌ها، او را یک روحانی بی‌عمامه می‌دانستند که بر نمی‌تابد کتابی منتشر شود و کلمه‌ای خلاف دین در آن باشد. به گفته‌ی یکی از همکاران او در انتشارات فرانکلین: «محمدرضا حکیمی همه‌ی دانش و تجربه‌ی خود را معطوف به این می‌کرد که هیچ اصلی از اصول اسلام نقض نشود و نکته‌ای خلاف واقع در نوشته نباشد».

در خود ذکر است که تدریس استاد حکیمی در دانشگاه تهران، در دوره‌ی دکترای ادبیات، از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷، و بنا به دعوات دکتر عبدالحسین زرین کوب بود. در آغاز در حدود سی نفر در این دوره ثبت نام کردند؛ اما دیری نگذشت که بیش از سیصد نفر در کلاسهای استاد حضور می‌یافتند. وی برای نخستین بار به جای متونی چون تاریخ ابن خلکان، که رایج بود، نهج البلاغه را متن درسی قرار داد. استقبال دانشجویان از این کلاس و مرعوبیت ساواک از این ازدحام، منجر بدان شد که با دخالت پلیس و ساواک، تعطیل شود.

همچنین گفتنی است که استاد حکیمی، در پی هجرت تکلیفی از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، به جرم فعالیت علیه رژیم شاه، در سال ۱۳۴۵، چند بار در وی و مرند و سلماس و ارومیه بازداشت و زندانی شد. وی آخرین بار در سال ۱۳۵۷ دستگیر و در کمیته‌ی تهران زندانی گردید.

در آثار حکیمی، تا سال ۱۳۵۷ (پیروزی انقلاب اسلامی ایران)، بیشتر از قیام و پیکار سخن رفته و از موضوعات دیگری هم که سخن گفته شده، قیام و پیکار نتیجه‌گیری و بدان دعوت شده است. (از جمله رجوع شود به: فریاد روزها، سرود جهشها، بیدارگران اقلیم قبله و امام در عینیت جامعه). آهنگ و جهت کلی کتابهای او، تا آن تاریخ، «قیام» است و گفته‌ها و نوشته‌های دیگر مقدمه و زمینه و برای آن است. اما از سال ۱۳۵۷ بدین سو، آهنگ و جهت کتابهای حکیمی تغییر کرد و به «قسط» تبدیل شد. (از جمله رجوع شود به: کلام جاودانه، قیام جاودانه، جامعه سازی قرآنی و الحیاء (بویژه جلد سوم تا ششم)). وی از آن هنگام همواره از قسط سخن گفته و سخنهای دیگر را همچون مقدمه‌ی آن قرار داده و، در واقع، قسط را ترجیح بند سخنان خود ساخته است. بنابراین چکیده‌ی همه‌ی نوشته‌های حکیمی و آهنگ و پیام آن، در یک عبارت، عبارت است از: «قیام به قسط».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

حلبی، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد دکتر علی اصغر حلبی از محققان، مولفان و مترجمان پرکار و کوشای معاصر است و در میان آثار پرشمار او چندین اثر قرآنی دیده می‌شود که یاد خواهد شد. علی اصغر حلبی فرزند علی اکبر در سال ۱۳۲۳ در اردبیل متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را همراه با مقدمات عربیت و فقه و اصول و منطق و فلسفه در مدارس قدیم همان شهر پیش استادان فرا گرفت. او دارای

لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران است. سپس چند سال برای ادامه‌ی تحصیلات عالی به دانشگاه ادینبوره [ادینبورگ] در اسکاتلند سفر کرد و در سال ۱۳۵۹ / ۱۹۸۰ از همان دانشگاه درجه‌ی دکترای فلسفه و فرهنگ اسلامی گرفت. آثار کتابی ایشان اعم از تالیف و ترجمه نزدیک به چهل اثر است. از آن میان این آثار قرآن پژوهانه است: آشنایی با علوم قرآنی، تاثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، ترجمه‌ی تفسیر کبیر فخر رازی که ۴ تا ۵ جلد آن تاکنون (زمستان ۱۳۸۳) منتشر شده است و سرانجام ترجمه‌ی قرآن مجید که معرفی و نقد آن موضوع این مقاله است. در حال حاضر دکتر حلبی به تدریس در دانشگاه‌های تهران و تحقیق و تالیف آثار ارزشمند اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه‌های امروزی فارسی قرآن کریم

حویزی اصفهانی، قوام‌الدین جعفر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۱۵ ق)، فقیه امامی، مفسر اخباری و متکلم. اصلاً از حویزه بود و در کمره مولد شد و در اصفهان مسکن گزید. علم حدیث و اخبار را از محمدتقی مجلس فراگرفت و در علوم معقول و منقول از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری و محقق سبزواری بود. سید صدر قمی شارح «وافیه» و محمد اکمل بهبهانی، پدر علامه وحید بهبهانی، نیز از شاگردان صاحب‌عنوان بودند. وی در تمامی عمر شیخ‌الاسلام و قاضی اصفهان بود به همین جهت در میان علماء به شیخ جعفر قاضی شهرت یافت. او داماد محقق خوانساری بود. از آثار وی: «اصول‌الدین»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «الروضه البهیة»؛ «ذخائر العقبی»؛ در تعقیبات نماز؛ حاشیه بر «کفایه» محقق سبزواری.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۱۵-۱۱۴/۴)، الذریعه (۶/۱۰، ۹۳-۹۲/۶)، روضات الجنات (۱۹۲-۱۸۸/۲)، ریحانه (۸۷-۸۵/۲)، معجم المؤلفین (۱۴۱-۱۴۰/۳).

حویزی، عبدالعلی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۶۵ ق)، فقیه، محدث، مفسر، ادیب و شاعر امامی. معروف به عبدالعلی عروسی. در حویزه متولد شد و در شیراز ساکن. وی استاد سید نعمت‌الله جزایری و معاصر شیخ حر، عاملی و علامه مجلسی است. از آثار وی: شرح «لامیه العجم» طغرای؛ «نورالثقلین»، تفسیری روایی از قرآن، در چهار مجلد؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۶۶-۳۶۵/۲۴، ۶۹۰/۹)، روضات الجنات (۲۷-۲۵/۵)، ریحانه (۱۲۴/۴، ۸۹/۲)، فوائد الرضویه (۲۳۷)، معجم المؤلفین (۲۶۵/۵).

حویزی، فرج الله

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۰۰ - ۱۰۳۱ ق)، متکلم، مفسر، ادیب، شاعر و مورخ امامی. از مردم حویزه خوزستان بود و معاصر با شیخ حر عاملی. وی در بیشتر علوم روزگار خویش دست داشت و تالیفاتش دامنه‌ی گسترده‌ای داشت. اکثر رجال نویسان او را به داشتن فضل ستوده‌اند. از آثار وی: «ایجاز المقال فی معرفه الرجال» درباره‌ی رجال، در دو مجلد؛ «تذکره العنوان» که به پیروی «عنوان الشرف» شرف‌الدین اسماعیل یمنی است، در نحو و منطق و عروض؛ «التفسیر»؛ «الغایه»، در منطق و کلام؛ «الصفوه»، در اصول؛ شرح «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «المناسک الشاهوردیه»، در فقه؛ «دیوان» شعر؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «تاریخ». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۴۱/۵)، اعیان الشیعه (۳۹۵/۸)، ایضاح المکنون (۴۹۹، ۲۷۵/۱)، الذریعه (۲۷۶/۲۲، ۸۱۸/۹، ۴۸۷/۲)، روضات الجنات (۳۴۱ - ۳۹۹/۶)، ریاض العلماء (۳۳۷/۴)، ریحانه (۹۴/۲)، فوائد الرضویه (۳۴۹)، لغت نامه (ذیل / فرج الله)، معجم المؤلفین (۵۹/۸)، هدیه العارفین (۸۱۶/۱).

حیدری نیک، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید حیدری نیک

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در دبستان ثقفی، مدرسه راهنمایی مترجم الدوله و دبیرستان ابوریحان تهران گذراندم و مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ دیلم ریاضی فیزیک را از همان دبیرستان اخذ و در دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی کنونی) در رشته کامپیوتر نیز قبول شدم. با تعطیلی دانشگاه‌ها و همزمان با آغاز جنگ تحمیلی، در سنگر جبهه‌ها مشغول فعالیت شدم. در سال ۱۳۶۰ همزمان در دو جبهه فرهنگی (معلمی) و رزمی (جبهه‌ها) فعالیت می‌کردم. تا سال ۶۳ در آموزش و پرورش منطقه ۱۳ تهران به تدریس اشتغال داشته و پس از حضور یک دوره سه ماهه در جبهه و بازگشت از آنجا در پائیز ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم، مدرسه رضویه شدم. از سال ۶۳ تا ۶۶ علاوه بر مدرسه رضویه از اساتید مدرسه امام و مدارس دیگر نیز استفاده می‌کردم و در نهایت دروس مقدمات، سیوطی، حاشیه، مغنی، معالم و مختصر را از اساتیدی چون حجج اسلام حسینی، عرفان، طالقانی، هادوی، کدیور، صالحی و مدرس افغانی استفاده کردم.

از سال ۶۶ تا ۷۰ لمعه، اصول فقه، رسائل، مکاسب و کفایتین را از اساتیدی چون حجج اسلام: صلواتی، محمدی، هادی زاده، پایانی، اعتمادی، شب زنده دار، محقق داماد، استادی، تهرانی و محسن وحیدی خراسانی بهره بردم. از سال ۷۰ به مدت ده سال درس خارج فقه و اصول را از آیات عظام فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و مومن تلمذ کرده ام. در ضمن درس تفسیر قرآن را هم از سال ۷۰ تا ۷۴ از استاد آیت الله جوادی آملی استفاده کردم. از سال ۷۲ تا کنون به عنوان مدرس در دانشگاه های آزاد اسلامی واحد تهران و مرکز شاهد تهران مشغول تدریس معارف و متون و اخلاق و تاریخ و ریشه های انقلاب اسلامی بوده ام. همچنین از سال ۸۰ تا ۸۲ در مرکز تخصصی مهدویت به عنوان اولین دوره شرکت داشتم و از سال ۸۲ تا کنون در همان مرکز به عنوان مدرس دروس حکومت دینی و تاریخ تحلیلی اسلام مشغول تدریس هستم. به علاوه در همان مرکز با همکاری تعدادی از دوستان، فصلنامه انتظار را انتشار دادیم و هم اکنون نیز جزء شورای نویسندگان در نشر این فصلنامه فعالیت می کنم. افزون بر این در همین مرکز در زمینه ترویج فرهنگ مهدوی به خصوص در نیمه شعبان و ۹ ربیع در اعزام های مختلف به تبلیغ و پاسخ به شبهات پرداخته ام.

از سال ۷۲ تا کنون نیز در همکاری با نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها به مراکز دانشگاهی مختلف کشور از قبیل دانشگاه جامع هرمزگان، پزشکی بندر عباس، بین المللی و پزشکی قزوین، میرزا کوچک خان رشت، خواجه نصیر الدین طوسی و علامه طباطبایی، علوم بهزیستی تهران و ... اعزام و به تبلیغ و پاسخگویی به شبهات پرداخته ام. از سال ۷۶ تا کنون به همراه عده ای از دوستان به شکل تحقیقی و کار گروهی در زمینه تفسیر قرآن و نهج البلاغه و فقه و اصول مشغول فعالیت هستم.

در زمینه نشر فرهنگ شیعه در زمینه نویسندگی نیز فعالیتیم را از سال ۷۰ تا کنون شروع کرده ام. ابتدا در ماهنامه آزادگان شرح حال فرزندان و دانشمندان شیعه را نوشته و بعد در روزنامه کیهان به همین کار ادامه دادم و سپس در نشریه های دانشجویی به نشر دیدگاه های خود ادامه دادم. تا اینکه در سال ۸۰ با همکاری عده ای از دوستان در مرکز تخصصی مهدویت به انتشار فصلنامه انتظار مشغول شدم و در بعضی از شماره های این نشریه پیرامون فرهنگ مهدوی مقالاتی را به رشته تحریر در آوردم. هم اکنون چند کتاب پیرامون صلح امام حسن (ع)، پیشینه تاریخی انتظار، تاریخ تحلیلی اسلام در دست نگارش دارم که انشاء الله بزودی کار انتشار آن ها به پایان می رسد.

حیدری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی بن العابد الزاهد الورع حاج شیخ محمد حیدری کاشانی یکی از چهره های علم و دانش و فضیلت معاصر است در راوند کاشان.

وی در سال ۱۳۰۵ شمسی در شهرستان کاشان به دنیا آمده و پس از تعلیمات ابتدائی دوره مقدمات و ادبیات را در کاشان نزد اساتید بزرگ آن شهر فرا گرفته و سپس مهاجرت به اصفهان و با جدیت تمام تفسیر و درایه و هیئت جدید را خدمت مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدباقر زند کرمانی خوانده و علم کلام و فلسفه را از مرحوم آیت الله صدر کوپائی و علم تفسیر و اخلاق را نیز خدمت مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی فرا گرفته.

ادبیات و شوارق را از مرحوم ادیب بجنوردی آموخته سپس به قم عزیمت نموده و فلسفه و حکمت و تفسیر را از مرحوم آیت الله

حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌الله العظمی امام خمینی و علامه طباطبائی استفاده نموده و مکاسب و کفایه را از آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و آیت‌الله آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی بهره‌مند شده و به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده بعد از آن مرحوم به درس خارج مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق داماد حاضر و مورد توجه مخصوص آن مرحوم واقع شده و ضمناً به تدریس فقه و اصول و معقول و تفسیر پرداخته تا سال ۱۳۵۱ قمری که بنابر اصرار مردم (راوند کاشان) احساس وظیفه شرعی نموده و به راوند عزیمت و در آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ اشتغال پیدا کرده و از همان اوان مورد نظر دانشمندان معاصر کاشان شده و بنابر دعوت آنان برای تدریس و تفسیر قرآن مجید همه روزه به کاشان رفت و آمد و در مدرسه علمیه یتربی کاشان تدریس متون فقه و اصول و تفسیر برای محصلین و غیره می‌نمایند.

معظم له دارای نوشتجاتی در فقه و اصول می‌باشند که هنوز به طبع نرسیده است.

وی نیز طبع روان و ذوقی سرشار دارند و اشعار عربی و فارسی بسیاری در مدح ائمه علیهم‌السلام مخصوص حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه دارند

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

خاتمی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید احمد خاتمی

محل تولد: سمنان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۲/۱۸

زندگینامه علمی

سید احمد خاتمی در هجدهم اردیبهشت ۱۳۳۹ در سمنان متولد شد، پدرش مرحوم سید مهدی خاتمی انسانی متعهد و متدین بوده و در میان اقوام، معروف به تقوی و غیرت دینی بود وی در سال ۱۳۶۴ از دنیا رفت. ما در ایشان خانم طیبه سادات خاتمی، بانویی متدین، مؤمن و مأنوس با قرآن و ادعیه است و هم اکنون (آذر ۱۳۸۳) در قید حیات است. خاندان خاتمی از سادات معروف سمنان‌اند و جد اعلای آنان مرحوم سید هاشم همواره مورد علاقه و محبت مردم بوده که همچنان مردم ذکر خیر او را دارند. سید احمد خاتمی در سال ۱۳۵۱ تحصیل علوم حوزوی را در مدرسه علمیه صادقیه سمنان آغاز کرد و به مدت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را نزد اساتید آن حوزه به پایان برد و در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم هجرت کرد و جهت استحکام بیشتر دروس اکثر درس‌هایی را که در حوزه سمنان خوانده بود نزد ادیب بزرگ مرحوم مدرس افغانی که به تازگی از نجف آمده بود، مجدداً تکرار کرد و سپس دروس سطح را از اساتید بزرگ حوزه همانند مرحوم آیت‌الله ستوده، آیت‌الله اشتهاردی، آیت‌الله خزعلی، آیت‌الله بنی‌فضل و... به پایان برد و سپس در درس خارج حضرات آیات شیخ جواد تبریزی، محمد فاضل لنکرانی، میرزا هاشم آملی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی و... شرکت کرده و به مدت هفده سال در درس خارج فقه و اصول این حضرات شرکت نمود.

در فلسفه و کلام از حضرات آیات: شیخ یحیی انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، جوادی آملی، ابراهیم امینی بهره برده است. در

تفسیر از حضرت آیت الله مشکینی، آیت الله خزعلی بهره‌مند شده است و در درس نهج البلاغه از آیت الله حسین نوری همدانی بهره برده است او از درس فلسفی «شناخت» از محضر شهید آیت الله مطهری بهره‌مند شده است و در فن خطابه از محضر خطیب گرانقدر مرحوم حجة السلام و المسلمین آقای شیخ محمد تقی فلسفی استفاده نموده است. تدریس وی از سال ۱۳۶۴، تدریس دروس حوزوی را به صورت عمومی شروع کرده است. اگر چه قبل از آن به طور خصوصی چند دوره کتب مقدمات (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مختصر المعانی و...) را تدریس کرده بود. تا کنون ۴ دوره معالم الاصول، ۷ دوره اصول الفقه، ۳ دوره شرح لمعه، ۲ دوره مکاسب، ۳ دوره رسائل و اینک (آذر ۱۳۸۳) مشغول پنجمین دوره تدریس کفایه الاصول است. وی مدت ده سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد، دوره اول تدریس خارج اصول را به اتمام رسانده و اینک (آذر ۱۳۸۳) مشغول تدریس دوره دوم خارج اصول است و از کتابهای فقهی بخشهایی از کتاب قصاص و دیات و تقریباً تمام کتاب الحج را تدریس کرده و اینک اشتغال به تدریس خارج کتاب صلوة دارد.

در این مدت صدها طلبه از محضر وی بهره‌مند شده و همچنان استفاده می‌کنند. وی در کنار تدریس علوم مصطلح حوزوی از سال ۱۳۶۵ به تدریس سیره پیامبر و امامان (آذر ۱۳۸۳) در روزهای تعطیل (پنج شنبه‌ها) رو آورد که در سال ۱۳۸۰ یکدوره از این درس به پایان رسید و اینک سه سال است که پنج شنبه‌ها تفسیر زیارت جامعه را دنبال می‌کند. وی در سال ۱۳۶۷ به دستور برخی از بزرگان حوزه درس تفسیر شروع کرد و اینک شانزدهمین سال این درس است که هر شب پس از نماز مغرب و عشاء، در مدرسه امام مدرسه فیضیه دائر است و تا کنون تفسیر ۸ جزء قرآن به پایان رسیده (تفسیر جزء آخر و ۷ جزء اول) و اینک مشغول تفسیر هشتمین جزء قرآن کریم (سوره انعام) می‌باشند. تا کنون ۱۶۶۰ جلسه تفسیری داشته‌اند، درس تفسیر نهج البلاغه نیز در ایام تعطیل داشته‌اند که حدود دو سال است بحث موضوعی «امام علی (ع) و مخالفان حکومت» را از نگاه مولی در نهج البلاغه دنبال می‌کنند. خوشبختانه نوار کاست این درسها (گرچه نه به کیفیت عالی) موجود است. وی کار اصلی خود را تدریس دانسته و سخت علاقه‌مند به آن است به گونه‌ای که در ایام تحصیل به هیچ وجه کار دیگری را جای آن قرار نمی‌دهد. در سخنرانیهای وی هم قرآن و هم روایات و هم مسائل سیاسی در حد نیاز هست. وی در صدا و سیمای جمهوری اسلامی تا کنون صدها برنامه اجراء کرده است و امت مسلمان ما استقبال خوبی از خطابه‌های وی داشته و دارند. سید احمد خاتمی به عنوان استاد راهنما و داور در رساله سطح چهار و سطح سوم حوزه و نیز به عنوان استاد راهنما در مؤسسه پژوهشی امام خمینی و دانشکده شهید محلاتی سپاه خدمت می‌کنند و تا کنون رساله متعددی را در عرصه معارف دینی، فعالیت‌های سیاسی، راهنمایی و ساماندهی کرده است. سید احمد خاتمی قبل از پیروزی انقلاب همگام با رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی در ستیز با رژیم منحط پهلوی بود و با ایراد خطابه‌های حماس علیه آن رژیم سیاه نقش مفیدی در روشنگری مردم ایفاء کرد و بعد از پیروزی انقلاب عمده راهی را که برای خود برگزید کار فرهنگی بود که از طریق تدریس ق، خطابه، تألیف آنرا دنبال کرد. وی موضع سیاسی خود را "موضع ولایت فقیه" قرار داده است تا زمانی که امام راحل در قید حیات بودند همراهی با آن امام بزرگوار و اینک همراهی با مقام معظم رهبری مدظله العالی وجهه همت اوست. وی در کنار کار فرهنگی در عرصه‌هایی که نیاز بوده است موضع‌گیری‌های مناسب سیاسی داشته که در روزنامه و جرائد کشور منعکس شده است. او در طول ۸ سال دفاع مقدس در مواقع مورد نیاز در جبهه‌های حاضر شده و به وظیفه خود عمل نموده است. سید احمد خاتمی هم اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، عضو کمیسیون حوزه آن جامعه نماینده مردم کرمان در مجلس خبرگان رهبری، عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان، عضو هیأت مدیره مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع)، عضو شورای سیاستگذاری فرهنگی آن مجمع می‌باشد.

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدابوالقاسم خادمی حسینی

محل تولد: --

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه کاشان شدم و مدت نه سال در حوزه علمیه آیه الله مدنی (ره) و آیه الله یثربی (ره) مشغول تحصیل بودم. بعد از آن در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در دروسهای آیات عظام اعتمادی، پایانی، آیه الله تبریزی، آیه الله وحید خراسانی، آیه الله سبحانی و آیه الله جوادی آملی شرکت نمودم. در سال ۱۳۷۶ در دوره چهار ساله تخصصی تفسیر شرکت و در سال ۱۳۷۹ فارغ التحصیل شدم. مدت ۱۲ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و انشاءالله تصمیم دارم پایان نامه تفسیر را بنویسم به خاطر مشکلاتی تا بحال نتوانستم موضوع پایان نامه را بگیرم.

خادمی کوشا، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی خادمی کوشا

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۶/۱۵

زندگینامه علمی

کلیه تحصیلات قرآنی (پیش از دبستان) و ابتدائی و ... در شهر قم بود که با تشویق پدر که خود از صنف روحانیت می باشد به حوزه وارد شد. آغاز ورود به حوزه ۱۳۶۵ بود که از سال دوم آغاز به تدریس در موضوعات نحو و منطق نمود و در موضوعات متفرقه به مطالعه پرداخت. در ایام تابستان به همراه دوستان برخی از موضوعات درسی را آموزش دیده و از سال ۶۸ در درس لمعه استاد وجدانی فخر شرکت نمود و در کنار دروس حوزه اقدام به تحصیلات نیمه کاره مانده فرهنگی نموده و دیپلم را گرفت. از سال ۱۳۷۴ در درس خارج اساتید بزرگی چون استاد آیت الله تبریزی، سبحانی، شبیری زنجانی، مکارم، فاضل شرکت نمود که بیشتر مدت را از درس استاد تبریزی استفاده نمود.

در سال ۷۳ و ۷۴ به صورت رسمی در برخی مراکز حوزه شروع به تدریس نموده و از سال ۷۶ تا کنون مشغول تدریس فقه و اصول در مدارس شهید صدوقی، معصومیه، آیت الله گلپایگانی، مدرسه خان، که از سال ۷۹ به تدریس سطوح عالی (رسائل، مکاسب و کفایه) مشغول گردید. همزمان با درس و تدریس در حوزه مدتی نیز در مراکز آموزش عالی به تدریس مشغول گردید و در سال ۷۹ نیز برای آموزش زبان عربی در مرکز آموزش دفتر تبلیغات شرکت نمود و پس از این ایام در موضوعات علوم قرآنی به مطالعه و تحقیق گذراند و در برخی مراکز قرآنی مانند مرکز تخصصی تفسیر، مدرسه عالی بنت الهدی، موسسه امام خمینی (ره) در رشته علوم قرآنی به تدریس پرداخت ولی همچنان در رشته فقه و اصول در حوزه علمیه به درس و تحقیق و تدریس ادامه داده و هم اکنون نیز به این مهم اشتغال دارد. با توجه به علاقه زیاد به خدمت در نشر فرهنگ اهل بیت (ع) در سال ۱۳۷۸ اقدام به نوشتن کتاب جوان در پرتو اهل بیت (ع) نمود که عمده‌تاً برای روشنگری و جلوگیری از سودجویی برخی سیاستمداران از توانایی جوانان بود این کتاب به نام مشکلات ... تا سال ۱۳۸۰ چاپ نشد و پس از تحویل آن به بوستان کتاب با هزینه ناشر در سال ۸۲ از چاپ خارج گردید البته به غیر از این نوشتار برخی نوشتار دیگر همچنان چاپ نشده باقی است.

خالق پور، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید خالق پور

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید خالق پور در سال ۱۳۵۶ تحصیلات خود را در حوزه علمیه مشهد آغاز نمودم. با راهنمایی یکی از نوادگان مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایه، سال اول دروس حوزوی را شروع نمودم و در ادامه تا لمعتین در یکی از مدارس مشهور و معتبر مشهد معروف به مدرسه موسوی نژاد تحصیلات خود را ادامه دادم. دوره تحصیل ما همزمان بود با انقلاب اسلامی و حقیر نیز همچون سایر طلاب با موج خروشان مردمی چون قطره ای ناچیز همراهی داشتم؛ با پیروزی انقلاب و اوصافی که از تفسیر مقام معظم رهبری شنیده بودم و امتیازات ویژه ای که در قم برای ادامه تحصیل وجود داشت به قصد قم در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح را نزد حضرات آیت الله ستوده، مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی و بخشی از کفایه آیت الله اعتمادی، آیت الله علوی گرگانی (مکاسب) آیت الله انصاری شیرازی و آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله جوادی آملی جهت درس فلسفه و تفسیر؛ پس از آن وارد دروس خارج حوزه شدم که یک دوره کامل اصول نزد آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی و بخشی از فقه نزد آیات عظام تبریزی و آیت الله وحید خراسانی و علوی گرگانی داشتم.

همزمان با تحصیلات خارج فقه و اصول، بخاطر اشتیاقی که به تفسیر داشتم وارد دوره سوم رشته تخصصی تفسیر شدم که این دوره را با موفقیت طی چهار سال سپری نمودم و فارغ التحصیل گشتم اکنون نیز علاوه بر تحصیل و تحقیق با طلاب غیر ایرانی مرکز

جهانی علوم اسلامی مباحثی تحت عنوان تدریس دارم.

خالقی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود خالقی

محل تولد: زرنند کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

درس های حوزه را به طور معمول خوانده و به خاطر علاقه مندی به مباحث تفسیری در مهرماه سال ۷۶ تهیه و پخش برنامه ای قرآنی تحت عنوان (مائده آسمانی) را به صدای مرکز کرمان پیشنهاد دادم که بحمدالله تعالی مورد موافقت مسئولین وقت سازمان مذکور قرار گرفت و از آن زمان روزانه تاکنون در حال پخش است که به اواسط سوره انفال رسیده ایم.

حدود نیمی از این برنامه ۲۵ دقیقه ای به بیان مباحث تفسیر ترتیبی قرآن کریم اختصاص دارد و توسط بنده اجرا می شود. پس از گذشت دو سه سال از اجرای این برنامه با تقاضای شنوندگان مباحث پخش شده جزء سوم قرآن کریم به صورت کتاب چاپ و در اختیار علاقه مندان قرار گرفت. آیات ۹۳ تا پایان سوره آل عمران نیز جلد بعدی کتاب را به خود اختصاص داد و جلد سوم نیز مشتمل بر آیات اول تا ۷۰ سوره نساء طی سال های ۷۹ تا ۸۱ منتشر شده است.

متأسفانه به خاطر کثرت اشتغالات اینجانب به امور اجرایی معاونت آموزش مرکز، فرصت تهیه و نگارش مباحث بعدی به دست نیامده است. امیدواریم تا پایان تابستان سال جاری ۲ جلد دیگر این مباحث آماده شود و در نهایت به حول و قوه الهی به انتشار یک دوره تفسیر قرآن کریم برگرفته از تفاسیر موجود با تکیه بر مباحث اجتماعی و اخلاقی و به صورت ساده و روان که قابل استفاده برای عموم مردم باشد موفق شویم. انشاءالله

خائفی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله خائفی

محل تولد: بندرانزلی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۹/۱۱/۱۴

زندگینامه علمی

معظم له در یک خانواده مذهبی و متدین و زاهد که با گذشت چند دهه هنوز زبانزد خاص و عام می باشد در ۱۴ بهمن سال ۱۳۰۹ شمسی در شهرستان بندر انزلی دیده به جهان گشود. دوران طفولیت و کودکی را تحت تعلیم و تربیت پدر و مادری والامقام و وارسته و پرهیزگار سپری نموده و با فرا رسیدن به سن مدرسه تحصیلات ابتدائی و مقداری از دوره متوسطه را در همان شهر سپری نموده بود که بخاطر علاقه فراوان به تحصیل علوم اسلامی و تشویق پدر بزرگوارشان در سن ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه شهرستان رشت شد و پس از پایان رساندن دوره مقدماتی علوم حوزوی برای کسب مقامات بالاتر عازم حوزه مقدسه قم شده و با تمام کردن دوره سطح از محضر اساتید بنام وقت در درس خارج فقه و اصول مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی بروجردی (رحمة الله علیه) حاضر شده و بهره های فراوان برده ولی عطش درونی ایشان معظم له را در سال ۱۳۴۳ همراه با تبعید پیر و مرادش امام خمینی (ره) به نجف اشرف کشاند که از جمله اولین کسانی بود که برای استقبال امام از نجف به کاظمین آمده بودند. در نجف اشرف از محضر اساتید والامقامی همچون آیه الله العظمی خوئی (ره) به مدت ۲۷ سال، مگر یک روز که آن هم علتی داشت. و به صورت مکاتبه ائی از حضرت آیه الله العظمی سید عبدالاعلی سبزواری (قدس الله اسرارهم) بهره های فراوان نموده که در همان دوران اول به مقام اجتهاد نائل گشتند که در آذر ماه سال ۱۳۷۰ شمسی به وطن عزیز و اسلامی ایران برگشتند و در شهر مقدس قم رحل اقامت افکندند و در طول این سالها طلاب و فضیلابی زیادی از کشورهای مختلف عربی از درس خارج فقه و اصول عربی ایشان و همچنین دوستان زیادی نیز از بحث خارج فقه فارسی ایشان که هنوز هم بحث خارج بیع ایشان در مدرس امام فیضیه و بحث اجتهاد و تقلید معظم له که در دفتر ایشان ادامه دارد و مخصوصا از سیره زاهدانه عملی ایشان بهره مند هستند. لازم به ذکر است که حضرت ایشان در تمامی دوران زندگی و طول عمر شریفشان در حال تحصیل و تدریس بوده و هستند که نتیجه آن تحقیقات گسترده ایشان خصوصا در فقه و اصول بصورت متن و حاشیه و تقریرات موجود می باشد که بخشی از آن به زیور طبع آراسته شده و بخش دیگر آماده چاپ و بسیاری بصورت دست نوشته و جزوات موجود است. کتابهای راهنمای ارث و سیستم قضائی اسلام در سال های ۴۳ و ۴۲ چاپ شده و کتاب ارزشمند "بحوث فی ولایة الفقیه" در سال ۱۳۷۸ در اختیار اهل علم قرار گرفته است. همچنین خاطراتی از استاد خود مرحوم امام (ره) به زبان عربی توسط انتشارات کوثر به زیور طبع آراسته گردیده است. جواب با ذکر ادله بر استفتائات مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه ایشان آماده برای چاپ گردید. "الربا و تحلیله با لحیل اشعریه" و شرح بر رسائل ثلاث و حاشیه بر رساله مناسک حج و ... موجود است که انشاء الله جامعه علمی از آن بهره مند خواهند شد. فعالیتهای تدریسی استاد در طول تحصیل تاکنون ادامه داشته که در طی سپری شدن هر مرحله ای از درس مراحل پائین را تدریس می نمودند که از جمله آنها تدریس کتابهای سیوطی، معالم، شرح لمعه و مکاسب و کفایتین و الان درس خارج می باشد که الحمدلله طلاب و فضیلابی اکنون از سفره علمی ایشان منتعم هستند.

خراسانی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی خراسانی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال تحصیلی ۶۸-۶۹ پایه دهم حوزه را به پایان رساندم و سپس در دروس خارج شرکت کردم همزمان با اشتغال به دروس پایانی دوره سطح در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته شرکت می‌کردم. در همین سالها دوره عالی زبان انگلیسی موسسه باقرالعلوم دفتر تبلیغات را به پایان رساندم. در سال ۷۰ به دعوت نماینده مقام معظم رهبری در امور اهل سنت بلوچستان به زاهدان رفتم و به مدت ۵ سال مدیریت مدارس دینی اهل سنت بلوچستان را عهده دار بودم در این سالها به اقتضای مسئولیت با متون درسی اهل سنت آشنائی اجمالی پیدا کردم.

همچنین چند متن آموزشی از جمله «آشنائی با انقلاب اسلامی» و «آشنائی با اخلاق اسلامی» و «آشنائی با مذاهب اسلامی» را به عنوان درسهای جنبی مدارس اهل سنت تدوین و تنظیم کردم. در این سالها برخی از اشتغالات دیگر علمی همچون حضور در همایش‌های وحدت نیز وجود داشت. در اسفند ۷۶ به قصد ادامه تحصیل و پژوهش به قم مراجعت کردم و از همان تاریخ فعالیت پژوهشی خود را با مسئولیت گزینش مدخل‌های دایره‌المعارف آغاز کردم و پس از مدتی در سال ۷۷ مسئولیت بخش تدوین مقالات دایره‌المعارف و جانشین ریاست دایره‌المعارف را عهده دار شدم.

در این سالها که طرح دایره‌المعارف قرآن کریم در مرکز مطرح شده بود، آن را سازماندهی کردم و ضمن کار مسئولیت علمی هیأت‌های تحریریه را به مدت ۳ سال مستقیماً عهده دار بودم از سال ۸۰ مدیریت دایره‌المعارف قرآن کریم را عهده دار شدم قابل ذکر است که دایره‌المعارف قرآن کریم بزرگترین دایره‌المعارف قرآنی و اولین دایره‌المعارف در جهان اسلام است که پیش‌بینی می‌شود در ۲۵ جلد منتشر شود. در سال ۸۳ مدیریت مرکز فرهنگ و معارف قرآن که بزرگترین مرکز قرآن پژوهی در کشور است را عهده دار شدم و همزمان مسئولیت گروه دایره‌المعارف‌ها و نیز گروه تفسیر موضوعی را به عهده دارم. این مسئولیت‌ها همچنان ادامه دارد.

خرم دل، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قرآن شناس (مفسر و مترجم قرآن کریم به فارسی) صاحب نظر و سختکوش معاصر ، جناب آقای دکتر مصطفی خرم دل از استادان دانشگاه کردستان در سنندج و متولد در مهاباد در سال ۱۳۱۵ ش ، و از علمای اهل سنت . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر زادگاهش طی کرده ، و همزمان به آموزش علوم دینی به شیوه ی حوزوی و سنتی نیز پرداخته است . در سال ۱۳۴۶ از دانشگاه تهران ، در رشته ی زبان و ادبیات عرب ، مدرک کارشناسی (لیسانس) گرفته ، و همزمان با دانشجویی به خدمت در آموزش و پرورش هم اشتغال داشته است . در سال ۱۳۵۲ از همان رشته و همان دانشگاه ، مدرک فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) گرفته ، و در سال ۱۳۵۸ به دریافت درجه ی دکتری در رشته ی فرهنگ عربی و علوم قرآنی از دانشکده ی الهیات و معارف

اسلامی دانشگاه تهران نایل آمده است. سپس چندی در دانشسرای عالی سندج در دانشکده ی تربیت دبیر، و سرانجام در دانشگاه کردستان به تدریس و پرورش دانشجویان و آموزگاران و دبیران پرداخته و سرانجام در سال ۱۳۶۷ ش بازنشسته شده، و در حال حاضر، مدتی است که به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد مهاباد) اشتغال دارد. دکتر خرم دل در زمینه های گوناگون علوم اسلامی، به ویژه قرآن، دارای چند تالیف و ترجمه است. از جمله:

۱- تفسیر نور که چون ترجمه ی قرآن کریم هم به صورت قابل تمایز از مواد تفسیری در دل آن مندرج است، توانستیم آن را جزو ترجمه های امروزی به شمار آوریم و همانند ترجمه های مستقل و به همان شیوه معرفی و ارزیابی کنیم.

۲- نگارش تفسیر المقتطف (به زبان عربی)

۳- ترجمه ی تفسیر اجتماعی و انقلابی و تحریک انگیز و بیدارگر فی ظلال القرآن، اثر سید قطب (۱۹۰۶-۱۹۶۶ م) (از بزرگان اخوان المسلمین مصر که در راه آرمان انقلابی و اسلامی خود، به دستور ضد بشری جمال عبدالناصر اعدام شد) از عربی، که ترجمه ی ناقصی از آن به قلم شادروان احمد آرام انجام گرفته و به طبع رسیده است. تا کنون (فروردین ۱۳۸۱)، دو، و احتمالاً سه جلد از آن چاپ شده که دو جلد اول شامل ترجمه ی تفسیر سوره های فاتحه، بقره، آل عمران، و نساء است. (دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی، مقاله ی «خرم دل، دکتر مصطفی»، نوشته ی قرآن شناس کوشا و مترجم قرآن کریم به فارسی (نشر فرزانه، ۱۳۷۷، معرفی شده در همین کتاب) و نیز (مقاله ی تفسیر نور در همین دانشنامه). برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

خرم‌شاهی، بهاء‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهاء‌الدین خرم‌شاهی، متولد ۱۳۲۴، قزوین

- انصراف از رشته پزشکی دانشگاه ملی (شهید بهشتی) ۱۳۴۲

- اخذ مدرک لیسانس ادبیات از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۳۴۷

- دکترای کتابداری از دانشگاه تهران

- نویسنده بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله

- سردبیر نشریه فرهنگ از ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۰

- تألیف بیش از ۱۲ جلد کتاب درباره حافظ و حافظ شناسی

- ترجمه قرآن کریم با ۴ هزار یادداشت در ذیل صفحات و واژه نامه ای با ۱۲ هزار لغت

- تألیف فرهنگ شش جلدی انگلیسی - فارسی «واژه پژوهی»

- برخی از تألیفات او عبارتند از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هابیل و چند داستان دیگر

(ترجمه)، عرفان و فلسفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریخ فلسفه (ترجمه)، کتیبه ای بر باد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبان حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایره المعارف تشیع.

تعبیری را درباره بهاء‌الدین خرم‌شاهی بپذیریم که می گوید: «خرم‌شاهی در میان نسلی که در سالهای دهه بیست متولد شدند، در سالهای دهه چهل به دانشگاه رفتند و در دهه پنجاه به کار تألیف و تحقیق و ترجمه پرداختند، بی شک بی نظیرترین و برجسته ترین

چهره شناخته شده است. کارنامه پر بار و پربرگ او شگفت انگیز است. بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله زاینده پویش و پژوهش بی وقفه و عاشقانه اوست. آن هم در زمانه ای که کار تحقیق و تألیف با ناکامی و نابسامانی بسیار همراه است. استادان دانشگاه جز به تدریس نمی پردازند و کمتر فرصت تحقیق و پژوهش دارند. محققان و نویسندگان ما هم آنچنان درگیر گرفتاریهای پیچیده مادی و گذران معاشند که امکان پژوهش ندارند. در این زمانه عسرت اگر هم نویسنده ای به پرکاری و کثرت آثار شهره شده، کارش را نازل و قدرش را ناچیز می دانند و شعار «کوچک زیباست» را سر می دهند... بسیاری نویسندگانی که دقت و سرعت را در هم آمیخته اند و هم کمیت و هم کیفیت کارشان درخشان است. خرمشاهی در زمره همین نویسندگان است. آثارش گسترده سرشار از تنوع است، نکته یاب و باریک بین است، کوشا و کوشنده و جستجوگر است. لطف بیان دارد و زبانش جذاب و شیرین و دلنشین است. پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی است، شاعر و مترجم و مصحح و منتقد و ویراستار و دایره المعارف نویس است. و هر چند یکبار خود را «مؤلف و مترجمی پراکنده کار» نامیده، اما متفنن نیست. بی شک در دو حوزه تخصصی قرآن پژوهی و حافظ پژوهی کم نظیر است. بهاءالدین خرمشاهی متولد فروردین ۱۳۲۴ قزوین است و در آستانه ۶۰ سالگی می گوید: «من به چند روایت اختلاف در روز دوازدهم فروردین ۱۳۲۴ دیده به جهان گشودم. سالهای ابتدایی عمر و تحصیل را در دبستان رزبان و دو دبیرستان دیگر سپری کردم. رشته طبیعی خواندم. ولی همه عشقم به ادبیات فارسی و علوم قرآنی و علوم اسلامی معطوف بوده و هست.» پدرش اولین معلم علم و ادب و شیوه زندگانی اوست. و اگر عربیتی آموخته باشد از فضل پدر بوده است. از نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر و از ویراستاران دایره المعارف حاضر. تفسیر مورد بحث در یک مجلد به قطع بزرگ رحلی و شیوه ادبی دایره المعارفی شامل تمام قرآن کریم است مؤلف پس از درج هر یک صفحه از مصحف شریف، در ستون مقابل ترجمه فارسی آن را آورده سپس کلمات مشکله و متشابه و غریب هر آیه و مفاهیم کلیدی و مسائل و عبارات دشوار را ذیل آن توضیح می دهد. این ترجمه همراه با تفسیر از سوی مؤسسات انتشاراتی نیلوفر و جامی به طبع رسیده و نزدیک به انتشار است. در پایان این تفسیر واژه نامه قرآنی - فارسی و چند مقاله در زمینه تاریخ قرآن و عدم تحریف آن و مسائل دیگر قرآن پژوهی درج گردیده است. مؤلف از جمله محققین شیعه است که چهار اثر در زمینه قرآن پژوهی و تفسیر نگاشته است که سه دیگر آن عبارتند از: (۱) فرهنگ موضوعی قرآن مجید در یک مجلد به زبان عربی و فارسی با همکاری استاد محقق توانا آقای کامران فانی این اثر شامل تدوین کلمات قرآن بر اساس موضوعی است. شیوه ساده مؤلفان در تنظیم کلمات و لغات قرآن، به ترتیب حرف اول کلمه بر اساس ابجدی یا دقیقتر بگوئیم ابثی است - و نه بر رسم فرهنگهای کهن عربی که از روی ماده اصلی کلمات تنظیم یافته است. لذا مبتدیان و علماء و محققین یک سان بدون زحمت، خواسته خویش را در اندک زمان به دست می آورند. این اثر نزدیک به هشت هزار مدخل از موضوعات قرآنی را با ذکر نام سوره و شماره آیه در برابر آنها دربردارد. طبع اول این اثر در ۱۳۶۴ ش از سوی نشر فرهنگ معاصر (تهران)، و طبع دوم آن در ۱۳۶۹ ش از سوی انتشارات الهدی صورت گرفته است. (۲) قرآن پژوهی: در یک مجلد به زبان فارسی، شامل هفتاد بحث و تحقیق قرآنی است که توس ط نشر مشرق در تهران در ۱۳۷۲ ش طبع گردیده است. (۳) تفسیر و تفاسیر جدید در یک مجلد به زبان فارسی (تهران، کیهان، ۱۳۶۴ ش) این اثر توس ط عصام حسن به عربی ترجمه گردیده و در بیروت توسط انتشارات دارالروضه طبع و نشر گردیده است (۱۴۱۱/۱۹۹۱ ق). درباره پدرش می گوید: «اولین معلم قرآنی و عربی من پدرم بود. گاهی در ایام تحصیل در دانشگاه بین من و پدرم نامه های عربی رد و بدل می شد که ایشان از این کار بسیار به وجد می آمدند. هر چند که عربی هر دوی ما عجمی بود.» خرمشاهی در سال ۱۳۴۲ ایام دبیرستان را به پایان می رساند و با شرکت در اولین دوره کنکور رد می شود. چرا؟ می گوید: «من می بایست امتحان ادبی می دادم در حالی که دانش آموز رشته طبیعی بودم. اما با خواندن کتابهای ادبی در سال بعد موفق شدم در دانشگاه تهران و دانشگاه شیراز، در رشته ادبیات فارسی قبول شوم. در ضمن در حد فاصل ردی اول و قبولی دوم یک سال فاصله زمانی وجود داشت که من در همان خلال به دانشگاه ملی (آن روز گار) که

در همان سال تأسیس شده بود رفتم (۱۳۴۲). وجه تسمیه ملی برای این دانشگاه بیشتر به علت پرداخت شهریه اش بود. لاجرم پدرم از یکی از نزدیکان وام گرفت تا من بتوانم وارد دانشکده پزشکی شوم و شهریه سنگین ۵ هزار تومانی اش را پرداخت نمایم. اما این رشته دانشگاهی برای من چندان دوامی نداشت چرا که من دلی درگیر ادبیات و سری در سودای عربیت داشتم و لاجرم از رشته پزشکی انصراف داده و سال بعد با قبولی در کنکور وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شدم. او در دانشگاه تهران، نزد اساتیدی چون دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر ذبیح الله صفا، دکتر فره وشی، استاد پورداوود، استاد عبدالحمید بدیع الزمانی کردستانی، دکتر سید صادق گوهرین، دکتر مهدی محقق، دکتر سید جعفر شهیدی و... تلمذ می‌کند. با این همه خودش دکتر عبدالحمید بدیع الزمانی را دومین معلم قرآنی خود می‌داند و می‌گوید: «هر هفته در محضر و کلاس او سؤالاتی که در حین قرائت قرآن برایم موضوعیت می‌یافت مطرح می‌کردم.» بهاءالدین خرمشاهی در سال ۱۳۴۷ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران فارغ التحصیل می‌شود و پس از گرفتن لیسانس ادبیات، رشته کتابداری را انتخاب می‌کند و پس از آن به انجمن حکمت و فلسفه می‌رود. از مهمترین علائق زندگی بهاءالدین خرمشاهی قرآن است و قرآن پژوهی. درباره اش می‌گوید «اصلاً بدین صورت نیست که هر کسی تحصیل کرده باشد بتواند قرآن را بفهمد و گاهی حتی از عهده روخوانی قرآن نیز بر نمی‌آیند تا چه رسد به فهم عبارات و تفسیر قرآن، که در حقیقت این روند روخوانی و فهم عبارات و تفسیر مستلزم یک عمر جهد و ممارست و عشق و علاقه است که عمری پنجاه ساله می‌طلبد تا شخص از عهده آن برآید. بنده شاید به تقریب حدود چهل سال از عمرم را صرف این کار کرده‌ام و فعالیتهای مستمری در حوزه قرآن پژوهی و حافظ پژوهی نمودم و با یک نگاه اجمالی در می‌یابم که حتی همین مدت طولانی نیز هنوز چندان کافی نیست و عمر بیشتری می‌طلبد تا به فهم دقایق و رموزات قرآن و حافظ، توأمان، پی‌بریم. و با آن که ده کتاب قرآنی و پانصد مقاله قرآن پژوهانه نوشته‌ام هنوز فکر می‌کنم که از آن آب و گل اولیه بیرون نیامده‌ام. از خداوند بزرگ مسألت دارم تا ما قرآن را مهجور نگیریم. چرا که مهجور گرفتن قرآن چنین نیست که ما قرآن را نخوانیم یا که کم بخوانیم، بلکه مهجوریت قرآن زمانی آغاز می‌شود که به مفاد قرآن توجه نکنیم و در آن تدبر نماییم.»

برخی از تألیفات او عبارتند از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هاییل و چند داستان دیگر (ترجمه)، عرفان و فلسفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریخ فلسفه (ترجمه)، کتیبه ای بر باد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبان حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایره المعارف تشیع.

خرمشاهی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی، محقق.

تولد: ۱۲۸۴، کرمانشاه.

درگذشت: ۱ مرداد ۱۳۷۵، کرمانشاه.

آیت‌الله سید جواد خرمشاهی تحصیلات علوم دینی و فقهی خود را نزد آیات عظام بروجردی، گلپایگانی و مرعشی نجفی به پایان برد. وی مدت شصت سال از عمر خود را به ترویج دین اسلام سپری نمود.

از آیت‌الله خرمشاهی کتابهای یک صد گفتار در حقانیت آل محمد (ص)، مفاتیح‌القرآن (در شش جلد) و فرهنگ قرآن (به چهار زبان عربی، انگلیسی، ترکی و فارسی به جا مانده است).

آیت‌الله خرمشاهی در سن نود و پنج سالگی در کرمانشاه دار فانی را وداع گفت.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

خزانه، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، موسیقیدان و خواننده. معروف به غنه. وی برادر شیخ مرتضی خزانه و از اهالی تهران بود که در علم موسیقی و خوانندگی از استادان درجه اول زمان خود محسوب می‌شد. شیخ محمود به دستگاههای موسیقی احاطه‌ی کامل داشت و خواننده‌ای مقتدر بود. اوج را به حد اعلی می‌خواند و پست را با تحریرهایی که به اصطلاح از توی دماغ می‌داد به خوبی ادا می‌کرد و از این جهت به شیخ محمود غنه معروف شده بود. وی بیش از هفتاد سال عمر کرد و در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه یا مظفرالدین‌شاه درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ موسیقی (۶۶۱-۶۶۰/۲)، سرگذشت موسیقی (۳۷۲-۳۷۱/۱).

خزعلی، ابوالقاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم خزعلی

محل تولد: بروجرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۴/۱/۱

آیة الله ابوالقاسم خزعلی، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در بروجرد، از توابع استان لرستان چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم غلامرضا، به شغل ندافی روزگار می‌گذراند و بسیار شیفته خاندان پیامبر (ص) بود؛ به گونه‌ای که شبها فرزند خود را به روضه‌های مخفی و منبرهای استادان با سواد آن روزگار می‌برد تا بذر عشق و محبت به قرآن و اهل بیت: در دل و جان فرزندش شکوفه بزند. اوضاع اقتصادی خانواده آیة الله خزعلی نابسامان بود تا آنجا که مادرش، مرحوم ربابه، مجبور بود محصولات غذایی خانگی، از قبیل ترشی تهیه کند و آن را بفروشد تا کمکی برای مخارج خانواده باشد. آقای خزعلی ده ساله بود که به همراه خانواده و برخی از بستگان به مشهد مقدس مهاجرت کرد و در آنجا روزگار گذراند. دوران تحصیل آیة الله خزعلی، در ۶ یا ۷ سالگی به مکتب خانة محله «سرسوزنی» در بروجرد رفت. معلّم او فردی بود به نام «سید جعفر شیرازی» که در مسجد محله درس می‌گفت. با هجرت به مشهد به دبستان رفت و پس از قبولی در امتحان، در کلاس چهارم ابتدایی مشغول به تحصیل شد و همواره از شاگردان نمونه کلاس بود. پس از پایان رساندن کلاس ششم ابتدایی، به دبیرستان رفت. در آن زمان در مدارس، زبان فرانسوی تدریس می‌شد؛

وی نیز به فراگیری زبان فرانسه مشغول بود که بعدها آن را رها کرد. در سن ۱۷ سالگی - هم زمان با سقوط حکومت رضاشاه و اشغال ایران از سوی متفقین - به کار نوشتن دخل و خرج مغازه‌ای و توزیع جنسها بین کسبه سرگرم بود تا از این راه، به امرار معاش خانواده کمک کند که ناگهان، بارقه‌های اشتیاق به علوم حوزوی و تحصیل حوزه علمیه مشهد دل و جانش را شعله ور ساخت؛ به گونه‌ای که کار و کسب را وانهاد، به تحصیل علوم دینی روی آورد. مقدمات را در حوزه مشهد فرا گرفت و برای تحصیل سطوح به سراغ استادان ممتاز آن دیار رفت. دو سال قبل از ازدواج راهی قم شد تا از محضر بزرگان آن شهر مقدس نیز بهره گیرد و برای نخستین بار در درس خارج فقه آیه الله بروجردی (ره) و خارج اصول امام خمینی (ره) حاضر شد که این مسأله تا سالها ادامه داشت. همچنین وی در زمینه فلسفه و تفسیر نیز از استادان بسیاری در حوزه علمیه قم بهره برد. استادان و دوستان آیه الله خزعلی در طول دوران تحصیل خود از محضر استادان ممتاز و وارسته بسیاری بهره برده است. نخستین استاد وی، مرحوم سید جعفر شیرازی بود که در مکتب خانه به ایشان قرآن و مسائل مذهبی را آموخت. وی از اینکه نخستین استادش یکی از فرزندان پاک حضرت زهرا ۳ بوده اظهار خرسندی می کند و آن را به فال نیک می گیرد. با شروع به تحصیل در حوزه مشهد، صرف و نحو را نزد شیخ علی اکبر دامغانی فرا گرفت و کتاب مغنی اللیب را نزد محقق قوچانی خواند. معالم و لمعه و قوانین را نزد سید احمد یزدی آموخت. رسائل، مکاسب و کفایه را نزد مرحوم شیخ هاشم قزوینی و بخشی از کفایه را نزد شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. این دو، از استادان ممتاز حوزه علمیه مشهد در علم و عمل بودند که آثار علمی و معنوی ایشان، هنوز در میان شاگردانشان و در رشد و تعالی حوزه علمیه مشهد باقی است. آیه الله خزعلی در قم، در درس خارج فقه آیه الله بروجردی (ره) و در درس خارج فقه حضرت امام خمینی (ره) شرکت کرد. وی همچنین مدتی در درس آیه الله بهجت حاضر شد و از محضر این مرد بزرگ نیز کسب فیض کرد. در بخش فلسفه، اشارات را نزد مرحوم حاج شیخ جواد خندق آبادی تهرانی خواند و در درس منظومه و اسفار علامه طباطبایی حاضر شد. آیه الله خزعلی در دوران تحصیل و مبارزه با طلاب و فضلاء بسیاری همراه بود که از میان آنان می توان به شهید آیه الله مطهری، شهید آیه الله بهشتی و آیه الله ربانی شیرازی اشاره کرد. فعالیت‌های علمی و فرهنگی آیه الله خزعلی در سالهای تحصیل و مبارزه خدمات فرهنگی و علمی شایانی به جامعه اسلامی ارزانی داشته است. مهم ترین خدمت فرهنگی ایشان در دوره طاغوت، تنویر افکار عمومی و آگاه کردن جوانان مستعد و انقلابی از خطرهای موجود، همچون جریانهای التقاطی و تز اسلام منهای روحانیت و مبارزه با جریان روشنفکری غیر متعهد بود. وی در سخنرانیهای خود همواره بر اسلام ناب و اصیل پای می فشرد و جوانان را به انس با علما روحانیت شیعه و پرهیز از فراگیری اسلام از دست دیگران دعوت می کرد. در زمینه فعالیت‌های علمی، تنها اثری که از وی به چاپ رسیده، تفسیر سوره فاتحه الکتاب است. همچنین او بر شعرهای عیثیه ابن ابی الحدید درباره امیرمؤمنان ۷ شرحی نگاشته است و در زمینه‌های قرآنی نیز تلاشهایی انجام داده است. بیشتر مطالعات و فعالیت‌های ایشان درباره قرآن و نهج البلاغه است. بخش زیادی از زندگی آیه الله خزعلی به مبارزه با رژیم طاغوت مصروف شده است. او در فاجعه مسجد گوهرشاد در مشهد، نوجوانی ده ساله بود که فردای حادثه، با پدرش در محل حاضر شده بود و خود می گوید فجایع رژیم پهلوی چنان بود که بر من تأثیر گذاشت و آن شب، تب کردم! از آغازین حرکت‌های ایشان در مبارزه بر ضد رژیم شاه، تبلیغ در رفسنجان و افشای ماهیت شاه بر سر منبر بود که به دست گیری ایشان و تبعید به گناباد انجامید. در ماجرای انجمنهای ایالتی و ولایتی، آیه الله خزعلی همواره در کنار امام (ره) بود و از جمله، حامل پیام ایشان برای علمای نجف آباد شد. همچنین وی در هیجدهم فروردین ماه ۱۳۴۳ به دیدار امام رفت. امام (ره) به تازگی آزاد شده بود و روزنامه اطلاعات در آن زمان مطلبی نوشته بود مبنی بر اینکه امام با دستگاہ شاه کنار آمده و آزاد شد. این مطلب باعث تأثر امام شده بود در جلسه‌ای که چند روز بعد در فیضیه تشکیل شده بود، آیه الله خزعلی به دستور امام بر سر منبر رفت و ماهیت کذب مطلب روزنامه اطلاعات را افشا کرد. این سخنرانی، در آن روزگار، به دلیل حماسی و مستحکم بودن، مشهور شد. آیه الله خزعلی در طول دوران رژیم شاه، یک بار در زندان قزل قلعه زندانی شد و سه بار تبعید شد. تبعید نخست ایشان به

گناوه و دامغان بود که سه سال به طول انجامید. تبعید دوم به زابل بود و در تبعید سوم پنهان شد و روی نشان نداد. در این زمان بود که حضرت آیت الله خامنه‌ای در مخفیگاه به دیدار ایشان رفته و با هم از نزدیک آشنا شدند. آیه الله خزعلی در گزارشهای ساواک، روحانی افراطی، اخلال گر طرفدار خمینی نامیده شده بود. در تبعید سوم وی پنهان شده بود تا ساواک نتواند او را دستگیر کند. در این هنگام خبر شهادت فرزندش در قم به دست او می‌رسد. آیه الله خزعلی در تشییع جنازه فرزندش شرکت می‌کند. او هرگز در تشییع فرزندش، اشک نریخت و خدا را در آن مصیبت سپاس می‌گفت. امضای آیه الله خزعلی در بسیاری از بیانیه‌ها در مرجعیت امام (ره) و لزوم مبارزه با رژیم شاه به چشم می‌خورد. همچنین وی در دوره طاغوت، همکاری نزدیکی با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و اعضای آن داشته است و در مبارزات آن مرکز با رژیم شاه به طور جدی شرکت می‌کرده است. از دیگر فعالیتهای او در پیش از انقلاب اسلامی، حمل پیامهای امام (ره) به آیه الله سید کاظم شریعتمداری و همچنین دریافت پاسخ آیه الله شریعتمداری به امام (ره) بوده است. حضرت آیه الله خزعلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز فعالیتهای گسترده‌ای برای پیشبرد انقلاب انجام داده است. وی در این سالها، همواره یار صدیق امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیه الله خامنه‌ای بوده و همواره مردم را به پیروی از ولایت مطلقه فقیه، و شناخت هوشمندانه توطئه‌های دشمن و نیز مبارزه با خط نفاق تشویق می‌کرده است. آیه الله در طول دوران جنگ تحمیلی بارها در جبهه‌ها حضور یافت و همواره مایه دلگرمی رزمندگان اسلام بوده است.

خمینی، روح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، فقیه، عارف.

تولد: ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ (۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ ق. ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲)، خمین.

درگذشت: ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، تهران، بیمارستان قلب.

روح‌الله مصطفوی مشهور به موسوی خمینی، فرزند سید مصطفی موسوی از علمای آن زمان، در پنج ماهگی پدرش را از دست داد. خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت پدرش را در مسیر خمین به اراک به شهادت رساندند. بستگان وی برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دارالحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید.

دوران کودکی را تحت سرپرستی مادرش (بانو هاجر) از نوادگان آیت‌الله خوانساری (صاحب زبده التصانیف)، و نزد عمه‌اش (صاحبه خانم) سپری کرد، ولی در پانزده سالگی هم مادر و همه عمه‌اش را از دست داد.

از نوجوانی به تحصیل معارف روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه‌های دینیه و از جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول پرداخت و نزد معلمین و علمای منطقه (نظیر میرزا محمود افتخارالعلماء حاج میرزا نجفی خمینی، آیت‌الله شیخ علی محمد بروجردی، آیت‌الله شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌الله عباس اراکی و بیش از همه نزد برادر بزرگترش آیت‌الله سید مرتضی پسندیده) فراگرفت و در سال ۱۲۹۸ عازم حوزه علمیه اراک شد. پس از تحصیلات بسیاری از دروس در اراک، عازم حوزه علمیه قم شد. در قم در علوم فلسفه و اخلاق استادان او آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی و آقا سید ابوالحسن حکیم قزوینی و حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی بودند و علم منقول و فقه و اصول را از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آقا میر سید علی کاشانی فراگرفت. ایشان در همان اوان در دروس فقه و اصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله یثربی حضور و به مراتب فقه و اصول احاطه یافت و به اجتهاد رسید.

در سال ۱۳۳۹ ق. که آیت‌الله عبدالکریم حائمی یزدی در گذشت، آیت‌الله العظمی خمینی دیگر خود یکی از فضیلا و مدرسین حوزه علمیه قم به ویژه در رشته فلسفه، تهذیب نفس و اخلاق گردیده بود که بعدها در تدریس فقه و اصول فقه نیز نام آور شد. ایشان که در همان زمان با محافل و شخصیت‌های ضد درباری ارتباط کامل داشت، در مبارزه علیه حکومت رضاخان در حد اقتضای سن خود کوشش نمود. ایشان علیه رژیم فرزند رضاخان نیز مبارزه و افشاگری می‌کرد و بعد از رحلت آیت‌الله عبدالکریم حائمی یزدی، آیت‌الله حسن بروجردی را در حد امور و مسائل یاری رساند. بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی حوزه علمیه قم و محافل روحانی دیگر او را به عنوان «آیت‌الله خمینی» شناختند.

در سال ۱۳۴۰ با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و طرح لوایح شش گانه شاه، امام خمینی مخالفت قاطع خود را علیه رژیم آغاز کرد. با پیش آمدن واقعه خونین ۱۵ خرداد ایشان به دنبال نطقی که علیه رژیم ایراد نمود، دستگیر و به پادگان عشرت آباد تهران منتقل شد. یک سال پس از آزادی، مجددا در مخالفت با «کاپیتولاسیون» سخنرانی ایراد کرد که منجر به تبعید ایشان در سیزده آبان سال ۱۳۴۴ به ترکیه شد. پانزده سال به حالت تبعید در نجف اشرف به سر برد. سرانجام پس از شهادت پسرشان - آیت‌الله سید مصطفی خمینی - به دست رژیم و پس از آن که از عراق به پاریس رفت و با فرار شاه، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ با ورودشان به خاک میهن، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را برای مردم ایران به ارمغان آوردند و در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ با حمایت توده‌های میلیونی مردم رژیم شاهنشاهی در ایران را سرنگون ساخت و برای نخستین بار در ایران حکومت جمهوری اسلامی را برقرار ساخت و به عنوان «امام» همه مسلمانان جهان به رسمیت شناخته شد. امام خمینی ده سال پس از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و هدایت انقلاب اسلامی در این مدت در چهاردهم خرداد سال ۱۳۶۸ در تهران درگذشت.

از آثار ایشان میتوان به این عنوان‌ها اشاره نمود: شرح دعای سحر (به عربی، ترجمه سید احمد فهری)، شرح حدیث رأس الجالوت (تألیف ۱۳۴۸)، حاشیه امام بر شرح حدیث رأس الجالوت، حاشیه بر شرح فوائد الرضویه، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة، حاشیه بر شرح فصوص الحکم، حاشیه بر مصباح الانس، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، سر الصلوة (صلوة العارفين و معراج السالکین)، آداب نماز (یا آداب الصلوة)، رساله لقاءالله، حاشیه بر اسفار، کشف الاسرار (در اسرار هزار ساله حکمی زاده، چاپ سوم ۱۳۶۳ ق.)، انوار الهدایة فی التعلیقه علی الکفایة، بدایع الدرر فی قاعده نفی الضرر، رساله الاستصحاب، رساله فی التعادل و التراجع، رساله الاجتهاد و التقليد، مناهج الوصول الی علم الاصول (دو جلد)، رساله فی الطلب و الارادة، رساله فی التقیة، رساله فی قاعده من ملک، رساله فی تعیین الفجر فی الیالی المقمره، کتاب الطهاره (چهار جلد)، تعلیقه علی العروة الوثقی، مکاسب محرمة (دو جلد) تعلیقه علی وسیله النجاة، رساله نجات العباد، حاشیه بر رساله ارث، تقریرات درس اصول آیت‌الله العظمی بروجردی، توضیح المسائل (رساله عملیه)، مناسک حج، تحریر الوسیله (دو جلد)، کتاب البیع (پنج جلد)، تقریرات دروس امام خمینی، کتاب الخلل فی الصلوة، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تفسیر سوره حمد، استفتانات، دیوان شعر، نامه‌های عرفانی، پیامها، سخنرانیها، مصاحبه‌ها و احکام و نامه‌ها (بیست و دو جلد)، وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی، مکاسب المحرمه (عربی، ۱۳۸۱ ق.)، تهذیب الاصول (عربی، دو جلد تقریر امام و تحریر جعفر سبحانی، ۱۳۸۰-۱۳۷۵ ق.).

حضرت آیه‌الله العظمی امام سید روح‌الله موسوی خمینی ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰ (ه.ق.) در خمین در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. والدایشان - آیه‌الله سید مصطفی خمینی - در اواخر ۱۳۲۰ در سن ۴۷ سالگی به وسیله فتودالها شهید شد.

امام، تحت تربیت عمه و مادر دلسوز و مراقبت‌های برادر بزرگوارش آیه‌الله پسندیده رشد کرد. و پس از تحصیلات مقدماتی در خمین در ۱۳۳۹ عازم حوزه علمیه اراک شد و سپس در ۱۳۴۰ در محضر آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائمی به قم عزیمت کرد. او در ۱۳۴۵ ه.ق. سطوح عالی را طی کرده و در محضر درس مؤسس حوزه - آیه‌الله حائمی حضور یافت. پس از رحلت مرحوم حائمی در ۱۳۵۵، به عنوان استادی گرانقدر و مجتهدی عالم در حوزه درخشید. وی در کنار فقه و اصول به تحصیل پرداخت

و از محضر آیه‌الله شیخ محمد علی شاه‌آبادی عارف کامل، بهره‌های روحی فراوانی برد. آوازه شهرت وی به عنوان یک استاد مسلم و صاحب شیوه تدریس و تعلیم، طلاب بیشماری را گرد او جمع کرد. درس اخلاق و روش تدریس و تعلیم وی که موجد روح فداکاری و شجاعت و تعهد و تقوی در طلاب میشد، موجب تحول عظیمی در حوزه و منجر به تعطیلی درسش از طرف دیکتاتور وقت - رضاخان - گردید. پس از سقوط رضاخان، این درس مجدداً در فیضیه آغاز گشت.

در سال ۱۳۶۴ ه.ق. همزمان با ورود آیت‌الله بروجردی، بزرگترین کرسی تدریس حوزه علمیه به وی اختصاص یافت. مسجد سلماسی و مدرسه فیضیه شاهد حضور انبوهی از مشتاقان معرفت و دهها مجتهد اصولی، ادیب و مفسر در محضرش گشت. او در مسند اجتهاد و فتوی نشست و میلیونها تن به عنوان مقلد و پیرو، سر به فرمانش نهادند و در انتظار صدور حکم و فتوایش نشستند. در سال ۱۳۴۰ ه.ش. با تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و طرح لوایح ششگانه شاه - که خود وسیله‌ای برای تثبیت حکومت امریکا در ایران بود - مخالفت جدی و قاطع نمود. حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۱ پیش آمد که هزاران نفر از مسلمانان انقلابی آماج گلوله‌های سفاکان پهلوی گشتند و خود ایشان به دنبال نطقی کوبنده در مدرسه فیضیه به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد. ولی پس از یک سال آزاد و هنگام بازگشت به قم در مخالفت با کاپیتولاسیون سخنرانی رسوا کننده‌ای در مسجد اعظم ایراد کرد که منجر به تبعیدش در ۱۳ آبان ۱۳۴۲ به ترکیه گردید. پس از مدتی به نجف منتقل و قریب ۱۵ سال اجباراً در حوزه نجف اقامت گزید. و از همانجا عهده‌دار رهبری فکری و ارشادی مردم بود و در فرصت‌های مناسب اعلامیه‌های لازم را صادر می‌کرد. در ۱۳۵۶ ه.ش. به مناسبت شهادت فرزند برومندش آیه‌الله مصطفی خمینی مجالس ترحیم باشکوه و خونینی برپا گشت که شخصیت امام را بیشتر مطرح و موجب انتقال ایشان به پاریس گردید. و این در حالی بود که احساسات مذهبی مردم به اوج خود رسیده و کنترل از دست رژیم خارج گشته بود و شاه از ایران خارج شده و اساس حکومت اسلامی به رهبری امام و فداکاری مردم مسلمان در ایران پایه‌ریزی شده بود.

آثار و تألیفات گرانبهایی از معظم له در اختیار محافل علمی است که از آن میان می‌توان از «تحریر الوسيله كتاب الصلوة»، كتاب المكاسب، كتاب الطهاره، كتاب الخلل، كتاب البيع (در ۵ جلد)، مصباح الهدایة (شرح دعای سحر)، چهل حدیث برگزیده در اخلاق و عرفان و...» را نام برد و اکنون دعای میلیونها تن از مسلمانان و مستضعفین جهان این است:

خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار!

(۱۴۱۰ - ۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه، مرجع تقلید، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، عارف و شاعر. در خانواده‌ای روحانی در شهر خمین متولد شد. پدرش در چهل و هفت سالگی به دست مالکین محلی کشته شد و امام تحت سرپرستی و حضانت عمه و مادر و برادرش آیت‌الله پسندیده قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش آموخت و در سال ۱۳۳۹ ق برای ادامه تحصیل رهسپار اراک شد. پنج سال در آنجا اقامت کرد و تا سطوح عالی را خواند. با عزیمت آیت‌الله حائری یزدی در سال ۱۳۴۰ ق به قم و بنا نهادن حوزه‌ی علمیه، در ساذل ۱۳۴۵ ق به قم رفت و به تحصیل فلسفه و حکمت مشغول شد. فلسفه را از آیت‌الله شیخ محمدعلی شاه‌آبادی فراگفت. سپس به تحصیل دروس خارج از سطح پرداخت و از محضر آیت‌الله حائری کسب فیض کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از محضر می‌رسید علی یتربی و حاج میرزا جواد ملکی تبریزی و آقا میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی و حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی و آقامیرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاجی سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله بروجردی و حاج سید محسن امین و حاج شیخ عباس محدث قمی و سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی و حاج شیخ محمدتقی بافقی بهره‌مند گشت و اینان از مشایخ وی بودند. امام خمینی از سال ۱۳۶۸ ق به تدریس «کفایه» و «منظومه» و «اسفار» و فقه و اصول پرداخت. وی علاوه بر علوم عقلی و نقلی، تحصیل علم اخلاق را جزو دروس تحصیلی طلاب خود قرار داده بود، و از دیرباز به تدریس اخلاق مشغول بود. در دوره‌ی رضاخان درس اخلاق ایشان مدتی تعطیل شد و پس از سقوط رضاخان،

این درس مجدداً در مدرسه‌ی فیضیه دایر گشت. وی علاوه بر مدرسه‌ی فیضیه، در مسجد سلماسی نیز تدریس می‌نمود. در سال ۱۳۴۰ ش که تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و لویح ششگانه شاه مطرح شد، با مخالفت جدی امام روبه‌رو گردید و در نتیجه حادثه‌ی پانزده خرداد ۱۳۴۲ ش پیش آمد. امام به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد و پس از چندی آزاد گردید و به قم مراجعت کرد. مخالفت ایشان با مسئله کاپیتولاسیون و سخنرانی وی در مسجد اعظم سبب شد که معظم‌له به ترکیه تبعید شود. پس از مدتی به نجف منتقل گشت و قریب پانزده سال در نجف اقامت گزید. از همین زمان عهده‌دار رهبری مبارزات سیاسی شد و در هر فرصتی با صدور اعلامیه‌هایی مردم را به مبارزه‌ی تهییج می‌کرد. با درگذشت ناگهانی فرزند ایشان حاج سید مصطفی خمینی در سال ۱۳۵۶ ش و برگزاری مراسم سوگواری، تبلیغات علیه دستگاه هیئت حاکمه را دنبال کرد. به تدریج دامنه‌ی تظاهرات به خیابانها کشیده شد. در این زمان امام از نجف به پاریس رفت و مبارزات علیه شاه اوج گرفت و شاه مجبور به ترک کشور شد و امام به ایران بازگشت و جمهوری اسلامی را بنا نهاد و رهبری حکومت اسلامی ایران را تا ۱۴ خرداد ماه سال ۱۳۶۸ ش که جان به جان آفرین تسلیم کرد، خردمندان عهده‌دار بود. پیکر پاک وی با مراسم باشکوهی در محلی که اکنون به نام مرقد مطهر معروف است دفن گردید. امام خمینی از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت. از آثار وی: «کشف الاسرار»؛ «تحریر الوسیله»؛ «کتاب الصلوئه»؛ «کتاب المکاسب»؛ «تهذیب الاصول»؛ «کتاب الطهاره»؛ «کتاب الخلل»؛ «کتاب البیع»، در پنج مجلد؛ «مصباح الهدایه»؛ «چهل حدیث برگزیده در اخلاق»؛ «آداب نماز»؛ «مجموعه‌ی اشعار»، که پس از رحلت ایشان در دسترس عموم قرار گرفت. [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] آینه‌ی دانشوران (۱۸۷-۱۸۵)، الذریعه (۵۲/۲۲، ۱۲۳/۲۱، ۱۳/۱۸، ۶۹/۱۳)، سخنوران نامی معاصر (۳۴۷-۳۴۰/۱)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۳، ص ۱۵-۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۹-۱۲/۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۲-۲۳۱/۳).

خواجوی، ابوالحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از دانشمندان و مطلقین از علوم قرآن بوده، رساله‌ای در تجوید بفارسی نگاشته، تاریخ تألیف ۱۲۲۵ هجری می‌باشد. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خویی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۷ ق- ۱۳۷۱ ش)، مجتهد، فقیه، اصولی، مفسر، مدرس و مرجع بزرگ شیعه. آیت‌الله خویی در خوی متولد شد. در سال ۱۳۳۰ به نجف رفت و پس از تحصیل علوم ادبی و منطقی و اصول فقه و کلام و فلسفه، بحث عالی خارج را نزد مجتهدان بزرگی چون آیت‌الله شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، شیخ مهدی مازندرانی، شیخ ضیاءالدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی، شیخ محمد حسین نایینی، شیخ محمد جواد بلاغی و آیت‌الله سید حسن بادکوبه‌ای، فراگرفت و به درجه‌ی اجتهاد رسید. آیت‌الله خویی مدتی در مسجد الخضراء نزدیک حرم امیرالمومنین (ع) به تدریس بحث خارج «مکاسب» شیخ انصاری، کتاب «صلاه» و بحث خارج «عروه»،

و همچنین تفسیر قرآن پرداخت. در حوزه‌ی درس ایشان هزاران شاگرد تربیت یافتند که هر یک به عنوان مرجعی در سراسر بلاد اسلامی منتشرند. در عراق درگذشت و در نجف دفن شد. او تالیفات متعددی دارد که برخی از آنها عبارت است از: «اجود التقریرات»؛ «الامر بین الامرین»؛ «البیان فی تفسیر القرآن»؛ «التنبیه علی حکم اللباس المشکوک علیه»؛ «التنقیح فی شرح العروه الوثقی»؛ «مدارک العروه»؛ «الدراسات فی الاصول»؛ «مصباح الفقاهه»؛ «تکمله منهاج الصالحین»؛ «مبانی تکمله‌ی منهاج الصالحین»؛ «تهذیب و تتمیم منهاج الصالحین»؛ «مستحدثات المسائل»؛ «منتخب الرسائل»؛ «مناسک الحج»؛ «المسائل المنتخبه»؛ «فقه القرآن علی المذاهب الخمس»؛ «المحاضرات فی الفقه الجعفری»؛ «معجم رجال الحدیث» در بیست و سه جلد و برخی کتب دیگر که هنوز طبع نشده. [۱]

فقیه مرجع مدرس.

تولد: ۱۵ (۱۲۷۸ رجب ۱۳۱۷ ق.)، خوی.

درگذشت: ۱۷ مرداد ۱۳۷۱، کوفه.

آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، فرزند علی‌اکبر فرزند هاشم موسوی خویی نجفی، در شهر خوی به تحصیل برخی مقدمات پرداخت. در سال ۱۳۳۰ ق. به نجف اشرف رفت و در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف به فراگرفتن علوم ادبی و منطق پرداخت. پس از فراگیری کتاب‌های درسی اصولی و فقهی و از جمله نزد پدرش، به تحصیل خارج نزد استادان مختلف و از جمله آیت‌الله شیخ فتح‌الله معروف به شیخ الشریعه اصفهانی، آیت‌الله شیخ مهدی مازندرانی، آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله محمدحسین اصفهانی، آیت‌الله محمدحسین نایینی، آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی، آیت‌الله سید محمدحسین بادکوبی پرداخت. بعد با اجازه آیت‌الله محمدحسین نایینی به تدریس کتب امامیه و غیر امامیه، کتب اربعه (کافی، فقه، تهذیب، استبصار) و جوامع (وسایل بحار، وافی) پرداخت.

در سال ۱۳۵۲ ق. بسیاری از علما مانند آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله عراقی و آیت‌الله بلاغی به مقام علمی و اجتهاد ایشان شهادت دادند. در این زمان بود که آیت‌الله العظمی خویی مجلس بحث خارج خود را در مسجدالخضراء نزدیک حرم حضرت امیر (ع) تشکیل داد و سال‌ها به تدریس بحث خارج مکاسب آیت‌الله شیخ مرتضی انصاری، کتاب صلاة و بحث خارج عروه از سید محمدکاظم یزدی از کتاب طهارت و بعدها نیز به تفسیر قرآن کریم پرداخت.

از جمله آیار ایشان می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: البیان فی تفسیر القرآن؛ اجود التقریرات (دو جلد)؛ تکمله منهاج الصالحین؛ مبانی تکمله منهاج الصالحین (دو جلد) المسائل منتخبه، مستحدثات المسائل؛ تعلیقه علی العروه الوثقی؛ رساله فی اللباس المشکوک؛ نفحات الاعجاز فی الرد علی حسن الایجاز؛ منتخب الرسائل؛ تعلیقه علی المسائل الفقیه؛ منتخب توضیح المسائل؛ تلخیص المنتخب؛ مناسک الحج (به عربی و نیز به فارسی)؛ تعلیقه المنهج الاحکام الحج؛ معجم رجال الحدیث (بیست و سه جلد).

تقریرات آیت‌الله العظمی خویی به شرح زیر هستند: تنقیح العروه الوثقی، شش جلد در علم و فقه، دروس فی فقه الشیعه چهار جلد در علم فقه، مستند العروه سه جلد در علم فقه، فقه العتره، دو جلد در علم فقه، تحریر العروه یک جلد در علم فقه، مصباح الفقاهه، سه جلد در علم فقه، محاضرات فی الفقه الجعفری، دو جلد در علم فقه، الدر الغوالی فی فروع العلم الاجمالی، یک جلد در علم فقه، محاضرات فی اصول الفقه، پنج جلد در علم اصول، مصباح الاصول، دو جلد در علم اصول؛ مبانی الاستنباط، دو جلد در علم اصول؛ دراسات فی الاصول، مصابیح الاصول یک جلد در علم اصول، جواهر الاصول، یک جلد در علم اصول؛ الامر بین الامرین، یک جلد در علم اصول؛ الرأی السدید فی الاجتهاد و التقليد، یک جلد در علم فقه؛ رساله فی التحقیق الکر، یک جلد در علم فقه؛ رساله فی حکم اوانی الذهب، یک جلد در علم فقه.

از کتاب‌های طبع نشده وی میتوان به عنوان‌های زیر اشاره کرد: اضاهة القلوب؛ فقه القرآن علی المذاهب الخمس؛ فهرست جامع الشتات؛ ازاله المحاده عن ملک المنافع المتضاده؛ آثارة العقول؛ قاعده التحاوز؛ تعارض.

آیت‌الله العظمی خویی در پی یک بیماری قلبی در بیمارستان ابن‌النفیس بغداد بستری و پس از یک هفته به نجف اشرف بازگشت و پس از گذشت چند روز به علت کهولت سن در ساعت سه بعدازظهر به وقت بغداد در روز هفدهم مرداد ۱۳۷۱ (مطابق با هشتم صفر ۱۴۱۳ ق.) در کوفه چشم از جهان فروبست. پیکر ایشان صبح یکشنبه در نجف اشرف تشییع شد و در مسجد الخضر (صحن مطهر علوی) به خاک سپرده شد.

منابع: معجم رجال‌الحديث، جلد ۲۲، ص ۱۷. آیت‌الله العظمی خویی به رحمت ایزدی پیوست، کیهان فرهنگی س. ۹ ش. ۶ (شهریور ۱۳۷۱)، ص ۵۵. «چهره درخشان علوم مختلف اسلامی، حاج سید ابوالقاسم خویی (ره)»، کیهان، ش. ۱۴۵۷۵ (۲۵ شهریور ۱۳۷۱)، ص ۱۸. گنجینه دانشمندان، جلد پنجم / شیخ محمد شریف رازی، ص ۶۵-۶۴ مجلس نشین قدس، یادواره پیشگام شهدای محراب، آیت‌الله قاضی طباطبائی / شعر دوست، با مقدمه‌ای از حجت‌الاسلام سدی حسین موسوی تبریزی گنجینه دانشمندان، جلد دوم / شیخ محمد شریف رازی، ص ۹-۳.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۶، ص ۵۵)، مولفین کتب چاپی (۲۴۲-۲۴۰/۱).

خوئی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولدش در نیمه ماه رجب سنه هزار و سیصد و هفده در شهر خوی واقع شده و والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر موسوی خوئی در سال ۱۳۶۴ قمری در مشهد مقدس برای نگارنده گفت قبل از ولادتش یکی از فضلاء خوی از شاگردان من که طلبه باتقوا و متدینی بود نزد من آمد و گفت حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام را در خواب دیدم و چند پیام برای شما داده و گفت فرمودند به سید علی‌اکبر بگو نماز و روزه استیجاری را بده و آن خانه را هم مال ایتم نیست مال مدعی است به صاحبش بگذار و حاملی که همسرت دارد پسر است نامش را ابوالقاسم بگذار.

آن بزرگوار پس از تولد و نشو و نما در خاندان علم و دانش در سال ۱۳۳۰ با مرحوم والدش به نجف مشرف شده و به ادامه تحصیل پرداخته تا در مدت کوتاهی حاضر درس مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی گردیده و گوی سبقت از همگان ر بوده و تقریرات استادش مرحوم نائینی را به نام (اجود التقریرات) به رشته تحریر و طبع آورده و شهرت علمیش مخصوص در علم اصول زبانزد همه گردیده و حوزه درس مستقلى تشکیل و فضلاء بلاد از همه جا به درسش حاضر و کسب افتخار می نمودند.

از مزایای درس معظم‌له عربی تدریس کردن بود زیرا با اینکه ایرانی و آذربایجانی بود درس فقه و اصول خود را در مسجد الخضر عربی سلیس و کتابی و فصیح بدون هیچ وقفه و لکنتی بیان می کرد که عرب و عجم از او استفاده و کامیاب می شدند. مرحوم والدش حجه‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر موسوی خوئی که از علماء مشهد و ائمه جماعت مسجد جامع گوه‌رشاد بودند سیدی بسیار جلیل و بزرگوار و به خود می‌بالید و افتخار می کرد با داشتن چنین فرزند برومندی که از مبرزین علماء و مراجع و مجتهدین شیعه می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خیرخواه، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد خیر خواه

محل تولد: روستای طوسکلاء

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب احمد خیرخواه دوره تحصیلات ابتدایی را در روستای زادگاهم طوسکلاء از توابع شهرستان نکاء گذرانده ام و تحصیل در مقطع راهنمایی را در شهرستان های ساری (مرکز استان مازندران) و گرگان (مرکز استان گلستان) انجام دادم و در سال ۱۳۵۷ همزمان با انقلاب اسلامی به جهت علاقه زیادی که به تحصیل علوم دینی داشتم وارد حوزه علمیه رستمکلاء (حومه بهشهر) شدم که زیر نظر عارف کامل و عالم عامل حضرت آیت الله شیخ ابوالحسن ایازی (رضوان الله تعالی علیه) تاسیس و اداره می شد و دروس آغازین صرف و نحو (ادبیات عرب) را در آن حوزه نورانی فراگرفتم. لازم به ذکر می دانم که فضای تحصیلی در آن حوزه با دو ویژگی تعلیم و تزکیه ممتاز بود و مرحوم آیت الله ایازی با تعلیم و تربیت هزاران تن از طلاب فاضل و روحانیون ارجمند که بسیاری از آنان خود از اساتید شایسته و از محققان و پژوهشگران پرتلاش هستند در توسعه علم و فرهنگ دینی نقش بسیار مفید و ماندگاری را ایفا نمودند. اینجناب در سال ۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و کتاب مغنی اللیب (در ادبیات) را نزد مرحوم استاد مدرس افغانی (ره) و کتاب مطول (در معانی و بیان و بدیع) را محضر آیت الله فشارکی و کتاب رسائل (در علم اصول) را نزد آیت الله اعتمادی و کتاب مکاسب (در فقه) را محضر آیت الله بنی فضل و مرحوم آیت الله پایانی و کتاب کفایه الاصول آخوند خراسانی را محضر مرحوم آیت الله ستوده تلمذ نمودم و دروس خارج اصول و فقه را محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی (ره)، صالحی مازندرانی (ره)، ناصر مکارم شیرازی، و جوادی آملی افتخار حضور یافتیم. به جهت علاقه خاصی که به مطالعه و پژوهش در علوم قرآن و تفسیر داشتم و نیز به جهت اهمیت ویژه ای که خود این دانش در مقایسه با دیگر علوم دارد، وارد این رشته تخصصی شدم که با شرکت کنندگان در آن با شرایط ویژه ای و با دو مرحله امتحان گزینش می شوند در این دوره که به مدت چهار سال به طول انجامید از محضر اساتید بزرگوار و حضرت آیت الله معرفت استفاده کردم و موضوع پایان نامه اینجناب (بررسی مترادف در قرآن کریم) است. و همزمان و به موازات حضور در دوره تخصصی تفسیر جهت عینیت بخشیدن به مطالعات و پژوهشهای قرآنی وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در قم شدم و این مرکز که از مهمترین مراکز مطالعات تحقیقی و کاربردی در محور موضوعات قرآنی است متشکل از بخش ها و واحدهای مختلفی از جمله دائرةالمعارف قرآن کریم، پاسخ به پرسش ها و شبهات قرآنی، تفسیر راهنما، قرآن و علم، واحد فرهنگ قرآن و... می باشد و اینجناب به اتفاق جمعی از همکاران گرامی در واحد فرهنگ قرآن قریب به ده سال است که به تحقیق و پژوهش در مفاهیم قرآنی مشغول هستیم که با منطبق نظام الفبایی تدوین می شود و برای این منظور بیش از دو هزار مدخل که با بیشتر از صد هزار نمایه توسعه می یابد بر مبنای معارف برگرفته از قرآن کریم و تفاسیر در قالب برداشت های قرآنی و با راهکارهای کاملاً تعریف شده و ضابطه مند مورد تحقیق قرار می گیرد. این پژوهش که با نام (فرهنگ قرآن) آغاز شده و ادامه دارد در حقیقت پروژه ای عظیم و در عین حال بی سابقه در حوزه علوم قرآن و تفسیر است که از سوی

حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی ارائه شده است و به وسیله تلاش های مستمر و دلسوزانه جمعی از همکاران همدل و همراه این مرکز انجام می گیرد و به سامان می رسد که بنده نیز به عنوان عضوی کوچک از آن مجموعه بزرگوار محسوب می شوم. تحقیق مذکور که به مثابه یک موسوعه بزرگ از مفاهیم قرآنی است در حدود ۲۵ جلد خواهد بود که ۱۰ جلد آن تا کنون از چاپ خارج شده است و در دسترس علاقمندان مطالعات قرآنی قرار گرفته است و بقیه مجلدات آن نیز در شرف نهایی شدن قرار دارد. اینجانب جدای از تحقیق جمعی فوق مقالاتی را در موضوعات علوم قرآنی، کلامی، معارف دینی و اجتماعی برای دایرةالمعارف قرآن کریم و مرکز مطالعات حوزه علمیه قم و برخی از نشریات نوشته ام.

دارمی سمرقندی، ابومحمد عبدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۵۵- ۱۸۱ ق)، مفسر، فقیه و محدث. در سمرقند به دنیا آمد و در همان شهر ساکن بود. به اصرار سلطان، منصب قضاوت سمرقند را پذیرفت، اما پس از اولین مرافعه استعفا داد. در طلب حدیث سفرهای بسیاری کرد و در حجاز و شام و مصر و عراق و خراسان استماع حدیث نمود. از یحیی بن حسان و ابوعلی عبیدالله بن عبدالمجید و یزید بن هارون و یعلی بن عبید و جعفر بن عون و وهب بن جریر و نصر بن شمیل و بشر زهرانی حدیث شنید. مسلم و ابوداود و ترمذی، سه تن از صاحبان «صحاح» ششگانه، و نیز ابوزرعه و ابوحاتم رازی و محمد بن بشار بنادر و عیسی بن عمر سمرقندی و دیگران از او استماع حدیث کرده‌اند و همگان به فضل و کمال او اقرار داشتند. در شهر مرو درگذشت و در همان جا دفن شد. از آثار وی: «مسند»، در حدیث؛ «التفسر»؛ «الجامع الصحیح». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۳۰/۴)، تاریخ بغداد (۳۲- ۲۹/۱۰)، تهذیب التهذیب (۲۶۲- ۲۶۱/۵)، الجرح و التعذیل (ج ۲ ق ۲/۹۹)، ریحانه (۲۰۶/۲)، سیر النبلاء (۲۳۲- ۲۲۴/۱۲)، الکنی و الالقاب (۲۲۵/۲)، لغت نامه (ذیل / ابومحمد)، معجم المؤلفین (۷۱/۶).

دارینی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد دارینی

محل تولد: دارین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد دارینی در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان دارین از توابع سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری

کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی وارد حوزه علمیه سبزوار گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره‌های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم‌جواری با بارگاه ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، مرحوم آیت الله معرفت، آیت الله حجتی، آیت الله واعظی خراسانی و... بهره‌ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم قرآن در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹ از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "هدایت و مبانی آن در قرآن" دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، مشغول است. و در زندگی سراسر علمی خود جز به امر تبلیغ، تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات متعددی به رشته تحریر در آورده است.

دامغانی، افتخارالدین، محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(و ف ۷۷۵ ق)، علام دینی و مفسر. وی در علوم عقلی و نقلی مهارت داشت. او در نزد شیخ کبیر مدفون است. از جمله آثار وی: «الکاشف»، در تفسیر، در هفت مجلد؛ شرح «العیون» عضدالدین عبدالرحمان؛ «شرح الاشارات» به نام «تنقیح العبارات فی توضیح الاشارات»؛ «المدارک»، در منطق؛ شرح «آداب البحث».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان شیراز (۲۸۰)، تذکره ی هزار مزار (۱۰۹-۱۰۷)، معجم المؤلفین (۷۹/۱۲).

داودی لیمونی، سعید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید داودی لیمونی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سعید داودی لیمونی در سال ۱۳۵۳ شمسی وارد حوزه علمیه شهر رستم کلا (بهشهر) شدم و تا قسمتی از رسائل را در محضر مرحوم آیت الله ایازی خواندم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و رسائل را از محضر آیت الله اعتمادی و مکاسب را از محضر حضرات آیات دوزدوزانی، مرحوم پایانی و مرحوم ستوده بهره گرفتم. کفایتین را نیز نزد مرحوم آیت الله ستوده خواندم و در درسهای خارج حضرات آیات مکارم شیرازی، شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، جوادی آملی و لنگرودی شرکت کردم و مدت ده سال (به طور متناوب) از این آقایان بهره گرفتم. هر چند بیشترین بهره اینجانب از محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (۸ سال) بوده است.

بدایه الحکمه را از محضر استاد فیاضی و نهاییه الحکمه را از محضر آیت الله مصباح یزدی بهره گرفتم و مدت دو سال در درس اسفار آیت الله جوادی آملی شرکت کردم و در درسهای تفسیر آیت الله جوادی آملی به مدت ۳ سال شرکت کردم دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی به مدت چهار سال گذارندم و در این دوره از اساتید گرامی، حضرات آیات: مکارم شیرازی، خزعلی، معرفت، مرحوم طاهر شمس، محقق داماد، شب زنده دار و توفیقی بهره مند شدم. در سال ۱۳۸۱ پایان نامه سطح چهار را در رشته تفسیر با عنوان «جایگاه زن در قرآن کریم» دفاع کردم و مدرک سطح چهار را گرفتم. از سال ۱۳۷۱ در محضر حضرت آیت الله مکارم شیرازی به اتفاق جمعی از محققان به تدوین شرح نهج البلاغه پرداختیم که تا کنون (اردیبهشت ۱۳۸۵) هفت جلد از آن به چاپ رسیده و همچنان ادامه دارد (به نام پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام) در این مدت بیش از ده مقاله برای روزنامه ها، مجلات، سمینارها و ... تدوین کردم که به چاپ رسیده است.

علاوه بر تدریس ادبیات و فقه و اصول که چند سال بدان پرداختم، سه سال در دانشگاه آزاد اسلامی اراک در رشته تفسیر و نهج البلاغه تدریس می کردم و اکنون به مدت چهار سال است که در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی به تدریس اشتغال دارم همچنین به مدت چهار سال است که در تدوین موسوعه فقهی مقارن زیر نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی به اتفاق جمعی از محققان به تدوین مقالات می پردازیم که جلد اول آن به پایان رسیده است و چند سالی است که در مرکز مدیریت حوزه علمیه بخش مدارج علمی، راهنمایی و داوری پایان نامه های سطح ۳ و ۴ را به عهده دارم. علاوه بر آن در تدوین کتب و مقالات دیگر به فعالیت مشغول هستم.

داوری آشتیانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۳۲۲.

درگذشت: ۳ آبان ۱۳۷۲، تهران.

حسین داوری آشتیانی استادیار پژوهشکده‌ی زبان شناسی بود. از وی کتابی به نام ویژگیهای املاکی دست نویس تفسیر قرآن پاک در ۱۷۶ صفحه (تهران، ۱۳۵۷) به یادگار مانده است.

حسین داوری آشتیانی روز سوم آبان ۱۳۷۲ در مسیر عزیمت به محل کارش درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

داوودی کهکی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا داوودی کهکی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا داوودی، در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم که به مقدمات و سطح پرداختم. در سال ۱۳۷۲ وارد موسسه در راه حق-دروس عمومی- شدم. که پس از دو سال به موسسه امام خمینی(ره) منتقل شد، این دروس آشنایی با مبانی علوم انسانی بود که تا ۱۳۷۷ به طول انجامید. از سال ۱۳۷۷ کارشناسی ارشد رشته تخصصی علوم قرآنی و تفسیر در موسسه امام خمینی(ره) را آغاز کردم. همزمان با گذراندن این رشته، در دوره کارورزی تحقیق که زیر نظر یکی از اساتید برگزار می‌شد شرکت کردم که در موضوع تفسیر موضوعی به مطالعه و تشکیل پرونده می‌پرداختیم. پس از پایان دوره نوبت به نگارش پایان‌نامه رسید، که موضوع پایان‌نامه اینجانب «شادابی و نشاط از دیدگاه آیات و روایات تفسیری» بود و به مدت یک سال از خرداد ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۲ به طول انجامید. پس از دفاع پایان‌نامه که با امتیاز عالی و نمره ۱۸ پذیرفته شد در سال ۱۳۸۳ در دوره تربیت مربی اخلاق زیر نظر حجت الاسلام دکتر آقاهترانی شرکت کردم و در پایان دوره یکسال، تحقیقی پایانی با عنوان «نگاهی به آثار تربیتی بینش در منابع اسلامی» به نگارش درآوردم. در سال ۱۳۸۴ هفته‌ای یک روز تدریس در دانشگاه آزاد گرمسار را آغاز کردم که درس‌های متون اسلامی، تفسیر موضوعی قرآن و تاریخ صدر اسلام و اخلاق اسلامی را در آنجا تدریس کردم. به جهت نبود کتاب درسی مناسب برای تفسیر قرآن جزوه‌ای را خودم تهیه کردم و تفسیر سوره حمد و آیاتی از سوره بقره و اسراء را در آن جای دادم. همزمان با آن داشتن کار اجرایی کتابخانه علوم قرآنی، چند مقاله نیز به نگارش درآوردم که در لیست مقالات آمده است.

دقاق نیشابوری، ابوعلی حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۲/۴۰۵ ق)، عالم، عارف، مفسر، واعظ و شاعر. در نیشابور به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. از اکابر عرفا و جامع اصول شریعت و فنون طریقت به شمار می‌رفت. در بیان احادیث و اخبار دستی توانا داشت و در تفسیر و تاویل آیات بصیر و بینا بود. از کثرت شوق و ذوق و درد و گریه که داشته او را شیخ نوحه گر می‌گفتند. کلمات معروفه‌ای نیز از وی به یادگار مانده است. گویند خواجه عبدالله انصاری مناجات مشهور خود را از کلمات این عارف ربانی اقتباس نموده است. ابوالقاسم عبدالکریم قشیری

داماد و شاگرد وی بود. دقاق در نیشابور وفات یافت و او در مدسه‌ی خو در سمت قبله‌ی کهن دز دفن کردند. از آثار وی: «تاویل بعضی از آیات قرآنی»؛ «خلافت»؛ «زهد»؛ «موعظ»؛ که بر سیصد و شصت مجلس مشتمل می‌باشد؛ «کتاب الضحایا».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۴)، تاریخ نیشابور (۲۲۵، ۲۲۶)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (مقدمه، ۲۹)، ریحانه (۲۲۳-۲۲۲/۲)، طبقات الصوفیه هروی (۶۳۱-۶۳۰)، کشف الظنون (۱۴۳۴)، الکنی و الالقاب (۲۲۹/۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۰۶)، معجم المؤلفین (۲۶۱/۳)، نفحات الانس (۲۹۹-۲۹۷)، وفيات الاعیان (۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶/۳)، هدیه الاحباب (۱۳۵)، هفت اقلیم (۲۲۵/۲).

دقی دینوری دمشقی، ابوعمر، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۰/۳۵۹ ق)، عارف، حافظ قرآن، قاری و محدث. اصل وی از دینور بود، و در شام می‌زیست و به شیخ شامی‌ها معروف بود. وی از اقران ابوعلی رودباری و شاگرد زقاق کبیر بود و با جنید بغدادی و ابوبکر مصری صحبت داشته است. و از مشایخ وقت، و در میان همطبقه خود به جلالت موصوف بود. قرآن را نزد ابوبکر بن مجاهد فراگرفت و از سعید بن عبدالعزیز حلبی و ابوبکر خرائطی و ابوبکر دقاق حدیث شنید. عبدالوهاب میدانی از راویان دقی است. در صد و بیست سالگی در گذشت. این شخصیت در «تاریخ بغداد» تحت عنوان زقی آمده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۲۶۷-۲۶۶/۵)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۷۹)، ریحانه (۲۲۳/۲)، سیر النبلاء (۱۳۹-۱۳۸/۱۶)، طبقات الصوفیه سلمی (۴۴۸)، طبقات صوفیه هروی (۵۰۷-۵۰۵)، نفحات الانس (۱۹۳-۱۹۲)، الوافی بالوفیات (۶۳/۳).

دوانی، جلال‌الدین محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۳۰- ح ۹۱۸/۹۰۸ ق)، حکیم، فیلسوف، فقیه، متکلم، مفسر، قاضی و شاعر، متخلص به جلال و دوانی نیز فانی. معروف به علامه دوانی و مشهور به محقق دوانی. نسبش به محمد بن ابی‌بکر می‌رسد. در دوان از قرای کازرون فارس متولد شد. ابتدا نزد پدر دانش آموخت و سپس برای تکمیل معلومات خود به شیراز رفت و در خدمت ملا محی‌الدین انصاری (از اولاد سعد بن عباد صحابی) درآمد. دوانی مسافرت‌هایی به گیلان، کاشان، تبریز، عراق، مدینه و مکه داشت. در شیراز اقامت گزید و سالها در مدرسه‌ی بیگم به تدریس مشغول بود. بین او و امیر صدرالدین دشتکی شیرازی مناظرات و مباحثات حضوری و غیابی بسیار، در زمینه‌ی حکمت و کلام، جریان داشت و شاگردان وی بیشتر از شاگردان امیر صدرالدین دشتکی بودند. در دوران آق قویونلوها منصب قاضی القضاتی فارس را بر عهده داشت. علامه‌ی دوانی در همه‌ی علوم زمان خود تبحر داشت و شعر فارسی را نیز به خوبی می‌سرود. وی ابتدا شافعی مذهب بود و بعد مذهب شیعه را برگزید، و سپس رساله‌ای به نام «نور الهدایه» نگاشت که بر تشیع او تصریح دارد، و نیز حاشیه‌ی او بر «تجرید»، در جواب میر صدرالدین شیرازی در تفضیل ابوبکر بر علی (ع)، موید تشیع اوست. او در این رابطه اشعاری

نیز سروده است. دوانی صاحب بیش از صد تالیف به زبان عربی و فارسی در علوم مختلف بود که برخی از آنها عبارت‌اند از: «انموذج العلوم»، محتوی مسایلی از هر علم؛ «اثبات الواجب القديم»؛ «اثبات الواجب جدید»؛ رساله در «افعال العباد»؛ شرح بر متن «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ شرح بر «العقائد العضدیه»؛ حاشیه‌ی قدیمه و جدیده و اجد بر «شرح التجرید» فاضل قوشچی یا «طبقات الجلالیه»؛ «لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق» یا «اخلاق جلالی»؛ «التوحید»؛ تعلیقه بر «الانوار لعمل الابرار» اردبیلی، در فقه شافعی؛ «الجبر و الاختیار» یا «خلق الاعمال»؛ «التصوف و العرفان»؛ «تحفه‌ی روحانی»؛ تفسیر چندین آیه و سوره‌ی قرآن از جمله سوره‌ی «اخلاق» و «کافرون».[۱]

(منسوب به دوان) جلال‌الدین محمد بن سعد (یا سعدالدین) اسعد کازرونی، دانشمند و قاضی معروف. (و. دوان ۸۳۰ ف. ۹۰۸ ه.ق.). پدرش قاضی کازرون بود و دوانی بخش اول عمر خود را در آن شهر گذراند و در مدرسه دارالایتام به تعلیم پرداخت. وی حکیمی متکلم و محقق است. از آثار اوست: اخلاق جلالی (علم اخلاق) اثبات الواجب جدید، اثبات الواجب قدیم، افعال الله تعالی انموذج علوم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۳۲۵-۳۰۹)، احقاق الحق (۱۲۴-۱۲۲/۳)، الاعلام (۲۵۷/۶)، اعیان الشیعه (۱۲/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰-۹۹/۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۷-۲۶۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۷۵-۱۶۷)، الذریعه (۵۷/۲۵، ۱۴۷/۱۵، ۱۹۹/۹، ۸۲/۵، ۲۰۶/۲)، روضات الجنات (۵۴۸-۵۴۱/۲)، ریحانه (۲۳۶-۲۳۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۲-۲۲۰/۱۰)، کشف الظنون (۲۰۴۸، ۱۸۹۳، ۱۵۶۷، ۱۱۴۴، ۱۰۹۶، ۸۶۳، ۸۴۷، ۸۴۲، ۵۱۶، ۴۵۷، ۴۴۹، ۳۴۹، ۱۹۵، ۱۸۴)، لغت نامه (ذیل / دوانی)، مجالس المومنین (۲۲۹-۲۲۱/۲)، معجم المؤلفین (۴۷/۹)، هدیه الاحباب (۱۳۶).

دولابی، ابوبشر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۲۰/۳۱۰-۲۳۴/۲۲۴ ق)، حافظ، محدث و مورخ. وی از دولاب ری بود و پیشه وراقی داشت. در زادگاهش به علم‌آموزی پرداخت و در شام و عراق و حجاز حدیث شنید و در مصر مسکن گزید. وی از محمد بن بشار و احمد بن ابی‌سریج رازی و احمد بن عبدالجبار عطاردی و ابواسحاق جوزجانی و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابوحاتم رازی و ابواحمد بن عدی و ابوالقاسم طبرانی و ابوالحسن بن حیویه و ابوحاتم ابن‌حبان بستی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. دولابی در راه زیارت خانه خدا، بین مکه و مدینه، در عرج، در گذشت. وی تصانیف سودمندی در تاریخ و موالید و وفیات علما از خود به جای گذاشت که از آن جمله کتاب «الکنی و الاسماء» است که در حیدرآباد هند به چاپ رسیده است. از دیگر آثار او: «الذریه الطاهره»؛ «اخبار الخلفاء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۸/۶)، ری باستان (۳۴۷/۲)، ریحانه (۲۳۹/۲)، سیر النبلاء (۳۰۹/۱۴)، کشف الظنون (۱۴۱۹، ۸۲۷)، الکنی و الالقاب (۲۳۶/۲)، لسان المیزان (۶۵۲-۶۵۱/۵)، لغت نامه (ذیل / ابوبشر دولابی)، معجم المؤلفین (۲۵۵/۸)، الوافی بالوفیات (۳۶/۲)، وفیات الاعیان (۳۵۳-۳۵۲/۴)، هدیه العارفین (۳۱/۲).

دهقان، اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اکبر دهقان

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اکبر دهقان در سال ۱۳۴۳ در مشهد مقدس به دنیا آمدم بعد از کلاس پنجم ابتدایی در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به مدت پنج سال دروس ادبیات معالم معانی بیان منطق و قسمتی از لمعتین را در نزد اساتید محترم آقایان رضوانی، واعظی، صالحی، حجت هاشمی خواندم و در سال ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدت چهار سال قسمتی از لمعتین و رسائل و مکاسب و کفایتین را در نزد اساتید بزرگوار آیات عظام آقایان اشتهاردی، اعتمادی، ستوده خواندم. از سال ۶۷ تا ۸۱ در دروس خارج آیات عظام آقایان شیخ جواد تبریزی، شیخ جعفر سبحانی، شیخ عبدالله جوادی آملی شرکت کرده و در کنار درس خارج به مدت هشت سال از درس تفسیر استاد گرانقدر آیت الله جوادی آملی بهره مند شدم و حدود یک سال و نیم توفیق حاصل شد در جبهه های جنگ در کنار رزمندگان دلاور اسلام بودم. در سال ۶۹ - ۷۰ در دوره تربیت مدرس شرکت کرده و به مدت سه سال دروس دانشگاهی را خوانده و موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس شده و بعد از آن به مدت دو سال در دانشگاه شهید باهنر کرمان تدریس کردم.

از سال ۷۵ تا کنون ۸۴ همکار استاد بزرگوار جناب آقای محسن قرائتی هستم به مدت ۵ سال است که مسئول ستاد التفسیر حوزه علمیه قم از طرف معظم له می باشم بحمد الله در پرتو مطالعات تفسیری و قرآنی برکاتی برای اینجانب حاصل شده است. از جمله تدریس تفسیر به مدت سه سال در حوزه علمیه قم که هم اکنون ادامه دارد. بیش از ۲۰۰ جلسه مباحث قرآنی و تفسیری در رادیو معارف و رادیو قرآن و رادیو جوان داشته ام که بحمد الله پخش شده است. حدود ۲۰ کتاب در مدت ۱۰ سال است که نوشته ام و ۱۶ تای آن چاپ رسیده و مابقی آن در آستانه چاپ است

دهقان، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین دهقان اشکذری

محل تولد: اشکذر یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۶ پس از قبولی در امتحانات سال اول راهنمایی وارد حوزه علمیه یزد شدم. با شروع انقلاب اسلامی و حادثه نوزدهم دیماه همان سال حوزه های علمیه با تعطیلات مکرر و طولانی مدت مواجه گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی آغاز گردید. لذا دروس مقدمات حوزه را همزمان با مبارزات دوران انقلاب و حضور در جبهه ها ادامه دادم و همراه با دروس حوزوی سال دوم و سوم راهنمایی را به صورت شبانه به پایان رساندم و وارد دبیرستان گردیدم ولی به علل مختلف تحصیلات دبیرستان را ادامه ندادم. در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و بخش اعظم لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه و دروس عمومی حوزه را در محضر اساتید بزرگی مانند وجدانی فخر، اعتمادی، محفوظی، محامد، خاتمی و ... فرا گرفته و سپس در محضر اساتید و آیات عظام به خارج فقه و اصول مشغول شده و در سال ۱۳۷۰ در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن، که مشروط به اتمام سطح ۳ و دو سال درس خارج بود پذیرفته شدم و چهار سال همزمان با شرکت در درس خارج فقه و اصول در محضر اساتید گرانقدری چون حضرات آیات مکارم شیرازی، خزعلی، معرفت، احمدی میانجی، شب زنده دار، طاهر شمس و ... به فراگیری تفسیر و علوم قرآن پرداختم در سال ۱۳۷۳ موضوع «آیات دال بر حجیت خبر واحد» را که یک موضوع اصولی قرآنی بود به واحد مدارج علمی حوزه ارائه دادم و موفق به اخذ گواهینامه سطح ۳ گردیدم. پس از پایان دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن موضوع امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن را به عنوان پایان نامه سطح ۴ انتخاب نموده و طرح تفصیلی آن را پس از فیش برداری و مطالعات مقدماتی به واحد مدارج علمی تحویل دادم ولی پس از تایید طرح با توجه به وجود مشکلات خاص از ادامه آن منصرف گردیدم. از سال ۱۳۷۴ تا کنون ضمن پذیرش برخی از مسئولیت ها در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن و مرکز جهانی علوم اسلامی به فعالیت های علمی از قبیل تدریس، ویراستاری و نگارش مقاله و ... مشغول می باشم. در طول تحصیل نیز سعی بر این بود که تقریرات دروس سطح و خارج را بنویسم و بیشتر دروس سطح را به صورت پرسش و پاسخ در آورده ام.

دهکردی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید محمد باقر. عالم عارف، معروف به رحمتعلیشاه حقانی، از اقطاب سلسله خاکساریه، ادیب و شاعر و مفسر. در اصفهان در خدمت آخوند ملا محمد حسین دهکردی - دایی خود - و آخوند کاشی، و میرزا محمد حسن نجفی، و برادر خود سید ابوالقاسم و دیگران تحصیل نموده، به نجف اشرف رفته، نزد آخوند خراسانی و جمعی تلمذ نموده، در علوم شریعت و طریقت صاحب نظر شده.

در حدود سال ۱۲۸۵ در شهر کرد متولد، و در شب ۱۲ جمادی الاولی سال ۱۳۳۹ در اصفهان وفات یافته، در محله ی در کوشک در کوچه ی باغ حرم (خانه های حرم سلاطین آق قویونلو) در بقعه ای مخصوص مدفون گردید.
کتب زیر از اوست:

۱- آغاز حقیقت ۲- برهان حقیقت نامه ۳- رشحات رحمت ۴- دیوان فنائی ۵- مثنوی در شرح آیه نور ۶- مثنوی در شرح سؤال کمیل بن زیاد از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در معنی حقیقت ۷- منطق الطیر منظوم، در شرح هفت وادی؛ و غیره.

از اشعار اوست:

سلطنت خواهی اگر خدمت درویشان کن
حکم بر خشک و تراز همت درویشان کن
خواهی از عارف بالله شوی بی شبهه
طلب معرفت از صحبت درویشان کن
به جهان خواهی اگر قبله حاجات شوی
خویش را وقف ره حاجت درویشان کن

صاحب عنوان در محله در کوشک، خانقاه داشته، و جمعی را هدایت و ارشاد نموده [!] و قبول از وفات، مریدان را به خواهر زاده خود حاج آقا رحیم دهکردی منور علیشاه سپرده است.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دهلوی، شاه ولی الله

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفیاض قطب الدین احمد بن عبدالرحیم معروف به «شاه ولی الله دهلوی» و «محدث دهلوی» (۱۱۱۴ - ۱۱۷۶ ق / ۱۷۵۳ - ۱۷۶۲ م) دانشمند مسلمان (قرآن شناس، حدیث پژوه، فقه پژوه و متکلم) و اسلام شناس و احیاگر / اصلاحگری عرفانی مشرب بزرگ اندیشه دینی / اخلاقی و اجتماعی / سیاسی در قرن دوازدهم هجری / هجدهم میلادی در شبه قاره ی هند، (متولد و متوفی و مدفون در دهلی).

وی دارای آثار عدیده، در حدود یکصد اثر به دو زبان فارسی و عربی است که از آن میان در حدود سی و پنج اثر چاپ و به انگلیسی و زبانهای دیگر ترجمه شده است. اولین معلم او پدرش شاه [کلمه ی شاه، لقب طریقتی / عرفانی است] عبدالرحیم عمری (م ۱۱۳۱ / ۱۷۱۹ م)، موسس و مدیر مدرسه ی علمیه ی رحیمیه در دهلی بود. معروف است که در هفت سالگی قرآن کریم را حفظ کرد. در پانزده سالگی به توصیه ی پدر به طریقت صوفیانه ی نقشبندیه وارد شد. سپس استاد و مدیر مدرسه ی پدر گردید.

در سال ۱۱۴۳ به حج رفت و این فریضه ی دینی واجب را به جای آورد؛ و چهارده ماه در حرمین شریفین، به ویژه مدینه رحل اقامت افکند و نزد علمای بزرگ آنجا به تجدید و توسعه ی آموخته های خود، به ویژه در زمینه ی حدیث پرداخت. در سال ۱۱۴۵ ق / ۱۷۳۲ م به هند بازگشت و از آن پس عمر خود را یکسره وقف تعلیم و تالیف و ارشاد یاران طریقت خود کرد. یک دهه ی بعد، اثر گران سنگ علمی - اجتماعی خود حجت الله البالغه را به عربی نوشت (چاپ قاهره، ۲ جلد، ۱۹۵۲ - ۱۹۵۳). در این کتاب صلاهی احیاگری و بازگشت به خلوص اولیه ی فرهنگ و علوم اسلامی، با تاکید بر قرآن و حدیث، و نیز چاره اندیشی های اجتماعی برای حل معضلات مسلمانان در داده است. نگرش و اندیشه ی صوفیانه ی او ته رنگی در آثارش دارد و هدفش به بار آوردن تهذیب نفس و وسعت مشرب است، و در هر حال برجسته و موکد نیست.

تجددگرایان مسلمان نظیر علامه محمد اقبال لاهوری (م ۹۳۸) و فضل الرحمن (م ۱۹۸۸) در او شخصیت وحدت بخش تفرقه ها و تحزب ها و فرقه گرایی های فقهی / حقوقی و ایدئولوژیک می دیدند که دعوتگر به اجتهادی نوین است و روی آوردن به باطن

کتاب و سنت .

او دارای زندگینامه‌ی خودنوشت کوتاهی به نام الجزء اللطیف فی ترجمه‌ی العبد الضعیف (به فارسی) است و در کتاب انفس العارین هم اشارات زندگینامه‌ی او دارد . نهضت فرهنگی و اجتماعی - سیاسی ای که او ، فرزندان (به ویژه عبدالعزیز از میان پنج پسرش) و شاگردانش به بار آوردند ، به تعبیر عبیدالله سندی (م ۱۹۴۴) « نهضت ولی الله » نام گرفت . پس از تاسیس پاکستان و استقلال آن ، شاه ولی الله به صورت قهرمان ملی و متفکر سیاسی - اجتماعی تلقی شد ؛ و به او همان شأنی را دادند که به عارف مسلمان هندی و مصلح دینی - اجتماعی قرن هفدهم میلادی یعنی شیخ احمد سرهندی داده بودند . امروزه ، چنان که اشاره شد ، نهضت‌های بزرگ دینی اسلامی در گستره‌ی جنوب آسیا ، به ویژه گروهی به نام دیوبندی **Deobandis** - که تکثرگرایی و روحیه و پیش زمینه‌ی عرفانی دارند - خود را ملهم از آراء و آثار شاه ولی الله و فرزندش شاه عبدالعزیز می دانند . جنبش‌هایی که کما بیش صوفی / تصوف ستیزند ، نظیر اهل حدیث ، حتی پیروان مولانا مودودی ، در زندگی و آثار شاه ولی الله ، بازگشت به مبانی اصلی شریعت ، طرد سیاسی تاثیرات و نفوذ فرهنگی / استعماری بیگانه ، و در یک کلام ، سرچشمه‌ی اعتقادات اصلاح طلبانه‌ی خود را می یابند . در زمان حیات شاه ولی الله ، مخالفت‌های فرقه‌های نژادی غیرمسلمان هندی نظیر « جات » و « مراتهه » ، و قهرآ پس از وفاتش اشغال و استعمار انگلستان در کار بود . نواده‌ی او شاه اسماعیل شهید با وجود تلاش برای برانداختن رسوم خرافه آمیز محلی بعضی از توده‌های مسلمانان ، و نیز اعتقاد به لزوم جهاد با نیروهای غیرمسلمان و اشغالگر هند ، در عین حال - مانند جدش شاه ولی الله - دارای آثار عرفانی بر وفق مکتب بن عربی است . دسته‌ی دیگری از پیروان او که برجسته‌ترین آنها شاگرد و خویشاوند نزدیک او محمد عاشق (م ۱۷۷۳) بود ، در عمل ، پیگیر گرایش‌های عرفانی شاه ولی الله شدند .

شاه ولی الله مردی کوشا و کثیرالتالیف بود . آثار او را تا یکصد کتاب و رساله هم برشمرده اند که در حدود سی اثر از آنها به چاپ رسیده (و بقیه یا به صورت نسخه‌ی خطی است یا از بین رفته است) . آثار او به دو زبان عربی - زبان رسمی و علمی سراسر جهان اسلام از آغاز تا امروز - و فارسی - زبان رسمی و ادبی هشتصد ساله‌ی هندوستان از عهد غزنویان تا استعمار بریتانیا - نوشته شده است .

بعضی از آثار فارسی او (که در آن زمان ، زبان ادبی و رسمی / اداری هند بود) عبارتند از :

۱ - الطاف القدس فی معرفه لطائف النفس (چاپ هند ، ۱۹۶۴ م)

۲ - الانتباه فی سلاسل اولیاء الله

۳ - اتحاف النبیه فی ما یتحتاج الیه المحدث و الفقیه (لاهور ، ۱۹۶۹ م) .

و مهمتر از نظر بحث و تحقیق ، آثار قرآن پژوهی اوست که برجسته‌ترین آنها عبارتند از :

۴ - فتح الرحمن فی ترجمه‌ی القرآن که پایان ترجمه و پاکنویس آن به تصریح خود شاه ولی الله در ۱۱۵۱ ق / ۱۷۳۸ م بوده و در کراچی و بعضی شهرهای هند کراراً چاپ شده و بحث درباره‌ی آن موضوع اصلی این مقاله است .

۵ - الفوز الکبیر فی اصول التفسیر که رساله‌ای کم حجم و پر مغز درباره‌ی اصول و مبانی تفسیر قرآن است که هم به مسائل زبانی / ادبی و بلاغی و هم عناصر و ارکان و اصول تفسیر نگاری در پنج مبحث و بخش اصلی پرداخته است . (کراچی ، ۱۹۶۴ م) ترجمه‌ی عربی این کتاب در جهان اسلام (عرب زبان) اشتها و به حق اعتبار دارد و تحت عنوان ترجمه‌ی الفوز الکبیر ... بارها در کراچی و کشورهای عربی به طبع رسیده است . ترجمه‌ی انگلیسی اش به کوشش گ . ه . جالبینی (G.H.Jalbani) با عنوان **The Principle of Quran Commentary** انتشار یافته است (اسلام آباد ، ۱۹۸۵ م)

۶ - المقدمه فی قوانین الترمیمه رساله‌ای کوتاه و چاپ نشده در باب اصول و روش‌های درست ترجمه‌ی قرآن است .

۷ - نامه‌های فارسی او در چندین کتابخانه از کتابخانه‌های هند نگهداری می شود که گزینه‌هایی از آنها به اردو ترجمه و چاپ

شده است. برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

دیاری بیگدلی، محمدتقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد تقی دیاری بیگدلی

محل تولد: بیدگل کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی دیاری بیگدلی فرزند غلامرضا در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی در حومه کاشان (بیدگل) چشم به جهان گشودم، تحصیلات ابتدایی و دوره راهنمایی و متوسطه را نخست در زادگاه خود و سپس در کاشان سپری نمودم، در سال ۱۳۵۴ قبل از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، افتخار حضور در حوزه مقدسه علمیه را پیدا نمودم، دروس مقدمات و سطوح عالی حوزه را نزد استادان گرانقدر حوزه علمیه کاشان و قم از جمله حضرات آیات عظام اعتمادی، خراسانی، وجدانی فخر، ستوده و محقق داماد فرا گرفتم، آنگاه از سال ۱۳۶۶ به بعد از محضر استادان معظم و عالیقدر حضرات آیات عظام مکارم شیرازی مظاهری، فاضل لنکرانی، منتظری، صانعی، جوادی آملی و سبحانی در زمینه های دروس خارج فقه، اصول و تفسیر قرآن کریم کسب فیض نمودم. هم زمان با تحصیلات حوزوی دوره کارشناسی ارشد را در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم و دوره دکترای تخصصی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۷ از پایان نامه خود تحت عنوان نقد و بررسی اندیشه های وارداتی یهود (اسرائیلیات) در تفاسیر قرآن دفاع کردم.

از سال ۱۳۷۱ تاکنون به عنوان عضو هیأت علمی گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، اشتغال به فعالیتهای آموزشی و پژوهشی دارم. از همان زمان به مدت ۶ سال با گروههای معارف اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران همکاری علمی داشتم و از آن پس نیز برخی از مراکز آموزش عالی از جمله دانشکده علوم قرآنی قم، دانشکده شهید محلاتی قم و مرکز جهانی علوم اسلامی در مدرسه امام خمینی ره مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره و مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم همکاری آموزشی علمی داشته و دارم. علاوه بر تدریس و انجام خدمت موظف خود در دانشگاه و نیز اهتمام به فعالیتهای پژوهشی و نگارش و نشر آثار علمی، تا به حال راهنمایی و مشاوره بیش از چهل پایان نامه را در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری بر عهده داشته ام.

دیلمی، ابوالفتح ناصر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۴۴ ق)، مفسر. با یازده واسطه نسب وی به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد. در دیلم متولد شد و همان جا تعلیم یافت. سپس به یمن رفت و در آن جا مردم را به امامت خود خواند. قبایل با او بیعت کردند و چنان پشت گرمی یافت که بر شهر صعده و صنعاء نیز حکومت راند. او سرانجام کشته شد و در قریه افیق دفن شد. از آثارش کتابی در «تفسیر»، در چهار مجلد است که به نام «تفسیر ابوالفتح دیلمی» موسوم است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۱۰-۳۰۹/۸)، الذریعه (۲۵۵/۴)، ریحانه (۲۵۰/۲)، کشف الظنون (۱۷۲۴)، لغت نامه (ذیل / ناصر)، معجم المؤلفین (۷۰-۶۹/۱۳).

دین پرور، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین دین پرور

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله سید حسین دین پرور مشهور جمال الدین دین پرور در سال ۱۳۱۷ در خانواده ای مذهبی و متدین در تهران به دنیا آمد. نامبرده پس از مدتی عشق وافر او به علوم دینی او را به سوی حوزه علمیه رهسپار کرد و پس از سالها تلاش و مجاهدت در راه علم و تحصیل به درجه اجتهاد نایل گردید. در دوران تحصیل خویش از محضر اساتید بزرگی چون مرحوم علامه طباطبائی، مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی، مرحوم آیت الله بروجردی، مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی و ... بهره ها برد.

نامبرده در دوران حیات علمی خویش تألیفات فراوانی به رشته تحریر درآورده است که وی هم اکنون در حوزه های علمیه تهران و دانشگاههای تهران به تدریس علوم ناب اسلامی مشغول است و در این راستا شاگردان فراوانی تربیت و تقدیم انقلاب اسلامی کرده است.

ذوالفنون عراقی، حبیب الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۷- ۱۲۷۸/۱۲۸۱ ق)، منجم و شاعر. در سلطان آباد اراک متولد شد. مدت بیست سال به تصحیل علوم مختلف پرداخت، بدون آنکه استاد معینی داشته باشد. سپس به نجف رفت و مت ده سال به فراگیری زبان عربی و علوم دینی به خصوص تفسیر قرآن

پرداخت. پس از مراجعت، مدتی را در شهرهای بوشهر و شیراز گذراند. بعد مقیم تهران شد. مدتی در دارالمعلمین مرکزی مثلثات گروهی تدریس می‌کرد و همچنین در مدرسه‌ی عالی سپهسالار. وی به عربی نیز شعر می‌گفت. از آثار او «حرکت قمر» و «تقویم استخراجی ذوالفنون» است که تا چندین سال در سالنامه‌ی پارس چاپ و منتشر می‌شد. [۱]

(ع. صاحب فنها) حبیب‌الله سلطان آبادی عراقی (و. ۱۲۷۸ ه.ق. - ف. ۱۳۶۷ ه.ق. / ۱۳۲۶ ه.ش.). منجم فاضل و مستخرج تقویم بود و در ادبیات و ریاضیات و تفسیر نیز دست داشت. مدتی در دارالمعلمین مرکزی مثلثات گروهی و نیز در مدرسه عالی سپهسالار تدریس می‌کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۸-۲۶۷/۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۶۸-۳۶۷/۱).

رازی، ابوالفتح جمال الدین حسین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۵۵۲ ق)، مفسر بزرگ شیعی. اصلاً از نیشابور بود ولی در ری می‌زیست. نسبش به بدیل بن ورقاء خزاعی، صحابی مشهور، می‌رسد. خانواده وی همه اهل فضل و دانش بودند و خود نیز در ری از واعظان معروف بود. شیخ ابوالفتوح از پدر و عم خود و نیز از شیخ عبدالجبار رازی و شیخ ابوعلی طوسی روایت کرده و به واسطه ایشان از شیخ طوسی روایت می‌کند. وی معاصر زمخشری و از مشایخ ابن شهر آشوب و منتجب‌الدین بن بابویه بود. در شهر ری وفات یافت. و مقبره‌اش در بقعه امامزاده حمزه در شاهزاده عبدالعظیم معروف بود. وی مؤلفاتی داشته از جمله: «رساله یوحنا»؛ «رساله‌ی حسنیه»، در امامت؛ «روح الاحباب و روح الالباب فی شرح الشهاب» یا «شرح الشهاب». معروفترین کتاب او تفسیر بزرگی است در زبان فارسی به نام «روض الجنان و روح الجنان»، مشهور به «تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی» که نخستین تفسیر فارسی شیعی و مشتمل بر بیست مجلد است. جانب فقه در این تفسیر بسیار قوی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۲۶-۱۲۴/۶)، ایضاح المکنون (۵۹۴، ۵۸۵/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۹۵-۹۶۴/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۷-۱۲۶)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۷۵-۹۷۴/۷)، دایرة‌المعارف فارسی (۲۶/۱)، الذریعه (۳۴۳/۱۳، ۲۷۵-۲۷۴-۲۶۱/۱)، روضات الجنات (۳۰۹-۳۰۶/۲)، ریاض العلماء (۴۸۹-۴۸۸/۵)، ری باستان (۴۳۰-۴۲۹/۱)، ریحانه (۲۲۹-۲۲۶/۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰-۷۹/۶)، فهرست منتجب‌الدین (۸)، الکنی و الالقاب (۱۳۵/۱)، لغت‌نامه (ذیل / حسین)، معجم المؤلفین (۴/۳۵)، هدیه الاحباب (۳۳)، هدیه العارفین (۱/۳۱۲)، یادداشتهای قزوینی (۹۲-۹۰/۶، ۲۲۱-۲۲۰/۳).

رازی، ابوالفتح سلیم

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۴۷ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب شافعی و محدث. وی در آغاز فنون ادب را به کمال آموخت و پس از چهل سالگی به

تدریس پرداخت. او در فقه شاگرد ابو حامد اسفراینی بود و از احمد بن محمد بن بصیر و احمد بن فارس لغوی و محمد بن جعفر تمیمی و ابی حامد اسفراینی و احمد بن محمد بن صلت مجبر و ابواحمد فرضی روایت می‌کرد. وی به بغداد رفت و به فقه پرداخت و به نشر علم در سواحل شام و صور همت گماشت. ابوبکر خطیبی و ابومحمد کتانی و سهل بن بشر اسفراینی و فقیه نصر بن ابراهیم مقدسی و ابوالقاسم نسیب از وی روایت کردند. گویند: وقتی که در بغداد بود نامه‌هایی را که برایش می‌آمد باز نمی‌کرد و همه را جمع می‌کرد، تا موقعی که از تحصیل علم فراغ حاصل کرد، سپس همه‌ی نامه‌ها را گشود و خواند و به اخبار دردناک مندرج در آنها- که اگر قبلاً خوانده بود از کار علم باز می‌ماند همانند مرگ کسان و خویشان- وقوف یافت. سلیم در سفر مکه پس از انجام اعمال حج در ساحل جده در دریای قلم غرق شد. از آثارش: «التقریب» در فروع؛ «روح المسائل»، در فروع؛ «ضیاء القلوب»، در تفسیر قرآن؛ «غریب الحدیث»؛ «الکافی»، در فروع؛ «المجرد»، در فروع؛ «الاشاره»، در فروع.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۶۳۰، ۱۵۹۳، ۱۳۷۸، ۱۲۰۵، ۱۰۹۱، ۹۱۵، ۴۶۶، ۹۸)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۲۸-۱۲۷)، معجم المؤلفین (۲۴۳/۴)، الوافی بالوفیات (۳۳۴/۱۵)، وفيات الاعیان (۳۹۹-۳۹۷/۲)، هدیه العارفین (۴۰۹/۱).

رازی، ابوحاتم محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۷۷-۱۹۵ ق)، حافظ، محدث، مفسر و رجال شناس اهل سنت. معروف به حافظ شرق. چون ساکن محله‌ی درب حنظله‌ی ری بود، او را حنظلی نیز گفته‌اند. از چهارده سالگی به استماع و کتابت حدیث پرداخت و در کسب علم سرگشته‌ی شهرها شد. به عراق و شامات و مصر و حجاز سفر کرد و از علمایی چون عبیدالله بن موسی و ابونعیم، در کوفه و محمد بن عبدالله انصاری و اصمعی، در بصره و هود بن خلیفه در بغداد، و ابومسهر در دمشق و ابویمان در حمص، و سعید بن ابی مریم در مصر و بسیاری دیگر حدیثها شنید و در طلب آن بیش از هزار فرسنگ راه با قدم پیمود. او از کارشناسان بزرگ متن و اسناد حدیث و جرح و تعدیل راویان حدیث بود، لذا به او شیخ‌المحدثین نیز گفته‌اند. وی از اقران بخاری، مسلم، ابوزرع رازی و ابوزرع دمشقی بود و این دو از راویان ابوحاتم هستند. ابوداود و نسائی، صاحبان «سنن»، به نقل حدیث از او پرداخته‌اند و نسائی از وی تعبیر به «ثقه» کرده است. از شاگردان بنام او فرزندش، عبدالرحمان بن ابی حاتم است. ابن ابی حاتم در مقدمه‌ی کتاب «الجرح و التعدیل» شرح حال زیبای برای پدر نگاشته و به نکاتی که حاکی از عظمت قدر و وسعت حفظش می‌باشد، اشاره کرده است. عبدالله بن جعفر حمیری شیعی و سعد بن عبدالله اشعری قمی نیز از راویان او هستند. او در هشتاد و دو سالگی در ری درگذشت. از آثار وی: «تفسیر القرآن»؛ «الجامع فی الفقه»؛ «الزینة»، در حدود چهارصد برگ؛ «طبقات التابعین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۰/۶)، تاریخ بغداد (۷۷-۷۳/۲)، تهذیب التهذیب (۲۹-۲۷/۹)، الجرح و التعدیل (مقدمه/۳۶۸-۳۴۹، ق ۲ ج ۲۰۴/۳)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹/۱)، رجال ابن داود (قسم ۲/۴۹۸)، رجال الطوسی (۵۱۲)، رجال النجاشی (۴۰۱/۱)، ری باستان (۳۴۹-۳۴۸/۲)، ریحانه (۲۸۶/۲)، سیر النبلاء (۲۶۳-۲۴۷/۱۳)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۵۴)، الفهرست الطوسی (۲۷۶)، الکنی و الالقاب (۴۴/۱)، لغت نامه (ذیل/رازی، ابوحاتم رازی)، معجم المؤلفین (۳۵/۹)، الوافی بالوفیات (۱۸۳/۲)، هدیه العارفین (۱۹/۲).

رازی، زین‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۶۶۶ ق)، فقیه، مفسر، لغوی، ادیب و صوفی حنفی. اصل وی از ری است. طی سفری از مصر و شام دیدار کرد و در پایان عمر، در سال ۶۶۶ ق، در قونیه بود. او در تفسیر قرآن مشهور است. صاحب «ریحانه الادب» و به تبع آن دهخدا در «لغت نامه» رازی را از علمای قرن هشتم و متوفای بعد از سال ۷۶۸ ق دانسته‌اند. از آثار وی: «انموذج جلیل فی اسئله و اجوبه من غرائب آی التزیل»؛ «الذهب الابریز فی تفسیر الکتاب العزیز»؛ «روضه الفصاحه»، در علم بیان؛ «کنوز البراعه فی شرح المقامات الحریریه»؛ «مختار الصحاح»، در لغت که تلخیص «صحاح» جوهری است و در ۶۶۰ ق خاتمه یافته؛ «حدائق الحقائق»، در مواعظ؛ «دقائق الحقایق»، در تصوف.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷۹/۶)، ایضاح المکنون (۳۸۹/۲، ۴۷۵/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۷-۲۸۶/۳)، ری باستان (۳۴۶/۲)، ریحانه (۴۰۵، ۲۸۸/۲)، کشف الظنون (۱۰۷۳-۱۰۷۲، ۶۳۳، ۹۲)، لغت نامه (ذیل/ رازی، زین‌الدین)، معجم المؤلفین (۱۱۲/۹)، هدیه العارفین (۱۲۷/۲).

راستی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین راستی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیة الله حاج شیخ حسین راستی کاشانی در سال ۱۳۰۶ در شهرستان کاشان در محله سلطان امیر احمد (از فرزندان موسی بن جعفر (ع)) به دنیا آمد. مادرش، ربابه بود و پدر وی، علی نام داشت که از راه ابریشم بافی، روزگار می‌گذرانید و مدتی نیز کارمند دولت بود. زندگی آیة الله راستی کاشانی در خانواده‌ای ساده، اما متدین و دوستدار خاندان پیامبر (ص) آغاز شد؛ شیفتگی پدر او به روحانیت به حدی بود که اگر در کوچه خیابان، فرد معممی را از دور می‌دید، صلوات می‌فرستاد و در پیشگاهش ادای احترام می‌کرد. آیة الله راستی کاشانی، تحصیلات ابتدایی را تا پایه ششم در شهر کاشان به پایان رسانید. پس از آن، به دلیل نارضایتی پدر از وضعیت دبیرستانهای آن روزگار، به دبیرستان نرفت و در بعضی از تجارت خانه‌ها و مغازه‌ها به کار مشغول شد. پس از مدتی به سراغ نقاشی طرحها و نقشه‌های قالی رفت و آن حرفه را نزد استادان معروف و مجرب فرا گرفت؛ اما به سبب شوق

فراوان به کسب معارف اسلامی و علوم دینی، راهی حوزه علمیه کاشان شد. دروس دوره ادبیات و بخشی از دروس سطح را نزد استادان مشهور آن دیار آموخت و سپس، عازم حوزه علمیه قم شد. در قم، نیز رسائل، مکاسب و کفایه را به پایان رساند و در کنار آن به تحصیل فلسفه، کلام و تفسیر مشغول بود. پس از آن، عازم نجف اشرف شد تا ضمن باریابی به درگاه مولای متقیان، علی (ع) از محضر استادان آن دیار نیز بهره برد که این سفر بیش از بیست و پنج سال به طول انجامید. علت مهاجرت ایشان به نجف اشرف، علاقه فراوان ایشان به تفسیر قرآن کریم و اطلاع از جلسات درس تفسیر حضرت آیت‌الله العظمی آقای خویی بود. آیه الله راستی کاشانی، در طی این سالها، به تدریس دروسهای آموخته نیز می‌پرداخت و شاگردان بسیاری را تربیت می‌نمود؛ اما با شرفیابی حضرت امام (ره) به شهر امیرمؤمنان علی (ع)، آیه الله راستی دروس خود را که طلاب بسیاری در آن شرکت می‌جستند، تعطیل کرد و همراه با شاگردان، در درس امام خمینی (ره) شرکت کرد. آیه الله راستی کاشانی، در طول دوران تحصیل خود از محضر استادان برجسته‌ای بهره‌مند بود.

وی در کاشان، دروس دوره ادبیات و بخشی از دروس دوره سطح را نزد استادانی همچون آیه الله العظمی سید محمد حسین رضوی، آیه الله میرزا حسین فاضل نراقی، آیه الله غروی کاشانی، آیه الله شیخ علی اکبر صمدی و آیه الله حاج شیخ جعفر صبوری قمی فرا گرفت. با ورود به قم، رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیه الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، آیه الله حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی، آیه الله العظمی حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی و حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمدباقر طباطبایی بروجردی (سلطانی) آموخت و برای آموختن تفسیر، هیئت، فلسفه نزد مرحوم علامه طباطبایی رفت. در دوره تحصیل در نجف نیز، به درس خارج اصول و فقه و تفسیر آیه الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی و آیه الله العظمی میرزا باقر زنجانی رفت. همچنین در درس حضرات آیات حاج سید محسن حکیم و حاج سید محمود شاهرودی، حاج سید عبدالهادی شیرازی، میرزا حسن یزدی، شیخ حسن حلّی، حاج میرزا حسن بجنوردی و حاج سید حسین حَمّامی نیز به تناوب شرکت می‌جست. وی برای فراگیری علم حدیث و درایه و بخشی از حکمت و فلسفه به نزد آیه الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سزواری رفت.

از دیگر استادان او در فلسفه و کلام، آیه الله حاج شیخ صدرا می‌باشد. همچنین وی تفسیر را نزد عالم ربانی، آیه الله شیخ محمد علی سرابی و آیه الله العظمی آقای خویی آموخت در این مدت ایشان از جلسات خصوصی اخلاق حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید جمال گلپایگانی بهره برد. با حضور امام (ره) در حوزه علمیه نجف اشرف، آیه الله راستی به درس ایشان شتافت و از محضر وی بهره‌های بسیار برد. آیه الله راستی مدتی در جلسات فقهی شورای استفتای آیه الله خویی شرکت داشت. آیه الله راستی کاشانی در دوران تحصیل در قم با آیه الله مرحوم حاج شیخ علی حیدری، آیه الله حاج سید جلال فقیه ایمانی، آیه الله حاج شیخ محمدرضا مهدوی کنی، انس فراوان داشت و در جلسات مباحثه درسی آنان شرکت می‌کرد. در نجف نیز با مرحوم آیه الله حاج سید نصر الله مستنبت، آیه الله حاج سید حسن قزوینی، آیه الله حاج سید مرتضی نجومی و آیه الله حاج سید محمد نوری جلسات مباحثه علمی برقرار می‌کرد که این جلسات سالیان متمادی ادامه داشت. از دیگر دوستان نزدیک وی، آیه الله حاج سید اسدالله مدنی، مرحوم آیه الله شیخ محمد فکور یزدی و مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی خلخالی است. آیه الله راستی کاشانی با مرحوم آیه الله حاج سید عبدالکریم کشمیری، انس فراوانی داشته است.

آیه الله راستی کاشانی در طول عمر خود، تا کنون فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است که ذکر همه آنها در این مختصر نمی‌گنجد. وی حدود پنجاه سال است که به تدریس در حوزه‌های علمیه کاشان، نجف اشرف و قم می‌پردازد و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پرورش داده است که برخی از آنان خود، از استادان و فضیلابی هستند که در حوزه‌های علمیه ایران و دیگر کشورها به خدمت به جامعه تشیع می‌پردازند. برخی نیز در پست‌های مهم و حساس نظام اسلامی، خدمت می‌نمایند. آیه الله راستی، در زمان حیات امام (ره) به نمایندگی ایشان برای ساماندهی امور حوزه و ایجاد تشکیلات شورای مدیریت حوزه علمیه قم

منسوب شد و مُجاز به تصرف در امور شرعیه شد. در این زمینه، وی خدمات شایانی را به سرانجام رسانده است که آثار و برکات آن تا هم اکنون نیز بر جای مانده است. آیه الله راستی به پژوهش در زمینه‌های گوناگون دینی، پرداخته که برخی از آنان در نشریات کشور به چاپ رسیده است. وی همچنین تقریرات دروس برخی از اساتید خود را نگاشته و حواشی و دستنوشته‌هایی در زمینه فقه و اصول دارد. اشتغال به درس و علوم دینی، آیه الله راستی را از مبارزه بر ضد طاغوت بازداشت.

وی از نخستین روزهای نهضت، به جمع مبارزان پیوست و همواره با اطاعت از رهنمودهای امام خمینی (ره) به افشاگری ماهیت شوم خاندان پهلوی و تلاش برای استقرار نظامی اسلامی با بهره‌گیری از معارف اهل بیت (ع) می‌پرداخت. از جمله فعالیت‌های سیاسی وی که پیش‌تر، ذکر آن آمد، تعطیل کردن درس خود در نجف و حضور در درس امام (ره) به منظور مطرح نمودن و تقویت نهضت امام خمینی (ره) بود. دیگر اینکه وی در سال ۱۳۴۳، مسأله تقلید از امام خمینی (ره) را به طور جدی مطرح کرد. آیه الله راستی، با عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جزء فعالان این مجموعه شد و امضای او در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی که بر ضد شاه منتشر می‌شد، به چشم می‌خورد. از دیگر فعالیت‌های وی در زمان رژیم شاه، سفر به آبادان، به نمایندگی از طرف امام خمینی (ره)، برای حمایت و پشتیبانی از اعتصاب کارکنان صنعت نفت بود. وی از کسانی بود که در مسجد دانشگاه تهران متحصن شد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، فعالیت‌های سیاسی معظم له پایان نیافت. و تاکنون به نیز ادامه دارد.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۰۲ ق)، ادیب، لغوی، شاعر، مفسر، محدث، متکلم، حکیم و فقیه شافعی / معتزلی. اهل اصفهان و ساکن بغداد بود. وی را هم‌تا و قرین امام محمد غزالی می‌دانند. به گفته‌ی کاتب چلبی، غزالی کتاب «الذریعه» او را از خود جدا نمی‌کرد و آن را به خاطر نفاستش می‌ستود. بعضی از علما به استناد اینکه او از اهل بیت (ع) بسیار روایت کرده و از امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) فقط با عبارت امیرالمومنین (ع) تعبیر می‌کند، او را شیعه خوانده‌اند، ولی فخر رازی در «تاسیس التقدیس» او را از ائمه اهل سنت می‌شمارد. صاحب «روضات الجنات» به نقل از «تاریخ اخبار البشر» سال وفات وی را ۵۶۵ ق ذکر کرده است. از آثار وی: «تحقیق البیان فی تاویل القرآن»؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «جامع التفاسیر» یا «جامع التفسیر» که بیضاوی تفسیر خویش را از آن اخذ کرده؛ «الذریعه الی مکارم الشریعه»، در علوم اخلاق و پندهای نیکو؛ «المفردات فی غریب القرآن» یا «مفردات الفاظ القرآن»؛ «افانین البلاغه»؛ «اخلاق الراغب»؛ «رساله فی فوائد القرآن»؛ «المعانی الاکبر»؛ «الایمان و الکفر»؛ «تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین»، در معرفت نفس؛ «دره التاویل فی متشابه التنزیل»؛ «محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء» در نوادر حکم و حکایات که محمد صالح قزوینی آن را با عنوان «النوادر» به فارسی ترجمه کرده است. [۱]

(بخش ۱) اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (ف. ۵۰۲ ه. ق.) از ادبا و علمای بزرگ اصفهان و او را است: مفردات الفاظ القرآن، محاضرات الادباء، تفصیل التثأتین، الذریعه الی مکارم الشریعه (م.ه)، تفسیر القرآن، حل متشابهات القرآن. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲/۲۷۹)، اعیان الشیعه (۱۶۲ - ۱۶۰ / ۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/۲۶۶)، تاریخ گزیده (۶۹۳)،

دایرةالمعارف فارسی (۱۰۶۱/۱)، الذریعه (۳۶۴/۲۱-۱۲۸/۲۰، ۲۸/۱۰، ۴۶-۴۵/۵)، روضات الجنات (۲۱۶-۱۸۶/۳)، ریاض العلماء (۱۰۱/۷، ۱۷۲/۲)، ریحانه (۲۹۳-۲۹۲/۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۷۱-۳۷۰/۱)، سیر النبلاء (۱۲۱-۱۲۰/۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۲-۸۱/۶)، فرهنگ سخنوران (۳۶۳)، کشف الظنون (۱۷۷۳، ۱۷۲۹، ۱۶۰۹، ۸۸۱، ۸۲۷، ۷۳۹، ۴۶۲، ۴۴۷، ۳۷۷، ۱۳۱، ۳۶)، الکنی و الالقاب (۲۶۹-۲۶۸/۲)، لغت نامه (ذیل / راغب اصفهانی)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۲/۲)، معجم المؤلفین (۵۹/۴)، هدیه الاحباب (۱۴۰-۱۳۹)، هدیه العارفین (۳۱۱/۱).

رامیار، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نویسنده، استاد.

تولد: ۱۳۰۱، مشهد.

درگذشت: ۲۰ شهریور ۱۳۶۳، انگلستان.

محمود رامیار تحصیلات خود را تا پایان دوره‌ی متوسطه در مشهد به پایان رسانید و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران عزیمت کرد و در مدرسه‌ی سهپسالار قدیم تحصیلات خود را در فقه و اصول ادامه داد. در مدت اقامت در تهران موفق به اخذ دکترای حقوق از دانشگاه تهران شد. وی مدتی نیز در فرانسه به تحقیق و تحصیل مشغول بود. آخرین مرحله از تحقیقات ایشان نزد پروفیسور مونتگمری وات در دانشگاه ادینبورگ بود که این دوره را نیز با درجه‌ی دکتری به پایان رسانید. پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۴۹ به مشهد بازگشت و به عنوان استاد و رییس دانشکده‌ی الهیات دانشگاه مشهد به تحصیل و تحقق پرداخت. از جمله خدمات وی تأسیس چاپخانه‌ی دانشگاه مشهد بود. وی در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد.

آثار دکتر محمود رامیار عبارتند از: تاریخ قرآن، کشف الآیات قرآن مجید، در آستانه سالزاد پیامبر (ص)؛ ترجمه‌ی کتاب در آستانه‌ی قرآن (ترجمه از کتاب بالشر فرانسوی، ۱۳۵۸)؛ آخرین اثر استاد تفسیری از قرآن بود که به انجام نرسید. کتاب تاریخ قرآن وی در دومین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

رجبی، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس رجبی

محل تولد: محلات

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس رجبی در سال ۱۳۵۳ تحصیلات ابتدایی خود را در شهر نیمور از توابع شهرستان محلات آغاز کردم و تا پایان دوره راهنمایی در همانجا گذراندم. در سال ۱۳۶۱ به خاطر حضور در جبهه ترک تحصیل کردم و در سال ۱۳۶۲ در حوزه علمیه القائم محلات دروس حوزوی را آغاز نمودم و پس از گذشت یک سال به قم مهاجرت کردم و در مدرسه امام باقر(ع) (جنب پل نیروگاه) مشغول به درس شدم. با اتمام لمعتین معمم شدم و به سال ۶۷ به مدرسه فیضیه آمدم و تا سال ۱۳۶۹ حجره داشتم. سال ۷۱ در موسسه در راه حق که بعداً به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تغییر نام داد مشغول به تحصیل علوم قرآنی و فلسفه شدم و همزمان در دروس حوزوی شرکت می‌کردم. سال ۷۲ سطح را با انجام آخرین آزمون آن به پایان رساندم در حالی که از دو سال قبل آن در دروس خارج فقه و اصول شرکت می‌کردم. اساتیدی که در درس خارج از آنها بهره بردم عبارتند از: استاد جوادی آملی و در فقه و تفسیر، استاد جعفر سبحانی در اصول، استاد فاضل لنکرانی در فقه، مرحوم استاد تبریزی در فقه و استاد کعبی در فقه، در سال ۷۳ با یک سال مرخصی از موسسه راهی سفر تبلیغ به کرند غرب در استان کرمانشاه شدم و مدیر و استاد حوزه علمیه خواهران آنجا شدم. در سال ۷۶ با پایان رساندن دوره دروس معارف موسسه، در دوره تخصصی روان‌شناسی شرکت کردم و تا سال ۸۱ به تحصیل ادامه دادم. سال ۱۳۸۲ با نوشتن پایان‌نامه و دفاع از آن با اخذ نمره ۱۹ موفق به کسب مدرک کارشناسی ارشد روان‌شناسی شدم. در سال ۸۰ در بخش مشاوره تربیتی مرکز نهاد رهبری در دانشگاهها مشغول به فعالیت شدم که تاکنون ادامه دارد. در طول تحصیل مقالات زیادی برای مراکز مختلف و مجله‌های علمی نوشتم که عبارتند از: مجله معرفت از موسسه آموزش امام خمینی، مجله پرسمان از نهاد رهبری در دانشگاه و موسسه انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات، مجله شمیم یاس از حوزه علمیه خواهران و مجله صبح از صدا و سیما. همچنین در برخی همایش‌های علمی و تربیتی در سطح دانشگاهها شرکت کردم و به ارائه مقاله و سخنرانی پرداختم. در سال ۸۴ به عضویت مشاوران مرکز مشاوره و راهنمایی بلاغ و وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی در آمدم که از آن زمان تاکنون در دو مدرسه عالی فقه و معارف و مدرسه تخصصی فقه و اصول به سمت مشاوره مشغول به خدمت هستم. در سال ۸۵ به اداره ارشاد قم بخش بررسی کتاب برای نقد و بررسی کتاب دعوت شدم که تاکنون ادامه دارد. فعالیت‌های تبلیغی بنده از سال ۶۵ برای اولین بار به عنوان مبلغ در جبهه‌های نبرد با استکبار حاضر شدم و در سال ۶۶ رسماً معمم شدم و در ایام تبلیغی به شهرها و روستاها مهاجرت کردم. در سال ۷۴ به عنوان روحانی کاروان‌های حج و عمره و عتبات پذیرفته شدم که از آن زمان تاکنون ۱۵ سفر تبلیغی همراه با کاروان‌ها داشته‌ام که به ترتیب سه مرتبه حج تمتع ۹ مرتبه عمره، دو مرتبه کربلا و یک مرتبه سوریه.

رجبی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود رجبی

محل تولد: جاسب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجۀ الاسلام والمسلمین محمود رجبی در سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در شهیدیه جاسب در میان خانواده‌ای متدین و پاک طینت به دنیا آمد. پدرش مرحوم غلامحسین رجبی به شغل کشاورزی و آهنگری روزگار می‌گذراند و به روحانیت شیعه و راه مقدس آن علاقه وافری داشت. او دو سال پس از تولد فرزندش به همراه خانواده به قم آمد. حجۀ الاسلام والمسلمین محمود رجبی تحصیلات خود را از دبستان آغاز کرد و با به پایان بردن آن، در سال ۱۳۴۳ به حوزه علمیه قم وارد شد. مشوق اصلی وی در این امر پدرش بود. پدرش از علاقه‌مندان به اهل بیت (ع) بود و همواره در شهادتها و ولادتها به برگزاری مراسم اهتمام جدی داشت. او همواره به روحانیت شیعه عشق می‌ورزید و از این رو فرزند خود را بسیار تشویق می‌کرد تا در این راه پرافتخار گام بردارد. او تحصیلات علوم دینی را در مدرسه علمیه آیة الله العظمی گلپایگانی (ره) آغاز کرد و کتب دوره مقدمات و سطح را نزد استادان برجسته آن روزگار به پایان برد. سپس در سال ۱۳۵۰ به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت و سالها از محضر آنان بهره برد. او در طی این سالها از تحصیل تفسیر، علوم عقلی و شرکت در دروس اخلاق نیز بازماند و در اولین دوره آموزشی ویژه مؤسسه در راه حق که تحت اشراف علمی حضرت آیة الله مصباح یزدی اداره می‌شد شرکت نمود. وی همچنین با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه نیز در گروه علوم اجتماعی این دفتر به تحقیق، ارائه کنفرانس و بازسازی علوم انسانی در قلمرو جامعه‌شناسی پرداخت. حجۀ الاسلام والمسلمین محمود رجبی به محضر استادان فراوانی راه یافت. او بخشی از مقدمات و سیوطی را نزد آقایان فلاح زاده و شایسته (ره)، منطقی مظفر و اصول فقه مظفر را نزد آیة الله امینان و حجۀ الاسلام والمسلمین فیاضی، معالم الاصول را نزد آیة الله مقتدایی و معانی و بیان را نزد آیة الله حاج شیخ حسن آقا تهرانی فرا گرفت. شرح لمعه را نزد حضرات آیات آقایان محمد مؤمن، حسین شب‌زنده‌دار، شیخ حسن تهرانی، فاضلی و امراللهی فرا گرفت و در درس رسائل آیة الله طاهری خرم آبادی و آیة الله مؤمن و در درس مکاسب آیة الله ستوده، آیة الله مصلحی اراکی و آیة الله مؤمن شرکت کرد. برای آموختن کفایة الاصول نیز به درس آیة الله سلطانی طباطبایی (ره) و آیة الله مؤمن رفت. وی با پایان یافتن دوره سطح، به درس خارج آیة الله حاج شیخ کاظم تبریزی (ره)، آیة الله حاج شیخ مرتضی حائری (ره)، آیة الله العظمی وحید خراسانی، آیة الله شاه آبادی آملی رفت و سالها از محضر ایشان بهره برد. ضمناً او در درس تفسیر آیة الله شب‌زنده‌دار نیز حاضر می‌شد و باب حادی عشر را نزد آیة الله صلواتی و شرح تجرید را نزد آیة الله حسینی کاشانی آموخت. او در طی این سالها از درس اخلاق حضرات آیات مشکینی و مصباح یزدی بهره برد. حجۀ الاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلاء بسیاری رابطه دوستی داشت که از آن جمله، حجج اسلام آقایان سید محمد غروی، علی مؤمن، مهدی شب‌زنده‌دار و محمود محمدی عراقی را می‌توان نام برد. حجۀ الاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای زندگانی خود تا به امروز، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری از خود برجای نهاده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و از این رهگذر شاگردان فراوانی را تربیت کرده است. بخشی از تدریس او مربوط به مؤسسه در راه حق و مؤسسه امام خمینی (ره) است. او با توجه به رشته تحصیلی خود در مؤسسه در راه حق (جامعه‌شناسی) و مطالعات و تحقیقات فراوان در علوم قرآنی و تفسیر، سالها به تدریس در آن دو مؤسسه و نیز دانشگاه‌ها و مراکز آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم قرآنی و تفسیر اشتغال داشته است. بخشی از فعالیت‌های علمی و فرهنگی وی تهیه متون و منابع درسی در دو رشته «تفسیر و علوم قرآن» و «جامعه‌شناسی» است و از این رهگذر کتابهای متعددی را تألیف کرده که از آن جمله می‌توان به کتابهای «روش تفسیر قرآن»، «شناخت قرآن»، «اعجاز قرآن»، «انسان‌شناسی» و «قرآن‌شناسی» - که حاصل تلاش ایشان در تحقیق و تدوین درسهای استاد مصباح یزدی می‌باشد - را نام برد و همچنین کتابهای «درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی»، «تاریخچه جامعه‌شناسی»، «مبانی جامعه‌شناسی» و «تاریخ تفکرات اجتماعی» را در قلمرو علوم اجتماعی به رشته تحریر درآورده است. ایشان در زمینه ترجمه نیز کتاب «عوامل ضعف المسلمین» نوشته عاطف الزین را به فارسی

ترجمه کرده است. حجة الاسلام والمسلمین محمود رجبی از مؤسسان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و مسؤول گروه علوم اجتماعی این دفتر است، وی همچنین ضمن عضویت در شورای عالی بررسی متون درسی دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) را نیز بر عهده دارد. او از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در قم به تدریس می‌پردازد.

رحمانی فرد، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین رحمانی فرد

محل تولد: سبزوار

شهرت: رحمانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

از آنجا که در آبادی ما مدرسه نبود و بعد هم که آمد خانواده ما چندان اعتقادی به مدرسه علوم جدید نداشتند. لذا از سنین کودکی به مکتب خانه رفتن و قرآن و کتاب گلستان سعدی و دیوان حافظ شیرازی را در مکتب خانه خواندم و بعد وارد حوزه علمیه سبزوار شدم و در مدرسه فصیحیه مشغول به تحصیل علوم قدیمه شدم و در همان ایام شبانه تحصیلات کلاسیک را تا سیکل خواندم و در اوایل سال ۱۳۵۳ به قم عزیمت کردم و در دروس اساتید سطح (پایه ۶ و ۷) شرکت کردم و همزمان با وارد شدن به حوزه علمیه قم و شرکت در محافل سیاسی و پخش بیانیه‌ها و نوارها و کتابهای حضرت امام خمینی ره همواره تحت تعقیب ساواک رژیم بودم و در جریان یورش بیرحمانه ماموران شاه به مدرسه فیضیه در سال ۱۳۵۴ دستگیر و پس از ضرب و شتم به زندان اوین منتقل شدم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کارهای تحقیقی و تبلیغی و فرهنگی مشغول می‌باشم.

رحمتی شهرضا، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رحمتی شهرضا

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۲/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رحمتی شهرضا بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی در رشته علوم تجربی مقطع دبیرستان در دبیرستان مبعث ادامه تحصیل داده و پس از اخذ مدرک دیپلم به حوزه مقدسه علمیه قم مدرسه علمیه معصومیه رفته و مشغول تحصیل علوم حوزوی شدم و پس از گذراندن مقدمات تحت برنامه آن مرکز مشغول سطح شده و فعلا مشغول درس خارج حوزه هستم. در کنار تحصیل علوم حوزوی نیز با تحصیل در رشته علوم کامپیوتر دانشگاه آزاد اصفهان فارغ التحصیل لیسانس نرم افزار و علوم کامپیوتر شدم. در کنار درسهای عمومی حوزوی علاقه وافری به مطالعه و تحقیق در زمینه های مختلف علوم اسلامی داشته و مطالعات خود را با آثار شهید مطهری ره شروع نموده و آثار مختلف علمی را مطالعه نمودم. قبل از شروع تحصیلات حوزوی نیز در دوره های مختلف آموزش روخوانی و روانخوانی قرآن کریم در سازمان تبلیغات اسلامی به تدریس مشغول بودم. حدود ۶ سال مستمر نیز در زمینه تحصیل علوم قرآنی مثل روخوانی و روانخوانی، تجوید، اختلاف قرائات و دیگر علوم نیز کار نموده و تحصیل نمودم. از سال چهارم طلبگی نیز مشغول به تبلیغ و منبر بوده و در ماههای مبارک رمضان و محرم نیز هر ساله برنامه ی منبر و سفرهای تبلیغی داشته ام و برای اهالی، کلاسهای مختلف تشکیل داده ایم.

رستگار، یعسوب الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابومحمد یعسوب الدین فرزند حاج میرزا احمد فرزند محمدصادق فرزند محمد مشهور به رستگار از افاضل دانشمندان و اکابر مفسرین معاصر حوزه علمیه قم می باشند.

ایشان اصلا اهل کلا (کوزه گر) محله از محلات شهرستان جویبار مازندران می باشند که در سال ۱۳۱۹ شمسی متولد شده و پس از تحصیل کلاس ششم ابتدائی و کتابت یک جلد کلام الله مجید با ترجمه با خط خود جهت تحصیل علوم دینیه عازم مشهد مقدس شده و ادبیات را از محضر استاد کل ادیب نیشابوری و تمام دروس سطح را با تدریس در مدت پنجسال در مدرسه خیرات خان و استفاده تفسیر و روایت و اخلاق از زاهد زمان آیت الله حاج میرزا حبیب الله گلپایگانی و شرکت درس خارج آیت الله العظمی میلانی قدس الله سرهما عزیمت به قم نموده و از محضر آیات عظام قم بالاخص مرحوم شریعتمداری تبریزی و آیت الله العظمی گلپایگانی و مرحوم آیت الله محقق داماد یزدی و آیت الله حاج میرزا هاشم آملی تا سال ۱۳۵۵ شمسی استفاده نموده و در تمام دوران تحصیلات سطح و خارج و تعطیلات تابستانی و اعیاد و وفیات و تعطیلی های دیگر به کار نوشتن تفسیر وزین و جامع البصائر و کتب دیگر که یادآور می شوم اشتغال داشته است پس تفسیر را در چهل جلد مسوده و به صورت شصت جلد میبضه درآورده که در سال ۱۳۵۶ شمسی شروع به طبع آن نموده و تا سال ۱۳۶۴ شمسی بیست و یک جلد آن به طبع رسیده است. و چند سالی به علل عدم امکانات ادامه طبع آن متوقف ولی در سال ۱۳۶۹ شمسی جلد پنجاه و هشتم آن نیز از طبع خارج و به طبع مجلدات دیگر اشتغال دارند و انشاء الله به زودی تمام آن به طبع خواهد رسید.

آثار علمی مفسر بزرگوار آقای رستگار

۱- تفسیر البصائر

۲- مفتاح البصائر

- ۳- تبصره البصائر
- ۴- حماسه‌ای از تفسیر البصائر
- ۵- جبل المتین من فقه آل یاسین
- ۶- خلاصه الاصول
- ۷- تبویب عناوین نهج البلاغه
- ۸- روحانیت و روحانی
- ۹- اصول پنجگانه دین مبین اسلام
- ۱۰- فروع ده گانه دین مبین اسلام
- ۱۱- ابوالفضل العباس حامی ولایت و مظهر شهامت و استقامت
- ۱۲- خاطرات هزار و یکصد و شصت روزه
- ۱۳- مازندران پس از طوفان نوح تاکنون

آقای رستگار دانشمندی غیور و ولایتی و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و گذشته از آثار علمی دارای فرزندان فاضل و برومندیست که در حوزه علمیه به تحصیل دروس استدلالی فقه و اصول و تدریس متون و سطوح متوسط و عالی اشتغال دارند و از فضلاء جوانان حوزه محسوب و انشاءالله در آینده نزدیک مانند والدشان از علماء خدوم بدین و ملت خواهند بود. روزهای جمعه دوره سال را به یاد ولی الله اعظم حضرت بقیه الله عجل الله فرجه الشریف در منزلشان مجلس باشکوهی که مجتمع افاضل حوزه علمیه قم می‌باشد برقرار است.

نگارنده گوید: تفسیر وزین البصائر معظم له را مطالعه کرده‌ام انصافاً زحمات بسیاری را متحمل شده و به اعتقاد قاصرم تفسیری جامع تر از آن نوشته نشده زیرا انسان را از بسیاری از تفاسیر عامه و خاصه (سنی و شیعه) مستغنی و بی‌نیاز می‌دارد جزاه الله عن الاسلام والقرآن و عدیله خیر الجزاه و افضل الجزاء و اکثر الجزاء. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

رستم نژاد، غضنفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غضنفر رستم نژاد

محل تولد: قائم شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۹/۲۱

زندگینامه علمی

اینجانب غضنفر (مهدی) رستم نژاد در یک روز پاییزی (۲۴، آذر ۱۳۴۱) در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم. برکاتی که از الطاف الهی نصیبم شده است همه از شیر طیب و دامان پاک مادر بزرگوار و روزی حلال و اخلاص پدر گرامی‌ام بوده است. در

سال ۱۳۵۳ پس از اتمام کلاس پنجم ابتدایی وارد حوزه علمیه رستمکلا از توابع بهشهر مازندران شدم. آن حوزه که به ریاست و تدبیر حضرت آیه‌الله حاج شیخ ابوالحسن ابازی -رضوان الله تعالی علیه- اداره می‌شد گرم‌ترین حوزه علمیه در خطه روحانی پرور شمال بوده است. از لحظه ورود به آن حوزه (۸/۸/۱۳۵۳) تا هفت سال تمام با شوق وافر و علاقه کامل به خواندن دوره‌ی ادبیات و قسمتی از سطح (تا مبعث استصحاب رسائل) اشتغال داشتم.

پس از آن در تاریخ ۱۱/۷/۱۳۶۱، وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر انور آیات معظّم، جناب حاج شیخ مصطفی اعتمادی در رسائل، جناب حاج شیخ احمد پایانی (رحمه‌الله علیه) در مکاسب (بیع)، جناب حاج شیخ محمدتقی ستوده (رحمه‌الله علیه) در رسائل و مکاسب (خيارات) و کفایه استفاده کردم. و از تاریخ ۲۲/۷/۱۳۶۴ در محضر حضرت آیه‌الله حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی (دامت برکاته) به مدت شش سال تمام یک دوره خارج اصول را گذراندم و در کنار آن در درس خارج فقه (کتاب خمس، صلاة المسافر و کتاب البیع) نیز اشتغال داشتم و همچنین در دروس خارج فقه حضرات آیات جوادی آملی، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی (دامت برکاتهم) جمعاً به مدت ۱۰ سال اشتغال داشتم. به موازات این دروس، کتب فلسفه از منظومه سبزواری و بدایه‌الحکمه و نهایتاً الحکمه و اسفار را نزد بزرگوارانی چون حضرات آیات جناب آقای انصاری شیرازی، مصباح یزدی و جوادی آملی (دامت برکاتهم) گذراندم.

کنار تحصیل علوم حوزوی، از گذراندن دروس دولتی غافل نبوده و در سال ۱۳۷۵ به صورت متفرقه موفق به اخذ مدرک دیپلم در رشته ادبیات شدم. در سال ۱۳۷۰ در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر قرآن شرکت کردم و چهار سال در این رشته در محضر اساتید تفسیر چون حضرات آیات حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی، جناب حاج شیخ علی خزعلی، جناب حاج شیخ محمد هادی معرفت، جناب حاج شیخ علی احمدی میانجی (ره)، جناب حاج شیخ شب زنده‌دار، جناب حاج شیخ طاهر شمس (ره) و جناب حاج شیخ محقق داماد، بهره‌های فراوان بردم. علاوه بر این سال‌ها در محضر تفسیر حضرت آیه‌الله جوادی آملی شرکت کردم. پس از پایان دوره با تدوین رساله‌ای با عنوان «التوسل فی الكتاب و السنّه» به عربی در ۲۲۰ صفحه (در تاریخ ۲۷/۷/۱۳۸۱) موفق به اخذ مدرک سطح چهار حوزه شدم.

رشتی، میرزا حبیب الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا حبیب الله رشتی فرزند میرزا محمد علی خان فرزند جهانگیر خان قوچانی گیلانی، دانشمند و محقق ژرف‌نگر، از بزرگترین فقهای جهان تشیع و یگانه‌ی دوران خود بود.

پدرانش در اصل اهل قوچان بودند که در سالهای آغازین قرن یازدهم به گیلان کوچانده شده و از آن پس در گیلان ساکن شدند. میرزا حبیب الله سال ۱۲۳۴ ق. در املش چشم به جهان گشود و پدر خود را که مدت‌ها در انتظار بود شاد کرد. آری میرزا محمد علی خان که از نیک‌مردان روزگار و حاکم منطقه بود خوابهایی دیده بود که این فرزند را از طلایه داران قرن نشان می‌داد. او در سالهای نخستین زندگی حبیب الله در تکاپوی یافتن معلمی مومن و دانا بود تا فرزندش گامهای اول ترقی را در زادگاه پیماید. چنین بود که حبیب الله در خانه، نخستین کلمات را از قرآن آموخت.

دوازده ساله بود که از املش به لنگرود و سپس به رشت عزیمت نمود تا بر اندوخته اش افزوده و پاسخی درخور پرسشهایش بیابد.

هیجده بهار را دیده بود که به خواست پدر در میهمانی یکی از خوانین (امین دیوان لاهیجی) منطقه حضور یافت. خان حاکم با استفاده از قدرت و نفوذش تصمیم به پیمالی حق رعیتی داشت که با مخالفت سر سخت شیخ حبیب الله جوان روبرو شد. چون نصایح روحانی جوان کارگر نیفتاد به نشانی اعتراض مجلس مهمانی را ترک کرد و از همان روز تصمیم به ترک دیار گرفت. در حوزه قزوین

شیخ حبیب الله در پی آرمانی بلند راه هجرت پیش گرفت و عازم حوزه ی عملیه ی قزوین شد. پدرش که او را به دلیل شهامت و اراده ی شگفتش می ستود برای تهیه لوازم زندگی، او را تا قزوین همراهی نمود. او در قزوین استادی عالیمقام یافت که ((شیخ عبدالکریم ایروانی)) نام داشت. استادی که در فقه و اصول نامور و ممتاز بود. شیخ حبیب الله هفت سال پیاپی از محضر ایشان بهره گرفت. و در همان شهر به خواست پدر، با خانواده ی ارباب وصلت نمود. مشی زاهدانه ی استاد تاثیر شگرفی در او نهاد به گونه ای که از آن پس خود به زندگی زاهدانه روی کرد و تا پایان عمر بر روش پسندیده ی استاد وفادار ماند.

در ۲۵ سالگی، سیراب از سرچشمه ی معارف دینی به مقام عالی اجتهاد نائل آمد و با نظر شیخ عبدالکریم ایروانی خود را مهیای سفر به املش نمود.

سال ۱۲۵۹ ق. از قزوین به املش بازگشت و چهار سال مرجع امور دینی مردم بود. برپایی نماز جماعت، هدایت و ارشاد مردم، پاسخگویی به پرسشهای اعتقادی و قضاوت عادلانه او موجب شده بود مردم ارادتی عاشقانه به مجتهد جوان داشته باشند اما او دوست داشت سفری به دیار اهل بیت علیهم السلام نماید و از اساتید آن سامان بهره جوید. آری او تصمیم گرفت به نجف اشرف رفته و از حوزه ی علمیه ی آن شهر مقدس جرعه جرعه شراب معرفت نوشد.

مردم که از حضورش غرق محبت بودند، او را با عواطفی وصف ناپذیر بدرقه نمودند و او، همسر و فرزندش محمد را به خدای بی همتا سپردند.

شهر آسمانی

شیخ حبیب الله مجتهد املشی در سال ۱۲۶۳ ق. وارد نجف شد و در حلقه ی شاگردان فقیه کبیر شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) به کامجویی نشست. او تا سال ۱۲۶۶ ق. که سال وفات صاحب جواهر بود از کلاسش بهره برد و از آن فقیه نامور اجازه ی اجتهاد دریافت داشت.

پس از آن به درس شیخ اعظم انصاری دل بست و تا پایان زندگی پر افتخار شیخ اعظم از شاگردان ممتاز درس وی بود. شیخ حبیب الله فرموده بود: ((با آنکه هفت سال پیش از فوت شیخ از درس او مستغنی بودم ولی از هنگام ورود در جلسه ی شیخ تا موقع تشییع جنازه اش بحثی از اباحت او از من فوت نشد.))

اسرار عشق

ویژگیهای اخلاقی میرزا حبیب الله رشتی او را به شخصیتی وارسته تبدیل کرد که زهدش زبانزد خاص و عام بود. در این مختصر تنها به اشاره ای اکتفا کرده تا دوستداران بخوانند و بدانند شخصیتهای روحانی تاریخ شیعه چگونه زیستند.

۱. میرزا حبیب الله پس از مرگ پدرش که حاکم منطقه بود برای پاسداشت مقامش به گیلان سفر نمود اما اختلاف برادران بر میراث پدری موجب بازگشت او به نجف اشرف شد. او با اینکه زندگی بسیار فقیرانه ای داشت از سهم ارث چشم پوشید. میرزای رشتی پس از رسیدن به نجف، برای تامین معاش، بتدریج لوازم زندگی را یکی پس از دیگری فروخت به گونه ای که در گرمای طاقت فرسای تابستان از خرید آب نیز عاجز بود.

۲. یاد خدا در جان او چنان عجین شده بود که از هر فرصتی برای ذکر و تسبیح و قرائت قرآن کریم بهره می جست. حتی هنگامی

که برای تدریس به سوی حرم مطهر می رفت وضو می گرفت و سوره ی مبارکه ی ((یس)) را در راه از حفظ می خواند تا به در قبله ی صحن امیرالمومنین علیه السلام می رسید، خواندن سوره را در کنار آرامگاه استاد خود شیخ انصاری (ره) به پایان می رسانید.

۳. در دقت و احتیاط ضرب المثل بود. همین امر وی را از پاسخگویی سریع و بدون تحقیق باز می داشت .

از دیگر سو مردم را تشویق می نمود تا استفتائات خود را به میرزای شیرازی ارجاع دهند. نوشته اند پس از پایان ماه رمضان برای اثبات اولین روز شوال بیش از ۴۰ نفر شهادت دادند و او فرمود ((نزدیک قطع شده است)) کنایه از اینکه هنوز برایم قطعی و یقین نشده است .

۴. او در ادب عشق نیز ممتاز بود. آنگاه که جان به حضرت عزرائیل می سپرد، هر چه پایش را رو به قبله دراز می کردند او پای خود را جمع می کرد و چیزی نمی گفت . چون چند بار این کار تکرار شد، از او علت را پرسیدند، به زحمت فرمود: ((چون وضو ندارم پایم را رو به قبله دراز نمی کنم)).

۵. هرگز وجوه شرعی را نمی پذیرفت ، با آنکه امری مرسوم و رایج بود. نقل می کنند: مردی ثروتمند از هند برای پرداخت وجوه شرعی به زیارت میرزای رشتی شتافت ، اما او چندان عصبانی شد که اطرافیان از حالتش متعجب شدند و چون از عصبانیتش پرسیدند فرمود: ((چاره ای جز عصبانیت نبود)). نیز نوشته اند علاءالدوله برای پرداخت پولی به عنوان وجوه شرعی به نجف اشرف مسافرت کرده بود ولی با بی اعتنائی میرزای رشتی مواجه شد و محقق رشتی با این رفتار به آیندگان نشان داد که مردان بزرگ خدا برای مال دنیا ارزشی قائل نیستند.

۶. نوشته اند: چهار نفر از شاگردان شیخ انصاری ارکان پایدار اعلمیت و ریاست بودند ولی مقام علمی و تدریس منحصر به میرزا حبیب الله رشتی بود. او جز تدریس منظوری نداشت . ریاست نمی خواست ، از روی عمد تجاهل می ورزید و شاگردان خود را نمی شناخت برای اینکه از او اجازه ی اجتهاد نخواستند و تنها درس بخواهند... در خط مرجعیت هم نبود. کسی از مجتهدین به خوش نیتی و سلامت نفس میرزای رشتی نبود. از پرتگاه های ریاست خود را نجات داد. قناعت پیشه نمود...))

۷. محقق رشتی دیانت و سیاست را به هم سرشته بود. پس از رحلت شیخ انصاری بسیاری از دانشمندان مردم را برای تقلید به میرزای رشتی ارجاع داده بودند. اما او با پیشنهادها مخالفت می کرد و نیک می دانست که دنیای اسلام به مرجعی سیاستمدار نیازمند است . او میرزای شیرازی را مجتهدی آگاه به مسائل سیاسی و چهره های سرشناس و محبوب یافته بود.

محقق رشتی بر آن بود تا مرجعیت میرزای شیرازی را به علمای نجف پیشنهاد کرده از آن حمایت کند. این امر موجب شد تا توطئه ی دشمن برای لطمه زدن به وحدت شیعیان نقش بر آب شود.

ژرف اندیشی سیاسی میرزای رشتی را در گفتارش می جویم . وقتی پرسیدند از چه کسی تقلید کنیم ؟ در پاسخ گفت : ((از مرجعی تقلید کنید که تقلیدش جایز باشد. امروز پرچم بر دوش عالم جلیل سید محمد حسین (شیرازی) است و همه پیرامون اویند که پرچم ساقط نشود.))

۸. نظم از دیگر ویژگیهای محقق رشتی بود. او پس از ادای نماز مغرب و عشا و انجام مستحبات مربوط به آن و پس از صرف مقدار کمی شام ، آنگاه که آسمان چادر سیه شب را بروی خود می کشید و ستاره ها چشمک زنان نمایان می شدند، اندکی می خفت تا جان را آماده ی خدمت روح کند و جان خود را در چشمه ی نور بشوید و عاشقانه تر با خدای خویش راز و نیاز کند.

۹. تواضع و فروتنی (از دستورات عالی اسلامی) در جای جای رفتار محقق رشتی نمایان است . او دانشمندان را به دیده ی احترام می نگریست و با بهره گیری از نظر نیک ، برترین روش را بر می گزید. در پی سفر محقق رشتی به ایران ، حوزه ی درس ایشان تعطیل شد و دانشوران از خورشید وجودش محروم شدند. آنگاه که به سفری دیگر بار بست ، دانشمندان نجف بر آن شدند تا او را

از سفر باز دارند. وی به وساطت شیخ حسن مامقانی برنامه‌ی سفر را لغو کرد و به او فرمود: ((چون شما مجتهد عادل هستید، حکمتان را واجب‌الاطاعه می‌دانم)) این در حالی است که شیخ حسن مامقانی در ردیف شاگردان محقق رشتی بود و نسبت میان آن دو مثل استاد و شاگرد بود.

۱۰. اعزام شاگردان برجسته برای تبلیغ، از دیگر ویژگی‌های این محقق بود. از جمله‌ی آنان آیت‌الله سید علی اکبر فال اسیری از شاگردانی بود که در پرتو اندیشه‌ی والای آن استاد پرورش یافت. او به تشویق محقق رشتی و میرزای شیرازی به شیراز بازگشت و با کوششی در خور به تبلیغ و هدایتگری پرداخت. همچنین در نهضت توتون و تنباکو نیز عهده‌دار نقشی سترگ در تثبیت فتوای میرزای شیرازی بود.

۱۱. سپاسگزاری او در حق پدر و مادر آموختنی و بی‌نظیر است و نشانه‌ی بالندگی او در مراحل عالی شکر به درگاه حضرت ربوبی است. درخشندگی معنوی او مدیون دعاهای پدر و مادر در روزگاران دور بود. نوشته‌اند او نمازهای پدر و مادر خود را سه بار خواند. یک بار به تقلید از مراجع آنان و دو بار به اجتهاد خودش و این مطلب درباره‌ی هیچیک از علمای تاریخ ذکر نشده است.

۱۲. او را باید به حق از حافظان حریم روحانیت در عصر خویش خواند. شخصی در نجف بود که به هنگام سخن حرمت علما را پاس نمی‌داشت و بارها از او پرخاشگری و اهانت نسبت به علمای سابق و معاصر شنیده می‌شد.

محقق رشتی در جمعی که وی نیز حضور داشت دستور داد استکانش را آب بکشند، به گونه‌ای که مردم گمان بر تکفیر وی برده و او را راندند. پس از آن هرگز نتوانست جایگاه از دست رفته خود را بازیابد.

باری رفتار شدید میرزای رشتی و شیوه نهمی از منکر او موجب شد تا آنانکه در پی چنین خیالی بودند از گمان خویش بازگردند.

گنج‌نامه

آثار میرزا حبيب الله جلوه‌گاه تلاش‌های شبانه‌روزی اوست. وی کاوشگری گنج‌یاب بود که هرگاه معدنی نوین می‌یافت از جواهر آن استخراج می‌کرد و بر دانش طلبان ارزانی می‌داشت.

آثار او در علم اصول عبارتند از:

رساله فی الضد و اقتضاء الامر بشیء النهی عنه و عدمه، التعداد و التراجیح، بدایع الافکار، اجتماع الامر و النهی، رساله فی مقدمه الواجب، رساله فی المشتق، التقریرات.

در علم فقه:

کتاب الطهاره، الحاشیه علی المکاسب، کتاب الزکاه، کتاب الاجاره، الالتقاط، کتاب العضب، کتاب القضاء و الشهادات، الوقوف و الصدقات، رساله فی اللباس المشکوک، حاشیه علی منهج الرشاد، حاشیه علی نجاه العباد، حاشیه علی النخبه.

در علم تفسیر:

حواشی بر تفسیر جلالین، و علم کلام: الامامه، کاشف الظلام فی حل معضلات الکلام است.

نسخه‌های خطی از آثار محقق رشتی که می‌رفت در غبار زمان به فراموشی سپرده شود اخیراً به کتابخانه آیت‌الله مرعشی سپرده شد و اکنون در کاروان نسخه‌های خطی آن کتابخانه ماندگار است.

تقریرات

از انبوه شاگردان کوشا و دانشمند محقق رشتی، بسیاری تقریرات درس ایشان را نوشته‌اند که در گرامی‌داشت مقامشان نام برخی از آنان می‌آید:

سید حاج میرزا حسن همدانی، سید صادق قمی، میرزا باقر فرزند میرزا محمد علی، شیخ حسن تویسرکانی، شیخ محمد باقر فرزند

محمد جعفر بهاری همدانی، سید ابوالقاسم فرزند معصوم حسینی اشکوری ...

اجازات

محقق رشتی از صدور اجازه ی اجتهاد به شدت پرهیز داشت و تنها برای اندکی از شاگردان برگزیده اجازه ی اجتهاد نگاشت. نام برخی شاگردان ارجمند وی که مفتخر به اجازه ی نقل روایت و اجتهادند ذکر می شود. حاج آقا مجتهد رشت (اجتهاد)، سید عبدالکریم فرزند سید حسن اعرجی (روایت)، حاج میرزا احمد دیلارستاقی لاریجانی (اجتهاد)، سید علی آقا میری دزفولی (اجتهاد)، ...

با کاروان دانش

نظر گاه همه ی اندیشمندان حوزه بر شیوه ی نقادانه ی محقق رشتی در تدریس و دیگر پهنه های علمی، پدیدآور محفل علمی، پدیدآور محفل علمی شکوهمندی بود که دلدادگان آن، پس از کامجویی هر یک چون ستاره ای درخشان، روشنگر جامعه ی خویش شدند. برخی مرجع دینی شدند و عده ای رهبر حرکتهای سیاسی و اجتماعی دیار خویش و دسته ای نیز در عرصه ی تدریس و تحقیق طلایه دار حوزه بودند.

نام مسافران این کاروان به اختصار می آید و شرح حال هر یک در کتب تاریخ آمده است که دستداران را بدان حواله می دهیم.

آیت الله العظمی سید محمد کاظم یزدی، آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی، آیت الله العظمی حاج میرزا حسین نائینی، آیت الله شیخ شعبان دیوشلی (لنگرودی)، آیت الله شیخ عبدالله مازاندرانی (لنگرودی)، آیت الله شهید شیخ فضل الله نوری، آیت الله شهید حاج آقا میر بحر العلوم رشتی، آیت الله شهید شیخ علی رشتی، آیت الله شهید شیخ عبدالغنی بادکوبه ای، آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، آیت الله سید ابوالقاسم اشکوری.

پرواز تا آسمانها

مردم نجف به چهره نورانی پیرمردی که سحرگهان در بارگاه ملکوتی امیر المومنین (ع) به زیارت، نماز و تضرع می نشست انس گرفته بودند. چهره ای که هیبت و شوکتش یادآور پیامبران و لطف و صفا در صورتش نمایان بود. اما شب پنج شنبه چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۱۲ ق. فرا رسید. خبر کسالت محقق رشتی مردم را در نگرانی فرو برده بود و آنگاه که صدای ناله و فغان از منزل وی برخاست همگان یافتند که دوست خدا، پیش خدا رفته است. او آسوده در بستر خفته بود. تو گویی به خوابی نازنین آسوده که چنین چهره اش متین است. شهر را گویا با پارچه ای سیاه پوشانده بودند و همه جا صدای گریه به گوش می رسید. در تهران و مشهد و دیگر شهرها نیز مجالس عزا و سوگواری بپا شد. مردم نوحه کنان می خواندند:

باز خاکستر غم ریخت فلک بر سر ما

رفت از دار فنا نایب پیغمبر ما

و نجف آماده ی تشییع پیکر مطهر آن فرزانه پارسا بود. جنازه ی پاک او را مشایعت کردند و به بارگاه امام متقین انتقال داده و در یکی از حجره های صحن مطهر علوی دفن کردند.

بازماندگان

۱. آیت الله محمد رشتی، فرزند ارشد، که از معصومه ارباب همسر اول میرزای رشتی بود. او در علم و فضل به مراتبی درخور دست یافت و در سال ۱۳۱۶ ق. به دیار باقی شتافت. آرامگاهش در مقبره ی پدر ارجمندش می باشد.

۲. آیت الله شیخ اسماعیل رشتی ، که از همسر دوم میرزای رشتی ولادت یافت . او در کسب دانش سخت کوشید و پله های ترقی را پیمود و در ۱۳۴۳ ق . به دیدار دوست شتافت .
۳. آیت الله شیخ اسحاق رشتی ، او در نجف ولادت یافت . مادرش کلثوم همسر دوم میرزای رشتی بود ابتدا نزد پدرش به تحصیل پرداخت و پس از عمری تحقیق ، تالیف و تدریس در سال ۱۳۵۷ ق . دیده از جهان فرو بسته ، رخ در نقاب خاک کشید.

آثار:

رساله فی الضد و اقتضاء الامر بشیء النهی عنه و عدمه

التعادل و التراجیح

بدایع الافکار

اجتماع الامر و النهی

رساله فی مقدمه الواجب

رساله فی المشتق

کتاب الطهاره

الحاشیه علی المکاسب

کتاب الزکاه

کتاب الاجاره

الالتقاط، کتاب العضب

کتاب القضاء و الشهادات

الوقوف و الصدقات

حاشیه علی منهج الرشاد

رساله فی اللباس المشکوک

حاشیه علی نجاه العباد

حاشیه علی النخبه

حاشیه بر تفسیر جلالین

الامامه

کاشف الظلام فی حل معضلات الکلام

رضایی، حسن رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن رضا رضایی زرنندینی

محل تولد : زرندين

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه امام صادق نكاء (مازندران) شدم و زیر نظر حضرت آیه الله صادقی گلدوردی مشغول تحصیل شدم و از سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه مرعشیه ساکن شدم همزمان درس های کلاسیک را شروع نمودم. در سال ۱۳۷۶ وارد تربیت محقق و نویسندگی علوم قرآن شدم و کارشناسی ارشد آن را با پایان نامه قرآن و فرهنگ زمانه به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۹ وارد تخصصی تفسیر شدم و در سال ۱۳۸۲ با پایان نامه نیازهای متعالی انسان در قرآن تمام نمودم. و بیش از ۵ سال در درس خارج مکام ، سبحانی و عابدی شرکت جستم.

رضایی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی رضایی

محل تولد : بیرجند

شهرت : رضایی بیرجندی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۳

زندگینامه علمی

در سوم فروردین سال ۱۳۳۹ شمسی در روستای شاخن بیرجند در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود و پس از سپری کردن دوره ابتدایی تحصیلی ، در سال ۱۳۵۰ به حوزه علمیه شهرستان بیرجند وارد شد. سپس با گذارندن دوره مقدماتی در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه قم شد پس از اتمام دوره سطح توفیق شرکت در دروس خارج نصیبتش شد آن گاه دوره های تخصصی فقه اصول را به مدت ده سال از محضر استادان بزرگ حوزه نظیر آیات عظام : جعفر سبحانی . فاضل لنکرانی . وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی فرا گرفت و با سپری ساختن آزمون های حوزوی به تدریس در حوزه علمیه مشغول شد . ضمناً به علت داشتن علاقه وافر به تفسیر و معارف بی بدیل قرآن . مدت هفت سال در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی دامت برکاته شرکت کرد و با توصیه معظم له به تدریس تفسیر قرآن پرداخت. همچنین از بحث های فلسفی و عرفانی معظم له و سایر دانشمندان هم بهره وافر برد و ی در سال ۱۳۷۳ با گذارندن دوره تخصصی الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم به اخذ کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی نایل آمد و هم اکنون در حال تدوین تز دکترای خویش در مورد (تناسخ) می باشد . شایان ذکر است که با عنایت به پیش آمد معجزه قرن حاضر یعنی انقلاب شکوهمند اسلامی و سپس تهاجم دشمنان به کیان جمهور یاسلامی و وقوع جنگ تحمیلی که مصادف با آغاز جوانی ایشان بود و سرمستی از خم خمخانه خمینی کبیر . علاوه بر حضور در

صحنه های گوناگون انقلاب به مدب دو سال از عمر خویش را نیز به صورت مستمر و بعد هم به صورت متفرقه در جبهه های دفاع مقدس و ناطق جنگی گذراند.

رضایی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی رضایی

محل تولد: رهنان اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۲/۱

زندگینامه علمی

محمدعلی رضایی اصفهانی در سال ۱۳۴۱ شمسی در خانواده ای مذهبی در رهنان اصفهان متولد شد. دوره دبستان و راهنمایی را در محل تولد و دوره متوسطه را در شهر اصفهان در دبیرستان شهید صدیقی (خوارزمی) گذراند، در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه (مدرسه ذوالفقار) اصفهان گردید و تا یک سال درس خارج را در آن حوزه گذراند.

در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم گردید و به مدت ده سال در درس خارج اساتیدی همچون آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، معرفت، صالحی مازندرانی و وحید خراسانی حاضر شد و موفق به گذراندن پایان نامه سطح چهارم (دکتری فقه) شد و همزمان سطح چهارم (دکتری) رشته تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم و دکتری علوم قرآن و حدیث واحد تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی را به پایان رساندند.

رضوی قمی، ابراهیم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۶۸ ق)، شاعر، عالم، حکیم، مفسر، محدث و فقیه اصولی. اصل وی از قم است، ولی در همدان متولد شد.

در همان جا نشو و نما یافت. او برادر صدرالدین رضوی قمی، شارح «الوافیه»، است که از وی روایت کرده است. سید ابراهیم بعد از وفات برادرش به کرمانشاه رفت. وی یکی از مشایخ دوازده گانه سید شبر حویزی است. حاج محمدجعفر مجذوب (مجذوب علیشاه) نیز از شاگردان وی به حساب می آید. سال درگذشت و محل دفنش نامعلوم است. او خطی نیکو داشت. از آثار وی: «شرح مفاتیح الشرایع»؛ «شرح الوافی» فیض کاشانی. [۱]

سید صدرالدین بن سید محمدباقر الرضوی القمی مجاور نجف اشرف از علماء اواخر دولت صفویه به بعد و از بزرگان محققین این طایفه علیه می باشد صاحب روضات در کتابش گوید: در مرحله فضیلت و تدقیق وجودت تصرف و تحقیق فردیست بلاثانی و تلمذش در بدو امر نزد آقا جمال الدین خونساری و شیخ جعفر قاضی و مدقق شیروانی و سایر علماء اصفهان بود و پس از فراغ از

تحصیل بوطن مألوف معاودت نموده و در آن ارض شریف مشغول تدریس و ارشاد عباد گردیده.

تا زمانی که در آن جایگاه فتنه افاغنه رخ نمود بناچار به موطن برادر خود سید ابراهیم رضوی به همدان هجرت فرمود و از آنجا به نجف اشرف علی مشرفها آلف التحیه والثناء رفت و در آن ارض مقدس نیز نزد شریف ابوالحسن عاملی و شیخ احمد جزایری مشغول تحصیل شد تا فارغ التحصیل گردید سپس در آنجا مشغول تدریس شد.

و از شاگردان اوست سید عبدالله بن سید نورالدین بن سید نعمت‌الله جزایری صاحب اجازه کبیره و از جمله چیزی که سید مذکور در آن اجازه در حق استادش گفته اینست که او اعلم علمائی است که من آنها را در عراق عرب دیده‌ام و اجمع آنها در معقول و منقول نزد اهل عراق و عظیم‌القدر بوده و زوار از هر ناحیه به ملاقات او می‌آمدند و به زیارتش تبرک می‌جستند و از وی استفاده می‌نمودند و از جمله تلامذه اوست وحید بهبهانی آقا باقر معروف رحمه‌الله علیه دارای تألیفاتی می‌باشد که از آنهاست «کتاب طهارت» و کتاب «شرح وافیه ملا عبدالله تونی» در سال ۱۱۶۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۲/۲۰۴)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲/۸۶)، الذریعه (۱۶۵، ۷۴/۱۴، ۱۴۴-۱۴۳/۱۱)، (۲۲۹/۶)، ریاض العارفین (۳۰۲)، ریحانه (۳/۴۳۱)، الکنی و الالقاب (۲/۴۱۵)، طرائق الحقائق (۳/۲۵۸)، معجم المؤلفین (۱/۸۷)، مکارم الآثار (۳/۶۴۲).

رفعت نژاد، محمدنقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد نقی رفعت نژاد

محل تولد: ارومیه

شهرت: رفیعی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه تبریز شدم. بعد از مدتی تحصیل در آن شهر به اتفاق حاج آقا بنایی مسئول حوزه علمیه ولی عصر (عج) بعد از دو سال تلمذ به شهر تهران عزیمت کردم و در آن شهر سه حوزه و مدرسه علمیه را تشکیل دادیم و طلبه‌های بسیاری جذب شدند که برخی از آنها بسیجیان جان برکفی بودند که به درجه شهادت نایل گشتند (خداوند همه آنان را با سالار شهیدان محشور فرماید). در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه فیضیه سکونت داشتم و همزمان در درس تفسیر استاد جوادی آملی به همراه دروس رسائل و مکاسب و کفایتین از محضر اساتید وقت آقایان اعتمادی، پایانی، ستوده تلمذ می‌کردم، در سال ۱۳۶۷ بعد از اتمام کفایتین از محضر آیات عظام فاضل لنکرانی (ره) به مدت ۲ سال درس خارج اصول، یک سال خارج اصول آیت الله صانعی و ۱۵ سال از خارج اصول حاج آقا وحید خراسانی و همچنین به مدت ۱۷ سال از درس خارج فقه آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی (قدس سره) استفاده کردم. در سال ۱۳۷۰ در دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن از محضر اساتیدی همچون آیت الله خزعلی، آیت الله معرفت، آیت الله میانجی (ره) و آیت الله محقق داماد، آیت الله استادی و آیات و اساتید دیگر و همچنین

از محضر آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده علمی تفسیری داشتم. در مرکز فرهنگ و معارف قرآن از سال ۱۳۶۷ در قسمت دایره المعارف بزرگ قرآن در قسمت تشکیل پرونده های علمی، تشکیل مدخلهای قرآنی و تفسیری، تشکیل شناسنامه علمی مشغول امور تحقیقی و پژوهشی بودم و متجاوز از ۶۰ پرونده علمی و بیش از ۱۰۰ شناسنامه علمی و همچنین تألیف مقالات در دایره المعارف فعالیت داشتم. برخی از مدخلها و پرونده های تشکیل داده شده عبارتند از ۱. ابتکار، ۲. اختلاف، ۳. اسماعیل صادق الوعد، ۴. آل لوط، ۵. آزمایش ۶. احترام، ۷. استعمار، ۸. استضعاف، ۹. اصطفاء، ۱۰. استدراج، ۱۱. ... در سال ۱۳۸۲ با دفاع از پایان نامه سطح ۴ با موضوع سنت های املاء و امهال و استدراج در قرآن و احادیث، موفق به اخذ سطح ۴ در رشته تفسیر و علوم قرآن شدم. در کنار تحصیل و تلمذ دروس فقه و اصول و تفسیر و علوم قرآن از سال ۱۳۷۴ بنده در دانشگاههای مختلف کشور مشغول تدریس دروس معارف و الهیات بودم از جمله این دانشگاهها عبارتند از دانشگاه ارومیه، دانشکده علوم قرآنی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه پیام نور ارومیه و الان در دانشگاه پیام نور قم دروس الهیات را مشغول هستم و در کنار تدریس، فعالیت های علمی، پژوهشی و فرهنگی دانشگاه را در قم و تهران همکاری دارم. ضمناً بنده در سال ۱۳۶۷ در دانشگاه مفید قم مشغول تحصیل در رشته اقتصاد بودم و بعد از گذراندن ۴ ترم به جهت مشکلاتی موفق به ادامه آن نگشتم.

رفیعی محمدی، ناصر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصر رفیعی محمدی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ناصر رفیعی محمدی در سال ۱۳۴۴ در شهر مقدس قم در خانواده ای مذهبی متولد شدم. تحصیلات ابتدایی راهنمایی و متوسطه را در این شهر گذرانده و در سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی از دبیرستان صدوق شدم. در سالهای انقلاب شکوهمند اسلامی در جنبش دانش آموزی و جلسات مذهبی سیاسی با پخش اعلامیه و شرکت در تظاهرات در حد وسع و اقتضای سن نوجوانی شرکت داشتم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با حزب جمهوری اسلامی شاخه دانش آموزی همکاری می نمودم. در سال ۱۳۶۲ با اخذ دیپلم وارد حوزه مقدسه قم شدم. طی ۵ سال دوره سطح را تا پایان کفایه به اتمام رسانده کلیه امتحانات ان را با موفقیت گذراندم و در پایه پنجم از امتحانات با کسب رتبه اول در آزمون شورای مدیریت حوزه یک دوره بحار الانوار از حضرت امام خمینی (ره) به عنوان جایزه دریافت نمودم.

دروس سطح را نزد اساتیدی چون آیات عظام وجدانی فخر اعتمادی پایانی دوزدوزانی صلواتی راستی کاشانی و ستوده تلمذ نمودم. از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ در دروس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی مظاهری و صناعی شرکت داشتم.

همچنین ضمن گذراندن دروس اصلی حوزه دروس جنبی را نیز نزد اساتید متعددی خواندم به عنوان مثال فلسفه (نهایه الحکمه) نزد

استاد آیت الله صالحی مازندرانی (ره) علوم قرآن نزد آیت الله معرفت شرح تجرید نزد آیت الله استادی تفسیر نزد آیت الله جوادی رجال نزد آیت الله سبحانی تلمذ گردید.

درسالهایی که به دروس حوزه مشغول بودم موفق به اخذ لیسانس الهیات از دانشکده باقر العلوم و فوق لیسانس از دانشگاه قم گردیده و در سال ۱۳۷۳ با قبولی در آزمون دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث در تهران مشغول تحصیل در این دوره شدم. سال ۱۳۷۷ با دفاع از رساله موفق به اخذ دکتری با رتبه عالی گردیدم.

رفیعی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن رفیعی

محل تولد: شهرکرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محسن رفیعی در خانواده‌ای مذهبی و علاقمند به قرآن کریم و اهل بیت (ع) متولد و رشد نموده‌ام. از نوجوانی به آموزش قرآن مجید در حوزه علمیه و مساجد روی آوردم.

همزمان با ایام دفاع مقدس، درس‌های دبیرستان و حوزه را به صورت آزاد و یا استماع نوار خواندم. در دوران دفاع مقدس، توفیق سه بار مجروحیت را داشته‌ام. سپس در کنکور سراسری شرکت کرده و در رشته الهیات و معارف اسلامی موفق به اخذ مدرک لیسانس شدم. آنگاه به دلیل علاقه فراوان به مطالعات و پژوهش‌های قرآنی و حدیثی، در مقطع کارشناسی ارشد به اتفاق همسر در رشته علوم قرآن و حدیث تحصیل نمودم که هر دو پایان نامه خویش را با رتبه عالی دفاع نمودیم.

اکنون نیز به اتفاق همسر دانشجوی مقطع دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشکده اصول دین قم مشغول به تحصیل هستیم و به لطف خداوند متعال موفق به تالیف چند کتاب و مقالات علمی شده‌ایم. تاکنون درس‌های زیر را در مراکز تربیت معلم، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها تدریس نموده‌ام: علوم قرآنی، علوم الحدیث، فقه الحدیث، تاریخ حدیث، تفسیر، تاریخ قرآن، اخلاق اسلامی، مبادی العربیه (صرف و نحو)، ترجمه متون عربی، المنهج القویم، نهج البلاغه.

روحانی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد روحانی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ ه.ش وارد حوزه علمیه قم شدم . پس از طی مراحل مقدمات و سطح به درس خارج پرداختم و در سال ۱۳۷۱ ه.ش در رشته تفسیر تخصصی مشغول به تحصیل شدم و مدت ۴ سال زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی در درس های تفسیری مشغول بودم . و حدود پنج سال است که به کارهای پژوهش مشغولم و کتابهایی را هم ترجمه کردم اگر خداوند توفیق عنایت فرماید دوست دارم کارهای تحقیقی و پژوهشی و ترجمه های دیگری را هم انجام دهیم .

روحانی، سید شمس الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید شمس الدین روحانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید شمس الدین روحانی پس از تحصیل در دبیرستان علوی ایرانیان در نجف اشرف ، وارد حوزه علمیه نجف اشرف شدم . سطوح عالی را در محضر اساتیدی همچون آیت الله مرحوم آقای شیخ محمد علی مدرس افغانی و مرحوم آیت الله آقای شیخ مجتبی لنگرانی و آیت الله شهید میرزا علی غروی و شهید محراب آیت الله مدنی و آیت الله مرتضوی "حفظه الله" که هم اکنون در مشهد مقدس افاضه می فرمایند و ... گذراندم . در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم .

از آنجا که با برخی از مولفات حضرت آیت الله مکارم شیرازی " دامت برکاته " آشنا بودم و شیفته قلم روان و بیان شیوا و مقام علمی ایشان شده بودم ، توسط یکی از دوستان با معظم له آشنا شدم . حدود ۲۵ سال در محضر ایشان و در برنامه های مختلف مدرسه علمیه امام امیر المومنین (ع) همکاری داشته ام .

رودباری، ابو عبدالله احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۷/۳۶۹ ق)، صوفی، محدث و قاری. وی خواهرزاده ابوعلی رودباری است. در رودبار به دنیا آمد و در بغداد نشو و نما یافت. مدتی در بغداد زندگی کرد و سپس به صور منتقل شد و تا پایان عمر در شامات زیست. او از اعظم مشایخ صوفیه و عارفان شام به حساب می‌آید. وی عالم به شریعت و حقیقت بود و معاصر ابو عبدالله باکو و شیخ ابوالقاسم بوسلمه باوردی. وی از دایی خود، ابوعلی رودباری، و بغوی و قاضی محاملی و یوسف بن یعقوب بن اسحاق حدیث روایت کرد ابن باکویه و علی بن عیاض و محمد بن علی صوری از او حدیث شنیدند. او در حومه عکا از دنیا رفت. پیکرش به صور انتقال داده شد و در آنجا دفن گردید. رودباری صاحب کتابی در «آداب فقر» بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۳۳۷-۳۳۶ ق/۴)، تاریخ گزیده (۶۵۶)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۸۶-۸۴)، حلیه الاولیاء (۳۸۴-۳۸۳)، ریحانه (۱۸۸/۷)، سیر النبلاء (۲۲۸-۲۲۷/۱۶)، طبقات الصوفیه سلمی (۵۰۰-۴۹۷)، طبقات الصوفیه هروی (۵۵۴-۵۵۳)، کشف المحجوب (۴۱۰)، لغت نامه (ذیل / احمد)، معجم البلدان (۸۸/۳)، نفحات الانس (۲۷۲-۲۷۱).

رهنما، زین‌العابدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۷۲، نجف.

درگذشت: ۱۲ تیر ۱۳۶۸، تهران.

زین‌العابدین رهنما، فرزند شیخ‌العراقین مازندرانی، در رشته‌های علوم ادبی، فلسفی و اصول فقه اسلامی تحصیل نمود. خدمت مطبوعاتی خود را قبل از سال ۱۲۹۹ آغاز کرد و در این مدت مدیر و سردبیر روزنامه‌ی «ایران»، مجله‌ی «راهنما»، و روزنامه‌ی «راهنما» بود. چندین دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در دوره‌ی رضا شاه مدتی خانه نشین و بعداً به خارج از کشور تبعید گردید. پس از حوادث شهریور ۱۳۲۰ به ایران بازگشت. در تهران می‌زیست، تا به سفارت ایران در فرانسه و سپس به سفارت سوریه در لبنان انتخاب گردید. وی همچنین مدتی وزیر کشور و مدتی نیز معاون نخست وزیر بود. به فرانسوی و انگلیسی و عربی و ترکی آشنا بود و به دریافت نشان درجه اول «همایون» نایل آمد. به آمریکا و کشورهای اروپایی و آفریقایی و آسیایی سفر کرد و از تألیفات وی می‌توان از کتاب‌های پیامبر (داستان تاریخی- مذهبی، ۱۳۱۶، خلاصه‌ای از این کتاب به زبان فرانسوی ترجمه شده است)؛ امام حسین؛ داستان اجتماعی ژاله؛ ترجمه و تفسیر قرآن (چهار جلد)؛ ترجمه‌ی حقوق در اسلام (تألیف دکتر مجید خدوری) و ترجمه‌ی قانون در خاورمیانه نام برد.

(۱۲۷۳ ق- ۱۳۶۸ ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. وی در نجف به دنیا آمد و پس از تحصیل در رشته‌های علوم ادبی، فلسفه و اصول فقه اسلامی به تهران آمد و به فعالیتهای ادبی و سیاسی پرداخت. در ۱۳۰۲ ش مدیریت روزنامه «ایران» را عهده‌دار شد. این روزنامه که به صورت روزانه چاپ می‌شد، سالها روزنامه‌ی درجه اول کشور به حساب می‌آمد. زمانی که رهنما به خارج از ایران تبعید شد، امتیاز روزنامه‌ی «ایران» به دیگری منتقل گردید، اما پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ ش که رهنما به ایران بازگشت، مجدداً اداره‌ی روزنامه را خود بر عهده گرفت. او به زبانهای عربی و فرانسوی تسلط کامل داشت. از وی تألیفات و ترجمه‌ای چند بر جای مانده است از جمله: «پیامبر، زندگانی حضرت رسول اکرم»؛ «امام حسین»؛ «ترجمه و تفسیر قرآن»؛ «قانون در خاورمیانه»؛ «ژاله، رمان

اجتماعی»؛ «حقوق در اسلام». [۱]

روزنامه‌نگار، مورخ و محقق، سیاستمدار، فرزند شیخ علی شیخ‌العراقین و داماد شیخ عبدالله از بزرگان و روساء و اقطاب سلسله‌ی معروف صوفیه، در ۱۲۶۸ ش تولد یافت. قسمتی از تحصیلات خود را در تهران و قسمتی را در عراق در تاریخ، فقه، اصول و حکمت و ادبیات فارسی و عربی به پایان برد. پس از ورود به ایران، کار روزنامه‌نگاری را پیشه خود ساخت. چندی با مطبوعات مختلف همکاری داشت، سرانجام در سال ۱۲۹۹ ش مدیریت روزنامه‌ی نیمه‌رسمی ایران به او سپرده شد. روزنامه‌ی ایران به طور یومیه انتشار می‌یافت و از لحاظ کیفیت چاپ و کاغذ، ممتاز بود. پس از مدتی کوتاه، نفوذ روزنامه‌ی ایران در تمام محافل هویدا شد و تحقیقا روزنامه‌ی رسمی ایران بود. سرمقاله‌های روزنامه در خطمشی سیاسی دولت اثر داشت. رهنما تدریجا خود را منتسب به سردار سپه که قدرتی در کشور شده بود، نمود و روزنامه‌ی خود را در جهت منویات او تنظیم نمود.

در سال ۱۳۰۲ به زور سرنیزه سردار سپه در دوره‌ی پنجم از تبریز به وکالت مجلس انتخاب شد و به خلع سلسله‌ی قاجاریه رای داد. در مجلس موسسان هم عضویت یافت. در ۱۳۰۶ از طرف مخبرالسلطنه هدایت که وزیر فوائد عامه بود، به معاونت آن وزارتخانه برگزیده شد. چند ماهی در آن سمت انجام وظیفه کرد، بعد از آنکه مخبرالسلطنه به رئیس‌الوزرائی رسید، رهنما به معاونت رئیس‌الوزراء منصوب شد. دو سال در آن سمت بود که در دوره‌ی هشتم، از شهر ری به وکالت مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی نهم همچنان سمت نمایندگی داشت و روزنامه‌ی ایران نیز به صورت یومیه انتشار می‌یافت. در ۱۳۱۴ بعضی از مطالب روزنامه‌ی ایران مورد پسند رضاشاه واقع نشد. سرلشکر آیرم هم مرتبا گزارش‌های نامساعدی از رهنما و روزنامه‌اش به شاه می‌داد. سرانجام رهنما مورد غضب واقع شد. از او سلب مصونیت کردند و او را به زندان قصر بردند و امتیاز روزنامه‌ی ایران را لغو کردند و کلیه‌ی دارائی و اثاثیه و مطبوعه را به مجید موقر واگذار نمودند و امتیاز روزنامه‌ی ایران نیز به نام او صادر شد. رهنما چند ماهی در زندان بود تا بالاخره موی سفید و روی سیاه مخبرالسلطنه موثر افتاد، رضاشاه شفاعت او را پذیرفت و دستور آزادیش را از زندان صادر کرد، مشروط بر اینکه خاک ایران را ترک کند. رهنما به سرعت خاک ایران را ترک کرد در عراق اقامت گزید و تا شهریور ۱۳۲۰ در عراق و لبنان به سر می‌برد. پس از استعفای رضاشاه، برای پس گرفتن مطبوعه روزنامه‌ی خود به تهران آمد و علیه مجید موقر طرح دعوی نمود. سرانجام امتیاز روزنامه‌ی ایران مجدداً به او واگذار شد و در عوض امتیاز روزنامه‌ی مهر ایران را به موقر دادند. روزنامه‌ی ایران مجدداً حیات خود را از سر گرفت ولی کار اداره‌ی آن با حمید رهنما بود. زین‌العابدین رهنما بعد از شهریور ۱۳۲۰ به سمت وزیرمختار ایران در دولت موقت فرانسه درویشی و سپس پاریس منصوب شد و چندی نیز سفیر ایران در کشورهای لبنان و سوریه بود. مدتی هم معاونت نخست‌وزیری و ریاست انتشارات و تبلیغات را عهده‌دار گردید.

رهنما بدون شک یکی از فضلالی درجه اول ایران است. وی به ادبیات فارسی و ادبیات زبانهای عربی و فرانسه کاملاً مسلط بوده است. علاوه بر دوره‌ی منظم روزنامه‌ی ایران که حاکی از ذوق و قدرت نویسندگی اوست، تالیفات زیادی عرضه نموده است. کتاب معروف او به نام پیامبر و کتاب امام حسین (ع) و تفسیر و ترجمه قرآن مجید از آثار انتشار یافته‌ی او می‌باشد. در ۱۳۶۸ درگذشت. حین الفوت یک قرن کامل را پشت سر گذاشته بود.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ جراید (۳۱۶-۳۱۵/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۵۱-۳۴۷/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۶-۲۶۴/۳)، نشر دانش (س ۹، ش ۴، ص ۹۹).

ری شهری، محمد

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ری شهری

محل تولد: شهر ری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۵/۸/۱

زندگینامه علمی

حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی نیک، مشهور به «ری شهری» در آبان سال ۱۳۲۵ در شهرری در خانواده‌ای متدین دیده به جهان گشود. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی، در سال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه شهرری (مدرسه برهان) شد و در سال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیل به قم رفت و تا پیروزی انقلاب اسلامی، مدارج تحصیل را تا سطوح عالی در حوزه علمیه قم طی کرد. حجت الاسلام ری شهری، سطوح عالی را نزد اساتید بزرگی چون حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی و حاج سید محمد باقر طباطبایی تلمذ نمود و دروس خارج فقه و اصول را در سال ۱۳۴۷ در شرایطی آغاز کرد که حوزه علمیه قم از فیض حضور امام خمینی (ره) بی بهره بود، بنابراین خارج اصول را از محضر حضرات آیات عظام مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده کرد و خارج فقه را از محضر حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ جواد تبریزی، مرحوم حاج سید محمدرضا گلپایگانی و مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری بهره برد.

حجت الاسلام ری شهری از ابتدای نهضت اسلامی، بویژه تحت تأثیر جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با اهداف و دیدگاههای حضرت امام (ره) آشنا شد و در تاریخ ۲۰ تیر ماه ۱۳۴۴ توسط ساواک مشهد دستگیر و به زندان محکوم شد. وی در سال ۱۳۴۵ ضمن تمرد از شرکت در جلسه دادگاه تجدید نظر ساواک، به نجف اشرف رفت و پس از مدت یکسال به ایران بازگشت و حدود ۱۸ ماه در حوزه علمیه مشهد به تحصیل پرداخت. در همین زمان مجدداً تحت تعقیب ساواک قرار گرفت و در دادگاه تجدید نظر بار دیگر به زندان محکوم شد. حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۵۶ به دلیل سخنرانی علیه رژیم شاه در حسینیه اصفهانی‌های آبادان، توسط ساواک ممنوع المنبر شد. وی به دلیل سخنرانی علیه رژیم در نهان آبادان، مشهد، هرمزگان و زابل مورد تعقیب ساواک بود و تظاهرات مردم هرمزگان و زابل در رابطه با قیام سراسری مردم ایران علیه رژیم، پس از سخنرانی‌های او صورت گرفت.

حجت الاسلام ری شهری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سمت حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی دزفول، بهبهان، گچساران، بروجرد، رشت و گنبد کاووس خدمت کرد و سپس به اهمیت حفظ و اصلاح نیروهای مسلح، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به منظور مقابله با توطئه‌های ضد انقلاب در این رکن مهم، در اواسط سال ۱۳۵۸ به ریاست دادگاه انقلاب ارتش منصوب شد. وی با توجه به شرایطی که قانون اساسی برای تصدی وزارت اطلاعات معین کرده بود (بویژه شرط اجتهاد)، نخستین وزیر اطلاعات در جمهوری اسلامی ایران بود که با کسب آراء اکثریت قاطع نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۳ به این سمت منصوب گردید. حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۶۸ به دادستانی کل کشور منصوب شد و تا اوایل سال ۱۳۷۰ در این سمت خدمت کرد و همزمان در تاریخ ۱۳ دی ماه ۱۳۶۸ از سوی رهبر معظم انقلاب به عنوان دادستان ویژه روحانیت منصوب شد. حجت الاسلام ری شهری همچنین در سال ۱۳۶۹ به فرمان رهبر فرزانه انقلاب به تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم الحسنی (علیه السلام) منصوب گردید. انتصاب وی در این سمت، آغاز تحول اساسی در عمران و توسعه این مجموعه مهم مذهبی بوده است. وی در انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان رهبری، به عنوان داوطلب منفرد شرکت کرد و از سوی مردم استان تهران برگزیده

شد، همچنین در سومین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری، کاندیداتوری او از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز و سایر گروه‌های سیاسی مورد حمایت قرار گرفت و با رأی قاطع مردم بار دیگر به نمایندگی این مجلس انتخاب گردید.

حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۷۰ به سمت نماینده مقام معظم رهبری و سرپرست حجاج منصوب شد که این مسئولیت هنوز ادامه دارد. حجت الاسلام ری شهری بنیانگذار اولین و بزرگترین مجموعه فرهنگی در حدیث و علوم مربوط به آن است. وی در اواسط سال ۱۳۷۴ به همراه جمعی از شخصیت‌های صاحب نام سیاسی و مذهبی، جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی را بنیان نهاد. این جمعیت پس از طی مراحل قانونی رسمیت یافت و هیئت مؤسس آن، به اتفاق آراء، حجت الاسلام ری شهری را به سمت دبیرکل جمعیت انتخاب کردند. این جمعیت پس از چند سال حضور مؤثر، خیلی زود عرصه سیاسی کشور را ترک کرد. اوج فعالیت جمعیت دفاع از ارزشها به هنگام نامزد کردن دبیر کل خود برای ریاست جمهوری هفتم بود. حجت الاسلام ری شهری هم‌اکنون، ضمن تحقیق و تدریس و تولیت آستان حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار نمایندگی ولی فقیه و سرپرستی حجاج ایرانی است. از وی تاکنون بیش از ۳۰ کتاب پژوهشی در ۵۹ جلد منتشر شده است.

ریحان یزدی، علیرضا حسینی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۳ - ۱۲۹۰ ش)، فقیه، مفسر، مورخ، رجال، نویسنده و شاعر. در یزد متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در بیست و یک سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌الله حائری و استادان دیگر استفاده برد. سپس به تهران آمد و به انجام وظائف مذهبی و ترویج دین مشغول شد. گاه گاهی شعر می‌سرود. و غزلیاتی دارد. از آثارش: «آئینه دانشوران»، «تفسیر ریحان»؛ ترجمه‌ی فارسی سره «بلوهر»؛ «کتابهایی که خوانده‌ام». [۱]

سید علی‌رضا (ریحان) یزدی که سالهاست در تهران اقامت دارند و در آنجا در مسجد سجاد یزدیها در خیابان میرفندرسکی اقامه جماعت می‌نمایند و هم چند ماهی به هند مسافرت و در حیدرآباد و بمبئی تبلیغ دین و ضمناً تتبع در کتابخانه‌های آن سامان می‌نمایند.

آقای ریحان محرم ۱۳۳۰ قمری در یزد به دنیا آمده و در حال حاضر شصت و پنجسال از عمرش می‌گذرد.

وی ترجمه خود را در کتاب دانشمندان گمنام یا آئینه دانشوران خود به طور مفصل نوشته است طالبین به آنجا مراجعه نمایند.

آثار قلمی ریحان از این قرار است: ۱- آئینه دانشوران ۲- درس انشاء یا علم بیان ۳- بازرگانی محمد (ص) ۴- تفسیر ریحان ۵- بلوهر ترجمه فارسی سره از عربی ۶- کتابهایی که خوانده‌ام مشتمل بر دوازده جلد ۷- داماد کربلا.

آقای ریحان سفرهای عدیده به کشور پهناور هندوستان نموده و از بسیاری از شهرهای مهم آن دیدن و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی آنجا را دیده و از هر باغ گلی چیده و از هر خرمن خوشه‌ای برداشته و به نام (آنچه من دیده و خوانده‌ام) تدوین نموده است.

نگارنده در دو سفری که در سال ۱۳۸۹ و سال ۱۳۹۰ قمری به هندوستان رفتم دو ماهی در مدینه هتل حیدرآباددکن با معظم‌له

مصاحب و مجاور و ناظر سعی و کوشش ایشان بودم ادام‌الله توفیقه.

وی دارای ذوق سرشار و طبع روان و موزونی می‌باشد و اشعار بسیاری سروده که شایسته است جمع گردد به صورت دیوان ریحان درآید.

شاعر، عالم دینی.

تولد: ۱۳۳۰، ق.، یزد.

درگذشت: ۱۳۶۷.

سید علیرضا مدرس متخلص به «ریحان یزدی». فرزند سید محمد مدرس، از تربیت شدگان حوزه‌ی درس عبدالکریم مهرجردی یزدی و یکی از روحانیون یزد بوده است. وی صاحب تألیفاتی چون بازرگانی محمد (ص) و درس انشاء و آینه‌ی دانشوران است. وی شعر نیز سروده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجه (۲۶۳- ۲۶۲ / ۲)، آینه‌ی دانشوران (مقدمه)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۲۲/۲)، تذکره سخنوران یزد (۵۴۵- ۵۴۱)، الذریعه (۱۹/۲۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷/ ۴۵۱، ۴۵۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۶- ۵۶۵ / ۴).

زاغولی مروزی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۵۹- ۴۷۲ ق)، حافظ، محدث، مفسر، لغوی و فقیه شافعی. منتسب به زاغول از قرای پنج ده مرو رود بود در انجا به دنیا آمد و در مرو سکنی گزید و اشتهار یافت. نزد ابوبکر محمد سمعانی و موفق بن عبدالکریم هروی فقه آموخت و از ابوالفتح نصر بن ابراهیم حنفی و ابومحمد بغوی و عیسی بن شعیب سجزی حدیث شنید. وی تمام عمر خویش را در طلب و گردآوری حدیث و تالیف و تصنیف به سر آورد. او در لغت صاحب نظر بود. سفری به هرات کرد و در آنجا شاگردانی تربیت کرد. ابوسعید عبدالکریم سمعانی و پسرش ابوالمظفر عبدالرحیم سمعانی از شاگردان وی می‌باشند. زاغولی بیش از چهارصد مجلد مشتمل بر تفسیر و حدیث و فقه و لغت را گرد آورد و آن را «قید الاوابد» نامید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۳/۶)، سیر النبلاء (۴۹۳- ۴۹۲ / ۲۰)، کشف الظنون (۱۳۶۷)، معجم المؤلفین (۲۵۴/۹)، الوافی بالوفیات (۳۷۳/۲)، هدیه العارفین (۹۴/۲).

زاهد علایی بخاری، ابو عبدالله محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۴۶/۵۴۵ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، واعظ و متکلم حنفی. معروف به علاء زاهد. در آخر عمرش املای حدیث می‌کرد. وی از مشایخ صاحب «الهدایه» بود. از آثارش «تفسیر القرآن» یا «تفسیر محمد بن عبدالرحمان» یا «تفسیر علانی» است که بیش از هزار جزء

می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۴۵۸، ۴۵۴)، معجم المؤلفین (۱۳۳/۱۰)، الوافی بالوفیات (۲۳۲/۳)، هدیه العارفین (۹۱/۲).

زاهدی گیلانی، ابوطالب

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۲۷-۱۰۵۸ ق)، مفسر، عالم دینی، ریاضیدان، شاعر و خطاط. در لاهیجان متولد شد. علوم عربی و سطح را در همان شهر نزد شیخ الاسلام ملا حسن لاهیجی خواند. در بیست سالگی به اصفهان رفت و ریاضی را نزد ملا رفیع یزدی و سایر علوم متداول را از اکابر علمای آن شهر همچون آقا حسین خوانساری فراگرفت و به مراتب عالی‌های علمی نایل گردید. چون از فقر قادر به خرید کتاب نبود کتابهای مورد احتیاج خود را استنساخ می‌کرد و تا روزی هزار بیت که هر بیت پنجاه حرف بود می‌نوشت. خوش خط و سریع القلم بود. وی کتابخانه‌ای با بیش از پنج هزار جلد کتاب گردآورد که بسیاری از آنها را به خط خود تصحیح کرده و بر بیشتر آنها شرح و حاشیه نوشته است. «تفسیر بیضاوی» و «قاموس» و «تهذیب» و «شرح لمعه» را به خط خوش نوشت. در اصفهان وفات یافت و در همان شهر دفن شد. از آثار وی: «رساله الحرکه»؛ رساله در «مساله العلم»؛ رساله در «عمل المسبح و المتسبح و الدائره»؛ رساله در شرح آیهی «قل الروح من امر ربی»؛ شرح قول ارسطو «لم صار ماء المطر خفیفاً»؛ شرح حدیث «عرفت الله بفسخ العزائم» که برخی از این تالیفات را پسرش شیخ محمدعلی حزین لاهیجی به فارسی ترجمه و شرح کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۶۷/۲)، تذکره القبور (۷۹)، تذکره المعاصرین (۴۴-۴۳)، الذریعه (۳۴۷، ۳۱۵/۱۵، ۲۴/۱۴، ۲۰۲/۱۳، ۳۹۴/۶، ۳۲۸/۴)، ریحانه (۱۶۶/۷، ۳۵۷-۳۵۶/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۴-۳۹۳/۱۲)، الکنی و الالقاب (۱۰۸-۱۰۷/۱)، لغت نامه (ذیل / زاهدی)، نامها و نامدارهای گیلان (۲۲).

زاهدی، ابوالفضل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۹ ق)، محدث، مفسر، فقیه و مدرس. وی در قم به دنیا آمد. پس از گذراندن مقدمات و سطوح نزد میرزا سید محمد برقی حدود ده سال از محضر حاج شیخ ابوالقاسم کبیر استفاده نمود. مدت دو سال در اراک اقامت داشت، سپس به قم مراجعت کرد و در درس فقه و اصول آیت‌الله حایری، موسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، حاضر شد. علم حکمت و فلسفه را نزد میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی فراگرفت. پس از فوت آیت‌الله حایری دو سال در تهران در مسجد جامع به گفتن تفسیر و احادیث و مواعظ پرداخت. در ۱۳۶۸ ق به قم بازگشت و به گفتن تفسیر قرآن در مدرسه‌ی فیضیه و تدریس فقه و اصول مشغول شد. از آثار عام‌المنفعه وی، بناء و تعمیر قسمت غربی مسجد امام که در دو طبقه که به بهترین اسلوب ساخته شده است. از آثار علمی‌اش: «رساله الشرط و آثاره»؛ «رساله الضرر»؛ «افعل و ما افعل»؛ «منطق الحسین (ع)»؛ «مقصد الحسین (ع)»؛ «تسهیل الامر فی بحث الامر»؛ «اثبات المعلوم فی نفی

المفهوم»؛ «ارغام الکفره فی سوره البقره»، «اتمام»؛ «اقسام‌الدین»، «اتمام»؛ حواشی بر «جواهر» [۱].

آقای حاج میرزا ابوالفضل بن العلامه الناطق حاج ملا محمود الواعظ از آیات عظام و علماء اعلام و حجج اسلام شهرتسان قم و حوزه علمیه عالمی عامل و فاضلی کامل و محدثی خبیر و مفسری بصیر است و ایشان از طرف مادر منسوب به سادات رضوی و سبط مرحوم حاج سید عبدالباقی رضوی که از خدام ذوی الاحترام حضرت معصومه علیها السلام بوده می‌باشد.

تولدش در ۱۶ شعبان ۱۳۰۹ قمری در بلده طیبه قم واقع شده و پس از بلوغ و رشد مقدمات و سطوح را خدمت مرحوم علامه میرزا سید محمد برقی بن العلامه حاج سید عبدالله قمی خوانده و حدود ده سال از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر استفاده نموده و دوبار در سال ۱۳۳۶ و ۱۳۳۹ به اراک مسافرت کرده و دو سالی در آنجا توقف و در سال ۱۳۴۰ قمری مراجعت به قم و حاضر به درس فقه و اصول مرحوم آیت‌الله موسس حایری گردیده و علم حکمت و فلسفه را نزد مرحوم میرزا علی‌اکبر یزدی خوانده و پس از فوت مرحوم حایری چند سال در تهران توقف نموده و به گفتن تفسیر و احادیث و مواظب در منبر مسجد جامع ترویج دین نموده و هم در آنجا اقامه جماعت کرده تا سال ۱۳۶۸ قمری که مراجعت به قم و به گفتن تفسیر قرآن در مدرسه فیضیه و درس فقه و اصول برای طلاب و فضلاء حوزه اشتغال و از تاریخ مزبور تاکنون در مسجد امام علیه السلام قم اقامه جماعت دارند و شبها برای مردم تفسیر گفته و از این طریق خدمت به شرع انور می‌نمایند. آثار علمی و باقیات الصالحات معظم‌له از این قرار است:

۱- بناء و تعمیر قسمت غربی مسجد امام دو طبقه که به بهترین اسلوب ساخته و تکمیل نموده و برای این منظور در مقابل نادانان و حسودان ابناء نوع استقامتی عجیب کرده و در راه حق از ملامت ملامت‌کننده نهراسیده تا به مقصود که احیاء مسجد باشد رسیده است.

و اما آثار علمی از این قرار است:

۱- رساله الشرط و آثاره ۲- رساله الضرر ۳- افعال و ما افعال ۴- منطق الحسین علیه السلام ۵- مقصد الحسین علیه السلام ۶- تسهیل الامر فی بحث الامر ۷- اثبات المعلوم فی نفی المفهوم ۸- ارغام الکفره فی سوره البقره ۹- اقسام الدین ۱۰- بعضی حواشی بر جواهر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۶-۱۶۵/۲).

زبیده

قرن: ۱۱

جنسیت: زن

ملیت: ایران

ذوالقعدة ۱۰۹۲ - ۱۰۲۴ ق، از زنان عالم، فاضل، ادیب و مفسر. وی دختر ملاصدرای شیرازی (۱۰۵۰ ق) و خواهر بدریه و صدریه بود. زبیده نزد پدر و خواهرش بدریه درس خواند و در ادبیات و تفسیر به مقام استادی رسید و حافظ قرآن شد. او با معین‌الدین محمد فسایی ازدواج کرد و از او کمال‌الدین محمد معروف به میرزا کمالا را به دنیا آورد و به فرزندش نیز ادبیات آموخت، تا اینکه از اساتید مبرز این رشته شد.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۸۳ / ۳؛ معادن‌الحکمه (مقدمه)، یج.

زعفرانی اصفهانی، ابوسعید حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۹ ق)، حافظ، محدث، اصولی و مفسر. وی از ابوالقاسم بغوی و ابومحمد بن صاعد و حسین بن علی بن زید و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. ابوبکر بن ابی علی و ابونعیم اصفهانی و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابونعیم اصفهانی گوید که زعفرانی به لحاظ شناخت استوار و دانش فراگیرش بنادر اصول و حدیث شهر ما بود. او دارای تصنیفات بسیار بود. از آثارش: «السمند» یا «مسند زعفرانی»، در حدیث؛ «التفسیر زعفرانی» یا «تفسیر القرآن»؛ «الشیوخ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۷۷)، ایضاح المکنون (۴۸۲، ۳۰۵/۱)، سیر النبلاء (۵۱۸-۵۱۷/۱۶)، معجم المؤلفین (۴/۵۵)، الوافی بالوفیات (۴۶-۴۵/۱۳)، هدیه العارفین (۱/۳۰۵).

زمانی، محمد هاشم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد هاشم زمانی

محل تولد: مرودشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از انقلاب اسلامی بنابر ضرورت درک اسلام و باورهای صحیح به حوزه علمیه قم آمدم و دروس حوزه را شروع کردم و از همین ابتدا به قرآن و مباحث تفسیری پرداختم و در کنار آن به مباحث علمی و پژوهشی می‌پرداختم و در سال ۶۷ در جبهه به اسارت عراق در آمدم و در آنجا در حد توان به ترویج قرآن و مباحث اعتقادی پرداختم و در سال ۶۹ پس از آزادی از اسارت در مرکز قرآنی مشغول به کار شدم و در ضمن برنامه نویسی کامپیوتر به تحقیق در مباحث قرآنی می‌پرداختم تا اینکه در سال ۷۵ پس از طرح‌های بسیاری که برای رسیدن به اطلاعات منسجم و دقیق ریختم و هیچکدام پایدار نبود به طرحی تحت عنوان «نور فرقان و سیر اندیشه» دست پیدا کردم که جامع و بنیادی بود و توانستم برای رسیدن به آن به طرح پروژه‌هایی پردازم و اطلاعات زیادی تهیه کنم و در سال ۷۹ به تأسیس مؤسسه‌ای تحت عنوان «نور فرقان» اقدام کردم تا فعالیت و پژوهشها موجه و نتایج آن جهت اطلاع رسانی میسر باشد. مدتی کوتاه در معاونت پژوهشی حوزه خواهران مشغول بودم و مدتی در معاونت پژوهشی جامعه الزهرا و نیز دو ترم برای خواهران حوزوی درس قرآن و تفسیر آن و عدم تحریف قرآن را بحث داشتیم و نیز در نمایشگاههای قرآنی بسیاری شرکت کردم و اکنون هم سه سال است که در نمایشگاههای قرآن شرکت می‌کنم در نمایشگاه بین‌المللی قرآنی در مصلی تهران

دو بار غرفه داشتیم و نیز در قم در دانشگاه مفید هفته پژوهش و نیز در نمایشگاه حوزه در عرصه بین‌الملل و نیز در هفته کرامت در نمایشگاه رضوی شرکت داشتیم و اکنون نیز در معاونت پژوهشی حوزه بحث توسعه علوم را دنبال می‌کنیم.

زمانی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن زمانی

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از تحصیلات ابتدائی از سال ۱۳۴۹ هجری شمسی تحصیلات حوزوی را در شهرستان حیدریه آغاز کردم و ۴ سال در حوزه علمیه هراتی تحصیل کردم. سال ۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیه العظمی گلپایگانی ادامه تحصیل دادم. دروس سطح را در خدمت اساتید مانند حجج اسلام: صلواتی، حسن تهرانی، ستوده، سید علی محقق داماد، کریمی جهرمی، شریعتی کاشانی، صانعی و موسوی تهرانی فرا گرفتم. از سال ۶۱ درس خارج فقه و اصول را نزد اساتید بزرگوار حضرات آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، صانعی، منتظری، وحید خراسانی و گلپایگانی نزدیک ۱۵ سال گذراندم. در این دوره تحصیلی ۵ جلد اصول فقه استدلالی را که مشتمل بر بیش از نیمی از علم اصول فقه است را تألیف کردم که هنوز به صورت مخطوط است و انگیزه این کار سنگین آن بود که اجتهاد واقعی و اتخاذ آراء در مسائل فقهدون اجتهاد و اتخاذ آراء در مسائل اصول فقه ممکن نیست. سپس رساله فقهی اجتهادی پیرامون (طهارت اهل کتاب و مشرکین) را بعنوان رساله کارشناسی ارشد قرار داده و تألیف کردم. فلسفه اسلامی را با خواندن کتب: منظومه سبزواری، نه‌ایه الحکمه، اشارات بوعلی، مجلداتی از اسفار ملا صدرا، و فلسفه جامعه تاریخ نزد اساتید بزرگوار چون: شهید مطهری، آیه الله جوادی آملی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، محمدی گیلانی، نکونام و فیاضی فرا گرفتم. عرفان اسلامی را با تلمذ و تحصیل کتاب: فصوص الحکم محی الدین و مصباح الانس نزد عارف رهپیموده استاد حسن زاده آملی فرا گرفتم. جهت فراگیری زبان انگلیسی، چون از کلاس ششم ابتدائی به حوزه علمیه منتقل شده بودم، تمام کتب درسهای زبان راهنمایی، دبیرستان و کارشناسی دانشگاه را در طول یکسال نزد استاد محرم خانی گذراندم. سپس دوره ۴ جلدی زبان را در مرکز آموزش زبان مرکز آموزش عالی باقر العلوم (علیه السلام) سپری کردم تا آمادگی حضور در کلاس های زبان دوره ارشد و دکترای دانشگاه را بیابم. سپس در کنکور ورودی کارشناسی ارشد (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و پس از قبولی و گذراندن دوره تحصیلی فارغ التحصیل شدم و رساله پایان نامه من با نمره ۲۰ حائز بالاترین رتبه دانشگاه شد. سال ۷۷ در کنکور دکترای علوم قرآن و حدیث همان (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و سال ۸۰ دوره آموزشی را با معدل ۷۸/۱۸ به پایان رساندم.

در آن سال عضو هیئت علمی گروه علمی قرآن و حدیث مرکز جهانی علوم اسلامی قم شده و تا کنون به تدریس برای طلاب غیر ایرانی مشغولم. در طول دوران تحصیل مشغول تدریس رشته ها و دروس ادبیات عربی، منطق، فلسفه، معارف، اقتصاد اسلامی،

اخلاق، نظام تربیتی، فقه مقارن، علوم قرآن و قرآن و مشرکان در حوزه ها و مدارس و دانشگاه های مختلف بوده ام.

زمخشری، ابوالقاسم محمود

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۸- ۴۶۷ ق)، مفسر، محدث، نحوی، متکلم، لغوی و شاعر حنفی معتزلی. ملقب به جارالله. نسبت وی به زمخشر، از آبادیهای خوارزم است در زمخشر به دنیا آمد. او در ادب و لغت عرب و فقه و حدیث و تفسیر استاد و متکلم معتزلی بود و شعر را بسیار نیکو می‌سرود. در ضمن مسافرت‌های خود مدت مدیدی در مکه اقامت کرد و به همین مناسبت به جارالله (همسایه‌ی خدا) معروف شد. به بغداد نیز سفر کرد و در آنجا از نصر بن بطر و دیگران حدیث شنید. ادب را از ابومضمر محمود بن جریر ضبی اصفهانی و ابوالحسن علی بن مظفر نیشابوری فراگرفت و از ابومنصور نصر حارثی و ابوسعید شقانی حدیث روایت کرد است. ابوطاهر سلفی و زینب دختر شعری از زمخشری با اجازه روایت کرده‌اند اسماعیل بن عبدالله خوارزمی و ابوسعید احمد بن محمود و دیگران از وی اشعارش را نقل کرده‌اند. سرانجام در جرجانیه‌ی خوارزم در گذشت. از آثار متعددش: «الکشاف عن حقایق التنزیل»، در تفسیر قرآن؛ «الامالی»، در نحو؛ «الانموذج»، در نحو؛ «مقدمه الادب»، در لغت؛ «اساس البلاغه»، در لغت؛ «اعجب العجب فی شرح لامیه العرب»؛ «اطواق الذهب»، در مواعظ و خطب؛ «الجمال و الامکنه و المیاه»؛ «دیوان» خطب؛ «دیوان» شعر؛ «دیوان» رسائل؛ «دیوان» تمثیل؛ «الرائض فی علم الفرائض»؛ «روس المسائل»، در فقه؛ «ربیع الابرار»، در ادبیات؛ «سوائر الامثال»؛ شرح «ابیات الکتب» سیبویه؛ شرح مشکلات «المفصل»؛ «ضاله الناشد»؛ «القسطاس»، در عروض؛ «المجاز و الاستعاره»؛ «متشابه اسامی الرواه»؛ «المستقصی»، در امثال عرب؛ «معجم الحدود»؛ «المفرد و الموتلف»، در نحو؛ «المقامات»، در اخلاق؛ «المنهاج»، در اصول؛ «النصائح الکبار یا کبری»؛ «النصائح الصغار»؛ «الکلم النوابع»، در مواعظ؛ «الاحاجی النحویه»؛ «المفصل»، در نحو؛ «الفائق فی غریب الحدیث». [۱] برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه [۱] الاعلام (۵۵/۸)، ایضاح المکنون (۸۶/۲، ۶۷/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۰/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۹۷، ۱۰۲، ۹۲)، التفسیر و المفسرون (۴۸۲- ۴۲۹/۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲۲۲۲- ۲۲۲۱/۲، ۱۱۸۰/۱)، روضات الجنات (۱۱۸/۸)، ریحانه (۳۸۲- ۳۷۹/۲)، سفرنامه ابن بطوطه (۵۷۱، ۴۳۶/۱)، سیر النبلاء (۱۵۶- ۱۵۱/۲۰)، الکامل (۸/۹)، کشف الظنون (۱۹۷۸، ۱۹۵۵، ۱۸۹۰، ۱۸۷۷، ۱۸۳۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۱، ۱۷۷۴، ۱۷۳۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۴، ۱۶۰۷، ۱۵۸۴، ۱۵۳۹، ۱۴۷۵، ۱۴۲۷، ۱۴۰۷، ۱۳۹۶، ۱۳۲۶، ۱۲۱۷، ۱۲۰۶، ۱۰۸۵، ۱۰۸۲، ۱۰۵۶، ۱۰۲۲، ۱۰۰۹، ۹۱۵، ۸۹۵، ۸۳۲، ۸۳۱، ۷۹۱، ۷۸۱، ۶۱۶، ۱۸۵، ۱۶۴، ۱۱۷)، الکنی و الالقاب (۳۰۰- ۲۹۸/۲)، لسان المیزان (۶۵۳- ۶۵۱/۶)، لغت نامه (ذیل/ زمخشری)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷- ۶۶/۶)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۳۸)، معجم الادباء (۱۳۵- ۱۲۶/۱۹)، معجم البلدان (۱۶۶- ۱۶۵/۳)، معجم المؤلفین (۱۸۷- ۱۸۶/۱۲)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۲۹- ۲۲۸)، وفيات الاعیان (۱۷۴- ۱۶۸/۵)، هدیة الاحباب (۱۴۶- ۱۴۵)، هدیة العارفين (۴۰۳- ۴۰۲/۲).

زنجانی، ابوالمناب محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۵۶ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و لغوی شافعی. وی در بغداد متوطن بود. مدتی نیز نیابت قاضی القضاتی را بر عهده داشت تا عزل شد. در نظامیه به تحصیل و تدریس پرداخت. وی در ایام فتح بغداد به دست هلاکو کشته شد. از آثارش: «السحر الحلال فی غرائب المقال»، در فروع فقه شافعی؛ «ترویج الارواح فی تهذیب الصحاح» جوهری، در لغت؛ «تفسیر القرآن». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۱۰۷۳، ۹۸۱)، معجم المؤلفین (۱۴۹- ۱۴۸/ ۱۲)، هدیه العارفین (۴۰۵/۲).

زنجیره فروش، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند آقا سید محمد بن حسن بن هاشم بن میرزا محمد موسوی.

سید سند، و فاضل معتمد، از اساتید فن تجوید و قرائت بوده، نزد عاصم کاشانی قرائات دهگانه را بیاموخته، و سال‌ها تدریس «شاطبی» در اصفهان منحصر بدو بوده، و عده‌ای زیاد شاگرد تربیت نموده که هر یک استاد فن به شمار می‌رفته‌اند. در حدود ۱۲۷۵ متولد، و در ۱۳۵۱ وفات یافته، در تکیه‌ی آقا شیخ مرتضی ریزی مدفون، و سپس به اعتبار مقدسه منتقل گردید. پدر و جدش از علمای اصفهان بوده، و جهت امرار معاش به شغل زنجیره بافی مشغول بوده‌اند. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

زواره‌ای، ابوالحسن علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، مفسر، فقیه، محدث و ادیب امامی. وی از عالمان بزرگ تفسیر، حدیث و فقه و ادب بود در عصر شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب صفوی در اصفهان می‌زیست. وی از اکابر شاگردان محقق کرکی، شیخ علی بن عبدالعالی، سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای مفسر و سید امیر عبدالوهاب استرآبادی بود. تفسیر را از سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای اخذ و از میر عبدالوهاب بن علی حسینی استرآبادی روایت کرد. زواره‌ای استاد ملا-فتح‌الله کاشانی مفسر معروف است. از آثار وی: «ترجمه الخواص» یا «تفسیر زواری»، در تفسیر قرآن، تالیف شده در سال ۹۴۶ ق؛ شرح «نهج البلاغه» به فارسی به نام «روضه الابرا»؛ ترجمه‌ی «کشف الغمه» بهاء‌الدین عیسی اربلی به نام «ترجمه المناقب»؛ ترجمه‌ی «مکارم الاخلاق» رضی‌الدین طبرسی به نام «مکارم الکرائم»؛ ترجمه‌ی «عده الداعی» ابن فهد حلی به نام «مفتاح النجاح»؛ ترجمه «الاحتجاج» طبرسی که به نام شاه طهماسب به پایان رسانید؛ ترجمه تفسیر منسوب به امام عسگری (ع) به نام «آثار الاخیار»؛ ترجمه «الطرائف» ابن طاووس به نام «طراوه اللطائف»؛ «مرآت الصفاء»، در زیارات؛ «مجمع الهدی»، در تاریخ پیامبران، تلخیص «احسن الکبار فی مناقب ائمه الاطهار» ورامینی به نام «لوامع الانوار الی معرفه ائمه الاطهار»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۸۶/۸)، ایضاح المکنون (۵۲۸، ۴۵۹، ۴۳۶، ۴۱۳، ۲/ ۲۸۱/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۲۶-۱۶۲۳)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۱)، الذریعه (۸۸/۲۵، ۳۵۵/۲۱، ۳۶۲-۳۶۱/۱۸، ۱۵۹/۱۵/۲۸۵/۱۱، ۲۲۷/۷، ۳۱۵/۵، ۱۴۰-۱۳۹، ۴/ ۷۵)، روضات الجنات (۳۶۲-۳۶۱/۴)، ریاض العلماء (۳۹۶-۳۹۴/۳)، ریحانه (۳۹۳/۲)، سبک شناسی (۳۰۳-۳۰۲/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۲/۱۰)، الکنی و الالقاب (۲۰۰/۲)، هدیه العارفین (۷۴۵/۱).

زوزنی، ابوجعفر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۰ ق)، فقیه، مفسر، محدث و ادیب. وی در نواحی خراسان و ماوراءالنهر منصب قضاوت داشت و در بخارا از دنیا رفت. تصانیفی در «تفسیر» و «حدیث» و «فقه» و «ادب» دارد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: معجم المؤلفین (۱۹۳/۹).

سادات فخر، محمد محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد محسن سادات فخر در سال ۱۳۳۴ در شهر مشهد به دنیا آمدم تحصیلات مقدماتی را در حوزه علمیه مشهد مقدس از سال ۱۳۴۹ آغاز در سال ۱۳۵۳ به حوزه علمیه قم هجرت نمودم. در سال‌های ۱۳۶۵ - ۱۳۶۸ با پژوهشکده باقرالعلوم همکاری پژوهشی در پروژه موضوع نگاری تفسیر مجمع‌البیان آغاز گردید. ثمره همکاری یاد شده نشر کتاب مفتاح مجمع‌البیان از انتشارات اسوره ۱۳۸۳ می‌باشد. نیمه دوم سال ۱۳۶۹ تقریباً همکاری رسمی با مرکز فرهنگ و معارف قرآن آغاز گردید. پروژه موضوع نگاری تفاسیر قرآن مجید ۸۰ دوره کامل تفسیر قرآن از مفسران بزرگ شیعه و اهل سنت در سه فاز، محور همکاری مستقیم با مرکز یاد شده بود در سال ۱۳۷۲ به مدیریت گروه معجم نگاری تفاسیر انتخاب و پژوهش ادامه یافت. طرح گروه فرهنگنامه‌ها در مدیریت جدید پیشنهاد و موضوع نگاری تفاسیر در فاز اول با حجم بیست دوره تفسیر کامل در دو فرم کتاب (فرهنگ موضوعی تفاسیر) و نرم‌افزار صراط آماده عرضه گردید. طرح نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی و مرکز فرهنگ و معارف قرآن از سال ۱۳۷۲ در گروه فرهنگنامه‌ها آغاز گردید او در سال ۱۳۷۷ بیش از دو هزار و پانصد کتاب قرآنی، نمایه‌سازی گردید. نمایه‌های موضوعی (چکیده‌های عنوانی) تعداد کتاب‌های یاد شده در حجم بیش از یکصد و بیست و پنج نمایه موضوعی، ترکیبی تقریباً تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های پژوهشی قرآنی، تفسیری، علوم قرآنی و معارف دینی را شامل می‌شود. اطلاعات یاد شده در بانک اطلاعات مرکز فرهنگ و معارف قرآن علی القاعده موجود می‌باشد. بعد از دوره شش ساله مدیریت علمی گروه فرهنگنامه‌ها و انجام پروژه‌های فاز اول موضوع نگاری تفاسیر و نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی همکاری در شورای علمی گروه فرهنگنامه‌ها ادامه دارد.

سبحانی نیا، محمدتقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدتقی سبحانی نیا

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدتقی سبحانی نیا از سال ۱۳۶۶ همزمان با تحصیل در سال چهارم دانشگاه رسماً وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رضویه دروس سطح حوزه را شروع نمودم. دروس سطح را تا سال ۱۳۷۶ به پایان رساندم. از اساتید برجسته اینجانب در دوره سطح، اساتید معزز آقایان حجج اسلام اسحاق نیا، پرنده غیبی، عالی، مومنی، مسعودی، غرویان، دوزدوزانی و عراقچی می باشند. از سال ۱۳۷۶ در درس خارج آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی و استاد مکارم شیرازی و استاد مددی حاضر شده و مدت کوتاهی نیز در درس استاد آیه الله شیری زنجانی شرکت نموده ام.

از سال ۱۳۷۱ با مرکز تحقیقات دارالحدیث به فعالیت های فرهنگی علمی همکاری را شروع نموده و این همکاری تا به امروز در حوزه های مختلف ادامه داشته است. مدتی در بخش تاسیس کتابخانه تخصصی حدیث تلاش کرده و مسولیت داشتم. سپس چند سال در گروه موسوعه نگاری در بخش تحقیقات با آن مرکز همکاری داشته و تحقیق و عناوین متعددی را بر عهده داشته ام. و هم اکنون نیز در دانشکده علوم حدیث ضمن مسولیت اجرایی به تحصیل در مقطع دکتری اشتغال دارم. ضمناً در سال ۱۳۸۰ نیز در آزمون کارشناسی ارشد مدرسی الهیات و معارف اسلامی دانشکده تربیت مدرس قم پذیرفته شده و مدرک کارشناسی ارشد خود را در سال ۱۳۸۳ اخذ نمودم.

سبزواری، زین العابدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن محمد علی بن محمد ابراهیم بن مرتضی بن میرزا عبدالمطلب. عالم فاضل محقق مفسر ادیب، در خدمت میرزا عبدالعلی هرنندی، و میرزا محمد مهدی نایب الصدر، و میرزا محمد علی حسینی و جمعی دیگر تلمذ فرموده، و از جوانی آثار نبوغ در او ظاهر بوده، چنانچه از تفریطی که مرحوم نایب الصدر بر یکی از کتب او نوشته ظاهر می شود.

کتب زیر از اوست:

۱- اعراب ست سور من القرآن الکریم

۲- تذکره القراء ۳- شجره طیبه، در تجوید، دو جلد عربی و فارسی که در مقدمه برخی از قرآنها به طبع رسیده.
در حدود سال ۱۲۵۰ متولد، و در ۱۳۱۸ وفات یافته، جنب مسجد آقا نور در محلی که به نام امامزاده سه تن معروف است مدفون گردید.
برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ستوده نیا، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا ستوده نیا

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ موفق به اخذ دیپلم گردید. از یک سال قبل از انقلاب در حوزه علمیه صدر بازار و همزمان با دبیرستان شروع به تحصیلات حوزوی نمود. پس از دیپلم به طور جدی به دروس حوزوی پرداخته و تا سال ۱۳۷۱ عمده دروس حوزوی شامل ادبیات عرب، فقه و اصول، منطق و فلسفه را به پایان رسانید. در این دوران علاوه بر تحصیل به تدریس دروس حوزوی نیز پرداخت. شایان ذکر است که در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ در دوران دفاع مقدس با وجود امکان استفاده از معافیت تحصیلی حوزه علمیه، به طور داوطلب به خدمت سربازی اعزام گردید. با عنایت به سیاست نزدیکی و وحدت حوزه و دانشگاه، در سال ۱۳۷۱ در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل آکادمیک شد. بدون هیچ وقفه در سال ۱۳۷۵ موفق به ورود در دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث شد و پایان‌نامه را با عنوان «بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی» با نمره ۲۰ دفاع نمود. این پایان‌نامه در زمره پایان‌نامه‌های برگزیده در سال ۱۳۷۸ به وسیله وزارت ارشاد به چاپ رسید. بلافاصله در همان سال در دوره دکتری پذیرفته و در سال ۱۳۸۱ پایان‌نامه دکتری را با عنوان «تاثیر قرائات بر تفسیر» دفاع نمود.

سجادی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران اینجانب حاج سید احمد سجادی در سوم اسفندماه سال یکهزار و سیصد و چهل و چهار در خانواده‌ای مذهبی در اصفهان دنیا آمدم.

پدرم از معتمدین محل و کارگر کارخانه بافناز بود و مادرم، بانوی عقیفه‌ای که به امور منزل و تعلیم و تربیت فرزندان اهتمامی والا داشت.

اینجانب دارای سه برادر و یک خواهرهستم که هر یک، محور زندگی و خانواده‌ای دیگر شده اند.

من تحصیلات ابتدایی، را در دبستان مشتاق و دوره راهنمایی را در مدرسه جمشید طی کردم و در همان ایام، از نزدیک شاهد وقایع انقلاب بودم و با آنکه در سنین نوجوانی به سر می بردم، در بسیاری از راهپیمایی‌ها شرکت جسته و تمامی شعارهای مردم را در دفتری ثبت، که تاکنون نیز آن را حفظ نموده ام

در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اصفهان گردیدم و همزمان در جبهه‌های نبرد نیز شرکت نموده و حدود ۲۰ ماه به طور متناوب در میان رزمندگان اسلام حضور داشته و در عملیات‌های مختلف و متعددی ایفای نقش کردم و در عملیات «محرم» و «خیبر» از ناحیه پا و صورت مجروح شدم.

حضور در حوزه علمیه اصفهان فرصتی بود تا از محضر اساتید بزرگی همچون حجت الاسلام و المسلمین حاج علی اکبر فقیه، حجت الاسلام و المسلمین حاج سید ابوالحسن مهدوی، آیت الله حاج سید احمد امامی، آیت الله حاج سید حسن امامی، آیت الله حاج حسن صافی، آیت الله حاج محمد ناصری، آیت الله حاج سید محمد علی صادقی، آیت الله حاج عباسعلی ادیب و آیت الله العظمی حاج حسین مظاهری کسب فیض کرده و علاوه بر آن، از سال ۱۳۶۳ به تدریس در حوزه‌های علمیه در زمینه‌های ادبیات عرب، منطق، فقه و اصول مشغول گردیدم.

اینجانب در سال ۱۳۶۸ در جشن نیمه شعبان به دست مبارک مرحوم حضرت آیت الله سید محمدعلی صادقی قدس سره مفتخر به لباس روحانیت گشته و منسب امام جماعت را در مسجد حضرت جواد الائمه و پس از آن در مسجد امام حسن مجتبی (واقع در اصفهان، خیابان کاوه، خیابان ۱۵ خرداد) عهده‌دار شده و تا مهر ماه سال ۱۳۸۷ این افتخار قرین زندگیم بود.

از سال ۱۳۷۰ فعالیت‌های علمی خود را با ارائه مقاله به روزنامه‌ها و سپس مجله‌های مختلف آغاز نمودم و در حال حاضر علاوه بر مقالات فراوانی که از من در زمینه‌های مختلف علمی و مذهبی در دست است، در زمینه تألیف کتاب نیز کتاب‌های متعددی از جمله عناوین زیر از اینجانب بچاپ رسیده است که ذیلاً به برخی از کتابهای تألیف شده توسط حقیر اشاره می‌نمایم:

۱- «فرهنگ‌نامه موضوعی صحیفه سجادیه» (در ۳ جلد): در این کتاب با سبکی جدید به موضوع‌نگاری صحیفه مبارکه سجادیّه پرداخته ام و اثری زیبا با بیش از ۹۰۰ موضوع اصلی ۱۰/۰۰۰ زیر موضوع در سه جلد به همراه متن کامل صحیفه سجادیه و ترجمه آن ارائه نموده‌ام.

۲- «اسرار دلبران»: این کتاب تأملی بر زیارت جامعه کبیره است که در آن برای هر یک از فرازهای این زیارت، توضیحی مختصر و شرحی کوتاه و مرتبط با آن صورت گرفته است.

۳- «پرچم‌داران سعادت»: این کتاب تدبیری در زیارت جامعه کبیره بوده که در آن با تکیه بر آیات و روایات و استدلال‌های عقلی و نظری به توضیح فرازهای زیارت پرداخته و به بیش از نهمصد آیه، روایت و حدیث در ۵۰۰ صفحه اشاره نموده‌ام.

۴- «نجوای عارفانه»: این کتاب شرح دعای امام زین‌العابدین علیه‌السلام در روز عرفه است که دعای چهل و هفتم کتاب صحیفه مبارکه سجادیه می‌باشد. مؤلف، این کتاب را در ۱۸۰ صفحه به تألیف رسانده ام.

۵ و ۶- «میراث حوزه علمیه اصفهان» (دفتر اول و دوم): این کتاب‌ها احیاء و عرضه میراث مکتوب حوزه علمیه اصفهان است که در هر جلد به یکی از محورهای تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه، فلسفه، کلام و دیگر ساحت‌هایی که تلاش علمی قلمزنان این خطه در آن حیطه بوده، اختصاص می‌یابد. دفتر اول این اثر به اهتمام اینجانب و جناب آقای رحیم قاسمی و دفتر دوم نیز به تلاش من و جناب آقای مجید هادیزاده به رشته تحریر درآمده است.

۷- «لغت‌نامه و ترجمه صحیفه سجادیه»: این کتاب در ۳۸۴ صفحه، ترجمه روان و سلیس و در عین حال علمی از صحیفه مبارکه سجادیه است که اینجانب در ذیل متن دعا و ترجمه آن، اقدام به ترجمه لغات صعب و دشوار این کتاب گرانسنگ نموده‌ام.

۸- « صحیفه سجّادیه به روایت ابن اشکب» در این کتاب به روایتی نادره از صحیفه پرداخته و با روایت مشهوره مقابله کرده ام که با مقدمه ای مفصل به چاپ رسید و به همراه CD منتشر شده است
هم‌اکنون نیز در زمینه صحیفه سجّادیه تحقیقات جالب و وافر به انجام رسانیده ام که بزودی به چاپ خواهیم رساند و کتاب «قرآن پژوهان اصفهان» را در حال نشر است و مراحل پایانی «کتاب شناسی وقف» را در حال انجام دارم که به زودی در چهار مجلد چاپ خواهد گشت.

علاوه بر کتاب های فوق‌الذکر، از بین مقالاتی که توسط حقیر به رشته تحریر درآمده، به اختصار به مقالات زیر اشاره می‌نمایم:

- ۱- «بایسته‌های صحیفه سجّادیه»: مقاله‌ایست ۱۶ صفحه‌ای که متضمن پیشنهادات یازده‌گانه‌ای به اندیشمندان و صحیفه پژوهان شیعی جهت احیا و ترویج کتاب مقدّس و دعایی صحیفه مبارکه سجّادیه است.
- ۲- «دعا در نبردهای نامتقارن»: مقاله‌ای ۱۷ صفحه‌ایست که از تعریف دعا و نیاز بشر امروز به آن، نیاز مبارزان به دعا و سنت ائمه علیهم السلام در نبردها و جنگ‌ها را مورد بررسی قرار داده‌ام.
- ۳- «سبک‌شناسی صحیفه مبارکه سجّادیه»: این نوشتار در ۶۴ صفحه، پیرامون سبک و سیاقی است که در لابلای دعا‌های صحیفه سجّادیه به چشم می‌خورد.

شایان ذکر است علاوه بر فعالیت علمی، اینجانب در سال ۱۳۷۷ از سوی زعیم حوزه علمیه اصفهان، حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دام عزه) به سمت مدیر عامل «مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان» منسوب شدم که تا کنون موفق به تولید سی و پنج نرم‌افزار گشته ام که در تمامی آنها، علاوه بر مدیریت پروژه، تحقیقات و پژوهش نرم‌افزار به عهده ام بوده است. از جمله نرم‌افزارهایی که حقیر امر تولید، تحقیق و پژوهش آن را به عهده داشته‌اند، می‌توان به نرم‌افزارهای زیر اشاره نمود:

- ۱- «طنین وحی»: متن، ترجمه و صوت قرآن کریم، یک دوره کامل قرائت قرآن به روش تحقیق، معجم و امکان جستجو در آیات قرآن به روش های مختلف، هفت ترجمه فارسی و انگلیسی (ترجمه های فارسی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، دکتر عبدالمحمد آیتی، آقای محمد مهدی فولادوند و ترجمه منظوم آقای امید مجد و ترجمه های انگلیسی پیکتال، یوسف علی و شاکری)، امکان مقایسه ترجمه ها با یکدیگر، املائی لاتین قرآن
- ۲- «امثال»: ارائه ترجمه و مفاهیم قرآن کریم با ابزار تصاویر ثابت و متحرک با موضوع مثل‌ها و تشبیه‌های قرآن کریم و نمایش تابلوهای نقاشی رنگ و روغن متناسب با موضوع هر یک از امثال قرآن به همراه تفسیر مربوط به آیه و نیز اشعار مرتبط با آن و بیش از ۶۰ دقیقه انیمیشن متناسب با مفهوم آیات.

۳- «دانش‌نامه جامع نهج البلاغه»: حاوی متن کامل نهج البلاغه با تطبیق با یازده نسخه معتبر به همراه ۲۵۰ جلد شرح و ۴۱ عنوان ترجمه، نمایش ۱۶۰۰۰ موضوع متنوع، لغت نامه و توضیح لغات به فارسی و عربی به صورت فعال در متن، نمایش مصادر خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها به صورت فعال در متن، معرفی اعلام و شخصیت‌های نهج البلاغه با زندگی‌نامه هر یک به صورت فعال در متن، لیست آیات قرآن به صورت فعال در متن با امکان تلاوت آیه، امثال نهج البلاغه به صورت فعال در متن با توضیح مفصل برای هر یک، نمایش قدیمی‌ترین نسخه خطی نهج البلاغه به صورت تطبیق یافته با متن، امکان مقابله ترجمه‌ها و شرح‌های نهج البلاغه با یکدیگر

۴- «دانش‌نامه جامع صحیفه سجّادیه»: شامل ۳۷ جلد ترجمه و ۵۲ جلد شرح، متن ۲۵ جلد کتاب پیرامون دعاها و سخنان امام سجّاد (علیه السلام) و نمایش هزاران موضوع متنوع با روش ساختار درختی با قابلیت جستجو، کتابخانه جامعی پیرامون سخنان امام سجّاد علیه السلام شامل ۱۲۰ جلد کتاب و مقاله، کتابشناسی صحیفه سجّادیه، معجم کامل الفاظ صحیفه سجّادیه، آیات و احادیث مرتبط با صحیفه سجّادیه، لیست آیات موجود در صحیفه سجّادیه، لغت نامه صحیفه سجّادیه به صورت فعال در متن

- ۵- «مدینه العلم»: حاوی متن ۳۳۰ کتاب و مقاله پیرامون حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در موضوعات تاریخ زندگانی، تاریخ اسلام، فضائل، سیره و سخنان، امکان مشاهده تمامی فهرستهای کتابها به صورت یکجا،
- ۶- «باب العلم»: شامل متن ۸۸۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت علی علیه السلام با موضوعیت سخنان، سیره، فضائل، تاریخ، ساختار موضوعی جامع پیرامون تمامی اطلاعات و مطالب، معرفی ۱۴۹۰۰ کتاب، مقاله و پایان نامه
- ۷- «ریحانه»: متن ۲۰۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت زهرا (علیها السلام) و ساختار موضوعی پیرامون آن حضرت، شامل نسب، زندگانی، سیره و... .
- ۸- «کریمانه»: شامل متن ۱۵۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون امام حسن (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ و... .
- ۹- «سفینه النجاه»: شامل متن ۷۵۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون امام حسین (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ، مقاتل، شعر، عاشورا و... .
- ۱۰- «شمس الشموس»: شامل متن ۳۲۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون امام رضا (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ، بارگاه ملکوتی و... .
- ۱۱- «موعود»: شامل متن ۶۲۶ جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت مهدی علیه السلام و نیز روایات، احادیث و دعاها منسوب به حضرت مهدی علیه السلام، معرفی ۴۰۰۰ عنوان کتاب، مقاله و پایان نامه
- ۱۲- «به سوی حقیقت»: متن ۶۰۰ جلد کتاب و مقاله برای آشنا ساختن مردم با اسلام ناب و مکتب تشیع و نیز پاسخگویی به اشکالها و شبهه‌های مغرضانه وهابیت.
- ۱۳- «بصائر»: ارائه ترجمه تصویری برخی از آیات شریفه قرآن کریم با استفاده از تصاویر ثابت و متحرک (فیلم و انیمیشن) با موضوع آیات و نعمتهای الهی. به همراه ترجمه، ترتیل و احادیث ائمه اطهار (علیهم السلام) در خصوص آیه شریفه مورد نظر و شرح نکات علمی و شگفتی‌های خلقت پیرامون آیه شریفه مربوطه.
- ۱۴- «مشاهیر»: معرفی بیش از ۲۵۰۰۰ نفر از شهرگان و نامداران ایرانی در زمینه‌های علمی، هنری، سیاسی، صنعتی و... به صورت طبقه‌بندی شده بر اساس حرف الفبا، جنسیت، قرن و تخصص همراه با زندگی‌نامه مختصر و معرفی آثار آنان.
- ۱۵- «فیض تمام»: متن کامل قرآن کریم همراه با ترجمه و تفسیر نمونه، متن کامل نهج البلاغه همراه با ترجمه و شرح کامل ابن میثم، متن کامل صحیفه سجادیه همراه با ترجمه و شرح دیار عاشقان، امکان جستجوی دقیق در متون هر سه کتاب مقدس بصورت یکجا و جداگانه، امکان جستجو در ترجمه‌ها و شرح‌ها، تلاوت کامل متن نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، امکان چاپ و انتقال متن به دفترچه یادداشت، معجم الفاظ به همراه لغتنامه فعال در متون
- ۱۶- «دانش‌نامه جامع وقف»: شامل متن ۱۳۴۲ جلد کتاب و مقاله پیرامون وقف
- علاوه بر نرم‌افزارهای مذکور، نرم‌افزار «امام امام صادق علیه السلام» و نیز «رد بهائیت» در این مرکز با مدیریت و پژوهش اینجانب در دست کار می‌باشد.
- حقیر علاوه بر انجام فعالیت‌های علمی که باعث گردیده به افتخارات متعددی همچون «خادم قرآن استان اصفهان» در سال ۱۳۸۳ و «خادم قرآن کشور» در سال ۱۳۸۴ (با لوح تقدیر به امضاء ریاست جمهور و به دست ایشان)، «خادم نیایش» در سال ۱۳۸۵ (با لوح تقدیر به امضاء آیت الله زنجانی و آیت الله مظاهری و حجت الاسلام خاتمی و استاد گرجی و به دست حجت الاسلام خاتمی) و «خادم نمونه فرهنگ عمومی استان اصفهان» در سال ۱۳۸۶ (با لوح تقدیر به امضاء امام جمعه اصفهان آیت الله طباطبائی نژاد و به دست ایشان) مفتخر گردم، مدیریت برخی از نهادهای علمی و فرهنگی را نیز عهده دار بوده‌ام که از آن جمله می‌توان به مسئول نمایندگی ولی فقیه در مراکز سپاه استان اصفهان از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۷، مسئول موسسه فرهنگی اطلاع رسانی تبیان اصفهان از سال

۱۳۸۱ تا پایان سال ۱۳۸۶، مشاور امور روحانیون استنادار اصفهان از سال ۱۳۸۴ تا پایان ۱۳۸۶ اشاره کرد.

اینجانب هماکنون علاوه بر مدیر عامل مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، مشاور پژوهشی سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه بوده و مدیرموسسه فرهنگی و اطلاع رسانی راسخون می‌باشم که سایت WWW.RASEKHOON.COM یکی از فعالیت های آن موسسه است.

شایان ذکر است حقیر در کنار فعالیتهای علمی، مدیریتی و مسؤولیتهای فوق‌الذکر، به عنوان عضو هیئت علمی در همایش‌های «بزرگداشت فیض الاسلام» سال ۱۳۸۳ و دبیر علمی «بزرگداشت آیت الله العظمی سید ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی» سال ۱۳۸۸، و عضو هیئت مدیره «موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان» و عضو اصلی هیئت مدیره «شرکت چاپ و انتشارات اسوه» می‌باشم و علاوه بر سخنرانی در محافل مذهبی، علمی و همایش های فرهنگی، در برنامه های مختلف رادیو اصفهان به عنوان کارشناس دینی (از جمله در اکثر اعیاد مذهبی و عزاداری ها و تمامی صبح ها قبل و بعد از اذان) به ایراد سخن می پردازم.

واخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

سید احمد سجادی

سجاسی زنجانی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۲۲ ق)، مفسر، اصولی. وی از بزرگان و علمای اعلام زنجان بود. مقدمات را در زنجان فراگرفت. سپس به نجف رفت و در آن حوزه نزد علمای نجف به تکمیل تحصیلات پرداخت. آنگاه به زنجان بازگشت و منصب تدریس و قضاوت را بر عهده گرفت و به تصنیف و تالیف اشتغال ورزید و به انجام وظائف دینی و امامت پرداخت تا از دنیا رفت و در جوار امامزاده سید ابراهیم در زنجان به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «اصول کافی» به روش «شرح ملاصدرا»، در سه مجلد؛ «تفسیر سوره الزمر و الشمس و الرحمن»، در یک مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۶/۶)، الذریعه (۹۶/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۰۳/۱۴)، معجم المؤلفین (۱۰-۹/۴).

سجاوندی غزنوی، محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۶۰ ق)، مفسر، قاری، فقیه حنفی، ریاضیدان و شاعر. وی از دانشمندان و عالمان بزرگ قرن ششم هجری است که با سلطان سنجر سلجوقی معاصر بود و آثار بسیار ارزشمندی در تفسیر و علوم دینی تالیف کرد. وی در سرودن شعر نیز توانا بود، اشعار چندی نیز از وی در تذکره‌ها نقل است. از جمله آثارش: «انسان عین المعانی» در تفسیر و مختصر آن «عین المعانی فی تفسیر السبع المثانی»؛ «ذخایر الثمار فی اخبار السید المختار»؛ «التفسیر»؛ «الایضاح فی الوقف و الابتداء»، در مجلدی بزرگ که دلیل تبحر

سجاوندی در علم قرآن است؛ «علل القراءات»، در چند مجلد؛ «غرائب القرآن»، در تفسیر لغات مشکل آن؛ «السراجیه» «یا فرائض سجاوندیه»، که شرحهای بسیاری بر آن نوشته شده و مشهورترین آنها «شرح سید شریف جرجانی» است؛ «التجنیس»، در حساب و ریاضیات. در منابع مختلف، کنیه و لقب او چون نام و نام پدرش محل اختلاف است و به صورتهای مختلف ابو عبدالله، ابوطاهر، مجدالدین و سراج‌الدین ذکر شده است. [۱]

ابوالفضل محمد بن ابویزید طیفور عزنوی، از دانشمندان علم قرائت در قرن ششم (ف. ۵۶۰ ه. ق.). از آثار معروف وی کتاب وقوف است در شرح مواد وقف در قرآن، کتاب الوقف و الابتداء در شرح انواع وقف، کتاب الموجز در شرح بعض انواع وقف، کتاب انسان عین المعانی در تفسیر سبع المثانی، نسخ همه کتابهای مذکور در دست است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۴۸/۷)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۷۵- ۱۲۷۴ / ۱)، الذریعه (۳۱/۱۶)، ریاض العارفین (۱۷۴)، ریحانه (۴۴۳- ۴۴۲ / ۲)، کشف الظنون (۱۱۸۲، ۸۵۲، ۳۵۳)، الکنی و الالقاب (۳۰۸/۲)، لباب الالباب (۲۸۳- ۲۸۲ / ۱)، لغت نامه (ذیل / سجاوندی و احمد)، معجم المؤلفین (۲۳۳/۱۱، ۱۱۲/۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۷۸/۳)، هدیه الاحباب (۱۴۸)، هدیه العارفین (۱۰۶/۲).

سحرخوان، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد سحرخوان

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد سحرخوان در سال ۱۳۴۱ در خانواده ای مذهبی در کاشان به دنیا آمدم بعد از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی به خاطر جو مذهبی خانواده و شرکت در جلسات مذهبی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه مرحوم آیت الله بشری شدم. دروس مقدمات ج اول و اصول فقه و لمعه را در کاشان نزد اساتید بزرگوار خواندم و در سال ۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۶۰ با خانواده ای محترم از سادات ازدواج کردم که ثمره ازدواج یک پسر و دو دختر می باشد که مشغول تحصیلات حوزوی می باشند همزمان با شروع جنگ در حد توان در جبهه حضور پیدا کردم و بیشترین برنامه تبلیغی اینجانب همکاری با حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه بوده است و مدت یکسال به عنوان مسئول حوزه نمایندگی گچساران مشغول بوده ام از سال ۱۳۷۰ در دوره سوم تخصصی تفسیر شرکت کرده و در سال ۷۴ به پایان رسید و در سال ۷۶ تاکنون با مرکز فرهنگ و معارف قران در گروه دائره المعارف ها به عنوان محقق و دبیر گروه همکاری می کنم و در سال ۸۲ با مرکز تحقیقاتی اسراء همکاری علمی دارم. دروس فقه و اصول را از اساتید بزرگوار آیت الله سید علی محقق داماد، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله تبریزی، آیت الله معرفت و آیت الله سبحانی و آیت الله وحید خراسانی بهره مند شده ام. خداوند انشاء الله به ما توفیق بیشتر عنایت فرماید و اساتید بزرگوار را خیر عنایت فرماید و از ما راضی نگه دارد.

سراقی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی سراقی

محل تولد: نهاوند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

با اتمام تحصیلات دوره راهنمایی در زادگاهم در سال ۱۳۶۴ به هنرستان فنی نهاوند رفتم ولی در سال دوم تصمیم به شرکت در امتحانات حوزه علمیه گرفتم و یک سال در نهاوند به تحصیل پرداخته و سال بعد به عنوان مبتدی در امتحانات ورودی قم شرکت نمودم و توفیق نصیب شد تا در حوزه علمیه قم حضور پیدا کنم. البته سالهای بعد به صورت متفرقه دروس دبیرستانی در رشته ادبیات فارسی را گذراندم و پس از اتمام دروس سطح در امتحانات ورودی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) شرکت نمودم و در رشته علوم قرآنی قبول گردیدم که مدت چهار سال دوران کارشناسی این رشته را طی نمودم. لازم به ذکر است که در این مدت در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی، وحید خراسانی، صالحی مازندرانی و تبریزی شرکت نموده ام.

سراوندی، یاسمینه

قرن: ۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(سراوند از روستاهای همدان)، ۵۰۲ ق، از زنان عالم، فاضل و مفسر. صلاح‌الدین صفدی در عنوان النصر فی اعیان‌العصر، سلوک و علم و دانش او را ستوده و می‌نویسد که زنان را اندرز و موعظه می‌کرد و درس تفسیر می‌داد. سپس به سفر حج رفت و پس از بازگشت انزوا گزید.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: خیرات حسان، ۱۵۱ / ۳؛ عنوان النصر فی اعیان‌العصر.

سعیدی روشن، محمدباقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر سعیدی روشن

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱۲/۱۹

زندگینامه علمی

محمد باقر سعیدی روشن در نوزدهم اسفند ۱۳۴۰ هجری شمسی در یکی از روستاهای استان قزوین بدنیا آمد، ابتدایی را در روستا گذراند. به خاطر علاقه به تحصیل علوم دینی، برخی از دروس مقدماتی عربی و راهنمایی تحصیلی را همزمان در مدرسه علمیه (شیخ الاسلام) شهرستان قزوین که در آن زمان با مدیریت عالم وارسته جناب حجة الاسلام والمسلمین هادی باریک بین از شاگردان امام خمینی (ره) اداره می شد گذراند، در گرماگرم انقلاب اسلامی و هجوم ماموران ساواک شاه به مدرسه که مرکز نشر اندیشه های امام خمینی (ره) در این شهر بود. به حوزه علمیه قم آمد و در دروس مدرسه علمیه (رسالت) با مدیریت جناب حجة الاسلام والمسلمین دشتی شرکت کرد، پس از طی دروس مقدماتی، منطق را در محضر حجة الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری، اصول فقه را در محضر حجة الاسلام والمسلمین موسوی تهرانی، شرح لمعه را در محضر مرحوم آیت الله وجدانی، رسائل را در محضر آیت الله اعتمادی (دام ظلّه) مکاسب را در محضر مرحوم آیت الله پایانی، کفایتین را از حضرت آیت الله فاضل بهره برد و در دروس خارج نیز همزمان از محضر درس آیات عظام؛ مکارم شیرازی، وحید خراسانی و فاضل لنکرانی استفاده برد. همچنین در کنار دروس رسمی حوزه، از سال ۱۳۵۸ در برنامه های آموزشی موسسه (در راه حق) با مدیریت حضرت آیت الله مصباح یزدی (دام عزه) شرکت نمود. در این مرکز به جز استفاده از دروس اصلی تفسیر، معارف، قرآن، منطق و فلسفه از محضر استاد بزرگوار مصباح یزدی، با زبان خارجه، اقتصاد، جامعه شناسی، روان شناسی، حقوق، علوم سیاسی، و برخیدروس جدید دیگر بیشتر آشنایی یافت. در دهه هفتاد هم زمان با تدریس و پژوهش در حوزه، علوم قرآن، تفسیر، کلام و دین پژوهی، دروس عالی دانشگاهی را نیز استمرار بخشید و در سال ۱۳۷۵ کارشناسی ارشد را اخذ و در سال ۱۳۸۱ خورشیدی از رساله دکتری تخصصی در رشته علوم قرآن و حدیث تحت عنوان (تحلیل زبان قرآن و متدولوژی فهم آن) دفاع نمود. برخی از دروسی که در مراکز علمی حوزه ای و دانشگاهی در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری توسط وی ارائه شده به قرار ذیل است: علوم قرآن، تفسیر و معارف قرآن، هرمنوتیک و مبانی تفسیر قرآن، روش تحقیق در علوم قرآن، معجزه شناسی، کلام جدید و قدیم، نهج البلاغه، فقه الحدیث و علم الحدیث، انسان شناس و تاریخ ادیان، زبان قرآن، زبان دین و ... همچنین در خلال این مدت راهنمایی یا مشاوره رساله های متعدد دانشگاهی و حوزوی را به عهده داشته ام.

سعیدی زاده، رسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رسول سعیدی زاده

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۷/۱

زندگینامه علمی

شیخ رسول سعیدی زاده فرزند طاهر از محققان و پژوهشگران مقیم مشهد در غروب آخرین روز خرداد سال ۱۳۴۴ هـ ش مصادف با سالروز تولد خاتم پیغمبران در یکی از محلات قدیمی شهر رشت به نام پلکو (جنب کوچه مهدیه فعلی) متولد گردید. پدر و مادرش هر دو اهل رشت و اجدادش از حومه آنجا بودند. پدر او یک کارگر ساده و مادرش زنی زحمت کش بود، که در میانسالی به خاطر تحمل کار و سختی زیاد از حد زندگی جان بر کف نهاد و دار فانی را وداع گفت. سعیدی زاده متاهل و دارای دو فرزند دختر و پسر و نیز جانباز انقلاب اسلامی می باشد.

او تحصیلات خود را تا سطح دیپلم در زادگاهش خواند و سپس در سال ۱۳۶۲ هـ ش، برای فراگیری دروس حوزوی وارد مدرسه علمیه جامع رشت شد. پس از طی دروس مقدماتی در سال ۱۳۶۶ هـ ش، به مشهد مهاجرت و در آنجا سطح و بعد خارج فقه و اصول را به مدت شش سال متوالی خواند. هم زمان دروس مقدمات حوزوی را در مدرسه آیت الله خوئی تدریس نمود. در کنار درس های حوزه به تحصیلات دانشگاهی تمایل یافت و توانست در سال ۱۳۷۲ هـ ش، در رشته کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه پیام نور مشهد و در سال ۱۳۸۴ هـ ش، در رشته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد فارغ التحصیل شود. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد او «خاندان های معروف سادات با تکیه بر خاندان علمی» است.

از جمله اساتیدی که حق بزرگی در تربیت او دارند می توان به آیات عظام شیخ محمد ازدی لاکانی، سید مجتبی رودباری، سید علی اکبر بنی هاشمی، سید حسن مرتضوی شاهرودی، سید جواد فقیه سیزواری و استاد رضا زاده نام برد. وی مسافرت هایی به کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و عربستان انجام داده که حاصل آن چند سفرنامه مکتوب است.

سعیدی زاده در کنگره های داخلی چندی از جمله مشارکت در شیراز، مسکن در اصفهان، دومین و نیز سومین کنگره دیدگاه های اسلام در پزشکی در مشهد، میراث علمی و معنوی حضرت فاطمه زهرا (س) در مشهد، بزرگداشت علامه سید عبدالحسین شرف الدین در قم، بزرگداشت عالمان فرزانه نهواندی در نهواند همدان و بزرگداشت حکیم متاله سید جلال الدین آشتیانی در مشهد و غیره شرکت نمود.

سلطان القراء تبریزی، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۹۷ ق)، قاری حافظ و عالم. اجداد وی همه قاری و حافظ بودند. وی قرائت عاصم را که متقن ترین قراآت است بواسطه پدرانش از خود عاصم روایت می کرد. از آثارش: «التحفة المحمدیه»، در تجوید قرآن؛ «جواهر القرآن»، به عربی، و کتابی دیگر به همان ترتیب، به فارسی، به نام «حل الجواهر»؛ «خزائن القرآن»؛ «کفایه الحفاظ» که در سال ۱۲۹۷ ق تالیف و طبع شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۷۵-۲۷۴/۵، ۴۶۸/۳)، ریحانه (۶۱/۳).

سلطانعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(حاجی ملا) گنابادی. سلطان محمد بن حیدر محمد بن سلطان محمد بن دوست محمد بن نور محمد بن حاج محمد بن حاج قاسم علی، ملقب سلطانعلی شاه عارف و مؤسس سلسله گنابادی و از فضیله نیمی دوم قر. ۱۳ ربیع الاول قر. ۱۴ ه. (و. بیدخت (گناباد) ۱۲۵۱- ف. ۱۳۲۷ ه. ق.). وی به علت مفقودالاثر شدن پدر از کودکی در دامان مادر و تحت مراقبت برادر بزرگتر خود نشو و نما یافت و از ۶ سالگی به تحصیلات مقدماتی پرداخت و سپس در مشهد به آموختن فقه، تفسیر و حدیث مشغول شد و آنگاه به سبزوار رفت. مدتی در محضر درس حاج ملاهادی سبزواری به تحصیل حکمت پرداخت.

وی چون به دیدار حاج محمد کاظم سعادت علی شاه اصفهانی شیخ سلسله نعمه‌اللهی نایل آمد، ترک علوم رسوم ظاهر کرد و در پی او به اصفهان شتافت و به هدایت وی وارد طریقت شد و از دست او خرقة ارشاد پوشید و پس از مراجعت به «بیدخت» به رهبری و دستگیری خلق پرداخت. سپس از راه باطوم، سفری به مکه رفت. وی با وجود مخالفت ظاهریان، گروه بسیاری را تربیت کرد که از آن جمله‌اند: میرزا محمد صادق نمازی شیرازی ملقب به فیضعلی، حاج محمد جعفر برزکی ملقب به محبوبعلی و حاج شیخ عبدالله حائری مازندرانی. سلسله گنابادی (گنابادی) به دست او تأسیس شده. وی در سن ۷۶ سالگی، هنگام سحر که برای وضو بر لب جوی آب‌سرای خود رفته بود، به تحریک دشمنان به دست چند تن از اشرار هلاک گردید و در تپه مجاور بیدخت به خاک سپرده شد. از تألیفات اوست: بیان السعاده در تفسیر قرآن، مجمع السعادات در شرح اصول کافی، ولایت‌نامه در سیر و سلوک، سعادت‌نامه در مراتب سلوک، تنبیه‌النائمین، بشاره‌المومنین، ایضاح که شرحی است به عربی بر کلمات قصار باباطاهر، توضیح باباطاهر تهذیب المنطق تفتازانی به نام تذهیب‌التهذیب، وجیزه (نحو). سلسله فقری سلطانعلی شاه از این قرار است.

۱- حاج آقا محمد کاظم سعادتعلی شاه.

۲- رحمتعلی شاه.

۳- حاج میرزا زین‌العابدین شیروانی، مستعلی شاه.

۴- حاج محمد جعفر همدانی مجذوبعلی شاه.

۵- حسینعلی شاه اصفهانی.

۶- نورعلی شاه اصفهانی.

۷- معصومعلی شاه (معصومعلی شاه).

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سلطانی رنایی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی سلطانی رنایی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۱/۱۹

زندگینامه علمی

ورود به عرصه علم و تحصیل در مهرماه ۱۳۶۵ هجری شمسی با تحصیلات ابتدایی آغاز گردید. دوره های ابتدایی و راهنمایی و متوسطه را به ترتیب در دبستان پاسداران رهنان، مدرسه راهنمایی شهید دکتر حسن آیت و دبیرستان منیرخانه اصفهان و به مدت ۱۱ سال با کسب رتبه های ممتاز و درجات عالی علمی در سطح استان و حتی کشور پشت سر گذاشتم. تحصیلات دانشگاهی را با پذیرفته شدن در آزمون سراسری سال ۱۳۷۸ هجری شمسی در دانشگاه تهران و در رشته الهیات (علوم قرآن و حدیث) آغاز نمودم. دوره کارشناسی (لیسانس) را در مدت سه سال طی نمودم و در همه ترم ها به عنوان دانشجوی رتبه اول و ممتاز انتخاب شدم. در سال ۱۳۷۹ از طرف کمیته استعدادهای درخشان دانشگاه تهران به عنوان دانشجوی نخبه (استعداد درخشان) انتخاب شده و در بین همه دانشجویان دوره و رشته خویش بالاترین معدل تحصیلی را کسب نمودم. در سال ۱۳۸۲ در آزمون کارشناسی ارشد شرکت کرده و در رشته الهیات، علوم قرآن و حدیث دانشگاه دولتی قم پذیرفته شدم. در این دوره نیز به عنوان دانشجوی نمونه (علمی، پژوهشی) شناخته شدم. تحصیلات حوزوی را نیز به صورت آزاد و داوطلبانه در مدارس علمیه اصفهان و قم آغاز نموده و پشت سر نهادم. ارتباط دائم خویش را نیز با حوزه همیشه حفظ نموده و می نمایم. و با این نهاد معنوی همکاری های علمی و پژوهشی بسیاری داشته و دارم. از جمله عضو انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم، عضو محققین معاونت تبلیغ و پژوهشی های کاربردی حوزه علمیه قم، عضو محققین مرکز جهانی علوم اسلامی و محققین حوزه علمیه اصفهان می باشم. به لطف و مرحمت و توفیقات الهی فعالیت خویش را در عرصه علم و پژوهش ادامه می دهم و در صدد تدریس در دانشگاهها و عضویت هیئت علمی هستم که به زودی انشاء الله محقق خواهد شد. همچنان تدریس خویش را نیز در حوزه های علمیه ادامه می دهم. این جانب در اولین دوره عالی تربیت مدرس تفسیر و علوم قرآن که توسط انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم و با همکاری مرکز تحقیقات قرآن الکریم المهدی (عج) قم و مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی کشور، مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم در سال ۱۳۸۶ برگزار گردید شرکت کرده و دوره را با موفقیت و رتبه ممتاز پشت سر گذاشته و گواهی نامه عالی آن را دریافت نمودم

سلمی نیشابوری، ابوعبدالرحمان

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۲ - ۳۲۵/۳۳۰ ق)، صوفی، محدث، حافظ، مفسر و مورخ. در نیشابور متولد شد و در آنجا به تعلیم و حفظ قرآن و روایت اشعار و تحصیل زبان عربی و سپس به درس حدیث و علم باطن پرداخت. معاصر با القادر بالله خلیفه عباسی بود. به عراق وی و همدان و مرو و حجاز سفر کرد و شاگرد استادانی چون ابوالحسن دارقطنی، ابونصر سراج، ابوالقاسم نصرآبادی و اسماعیل بن نجید بود. وی مرید شیخ ابوالقاسم نصرآبادی و خرقة‌ی ارشاد از دست ایشان دریافت کرد و ابوسعید ابوالخیر بعد از وفات پیر ابوالفضل از سلمی

خرقه گرفته است. وی شاگردانی چون ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، احمد بن علی توزی، ابومحمد جوینی، ابوالقاسم قشیری و ابوعبدالله حاکم نیشابوری داشت. وی در آخر عمر خانقاهی برای صوفیه در نیشابور بنا کرد که محل سکونت صوفیه و از مراکز تربیت کسانی بود که در علم باطن استعداد داشتند. وی کتاب «طبقات الصوفیه» را به زبان تازی تالیف کرد و آن را بر بیان احوال و اقوال پنج طبقه از مشایخ وقف نمود. او در نیشابور در گذشت. از آثار وی: «آداب الصوفیه»؛ «ادب الصبحه»؛ «الاربعین»؛ «امثال القرآن»؛ «تاریخ اهل الصفوه»؛ «الحقایق التفسیر»؛ «زلل الفقراء»؛ «سنن الصوفیه»؛ «طبقات الصوفیه»؛ و در حدود بیست مجلد کتاب و رساله‌ی دیگر. [۱]

محمد بن حسین بن محمد بن موسی ازدی مکنی به ابوعبدالرحمن از متصوفه بزرگ (و. ۳۳۰ ه.ق. / ۹۴۲ م. - ف. ۴۱۲ ه.ق. / ۱۰۲۱ م.). او کتابی به نام «طبقات الصوفیه» تألیف کرده که اصل آن از میان رفته، و خواجه عبدالله انصاری مضامین آن را در هرات به هنگام وعظ املاء کرده و آن به نام «طبقات انصاری» معروفست و در افغانستان به طبع رسیده. از سلمی کتاب دیگری به نام «حقائق التفسیر» در تفسیر قرآن باقی مانده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اسرار التوحید (تعلیقات ۶۶۱-۶۶۰/۲)، الاعلام (۳۳۱-۳۳۰/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۱۳-۹۱۲/۲)، تاریخ بغداد (۲۴۹-۲۴۸/۲)، التفسیر و المفسرون (۳۸۵-۳۸۴/۲)، جستجو در تصوف (۷۱-۷۰)، حلیه الاولیاء (۴۲-۴۱/۱۰)، سیر النبلاء (۲۵۵-۲۴۷/۱۷)، طبقات الصوفیه سلمی (مقدمه)، الکامل (۳۱۱-۳۱۰/۷)، کشف الظنون (۱۱۰۴، ۱۰۰۶، ۹۵۵، ۶۷۳، ۲۸۶، ۱۶۸، ۵۳، ۴۶، ۴۲)، لسان المیزان (۶۳-۶۲/۶)، مجموعه آثار عبدالرحمن سلمی، معجم المؤلفین (۲۵۹-۲۵۸/۹)، نامه‌ی دانشوران (۱۶۴-۷۳/۶)، هدیه العارفین (۶۱/۲).

سمرقندی، ناصرالدین، ابوالقاسم محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۵۶ ق)، فقیه حنفی، مفسر، محدث و واعظ. اهل سمرقند بود. در ۵۴۲ ق به مکه رفت و در بازگشت مدتی در بغداد ماند. در سمرقند از دنیا رفت. از آثار وی: «الجامع الکبیر» یا «جامع الفتاوی»؛ «الفقه النافع»؛ «بلوغ الارب من تحقیق استعارات العرب»؛ «ریاضه الاخلاق»؛ «مصابیح السبل»، در دو مجلد، در فروع فقه حنفی؛ «الملتقط فی الفتاوی الحنفیه» به نام «مال الفتاوی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۳-۲۲/۸)، ایضاح المکنون (۱۶۸/۲)، کشف الظنون (۱۹۲۱، ۱۸۱۳، ۱۶۹۷، ۱۵۸۰، ۷۱۷، ۵۷۱، ۵۶۵)، معجم المؤلفین (۱۳۷/۱۲).

سمعانی مروزی، ابوالمظفر منصور

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۶-۴۸۹ ق)، مفسر، محدث و واعظ. در مرو به دنیا آمد. در ابتدا نزد پدرش، که از پیشگامان مذهب حنفی بود، فقه آموخت تا

این که فقیهی برجسته شد و از ارکان مذهب حنفی به شمار آمد. او از شاگردان ابوغانم کراعی و ابوبکر ترابی و عبدالصمد بن مامون و ابوصالح موزن و ابوعلی شافعی و ابوالقاسم زنجانی بود. پس از سی سال در سفر حج به مذهب شافعی گرایش پیدا کرد و ازین رو پس از مراجعت به وطن مورد طعن و آزار مردم مرو قرار گرفت و کار به کارزار کشید. اما وی بر مذهب شافعی پای فشرد و امام شافعیان گشت و موافق آن مذهب تدریس کرد و فتوی داد و تالیفات بسیاری در فقه شافعی از خود بجای گذاشت. فرزندان او عمر بن محمد سرخسی و ابونصر محمد کاشانی و محمد سنجی و ابونصر غازی و ابوسعید بن بغدادی از شاگردان وی می‌باشند. و از وی روایت کرده‌اند. او در تفسیر، فقیه و اصول و حدیث آثاری دارد که از آن جمله‌اند: «الاصطلام»، که شهرتی عالمگیر داشت؛ «القواطع»، در اصول فقه؛ «الانتصار»، در حدیث، در رد مخالفین؛ «المنهاج اهل / لاهل السنه»، در رد قدریه؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر السمعانی»؛ «الف حدیث عن مائه شیخ»؛ «الرهان»، حاوی هزار مساله از مسائل خلافیه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام: ۲۴۴- ۲۴۳ (۸/ ۲۴۳- ۲۴۴)، ریحانه (۷۶/۳)، سیر النبلاء (۱۱۹- ۱۱۴ / ۱۹)، کشف الظنون (۱۸۷۰، ۱۳۵۷، ۴۴۹، ۲۰۲، ۱۷۳، ۱۵۱، ۱۰۷)، لغت نامه (ذیل / منصور)، معجم المؤلفین (۲۰/۱۳)، هدیه العارفین (۴۷۳/۲)، وفيات الاعیان (۲۱۱/۳).

سمعانی مروزی، قوام‌الدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۶۲- ۵۰۶ ق)، مورخ، حافظ، محدث، فقیه، نسابه و مفسر شافعی. در مرو متولد شد. در چهار سالگی پدرش او را در محضر عبدالغفار شیرویی و عبید قشیری و سهل سبعی حاضر کرد. او به اشاره‌ی پدرش از ابومنصور محمد کراعی و محمد دقاق حدیث شنید. هنوز کودک بود که پدر را از دست داد و عمو و دیگر خویشان کفالت او را بر عهده گرفتند و او را از همان نوجوانی علاقه‌مند به علم و دانش نمودند. در ۵۳۰ ق به نیشابور سفر کرد و برای طلب علم و استماع حدیث به شرق و غرب و شمال و جنوب عالم سفر کرد و با علما و محدثین بسیاری ملاقات نمود. شمار مشایخ او را بالغ بر چهار هزار تن دانسته‌اند که در «سیر النبلاء» و دیگر کتب رجال نام شهرهایی که وی بدان سفر کرده و مشایخ معروفی که ملاقات کرده، آمده است. از وی تصانیف نیکوی بسیاری بجای ماند که از آن جمله‌اند: «تذیل تاریخ بغداد»، در پانزده مجلد؛ «تاریخ مرو» یا «تاریخ المرازه»، متجاوز از بیست مجلد؛ «الانساب» حدود هشت مجلد؛ «طراز الذهب فی ادب الطلب»؛ «معجم البلدان»؛ «الاسفار عن الاسفار»؛ «الاملاء و الاستملاء»؛ «التذکره و التبصره»؛ «الدعوات»؛ «سلوه الاحباب و رحمه الاصحاب»؛ «التحیر فی المعجم الکبیر»؛ «الامالی»؛ «وفیات المتأخرین» یا «تاریخ الوفاء، للمتأخرین من الرواه»؛ «الادب و استعمال الحسب»؛ «المناسک»؛ «فضل یس»؛ «الرسائل و الوسائل»؛ «تبین معادن المعانی»، در لطائف قرآن کریم. [۱]

(ع. منسوب به سمعان، بطنی از تمیم) ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی مروزی شافعی فقیه و مورخ و حافظ حدیث (و. ۵۶۲ ه.ق. / ۱۱۱۳ م. - ف. ۵۶۲ ه.ق. / ۱۱۶۷ م.). وی به شهرهای دور سفر و با علما و محدثان ملاقات کرد و از آنان علم آموخت و گروهی نیز از او کسب علم کردند. از اوست: کتاب الانساب، کتاب تذیل تاریخ بغداد، تاریخ مرو، فضائل الصحابه معجم المشایخ، تاریخ الاوفاء للمتأخرین من الرواه الامالی، التحیر فی المعجم الکبیر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۷۹/۴)، ایضاح المکنون (۳۰/۲)، ذیل تاریخ بغداد (۱۶ / مقدمه)، روضات الجنات (۹۶- ۹۵ / ۵)،

ریحانه (۷/۳)، سیر النبلاء (۴۶۵-۴۵۶/۲۰)، کشف الظنون (۱۷۳۷، ۱۷۳۵، ۱۱۲۳، ۱۱۰۸، ۹۹۹، ۹۹۸، ۹۰۲، ۷۵۶، ۷۲۹، ۳۷۴، ۳۷۰، ۳۰۳، ۲۸۸، ۱۷۹، ۱۶۹، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۳۱، ۸۶، ۴۹، ۳۵)، الکنی و الالقاب (۳۲۲/۲)، لغت نامه (ذیل / ابوسعبد)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۷۳-۱۷۲/۱۹)، معجم المؤلفین (۵-۴/۶)، و فیات الاعیان (۳۷۹-۳۷۸/۱)، هدیه العارفین (۶۰۹-۶۰۸/۱).

سورآبادی، ابوبکر عتیق

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۹۴ ق)، مفسر. از معاصران البارسلان و پسرش ملک‌شاه سلجوقی است. در پاره‌ای نسخ صاحب عنوان به نیشابور منتسب شده است و به جای سورآبادی، سوربانی / سوریانی ذکر شده است. از آثار وی تفسیری بر «قرآن کریم» به فارسی است، که آن را در دهه‌ی ۴۷۰ ق به تالیف درآورده است. این تفسیر تحت نامهای «تفسیر ابی بکر عتیق» و «تفسیر سورآبادی» نیز آمده است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۹۰۲/۲)، تاریخ گزیده (۶۹۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۷)، سرآمدان فرهنگ (۹۶-۹۵/۱)، قصص قرآن مجید بر گرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری (مقدمه)، کشف الظنون (۴۴۹، ۴۴۰)، هدیه العارفین (۶۵۱/۱).

سهل تستری، ابومحمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۸۳/۲۸۲/۲۷۳-۲۰۳/۲۰۰ ق)، مفسر و صوفی. در شهر تستر «شوشتر» به دنیا آمد. وی از قران جنید و از مردان ذوالنون مصری بود و جامع علوم شریعت و طریقت و حقیقت. سهل نه فقط صوفی زاهد بلکه در عین حال سنی، از هواخواهان طریقه اهل حدیث و از مخالفان معتزله به شمار می‌رود، عقاید وی در مباحث مربوط به کلام و نقد اقوال معتزله به وسیله‌ی شاگرد وی ابن سالم بصری شرح و تقریر شده است. سهل حدیث و فقه را از دایی و استاد خویش محمد بن سوار، شاگرد مکتب سفیان ثوری آموخت و در تصوف به مالک بن دینار و معروف بن علی منسوب در مکه نیز یک چند به صحبت ذوالنون مصری رسید و چندی هم در عبادان به عزلت و خلوت اشتغال جست و سرانجام در بصره در حال نفی و تبعید وفات یافت. سهل بنیان‌گذار فرقه سهلیه صوفیه است که بنای آن بر اجتهاد و مجاهده‌ی نفس است. از آثار وی: «رقائق المحبین»، «مواعظ العارفین»، «جوابات اهل الیقین»، «تفسیر القرآن العظیم»، «قصص الانبیاء»، «الغایه لاهل النهایه».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱۰/۳)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۸۹-۱۸۶/ ۲۹۰-۲۸۱)، تاریخ گزیده (۶۴۵)، تذکره الاولیاء (۲۶۸-۲۵۱/۱)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیری (۶۵۳-۴۱-۳۹)، التفسیر و المفسرون (۳۸۳-۳۸۰/۲)، جستجو در تصوف (۱۳۵-۱۳۳)، حلیه الاولیا (۲۱۲-۱۸۹/۱۰)، دایرةالمعارف فارسی (۶۴۱-۶۴۰/۱)، روضات الجنات (۹۳-۹۱/۴)، ریحانه (۲۶۱/۳)، سیر النبلاء (۳۳۳-۳۳۰/۱۳)، شرح شطیحات (۲۱۳-۲۰۶-۳۸)، صفوه الصفوه (۲۷۹-۲۷۸/۴)، طبقات الصوفیه سلمی (۲۱۱-۲۰۶)، طرائق الحقائق (۶۱۹، ۶۰۶، ۴۲۵، ۴۵۰، ۴۷۷، ۴۸۸، ۴۹۲، ۵۰۶، ۶۱۹)، فهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۴۷)، کشف الظنون

(۱۳۲۸، ۱۱۹۳)، کشف المحجوب (۱۷۶-۱۷۵)، لغت نامه (ذیل / سهل)، معجم البلدان (۳۶/۲)، معجم المؤلفین (۲۸۴/۴)، نحفات الانس (۶۷-۶۶)، الوافی بالوفیات (۱۶۱۷/۱۶)، وفیات الاعیان (۴۳۰-۴۲۹/۲).

سیبویه ثانی، برهان‌الدین ابراهیم

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۲۰-۹۱۷ ق)، نحوی و ادیب، عارف، شاعر و مفسر. از عارفان و نام‌آوران عرفان و مشاهیر سلسله‌ی نقشبندیه است. که در نحو و ادبیات عرب و متون شعری یگانه‌ی روزگار خود بود. در حین مسافرت به مکه به دست خوارج کشته شد. از آثار وی: «انبیاء نامه»؛ «التائیه»، در نحو معروف است به «نهایه البهجه»، که آن را شرح کرده به نام «معیار الادب فی شرح نهایه البهجه»؛ «تائیه» در نظم «ایساغوجی» اثرالدین ابهری به نام «موزون المیزان»؛ «تفسیر قرآن» از اول تا سوره‌ی یوسف. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۲۸-۱۲۷/۲)، ایضاح المکنون (۵۱۵/۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۶)، الذریعه (۵۰۶/۹، ۲۰۲-۲۰۱-۳)، ریحانه (۱۱۱-۱۱۰/۳)، فرهنگ سخنوران (۱۷)، کشف الظنون (۱۹۰۱، ۲۶۷)، معجم المؤلفین (۳۸/۱)، یغما (س ۶، ص ۱۵۴-۱۵۲).

سید کریمی، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عباس سید کریمی

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عباس سید کریمی مشهور به حسینی فرزند سید افضل در سال ۱۳۳۸ شمسی در خرم‌دشت (نهادند) از توابع قزوین دیده به جهان گشودم. بعد از پایان رساندن مقطع ابتدایی در زادگاه خود در سال ۱۳۵۰ شمسی برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه قم وارد شدم. مقطع سطح و دروس فقه و اصول را در مدت بیست سال با جدیت کامل به پایان بردم. در کنار فقه و اصول به مدت شش سال از فلسفه و کلام نیز بهرمنند شدم. علاوه بر دروس متداول حوزوی از اساتید اخلاق گوناگون به ویژه عارف وارسته حضرت آیت الله بهاء الدین- قدس سره- سالیانی چند بهرمنند شدم همزمان با تحصیل توفیق تدریس دروس حوزوی به طور پیوسته نصیب اینجانب گردید که این توفیق به مدت سی سال است ادامه دارد.

در حال حاضر در حوزه علمیه قم مشغول به تدریس فقه در سطوح عالی هستم و نیز از اساتید تفسیر در مرکز تخصصی تفسیر می

باشم. حاصل تدریس سالیان دراز وجود شاگرد فاضل در مراکز مختلف حوزه علمیه قم و غیر آن می باشد. علاوه بر تدریس در حوزه توفیق تدریس فقه در دانشکده شهید محلاتی به مدت هشت سال را داشته ام. بعد از گرفتن توشه سهل از علوم رائج حوزوی علاقه به قرآن موجب شد که به تفسیر قرآن رو بیاورم. از این رو در کنار تدریس فقه به فعالیت‌های قرآنی اعم از مطالعه کتب تفسیری و تدریس و تألیف آن روی آوردم که حاصل آن کتابهای تفسیر و غیر آن است.

سیدی نیا، اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید اکبر سیدی نیا

محل تولد: سلماس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۶/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۳ در شهرستان سلماس در خانواده مذهبی متولد شدم و تا تحصیلات دوره متوسطه در رشته ریاضی فیزیک در این شهرستان مشغول به تحصیل بودم. در مهر سال ۱۳۷۰ به منظور کسب معارف عالی اسلامی وارد حوزه علمیه تبریز مدرسه ولیعصر (عج) شده و تا سال ۱۳۷۴ با پایان سطح یک حوزه علمیه وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۷۸ مدرک سطح دو حوزه علمیه را دریافت کردم. سال ۱۳۷۷ در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات اسلامی، دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و تفسیر را گذرانده و سال ۱۳۷۸ در رشته جامعه شناسی وارد دانشگاه باقرالعلوم (ع) شدم. از سال ۱۳۸۳ نیز عهده‌دار وظیفه دبیر تحریریه و مدیر اجرایی مجله علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی شده و در کنار تحصیلات به تألیف مقالات و پژوهش‌ها در زمینه جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم قرآن و تفسیر و کلام شدم و مقالاتی از اینجانب در مجلات علمی پژوهشی، همایش‌ها و مجلات تخصصی به چاپ رسیده است. همچنین از سال ۱۳۷۷ در دروس خارج حوزه علمیه شرکت داشته و از محضر حضرات آیات عظام جوادی آملی (دام عزه)، مرحوم صالحی مازندرانی (ره)، فاضل گلپایگانی و عابدی اصفهانی فیض برده‌ام. در کنار دروس خارج از درس پر برکت تفسیر علامه آیت‌الله جوادی آملی (دام عزه) بهره بردم

سیفی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر سیفی

محل تولد : بابلسر

شهرت : سیفی مازندرانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ برای شروع تحصیل به حوزه خاتم الانبیاء بابل رفته و پس از یک سال به حوزه علمیه قم مشرف شدند. ایشان با پشتکار و جدیت فراوان دروس مقدماتی و سطح را در طول سه سال به پایان رسانده و با اینکه درگیر مسائل سیاسی کشور بودند هیچگاه از تعلیم و تعلم علوم حوزوی غفلت نورزیده و با جدیت و پشتکار بسیار زیاد دروس خارج حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی را به نوشته عربی تقریر فرموده و به نظر معظم له می رساندند و ایشان نیز پس از ملاحظه تقریرات، تشویق و ترغیب فراوانی می نمودند. از سال ۱۳۵۵ تا پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر راهپیمایی هایی که علیه رژیم پهلوی، در برخی از شهرهای استان مازنداران برگزار می شد به رهبری و یا پشتیبانی ایشان بود تا جائیکه، نام ایشان در لیست ساواک و اداره امنیت ملی استان بعنوان اخلاکگر و مخرب، ثبت شده و همیشه تحت پیگرد بودند و حتی چندین مرتبه هم مورد حمله مسلحانه نیروهای ساواک قرار گرفتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مانند قبل با جدیت فراوان، دروس آیت الله گلپایگانی را به عربی تقریر و هر از چند گاهی جزوات و تقریرات خود را به معظم له ارائه و مورد تشویق و ترغیب ایشان، قرار می گرفتند. در همان زمان توفیق تدریس لمعه، مکاسب و رسائل و فلسفه را نیز داشتند.

پس از آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال در جبهه های حق علیه باطل داشتند و موفق به تدریس یک دوره کلام و معارف اسلامی در جبهه شدند که مورد استقبال سرداران و فرماندهان سپاه قرار گرفت. ایشان با توجه به اینکه مسئول تبلیغات لشکر ۲۵ کربلای مازنداران بودند ولی همواره، در طول جنگ نیز، دروس فقه و اصول را رها ننموده و جزء اصلی کارهای خود را اختصاص به پرداختن عمیق به این علوم می دادند. در سال ۱۳۶۰ افتخار جانبازی از ناحیه چشم را داشته و هم اکنون یک چشم ایشان، بیناست. پس از چنگ تحمیلی نیز، در دروس خارج آیت الله اراکی و پس از آن در جلسات خصوصی فقه آیت الله تبریزی و سید محمود شاهرودی حاضر شده و خود نیز به تدریس خارج کفایه به زبان عربی مشغول بودند. از سال ۱۳۷۲ در مدرسه فیضیه و گلپایگانی تدریس خارج فقه و اصول را آغاز کرده و تالیفات خود را که از مجموعه دروس و تحقیقاتشان بود، به مرحله چاپ رسانیدند که انتشارات جامعه مدرسین و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) به چاپ آنها اقدام نموده و می نمایند. هم اکنون، ایشان یکی از مدرسین دورس عالی حوزه علمیه قم بوده و شاگردانشان نیز اغلب از محققان و مدرسان دروس سطح می باشند.

شالباف، شوقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شوقی شالباف

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب در دوران جنگ دفاع مقدس در دانشگاه بغداد، رشته ادبیات عربی تحصیل می کردم و به علت فشار بعثیان به شیعه و مومنان بنده به ایران اسلامی مهاجرت کردم (به خاطر اصلیه ایرانی). و بعد از مشرف شدن در جبهه حق علیه باطل و انتها عملیات جنگ در سال ۱۳۶۹ش به حوزه علمیه قم ملحق شدم و تا کنون ادامه تحصیل دادم. از سال ۱۳۷۰ش در زمینه تحقیق و مطالعات و بررسی آثار و کتابهای مذهبی، اجتماعی و فرهنگی مشغول بودم در مراکز تحقیقاتی مختلف از جمله موسسه انتشارات جامعه مدرسین، دارالعلوم القرآن، و در سال ۱۳۷۵ با مرکز تحقیقات مجمع تقریب مذاهب اسلامی - قم تاکنون همکاری دارم. در سال ۱۳۸۰ تاکنون به دفتر تبلیغات اسلامی ملحق شدم و در واحد فقه و حقوق و تصحیح متون و ویرایش مشغولیم. ده ها مقالات علمی، فقهی، اصولی، مذهبی و فرهنگی در مجلات مختلف منتشر شد و کتابهای عربی که تحقیق بنده است نیز منتشر شد. تاکنون به عنوان سر ویراستار و کارشناس پژوهش مرکز مطالعات و تحقیقات علمی مجمع تقریب مذاهب مشغولیم و تالیف کتاب در زمینه جهانی سازی که دو جلد خواهد شد مشغولیم.

شاه بیگ، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین شاه بیگ

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

همزمان با دروس کلاسیک دوره دبیرستان، دروس حوزوی را در مدرسه علمیه اشتهارد آغاز نمودم و با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۰ در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و تحت برنامه های درسی آن مدرسه قرار گرفتم. همزمان از دروس آزاد حوزه نیز بهره می جستم و از محضر حضرات: مدرس افغانی، طالقانی، حسین بوشهری، نظری، وجدانی فخر، اشتهاردی، اعتمادی، صالحی مازندرانی و ستوده دروس سطح حوزه را تلمذ نمودم.

از سال ۱۳۶۷ درس خارج فقه را نزد حضرت آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی آغاز و سپس از دروس فقه آیات عظام تبریزی و جوادی آملی بهره مند گردیدم. یک دوره خارج اصول حضرت آیت الله تبریزی را طی ۱۱ سال به اتمام رسانده و از سال ۱۳۷۵

مجدداً دور دوم خارج اصول را در محضر حضرت آیت الله وحید خراسانی تا کنون تلمذ می‌نمایم. در کنار اشتغال به دروس اصلی حوزه، به مدت ۱۰ سال در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کردم و در بخش فلسفه، منظومه مرحوم سبزواری را نزد حضرت آیت الله انصاری شیرازی و اسفار را نزد حضرت آیت الله حسن زاده آملی و مباحث عرفان علمی را نزد حضرت آیت الله ممدوحی سپری نمودم.

اما در بعد تعلیم علوم اسلامی، علاوه بر تدریس دروس سطح در حوزه علمیه قم، از طرف مدیریت حوزه علمیه قم به مدت دو سالی دروس سطح را در مدرسه علمیه امیرالمؤمنین تدریس نموده و همچنین مباحث فلسفه (بدایه)، مبانی حقوق بشر اسلامی و مباحث کلامی را نیز در مرکز آموزش مبلغان خارج کشور با فضلاء غیر ایرانی داشته‌ام.

امّا در بعد تحصیلات کلاسیک پس از پایان دوره کارشناسی حقوق قضایی از دانشگاه تهران، دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی را نیز در این دانشگاه به اتمام رسانده و رساله‌ای تحت عنوان مقایسه تطبیقی آزادی عقیده از حقوق اسلام و ایران با اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تالیف و تحقیق نمودم. در کنار تألیف برخی از موضوعات علوم اسلامی که هنوز موفق به چاپ آنها نشده‌ام، در تألیف ۷۰ عنوان جزوه‌های آموزشی برای مبلغان اعزامی به خارج از کشور مشارکت داشته و در قالب گروه علمی بخش پژوهش‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در تحقیق و تألیف موضوعات مختلف شرکت داشتم و همزمان به عنوان استاد راهنما و یا مشاور در تحقیق بیش از ۳۰ پایان‌نامه فارغ‌التحصیلان مرکز آموزش تخصصی مبلغان خارج از کشور مشارکت نمودم. در ضمن، دوره‌های مختلف زبان عمومی انگلیسی و دوره عالی زبان انگلیسی را نیز در مرکز مربوطه گذرانده‌ام.

شاه‌رودی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۹۳ ق)، فقیه، مفسر، عالم و زاهد. در اصفهان به تحصیل اشتغال ورزید و فلسفه کلام را در آنجا فراگرفت. پس از آن برای ادامه‌ی تحصیلات به عتبات رفت و در بحث صاحب «ضوابط» حاضر گشت. او نه تنها در فقه و اصول بلکه در فلسفه و حکمت و کلام و حدیث و عرفان نیز متبحر بود و بیشتر ایام زندگی خویش را به تکمیل نفس و ریاضت گذراند. از وی در حدود پنجاه اثر در فقه و اصول و حدیث و کلام و دعا و زیارت به جای مانده است که از آن جمله: «نور الانوار» که تفسیری فارسی است؛ «لمعات الانوار»؛ کتاب «القضاء»؛ کتاب «الرد علی الاخباریه»؛ کتابی بزرگ در «دعاء»؛ «عصاره الفقاهه فی المهمات الفقهیه»؛ «البوارق الحیدریه فی احوال الائمة»؛ شرح رساله‌ی «السير و السلوک» محقق طوسی. [۱]

والد عالیقدر آن مرحوم علامه محقق جامع المعقول والمنقول آیت‌الله ملا محمدعلی قدس سره معاصر شیخ انصاری بود.

این عالم جلیل ابتداء در اصفهان به تحصیل اشتغال داشت و فلسفه و کلام را در آنجا فراگرفت و پس از آن برای ادامه تحصیلات به عتبات عالیات مشرف شد و در بحث صاحب ضوابط حاضر گشت.

معظم له نه تنها در فقه و اصول متبحر بود بلکه در فلسفه و حکمت و کلام و حدیث و عرفان اطلاعات وسیعی داشت که تألیفات ایشان در هر یک از این علوم از مایه علمی این علامه بزرگوار حکایت دارد.

در دعاء و زیارت نیز تألیفات نفیسی دارد.

و نظر به ارادت کم‌نظیری که به ساحت مقدس مولا- امیرالمؤمنین (ع) و زیارت آن حضرت داشت غالب از ایام عمر خود را در

نجف اشرف می‌گذرانید و به عبادت و ریاضت و تکمیل نفس مشغول بود ادب و احتراماتی را که نسبت به آن حضرت انجام می‌داد از کمتر کسی مشهود شده است.

او مدتها در جوار مولایش زندگی کرد تا به استدعاء اهالی شاهرود و اصرار مراجع بزرگ مانند مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج میرزا حسن شیرازی قدس سره به شاهرود مراجعت نمود.

ولی با قلبی سوزان و چشمی گریان از مفارقت مولایش و پس از ورود به شاهرود زندگی او به پایان رسید و بعد از چهل روز در سال ۱۲۹۳ قمری درگذشت.

از این بزرگوار سه فرزند برومند باقی ماند که هر یک به نوبه خود ستاره درخشانی در علم و عمل بودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] اعیان الشیعه (۴۲۷/۹)، الذریعه (۳۵۹/۲۴، ۳۴۴/۱۸، ۱۳۷/۱۷، ۲۷۱/۱۵، ۱۸۳/۱۰، ۱۵۳/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۶/۵).

شب زنده دار، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی شب‌زنده‌دار

محل تولد: داراب فارس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام والمسلمین مهدی شب‌زنده‌دار در سال ۱۳۳۲ در داراب متولد شد؛ البته او بزرگ شده شهر قم است و پدرش که در کسوت مقدس روحانیت بود، در تابستان به همراه خانواده به داراب سفر کرده بود که فرزندش در همان جا متولد شد. حجة الاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار تحصیلات دوره دبستان را به پایان رساند و یک سال نیز به دبیرستان رفت. پس از آن وارد حوزه علمیه قم شد. او که قسمتی از دروس مقدمات و دوره سطح را نزد پدر خود آیه‌الله شیخ حسین شب‌زنده‌دار خوانده بود، مغنی را نزد آیه‌الله جنتی، رسائل را نزد حضرات آیات مصلحی، طاهری و مؤمن آموخت و برای فراگیری مکاسب به نزد حضرات آیات شب‌زنده‌دار، مؤمن، مشکینی و ستوده رفت. استادان او در کفایه حضرات آیات مؤمن و سبحانی بودند. حجة الاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار کشف المراد را نزد آیه‌الله حسینی کاشانی، بخشی از شرح منظومه را نزد حضرات آیات مؤمن، مفتاح و صالحی مازندرانی و بخش‌هایی از اسفار را نزد آیه‌الله سید رضا صدر، آیه‌الله امینی و آیه‌الله انصاری شیرازی فرا گرفت. قسمتی از شفا را نزد آیه‌الله جوادی آملی و بخشی از اشارات را نزد آیه‌الله حسن زاده آملی آموخت. حجة الاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج آیات عظام شیخ کاظم تبریزی، شیخ مرتضی حائری، وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی رفت و از محضر آنان بهره‌های بسیار برد. حجة الاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار سالها به تدریس دروس دوره سطح پرداخته و شرحی نیز بر قسمتی از تحریر الوسیله نگاشته است. او مدیر مؤسسه و مدرسه بقیة‌الله (عج) است. حجة الاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار هم اکنون در

قم حضور دارد و به تربیت طلاب می‌پردازد و علاوه بر عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نمایندگی شورای عالی در هیأت امنای مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان مدارس خارج از کشور و نیز عضویت در مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان را به عهده دارد.

شرعی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی شرعی

محل تولد: داراب فارس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیة‌الله حاج شیخ محمد علی شرعی در اسفند ماه ۱۳۱۴ خورشیدی در داراب فارس دیده به جهان گشود. خانواده ایشان بخاطر تقوی و عشق و علاقه به اهل بیت (علیهم السلام) از محبوبیت خاصی در میان اهالی داراب برخوردار بود. پدرش مرحوم آیة‌الله حاج شیخ غلامحسین شرعی شیرازی که از علمای بزرگ و مبارز آن نواحی محسوب می‌شد تحصیلات خود را در نجف ادامه داده بود و پس از بازگشت به ایران ابتدا در داراب و بعد از چندی در قم ساکن گردید. مرحوم آیة‌الله حاج شیخ غلامحسین در قم نیز از اهتمام به تحصیل باز نماند و از محضر اساتیدی همچون آیات عظام مرحوم خوانساری، مرحوم صدر و مرحوم بروجردی بهره فراوان برد و تا پایان عمر به تدریس علوم حوزوی اشتغال داشت. عشق و علاقه این بزرگمرد به اهل البیت (علیهم السلام) بویژه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) زبانزد خاص و عام بود و در مصائب آن حضرت بسیار بی‌تابی می‌نمود بگونه‌ای که صفحات جلد دهم کتاب بحارالانوار که در باره حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است با قطرات اشک ایشان در آمیخته است.

از وی چند مرثیه و منقبت به زبان فارسی و عربی بر جای مانده است. حضرت آیة‌الله حاج شیخ محمدعلی شرعی در دامان چنین پدری پرورش یافت و در نخستین ماههای زندگی به همراه پدر در زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری و همزمان با فشار و اختناق حکومت رضاخان از داراب به قم آمدند. آیة‌الله حاج شیخ محمدعلی شرعی در پنج سالگی شروع به آموختن قرآن نمود و پس از آن گلستان سعدی و بخشی از کلیله و دمنه را نزد مرحوم حاج شیخ علی انصاری «دشتی» فرا گرفت سپس شرح امثله و صرف میر را نزد مرحوم حجة‌الاسلام والمسلمین آقا سید محمود یثربی آموخت.

با تشویق و ترغیب پدر دانشور خود تمام نصاب الصبیان و تهذیب المنطق را حفظ نمود و عموم مطالب صمدیه و الفیه را نیز به خاطر سپرد سپس سیوطی را نزد حاج شیخ احمد زرنندی و حاج شیخ حسین مؤمن شیرازی فرا گرفت و بخشی از معنی را نزد آقای ربانی خراسانی که از شاگردان میرز مرحوم ادیب نیشابوری بود و معانی و بیان را از حاج شیخ رحمه‌الله فشارکی آموخت. علاقه به ادبیات بویژه درک دقیق و درست از شعر و کاربرد آن در نشر مفاهیم مذهبی و اخلاقی موجب گرایش و بزرگداشت وی از هنر منظوم متعهد گردید و در این رویکرد که تا هم اکنون باقی است باید تأثیر قریحه ادبی و علاقه و توجه پدر وی - مرحوم آیة‌الله

حاج شیخ غلامحسین شرعی - را به شعر و فنون ادبی موثر دانست و لذا در تابستان برخی از سالها که به مشهد مقدس می‌رفت و از محضر علمی و ادبی زنده یاد مرحوم ادیب نیشابوری بهره می‌برد. آیه‌الله حاج شیخ محمدعلی شرعی شرح لمعه را نزد آیه‌الله ستوده و آیه‌الله شب زنده‌دار و بخشی از آن را نزد پدر خود فرا گرفت و وی چندی نیز آداب و فنون مناظره را به شیوه متکلمان در معیت آیه‌الله طاهری خرم آبادی و حجة‌الاسلام شهید حق دان و حجة‌الاسلام مرعشی از محضر آیه‌الله شب زنده‌دار آموخت و پس از فراگیری شرح تجرید از آیه‌الله شیخ ابوالحسن شیرازی، از درس آیه‌الله تقدیری برای آموختن شرح منظومه استفاده نمود.

سپس قسمتی از رسائل و مکاسب را از محضر آیه‌الله مشکینی و بخشی از کفایه را نزد آیه‌الله منتظری و بیشتر آن را از آیه‌الله سلطانی و آیه‌الله حرم پناهی آموخت. با اتمام این دوره در درس خارج حضرت امام خمینی (قدس سره) حضور یافت و مسائل مستحدثه را از محضر ایشان فرا گرفت و همزمان در درس آیات عظام گلپایگانی و شریعتمداری و حاج شیخ کاظم فارابی شرکت می‌نمود. ایشان در طی سالهای تحصیلی خود با بسیاری از شخصیت‌های علمی و سیاسی مراد و دوستی داشتند که از آن جمله می‌توان به حضرات آیات احمدی میانجی، سیدمهدی روحانی، راستی کاشانی، مظاهری اصفهانی، عندلیب شیرازی، شیخ حسین امراللهی و مرحوم آیه‌الله صدرالدین حائری شیرازی و برادر ایشان آیه‌الله محی‌الدین و نیز آیه‌الله مجدالدین محلاتی اشاره کرد.

دامنه ارتباطات مردمی آیه‌الله شرعی تا اقصی نقاط کشور گسترده است. ایشان با بسیاری از تجار متدین، کارمندان شریف و جوانان فعال و حق طلب از هر قشر و طبقه‌ای ارتباط فکری و عقیدتی داشت که غالباً به صمیمیت وی و ارادت آنها منتهی می‌گردید. در این راه و روش به عنوان عالمی روحانی و مبارزی پرتلاش علیه نظام منحوس پهلوی با عده کثیری از علمای بزرگ شهرستانها ارتباط و آشنایی پیدا نمود همچنان که رشته مودت میان وی و عموم دوستان پدرش - مرحوم آیه‌الله حاج شیخ غلامحسین شرعی - برقرار ماند که از آن جمله می‌توان به دوستی و مراد و وی با آیه‌الله حاج شیخ محمدرضا کاظمی در کرمانشاه و آیه‌الله سیداسماعیل هاشمی در اصفهان اشاره نمود.

حضرت آیه‌الله حاج شیخ محمدعلی شرعی از معدود دانشوران حوزوی است که عمر با برکت وی در نشر و گسترش معارف خاندان عصمت و طهارت: و ارائه خدمات گوناگون فرهنگی، علمی، سیاسی و اجتماعی و تربیتی سپری شده است که در این قسمت به برخی از تلاشهای علمی و فرهنگی این روحانی خستگی‌ناپذیر اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت. وی تدریس علوم حوزوی را از اولین سالهای طلبگی خود آغاز نمود و در این راه از تدریس هیچ درسی استنکاف نورزید. سیوطی، مغنی، حاشیه ملاعبده، لمعه، معالم الاصول و اصول مظفر... را به شیوه علمای سلف صالح تدریس نمود و برای تربیت شاگردان و طلبه‌های فاضل، مبارز، با اخلاق از انجام هیچ تلاشی رویگردان نبود. وی به خوبی می‌دانست که نیروی انسانی در هر جامعه‌ای برترین و مهمترین سرمایه ارتقا و اعتلای آن است بنابراین تمام تلاش خویش را برای فراهم نمودن شرایط مساعد تربیت بکار گرفت و پس از بازسازی مدرسه رضویه با پیشنهاد شهید آیه‌الله قدوسی به اداره آن همت گماشت تا گوشه‌ای از نابسامانی‌های آموزشی و درسی طلاب را سامان دهد. از جمله فعالیت‌های ایشان در مدرسه رضویه افزون بر ارائه یک سیستم منظم آموزشی، برگزاری سلسله جلسات علمی و اعتقادی بود. آیه‌الله شرعی پس از آشنایی با مرحوم شهید مطهری در زندان ساواک به همراه تنی چند از فضلاء حوزه توانست مقدمات حضور و تدریس ایشان را در قم و در مدرسه رضویه فراهم آورد.

سلسله دروس اعتقادی و فلسفی شهید مطهری دو روز در هفته برگزار می‌گردید. این درسها که با استقبال کم نظیر طلاب قم مواجه می‌شد پاورقی‌های جلد چهارم و پنجم کتاب «روش رئالیسم» را تشکیل می‌دهد. آیه‌الله شرعی با توجه به لزوم ایجاد تشکیلات منسجم در حوزه‌های علمیه برای ارتقای وضعیت علمی و آموزشی طلاب و فراهم نمودن زمینه‌های لازم در مبارزه با رژیم طاغوت، مدیریت مدرسه رضویه را بر عهده گرفت و سالهای متمادی در آنجا به کار و تلاش پرداخت. در آن ایام جریانهای انحرافی وابسته به سیاستهای فرهنگی غرب و وهابیت قصد داشت با نفوذ به حوزه‌های علمیه اذهان طلاب جوان را منحرف سازد تا بتواند از آنها در

مقاصد گوناگون استفاده نماید.

این جریانها توسط برخی روحانی نمایان در مدرسه رضویه رخنه کرده بود. آیه‌الله شرعی با هوشیاری و اشراف کامل، به مبارزه غیر علنی با آنها پرداخت و با برپایی جلسات مناظره از فضایی همچون آیه‌الله مصباح یزدی و حجج اسلام حاج شیخ محمدرضا آشتیانی و حاج شیخ جعفر امامی استفاده نمود تا شبهات ایجاد شده را پاسخ گویند. این جلسات به قدری مفید و جذاب بود که تحسین بسیاری از اساتید حوزه را برانگیخت. آیه‌الله شرعی پس از رفع شبهات از اذهان طلاب جوان به طرد و تصفیه عناصر التقاطی همت گماشت و مدرسه رضویه را از این بلیته‌های رهایی بخشید. در بررسی خدمات گوناگون آیه‌الله شرعی باید مجموعه آنها را در دو دوره قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داد. اعتقاد راسخ وی به حقانیت مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و پیروزی حق بر باطل در فرجام امور، رویکردی آینده‌شناسانه را به وی ارزانی داشته که براساس آن به بسیج تمامی نیروها و امکانات جامعه برای اعتلای کلمه حق و امحاء باطل کوشیده است و در راه تحقق آرمانهای الهی و حفظ و گسترش ارزشهای دینی به انجام هر گونه خدمت و قبول هر رنج و مصیبتی دل می‌سپارد.

زندانی شدن در زندانهای ساواک، تلاش در هماهنگ سازی نیروهای طرفدار حق، ایجاد امکانات رفاهی و آموزشی برای آحاد مردم، تشویق و ترغیب قشرهای گوناگون به دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی، شهادت فرزندش حجة الاسلام شهید محمدتقی شرعی در جبهه‌های جنگ تحمیلی و... مجموعه‌ای از عملکردهای باورمند وی را نشان می‌دهد. بارزترین ویژگی آیه‌الله شرعی را باید در امیدواری و امیدبخشی نسبت به تحقق وعده‌های الهی دانست و ظلم ستیزی وی را نیز همدوش آن دید. آیه‌الله حاج شیخ محمد علی شرعی را می‌توان یکی از چهره‌های سیاسی و فرهنگی معاصر دانست. جمع‌آوری مجموعه‌ای از خاطرات این دانشی مردنستوه می‌تواند بسیاری از زوایای سیاسی و اجتماعی دیروز و امروز ایران اسلامی را آشکار سازد. مبارزه مداوم وی بر علیه نظام طاغوت موجب شد تا در عاشورای سال ۱۳۴۲ که برای تبلیغ به مشهد اردهال رفته بود توسط ژاندارمری دستگیر و برای بازجویی به نراق منتقل گردد.

پس از چندی وی را در ساواک قم مورد بازجویی قرار دادند. سپس به پادگان عشرت آباد فرستادند و چندی او را در زندان انفرادی نگه داشتند. پس از انتقال به بند عمومی زندان از محضر عالمان مبارزی چون آیه‌الله بهاء‌الدین محلاتی، آیه‌الله خادمی اصفهانی، آیه‌الله قاضی تبریزی و... استفاده‌های فکری و معنوی نمود. آیه‌الله شرعی از زندان پادگان عشرت آباد به زندان شهربانی تهران منتقل گردید. در ایام پانزدهم خرداد این زندان محل بازداشت اهل منبر و وعاظ معروفی همچون حضرات آیات شهید مطهری، شهید هاشمی نژاد، مرحوم فلسفی و آیه‌الله مکارم شیرازی و... بود.

آشنایی آیه‌الله شرعی در این زندان با شهید مطهری ثمرات بسیاری برای نهضت و مردم را در پی داشت. وی در این ایام با برخی از دوستان خود روزنامه «انتقام» و «بعثت» را چاپ و منتشر می‌نمود که ماهیتی سیاسی داشت و مسائل مهم آن روزها را تحلیل می‌کرد تا حوزه و روحانیت را از آنچه در اطرافشان رخ می‌داد آگاه نماید. در ادامه اینگونه فعالیت‌های سیاسی بود که آیه‌الله شرعی توانست با تهیه یک دستگاه چاپ و تکثیر، سخنرانیهای مرحوم امام (قدس سره) را در میان افراد انقلابی منتشر سازد که یکی از شاخص‌ترین این موارد چاپ و نشر سخنرانی مشهور حضرت امام (قدس سره) در پانزدهم خرداد سال ۴۲ می‌باشد. پس از موضع‌گیری صریح امام (قدس سره) در برابر کاپیتولاسیون، آیه‌الله شرعی با همکاری حجة الاسلام سید محمود دعایی اعلامیه آن مرجع نستوه را در اندک زمانی چاپ کرد و در کمترین زمان ممکن به صورت هماهنگ در سراسر کشور توزیع نمود. پی‌گیری ساواک برای جستن عاملان این حرکت انقلابی منجر به بازداشت آیه‌الله شرعی و جمعی از فضلا گردید.

وی را ابتدا به زندان قزل قلعه و سپس به زندان قصر منتقل نمودند. در گیرودار همین دستگیری بود که مأموران ساواک به سرکردگی جلال معروف آن یعنی سرهنگ ازغندی به خانه آیه‌الله شرعی یورش بردند. جلال ساواک قصد ورود به اطاقی را داشت

که زنان خانواده در آن حضور داشتند و می‌کوشیدند تا اسناد مربوط به روحانیون مبارز را برای مصون ماندن از این هجوم ناگهانی به منزل همسایگان منتقل نمایند. سرهنگ از غندی که قصد داشت با ایجاد ارباب وارد اطاق شود با فریاد و سیلی خشم آهنگ آیه‌الله شرعی روبرو شد. همین ابراز شجاعت موجب شد تا فرصت کافی برای پنهان سازی اسناد انقلابی فراهم آید. شهید حجة الاسلام محمدتقی شرعی در سالها بعد می‌گفت: من شجاعت و شهامت را از آن سیلی که پدرم در حال اسارت به جلاد ساواک نواخت، آموختم. آیه‌الله شرعی در ایام هجرت حضرت امام (قدس سره) به نجف اشرف به سوریه رفت تا از آنجا به عراق برود و به دیدار امام (قدس سره) نائل شود.

هدف وی از این سفر پرسش از امام (قدس سره) در باره شرکت در انتخابات و چگونگی برخورد با این موضوع در ایران بود. وی که نتوانسته بود ویزای عراق را تحصیل نماید پرسش‌های خود را در سوریه در یک نوار ضبط نموده و آن را به همراه نامه‌ای که با همفکری آیه‌الله سیدمیرالدین حسینی در قم تهیه و برای انتقال به سوریه در یک دستگاه رادیو جاسازی شده بود توسط آقای علی جنتی فرزند آیه‌الله جنتی به دست امام (قدس سره) در عراق رسانید و پس از مدتی کوتاه پاسخ امام (قدس سره) را مبنی بر تحریم انتخابات دریافت نمود. آیه‌الله شرعی با شروع سلسله دروس ولایت فقیه توسط مرحوم امام (قدس سره) در نجف، مجموعه نوارهای این دروس را پس از انتقال به قم با جمعی از دوستان مورد مطالعه و مباحثه قرار داده آن را منتشر ساختند. با شروع انقلاب اسلامی ایران و هجرت امام (قدس سره) از نجف به پاریس ارتباط تلفنی وی با امام (قدس سره) برقرار گردید و ایشان مطالب و نقطه نظرات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را به وسیله یک شبکه گسترده و سری به کلیه علما و فضلاء مبارز در سراسر کشور منتقل می‌نمودند.

وی در هماهنگی سازی علمای بزرگ شهرستانها با نهضت اسلامی تلاش مضاعفی را بکار بردند که از آن جمله می‌توان به ملاقاتهای ایشان با آیه‌الله ارباب در اصفهان اشاره نمود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمام تلاش آیه‌الله شرعی این مبارز خستگی‌ناپذیر به حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب اسلامی معطوف گردید و در مسؤولیت‌های گوناگون تصویر روشنی از فراست و شهامت و تلاش خداجویانه روحانیت حق طلب شیعی را به منصف ظهور رساند که در پی به برخی از آن خدمات اشاره می‌شود: الف: با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ستاد انقلاب اسلامی در قم ایجاد گردید که فرامین حضرت امام (قدس سره) را در رفع معضلات و مشکلات کشور ابلاغ و پیگیری می‌نمود.

آیه‌الله شرعی با قبول ریاست این ستاد در روزهای بحرانی آغاز پیروزی، با همکاری آیه‌الله شیخ محمد یزدی به رفع مشکلات مردم در اقصی نقاط کشور و دفع غائله‌های سیاسی از جمله در گنبد و کردستان همت گماشت. زنده یاد شهید چمران با حمایت همین ستاد مردمی و انقلابی آشوب کردستان را سامان بخشید و نیروهای اعزامی از جوانان غیور قم نیز غائله گنبد را پایان دادند آیه‌الله شرعی در این ستاد نمایندگان را برای نظارت و تقویت عملکرد قوه قضائیه گسیل داشت و با صدور بیش از ۱۳ هزار حکم به عنوان بازوی اجرائی حضرت امام (قدس سره) در سراسر کشور عمل نمود. ب: عده‌ای از مدرسین و فضلاء حوزه علمیه قم در دوران استیلائی رژیم طاغوت با هدف حمایت از مواضع سیاسی حضرت امام خمینی (قدس سره) و نشر افکار و آثار آن قائد بزرگ به تأسیس جامعه مدرسین همت گماشتند. آیه‌الله شرعی در اولین سالهای تأسیس جامعه مدرسین به پیشنهاد و درخواست آیه‌الله ربانی شیرازی به عضویت آن درآمدند و در تمام فعالیت‌های سیاسی آن فعالانه شرکت داشتند. آیه‌الله شرعی تا هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین می‌باشند. ج: با شروع جنگ تحمیلی ایشان تمام توان و تلاش خویش را به تقویت جبهه‌های نبرد معطوف نمود و در تهیه تجهیزات انفرادی و جمعی برای رزمندگان و ارسال آنها به خطوط مقدم صمیمانه کوشید. فرزند ارشد وی حجة الاسلام محمدتقی شرعی که از چهره‌های بسیار با استعداد و موفق حوزوی محسوب می‌شدند و از اوان نوجوانی در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پدر خویش شرکت مؤثر داشتند در روز میلاد حضرت امام محمدتقی (ع) به فیض شهادت نائل

آمدند.

حضرت آیه‌الله شرعی این داغ جانگداز را تحت‌الشعاع جشن شادی میلاد با سعادت حضرت جوادالائمه (ع) قرار دادند و در آن سال و هر سال جشن میلاد نهمین پیشوای معصوم (ع) را با شکوه خاصی برگزار نمودند بی گمان یکی از برزنده‌ترین القاب برای این عالم مجاهد عنوان «ابوالشهید» است و از همین حرکت عاشقانه و عالمانه میزان ارادت و اخلاص وی را به ساحت مقدس ائمه هدی (علیهم السلام) به خوبی می‌تواند دریافت. د: حضرت آیه‌الله شرعی برای دو دوره به عنوان نماینده مردم قم به مجلس شورای اسلامی راه یافتند. در دوره اول از اعضای کمیسیون دفاع مجلس بودند و در طی آن دوره با همکاری دیگر اعضای کمیسیون، اساسنامه ارتش و سپاه را تدارک دیدند. در این دوره است که ایشان سعی بلیغی را برای حفظ و ارتقای جایگاه ولایت فقیه در اساسنامه‌های نیروهای مسلح بکار بردند و به این مهم توفیق یافتند. در دوره دوم نمایندگی، وی به عضویت در کمیسیون اصل ۹۰ پیوست و ۲۳ هزار پرونده را کد و جاری را در طی این دوره به فرجام رساند.

تغییر اساسنامه کمیسیون اصل ۹۰ و اقتدار بخشیدن به این کمیسیون همراه با ساماندهی سیستم بایگانی و اداری آن از دیگر خدمات ماندگار ایشان محسوب می‌شود. حضرت آیه‌الله شرعی با توجه به توانایی و استعداد زنان در کسب علوم حوزوی و لزوم آموزش علمی و دینی برای آنان و نیز ارائه الگوی عینی در این امر، در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تأسیس مدرسه‌ای جهت آموزش حوزوی دختران دست یازیدند که این تلاش به رغم کارشکنی‌های رژیم طاغوت و بی‌اعتنایی برخی از علمای آن عصر با مساعدت و همکاری شهید آیه‌الله قدوسی به نتایج موفقیت‌آمیز رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران حضرت امام (قدس سره) هیأت موسسی را برای تشکیل حوزه علمیه خواهران تعیین فرمودند که حضرات آیات و حجج اسلام مشکینی، فاضل، موسوی اردبیلی، جنتی، شرعی، توسلی و شیخ حسن صانعی از زمره اعضای آن هیأت بودند. در این دوره تلاش آیه‌الله شرعی با پشتوانه تجارب قبل از پیروی انقلاب و همفکری دیگر اعضای هیأت موسس به ایجاد جامعه الزهرا(س) انجامید.

همچنانکه کوشش پیگیر وی موجب ایجاد وحدت رویه و نظارت کامل شورای عالی حوزه علمیه بر حوزه‌های علمیه خواهران شد. و: حضرت آیه‌الله شرعی برای بی‌نیاز کردن جامعه زنان در مراجعه به پزشکان مرد و نیز ایجاد الگوی عینی در آموزش علوم پزشکی برای بانوان به تأسیس دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم مبادرت نمودند. ایجاد این دانشگاه نتایج گوناگونی را در پی داشت که از آن جمله می‌توان با جذب تخصص‌های پزشکی در قم، فارغ‌التحصیل شدن بیش از پانصد پزشک زن در تخصص‌های گوناگون، ایجاد دانشگاهی تخصصی ویژه بانوان به عنوان ایجاد نمونه عینی و تحقق امکان پذیرنی نظام آموزشی همگن اشاره نمود. ز: با مراجعت حضرت امام (قدس سره) به قم و ازدهام هر روزه هزاران نفر از اقصی نقاط کشور، برای زیارت آن رهبر بزرگ در اطراف منزل ایشان، لزوم ایجاد مرکز و مکانی جهت پذیرایی و رفاه این زائرین، حضرت آیه‌الله شرعی را بر آن داشت تا به ایجاد فضایی مناسب برای اسکان و پذیرایی مردم اقدام نماید. به همین منظور با همکاری حجة الاسلام والمسلمین حاج سیدرضا برقی «از مؤلفان کتب درسی آموزش و پرورش» به خریدن و مهیا نمودن زمین وسیعی با تأسیس امکانات رفاهی مبادرت ورزید. امکانات و اماکن فراهم آمده را که با گذشت زمان وسعت می‌یافت بنیاد ارشاد و رفاه امام صادق (ع) نامید و به تهیه اساسنامه و تعیین هیأت انماء برای آن اقدام نمود.

این مؤسسه آموزشی و رفاهی تا هم اکنون در تهران، قم، مشهد و تنکابن منشأ خدمات فراوانی شده است. ح: مدرسه عالی قضایی قم که پس از چند سال به دانشگاه قم تبدیل گردید و با همت و پایمردی رجل علمی و دینی ایجاد شده بود با توجه به سوابق خدمات فرهنگی و تأثیرگذاری حضرت آیه‌الله شرعی در گسترش مراکز علمی و دینی، ایشان از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان یکی از اعضای هیأت امنای این دانشگاه انتخاب شده و در طی ۴ سال از راهبردها و تجربه‌ها و تلاش‌های مؤثر وی بهره‌مند گردیدند. ط: اوایل پیروزی انقلاب اسلامی برخی از خیرین با مساعدت و همکاری آیه‌الله سیدعلی محقق برای تهیه مسکن

جهت طلاب علوم دینی به تأسیس شهرک مهدیه اقدام نمودند. شورایعالی مدیریت حوزه‌های علمیه هیأت امنایی را از بازاریان متدین و روحانیون دلسوخته برای ایجاد این شهرک تعیین نمود که حضرت آیه‌الله شرعی از آن جمله می‌باشد این شهرک هم اکنون با بیش از هزار واحد مسکونی پذیرای طلاب ایرانی و خارجی است تا در دوران تحصیل با آرامش خاطر به کسب علوم دینی پردازند. شهرک مهدیه با همت و تلاش هیأت امناء و پیگیری مداوم حجة الاسلام والمسلمین شیخ مهدی صباحی گسترش روز افزون داشته هم اینک دو هزار و هفتصد واحد مسکونی دیگر به همراه مراکز فرهنگی، آموزشی، رفاهی و بهداشتی در حال ساخت است. ی: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نماز جمعه قم در مسجد امام اقامه می‌گردید و پس از پیروزی و توجه روز افزون آحاد مردم به شرکت در این عبادت سیاسی، اقامه نماز جمعه در حرم مطهر حضرت معصومه (س) و سپس در دبیرستان امام صادق (ع) انجام می‌پذیرفت.

لزوم ایجاد مصلاهی وسیعی برای اقامه این نماز عبادی و سیاسی حضرت آیه‌الله شرعی را بر آن داشت تا با همکاری و تلاش آقایان حاج حسن صبوری و حاج ابوالفضل عباسی به ایجاد مصلاهی بزرگ قم اقدام نماید. ایشان هم اکنون از اعضای هیأت امنای ستاد اقامه نماز جمعه قم می‌باشند. ک: جمعیت مبارزه با فقر که با نظارت آیه‌الله حاج شیخ مرتضی حائری در قم تأسیس گردیده بود و آیت الله موسوی همدانی و آقای سید محمود طباطبایی از اعضای بسیار فعال آن بودند قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به وضع معیشتی فقرا و ایتم کمکهای شایانی می‌نمود. حضرت آیه‌الله شرعی که از اوایل تأسیس این جمعیت به همکاری با آن پرداخته بود و با سخنرانی‌های پرشور خویش آحاد مردم و خیرین را به یاری رساندن این جمعیت تشویق و ترغیب می‌کردند از آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری و سید محمود طباطبائی خواستند تا برای ایتم ویژگی خاصی را قائل شوند.

این پیشنهاد مورد قبول مؤسسين واقع گردید و در اولین قدم زیر نظر مرحوم آیه‌الله حائری به انتشار قبض‌هایی مبادرت نمودند که به جلب حمایت‌های مردمی برای ایتم اختصاص داشت. پس از آن، جمعیت سرپرستی ایتم قم توسط آقای زاهدی به تأسیس مدرسه‌ای برای ایتم اقدام نمود حضرت آیه‌الله شرعی که از اعضای هیأت امنای این جمعیت می‌باشند در جلب نظر شخصیت‌های علمی و دینی و مشارکت خیرین برای ساماندهی اوضاع معیشتی و تربیتی ایتم تلاش وافر را به منصف ظهور رسانده‌اند. ل: در اوایل جنگ جمعی از جوانان پرشور قم به تأسیس هیأتی برای عزاداری سالار شهیدان با عنوان حسینیه شهدا اقدام نمودند. این گروه با برپایی چادری در فضایی باز به انجام مراسم عاشورا مبادرت کردند. این حسینیه با حضور و مشارکت آیه‌الله شرعی و جمعی از جوانان پرشور و انقلابی و همکاری مداح اهل بیت (ع) سید احمد شمس از روتق خاصی برخوردار شد و هر ساله بر امکانات آن افزوده گشت. شهید حجة الاسلام محمدتقی شرعی در زمره جوانانی بود که در این حسینیه عاشقانه خدمت می‌نمود. در طی سالهای گذشته حسینیه شهدای قم موفق به ساختن بنایی مناسب در فضایی بسیار وسیع گردید و حضرت آیه‌الله شرعی با تعیین هیأت امنایی برای آن کوشیده‌اند تا این حسینیه نیز مرکزی برای تربیت جوانان در راه تعمیق و گسترش ارزشهای والای شیعی گردد. در سال ۱۳۷۰ حضرت آیه‌الله شرعی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا را در مشهد مقدس تأسیس نمودند.

این مؤسسه که با انجام بیش از هشتاد پروژه تحقیقاتی خرد و کلان یکی از فعال‌ترین دفاتر پژوهشی کشور در حوزه علوم انسانی است در کارنامه خود کارکرد بیش از یکصد و هفتاد نفر از اساتید حوزه و دانشگاه را در طی یک دهه نشان می‌دهد. پژوهشکده‌های معارف، جغرافیا، آینده‌شناسی، ادبیات و هنر از دفاتر اقماری این مؤسسه بودند که با تلاش پژوهشگران خویش به احیاء تراث ادبی و دینی و نقد و نظر در حوزه جغرافیای انسانی و آینده‌شناسی ایران و جهان مبادرت می‌ورزید. هزاران برگه تحقیقاتی به همراه دهها مقاله و کتاب از خروجی‌های علمی این مؤسسه محسوب می‌شود. اهتمام حضرت آیه‌الله شرعی به ایجاد زیرساخت‌های علمی و فرهنگی و تهیه راهبردهای اجرایی در حفظ و نشر معارف علوم موجب پدید آمدن «کانون تفکر» در مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا گردید. اعضای این کانون که بطور موازی با شورای عالی پژوهش به تشکیل جلسه می‌پردازند از

مبرزترین اساتید حوزه و دانشگاه می‌باشند پایگاه اینترنتی این مؤسسه برای پاسخگویی مستدل به شبهات معاندین مکتب علوی در شرف ایجاد است. حضرت آیه‌الله شرعی با تأسیس انتشارات تاسوعا زمینه پشتیبانی چاپ و نشر آثار تحقیقاتی و فرهنگی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا را فراهم نمودند. این انتشارات تاکنون آثاری از تراث ادبی و دینی را به جامعه علمی ارائه نموده است

شریعت اصفهانی، فتح‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۹ - ۱۲۶۶ ق)، مرجع تقلید، فقیه اصولی، مفسر، متکلم و ادیب امامی. معروف به شیخ الشریعه اصفهانی. نسب وی به محمدعلی نمازی شیرازی می‌رسد. اصل وی از شیراز بود که در اصفهان به دنیا آمد. در اصفهان از ملا عبدالجواد خراسانی، مدرس کبیر، و ملا حیدر علی اصفهانی و ملا احمد سبزواری و ملا محمدصادق تنکابنی و حاج شیخ محمدباقر و ملا محمدتقی هروی اصفهانی درس خواند. سپسی به نجف سفر کرد و چندی از محضر حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمین استفاده کرد. وی از دوستان و نزدیکان سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. در نهضت استقلال، ضد انگلیسی، عراق در کنار آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی قرار داشت. در ۱۳۱۳ ق به حج رفت و بعد از مراجعت به درس و تالیف و فتوی پرداخت و مرجع تقلید اغلب شیعه‌ی امامیه‌ی گردید. وی از شیخ محمد طه نجف و سید مهدی قزوینی و صاحب «روضات الجنات» و برادرش میرزا محمدهاشم چهارسوقی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمی اجازه‌ی روایت داشت. محدث قمی از شاگردان وی بود. شیخ فتحعلی بن گل محمد حکیم برادگاهی لنکرانی نیز از خواص شاگردان وی بود که «تقریرات» او را در چهار مجلد نگاشته است. از آثارش: «ابانه المختار فی ارث الزوجه من ثمن العقار»؛ «صیانه الابانه عن وصمه الرطانه»؛ «اصاله الصحه»؛ «افاضه القدير فی حل العصیر»؛ «اناره الحالک فی قرائه ملک و مالک»؛ «حاشیه «فصول»؛ «قاعدہ‌ی صدور» یا «قاعدہ‌ی الواحد البسیط»؛ «قاعدہ‌ی «ضرر»؛ «قاعدہ‌ی «طهارت»؛ رساله‌ای در «صحاح» ششگانه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام: ۳۳۴- ۳۳۳ (۵/)، اعیان الشیعه (۳۹۲- ۳۹۱/۸)، الذریعه (۶/۲۵، ۱۰۴- ۱۰۳، ۴۴/۱۵، ۱۸۸/۱۰، ۱۹۵/۷، ۵۹/۱)، ریحانه (۲۰۷- ۲۰۶/۳)، شرح حال رجال (۱۷۵/۶)، علماء معاصرین (۱۲۴- ۱۲۲)، فوائد الرضویه (۳۴۵)، معجم المؤلفین (۵۳- ۵۲/۸)، مکارم الآثار (۱۸۱۹- ۱۸۱۶/۵).

شریعتی مزینانی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۶ ق)، عالم دینی، استاد، محقق، مفسر و نویسنده. در مزینان متولد شد و تا هفده سالگی در زادگاهش، و در مدرسه‌ی مزینان، نزد پدر و عمویش به تحصیل پرداخت. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به مشهد رفت و در مدرسه فاضل خان سکنی گزید. نخستین استادش در این مدرسه ادیب نیشابوری اول بود که دنباله‌ی مقدماتی را که نزد پدر و عمویش آموخته بود، در محضر

ایشان فراگرفت. بعد از فوت ایشان در خدمت ادیب ثانی رسید و در محضر این دو استاد توانست مقدمات و ادبیات را به پایان برساند. فقه، اصول و فلسفه را نیز نزد اساتید معروف مشهد مانند: آقا شیخ هاشم قزوینی ارتضا، میرزا ابوالقاسم الهی، حاج شیخ محمود حلبی فراگرفت. شریعتی قوانین را نزد حاج شیخ کاظم دامغانی و «شرح لمعه» را نزد ارتضا و حاج میرزا احمد مدرس یزدی معروف به حاج میرزا احمد نهنگ فراگرفت. از دیگر استادان وی آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی بود که فضیلتی مشهد همه به محضر درس وی می‌رفتند. از حدود ۱۳۱۰ ش فعالیت خود را در دبیرستان در سمت‌های مختلف آغاز کرد و تا آخرین دم از تدریس و ارشاد دانش آموز و دانشجو باز نایستاد... از آثار وی: «فایده و لزوم دین»، «تفسیر نوین»، «وحی و نبوت در پرتو قرآن»، «خلافت و ولایت»، «امامت در نهج‌البلاغه»، «اصول عقاید و اخلاق شریعتی»، «تاثیر هنرهای مسلمین بویژه ایرانیان در اروپا»، «عباسه خواهر هارون الرشید». [۱]

محقق، استاد.

تولد: ۱۲۸۶، قریه مزینان.

درگذشت: ۳۱ فروردین ۱۳۶۶.

استاد محمدتقی شریعتی مزینانی، فرزند محمود روحانی، دوران طفولیت و نوجوانی را در روستای خود گذرانید و در همان جا فراگیری منطق، فلسفه و فقه و اصول پرداخت.

در مدرسه‌ی فاضل‌خان، هم حجره‌ی برادرش شیخ قربانعلی شریعتی بود و به تحصیل علوم اسلامی مشغول شد. از جمله اساتید وی باید به آیت‌الله هاشم قزوینی و آیت‌الله محمدتقی ادیب ثانی اشاره کرد که نزد ادیب ثانی دوره مطول و مغنی را به پایان رساند، قوانین را نزد حاج شیخ کاظم دامغانی، شرح لمعه را نزد ارتضا و حاج میرزا احمد مدرس خواند، از اساتید دیگر آن زمان وی میرزای اصفهانی بود.

از سال ۱۳۱۱ به تدریس در مدارس جدید مشهد پرداخت. معلمی را از مدرسه‌ی ملی شرافت آغاز کرد و تا سال ۱۳۱۳ ادامه داشت. بر طبق مقررات اداری، صلاحیت علمی و شایستگی تدریس ایشان از سوی اداره فرهنگ تأیید می‌شود و از این پس (۱۳۱۴) در دبیرستان ابن یمین، به تعلیم می‌پردازد. چون فعالیت‌های ثمر بخش داشت، نظامت دبیرستان نیز به عهداش محول می‌شود و کلاسهای جدید دبیرستان را تأسیس می‌کند. طبیعی است در آن زمان یک دبیر یا مسئول دبیرستان که پای‌بند موازین شرعی بود، نمی‌توانست بعضی برنامه‌های خاص دولتی را اجرا کند و با دشواریهایی مواجه می‌شد. در همین زمان شروع به ترجمه کتاب از عربی به فارسی نمود.

پس از شهریور سال ۱۳۲۰ که فعالیت‌های سیاسی آزاد شده بود و حزب توده تبلیغاتی را در ترویج کمونیسم بین جوانان آغاز کرده بود، وی نیز مبارزه با آنها را از کلاس درس (در دبیرستان شاهرضا و سپس فردوسی) شروع کرد و حتی ساعاتی بدون دریافت اضافه کار به تدریس ادبیات فارسی و عربی و شرعیات می‌پرداخت. در همان سال‌ها بود که به تدریس در دانشسرا- که مرکز فعالیت آن حزب شده بود- نیز مشغول گشت.

از دیگر مراکز آموزشی دولتی که استاد شریعتی در آنجا به تدریس پرداخت، دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی مشهد است که از سال ۱۳۲۷ تأسیس شد، و بنا به دعوتی که از وی به عمل آمد، تفسیر سوره قرآن و نهج‌البلاغه را تدریس می‌کرد و تا سه سال ادامه داشت.

سرانجام بنابر حکم اداره‌ی آموزش و پرورش خراسان، استاد محمدتقی شریعتی مزینانی در تاریخ بیست و دوم آبان ۱۳۴۱ پس از سی سال تدریس در دبیرستان‌های مشهد بازنشسته شد.

از دیگر فعالیت‌های ایشان مبارزه با اندیشه‌های سید احمد کسروی بود. استاد مجالسی را برگزار می‌نمود. (سخنرانی‌ها، جلسات

تفسیر قرآن) ولی با افزایش برنامه‌ها، به پیشنهاد او و با توجه به نیاز موجود از سال ۱۳۲۳ منزلی در کوچه چهارباغ مشهد برای تشکیل جلسات اجاره کردند. با نصب تابلوی «کانون نشر حقایق اسلامی» بر سر در آن، این مرکز تبلیغی رسمیت و تمرکز یافت و برنامه آن منتشر شد. (کارنامه‌ی کانون در اسفند ۱۳۲۶ منتشر شد). در سال ۱۳۲۷ سخنرانی‌های فرهنگی در رادیو مشهد داشت که درباره‌ی «فایده و لزوم دین» بود که بعدها با همین نام منتشر شد. در سال ۱۳۳۰ با «جمعیت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی مشهد» همکاری داشت و در این مسیر در انتخاب و کلاسی برای دوره هفدهم مجلس شورای ملی تلاش خود را نمود. در سال ۱۳۳۶ به اتهام همکاری با نهضت مقاومت ملی به مدت یک ماه و اندی دستگیر و بازداشت شد. به این ترتیب جلسات کانون تشکیل شد. پس از آزادی جلسات تفسیر و سخنرانی وی در منزل آیت‌الله العظمی سید محمدهادی میلانی (۱۳۳۷ الی ۱۳۳۹) تشکیل می‌شد. از سال ۱۳۳۷ الی ۱۳۴۰ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد و نیز در مؤسسه وعظی و تبلیغ به تدریس تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه می‌پرداخت. در سال ۱۳۳۹ کانون نشر حقایق اسلامی دوباره شروع به فعالیت نمود.

در عاشورای ۱۳۸۱- برابر با سوم تیر ۱۳۴۰- برای عده‌ای از عزاداران، استاد سخنرانی نمود و اهداف قیام حسین (ع) را شرح داد. ولی سال بعد، پس از رسیدن دسته راه پیمایان به صحن عتیق، از سخنرانی استاد ممانعت به عمل آمد. و در سال ۱۳۴۲ قبل از محرم ۱۳۸۳ از شهربانی به وی تلفن زدند که سازمان امنیت با این برنامه موافق نیست. به این ترتیب کانون تعطیل شد. در سال ۱۳۴۲ نامه‌ای از طرف هیئت مدیره‌ی حسینیه‌ی ارشاد و مکتوب به خط استاد مرتضی مطهری فرستاده شد (و با واسطه قرار دادن آیت‌الله میلانی) که وی برای سخنرانی به تهران روند. این دعوت چنان بود که چند شب سخنرانی تبدیل به چهار سال و اندی شد.

علاوه بر حسینیه ارشاد، دو سه سال- هنگام حبس آیت‌الله سید محمود طالقانی- در ماه رمضان اداره مجلس وعظ و تفسیر مسجد هدایت به عهده وی بود و به اصرار جمعیتی به نام احباب الحسین (ع) به گفتن تفسیر قرآن و ارشاد آنان پرداخت. کتاب خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت که شامل بحث‌های تحقیقی است، ثمره سخنرانی‌های هفتگی ایشان است که طی بیست و سه جلد در حسینیه‌ی ارشاد ایراد کرده است (در این کتاب آقایان استاد مرتضی مطهری، محمدتقی شریعتمداری نیز مطالبی دارند، ۱۳۳۹). تجدید طبع تفسیر نوین، وحی و نبوت در قرآن و آثار قلمی دیگر نیز از ثمرات دوران اقامت در تهران است.

استاد محمدتقی شریعتی در ادبیات عرب و فارسی تبحر داشت و در گفتارش نکات فراوانی وجود داشت.

آخرین سخنرانی استاد شریعتی در حسینیه ارشاد در هفده آبان ۱۳۵۱ (عید فطر ۱۳۹۲) بود که پس از آن حسینیه توسط سازمان امنیت تعطیل شد. استاد در سال ۱۳۵۲ دستگیر شد و یک سال و اندی در حبس بود. فرزند وی دکتر علی شریعتی در بیست و نه خرداد ۱۳۵۶ در لندن درگذشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار در شانزده فروردین ۱۳۵۸ در حسینیه‌ی ارشاد سخنرانی نمود. بین سال‌های ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۰ به مناسبت‌های خاص سخنرانی‌های وی از رادیو پخش می‌شد.

از آثار اوست: آغاز وحی با تفسیر سوره علق (تاریخ مقدمه ۱۳۴۰)؛ اصول عقاید و اخلاق شریعتی (چاپ اول ۱۳۲۱، چاپ هفدهم ۱۳۳۳) امانت در نهج‌البلاغه (۱۳۵۷)؛ تأثیر هنرهای مسلمین به ویژه ایرانیان در اروپا (زکی محمدحسین، ترجمه)، تعلیمات دینی (قسمت اول، مخصوص کلاس اول دبیرستان، ۱۳۲۵)؛ تفسیر نوین؛ جز سی‌ام قرآن (۱۳۴۶)؛ چرا حسین قیام کرد؟ (نشریه کانون نشر حقایق اسلامی، ۱۳۴۱)؛ ز نیرو بود مرد را راستی (نشریه کمیته دبیران تعلیمات دینی مشهد، به مناسبت اولین سمینار دبیران تعلیمات دینی در مشهد، مرداد ۱۳۴۹)؛ استاد در نشریه مقاله‌ای دارند؛ عباسه، خواهر هارون الرشید یا خواری برمکیان (تألیف جرجی زیدان ترجمه استاد، بی. تا)؛ فایده و لزوم دین (نشریه دوم کانون نشر حقایق اسلامی مشهد، آذر ۱۳۲۹)؛ مبانی اقتصادی در اسلام (عبدالحمید جوده‌التجار؛ ترجمه استاد، ششمین نشریه کانون نشر حقایق اسلامی مشهد، ۱۳۲۵)؛ مقدمه‌ی کتاب نیایش (دکتر آلکسیس کارل، ترجمه دکتر علی شریعتی، ۱۳۳۹)؛ وحی و نبوت در پرتو قرآن (۱۳۴۹)؛ متن دو سخنرانی استاد به نام‌های «مهدی موعود امم» و «علی شاهد رسالت» در دومین نشریه انجمن اسلامی دانشجویان مشهد در دی ۱۳۳۹ به چاپ رسیده است.

استاد محمدتقی شریعتی مزینانی عصر دوشنبه سی و یک فروردین ۱۳۶۶- برابر با بیست و یک شعبان ۱۴۰۷ ق. درگذشت. پیکرش در جوار امن الهی در مشهد حرم امام رضا (ع) درون غرفه‌ای از صحن آزادی به خاک سپرده شد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] شریعتی در نگاه مطبوعات (۷۵-۷۳)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۱۱، ص ۹-۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۳/۲).

شریعتی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر شریعتی در تاریخ (مقاله‌ی حاضر مفصلترین سالشمار زندگی دکتر شریعتی و اجمالی از تحقیق نویسنده درباره‌ی زندگی اوست که در سال ۱۳۶۵ نوشته و سپس تکمیل شد. در نگارش این مقاله، علاوه بر رجوع به همه‌ی منابع زندگینامه‌ی شریعتی، از اطلاعات شخصی دوستان نزدیک شریعتی، از اطلاعات شخصی دوستان نزدیک شریعتی استفاده شده است. از این رو پاره‌ای از اطلاعات مندرج در این مقاله در هیچیک از منابع نیامده و جدید است. گفتنی است منابع زندگینامه‌ی شریعتی خالی از کاستی و نادرستی نیست و گاه اطلاعات ارائه شده در آنها متناقض است. این گونه اطلاعات در مقاله‌ی حاضر نیامده و یا صورت درست آن آمده است. آخرین نکته اینکه در مقاله‌ی حاضر به انتشار کتابها و ایراد سخنرانیهای شریعتی اشاره نشده است).

زندگی من، مجموعاً، عبارت است از چندین برنامه‌ی پنج ساله. همیشه کاری شروع می‌کرده‌ام و به اوج می‌رسانده‌ام و آخر پنج سال درهم می‌ریخته، هر بار از سر. از اول نوجوانی تا ۲۸ مرداد ۳۲ و سقوط دکتر مصدق و آغاز دیکتاتوری، پنج سال. از این دوره تا تشکیل نهضت مقاومت ملی مخفی، که از ۱۳۳۷ به هم خورد و دستگیر شدیم، پنج سال. از ۳۸ تا ۴۳؛ در اروپا پنج سال.

از ۴۳ تا ۴۸؛ دوره‌ی خاص آوارگی و زندان و مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی دانشکده، پنج سال.

دوره‌ی کنفرانسهای دانشگاهها و ارشاد، پنج سال، تا ۵۱.

پس از آن زندان و خانه‌نشینی و خفقان پنج سال.

با مخاطبهای آشنا، ص ۲۶۲.

۱۳۱۲

پنجشنبه دوم آذر ماه، در روستای کاهک، از توابع سبزوار، و در حاشیه‌ی کویر، زاده شد. زادگاه او را مزینان نیز گفته‌اند، از آن رو که در مزینان بالید و نام‌خانوادگی او، در اصل، «مزینانی» است.

مادرش زهرا امینی و پدرش محمدتقی نام داشت. پدر و اجداد پدری او در شمار عالمان و مدرسان دینی بودند.

۱۳۱۹

ورود به دبستان ابن یمین در مشهد.

۱۳۲۵

ورود به دبیرستان فردوسی در مشهد.

۱۳۲۷

به عضویت در کانون نشر حقایق اسلامی، که پدرش پایه‌گذار آن بود، در آمد و از طریق آن با حقایق اسلامی آشنا شد.

۱۳۲۹

سیکل اول دبیرستان (کلاس نهم نظام قدیم) را به پایان رساند و به دانشسرای مقدماتی (تربیت معلم) وارد شد.

۱۳۳۱

دوره‌ی دانشسرا را به پایان رساند و با دریافت دیپلم آن، به عنوان معلم در مدرسه کاتب‌پور، در منطقه‌ی احمدآباد مشهد، به تدریس پرداخت.

۱۳۳۱

انجمن اسلامی دانش آموزان و دانشجویان را پایه‌گذاری کرد و به مدت هشت سال، تا هنگام خروج از کشور برای ادامه‌ی تحصیل، مسؤولیت جلسات هفتگی آن را، که سخنرانی و بحث و تحقیق درباره‌ی مسائل عقیدتی و مکتبهای فلسفی و اجتماعی بود، برعهده داشت.

۱۳۳۱

در حمایت از نهضت ملی شدن صنعت نفت و دولت دکتر محمد مصدق و اعتراض به روی کار آمدن دولت قوام السلطنه، در یکی از روزهای دهه‌ی آخر تیر ماه دستگیر و سپس آزاد شد.

۱۳۳۲

عضویت و فعالیت در نهضت مقاومت ملی.

۱۳۳۲

ثبت نام و شرکت در کلاس ششم دبیرستان در رشته‌ی ادبی

۱۳۳۳

پایان تحصیلات دبیرستانی و دریافت دیپلم ادبی.

۱۳۳۴

هر هفته دوبار در رادیو مشهد به سخنرانی پرداخت، عصر روز سه‌شنبه و جمعه.

۱۳۳۴ یا ۱۳۳۵

ورود به دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد و تحصیل در رشته‌ی ادبیات فارسی.

۱۳۳۵

پایه‌گذاری انجمن ادبی و تصدی مسؤولیت آن. در این انجمن بود که شعر نو برای نخستین بار در محیط راکد و بسته‌ی خراسان قامت برافراشت.

۱۳۳۵

ازدواج با بی بی فاطمه (پوران) شریعت رضوی، خواهر شهید علی اصغر شریعت رضوی (در مقابله با ارتش روس در سال ۱۳۲۰) و شهید مهدی (آذر) شریعت رضوی (در اعتراض به سفر نیکسون به ایران، در ۱۶ آذر ۱۳۳۲).

۱۳۳۶

در پی حمایت نهضت مقاومت ملی از دکتر مصدق و اعتراض به معاملات نفتی تنی چند از اعضای نهضت در تهران و مشهد، از مجمله شریعتی و پدرش، دستگیر شدند. شریعتی به مدت دو ماه در زندان قزل قلعه‌ی تهران حبس شد.

۱۳۳۷

تدریس در دبیرستان دخترانه‌ی مهستی در مشهد.

۱۳۳۷

با کسب مقام اول از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی موفق به دریافت لیسانس شد. پایان‌نامه‌ی تحصیلی او ترجمه‌ی کتاب در نقد و ادب، تألیف محمد مندور، بود.

۱۳۳۸

سفر به فرانسه برای ادامه‌ی تحصیل.

۱۳۳۸

به جوانان نهضت ملی ایران پیوست و با کمک دوستانش در این گروه کوچک، اعلامیه‌های افشاگرانه‌ای علیه رژیم شاه منتشر ساخت.

۱۳۳۸

به سازمان آزادیبخش الجزایر پیوست و برای رهایی الجزایر از استعمار فرانسه به مجاهدت پرداخت. در نتیجه روزی پلیس فرانسه به وی حمله و مضرورش کرد و بدین علت سه هفته در بیمارستان بستری شد.

۱۳۳۸

تولد نخستین فرزندش، احسان.

۱۳۳۹-۱۳۴۱

همکاری با استادش لوئی ماسینیون، در گردآوری و ترجمه‌ی متون فارسی درباره‌ی حضرت فاطمه.

۱۳۳۹

به ایران بازگشت و همسر و فرزندش را به پاریس برد.

۱۳۴۰

در پی کشته شدن پاتریس لومومبا، رهبر آزادیخواهان کنگو، تظاهراتی از سوی سیاهپوستان در مقابل سفارت بلژیک در پاریس برگزار شد. شریعتی در این تظاهرات شرکت کرد و با حمله‌ی پلیس فرانسه دستگیر و به زندان سیتة افکنده شد. در آغاز دولت فرانسه قصد اخراج او را از آن کشور داشت، اما با حمایت قاضی دادگاه، اجرای حکم اخراج او را به حال تعلیق گذاشت.

۱۳۴۰

شرکت در کنگره‌ی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور در پاریس.

۱۳۴۱

در پی مرگ مادرش، زهرا، برای شرکت در مجلس ترحیم او به ایران بازگشت و پس از چند روز دوباره به پاریس رفت.

۱۳۴۱

با انتشار مقاله‌ای به افشاگری علیه انقلاب سفید شاه پرداخت.

۱۳۴۱

با کمک دوستانش جبهه‌ی ملی ایران (جبهه‌ی ملی دوم) را در خارج از کشور پایه‌گذاری کرد. سپس مسؤولیت انتشار مجله‌ی جبهه‌ی ملی به او واگذار شد و او مدتی مسؤول مجله‌ی ایران آزاد بود. شریعتی مقالات خود را در این مجله با نام مستعار شمع، که از سه حرف اول نام‌خانوادگی و نامش تشکیل شده بود، (شریعتی مزینانی، علی) امضا می‌کرد.

۱۳۴۱

با کمک دوستانش نهضت آزادی ایران در خارج از کشور پایه‌گذاری کرد.

۱۳۴۱

شرکت و فعالیت در دومین کنگره‌ی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور (کنگره‌ی وحدت)، در شهر لوزان سویس.

۱۳۴۱

تولد دومین فرزندش، سوسن.

۱۳۴۲

پایان تحصیلات دانشگاهی و گذراندن کلاسهای جامعه‌شناسی در مدرسه‌ی تتبعات عالی و دریافت مدرک دکترا در تاریخ. برخی از استادان او عبارت بودند از: لویی ماسینیون، ژرژ گورویچ، ژاک برک و هانری لوفور. پایان‌نامه‌ی دکترای او تصحیح کتاب فضائل بلخ بود.

۱۳۴۲

تولد سومین فرزندش، سارا.

۱۳۴۳

به ایران بازگشت و در مرز بازرگان دستگیر شد. خانواده‌ی او را در سر مرز به حال خود رها کردند و او را به اداره‌ی ساواک ماکو و سپس به زندان خوی و بعد از آن به زندان رضائیه بردند. سرانجام او را به تهران روانه کردند و مدت شش ماه در زندان قزل قلعه حبس شد.

۱۳۴۳

تقاضایش برای تدریس در دانشگاه رد شد. سرانجام با رتبه‌ی آموزگاری به تدریس در هنرستان کشاورزی (در روستای طرق مشهد)، دبیرستان پسرانه‌ی ملکی و دبیرستان دخترانه‌ی ایراندخت پرداخت.

۱۳۴۴

به عنوان کارشناس وزارت آموزش و پرورش استخدام و به تهران منتقل شد و با دکتر بهشتی، دکتر باهنر و سید رضا برقعی، که از مسؤولین بررسی کتب دینی بودند، همکاری کرد.

۱۳۴۴

سرانجام تقاضایش برای تدریس در دانشگاه پذیرفته شد و پس از موفقیت در امتحان استادیاری به سمت استادیار رشته‌ی تاریخ دانشکده‌ی ادبیات مشهد منصوب شد.

۱۳۴۵

آغاز تدریس در دانشگاه مشهد و استقبال بی‌نظیر دانشجویان از درس‌های او، این در حالی بود که شریعتی در کلاس حضور و غیاب نمی‌کرد. مهمترین درس او در دانشگاه، تاریخ تمدن و اسلام‌شناسی بود. کسی پیش از او از اصطلاح اسلام‌شناسی استفاده نکرده بود.

۱۳۴۷

سفر به روستای کاهه و احداث پارکی در آن منطقه با همکاری مردم و کمک به روستاییان برای خرید وسایل کشاورزی.

۱۳۴۷

به کمک زلزله زدگان جنوب خراسان شتافت و تا یک هفته بدین کار مهم، اهتمام کرد.

۱۳۴۷

ممانعت ساواک از مسافرت شریعتی به عراق با دانشجویان.

۱۳۴۷-۱۳۵۱

به ایراد سخنرانی در دانشگاه‌های مختلف کشور دعوت و با استقبال بی‌مانند دانشجویان روبرو شد.

۱۳۴۷-۱۳۵۱

به تدریس و سخنرانی در مؤسسه‌ی حسینی‌ی ارشاد دعوت و با استقبال فوق‌العاده‌ی مردم، بویژه جوانان و دانشجویان، مواجه شد. در درس‌ها و سخنرانی‌های شریعتی حدود چهار هزار نفر شرکت می‌کردند که این تعداد جمعیت بی‌سابقه بود. بر پایه‌ی برنامه‌ریزی شریعتی، حسینی‌ی ارشاد دارای سه بخش (تحقیق، آموزش و تبلیغ) و نه واحد سازمانی و هر بخش شامل چند گروه بود.

۱۳۴۸

نخستین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینی‌ی ارشاد. در این سفر دانشجویان خارج از کشور با شریعتی ملاقات و درباره‌ی فلسطین و نهضت‌های آزادی‌بخش با او مشورت کردند. سرانجام تصمیم گرفته شد برای کمک به فلسطین پول جمع‌آوری شود.

۱۳۴۹

دعوت از شریعتی برای شرکت در کنگره‌ی بین‌المللی مذهب و صلح در ژاپن و عدم موافقت رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد.

۱۳۴۹

با همکاری و تشویق دکتر شریعتی نمایش ابوذر در تالار رازی دانشگاه فردوسی مشهد اجرا و با استقبال فراوان مردم روبرو شد. متن این نمایش اقتباس از کتاب ابوذر غفاری خداپرست سوسیالیست، ترجمه و تألیف دکتر شریعتی، بود و به قلم رضا دانشور و با همکاری ایرج صغیری فراهم شده بود. کارگردان این نمایش داریوش ارجمند و بازیگر اصلی آن (در نقش ابوذر)، ایرج صغیری بود. نمایش ابوذر نخستین مذهبی در ایران بود.

۱۳۴۹

دومین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینی‌ی ارشاد.

۱۳۵۰

به دستور ساواک درس‌های شریعتی در دانشگاه در آستانه‌ی برگزاری جشنهای دو هزار و پانصد ساله‌ی شاهنشاهی تعطیل شد. پس از برگزاری‌ها جشن‌ها نیز از تدریس شریعتی در دانشگاه جلوگیری و او به بخش تحقیقات وزارت علوم و آموزش عالی منتقل شد. سپس حضور او در وزارت علوم نیز خطرناک دانسته شد و از او خواستند دیگر به محل کار نیاید و در خانه به تحقیق بپردازد.

۱۳۵۰

برای چندمین بار به ساواک احضار و از او خواسته شد شرح حالش را بنویسد.

۱۳۵۰

سفر به مصر برای دیدن اهرام سه‌گانه. (کتاب آری این چنین بود برادر رهاورد این سفر است.)

۱۳۵۰

تولد چهارمین فرزندش، مونا.

۱۳۵۰

سومین و آخرین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینی‌ی ارشاد. شریعتی در این سفر به ایراد سخنرانی در کنگره‌ی اسلامی مکه دعوت شد، ولی سرانجام به اتهام شیعه‌ی غالی بودن از ایراد سخنرانی او ممانعت گردید.

۱۳۵۰

در پی اعدام چند تن از جوانان انقلابی، از جمله مسعود احمدزاده و مجید احمدزاده و امیر پرویز پویان، که شریعتی آنها را از نزدیک می‌شناخت، دو سخنرانی با عنوان شهادت و پس از شهادت، در حسینیه‌ی ارشاد و مسجد جامع نارمک ایراد کرد. در سخنرانی پس از شهادت اشاراتی به در خون تپیدن مبارزان و دعوت مردم به قیام شده است. پس از این سخنرانی تظاهراتی در اطراف مسجد صورت گرفت و پلیس عده‌ای را دستگیر کرد و شریعتی هم متواری شد.

۱۳۵۱

نمایش ابوذر، با عنوان یک بار دیگر ابوذر، در حسینیه‌ی ارشاد اجرا و مانند قبل با استقبال فراوان مردم روبرو شد. چند دقیقه پیش از اجرای این نمایش فردی ناشناس به حسینیه‌ی ارشاد تلفن زد و گفت زیر سن نمایش بمب گذاشته شده است. آنگاه دکتر شریعتی پیش از اجرای نمایش به ایراد سخنرانی پرداخت و سخنان خود را چندان طول داد که اگر بمبی در زیر سن کار گذاشته شده باشد تنها او را از پا در آورد و به دیگران صدمه‌ای نرساند. پس از اجرای این نمایش مردم به خیابان ریختند و شعار الله اکبر و با حسین و دیگر شعارهای مذهبی دادند. این نمایش را دهها هزار نفر دیدند و حتی عده‌ای از رادیو و تلویزیون برای ضبط آن به حسینیه‌ی ارشاد آمدند. اما دکتر شریعتی با آن مخالفت کرد و گفت ابوذر متعلق به ایمان ماست، راهی به تلویزیون شاهنشاهی نباید داشته باشد.

۱۳۵۱

نمایش سربداران، به اهتمام گروه هنری حسینیه‌ی ارشاد، در یک شب در حسینیه‌ی ارشاد اجرا شد و ساواک از تکرار آن جلوگیری کرد.

۱۳۵۱-۱۳۵۲

مخالفت شخصیت‌های واپسگرا با افکار و آثار شریعتی، چه از طریق نگارش کتاب و چه در سخنرانی‌های عمومی، بیش از پیش شدت یافت. واپسگراها چنین می‌نمودند که شریعتی فردی منحرف، اهل بدعت، منکر امامت و ولایت است و در حسینیه‌ی ارشاد دست بسته نماز می‌خوانند و شهادت به ولایت علی - ع - را از اذان و اقامه حذف کرده‌اند.

۱۳۵۱

سرانجام رژیم شاه تصمیم گرفت حسینیه‌ی ارشاد را تعطیل کند، بویژه این که از چندی پیش به مناسبت ماه رمضان در پاره‌ای از مساجد تهران تبلیغات وسیعی علیه شریعتی آغاز شده و زمینه‌ی مناسبی فراهم بود. بدین ترتیب پلیس به محاصره‌ی حسینیه‌ی ارشاد پرداخت و پس از درگیری با شاگردان و دانشجویان، عده‌ای را دستگیر و حسینیه‌ی ارشاد را تعطیل کرد.

۱۳۵۱

به اهتمام پاره‌ای از روشنفکران بازار و با حضور برخی از شخصیت‌های برجسته‌ی اسلامی مجلس جشنی در روز عید فطر برای بزرگداشت دکتر شریعتی تشکیل شد. در این مجلس یک جلد کتاب فاطمه، فاطمه است و سند و کلید یک دستگاه اتومبیل پیکان به او هدیه شد.

۱۳۵۱-۱۳۵۲

در پی تعطیلی حسینیه‌ی ارشاد، شریعتی از تور ساواک گریخت و از آبان ۱۳۵۱ تا تیر ۱۳۵۲ در خانه‌ی یکی از بستگانش در سر آسیاب دولاب در تهران مخفی شد.

۱۳۵۲

ساواک در یک روز به منزل شریعتی و پدرش در مشهد و منزل برادر همسرش در تهران، حمله کرد. در حمله به منزل شریعتی

مقداری از کتابهای او را به یغما بردند و در حمله به منزل پدر و برادر همسر شریعتی آن دو را دستگیر کردند تا محل اختفای شریعتی را از طریق آن‌ها بیابند و یا آنها را گروگان بگیرند تا شریعتی خود را معرفی کند.

۱۳۵۲

اقامت خانواده‌اش در تهران.

۱۳۵۲

سرانجام دکتر شریعتی تنها چاره را در این دید که خود را معرفی کند. بدین ترتیب در مهر ماه خود را به مرکز ساواک تهران معرفی کرد و مدت هجده ماه در زندان بسر برد که پانزده ماه آن را در سلول انفرادی بود و سه ماه دیگر آن با کسی همسلول بود که رژیم او را برای کسب اطلاعات از شریعتی در سلول گماشته بود (بدین ترتیب دکتر شریعتی، روی هم رفته، پنج بار و به مدت دو سال و دو ماه بازداشت و زندانی شد. بازداشتگاه او در مشهد و ماکور، و زندان او در تهران و پاریس و خوی و رضائیه بود. همچنین وی، چنانکه گفته خواهد شد، همین مدت از عمر خود را، یعنی دو سال و دو ماه، از آغاز سال ۱۳۵۴ تا اردیبهشت ۱۳۵۶، تحت مراقبت و نظر ساواک بود. بیفزاییم که وی به مدت نه ماه، از آبان ۱۳۵۱ تا تیر ۱۳۵۲، مخفیانه زندگی می‌کرد. بنابراین شریعتی، به روی هم، پنج سال و یک ماه از عمر کوتاه خویش را در بازداشتگاه و مخفیانه و زندان و تحت مراقبت گذراند).

۱۳۵۲

چند ماه پس از زندانی شدن، از دانشگاه بازنشسته شد. سابقه‌ی خدمت او بیست و یک سال بود.

۱۳۵۳-۱۳۵۶

کتابهای شریعتی از سوی رژیم شاه گمراه کننده و ممنوع دانسته شد و در پی آن از کتابخانه‌ها جمع‌آوری گردید. بعد از این (تا اواسط سال ۱۳۵۶)، به کتابهای او اجازه‌ی چاپ داده نمی‌شد و با نامهای مستعار علی علوی، علی سبزواری، علی سربداری، علی شریفی، علی مزینانی، علی زمانی، علی سبزواری‌زاده، شیخ علی اسلام‌دوست، محمدعلی آشنا، محمدعلی اثنی‌عشری، محمد عبدالخطیب مصری، م. رفیع‌الدین، شمع، احسان خراسانی، رضا پایدار، کمال‌الدین مصباح و... چاپ می‌شد.

۱۳۵۳

سرانجام استاد محمدتقی شریعتی، پس از تحمل یک سال زندان، تنها به جرم پدر دکتر شریعتی بودن! از زندان آزاد شد.

۱۳۵۳

در آخرین روزهای این سال از زندان آزاد شد. آزادی او به علت فعالیت‌های دفاعی دوستان و شاگردانش در محافل بین‌المللی و تقاضای ژاک برک از شاه بود. ژاک برک، استاد دانشگاه سوربن، که شریعتی در پاریس شاگردش بود، با شاه در سوئیس، که برای گذراندن تعطیلات زمستانی رفته بود، ملاقات کرد و از او خواست که شریعتی از زندان آزاد شود.

۱۳۵۴

رژیم که از دستگیری و حبس شریعتی طرفی نبسته و نتیجه‌ای نگرفته بود، بر آن شد تا با او به طرز «علمی»! برخورد کند. بدین منظور کمیته‌ای به نام «شریعتی‌شناسی» درست کرد که در آن افرادی چون رضا عطارپور، معروف به حسین‌زاده، از مهره‌های برجسته و فعال ساواک، و تنی چند از محققان رژیم و زندانیان سیاسی بریده، عضو بودند. کار این کمیته مطالعه‌ی آثار شریعتی و شنیدن نوار سخنرانی‌های او برای جعل کتاب و نوار به نام شریعتی بود.

۱۳۵۴

رژیم شاه برای وانمود کردن همکاری شریعتی با رژیم و برای تحقق هدف کمیته‌ی شریعتی‌شناسی، که مخدوش کردن چهره‌ی او به طرز علمی! بود، یک سلسله از درسهای شریعتی را که پیشتر با عنوان انسان، اسلام و مکتبه‌های مغرب زمین منتشر شده بود، با

عنوان مجعول «مارکسیسم، ضد اسلام» در روزنامه‌ی کیهان به چاپ رساند. در پی این توطئه، شریعتی از طریق دکتر احمد صدر حاج سید جوادی به مسؤولان روزنامه‌ی کیهان اعتراض کرد و آنها عذر آوردند که تقصیری ندارند و ساواک این مقاله را فرستاده است. سرانجام با اعتراض انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا و افشاگری دوستان و شاگردان شریعتی این توطئه‌ی رژیم افشا و خنثی شد.

۱۳۵۴-۱۳۵۶

تحت مراقبت و نظر ساواک قرار داشت و امکان فعالیت و سخن گفتن و منتشر کردن کتابهایش از وی سلب شد. خود می‌گفت: نوع زندانم تغییر کرده و از زندانی دولتی به زندان خانه منتقل شده‌ام. در این مدت چند بار به ساواک احضار شد و یا مقامات بلند مرتبه‌ی ساواک به صورت سرزده به خانه‌اش می‌رفتند.

۱۳۵۵

پسرش را، که از نظر امنیتی به علت ارتباط با جوانان مبارز به مخاطره افتاده بود و ممکن بود در پرونده‌ی او هم تأثیر بگذارد، برای ادامه‌ی تحصیل به خارج از کشور فرستاد.

۱۳۵۶

به علت هجرتی که در پیش داشت از عضویت در هیئت مدیره‌ی صندوق خیره‌ی فاطمه‌ی زهرا در روستای گاهه استعفا خواست. همچنین دو قطعه زمین را، که در آن روستا داشت، از طریق آن صندوق، به مردم آنجا واگذار کرد.

۱۳۵۶

بر آن شد، به هر گونه که شده است، از ایران هجرت کند. از این رو چون دانست که از کشور ممنوع الخروج است، سه راه را برای هجرت پیش‌بینی کرد: گرفتن دعوتنامه‌ای رسمی از مقامات دانشگاهی الجزایر برای تدریس در آنجا، خروج مخفیانه از مرز؛ گرفتن گذرنامه با نامی دیگر. هر سه راه به سعی دوستان شریعتی بررسی و، سرانجام، مشخص شد که همه‌ی پرونده‌های شریعتی به نام علی شریعتی یا علی شریعتی مزینانی است و نه علی مزینانی. حال آن که نام خانوادگی او، در اصل، و چنان که در شناسنامه‌اش بود، مزینانی است و نه شریعتی یا شریعتی مزینانی. بدین ترتیب شریعتی از راه سوم وارد عمل شد و با تدبیر ویژه‌ای به نام علی مزینانی گذرنامه گرفت.

۱۳۵۶

در ۲۶ اردیبهشت ماه به مقصد بلژیک هجرت خود را آغاز کرد. به هنگام توقف هواپیما در آتن، بدون هیچ برنامه‌ی قبلی و بااحتمال قوی برای رعایت تدابیر امنیتی، از هواپیما پیاده شد و پس از یک روز با یک شبانه‌روز توقف در آتن با هواپیمای دیگری به بلژیک رفت. سپس دو یا سه روز در بروکسل توقف کرد و از آنجا به انگلستان رفت تا از همسر و فرزندان، که قصد پیوستن به او را داشتند، استقبال کند. در این مدت چند روز به فرانسه رفت و سپس در شب ۲۶ خرداد به انگلستان برگشت و منتظر خانواده‌اش ماند که قرار بود ۲۸ خرداد از تهران به مقصد انگلستان هجرت کنند.

۱۳۵۶

سه روز پس از هجرت شریعتی از کشور ساواک از غیبت او مطلع شد و سخت به تکاپو و تلاش افتاد تا شاید او را بیابد. سرانجام ساواک در اواسط خرداد ماه کشف کرد که شریعتی با گذرنامه‌ی علی مزینانی از کشور خارج شده است. از این رو ساواک برای وادار کردن شریعتی به بازگشت و یا امتیاز گرفتن از او، از خروج همسرش جلوگیری کرد.

در روز ۲۸ خرداد همسر و فرزندان شریعتی به قصد خروج از کشور روانه‌ی فرودگاه شدند. در آنجا اعلام شد که خانم شریعت رضوی (همسر شریعتی)، ممنوع الخروج است. بدین ترتیب وی با فرزند خردسالش (مونا)، در ایران ماندند و دو فرزند نوجوانش

(سوسن و سارا)، به مقصد انگلستان و پیوستن به شریعتی از ایران خارج شدند.

۱۳۵۶

در ۲۸ خرداد دو فرزند شریعتی به لندن رسیدند و شریعتی در فرودگاه به استقبال آنها شتافت و از آنجا به محل اقامتشان رفتند. ساعت هشت صبح یکشنبه ۲۹ خرداد پیکر شریعتی را در آستانه‌ی در ورودی اتاق، که پنجره‌اش باز شده بود، به پشت افتاده و در حالی که بینی‌اش سیاه شده و باد کرده بود افتاده و بی‌جان یافتند.

۱۳۵۶

سرانجام روزنامه‌های اطلاعات و کیهان پس از چند روز سکوت درباره‌ی درگذشت دکتر شریعتی، در سال ۳۱ خرداد ماه اعلام کردند: مرحوم دکتر علی شریعتی که برای درمان ناراحتی چشم و کسالت قلبی خود به انگلستان رفته بود در آن جا بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت. همچنین در روزنامه‌ی کیهان دوم تیر ماه آمده بود: دکتر شریعتی از مدتی قبل از بیماری قلبی در رنج بود و سرانجام در ۵۶/۳/۲۹ بر اثر آخرین حمله‌ی قلبی بدرود حیات گفت. حال آنکه شریعتی در سراسر عمر خود حتی یک بار هم به پزشک قلب رجوع نکرده بود. او نه برای «کسالت قلبی» خود به انگلستان رفته بود و نه از «مدتی قبل» بیماری قلبی داشت. شریعتی پس از آزادی از آخرین زندان، به اصرار برخی از دوستانش، که از سیگار کشیدن او نگران بودند، نواری از ضربان قلب او توسط دکتر محمود فرهودی، که اینک گواه هستند، برداشته شد. نتیجه‌ی کاردیوگرافی رفع هر گونه نگرانی کرد و نشان داد که شریعتی از ناحیه‌ی قلب کاملاً سالم است.

۱۳۵۶

گروهی از اعضای ساواک، به سرپرستی یک افسر امنیتی، برای تصاحب پیکر شریعتی و انتقال آن به ایران، وارد لندن شدند. نقشه‌ی رژیم شاه این بود که پیکر شریعتی را در برنامه‌ای «دولتی» و با حضور مقامات رسمی کشور به ایران حمل کنند و با برگزاری مجلس بزرگداشت او و احترام صوری، خود را بی‌گناه نشان دهند. سرانجام به همت خانواده و دوستان شریعتی و دانشجویان خارج از کشور و اعضای نهضت آزادی ایران در خارج از کشور، کلیه‌ی نقشه‌های رژیم نقش بر آب شد و وکیل احسان شریعتی از دولت انگلیس خواست پیکر پدرش به مأموران ایران تحویل داده نشود.

۱۳۵۶

پیکر شریعتی در بعدازظهر جمعه سوم تیر ماه، با مشارکت صادق قطب‌زاده، عبدالکریم سروش و کمال خرازی، غسل داده و کفن شد. آنگاه امام جماعت مسجد هامبورگ، حجت‌الاسلام محمد مجتهد شبستری، و تنی چند از دوستان شریعتی، بر پیکر او نماز گزارند.

۱۳۵۶

خانواده و دوستان شریعتی، پس از گفتگوهای فراوان، بر آن شدند پیکر شریعتی را در زینبیه دفن کنند. بدین ترتیب در روز یکشنبه، پنجم تیر، پیکر شریعتی از لندن به دمشق منتقل شد. در آنجا امام موسی صدر، دوستان شریعتی و بزرگان سوری و لبنانی و فلسطینی بر پیکر او بار دیگر نماز گزارند و پس از طواف در حرم حضرت زینب - س - در کنار آن حضرت به خاک سپردند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

شریفی حسینی، ابوالفتح

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۷۶ ق)، متکلم، محدث، فقیه و مفسر امامی. معروف به امیر ابوالفتح شرقه. از خانواده‌ای شیرازالاصل و سنی مذهب در ماوراءالنهر متولد شد. وی نزد عصام‌الدین ابراهیم اسفراینی و جامی تلمذ کرد. امیر ابوالفتح چون به مذهب شیعه گروید به اردبیل رفت و در آنجا به تحقیق در فقه شیعه پرداخت و تا پایان عمر در این کار بود. از آثار وی: «آیات الاحکام» به نام «تفسیر شاهی»؛ «اصول الفقه»؛ «تاریخ الصوفیه»؛ «تحقیق معنی الاقوال الشارحه فی المنطق»؛ «حاشیه الکبری»؛ «حشایه» «شرح المطالع»؛ «صفوه الصفاء». استاد نفیسی در «تاریخ نظم و نثر» و دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران» وی را از شاگردان موسی بن محمد قاضی زاده‌ی رومی دانسته و تاریخ وفاتش را ۹۵۰ ذکر کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۹۴/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۲/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۴-۳۷۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۷۲/۷)، الذریعه (۳۴۶-۳۴۵، ۲۱/۳۱۴، ۴۹/۱۵، ۱۳۳، ۵۹/۶، ۲۷۷/۴، ۲۶۱/۳، ۲۰۲/۲، ۴۱/۱)، ریحانه (۲۲۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰/۱۷۶).

شعار، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج یوسف شعار (۱۳۲۰ - ۱۳۹۴ ق)، از مفسران و مدرسین علوم قرآن کریم معاصر.

تفسیر مورد بحث در یک مجلد به زبان فارسی و شیوه استدلالی شامل بخشی از قرآن کریم است.

مؤلف در این اثر آیات مشکله قرآن کریم را گردآوری نموده سپس به تفسیر و تاویل آنها پرداخته است.

این کتاب در تبریز طبع گردیده است.

مؤلف دارای آثار دیگری بدین شرح است: (۱) محکمت و متشابهات در قرآن، و آن در یک جزء به زبان فارسی و شیوه

استدلالی در تفسیر و تاویل آیاتی از قرآن که مورد نظر مؤلف بوده است.

این کتاب در تبریز طبع شده است.

(۲) تفسیر سوره جمعه و منافقون، در یک مجلد به زبان فارسی و شیوه استدلالی و خطابی است.

مؤلف این اثر را به تفسیر سوره های جمعه و منافقون اختصاص داده و به تفسیر و تاویل آیات این دو سوره پرداخته است.

این تفسیر نیز در تبریز به چاپ رسیده است.

(۳) مقدمات تفسیر، در یک جزء به زبان فارسی است.

مؤلف در اثر خویش به کلیات علوم قرآن کریم پرداخته و مدخل تفسیر می باشد و در تبریز چاپ شده است.

منابع زندگینامه: تفسیر و تفاسیر جدید، ۳۷، ۲۰۰، فهرست کتابهای چاپی فارسی، ۱/۱۳۸۵ به بعد، مؤلفین کتب چاپی فارسی و

عربی، ۶/۸۹۴.

شفیعی دارابی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین شفیعی دارابی

محل تولد: دارابکلاء

شهرت: شفیعی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید حسین شفیعی دارابی در حدود سال ۴۸ وارد حوزه علمیه جعفریه زادگاه خویش روستای دارابکلاء ساری شدم سپس برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مشهد رفتم نزدیک به سه سال در جوار حرم ملکوتی امام رضا به فراگیری علوم مختلف ادبیات منطق و فقه و اصول اولیه پرداختم در سال تحصیلی ۵۴ از مشهد الرضا به جوار کریمه اهلیت و حوزه علمیه قم منتقل شدم از آن پس تا به حال در این شهر مقدس مشغول به تدریس، تدریس و تحقیق می‌باشم پس از ورود به قم احساس کردم باید تقویت بنیه علمی ام بخشی از ادبیات و منطق را مرور کنم و از محضر اساتید خوش آوازه آن زمان از قبیل مرحوم مدرس افغانی، عرفانی و ... بهره بردم سپس به فراگیری کتب مربوط به فقه و اصول شرح لمعه، اصول فقه مظفر، رسایل و مکاسب شیخ انصاری، کفایه الاصول مرحوم آخوند خراسانی و فلسفه و منطق و ... پرداختم و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات ستوده، پایانی، سید علی محقق داماد، سید مصطفی محقق داماد، سید حسن شجاعی، شیخ یحیی انصاری شیرازی، دکتر احمد بهشتی، دوزدوزانی، موسوی تهرانی، سید ابوالفضل موسوی تبریزی بهره جستیم پس از آن در کلاس درس اساتید خارج شرکت نمودم، از سال ۶۲ به بعد تدریس یک دوره اصول آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی را درک کردم در مباحث فقهی نیز خارج زکوه را از کلاس درس آقای منتظری که خداوند عاقبتش را به خیر کند و از اطرافیان و مشاوران ناباب نجاتش دهد استفاده نمودم خارج دو کتاب معظم فقهی یعنی خمس و حج را از محضر حضرت استاد آیت الله جوادی آملی بهره بردم در کنار دروس رایج در حوزه یعنی فقه و اصول و ادبیات با شرکت در کلاس درس اسفار آیت الله جوادی آملی و درس هیئت آیت الله حسن زاده آملی با کلیاتی از فلسفه و نجوم اسلامی آشنا شدم همچنین از مباحث تفسیری و اعتقادی و اخلاقی فرزنانگانی همچون مرحوم آیت الله مشکینی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله جعفر سبحانی، آیت الله ابراهیم امینی، آیت الله اصفهانی و ... با لطف و عنایت الهی در برنامه امتحان عمومی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط شهید مطهری در حوزه علمیه برگزار شد شرکت کردم و در قدم اول جزء ۲۰۰ نفری بودم که در امتحان کتبی قبول شدم، سپس در مصاحبه‌ای که خود آن شهید بزرگوار به عمل آورد شرکت نمودم و جزء شصت نفری بودم که قبول شدم سرانجام در دوره آموزشی کوتاه مدت شرکت کردم تا در کنار دیگر عزیزان با دانشهای غیر حوزوی آشنا گشتم کمتر از ۲ هفته از زمان تشکیل این کلاسها گذشته بود که حادثه عظیم شهادت شهید مطهری رخ داد ولی شاگردان و دست پروردگانش راه را ادامه دادند و ما را یاری رساندند در ادامه راه با سلسله مباحث و برنامه های مفید و کلاسیک و منظم فرزانه روزگارمان حضرت استاد آیت الله مصباح یزدی آشنا گشتم پس از آزمون وارد برنامه آموزشی موسسه در راه حق، سپس بنیاد فرهنگی باقرالعلوم و از محضر این شخصیت بزرگوار شیعه و برنامه های آموزشی مورد نظر ایشان بهره های فراوان بردم باید بگویم حیات علمی اینجانب بیش از هر کس موهون زحمات و راهنماییهای این استاد گرانمایه بوده و می‌باشد ناگفته نماند در طول سه سالی که در مشهد بودم با حضور در بحث تفسیری و نماز جماعت مسجد کرامت به امامت مقام معظم رهبری و جلسات شهید هاشمی نژاد در محل کانون بحث و انتقاد دینی و نیز کلاس تفسیری عارف صمدانی حضرت آیت الله میرزا جواد آقای

تهرانی بهره‌ها بردم در کنار فراگیری علوم مختلف از محضر اساتید بزرگوار به تدریس دروس مربوطه علاقه وافری داشته‌ام بدین جهت تمام متون درسی حوزه از جامع المقدمات تا رسایل و مکاسب را در این مدت تدریس نموده‌ام گاه در مدارس تحت برنامه شورای مدیریت شهیدین و عترت گاه در مراکز علمی دیگر جامعه الزهرا و غیره و گاه به صورت انفرادی و سالها به صورت دروس عمومی مدرس ۳ و ۴ دارالشفاء به تدریس علوم مختلف پرداختم سالهای پیش از پیروزی انقلاب و پس از ماجرای انقلاب فرهنگی سالها در دانشگاه صنعتی امام باقر تهران و دانشگاه آزاد اسلامی بروجرد به تدریس معارف اسلامی فلسفه اخلاق و تاریخ اسلام تاریخ سیاسی ایران پرداختم در کنار تدریس با توفیق الهی توانسته‌ام چندین کتاب و مقاله را به چاپ برسانم پاره‌ای از مقالات، از مقالات ممتاز شناخته شده اند به لطف پروردگار از جمله طلاب موفق در عرصه خطابه و سخنرانی می‌باشم تا به حال در شهرهای بزرگ و کوچک حدود ۲۰ استان کشور مسافرت تبلیغی داشته‌ام سالهاست که به عنوان مبلغ بعثه خطیب و سخنران در ایام عمره مفرده به مدینه و مکه اعزام می‌شوم در همین راستا در دو ماه رمضان به روسیه و ازبکستان اعزام شدم و بارها قبل از خطبه‌های نماز جمعه قم دفتر مقام معظم رهبری در قم دفتر آیت الله مکارم، حرم مطهر حضرت معصومه مدرسه فیضیه، حرم مطهر امام رضا به ایراد خطبه و سخنرانی پرداخته‌ام.

شفیعی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین شفیعی

محل تولد: فریدن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۷ در بوئین میاندشت از توابع شهرستان فریدن اصفهان بدنیا آمدم. پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی در زادگاهم، در سال ۱۳۵۰ به موجب انسی که با قرآن داشتم با حوزه آشنا شدم و در سال ۱۳۵۲ به حوزه علمیه قم راه یافتیم. بخش اعظم دروس سطح را در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی (قدس سره) فرا گرفتم و از اساتیدی چون آیات عظام طالقانی، استادی، صلواتی، مقتدائی و تهرانی بهره بردم. بخش دیگر دروس سطح را در خدمت اساتید بزرگوار: اعتمادی و مرحوم آیت الله ستوده بوده در محضر آیت الله امینی و جناب دکتر بهشتی با علوم عقلی آشنا شدم. در سال ۱۳۶۵ در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت جستیم. سال ۱۳۷۰ نقطه عطفی در زندگی علمی من بود، زیرا به توفیق الهی، مفتخر شدم در جلسات خصوصی درس تفسیر حضرت استاد که برای پاسخگویی به شبهات تفسیری تشکیل می‌شد حضور یابم و مباحث عمیق تفسیری را از معظم له فرا بگیرم. به موازات تدریس به تدریس نیز ابتدا به صورت خصوصی و سپس در برخی مدارس می‌پرداختم. در تدریس به توصیه حضرت استاد بیشتر تفسیر و علوم قرآنی را مورد توجه قرار دادم. همزمان به کارهای تحقیقاتی نیز روی آوردم. تصحیح برخی متون نسخه‌های خطی جزو کارهای اولیه اینجانب بود. به توصیه یکی از دوستان فاضل و محقق رسماً "نخستین مقاله خود را به

رشته تحریر در آوردم که در یکی از مجلات قرآنی به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۳ به موسسه "اسرا" راه یافتم و به تدوین، نگارش و تنظیم کتب حضرت آیت الله جوادی آملی پرداختم. طی این مدت، از تالیف مقاله، مشاوره دادن و فعالیتهای تبلیغی نیز غافل نبودم و در فرصتهای پیش آمده رسالت ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را با قلم و بیان به دوش می کشیدم. در همین ارتباط از سال ۱۳۶۳ مسئولیت امامت موقت جمعه زادگاهم را نیز پذیرفتم و گهگاه در برنامه "بر کرانه نور" رادیو معارف پاسخگوی سوالات دروس تفسیر حضرت استاد جوادی آملی هستم. هم اکنون علاوه بر تدریس در دو موسسه قرآنی نیز مشغول انجام وظیفه هستم.

شفیعی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی شفییعی

محل تولد: قوچان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۹ در روستایی از توابع شهرستان قوچان - به نام گزکوه - متولد شدم - در خانواده ای مذهبی و کشاورز، تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم و برای ادامه تحصیل به شهرستان قوچان آمدم که تا پایان سوّم راهنمایی در مدرسه شهید بهشتی به تحصیلات خویش ادامه دادم. تقدیر و پاره ای پس زمینه های ذهنی و تربیت های خانودگی علاوه بر برخی اتفاقات در دوران تحصیلات راهنمایی ام مسیر زندگی ام را تغییر داد و در سال ۱۳۶۳ همراه با دو نفر از دوستان دوران تحصیل به حوزه علمیه قوچان رفتم دروس ابتدائی حوزه را نزد اساتیدی همچون حجت الاسلام: غلام محسین دلاور - حسن وطنخواه - جعفر ابراهیمی - سید احمد صفویان - محمد مروج و محمد شریعتی شروع کرده و به فرجام رساندم. در سال ۱۳۶۷ با شرکت در امتحانات ورودی حوزه علمیه خراسان وارد مشهد شدم. در مشهد ابتداء به دروس اساتید گرامی چون فقیه سبزواری - صالحی - واعظی - نصراللهی - سیدان - رضازاده - اشرفی شاهرودی رفته و سطح را در محضر ایشان تلمذ کردم و از هر یک به فراخور خصوصیات اخلاقی و رفتاری بهره ها بردم.

در مشهد در مدارس علمیه امام زین العابدین (ع) - مدرسیه علمیه سید خندان - مدرسه علمیه آیت الله خوئی سکونت داشتم و همزمان در مدرسه علمیه امام زین العابدین (ع) (نیشابوری ها که البته مدتی بعد از آمدنم به قم متوجه شدم تعطیل شد) به تدریس تهذیب المغنی و سیوطی پرداختم. با پایان یافتن دروس سطحی در محضر استاد گرانقدر مرحوم مهدوی دامغانی حضور یافتم و شروع درس خارج فقه را با ایشان تجربه کردم - وی از شاگردان مبرز مرحوم آیت الله میلانی و دارای روحیات معنوی و عرفانی عجیبی بود که فرصت ذکرشان نیست - خارج نکاح را با ایشان شروع کردم و تا پایان حضورم در مشهد یعنی حدوداً سه سال این بهره گیری ادامه داشت.

چند سال حضورم در مشهد مقدس همراه بود با آشنا شدنم با فضاهاى جدید فکری و حضورم در هیئت تحریریه روزنامه توس -

چاپ مشهد - که بعد از مدتی دبیر صفحه حوزه و اندیشه آن روزنامه شدم. بیشتر مقالاتی که منتشر کردم مربوط به همین دوران بوده است. در سال ۱۳۷۵ به قم عزیمت کردم. در ابتدای ورود به قم با حضور در درس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی - حاج شیخ جواد تبریزی (ره -) شیخ جعفر سبحانی و ناصر مکارم شیرازی در نهایت با توجه به برخی معیارهای شخصی خویش به درس آیت الله محمدعلی گرامی رفته و تا سال ۱۳۸۳ به مدت نزدیک ۷۳ سال از محضر ایشان بهره بردم. مکاسب محرمه و برخی مباحث جدید را که در مکاسب محرمه اشاره مرحوم شیخ نبوده و بیع را نزد ایشان تحصیل و به پایان بردم. همزمان در درس تفسیر و خارج آیت الله دکتر محمدصادق تهرانی حاضر می شدم و استفاده می کردم.

تحصیل در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی و آشنائی با اندیشه های فقهی اصولی امام خمینی (ره -) موسسه تنظیم و نشر آثار - از دیگر مراحل زندگی نامه علمی ام بود. که پایان نامه مرکز تخصصی ام آمده برای دفاع است. حضور در پژوهشکده فقه و حقوق و دبیر اجرایی گفت و گویهای پژوهشکده سبب شد در تدریس خود نظم و انضباطی مناسب با فعالیت فوق بدهم و که سبب شد درس فقه آیت الله گرامی را تکرر و پی درس اصول استاد لاریجانی و درس فقه آیت الله صانعی بروم. دبیر اجرایی گفت و گویهای - حق و حکیم - آسیب شناسی فقه و قانون گذاری - اصول فقه حکومتی - احتیاط مبانی دگرها و ریشه ها و ... سبب شد همکاری ام با پژوهشکده فقه و حقوق تداومی تعریف یافته تر پیدا کنند و در سال ۱۳۸۳ به عنوان مدیر دفتر پژوهش آن پژوهشکده انتخاب شدم. مدیریت دفتر پژوهش سبب آشنایی با فضاها علمی جدیدی شد که این همکاری نهایتاً به عضویت در هیئت علمی پژوهشکده انجامدی که ادامه دارد. در مدت حضورم در قم به همکاری علمی و اجرایی با مراکز هم چون رادیو معارف، نمایندگی رهبری در جهاد سازندگی سابق تهران مرکز فرهنگ و معارف قرآن پرداخته ام و در مدارس هم چون معصومیه و شهید صدوقی به تدریس علوم قرآنی اشتغال داشته ام.

شکرانی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران رضا شکرانی

محل تولد: خمینی شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در خمینی شهر اصفهان متولد شدم و در خرداد ۱۳۵۹ دیپلم خود را گرفتم. شرکت فعال در محافل مبارزه با رژیم ستمشاهی از بزرگترین توفیقات الهی بود که طی سال های قبل از انقلاب نصیب من شد. با آغاز جنگ تحمیلی و بسته شدن دانشگاهها در پاییز ۱۳۵۹ به امر امام (ره) به خدمت سربازی درآمدم و از آنجا داوطلبانه به جبهه های جنگ رفتم. با پایان خدمت سربازی در پاییز ۱۳۶۱ باز بلافاصله از طریق بسیج به جبهه های جنگ رفتم و در عملیات والفجر مقدماتی مجروح شدم. همزمان با طی دوران نقاهت، در بهار ۱۳۶۲ در اولین کنکور سراسری پس از انقلاب فرهنگی، شرکت کردم و در اولین رشته انتخاب خود یعنی دبیری الهیات دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در تابستان ۱۳۶۶ دوره کارشناسی را به اتمام رساندم و

همزمان در آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه تهران شرکت نمودم و به عنوان نفر اول آزمون کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در پاییز ۱۳۶۹ با دفاع از پایان نامه خود که "استخراج مباحث تفسیر سید مرتضی (ره)" از کلیه آثار او و تحقیق و ترجمه بخشی از آن بود، فارغ التحصیل شدم. علی رغم درخواست موکد مدیر گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، جناب دکتر سید محمد باقر حجتی، مبنی بر اشتغال به تدریس در آن گروه، تدریس در دانشگاه اصفهان را انتخاب نمودم. بر این اساس در سال ۱۳۷۰ به عضویت هیات علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان درآمدم و در همین سال با تنی چند از دوستان دوران تحصیل، رشته الهیات را در دانشگاه اصفهان راه اندازی نمودیم و دو سال بعد به گروه الهیات رفتیم. در سال ۱۳۷۳ با فراهم آمدن امکان تحصیل در دانشگاه لیدز انگلستان قصد ادامه تحصیل در دکترای زبان شناسی با تکیه بر زبان قرآن را داشتم که به علت ابتلاء به بیماری دیسک از عزیمت به انگلستان بازماندم. به همین دلیل در سال ۱۳۶۵ به تحصیل در مقطع دکترای زبان شناسی همگانی مشغول شدم اما پس از یک سال تحصیل در این رشته، با پذیرش در آزمون دکترای علوم قرآن، به تحصیل در رشته دکترای علوم قرآن دانشگاه تهران مشغول شدم و سرانجام با دفاع از رساله دکتری خود با عنوان «تحلیل ساخت های نحوی قرآن» در مقطع دکترا فارغ التحصیل شدم. همزمان با تحصیل در دبیرستان و دانشگاه به صورت جنبی دروس حوزوی را نیز تا اواخر سطح به همراه یک دوره فلسفه و کلام فرا گرفتیم.

شمس الدین، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدحسن شمس الدین

محل تولد: مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمدحسن شمس الدین در سال ۶۴ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه مقدس در اراک شدم و دو سال مقدمات را در آنجا بودم و سال سوم یعنی ۶۷ به حوزه علمیه مقدسه قم آمدم تا بحال این توفیق را دارم در سال ۶۸ در مقطع کارشناسی به دانشگاه شهید بهشتی تهران رفته و با رشته ادبیات عرب را در سال ۱۳۷۲ فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۵ موفق به سطح سه حوزه شدم و همزمان سال وارد دروس تخصصی حوزه شدم که ۲ سال آن در دفتر تبلیغات و چهار سال در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی سطح چهار را با پایان نمه آفرینش در قرآن و عمده به پایان رساندم در طول این سالها در مراکز آموزشی همچون آموزش و پرورش و دانشگاه آزاد و پیام نور واحد نراق و ساوه و سپاه تدیس داشته ام و در بخش تحقیق و بررسی علمی در موسسه دائره المعارف فقه اهل بیت و پژوهش مرکز تحقیقاتی قضائی و مرکز تحقیقاتی امام حسن عسکری علیه السلام چند سالی مشغول بوده که حاصل آن کتب و مقالاتی بود که نوشتم.

شمس القراء، عبدالغفور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از اساتید فن قراءت و تجوید در اصفهان، و در این اواخر استاد مسلم و وحید به شمار می‌رفت. در مسجد آقا نور جلسه‌ی قراءت منعقد نموده، و در برخی از منازل و مساجد دیگر نیز جلساتی داشت. عموم قراء کنونی اصفهان از شاگردان او می‌باشند. در شب سه‌شنبه ۱۸ شوال ۱۳۸۳ به سن قریب به نود وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شوشتری، عبدالقائم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حقیر در روز نیمه ذی الحجه ی سال ۱۳۶۵ هـ.ق، روز تولد امام دهم حضرت علی بن محمد الهادی علیه السلام، در شهر قوچان متولد شدم. سیر و سلوک بنده از اینجا شروع شد: حدود ۱۳ ساله بودم که حس خداجویی در من بیدار شد، با کمال تشنگی از خود می‌پرسیدم راه وصال حضرت باری تعالی چیست؟ در سال ۱۳۳۹ شمسی بنده طلبه شدم و در مدرسه نواب مشهد مشغول تحصیل گردیدم و در کنار درس و بحث حوزوی به مطالعه کتبی که درباره ادیان و مذاهب و طرائق بود، مطالعه و تحقیق می‌نمودم. نخستین استاد اخلاق بنده، مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی احمدی سینائی بود که ایشان مؤکداً به تخلیه و تحلیه ۱ که مقدمه تزکیه نفس است توصیه می‌فرمودند. طی یک مقدمه با عارف مرتاض حضرت سید ابوالحسن حافظیان آشنا شدم و در خدمت ایشان علم اعداد و علم رمل و جفر ناقص و بعضی از ختومات را تعلیم گرفتم، ولی پس از چندین سال به دلالتی دفتر را پاره کردم و به رودخانه ماربره (از سرشاخه های رود دز) ریختم و بخود گفتم: یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم دولت صحبت آن مونس جان مار را بس ادبیات عرب را نزد عارف والامقام استاد حجت الاسلام هاشمی آموختم. ایشان اولین کسی بود که برای بنده درس عشق خدا را آموخت و من سخت مشتاق این راه شدم. چون حوزه قم را غنی تر از حوزه مشهد دیدم، محل تحصیل را از مشهد به قم تبدیل کردم. روزی خدمت حضرت آیت الله بهجت مشرف شده و شرح الحال اجمالی خود را به ایشان گفتم. ایشان فرمودند: من فعلاً به شما کتابهای مفیدی ۲ را معرفی می‌کنم. به خاطر علاقه زیادم به ایشان، بعضی نمازهای یومیه را در مسجد فاطمیه و به امامت ایشان اقامه می‌کردم و همیشه سعی می‌کردم پس از نماز مصاحبت ایشان را از مسجد تا منزل از دست ندهم و همچنین در کلاس درس خارج ایشان، قبل از شروع درس، از فرمایشات اخلاقی و معنوی معظم له استفاده می‌نمودم. دستورات ایشان اکثراً سفارش به انجام واجبات و ترک محرمات و انجام بعضی مستحبات و ترک مکروهات بود و در بین مستحبات دوام در طهارت و نافله شب و نماز جعفر طیار را بیشتر سفارش می‌فرمودند. در همین سالها از خرمن علم و عرفان آیت الله العظمی حاج سید رضا بهاء‌الدینی نیز بهره مند می‌شدم و مانند کلب اصحاب کهف اکثر روزها خدمتشان حاضر و استفاده می‌نمودم. ایشان همیشه شاگردان خود را به تفکر و تعقل تشویق می‌فرمودند. همچنین از جلسات منوّر و منوّر حضرت آقای حاج سید حسین یعقوبی قائنی نیز بهره مند گشته و از کیفیت سلوک عاشقان عملاً مطلع شدم. در همین ایام به درس منظومه و اشارات حضرت علامه آیت

الله حسن زاده آملی، عالم عارف، دریای بیکران علم و معرفت حاضر شده و از ایشان هم بهره ها گرفتیم. ایشان شاگردان خود را به تحصیل علوم مختلف دینی تشویق می کردند. همزمان با تحصیل در قم در فرصت هایی به مشهد نیز تشریف می یافتیم و خدمت بزرگ مردی سلیمان گونه، حضرت آقای شیخ عبدالکریم حامد استفاده می کردم که هنر ایشان موشکافی مسائل اخلاص بود. ایشان در مقام تربیت شاگردانش بر محور اخلاص ۳ بسیار سفارش می فرمود. عطش شدید من در جستجوی استاد کامل، با پیشنهاد برخی دوستان و مکاشفه ای به یافتن حضرت آقای حاج اسماعیل دولابی انجامید و همزمان خدمت حضرت علامه طباطبایی صاحب المیزان می رسیدم که درباره ایشان فقط می گویم: یک دهن خواهم به پهنای فلک تا بگویم مدح آن والا- ملک توضیحات: ۱- «تخلیه» عبارت است از پاک نمودن و تطهیر قلب از بدی ها و آلودگی های گناهان و غبار غفلت و اخلاق ناپسند و اعمال بد و «تخلیه» عبارتست از آرایش قلب به اطاعت و عبادت حضرت حق و جذب صفات حسنه و کریمه. ۲- آن کتابها عبارتند از: جامع السعادات ملامهدی نراقی و تذکره المتقین شیخ محمد بهاری و تفسیر شیخ حسن نجفی اصفهانی. ۳- «من اخلص لله اربعین يوماً فجر الله ینابیع الحکمه من قلبه الی لسانه: هر کس چهل روز خودش را برای خدا خالص گرداند، خداوند چشمه های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری گرداند.»

شهرستانی، محمد مهدی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید ابوالقاسم موسوی اصفهانی.

از اکابر علمای امامیه، فقیه زاهد عالم کامل مفسر. در حدود سال ۱۱۳۰ در اصفهان متولد گردید، و در ۱۲ صفر ۱۲۱۶ در کربلا وفات یافته. پس از تحصیل مقدمات در اصفهان با اهل و عیال و خانواده به کربلا مهاجرت نموده، و در آن ارض اقدس سکونت فرمود، و در آنجا نزد: وحید بهبهانی، و شیخ یوسف بحرانی، و ملا مهدی فتونی تحصیل نموده، و خود حوزه‌ی درس فقه و اصول و تفسیر داشته، و در بین شاگردان بهبهانی از جنبه‌ی تفسیر شهرت داشته، کمتر تألیف می نموده. تألیفات او عبارت است از: ۱- تفسیر برخی از سوره‌های قرآن ۲- حاشیه بر مفاتیح ۳- فذالک، در شرح مدارک ۴- مصابیح، در فقه؛ و غیره.

بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهرستانی، هبه‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۶-۱۳۰۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، هیوی، مجتهد، مفسر و رجالی. ملقب به هبه‌الدین و معروف به شهرستانی. نسبش با سی واسطه به زید بن علی بن حسین (ع) می‌رسد. او از سادات شهرستانی اصفهان است. در سامرا به دنیا آمد. مقدمات را در محضر پدرش آموخت. وی علاوه بر فراگیری صرف و نحو، منطق، عروض، بدیع، معانی و بیان از تاریخ و حدیث و ریاضیات نیز بهره‌مند گشت. در ۱۳۱۹ ق به نجف رفت و در حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی شرکت نمود و به

درجه‌ی اجتهاد نایل آمد و خود مستقلاً به تدریس پرداخت. شیخ جعفر نقدی و شیخ محمدرضا شبیبی و سید سعید کمال‌الدین از شاگردان او بودند. وی از شیخ محمدباقر اصطهباناتی شیرازی و سید عبدالصمد موسوی شوشتری و امیر سید محمد آل امیر سید علی کبیر و سید حسن بن هادی شرف‌الدین کاظمی و سید صدرالدین عاملی اصفهانی و آخوند خراسانی اجازه‌ی روایت و از سید مصطفی حجت کاشانی و سید محمد مجتهد کاشانی و سید مولوی هندی و سید محمد مهدی حکیمی و سید محمد حجت فیروزآبادی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او در ۱۳۲۸ ق مجله‌ی «العلم» را منتشر نمود که نخستین مجله عربی در نجف است و برای پشتیبانی آن کتابخانه‌ای تأسیس کرد تا علما و ادبا و به ویژه جوانان بتوانند از آن استفاده کامل برند. وی همچنین با مجله «المرشد البغدادی» همکاری داشت، و برای نشر معارف دینی به سوریه، لبنان، مصر، حجاز، یمن، ایران و هند مسافرت نمود. در دوره‌ی ملک فیصل، پادشاه عراق، عهده‌دار منصب وزارت معارف گردید. در ۱۳۴۰ ق از مقام خود استعفا نمود و به امر تألیف پرداخت. در ۱۳۴۲ ق مجدداً به امر حکومت عراق به ریاست دیوان عالی تمیز (مجلس تمیز جعفری) منصوب گشت. همچنین در ۱۳۵۲ ق از طرف مردم بغداد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و پس از انحلال مجلس در همان سال، تمامی اوقات خود را صرف تألیف نمود. در اواخر عمر در کاظمین کتابخانه‌ای به نام مکتبه‌الجوادین تأسیس نمود و کتابخانه شخصی خود را به آنجا منتقل کرد. او در کاظمین درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار علمی‌اش: «الامامه والامه»، «الجامعه الاسلامیه و العقائد القرآنیة»، «الجان والجن»، «حکمة الاحکام»، «الشریعة والطبیعة»، «فغان اسلام» یا «دعوة‌نامه»، «ماهو نهج البلاغه»، «المعارف العالیة للمدارس الراقیة»، «ثقة الرواة»، «مواقع النجوم فی تحقیق سماء الدنیا والرجوم»، «نقض الفرض فی اثبات حرکة الارض»، «نهضة الحسین (ع)»، «الهیة والاسلام»، «تفسیر سوره‌ی «الواقعة»»، «توحید اهل التوحید»، «المرجانیة»، در تلخیص «دلایل الخیرات»، «تنزیه التنزیل»، در اثبات صیانت مصحف از نسخ و نقص و تحریف، «التنبه فی تحریم التشبه بین الرجال والنساء» یا «التنبه فی حرمة التشبه بین النساء والرجال»، «المعجزة الخالدة»، در اعجاز قرآن، «رواشح الفیوض فی علم العروض»، «اشاعة النوادر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۱۰/۲۶۱)، الذریعه (۲۶۰-۲۵۹/۲۵، ۴۳۰، ۲۹۰/۲۴، ۲۴۳، ۲۳۰/۲۳، ۲۳۰/۲۳، ۲۰/۳۲، ۱۹/۲۷۷، ۲۷۷، ۱۰۶-۱۰۵/۳، ۱۶/۱۸۳، ۱۴/۱۰۱، ۳۸-۳۷/۱۲، ۲۵۷، ۱۱/۱۳۹، ۱۸۹، ۱۰/۴۴، ۸/۸۷، ۶/۳۷۸، ۵/۸، ۷۶، ۷۷، ۴/۴۸۷، ۴/۲۲۹، ۴۸۴، ۱۳۰، ۱۳۰/۶۳، ۴۸۱، ۲۱۴، ۲/۹۹، ریحانه (۳۵۲-۳۵۰/۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۴۱۸-۱۴۱۳/۱۴)، علماء معاصرین (۲۱۱-۲۰۱)، معجم رجال‌الفکر والادب فی النجف (۷۶۲-۷۶۱/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۵-۲۸۲/۴).

شهریکندی، کریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علم دینی.

تولد: ۱۳۰۵، روستای قاجر (اطراف مهاباد).

شهادت: ۲ فروردین ۱۳۶۱، مهاباد.

ملا کریم شهریکندی مقدمات را تا سیزده سالگی از پدر آموخت. پس از فوت پدر، به منظور ادامه‌ی تحصیل همراه برادرش ملا علی از شهریکند به روستای قروچا رفت و در آنجا در محضر ملا شیخ عمر مدرس به آموختن علوم اشتغال ورزید، چندی بعد نیز درسش را در قریه قراگوز ادامه داد. استادان او عبارت بودند از: ملا سید حسن مدرس روستای باغچه‌لهر؛ ملا عبدالله محمدی امام

جمعه سقز؛ ملا علی بوغده کندی (از فضلالی بوغده کند)؛ ملا شیخ حسن شیخی عارف روستای شیلخرو و ملا علی ولزی استاد روستای حمامیان از توابع بوکان. در سال ۱۳۱۸ به حوزه‌های علمی مهاباد روی آورد و مدت یک سال از محضر ملا صدیق صدقی استفاده علمی نمود و بالاخره تحصیلات عالی خود را در خدمت ملا حسین مجدی در مسجد بازار به پایان رسانید و اجازه‌نامه‌ی خود را از او دریافت نمود. در سال ۱۳۲۱ به امامت و تدریس قریه خلیفه لیان از توابع سلدوز نقده انتخاب شد و به آنجا رفت. مدتی بعد از طرف اهالی نقده به امامت و خطابت اهالی سنی نقده تعیین شد و به آن شهرستان رفت. اما پس از چند ماه به اصرار و استدعای اهالی خلیفه لیان برای بار دوم به آن قریه مراجعت کرد.

در سال ۱۳۳۱ به مهاباد رفت و مقیم شد، بلافاصله به عنوان مدرس مدرسه علوم دینی و امام جماعت مسجد مولوی از طرف اهالی مهاباد برگزیده شد و به تدریس مشغول شد. وی مدت بیست سال به تدریس در مدرسه علوم دینی و در دبیرستان‌ها مشغول بود و دانشجویان در تهیه و تنظیم پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی و دکترای ادبیات فارسی و عربی و حقوق و الهیات از او کمک می‌گرفتند. او با مراکز علمی دنیای اسلام مخصوصاً دانشگاه الزهراء در قاهره ارتباط داشت. و حتی از طرف این دانشگاه جوایزی به او اهدا شد. وی بر زبان و ادبیات عربی و کردی و فارسی تسلط داشت، مخصوصاً در تفسیر قرآن و تاریخ ایران و اسلام صاحب نظر بود.

وی سرانجام ساعت یک بعدازظهر روز دوشنبه دوم فروردین ۱۳۶۱ هنگامی که پس از ادای نماز ظهر از مسجد مولوی خارج می‌شد، به سبب اصابت سه گلوله به پیکرش شهید گردید.
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شهیدی پور، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا شهیدی پور

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در یک خانواده روحانی در شهرستان قم دیده به دنیا گشودم تحصیلات ابتدایی را در دبستان ملی مسعود گذراندم و در بیشتر سالها شاگرد نمونه کلاس بودم پس از گذراندن ششم ابتدایی با تشویق پدرم که روحانی برجسته‌ای است در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمی قم شدم و در مدرسه علمیه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول به تحصیل ادبیات و زبان عربی و دروس مقدماتی حوزه گردیدم. از همان دوران تحصیلات حوزوی اشتیاق فراوانی نسبت به قرائت و حفظ قرآن کریم در خویش یافتم و در کنار تحصیل به فراگیری فنون قرائت و حفظ قرآن پرداختم و به فضل الهی موفق به حفظ کل قرآن کریم در مدت چهار سال (۱۳۵۲ - ۱۳۵۵) شدم و در مدارس حوزه به تدریس فنون قرائت قرآن پرداختم. ضمناً در جلسات قرائت قرآن نیز به تدریس قرائت و مفاهیم قرآن به جوانان مشغول بودم.

در سال ۱۳۵۶ در مسابقات حفظ و قرائت قرآن که در سطح شهرستان قم در مسجد محمدیه سه راه موزه برگزار گردید به عنوان استاد و داور قرآن، همکاری داشته‌ام. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) که احیاگر ارزشهای قرآنی در کشور ایران و جهان اسلام بود فعالیت‌های قرآنی شکل تازه‌ای به خود گرفت و فراگیر شد و با استقرار دولت جمهوری اسلامی در ایران، فعالیت‌های قرآنی در نهادهای انقلابی و مؤسسات علمی و حوزه و دانشگاه آغاز و رشد و توسعه یافت اینجانب نیز در نهادهایی انقلابی از جمله سپاه پاسداران، بسیج، جهاد سازندگی اوقاف و امور خیریه سازمان تبلیغات اسلامی به تدریس فنون قرائت پرداختم. در سال ۱۳۵۹ به دعوت سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان داور مسابقات سراسری حفظ و قرائت قرآن و سپس در سال ۱۳۶۰ در مسابقات بین‌المللی حفظ و قرائت قرآن به داوری مشغول شدم که تاکنون ادامه دارد و سابقه اینجانب در داوری مسابقات بین‌المللی بالغ بر ۲۵ سال می‌باشد سابقه تدریس اینجانب در دانشگاه از سال ۱۳۶۳ تاکنون و افزون بر ۲۲ سال می‌باشد و در دانشکده شهید محلاتی دانشگاه آزاد اسلامی قم و اراک دانشگاه قم پیام نور دانشکده علوم قرآنی قم و مجمع آموزش عالی پردیس قم به تدریس فنون قرائت مشغول می‌باشم.

اینجانب تاکنون در مسابقات قرآنی فراوانی به عنوان داور مسابقات شرکت داشته‌ام از جمله: دانشگاه آزاد (قرآن و عترت) سازمان تبلیغات، نیروهای مسلح، ارتش، نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران، مسیح، جهاد دانشگاهی، پیام نور، بنیاد شهید، بنیاد جانبازان، تربیت بدنی، فهرستی و سازمان اداره زندانها می‌باشد. بیشترین فعالیت اینجانب در کنار تدریس فنون قرائت، تربیت مربی قرآن بوده که با همکاری برخی نهادها از جمله سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز پژوهشهای قرآن و عترت و جهاد دانشگاهی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها انجام شد و حاصل آن به ترتیب مریدان برجسته و متعهد در سراسر نقاط میهن اسلامی ایران می‌باشد. اینجانب موفق به تألیف چند کتاب گردیدم که هر کدام متن درسی قرائت و تجوید قرآن در حوزه علمیه و دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه آزاد اسلامی در سراسر کشور می‌باشد از جمله کتاب روان‌خوانی و تجوید قرآن، همکاری جناب آقای علی حسینی و آموزش قرائت قرآن با همکاری آقای حسین اسدی. نوشته دیگری که به سفارش مرکز جهانی علوم اسلامی انجام شده کتاب آشنایی با اصول قرائت می‌باشد که متن درسی طلاب علوم دینی غیرایرانی قرار گرفته است.

توضیحات تحلیلی وقف و ابتداء در حاشیه مصحف به سفارش شواری عالی قرآن صدا و سیما انجام شده که در مراحل چاپ و نشر می‌باشد و برای قاریان قرآن بسیار لازم و ضروری می‌باشد. با توجه به این که عنوان درس قرائت قاریان برجسته جهانی اسلام را تهیه کرده‌ام که از جمله غنی ترین آرشو تلاوت‌هایی قرآن در کشور به شمار می‌رود که شامل ده هزار تلاوت ۱۰/۰۰ می‌گردد که برخی از آنها در اختیار رادیو قرآن قرار گرفته و از آن رادیو پخش شده است این مجموعه در اختیار افرادی که در زمینه قبول قرائت تلاش می‌کنند قرار می‌گیرند و نیز در کلاسها و جلسات آموزش قبول قرائت استفاده می‌شود. اینجانب عضو شورای عالی قرآن اوقاف و امور خیریه و کارشناس تلاوت‌های قرآن در شورای قرآن صدا و سیما و عضو کمیسیون تحقق مرکز طبع و نشر قرآن کریم می‌باشم. در گروه گزینش استادان قرآن در دانشگاه آزاد اسلامی عضو بوده و در سال ۱۳۸۴ به عنوان خادم نمونه قرآن در زمینه آموزش و ترویج فرهنگ قرآنی معرفی گردیده و توسط رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد مورد تقدیر قرار گرفته‌ام که خداوند را بسیار شاکرم که توفیق خدمتگزاری به ساحت مقدس قرآن کریم را به اینجانب عنایت فرمود امید است لیاقت این عنوان را داشته باشم و از شفاعت قرآن و عترت در دو جهان بی‌بهره نباشم

شهیدی، میرزا ابوتراب

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا ابوتراب شهیدی در سال ۱۲۳۹، در قزوین متولد گردید. پس از تحصیلات مقدماتی علوم در محضر پدر و اساتید دیگر، در مدرسه صالحیه قزوین مشغول تحصیل شد. آن گاه به به نجف اشرف مشرف گردید و نزد بزرگترین علما آن زمان کسب فیض نمود. پس از بازگشت به ایران و مدتی شرکت در درس و بحث و تبلیغ برای مردم قزوین، در حرکت‌های سیاسی زمان خود شرکت نمود، اما به دلیل مخالفت با مشروطه خواهان اجباراً خانه نشین شد. پس از آن به تهران مهاجرت کرد و در مسجد همت آباد واقع در چهار راه حاج مهربان، به تشکیل جلسات بحث و مطالب دینی و تفسیر قرآن کریم اختصاص داد. حجه الاسلام میرزا ابوتراب شهیدی سرانجام در ۳۰ ذی القعدة ۱۳۷۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت. گروه: علوم انسان‌پرستانه: الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب: میرزا ابوتراب شهیدی فرزند آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم شهیدی، نواده حاج ملا محمد تقی برغانی معروف به شهید ثالث، در قزوین متولد گردید. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: میرزا ابوتراب شهیدی پس از تحصیلات مقدماتی علوم در محضر پدر و اساتید دیگر، در مدرسه صالحیه قزوین مشغول تحصیل شد. آن گاه به به نجف اشرف مشرف گردید و نزد بزرگترین علما آن زمان کسب فیض نمود. استادان و مربیان: میرزا ابوتراب شهیدی ابتدا نزد پدر خود علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به نجف اشرف رفته و در آن دیار در مجلس درس استادانی چون: سید محمد کاظم یزدی (صاحب کتاب عروه الوثقی) و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه الاصول) استفاده کرد. او پس از گذشت دوازده سال به ایران مراجعت کرد و در درس شیخ فض الله نوری حاضر شد. وقایع میان‌سال: مهمترین رویداد به وقوع پیوسته در دوران حیات حاج میرزا ابوتراب شهیدی وقوع انقلاب مشروطه و حوادث مربوط به آن بود. وی از جمله مخالفان جریان مشروطه خواهی بود و همین عامل مدتی برای او خانه نشینی و سپس مهاجرت به تهران را در پی داشت. زمان و علت فوت: میرزا ابوتراب شهیدی در ۳۰ ذی القعدة ۱۳۷۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت. فعالیت‌های آموزشی: میرزا ابوتراب شهیدی پس از اتمام تحصیلات خود در نجف اشرف، در سال ۱۳۳۰ ق به دیار خود قزوین بازگشت و مشغول تدریس گردید. سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: میرزا ابوتراب شهیدی پس از مدتی شرکت در درس و بحث و تبلیغ برای مردم قزوین، مدتی هم در حرکت‌های سیاسی شرکت نمود، اما به دلیل مخالفت با مشروطه خواهان اجباراً خانه نشین شد. پس از آن به تهران مهاجرت کرد و در مسجد همت آباد واقع در چهار راه حاج مهربان، به تشکیل جلسات بحث و مطالب دینی و تفسیر قرآن کریم اختصاص داد. آرا و گرایش‌های خاص: شیوه تفسیری حجه الاسلام میرزا ابوتراب شهیدی، تفسیر آیه به آیه به روایت است و در بعضی موارد بحث‌هایی فلسفی نیز دارد، چنانکه جامعیت آن را بین حکمت، فلسفه، کلام، روایات و تفسیری قرآن با قرآن را در آن مشاهده نمود. آثار: التوحید، المبین و تبیین فی شرح المواعظ البراهین و یژگی اثر: این کتاب تفسیر قرآن مجید به زبان فارسی است و در پنج جلد پایان یافته است. منابع زندگینامه: فرزندان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی‌ها، قزوین: بحر العلوم، ص ۱۹۳۲ قرآن پژوهان قزوین، مولف: سید محمد علی ایازی، تهران: موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۶-۱۳۷

شیبانی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد شیبانی

محل تولد : قاین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد شیبانی در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در خضری از توابع قائنات دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۱ که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه گناباد گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۸ به حلقه دروس خارج راه یافت. در آن دیار از درس بزرگانی همچون آیت الله رضا زاده، آیت الله مرتضوی، آیت الله حجت هاشمی، آیت الله واعظی طبسی و... بهره ها برد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم قرآن در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹ از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید ایشان برای تبلیغ مذهب انسان تشیع به کشورهای متعددی از جمله غنا، مالاوی و کنیا سفر کرده است، سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه تربیت معلم سبزوار و... مشغول است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود از نگارش و تألیف غافل نبوده است و مقالات متعددی به رشته تحریر در آورده است.

شیخ الاسلامی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود شیخ الاسلامی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در حین تحصیل دروس متوسطه را اخذ نمودم و مدتی توفیق حضور جبهه را داشتم در سال ۱۳۷۱ به تحصیل کفایتین و مکاسب اشتغال داشتم و به دست مقام معظم رهبری به لباس روحانیت ملبس شدم و در سال ۱۳۷۲ به بعد در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام سبحانی، مکارم به تلمذ مشغول شدم و در این همه سالها به تبلیغ و ارشاد

هم موفق بودم در سال ۱۳۷۴ در دروس تخصصی کلام در موسسه امام صادق تحت اشراف آیت الله سبحانی پذیرفته شدم و پس از فارغ التحصیلی به تدریس در حوزه و دانشگاه اشتغال یافتم در سال ۸۵ به عنوان عضو هیات علمی در دانشگاه پیام نور پذیرفته و در مرکز نظری ادای وظیفه می‌کنم و در خدمت دانشجویان و اساتید فرهیخته هستم .

شیخ الرئسی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد شیخ الرئسی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد شیخ الرئسی در سال ۱۳۲۰ در خانواده ای متدین و کاملاً آگاه به مسائل مذهبی و دوستدار خاندان پاک نبوت و امامت در کرمان دیده به جهان گشود ، دوران ابتدائی ، راهنمای و دبیرستان را با موفقیت پشت سر گذاردند و در سال ۱۳۴۰ وارد حوزه علمیه کرمان گردید پس از مدتی تحصیل در کرمان در سال ۱۳۵۵ که اوج مبارزات مردم و روحانیت علیه رژیم ستم پیشه شاهنشاهی بود وارد حوزه علمیه قم گردید تا در کنار تحصیلات حوزوی به جرگه معترضین به رژیم شاه بیوندد . در قم از محضر بزرگان علم و اخلاق همچون مرحوم آیت الله مشکینی و منتظری بهره ها برد.

در کنار تحصیلات حوزوی در سال ۱۳۷۸ در مقطع دکترا از دانشگاه آزاد تهران فارغ التحصیل شد و از پایان نامه خویش با عنوان شعرای شیعه در اثر عباسی اول با موفقیت دفاع کرد، و در کنار تحصیل علاوه بر تدریس به امر پژوهش هم اشتغال دارد که در این زمینه آثاری را هم در مجلات و روزنامه های کشور به زیور طبع آراسته است.

شیخ الاسلام تبریزی، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۰ - ۱۲۴۰ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و ادیب امامی. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری کتب مقدماتی، عربی و فارسی، برای تکمیل تحصیلات خود به نجف رفت و در آنجا در نزد شیخ انصاری و حاج شیخ مهدی آل کاشف الغطاء و فاضل ایروانی و شیخ محسن خنفر و شیخ مشکور و دیگران درس خواند. پس از نیل به مدارج عالی به زادگاهش بازگشت و مورد توجه خاص و عام گردید. در ۱۲۸۲ ق پس از وفات برادرش میرزا شفیع به منصب شیخ الاسلامی رسید. شیخ الاسلام علاوه بر مراتب علمی قریحه‌ی شعری نیکویی داشت و اشعار لطیفی از خود بجای گذاشت. وی سفری از تبریز به نجف و از آنجا به مکه کرد و در

حال حج‌گزاری از دنیا رفت و در قبرستان ابوطالب (ع) دفن شد. از آثار وی: «درايه الحديث»؛ «دکه القضاء»، در شهادت و قضاء؛ «رساله‌ی مشتقات»؛ «حقایق القوانین» که حاشیه‌ی «قوانین الاصول» است؛ «تمییز الصحیح من الجریح»، در تعادل و تراجیح؛ حواشی بر «مجمع البحرین» طریحی؛ «کاشفه الکشاف»، حاشیه بر «کشاف» زمخشری؛ «مفتاح البسمله»؛ «منتهی المقاصد»، در علم نحو؛ «مواقع النجوم فی مشکلات العلوم» یا «غایه الاملین»، در حل مشکلات آیات؛ «المنهل الصافی»، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ رساله‌ای در «عدم حجیت اصول مثبتة»؛ «عجب العاجب»، در مساله اجرت بر واجب؛ «ابداء البداء»، در حقیقت قدر و قضا. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵۵/۸)، اعیان الشیعه (۱۰۷/۱۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۸)، الذریعه (۲۳۰/۲۳)، ۴۱/۲۱، ۶/۱۶، ۲۲۰/۵، ۶۴/۱، ریحانه (۲۹۸-۲۹۶/۳)، علماء معاصرین (۴۴-۴۰)، معجم المؤلفین (۱۸۱/۱۲)، مکارم الآثار (۱۱۲۵-۱۱۲۳/۴).

شیخ بهائی، بهاء‌الدین، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۳۱/۱۰۳۰ - ۹۵۳ ق)، عالم، فقیه، مفسر، محدث، متکلم، ریاضیدان، ادیب و شاعر امامی، متخلص به بهایی. معروف به شیخ‌الاسلام والمسلمین و مجدد دین در رأس قرن یازدهم. در بعلبک به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر، در عهد شاه طهماسب، به ایران وارد شد. وی در محضر پدر خود، شیخ حسین، شاگرد شهید ثانی، و عبدالله بن شهاب‌الدین یزدی و محمدباقر یزدی و ملا علی مذهب و ملا افضل و اعتمادالدین محمود کچایی به فراگیری علم مشغول شد، تا اینکه در تفسیر، فقه، اصول، ادبیات، رجال، تاریخ، حکمت، کلام، طب، ریاضیات و سایر علوم سرآمد شد. عهده‌دار منصب شیخ‌الاسلامی گشت و امور شرعی یکسره به او محول شد. سپس او از این شغل کناره گرفت و سالیانی به سیاحت شهرها پرداخت، و به هرات و اران و آذربایجان و تبریز و مصر و شام و دمشق و عراق و حلب و فلسطین و بیت‌المقدس و سرن‌دیب و حجاز و مکه و مدینه و دیگر شهرها مسافرت‌ها کرد، و در اثناء این سفرها گاه به مباحثات علمی- مذهبی نیز می‌پرداخت. سرانجام به ایران بازگشت و همراه شاه عباس پیاده از اصفهان به مشهد رضوی رفت. شیخ‌بهایی احادیث شیعه را از پدرش و میرداماد روایت کرده و «صحیح باری» را از استادش، محمد بن محمد بن محمد مقدسی، روایت نموده است، که مقدسی نیز به واسطه‌ی دوازده تن محدث محمد نام، پی در پی از محمد بن اسماعیل بخاری نقل کرده است. شیخ‌بهایی آنی از تعلیم و تربیت فروگذار نبود و در حوزه درس خویش شاگردانی همچون، شیخ فاضل جواد بن سعدالله، ملا حسنعلی شوشتری، سید حسین کرکی، ملا خلیل قزوینی، محمد خلیل قاینی، میرزا رفیع‌الدین نایینی، شیخ زین‌الدین بن محمد سبط شهید ثانی، ابن ابی‌جامع، شیخ علی بحرانی، سید ماجد بحرانی، ملا محسن فیض کاشانی، ملاصدرای، محمد بن حسین ساوجی، میرزا رفیع‌الدین طباطبایی، ملا شریف‌الدین محمد رویدشتی، شیخ محمود جزایری، ابن‌خاتون، محقق سبزواری، مجلسی اول، ملا محدصالح مازندرانی تربیت کرده است. وی کتابخانه‌ی بزرگی گرد آورد که از جمله چهار هزار کتابی بود که شیخ علی منشار، پدر همسرش، از شهرهای هند به ایران آورده بود و پس از او به دخترش همسر شیخ‌بهایی، منتقل شده بود. شیخ‌بهایی در اصفهان درگذشت. جنازه او به مشهد رضوی منتقل کردند و در جوار حرم مطهر دفن کردند. در «ریحانه الادب» نود و سه اثر وی با شرح مختصر ذکر شده است. از آثار وی: «جبل المتین فی احکام احکام‌الدین»؛ «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین»، در فقه استدلالی؛ «الاربعین» یا «الاربعون حدیثا»؛ «جامع عباسی»، به فارسی، در فقه؛ «الکشکول»؛ «المخلاه»؛ «زیده الاصول» یا «الزیده»، در اصول فقه؛ «فوائد الصمدیه»، در نحو؛ «مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله»؛ رساله «الهلالیه»؛ «اثبات الانوار

الالهیه؛ «الاثنی عشریات»؛ «اسرار البلاغه»؛ «تهذیب البیان» یا «تهذیب»، در نحو؛ حاشیه‌ی «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه‌ی «خلاصه الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ «خلاصه الحساب»، در ریاضیات؛ «تشریح الافلاک»، در علم هیئت؛ «الاسطرلاب»؛ «بحر الحساب»؛ «الوجیزه»، در درایه، به نام «درایه الحدیث»؛ مثنوی‌های: «زنان و پتیر»، «شیر و شکر»، «طوطی نامه»، «نان و حلوا» یا «سوانح الحجاز»، «الزاهره». [۱]

(شیخ) محمد بن حسین عاملی (منسوب به جبل عاملی) معروف به شیخ بهائی، دانشمند بنام عهد شاه عباس بزرگ (و. بعلبک ۹۵۳ ه.ق. / ۱۵۴۶ م. - ف. اصفهان ۱۰۳۱ ه.ق. / ۱۶۲۲ م.) پدرش عزالدین حسین در سال ۹۶۶ به ایران مهاجرت کرد و بهاء‌الدین در ایران نشأت یافت و تألیفاتی به فارسی و عربی پرداخته که مجموع آنها به ۸۸ کتاب و رساله بالغ می‌شود، از آن جمله است: دو مثنوی فارسی «نان و حلوا» و «شیر و شکر»، جامع عباسی (فقه)، خلاصه‌الحساب، تشریح الافلاک کتاب اربعین (عربی)، کشکول که مجموعه‌ایست از نوادر حکایات و علوم و اخبار و امثله و اشعار عربی و فارسی. وی به فارسی و عربی شعر می‌سرودده. جنازه او را به مشهد انتقال و در مسجد گوهرشاد دفن کردند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۹۲۷-۹۲۶ / ۳)، الاعلام (۳۳۴/۶)، اعیان الشیعه (۲۳۴/۹)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۷۹- ۲۷۷ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۴۷- ۱۰۳۹ / ۵)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۱۵- ۵۰۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۲۲- ۱۲۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۱- ۱۵۰)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۵۰۶- ۴۹۵)، دایرة‌المعارف فارسی (۱۵۲۲/۲)، دنباله جستجو در تصوف (۲۵۹)، الذریعه (۷۷/۱۸، ۹۸۳، ۱۴۳، ۹ / ۲۴۱- ۲۴۰ / ۶، ۲۲۵- ۲۲۴، ۲۱۱، ۲۰۳، ۱۹۵، ۱۷۳، ۱۶۸، ۱۰۳، ۸۸، ۳۹ / ۶، ۳۰۲- ۳۰۱، ۶۳- ۶۲ / ۵، ۴۹۸، ۵۰۹، ۱۸۶- ۱۸۵ / ۴، ۴۲۵، ۳۶- ۳۵ / ۳، ۴۲/۲، ۱۱۸- ۱۱۷، ۱۱۵، ۸۵ / ۱)، روضات الجنات (۸۰- ۵۴ / ۷)، ریاض العارفین (۴۹- ۴۵)، ریاض العلماء (۹۷- ۸۸ / ۵)، ریحانه (۳۲۰- ۳۰۱ / ۳)، زندگینامه ریاضیدانان (۱۷۲- ۱۷۰)، سرآمدان فرهنگ (۲۳۲/۱)، سیری در شعر فارسی (۳۸۴- ۳۸۳)، شخصیت‌های نامی (۲۷۳- ۲۷۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸- ۸۵ / ۱۱)، عالم آرای عباسی (۱۵۷- ۱۵۵ / ۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۱۱- ۳۱۰)، فرهنگ سخنوران (۱۴۷)، فقهای نامدار شیعه (۲۲۸- ۲۰۹)، فوائد الرضویه (۵۲۱- ۵۰۲)، فلاسفه‌ی شیعه (۴۲۹- ۴۱۵)، کارنامه بزرگان (۳۲۵- ۳۲۴)، الکنی و الالقاب (۱۰۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۲- ۴۲۱ / ۵)، مجمع الخواص (۴۱- ۴۰)، مجمع الفصحا (۱۵- ۱۲ / ۴)، مطلع الشمس (۳۸۸- ۳۸۶ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۹)، منظومه‌های فارسی (۳۵۶- ۳۵۳)، نتایج الافکار (۱۰۵- ۱۰۳)، یغما (س ۱۳، ص ۱۴۶- ۱۴۳).

شیرازی، ابومحمد، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۲- ۱۲۳۰ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مرجع تقلید. مشهور به میرزای مجدد، زیرا که در آغاز قرن سیزدهم قمری مجدد مذهب جعفری بوده است. در شیراز به دنیا آمد. در کودکی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی دایی خویش، سید میرزا حسین موسوی مجد الاشراف، قرار گرفت. پس از فراگیری مقدمات به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمدتقی رازی، صاحب «حاشیه بر معالم»، و سید حسن مدرس بیدآبادی و حاج ابراهیم کرباسی استفاده نمود و قبل از بیست سالگی از مدرس بیدآبادی به دریافت اجازه نایل آمد. او مدتی در اصفهان به تدریس پرداخت و جماعتی از مجلس درس او بهره بردند. در ۱۲۵۹ ق به عراق رفت و در نجف در محضر شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ حسن آل کاشف الغطاء، صاحب «انوار الفقاهه»، و در

کربلا در محضر سید ابراهیم، صاحب «ضوابط»، تلمذ نمود. پس از درگذشت استادش، صاحب «جوهر»، در درس شیخ انصاری شرکت نمود و مدتها بحثهای او را در فقه و اصول ملازمت کرد و در بین چند صد نفر از شاگردان شیخ شاخص شد. پس از درگذشت شیخ انصاری در ۱۲۸۱ ق، وی عهده‌دار مرجعیت دینی گردید. در ۱۲۹۱ ق به سامرا رفت و در آنجا تشکیل حوزه‌ی درس داد. میرزا محمدتقی شیرازی، آخوند خراسانی، علامه سید محمد کاظم یزدی، حاج سید اسماعیل صدر، سید حسن صدر، میرزا محمدحسین نایینی، حاج میرزا حبیب‌الله رشتی، حاج آقا رضا همدانی، حاج سید اسدالله اصفهانی، حاج شیخ فضل‌الله نوری، حاج میرزا ابوالفضل کلانتری، حاج شیخ احمد شانه‌ساز و سید میرزا حسین علوی از شاگردان او بودند. در اواخر عمرش، زعامت شیعه در او منحصر گشت و این امر برای کمتر زعیمی در طول تاریخ شیعه اتفاق افتاده است. وقتی در رجب ۱۳۰۸ ق، ناصرالدین شاه امتیاز انحصار تنباکوی ایران را به تالیوت واگذار کرد و به خواسته مردم و رهبران دینی که خواستار لغو چنین امتیازی بودند وقعی نهاد، میرزای شیرازی طی حکمی در چند کلمه استعمال دخانیات را تحریم کرد. این واقعه به نهضت تحریم تنباکو معروف گشت. میرزا در اثر بیماری سل در سامرا درگذشت و طبق وصیت او، پیکرش را به نجف منتقل و در حرم امیرالمؤمنین (ع) دفن کردند. از آثارش: حاشیه بر «نجات العباد» شیخ محمدحسن نجفی؛ حاشیه بر «النخبه» ملا محمد ابراهیم کرباسی؛ کتابی در «طهارت»؛ رساله در «رضاع»؛ کتابی در «فقه»، از اول مکاسب تا آخر معاملات؛ تلخیص «افادات» شیخ انصاری؛ رساله «اجتماع الامر والنهی» [۱].

محمدحسن بن میرزا محمود بن میرزا اسماعیل بن السید فتح‌الله بن سید عابد بن لطف‌الله بن محمد مؤمن الحسینی شیرازی نجفی اعظم و اشهر و اعلی مرجع امامیه در تمام بلاد اسلامیة در زمان خودش در ۱۵ جمادی‌الاولی ۱۲۳۰ قمری در شیراز متولد شد و در آنجا مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی را خوانده در سن ۱۷ سالگی به اصفهان آمده و به درس علامه بزرگ شیخ محمدتقی (صاحب حاشیه معالم‌الاصول) آمده و درین ۲۰ سالگی به درس علامه ورع شیخ محمدابراهیم کلباس شرکت نموده تا یکی از مدرسین فاضل اصفهان گردیده جماعتی از فضلاء از محضرش استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف در سال ۱۲۵۹ ق نموده و به درس صاحب جوهر و شیخ حسن آل کاشف‌الغطاء مؤلف (انوارالفقاهه) حاضر شده و پس از آنها عمده استفاده‌اش از علامه شیخ مرتضی انصاری و در میان تلامذه شیخ موجه و مشار بالبنان بوده است و کراراً شیخ می‌فرموده من برای سه نفر مباحثه می‌کنم میرزا محمدحسن شیرازی (مترجم معظم ما) و میرزا حبیب‌الله رشتی و آقا حسن تهرانی و بعد از فوت شیخ در سال ۱۲۸۱ ق مردم متوجه به میرزا شده و همه شاگردان شیخ وی را بر خود مقدم داشته تا زعامت عامه و ریاست عامه به آنجناب منتهی شده و در سال ۱۲۸۷ ق در عصر شریف عبدالله الحسنی مشرف به مکه گردیده و در خانه موسی بغدادی وارد شده و وقتی شریف مکه یعنی پادشاه حجاز از ورودش مطلع شد وقتی معین کرد که میرزا به ملاقات او برود. میرزا به او جواب داد: قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله. (إذا رأیت العلماء علی ابواب الملوک فقولوا بئس العلماء و بئس الملوک و إذا رأیت الملوک علی ابواب العلماء فقولوا نعم العلماء و نعم الملوک).

وقتی که دیدید دانشمندان و علماء را که به دربار سلاطین رفت و آمد می‌کنند. بگوئید که چه بد علمائی هستند و چه بد ملوکی می‌باشند و بالعکس هنگامی که دیدید پادشاهان به منزل علماء آمد و شد می‌کنند بگوئید چه خوب علماء و چه خوب سلاطینی هستند. پس وقتی این جواب به شریف رسید فوراً به زیارت آن بزرگوار مشرف شد.

آثار و خدمات آنجناب به عالم تشیع بسیار است یکی از آنها تشکیل حوزه علمیه و بناء مدرسه در سامره بود که این شهری که مدفن دو امام معصوم و خاندان جلیلشان می‌باشد و زادگاه حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف است از ناامنی و خطر نواصب و متعصبین اهل سنت مصون شود و شیعیان با اطمینان خاطر برای زیارت و بیتوته در این مقام شریف مشرف شوند.

و دیگر از خدمات ایشان تحریم تنباکو و لغو شدن امتیازاتی که استعمارگران غربی از ناصرالدین شاه قاجار گرفته بودن و اثر این

مسئله که کتابها در این موضوع نوشته شده و تفصیل این مطالب مربوط بکتاب مسوطه دیگر است و علامه تهرانی صاحب الذریعه کتابی بنام (هدیه الرازی الی مجدد الشیرازی) نوشته و در آن بسط کلام داده است. آن بزرگوار در شب چهارشنبه ۲۴ شعبان ۱۳۱۲ بکسالت سل از دنیا رفت و جنازه‌اش را مردم با دوش از سامره به نجف اشرف که بالغ بر چهل فرسخ است حمل کردند و در صحن شریف مقبره جنب باب طوسی دفن نمودند.

حاج میرزا محمدحسن بن میرزا محمود بن محمد اسماعیل حسینی شیرازی (ف. ۱۳۱۲ ه.ق)، از علمای عالیقدر شیعه. میرزا در اوایل زندگی در سال ۱۲۴۸ ه.ق از مولد خویش شیراز به اصفهان آمد و نزد علمای آن شهر به تحصیل علوم عقلیه و نقلیه پرداخت و از آنجا در ۱۲۵۹ ه.ق به عتبات رفت و نزد شیخ مرتضی انصاری به تلمذ پرداخت. در سال ۱۲۹۱ ه.ق در سامره اقامت نمود و در آنجا به تدریس و تعلیم مشغول بود تا اینکه در ۱۳۱۲ ه.ق بدرود حیات گشت و جنازه‌اش را به نجف حمل کرده و به خاک سپردند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۳۱۰- ۳۰۴/۵)، الذریعه (۲۴/۹۱، ۲۲۷/۶)، ریحانه (۶۸- ۶۶/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۱- ۴۳۶/۱۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۹۳)، الکنی و الالقاب (۲۲۳- ۲۲۲/۳)، لغت نامه (ذیل / حسن شیرازی)، معجم المؤلفین (۲۹۳- ۲۹۲/۳)، مکارم الآثار (۸۹۰- ۸۸۳/۳)، میرزای شیرازی.

شیرازی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله شهید سید حسن شیرازی : سال ۱۳۴۵ قمری با ولادت طفلی مبارک از این نسل پاک خاندان شیرازی ها با ریگر به خود بالید و مردمان بسیاری را به دعای شکر وادار کرد .

پس از گذراندن دوران کودکی در جوار بارگاه امیرالمومنین علیه السلام عشق به مکتب اهل بیت علیهم السلام سید حسن را به تحصیل در علوم حوزوی کشانید تا با اقتدا به اجداد پاک و مطهرش آینده ای روشن را برای خود رقم زند . سالها گذشت و او روح و جانش را با اشتیاق در زیر آبخار علوم آل الله شستشو داد تا مفتخر به اجتهاد گردید آن شهید والا مقام در حیات پر افتخارش در ممالک متعددی از جمله سوریه و لبنان و عراق و مصر سعی وافر در خدمتی خالصانه به اسلام نمود و سالیانی دراز دلیرانه به مبارزه با ظلم و ستم پرداخت و بارها تا مرز شهادت پیش رفت

او در عراق با انتشار مجلات و تالیف کتب مختلف به زبان عربی ضمن ایجاد تحول در نحوه فراگیری ادبیات عرب نقشی سبز در اعتلای سطح فرهنگی مردم شیعه عراق ایفا نمود در همین سالها به مخالفت با جریانهای ضد دینی که در عراق شکل میگرفت میپرداخت و مقالات کوبنده ای را منتشر میساخت.

در سوریه با تاسیس حوزه علمیه زینبیه خدمت بزرگی به مسلمانان این کشور نمود و در همین راستا توانست با فعالیتهای گسترده و نگرشی عالمانه در راستای اصلاح فرقه های علی الهی و اهل حق که از عقاید منحرفی برخوردار بودند خدمت شایانی از خود به یادگار گذارد .

ایشان در لبنان با تاسیس پایگاه علمی و فرهنگی و سازمانی به ام جماعه العلماء برگ زرین دیگری بر افتخارات خود افزود و همچنین تاسیس مدرسه الام المهدی از دیگر اقدامات ایشان بود در لبنان.

چندی بعد به دعوت بازرگان مهاجر لبنان به کشور ساحل عاج رفته و در اندک زمان توقف خود در آنجا اقدام به ساهت بنای

مرکز اسلامی نمود

ایشان همچنین در نبرد با حزب بعث که در سوریه شکل گرفته بود به مبارزه علنی و آگاهی بخشی به توده های مردم روی آورد و در این راهم متحمل سختیهای بسیار گشت. اما سرانجام در روز جمعه ۱۲ اردیبهشت سال ۵۹ انگاه که تصمیم داشت در مجلس یادبود شهید محمد باقر صدر شرکت کند مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید و پیکر ایشان پس از انتقال به قم و خواندن نماز توسط آیت الله العظمی مرعشی نجفی در صحن حرم حضرت معصومه سلام الله علیها به خاک سپرده شد

شیرازی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابومحمد، محمد حسن بن محمود بن اسماعیل حسینی شیرازی معروف به میرزای مجدد، معزالدین و میرزای بزرگ شیرازی، مرجع تقلید شیعیان زمان خود و فقیه امامی بود که در ۱۵ جمادی الاولی سال ۱۲۳۰ ق در شیراز متولد گردید. وی قبل از ۲۰ سالگی، صاحب اجازه از سیدمحقق میرسید حسن بیدآبادی شد و در اصفهان به تحصیل پرداخت. از جمله استادان وی صاحب جواهر و صاحب انوار الفقاهه، محمد ابراهیم کلباسی، محمدتقی اصفهانی و علی تُستری بودند. میرزای شیرازی پس از شیخ مرتضی انصاری، مرجع عالم اسلام گردید و در حدود سی سال این سمت را به عهده داشت. شاگردان زیادی در مکتب میرزا کسب علم کرده‌اند که از آن میان حضرات آیات عظام: علامه سیدمحمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، شیخ فضل‌الله نوری، میرزا حسین نوری، سیدحسین صدر، ابراهیم دامغانی، سید اسماعیل شیرازی و شریف جواهری را می‌توان نام برد. از کارهای بزرگ میرزای شیرازی، صدور فتوای تاریخی تحریم تنباکو در زمان ناصرالدین شاه قاجار به عنوان اولین مقاومت منفی مردمی در ایران علیه بیگانگان بود که باموفقیت انجام شده است. از آثار این مرجع بزرگ: کتاب فی الطَّهَّارَه، نِجَاةُ الْعِبَاد، رِسَالَةُ فِي الرِّضَاع و رِسَالَةُ فِي الْمُسْتَقْتِ می‌باشد. میرزا در سال ۱۳۱۲ ق در ۸۲ سالگی در سامرا فوت نمود و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

شیروانی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالحسن بن سید محمدحسین شیروانی عالمی فاضل بوده تألیفی بنام مصباح المفسرین در تفسیر آیه نور نوشته و تاریخ تألیف آن ۱۳۰۱ ق می‌باشد و ظاهراً ایشان از شیروان خراسان بوده است. بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

صابونی نیشابوری، شیخ الاسلام، ابوعثمان اسماعیل

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۴۹-۳۷۳ ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، خطیب و واعظ. در پوشنج به دنیا آمد. نه ساله بود که به دنبال قتل پدرش، که از وعظ بزرگ نیشابور بود، اولین مجلس وعظ را برقرار کرد. از ابوسعید عبدالله بن محمد رازی و ابوبکر بن مهران و ابومحمد مخلدی و زاهر بن احمد فقیه سرخسی و ابوحنسین خفاف و ابوالعباس تابوتی و ابوسعید سمسار و ابوبکر احمد بن ابراهیم بن فرات و دیگران حدیث روایت کرد. او در نیشابور و هرات و سرخس و حجاز و شام و جبال حدیث شنید و در خراسان و هند و گرگان و شام و حجاز و فلسطین حدیث گفت. صابونی در معره‌ی نعمان با ابوالعلاء معری ملاقات کرد. کتانی و علی صصری و بیهقی و محمد فراوی از وی روایت کرده‌اند. ابوبکر بیهقی او را امام مسلمین تعریف می‌کند و دیگران قدرت او در تفسیر و حافظه‌ی سرشارش را تحسین کرده‌اند. به قول عبدالغافر، در «السیاق» هفتاد سال وعظ گفت و بزرگان زمان همچون ابوطیب صعلوکی و استاد ابواسحاق اسفراینی و استاد ابوبکر بن فورک در مجلس وعظ او حاضر می‌شدند. او بیست سال در جامع شهر خطبه خواند و اقامه‌ی نماز کرد. سرانجام در نیشابور در گذشت. وی تصانیف بسیاری از خود بجای گذاشته است. از آثارش: «عقیده السلف»، «الفصول فی الاصول»، «الاربعین»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اسرار التوحید، تعلیقات (۶۸۸)، الاعلام (۷ / ۱۹۸)، الاعلام بوفیات الاعلام (۱ / ۲۹۹)، انساب سمعانی (۳ / ۵۰۶)، ریحانه (۷ / ۱۹۸)، سیر النبلاء (۴۴-۴۰ / ۱۸)، شذرات الذهب (۲۸۳-۲۸۲ / ۳)، العبر (۲ / ۲۹۴)، الکامل (۸ / ۸۱)، کشف الظنون (۵۳)، لغت نامه (ذیل / اسماعیل)، معجم الادباء (۱۹-۱۶ / ۷)، معجم المؤلفین (۲۷۶-۲۷۵ / ۲)، النجوم الزاهره (۵ / ۶۳)، الوافی بالوفیات (۱۴۴-۱۴۳ / ۹)، هدیه العارفین (۱ / ۲۱۰).

صاحبی فرد، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر صاحبی فرد

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره ابتدایی دوره دبیرستان (نظام قدیم) را شبانه در دبیرستان محمدیه کاشان گذراندم و در سال ۱۳۵۲ بعد از آشنایی با یکی از دوستان طلبه در کلاس درس دبیرستان علاقه ام به دروس حوزوی تقویت شده بالاخره در همان سال دروس مقدمات را شروع کردم؛ تا سال ۱۳۵۷ در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) و مدرسه علمیه مرحوم آیت الله یثربی بوده و از محضر بزرگانی چون حضرات آقایان صبوری، اسلامی تبار، مناقب (قدس سرهم) و جناب آقایان حضرات خراسانی، علم الهدی، صراف زاده و ... بهره بردم و از تفسیر مرحوم آیت الله نجفی در کاشان استفاده نمودم. در سال ۱۳۵۷ به حوزه مقدسه قم مشرف شدم و در مدرسه مهدیه در خیابان ۱۹ دی ساکن شدم و بقیه دروس سطح را نزد بزرگانی چون مرحوم آیت الله اعتمادی، مرحوم آیت الله حرم پناهی، مرحوم آیت الله ستوده، و نیز حضرات آقایان حسینی کاشانی و شریفی نیاسری و عمانی و اشعری (محمد حسین) استفاده کردم.

در ضمن در سال ۱۳۵۹ به مدت یک سال به دعوت یکی از دوستان در مدرسه امامیه شهرکرد مشغول به تدریس مقدمات شدم. حدود سال ۱۳۶۱ به درس خارج فقه و اصول رفتم و یک دوره درس اصول حضرت آیت الله مظاهری و مباحثی از درس آیت الله وحید خراسانی (مباحث الفاظ) و بخشی از مباحث اجتهاد و تقلید آیت الله تبریزی را شرکت کردم و نیز از مباحث فقهی حضراتی چون آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله فاضل لنکرانی بهره مند شدم و از حدود سال ۱۳۶۰ در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کردم. فلسفه (منظومه) را نزد حضرت آیت الله گرامی و بخشی از اسفار را در نزد حضرت آیت الله انصاری تلمذ کردم. از سال ۱۳۶۳ در فکر حفظ قرآن افتادم و بحمد الله و المنة این کار که باید حدود ۱۳۷۰ به پایان می رسید به علت وقوع حادثه ای به تاخیر افتاد و بحمد الله سال ۱۳۷۳ به انجام رسید.

از آنجا که به کارهای قرآنی علاقمند بودم اولین نکته ناب قرآنی در سال ۱۳۷۴ به ذهنم خطور کرد و به پیشنهاد دوستان اولین قلم زنی را شروع کرده و کتاب «اتمام حجتی دیگر یا اجر رسالت» را به لطف خداوند به رشته تحریر درآوردم.

به علت تدریس دانشگاه و تشویق حضرت حجت الاسلام حاج محسن قرائتی کار قرآنی در باب تاریخ اسلام را انجام دادم که نتیجه آن کتاب تاریخ اسلام در قرآن است که در سال ۱۳۸۱ از چاپ خارج شد همچنین به دنبال رهنمود مقام معظم رهبری در نام گذاری سال ۱۳۷۹ به نام امیر مومنان سلام الله علیه، آیات درباره آن حضرت به صورت یک مجموعه در آمد تا اینکه در سال ۱۳۸۲ مزین به زینت طبع گردید و در همان سال چاپ دوم آن نیز صورت گرفت.

در سفر بیت الله الحرام با توطئه وهابیت که بدترین تبلیغات علیه تشیع صورت می گرفت بیشتر آشنا شده و با رهنمود دوستان در بعثه مقام معظم رهبری در مکه مکرمه و هدایت حضرت آیت الله سبحانی نقدی بر کتاب تهاجمی «اهلبیت از خود دفاع می کنند» به نام «اهلبیت از دین دفاع می کنند» با کمک یکی از دوستان انجام شد. این کتاب در سال ۸۲ در شبکه اینترنت، سایت ولی عصر (عج) قرار گرفت و مورد استقبال قرار گرفت و در تابستان ۱۳۸۳ به چاپ رسیده و الان در آستانه چاپ دوم قرار دارد.

و بالاخره توفیق دیگر قرآنی که خداوند به این حقیر داد بررسی آیات مربوط به حضرت زهرا سلام الله علیها و به نام مبارک آن حضرت ۱۳۵ آیه درباره این بانو در یک مجموعه جمع آوری شد که در نوع خود کم نظیر یا بی نظیر است و الان مشغول دو کار قرآنی دیگر هستم یکی مکالمات و گفتگوهای بعد از مرگ در قرآن و دیگر خیرات و میرات از منظر قرآنی که تقریباً حدود ۸۰٪ کار آنها نیز انجام شده است.

اکنون نیز برنامه های تدریس در حوزه و آموزش متوسطه و برنامه های قرآنی در شهرهایی چون کاشان و ساوه دارم.

صادق نیا، مهرباب

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهرباب صادق نیا

محل تولد: دزفول

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۴

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۷ در شهرستان دزفول به دنیا آمد و در همان شهر تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در رشته ریاضی فیزیک سپری کرد. در سال ۶۴ وارد حوزه علمیه قم شد و پس از اتمام دروس مقدمات و سطح در سال ۶۹ وارد درس خارج شد. از آن سال تا کنون از اساتید نام‌آشنایی چون مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی (ره)، وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی (ره) بهره برده است. علاقه دیرین او به مباحث علوم قرآنی سبب شد در سال ۷۲ در آزمون ورودی سطح چهارم رشته های تخصصی شرکت کرده و در رشته تفسیر و علوم قرآن پذیرفته شود. در سال ۷۶ و همزمان با اتمام این دوره به مرکز مطالعات ادیان وارد شده و به عضویت هیئت علمی مرکز یاد شده در آمد (مرکز یاد شده الان با عنوان دانشگاه فعالیت می کند). موضوع مطالعاتی وی در این مرکز، ادیان ابراهیمی است و در این خصوص آثاری از ایشان منتشر شده است. تحصیلات آکادمیک نامبرده در سال ۷۹ با پذیرش در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم در رشته مدرسی الهیات ادامه یافت و در سال ۸۱ با دفاع از رساله خود با موضوع جایگاه شریعت در عهدین و قرآن موفق به دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد شد. در حال حاضر نیز دانشجوی دوره دکترای جامعه شناسی فرهنگی با گرایش مذهب در دانشگاه علامه طباطبائی تهران است که دوره ی آموزشی را پشت سر گذاشته و در حال تدوین پایان نامه است. در این فراگرد علمی سپران شده ایشان توفیق داشته اند سالیانی در حوزه علمیه قم در درس مقدماتی و سطح تدریس نمایند. در حال حاضر نیز در پاره ای از مراکز تخصصی حوزه و دیگر مراکز وابسته، به این مهم اشتغال دارند. تدریس در دانشگاه ها نیز از فعالیت های نامبرده در شمار است.

صادق فدکی، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جعفر صادقی فدکی

محل تولد: خواف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۶۳ پس از گذراندن دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم در ابتدا یک سال در مدرسه علمیه نواب بودم و پس از آن وارد مدرسه علمیه موسی بن جعفر (ع) شدم. بعد از یک سال و نیم به مدرسه علمیه سلیمانیه منتقل شدم و حدود پنج الی شش سال در این مدرسه مشغول تحصیل علوم دینی بودم. در سال ۱۳۷۰ در کنکور دانشگاه رضوی شرکت کردم و پس از قبول شدن وارد این دانشگاه شدم و در دانشگاه رضوی علاوه بر دروس دانشگاه و زبان عربی و انگلیسی به خواندن دروس حوزوی نیز اشتغال داشتم زیرا یکی از وظایف دانشجویان این دانشگاه گذراندن دروس حوزوی در کنار دروس دانشگاهی است. در سال ۱۳۷۵ از این دانشگاه با گرفتن مدرک کارشناسی در رشته علوم قرآن و حدیث فارغ التحصیل شدم و در همان سال در کنکور سراسری دانشگاهها ثبت نام کردم و در رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم پذیرفته شدم از اینرو برای گذراندن این مقطع

از مشهد به قم مهاجرت کردم و در قم علاوه بر اشتغال به دروس این دانشگاه در درس خارج برخی اساتید و مراجع نیز شرکت می‌کردم و پس از دو سال اشتغال به دروس دانشگاه وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن شدم و در روز چند ساعتی را در این مرکز به کارهای تحقیقاتی مشغول شدم و کار عمده من در این مرکز تشکیل پرونده علمی برای دائرةالمعارف قرآن کریم و سپس ارزیابی پرونده های دیگران بود که این کار تا کنون نیز ادامه دارد و بنده در حال حاضر از نیروی ساعتی به محقق رسمی تغییر وضعیت داده .

در حال حاضر به تألیف مقاله و ارزیابی مقالات دیگران اشتغال دادم و تاکنون حدود ۳۵ مقاله برای دائرةالمعارف قرآن کریم تألیف کرده ام که نیمی از این مقدار چاپ شده و بقیه برای چاپ در دست اقدام است. ضمناً در این مدت دو کتاب تحت عناوین سیمای شیعه از نگاه اهل بیت(ع) و ارتداد در قرآن کریم تألیف کرده ام که کتاب اول در سال ۱۳۸۵ از سوی مجمع جهانی شیعه شناسی چاپ شده و دومی از سوی انتشارات دفتر تبلیغات برای چاپ در دست اقدام می باشد. در سال ۱۳۸۴ در ۵ امتحان مقطع دکتری دانشکده علوم حدیث قم شرکت کردم و در رشته مدرسی معارف گرایش قرآن و متون اسلامی پذیرفته شدم و در حال حاضر در این دانشکده مشغول به تحصیل می باشم.

صادقی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد صادقی فرزند زین الخطباء و المبلغین مرحوم حاج شیخ محمدرضا لسان المحققین تهرانی.

در سال ۱۳۰۷ شمسی هجری برابر ۱۳۴۸ قمری در تهران دیده به جهان گشوده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی تا متوسطه به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و قسمتی از سطوح را در تهران خوانده و در اوائل ورود آیت الله العظمی بروجردی به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مدرسین حوزه علمیه فراگرفته و به درس خارج آیت الله بروجردی و آیت الله محقق داماد و آیت الله العظمی نایب الامام خمینی مدظله و آیات دیگر شرکت و هم معقول و فلسفه را از آیت الله علامه طباطبائی و آیت الله شاه آبادی و میرزا مهدی آشتیانی و امام خمینی و آقای رفیعی قزوینی و عرفان را از مرحوم میرزا مهدی اصفهانی استفاده نموده تا بعد از رحلت مرحوم بروجردی و زعامت و نهضت نایب الامام بر علیه امپریالیسم شرقی و غربی وارد صحنه مبارزه شده و با سخنرانیهای آتشین خود در قم و تهران و محکوم کردن رژیم طاغوتی در سال ۱۳۸۴ قمری مورد تعقیب عوامل ساواک و عمال جنایتکار شاهنشاهی قرار گرفته که مجبور به بیرون رفتن از کشور شده پس به عراق رفته و در جوار امیرالمومنین علیه السلام رحل اقامت افکنده و از محضر آیت الله العظمی نایب الامام آقای خمینی و برخی آیات عظام دیگر استفاده نموده و خود به تدریس و گفتن تفسیر پرداخته تا در سال ۱۳۹۲ هجری قمری که روی فشار و تهدیدهای دولت شوم بعث عراق به لبنان و بیروت عزیمت نموده و پنج سالی نیز در آنجا به فعالیت و خدمات دینی پرداخته تا در سال ۱۳۹۶ قمری و آشفتگی وضع لبنان مهاجرت به مکه معظمه نموده و دو سالی در جوار بیت الله الحرام رحل اقامت افکنده و تا سال ۱۳۹۸ قمری در نزدیکی مقام ابراهیم علیه السلام کرسی تدریس فقه جعفری گذارده و به تدریس فقه شیعه و نشر معارف حقه اثنی عشریه پرداخته و در ماه ذی قعدة الحرام برای پخش اعلامیه و سخنرانی بر علیه رژیم منفور پهلوی از طرف دولت سعودی زندانی شده و بعد از چند ماه آزاد و پس از سقوط دولت طاغوتی و اعلان حکومت جمهوری اسلامی و آزادی بعد از پنجاه و هفت سال اختناق و استبداد برای دیدار

امام و خویشان و دوستان پس از چهارده سال به وطن برگشته و برای ادامه وظائف روحی و دینی رحل اقامت به قم افکنده و مشغول تدریس و گفتن تفسیر موضوعی قرآن و اقامه نماز جمعه در مسجد جمکران قم گردیده است جناب دکتر صادقی دو بار به زندان بیدادگران مبتلا گردیده است اول برای سخنرانی در مسجد اعظم قم بر علیه شاه جلال و عمال جنایتکارش دوم در مکه معظمه از طرف دولت سعودی به اشاره دولت طاغوتی ایران و جمعا مدت هفده سال در خارج کشور به شرح زیر ده سال در نجف اشرف پنج سال در لبنان و بیروت و دو سال در مکه معظمه به سر برده و در طول این مدت شب و روز به تالیف و تصنیف اشتغال داشته و کتب سودمندی به یادگار گذارده که فهرست مطبوع مخلوط آن را تقدیم می‌دارم.

تالیفات عربی مطبوع مترجم محترم.

۱- المقارنات العلمیه و الکتایه بین کتب السماویه.

۲- علی والحاکمون.

۳- حوار بین الالهین و المادیین.

۴- رسول الاسلام فی الکتب السماویه.

۵- عقاید نابین کتب السماویه.

۶- الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه ۲۰ جلد چهار جلد به طبع رسیده. ۷- فتیاتنا.

۸- حوار بین اهل الجنة و النار.

۹- علی شاطئی الجمعه.

۱۰- لماذا انتصرت اسرائیل و متى تنهزم.

۱۱- المناظرات بین الالهین و المادیین.

۱۲- الفقه علی ضوء القرآن.

۱۳- تالیفات فارسی چاپ شده.

۱۴- بشارات عهدین.

۱۵- زمین و آسمان ستارگان از نظر قرآن.

۱۶- آفریدگار و آفریده از نظر مادی و الهی.

۱۷- مسیح از نظر قرآن و انجیل.

۱۸- گفتگوئی در مسجد النبی.

۱۹- دولت مهدی پرچم‌دار انقلاب جهانی.

۲۰- خاتم پیغمبران از نظر قرآن.

۲۱- حکومت قرآن.

۲۲- اسرار و مناسک و ادله حج.

تالیفات چاپ نشده.

۲۳- تقریرات الفقه عن الاستاد المحقق البروجردی.

۲۴- حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری.

۲۵- حاشیه بر منظومه سبزواری.

۲۶- حاشیه بر شرح لمعه.

۲۷- المعاد فی نظر القرآن.

۲۸- النبوه فی نظر القرآن.

۲۹- حول آیه التطهیر.

۳۰- شذرات الوسائل والوفای.

۳۱- حاشیه تحریر الوسیله.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صحفی، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مجتبی صحفی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید مجتبی صحفی فرزند حجت الاسلام سید مهدی صحفی در خانواده ای مذهبی در شهر قم در تاریخ ۱/۱/۱۳۴۱ به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را به پایان رساندم و دبیرستان را سال اول آنرا به اتمام رساندم و همزمان در حوزه علمیه قم نیز مقدمات را شروع نموده بودم با آغاز جنگ تحمیلی رهسپار جبهه ها شدم همراه با سایر رزمندگان مکرر در جبهه حضور یافتم و در بعضی مواقع به همراه چهار تن از برادر هایم سیدمرتضی، سید روح الله که در فاو شهید شد، سید محمد تقی که در رمضان مرحله پنجم شهید شد، سید مصطفی و سید محمد حسین در طول جنگ در حوزه علمیه نیز به تحصیل اشتغال داشتم و پس از گذراندن سطوح حوزه به درس خارج فقه و اصول علمای یاد شده در همین جزوه حضور پیدا کردم. این بنده نیز در یک دوره ای چهار ساله رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن تحت اشراف حضرت آیت الله مکارم حضور یافتم و شرکت جستم و پس از چهار سال فارغ التحصیل شدم و مع الاسف هنوز اقدام جدی برای دریافت موضوع سطح چهار ننموده ام. حقیر بسیار مختصر در کارهای تحقیقی دخالت داشته و دارم که در برگه های ضمیمه درج گردیده است.

صدرالشریعه بخاری، جمال الدین عبیدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۷ق)، فقیه حنفی، محدث اصولی مفسر حکیم طبعیدان، نحوی، لغوی و ادیب. مشهور به صدرالشریعه اصغر یا

صدرالشریعه ثانی. در خانواده‌ای دانشور به دنیا آمد. علوم متداول و مجد و بزرگی را از جدش تاج الشریعه و او نیز از پدر خود صدرالشریعه‌ی اول فرا گرفت. او در حکمت و طبیعیات و اصول فقه و علوم دینی از علمای عصر خویش به حساب می‌آمد. در بخارا درگذشت. وی آثار نفیس جدش، تاج الشریعه، را تنقیح کرد. از آثار اوست: «تعدیل العلوم»؛ «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، و شرح آن «التوضیح فی حل غوامض التنقیح»؛ «شرح الوقایه»، شرح کتاب جد خود «وقایه الراویه فی مسائل الهدایه»، در فقه حنفی؛ مختصر «الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»؛ «الوشاح»، در علم معانی و بیان؛ شرح «فصول الخمسین»، در نحو.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۵۴ / ۴)، ریحانه (۴۳۴-۴۳۳ / ۳)، کشف الظنون (۲۰۲۱، ۱۲۷۰، ۲۰۱۱، ۱۰۴۷، ۴۹۶، ۴۱۹)، الکنی و الالقب (۴۱۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / عبیدالله)، معجم المؤلفین (۲۴۶ / ۶)، هدیه العارفین (۶۵۰-۶۴۹ / ۱).

صلوکی نیشابوری، ابوسهل محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۹-۲۹۶ ق)، فقه شافعی، مفسر، ادیب، نحوی، صوفی و شاعر. شیخ خراسان در زمان خود بود. در اصفهان به دنیا آمد. وی به بصره رفت و چندین سال در آن شهر تدریس نمود و چند سال نیز در اصفهان اقامت داشت. سرانجام در ۳۳۷ ق به نیشابور آمد و سپس خانواده‌ی خود را به آنجا منتقل کرد. او بیش از سی سال کرسی درس و فتوی نیشابور را در اختیار داشت. صلوکی از ابن خزیمه و ابوالعباس سراج و احمد ماسرجسی و احمد محمدآبادی و ابن ابی حاتم و ابن انباری و محاملی و بسیاری دیگر حدیث شنید. پسرش، ابوطیب، و فقهای نیشابور در محضر وی فقه آموختند. ابوسهل مصاحب ابواسحاق مروزی بود و گفته‌اند که از وی فقه آموخت. گویند که او شبیلی را نیز درک کرده بود. نسوی وی را پیشگام علم تصوف می‌داند. ابوبکر صیرفی گوید که اهل خراسان همچون ابوسهل را هرگز نخواهند دید و صاحب بن عباد گفت که ما همچون ابوسهل ندیده‌ایم و خود او نیز مانند خودش را ندیده است. به هر حال او در شریعت و طریقت یگانه‌ی روزگار خود بود. وی در نیشابور درگذشت. ثعالبی اشعار بسیاری را به او نسبت داده است. «الفوائد» روایتی از اوست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اسرار التوحید، تعلیقات (۶۵۸)، الاعلام (۲۰۷)، الاعلام بوفیات اعلام (۲۵۳ / ۱)، انساب سمعانی (۵۴۰-۵۳۹ / ۳)، ریحانه (۴۴۶-۴۴۵ / ۳)، سیر النبلاء (۲۳۹-۲۳۵ / ۱۶)، شذرات الذهب (۷۰-۶۹ / ۳)، طبقات الصوفیه هروری (۵۸۵)، العبر (۱۳۲ / ۲)، الکنی و الالقب (۴۱۷-۴۱۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / صلوکی)، النجوم الزاهره (۱۴۱-۱۴۰ / ۴)، نفحات الانس (۳۱۸-۳۱۷)، الوافی بالوفیات (۱۲۵-۱۲۴ / ۳)، وفیات الاعیان (۲۰۵-۲۰۴ / ۴).

صفارزاده، طاهره

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می‌شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می‌آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم». شعرهای قدیمی اش یادآور سال‌های گل‌وله و فریاد است. علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی‌همتا است.

■ طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده، محقق و مترجم، متولد ۱۳۱۵ سیرجان

■ لیسانس ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران

■ ادامه تحصیل در انگلستان و سپس آمریکا در دانشگاه آیووا

■ کسب درجه MFA

■ استخدام در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) در سال ۱۳۴۹

■ رئیس دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده ادبیات

■ دکترا در رشته نقد تئوری و عملی ادبیات جهان

■ برگزیده شدن در «فستیوال بین‌المللی داکا» در سال ۶۷ به عنوان یکی از ۵ عضو بنیانگذار کمیته ترجمه آسیا،

■ «استاد نمونه» سال ۷۱ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی

■ «خادم القرآن» پس از انتشار ترجمه «قرآن حکیم»، سال ۸۰

سرپرستی و ویراستاری ۳۶ کتاب زبان تخصصی برای رشته‌های مختلف دانشگاهی

■ قصه، پیوندهای تلخ، ۱۳۴۱

■ شعر، رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱

Brella the Red um (سروده‌هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷ م. = ۱۳۴۷ ش.

طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان، ۱۳۵۰، سفر پنجم، ۱۳۵۶، حرکت و دیروز، ۱۳۵۷، بیعت با بیداری، ۱۳۵۸، مردان منحنی

، دیدار صبح، ۱۳۶۶، در پیشواز صلح، ۱۳۸۵، گزیده ادبیات معاصر، ۱۳۷۸، هفت سفر، ۱۳۸۴، روشنگران راه، ۱۳۸۴، اندیشه در

هدایت شعر، ۱۳۸۴

● اصول ترجمه، نقد ترجمه، ترجمه

■ اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان، از ۱۳۵۸

ترجمه‌های نامفهوم، ۱۳۸۴

■ ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی)، ۱۳۷۹

■ ترجمه قرآن حکیم (سه‌زبان - متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۰

■ ترجمه قرآن حکیم (دو‌زبان - متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۲

■ ترجمه قرآن حکیم (دو‌زبان - متن عربی با ترجمه انگلیسی)، ۱۳۸۵

■ لوح فشرده قرآن حکیم (سه‌زبان - متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۳ (نشر دوم) کامل و جزء ۳۰.

■ دعای عرفه (دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۱

■ دعای ندبه و دعای کمیل (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۳

■ مفاهیم قرآنی در حدیث نبوی: گزیده‌ای از نهج الفصاحه با ترجمه فارسی و انگلیسی، ۱۳۸۴

دعای جوشن کبیر، ۱۳۸۵

طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می‌شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می‌آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم»، شعرهای قدیمی‌اش یادآور سال‌های گل‌وله و فریاد است. علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی‌همتا است. صفارزاده نخستین مترجم قرآن کریم به ۳ زبان زنده دنیا است. صفارزاده شاعر، نویسنده، محقق و مترجم به سال ۱۳۱۵ در سیرجان در خانواده‌ای متوسط چشم به جهان گشود. اجدادش از عرفای مقید به مقابله با ظلم و عدالت پروری بوده‌اند. پدر و خواهرش هم اهل تصوف بودند. در خانواده، برپایی مجالس ذکر و دعا بویژه در اظهار ارادت به حضرت علی علیه السلام متداول بود. خانواده‌اش پیشینه عرفانی داشتند و همین امر سبب شد که او از همان آغاز نگاهی ویژه به پیرامونش داشته باشد. قبل از آنکه به مدرسه برود تجوید و قرائت و حفظ قرآن کریم را در مکتب محل آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذراند.

از کودکی ذوق نویسندگی و عشق به مطالعه آثار ادبی داشت و در دبستان به عنوان شاعر شناخته شده بود. در این زمینه آموزگاران و بعد دبیران او را بسیار تشویق می‌کردند.

نخستین شعر را در ۱۳ سالگی سرود که در روزنامه دیواری مدرسه به ثبت رسید و نخستین جایزه شعر را که یک جلد دیوان جامی بود در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد دکتر باستانی پاریزی که آن زمان از دبیران دبیرستان بهمنیار بود، از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد.

در ششم ادبی شاگرد اول شد و با جرأت در امتحان ورودی دانشگاه در رشته‌های حقوق و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات انگلیسی که مناسب آن دیپلم بود شرکت کرد و در هر سه قبول شد و چون تردید در انتخاب داشت خانواده‌اش به استخاره رجوع کردند و در نتیجه در زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت. مدتی به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت کار کرد و چون به دنبال یک سخنرانی در اردوی تابستانی فرزندان کارگران مجبور به ترک کار شد، برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت. در دانشگاه آیووا، هم در گروه نویسندگان بین‌المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه MFA نایل آمد. MFA درجه‌ای مستقل است که به نویسندگان و هنرمندانی که داوطلب تدریس در دانشگاه باشند اعطا می‌شود و نویسندگان به جای محفوظات و تاریخ ادبیات به آموختن نقد به صورت تئوری و عملی و انجام طرح‌های ادبی متنوع به مطالعات وسیع درباره آثار نویسندگان و شاعران می‌پردازند. دوره آن یک سال بیش از فوق لیسانس است و استخدام دارنده این مدرک در دانشگاه‌های آمریکا با پایه دکتری انجام می‌پذیرد. در زبان عربی استعداد خاصی داشت و چنانکه در مقدمه «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» گفته است: «در دوره دبیرستان و به تشویق یک استاد دلسوز و دانشمند، عربی پایه را خوب فرا گرفتم و هرگز رابطه‌ام با آموختن آن زبان قطع نشد چه کلاس‌های عادی و چه درس خصوصی را در محضر استادانی تلمذ می‌کردم که قرآن‌شناس بودند. خودم بر این عقیده هستم که بروز و شکوفایی استعداد من در زبان عربی به دلیل این بود که تجوید و قرائت قرآن کریم را در کودکی در سن ۶ سالگی آموخته بودم.»

طاهره صفارزاده برای دروس اصلی «شعر امروز جهان»، «نقد ادبی» و «نقد عملی ترجمه» را انتخاب کرد و در بازگشت به ایران اگرچه به دلیل فعالیت‌های سیاسی در خارج، مشکلاتی برای استخدام داشت اما چون در کارنامه‌اش از ۴۸ واحد درسی ۱۸ واحد ترجمه ثبت شده بود و کمبود نبود استاد ترجمه برای رشته‌های زبان خارجی موجب گله‌مندی گروه‌های زبان بود، در سال ۱۳۴۹ با استخدام او در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) موافقت شد. دکتر طاهره صفارزاده پایه‌گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزارکننده نخستین «نقد عملی ترجمه» در دانشگاه‌های ایران محسوب می‌شود. دانشگاه آیووا بنا به درخواست شاعران و نویسندگان «کارگاه نویسندگی»، نخستین مرکزی بود که به گنجاندن این درس در برنامه آموزشی رشته‌های زبان و ادبیات اقدام کرد. صفارزاده حدود ۳ سال بعد در کنار نویسندگان دانشجو به بهره‌مندی‌هایی از این آموزش جدید دست یافت. صفارزاده از

ابتدای تدریس خود در ایران متدی مبنی بر شناخت و تطابق مفهومی، دستوری و ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد ابداع کرد و این شیوه پیشنهادی در درسی که سابقه تدریس قانونمند نداشت نزد بسیاری از همکاران وی الگو قرار گرفت. پس از انقلاب اسلامی تعیین کتاب «اصول و مبانی ترجمه» اثر وی به عنوان کتاب درسی در زمینه شناخت نظریه‌ها و نقد عملی ترجمه به ویژه برای دانشجویان رشته «ترجمه» مفید افتاد.

دکتر طاهره صفارزاده به عنوان کارشناس ترجمه معتقد است: «در ترجمه دانستن موضوع یا مطلب مورد ترجمه مقدم بر دانستن زبان مبدأ و مقصد است. این خطر بزرگی است که متخصص رشته علوم انسانی، حتی رشته مهندسی متن پزشکی را و بالعکس یک پزشک متن جامعه‌شناسی را ترجمه کند، چون که اصطلاحات خاص مجموعاً زبان علمی یک رشته را تشکیل می‌دهند.» بر اساس این فکر دو تمرین «ترجمه تخصصی» و «معادل‌یابی برای واژگان تخصصی» در کتابهای زبان برای رشته‌های دانشگاهی به پیشنهاد او گنجانده شد.

طاهره صفارزاده در زمینه شعر و شاعری نیز به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر با عنوان شعر «طنین» توفیق یافت که در آغاز بسیار بحث برانگیز شد زیرا شعر مقاومت و طنز سیاسی، حکومت پسند نبود. سرانجام در سال ۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی از دانشگاه اخراج و برای دومین بار به خانه نشینی و فراغت اجباری رفت. و در ایام تنهایی و مشاهده پاره‌ای خیانت‌های سیاسی و اجتماعی، درون مذهبی او بیش از پیش متوجه حمایت خداوند گردید و تحولی شدید در وی ایجاد شد آن گونه که در زمان خانه نشینی، تمام وقت خود را وقف خواندن تفاسیر و مطالعات قرآنی کرد.

کتاب «سفر پنجم» او که دربرگیرنده اشعار مقاومت با مضامین دینی است در سال ۵۶ در دو ماه به سه چاپ با شمارگان سی هزار رسید. از مجموعه شعرهای او می‌توان به: رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱ breld the Red um (سروده‌هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷.م. ۱۳۴۷.ش.

طنین در دلنا [و دفتر دوم]، سد و بازوان، سفر پنجم، حرکت و دیروز، بیعت با بیداری، مردان منحنی، دیدار صبح، در پیشواز صلح، گزیده ادبیات معاصر، هفت سفر، روشنگران راه و اندیشه در هدایت شعر، اشاره کرد.

اشعار صفارزاده با نظر به مسائل سیاسی و اشاره به وقایع مهم جهان دارای خط فکری خاصی است. در همه آثارش به جریان‌های سیاسی ایران و جهان نظر دارد. صفارزاده با استفاده از زبان محاوره، اصطلاحات عامیانه، حتی مطرح کردن شعارها، تلاش می‌کند به شعر و زبان مردمی نزدیک تر شود. شاید به همین دلیل، از آوردن واژه‌ها و اسامی، از زبان‌های بیگانه خودداری می‌کند.

شعر صفارزاده دارای اندیشه‌های شکل یافته است که در قالب کلمات عرضه می‌شود. در شعر صفارزاده، فرصت‌ها گرانبهارترند و خواننده با شاعری مواجه می‌شود که اسلوب را در زبانی فشرده و با بار بیشتر از لحاظ اندیشه و تفکر می‌بیند. او با استفاده از تعبیر مذهبی و قصص و آیات قرآن کریم به صورت تلمیح و جهان‌مداری و سیاست محوری، رنگ و بوی خاص به اشعارش بخشیده است. خودش می‌گوید: شعر مقاومت و طنز سیاسی هیچ وقت حکومت پسند نبوده است.

صفائی حائری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله علی صفائی حائری در سال ۱۳۳۰ ه. ش (۱۳۷۰ ق) در بیت علم و تقوا و در مهد دانش، در شهر مقدس قم چشم به جهان گشود. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: پدر علی صفائی حائری، حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ عباس صفایی حائری (ره) از افاضل علمای زمان خود به شمار می‌رفت. پدر بزرگش مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ محمد علی صفایی حائری قمی (ره)، از فحول علمای نجف بود. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: علی صفائی حائری پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. وی ادبیات و بخشی از سطح را نزد مرحوم حاج شیخ نصرت میانجی و آیت‌الله جلیلی آموخت. شرح لمعه را نزد شهید محراب، مرحوم آیت‌الله مدنی و آیت‌الله میرزا ابوالفضل موسوی تبریزی و آیت‌الله موسوی اردبیلی، کتاب رسائل را نزد حضرت آیت‌الله آقای حاج سید مهدی روحانی و مکاسب و کفایه را نزد آیت‌الله ستوده (ره)، آیت‌الله میرزا حسین نوری و آیت‌الله فاضل لنکرانی فرا گرفت. مرحوم صفایی از استعدادی فوق العاده و هوشی سرشار برخوردار بود؛ به همین جهت در مدتی کوتاه توانست مدارج ترقی را پیموده، دروس سطح را با فراست و دقت پشت سر گذاشته و به درس خارج فقه و اصول راه پیدا کند. اساتید او در درس خارج فقه و اصول، حضرات آیات عظام آقایان: مرحوم محقق داماد؛ و حاج آقا مرتضی حائری؛ و مرحوم پدرش آیت‌الله حاج شیخ عباس صفایی حائری بودند. وی مراحل عالی فقه و اصول را با کنجکاوی و ذکاوت خاص خود در محضر پدر طی نمود، تا آن جا که به حلقه مباحثات علمی ایشان راه پیدا کرد. شوق زاید الوصف او در فراگیری علوم و عشق و علاقه‌اش به راهی که انتخاب کرده بود، از عواملی بودند که لحظه‌ای او را آرام نگذاشتند و هیچ مانعی باعث نشد که او از فراگیری دانش و معرفت غافل شود. او لیاقت خود را در درک عمیق و صحیح مبانی فقه و اصول به همگان نشان داد و به عنوان یکی از اساتید صاحب نام و طراز اول حوزه علمیه، درخشید و در عنفوان جوانی به مقام شامخ اجتهاد نایل آمد. استادان و مربیان: از استادانی که علی صفایی حائری در محضرشان کسب فیض نموده به شرح زیر است: حاج شیخ نصرت میانجی و آیت‌الله جلیلی، مرحوم آیت‌الله مدنی، آیت‌الله میرزا ابوالفضل موسوی تبریزی، آیت‌الله موسوی اردبیلی، حضرت آیت‌الله آقای حاج سید مهدی روحانی، آیت‌الله ستوده (ره)، آیت‌الله میرزا حسین نوری، آیت‌الله فاضل لنکرانی، مرحوم محقق داماد، حاج آقا مرتضی حائری و عمده‌ترین استاد او در این مقطع، مرحوم پدرش بود. زمان و علت فوت: علی صفائی حائری سرانجام این مشعل فروزان در سحرگاه روز سه شنبه بیست و دوم تیر ماه ۱۳۷۸ در حالی که طبق عادت همیشگی با تنی چند از دوستان و شاگردان خود عازم زیارت مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه (ع) بود، در سانحه تصادف جان به جان آفرین تسلیم کرد. پیکر آن فقید سعید به قم منتقل شد و روز پنجشنبه بیست و چهارم تیرماه پس از اقامه نماز توسط حضرت آیت‌الله آقای حاج سید مهدی روحانی، در میان موجی از غم و اندوه و بر روی دوش دوستان و شاگردانش با حضور جمعی از علما، فضلا، اساتید حوزه علمیه و اقشار مردم قم از حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) تا گلزار شهدای قم با شکوه تمام تشییع و در جوار قبر فرزند شهیدش محمد صفایی به خاک سپرده شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علی صفایی حائری در حمایت از نظام مقدس اسلامی تا بدانجا پیش رفت که در این راه فرزندش نیز به شهادت رسید. آیت‌الله صفایی حائری در سال ۵۹ طرح حمایت از نظام را مطرح می‌کردند و در مقابل دوستانی که اعتراض می‌کردند این چه حکومت اسلامی است که در یک سو بازرگانی است که ملی گراست و دیگران به صورت دیگر؟! ایشان می‌فرمودند: وقتی اهداف مقدس است، باید کمک کرد. و این عبارت قصار معروف ایشان است که: «تضعیف خیانت است، توجیه حماقت است و تکمیل رسالت. با کمبودها باید ساخت. اگر نیرو نیست، تربیت کن؛ اصلاً خود تو نیروی خوبی باش...» شاگردان: علی صفائی حائری در انتقال معارف کسب کرده خود هیچ بخلی به خرج نمی‌داد و آنچه را که خود آموخته بود، در کمال اخلاص همواره به دیگران نیز می‌آموخت و از این رهگذر شاگردان زیادی را تربیت کرد. روش او در تربیت شاگردان، سنت فراموش شده علمای سلف را زنده کرد، او با اقتدا به شیوه پر بار گذشته حوزه‌های علمیه، افرادی

را تربیت کرد که از ابتدایی‌ترین مراحل تحصیلی تا دروس ادبیات و سطح را به آنها آموخت و همگام با آنان و در کنارشان تا آن جا این روش را ادامه داد که درس‌های خارج حوزه را با آنها به مباحثه نشست و نه تنها در کارهای علمی که در همه امور زندگی در کنار آنها بود و به حل مشکلاتشان پرداخت. آثار: آرامش (مجموعه شعر) از زلال ولایت (بررسی چهل حدیث از سخنان امام حسین (ع)) چاپ انتشارات مسجد جمکران قم. از معرفت دینی تا جامعه و حکومت دینی (در دست چاپ) استاد و درس و روش تدریس استاد و درس، ادبیات، هنر و نقد انسان در دو فصل (اشاره به دو دوران قبل از بلوغ و بعد از بلوغ) انفاق (نگاهی به بحث انفاق و اثرات سازنده آن) ای قامت بلند امامت (تحلیلی کوتاه از مسأله انتظار در زمان غیبت) بررسی (مباحث این کتاب عمدتاً به نقد مکتب مارکسیسم می‌پردازد و ضمن بیان مسائلی درباره تاریخ، طبیعت، آزادی، زن، حجاب و مالکیت اسلامی، پاسخ‌های لازم را در مورد این زمینه‌ها بیان می‌کند.) بشنوازی (بحثی در مورد دعا، زیارت و شرحی بر دعای ابوحمزه ثمالی) پاسخ به پیام نهضت آزادی / انتشارات هجرت. پنج نامه بلند به فرزندان قبل از بلوغ. پیروز (مجموعه شعر) تابوت (مجموعه شعر) تطهیر با جاری قرآن، جلد تفسیر سوره توحید تطهیر با جاری قرآن، جلد (۴) تفسیر سوره نصر تطهیر با جاری قرآن، جلد (۵) تفسیر سوره کافرون تطهیر با جاری قرآن، جلد (۶) تفسیر سوره کوثر تطهیر با جاری قرآن، جلد (۷) تفسیر سوره‌های همزه، فیل، قریش و ماعون تطهیر با جاری قرآن، جلد تفسیر سوره‌های فلق و ناس تطهیر با جاری قرآن، جلد تفسیر سوره‌های بقره، انعام، آل عمران، لقمان، مدثر و علق (دنباله مباحث تطهیر با جاری قرآن که آماده چاپ است). تقریرات درس اصول تقریرات درس فقه دفتر اول: تعریف انقلاب اسلامی و آرمان انقلاب دفتر پنجم: میزان دفتر چهارم: مسئله انتظار دفتر دهم: موارد تقیه و احکام تقیه دفتر دوازدهم: قیام دفتر دوم: بینات دفتر سوم: بینش و آگاهی دفتر ششم: ولایت فقیه دفتر نهم: ضرورت تقیه دفتر هشتم: مفهوم تقیه دفتر هفتم: عمل در ارتباط با معرفت و محبت دفتر یازدهم: ائمه و تقیه ذهنیت و زاویه دید (این اثر به نقد ادبیات داستانی معاصر می‌پردازد و در آن مجموعاً ۱۱ اثر از نویسندگانی چون: حسن عابدینی، سیمین دانشور، محمود دولت‌آبادی، رضا براهنی، اسماعیل فصیح، شهرنوش پارسی‌پور، تقی مدرسی و گابریل گاریامارکز مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. این کتاب از طرف انتشارات کوبه در تهران با نام علی حائری در سال ۱۳۶۹ و در تیراژ ۵۵۰۰ نسخه انتشار یافته است.)، رشد (دیداری با سوره والعصر)، روش برداشت از قرآن، روش نقد، جلد (۱) نقد هدف‌ها و مکتب‌ها ۴۱ روش نقد، جلد (۲) نقد مکتب‌ها، آرمان آزادی، روش نقد، جلد (۳) نقد مکتب‌ها، آرمان آگاهی و عرفان، روش نقد، جلد (۴) نقد مکتب‌ها، آرمان تکامل، مارکسیسم، روش نقد، جلد (۵) نقد مکتب‌ها، آرمان تکامل، اگزیستانسیالیسم، شعرهای شهادت (مجموعه شعر)، صراط (دیداری با سوره حمد)، طرحی در زمینه روحانیت، مسائل حوزه و تبلیغ، طرحی در زمینه مسائل فقه. عاشورا (نگاهی به مسأله قیام امام حسین (ع))، غدیر (بحثی فشرده در زمینه مسأله ولایت و رهبری)، فریاد (شعری بلند در زمینه توحید و خداشناسی)، فقر (مباحثی در زمینه اقتصاد اسلامی)، مسئولیت و سازندگی، نزدیک به ۳۰۰ نوار کاست و ویدیویی از سخنرانی‌های مختلف او درباره مباحث کلامی، اخلاقی، تاریخی، تفسیر و فقه، نوشته‌ای در ۴۶ صفحه دست نویس که قبل از رفتن به جبهه در سال ۱۳۶۵ نوشته و طرح‌های کلی و آراء و عقاید خود را در آن بیان داشته است.، وداع (مجموعه شعر)، وصیت نامه او

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم / بخش زندگینامه علما ۱۳۷۱ - / www.hawzah.net

صلواتی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود صلواتی

محل تولد: خمینی شهر اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۵ پس از اتمام تحصیلات ابتدایی به تحصیل علوم اسلامی پرداختم. پس از اتمام دروس مقدمات برای ادامه تحصیل از اصفهان به قم آمدم. درسهای فقه و اصول و منطق و فلسفه را در قم آموختم. در سال ۱۳۵۱ بازداشت و به سربازی اعزام شدم آنگاه به زندان افتادم در سربازی و زندان مطالعات و تحقیقات خود را ادامه دادم بیشترین رشد علمی من در زندان بود که یک دوره کتابهای ملاصدرا را مباحثه کردم به صورت منظم روی قران و نهج البلاغه کار کردم و آنها را برای هم زندانیان تدریس کردم. آشنایی با علوم روز مطالعه تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ جهان و ... رجوعن ایام فراغت دوران زندان بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مراکز تحقیقات عقیدتی سیاسی سپاه را در قم راه اندازی کردم که وظیفه آن تهیه جزوات آموزشی برای سپاه در سراسر کشور بود و در این ایام کتابها و جزوات بسیاری تدوین و منتشر شد، کتاب روش تحلیلی مسائل سیاسی، تداوم انقلاب بر اساس ایمان، هجرت، جهاد. شرح بسیاری از خطبه‌های نهج البلاغه، رمضان ماه خدا، و ... در سال ۱۳۵۹ مدرسه رسول اکرم و آنگاه امام باقر و سپس دارالشفاء را زیر نظر آیت الله العظمی منتظری راه اندازی کردم که بیش از دو هزار طلبه در این مدارس به تحصیل مشغول شدند. در کنار کارهای اجرایی به پژوهش و تالیف پرداختم. که هشت مجله سیاسی فقهی حکومت اسلامی، تقریر و ترجمه درسهای استاد بزرگوار آیت الله منتظری نتیجه این دوره از زندگی است. ترجمه قران و صحیفه سجاده را از زندان آغاز کردم با شیوه ای نوین (مسجع و موزون) آنگاه به ویرایش و تکمیل آن پرداختم تا به چاپ رسید. هم اکنون نیز با یاری خداوند متعال به پژوهش و تدریس مشغولم و با مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم همکاری دارم.

سناری خوارزمی، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۹ق)، فقیه، مفسر، نحوی و لغوی. ادبیات را نزد شیخ ابوعلی ضریر نیشابوری آموخت و فقه را در خوارزم نزد ابو عبدالله وبری فراگرفت. آن گاه به بخارا رفت و فقه خویش را در محضر فقهای آن دیار تکمیل نمود. سپس به جرحانیه (خوارزم) بازگشت و سرانجام در قریه‌ی مذانه از قرای خوارزم سکنی گزید و عهده‌دار امور مذهبی آنجا گشت و در مسجد جامع آنجا هر صبح جمعه وعظ می‌گفت. او لغات غریب و اشعار مشکل بسیاری را در حفظ داشت. وی در مذانه درگذشت. از آثارش کتاب «شمارخ الدرر»، در تفسیر قرآن مجید می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲۸ / ۵)، ریحانه (۴۷۰- ۴۶۹ / ۳)، کشف الظنون (۱۰۱۹، ۴۴۷)، لغت‌نامه (ذیل / علی)، معجم الادباء (۶۴- ۶۳ / ۱۴)، معجم المؤلفین (۱۴۹ / ۷).

صنیعی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی صنیعی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پشت سر گذاشتن دوره تحصیلات ابتدایی در مدرسه سنایی قم، مشغول تحصیل در مدرسه راهنمایی امام موسی صدر شدم. سال او تحصیلات دوره متوسطه را در دبیرستان صدر و سال دوم را در رشته ریاضی فیزیک در دبیرستان حکیم نظامی و سال سوم دبیرستان را در تابستان سال ۱۳۶۰ هجری شمسی گذراندم. پس از دریافت مدرک دیپلم ریاضی فیزیک در خرداد ماه ۱۳۶۱، در اولین دوره آزمون ورودی دانشگاهها پس از انقلاب اسلامی شرکت کرده و همزمان در چندین مرکز آموزش عالی پذیرفته شدم و از طرف دولت، پیشنهاد تحصیل در خارج از کشور را به صورت بورسیه دریافت کردم. سرانجام در مهرماه ۱۳۶۲ در دانشگاه شیراز در رشته پتروشیمی با رتبه بالا پذیرفته شده و مشغول به تحصیل شدم. شوق به تحصیل در حوزه علمیه، مانع از ادامه تحصیل در دانشگاه شد و در همان ماه اول ورود به دانشگاه، درخواست انصراف دائم دادم و علی رغم ممانعت جدی از سوی مسوولان وقت دانشگاه شیراز خود را در آغوش گرم حوزه علمیه قم قرار دادم. با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۲ دوره مقدمات علوم حوزوی را در مدرسه مبارکه رضویه به پایان رساندم و سطوح بعدی را در خدمت اساتید بزرگوار که نام آنها در لیست اساتید آمده است تلمذ کردم. همزمان با تحصیلات حوزوی، در سال ۱۳۶۶ در آزمون ورودی دانشگاهها شرکت کرده و پس از پذیرش در دانشگاه تهران در رشته الهیات و معارف اسلامی - گرایش علوم قرآن و حدیث - مشغول تحصیل شده و در تیرماه ۱۳۷۰ فارغ التحصیل گردیدم. (در مقطع کارشناسی)

پس از گذراندن دوران سطح در حوزه علمیه قم و همزمان با شرکت در دروس خارج فقه و اصول، از سال ۱۳۷۵ در رشته تخصصی علم کلام، سطح چهار مشغول تحصیل و در سال ۱۳۷۹ این دوره را به پایان رساندم. از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۴ به مدت پنج سال در کانون اندیشه جوان وابسته به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مشغول ارزیابی و کارشناسی آثار بودم. تدریس در مباحث اعتقادی حوزه علمیه قم نیز از فعالیت های علمی اینجانب است.

والسلام.

ضیایی مرندی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۲-۱۲۷۵ ق)، مترجم، مفسر، شاعر، متخلص به ضیایی. ملقب به ناظم الملک. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات و فراگیری فنون شعر و ادب از استادان زمان خود. وارد خدمات دولتی گردید و در وزارت خارجه به خدمت اشتغال ورزید و با زبان فرانسه آشنایی کامل یافت. ضیایی در اواخر عمر به قم مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. وی را در روضه‌ی حضرت معصومه (س) دفن کردند. از آثار وی: «حقیقت‌نامه»، شعر، ترجمه‌ی وصیت‌نامه‌ی امیرالمومنین (ع) به امام حسن (ع)؛ «دیوان»؛ «سیاست‌نامه»، شعر، که ترجمه‌ی عهدنامه‌ی امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر است؛ «قصیده‌ی مولودیه»؛ «وصیت‌نامه‌ی حضرت رسول (ص) به امیرالمومنین (ع)»، شعر؛ تفسیر «سوره العصر»، به فارسی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۲۴۲). الذریعه (۶۳۳ / ۹ / ۳۳۸. ۴). ریحانه (۱۲۴-۱۲۳ / ۶). زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۰ / ۴). سخنوران نامی معاصر (۲۳۷۹-۲۳۷۶ / ۴). شرح حال رجال (۲۸۵ / ۱). فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۶۵. ۲۵۵۰ / ۲۰۵۳. ۲ / ۱۵۴۶-۱۵۴۵. ۱۱۹۶ / ۱). مؤلفین کتب چاپی (۴۴۸-۴۴۷ / ۲).

طالبی نیا، سعید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید طالبی نیا

محل تولد: خوی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۲۴

زندگینامه علمی

اینجانب هنگامی که در کلاس چهارم در رشته ریاضی فیزیک نظام قدیم درس می خواندم شیفته حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۷۲ قدم در آن نهادم مقدمات را در حوزه علمیه بناب در محضر اساتیدی همچون استاد صدر کریمی (صرف و نحو) استاد آتش زر (منطق) استاد طباطبایی (فقه) استاد سیدی (اصول) و استاد معظم بنابی (اخلاق و شرح لمعه) به پایان رساندم. آنگاه در مهر ماه سال ۱۳۷۸ عازم حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در محضر بزرگانی همچون آیت الله احمدی میانجی، آیت الله استادی، استاد حسینی بوشهری، استاد سید احمد خاتمی، استاد لطفی کاشانی، استاد علیدوست، استاد سجادی امین، استاد در گاهی تبریزی و ... به پایان رساندم و از دروس خارج حضرات آیات بهجت، وحیدخراسانی، مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، نوری همدانی و فروغی اردبیلی بهره بردم. در کنار دروس رایج حوزه، در مقطع کارشناسی ارشد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز تحصیل کرده ام. هم اکنون یکی از مدیران رادیو معارف هستم.

طالقانی، ابوالخیر، احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۹۰-۵۱۲ ق)، قاری، محدث، واعظ و فقیه شافعی. در قزوین متولد شد. در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. از ملکداد عمر کی و محمد بن یحیی نیشابوری و ابو عبدالله فراوی و عبدالغافر فارسی و عبدالجبار خواری و زاهر شحامی و ابن قشیری و ابن بطی در قزوین و نیشابور و بغداد فقه و حدیث آموخت. مدتی ساکن بغداد بود و در نظامیه و جامع قصر تدریس می‌کرد. موفق‌الدین عبداللطیف و ابن القرشی و رافعی از شاگردان وی بودند. با ابن جوزی واعظ مشهور، به نوبت، هر کدام یک روز، مجلس وعظ منعقد می‌نمودند. خلیفه وقت در مجلس موعظه حاضر و پس پرده می‌نشست و جمع زیادی از مردم در مجلسش ازدحام می‌کردند. روز عاشورایی بر منبر بود، مردم از وی خواستند که بر یزید لعن کند و او امتناع ورزید، لذا مطرود آنان گشت و به قزوین بازگشت و در همان جا درگذشت. وی تصنیفات مختصر و مفصل بسیاری در تفسیر و حدیث و فقه دارد. از آثار وی: «التبیان فی مسائل القرآن»، ردی بر حلولیه و جهمیه؛ «خصائص السواک»، که در «معجم المؤلفین» «خصائص السؤال» آمده است؛ «حظائر القدس». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹۳/۱)، ریحانه (۹۳/۷)، سیر النبلاء (۱۹۳- ۱۹۰/۲۱)، کشف الظنون (۷۰۵، ۳۴۱)، لغت نامه (ذیل / احمد)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۴۸- ۴۶ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۶۸- ۱۶۷ / ۱)، نامه‌ی دانشوران (۳۰۳- ۲۸۷ / ۸)، هدیه العارفین (۸۸/۱).

طالقانی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۵۸- ۱۲۸۹ ش)، عالم دینی، مفسر، فقیه، محقق و نویسنده. در قصبه گلیرد طالقان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در تهران گذراند و در ۱۳۰۵ ق به قم مهاجرت کرد و چندین سال از محضر اساتیدی چون آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری بهره برد. او آن‌گاه در مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس پرداخت. در ۱۳۱۸ ش بر اثر مخالفت با دولت پهلوی به شش ماه زندان محکوم گشت. پس از درگذشت استادش، آیت‌الله حایری، و پدرش، آیت‌الله سید ابوالحسن طالقانی، در تهران مقیم گشت و در مسجد هدایت به تفسیر قرآن و ترویج دین و انشتار مقالات مذهبی و دیگر وظایف دینی مشغول شد. در ۱۳۲۰ ش اولین مقاله‌ی خود را در مجله‌ی «دانش‌آموز» پیرامون اوضاع تاریک مسلمین نوشت. پس از جنگ جهانی دوم به طور جدی وارد فعالیت‌های سیاسی شد و تا پایان عمر از زندانی به زندانی رفت و بیش از ده بار زندانی شد. او عالمی روشنفکر و مبارزی بیداردل بود. در ۱۳۳۴ ش با نوشتن ترجمه و شرح کتاب «تنبیه الامه و تنزیه المله» علامه نایینی، دروان خفقان پس از کودتای ۲۸ مرداد را پیش‌بینی و خاطر نشان کرد که، با وجود استبداد، رشد علمی و اخلاقی ممکن نیست. آیت‌الله طالقانی در ۱۳۵۷ ش از طرف امام خمینی به ریاست شورای انقلاب و در ۱۳۵۸ ش به سمت اولین امام جمعه تهران- بعد از انقلاب- منصوب و با رأی مردم به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شد. آیت‌الله طالقانی در ۱۹ شهریور از دنیا رفت و در کنار شهدای ۱۷ شهریور در بهشت زهرا (س) اقامت جاوید گزید. از آثار وی: «اسلام و مالکیت»؛ ترجمه‌ی «الامام علی بن ابی طالب (ع)» عبدالفتاح عبدالمقصود؛ «بسوی خدا می‌رویم (با همه به حج می‌رویم)»؛ «پرتوی از قرآن»، تفسیر جزء سی‌ام قرآن و سوره‌ی حمد و بقره و آل عمران؛ ترجمه و شرحی بر «نهج البلاغه»؛ «مبعث، وحی، غار حرا»؛ «گفتارهای دینی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی، تربیتی». [۱]

آقای حاج سید محمود بن العلامه الورع آیت‌الله حاج سید ابوالحسن طالقانی از افاضل علماء و مجاهدین دانشمندان عصر حاضر تهرانست تولدش حدود سال ۱۳۳۰ قمری در تهران واقع شده و در حجر تربیت والد ماجدش پرورش یافته و تحصیلات خود را در تهران شروع و پس از آن مهاجرت به قم و چندین سال از محضر اساتید حوزه مخصوص مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت کوهکمری و آیت‌الله حاج سید محمد تقی خونساری استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله حایری و والد خود به طهران آمده و در مسجد خیابان اسلامبول (مسجد هدایت) اقامه جماعت و تنویر افکار جوانان و غیره نموده و در راه هدف خود حوادث و بلیاتی را تحمل نموده است.

نگارنده گوید: علامه طالقانی معاصر عالمی مبارز و دانشمندی مجاهد است بسهم خود خدمات ارزنده‌ای نموده و موجب هدایت و ارشاد بسیاری از جوانان و روشن فکران گردیده و نیز آثار عددیه آموزنده‌ای بطبع رسانیده است که از آنهاست:

۱- پرتوی از قرآن چهار مجلد، دو جلد از اول قرآن و دو جلد از آخر قرآن که تفسیر بسیار زیبایی است از جهت مطلب و قلم ۲- ترجمه و مقدمه کتاب عبدالفتاح بنام طلوع خورشید. محقق، عالم اسلامی، مجتهد.

تولد: ۱۲۸۲، یکی از روستاهای اطراف طالقان.

درگذشت: ۱۹ شهریور ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله سید محمود طالقانی تحصیلات خود را در قزوین شروع کرد و دوره سطح را در تهران به پایان رسانید. اساتید ایشان آیت‌الله محمدحسن اصفهانی، آیت‌الله میرزای شیرازی و آیت‌الله سید حسن صدر بودند. در قم نیز استادان وی آیات عظام کوه‌کمره‌ای و خوانساری بودند. پس از سال‌ها تحصیل در قم از آیت‌الله العظمی حائری یزدی بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی قم اجازه‌ی اجتهاد گرفت. آیت‌الله طالقانی در مدرسه‌ی سپهسالار به آموزش علوم اسلامی پرداخت. در حدود سال ۱۳۱۸ الی ۱۳۲۰ به تفسیر قرآن در مسجد قنات آباد پرداخت. اولین بار به سبب دفاع از یک زن محجبه در سال ۱۳۱۸ زندانی شد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ دست به تشکیل کانون اسلام در خیابان امیریه زد که در آن یک سلسله سخنرانی‌هایی ایراد می‌شد. همچنین در این کانون مجله‌ای به نام «دانش آموزان» منتشر می‌شد. از جمله همکاران این مجله مهندس مهدی بازرگان بود که اساس دوستی آن دو و همچنین دکتر عزت‌الله سبحانی از همین جا آغاز شد. در همین دوره است که انجمن اسلامی دانشجویان با همکاری مهندس بازرگان و دکتر سبحانی تشکیل می‌شود. آیت‌الله طالقانی در تشکیل و تأسیس اتحادیه مسلمین هم نقش فعالی داشت.

علاوه بر این فعالیت‌ها، در ترجمه و تدوین موضوعی نهج‌البلاغه با آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای همکاری نزدیک داشت. وی بعد از واقعه آذربایجان در سال ۱۳۲۵، از طرف اتحادیه مسلمین و جامعه روحانیت آن روز برای سرکشی به حوادث آذربایجان به آنجا سفر می‌کند و گزارشی تهیه می‌نماید.

در دوره‌ی ملی شدن صنعت نفت در مبارزات مردم شرکت داشت و در انتخابات دوره‌ی هفدهم مجلس شورای ملی از طرف مردم شمالی نامزد نمایندگی مجلس شد که مورد پشتیبانی مردمی قرار گرفت ولی انتخابات آن ناحیه مانند بعضی از نواحی دیگر انجام نگرفت و به دستور دولت برای جلوگیری از اخلاص‌گری‌ها انتخابات آنجا تعطیل شد. بعد از کودتای بیست و هشت مرداد مبارزه را به صورت پنهانی در نهضت مقاومت ملی ادامه داد و همچنان در منبر و جلسات مسجد هدایت برای مردم سخن می‌گفت.

در سال ۱۳۳۴ فدائیان اسلام مدتی در منزل طالقانی پنهان شدند تا این که مأموران طنین می‌شوند ولی چند ساعت قبل از اینکه مأموران به خانه بریزند، نواب و دوستانش از منزل طالقانی خارج می‌شوند و بعد از آن مأموران سر می‌رسند و وی را دستگیر می‌کنند که مدتی در بازداشت بود ولی چون مدرکی علیه او وجود نداشت، آزاد می‌شود، مجدداً در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ نیز بار دیگر سید مجتبی نواب صفوی، از اعضای فدائیان اسلام را، در اطراف دهات طالقان مخفی می‌کند.

در سال ۱۳۳۶ نیز توسط ساواک دستگیر شد که بیش از یک سال در زندان به سر برد. با آیت‌الله مرتضی مطهری همکاری نزدیک داشت و در تابستان سال ۱۳۳۹ در انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی به جبهه ملی دوم پیوست، جلسات وی در مسجد هدایت توسط حکومت تعطیل می‌شود و بعد از مدت کوتاهی آن جلسات در منزل احمد علی بابایی به مدت ده شب در دهه‌ی آخر ماه صفر ادامه پیدا می‌کند و همراه با آیت‌الله مطهری به تحلیل مسایل اجتماعی و سیاسی و روشنگری و افشاگری حقایق می‌پردازد.

در بیست و دوم خرداد ۱۳۴۲ دوباره دستگیر شد. پس از مدتی در شانزدهم دی ۱۳۴۲ او را به ده سال زندان محکوم کردند. فعالیت‌های او در زندان عبارت بود از برقراری جلسات قرآن، نهج‌البلاغه و تاریخ اسلام بود. آیت‌الله طالقانی همچنین توانست نخستین نماز جماعت در زندان را برپا نماید.

ایشان در کنفرانس‌هایی در کشورهای اسلامی به عنوان نماینده آیت‌الله کاشانی یا آیت‌الله بروجردی شرکت می‌کرد. در عید سعید فطر سال ۱۳۴۸ به مسئله‌ی فلسطین پرداخت و پس از خطبه‌ها مردم به پیروی از او گروه گروه به طرف محراب رفتند و فطریه خود را برای کمک به فلسطین هدیه کردند. روز عید فطر ۱۳۵۰ دستگیر و به زابل تبعید شد. آیت‌الله طالقانی دو سال بدون محاکمه، شکنجه‌های روحی و جسمی را در زندان تحمل کرد. در سال ۱۳۵۶ سه سال را در بدترین شرایط در زندان گذراند. سرانجام در پاییز ۱۳۵۷ همراه با دیگر زندانیان سیاسی از زندان آزاد گردید.

در محرم سال ۱۳۵۷ برابر با یازده آذر پیامی برای مردم ایران فرستاد. ایشان همچنین به پیروی از امام در دهم بهمن ۱۳۵۷ پیامی برای ارتشی‌هایی که با ملت همدل بودند فرستاد. در تشکیل مجلس خبرگان به عنوان نماینده اول مردم تهران انتخاب شد. وی همچنین امام جماعت نخستین نماز جمعه در پنج مرداد ۱۳۵۸ بود. ایشان هفت نماز جمعه برگزار کرد که آخرین آن در بهشت زهرا در شانزده شهریور ۱۳۵۸ بود.

آیت‌الله طالقانی برای پایان یافتن درگیری‌های کردستان به همراه آیت‌الله سید محمدحسین بهشتی و حجت‌الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی به آنجا سفر کردند.

از جمله آثار اوست: پرتوی از قرآن (۱۳۴۲)، تنظیم شده در زندان قصر؛ مقدمه، توضیح و تعلیقه بر تنبیه الامه و تنزیه المله؛ اسلام و مالکیت (۱۳۳۰)؛ ترجمه جلد اول کتاب امام علی بن ابیطالب (نوشته عبدالمفتاح عبدالمقصود، ۱۳۳۵)؛ به سوی خدا می‌رویم؛ با هم به حج می‌رویم (۱۳۳۲)؛ پرتوی از نهج‌البلاغه؛ آینده‌ی بشریت از نظر مکتب ما؛ آزادی و استبداد؛ آیه حجاب؛ مرجعیت و فتوا؛ مبحث وحی؛ غار حرا (۱۳۶۸ ق.)؛ درسی از قرآن؛ درس وحدت؛ گفتارهای دینی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی، تربیتی (گفتارهای رادیویی وی در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۷، ۱۳۲۶)، روزها و خطابه‌ها، خطبه‌های نماز جمعه، مقدمه‌ای بر انجیل برنابا (ترجمه سردار کابلی)؛ مقالات منتشره در مجلات مختلف.

آیت‌الله سید محمود طالقانی در ساعت یک و چهل و پنج دقیقه بامداد دوشنبه نوزدهم شهریور ۱۳۵۸ جان سپرد و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجج (۲۶۹-۲۶۸ / ۲)، آینه‌ی دانشوران (۵۱۴-۵۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷۷-۵۷ / ۸)، مستدرکات اعیان (۱ / ۲۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱-۵۰ / ۶).

طاووس یمانی، ابو عبدالرحمان طاووسی

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۶ - ۳۳ ق)، مفسر، قاری، فقیه، محدث، زاهد و صوفی. اصلش ایرانی است، در یمن به دنیا آمد. ابن جوزی اسم او را ذکوان و لقب او را طاووس آورده و گوید از آنجا که او طاووس القراء بود به طاووس مشهور شد. او از بزرگان تابعین و از راویان ابن عباس و ابوهریره و فقیهی گرانمایه به شمار می‌آید. مجاهد و عمرو بن دینار از وی حدیث روایت کرده‌اند. در و عظم خلفا و سلاطین بسیار بی‌باک بود. ابن عیینه گوید: سه تن، از سلاطین به دور بودند: ابوذر، طاووس و ثوری. گفته‌اند که او چهل مرتبه حج کرد و چهل سال نماز صبح را با وضوی نماز عشاء خواند. شیخ طوسی او را از جمله اصحاب امام سجاد (ع) ذکر کرده، زیرا که وی راوی بعضی از ادعیه آن حضرت است. ابن قتیبه در «المعارف» به تشیع وی تصریح کرده و صاحب «روضات الجنات» او را در عداد فقهای شیعه شمرده، اما محدث نوری در «مستدرک الوسائل» آن را رد کرده و گوید که از هیچ یک از علما مطلبی دال بر شیعه بودن وی نقل نشده است. طاووس در مراسم حج، روز ترویبه، در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳ / ۳۲۲)، اعیان الشیعه (۷ / ۳۹۵-۳۹۶)، التاریخ الکبیر (ج ۲ ق ۳۶۵ / ۲)، تهذیب التهذیب (۱۰-۹ / ۵)، الجرح و التعذیل (ج ۲ ق ۵۰۱-۵۰۰ / ۱)، حلیه الاولیاء (۲۳-۳ / ۴)، رجال طوسی (۹۴)، روضات الجنات (۱۳۹-۱۳۶ / ۴)، ریحانه (۲۳-۲۱ / ۴)، سیر النبلاء (۴۹-۳۸ / ۵)، شذرات الذهب (۱۳۴-۱۳۳ / ۱)، طبقات ابن سعد (۷۰-۶۶ / ۶)، العبر (۹۹ / ۱)، الکنی و الالقاب (۴۴۱-۴۳۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / طاووس)، المعارف (۲۶۸)، النجوم الزاهره (۳۳۱ / ۱)، و فیات الاعیان (۵۱۱-۵۰۹ / ۲).

طاهری، احمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد علی طاهری

محل تولد: قم

شهرت: طاهری قمی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۴/۱/۱

زندگینامه علمی

احمد علی طاهری قمی فرزند آیه الله العظمی آخوند ملا محمد طاهر اشعری قمی اعلی الله مقامه شریف می باشم در سن ده سالگی پدرم را ازدست دادم و تحت کفالت مادرم به درس خواندن خود ادامه دادم. تحصیلات ابتدائی را در مکتبی که متعلق به مرحوم سید هاشم میر شجاعی قمی رحمه الله علیه بود به سر بردم سپس در مدرسه رشدیة چند سالی نزد پیر معارف مرحوم حاج میرزا حسن رشدیة تحصیلات کلاسیک را فرا گرفتم آنگاه اساتید بنده در تکمیل دروس مقدماتی صرف و نحو و منطق و معنی بیان و هیئت و گاهنامه عبارتند از (که در صفحه بعد به آنها اشاره شده است) از برخی از این بزرگان تقریراتی در فقه و اصول نوشته ام که

اگر توفیق نصیب شود آنها را تنظیم نموده و به چاپ خواهیم رساند

طاهری، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین طاهری

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۲

زندگینامه علمی

آقای سید حسین طاهری شهرت طاهری وحدتی در سال ۱۳۳۸ در خانواده‌ای مؤمن و پای بند به مسائل دینی در مشهد به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۴ به دنبال اشتیاق فراوان به تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه مشهد شد. ادبیات عرب را از محضر حجة الاسلام آقایان رضوانی و حجت هاشمی آموخت. سطح را در محضر اساتید مبرز مشهد از جمله مرحوم بنی هاشمی، مرتضوی و رضازاده سپری کرد و خارج فقه و اصول را نزد آیات علم الهدی، زنجانی و مرحوم فلسفی تلمذ کرد. عشق ایشان به بارگان ملکوتی امام رضا(ع) مانع از آن شد تا به حوزه‌ای علمیه و دیگر شهرها از جمله قم وارد شود و لذا در همان جا در حین تحصیل به تدریس علوم دینی و غیردینی پرداخت و در این رهگذر شاگردان بارزی جهت خدمت به انقلاب و مردم و... را تربیت کرد.

طباطبایی بروجردی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در روزهای پایانی صفر ۱۲۹۲ ق. خانه حجة الاسلام حاج سید علی بن سید احمد طباطبایی با تولد نوزادی که ((حسین)) نام گرفت. غرق در ذکر و سپاس پروردگار شد.

سید حسین اندک اندک بالید، جامع المقدمات، سیوطی، منطق و گلستان سعدی را در مکتب آموخت و سپس در مدرسه نوری بخش به تکمیل اندوخته‌ها و تهذیب نفس پرداخت. نحو، صرف، بدیع، عروض، منطق، فقه و اصول بخشی از دستاورد سالهای مدرسه نور بخش شمرده می‌شد. سالهایی که سید حسین سخت کوشید و در پناه عنایتهای ویژه الهی به پیشرفتی چشمگیر دست یافت.

آنگاه عزم اصفهان سپاهان کرد و پس از جلب رضایت پدر سمت آن سرزمین دانش خیز به راه افتاد. آقا نوح الدین، پسر عمو سید

حسین ، در مدرسه صدر روزگار می گذراند؛ دانشجوی سخت کوش بروجرد یکسره نزد پسر عمویش شتافت و در حجره او اقامت گزید. رابطه پسر عموهای بروجردی بسیار نیک بود. آقا نوح الدین در روزهای آغازین به سید حسین گفت : اگر می خواهی در دانش اندوزی و تدریس کامروا شوی باید در محافل علمی سخن بگویی و در درس اشکال کنی و گرنه تا پایان عمر چون من گمنام می مانی .

زیر باران

سید حسین نخست در درس استاد گرانقدر آقا سید محمد باقر درجه ای شرکت جست .

دانشور درجه ای ، که نورالهی در دیدگان داشت ، بزودی گوهر یگانه بروجرد را باز شناخت ، او را به خود نزدیک کرد و از عنایات ویژه خویش برخوردار ساخت . حضرت آیه الله ملا- محمد کاشی ، مجتهد وارسته میزار ابوالمعانی کلباسی ، دانشور گرانمایه سید محمد تقی مدرس و حکیم برجسته میرزا جهانگیر قشقایی از دیگر استادان ستاره تابناک بروجرد شمرده می شدند.

استادان گرانپایه ای که هر یک به گونه ای سید حسین را از عنایت خویش بهره مند ساختند و در شکل گیری شخصیت گوهر گرانبهای خاندان طباطبائی دخالت داشتند. سید دانش پژوهان بروجردی در بامداد یکی از روزهای ربیع الاول ۱۳۱۴ سرمست از باده دانش و حکمتی که استادان نامور حوزه سپاهان در کام روانش می ریختند، در برابر حجره اش نشسته بود که پیکی نامه پدر را به وی سپرد.

هر چند نامه پدر سید حسین را در شادی فرو برد ولی این سرور دیری نپایید زیرا پدر او را به وطن فرا خوانده بود. ستاره بروجرد با این اندیشه که شاید پدر می خواهد او را به نجف گسیل دارد رنج سفر و بریدن از درس را به جان خرید و به زادگاهش برگشت ولی پدر اندیشه ای دیگر در سر داشت . او با پای فشاری بر خواسته خویش مقدمات ازدواج فرزند را فراهم آرد. بدین ترتیب دانشجوی جوان بروجردی در ۲۲ سالگی ازدواج کرد. دو یا سه ماه در زادگاهش ماند و سپس با خانواده سمت اصفهان رهسپار شد.

نامه سرنوشت

۱۳۱۹ ق . برای گوهر یگانه بروجرد سال تحول بود. نامه پدر به دستش رسید و او را آماده سفر ساخت . پدر چنان نوشته بود که می خواهد وی را به نجف گسیل دارد. بنابراین پس از نه سال زندگی سراسر تلاش و پژوهش در اصفهان به زادگاهش بازگشت . اندکی در آن سامان توقف کرد و سپس همراه برادر کوچکش ، سید اسماعیل ، رهسپار نجف شد.

برادران بروجردی در ۱۳۲۰ به حریم پاک امیر مومنان علیه السلام گام نهادند. سید حسین ، که ۲۸ سال داشت و مجتهدی جوان شمرده می شد، به درس حضرت آیه الله العظمی محمد کاظم خراسانی شتافت و خود را در برابر تابش مستقیم آفتاب دانش آن مرجع وارسته جای داد. بزودی نظرهای بجا و قابل تامل دانشو تازه وارد توجه استاد بزرگ حوزه نجف را جلب کرد و میان آنها پیوندی ناگسستنی پدید آورد. به گونه ای که اگر پس از درس آخوند خراسانی ، سخنی بر زبان نمی آورد، استاد وی را مخاطب قرار می داد و می فرمود: آقا نظری ندارید؟

اندک اندک ارج سید حسین بر شاگردان محفل آخوند نیز آشکار شد. آنها از او خواستند تا پس از خروج استاد از محفل ، درس وی را با شرح و توضیح فزونتر باز گو کند. بدین ترتیب یکی از برنامه های مجتهد بروجردی تقریر درس استاد شد.

آن بزرگمرد هشت سال در حریم حضرت علی علیه السلام اقامت گزید. علاوه بر آخوند خراسانی از بزرگانی چون حضرات آیات شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی بهره کافی برد، گروهی از دانشجویان را از درس فصول (در علم اصول) خویش کامروا ساخت ، سرانجام در اواخر ۱۳۲۸ به اصرار پدر راه بروجرد پیش گرفت و در ۱۳۲۹ با استقبال پرشور مردم به زادگاهش گام نهاد.

او بر آن بود که پس از اقامتی کوتاه در وطن دیگر بار سمت نجف بال گشاید و به آستان مقدس علوی پناهنده شود. ولی بیماری و مرگ پدر سفرش را به تاخیر انداخت. در این سوگ نامه صاحب کفایه الاصول سبب تسلاهی خاطرش شد. آخوند خراسانی ضمن تسلیت وفات حاج سید علی از اشتیاق وافر خویش برای دیدار مجتهد بروجرد پرده برداشته بود.

این نامه مهرآمیز سید دانشوران بروجرد را بر آن داشت که امور خانواده را سامان دهد و به نجف شتابد. چند ماه بعد همه چیز برای سفر آماده بود که خبر رحلت استاد گرانقدرش وی را در اندوه فرو برد. آن بزرگمرد پیوسته می گفت: مرگ دو پدر در مدت کوتاه کمتر از ۶ ماه بسیار بر من سنگین و ناگوار بود.

خبر مرگ استاد اشتیاق سفر را در وجودش میراند. زندگی در نجف بی حضور استاد خراسانی برایش دشوار بود. پس اندیشه هجرت از سر بردن کرد و در بروجرد بساط تدریس و ارشاد مردم گسترده اندک اندک مؤمنان شهر ارج ستاره خاندان طباطبایی دانستند و زمام امور معنوی خود را به وی سپردند. ارادت حضرت آیه الله حاج محمد رضا دزفولی به سید مجتهدان بروجرد بر شهرت و اعتبارش افزود. پس از رحلت فقیه دزفولی انبوه مقلدانش به آن مجتهد وارسته رجوع کردند و مرجعیت آن بزرگمرد در منطقه گسترش یافت.

در برابر شب

در این سالها تبلیغ بهایی گری از سوی برخی از مسؤلان شهر و اهانت آشکار آنها مقدمات دینی مردم سرور مجتهدان بروجرد را در نگرانی فرو برد. او با تهران تماس گرفت، وضعیت نامطلوب برخی از ادارات را با پایتخت نشینان در میان نهاد، خواستار برکناری مسؤلان دین ستیز شد و چون بی اعتنایی سران دولت را مشاهده کرد معترضان شهر را ترک گفت.

پیروان پاکدل آن مرجع روشن بین در مسجاها گرد آمدند، سخنرانان بر منبرها جای گرفتند و همه یکصدا به حمایت از مرجع دلاور بروجرد پرداختند. مسؤلان شهر که توان رویارویی با مردم را در خویش نمی دیدند خواسته فقیه طباطبایی را اجابت کردند و آن راهبر توانا در میان ابراز احساسات پرشور مؤمنان به شهر بازگشت.

سفر سبز

از رخدادهای مهم دیگر این سالها وفات دخت گرانقدر مرجع پارسای بروجرد بود. استاد پس از این حادثه ناگوار راه خراسان پیش گرفت تا در پناه آفتاب توس دمی از رنج هستی بیاساید.

چون توقف آن فقیه فرزانه در مشهد به درازا کشید نمایندگان مردم بروجرد نزدش شتافتند و او را بدان دیار خواندند. دانشمند فروتن طباطبایی خواسته آنها را اجابت کرد، پس از سیزده ماه رهسپار زادگاهش شد و پس از توقفی کوتاه در قم و تهران در میان استقبال پر شور مؤمنان به بروجرد گام نهاد.

او سپس راه عراق پیش گرفت، مدتی در نجف ماند و با بزرگانی که به استقبالش شتافته بودند، دیدار کرد. آنگاه رهسپار حجاز شد، پس از به جای آوردن مراسم حج به عراق بازگشت، چندی در حریم امیرمؤمنان توقف کرد و سپس روانه ایران شد.

در بند دژخیم

همزمان با اوج گیری اعتراضهای مؤمنان علیه رضا خان و هجرت اعتراض آمیز روحانیان کشور به قم، سرور فقیهان بروجرد به مرز ایران گام نهاد. مزدوران دربار، که از پیوستن او به مهاجران و رساندن پیام مراجع نجف به معترضان می هراسیدند در مرز قصر شیرین وی را دستگیر کردند و به پایتخت بردند.

در تهران رضاخان به دیدارش شتافت. او که در پی یافتن فردی برای رویارویی با شیخ عبدالکریم حائری بود با سید مهربانی کرده، گفت: چیزی از من بخواه.

فقیه بروجردی اظهار بی نیازی کرد ولی در برابر پافشاری شاه ناگزیر لب گشاده، فرمود: وقتی در ارکان حرب بودم مقدار جیره

غذایی سربازان را ناکافی دیدم، اگر می‌خواهید کاری کنید فرمان دهید جیره آنها فزونی یابد.

آنگاه در پاسخ رضا خان، که مساءله نادیده گرفتن جایگاه آیه الله العظمی حائری و پیروی دولتیان از مجتهد بروجردی را مطرح کرد، فرمود: خیر، شما با ایشان تماس بگیرید، من هم اگر کاری داشتم از طریق آن جناب با شما در میان می‌نهم. آنگاه وی را به همراهی با روحانیت و عمل به دستورات الهی فرا خوانده، چون می‌دانست اجازه سفر به قم و بروجرد به او نمی‌دهند، فرمود بر آنم به مشهد سفر کنم.

اندکی پس از خروج رضا خان تیمورتاش پنجاه هزار تومان نزد آن مرجع وارسته آورد. فقیه بروجردی از پذیرش هدیه درباره خودداری کرد و بامداد روز بعد راه خراسان پیش گرفت. دیدار بزرگان

مدتی پس از بازگشت سید به زادگاهش، ورود حاج آقا حسین قمی به تهران و پیشنهادهای وی به دولت بار دیگر آن رادمرد را به عرصه تلاشهای سیاسی آشکار کشاند. او که چون آیه الله العظمی قمی به لزوم پیروی از دستورات الهی می‌اندیشید بر آن شد سمت تهران رهسپار شود ولی بستگان، وی را از این کار باز داشتند. فقیه روشن بین از رؤسای عشایر خواست با تهران تماس گرفته، حمایت عشایر از پیشنهادهای حاج آقا حسین قمی را به پایتخت گزارش دهند. البته آن بزرگوار خود نیز به تهران تلگراف زد که، اگر دولت سخن آیه الله قمی را نپذیرد به پایتخت خواهد رفت و مسؤولیت فرجام چنین اقدامی تنها به عهده دولت است. در سایه تلاشهای آن راهبر سخت کوش سرانجام دربار خواستهای حاج آقا حسین را پذیرفت و آن بزرگوار سمت عراق رهسپار شد. فقیه بروجردی در ملایر به دیدار آن دانشور برجسته شتافت و یک ساعت با وی گفتگو کرد. هجرت

بیماری استاد فقیهان بروجرد را باید در شمار دیگر رخدادهای مهم سالهای زندگی آن مرجع وارسته در زادگاهش به شمار آورد. بیماری دشواری که سرانجام با عمل جراحی و استراحت هفتاد روزه در بیمارستان فیروزآبادی تهران مهار شد. چون او از بند بیماری رهایی یافت، با دو پیشنهاد روبرو شد: از یک سو نمایندگان بروجردیان برای بازگرداندنش پیاپی به تهران می‌شتافتند و از سوی دیگر دانشوران ساکن قم او را به زندگی در حریم حضرت معصومه علیه السلام فرا می‌خواندند. استاد برای اقامت در قم با قرآن به ریزنی پرداخت. آیه سوره مؤنون چراغ سبز الهی به این نیت پاک بود. پس همراه دانشمندان قم راه آن دیار پیش گرفت و در میان استقبال مردم و بزرگان حوزه بدان سرزمین آسمانی گام نهاد.

بدین ترتیب آفتاب رخشان فقاقت در چهاردهم محرم ۱۳۶۴ ق. از افق قم بر آمد و جهان را از نور دانش گرمای معنویت خود سرشار ساخت.

در تابش آفتاب توس

مدتی پس از اقامت در قم ستاره تابناک مرجعیت رهسپار توس شد تا در پناه خورشید ولایت جام وجودش را از امدادهای سبز پیشوای هشتم شیعه آکنده سازد. در این سفر دانشور وارسته حضرت آیه الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی جایگاه نماز خویش در مسجد گوهرشاد را به وی سپرد و از آن بزرگمرد خواست، ماه مبارک رمضان در آن مکان نورانی اقامه جماعت کند. استاد بزرگ حوزه پس از ماه مبارک رمضان به قم شتافت و دیگر بار به وظایف سنگین خویش روی آورد. مرجع موید

با رحلت مرجع بزرگوار حضرت آیه الله العظمی سید الوالحسن اصفهانی مرجعیت گوهر یگانه بروجرد فراگیر شد و مؤمنان از هر سو به آن فقیه وارسته مراجعه کردند.

ناگفته پیداست که عنایات و تاءییدات الهی در رویکرد عمومی به آن فقیه وارسته نقشی سبز داشت. خاطره‌ها و سخنان بر جای

مانده از دانشوران آن روزگار نشان می دهد که آفتاب رخشان سلسله طباطبایی زیر باران پیوسته امدادها و عنایتهای فرامادی قرار داشت. برای مثال حضرت آیه الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی، که خود از بزرگان روحانیت شیعه بشمار می آمد، پس از وا نهادن مجراب خویش به مرجع بروجردی به نجف شتافت.

مرجع شیعیان جهان، حضرت آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، که از بیماری رنج می برد، جناب نهاوندی را ماء مور اقامه جماعت کرد. شیخ نهاوندی دنباله این ماجرا را چنین بیان کرده است:

شب اولی که به جای ایشان برای خواندن نماز جماعت رفتم، وقتی بر سجاده قرار گرفتم، آوایی شنیدم که گفت ((عظمت ولدی عظمتک)) - فرزندم را بزرگ داشتی من نیز تو را بزرگ داشتم - برگشتم، به همه سو نگاه کردم، مردم در صفهای جماعت نشسته بودند، کسی جز من پیام غیبی را در نیافته بود.

علاوه بر گفتار دانشمند گرانمایه حضرت شیخ علی اکبر نهاوندی کردار آن مرجع وارسته بویژه در سالهای زندگی قم دلیل روشنی بر معنویت و همراهی پیوسته تایید الهی با فقیه فروتن بروجردی است. کرداری که شاگردانش از آن پرده برداشتند و برای همیشه در سینه تاریخ به یادگار نهادند:

۱- همسر یکی از دانشجویان باردار بود. هنگام زایمان او را نزد پزشکی به نام اسماعیل موسوی برد. پس از زایمان، پزشک به پدر نوزاد گفت: این پسر را من نجات دادم، اگر من نبودم می مرد، دوست دارم نامش را اسماعیل بگذارم.

دانشجوی جوان نیز نام کودک را اسماعیل نهاد ولی دریغ که نوزاد از نخستین روز تولد در بیماری و درد فرو رفت. تلاشهای شبانه روزی پدر و مادر و مراجعه به پزشکان گوناگون سودمند واقع نشد و کودک میان دنیا و برزخ سرگردان ماند. دانشجو، که دستش از همه جا کوتاه می نمود، نزد استاد وارسته حوزه حضرت آیه الله العظمی بروجردی سفره دل گشاد و گفت: آقا، خداوند نوزادی به من داده که از نخستین روز تولد تا کنون پیوسته بیمار است، نمی دانم چه کنم: استاد مهربان فرمود: نامش را عوش کنید خوب می شود.

دانشجو، که هرگز داستان سفارش پزشک و نامگذاری نوزاد را برای استاد نگفته بود، شگفت زده به خانه رفت، نام کودک را ((امیر)) نهاد و او را برای همیشه از بیماری و رنج رهایی بخشید.

۲- دانشجویی دیگر داستان دلدادگی اش به استاد را چنین باز گفته است:

وقتی تازه به قم آمده بودم، آقا برایم شهریه فرستاد. من پذیرفتم و گفتم: زمینی در شمال دارم که در آمدش مرا کافی است. پس از چندی خشک سالی شمال را در بر گرفت. من برای گذران زندگی به قرص روی آوردم. چون میزان بدهی ها زیاد شد، ناگزیر فرشهای خانه را جمع کردم و یکی از بازاریان را به خانه بردم تا آن را بخرد. مرد بازار بهایی اندک برای فرش بر زبان آورده، بهایی که برای پرداخت بدهی هایم کافی نبود. بازاری دیگری را به خانه بردم، اما او بهایی کمتر از اولی پیشنهاد کرد. من سرگردان و مردد بودم که ناگهان صدای در مرا به خود آورد، شتابان سمت در دویدم؛ حاج احمد، خادم استاد، پشت در بود. او پاکتی به من سپرد و گفت: این را آقا برای شما فرستاده.

به پاکت نگرستم، اثری از پول در آن نبود. چون گشودم چکی در آن یافتم. چکی که مبلغ آن درست به اندازه بدهی ام بود. شگفتی وجودام را فراگرفت زیرا جز من و خداوند هیچ کس از میزان کامل بدهی ام خبر نداشت.

سالهای درخشان

حضور فقیهی با چنین معنویت و تاءید الهی حوزه مقدس قم را که، زیر ضربات پیوسته عوامل رضاخان ناتوان شده بود، جانی تازه بخشید. اینک همه چیز برای گسترش حوزه و مستحکم ساختن بنیادهای علمی و اقتصادی آن آماده بود. پیروان مؤ من فقیه بروجردی انبوه وجوه شرعی و هدایای خویش را نزد مرجع وارسته شان گسیل می کردند و دانشجویان از گوشه و کنار کشور برای

بهره گیری از دریای دانش آن بزرگمرد به قم می شتافتند.

مرجع پاکدلان با روشن بینی خاص خویش آستین همت بالا زد و در کنار تدریس روزانه به اصلاحات اساسی دست یازید. سامان دادن به وضعیت درسی حوزه .

رسیدگی به مسایل مالی دانش پژوهان ، برقرار ساختن ارتباط با دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه و محافل رسمی برادران اهل سنت برای ایجاد وحدت میان گروههای مسلمان ، گسیل کردن نمایندگان به اروپا و امریکابرای شناساندن اسلام واقعی به مردم آن مناطق بخشی از اقدامات آن آفتاب فروزان به شمار می رود.

ناگفته پیداست که فقیه فرزانه ای چون وی هرگز نمی توانست در برابر رویدادهای داخلی بی تفاوت باشد. او چنان می اندیشید که ((اگر مردم عالم شوند و دین هم بطور صحیح و معقول به آنها تعلیم گردد، هم دانا خواهند شد و هم متدین)) پس در کنار رسیدگی به وضع دانشجویان علوم دینی و حوزه ها دبستانها و دبیرستانهای دولتی را نیز از کمکهای نقدی خویش بهره مند ساخت و در رونق آنها کوشید.

او پیوسته مراقب بود تا بیگناهی به زندان اتهام نیفتد و مؤمنی ناخواسته در دام اهریمنان جای نگیرد. بنابراین چون از مسأله متهم شدن یک مسلمان بی گناه به قتل فردی بهایی آگاه شد در نگرانی فرو رفت .

چند بهایی یکی از همکیشان خود را کشته ، با نیرنگ جوانان مؤمن را به قانون سپردند. یکی از این جوانان به اعدام محکوم شد و حکم باید درروز نیمه شعبان به اجرا در می آمد. این خبر مرجع پارسای قم را در نگرانی فرو برد. بی درنگ نامه هایی خطاب به شاه ، نخست وزیر و آیه الله بهبهانی نوشته ، به تهران گسیل داشت ، سپس به هر که سودمند می دانست تلفن زده ، قضیه را دنبال کرد تا سرانجام نیمه شب خبر لغو حکم اعدام را به وی رساندند. با شنیدن این خبر اشک از دیدگانش روان شد و پروردگار را بسیار سپاس گفت : در این لحظه یکی از نزدیکان به اتاقتش آمد و پرسید: شما هنوز بیدارید؟

مرجع بزرگ شیعه پاسخ داد: خیلی مهم بود ولی به خیر گذشت . هر وقت فکر می کردم خون مسلمان بی گناهی ریخته می شود، همه بدنم می لرزید و متحیر می ماندم که فردای قیامت جواب خداوند عالم را چه بگویم .

آنچه گذشت در کنار خدمات رفاهی فقیه بروجردی به مسلمانان سراسر جهان ، که تاءسیس بیش از هزار مسجد، مدرسه ، بیمارستان ، کتابخانه ، گرمابه و دبستان در ایران ، عراق ، لبنان ، آفریقا و اروپا، نمونه کوچکی از آن شمرده می شود، مرجع شیعیان را از محدوده مرزهای کشور فراتر برد و به شخصیتی جهانی تبدیل کرد. شخصیتی که شاعران و نویسندگان اهل سنت در شعرها و مقاله های خویش وی را می ستودند. شاهان شیعه و سنی برایش هدیه فرستادند. برای مثال زمانی ملک سعود، پادشاه حجاز، یک چمدان بزرگ حاوی پانزده نسخه قرآن کریم ، قطعاتی از پرده خانه خدا و چیزهای گرانبهای دیگر نزد آن دانشمند وارسته گسیل داشت .

سرور فقیهان شیعه تنها قرآنها و پرده کعبه را پذیرفت و باقی را همراه نامه ای به ملک سعود بازگرداند و گفت چون هدیه نمی پذیرم . این را نیز نمی توانم قبول کنم ولی ناگزیر قرآن و پرده کعبه را می پذیرم و باقی را به رسم هدیه به شما باز می گردانم تا هنگام دعا به یادم باشید.

دانشور جامع

یکی از نکات مهم و قابل توجه در شخصیت آیه الله العظمی بروجردی جامعیت علمی آن بزرگوار بود. استاد فقیهان شیعه را نمی توان تنها یک فقیه به شمار آورد. او از علوم دیگر روزگار به اندازه ای آگاهی داشت که موجب شگفتی صاحب نظران می شد. دو خاطره ای که تاریخ در این باره ثبت کرده است می تواند دلیل روشنی بر درستی این سخن باشد:

۱. وزیر فرهنگ وقت همراه مسعودی ، رئیس روزنامه اطلاعات ، نزد ایشان شتافت . کسی که آنها را خدمت آقا برده بود دست

مبارکش را بوسید، در پی او وزیر فرهنگ نیز چنین کرد ولی مسعودی از این کار سرباز زد. پس از معرفی، آقا درباره تاریخچه روزنامه، نگاری، اهداف آن، اولین روزنامه نگار و... سخن گفت.

آنگاه پرسشی جغرافیایی مطرح کرد و چون وزیر فرهنگ از پاسخ باز ماند خود به تبیین پاسخ و توضیح آن پرداخت. هنگام خداحافظی مسعودی پیش از همه دست آقا را بوسید و پس از بیرون آمدن گفت: آقا چنان پیرامون روزنامه نگاری صحبت کرد که گویا یک روزنامه نگار است.

۲. روزی دیگر سرتیپ رزم آرا خدمت گوهر یگانه دریای فقاقت شتافت تا قبله نمای اختراعی خویش را به وی بنمایاند. آقا درباره نجوم و ریاضی مطالبی بیان کرد. سرتیپ پس از خروج گفت: من خیال می کردم آقا تنها در فقه و اصول مجتهد است ولی معلوم می شود در هر فنی تخصص دارد چون مطالبی که امروز اظهار داشت از مسایل دقیقی است که حتی بسیاری از استادان از آن آگاهی ندارند.

میراث ماندگار

مرجع روشن بین شعیه در کنار تدریس و کارهای روزانه به تحقیق نیز می پرداخت و نتایج پژوهشهای خویش را ثبت می کرد. آن بزرگوار در پاسخ علاقه مندانی که در پی بهره گیری از نگاشته هایش بودند فرمود: زیاد چیز نوشته ام... بعضی از آنها بر اثر نقل و انتقال از بروجرد به قم مفقود شده است.

ذکر نام بخشی از آثار علمی آن دانشور وارسته می تواند نشانه تلاش فراوان وی در این راه باشد:

۱. تجرید اسانید الکافی
۲. تجرید اسانید التهذیب
۳. اسانید کتاب من لایحضره الفقیه
۴. اسانید رجال کشی
۵. اسانید استبصار
۶. اسانید کتاب خصال شیخ صدوق
۷. اسانید کتاب امالی
۸. اسانید کتاب علل الشرایع شیخ صدوق
۹. تجرید فهرست شیخ طوسی
۱۰. تجرید رجال نجاشی
۱۱. حاشیه بر کفایه الاصول
۱۲. حاشیه بر نهاییه شیخ طوسی
۱۳. حاشیه بر عروه الوثقی
۱۴. حواشی و مستدرکات فهرست شیخ منتجب الدین رازی
۱۵. حواشی کتاب مبسوط
۱۶. رساله ای درباره سند صحیفه سجادیه
۱۷. اصلاح و مستدرک رجال طوسی
۱۸. بیوت الشیعه
۱۹. جامع احادیث الشیعه

آن بزرگوار از سالهای زندگی در بروجرد همواره در اندیشه نگارش مجموعه ای بود که فقیهان را در استنباط احکام یاری دهد و آنها را از مراجعه به کتابهای روایی متعدد بی نیاز سازد. چون به قم گام نهاد. و شاگردانی خیره تربیت کرد این اندیشه را با آنها در میان گذاشت و به یاری گروهی از آنان در مدت هشت سال اثر بیست جلدی ((جامع احادیث الشیعه)) را آماده چاپ ساخت.

فقیه یگانه جهان اسلام در کنار تلاشهای علمی و اجتماعی فراوان به پاسداری از میراث دانشوران پیشین نیز ارج می نهاد در فرصتهای گوناگون آثار علمی مخطوط و کمیاب را به چاپ می رساند. کتابخانه های کوچک و بزرگ بنیاد می نهاد و آثار دانشمندان را از این راه در اختیار جویندگان دانش می گذاشت. کتابخانه بزرگ آن فقیه نستوه در کنار مسجد اعظم قم نشانه توجه مرجع شیعه به این امر خداپسندانه است. دربار و مرجعیت

دربار از مشکلات پیوسته فقیه پاکرایی بروجرد به شمار می آمد. تبلیغات پر حجم و زمانه ها و مجلات وابسته در راه دین زدایی و دور ساختن مردم از فرهنگ اصیل اسلامی مرجع بیدار شیعه را رنج می داد. بنابراین گاه بر می آشفت و خشمگینانه به شاه هشدار می داد. روزی به اقبال، نخست وزیر وقت، گفت: پدرش (رضا خان) بی سواد بود ولی یک مقدار شعور داشت. اما این شعور هم ندارد و چیزی ملتفت نمی شود.

گاهی از پذیرش او خودداری می کرد و می فرمود: حتما می خواهد همانطور که چند تا عکس با زنش در این مسافرت گرفته است بیاید با من هم عکس بگیرد.

و زمانی به شدیدترین وجه ممکن در برابر نقشه های او می ایستاد. برای مثال وقتی شاه مسأله تغییر خط ایران از فارسی به لاتین را مطرح کرد. در این راه تبلیغات فراوان انجام داد، مرجع دلاور شیعه چون سدی آهنین در برابر دربار ایستاد و گفت: ... من تا زنده ام اجازه نمی دهم این کار را عملی کنند به هر جا که می خواهد منتهی شود.

منابع موجود نشان می دهد که آن پیرفرزانه در کنار کمک به انقلابیون مؤ من سیاسی بسیار دقیق داشت. او چنان می اندیشید که مردم برای تحمل دشواریها آمادگی ندارند و اگر با فشار نیروهای دولتی روبرو شوند مرجعیت را تنها می نهند. بنابراین زمان را برای رویارویی مستقیم با دربار مناسب نمی دید. از سوی دیگر رها کردن شاه و راندن کامل وی را موجب فرو غلتیدن فزونتر او در دامان بیگانگان می دانست پس گاه با وی مدارا می کرد تا آن جوان مغرور جای پای خود را سست نبیند و برای حفظ خویش به بیگانگان پناه نبرد.

فصل سوگ

اندک اندک شوال ۱۳۸۰ ق. فراسید و بیماری بر پیکر مرجع نود و سه ساله جهان اسلام پنجه افکند. بیماری دشواری که با دیگر رنجوریهای استاد فقیهان تفاوت داشت. در چنین روزهایی گروهی از ارادتمندان به عیادتش شتافتند. استاد، که بسیار اندوهگین می نمود، سربلند کرد و گفت: خلاصه عمر ما گذشت ما رفتیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش بفرستیم و عمل با ارزشی انجام دهیم. یکی از حاضران گفت: آقا، شما دیگر چرا؟ بحمدالله این همه آثار نیک از خود بر جای نهاده اید شاگردان پرهیزگار تربیت کرده اید، کتابهای پرارزش به رشته نگارش کشیده اید. مسجدها و کتابخانه ها ساخته اید. ما باید چنین سخنی بر زبان رانیم.

فقیه پارسای شیعه فرمود: خلص العمل فان الناقد بصیر بصیر. (باید کردارت را خالصانه برای خدا انجام دهی زیرا او به همه چیز بیناست و از انگیزه های بشر آگاه است.)

این سخن حاضران را بسیار تحت تاءثیر قرار داد.

چند روز پس از این گفتگو پیکر استاد رنجورتر شد و سرانجام در سیزدهم شوال ۱۳۸۰ ه ق برابر با دهم فروردین ۱۳۴۰ ه ش، برای همیشه چشم از جهان فروبست و در مسجد اعظم قم، که خود بنیاد نهاده بود، به خاک سپرده شد.

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالفضل طباطبائی

محل تولد: بابلسر

شهرت: طباطبائی اشکذری

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

جناب آقای سید ابوالفضل طباطبائی مشهور به طباطبائی اشکذری پس از طی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی در شهرستان بابلسر، در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه شهر فریدونکفار شد و تحصیلات مقدماتی تا رتبه اول سطح را زیر نظر حضرت آیت الله باکویی از اساتید بزرگ حوزه علمیه به اتمام رسانده پس از آن جهت تکمیل تحصیلات حوزوی خویش رهسپار قم گردید. این هجرت در سال ۱۳۶۷ اتفاق افتاد و سپس در قم دوره سطح عالی را در محضر اساتیدی همانند آیت الله وجدانی فخر، اعتمادی، تهرانی و... در مدت ۳ سال سپری نمود و در سال ۱۳۷۰ رسماً تحصیلات خارج را شروع کرد که به مدت ۵ سال در درس خارج آیت الله مکارم شیرازی و ۱۳ سال در درس خارج آیت الله وحید خراسانی شرکت کرد. در کنار فقه و اصول برخی علوم دیگر را نزد آیت الله جوادی آملی و معرفت آموخت و در سال ۱۳۷۲ در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن فارغ التحصیل گردید آغاز به کار تحقیقات و پژوهش از سال ۱۳۷۰ در قالب همکاری با مؤسساتی چون مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج) شروع گردید، محصول این همکاری‌های تألیفات فراوانی در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی می‌باشد.

طباطبایی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علامه سید محمدحسین طباطبایی از خاندانی دانش‌پرور برخاسته‌اند و تا چهارده پشت ایشان از دانشمندان و علمای به نام تبریز بوده‌اند. ولادت آن بزرگوار در پایان سال ۱۳۲۱ هجری قمری مصادف با ۱۲۸۲ شمسی بوده است. ایشان در زادگاه خود تحصیلات مقدماتی را به انجام رساند. در سال ۱۳۰۴ رهسپار نجف شدند و ده سال در آن مرکز جهانی علوم اسلامی به تکمیل معلومات خود پرداختند و نزد استادان معروفی مانند نائینی، کمپانی و بادکوبه‌ای دروس بالای فقه و اصول و فلسفه را خواندند. همچنین ریاضیات را نزد سید ابوالقاسم خوانساری و اخلاق و عرفان علمی و تفسیر قرآن کریم را از محضر حکیم و عارف وارسته، حاج میرزا علی آقای قاضی طباطبایی آموختند. سپس در سال ۱۳۱۴ به زادگاه خود بازگشت و به سبب تنگی وضع معیشتی مجبور شدند ۱۰ سال در تبریز بمانند. سپس به قم مهاجرت کردند و تا پایان عمر در آنجا به تدریس علوم عقلی و تفسیر قرآن مشغول بودند. علامه در نجف

در سال ۱۳۰۴ علامه طباطبایی، برای گذراندن مراتب عالی دروس حوزوی، به همراه همسر و فرزند نورسیده‌اش «محمد» عازم نجف اشرف شدند و منزل محقری اجاره کردند. غربت نا مانوس بودن با محیط و گرمای هوا، شرایط ناگوار برای این خانواده کوچک بوجود آورد. تنگی منزل و نبود آب خود مزید بر مشکلات بود. در این اوضاع تنها دلخوشی علامه و همسرش محمد کوچک بود. ولی ناگهان بیمار شد و بساط شادمانی خانواده را به یکباره برچید. نبود پزشکان متخصص و لوازم پزشکی مورد نیاز، باعث وخیم شدن حال محمد کوچک و مرگ او شد. فقدان آن کودک در دیار غربت، علامه و همسر مهربانش را در سوگ و ماتم نشانید. مرحوم علامه بار سنگین غم را در دل خود پنهان می‌کرد و همسرش را تسکین می‌داد. مدتی بعد خداوند فرزند دیگری به آنها عنایت فرمود، ولی این شکوفه نورسته هم پس از یک سال سر به تیره تراب گذاشت و غم این خانواده جوان را تازه کرد. فرزند سوم هم به سرنوشت برادران خود دچار شد و این وضع خاطر لطیف همسر مهربان علامه را آزرده می‌ساخت. علامه طباطبایی به پیشگاه خداوند زاری می‌کرد تا از چنین وضع پریشانی رهایی یابد. روزی آیت الله قاضی طباطبایی که استاد علامه، و از بستگان همسرش بود، به منزل ایشان آمدند و از آنها دلجویی فرمودند. هنگام رفتن به همسر مرحوم علامه فرمودند این بار فرزندان پسر است و باقی می‌ماند. نامش را عبدالباقی بگذار تا ان شاء الله برایتان بماند. علامه که تا آن زمان از بچه‌دار شدن همسرش خبر نداشت، متحیر ماند اما سرانجام پیش‌بینی این عارف وارسته درست درآمد و خداوند فرزندی به آنها عنایت فرمود.

وضعیت معیشتی

علامه طباطبایی به اتفاق همسر و برادرش به مدت ده سال در نجف اشرف اقامت داشت. آن حکیم الهی ضمن کسب معارف فقهی، عرفانی و فلسفی، موفق به تدوین آثاری در حکمت و کلام شد. اما در اواخر این دوران از جهت معیشتی با مشکل روبرو شد؛ زیرا نسبت به مصرف سهم امام و بیت‌المال حساس بود و هزینه زندگی را با درآمد ملکی موروثی‌اش در تبریز اداره می‌کرد که از تبریز به نجف حواله می‌شد. در اواخر اقامت علامه، دولت از ارسال وجوه به خارج کشور جلوگیری کرد و دیگر مبلغی به دست علامه بزرگوار نرسید و دچار تنگنا شد. مدتی را به صرفه جویی شدید و فروش اثاث منزل و قرض گرفتن گذراندند و در انتظار رسیدن پول بودند، تا اینکه به طور غیرمنتظره وجهی از ایران رسید و علامه پس از پرداخت بدهی‌ها عازم ایران شد. همسر علامه طباطبایی

قمرالسادات، همسر علامه، از خانواده متدین و پاک طینت طباطبایی، زنی بود که در سیر تکاملی و سلوک علامه نقش مؤثر داشت. خانمی که همه عمر را در طبق اخلاص گذاشت و در راه این عارف والامقام تقدیم کرد. دشوارترین مشقت‌ها را در غربت شهرهای نجف و قم تحمل کرد و حتی یک بار هم گلایه نکرد. مهندس سیدعبدالباقی طباطبایی، فرزند این خانواده می‌گوید: هنگامی که خواستیم به قم عزیمت کنیم به مادر گفتیم: شب عید که وقت مسافرت نیست؛ در این هوای سرد کجا می‌خواهیم برویم؟ مادرم نگاهی به من کرد و در حالی که اشک چشمانش را پاک می‌کرد این شعر را خواند:

رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست

می‌کشد هر جا که خاطر خواه اوست

رشته بر گردن نه از بی‌مهری است

رشته عشق است و بر گردن نکوست قدردانی از همسر

حضرت علامه طباطبایی درباره همسر خود چنین می‌گوید: این زن بود که مرا به اینجا رسانید؛ او شریک من در کارهای علمی است و هر چه نوشته‌ام نصفش مال این خانم است. او به حدی به من کمک می‌کرد که گاه از چگونگی تهیه قبای خود اطلاع نداشتم (به این معنا که می‌رفت پارچه‌ای انتخاب می‌کرد، می‌خرید و پس از دوخت و آماده‌سازی در اختیار ایشان قرار می‌داد) وقتی مشغول تحقیق و پژوهش بودم، با من سخن نمی‌گفت و سعی می‌کرد، شرایط آرامی برایم ایجاد کند، رشته افکارم گسسته

نشود و هر ساعت در اطاق مرا باز می‌کرد و آرام چای را می‌گذاشت و می‌رفت. مرحوم علامه به همسر باوفایش عشق می‌ورزید و برایش احترام بسیاری قائل بود. پس از مرگش تا مدت‌ها مرحوم علامه هر روز بر سر قبرش حاضر می‌شد و در فقدان او ناباورانه اشک می‌ریخت و این مهر دوسویه همگان را به تعجب واداشته بود. بی‌آلایشی و ساده زیستی

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی، از شاگردان علامه طباطبایی می‌گوید: آیت الله حجت تصمیم به توسعه مدرسه حجتیه قم گرفت. زمین‌هایی را خرید و در پی آن بود که نقشه مناسبی برای مدرسه تهیه کند تا طرح جامع‌اش را اجرا کند. مهندسان نقشه‌های متعددی کشیدند ولی ایشان نپسندید. سرانجام شنیدیم سیدی از تبریز آمده و نقشه‌ای رسم کرده که مورد پسند آیت الله حجت واقع شده است. همچنین شنیدیم این سید در ریاضیات و فلسفه استاد است و درس فلسفه‌ای شروع کرده است. بسیار مشتاق زیارت ایشان بودیم تا اینکه روزی یکی از دوستان آمد و گفت آقای قاضی از زیارت مشهد برگشته، بیاید به دیدنش برویم. چون به منزل‌شان وارد شدیم، متوجه شدیم آن مرد معروف و آن فیلسوف و ریاضی‌دان همان سیدی است که ما هر روز او را در کوچه می‌دیدیم و از بس ساده زیست و بی‌آلایش بود، حتی احتمال نمی‌دادیم اهل علم باشد، چه رسد به اینکه فیلسوف و دانشمند باشد. تواضع استاد آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تواضع استاد خود علامه طباطبایی می‌گوید: از زمان طلبگی، ما در قم به منزل ایشان رفت و آمد داشتیم و هیچگاه نشد با ایشان به جماعت نماز بخوانیم و این غصه در دل ما مانده بود که جماعت ایشان را درک نکرده‌ایم. سالی در ماه شعبان به مشهد مقدس مشرف شدند و مهمان ما بودند. موقع نماز مغرب سجاده‌ای برای ایشان و یکی از همراهان پهن کردم و از اطاق خارج شدم؛ به امید اینکه استاد به نماز مشغول شوند و سپس من داخل شوم و نماز را به امامت حضرت علامه بخوانم. قریب یک ربع ساعت از مغرب گذشت، آن رفیق همراه، مرا صدا زد و گفت: ایشان همینطور نشسته و منتظر شماست. آمدم محضر استاد عرض کردم: چهل سال است از شما تقاضا کرده‌ام که یک نماز با شما بخوانم ولی تا به حال نشده است قبول بفرمایید ما به شما اقتدا کنیم. با تبسم ملیحی فرمودند: یک سال دیگر هم روی آن چهل سال! سرانجام بنده را مجبور به امامت جماعت کردند.

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تفسیر گران سنگ مرحوم علامه طباطبایی، المیزان، می‌گوید: روزی به حضرت استاد عرض کردم: هنوز حوزه‌های علمیه به ارزش واقعی تفسیر شریف المیزان پی نبرده‌اند و اگر حوزه علمیه به تدریس و تحقیق این کتاب با ارزش مشغول شود و پیوسته این کار را ادامه دهد، پس از دو‌یست سال ارزش این کتاب معلوم خواهد شد و باز عرض کردم: وقتی به مطالعه این کتاب مشغول می‌شوم در بعضی از اوقات که آیات را به هم ربط می‌دهید و از راه موازنه و تطبیق آیات معنی را بیرون می‌کشید، جز آنکه بگویم در آن هنگام قلم وحی و الهام الهی آنرا بر زبان شما جاری ساخته است؛ تعبیر دیگری ندارم. ایشان سری تکان دادند و فرمودند: این فقط حسن نظر شما است. ما کاری نکرده‌ایم. عظمت روح و هیبت استاد

آیت الله محمدتقی مصباح یزدی پیرامون شخصیت علامه طباطبایی می‌گوید: علامه طباطبایی مظهر متانت، وقار، طمأنینه، عزت نفس، توکل، اخلاص، تواضع، عظوفت و دیگر مکارم اخلاقی بودند. آثار عظمت روح و نورانیت دل و ارتباط با ماورای طبیعت در سیمای ملکوتی ایشان هویدا بود. بر مجلس ایشان چنان هیبتی سایه می‌افکند که حضار را در سکوتی ژرف و پر تأمل فرو می‌برد و انسان را به یاد شعر فرزدق می‌انداخت که در مدح امام سجاد(ع) گفته است: او از بس حیا و شرم و ادب داشت به هیچ کس زل نمی‌زند و نگاهش به زمین بود، ولی دیگران از شدت هیبت و جذبه او نمی‌توانستند در چهره‌اش خیره شوند.

به خاطر دارم که روشندلی در محضر ایشان با چشمانی اشکبار می‌گفت: در شگفتم که چگونه زمین، سنگینی چنین مردانی را تحمل می‌کند. رابطه با مجامع علمی و دانشگاهی

علامه طباطبایی علاوه بر تشویق دانش پژوهان و تلاش در تربیت شاگردانی مانند شهید مطهری و شهید بهشتی عنایت خاصی به گسترش معارف اسلامی در خارج از حوزه علمیه داشتند و از این رو، با دانشگاه استادان دانشگاه رابطه داشتند. از ثمرات این رابطه،

کتاب گرانسنگ و بی‌بدیل اصول فلسفه و روش رئالیسم است که از اولین نگارش‌های شناخت‌شناسی در حوزه فلسفه اسلامی است. آن فیلسوف فرزانه عنایت خاصی به ایجاد رابطه با آن مستشرقان و روشنفکران غربی داشتند که به تحقیق درباره اسلام علاقه‌مند بودند. هانری کربن، که از متدین‌ترین مستشرقان است، چندین سال در کنار علامه بزرگوار شاگردی کرد و حتی در مجلس‌های انس عارفانه مرحوم علامه مانند تفسیر اشعار حافظ شرکت می‌جست. احیای معارف اسلامی

آیت الله مصباح یزدی درباره نقش علامه طباطبایی در احیای معارف اسلامی چنین می‌گوید: برای اینکه تأثیر فعالیت‌های علمی و فرهنگی علامه بزرگوار در جامعه ایران و جوامع اسلامی و کل جهان ارزیابی شود، توجه به دو نکته ضرورت دارد. اول آنکه اهمیت کارهای فرهنگی را در جامعه بدانیم و نکته دوم شناخت کامل جامعه قبل از طلوع خورشید وجود علامه طباطبایی است؛ یعنی دانستن اینکه جامعه در چه وضعی بود و چه کمبودهایی داشت. این مسلم است که فعالیت فرهنگی برای یک جامعه زنده از ضروری‌ترین فعالیت‌های اجتماعی و تأثیر آن برای رشد جامعه از هر عاملی مؤثرتر است. مرحوم علامه نیز هنگامی به حوزه علمیه قم قدم گذاشت که این نهال نورسته علمی تازه به مرحله رشد پا گذاشته بود و سخت نیازمند باغبان توانا و دلسوزی بود تا بتواند آن را بارور کند. در چنین اوضاعی آن فیلسوف و دانشمند جامع، با شناختی که از نیازهای جامعه داشت، به تربیت نیروهای کارآمد پرداخت. ایجاد تحول در حوزه علمیه

علامه طباطبایی درباره وضعیت تحصیلی حوزه علمیه چنین فرموده‌اند: وقتی به قم آمدم مطالعه‌ای در وضع تحصیلی حوزه کردم و یک فکری درباره نیاز جامعه اسلامی بین آن نیاز و آنچه در حوزه موجود بود چندان تناسبی ندیدم. جامعه ما احتیاج داشت به عنوان جامعه اسلامی قرآن را درست بشناسد و از گنجینه‌های علوم این کتاب عظیم الهی بهره‌برداری کند. ولی در حوزه‌های علمیه حتی یک درس رسمی تفسیر قرآن وجود نداشت. جامعه ما برای اینکه بتواند عقاید خودش را در مقابل عقاید دیگران عرضه و از آنها دفاع کند، به قدرت استدلال عقلی نیاز داشت. پس به درس‌هایی در حوزه مورد نیاز بود که قدرت تعقل و استدلال را بالا ببرد. ولی از بحث‌های عقلی و فلسفه خبری نبود و تفسیر قرآن نه تنها به عنوان یک درس مطرح نبود، مورد مذمت هم بود. از احادیث هم احادیث عقلی و اعتقادی مورد انزوا واقع شده بود. ذهن فلسفی و روش تفسیری

شهید آیت الله مطهری درباره ذهن فلسفی و روش تفسیری استاد خود علامه طباطبایی چنین می‌گوید: علامه طباطبایی، چند نظریه در فلسفه دارند؛ نظریاتی در سطح جهانی که شاید ۵۰ تا ۶۰ سال دیگر ارزش اینها روشن بشود ولی خود ما قدر خودمان را نمی‌دانیم. ایشان در وصف تفسیر المیزان می‌گوید: تفسیر المیزان همه‌اش با فکر نوشته نشد، من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است. کمتر مشکلی در مسائل اسلامی و دینی برایم پیش آمده که کلید حل آن را در المیزان نیابم. ذوق و قریحه شعری

عارف وارسته، سیدمحمدحسین طباطبایی، دارای روح لطیف، ذوقی عالی و لطافت خاصی بودند. در اشعار عرب به شعرهای «ابن فارض» بویژه نظم السلوک او علاقه‌مند بودند و در اشعار فارسی دیوان حافظ شیرازی را می‌ستودند و گهگاه برای دوستان غزلی آرام آرام می‌خواندند. او خود نیز دارای قریحه شعری بود و غزل‌های

مهر خوبان دل و دین از همه بی‌پروا برد

رخ شطرنج نبرد آنچه رخ زیبا برد

تو مپندار که مجنون سر خود مجنون گشت

از سَمَک تا به سمایش کشش لیلا برد

من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه

ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) و استادشان آیت الله قاضی (رحمت الله علیه)

آیت الله سیدمحمدحسین طباطبایی از محضر استادان گرانقدری بهره برده است، اما آنکه مورد عنایت مرحوم علامه بود و بارها نامش را به عظمت یاد می‌کرد، آیت الله میرزا علی آقای قاضی طباطبایی است. علامه بزرگوار می‌فرمود: ما هرچه داریم از مرحوم قاضی داریم، چه در زمینه علوم و چه در زمینه اخلاق و معارف الهی. آن عارف وارسته و یگانه عصر ما در عرفان عملی و سیر و سلوک الی الله، گوهر کمال را در وجود علامه طباطبایی یافت و در همان اوایل ورود ایشان به نجف، او را تحت تربیت خود قرار داد و این شاگرد نیز چه خوش درخشید و کوشش‌های استاد را به بار نشانید. آیت الله شیخ محمدتقی آملی (ره) می‌فرماید: اگر بناست تحت تصرف انسان کاملی باشید، من بهتر از آقای طباطبایی کسی را نمی‌شناسم او از بهترین شاگردان مرحوم قاضی است و همان وقت هم کشفیاتی داشتند. آثار علامه طباطبایی (رحمت الله علیه)

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی تبریزی در اواخر اسفند سال ۱۳۲۴ از تبریز به قم مهاجرت کردند و از همان آغاز خلایی را در زمینه پرداختن حوزویان به قرآن کریم و علوم عقلی احساس کردند خود ایشان می‌فرمایند:

«هنگامی که از تبریز به قم آمدم، مطالعه‌ای در نیازهای جامعه اسلامی و مطالعه‌ای در وضع حوزه قم کردم و پس از سنجیدن آنها به این نتیجه رسیدم که این حوزه نیاز شدیدی به تفسیر قرآن دارد، تا مفاهیم والای اصیل ترین متن اسلامی و عظیم ترین امانت الهی را بهتر بشناسد و بهتر بشناساند. از سوی دیگر چون شبهات مادی رواج یافته بود، نیاز شدیدی به بحث‌های عقلی و فلسفی وجود داشت، تا حوزه بتواند مبانی فکری و عقیدتی اسلام را با براهین عقلی اثبات و از موضع حق خود، دفاع نماید. از این رو وظیفه شرعی خود دانستم که به یاری خدای متعال، در رفع این دو نیاز ضروری کوشش نمایم».

این تشخیص نیاز و تکلیف شناسی سبب گردید تا مرحوم علامه از همان آغاز رویکردی جدی به مباحث قرآنی و عقلی بیابد. ایشان از سال ۱۳۲۵ ش. دروس تفسیر خود را در قم آغاز کرد و آنچه را که در آن جلسات می‌فرمود، مکتوب می‌ساخت تا اینکه نخستین جلد المیزان در سال ۱۳۳۴ منتشر شد. و نگارش این تفسیر شگرف حدود ۱۷ سال به طول انجامید. تفسیر قرآن برای علامه طباطبایی نه یک کار علمی بلکه ایفای وظیفه و ادای تکلیف بود و این مفسر عارف چه حالات عرفانی و تأثرات قلبی که در هنگام مطالعه بر روی قرآن عظیم پیدا نکرده است.

آقای موسوی همدانی مترجم محترم تفسیر المیزان که برای مقابله و اطمینان از صحت ترجمه خدمت استاد علامه طباطبایی می‌رسید می‌گوید: در تفسیر قرآن، وقتی به آیات رحمت و یا غضب و توبه برمی‌خوریم ایشان دگرگون می‌شد و در مواقعی نیز اشک از دیدگانش جاری می‌شد، در این حالت که به شدت منقلب به نظر می‌رسید، می‌کوشید من متوجه حالتش نشوم. در یکی از روزهای زمستانی که زیر کرسی نشسته بودیم، من تفسیر فارسی می‌خواندم و ایشان تفسیر عربی، که بحث در رحمت پروردگار و آموزش گناهان بود، ناگهان معظم له به قدری متأثر شد که نتوانست به گریستن بی صدا اکتفا کند و با صدای بلند شروع به اشک ریختن کرد.

یکی از مراجع تقلید گذشته عبارت شگفتی در خصوص زحمات طاقت فرسای مرحوم علامه طباطبایی در راه نگارش تفسیر المیزان دارند و می‌فرمایند: علامه طباطبایی خود را در این راه توضیح کرد یعنی قربانی قرآن نمود.

مرحوم شهید مطهری درباره این کار سترگ گفته است: تفسیر المیزان همه‌اش با فکر نوشته نشد. من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است.

در عین حال مرحوم علامه این کار عظیم را وظیفه و تکلیفی بیش نمی‌پندارد که با عنایت خداوندی آن را به انجام رسانده است. یکی از شاگردان مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد: در این تفسیر بین معانی ظاهری و باطنی قرآن و بین عقل و نقل جمع شده و هر یک حظ خود را ایفا می‌کنند. این تفسیر به قدری جالب است و به اندازه‌ای زیبا و دلنشین است که آن را می‌توان به عنوان سند عقاید اسلام و شیعه به دنیا معرفی کرد و به تمام مکتب‌ها و مذهب‌ها فرستاد و بر این اساس، آنان را به دین اسلام و مذهب تشیع

فراخواند.

اگر این تفسیر در حوزه‌ها تدریس شود و روی محتویات و مطالب آن بحث و نقد و تجزیه و تحلیل به عمل آید و پیوسته این امر ادامه یابد، پس از دو‌یست سال ارزش این تفسیر معلوم خواهد شد.

عنایت و توجه خاص مرحوم علامه به روایات و احادیث اهل بیت علیهم السلام برای فهم معانی قرآن از آن رو است که ایشان معتقدند که از اسرار و باطن قرآن کسانی آگاهند که به صفت المطهرون متصف باشند چرا که قرآن می‌فرماید: «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لایمسه الا المطهرون» و از سوی دیگر در آیه تطهیر می‌فرماید: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»

بنابر این قرآن مطهرون را تنها کسانی می‌داند که می‌توانند رموز و ظرایف و اسرار آن را درک کنند و به استناد صریح آیه بعدی ایشان، همانا اهل بیت (ع) می‌باشند.

همچنین مرحوم علامه طباطبایی در خصوص آیه شریفه «قل لا اسئلكم علیه اجرأ الا الموده فی القربی» بگو برای رسالتم از شما مزد و پاداشی جز محبت نزدیکانم نمی‌خواهم؛ معتقدند: مراد از القربی در این آیه، اهل بیت (ع) می‌باشند و می‌نویسند: «علاوه بر اینکه روایتهای چندی از طریق اهل سنت و روایتهای بسیاری از طریق شیعه، بر همین معنی وارد شده است، اخبار متواتری نیز از طریق هر دو طرف بر وجوب مودت و لزوم محبت اهل بیت (ع) دلالت دارد که این معنی و تفسیر را تأیید می‌کند».

همچنین ایشان معتقد است که «روایتهای متواتری، از طریق هر دو طرف، از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده مانند حدیث ثقلین و حدیث سفینه و... که همه متضمن این است که مردم در فهم کتاب خدا و هر آنچه که در آن است؛ از اصول معارف و فروع دین گرفته تا بیان حقایق آن، باید به اهل بیت (علیهم السلام) رجوع کنند. پس از تأمل کافی در این روایتهای دیگر شکی نمی‌ماند که واجب کردن محبت اهل بیت (علیهم السلام) از سوی خدا و اجر رسالت قرار دادن آن، برای این است که مردم به اهل بیت (علیهم السلام) مراجعه کنند و آنها را ملجأ و مرجع علمی خویش دانند.

مرحوم علامه (ره) همانگونه که استاد شهید مطهری گفته‌اند در تفسیر قرآن از الهامات و توجهات غیبی محروم نمانده‌اند خود ایشان معتقدند که «یک حقیقت قرآنی وجود دارد که نمی‌شود انکار کرد و آن این است که هرگاه انسان به وادی ولایت الهی گام نهاد و به ساحت قدس و کبریا نزدیک گشت، دری از ملکوت آسمانها و زمین به رویش گشوده می‌شود که از آن آیات کبری و انوار جبروت الهی را که بر دیگران مخفی است مشاهده می‌کند».

و از همین جاست که حضرت ایشان می‌فرماید:

خم ابروی تو بود و کف مینوی تو بود
که به یک جلوه زمن نام و نشان یکجا برد
و در جای دیگری می‌فرماید:

تو مپندار که مجنون سرخود مجنون گشت
از سمک تا به سمائش کشش لیلا برد

من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه
ذره ای بودم و مهر تو مرا بالا برد

همه دلباخته بودیم و هراسان، که غمت
همه را پشت سرانداخت، مرا تنها برد

واقعاً این عنایت الهی به حضرت علامه پاداش اخلاص و صبر ایشان است. آن روز که ایشان به پژوهش و تدریس پیرامون تفسیر و

علوم عقلی پرداخت، در میان علما و بزرگان تدریس فقه و اصول، زمینه ساز مرجعیت عامه به شمار می‌رفت و به اصطلاح غیر از فقه و اصول، فضل محسوب می‌شد.

تحمل مخالفت‌های دوستان با تدریس فلسفه و اقناع هر یک از آنان در آن روزگار کار آسانی نبود به خصوص آنکه حربه تکفیر در دستان عده‌ای به ابزاری برای جایگزینی مباحث علمی و مباحثات طلبگی تبدیل شده بود.

علامه معتقد بود آنچه که تکلیف ساز است، نیاز جوامع بشری است و در روزگاری که دانش پژوهان با چمدانهای پر از اشکال و شبهات به مراکز علمی و آموزشی روی می‌آوردند، راهی جز اقناع آنان با استفاده از شیوه‌های استدلالی نیست.

علامه برای نیل به این اهداف هرگز خود را بی‌نیاز از توجه و عنایت خداوند سبب ساز نمی‌دید و تأثیر اساتید بزرگ و خودساخته‌ای همچون مرحوم حاج سیدعلی آقا قاضی (۱۲۸۵-۱۳۶۵ هـ ق) بر حالات روحی و عرفانی مرحوم علامه آنچنان بود که خود ایشان می‌فرماید: «وقتی در سال ۱۳۰۴ هـ ش برای تحصیل به نجف اشرف رهسپار گردیدم، در نخستین روزها در منزل نشسته و به آینده خود فکر می‌کردم و برخی افکار نگران کننده از ذهنم عبور می‌کردند. ناگهان شخصی دق الباب کرد. از جا برخاسته و درب را باز کردم، یکی از علمای نامدار سلام کرد و داخل منزل شد و خیرمقدم گفت، وی که چهره‌ای جذاب و نورانی داشت کم‌کم باب گفت و گو را باز کرد و با من انسی گرفت و در ضمن بیانات خود گفت: کسی که برای تحصیل به نجف می‌آید شایسته است علاوه بر فراگیری علوم گوناگون به فکر تهذیب نفس و تکمیل مکارم و کسب فضایل باشد. این جمله را گفت و منزل ما را ترک نمود. سخنان این عارف متشرع - آیت الله حاج سیدعلی قاضی - چنان مرا شیفته نمود که تا در نجف بودم از محضرش بهره می‌گرفتم».

عشق و ارادت حضرت ایشان به اهل بیت (سلام الله علیهم) و خضوع و خشوع در برابر ولایت و امامت در زندگی ایشان چیزی نبود که از دید نزدیکان و مریدان ایشان هم پنهان بماند.

وقتی از مرحوم شهید مطهری پرسیده می‌شود که دلیل این همه تجلیل شما از علامه طباطبایی برای چیست و چرا تعبیر «روحی فدا» را در مورد ایشان بکار می‌برید، آن فیلسوف متشرع پاسخ داد: من حکیم و عارف بسیار دیده‌ام و احترام من به ایشان به خاطر علم او نیست بلکه از این جهت است که او عاشق و دل‌باخته اهل بیت (سلام الله علیهم) است.

از درخت تنومند معرفت و دانش علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) به جز تفسیر المیزان آثار گران مایه ذیل به یادگار مانده است: بدایة الحکمة: کتابی که یک دوره تدریس فشرده فلسفه برای دستداران علوم عقلی در قم و سپس دانشگاه‌های کشور گردید.

نهایة الحکمة: این اثر برای تدریس فلسفه با توضیحی بیشتر، عمقی افزون‌تر و سطحی عالیت‌ر تدوین شده است. بر کتابهای بدایة الحکمت و نهایة الحکمت شروح مختلفی نوشته شده است و می‌توان گفت که از جمله بهترین کتابهایی هستند که در سده اخیر در گستره فلسفه اسلامی نوشته شده است.

اصول فلسفه و روش رئالیسم: بینش علامه پیرامون نظرات مادیون و ماتریالیستها باعث فراهم آوردن این اثر گردید. این اثر با پاورقیهای استاد شهید مرتضی مطهری همراه است.

حاشیه بر کفایه: کتابی در علم اصول فقه که پیرامون قوانین استنباط احکام به بحث می‌پردازد.

شیعه در اسلام: دورهای کامل از اعتقادات و معارف شیعه در این اثر نفیس به چشم می‌خورد؛ این کتاب گرانها به زبانهای مختلف دنیا ترجمه و بارها چاپ شده است.

مجموعه مذاکرات با پروفیسور هانری کربن.

خلاصه تعالیم اسلام: این کتاب خلاصه‌ای از آن چه یک مسلمان متعهد باید از آن آگاهی داشته و خود را بدان زینت دهد، بیان کرده است.

روابط اجتماعی در اسلام: انسان و اجتماع و رشد اجتماعی او، پایه زندگی اجتماعی، آزادی در اسلام و... مباحثی است که در این کتاب بدانها پرداخته شده است.

بررسیهای اسلامی: مجموعه‌های است زَرین از مقالات استاد که بسان دائرة المعارفی از معارف ناب اسلامی جمع آوری شده است. آموزش دین: کتابی با قلم روان و مطالبی لازم و ضروری است که برای دانش آموزان نوشته شده است. رساله انسان قبل از دنیا: در دنیا و بعد از دنیا، این کتاب که اکنون با نام «انسان از آغاز تا انجام» ترجمه شده است مباحثی مفید از عوالم سه گانه ماده، مثال و عقل مطرح کرده و پیرامون شبهات و دغدغه خاطر جوانان مطالبی بسیار مفید و لازم ارائه کرده است. رساله‌هایی گوناگون درباره قوه و فعل، صفات، افعال الله، وسائط، نحو، صرف،... این مجموعه ۲۶ رساله است که بنا به ضرورت و نیاز جامعه توسط علامه نگاشته شده است.

دیوان شعر فارسی: مجموعه‌های از اشعار چشمگیر و عمیق علامه که طی سالیان متمادی سروده شده است. سنن النبی: سیره و روش رسول الله - صلی الله علیه و آله - در بین مردم و همراه خانواده در این اثر به چشم میخورد. این اثر اخیر توسط استاد حسین استاد ولی به زبان فارسی ترجمه شده است.

لُب اللباب: مجموعه درسهای اخلاق استاد که از سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ قمری برای برخی از فضلاء حوزه قم بیان فرموده‌اند. حاشیه بر اسفار: نظرات استاد فرزانه علامه طباطبایی بر اسفار در این کتاب جمع آوری شده است. علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) از دیدگاه آیت الله امینی (حفظه الله) آیت الله امینی (حفظه الله) در وصف استاد خود چنین می‌فرماید:

علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) چشمه جوشانی بود که در صحنه روحانیت شیعه جاری شد و تشنگان حقیقت را سیراب کرد. او آفتاب درخشانی بود که در آسمان اسلام طلوع کرد و تیرگی‌های شُبّهات و اوهام را برطرف کرد و به حق باید ایشان را بزرگترین افتخار حوزه علمیه قم، بلکه بزرگترین شخصیت علمی جهان اسلام در این عصر شمرد که در احیای تفکر اسلامی صحیح و مبارزه با انحرافات و بدعت‌ها و شناساندن اسلام راستین که در مکتب اهل بیت (ع) تبلور یافته است، تأثیر فوق‌العاده داشت. همین بس که اغلب رجال سیاسی، علمی و روحانی امروز کشور و گردانندگان چرخ انقلاب اسلامی از شاگردان بی واسطه یا با واسطه اویند. سیره فلسفی

روش حضرت علامه در پژوهش‌ها فلسفه چنین ویژگی‌هایی داشت ۱- پایه‌های اندیشه استاد را تنها بر این یقینی تشکیل می‌داد؛ زیرا اثبات مسائل فلسفی فقط با مقدمات یقینی میسر است. ۲- حفظ و تکرار بر اندیشه فلاسفه بزرگ بسنده نمی‌کرد و اندیشه‌های گذشتگان را مورد تصحیح نقد قرار می‌داد. ۳- امور اعتباری را با مسائل فلسفی مخلوط نمی‌کرد و محور اندیشه خود را تنها بر واقعیت‌های جهان هستی گذاشته بود ۴- اوج تکامل عقلی و روحی این ابرمرد حکمت تا بدانجا بود که کلیات عقلی را بدون دخالت قوه خیال و تمثیل مصداقی آن‌ها در مرحله تخیل، ادراک می‌کرد. ۵- روش تحلیلی آن بزرگ مرد فلسفه بررسی کامل موضوعات فلسفی بود و تا تصور کاملی از موضوع مسئله بدست نمی‌آورد وارد بحث نمی‌شد. ۶- در تنظیم مسائل عقلی از نحوه چینی مسائل ریاضی الهام می‌گرفت. ۷- از مکاتب مختلف فلسفی بهره می‌جست.

عرفان عملی علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) از منظر آیت الله حسن زاده آملی (حفظه الله)

آثار هر کس نمودار دارایی اوست بهترین معرف آن جناب، سیر و سلوک انسانی و آثار علمی، از تدریس و تالیف اوست. افاضل حوزه علمیه قم که شاغل کرسی تدریس اصول معارف حقه جعفریه‌اند، از تلامذه اویند، و تفسیر عظیم الشان المیزان که عالم علم را مایه فخر و مباهات است، یکی از آثار نفیس قلمی وام‌الکتاب مؤلفات اوست. جایگاه علامه طباطبایی در عرفان عملی موقعیت جناب علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) در عرفان عملی این بود که دریافته بود و به این باور رسیده بود که: «ان هذا

القرآن یهدی للتی هی اقوم». (۱) راه این است و جز این نیست. و دقیقا بدین جهت، رفتار او، گفتار او، سکوت او، قلم او و مطلقا آثار وجودی او، حکایت کننده وارستگی و عظمت ذخایر علمی و عملی او بود.

انسان وقتی حضرت علامه طباطبائی را زیارت می کرد، به یاد این حدیث شریف می افتاد که جناب کلینی در کتاب فضل العلم کافی به اسنادش از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می کند و فرموده است: من تعلم العلم و عمل به و علم الله، دعی فی ملکوت السماوات عظیما: فقیل تعلم الله و عمل الله و علم الله. (۲)

آن کسی که دانش تحصیل کند و بدان عمل کند و به دیگران برای خدا تعلیم بنماید، در ملکوت سماوات و عالم اله - که خودش عالم عظیم است - او را به عظیم صدا می کنند: ای بزرگ، ای آقا، ای کسی که برای خدا تحصیل علم کرده‌ای، برای خدا بدان عمل کرده‌ای، برای خدا به دیگران تعلیم داده‌ای، تو آقا و بزرگ و عظیمی.

بنده هفده سال در محضر شریف او با ایشان انس داشتم و از ایشان کار لغوی ندیدم. حرف لغوی نشنیدم. بسیار مواظب کلام خود بود. علامه طباطبائی و مراقبت از نفس

به حقیقت، دل این مرد بزرگوار معدن تقوا بود زیرا بسیار مواظب خود بود. همواره اهتمامش بر این بود و می گفت در شب و روز زمانی را برای حسابرسی خود قرار بدهید و ببینید که این ۲۴ ساعت چگونه بر شما گذشته. اهل محاسبه باشید. همان طور که یک بازرگان و یک کاسب دخل و خرج خود و صادرات و وارداتش را حساب می کند، شما ببینید در این شب و روز که بر شما گذشت، چه چیزی اندوخته‌اید. چه گفته‌اید. یک یک رفتار و گفتارتان را حسابرسی کنید. از نادرستی‌ها استغفار کنید و سعی کنید تکرار نشود، و برای آنچه شایسته و صالح و به فرمان حاکم عقل بود، خدا را شاکر باشید، تا بتدریج برای شما تخلق به اخلاق ربوبی ملکه بشود. «و لا تکنوا کالذین نسوا الله فانساهم انفسهم». (۳)

حضرت علامه همواره مراقب نفس خویش بود و از خدا غافل نمی شد و این امر در صورت و رفتار و حرفشان پیدا بود که ایشان در پیشگاه دیگری قرار گرفته. هر چند به صورت ظاهر، جسمش با دیگران بود، پیدا بود که در محضر دیگری نشسته است. در این باره، مصباح الشریعة می فرماید که: «العارف شخصی مع الخلق و قلبه مع الله ﷻ» عارف بدنش با خلق و دلش با خداست «و لا مونس له سوی الله، و هو فی ریاض قدسه متردد و من لطائف فضله متزود ﷻ» توشه‌اش آن سویی است. قلبی که او دارد در پیشگاه ملکوت عالم آمد و شد دارد. مونسش ملکوت عالم است.

چنین کسی مراقبت دارد و انسان بر اثر این مراقبت، یواش یواش به صفات ملکوتی متصف می شود و بدان خو می گیرد. از خاطر نمی رود که مرحوم علامه طباطبائی وقتی به من فرمود: «آقا، من هر روز مراقبتم قوی تر است. شب، مشاهدات من، مکاشفات من زلالتر است». هر چه روز مراقبت شدیدتر باشد، شب مکاشفات زلالتر و صافی تر است. عصاره خوبی‌ها علامه سید محمد حسین طباطبائی مردی ساده و بی آرایش بود. متواضع، مودب، متین و با وقار بود و هیچ وقت عصبانی نمی شد. هیچ گاه بلند سخن نگفت؛ در مورد کسی بد نمی گفت و هرگز کسی از ایشان غیبت نشنید. سخن کسی را قطع نمی کرد و به صحبت های دیگران خوب گوش میداد.

برای بدخواهان خودش هرگز نمی گذاشت که دیگران اقدامی کنند و خودش هم عفو میکرد. ز بحث های جدلی دوری میکرد و در برخورد با شاگردان خود شیوه مخصوصی داشت.

در شیوه وی هیچ وقت تحکم فکر در کار نبود. همیشه در عین حالی که سعی داشت متناسب با درک و استعداد شاگردان، مطلب را القا کند، به آن ها مجال تفکر میداد.

اساسا ایشان نسبت به تربیت شاگرد به خصوص اهل فضل و خصوصا در زمینه معارف و حقایق قرآنی و استدلالی، شیفتگی زیادی داشت.

علامه اجازه نمیداد کسی دست ایشان را ببوسد؛ در همه لحظات مراقب خویش بود و هیچ گاه از خود تعریف نمیکرد. نسبت به اهل و عیال و خانواده بسیار مهربان بود. بامناجات و دعا و راز و نیاز بسیار مانوس بود. اکثر اوقات در سکوت بود و فقط لبانش به ذکر خدا حرکت میکرد.

پیاده روی را دوست داشت. در بذل دانش حریص بود. سؤال هیچکس را بدون جواب نمی گذاشت. به زیادی و کمی شاگردان توجه نداشت؛ حتی گاهی از اوقات برای دوسه نفر هم درس می گفت. گاهی که استاد خطاب میشد، میفرمود این تعبیر را دوست ندارم، ما اینجا دور هم جمع شده ایم تا با کمک و همفکری، معارف اسلام را دریابیم. اخلاص کامل داشت و همیشه جلب رضایت خدا را در نظر میگرفت.

و خلاصه این بزرگمرد الهی عصاره ای از تمام اخلاقیات نیکو و ویژگیهای حسن را دارا بود. پرواز به سوی ملکوت علامه طباطبائی، سرانجام پس از ۸۱ سال و هجده روز عمر با برکت و زندگی پرتلاش، در ۲۴ آبان ۱۳۶۰ ش از این جهان رخت بر بست و جهان تشیع را در سوگ خود نشانده. با درگذشت علامه، این مفسر وارسته و حکیم عارف، دل‌های پاک اندیشمندان و بزرگان عرصه علم و ادب غرق اندوه شد. سرسلسله بیداردلان، حضرت امام خمینی (ره) با اظهار هم‌دردی و برپایی مجلس ختم برای ایشان، این ضایعه اسفناک را به جهان تشیع تسلیت گفتند.

پاینده باد حوزه‌های نور و حجره‌های کوچک که در هر زمان و مکانی خیزشگاه مردانی بزرگ و ژرف‌اندیش بوده و خواهد بود. پی نوشت: (۱) سوره اسراء/۹

(۲) اصول کافی، تعریب حضرت استاد حسن‌زاده آملی، ج ۱، ص ۲۷.

(۳) سوره حشر/۱۹

طباطبائی، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۰ - ۱۲۸۲ ش)، عالم امامی، حکیم، فیلسوف، مفسر، فقیه اصولی و شاعر. مشهور به علامه طباطبائی و معروف به قاضی طباطبائی. وی در تبریز به دنیا آمد. در پنج سالگی مادر و در نه سالگی پدرش را از دست داد. بعد از درگذشت پدرش به مکتب و پس از آن به مدرسه رفت و مدتی هم زیر نظر معلم خصوصی به تحصیل پرداخت و معلومات ابتدایی را کسب نمود. در ۱۲۹۷ ش به تحصیل علم دینی و عربی مشغول شد و مقدمات را فرا گرفت. آن‌گاه در فقه کتب «شرح لمعه» و «مکاسب»، در اصول کتاب «معالم» «قوانین»، «رسائل» و «کفایه»، در منطق کتب «کبری»، «حاشیه» و «شرح شمسیه»، در فلسفه کتاب «شرح اشارات» و در کلام کتاب «کشف المراد» را مورد مطالعه قرار داد. وی در ۱۳۰۴ ش برای ادامه‌ی تحصیلات به نجف رفت و در مجلس درس آیت‌الله آقای شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شد و یک دوره خارج اصول و خارج فقه را در نزد وی آموخت و مدتی نیز در مجلس بحث خارج فقه و خارج اصول آیت‌الله نائینی شرکت کرد و همچنین مدتی در بحث خارج فقه آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی حاضر شد. کلیات علم رجال را نیز در محضر آیت‌الله حجت کوه‌کمری آموخت و معارف الهیه و اخلاق و فقه الحدیث را در نزد حاج میرزا علی آقا قاضی طباطبائی تبریزی فراگرفت. او چندین سال نیز در زمینه‌ی فلسفه در نزد آقا سید حسین بادکوبه‌ای «منظومه‌ی سبزواری»، «اسفار»، «مشاعر» ملاصدرا، دوره «شفا»ی بو علی سینا، کتاب «اثو لوجیا»، «تمهید» ابن ترکه و «اخلاق» ابن مسکویه را خواند. علامه طباطبائی یک دوره «حساب احتمالی»، یک دوره «هندسه مسطحه و فضایی» و «جبر استدلالی» را در

محضر آقا سید ابوالقاسم خوانساری گذراند. او در ۱۳۱۴ ش به زادگاهش بازگشت و مدت ده سال در آنجا ماند و در ۱۳۲۵ ش از تبریز به قم مهاجرت کرد و در آنجا به تدریس و تألیف و فعالیت‌های علمی پرداخت. برخی از شاگردان ایشان عبارت‌اند از: آیت‌الله شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتاح، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتاح، آیت‌الله ابراهیم امینی، آیت‌الله مصباح، آیت‌الله حسن‌زاده آملی و آیت‌الله عبدالله جوادی آملی. پرفسور هانری کربن، استاد شیعه‌شناس دانشگاه سربن نیز با ایشان مصاحبه‌های بسیار داشت که این مصاحبات به زبانهای فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی انتشار یافت و اولین دوره آن در فارسی تحت عنوان «مکتب تشیع» منتشر شد. علامه طباطبائی در خط نستعلیق و شکسته استاد، و در علوم غریبه نیز وارد بود. او همچنین در علم اعداد و حساب جمل مهارت داشت و در شعر نیز توانا بود وی در مسجد بالاسر حضرت معصومه (س) در قم مدفون است. از آثار وی: «تفسیر المیزان»، که ترجمه آن در چهل مجلد آمده است؛ «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ «وحی یا شعور مرموز»؛ «شیعه در اسلام»؛ «قرآن در اسلام»، با ترجمه‌های فارسی، انگلیسی و اردو؛ «حکومت در اسلام»، فارسی که به عربی نیز ترجمه شده؛ «سنن النبی (ص)»؛ و «اصول عقاید»، برای دبیرستانها پنج جلد «بدایه الحکمه» و «نهایه الحکمه»، در فلسفه، رسائل بسیاری در «مبدا» و «معاد» و «نبوت» و «ولایت»؛ رساله‌ای در «عشق»؛ دو رساله در «ولایت و حکومت اسلامی». [۱]

صدرالحکماء المتألّهین آیت‌الله الاستاد حاج سید محمدحسین معروف به علامه طباطبائی از اعظام علماء و اکابر حکماء و فلاسفه عصر حاضر بود عالمی ربانی و حکیمی سبحانی و آیتی برهانی واجد علم و کمال و جامع کمالات نفسانی و ملکات اخلاقی بود که بیش از صدها نفر از علماء قم و سایر بلاد افتخار تلمذ و شاگردی وی را دارند.

در آخر ذی‌الحجه ۱۳۲۱ قمری در تبریز متولد و در اصیل‌ترین خانواده‌های علمی آن سامان تربیت یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح در سال ۱۳۴۴ قمری مهاجرت به نجف نموده و از محضر اساتید بزرگ چون مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی در مدت ده سال استفاده کافی نموده و دروس معقولیه را از مرحوم علامه حاج سید حسین بادکوبه‌ای فراگرفته و در فن فقاها و حکمت و فلسفه مقام اجتهاد و استادی را حایز گشته تا در سال ۱۳۵۴ قمری مراجعت به ایران و تبریز نموده و ده سال در آنجا توقف و به تدریس فقه و حکمت و تصنیف کتب پرداخته تا در سال ۱۳۶۵ قمری که مهاجرت به مرکز علم و دانش قم را اختیار و رحل اقامت افکند.

و به تدریس معقول و منقول اشتغال یافته و فضلاء حوزه را از بیانات و تحقیقات دقیقه خود در فقه و اصول و تفسیر و حکمت بهره‌مند می‌نماید آثار قلمی ایشان که هر کدام به مورد خود گرانبهاست از این قرار است.

۱- حاشیه بر کفایه ۲- رساله در مبدء و معاد که جمع بین کتاب و سنت و عقل است ۳- تفسیرالمیزان که بیست مجلد است و تاکنون تمام آن طبع و نشر یافته است ۴- اصول فلسفه ۵- جلد به قلم امروز که ۴ جلد آن مطبوع است ۵- رساله‌ای در عشق ۶- سنن‌النبی ۷- شیعه در اسلام ۸- قرآن در اسلام فارسی و انگلیسی وارد و ترجمه و طبع شده ۹- مصاحبات با پرفسور کربن دو جلد یک جلد آن طبع شده ۱۰- وحی یا شعور مرموز ۱۱- اصول عقاید برای دبیرستانها ۵ جلد ۱۲- رساله محمد در آئین اسلام به زبان فارسی و فرانسه طبع شده ۱۳- بدایه الحکمه در فلسفه ۱۴- نهایه الحکمه در فلسفه.

۱۵- ترجمه تفسیرالمیزان معظم‌له در چهل مجلد که بیست و پنج مجلد آن تاکنون به طبع رسیده است و اکثر آن به قلم دانشمند معظم حجه‌الاسلام آقای حاج سید محمد موسوی همدانی است.

عالم.

تولد: ۱۳۱۹ (۱۲۸۱ ق.)، تبریز.

درگذشت: ۲۴ آبان ۱۳۶۰، قم.

علامه سید محمد حسین طباطبائی (قاضی)، فرزند سید محمد، در تبریز به دنیا آمد. در همان کودکی پدر (در نه سالگی) و مادر خود را در (پنج سالگی) از دست داد و از سن نه سالگی به مدت تقریبی شش سال به فراگرفتن فارسی و تعلیمات ابتدایی مشغول شد. در سال ۱۲۹۷ وارد رشته‌های علوم دینی و علوم عربیه شد و تا سال ۱۳۰۴ به قرائت متون سرگرم بود. در این سال عازم حوزه علمیه نجف گردید و در مدت ده سال تحصیل، به تدریس و تألیف اشتغال ورزید. وی در نجف به درجه اجتهاد در فقه نایل آمد.

در نجف در حوزه‌ی درس آیت‌الله آقا شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌الله محمدحسین نائینی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای به تکمیل تحصیلات خود در فقه و اصول و رجال پرداخت و فلسفه را نزد آیت‌الله سید محمدحسین بادکوبی در مدت شش سال فراگرفت. علوم غریبه (مانند جفر) و جبر و مقابله و هندسه فضایی و مسطحه و حساب استدلالی و هیئت و علوم ریاضی را در نجف نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم موسوی خوانساری تلمذ نمود.

در سال ۱۳۱۴ به زادگاه خود تبریز مراجعت کرد و علاوه بر کشاورزی، به تدریس و تصنیف کتاب پرداخت. در سال ۱۳۲۵ نیز متوجه حوزه‌ی علمیه‌ی قم گردید و در آنجا جلسات بحث و درس خود را در رشته‌های مختلف دایر کرد که تا آخر عمر وی ادامه داشت.

پیکر علامه در آستانه حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

از تألیفات متعدد ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر المیزان (بیست جلد به عربی، چهل جلد به فارسی)؛ اصول فلسفه و رئالیسم (پنج جلد)؛ حاشیه کفایه الاصول؛ حاشیه بر کتاب اسفار ملا صدرا؛ وحی با شعور مرموز؛ شیعه در اسلام (به فارسی)؛ قرآن در اسلام (به فارسی)؛ بدایه الحکمه و نهایه الحکمه (کتاب بدایه الحکمه به ترجمه علی شیروانی هرنندی و کتاب نهایه الحکمه به ترجمه مهدی تدین منتشر شده است)؛ فراهایی از اسلام (به فارسی)؛ رسالت تشیع در دنیای امروز؛ حکومت در اسلام (به فارسی)؛ پرسش‌های اسلامی؛ اسلام و انسان معاصر؛ سنن النبی؛ کتاب سلسله انساب طباطبایی آذربایجان؛ مبداء و معاد؛ رساله الولایه؛ رساله النبوه و الامامه؛ رساله در مغالطه؛ رساله در برهان؛ رساله در تحلیل؛ رساله در ترکیب؛ رساله در اعتباریات؛ توحید شامل سه رساله (رساله توحید؛ رساله اسماء الله سبحانه؛ رساله در افعال الله)؛ کتاب الانسان (شامل سه رساله انسان قبل الدنیا؛ انسان فی الدنیا؛ انسان بعدالدنیا)؛ رساله وسائط (مجموعه این سه رساله بالا و سه رساله انسان و وسائط در یک جلد شامل هفت رساله جمع‌آوری شده است)؛ رساله در اثبات ذات؛ دو رساله در ولایت حکومت اسلامی (فارسی و عربی)؛ مصاحبه‌های سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۸ با هانری کربن مستشرق فرانسوی، رساله در اعجاز.

علامه خطوط نستعلیق و شکسته را به خوبی می‌نوشت و اشعاری عرفانی نیز می‌سرود. نمونه اشعار ایشان در صفحه ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ جلد چهارم و ۱۴۶ جلد پنجم نگین سخن تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع) به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۴۶-۶۴۵ / ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۸، ص ۱۶-۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷-۲۲۶ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۳ / ۲)، مهر تابان (یادنامه و مصاحبات علامه طباطبائی تبریزی).

طبرسی، امین‌الدین، امین‌الاسلام، ابوعلی فضل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۴۸ق)، فقیه، محدث، مفسر، محقق و لغوی امامی. معروف به شیخ طبرسی و صاحب «مجمع البیان». او از برجسته‌ترین پیشوایان مذهب شیعه در قرن ششم هجری است. خودش و پسرش، حسن بن فضل، صاحب «مکارم الاخلاق»، و نوه‌اش، علی بن حسن، صاحب «مشکاه الانوار» و دیگر نزدیکان او همگی از بزرگان علما می‌باشند. وی از شیخ ابوعلی، فرزند شیخ طوسی، و شیخ عبدالجبار قاری رازی، فقیه بزرگ شیعه در ری، روایت کرده و «صحیفه الرضا (ع)» از جمله مرویات اوست. طبرسی از مشایخ روایت پسرش، رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، و ابن شهر آشوب مازندرانی و شیخ منتجب‌الدین و قطب راوندی و شاذان بن جبریل قمی و شیخ عبدالله دوریستی و برخی دیگر از بزرگان علمای شیعه است. در ۵۲۳ق از مشهد رضوی به سبزوار رفت و تا پایان عمر در سبزوار ماند. صاحبان «ریاض العلماء» و «روضات الجنات» و نیز محدث نوری در «مستدرک» گفته‌اند که وی شهید گشته است. جنازه‌اش را به مشهد انتقال دادند و در محل غسل امام رضا (ع)، مشهور به قتلگاه، دفن کردند. از آثارش: «اعلام الوری باعلام الهدی»، در فضایل ائمه (ع)؛ «الوسیط»، در تفسیر؛ «الوجیز» یا «الکافی الشافی» یا «الکافی الشاف من کتاب الکشاف»، ملخص «کشاف» زمخشری در تفسیر؛ «الوافی»، در تفسیر؛ «تاج الموالید»؛ «الآداب الدینیة»؛ «مجمع البیان لعلوم القرآن»، که شیخ شهید (ره) درباره‌اش گفته که این تفسیری است که مثلش نوشته نشده؛ «جوامع الجامع»، در تفسیر، که آن را بعد از «مجمع البیان» تألیف کرده و در آن لطایف «کشاف» و فواید «مجمع» را جمع نموده است، دکتر گرجی نسخه‌ی آن را تصحیح و بر آن تعلیقاتی نگاشته است؛ «معارج السؤل»؛ «نثر اللثالی»، به سبک «غرر و درر» آمدی؛ «غنیه العابد و منیه الزاهد»؛ «عده السفر و عمده الحضر»؛ «العمده»، در اصول دین و فرائض و نوافل؛ «النور المبین»؛ «الجواهر»، در نحو. [۱]

(ع. معر. تفرشی) ۱- ابوعلی فضل ابن حسن طبرسی ملقب به امین‌الدین و امین‌الاسلام، مفسر و دانشمند معروف شیعه (و. بین ۴۸۰ - ۴۶۸ ه.ق. - ف. ۵۴۸ ه.ق.). شهرتش به تصریح علی بن زید بیهقی دانشمند معاصر و هموطن وی در تاریخ بیهقی «طبرسی» (به فتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث) منسوب به طبرس معرب تفرش است، بنا به نقل افندی شاگرد مجلسی در ریاض العلماء علامه مجلسی و نیز عده‌ای دیگر از علمای همزمان وی طبرسی را به احتمال قوی اهل تفرش میدانستند. منسوب دانستن وی به طبرستان نه سند قدیمی دارد و نه با قانون می‌سازد. باری طبرسی تا سال ۵۲۳ ه.ق. در مشهد مقدس اقامت داشت و در این سال به سبزوار رفت و تا پایان عمر آنجا متوطن بود. مدفنش در مشهد مقدس است. وی از فقه و تفسیر و نحو و لغت و شعر و حساب و جبر و مقابله مشارالیه بود. در فقه فتاوی‌ای مخصوص دارد. اشاره تألیفاتش بر بیست بالغ می‌شود. از آن جمله است: مجمع البیان (ه. م.) در تفسیر، جوامع الجامع (ه. م.) در تفسیر، الآداب الدینیة للخرزانه المعینیة در حکمت عملی، اعلام الوری به اعلام الهدی در تاریخ ائمه، تاج الموالید در تاریخ و انساب، العمده در اصول دین و فرائض و نوافل، نثر اللالی در کلمات قصار علی ۴ و غیره. ۲- رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، فرزند ابوعلی فضل از علمای بزرگ قر. ۶ ه. در فضایل و کمالات مرتبه‌ای بلند داشت و نزد پدرش تلمذ کرد، اوراست: جامع الاخبار (که بعضی آن را منسوب به محمد بن محمد شعیری و دسته‌ای منسوب به جعفر بن محمد دوریستی و عده‌ای از تألیفات ابوالحسن علی حنط دانسته‌اند)، مکارم الاخلاق که در مصر و ایران به طبع رسیده. اسرار الامامة (درباره مؤلف این کتاب هم قول بسیار است. سال فوتش به دست نیامده) (دکتر حسین کریمان).

الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی ره که دشمنان و دوستان وی اعتراف به فضل او دارند.

اوست مفسر جلیل و عالم کامل نبیل و ثقه بزرگوار و فقیه عظیم‌الشأن صاحب تألیفات کثیره و تصنیفات عدیده مانند ۱- مجمع البیان در تفسیر قرآن ۲- الوسیط (تفسیر متوسط) ۳- الوجیز (تفسیر مختصر) ۴- جوامع الجامع ۵- الاداب الدینیة للخرزانه المعینیة ۶- غنیة العابد ۷- منیه الزاهد ۸- تاج الموالید ۹- کنوز النجاح ۱۰- عده السفر ۱۱- عمده الحضر ۱۲- النور المبین ۱۳- الفائق ۱۴- اعلام الوری باعلام الهدی و کتب دیگری که در روضات نسبت به او داده است.

بالجمله این بزرگوار پدر ابونصر حسن بن فضل صاحب مکارم الاخلاق و جد ابوالفضل علی بن حسن صاحب مشکوه الانوار در

ادعیه است.

بیت او از علماء بزرگ بوده‌اند در سال ۵۲۳ قمری از مشهد رضوی به سبزوار منتقل شد و در سال ۵۴۸ قمری از دنیا رفت. جنازه او را به مشهد مقدس حمل کردند و در قبرستان معروف به قتلگاه که اکنون در خیابان طبرسی که بنام او شهرت گرفته مدفون نمودند.

و آنجا را از این رو قتلگاه گفته‌اند که در اواخر دولت صفویه در آنجا به دستور عبدالله خان ازبک افغانی قتل عام کردند صاحب روضات گوید از صاحب ریاض العلماء منقولست که میان همه طبقات معروف شده که شیخ طبرسی سکتته کرد مردم به گمان اینکه او رحلت نموده او را دفن کردند و چون در قبر بهوش آمد راه بیرون شدن را بر خود مسدود دید در آن حال نذر کرد که اگر حق تعالی او را خلاص بفرماید از آن بلیه کتابی در تفسیر قرآن تالیف نماید پس اتفاق افتاد که یکی از گورکنان بقصد دزدیدن کفن شیخ قبر او را نبش کرد و چون خواست کفن از تنش بیرون کند که ناگاه شیخ دست او را گرفت.

نباش را ترس شدیدی عارض شد شیخ شروع کرد با او تکلم کردن وحشت او زیادتر شد شیخ گفت مترس من زنده‌ام و سکتته کرده بودم الحال بهوش آمدم و چون از کثرت ضعف نیروی راه رفتن ندارم مرا بدوش بگیر به خانه ببر.

پس نباش او را به خانه برد شیخ او را خلعت پوشانید و مال فراوانی داد و نباش توبه کرد بدست شیخ طبرسی و آن کار زشت را ترک نمود به برکت شیخ علیه‌الرحمه

پس آنجناب شروع کرد به تألیف مجمع‌البیان بجهت وفاء به نذر خویش و خداوند او را توفیق اتمام داد

فوائد الرضویه ص ۳۵۲

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۳۵۳-۳۵۲ / ۵)، ایضاح المکنون (۴۳۳ / ۲)، اعیان الشیعه (۴۰۱-۳۹۸ / ۸)، تأسیس الشیعه (۳۴۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۹ / ۲)، الذریعه (۲۴ / ۲۰، ۲۴۹-۲۴۸ / ۵، ۲۴۲، ۲ / ۲۴۰، ۱۸، ۱ / ۱)، روضات الجنات (۳۴۹-۳۴۲ / ۵)، ریحانه (۳۶ / ۴)، شهیدان راه فضیلت (۹۱-۸۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۷-۲۱۶ / ۶)، فوائد الرضویه (۳۵۲-۳۵۰)، کشف الظنون (۱۶۰۲، ۱۲۶)، الکنی و الالقاب (۴۴۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / طبرسی)، معجم المؤلفین (۶۷-۶۶ / ۸)، هدیه الاحباب (۱۹۴-۱۹۳)، هدیه العارفین (۸۲۰ / ۱)، یادداشتهای قزوینی (۲۸۰-۲۷۷ / ۵).

طبرسی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا حسن بن العالم العلام والحجة الاسلام حاج میرزا محمدتقی مازندرانی قدس الله سره.

فاضل مراغه‌ای در (المآثر والاثار) ص ۱۵۵ گوید: حاج میرزا حسین طبرسی از عظماء علماء می‌باشد به جلالت قدر و علو شأن از اقران ممتاز است.

ترویج اصول مذهب جعفری و تشیید بنیان طریقه اثنی عشری و نشر اخبار و آثار اهل بیت عصمت علیهم السلام را از معاصرین کمتر بقدر او موفق شده‌اند.

در علم حدیث و تفسیر و معرفت احوال رواة و طبقات رجال اسناد و تراجم علماء اسلام همانا امروز نخستین دانای ایرانیان است. پدر جلیل‌الشأنش میرزا محمدتقی مازندرانی از فحول مجتهدین و مشاهیر رؤساء عهد خاقان مبرور فتحعلیشاه رحمه‌الله بود تعرفه نام

و اظهار مقام او تحصیل حاصل است مقام تقوی و ورع و عبادت و تقدس این فرزند هنرمندش مسلم مسلمین می‌باشد. و هم از تبحر نام و تتبع علم در مصنفات علماء اسلام با علی مقام رسیده وصیت فضل و وثاقت و درجه استعداد و لیاقتش برای هرگونه تعظیم و اکرام و توقیر و احترام تا همه جا کشیده است. تصنیفات سودمند دارد.

منها ۱- نفس الرحمن فی ترجمه سلمان ۲- دارالسلام فیما يتعلق بالمنام ۳- النجم الثاقب فی احوال الامام الغالب ۴- الکلمة الطیبه ۵- رساله میزان السماء ۶- الصحیفه الرابعه ۷- جنه المأوی ۸- مستدرک الوسائل در سه مجلد تا آنجا که گوید این عالم عامل و فقیه فاضل و محدث کامل در حضرت حجة الاسلام ثقة الانام مجدد الاحکام نائب الامام (ع) حاج میرزا محمدحسن بسیار موثق و معتمد و مؤتمن است.

نگارنده گوید: مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که از شاگردان آن مرحوم بوده در قسم دوم از جزء اول طبقات از ص ۵۴۳ تا ص ۵۵۵ حدود ۱۲ صفحه ترجمه آن بزرگوار نوشته و وفات او را در شب چهارشنبه ۲۸ جمادی الثانیه ۱۳۲۰ ق ذکر نموده است.

(حاج) میرزا حسین بن محمد تقی نوری از ثقات علمای شیعه در اوایل قر. ۱۴ ه. (ف. ۱۳۲۰ ه. ق.). وی را ثالث مجلسین دانسته‌اند، و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و حاج ملا علی کنی و حاج میرزا محمد حسن شیرازی است. تألیفاتش بسیار است، از آن جمله: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل در احادیث و اخبار، فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، حاشیه منتهی المقال ابوعلی در علم رجال، النجم الثاقب و غیره (دکتر حسین کریمان). برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، احمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۲۶ ق)، عالم و مترجم. وی از علمای اوایل قرن دهم هجری است که کتاب «الدر النظیم فی خواص القرآن العظیم» را به فارسی، به خواست برخی از سروران خود، در ۹۲۶ ق ترجمه کرده است و در آن یادآور شده که طبق مذهب اهل حق بسم الله جزئی از سوره به حساب می‌آید، مگر در سوره‌ی براءت، و در پایان متذکر شده که ملا عبدالعلی بیرجندی این کتاب را در ۹۰۱ ق شرح کرده است. [۱]

ملا احمد بن حاج محمد طبسی سکاکی مترجم کتاب الدر النظیم در خواص قرآن عظیم که در سال ۹۳۶ هجری بوده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۸/ ۱۰۱، ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۱۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰ / ۶).

طسوجی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۳۲ / ۱۲۲۹- شهادت ۱۲۵۸ ق)، عالم دینی، مفسر، محدث، ادیب و شاعر. نسبتش به طسوج آذربایجان می‌رسد. در کربلا به دنیا آمد. مادرش دختر علی مرادخان زن بود. نیای بزرگش ملا عبدالنبی طسوجی از نوابغ علما در دولت زندیه بود. در کربلا نشوونما یافت و مقدمات علوم را فراگرفت. در ۱۲۵۴ ق برای تحصیل، سفری به اصفهان کرد و در ۱۲۵۷ ق به نجف بازگشت و در محضر بحث و درس شیخ انصاری حاضر شد. وی از دانشمندان بزرگ از شاگردان بنام شیخ مرتضی انصاری بود. او در قضیه‌ی نجیب شاپا در کربلا شهید شد. در شهادتش مرثیه سروده شد و ماده تاریخش «شد شهید اشقیا افسوس وی» بود. از آثار وی: کتاب «کشکول»؛ حواشی متفرقه بر «ریاض»؛ «تفسیر»، «تمام»؛ حاشیه بر «تفسیر» بیضاوی؛ «الرحله الی الحجاز» یا «سفرنامه‌ی حجاز»؛ «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشعیه (۳/ ۳۹)، ریحانه (۴/ ۵۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۷ / ۱۳)، مکارم الآثار (۳/ ۸۵۹).

طوسی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوجعفر محمد بن حسن ملقب به شیخ الطائفه، از بزرگترین علمای دینی شیعه (و. طوس ۳۸۵- ف. نجف ۴۶۰ ه.ق.). وی در ۴۰۸ ه.ق. از طوس به بغداد رفت و چهل سال بعد به نجف شد. تحقیقات او در حدیث و تفسیر و فقه و رجال و کلام و ادب مرجع علمای شیعه می‌باشد. او صاحب تألیفات مهم در مسایل مذهبی شیعه است که از جمله آنهاست: کتاب تبيان (ه.م.)، استبصار (ه.م.)، تهذیب الاحکام، العده فی اصول الفقه، کتاب الرجال، کتاب الغیبه، فهرست کتب الشیعه و اسماء المصنفین، النهایه، کتاب الخلاف، کتاب الجمل والعقود، کتاب یوم دلیله، تلخیص شافی، المفصح در امامت، مناسک الحج، مقتل الحسین، اخبار مختار و غیره.

(۴۶۰- ۳۸۵ ق)، فقیه، عالم، مولف دو کتاب از کتب اربعه شیعه و بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف. معروف به شیخ الطائفه و امام الفرقه بعد الاثمه (ع). در ۴۰۸ ق در بیست و سه سالگی از خراسان وارد عراق شد. پس از چهل سال از بغداد به علت ترس از فتنه‌ای که در آن زمان (۴۴۸ ق) در بغداد در گرفته بود و کتابهای شیخ و خانه‌ی او را طعمه‌ی آتش خویش کرده بود، به نجف اشرف مهاجرت کرد. او بر کرسی کلام می‌نشست و جوابگوی خاص و عام در تمامی مسائل حتی در امامت بود. آن کرسی از جانب خلفاء به او عرضه شده بود و مخصوص یگانه‌ی دوران بود. شیخ طوسی بنیان‌گذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف است که بیش از هزار سال از عمر آن می‌گذرد. وی شاگرد شیخ مفید و ابن غضائری و ابن عبدون و ابن ابی جید قمی و سید مرتضی و علی بن شبل بن راشد و حسین بن قاسم علوی و احمد بن ابراهیم قزوینی و هلال بن محمد حفار و احمد بن محمد اهوازی و جعفر بن حسین قمی و ابوعلی بن شاذان و بسیای دیگر از اساطین علم و دین است. شاگردان دانشمند و مجتهد وی متجاوز بر سیصد تن از شیعه و بی‌شماری از عامه بودند. فرزندش شیخ ابوعلی حسن بن شیخ، صاحب کتاب «المجالس»، از شاگردان و راویان او است. در میان شاگردان او آدم بن یونس نسفی، ابوصلاح حلبی، شیخ الاسلام حسن بن بابویه قمی، محی‌الدین حسن همدانی، ابومحمد حسن جهانی، حسین بن فتح واعظ جرجانی، ابوصمصام حسینی، سلمان بن حسن صهرشتی، ابوالصلت محمد بن عبدالقادر، سعدالدین ابن‌براج، شیخ علی سبزواری، شیخ عبیدالله بن بابویه قمی، غازی بن احمد سامانی، کردی بن عکبری فارسی، ابوالحسن دیباجی، محمد وراق، شیخ ابوجعفر حلبی، ابوسعید منصور آبی، جمال‌الدین محمد طبری، ناصرالدین رضی حسینی، محمد بن حسن فتال و بسیاری دیگر را می‌توان نام برد. در هفتاد و پنج سالگی در نجف درگذشت و در منزل خویش که اکنون مزار معروفی است به خاک سپرده شد. خانه‌اش و مسجدش که یکی از معروفترین مساجد نجف است و همچنین آثار باقی مانده از او، تاکنون برجاست.

از آثار علمی وی: در تفسیر: «التبیان»؛ «الجامع لعلوم القرآن»؛ در حدیث: «تهذیب الاحکام» یا «التهذیب»؛ «الاستبصار»؛ در فقه: «المبسوط»؛ «الخلاف»؛ «الایجاز»؛ در فرائض؛ «الجمل و العقود»؛ در عبادات؛ «الاقتصاد»؛ در عقاید و عبادات؛ «النهایه»؛ در علم اصول و رجال: «العهده» که ملا خلیل آن را شرح کرده است؛ «الفهرست» که در آن «اصول» و نگارشهای اصحاب و تصانیف آنها آورده شده «و شیخ سلیمان ماحوزی آن را مرتب و شرح کرده و «معراج الکمال الی معرفه الرجال» نامیده است؛ «الابواب» که به نام «رجال شیخ» یا «رجال الطوسی» معروف است؛ «اختیار رجال الکشی» یا «اختیار معرفه الرجال». از دیگر آثار او: «التلخیص للشافی» و «المفصح»، هر دو در کلام و امامت؛ «هدایه المسترشد و بصیره المتعبد»؛ «کتاب الغیبه»؛ «مناسک حج»؛ «المجالس»، در اخبار که «امالی» اوست؛ مقتل الحسین (ع)؛ «اخبار مختار»؛ «مصباح المتهجد»، در اعمال سال. [۱]

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۶/۳۱۵)، اعیان الشیعه (۱۶۷-۱۵۹/۹)، ایضاح المکنون (۷۲۲، ۵۷۳، ۴۵۴، ۴۲۴، ۳۳۵، ۲۸۶، ۲۷۶، ۲۶۶، ۲۱۲، ۲/۹۵، ۶۰۴، ۳۱۴، ۳۱۸، ۲/۲۲۳، ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/۲۵۸)، تاریخ برگزیدگان (۲۶-۲۵)، تاسیس شیعه (۳۱۳)، تاریخ علم کلام در ایران و جمان اسلام (۲۵۹-۲۵۶)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۴۸۵-۴۸۳)، دایرةالمعارف الاسلامیه (۳۷۸-۳۷۶/۱۵)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۱۶۳۴)، الذریعه (۷/۲۳۵، ۵/۱۴۵، ۳/۳۲۸-۳۳۱، ۳/۴۸۶، ۲/۱۴، ۱/۳۶۵)، رجال ابن داود (قسم ۱/۳۰۶)، رجال النجاشی (۲/۳۳۲-۳۳۳)، روضات الجنات (۲۳۱-۲۰۱/۶)، ریحانه (۳۲۸-۳۲۵/۳)، سیر النبلاء (۳۳۵-۳۳۴/۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۲-۱۶۱/۵)، طبقات خلفاء و اصحاب ائمه و علماء و شعرا (۳۹۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۲۹)، فقهای نامدار شیعه (۷۹-۶۷)، فوائد الرضویه (۴۷۳-۴۷۰)، الفهرست للطوسی (۱۶۱-۱۵۹)، قرآن پژوهی (۱۷۵-۱۷۳)، قصص العلماء (۴۱۶-۴۱۴)، الکامل (۸/۱۰۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۲-۱۲۱)، کشف الظنون (۱۹۷۳، ۱۵۸۱، ۴۵۲)، الکنی و الالقاب (۳۹۷-۳۹۴/۲)، لسان المیزان (۶/۵۲)، لغت نامه (ذیل / ابو جعفر طوسی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۶-۴۰۲/۵)، مجالس المومنین (۴۸۲-۴۸۰/۱)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۴۶۰)، معجم المؤلفین (۹/۲۰۲)، معجم رجال الحدیث (۲۴۷-۲۴۳/۱۵)، منتخب التواریخ (۱۹۰-۱۸۹)، الوافی بالوفیات (۲/۳۹۴)، وقایع السنین و الاعوام (۲۶۸)، هدیه الاحباب (۹)، هدیه العارفین (۲/۷۲).

طیب اصفهانی، سید عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۱۰ ق)، مفسر، فقیه و مدرس. نسب وی به چهل واسطه به امیرالمومنین (ع) می‌رسد. در اصفهان به دنیا آمد و پس از پرورش در خانواده علم و تقوا و فراگرفتن ادبیات و متون فقه و اصول، از محضر و درس آیت‌الله سید محمد باقر درجه‌ای و آیات دیگر اصفهان استفاده‌ی کامل نمود و سپس به تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن پرداخت و در مدرسه صدر اصفهان تشکیل حوزه داد و جماعت بسیاری از فضلاء و علمای اصفهان از محضرش استفاده بردند. از آثارش: «کلیم الطیب»، در اصول دین، به فارسی، سه جلد؛ «طیب البیان فی تفسیر القرآن»، در چندین جلد؛ «العمل الصالح»، در ایمان و تقوا. [۱]

حجه الاسلام والمسلمین و سیدالعلماء والمفسرین آقای حاج سید عبدالحسین طیب ابن العالم الجلیل آیه‌الله حاج سید محمد تقی از علماء و مدرسین ممتاز معاصر مدرسه صدر اصفهانست.

معظم‌له در حدود سال ۱۳۱۰ قمری هجری در اصفهان متولد گردیده و پس از پرورش در بیت علم و تقوا و فراگرفتن ادبیات و متون فقه و اصول از محضر و درس مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد باقر درجه‌ای (استاد مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی) و آیات

دیگر اصفهان استفاده کامل نموده سپس بتدریس فقه و اصول و تفسیر کلام‌الله مجید پرداخته و در مدرسه صدر تشکیل حوزه داده و جماعت بسیاری از فضلاء و علماء اصفهان از محضرش استفاده نموده و مینمایند. آثار ارزنده علمی بسیاری دارد که بعضی از آن مطبوع و از آنها کتب زیر است.

۱- کلم الطیب در اصول دین فارسی ۳ جلد.

۲- طیب البیان فی تفسیر القرآن فارسی ۴ جلد بطبع رسیده و بقیه آماده‌ی طبع است.

۳- العمل الصالح در ایمان و تقوا بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۰۶- ۱۰۰ / ۳).

ظاهری، خلیل

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۹۳-۸۷۲ ق)، فقیه، مفسر، مورخ، ادیب و شاعر. ملقب به عرس‌الدین و معروف به ابن‌شاهین. پدرش شاهین برده‌ی سلطان ملک ظاهر سیف‌الدین بود، لذا ظاهری نام گرفت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت چون به سن رشد رسید نظارت ضرابخانه‌ی مصر بدو سپرده شد. در ۸۴۰ ق امیرالحاج شد. او در طرابلس درگذشت. در حدود سی تألیف و تصنیف از او بجای ماند. از جمله آثاری وی: «کشف الممالک» و خلاصه آن به نام «زبد کشف الممالک فی بیان الطرق و المسالک» درباره‌ی مصر، که در پاریس چاپ شده است؛ «الاشارات فی علم العبارات»، تعبیر رویا در دو مجلد؛ «الکوکب المنیر فی اصول التعبير»؛ «المواهب فی اختلاف المذاهب»؛ «المنیف فی الانشاء الشریف»؛ «الدره المضيئه فی السیره المرضیه»؛ «دیوان» شعر، در چندین مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲ / ۳۶۷)، ایضاح المکنون (۲ / ۵۹۶، ۱ / ۴۶۰)، ریحانه (۸ / ۴۴)، کشف الظنون (۱۵۲۳، ۱۴۹۶، ۹۵۳، ۳۰۵، ۹۷)، معجم المؤلفین (۴ / ۱۲۰).

ظہیر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بخش ۱) حسن بن ظئر مکنی به ابوعلی فارسی، فقیه و لغوی و نحوی (ف. قاهره ۵۹۸ ه.ق). مولد اودهی به نام نعمانیه بود و از آنجا به شیراز رفت و به فارسی شهرت یافت. وی در فنون علوم و قرآت عشره و تفسیر قرآن عالم و در فقه و حدیث و کلام و منطق و حساب و هیئت و طب مبرز و در لغت و نحو و عروض و قوافی و روایت اشعار عرب چیره‌دست بود و در هر فنی از این فنون کتابی را از برداشت. اوراست: کتابی در شرح الصحیحین، اختلاف الصحابه و التابعین و فقهاء الانصار که به پایان نرسیده.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ظہیر نیشابوری، ظہیر الدین، فخرالدین ابوجعفر، محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۹۹ق)، مفسر. پدرش محمود نیشابوری از علمای زمان خود بود صاحب تصانیف. ظہیر نیشابوری در عهد بہرام‌شاہ غزنوی می‌زیست و بہ عنوان سفیر بہرام شاہ بہ نزد سلطان سنجر رفت. از آثارش کتاب «البصائر» یا «تفسیر البصائر» یا «البصائر فی تحقیق الوجوه و النظائر»، در معانی مختلف باری الفاظ قرآن، در چند مجلد، بہ فارسی، بہ ترتیب حرف ہجا کہ بہ آورده‌ی «کشف الظنون» در ۵۷۷ق از تألیف آن فراغت یافته است. در تذکرہی «لباب الالباب»، این کتاب تحت عنوان «تفسیر بصائر یمینی» آورده شدہ است. همچنین در آن تذکرہ، کتاب «صحیفہ الاقبال» کہ در معارضہی شمشیر و قلم اوست بدو نسبت داده شدہ، و ذکر شدہ کہ او را تصانیف و اشعار بسیار است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامہ: الذریعہ (۲۶۴ / ۴، ۱۲۳-۱۲۲ / ۳)، ریحانہ (۷۸-۷۷ / ۴)، کشف الظنون (۱۰۶۷، ۲۴۶)، لباب الالباب (۲۸۲-۲۸۱ / ۱)، معجم المؤلفین (۱۲ / ۷)، ہدیہ العارفین (۲ / ۱۰۵).

عابدی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد عابدی

محل تولد: کندوان

شہرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامہ علمی

بسمہ تعالی

تولد و تحصیلات

در سال ۱۳۵۲ ش در روستای کندوان از توابع شہرستان میانہ در استان آذربایجان شرقی متولد شد. پدرم بنا و مادرم خانہ دارو از خانوادہ اہل علم بود. از جملہ آیت اللہ شیخ نصرت اللہ بناروانی کہ دایی آنان شمرده می شد. بعد از چند سالی بہ میانہ نقل مکان کردیم و دورہ ابتدایی، راہنمایی و اول دبیرستان را همان جا خواندم و وارد حوزہ علمیہ میانہ شدم و بہ فاصلہ کمتر از چند ماہ در سال ۶۹ بہ حوزہ علمیہ مسجد الدولہ تہران رفتم. در تہران در مدارس ایلچی بیگ (شہید باہنر) و رضائیہ و در نہایت مروی ہم تحصیل کردم و تالمعتین را در این مدارس خواندم. استادان دورہ مقدمات آقایان میرحسینی، فاضل، عبدالمجید رشیدپور (استاد اخلاق) و... بودند لمعہ را ہم با اساتیدی چون مرحوم پاکتچی، تقوایی و... خواندم. ظاہرا در سال ۷۳ بہ حوزہ علمیہ قم آمدم. در

مدرسه فیضیه و آنگاه دارالشفا ساکن شدم با حضرات اساتید اعتمادی، وجدانی فخر، موسوی تهرانی، دریاباری، رضائی، و.... دروس را تا سطح خارج ادامه دادم. در سال ۸۱ وارد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن شدم. و از محضر اساتیدی چون آیت الله معرفت، بهشتی، و آقایان فاضل گلپایگانی، عبدالهی (همکار تفسیر نمونه) دکتر رضایی اصفهانی، نصیری و نعمتی پورفر و در دروس مختلف تفسیر استفاده بردم همزمان به درس خارج آیات مکارم و سبحانی حاضر شدم و ۲ سال به درس خارج ادامه دادم. ۲.۵ سال هم درس خارج جناب استاد سروش محلاتی حاضر شدم و درس خارج فقه امر به معروف و نهی از منکر و بخشی از قصاص را خواندم. آنگاه به درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی حاضر شدم و درس تفسیر قرآن آیت الله جوادی آملی هم توفیق حضور یافتم. و اینک هم در دروس آیات مکارم، وحید و جوادی توفیق حضور دارم. در طی سالهای حضور در حوزه به امر تبلیغ هم اهتمام دانسته ام و در داخل و خارج قم به تبلیغ پرداخته ام. و همزمان فعالیتهایی در حوزه کتاب و مطبوعات هم داشته ام.

عابدینی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد عابدینی

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد عابدینی فرزند یدالله متولد ۱۳۳۸ در نجف آباد اصفهان در خانواده ای کشاورز متولد شدم از طرف مادرم نسیم به مرحوم آیه الله میر سیدعلی آیت نجف آبادی می رسد. به همین جهت مادر و دایی هایم که نوادگان مرحوم میر سیدعلی بودند به درس خواندن من اصرار داشتند، از جهت دیگر کشاورزی و رسیدگی به اموری از این قبیل مطرح بود به همین جهت معمولاً درس خواندن منحصر به مدرسه بود و بیشتر وقت خارج از مدرسه به کمک پدر در امر کشاورزی می گذشت معمولاً شبهای زمستان را در جلسات قرآن و حضور در مسجد و خواندن مقدمات صرف کردم. در سال ۱۳۵۶ دیپلم گرفتم و در کنکور شرکت کردم و پس از قبولی در دانشگاه در رشته فیزیک به تحصیل پرداختم. در همان تابستان اولین کلاس آموزش قرآن را تشکیل دادم و تمامی دوستانی که با هم درس می خواندیم و دیپلم گرفتیم در آن کلاس شرکت کردند و روحانی قرآن را فرا گرفتند. پس از ورود به دانشگاه نیز بنده خود را به دفاع از قرآن و اسلام می دانستم. جو خاص آن زمان و وجود جوانان فراوانی که کمونیست شده بودند و بنده و دوستانم با آنان بحث می کردیم و نا توانی از پاسخ به شبهات آنان، نیاز به خواندن فلسفه را برایمان یقینی ساخت ولی مبارزه با شاه به شکل‌های گوناگون از جمله تشکیل نمایشگاه های کتاب در شهرهای مختلف از جمله شهرهای استان چهارمحال و تدارک تظاهرات و نیز درسهای دانشگاه فرصت پرداختن به فلسفه را از ما گرفت با پیروزی انقلاب و افتادن بیشتر دانشگاه ها به دست کمونیستها و التقاتیا به منظور انقلاب فرهنگی، دانشگاه تعطیل شد و بنده فرصت را برای فلسفه خواندن غنیمت شمردم با چند تن از دوستان خدمت مرحوم آیه الله ایزدی امام جمعه نجف آباد که از شاگردان خاص مرحوم آیه الله علامه طباطبائی و از هم دوره ای های مرحوم شهید مطهری بود رسیدیم و تقاضای فلسفه کردیم و ایشان پذیرفت و فهم فلسفه را منوط به خواندن منطق

دانست.

از روی ناچاری به قم رفتیم که روز ورود به قم مصادف شد با حمله عراق به ایران. در درسهای فلسفه نظیر منظومه شرکت می کردیم ولی کامل نمی فهمیدیم، یکی از استادان حاضر شد تنها پنجشنبه ها چهار ساعت برایمان فلسفه بگوید که باز مناسب نبود و ذهنمان کشش نداشت. شروع جنگ و بی برنامگی ما و تعطیل شدن هر روزی درسهای حوزه و بی پولی و ... دوباره ما را به نجف آباد کشاند این بار استاد حاضر شد برای ما بدایة الحکمه بگوید و ما نیز تصمیم به خواندن منطق گرفتیم و منطق مظفر را شروع کردیم. کم کم برای فهمیدن درست عربی به خواندن کتابهای مقدماتی صرف و نحو مشتاق شدیم و کم کم دروس حوزوی را به سبکی که طلاب می خواندند شروع کردیم، ولی بنده با سرعت بیشتر و اشتیاق فراوان آنها را بسیار زودتر از دیگران به پایان بردم. برخی کتابها را با استاد خواندم و برخی را خودم مطالعه کردم، برخی را با مباحثه و برخی را ضمن تدریس فرا گرفتم.

از جمله اساتیدمان مرحوم شیخ محمدعلی صفر نورالله بود که هدایه، عوامل ملامحسن، مقداری سیوطی و مغنی و مقداری تحریرالوسیله را نزد او خواندم. در عرض این دروس، بدایة الحکمه، منطق مظفر، مقداری اصول فلسفه و روش رئالیسم با مقداری نهایت الحکمه را نزد مرحوم آیه الله ایزدی فرا گرفتم. نجف آباد برایم بسیار مناسب و خوب بود زیرا برخی درسها را که نمی توانستم شرکت کنم دوستانم برایم نوار می گرفتند و آن را گوش می دادم هرگاه خبردار می شدیم که عملیات است و جبهه رفتن لازم است با توافق یکدیگر درس را تعطیل می کردیم و پس از بازگشت از جبهه از همانجا شروع می کردیم.

در سال ۱۳۶۱ دوباره به قم وارد شدم و در ایام تحصیل با عشق و علاقه به درس خواندن پرداختم. بقیه اصول و لمعه را نزد آقایان کوه کمره ای، احمدی میانجی، محامی، و مرحوم وجدانی فخر خواندم و در همان زمان سیوطی و هدایه را تدریس کردم و بعد به رسائل و مکاسب مشغول شدم و از درسهای آقایان اعتمادی تهرانی و مرحوم پایانی و مرحوم ستوده استفاده کردم و کفایتین را تنها نزد مرحوم آیه الله ستوده خواندم. در طی این مدت تلاش کردم در درس منظومه آیه الله انصاری شیرازی و صبح های زود در درس اسفار جلد ۹ آیه الله جوادی شرکت کنم.

زمانی که در نجف آباد بودم گاهی در درس تفسیر آیه الله ایزدی شرکت می کردم ولی این شرکت مرتب نبود اما در قم پس از اینکه حضرت آیه الله جوادی آملی تفسیر قرآن را در مسجد محمدیه شروع کردند در آن شرکت کردم، کم کم جمعیت زیاد شد و درس به مسجد اعظم انتقال یافت و بنده همچنان در آن شرکت می کردم. بالاخره در خرداد ۱۳۶۵ دروس سطح کاملاً تمام شد و در امتحان کفایه شرکت کردم در واقع شروع رسمی طلبگی بنده اواخر شهریور ۱۳۵۹ بود که تا خرداد ۱۳۶۵ که حدود ۶ سال می باشد طول کشید. بنده علاوه بر درسهای رسمی حوزه که امروزه طی ۱۰ سال می خوانند مقدار زیادی فلسفه و تفسیر نیز اندوخته داشتم و با طلاب مباحثه کرده بودم.

از خاطرات به یاد ماندنی آن دوران یکی آنکه شبی هنگام مباحثه کفایه به دوستان گفتم هر جا مطلب مشکل است و خود صاحب کفایه نمی فهمد می گوید خالی از دقت نیست، دقت کن و ... در اثر همین توهین به ایشان یک مرتبه تیز فهمیم از بین رفت و فردای آن روز هر چه کردم متن کفایه را نمی فهمیدم. فردا شب در سر مباحثه پیش دوستان خود به گناه خود اعتراف کردم و در حرم حضرت معصومه (س) نیز توبه و انابه کردم تا مقداری از آن فهم و حافظه برگشت ولی خوب روشن است که پارچه کثیف شسته شده هیچ گاه مثل پارچه نظیف نیست. از آن زمان تصمیم گرفتم به علما و بزرگان اهانت نکنم و به جای اتهام به آنان فهم خود را مورد اتهام قرار دهم.

از خاطرات آن دوران اینکه گروهی بودیم که در تمام درسها تلاش می کردیم قبل از درسها پیش مطالعه کنیم و به همین جهت تنها خارج درس را گوش میدادیم و نیازی نمی دیدیم که تطبیق مطالب با متن را گوش دهیم و به همین جهت از درس خارج می شدیم، روزی مرحوم آیه الله پایانی در ضمن توضیح خارج مکاسب به برخی غلطهای چاپی کتاب اشاره کرد و فرمود می خواهم

کسانی که تطبیق با متن را نمی‌نشینند به درد سر نیفتند از اینکه استاد کار مارا به رسمیت شمرده بود خوشحال بودیم. در تابستانها و ایام تعطیل دروس، برنامه‌های دیگری داشتیم. تابستان ۱۳۵۶ قبلاً بیان شد. تابستان ۱۳۵۷ را در شهر کرد صرف کردیم. در آن وقت و در ایام تعطیل دانشگاه در جاهای مختلف نمایشگاه کتاب می‌زدیم. تابستان ۱۳۵۸ را در جهاد سازندگی استان چهارمحال و بختیاری شهرستان جونقان و روستاهای اطراف آن به سر بردم و به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. تابستان سال ۱۳۵۹ در بخش اردل و نوقان و روستاهای آن به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. پس از شروع جنگ بیشتر تابستانها یا ایام تعطیل یا ایام عملیات در جبهه می‌گذشت.

تابستان سال ۱۳۶۰ به سر پل ذهاب رفتیم، خوب به یاد دارم که صبح زود هوا هنوز تاریک بود و ما سه نفر طلبه در کوچه‌های کرمانشاه قدم می‌زدیم تا به ستاد اعزام نیرو برسیم که خبر شهادت ۷۲ تن را از رادیو شنیدیم و خبر شهادت رجائی و باهنر را نیز در سر پل ذهاب و قبل از عملیات معروف بازی دراز شنیدیم. تلاش می‌شد اوقاتمان در جبهه به بطالت نگذرد، مباحثه تحریر الوسیله، حفظ قرآن، خواندن کتابهایی نظیر پرواز در ملکوت از امام امت محصول تلاش آن دوره است. اگرچه اکنون که به گذشته‌ها می‌نگرم باز بسیار وقت تلف کرده‌ام که امکان بهره‌برداری بهتر از آنها وجود داشت.

در تابستان ۱۳۶۴ کلاسهایی از سوی شورای سرپرستی طلاب خارجی گذاشته شد و بنده در آن کلاسها شرکت کردم و در امتحان نمره خوبی آوردم و روزی در حضور استاد‌های عربی و محضر مرحوم استاد آیه‌الله ایزدی به عربی سخن گفتم که اثر شادابی آن به خوبی در چهره استادانم ظاهر بود. به همین جهت و برای کامل شدن تکلم به عربی در تابستان ۱۳۶۵ و اتمام دروس سطح، چهار نفر از آن کلاس به لبنان فرستاده شدیم، ورود ما به لبنان مصادف بود با شروع درگیری‌های حرکت امل و فلسطینیان. مدرسه رسول اکرم در حومه جنوبی بیروت و در سر راه فرودگاه که محل استقرار ما بود درست در منطقه وسط درگیری بود و خمپاره‌های طرفین از بالای مدرسه عبور می‌کرد و چندین مرتبه به مدرسه اصابت کرد.

همه فکر آن جمع چهار نفری این بود که در ضمن کار و فعالیت، تمرین زبان کنیم. از جمله آن کارها ایجاد نمایشگاه کتاب بود که یکی از آنها در جلوی مسجد امام رضا(ع) (محل اقامه نماز توسط آیه‌الله سید محمدحسین فضل‌الله) به مدت ۱۰ روز برگزار شد.

هر هفته بنده جدا از دوستان به جنوب لبنان، حوزه صدیقین می‌رفتم و با طلاب آنجا جلسه داشتم و گاهی به روستاهای اطراف نیز می‌رفتم، در ضمن برخی دروس را برای طلاب تدریس می‌کردم. پس از پایان تابستان مسئولان مدرسه از بنده و یکی از دوستان خواستند که برای تدریس آنجا بمانیم و خودشان با ایران هماهنگ کردند و زن و فرزندانمان را به لبنان آوردند و یک سال تحصیلی در آنجا ماندیم.

در آنجا صبح‌ها خدمت آیه‌الله سید محمدحسین فضل‌الله درس خارج فرا می‌گرفتم و بقیه روز را به تدریس مشغول بودم روزهایی که درگیری شدید بود و یا روزهای یکشنبه که تعطیلی رسمی لبنان بود و اساتید در دروس خود حاضر نمی‌شدند من خودم را موظف می‌دانستم درس آنان و یا درسی جایگزین را تدریس کنم، گاهی اوقات تدریسها به ۱۱ عدد می‌رسید که ۲ تا ۳ تا از آنها در مدرسه خواهران بود که همسر مسئولیتش را بر عهده داشت و یکی از آنها درس عدل الهی بود که پس از نماز مغرب و عشا برای دانشجویان می‌گفتم.

بله از امور بسیار جالب در لبنان این بود که یک کلاس برای دانشجویان هفته‌ای سه شب گذاشته بودم و کتاب عدل الهی استاد مطهری را توضیح می‌دادم. حدود ۳۰ تا ۴۰ دانشجو در آن کلاس شرکت می‌کردند این مقدار دانشجو در آن شرایط بد امنیتی و استمرار آن، چشم همه افراد را خیره کرده بود و می‌گفتند این گونه کلاسها با این تعداد دانشجو بی سابقه است.

در بین تمامی این برنامه‌ها از برنامه برای ایرانیان قافل نشدیم و محرم در آنجا منبری گذاشتیم و جلسه‌ای به زبان فارسی، سخنرانی

و مداحی به سبک ایرانی برای مجموع ایرانیهای موجود در بیروت اعم از سفارتی ها یا غیر از آنها داشتیم که بسیار جالب بود و مورد استقبال واقع شد. شب شام غریبان دسته عزاداری به سبک ایرانی با شمع و ... به راه انداختیم و با نوحه سرائی به زبان فارسی به پشت درهای مسجد امام (رضاع) و سپس مسجدی که مرحوم شمس الدین در آن اقامه جماعت می کرد رفتیم. هر دو مسجد بسته بود و کسی در آنجا نبود، اما جالب اینکه بنده در طول راه زنان بی حجاب زیادی را دیدم که می آمدند روسری از یکی از خانم ها قرض می گرفتند و به سر می کردند و مقداری دسته عزاداری را همراهی می کردند و سپس روسری را تحویل می دادند و می رفتند. این نشان می داد که بی حجابها ضد دین نیستند بلکه علاقه زیادی به دین دارند و شرایط زندگی، آنان را به این وضع در آورده است.

اوایل تابستان ۶۶ لبنان را به قصد ایران ترک کردیم تا دوباره اوایل مهر به آنجا برگردیم ولی دیگر توفیق یار اینجانب نشد. پس از چند ماهی از ورود به ایران با گروه تفسیر دفتر تبلیغات آشنا شدم و به کار تحقیق در قرآن پرداختم و یکی از پژوهشگران تفسیر راهنما گشتم که بحمدالله در ۲۰ جلد به چاپ رسیده است. از آن زمان تا سال ۷۷ به مدت ۱۲ سال در تفسیر راهنما بودم و گاهی اوقات بخصوص تابستانها روزها یا هفته ها می گذشت که تنها قرآن و تفسیر مطالعه می کردم و خداوند را بر این نعمت بزرگ شاکرم. در این مدت درسهای خارج زیادی از مراجع معظم قم را شرکت کردم. نوارهای درسهای اصول و رجال را گوش دادم و مباحثه کردم نوارهای جلد های ۶ و ۷ و ۸ اسفار را گوش دادم و مباحثه کردم، دو دوره رسائل و زیادی از مکاسب را تدریس کردم و ...

در سال ۷۰ با باز شدن دوباره راه خانه خدا و شروع مجدد حج در امتحان زبان دانها شرکت کردم و پس از قبولی، در همان سال به حج مشرف شدم_ البته پول حج را خودم پرداخت کردم و در واقع امتحان، اولین سفر را بی نوبت کرد_ در مسیر بین مکه و مدینه اتومبیل حامل ما به سختی تصادف کرد و چند نفر از زبان دانان شهید و بنده نیز به شدت از ناحیه پاها ضربه دیدم. پس از مراجعه به ایران و بدتر شدن روز به روز کوفتگی پا، مجبورم کرد که چند ماهی در خانه بمانم و هیچ راه نروم این زمان فرصت خوبی بود برای شروع به نوشتن که اولین مقاله عربی در مورد طهارت اهل کتاب نوشته شد. پس از خوب شدن و فعالیتهای دوباره بیرون از خانه، دیگر نوشتن رها نشد و در هر فرصتی قلم بر کاغذ رفت و مقاله های متعدد نوشته شد که از سال ۷۴ یکی پس از دیگری در مجله کاوشی نو در فقه و سایر مجلات به چاپ رسید که لیست ناقصی از آنها تهیه شده است.

در دوره چهارم تربیت مدرس دارالشفاء شرکت کردم و مدرک کارشناسی ارشد دریافت کردم و در همان زمانها و شروع اعطای مدارج علمی از سوی مدیریت حوزه قم در آنجا نیز امتحان دادم و مدرک سطح چهارم گرفتم. در سال ۷۷ با پایان رسیدن تقریبی کار تفسیر راهنما از رفتن به آنجا خود داری کردم و پس از چند ماهی توفیق راه اندازی «مرکز تحقیقات طب اسلامی امام صادق(ع)» نصیب این جانب شد و توفیق یار شد تا یک دور کتب اربعه حدیثی شیعه را با دقت بخوانم که برایم بسیار مفید بود و نزدیک است که مسیر آینده تحقیقات و تألیفاتم را رقم بزند.

در تابستان ۸۱ و تقریباً تمام شدن دور فیش برداری از کتب اربعه و اصرار خوانواده برای ترک قم و هجرت به اصفهان و بسیار خوب بودن استخاره های فراوان در این رابطه علی رغم میل باطنی، راهی اصفهان شدم و از اول مهر ۸۱ در اصفهان به تدریس در حوزه پرداختم تا خداوند چه بخواهد. برخی از مراجع معظم تقلید بنده را با ورقه اجتهاد، وکالت و امثال آن مورد لطف قرار دادند. تا کنون شش جلد کتاب از این جانب به چاپ رسیده است و امیدوارم بتوانم مقاله های چاپ شده ام را با اصلاح و اکمال برای چاپ آماده سازم، زیرا اکثر مقالات از نوآوری بهره مند است، بویژه مقالات فقهی که شرطش نوآوری همراه با استدلالهای محکم است و به همین جهت برخی از آنها در جشنواره ها برنده شده و جایزه ای نظیر عمره برایم به ارمغان آورده است. برخی مکرر در جاهای مختلف چاپ شده و برخی دستمایه محققان برای طرح های تحقیقاتی گشته است. و خداوند را برای همه این نعمتها شاکرم.

و اکنون نیز به طرحی پیرامون احادیث اهل بیت می اندیشم.

شاید بتوان روحیه نو آوی این جانب را - اگر واقعاً موجود باشد - ناشی از دانشجو بودن قبل از انقلاب و برخورد با افکار مختلف در دانشگاه و نیز سفر به لبنان در سخت ترین شرایط و برخورد و تضارب آرا با اکثر گروه های موجود در صحنه و بودن در حوادث گوناگون دانست. از ناکامی های این جانب نداشتن هم مباحثه دائم است، در دوران جنگ با هر کسی هماهنگ و هم طراز شدم تا با هم پرواز کنیم به جبهه رفت و به پروازی دیگر مبادرت ورزید. پس از آن نیز هم مباحثه ها، تدریس در دانشگاه ها، ورود به ارگانها و ... را بر طلبگی صرف و کمی امکانات ترجیح دادند و به همین جهت کارهای تحقیقاتی این جانب به تنهایی انجام می پذیرد و به همین جهت از نظر کیفیت و کمیت روند مطلوبی که خودم آن را می پسندم ندارد و به ویژه که گاهی ویراستاران نیز به ویرانگری می پردازند و غلط گیران نیز بی دقتی می کنند و ناگهان مقاله ای منتشر می شود که ...

از خداوند منان عاجزانه تقاضا دارم که توفیقی عنایت کند که مجموعه حدیثی مورد نظر بدون هر اشکالی به پایان رسد. از مهر ماه ۸۳ شروع به تدریس ترتیبی قرآن مجید و نوشتن آن به عربی کردم که الحمدلله اکنون یک جزء از قرآن به اتمام رسیده و بیش از دو جلد دست نویس تفسیر موجود است که امید است با توفیق خداوند بتوانم یک دوره تفسیر را به آخر برسانم و در معرض نظر علاقه مندان قرار دهم.

عارف کشفی، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جعفر عارف کشفی

محل تولد: استهبان فارس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۳/۱۵

زندگینامه علمی

آقای سید جعفر عارف کشفی در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی در خانواده ای پاک، باصفا، متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان استهبان استان فارس دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۶ که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود وارد حوزه علمیه شیراز گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۴ به حلقه دروس خارج راه یافت و از محضر درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، آیت الله صالحی، آیت الله حسن آیت اللهی و ... بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۶۹ از دانشگاه فردوسی مشهد تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "مقایسه آراء شیخ طوسی و ابن ادریس در احکام قضاء" دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ تدریس در دانشگاه فردوسی، دانشگاه امام

صادق تهران ، دانشگاه پیام نور تهران ، دانشگاه آزاد قسمت جنوب ، دانشگاه علامه طباطبائی تهران ، دانشگاه آزاد مشهد ، دانشگاه پیام نور مشهد ، دانشگاه شیراز و... را در کارنامه خود دارد.

ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های " پیرامون سیره رسول خدا و اهل کتاب " ، " اولیاء بنی اسرائیل " ، " آثار اهل کتاب در آثار اسلامی " و... از جمله آثار ایشان است.

عاصم کوفی

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابی النجود بهدلهی کوفی شیعی، به اتفاق اهل صنعت، قرائت عاصم، اصوب و اجمل قراء سبعة می‌باشد، و سیاهی قرآن (کتابت با خط سیاه) مطابق قرائت عاصم می‌باشد. در ۱۲۷ - ۸ در کوفه یا سماوه وفات یافته.

راویان او عبارتند از:

۱- ابوبکر بن عیاش معروف به شعبه (۹۵ - ۱۹۳).

۲- حفص بن سلیمان (۹۰ - ۱۸۰).

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عالمی، خلیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلیل عالمی

محل تولد: اهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شده ام و دو سال در مدرسه امام مهدی موعود(عج) واقع در میدان توحید، سه سال در مدرسه امام محمد باقر(ع) و سه سال در مدرسه حسینیه گذراندم. دروس سطح را در سال ۱۳۸۰ در مدت ۸ سال به پایان رساندم همزمان در سال ۱۳۷۷ (ع) وارد مؤسسه امام خمینی(ره) شدم و در رشته حقوق کارشناسی گرفتم و در ادامه در سال ۱۳۸۳ وارد تحصیلات تکمیلی در رشته حقوق عمومی ادامه تحصیل می‌دهم. الان در حال گذراندن ترم آخر کارشناسی ارشد این رشته هستم از سال ۱۳۸۰ در دروس خارج فقه مرحوم آیت الله تبریزی و اصول فقه حاج شیخ صادق لاریجانی شرکت نمودم. و از همان سال در درس

تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت نموده ام که همه اینها جز درس آیت الله تبریزی ادامه دارد. تقریباً از سال ۱۳۷۹ در واحد حقوق و سیاست مرکز مطالعات و پژوهش فرهنگی حوزه همکاری مستمر داشته ام و در پاسخ به سئوالات محاله به این واحد شرکت کرده دستورات دیگری را پاسخ داده ام. و این همکاری هنوز هم ادامه دارد. که تاکنون سه مقاله از اینجانب به چاپ رسیده است.

عالیشاهی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد عالیشاهی

محل تولد: بهشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۸۸/۸/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و دروس سطح مانند ادبیات عرب و بخشی از تفسیر قرآن و کلام و فقه و اصول را در آنجا ادامه دادم و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شده ام تا الان در این حوزه مقدسه مشغول درس و تدریس و تحقیق می باشم.

مراحل فراگیری علوم حوزوی را از ابتداء با دروس خارج فقه و اصول در صفحه مخصوص این مطالب یاد آور شدم اما تدریس بنده عبارتند از: بخشی از ادبیات عرب در حوزه علمیه مشهد و یکسال تدریس دروس سطح در حوزه علمیه دامغان (۱۳۶۴ تا ۱۳۶۵) و سه سال تدریس در حوزه علمیه مسجد سلیمان (۱۳۶۹ تا ۱۳۷۰) از ادبیات عرب با دروس رسائل و مکاسب مشغول بوده ام و حدود سه سال در بخش حوزه علمیه خواهران مربوط به دفتر تبلیغات در قم دروس فقه و اصول را تدریس نمودم (۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰) و از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۰ در مرکز جهانی بخشی از دروس فقه و تفسیر و علوم قرآن طلاب خارجی را به عهده داشتم. البته خداوند عنایت نمود که از سال ۱۳۷۲ تا اوائل سال ۱۳۷۵ قرآن کریم را هم حفظ نمودم و مباحثه حفظ ما همچنان ادامه دارد. در ایام تبلیغی هم بنده از سال ۱۳۵۷ که ملبس به لباس مقدس روحانیت شده ام تا الان برای تبلیغ معارف دینی به جاهای مختلف کشور اعم از ارگانها و غیر آن حضور پیدا کردم و می کنم و از سال ۱۳۷۵ به این طرف غالباً به دانشگاههای مختلف کشور از طریق دفتر اعزام مبلغ رهبری در دانشگاهها اعزام شده ام و در سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۷۰ در تبلیغات خارجی حج هم به مکه و مدینه اعزام شدم، جهت تبلیغ حجاج خارجی از سال ۱۳۷۶ به این طرف در شبکه حج به عنوان روحانی کاروان در خدمت زائران حج و عمره بوده ام.

عالیشوندی، مسعود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسعود عالی‌شوندی

محل تولد: فراشبند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۴/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۷ در اوایل پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) برای تحصیل علوم دینی به قم عزیمت نمودم و در امتحانات ورودی مدارس حقانی و رسالت که در آن زمان از بهترین و منظم‌ترین و مطابق نیازهای جامعه برنامه ریزی شده بودند، شرکت نمودم و در هر دو مدرسه با رتبه خوب (۱۹ و ۱۶) قبول گردیدم. ولی چون مدرسه رسالت زودتر نتایج خود را اعلام نمود در آن مدرسه ثبت نام نمودم و تا پایان سال تحصیلی ۶۱-۱۳۶۰ به مدت سه سال در آن مدرسه حضور داشتم و دوره مقدمات را که مطابق برنامه جدید حوزه پایه ۴ محسوب می‌شود به پایان رساندم. از تاریخ اول مهرماه ۱۳۶۱ در مدرسه امام حسن مجتبی (ع) زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی که عصرها برنامه‌های فوق برنامه همچون کشف المراد (شرح تجرید) علامه، درس تفسیر قرآن، نهج البلاغه، اصول فلسفه و روش رئالیسم که توسط اساتید مجرب از جمله حضرت آیت الله مکارم تدریس می‌گردید، شرکت می‌کردم.

در حوزه نیز به صورت آزاد دروسی همچون شرح لمعه و اصول فقه مظفر و باب هادی عشر و... را به مدت دو سال نزد اساتیدی همچون مرحوم وجدانی فخر، صالحی افغانی و سید مرتضی مهری تحصیل نمودم. سپس به مدت سه سال دروس رسائل و مکاسب را نزد اساتید معروف حوزه از جمله آقای حاج شیخ مصطفی اعتمادی و... خواندم. سپس به مدت دو سال کفایتین آیت الله آخوند خراسانی (ره) را نزد مرحوم آیت الله ستوده تحصیل نمودم. در این مدت در دروس جنبی نیز شرکت می‌نمودم، از جمله اصول عقاید را نزد آیت الله مصباح یزدی، نهج البلاغه را نزد آیت الله مکارم شیرازی، رجال را نزد آیه الله سبحانی تبریزی خواندم و همه این دروس را امتحان داده و تا سال تحصیلی ۶۸-۱۳۶۷ به پایان رساندم و دوره سطح به مدت ۱۰ سال به اتمام رسید. از سال ۶۹-۱۳۶۸ در درس خارج فقه و اصول آیات، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی تبریزی و... به مدت ۱۵-۱۴ سال شرکت نموده ام.

در سال ۱۳۷۶ در کنار درس خارج فقه و اصول در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی حوزه علمیه شرکت نمودم و به مدت ۴ سال دوره سطح ۴ تفسیر و علوم قرآنی را در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ به پایان رساندم. پس از اتمام سطح ۴ حوزه در رشته فوق، در رشته تخصصی تازه تاسیس کلام، گرایش مهدویت شرکت نمودم و پس از ۴-۳ سال این دوره را به عنوان اولین گروه در سال ۱۳۸۳ به پایان رساندم. از آن پس تا شهریور ۱۳۸۴ در مرکز تخصصی مهدویت و پژوهشکده مهدویت در موضوعات و مباحث مهدوی به تحقیق و مطالعه مشغول بودم و در فصل نامه انتظار موعود وابسته به مرکز تخصصی مهدویت از شماره ۴ تا ۸ در موضوع (کلام جدید و مهدویت) مباحثی را تنظیم نمودم که به چاپ رسید، همچنین در واحد پاسخ‌گویی به پرسشها در پژوهشکده مهدویت مشغول بودم. همچنین از سال ۱۳۷۹ تا تابستان ۱۳۸۴ در بخش تحقیقات و تهیه جزوات در مرکز مشاوره حوزه علمیه قم ساعاتی به امر تحقیق مشغول بودم که حاصل آن تهیه جزوات متعددی بود که توسط آن مرکز به چاپ رسیدند. از سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ تاکنون نیز در دانشکده علوم قرآنی به تدریس دروس تفسیر و علوم قرآنی مشغول بوده‌ام. همچنین در سال ۱۳۸۵ در

دانشگاه آزاد زاهدان و دانشگاه دولتی سیستان و بلوچستان به تدریس دروس مختلف از جمله متون عرفان عربی، تاریخ قرآن و نظامهای اقتصادی صدر اسلام مشغول بوده و هستم.

عباسی، فرج الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرج الله عباسی

محل تولد: هشتروند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب فرج الله عباسی فرزند اسلام در سال ۱۳۵۰ در روستایی به نام داش بلاغ از توابع شهرستان هشتروند استان آذربایجان شرقی به دنیا آمده ام پدرم در خانه افتخار معلمی قرآن کریم را بر بچه های تحصیل نکرده و نیز ابتدائی تمام کرده ها داشت و خود نیز تا به امروز از افرادی است که همیشه قرآن می خواند هرچند به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی و اهمیت دادن به قرآن کریم، دیگر دانش آموزان نیاز چندانی به گذراندن روخوانی قرآن را ندارند. بنابراین تولدم در یک خانواده مذهبی و خانه ی قرآنی بود که روحانیت را مدیون دعاهاى مادری و صوت دلربای قرآنی پدری می دانم. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا و راهنمایی را در روستای همجوار به نام آق زیارت به پایان رساندم و با صلاحدید پدر قرآنیم در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه امامزاده شهرستان مراغه شده و ادبیات را نزد اساتید بزرگوار حج اسلام آقایان قدسی و نجفی گذراندم و در سال ۱۳۶۹ به حوزه علمیه قم وارد شده و منزلی در مدرسه مومنیه مرحوم آیه الله العظمی نجفی مرعشی تهیه کرده و در نزد اساتید حوزه علمیه مرحوم آیه الله وجدانی فخر و نیز آیه الله اشتهاردی به تحصیل شرح لمعه و معالم الاصول را نزد حجه الاسلام مومنی و اصول فقه را در محضر حجة الاسلام شفیعی به پایان رساندم و در سال ۷۲ با به پایان رساندن سطح یک حوزه و در سن ۲۲ سالگی تشکیل خانواده دادم و به ادامه درس مشغول شدم. سطح دو را نزد اساتیدی چون حج السلام صالحی مازندرانی و طاهری خرم آبادی و علیدوست به تحصیل پرداخته و کفایه را از محضر استاد نکونام استفاده نمودم. و در سال ۷۸ درس های سطح ۳ را تمام کرده ولی امتحان پایه دهم به ۷۹ ماند و با توجه به اینکه در آن سال در فلسفه قبول نشدم در نتیجه قبولی امتحانات کتبی و شفاهی پایه دهم در سال ۸۱ به پایان رسید. با توجه به تمام شدن تحصیل سطح سه در سال ۷۸-۷۷ برای شرکت در درس خارج فقه در نکاح حضرت استاد آیه الله مکارم شیرازی تابه امروز و نیز سه سال در فقه حضرت استاد آیه الله نوری همدانی که پس از درس حضرت مکارم شروع می شد و در مسائل روز، قضا و ... از سال ۸۰ تا ۸۲ شرکت نمودم. برای خارج اصول اول در محضر حضرت استاد آیه الله سبحانی بهره بردم ولی از سال بعد یعنی ۷۹ با صلاحدید برخی از اساتید به درس خارج حضرت استاد آیه الله وحید خراسانی رفته و تا سال ۸۳ استفاده نمودم. در کنار دروس حوزوی و در سال ۷۱ به روش تدریس و تجوید قرآن دوره تربیت معلم که سازمان تبلیغات اسلامی قم برگزار می کرد شرکت نمودم و کارنامه دوره مقدماتی را در سال ۷۲ اخذ کردم. از سال ۷۸ در مقطع کارشناسی ارشد تربیت محقق و نویسندگی

علوم قرآنی دفتر تبلیغات به مدت دو سال و نیم به تحصیل پرداخته ولی متأسفانه موفق به نوشتن پایان نامه نشدم. و با توجه به رشته قرآنی به مطالعه درباره موضوعات قرآنی علاقه مند گشته و موضوعاتی به عنوان تحقیق در کلاس و بعد از پایان دوره نیز جمع آوری کردم از جمله: ۱. بررسی ترجمه سوره مد در ترجمه های موجود و نگاهی به روش های ترجمه؛ ۲. سیمای دانشمندان در قرآن و بررسی آیات اولوالالباب و موضوعات مطرح شده در ذیل این آیات؛ ۳. آیات مربوط به صراط مستقیم و جمع آوری آیاتی که به مشخصات صراط مستقیم مرتبط بودند؛ ۴. رمز عشق و زنگ نفرت: آیاتی که می رساند خداوند به افرادی محبت ورزیده و از عده ای به خاطر کارهای ناشایست نفرت دارد. در سال ۸۵ از سوی معاونت تبلیغ حوزه علمیه قم در یک دوره کوتاه مدت آشنائی با تصوف شرکت کردم و از سال ۸۴ در رشته کلام و دین شناسی در سطح کارشناسی ارشد در موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی مشغول به تحصیل شده و در اسفند ۸۶ به پایان رسید که مقاله تحت عنوان اجمالی از تاریخ تحول علم کلام برای تحقیق در کلاس و نیز مقاله ای ۲۶ صفحه با عنوان کرامت در نظام حقوقی اسلام در ارتباط با غیر مسلمانان برای همایش کرامت نوشته ام که در روزنامه قدس چاپ می شود. در کنار اینها به تحقیقات دیگری نیز پرداخته و در سال ۸۳ به دفتر تبلیغات قسمت نشر رسانه دو مقاله ۱۰ صفحه ای نوشتم تحت عنوان: ۱. اقتدار جامعه اسلامی و راه کارهای قرآنی؛ ۲. راه کارهای فقرزدایی که در سال ۸۴ در روزنامه کیهان به چاپ رسید. همچنین از سال ۸۳ تاکنون در مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه مشغول پاسخ گویی کتبی به پرسشها در دو گروه ادیان و مذاهب، قرآن و حدیث می باشم که بیش از ۲۸۰ مقاله سه و چهار صفحه ای به این مرکز ارائه داده و حدود ۱۱ نمونه نیز در سایت اندیشه قم وابسته به این مرکز آمده است که در موضوعات مختلفی همچون بهائیت، اهل حق، ماتریدیه، قادیانیه، اسماعیلیه، و ... می باشند. علاوه بر مقاله های مزبور کتابی نیز با یکی از محققین برجسته در نقد مبانی و اندیشه های یکی از فرقه ها را آماده کرده ایم که در آینده نزدیک چاپ خواهد شد. از دی ماه ۸۵ نیز به عنوان همکار گروه قرآن و حدیث در همین مرکز فعالیت کرده و به مقالات محققان که در پاسخ پرسش ها آماده می کنند؛ نظارت دارم. برای سطح ۳ حوزه علمیه نیز پایان نامه ی آسیب شناسی جامعه منتظر در آئینه روایات نوشته ام که در حال نظارت استاد راهنما برای تایید به دفاع می باشد که در همین جا لازم می دانم از اساتید راهنما و مشاور کمال تشکر را بنمایم. در کنار تحصیل و تحقیق برای بیان معارف و احکام در ایام دهه محرم و ماه رمضان به مناطق دیگر هجرت نموده و از سال ۱۳۷۲ به تبلیغ و انجام وظیفه در مناطق مختلف مشغول انجام وظیفه بوده ام و دو سال نیز در طرح هجرت تابستانی به شهرستان مراغه رفته و در قم نیز با پایگاه مسجد و بسیجیان فعالیت های دینی و تبلیغی دارم. و به خاطر اشتغال در تحقیقات و درس کلام و دین شناسی در سال ۸۵ و ۸۶ در درس خارج نکرده ولی از سال ۸۷ در درس اصول آیه الله العظمی سبحانی و فقه آیه الله العظمی مکارم موفق به اشتغال شده ام. باشد که خداوند خدمت در سنگر پاسخ گویی به شبهات را مورد قبول و لطف خویش قرار دهد و از زحمات پدر و مادرم خود تشکر نماید که ما عاجز از انجام وظیفه کامل در این مسیریم و کوتاهی ما را به کرم خویش ببخشد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

عباسی، مراد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مراد عباسی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ورود به حوزه سال ۱۳۶۰ هـ- ش، اتمام سطح در سال ۱۳۶۸ و از سال ۱۳۶۹ در دروس خارج حوزه شرکت نمودم در سال ۱۳۷۱ در رشته حقوق وارد دانشگاه قم شدم و بعد از اتمام دوره کارشناسی به لحاظ علاقه به رشته تفسیر به مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی وارد و بعد از چهار سال در مقطع سطح چهارم از آن مرکز فارغ التحصیل شدم. همچنین جهت ادامه تحصیل در رشته حقوق در سال ۱۳۸۴ در دانشگاه مازندران در رشته حقوق خصوصی پذیرفته شدم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه در رشته مورد نظر می‌باشم.

عبداللهی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود عبداللهی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حجۀ الاسلام والمسلمین عبداللهی در سال ۱۳۲۶ در اصفهان در خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر اسلام (ص) چشم به جهان گشود. حجۀ الاسلام والمسلمین عبداللهی پس از طی کردن دوره دبستان، برای کسب علوم دینی به قم آمد. مشوق اصلی او در این راه، مادر وی بود و نیز برادران وی در کسوت روحانیت به سر میبردند. او با ورود به قم، به مدرسه علمیه علوی رفت. آن مدرسه متعلق به بیت آیه الله العظمی گلپایگانی (ره) و با سرپرستی و اشراف آیه الله شهید بهشتی و مرحوم آیه الله ربانی شیرازی اداره می‌شد. وی در آنجا به تحصیل دروس دوره مقدمات پرداخت و پس از آن برای آموختن دروس دوره سطح در درس استادان مشهور دوره خود حاضر شد.

با اتمام دوره سطح نیز به درس خارج علمای بزرگ حوزه علمیه قم راه یافت. حجۀ الاسلام والمسلمین عبداللهی در سالهای تحصیل خود از استادان برجسته‌ای بهره‌مند شد. او که سیوطی و مغنی را نزد آیه الله شیخ حسن تهرانی و حجۀ الاسلام والمسلمین یتربی فرا گرفته بود در درس منطق استاد نحوی حاضر می‌شد و مختصر را نزد آیه الله دوزدوزانی آموخت. شرح لمعه را نزد آیه الله صلواتی فرا گرفت. رسائل را نزد آیه الله شاه آبادی، آیه الله اعتمادی و آیه الله العظمی نوری همدانی و نیز مکاسب را نزد آیه الله ستوده آموخت و در درس کفایة الاصول آیه الله العظمی فاضل لنکرانی حاضر شد. همچنین او در بخش علوم عقلی، فلسفه را نزد آیه الله شهید مفتاح، شهید استاد مطهری و اسفار را نزد آیه الله جوادی آملی و کلام را از محضر آیه الله شیخ محمد شاه آبادی فرا گرفت. با پایان

یافتن دروس دوره سطح، به درس خارج آیات عظام شیخ مرتضی حائری، شریعتمداری، منتظری، اراکی و میرزاهاشم آملی رفت اما بطور عمده در حدود دوازده سال از محضر آیه‌الله شیخ مرتضی حائری بهره برد.

در طی این سالها از شرکت در درسهای تفسیر نیز غافل نماند و در درس تفسیر حضرت آیه‌الله خزعلی شرکت جدی داشت. حجة الاسلام والمسلمین عبداللهی دارای فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری است. او ضمن تدریس کتب دوره سطح، سالها به تدریس تفسیر برای دوره‌های عمومی حوزه اشتغال داشته و نیز در مرکز تخصصی تفسیر و تبلیغ، به آموزش تفسیر موضوعی پرداخته است. همچنین وی در دانشگاهها فعالیت‌های علمی بسیاری از خود برجا نهاده که از جمله آنها تدریس او در دانشکده‌های شهید بهشتی و شهید محلاتی (سپاه پاسداران) را می‌تواند نام برد. حجة الاسلام والمسلمین عبداللهی از کسانی است که در تدوین تفسیر نمونه همکاری داشته است. تفسیر نمونه تفسیری است که در طول سالیان دراز و با اشراف علمی آیه‌الله مکارم شیرازی و با همکاری بسیاری از استادان و فضلاء حوزه علمیه قم تدوین و نگاشته شده است و امروزه در اختیار بسیاری از مردم و جوانان کشور قرار دارد.

همچنین وی تاکنون کتابهای بسیاری نگاشته که از جمله آنها می‌توان به «توحید و توسل» «اخلاق برای همه»، «۲۵ داستان»، در سالهای پیش از انقلاب و نیز کتاب «مبانی فقهی اقتصاد اسلامی» که از جمله تألیفات وی در سالهای اخیر به شمار می‌رود، اشاره کرد. از وی مقالات بسیاری در زمینه‌های گوناگون در مجله نور علم به چاپ رسیده است. همچنین مباحث متعددی در موضوعات عقیدتی که به صورت تفسیر موضوعی در قالب جزوه‌های درسی تهیه و در اختیار دانش پژوهان قرار گرفته است. حجة الاسلام والمسلمین عبداللهی در سالهای پیش از انقلاب و پس از آن همواره از فعالیت‌های سیاسی غافل نمانده است. از فعالیت‌های سیاسی وی در پیش از انقلاب می‌توان به همکاری او با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اشاره کرد. او در شهرهای مختلف ایراد سخنرانی کرد. با حضور در فعالیتهای و حرکت‌های سیاسی به اطلاع رسانی و توزیع رساله و بیانیه‌های حضرت امام پرداخته که از این رو در یکی از سفرهای تبلیغی دستگیر و بازداشت گردید.

عتابی بخاری، زین‌الدین، ابونصر، ابوالقاسم احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۸۶ ق)، مفسر و فقیه حنفی. اهل عتاب بخارا بود و در همان جا نیز وفات یافت. عتابی از بزرگان حنفیه بود که دارای تصنیفات و آثار چندی است. از آثارش: «جوامع الفقه»، معروف به «الفتاوی العتابیه»، در چهار مجلد؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر العتابی»؛ شرح «الجامع الکبیر» و شرح «الجامع الصغیر» و شرح «الزیادات» شیبانی، همگی در فروع فقه حنفی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۹ / ۱)، کشف الظنون (۹۶۴، ۹۶۳، ۶۱۱، ۵۶۸، ۵۶۷، ۵۶۳، ۴۵۳)، معجم المؤلفین (۱۴۰ / ۲)، الوافی بالوفیات (۷۴ / ۸)، هدیه العارفین (۸۷ / ۱).

عتیقی، محمدهادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد هادی عتیقی، صحاف و تذهیب کارقرآن کریم است. او در زمینه صحافی و جلد سازی سنتی فعالیت می کند. وی هنر صحافی و مرمت آثار هنری را هنر صیانت و حفظ و نگهداری حرمت و ارزش کتاب قدیمی می داند. آثار وی از نمایشگاههای گوناگون کریم فراروی پیروان این کتاب قرار گرفته است. گروه: هنررشته: هنرهای سنتیوالدین و انساب: پدر محمد هادی عتیقی، محمد حسین عتیقی مقدم از استادان زبر دست در امر صحافی و تذهیب کاری قرآن بود. مراکز وی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: موسسه صحافی سنتی عتیقی، مرکزی است که توسط ملا حسین صحاف باشی و پسرش محمد حسین عتیقی مقدم (پدر محمد هادی عتیقی) بنیان نهاده شده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مهمترین فعالیت محمد هادی عتیقی، صحافی و تذهیب کاری است. او بر این باور است که «لذتی که از نجات یک کتاب کهنه و بویژه یک قرآن قدیمی را نابودی به انسان دست می دهد به هیچ وجه نمی توان وصف کرد. تنها باید عاشق باشی تا بتوانی ساعتها برای نجات یک ورق پاره تلاش کنی.» آرا و گرایشهای خاص: محمد هادی عتیقی درباره اهمیت هنر صحافی بیان می دارد که هنر صحافی و مرمت آثار هنری در واقع هنر ضیافت و حفظ و نگهداری مرمت و ارزش کتاب قدیمی است. کسی که به این هنر روی می آورد باید شیفته و دلباخته همه هنرهای ایرانی باشد.

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com/>

عرفان، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در سال ۱۳۳۶ در خانواده ای مذهبی در شهرضا چشم به دنیا گشودم پدرم یک خیاط مذهبی و مادرم سیده ای از تبار سادات طبائیان (طباطبائی) بود.

شش کلاس ابتدایی را در مدرسه خیام به پایان بردم و سپس به حسینیه سادات رفتم تا دروس دینی را بیاموزم در محضر حجج اسلام حاج سید محمد علی طبائیان (طباطبائی) زارغان، محمدحسین رهایی، حاج شیخ علی تاکی و ... زانو زدم.

سپس به اصفهان رفتم و از استادانی چون حاج آقا حسن امامی و آقای ابراهیمی و آقای فقیهی بهره گرفتم، آنگاه به قم آمدم از فروغ علم گسترانی چونان حضرات اعلام: طالقانی، تهرانی، مدرس افغانی، کریمی جهرمی، استادی، ابطحی، زاهدی، اعتمادی، خسرو شاهی، پیشوایی تهرانی و آیت الله اسماعیلیپور و آیت الله شیخ جواد تبریزی پرتوهای نه در خور آنان که همساز با فانوس کورسوز خویش برگرفتم.

سالیانی چند ادبیات فارسی، حاشیه، مغنی، معالم، مختصر، مطول، لمعه، مکاسب، و کاربرد علوم بلاغی در قرآن را با سروران مدارس رسالت، کرمانی ها، رضویه، حقانی و موسسه امام خمینی رحمه الله علیه باز گفته ام.

چندین پایان نامه را به مشورت و یا به اصطلاح راهنمایی نشسته ام.

تاکنون به عربستان، عراق، سوریه، سوئد، امارات سفر زیارتی و تحقیقی و تبلیغی داشته ام و تحقیقاتی در دست سامان بخشی دارم از همسر سیده ام پنج فرزند دارم دو پسر و سه دختر، علیرضا در مدرسه کرمانی ها درس می خواند و امیر محسن در مدرسه شهیدین.

کتب:

کرانه ها / سه مجلد

شرح جواهر البلاغه / دو مجلد

شرح و ترجمه تهذیب البلاغه

فرهنگ غلط های رایج

پژوهشی در اعجاز قرآن

خاطر و خاطره

آفت ها و لطافت های جنسی

زبان آگاهی

پدر و مادر در فرهنگ اسلامی

درمان نازائی. مقالات:

ازلابای متون / حدیث زندگی ۳

رمز و راز شادابی و نشاط در جوانی / گفت و گو / دیدار آشنا ۲۳

موفقیت و شانس / حدیث زندگی ۳

زبان آگاهی پیامبر (ص) و امامان (ع) / علوم حدیث ۱۲

عفت در اندیشه، گفتار و رفتار / حدیث زندگی ۶

اعتماد به نفس / حدیث زندگی ۳

زبان آگاهی پیامبر (ص) و امامان (ع) / علوم حدیث ۶

زبان آگاهی پیامبر (ص) و امامان (ع) / علوم حدیث ۵

عزیری سجستانی، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۰ ق)، مفسر و مصنف. او به کتابش «غریب القرآن» که بر اساس حروف معجم در مدت پانزده سال تصنیف کرده، مشهور است. عزیری کتابش را بر ابن انباری خواند و او اصلاحاتی در آن نمود. ابوعبدالله بن بطن و عثمان بن احمد بن سمعان و عبدالله بن حسین سامری مقری از وی این کتاب را روایت کرده‌اند. دارقطنی حافظ عبدالغنی و خطیب و ابن ماکولا- اسم پدر وی را عزیر آورده‌اند.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۰- ۱۴۹ / ۷)، سیر النبلاء (۲۱۷- ۲۱۶ / ۱۵)، الوافی بالوفیات (۹۵ / ۴).

عزیز کیا، غلامعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامعلی عزیز کیا

محل تولد: بندر آباد یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۴/۲۳

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی را در دبستان همام روستای بندر آباد در ۳۰ کیلومتری یزد گذراندم سپس در مدرسه راهنمایی طراز یزد و یکسال نیز در دبیرستان ۱۷ شهریور یزد تحصیل نمودم. در مهر ۱۳۵۷ به حوزه علمیه یزد وارد شده و مدت دو سال دروس مقدمات ادبیات و منطق را نزد استادان حوزه از جمله مفیدی فر، حجة الاسلام علاقه بند، میر حسینی، مفیدی، معالی، عجمین فرا گرفتم. در مهر ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و باقیمانده دروس مقدماتی و سطح عالی را گذراندم. در این دوران از اساتیدی چون آقایان اشتهاردی، عبایی، صالحی افغانی، اعتمادی، موسوی تهرانی، ستوده، علوی گرگانی محقق، طاهری حسن آبادی بهره بردم. از سال ۱۳۶۱ هم زمان با دروس حوزوی از برنامه های علمی موسسه در راه حق نیز بهره بردم و از درس های آیه الله مصباح مدظله و دیگر استادان آنجا از جمله آقایان فیاضی، رجبی، میرسپاه استفاده کردم در این سال ها به طور متناوب در درس اخلاق جناب آیه الله مظاهری نیز شرکت می کردم.

در سال ۱۳۶۷ در درس خارج فقه آیه الله میرزا جواد آقا تبریزی (ره) حاضر شده و بیش از هفت یا هشت سال از محضر ایشان بهره بردم. هم زمان طی ۶ سال یک دوره خارج اصول جناب آیه الله مکارم مدظله را درک نمودم، در همین ایام (از ۱۳۶۷-۱۳۷۳) در دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) شرکت کردم و با معدل ۳۳/۱۸ از پایان نامه حوزه با موضوع آثار اجتماعی دین از دیدگاه قرآن دفاع نمودم.

پس از آن در مؤسسه پژوهشی حوزه دانشگاه طرح پژوهش روش شناسی تفسیر قرآن را با همکاری استادان آن مؤسسه اجرا نموده (در سال ۱۳۷۹ این کتاب منتشر شد). سپس طرح مکاسب تفسیر را ارائه که با همکاری جناب استاد بابایی اجرا شد (بنده در این طرح حدود پنج مقاله کوتاه و بلند ارائه کردم که در جلد اول مکاسب تقریر در مقاله کوتاه آن منتشر شد و بقیه در آینده منتشر خواهد شد. در سال ۱۳۷۸ در مؤسسه امام خمینی (ره) طرح پژوهشی زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی را اجرا نمودیم که حاصل آن یک جلد کتاب جستاری در هستی شناسی زن در سال ۱۳۸۲ منشر شد. در سال ۱۳۷۹ در آزمون ورودی دوره دکترای علوم و قرآن و تفسیر موسسه، شرکت و به این دوره راه یافتم و اکنون در حال تدوین رساله پایان نامه این مقطع به عنوان نقش حدیث در تفسیر قرآن هستم. در طی سال های گذشته آثار ناچیزی در زمینه تفسیر و علوم قرآنی به صورت مقاله نگاشته ام. هم چنین دو اثر از مباحث جناب آیه الله مصباح یزدی دام ظلّه را تحقیق و تدوین نمودم و در زمینه اعجاز قرآن/ مبانی و قواعد تفسیری/ روایات تفسیری/ متون تفسیری در مؤسسه، مرکز جهانی، جامعه الزهراء، مرکز تحقیق تفسیر، مرکز سید الشهداء در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدوین نمودم. نه شکوفه ای نه برگی نه ثمر نه سایه دارم متحیرم که دهقان به چه کار کشت ما را

عسال اصفهانی، ابوالاحمد محمد

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۹- ۲۶۹ ق)، قاضی، حافظ، محدث، قاری، مفسر، فقیه و مورخ. از شیوخ خود: پدرش و ابومسلم کجی و محمد بن ایوب بن ضریس رازی و ابوبکر بن ابی‌عاصم و محمد بن اسد مدینی و حسن سری و ابراهیم حلوانی و بکر بن سهل دمیاطی و همچنین از شیوخ شهرهای اصفهان و همدان و بغداد و کوفه و بصره و حریمین و واسط و ری و خوزستان حدیث شنید. قرآن را بر استاد ابو عبدالله محمد بن علی اصفهانی تلاوت کرد. پسرش ابوعامر عبدالوهاب که از بزرگان اصفهان بود بر پدر خود ابواحمد عسال تلاوت نمود. عسال سفری به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. فرزندان محدثش به نامهای: ابوجعفر احمد و ابواسحاق ابراهیم و ابوالحسین عامر و ابوبکر عبدالله از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن عدی و ابن مردویه و ابن منده و ابن مقری نیز از راویان او هستند. او را یکی از پیشگامان حدیث توصیف کرده‌اند. خودش گفته که در قرآات قرآن پنجاه هزار حدیث در حفظ داشته است. گفته‌اند که او «تفسیر» بزرگی را از حفظ املا- کرد، و همچنین در اردستان چهل هزار حدیث را از حفظ املا کرد و چون به شهر خویش بازگشت و مقابله کرد املائی خویش را صحیح یافت. ابن منده گوید که دوبار دور دنیا را گشته اما مانند عسال ندیده است. او مدتی عهده‌دار منصب قضای اصفهان بود. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ «التاریخ»؛ «المعرفه فی السنه»؛ «الامثال»؛ «مسند الابواب»؛ «الابواب»، در «غریب الحدیث»؛ «احادیث مالک»؛ «الرقائق»؛ «کرامات الاولیاء»؛ «معجم الشیوخ»؛ «غسل الجمعه»؛ «القرآات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۱ / ۶)، انساب سمعانی (۱۹۰- ۱۸۹ / ۴)، تاریخ بغداد (۲۷۰ / ۱)، سیر النبلاء (۱۵- ۶ / ۱۶)، شذرات الذهب (۳۸۱- ۳۸۰ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۶۳- ۳۶۲)، العبر (۸۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۲۶ / ۸)، الوافی بالوفیات (۴۱ / ۲)، هدیه العارفین (۴۳ / ۲).

عسکر آبادی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی عسکر آبادی

محل تولد: حسن آباد نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۷/۳

زندگینامه علمی

در سپیده دم روز مبارک جمعه سوم مهر ماه ۱۳۵۸ خورشیدی در روستای حسن آباد سرتپه ازدهات خاک پاک نیشابور (متبرک و مزیی به وجود مبارک و قدوم نازنین ثامن الحجج مولا امام علی بن موسی الرضا المرتضی علیه السلام) در خانواده‌ای متدین و زحمتکش با چشمی گریان و قلبی شادمان پا به عرصه‌ی فانی و دنیای دانی نهادم.

طفولیت را در آب و هوای فرحبخش و دلنواز روستا با فعالیت‌های جانکاه پدر و مادر عزیزم در قالیبافی، کشاورزی، شبانی، بنایی و کار در کوره‌های آجرپزی و... به پایان رسانده و پایه‌های ابتدایی درس و مدرسه را در شهر مقدس مشهد الرضا علیه السلام فراگرفتم. دوران نوجوانی و جوانی حقیر با شرکت در جلسات قرآنی منازل و مساجد و مدارس (تعلیم و تعلم و اداره جلسات) و فعالیت در انتظامات و انجمن اسلامی مدارس و نیروی مقاومت بسیج و نیروهای امر به معروف و امور فرهنگی (کتابخانه‌ای، مسجدی،...) و... مزین بود.

در سن هفده سالگی بعد از گذراندن مقداری از دروس مقطع متوسطه، به توفیق الهی و عنایات ائمه معصومین علیهم السلام و به امید تهذیب نفس وارد حوزه مقدسه علمیه شدم. مدت سه سال در مدرسه مبارکه امام محمدباقر علیه السلام (به مدیریت حجة الاسلام والمسلمین دیانی حفظه الله) و همان جا در امتحان شهریه شرکت نموده و سپس جهت کلاسهای رسائل و مکاسب و کفایه دو سال در مدرسه علمیه حضرت آیه الله العظمی خویی رحمه الله علیه و مفتخر به تعمیم به لباس مقدس قطب عالم امکان حضرت مهدی موعود ارواح العالمین (عج) لباس مقدس روحانیت در نیمه شعبان ۱۳۷۸ شمسی شدم. به برکت ورود به مدرسه مبارک حضرت آیت الله العظمی خویی رحمه الله علیه با برنامه‌های آموزشی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان آشنا شدم و همزمان دو رشته تخصصی مکالمه و ترجمه عربی و رشته تخصصی علوم و معارف قرآنی (که سه سال طول کشید) را آغاز نمودم. و پایان نامه علوم قرآنی را با موضوع «تقدیم و تأخیر در قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و جلال الدین سیوطی» ارائه دادم. در سال ۱۳۸۱ توفیق ورود به حوزه مبارکه قم مقدسه و همجواری کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها نصیب شد و علاوه بر شرکت در دروس خارج فقه و اصول علماء عظام (همچون حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی، حضرت آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی، حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله العظمی میرزا محمدحسین احمدی فقیه یزدی، حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی، حضرت حجة الاسلام حاج احمد عابدی مدظلهم) در دوره یکماهه تربیت مربی قرآن کریم (تحت نظر واحد تهذیب حوزه)، مدیریت مسجد، (با مسئولیت حجة الاسلام تقی قرائتی) دوره شش ماهه اندیشه‌های امام خمینی رضوان الله علیه (واحد آموزش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره))، دوره دو ماهه آشنایی با فرقه‌ی تصوف (سفیران هدایت)، دوره تخصصی سه ساله تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم شرکت نمودم. و هم اکنون مشغول به نگارش پایان نامه تخصصی تفسیر با عنوان «تحلیل شبهات تفسیر المنار رشید رضا در تفسیر شریف المیزان علامه طباطبایی رحمه الله) می‌باشم.

ناگفته نماند در مشهد مقدس از محضر علماء اعلام و فضلاء کرام همچون حضرت آیه الله العظمی مرحوم میرزا حسنعلی مروارید، حضرت آیت الله العظمی مرحوم سید صادق فقیه سزواری، حضرت آیه الله العظمی سید مهدی عبادی رضوان الله علیهم، حضرت آیت الله العظمی سید محمد موسوی شاهرودی، حضرت آیه الله العظمی جوهری، حضرت آیه الله العظمی دهشت، حضرت آیه الله العظمی سید جعفر سیدان، حضرت حجة الاسلام والمسلمین میرزا جواد مروارید، حضرت حجة الاسلام والمسلمین نوقانی، حضرت حجة الاسلام والمسلمین سید مرتضی حسینی شاهرودی، حضرت حجة الاسلام والمسلمین علی سائلی حفظهم الله تعالی مستفیض گردیدم. ضرورت می‌دانم نهایت تشکر و سپاسگزاری خویش را نسبت به والدین عزیزم اداء کنم که با بذل جان خویش امکانات تحصیل حقیر را فراهم آوردند و نیز از همسر محترم خویش قدردانی می‌نمایم که محیط خانه را فضای مساعد برای مطالعه حقیر قرار داده است.

عصار لواسانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۶ / ۱۳۵۵ - ۱۲۶۴ ق)، فقیه اصولی، مفسر، حکیم و شاعر، متخلص به عصار. در ابتدا آشفته تخلص می‌کرد و سپس عصار را برگزید و لقب شعری او نظام بود. اصل وی از مازندران و ساکن لواسان تهران بود. پس از فراگیری سطوح و خارج فقه، در تهران، در ۱۲۸۹ ق، به عراق رفت و از آن جا سفری به مکه نمود و در بازگشت، در ۱۲۹۶ ق، به سامراء مهاجرت کرد و تا ۱۳۰۱ ق در آن جا ماند و در این سال به تهران بازگشت. در اواخر عمر، در ۱۳۴۰ ق، به مشهد مهاجرت کرد و در همان جا ساکن شد. او با کهنوت سن و از دست دادن یک چشم و کمی دید چشم دیگر، غالباً به تألیف اشتغال داشت. عصار در مشهد درگذشت و در ایوان صحن رضوی دفن شد. از آثار وی: «التأملیات»، در بیان وجه تأملات «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه‌ی «القواعد الکلیه الاصولیه و الفرعیه»، شهید اول؛ حاشیه‌ی «کشف الریبه فی احکام الغیبه» شهید ثانی؛ «فقاهاه الرضویه»، فقه استدلالی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «کشف الفوائد» علامه حلی، در شرح «قواعد العقائد» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «ناسخ التفاسیر»، در تفسیر فارسی، در سه مجلد که قسمتی از آن به خط شاگردش میرزا احمد بن صالح بادکوبه‌ای است؛ «رساله‌ی رجالیه»؛ «توحید کمالی»؛ «اخلاق کمالی»؛ «الحجج الرضویه فی تأیید الهدایه المهدویه و الرد علی البابیة»، به فارسی؛ «المواهب الرضویه فی رفیع الشبهات المقوله و المنویه»، در نبوت خصاه و در جواب تشکیکات مسیحیان، بایان، بهائیان و قادیانیان، به فارسی؛ «آداب السلوک للرعیه و الملوک»، منظوم، به فارسی؛ «التحفه المدنیة»، در عروض جامع بین عربی و فارسی و قافیه عربی و قافیه فارسی، که در ۱۲۹۰ ق در مدینه تألیف کرد؛ «بیان الغیب»، دیوان شعر، در استقبال از «دیوان» خواجه حافظ؛ «لسان الغیب»؛ «نیاح الغیب»؛ «دیوان عصار»؛ «منظومه‌ی خیر الرسائل» یا شرح «دیوان گلشن راز».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷ / ۳۱۲)، اعیان الشیعه (۵۵ / ۱۰)، الذریعه (۵ / ۲۴، ۲۳۹، ۱۱۵، ۲۳ / ۳۰۹، ۱۸ / ۲۷۰، ۱۳ / ۱۰۰۰، ۷۲۴ / ۹، ۱۸۶، ۱۷۳، ۶ / ۴۸۵، ۴ / ۴۶۸، ۳۰۲، ۱۸۳، ۳ / ۳۷۷-۳۷۶، ۲۰ / ۱)، ریحانه (۴ / ۱۴۰)، فرهنگ سخنوران (۶۳۷)، معجم المؤلفین (۳۱۸ / ۱۱)، مکارم الآثار (۱۷۶۶-۱۷۶۵ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۸-۵۹۶ / ۵).

عطاء خراسانی، ابویوب، عطاء

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵ - ۵۰ ق)، مفسر، محدث و واعظ. اصل وی از خراسان بود، اما در دمشق و بیت المقدس زندگی می‌کرد. از صحابیانی چون ابن عباس و ابوهریره و ابودرداء و انس و معاذ بن جبل به طریق ارسال روایت کرده است. او از ابن بریده و بسیاری از تابعین چون سعید بن مسیب و سعید بن جبیر و عروه و عطاء بن ابی رباح و نافع و عکرمه حدیث شنید. معمر و شعبه و سفیان و مالک و حماد بن سلمه و حتی شیخش، عطاء بن ابی رباح، نیز از وی روایت کرده‌اند. گفته‌اند که وی در حدیث مردی مورد اعتماد بود و معروف به فتوا و جهاد. اما بخاری و عقیلی و ابن حبان او را از جمله ضعفاء محدثین ذکر کرده‌اند. در اریحا درگذشت و در بیت المقدس دفن شد. از آثار وی: «الناسخ و المنسوخ» که بخشی از آن باقی مانده است؛ «التفسیر»، که تنها چند برگ از آن بر جای مانده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: التاریخ الکبیر (۴۷۵-۴۷۴ / ۶)، تهذیب التهذیب (۱۸۶-۱۸۴ / ۷)، الجرح و التعذیل (ج ۳ ق ۳۳۵-۳۳۴ / ۱)، سیر النبلاء (۱۴۳-۱۴۰ / ۶)، شذرات الذهب (۱۹۳-۱۹۲ / ۱)، طبقات ابن سعد (۲۶۱ / ۷)، العبر (۱ / ۱۴۰)، کشف الظنون (۴۵۳)، معجم

المؤلفین (۲۸۳ / ۶).

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرحیم عقیقی بخشایشی

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالرحیم فرزند حاتم، معروف به «عقیقی بخشایشی»، در سال ۱۳۶۱ ه. ق (مطابق با ۱۳۲۰ ه. ش) در قصبه «بخشایش» (زادگاه مادر پروین اعتصامی، شاعره نامدار) در ۶۵ کیلومتری شرق تبریز، در یک خانواده کشاورز پا به عرصه حیات نهاد. با داشتن علاقه وافر به تحصیل، زادگاه خویش را به عزم تبریز ترک گفته و در مدرسه طالبیه دروس ادبی و مقدماتی را فرا گرفت؛ تا اینکه در سال ۱۳۷۸ ه. ق به قصد ادامه تحصیل، رهسپار حوزه علمیه قم گردید. در آن حوزه مبارکه، از محضر اساتید معروف روز، بهره مند شد. دروس سطح را از اساتید هم زبان خویش، آقایان حجج اسلام: شیخ احمد پایانی، حاج میرزا یدالله دوز دوزانی، و استاد جعفر سبحانی و دروس عالی فلسفه و حکمت و فقه را از محضر اساتید بزرگوار، شادروان علامه طباطبایی و معلم شهید مرتضی مطهری و آیت الله سلطانی، اصول فقه را از محضر امام خمینی (ره) و خارج فقه را از محضر آیت الله العظمی گلپایگانی و برخی دیگر از مراجع معروف و دروس اخلاق و معارف عالیه را، از محضر آیت الله العظمی آخوند ملا علی معصومی همدانی، کسب نمود، و از محضر ایشان موفق به اجازه روایتی در مسیر اجازات حاج آقا بزرگ تهرانی گردید.

هم زمان با تحصیلات حوزوی، در دروس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، شاخه فقه و مبانی حقوق اسلامی، و دروس دارالتبلیغ اسلامی قم شرکت جست، تا در سال ۱۳۹۱ ه. ق (۱۳۴۹ ه. ش) موفق به دریافت لیسانس از دانشگاه تهران و پایان نامه تحصیلی از این موسسه اسلامی گردید. پس از کسب تحصیلات عالیه حوزه و دانشگاه، زندگی او در دو کلمه خلاصه میشود: قلم و قدم، با توجه به شوق و علاقه خاصی که در خود میدید، رشته نویسندگی و خلق آثار قلمی را تعقیب نمود و تاکنون لحظه ای قلم را ترک نگفته است. این رشته را رسماً از سال ۱۳۴۰ ه. ش با جراید معروف آن روز، مانند هفته نامه ندای حق، وظیفه، مجله نور دانش و ... آغاز کرده و نخستین تالیفات خود، «نظری به انجیل و تعلیمات مسیحیت» و «همسران رسول خدا (ص)» را در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ نگاشت و در جلسات اسلام شناسی زیر نظر دکتر مفتاح به چاپ رسید تا اینکه در سال ۱۳۵۰ ه. ش به عضویت هیات تحریریه نخستین مجله اسلامی حوزه علمیه قم، «درسهایی از مکتب اسلام» برگزیده شد و مقالات مختلفی در زمینه های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی منتشر ساخت.

محصول این همکاری، پدید آمدن خمیر مایه آثار چاپی متحددی است که تعداد آنها، هم اکنون به ۱۱۰ جلد بالغ می شود. که برخی از این آثار به زبانهای زنده جهان، مانند انگلیسی، عربی، فرانسه و اردو و ترکی نیز ترجمه و منتشر شده اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۱۲ سال، در دانشکده های مختلف کشور، به ویژه دانشگاه آزاد اسلامی، در مرحله کارشناسی ارشد

تدریس داشته و هم اکنون عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مدرس دروس معارف اسلامی می باشد. اخیراً در پی نگارش کتاب «دیداری با مسلمانان جمهوری آذربایجان»، موفق به دریافت درجه «دکتر» از آکادمی علوم آن جمهوری گردیده که از طریق سفارت ایران به صورت رسمی به ایشان اعطا شده است. او در تعدادی از کنگره های بزرگ علمی و ادبی شرکت جسته و مقالاتی را ارائه داده است. از آن میان کنگره عاشورا، کنگره اوحد الدین مراغه ای و کنگره شیخ شهاب الدین اهری را می توان نام برد. نویسنده کتاب، بر این اعتقاد است که فلسفه وجودی افراد و زکات حیات و بقای آنان، آثار خیر و باقیات صالحاتی است که از آنان به یادگار می ماند، و اگر جامعه بشری چنین انگیزه ای را در خود حس ننماید، زندگی او بهره روحی و نشاط معنوی نخواهد داشت.

از این رو، به برکت انقلاب اسلامی و خونهای گرانبهای شهیدان، و با همکاری مردم خوب و متدین و فداکار، چند اقدام عملی و قدم خیر فرهنگی و عمرانی را با فضل الهی به مرحله عمل درآورده است، که محض تشویق دیگر عزیزان، در این وجیزه مبادرت به درج آنها می گردد: ۱. احداث دو باب دبیرستان ۱۲ کلاسه به نام دبیرستان امام امیرالمومنین (ع) با همکاری مردم، در سال ۱۳۶۶ ه. ش، در زادگاه خویش، بخشایش که اکنون با فضل الهی جمعی از فارغ التحصیلان آن به دانشگاه راه یافته اند. ۲. احداث یک دستگاه پل بزرگ، به طول صد متر (۱۰ دهنه)، به نام «پل عباسیه» در سال ۱۳۷۰ ه. ش بر روی رودخانه «اوجان چای» در زادگاه خویش، با هزینه بالغ بر یکصد میلیون ریال آن روز، که مسیر عبور بخش نو، جانقور، شیخ رجب تا جاده اهر را تامین می نماید. ۳. احداث و مرمت جاده شوسه ۱۴ کیلومتری در مسیر بخشایش به جاده اهر، در سال ۱۳۶۷ که هم اکنون مورد بهره برداری می باشد. ۴. فراهم آوردن مقدمات جاده کشتی ۱۲ کیلومتری راه کردکندی، اشتقاق علیا و سفلی و تازه کند، به بخشایش، در محور جاده سراب و اردبیل که در عبور و مرور مردم آن منطقه تاثیر بسزایی دارد. ۵. خرید زمین، به مساحت ۴۰۰۰ متر و پی ریزی دبیرستان ۸ کلاسه به نام «دبیرستان صدیقه طاهره ع» در بخشایش جهت تحصیل دختران، که هم اکنون از سوی اداره کل نوسازی آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، مشغول تکمیل آن می باشند. ۶. ایجاد و احداث یک باب مسجد به نام مسجد عباسیه (ع) در آذربایجان غربی، در محوطه نیروی انتظامی پادگان جلدیان در حومه نقده، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی. ۷. اداره انتشارات «نوید اسلام» در قم که تا کنون حدود ۲۵۰ عنوان کتاب در عرصه های تاریخی، اجتماعی، آموزشی فرهنگی، تربیتی و دروس حوزوی، چاپ و نشر داده است و اخیراً مجهز به چاپخانه ای با همان نام (نوید اسلام) گردیده است. ۸. مفروش نمودن حرم مطهر و نوبنیاد حضرت رقیه (س) در سوریه، به عنوان روحانی کاروان، از طریق جلب کمکهای زایران، در سفرهایی که به آن کشور داشته است. ۹. توجه دادن جمعی از مردم شریف جمهوری آذربایجان، به احکام دینی و وظایف الهی و فرایض مذهبی، در سفرهای متعددی که به آن کشور آزاد شده از چنگال کمونیسم داشته است. و چاپ بیش از ۱۵ عنوان کتاب تربیتی و معرفی ائمه اطهار(ع) به زبان کریل نیز داشته ام.

علامی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علامی

محل تولد: هشتروند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مقدمات را تا مغنی و مطول پیش آقای انصاری که مدرس برجسته مقدمات در حوزه تبریز بود خواندم. مغنی و مطول را از محضر آقای شیخ علی اکبر ادیب معروف و متخصص فن و لمعتین را از محضر آیت الله آقای حاج سید مهدی انگجی فرا گرفتم و مکاسب را از محضر حضرت آیت الله آقای حاج میرزا فتاح شهیدی (ره) صاحب کتاب «هدایه الطالب الی اسرار المکاسب» که مجتهد معروف حوزه علمیه تبریز بود و فرائد را محضر حضرت آیت الله مرحوم آقای حاج میرزا محمود آقا دوزدوزانی خواندم و آن زمان از اساتید معروف مطول و مغنی بودم جمع کثیری در درس مطول حاضر می شدند چون عبارات را صحیح و با دقت می خواندم الان هم تدریس در حوزه علمیه قم از نظر خوب عبارت خواندن مورد تحسین فضلالی حوزه است و فضلا بارها گفته اند عبارت خواندن شما در مقام تدریس بی نظیر است.

کفایتین را از محضر حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی (ره) استفاده کردم، منظومه حکمت و اسفار را از محضر حضرت آیت الله علامه طباطبایی (ره) فرا گرفتم دوازده سال حکمت خوانده ام به منظومه حکمت شرح نوشته ام در علم حکمت خیلی کار کرده ام فضلالی حوزه می گویند درس حکمت در حوزه شروع کنید بی میلی نیستم اگر توفیق رفیق شد درس حکمت در حوزه شروع کنم انشاء الله در درس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت الله آقای حجت کبیر پانزده سال شرکت و استفاده کامل نموده ام بعد از وفات این دو بزرگوار باقی دوره درس خارج را از محضر مبارک امام رضوان الله تعالی علیه و آیت الله گلپایگانی و آیت الله داماد تکمیل نموده ام بیش از بیست سال درس خارج فقه خوانده ام.

علوی مهر، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین علوی مهر

محل تولد: اهواز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین علوی مهر در تیرماه سال ۱۳۴۲ در شهرستان اهواز در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد و در سنین کودکی به بوشهر مهاجرت می کند تحصیلات خود را تا دیپلم در همان شهر گذرانده، سپس با وجود این که در سالهای ۶۱ و ۶۲ در کنکور امتحان داده و پذیرفته می شود اما ترجیح می دهد دروس حوزه را بخواند. وی جهت ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه اصفهان شده و ادبیات عرب را در مدت یک سال و نیم در آن حوزه تمام می کند. سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم هجرت میکند. از سال ۱۳۶۳ به ادامه دروس پرداخته و سطوح عالی را نزد اساتید بارز آن زمان، از جمله آیات وجدانی فخر، اعتمادی، موسوی

تهرانی، احمد پایانی، جعفر سبحانی و جوادی آملی به اتمام می‌رساند. از سال ۱۳۶۸ در درس خارج آیات عظام مکارم شیرازی، وحید خراسانی، و میرزای تبریزی شرکت نموده و در سال ۱۳۷۱ در آزمون ورودی رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم شرکت نموده و پذیرفته می‌شوند و در سال ۷۶-۷۵ رتبه ممتاز را کسب می‌نماید. و با یک سال مرخصی در سال ۱۳۷۷ سطح چهار را به پایان می‌رساند. ایشان دروس تفسیر را نزد آیات مکارم شیرازی، جوادی آملی، معرفت، شب زنده دار، خزعلی و محقق داماد و اساتید دیگر گذرانده است. پس از اتمام دوره در سال ۱۳۸۴ پایان نامه سطح چهار خود را با نام بررسی تفسیری و کلام آیات وحی با نمره عالی دفاع نموده و موفق به اخذ مدرک سطح ۴ = دکترای شده است. تاکنون دو کتاب از ایشان با نام روش‌ها و گرایش‌های تفسیری و تاریخ تفسیر و مفسران چاپ شده که دو کتاب نیز با نام قرآن و دفاع (مبارزه) و بررسی حقیقت و ارکان وحی آماده چاپ دارند افزون بر آن بیش از بیست مقاله از ایشان در مجلات کشور منتشر شده است.

علی بابایی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد علی بابایی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۸/۲۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد علی بابایی در تاریخ ۲۱/۸/۱۳۴۴ در تهران به دنیا آمدم. پس از گذراندن تحصیلات جدید در سال ۱۳۶۱ به عنوان بسیجی به جبهه اعزام شدم. فضای آنجا مملو از معنویت و از خود گذشتگی و ایثار بود، مرا وارد مرحله جدیدی در زندگیم نمود. از این رو پس از بازگشت از جبهه در شهریور همان سال وارد حوزه علمیه حاج ملا محمد جعفر (مجتهدی) شدم و تا سال ۱۳۶۴ دروس مقدمات را فرا گرفتم. روزهای پنج شنبه و جمعه نیز با چند تن از دوستان در دروسهای باب حادی عشر و تبصره المتعلمین مرحوم علامه شرکت می‌کردم. در این سالها از محضر استاد اخلاق حضرت آیت الله مجتهدی بهره‌های فراوانی بردم.

از ابتدای ماه رمضان سال ۱۳۶۴ ش به مدت چهل روز در کنار بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) اقامت گزیدم و از محضر آیت الله میرزا علی آقا تنکابنی (فلسفی) بهره‌های اخلاقی فراوانی بردم. همچنین از محضر آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی و آیت الله حاج شیخ حسنعلی مروارید استفاده نمودم.

از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر استاد طالقانی در ادبیات و استاد احمد امین شیرازی در فن معانی و بیان و استاد هادوی تهرانی در درس "معالم الاصول" بهره‌جستم. همچنین در بعضی دروس از محضر استاد ادیب، مدرس افغانی استفاده بردم. جلدین "اصول فقه" را نزد آیت الله هادوی تهرانی و "شرح لمعتین" را در محضر مرحوم آیت الله وجدانی فخر آموختم. در این سالها سعی من بر این بود که درسها را بنویسم و به عنوان شرح و توضیح آن کتاب برای چاپ و نشر آماده نمایم.

از سوی دیگر، علاقه به مطالعه و تحقیق در یک موضوع خاص مرا بر آن داشت تا از کتابهای موجود در کتابخانه شخصی ام فهرست موضوعی مبسوطی تهیه کنم. از آنجا که قرآن، کتاب آسمانی ما مسلمانان، تمام نیازهای امروز و فردای بشر را بیان کرده است و خود کتاب بسیار جامعی در موضوعات مختلف است، تفسیر قرآن را انتخاب کردم و برای سهولت و سرعت کار از "تفسیر نمونه" آغاز کردم. در میان راه به فکر افتادم تا این فهرست را به طور مستقل برای این تفسیر به چاپ برسانم. از این رو با نویسنده آن آیت الله مکارم شیرازی موضوع را در میان گذاردم که با استقبال ایشان روبرو شدم.

این کتاب زیر عنوان "فهرست موضوعی تفسیر نمونه" در سال ۱۳۶۷ به چاپ رسید و تاکنون پانزده بار تجدید چاپ شده است. بهترین دوران زندگی جوانی من همان روزهایی بود که تفسیر قرآن را برای تهیه فهرست موضوعات آن می خواندم. این توفیقی بود که یک دوره کامل تفسیر قرآن را مطالعه نمایم. همین موضوع سبب شد که آیات روحبخش قرآن آرامش خاصی به من می بخشید. کتاب "رسائل" را نزد آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی، کتاب "مکاسب" و جلد اول "کفایه الاصول" را نزد آیت الله حاج شیخ احمد پایانی و جلد دوم "کفایه الاصول" را نزد آیت الله سید رسول موسوی تهرانی خواندم. در نیمه شعبان سال ۱۳۶۹ ش با صبیبه استاد معظم آقای حاج شیخ محمد حسن رئوفی ازدواج نمودم و اکنون چهار فرزند دارم. پس از چاپ "فهرست موضوعی تفسیر نمونه" این انگیزه در من بسیار قوی شد که در آن شرکت می کنم به طور مبسوط نوشته و سپس به عنوان شرح آن کتاب برای چاپ آماده نمایم. از این رو هنگامیکه در درس "مکاسب" شرکت می کردم، همه مطالب بیان شده توسط استاد را از توضیحات خارج درس تا تطبیق عبارات می نوشتم. با پیشنهاد یکی از دوستان نوشته های "مکاسب محرمه" را در اختیار وی قرار دادم تا برای چاپ آماده نماید. وی تنها سه جلد از آن را زیر عنوان "در کلاس درس مکاسب" به چاپ رساند. سپس اطلاع یافتم یکی از هم درسی های سابق قصد دارد شرح خیرات مکاسب را به چاپ برساند. در محضر استاد پایانی با وی قرار گذاشتیم شرح مکاسب محرمه و بیع را به طور مشترک منتشر سازیم به این صورت که نوشته ها از من باشد و او با متن اصلی مطابقت دهد. و آنها را برای چاپ آماده نماید. متأسفانه او پس از آنکه دفاتر را از من گرفت، مطالب را به سرقت برد و با فروش آن به یکی از ناشران کار را به نام خود و زیر عنوان "در محضر شیخ انصاری" چاپ و منتشر نمود و حقوق مرا پرداخت نکرد. از سال ۱۳۷۰ در درس خارج اصول آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم و با تجربه ای که در تهیه "فهرست موضوعی تفسیر نمونه" داشتم، به ایشان پیشنهاد کردم "تفسیر نمونه" را خلاصه نمایم. این کار زیر نظر ایشان به دست چهل تن از طلاب رشته تخصصی تفسیر در حال انجام بود و به من فرمودند شما مسئولیت جمع آوری مطالب را به عهده بگیرید. نوشته ها را تحویل گرفتم ولی بیشتر آنها ناقص بودند و بعضی مجلدات اصلاً کار نشده بود و متأسفانه در میان نوشته ها اغلاط املایی فراوانی یافت می شد. از این رو به هیچ عنوان قابل استفاده نبود و من پیشنهاد کردم این کار را از ابتدا خودم انجام دهم. همان روز شروع کردم و سوره حمد و چهل آیه از سوره بقره را خلاصه نمودم.

بدین ترتیب که آیات قرآن سپس ترجمه و بعد شرح مختصری از آیه را می آوردم و از میان تفاسیر، یک تفسیر که نویسنده آن را از میان اقوال مختلف پذیرفته بود درج می کردم. سرانجام پس از سه سال کار شبانه روزی این کتاب زیر عنوان "برگزیده تفسیر نمونه" به جمع کتب قرآنی و تفسیر پیوست و بحمدالله از سوی تمام اقشار جامعه مورد استقبال قرار گرفت. این کتاب شانزدهمین چاپ خود را پشت سر گذاشت. و از آنجا که در بسیاری از کلاسها که تفسیر قرآن جزء مواد درسی آنهاست، به عنوان کتاب و متن درسی انتخاب گردید، ترجمه این کتاب به زبانهای دیگر نیز مورد توجه قرار گرفت. این کتاب توسط آقای فائق ولی اوغلی به زبان ترکی آذری ترجمه و تا کنون دو جلد از آن چاپ و منتشر شده است. ترجمه انگلیسی توسط آقای مهندس منصور امینی و در پنج جلد چاپ و منتشر شده است.

ترجمه عربی توسط اینجانب با بهره گیری از کتاب "الامثل" که ترجمه تفسیر نمونه است تهیه شده و به زودی در اختیار علاقمندان

قرار خواهد گرفت. این رویکرد و استقبال مرا بر آن داشت تا در سال ۱۳۸۰ بار دیگر آن را مورد مذاقه و تجدید نظر قرار دادم و روش اعراب گذاری آیات آن را تغییر دادم، همچنین ترجمه آیات را طبق آنچه به عنوان ترجمه قرآن از آیت الله العظمی مکارم منتشر شده اصلاح کردم و نیز در مقدمه تفسیر آیات، ترجمه و شرح واژه ها را افزودم و اصلاحات فراوانی در متن اصلی نمودم. از سال ۱۳۷۷ در درس خارج فقه آیت الله العظمی تبریزی شرکت کردم و تا کنون ده ها کتاب را تصحیح و ویرایش نمودم که همگی به چاپ رسیده است. امیدوارم تا زنده ام خداوند این توفیق را نصیبم گرداند که به مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) خدمت نمایم و شفاعت آن بزرگواران شامل حال من گردد.

علی بن محمد باقر

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حضرت ابوالحسن علی ابن امام محمد باقر (ع) در سال ۱۱۳ هجری قمری جهت امر تبلیغ دین مبین اسلام و پاسخگویی به احساسات مذهبی مومنان وارد کاشان شدند و به مدت ۳ سال در میان عاشقان و دلباختگان اهل البیت به ارشاد مردم ولایتمدار پرداختند از ویژگیهای بارز این امامزاده لازم التعظیم می توان به فرزند بلافصل بودن و همچنین نایب الامامین یعنی امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) اشاره نمود در خصوص مقام والای آنحضرت روایتهای متعددی نقل شده است که از جمله آن می توان به حدیث حضرت امام صادق (ع) اشاره نمود که می فرماید: هرکس برادرم حضرت علی ابن باقر (ع) را در اردهال زیارت کند مانند کسی است که قبر جدم حسین (ع) را در کربلا زیارت کرده باشد و همچنین حضرت امام رضا (ع) می فرماید نعم الموضع الاردهال فلزم و تمسک به ، چه خوب مکانی است اردهال پس به آن التزم و تمسک پیدا کنید حضرت علی ابن امام محمد باقر (ع) در سال ۱۱۶ هجری قمری با یاران و اعوانش به جنگ با کفر زمانه می پردازد و پس از رشادتهای فراوان سرانجام در ۲۷ جمادی الثانی در دره ازناوه با یاران باوفایش به شهادت رسید و سر مبارکش را از تن جدا نموده و برای حاکم جور وقت در شهر قزون ارسال نمودند و بدن مطهرش را در مشهد اردهال به خاک سپردند

علی پور، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین علی پور

محل تولد: فردوس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین علی پور فرزند علی اکبر در سال ۱۳۳۱ در شهرستان فردوس متولد شدم و در سال ۱۳۴۹ پس از دوران تحصیلات ابتدایی در محل تولد به قصد زیارت بارگاه رضوی (علیه السلام) به مشهد مقدس شرفیاب شدم و تحصیلات حوزوی را در جوار ملکوتی حضرت ثامن الحجج علیه السلام آغاز نمودم. در سال ۱۳۵۲ برای تکمیل دروس حوزوی به حوزه علمیه قم در جوار کریمه اهل بیت (علیهم السلام) آمده و تا سال تحصیلی ۱۳۵۵ سطح را با تلاش شبانه روزی به اتمام رساندم و از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۸۰ توفیق حضور در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی را داشته‌ام.

علی محمدی، کریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کریم علی محمدی

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۲/۲۵

زندگینامه علمی

آقای کریم علی محمدی در سال ۱۳۴۰ در خانواده‌ای با نشاط، دوستدار خاندان امامت و نبوت در تبریز دیده به جهان گشود. پس از اتمام تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه تبریز شد تا از معارف ناب الهی سیراب شود و عطش چندین ساله خود را برطرف سازد غافل از اینکه این عطش او را به دیار قم کشاند پس از ورود به قم ضمن انس با بارگاه ملکوتی کریم اهل بیت حضرت معصومه به جدیت در امر تحصیل حوزوی پرداخت و در سال ۱۳۶۸ به پای درس خارج بزرگان آن زمان نشست و از محضر اساتید معزز حضرات آیات جوادی آملی، مکارم شیرازی و خرازی بهره‌های علمی، اخلاقی فراوان برد. در کنار تحصیل از تدریس و پژوهش غافل نماند و آثاری از قبیل شرح خطبه دوم حضرت زهرا سلام الله علیها و پیامبر و عکس العمل مردم در برابر آن را به زیور طبع آراست.

علی نقی پور، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد علی نقی پور

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب احمد علی نقی پور نجف آبادی فرزند محمد حسین ش ش ۴۶۵ ت ت ۱۳۴۱ نجف آباد. در سال ۱۳۸۵ وارد حوزه علمیه نجف آباد شدم و پس از گذراندن بعضی کتاب های مقدماتی در سال ۱۳۵۹ به حوزه علمیه قم راه یافتم و دروس سطح را نزد اساتیدی چون حضرت آیت اله ستوده، وجدانی فر، نظری میانجی و... به پایان رساندم و همراه با درس رسمی حوزوی در درس تفسیر آیت اله جوادی آملی شرکت نمودم و در زمینه فلسفه نیز کتاب های بدایه الحکمه ونهایه الحکمه را نزد آیت اله گرامی و فیاضی خوانده و سپس در درس شرح منظومه حضرت آیت اله انصاری شیرازی وارد شدم و تا پایان آن نزد ایشان شرح اسفار را نیز شاگردی کردم.

پس گذراندن دوره سطح به درس خارج حضرات آیات منتظری، وحید، تبریزی و فاضل وارد شدم و از آنان استفاده کردم در کنار درس های حوزه به خاطر عشق و علاقه ای که به نویسندگی و ادبیات فارسی داشتم دوره هایی در حوزه از طرف دفتر تبلیغات و غیره گذاشته می شد شرکت می کردم و تا حدودی اصول و روش نویسندگی را آموختم و همواره از هنگام شروع درس خارج به تحقیق در مسائل قرآنی و علوم قرآنی پرداختم.

علیانسب، ضیاءالدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ضیاءالدین علیانسب

محل تولد: آذربایجان شرقی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سیدضیاءالدین علیانسب در سال ۱۳۴۵ در خانواده ای پاک، با صفا، مخلص و متعهد در سراب دیده به جهان گشود. پس از پایان موفقیت آمیز تحصیلات متوسطه، به خاطر شوق وافر و تشویق خانواده در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه تبریز شد. پس از مدتی تحصیل در آنجا به حوزه علمیه تهران رفت و در نهایت در حوزه علمیه قم سکنی گزید و در سال ۱۳۷۳ به حلقه درس خارج راه یافت. وی در مدت تحصیل در حوزه علمیه از آسمان پرفیض و برکت حوزه علمیه از ستارگانی همچون مرحوم آیت الله معرفت،

مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله سبحانی استاد احمد عابدی کسب فیض علمی و اخلاقی نمود و پس از مدتی تحصیل در قم به زادگاه خویش برگشت و در آن دیار به تدریس دانشگاهها پرداخت تا مصداق حدیث زیبای «زکات العلم نشرها» گردد. و هیچ وقت از امر پژوهش هم غافل نماند و در این راستا آثاری به چاپ رسانده است که کتابهای «صحابه در قرآن» و «جریان شناسی انجمن حجّیه» از جمله این آثار است.

علیزاده، غلامحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامحسین علیزاده

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب غلامحسین علیزاده فرزند حجّت بعد از اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه بابل مدرسه خاتم الانبیاء مشغول به درس شدم و بعد از اتمام ادبیات عرب و منطق و معالم و قسمتی از کتاب مختصر المعانی در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم مدرسه المهدی زیر نظر آیه الله العظمی گلپایگانی (قده) به مدت سه سال مشغول به درس بودم بعد از اتمام دو جلد لمعه و اصول فقه در درس رسائل حضرت آیت الله اعتمادی شرکت و در فقه مکاسب حضرت آیت الله بنی فضل و کفایه را از محضر آیت الله فاضل و علوی گرگانی استفاده کردم و درس شرح منظومه از محضر حضرت آیت الله گرامی و فلسفه جلد اول اسفار را از محضر حضرت آیت الله جوادی آملی و شرح اشارات را از حضرت علامه حسن زاده آملی استفاده کردم. در درس خارج از اساتید معظم حوزه همچون حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی در دوره اصول و در درس خارج فقه در بحث طهاره حضرت آیت الله العظمی تبریزی و همچنین حدود و قصاص و شهادت را از معظم له بهره مند شدم در رجال از محضر حضرت آیت الله زنجانی استفاده کردم.

در بخشی از الفاظ اصول (خارج) از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی بهره مند شدم. در دوره تخصصی تفسیر زیر نظر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت کردم و بعد از اتمام و ارائه پایان نامه، مشغول تحقیق در حوزه تفسیر هستم. در ضمن تحصیل و تحقیق همکاری با مؤسسه ولی عصر و مرکز دائره المعارف اسلامی و جامعه الزهراء و دانشگاه آزاد اسلامی برای تحقیق و تدریس داشتم و مقالاتی برای کنگره تمدن دانشگاه علامه طباطبائی و طرحی برای کنگره اخلاق و عرفان حضرت امام (ره) ارسال نمودم

عمادالدین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ع. تکیه گاه کیش و آیین) ابوالمظفر شاهپور (شاهپور- شهود) (امام) از علمای شافعی و از نویسندگان (ف. ۴۷۱ ه. ق.). اوراست: تفسیری به نام «تاج التراجم». برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عمادزاده‌ی اصفهانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۹- ۱۲۸۴ ش)، مورخ، مدرس و نویسنده. در اصفهان به دنیا آمد. از همان طفولیت با علم و علما آشنا شد و در حوزه‌ی اصفهان به کسب علم و تلمذ از علمای بزرگوار آن روز، چون آیات عظام سیدعلی نجف‌آبادی، شیخ محمود مفید، میرزا علی شیرازی، شیخ محمد حکیم خراسانی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای و حاج میرزا رضا کلباسی پرداخته و به کسب اجازات روایتی از علمای بزرگ آن زمان همچون آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمری، شیخ محمدرضا مظفر، سید یونس اردبیلی و نیز شیخ آقا بزرگ تهرانی و شخصیت‌های علمی دیگر نایل آمد. عمادزاده به تدریس در محیط‌های آموزشی و دانشگاه رغبت فراوان نشان می‌داد او از ابتدای تحصیلات خود علاقه فراوانی به تألیف و تحقیق و نشر فرهنگ و معارف اسلامی و خدمت به اهل بیت (ع) داشت و همواره به دنبال هدف خویش بود. ثمر و حاصل تلاش وی بیش از صد و بیست تألیف دربار‌های موضوعات مختلف است. از آن جمله: ترجمه و تفسیر قرآن کریم؛ «صحیفه‌ی کامله‌ی سجاده‌ی زبور آل محمد»؛ «تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم»؛ «زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام»؛ «تاریخ مفصل اسلام»؛ «معراج»؛ «زندگانی علی بن ابی طالب (ع)»؛ «فاطمه الزهراء (ع)»؛ «شرح خطبه‌ی غدیر»؛ «شرح زندگانی هر یک از حجج معصومین (ع)» یا «مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم (ع)»؛ «زندگانی حضرت مجتبی (ع)»؛ «زندگانی خامس آل عبا ابی‌عبدالله سیدالشهداء (ع)»؛ «تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزیست»؛ «زندگانی حضرت ابوالفضل، قمر بنی‌هاشم (ع)»؛ «زندگانی حضرت علی اکبر و علی اصغر»؛ «زندگانی زینب کبری»؛ ترجمه؛ «تاریخ جغرافیایی مکه»؛ «تاریخ جغرافیایی کربلا»؛ «بستان الادب»؛ «جهان اسلام، اسلام در جهان»؛ «مکتب اسلام»؛ «زندگانی علی بن موسی الرضا (ع)»؛ «منتقم حقیقی، مهدی قائم صاحب العصر و الزمان (عج)»؛ مقالات متعدد در روزنامه‌ها و مجلات. [۱]

مؤلف، محقق.

تولد: ۱۲۸۴ (۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۵ ق.)؛ اصفهان.

درگذشت: ۱۲ فروردین ۱۳۶۹، تهران.

حسین عمادزاده‌ی اصفهانی، فرزند حجت‌الاسلام احمد عمادالواعظین، در حوزه‌ی اصفهان از علمای آن روز چون آیات عظام سید علی نجف‌آبادی، محمود مفید، علی واعظ شیرازی، محمد حکیم خراسانی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای، محمدرضا کلباسی کسب فیض کرد. وی دارای اجازت‌های روایتی از علمای آن زمان همچون آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای، محمدرضا مظفر، سید یونس اردبیلی بود.

حسین عمادزاده‌ی اصفهانی دارای آثار بسیاری است که برخی از آنها به شرح زیر است: بستان الاداب (برای سال پنجم و ششم متوسط، ۱۳۰۹)؛ جهان اسلام و اسلام در جهان، ترجمه و تفسیر قرآن کریم؛ تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم (۱۳۳۴)؛ تاریخ مفصل اسلام (جلد اول، ۱۳۳۷)؛ شرح خطبه‌ی غدیر؛ زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام (۱۳۲۸)؛ تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزی است (زندگانی حضرت سیدالشهداء، ۱۳۲۱)؛ زندگانی حضرت ابوالفضل العباس (ع)؛ قمر بنی‌هاشم (۱۳۲۱)؛ زندگانی حضرت علی اکبر و علی اصغر (۱۳۵۶ ق.)؛ زندگانی زینب کبری (شیخ جعفر نقدی، ترجمه، ۱۳۲۳)؛ زندگانی حضرت خامس آل عبا ابی‌عبدالله - سیدالشهداء (۱۳۷۴ ق.)؛ زندگی حضرت سجاد (۱۳۳۸)؛ زندگانی علی بن ابی‌طالب (۱۳۳۱)؛ زندگانی حضرت مجتبی (۱۳۳۷)؛ زندگانی حضرت علی بن موسی‌الرضا (۱۳۳۵)؛ رجال اسلام (شامل شرح حال قریب بیست هزار نفر از رجال علمی و ادبی اسلام)؛ تاریخ جغرافیایی کربلا (۱۳۲۶)؛ راهنمای حاج، تاریخ جغرافیایی مکه (۱۳۲۷)؛ صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه زبور آل محمد (۱۳۳۴)؛ فاطمه‌الزهراء (۱۳۳۶)؛ مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم (دو جلد، ۱۳۳۱ - ۱۳۳۰) دوره‌های مجله‌ی «خرد».

وی علاوه بر تحقیق و تألیف و نیز تدریس در دانشگاه مقالاتی نیز برای روزنامه‌ها و مجله‌ها می‌نوشت.

وی در سال ۱۳۱۵ در تهران ساکن شد و در پنجم ماه رمضان (دوازدهم فروردین سال ۱۳۶۹) درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه [۱] کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۵۲)، کیهان فرهنگی (س ۷، ش ۳، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۱ - ۸۲۹ / ۲).

عمادی چاچکامی، کمال الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید کمال الدین عمادی چاچکامی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۰ در روستای چایکام از توابع شهرستان ساری متولد شدم دوران ابتدایی در روستای خود و روستاهای همجوار طی کردم، برای ادامه تحصیل به ساری هجرت کردم بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۱ وارد دانشکده تربیت معلم در رشته زبان شدم. بعد از مدت ۵ ماه به دلیل علاقه شدید از آن انصراف داده به حوزه علمیه امامیه ساری نزد آیت الله صدوقی مشغول به تحصیل شدم. سال دوم تحصیلی ۱۳۶۲ به قم هجرت نمودم تا سال ۱۳۷۰ مقدمات و سطح را به پایان رساندم از سال ۱۳۷۰ به درس خارج راه یافتم در این مقطع از افاضات آیات عظام صالحی مازندرانی و جوادی آملی و دیگر اساتید بهره بردم به مدت ده سال از خرمن پرفیض اساتید خارج استفاده کردم در این مدت تحقیقات مهم فقهی زیر نظر استادم انجام دادم که مورد عنایت استادم قرار گرفت. در رشته

فلسفه ابتدا بدایه الحکمه را نزد آیت الله ممدوحی کرمانشاهی خواندم. سپس منظومه منطق و حکمت را نزد آیت الله طاهری مازندرانی خوانده و در پایان در درس اسفار حکیم عالی قدر جوادی آملی شرکت نمودم که بیش از ۲ سال موفق به ادامه آن نشدم. درس عرفان را با اشاره حکیم متاله عارف بزرگ حسن زاده آملی آغاز نمودم با آنکه مقدمات را نخوانده بودم به تشخیص استاد در درس مصباح الانس ایشان شرکت نمودم که به مدت دو سال فیض برده‌ام. سپس به دلیل بیماری استاد به امر ایشان نوار درس فصوص را پیگیری نمودم. از ابتدای ورود به حوزه مقدس قم علاقه به تحقیق و نوشتن داشتم. لذا در موضوعات گوناگون تحقیقاتی انجام داده‌ام که برخی از آنها چاپ و برخی به صورت مقاله در همایش‌های علمی ارائه گردیده است که لیست تفصیلی آن در ص ۸ ارائه گردیده است. به دلیل شرکت فعال در درس خارج حضرت استاد آیت الله صالحی مازندرانی و تالیف مقالات علمی متعدد زیر نظر آن استاد به دریافت گواهی اجتهاد در سال ۱۳۷۴ نائل شده‌ام. اکنون بیشتر اوقات سرگرم تحقیقات قرآنی و فقهی و کلامی هستم در ضمن تحصیل به تدریس دانشگاهی و همچنین علوم حوزوی پرداختم. کتاب بدایه الحکمه برای جمعی از طلاب دو دوره تدریس نمودم و همچنین کتاب اصول الفقه و مکاسب محرمة شیخ انصاری برای برخی از طلاب تدریس کرده‌ام.

عمرانی خوارزمی، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۶۰ ق)، مفسر، عالم، ادیب، لغوی و شاعر معتزلی. ملقب به حجه‌الافاضل و فخرالمشایخ و، به آورده‌ی «هدیه العارفین»، معروف به ابن عراق و از خاندان بزرگی در سرخس بود. ادب را نزد محمود بن عمر زمخشری فراگرفت و از نزدیکترین شاگردان و اصحاب وی شد. عمرانی از عمر ترجمانی و حسن بن سلیمان خجندی و قاضی عبدالواحد باقرحی حدیث آموخت. او اشتیاق کامل به کسب علم داشت. در اواخر عمر آنچنان سرآمد شد که علمای بزرگ به محضرش می‌آمدند و دانش خود را بر او قرائت می‌کردند و حل مشکلات خویش را از او می‌خواستند. از وی اشعار زیبایی به جای مانده است. از آثارش: «تفسیر القرآن» یا «شماریخ الدرر فی التفسیر الآی و السور»؛ «الاشقاق اسماء»؛ «المواضع و البلدان»، که به نوشته‌ی «کشف الظنون» این دو کتاب یکی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۰ / ۵)، روضات الجنات (۲۴۳- ۲۴۲ / ۵)، ریحانه (۲۰۶- ۲۰۵ / ۴)، کشف الظنون (۴۴۶، ۱۰۲)، لغت‌نامه (ذیل / علی و ابوالحسن)، معجم الادباء (۶۵- ۶۱ / ۱۵)، معجم المؤلفین (۲۱۵ / ۷)، الوافی بالوفیات (۹۵- ۹۴ / ۲۲)، هدیه العارفین (۶۹۸ / ۱).

عبری نیشابوری، ابوزکریا یحیی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۴ ق)، محدث، مفسر، فقیه، لغوی و ادیب. اهل نیشابور بود از ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بوشنجی و محمد بن عمرو قشمر

و حسین بن محمد قبانی و ابراهیم بن ابی طالب و ابن خزیمه و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابوبکر بن عبدش / عبدوس مفسر و ابوعلی حسین بن علی حافظ و ابو حسین حجاجی و حاکم و ابن منده و دیگران از وی حدیث شنیدند. ابوعلی حافظ قدرت حافظه وی و وسعت آن را ستوده و حاکم گوید که ابوزکریا متجاوز از ده سال گوشه‌گیری کرد، او می‌گفت: عالم برگزیننده باید که به بهترین حالت خویش بازگشت نماید، پاکیزه و حلال بخورد. علم را وسیله‌ای برای مال‌اندوزی قرار ندهد و علم برایش زیبایی آورد. مال خود را فضل الهی محسوب کند و سپاسگزار خداوندگار خویش باشد. در «معجم الادباء» سال وفات وی ۴۴۴ ق ذکر شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۳۴-۵۳۳ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۶۹ / ۲)، العبر (۶۹ / ۲)، معجم الادباء (۳۴ / ۲۰)، النجوم الزاهره (۳۵۸ / ۳).

عوفی، نورالدین، سدیدالدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۶۳۰ ق)، شاعر و تذکره‌نویس. از اعقاب عبدالرحمان بن عوف از صحابه‌ی رسول بود. ولادتش در بخارا بود و تحصیلات وی در همان شهر صورت گرفت و آن‌گاه به سفر پرداخت و بسیاری از بلاد ماوراءالنهر و خراسان و سیستان را دید. در بخارا خدمت امام برهان‌الاسلام تاج‌الدین عمر بن مسعود از ائمه آل برهان و امام رکن‌الدین مسعود بن محمد امام‌زاده تحصیل کرد. وی مدتی در قندهار در دربار قلج طمغاج‌خان ابراهیم راه داشت و به خدمت پسرش قلج ارسلان خاقان نصره‌الدین عثمان بن ابراهیم بود و مدتی سمت صاحب دیوانی و انشاء آن شاهزاده را داشت. تا اواخر قدرت سلطان محمد خوارزمشاه وی در خراسان و ماوراءالنهر بسر می‌برد و به جمع‌آوری اطلاعات ذی‌قیمت خود که در کتابهای خویش ثبت کرده است، مشغول بود و در اوان حمله‌ی مغول به بلاد سند رفت و خدمت ناصرالدین قباچه از ممالیک غوریه را اختیار کرد. بعد از شکست ناصرالدین قباچه به خدمت شمس‌الدین التتمش درآمد و به هندوستان رفت و بعد از این تاریخ از زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. از آثار مشهور او: «لباب الالباب»، قدیم‌ترین کتاب در احوال و اشعار شعرای ایرانی؛ «جوامع الحکایات و لوامع الروایات»، شامل مطالب تاریخی مهم، که در ۶۳۰ ق به پایان رسیده است. [۱]

(منسوب به عوف) سدیدالدین محمد بن محمد بخاری، نویسنده و دانشمند معروف ایرانی در اواخر قر. ۶ و اوایل قر. ۷ (بین ۵۷۲ ه.ق. / ۱۱۷۶ م. - ۶۳۵ ه.ق. / ۳ - ۱۲۳۲ م.). وی از اعقاب عبدالرحمن بن عوص صحابی معروف است. جد عوفی امام ابوطاهر یحیی بن طاهر ابن عثمان از علمای حدیث و معرف انساب عرب بود و خال او شرف‌الزمان مجدالدین محمد بن ضیاء‌الدین عدنان سرخکتی دانشمند و مؤلف تاریخ ملوک ترکستان (خاقانیان) است. عوفی در نیمه دوم قر. ۶ در بخارا به دنیا آمد و تحصیلات خویش را در همان شهر به انجام رسانید. پس از آن مدتها در بلاد ماوراءالنهر و سیستان و خراسان به سیر و سیاحت و دیدار فضلا پرداخت و تا سقوط خوارزمشاهیان در خراسان به سر می‌برد و گاه به وعظ و تذکیر اشتغال می‌ورزید. مدتی هم صاحب دیوان قلج ارسلان خاقان نصره‌الدین عثمان بن ابراهیم بود. مقارن حمله مغول عوفی به سند گریخت و به خدمت ملک ناصرالدین قباچه از ممالیک غوری درآمد، و کتاب لباب‌الالباب (ه.م.) را به نام عین‌الملک وزیر این پادشاه تألیف کرد و سپس تألیف جوامع‌الحکایات (ه.م.) را به نام ناصرالدین قباچه آغاز نمود. ناصرالدین در سال ۶۲۵ ه.ق. از شمس‌الدین التتمش شکست خورد و خود را به رود سند انداخت و غرق شد. جمیع خدم و حشم وی به التتمش پیوستند، از آن جمله عوفی بود که به خدمت وزیر التتمش ابوسعید

جنیدی مخصوص گردید و جوامع الحکایات را که نخست می‌خوست به نام ناصرالدین قباچه تألیف کند- به نام این وزیر به رشته تحریر درآورد. عوفی «فرج بعد از شدت» (م.ه). تألیف تنوخی را هم از عربی به فارسی ترجمه کرده است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۰- ۱۰۲۶ / ۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۰- ۷۷ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۹۸- ۹۷)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۸۵ / ۲)، الذریعه (۱۰۰۱، ۷۷۵، ۹ / ۵۰، ۵ / ۴۵، ۴ / ۲۱۹)، ریحانه (۲۱۹ / ۴)، سبک‌شناسی (۳۸- ۳۶ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۶۶۰)، لباب الالباب (ترجمه مصنف / یب- که)، لغت‌نامه (ذیل / عوفی)، مجله‌ی دانشکده‌ی مشهد (س ۳، ص ۹۳- ۸۹)، مجمع الفصحا (۱۱۶۸ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۷- ۷۷۶ / ۵).

عیاشی سمرقندی، ابوالنضر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۲۰ ق)، مفسر، محدث، ادیب و فقیه امامی. وی اهل سمرقند از فقهای بزرگ فرقه‌ی اثنی عشری در زمان کلینی می‌باشد که در ابتدا مذهب عامه داشت و احادیث آنها را استماع می‌کرد ولی بعد به مذهب شیعه گروید. او از شاگردان شیخ کلینی بود. او از علی بن حسن بن علی بن فضال و عبدالله بن محمد خالد طرابلسی و جماعتی از شیوخ کوفه و بغداد حدیث شنید. شیخ کشی صاحب «رجال» از شاگردان عیاشی است. از دیگر شاگردان عیاشی پسرش جعفر بن محمد است که خود از مشایخ ابومفضل شیبانی است. شاگرد دیگر او حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی است که راوی جمیع مصنفات عیاشی است. گفته‌اند که وی محدثی مورد اعتماد و یگانه‌ی زمان خویش بود و از نظر علمی و ادبی و اندیشه و ذکاوت در مشرق نظیر نداشت. او مجلسی برای خواص و مجلسی برای عامه مردم برپا می‌کرد. خانه‌اش همانند مسجد، مملو از افرادی چون قاری و کاتب و نیز محدثین و علما بود که در آن عده‌ای به تألیف و مقابله و گروهی به استسناخ و گروهی نیز به تعلیقه و حاشیه‌نویسی مشغول بودند. در طب و نجوم و رویا تبحر داشت و در زمینه‌ی ابواب فقهی و متجاوز از دویست کتاب تألیف کرد که در نواحی خراسان به اشتهار کامل رسید. در فهرست ابن‌الندیم صد و پنجاه و هفت جلد از آثار او ذکر شده است. از آثار وی: «تفسیر علی بن ابراهیم» است؛ «التوحید الصفه»؛ «الصلاه»؛ «الزکوه»؛ «الصوم»؛ «المناسک»؛ «العالم و المتعلم»؛ «الطب»؛ «التجاره و الکسب»؛ «الضقاء و آداب الحکم»؛ «الملاهی»؛ «الجزیه و الخراج»؛ «الطاعه»؛ «حقوق الاخوان»؛ «محاسن الاخلاق»؛ «دلایل الاثمه»؛ «الملاحم»؛ «القول بین القولین»؛ «فضائل القرآن»؛ «الانبياء الاثمه»؛ «النجوم»؛ «الرؤیا»؛ «معارضی الشعر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷ / ۳۱۶)، اعیان الشیعه (۵۶ / ۱۰)، الذریعه (۷۷ / ۲۴، ۱۹۵، ۲۱ / ۱۲۵، ۲۰ / ۲۰۹، ۱۴۰، ۱۷ / ۲۰۷، ۱۳۹، ۱۳۳، ۶۰ / ۱۵، ۴۴ / ۱۲، ۳۰۷، ۱۱ / ۲۳۹، ۸ / ۴۲، ۷ / ۱۰۵، ۵ / ۲۹۵، ۴ / ۳۴۸، ۳ / ۳۵۶، ۲ / ۴۹۷)، رجال الطوسی (۴۹۷)، رجال النجاشی (۲۵۰- ۲۴۷ / ۲)، روضات الجنات (۱۲۳- ۱۲۱ / ۶)، ریحانه (۲۲۱- ۲۲۰ / ۴)، سفینه البحار (۳۰۱ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۶- ۳۰۵ / ۴)، فوائد الرضویه (۶۴۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۶۳- ۳۶۱)، الفهرست للطوسی (۳۷۱، ۳۲۰- ۳۱۷، ۳۰۹، ۱۲۰)، الکنی و الالقاب (۴۹۱- ۴۹۰ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالنضر)، معجم المؤلفین (۲۰ / ۱۲)، هدیه الاحباب (۲۰۵- ۲۰۴)، هدیه العارفین (۳۳- ۳۲ / ۲).

عیسی زاده، ولی الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ولی الله عیسی زاده

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ ه. ش وارد دبستان دولتی روستای رزکه از توابع بخش مرکزی شهرستان آمل شدم، و تا پایان دوره ابتدایی که مدرسان و معلمان سپاه دانش مربی ما بودند در همان مدرسه اشتغال به تحصیل داشته و از امتیازات بالایی برخوردار بودم. دوره راهنمایی را همزمان با مبارزات انقلابی مردم آمل در این شهر آغاز کردم و سال سوم راهنمایی را در مدرسه معتمدی (شهید سقاعلیزاده) با موفقیت به پایان رساندم.

دوره متوسطه را در دبیرستان امام خمینی (ره) آمل شروع کردم که با درگیری منافقان در این شهر همزمان بود، سپس در سال ۱۳۶۴ با اخذ مدرک دیپلم در رشته اقتصاد راهی جبهه شدم و در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه مسجد هاشمی آمل شدم. آن گاه در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم و همزمان با تحصیل در حوزه وارد موسسه امام خمینی (ره) شده و دوره عمومی آن را در سال ۱۳۷۸ به پایان رسانده و مدت ۲ سال برای خدمت به طلاب و آشنایانی با اهل سنت به حوزه علمیه منتظریه گنبد کاووسی مهاجرت کردم و در این مدت ضمن مدیریت و تدریس در فعالیت‌های فرهنگی و علمی منطقه فعال بودم و در دانشگاه آزاد شهرستان آزاد شهر تدریس می‌کردم. سپس در سال ۱۳۸۱ به قم مهاجرت کردم و در موسسه اسراء که تحت اشراف حضرت آیت الله جوادی آملی است به تحقیق مشغول شدم و در ضمن فعالیت‌های علمی در موسسه به تالیف کتاب و مقاله و تدوین پایان‌نامه مشغول شدم که همچنان به فضل الهی ادامه دارد. در ضمن در تمامی این مدت (از زمانی که ملبس به لباس مقدس روحانیت شدم ۱۳۷۰) تا به حال در سه مقطع تبلیغی رمضان، محرم و صفر به این امر مهم مشغول هستم. از سال ۱۳۷۵ نیز در خدمت‌گذاری خدمت زائران محترم حرمین شریفین و عتبات عالیات فعال هستم.

غروی علیاری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲ رمضان ۱۳۱۹ ق.

درگذشت: ۱ اردیبهشت ۱۳۶۷، تبریز.

آیت‌الله العظمی علی غروی علیاری تبریزی، فرزند آیت‌الله میرزا محسن از شاگردان آخوند خراسانی و صاحب رساله‌های متعدد اصولی و فقهی بود. ایشان پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و فراگیری خواندن و نوشتن، به تحصیل علوم دینی روی آورد و نزد جدش آیت‌الله شیخ محمدحسن به فراگیری مقدمات و ادبیات و سطوح فقه و اصول و عقاید و کلام پرداخت. پس از تکمیل سطوح عالی، در بیست و دو سالگی عازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف شد و در مدرسه بخارایی سکونت ورزید و سالیان بسیار در محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء‌الدین عراقی، میرزای نائینی، شیخ اسدالله زنجانی، آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، سید محمد حجت، سید ابوتراب خوانساری، حاج میرزا علی ایروانی، شیخ ابوالحسن مشکینی، میرزا احمد آشتیانی و جمال السالکین آقا سید علی قاضی به تحصیل فنون، اخلاق، فقه، اصول، کلام، رجال، عرفان، حکمت و فلسفه تا سال ۱۳۵۰ ق. پرداخت. وی در جوانی به دریافت اجازات متعدد روایی و اجتهادی از اساتید معظمش نایل آمد. ایشان در سال ۱۳۵۰ ق. به درخواست جدش آیت‌الله شیخ محمد حسن علیاری به تبریز بازگشت و به تحقیق، تدریس، تألیف، اقامه‌ی جماعت و پرورش شاگردان اشتغال ورزید. از آیت‌الله العظمی غروی علیاری تبریزی نوشتارهای فراوانی به جای مانده است که عبارتند از: چهارده جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی آقا ضیاء‌الدین عراقی در منجزات مریض (چاپ شده)، رهن، وصیت، وقف، رضاع، نکاح، صلح، خیارات، اجاره، قضاء، شروط، مسقطات خیاری، غضب، زکات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی میرزای نائینی در صلوات، بیع، خیارات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در طهارت و صلوات؛ دو جلد تقریرات درس آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای در صلوات و بیع؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله میرزا علی ایروانی؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله شیخ اسدالله زنجانی در خلل صلاة و منجزات مریض؛ توضیح المسائل؛ شرح عروة الوثقی (از طهارت تا وصیت) در پنج جلد؛ شرح استدلالی ملحقات عروة الوثقی؛ ده جلد رساله‌های فقهی در صلح، عدم شرطیت رجوع در مسافر؛ محاذاة الرجل و المرأة فی الصلاة، جواز نقل المیت بعد الدفن، ربا، نماز جمعه، منجسیة المتنجس، لباس مشکوک، حرمان زوجه از عقار، الفروع السنیة، فروع تقلید؛ شرح وسیلة النجاة (سه جلد)؛ کتاب الطهارة؛ کتاب الصوم؛ کتاب الحج؛ مناسک حج (دو جلد)؛ شرح تبصرد المتعلمین؛ شرح مبسوط مکاسب؛ علل الشرایع و الاحکام؛ شرح فوائد الاصول؛ شرح کفایة الاصول؛ رساله در ترتب رساله در وضع؛ رساله در ملازمه حکم عقل و شرع؛ قاعده من ملک (و قواعد دیگر)؛ هفت جلد کتاب تقریرات درس اصول آیات عظام: میرزای نائینی (مباحث الفاظ)، آقا ضیاء‌الدین عراقی (دوره کامل و قاعده لاضرر)، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای (مباحث عقیده و تعادل و تراجم)؛ شیخ اسدالله زنجانی میرزا علی ایروانی (اجتماع امر و نهی)؛ اصول عقاید؛ رساله فی الرجعة؛ تفسیر قرآن (دوازده جلد)؛ مفردات قرآن؛ شرح دعای صباح؛ شرح دعای کمیل؛ شرح دعای سمات؛ شرح دعای افتتاح؛ شرح دعای ابوحمزه ثمالی؛ شرح دعای زیارت جامعه کبیره؛ حل مشکلات الاخبار؛ شرح اربعین حدیث؛ شرح احادیث پیامبر اکرم (ص)؛ شرح احادیث امیرالمومنین در نهج البلاغه؛ منهاج الرشاد؛ المواعظ؛ النهج فی احوال الحجة (ع)؛ الکواکب الحسینیة؛ تقریرات درس آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری؛ حاشیه بر رجال وحید بهبهانی.

آیت‌الله العظمی غروی علیاری تبریزی در تاریخ دوشنبه اول اردیبهشت ۱۳۶۷ (۱۳ ذیحجه ۱۴۱۷ ق.) در نود و هشت سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع در تبریز، به قم انتقال داده شد و پس از تشییع مجدد و نماز حضرت آیت‌الله بهجت بر آن، در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) (بقعه آیت‌الله داماد) به خاک سپرده شد.

علی بن العلامه الحججه المیرزا محسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبیر آیه الله العظمی الحاج ملا علی علیاری صاحب کتاب مستطاب (بهجه المقال فی تنقیح الرجال) الغروی العلی یاری از

علماء اعلام و مؤلفین کرام معاصر شهرستان تبریز است. وی در صبح جمعه ۱۲ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۱۹ قمری هجری در تبریز متولد شده و پس از فراغت از مبادی علوم در خدمت جد امجدش مرحوم آیه الله میرزا محمد حسن سطوح را خوانده و بعد از تکمیل آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام چون زعیم الشیعه آیه الله العظمی اصفهانی و مرحوم آیه الله نائینی و آیه الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا سید ابوتراب خونساری و آیه الله میرزا ابوالحسن مشکینی و آیه الله حاج میرزا علی آقا ایروانی و آیه الله اصطهباناتی استفاده کامل نموده و دروس عقلی را از محضر آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی فراگرفته و از آنان به دریافت اجازات اجتهادی و روایتی نائل شده آنگاه به تبریز مراجعت و تا حال حاضر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.

دارای تألیفات ارزنده عدیده‌ای می‌باشند که بشرح آنها می‌پردازم:

۱- دوره اصول و نصف تقریر بحث آیه الله محقق عراقی

۲- دوره اصول آیه الله میرزا حسین نائینی

۳- اغلب ابواب فقه از تقریرات آیه الله عراقی

۴- تقریرات ابحاث آیه الله العظمی اصفهانی

۵- تقریرات ابحاث آیه الله العظمی حجت کوه کمری

۶- تقریرات ابحاث آیه الله ایروانی (قده)

۷- تقریرات ابحاث آیه الله مشکینی (قده)

۸- شرح دعاء سمات ۹- شرح دعاء صباح ۱۰- شرح اربعین حدیث ۱۱- اصول دین مبسوط فارسی ۱۲- رسائل متفرقه در اصول و فقه ۱۳- رساله در ملازمت ۱۴- رساله در جریان استصحاب در اعدام ازلیه ۱۵- رساله در غیبه ۱۶- رساله در خلل، تقریر بحث آیه الله محقق زنجانی ۱۷- رساله در بعض فروع عروه الوثقی ۱۸- رساله در مواکب الحسینیه ۱۹- رساله در رضاع ۲۰- رساله در منجزات مریض ۲۱- رساله در قاعده من ملک و در قواعد دیگر ۲۲- رساله در قاعده لا ضرر ۲۳- رساله در نجاسه متنجس ۲۴- رساله‌ای در لباس مشکوک و چندین رسائل دیگر.

از باقیات الصالحات دیگر معظم له فرزند ارجمند ایشان جناب حجه الاسلام آقا شیخ محمد جواد غروی علی یاری است که اکنون از علماء و دانشمندان مقیم تهران است. وی در نجف متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح و استفاده از محاضر آیات عظام خوئی و حکیم و دیگران به مشهد رضوی مسافرت و چندین سال اقامت و از محضر آیه الله العظمی میلانی مدظله استفاده نموده آنگاه به قم منتقل و چند سالی از ابحاث و محاضر آیات عظام نجفی مرعشی و شریعتمداری و گلپایگانی استفاده نموده و دو سالی بنا بر دعوت عده‌ای از مؤمنین به تهران عزیمت و رحل اقامت افکنده و در مسجد امام زاده زید بازار و مسجد دیگر به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارند. آن جناب ترجمه مفصلی از اسره و خاندان علیاری مرقوم داشته‌اند ولی چون در کتب رجالی دیگر مانند علماء معاصر و غیره مذکور بود از ذکر آن خودداری نمودم.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

غروی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد غروی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سید محمد غروی در سال ۱۳۲۹ در تهران در خانواده‌ای از سلسله جلیله سادات و اهل علم به دنیا آمد، اجداد او همه از اهل علم و فضل بوده‌اند، و پدر او آیت الله سید محمد رضا غروی از علمای تهران و وکیل مورد اعتماد حضرت امام (ره) و دیگر مراجع بزرگ تقلید بود و هم اکنون در تهران امام جماعت می‌باشد و به تدریس و رتق و فتق امور مردم می‌پردازند. غروی تحصیلات حوزوی خود را در تهران در مدرسه حاج ملا محمد جعفر که به مدرسه آقای مجتهدی معروف است در سال ۱۳۴۱ آغاز کرد او پس از طی دروس مقدمات، دروس سطح را آغاز کرد و تا اواخر رسائل و مکاسب را در تهران خواند و سپس در سال ۱۳۴۸ به قم عزیمت نمود در قم نیز دروس سطح عالی را پشت سر گذاشت، و به درس خارج استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت، او سالها در درس خارج استادان بزرگ بطور فعال شرکت می‌جست و هم اکنون خود از اساتید و محققان برجسته حوزه علمیه قم به حساب می‌آید. غروی در دوران تحصیل خود به محضر عالمان و فرهیختگان بسیاری راه یافت، او در تهران دروس مقدماتی از قبیل صرف و نحو و منطق و معانی بیان و بدیع را از اساتیدی چون حضرات حجج اسلام و المسلمین و آیات: حاج شیخ محمدرضا ناصری (امام جمعه فعلی شهرکرد)، حاج شیخ محسن حبیبی، و حاج آقا موسوی تهرانی و حاج آقای طبرستانی، و اخوان حاج سید حسن مصطفوی و حاج سید حسین مصطفوی آموخت، و معالم و شرح لمعه را خدمت حضرات آیات: حاج میرزا علی سعیدیان و حاج شیخ ابوالقاسم تنکابنی و حاج سید هاشم حسینی تهرانی، و دروس رسائل و مکاسب را عمدتاً خدمت حضرات آیات: حاج شیخ حسین کنی و حاج آقا مرتضی تهرانی، و حاج آقا تقی قمی، فرا گرفت، با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۴۸ باقیمانده رسائل را نزد مرحوم آیت الله حرم پناهی (ره)، و خيارات مکاسب را نزد آیت الله العظمی فاضل لنکرانی آموخت، و پس از آن در درس کفایه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت الله سلطانی و آیت الله سبحانی شرکت کرد.

با اتمام دوره سطح به درس خارج فقه و اصول آیات عظام حاج سید محمدرضا گلپایگانی (ره)، حاج شیخ مرتضی تهرانی، حاج شیخ کاظم تبریزی، حاج شیخ محمد شاه آبادی و حاج سید محمد روحانی، و حاج شیخ حسین وحید خراسانی، و حاج شیخ جواد تبریزی رفت و سالها (حدود سی سال) از محضر آنان بهره‌مند گردید. او در بخش علوم عقلی، شرح منظومه را نزد حضرات آیات: انصاری شیرازی و محمدی گیلانی، شرح اشارات را نزد آیت الله حسن زاده آملی و نه‌ایه الحکمه و فلسفتنا و نقد فلسفه غرب را نزد آیت الله مصباح و شرح تجرید را نزد آیت الله حاج سید حسین قاضی طباطبایی و اسفار را نزد حضرات آیات: جوادی آملی و شاه آبادی آموخت. ضمناً دو دوره عرفان (تمهید و شرح الفصوص) و تفسیر را از آیت الله جوادی آملی آموخت، و چند سالی نیز از تفسیر موضوعی و درس اخلاق آیت الله مصباح استفاده نمود. ایشان در خلال چند سالی که در تهران بود (۱۳۴۸ - ۱۳۴۱) ضمن استفاده از اساتید مختلف مقدمات و سطوح، به تدریس صرف و نحو و منطق در سطوح مختلف مشغول بود و پس از هجرت به قم در کنار استفاده از دروس اساتید برجسته همواره به تدریس سطح و سطح عالی اصول، فقه، فلسفه و تفسیر اشتغال داشته است و هم اکنون نیز دارای تدریس خارج فقه می‌باشد، ضمن آنکه چندین سال در مؤسسه امام خمینی (ره) و مرکز تخصصی کلام و تفسیر تدریس می‌نمود، و هم اکنون در مؤسسه امام خمینی (ره) دارای تدریس است.

ایشان در سال ۵۴ ضمن ادامه درس و تدریس در حوزه در اولین دوره آموزشی مؤسسه در راه حق شرکت جست و برخی از دروس

تفسیر و فلسفه و دیگر دروسی که در حوزه ارائه نمی‌شد، در آنجا گذرانند، و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در سالهای ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ مدتهای زیادی را در شمال و خرمشهر و آبادان و بوشهر به تبلیغ و تدریس معارف در مراکز علمی و نظامی سپری کرد و در خرمشهر و آبادان و بوشهر به عنوان نمایندگی ولی فقیه فعالیت می‌نمود و پس از آن نیز دو بار دیگر به مناطق جنگی غرب کشور و جنوب کشور برای تبلیغ عزیمت نمود و از آن زمان تا کنون در قم بطور متمرکز مشغول تحقیق و تدریس می‌باشد. در سال ۱۳۶۱ که به امر حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر لزوم بازنگری در علوم انسانی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تأسیس شد (که امروزه با ارتقائی که یافته تبدیل به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گردیده است) و در کنار همه کارهای علمی حوزوی با گروه روانشناسی آن مرکز همکاری داشته و دارد که حاصل آن جزواتی است که در آن زمینه تهیه شده و همچنین تدوین دو جلد کتاب مکتبهای روانشناسی و نقد آن که تمامی نقدهای آن که بیشترین قسمت کتاب را تشکیل می‌دهد از ایشان است و ارائه مشاوره و نظارت جدی علمی بر حدود ده (۱۰) اثر ارزشمند در زمینه روانشناسی، جامعه‌شناسی، تفسیر و... از قبیل دو جلد روانشناسی سلامت انسان از دیدگاه اسلام، روانشناسی اجتماعی، روانشناسی رشد (دو جلد) مکاتب تفسیری و کتاب نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، روانشناسی تبلیغ تبلیغ، روانشناسی باورهای دینی، خانواده از دیدگاه اسلام با رویکردی روانشناختی و... همچنین نامبرده در مجموعه محققان مؤسسه اسراء در گروه تفسیر جایگاه خاصی دارد و عضو عالی آن مجموعه تلقی می‌شود و تا کنون بازنگری محتوایی حدود بیست (۲۰) جلد اثر تفسیری حضرت آیت الله جوادی (اعم از تفسیر تربیتی تسنیم و دو جلد توحید در قرآن و یک جلد وحی و نبوت و یک جلد تفسیر انسان به انسان) را عهده دار بوده است و نظرات ایشان مورد توجه حضرات استاد قرار گرفته و هم اکنون نیز ادامه دارد. لازم به ذکر است ایشان پس از بازگشایی دانشگاهها از سال ۶۰ تا ۷۹ یک روز در هفته وقت خود را به تدریس در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و... اختصاص داد و در آن مراکز علمی دروس تخصصی اسلامی از قبیل فقه، اصول، فلسفه، کلام و دیگر معارف اسلامی و انسانی را ارائه می‌نمود. در خلال سالهای اخیر اضافه به تدریس و تحقیق و تألیف و نظارت و مشاوره دادن به کارهای علمی، استاد راهنما یا مشاور و یا داور دهها رساله کارشناسی ارشد و سطح ۳ و ۴ بود، ضمن آنکه مقالاتی در مجله نور علم، حوزه و دانشگاه و معرفت و یا مصاحبه‌های علمی در مجلات حوزوی ارائه نموده است، و اکنون نیز در خلال کارهای علمی و تدریس مدیریت گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه امام خمینی (ره) را عهده دارد. از مسؤولیت‌های ایشان عضویت در دو دوره شورای عالی سیاست‌گذاری حوزه علمیه و عضویت در جامعه مدرسین، عضویت در شورای مدارک علمی حوزه علمیه، و عضو هیأت علمی در گروه تفسیر پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ می‌باشد.

غزنوی، ناصرالدین تاج الشریعه، ابوعلی عالی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۸۲ / ۵۸۱ ق)، فقیه و مفسر حنفی. وی در حلب ساکن بود. از آثارش: «تفسیر التفسیر»، در دو جلد؛ «مشارع الشارح» یا «مشارع الشرائع»، در فروع فقه حنفی، این کتاب به عمر نسفی نیز منسوب است که در صورت صحت، شرحش به غزنوی مربوط است؛ «المنابع» در شرح «الشمارع»؛ شرح «مقدمه فی النحو» ابن بابشاد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵ / ۴)، کشف الظنون (۱۸۰۴، ۱۶۸۷، ۴۶۶)، معجم المؤلفین (۵۳-۵۲ / ۵)، هدیه العارفین (۴۳۵ / ۱).

غفاری ساروی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین غفاری ساروی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین ساروی فرزند حسین در سال ۱۳۳۳ در ساری متولد شدم. در سال ۱۳۴۸ به دلیل علاقه فراوانی که دروس حوزوی داشتم وارد حوزه علمیه شدم و در آنجا به تحصیل و تحقیق پرداختم ولی کار تحقیقات را به طور جد از سال ۱۳۶۶ آغاز و تاکنون ادامه دارد. هم اکنون نیز در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مشغول می باشم و در رشته تفسیر قرآن همچنان مشغول فعالیت هستم.

غفوری، حبیب الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حبیب الله غفوری بارجینی

محل تولد: میبد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حبیب الله غفوری بارجینی فرزند محمد علی به شماره شناسنامه ۴۸۷ و متولد سال ۱۳۴۱ دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستای بارجین و فیروز آباد میبد به انجام رساندم و از مهرماه ۱۳۵۶ ش در مدرسه قدیری قم که شعبه شماره ۲ مدرسه کرمانیها محسوب می شد شروع به تحصیل علوم دینی نمودم در حالیکه نوجوانی بیش نبودم دروس حوزه را به همراه جریانات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس گذراندم که شرح آن مفصل است تا سال ۷۱ به درس و بحث در حوزه علمیه قم مشغول بودم که در ضمن آن آموزش نظامی، زبانهای عربی و انگلیسی و دوره دبیرستان را نیز به انجام رساندم. از سال ۷۱ تاکنون توفیق داشته ام مراکز متعدد و مهم علمی را تاسیس و اداره نموده ام که بحمدالله ثمره آن دهها طلبه فاضل و توانمند است.

در این مدت کتب حوزوی را تا سائل و مکاسب تدریس نموده ام و دروس اعتقادات و اخلاق دانشگاه را نیز بارها تدریس کرده ام و زبان انگلیسی دبیرستان را نیز در این دوره تدریس نموده ام. با توجه به اصرار رهبر معظم انقلاب مبنی بر ضرورت تحول در نظام آموزشی حوزه های علمیه کشور نظام آموزشی خاص حوزه ها بر اساس دیدگاهها و نظرات مقام معظم رهبری را با همکاری جمعی از دوستان فاضل و دلسوز طراحی و در مدرسه علمیه علوی قم اجرا نمودیم که بحمدالله ثمره آن تربیت دهها نفر طلبه فاضل و پژوهشگر شده است که امید آینده حوزه علمیه قم می باشند. علیرغم عنایت الهی در داشتن قلمی روان که اساتید معظم همواره مشوق اینجانب بوده اند به علت اشتغال زیاد در امور مدیریتی و اجرایی متأسفانه تاکنون نتوانسته ام از آن بهره مطلوبی ببرم و حاصل کارهای پژوهشی متفرقه اینجانب تعدادی مقاله، جزوه و ۲ کتاب در دست تالیف است که به صورت نیمه کاره مانده است.

غلام جمشیدی، محمدصادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صادق غلام جمشیدی

محل تولد: دماوند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صادق غلام جمشیدی در سال ۱۳۴۰ در خانواده ای متدین، دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دیده به جهان گشودم. تحصیلات ابتدائی، راهنمایی و متوسطه را در زادگاهم شهرستان دماوند با موفقیت سپری کردم. پس از آن به خاطر عشق فراوان به ذی طلبگی، تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه تهران و مدرسه آیت الله مجتهدی شدم. در محضر اساتید تهران، مخصوصاً آیت الله مجتهدی بهره های علمی و اخلاقی فراوان بردم، شوق زیارت آستان ملکوتی بی بی دو عالم حضرت فاطمه معصومه سلام الله از یک سو و کسب تحصیلات بالاتر از سوی دیگر مرا به قم کشاند.

البته ذکر این نکته لازم است که سال ورودم به حوزه علمیه سال ۵۴ بود سالی که استبداد رژیم شاهنشاهی بیداد می کرد، حوزه های علمیه در فشار و اختناق شدید از سوی حکومت بودند اما تنها چیزی که مرا به این سمت کشاند شوق فراوان به دروس دینی بود. مدتی که در قم بودم از محضر بزرگان حوزه علمیه قم آیت الله وحید خراسانی، میزرای تبریزی و فاضل لنکرانی بهره های فراوان بردم. و هم اکنون در تهران مشغول به پژوهش و تدریس در دانشگاههای مختلف تهران هستم که حاصل این زحمات پرورش دانشجویان فراوانی می باشد.

فارسیجانی، پرویز

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پرویز فارسیجانی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای پرویز فارسیجانی در سال ۱۳۴۳ در خانواده ای دوستدار خاندان پاک عصمت و طهارت در تهران دیده به جهان گشود، شوق فراوان او به تحصیل علوم دینی سبب گردید تا در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه گردد. در روزهای نخستین ورود به حوزه با جدیت تمام به تحصیل پرداخت و از آسمان آستان حوزه علمیه ستاره ها چید. در درس اخلاق مرحوم آیت الله مجتهدی تهرانی حاضر گردید. شرح تجرید را نزد آیت الله مکارم شیرازی آموخت، از محضر آیت الله صالحی مازندرانی به تحصیل رسائل و مکاسب پرداخت.

در کنار درس، تدریس را نیز فراموش نکرد و در حوزه علمیه آیت الله مجتهدی تهرانی، دانشگاه آزاد تهران و دانشگاه علوم قرآنی تهران دروس مختلفی را تدریس کرد. وی هیچ وقت از امر پژوهش نیز غافل نبوده است و کتابهایی نیز به چاپ رسانده که برخی از آنها عبارتند از: میزان حکمت، نگین هستی

فاضل استرآبادی، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بن علی بن ابراهیم معروف به فاضل استرآبادی استاد علماء کربلا صاحب منهج المقال (رجال کبیر) و رجال صغیر که وحید بهبهانی تعلیقاتی بر آن نوشته و معروف است که در رجال کتابی بهتر از آن نوشته نشده و هم از تصنیفات اوست شرح آیات الاحکام و حاشیه تهذیب و رسائل مفیده دیگر وفات آن بزرگوار در سیزدهم ذی قعدة ۱۰۲۸ ق در مکه معظمه واقع و در قبرستان معلی نزدیک قبر حضرت خدیجه کبری مدفون گردید و در نخبه ماده تاریخش را چنین گفته.

والاسترآبادی فاضل سنی

له الرجال فوئه رضی

و این بزرگوار از افرادی است که به فیض تشرف و زیارت حضرت ولی عصر روحی له الفداء رسیده چنانکه مجلسی ره در سیزدهم بحار نقل نموده از جماعتی از آن بزرگوار که فرمود شبی در مسجدالحرام طواف می کردم بر دور خانه کعبه که جوان خوشروئی را دیدم که مشغول به طواف بوده چون به من رسید دسته گل سرخی به من عطا کرد و این در غیر فصل گل بود پس من از او گرفتم و بوئیدم و پرسیدم که ای سید من این گل از کجاست. فرمود از خرابات این بفرمود و پنهان شد و دیگر او را ندیدم سمعانی در

انساب گفته خرابات جزیره‌ای در مغرب است در دریای محیط که از آنست جزیره خضراء.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فاضل بخشایش، جواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جواد فاضل بخشایش

محل تولد: بستان آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جواد فاضل بخشایش در سال ۱۳۴۵ در شهر بخشایش از توابع شهرستان بستان آباد واقع در آذربایجان شرقی در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشودم تا مقطع سیکل در زادگاه خودم تحصیل کردم پس از اتمام سیکل در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مدرسه طالبیه تبریز شدم و مقدمات ادبیات عرب و مقداری از فقه و اصول را در آن جا فراگرفتم. سپس در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل فقه و اصول و فراگیری کلام و فلسفه و عرفان از اساتید بزرگوار هم چون مرحوم آیه الله پایانی قدس سره، حاج آقا اعتمادی، حاج آقا موسوی تهرانی و استاد اسحاق نیا حفظهم الله تعالی مشغول بوده و هستم. الان بیشتر فعالیتیم آموختن فلسفه و عرفان و تحقیق در نهج البلاغه و تفسیر می باشد. در هر هفته یک روز مدت ۸ سال است که مشغول تدریس تفسیر قرآن برای جوانان هستم. در طول این مدت با دفتر تبلیغات و موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث در تحقیق موضوعات و آثار مختلف اسلامی همکاری داشته و دارم.

فاضل هندی، بهاءالدین محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۳۷ / ۱۱۳۵ - ۱۰۶۲ ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و مفسر. معروف به بها و تاج الفقها و فاضل اصفهانی. گاهی به جهت تألیف کتاب «کشف اللثام» به او کاشف اللثام گفته‌اند. با این که اصفهانی است، اما چون در اوایل زندگانی با پدرش، ملا تاج‌الدین حسن، به هندوستان رفت و مدتی در آنجا اقامت کرد، بعد از مراجعت به اصفهان به فاضل هندی مشهور شد. در دوازده سالگی از فراگیری علوم عقلی فارغ شد. او از شاگردان ملا محمدباقر مجلسی است. وی به واسطه‌ی پدرش، ملا تاجا، از ملا حسنعلی بن ملا

عبدالله از مشایخ علامه‌ی مجلسی است، روایت حدیث کرد. شیخ احمد حلی و محمدعلی کشمیری از شاگردان او هستند که از وی دارای اجازه بودند. به هنگام فتنه‌ی افغان در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد دفن شد. بعدها حاج ملا محمد نائینی در کنارش به خاک سپرده شد و قبور این دو تن به فاضلان مشهور گشت. از آثار وی: «تفسیر قرآن»؛ «تلخیص الشفا»، در حکمت که ملخص «شفا»ی ابن سینا است؛ «کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام»، در فقه، که شرح «قواعد» علامه حلی و از مهمترین تألیفات فاضل هندی است که صاحب «جواهر» و صاحب «ریاض» به آن اعتماد بسیار داشتند و از مدارک کتب ایشان است؛ «المناهج السویه النبویه»، در شرح «روضه البهیة»؛ «مناسک الحج»؛ «کلید بهشت»، به فارسی، در اصول دین؛ «النجاه»؛ «احاله النظر»، در قضاء و قدر؛ «التمحیص» یا «ملخص التلخیص»، خلاصه‌ای از «تلخیص المفتاح» خطیب قزوینی دمشقی، در علم بلاغت؛ «چهار آئینه»، به فارسی، در اثبات امور چهارگانه که آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی تألیف کرده است؛ «جوابات المسائل الفقهیه»، که بیشتر آن در عبادات است؛ حاشیه بر «شرح المواقف» سید شریف جرجانی؛ حاشیه بر شرح «الهدایه الاثیریة» میبیدی؛ شرح؛ «العقائد النفسیه»؛ «رساله فی الاحتیاطات اللایزمه العمل»، که شاگردش شیخ عبدالرحمان بغدادی آن را از املائات او نوشته است؛ «اللالی العبقریه فی شرح العینیه الحمیریة»؛ «الخور البریعه فی اصول الشریعه» و شرح آن؛ «الزبده»، در اصول دین.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۳۸ / ۹)، ایضاح المکنون (۵۹۶، ۵۶۴، ۳۶۶ / ۲ / ۵۸۳، ۴۴۰، ۳۰۹ / ۱)، تذکره القبور (۴۵۷-۴۵۶)، الذریعه (۵۷ / ۲۴، ۳۶۱، ۳۴۵، ۲۷۲، ۲۰۴ / ۲۲، ۲۶۰، ۲۵۹-۱۳۲، ۵۷-۵۶ / ۱۸، ۲۳۳، ۱۷ / ۳۶۱، ۱۵ / ۳۷۰، ۱۳ / ۱۶۸، ۳۵-۳۴ / ۱۱، ۲۵۷، ۱۰ / ۲۷۷-۲۷۶، ۷ / ۱۳۷، ۱۳۹، ۶ / ۳۱۱، ۲۲۹، ۵ / ۴۳۱، ۴۲۳، ۲۹۶، ۲۶۵، ۴ / ۲۸۰، ۱ / ۱۱۲-۱۰۶ / ۷)، ریحانه (۲۸۵-۲۸۴ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۷۷-۵۷۵ / ۱۲)، فوائد الرضویه (۴۸۲-۴۷۷)، الکنی و الالقاب (۱۱ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / فاضل هندی)، معجم المؤلفین (۲۱۲ / ۹)، هدیه العارفین (۳۱۸ / ۲).

فاطمی ابهری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد فاطمی ابهری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ با معدل بالایی اخذ دیپلم کردم و در چندین مرکز آموزشی پذیرفته شدم. در نهایت در رشته دکترای دامپزشکی دانشگاه تهران مشغول شدم ولی بعد از حدود دو سال جذابیت علوم حوزوی مرا بر آن داشت که دانشگاه را به طلب حوزه ترک کرده و دروس حوزه را با جدیت دنبال کردم. دروس سطح و ادبیات عرب را در مدرسه امام خمینی (ره) با موفقیت در عرض سه

سال به پایان رساندم و سپس دروس خارج فقه و اصول را مشغول شدم، از اساتید بسیار والا مقامی چون استادی، محفوظی، محقق داماد، وجدانی فخر و اعتمادی در سطح استفاده بسیار بردم و در درس خارج از آیت الله وحید و آیت الله تبریزی بهره‌های وافری بردم. تدریس در دانشگاه را در سال ۱۳۷۵ در دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد تهران مرکزی آغاز کردم و در سال ۱۳۷۶ نیز دروس حوزوی را تدریس کردم و تا کنون مشغول به تدریس تفسیر قرآن کریم بر مبنای المیزان و مکاسب و اصول شیخ انصاری می‌باشم. بیش از ۱۱ سال در زمینه قرآن پژوهش خوبی داشتم و چهار سال در دوره تخصصی تفسیر قرآن کریم شرکت داشتم.

فتال نیشابوری، ابوعلی، ابو جعفر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، فقیه، حافظ، مفسر، محدث و واعظ. معروف به فتال و فارسی و ابن الفارسی. نام و نسب او را گاهی به جهت انتساب به پدرش، محمد بن حسن، و گاهی به مناسبت جدش، محمد بن علی، و گاهی به ملاحظه‌ی جد عالی‌اش، محمد بن احمد، ذکر کرده‌اند. او از مشایخ ابن شهر آشوب است. فتال از شیخ طوسی و به واسطه‌ی پدرش از سید مرتضی حدیث روایت کرده است. با زمخشری صاحب «کشاف» از علمای عامه و ابوالفتوح رازی و فضل بن حسن طبرسی از مفسران خاصه معاصر و هم طبقه بود. در فقه و حدیث استادی توانا بود. دانش و زهد و پارسایی را با هم داشت. سخنرانی با منطق رسا و کوبنده بود و واعظی که با سخن و عمل پند می‌داد. گویش زیبایی او باعث شد که به او فتال یا بلبل گویند. ابن داوود در کتاب «رجال» گوید که: فتال عقیده‌شناسی جلیل‌القدر و فقیهی دانشمند و زاهدی پارسا بود، که عاقبت به دست عبدالرزاق ملقب به شهاب الاسلام، رئیس نیشابور به جرم شیعه بودند شهید شد. از آثارش: «روضه الواعظین و بصیره المتعظین»؛ «التنوير فی معانی التفسیر». ابن شهر آشوب راوی هر دو می‌باشد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۰۵ / ۱۱، ۴۷۰-۴۶۹، ۲۹۷-۲۹۶ / ۴)، رجال ابن داود (قسم ۲۹۵ / ۱)، روضات الجحانات (۲۴۳-۲۳۴ / ۶)، ریحانه (۲۹۴-۲۹۱ / ۴)، شهیدان راه فضیلت (۷۹-۷۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۵ / ۶)، فوائد الرضویه (۴۶۹)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۶، ۱۹۱)، الکنی و الالقاب (۱۳-۱۲ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابوعلی، فتال)، معجم المؤلفین (۲۰۰ / ۹).

فتاحی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی فتاحی

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱۲/۲

زندگینامه علمی

سال (۱۳۶۵-۱۳۵۹) دوره ابتدایی را در زادگاه خود، روستای قلابرسفلی از توابع زنجان، روستایی با قدمت بیش از هزار سال گذراندم به علت محرومیت روستا، یک سال سال سوم ابتدایی معلم نداشتیم لذا در زمستان همان سال، به مکتب‌خانه رفتم و در مدت ۲ یا سه هفته روخوانی قرآن را یاد گرفته و موفق به ختم قرآن شدم و یک هفته هم به کلاس «تنبیه الغافلین» رفتم بعد استاد گفت شما دیگر لازم نیست به کلاس بیایید.

سال (۱۳۶۵-۶۸) روستای ما، مدرسه راهنمایی نداشت. من با ۴ نفر دیگر به روستای دیگر (نیکه کند ضیائی) در حدود ۲۰ کیلومتر روستای خود رفتیم و آن چهار نفر بعد از مدتی فرار کردند و تنها من ماندم و در این مرحله نفر اول یا دوم مدرسه شبانه روزی بودم. با اصرار و رایزنیهای جدی یکی از دوستان دوره راهنمایی که یکسال قبل از من به قم آمده بود، جناب برادر ارجمند جناب حجه الاسلام عبدالله بهرامی علیرغم میل باطنی، به حوزه علمیه قم آمدم، با آن که برای اولین بار بود که قم و فضای حوزه و مدارس علمیه را میدیدم، مدرسه شهیدین را که با شرایط خاصی، گزینش می کرد، برای تحصیل انتخاب کردم. مقدمات و سطح را در مدرسه شهیدین (ره) پایه ششم مدرسه معصومیه با حفظ خوابگاه و موقعیت در شهیدین در این مرحله نیز به لطف الهی نفر اول یا دوم در برخی از پایه‌ها از نظر معدل بودم.

همزمان دوره‌ی دبیرستان را به صورت متفرقه گذراندم. در سطح دو و سه حوزه را نیز به توفیق الهی جزو ممتازین شدم. (در لیست ممتازان شناسایی شده مرکز خدمات) توفیق شرکت در دوره‌ی عالی فقه و اصول تخصصی با اشراف و نظارت، مدرسه‌ی شهیدین (ره) که مباحث به طور تفصیلی نوشته می شد و در محضر استاد ارائه می گردید؛ اصول: استاد ارجمند حاج آقای علی عندلیب از اساتید یاد شده دروس فقه آیه الله شبیری زنجان نیز به مدت یک سال و نیم شرکت داشته‌ام و اخیراً نیز در درس اصول حاج آقای لاریجانی شرکت می کنم.

کارشناسی: رشته معارف اسلامی و علوم قرآنی؛ نفر ممتاز گردیده، توفیق تدریس همزمان با تحصیل در سطح کارشناسی تدریس دروس چون حلقات شهید صدر، درایه و علم الحدیث، علوم قرآن و... در جامعه الزهرا و مرکز جهانی علوم اسلامی و در سطح کارشناسی ارشد، تدریس متون عربی (کهن و معاصر)؛ اصول و روش ترجمه قرآن، فن ترجمه، زبان قرآن، علوم قرآن و... در جامعه الزهرا و دانشکده علوم قرآنی و...

کارشناسی ارشد: نفر اول گروه با معدل ۸۶/۱۸، موضوع پایان نامه: معیارشناسی ارتباط الفبایی آیات قرآن کریم، که با عنوان مبانی و معیارهای تفسیر قرآن به قرآن در موسسه امام خمینی با تکمیل و اصلاحات برای چاپ پذیرفته شده است. از جمله اساتید این دوره‌ها، آیه الله معرفت (ره)، حاج آقای محمود رجبی، حاج آقای یوسفی غروی، دکتر نجارزادگان دکتر رفیعی، دکتر جباری، حاج آقای حسن عرفان، دکتر شمالی و...

(ج) دکتری ۸۷-۸۶: همزمان با نگارش پایان نامه به توفیق الهی در آزمون دکترای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، رشته علوم قرآن و حدیث پذیرفته شدم. و در حال حاضر مشغول ترم دوم و از محضر اساتیدی چون دکتر معیدی روشن، حاج آقای رجبی، حاج آقای احمد واعظی، حاج آقای بابائی و حاج آقای مهدوی راد، استفاده می کنیم. خدا عاقبت ما را به خیر گرداند.

فتونی عاملی نباطی اصفهانی، ابوالحسن علی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۰۷۰- ح ۱۱۳۹ ق)، فقیه، اصولی، مفسر و شاعر. معروف به شریف، چون مادرش خواهر میرمحمد صالح خاتون آبادی بود. پدرانش همگی از علما بودند. وی در محله‌ی درب امام اصفهان به دنیا آمد. بدین دلیل به او امامی نیز می‌گفتند. در نجف ساکن بود. او شاگرد علامه مجلسی ثانی و از ایشان و از علمای دیگری از جمله احمد بن محمد بن یوسف بحرینی و قاسم بن محمد کاظمی و محمد حسین بن حسن میسی و صفی‌الدین بن فخرالدین طریحی و عبدالواحد بن محمد بن احمد بورانی و محمد صالح خاتون آبادی و محمود میبدی صاحب اجازه بود. فرزندش، ملا-ابوطالب فتونی، و محمد بن علی بن حیدر عاملی و احمد بن اسماعیل جزائری از شاگردان وی بودند و از او اجازه داشتند. عبدالله ابن کرم‌الله حویزروی و نصرالله شهید حائری نیز از جانب وی به دریافت اجازه نائل شدند. فتونی جد مادری شیخ باقر، پدر صاحب «جواهر»، است. از آثار وی: شرح «الکفایه» سبزواری؛ «شرح الصحیفه»؛ «شریعه الشیعه و دلائل الشریعه»؛ «الفوائد الغریبه و الدرر النجفیه»، در اصول دین و اصول فقه؛ «مرآه الانوار و مشکاه الاسرار فی تفسیر القرآن» یا «مشکاه الانوار فی تفسیر القرآن»؛ «الرساله الرضاعیه»؛ «الانساب»؛ رساله در «حقیقه مذهب الامامیه»؛ «نصایح الملوک و آداب السلوک»، در شرح «عهدنامه مالک اشتر»؛ «ضیاء العالمین»، در امامت؛ «تنزیه القمیین»؛ «معراج الکمال»؛ «الکشکول»؛ «دیوان» شعر، در مرثی.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۴۸، ۴۸۷ / ۲)، اعیان الشیعه (۳۴۳- ۳۴۲ / ۷)، تلامذه العلامه المجلسی (۱۳- ۱۲)، خاتمه مستدرک الوسائل (۵۶- ۵۴ / ۲)، الذریعه (۱۷۱ / ۲۴، ۲۳۳- ۲۳۲ / ۵۳، ۲۱ / ۲۶۵- ۲۶۴ / ۲۰، ۱۸ / ۷۰، ۱۶ / ۳۵۳- ۳۵۴، ۱۵ / ۱۲۴، ۱۸۷ / ۳۶- ۳۵ / ۱۴، ۱۳ / ۳۴۶، ۱۱ / ۱۸۸- ۱۸۹، ۴۹- ۵۰ / ۴۵۷، ۷ / ۳۷۱- ۳۷۲، ۲ / ۲۴۹، ۲۲۷- ۲۲۶، ۲۰۸، ۱۹۹، ۱ / ۱۸۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۵- ۱۷۴ / ۱۲)، معجم المؤلفین (۲۰۵- ۲۰۴ / ۷)، هدیه العارفین (۱ / ۷۶۶).

فخر رازی، فخرالدین ابو عبدالله، ابوالمعالی، ابو الفضل محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۶۰۶- ۵۴۴ ق)، مفسر، واعظ، مصنف، حکیم، اصولی و عالم اشعری شافعی. مشهور به امام رازی و فخر رازی و امام فخرالدین، معروف به امام المشککین و موصوف به شیخ الاسلام و ابن خطیب و ابن خطیب ری. اصل وی از طبرستان بود و در ری به دنیا آمد. وی شاگرد پدرش، ضیاءالدین عمر، در کلام بود و سلسله‌ی استادانش را، از طریق پدر، به اشعری می‌رساند. در مرنند در مدرسه‌ای که قاضی مرنند، پدر، پدر محیی‌الدین بنا کرده بود، فقه و حکمت آموخت. وی در علوم عقلی و نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول، تفسیر، حکمت، علوم ادبی و فنون ریاضی یگانه‌ی عصر خود بود دانشمندان بسیاری از شهرهای دور حاضر حوزه‌ی درس او می‌شدند، و حتی در موقع سواری نیز دهها تن از فقهای شاگردانش به جهت استفاده علمی در رکابش می‌رفتند. فخر رازی به دلیل ژرف بینی در اقوال حکمای یونان و تعمق در جرح و تعدیل آنها شک و شبهه در مطالب عقلی و دینی وارد می‌کرد و به گفته‌ی ابن حجر گاه شبهات سختی وارد می‌آورد که خود از حل آن در می‌ماند. وی به خوارزم رفت و به جهت مذاکرات دینی که با علمای آنجا نمود محکوم به اخراج از آن سرزمین شد، پس به ماورالنهر رفت و باز به همان دلیل تبعید شد. وی به ری موطن خود بازگشت و از آن جا به خراسان رفت و مورد عنایت سلطان محمدخوارزمشاه قرار گرفت. سرانجام در هرات ساکن شد و شیخ الاسلام آنجا گشت و به دو زبان عربی و فارسی وعظ گفت. او در هرات در گذشت و در دامنه‌ی کوه مزداخان نزدیک هرات دفن شد. از آثار وی: «تفسیر الکبیر» یا «مفاتیح الغیب»، تفسیر قرآن در هشت مجلد؛ «تفسیر الفاتحه»؛ «اسرار التنزیل و انوار التأویل»؛

«اساس التقدیس» یا «تأسیس التقدیس»، در علم کلام؛ «تهذیب الدلائل و عیون المسائل»؛ «لباب الاشارات»؛ «لوامع الینات فی شرح اسماء الله و الصفات»؛ «محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من العلماء و حکماء و المتکلمین»؛ «المحصول»؛ شرح «قانون» ابن سینا، در طب؛ شرح «نهج البلاغه»؛ «نهایه الایجاز فی درایه الاعجاز»، در علم بیان؛ «کتاب الهندسه»؛ دائره‌المعارف «جامع العلوم» یا «حدائق الانوار فی حقائق الاسرار» یا «ستینی»، به فارسی در پیرامون شصت علم که در ۵۷۴ ق به نام علاء‌الدین تکش خوارزمشاه تألیف کرده است؛ رساله در «اصول عقاید»، به فارسی، در هشت باب در توحید و نبوت و معاد و امامت و اصول فقه؛ «رساله‌ی روحیه»، به فارسی، در جواب تعزیت نامه‌ای که پادشاه وقت در مرگ پسر فخررازی نوشته بود؛ رساله «الاختیارات العلائیه» یا «الاحکام العلائیه فی الاعلام السماویه»، به فارسی، در اختیارات نجومی، که به نام سلطان علاء‌الدین محمد خوارزمشاه در دو مقاله نوشته است؛ «شعر»، به عربی و فارسی. [۱]

رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی طبرستانی رازی مشهور به امام فخر فقیه شافعی و دانشمند علوم معقول و منقول معروف به ابن الخطیب و فخر رازی (و. ری ۵۴۳ یا ۵۴۴- ف. هرات ۶۰۶ ه. ق). وی در عصر خوارزمشاهیان می‌زیست و جاه و منزلت و نفوذ کلام او در نزد سلطان محمد خوارزمشاه بسیار بود. و بین او و بهاء‌الدین پدر جلال‌الدین مولوی اختلاف ایجاد شد. وی در علم کلام و معقولات سرآمد عصر بود، و در فنون مختلف تألیفات مهم دارد. فخر رازی در غالب اصول مسلم فلسفی شک کرده و بر فلاسفه‌ی مقدم ایراداتی وارد آورده و حکیمانی نظیر نصیرالدین طوسی و قطب‌الدین رازی و میرداماد و صدرالدین شیرازی مدتها سرگرم جواب دادن به شبهات او بوده‌اند. به سبب همین قدرت در تشکیک است که وی را «امام المشککین» لقب داده‌اند. از آثار اوست: نهایه‌العقول، کتاب الاربعین، المطالب العالیه، محصل افکار المتقدمین و المتأخرین (ه. م)، البیان والبرهان فی الرد علی اهل الزيغ والطغیان، المباحث العمادیه فی المطالب المعادیه، تهذیب الدلائل و عیون المسائل، ارشاد النظار الی لطائف الاسرار، تحصیل الحق، الزبده، المعالم، مفاتیح الغیب (ه. م)، نهایه‌الاعجاز (ه. م)، المسائل الخمسون (ه. م)، شرح کلیات قانون ابن سینا، ستینی (ه. م)، الملخص (ه. م)، شرح الاشارات (در این کتاب ایراداتی بر ابن سینا وارد کرده که بعداً نصیرالدین طوسی آنها را جواب داده)، شرح عیون‌الحکمه، مباحث المشرقیه (ه. م).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۰۳ / ۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۱۷- ۱۰۱۶ / ۲)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۱۳- ۳۸۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۴۸- ۱۸۴۷ / ۲)، روضات الجنات (۴۴- ۳۶ / ۸)، ریحانه (۳۰۱- ۲۹۷ / ۴)، ری باستان (۳۷۷- ۳۷۴ / ۲)، سیر النبلاء (۵۰۱- ۵۰۰ / ۲۱)، شخصیت‌های نامی (۳۶۴- ۳۶۳)، شذرات الذهب (۲۲- ۲۱ / ۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۶۸- ۳۶۷)، الکامل (۳۰۲ / ۹)، کشف الظنون (۲۰۰۲، ۱۹۸۸، ۱۹۸۶، ۱۹۷۳، ۱۹۰۵، ۱۸۶۴، ۱۸۴۰، ۱۸۱۹، ۱۷۷۴، ۱۷۵۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۶، ۱۷۱۴، ۱۶۹۷، ۱۶۱۶، ۱۶۱۵، ۱۶۱۴، ۱۵۷۸- ۱۵۷۷، ۱۵۶۱، ۱۴۶۷، ۱۴۴۵، ۱۳۱۲، ۱۱۸۶، ۱۱۴۱، ۱۱۱۳، ۱۰۳۵، ۹۹۳، ۹۸۹، ۹۵۴، ۷۶۰، ۷۳۹، ۷۳۰، ۷۲۵، ۶۳۳، ۶۰۵، ۵۶۵، ۵۱۵، ۴۵۴، ۴۴۹، ۳۵۹، ۳۵۴، ۳۳۳، ۲۶۲، ۲۲۴، ۲۰۴، ۱۲۰، ۹۴، ۸۳، ۶۷، ۶۱)، الکنی و الالقاب (۱۶- ۱۳ / ۳)، لسان المیزان (۴۳۵- ۴۳۰ / ۵)، لغت‌نامه (ذیل / فخر رازی)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۶۰۶)، معجم المؤلفین (۸۰- ۷۹ / ۱۱)، منتخب التواریخ (۴۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۴- ۶۴۲ / ۵)، النجوم الزاهره (۱۷۶- ۱۷۵ / ۶)، الوافی بالوفیات (۲۵۲- ۲۴۸ / ۴)، وفیات الاعیان (۲۵۲- ۲۴۸ / ۴)، وقایع السنین و الاعوام (۳۳۵)، یادداشتهای قزوینی (۹۵ / ۶).

فراء، ابومحمد حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بخش ۱) بغوی (منسوب به بغ یا بغشور)، ابومحمد حسین بن مسعود، فقیه و عالم مذهب شافعیه و مفسر و محدث. (و. ۴۳۶ ه.ق / ۱۰۴۴ م. - ف. ۵۱۰ ه.ق / ۱۱۱۷ م.). وی در علوم تبحر داشت و فقه را از قاضی حسین بن محمد که یکی از شاگردان قفال مروزی بود آموخت. در تفصیل کلام الله تصنیفی کرده و پاره‌ای از مشکلات را از قول پیامبر اکرم توضیح داده است. وی از راویان حدیث می‌باشد و کتب بسیار به او منسوب است. وجه تسمیه‌ی فراء به مناسبت فروش فراء (بخش ۱) است. از آثار او دو کتاب مصابیح السنه در حدیث و معالم التنزیل در تفسیر معروف است. فراء در مرو درگذشت و در کنار استادش قاضی حسین به خاک سپرده شد. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فرجی سلطان آبادی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اینجانب علی اکبر فرجی سلطان آباد هشتروندی در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی درقریه گنجینه کتاب از توابع هشتروند آذربایجان شرقی دریک خانواده اهل علم به دنیا آمدم. تمام تحصیلات علوم دینی من تا لمعتین نزد مرحوم پدرم بود (که از علما و وعاظان منطقه به شمار می رفت) و در سال ۱۳۴۹ به قم منتقل شده و پس از آشنائی با وضع دروس حوزه همزمان با تحصیل مکاسب و کفایه در دارالتبلیغ اسلامی نیز مشغول تحصیل شدم که در سال ۱۳۵۴ سطح را تمام کرده و از دارالتبلیغات اسلامی فارغ التحصیل شدم. مدت ۲ سال در دارالزهراء مشغول تدریس در رشته های تفسیر قرآن، تاریخ اسلام و ادبیات فارسی بودم. بعدا چون به تحقیق علاقه مند بودم باچند نفر از رفقا لجنه تحقیقی تشکیل دادیم و کتاب نفیس و بسیار ارزشمند مرحوم سید هاشم بحرانی بنام (غایه المرام و حجه الخصام) را زیر نظر مرحوم آیه الله آقای سید رضا صدر شروع به تحقیق و پاورقی نمودیم و نزدیک به ۴ سال این کار بطول انجامید که الحمد لله الآن ۳ جلد چاپ شده و بقیه زیر چاپ است (چاپ اول ۱۴۲۵ ق ۱۳۸۳ ش نشر دانش حوزه) مقاله ای از اینجانب درباره اصلاحات ارضی که پاسخی به یک نویسنده بود در روزنامه اطلاعات شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۵۹ به چاپ رسیده ضمنا چون اینجانب طبع شعر هم دارم اشعار زیادی به آذری و فارسی سروده ام که یکی از اشعارم بعنوان (البلاء للولاء) در آخرین شماره مجله مکتب اسلام چاپ شده است البته چون اینجانب واعظ و منبری هستم فعلا اغلب فعالیتیم در این زمینه است

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی علی اکبر فرجی هشتروندی

۲۲/۲/۸۶

فرخ، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی فرخ

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۷/۳

زندگینامه علمی

بعد از گرفتن دیپلم طبیعی در سال ۱۳۵۶ شمسی به مدت شش ماه در شروع انقلاب اسلامی در رشته حسابداری صنعتی وارد انستیتو تبریز شدم و در واقعه ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ که در چهلم شهدای قم اتفاق افتاد در میان تظاهرات بودم بعد از جریان انقلاب یک سال قبل از طلبگی در دو اردویی که در تهران و قم شرکت نمودم با تاریخ عمومی و تاریخ صد ساله اخیر و اساطیر و ... آشنا شدم. بعد در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه شدم. در سال ۱۳۶۵ در دایره درسی استاد بزرگوار حسن زاده آملی در مسجد معصومیه وارد شدم و با ایشان تا سالهای ۱۳۷۰ همراهی داشتم. و درسهایی را از قبیل اشارات و هیئت و مصباح همراه بودم بعداً از نوار درسی فصوص الحکم ایشان استفاده نمودم و همچنانکه به درسهای حوزوی مشغول بودم علاقه شدید به درسهای معارف از جمله تفسیر و عرفان و ... داشتم به این خاطر بعد از چند سالی درس فقه و اصول وارد حلقه درسی استاد عالیقدر جوادی آملی در درس تفسیر شدم که اکنون که در تاریخ دفتر درسی دارم از سال ۱۳۷۶ مستمراً با ایشان همراهی نموده ام و احساس می‌کنم که اگر چیزی از حوزه گرفته ام از پای استاد حسن زاده آملی و جوادی آملی بوده است و تبلیغ را هم البته از جمله وظایف و واجب عینی برای خود و هر طلبه ای می‌دانم و در سالهای ۱۳۷۴ که دیوان طلوعی گیلانی را تنظیم و چاپ نمودم همراه عده ای از دوستان وارد تصحیح بعضی از کتب و مقالات دارالحدیث شدم که تا چند سال پیش ادامه داشت که نهایتاً به تحقیق درباره زندگی خاندان ملا محمد جعفر شریعتمدار (استرآلادی) تهرانی کشید که تحقیق وسیعی از زندگانی وی و خانواده اش که دارای مجتهدین و فضایی بزرگانی از ۲۰۰ سال پیش تا روزگار ما بوده اند و اکنون هم خانواده اش در تهران معروفند تحقیق کاملی نمودم که حاصل آن تحقیقات اکنون در دست چاپ است که این تحقیق به کمک و یاری خانواده اش صورت گرفت و علاوه بر اینها می‌توانم تاکید کنم که در علوم همچون ریاضی و فیزیک، برق و الکترونیک و علوم طب قدیم و ... آشنایی نسبی دارم یعنی نسبتاً با علوم جدید آشنایی داریم چون یکی از چیزهایی که در حوزه به آن برخورد می‌شود این است که طلاب علوم دینی بخاطر اقتضای طلبگی نسبت به علوم متداول روز بیگانه هستند و آشنایی چندانی ندارند.

فروغی نژاد، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله فروغی نژاد

محل تولد: گلپایگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عبدالله فروغی نژاد به شش شصت و یک سالگی از گلیایگان متولد سال ۱۳۵۰، پس از اخذ مدرک سیکل در سال تحصیلی ۱۳۶۵ وارد حوزه عملیه گلیایگان شدم. پس از گذراندن بخشی از سطح حوزه در سال تحصیلی ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه ولی عصر (عج) شهرستان خوانسار شدم و دروس لمعه و اصول، رسائل و مکاسب و کفایتین را تا سال ۱۳۷۶ به اتمام رساندم. سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه قم شدم و در درس خارج فقه حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی شرکت نمودم و تا هم اکنون توفیق حضور محضر ایشان را دارم. در سال تحصیلی ۱۳۸۳-۱۳۸۲ در درس خارج فقه آیه الله جوادی آملی و آیه الله نوری همدانی نیز شرکت داشتم. و همچنین درس خارج اصول را در محضر آیه الله جعفر سبحانی از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۳ شرکت نمودم. در سال تحصیلی ۱۳۷۹ با قبولی در سطح ۲ مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن اشتغال به این رشته تحصیلی پیدا نمودم تا در سال ۱۳۸۲ مقطع کارشناسی آن به پایان رسید. و هم اکنون در مقطع کارشناسی ارشد مشغول تحصیل هستم که در ترم پایانی آن هستم. در باب تدریس، در سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ که مشغول خواندن سیوطی و معالم بودم. درسهای ادبیات عرب، عوامل فی النحو و هدایه و صمدیه را در حوزه علمیه گلیایگان تدریس داشتم. و در حوزه علمیه خوانسار نیز سالهای ۱۳۷۶-۱۳۷۵ به مدت دو سال. ادبیات عرب: هدایه، صمدیه، صرف ساده و مبادی تدریس داشتم. در زمینه تبلیغ نیز خداوند توفیق مرحمت نمود تا از سال ۱۳۷۰ به تبلیغ معارف دین پردازم و بحمدالله تاکنون این توفیق را داشتم تا در فصلهای تبلیغی، ماه مبارک رمضان، دهه محرم، دهه صفر و ایام فاطمیه را در اقصی نقاط میهن عزیزمان به تبلیغ و بیان معارف دین پرداخته که امیدوارم این توفیق از طرف حضرت حق جل جلاله و عنایت خاص ولی عصر (عج) ادامه داشته باشد. از سال ۱۳۷۹ تا اکنون توفیق تحقیق و پژوهش در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی داشتم کاری که در سالهای ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۳ با کمک برادران بزرگوار دیگر مخصوصاً مسئول محترم پروژه حضرت حجه الاسلام ابن الرضا صورت گرفت کار تقطیع و فایل سازی و نمایه موضوعی پیرامون کتاب شریف الغدیر یادگار علامه امینی رحمه الله علیه بود و هم اکنون در حال تنظیم و تدوین درختواره الغدیر هستم که امید است به زودی جامعه بزرگ اسلام از این کار نو و جدید بهره مند شوند.

فرید گلیایگانی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۸۰.

درگذشت: ۱۳۶۶.

از آثار اوست: اثبات صانع و مراتب توحید (تهران، ۱۳۶۳)؛ تفسیر سوره اسراء، مؤمنون و ملک (۱۳۶۶)؛ تفسیر سوره: حدید، صف، تغابن و رساله‌ای در ولایت (تهران، ۱۳۶۴)؛ تفسیر سوره مبارکه جمعه و تفسیر سوره کریمه منافقون (تهران، ۱۳۶۴)؛ رساله فی صلاة الجمعة و ساله فی التقیه (۱۳۶۴)؛ متمم قانون اساسی اسلام (تهران، ۱۳۶۴)؛ مناسک عمره مفرده (تهران، ۱۳۶۴).

حاج شیخ حسن بن العالم الجلیل و التقی الزکی حاج ملا محمد مهدی گلیایگانی از علماء معاصر تهرانست که در جنوب غربی تهران در مسجد علوی واقع در خیابان رباط کریم به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشت.

وی در ماه صفر ۱۳۱۹ ق متولد شده و دوره مقدمات را در گلپایگان خوانده و در سال ۱۳۳۶ ق به شهرستان اراک رفته و دوره سطح را در حوزه علمیه آن شهرستان به پایان رسانیده و در سال ۱۳۴۰ ق که آن حوزه ببلده طیبه قم انتقال یافت جزو مهاجرین آن حوزه به قم مهاجرت نموده و معقول را در نزد مرحوم میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی خوانده و تا پایان سال ۱۳۴۵ ق از محضر مبارک و درس فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی طاب ثراه بهره‌مند شده آنگاه برای اطلاع بر مبانی اساتید بزرگ نجف اشرف به آن مرکز علمی مهاجرت نموده و سه سال از محضر آیات عظام و مراجع بزرگ چون آیت‌الله حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌الله استاد محقق آقا ضیاء‌الدین عراقی و فقیه اهل البیت آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس‌الله‌اسرارهم استفاده کرده سپس به حوزه علمیه بازگشت نموده تا سال ۱۳۶۵ ق که برای نشر معارف و احکام اسلام باین مرکز تبلیغی تهران انتقال یافته و تا این تاریخ بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

دارای آثار و تألیفات ارزنده و آموزنده‌ای می‌باشد که از نظر اهل ادب و دانش می‌گذرانم:

- ۱- ترجمه مفتاح الابواب یا تاریخ باب و بهاء که در سال ۱۳۳۴ بطنع رسیده و تاکنون مکرر چاپ شده است.
- ۲- راه بزرگواری که در سال ۱۳۳۶ بچاپ رسیده و برای دومین بار هم بنام روش بزرگواری منتشر شده است.
- ۳- قانون اساسی اسلام که چاپ اول آن در تاریخ ۱۳۴۹/۵/۲۷ منتشر شد و در تاریخ ۱۳۵۰/۵/۱۰ تجدید طبع شده و مورد توجه دانشمندان و محصلین واقع شده است.
- ۴- ارمغان فرید که در سال ۱۳۵۰ ق منتشر گردیده است.
- ۵- دشمنی خویشاوندان یا عداوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید علیه‌السلام.
- ۶- رساله استدلالی در خمس که هنوز بطنع نرسیده است.
- ۷- ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید.

(تو ۱۳۱۹ ق)، عالم دینی و فقیه. دوره‌ی مقدمات را در گلپایگان خواند و در ۱۳۳۶ ق به شهرستان اراک رفت و دوره سطح را در حوزه‌ی علمیه آنجا به پایان رسانید. در ۱۳۴۰ ق به قم رفت و معقول را نزد میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی خواند و تا پایان ۱۳۴۵ ق از محضر درس فقه و اصول آیت‌الله حایری یزدی بهره‌مند شد. آن‌گاه به نجف رفت و سه سال از محضر آیت‌الله میرزا حسین نائینی و آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. سپس به حوزه‌ی علمیه قم بازگشت. وی در ۱۳۶۵ ق برای نشر معارف و احکام اسلامی به تهران آمد. از آثارش: ترجمه «مفتاح الابواب» یا «تاریخ باب و بهاء»؛ «راه بزرگواری» یا «روش بزرگواری»؛ «قانون اساسی اسلام»؛ «ارمغان فرید»؛ «دشمنی خویشاوندان» یا «عداوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید (ع)»؛ رساله‌ی استدلالی در «خمس»؛ «ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید». [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۶ / ۶، ۵۲۲-۵۲۱ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴-۶۵۳ / ۲).

فسایی، حسن حسینی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۶-۱۲۳۷ ق)، محقق، مفسر، ادیب، صوفی، شاعر و طبیب. از سادات دشتکی شیراز بود. در فسا به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خویش را از دست داد و تحت سرپرستی مادر بزرگ و برادر به کسب علم و ادب پرداخت. در خدمت میرزا ابوالحسن مجتهد

فسایی ابتدا علوم را و بعدها «شرح هدایه»، «شرح تجرید» و «معالم الاصول» و «مطول» را فرا گرفت. سپس نزد میرزا محمد علی واحدالعین «مفاتیح الشرایع» فیض کاشانی را، در فقه، خواند. بعد از آن سفری به اصفهان داشت. پس از بازگشت به شیراز مدتی نزد شیخ مهدی کجوری مازندرانی شاگردی کرد و کتب ریاضی را فرا گرفت. میرزا حسن علم طب را نیز در خدمت میرزا سید علی نیاز و حاجی میرزا بابا حکیم‌باشی اصفهانی آموخت. وی در ۱۲۷۹ ق سفری به تهران و یزد کرد و پس از بازگشت به شیراز به معالجه‌ی بیماران پرداخت و شهرتی کسب کرد. چنان که پزشک مخصوص سلطان اویس میرزا احتشام‌الدوله پسر فرهاد میرزا معتمدالدوله شد. از آثار وی: «فارسانه ناصری»؛ «تفسیر حسن»؛ «تحفه احتشامی»، «دراندرز و نصایح، به نظم»؛ «نقشه مملکت فارس». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۵۷-۲۵۱ / ۲)، سبک‌شناسی (۳۶۵ / ۳)، سرآمدان فرهنگ و تاریخ (۲۸۹ / ۱)، شرح حال رجال (۳۴۲ / ۱)، فارسانه ناصری (۴۲-۱۳ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۲۵۸)، المآثر و الآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۱-۵۴۰ / ۲)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۷۱-۶۸).

فقیهی، محمد رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد رضا فقیهی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد رضا فقیهی در سال ۱۳۳۴ در شهر اصفهان متولد شدم و در سال ۱۳۴۹ طلبگی را در همین شهر شروع کردم. پس از دو سال به قم آمده و دروس حوزوی را در قم دنبال کردم در سال ۵۷ در اوج مبارزات مردمی دستگیر و زندانی شدم در پایان بهمن ماه آزاد درس خارج را پس از انقلاب شروع کردم علاقه شدیدی به مباحث قرآنی داشتم سعی کردم قرآن را مباحثه کنم در محضر آیت الله جوادی بیش از ده سال تفسیر را آموختم سپس کار تفسیر گروهی را با متد جدیدی در دفتر تبلیغات شروع کردیم که نتیجه آن ۲۰ جلد تفسیر راهنما می باشد خمیر مایه اصلی این کار تلاش جناب هاشمی رفسنجانی در زندان بود که گروهی کار را بازنگری کردند و نهایتاً "پس از ده سال کار به اتمام رسید در کنار آن به درس اخلاق فقه و اصول نیز مشغول بودم و سپس به فعالیت اجرائی فرهنگی مشغول شدم حدود ۱۴ سال فعالیت فرهنگی را در دانشگاهها شروع کردم .

فلسفی، محمد تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۱۹-۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، خطیب، واعظ، متکلم، مفسر و محدث. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتیدی همچون پدرش، آیت‌الله تنکابنی، و آقا شیخ یونس قزوینی و آقا شیخ علی رشتی، و معقول و فلسفه را از میرزا طاهر تنکابنی و آقا میرزا محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی فراگرفت. وی حدود دو سال در زمان آیت‌الله حایری یزدی در قم اقامت داشت و از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه بهره‌مند شد. سپس به تهران آمد و به ادامه تحصیل و مطالعه‌ی کتب مختلف و متنوع پرداخت. وی در منبر و خطبه روش نوینی را پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی در فن سخنوری بوجود آورد و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. خدمات دینی و اجتماعی او بسیار و مسافرت‌های تبلیغی او به کشورهای عربستان، عراق، پاکستان و همچنین به شهرهای مختلف ایران قابل توجه است. در تهران، در پایان جلسه درس، درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم حسین در کنار عمو و پدر همسرش، آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین تنکابنی، دفن شد. آثار علمی و قلمی او منشوری آموزنده با نثری جذاب است. عمده آثار وی که تحت عنوان کلی «گفتار فلسفی» انتشار یافته عبارتند از: «کودک»، از نظر وراثت و تربیت، دو مجلد؛ «جوان»، از نظر عقل و احساسات، دو مجلد؛ «بزرگسال و جوان» از نظر افکار و تمایلات، دو مجلد؛ «آیه‌الکرسی»، پیام آسمانی توحید؛ «اخلاق»، از نظر همزیستی و ارزشهای انسانی، دو مجلد؛ «معاد»، از نظر روح و جسم، سه مجلد؛ «سخن و سخنوری»، از نظر بیان و فن خطابه؛ «شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق»، از صحیفه‌ی سجاده، سه مجلد. [۱]

حاج شیخ محمدتقی فلسفی بن العلامه العلام و الفقیه القمقام حجه‌المسلمین والاسلام المرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی تهران اعراف خطباء عصر و شهر و عاظ زمان مایند که خود چندی افتخار توقف حوزه علمیه را داشته و حوزه علمیه هم فخر بر این ثمره مفید و اثر ارزنده خود می‌کند.

این رادمرد بزرگ و این نابغ سترک که صیت و صوتش عالم گیر شده و شهرت و ملاححت سخن‌وری و سخنرانش مستغنی از تعریف ما و جهانی گردیده بخصوص در تحقیقات علمی و دخول و خروجش به مطالب و از مطالب و اداء سخن و حق مطلب دانش در این زمان بی‌قرین و در قرون گذشته کم‌نظیر بوده و مبالغه نیست اگر بگویم.

انصاف می‌دهم که دلیران و دلیران

بسیار دیده‌ام نه بدین حسن و دلبری

عالمی است محقق و ناطقیست مدقق مفسرست خبیر و محدثیست بصیر متکلمی است فاضل و واعظی است کامل جامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول بسیار خوش محاوره و خوش مجلس منزلش مهبط اهل فضل و محفلش مجمع اهل کمال سینه‌اش باز و دستانش گشاده در قضاء حوائج مومنین و بالاخص روحانین ساعی و در امور خیر مساعی جمیله دارد و از خدمات دینی و اجتماعی فرونمی‌گذارد.

در سال ۱۳۲۷ قمری هجری در تهران متولد شده و در خاندان علم و فضیلت و مجد و شرافت تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتید بزرگ چون والد معظم خود و آشیخ یونس قزوینی و آشیخ علی رشتی و معقول و فلسفه را از مرحوم میرزا طاهر تنکابنی و آقا میرزا محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی استفاده نموده و حدود دو سال هم در زمان مرحوم آیت‌الله حایری یزدی در قم توقف و از محضر اساتید حوزه علمیه بهره‌مند شده و بعد به تهران مراجعت و به ادامه تحصیل و مطالعه کتب مختلفه و متنوعه عصری و قدما گردیده و از هر خرمنی خوشه‌ها چیده و از هر گلستانی گلها به دست آورده و با آن فکر سرشار و ذوق فراوان و استعدادی که تنها موهبت خداوندیست (و ذلک فضل الله یوتیه من یشاء) خریت ادب و تحریر سخنوری گردیده و خاص و عام و جاهل متقدم و متجدد را مجذوب بیان سحرآمیز خود به مضمون (و ان من الیابان السحر) نموده است.

من نمی‌گویم که آن شمع جهان

هست پیغمبر ولی دارد بیان

حدود ۶ سال در ماه رمضان و ده شب اول محرم از مسجد سلطانی با دنیای امروز از اسلام و غیره صحبت کرده و حقایق اسلام را با بیانی بس رسا و ملیح خود به زبان عصری به وسیله دستگاہ فرستنده به مردم جهان رسانیده و این به خدا فخر اسلام و مسلمین و به ویژه شیعیان اثنی عشر روی زمین است.

چندین سال متمادی ظهرهای ماه رمضان در مسجد حاج سید عزیزالله تهران صحبت می‌کردند ده‌ها هزار نفر از طبقات مختلف، روحانیین و اساتید دانشگاه و دبیران و آموزگاران و محصلین جدید و قدیم و تجار و اصناف برای استماع سخنرانیهای معظم‌له حاضر می‌شدند و چون صحن مسجد و شبستانها و ایوانها و راهروهای مسجد گنجایش آن همه جمعیت را نداشت.

قسمت مهمی از مستمعین در بازار و سراهای اطراف مسجد اجتماع می‌کردند و متجاوز از سی بلندگو که در نقاط مختلف نصب می‌شد صدا را به همه آنها می‌رسانید.

خاطرات آن مجلس باشکوه فراموش نشدنی است بسیاری از مشکلات دینی در آن مجلس مورد بحث قرار می‌گرفت و حل می‌شد و بسیاری از افراد منحرف با استماع آن سخنان نافذ به راه می‌آمدند و از سقوط و تباہی رهائی می‌افتند.

علامه فلسفی روش نوینی را در منبر پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی را در فن سخنرانی به وجود آورد روایات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیه‌السلام را که گوهرهای گرانقدر اسلامی است با منطق علمی روز تشریح و توضیح نموده و در نسل تحصیل کرده اثر بسیار عمیق گذارده و کتابهای ایشان نمونه‌ای از این روش نوین است.

در زمان حیات مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی قدس سره سالهای متمادی به دعوت آن مرجع بزرگ و عالیقدر در دهه آخر صفر به قم می‌رفتند صبح‌ها در منزل معظم‌له و شبها در صحن بزرگ قم به دعوت تولیت آستانه برای جمعیت زیادی که در صحن بزرگ و صحن کوچک و صحن موزه و خیابان مجاور صحن و شیخان گرد آمده بودند سخنرانی می‌کردند سخنان ایشان علاوه بر آثار مفیدی که در افکار تمام مردم می‌گذارد برای فضلاء طلاب حوزه علمیه که به منبر علاقه داشتند آموزنده و سرمشق بود و از روش ایشان استفاده بسیار می‌کردند، کلیه مراجع بزرگ تقلید نجف اشرف و قم و مشهد مقدس از گذشته و معاصر عنایت مخصوص و توجه خاصی به معظم‌له داشته و دارند.

خلاصه استاد و علامه فلسفی از نوانغ زمان و از افرادی است که می‌توان درباره شخصیت علمی و اخلاقی او و مسافرتهايش به کشورهای اسلامی حجاز و اعتبار عالیات و پاکستان و شهرهای مهم ایران که برای تبلیغ رفته و منبرهای مهیج و منابر معجزه‌آسا و خدمات دینی و اجتماعی و مبارزاتش با منحرفین و گروه‌های ضد اسلامی کتاب مستقلی نوشت.

از آثار علمی و قلمی این استاد که به طبع رسیده و جهانی را به خود متوجه نموده کتب زیر است که برای تربیت کودکان و راهنمایی نسل جوان بهترین کتاب و آموزنده‌ترین منشوریست که منتشر شده است.

۱- گفتار فلسفی راجع به کودک از نظر وراثت و تربیت در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.

۲- گفتار فلسفی راجع به جوان از نظر عقل و احساسات در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.

۳- گفتار فلسفی آیه‌الکرسی یا پیام آسمانی توحید در چهارصد صفحه.

یکی از شعراء معاصر درباره معظم‌له سروده است

او ستاد اوستادان بلاغت (فلسفی)

آنکه نامش زی فلک از عرشه منبر گذشت

ابن جوزی گرچه در یک آیه سالی حرف زد

بودی از امروز گفتمی وی زمن برتر گذشت
 (فلسفی) تنها نه در نطق و بیان باشد فرید
 کلک وی از تیغ مردان دلاور در گذشت
 در کتاب کودکش بنگر که خودپیرانه گفت
 از یونسکو خود کتاب وی مهین دفتر گذشت
 ویژه از بهر جوانان این کتاب تازه‌اش
 انقلابی کرده خوش برپا که از اختر گذشت
 بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینه دانشوران (۶۵-۶۴)، بزرگان رامسر (۱۷۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۰-۳۸۷ / ۲).

فندرسکی، ابوطالب

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(منسوب به فندرسک) میرزا ابوطالب فرزند ابوالقاسم فندرسکی. شاعر و منشی قر. ۱۲ ه. وی از شاگردان علامه مجلسی است و با میرزا عبداللّه افندی صاحب ریاض‌العلماء و نظایر وی معاصر و در یک حلقه‌ی تدریس با آنان به کسب علم مشغول بود. تألیفات او عبارتند از: ترجمه‌ی فارسی شرح لمعه‌ی شهید، حاشیه‌ی تفسیر بیضاوی، حاشیه‌ی خفّری بر شرح تجرید قوشچی سامی که منظومه است، غزوات حیدری که نیز منظومه است، المنتهی در نجوم، نگارخانه‌ی چین که حاوی تمامی مکتوبات و منشآت عربی و فارسی اوست.

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فولادوند، محمد مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد محمد مهدی فولادوند فرزند شادروان محمد حسین بختیاری، در اول دی ماه ۱۲۹۹ در اراک متولد شد. او از سوی مادر، نوه‌ی حجت‌السلام حاجی آقا محسن ادراکی و نیره‌ی دختری مرحوم سید محمد علی تهرانی است. پس از طی تحصیلات اولیه و رایج به سبک جدید، در شهریور ۱۳۲۹ برای ادامه‌ی تحصیل به ویژه در رشته‌های شعر و ادب و هنر و زیبایی‌شناسی، به پاریس رفت و چهارده سال در آن شهر اقامت و در رشته‌های دلخواه دانشگاهی و تکمیل زبان و ادب فرانسوی خود تلاش کرد. جناب فولادوند در آبان ماه ۱۳۴۳ (۱۹۶۴ م) به تهران بازگشت و تاکنون که بیش از هشتاد سال از عمر پربار و برکتش می‌گذرد، در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، مواد مختلف فلسفه، زیباشناسی، زبان فرانسه، تاریخ مذاهب و فرهنگ ایران را تدریس کرده است. او عضو انجمن فلسفه‌ی ایران و علوم انسانی یونسکو و عضو انجمن شعرای فرانسه و نویسندگان فرانسه زبان است. مجموعه‌ی آثار فرانسه و فارسی وی قریب به سی جلد است که در حدود پانزده جلد آن به چاپ رسیده است. برخی از آثار چاپ

شده ی ایشان از این قرار است :

- ترجمه ی [رباعیات] عمر خیام ، پاریس ، مزون نو ، ۱۹۶۰ ، طبع جدید آن با مقدمه و حواشی و « سخنان تازه درباره ی عمر خیام و رباعیات او » به پیوست آن . تهران ، فروغی .
- هیدا (در جستجوی زیبایی) ، چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)
- سنفونیا ، چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)
- زن در اندیشه ی خدا (به فرانسه)
- دیوان اشعار و نوشته ها (آثار فارسی - بخش یکم)
- ترجمه ی کتاب المنقذ من الضلال (= زندگینامه ی خود نوشت فکری و فرهنگی غزالی ، عنوان ترجمه ی فارسی اش رهنمای گمراهان ، نشریات محمدی)
- نخستین درس زیبایی شناسی . انتشارات دهخدا .
- پاسکال - ونسی - بلندل . مجموعه کتابهای جیبی .
- زیباترین اشعار فرانسه (متن فرانسه و فارسی) . انتشارات کندی . در سالهای اولیه ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، که بنیاد قرآن تاسیس شد ، استاد فولادوند چند اثر قرآنی از نویسندگان برجسته ی معاصر عرب ، نظیر سید قطب ، به فارسی شیوایی ترجمه کرد که از سوی همان بنیاد منتشر شده است .
- برگرفته از کتاب : بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

فیاضی، غلامرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا فیاضی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام والمسلمین غلامرضا فیاضی در سال ۱۳۲۸ در قم و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار روحانیت و علمای شیعه به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج اسدالله، به بنایی اشتغال داشت و از همان راه روزگار می‌گذراند. حجة الاسلام والمسلمین فیاضی پس از اینکه قرآن و بخشی از دروس فارسی را نزد مادر خود و مکتب خانه فرا گرفت، با پدر خود به بنایی ساختمان میرفت. در یکی از روزها که با پدر خود به منزل روحانی جلیل القدری برای تعمیر ساختمان رفته بود، مورد عنایت آن روحانی جلیل القدر قرار گرفت و با عنایت او و رخصت پدر به امر اشتغال در حوزه علمیه قم رو آورد. پس از طی مقدمات، به دروس سطح در نزد استادان مشهور آن روزگار راه یافت و سپس به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حوزه علمیه قم رفت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد. او همزمان با تحصیل فقه و اصول، علوم عقلی را نیز در نزد استادان خبره فرا گرفت، به گونه‌ای که بعدها خود به تدریس آن دروس

رو آورد و درس او در زمره بهترین دروس حوزه در علوم عقلی به شمار رفت. حجة الاسلام والمسلمین فیاضی در سالهای تحصیل خود به محضر استادان برجسته بسیاری شرفیاب شد. او جامع المقدمات را نزد مرحوم شیخ محمد حسن قاضی زاده که همانا مشوق اصلی او برای رو آوردن به تحصیل در حوزه بود، فرا گرفت. سیوطی را نزد حجة الاسلام والمسلمین باکویی امام جمعه فریدون کنار و مغنی را هم نزد او و نیز در محضر آیه الله شیخ حسن تهرانی و آقای جلیلی آموخت. حاشیه را نزد حجة الاسلام والمسلمین باکویی و مختصر را نزد آیه الله دوزدوزانی و معالم را نزد حجة الاسلام والمسلمین فاضل هرنندی خواند و سپس به دروس لمعه آقای سید ابوالفضل موسوی تبریزی و آقای تقدیری رفت. استاد او در رسائل آیه الله العظمی نوری همدانی و آیه الله مؤمن، در مکاسب آیه الله شیخ علی پناه اشتهاردی و آیه الله العظمی فاضل لنکرانی و در کفایه آیه الله العظمی نوری همدانی و آیه الله العظمی فاضل لنکرانی بود. وی از سال ۵۱ به مدت چهارده سال در دروس خارج حضرات آیات آقایان گلپایگانی، اراکی، حائری، شاه آبادی، شیخ کاظم تبریزی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی شرکت کرد. او در بخش علوم عقلی، شرح منظومه سبزواری را نزد آیه الله گرامی، بدایه را نزد آیه الله جوادی آملی، نهاییه را نزد آیه الله مصباح یزدی و اسفار را نزد آیه الله جوادی آملی فرا گرفت. همچنین او تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم را نزد آیه الله جوادی آملی آموخت. از دوستان او در سالهای تحصیل، حجة الاسلام والمسلمین غروی را می توان نام برد. حجة الاسلام والمسلمین فیاضی در سالهای متمادی و از سالهای آغازین تحصیل به امر تدریس اهتمام ویژه داشت. او در دروس مختلف دوره مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سپس به تدریس بدایه، نهاییه و شرح اشارات رو آورده است و هم اکنون نیز به تدریس اسفار اشتغال دارد. تبیین زیبا و استوار علوم عقلی از ویژگیهای اوست و دروس و حتی نوارهای تدریس او همواره مورد استفاده طلاب بوده است. از حجة الاسلام والمسلمین فیاضی تعلیقه‌ای بر نهاییه الحکمه علامه طباطبایی به چاپ رسیده است. او از اعضای جامعه مدرسین است و هم اکنون در قم ضمن اشتغال به تدریس، به پژوهش در مؤسسه امام خمینی (ره) می پردازد.

فیروزآبادی، مجدالدین، ابوطاهر محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۱۷ / ۸۱۶ - ۷۲۹ ق)، عالم لغوی، ادیب، مفسر، قاضی و فقیه شافعی. نسبش به شیخ ابواسحاق شیرازی و به روایتی به ابوبکر صدیق می رسد و لذا او خود را صدیقی معرفی می کرد. اصل وی از فیروزآباد شیراز است، که در کازرون به دنیا آمد و در آن جا در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. در هشت سالگی به شیراز رفت و از محضر علمای آنجا استفاده نمود، سپس به بغداد، مصر، شام، روم، حجاز، یمن و اغلب سرزمینهای شرقی مانند هند مسافرت کرد. فقه و تفسیر و حدیث و علوم مختلف را از اساتید مکانهای مختلف فرا گرفت. در دمشق در محضر درس ابن قیم و تقی الدین سبکی و فرضی و شیخ خلیل مالکی حضور یافت. وی مورد عنایت شاه شجاع مظفری، حکمران آذربایجان، و امیر تیمور گورکانی و سلطان بایزیدخان عثمانی بود، بیشتر از همه در دربار ملک اشرف اسماعیل حکمران یمن تقرب یافت و داماد وی شد. مدت بیست سال قاضی شهر زبید یمن بود، تا به مقام قاضی القضاتی یمن و درجه‌ی شیخ الاسلامی رسید. و وی در زبید یمن درگذشت و در تربت شیخ اسماعیل جبروتی دفن شد. شیخ رمضان عطیفی کتابی در شرح حال فیروزآبادی نگاشته است. از فیروزآبادی حدود چهل تصنیف ذکر کرده‌اند. از آثارش: «قاموس المحيط و القابوس الوسیط الجامع لمآذبه من کلاما لعرب شماطیط»، که به «قاموس اللغه» نیز معروف است، در چهار جزء، که مهمترین اثر وی

می‌باشد؛ «اللامع المعلم العجائب الجامع بین المحکم و العباب»، در شصت مجلد که پس از آن آنها را در دو مجلد خلاصه کرد؛ «بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتب العزیز»، در دو مجلد؛ «الجلس الانیس فی اسماء الخندریس»؛ «المرقاه الوفیة فی طبقات الحنفیه»؛ «البلغه فی تراجم ائمه النحو و اللغه» یا «البلغه فی تاریخ ائمه اللغه»؛ «سفر السعاده»، در حدیث و سیره نبوی؛ «نغبه الرشاف من خطبه الکشاف»؛ «نزهه الاذهان فی تاریخ اصفهان»؛ «تحبیر الموشین فی ما ینقال بالسنین و الشین»؛ «الاسعاد بالاصعاد الی درجه الاجتهاد»؛ «الدرر الغالی / الدرر الغوالی فی الاحادیث العوالی»؛ «الدرر النظیم المرشد الی مقاصد القرآن العظیم»، در تفسیر؛ «النفحه العنبریة فی مولد خیر البریه (ص)»؛ «زاد المعاد فی وزن بانث سعاد»؛ شرح «صحیح» بخاری.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹ / ۸)، ایضاح المکنون (۱۰۶، ۸۵، ۸۰ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۶۱ / ۲)، روضات الجنات (۹۷ - ۹۲ / ۸)، ریحانه (۳۶۸-۳۶۵ / ۴)، کشف الظنون (۲۰۴۸، ۱۹۳۹، ۱۶۵۷، ۱۴۸۰، ۲۵۳-۲۵۲، ۱۴۹، ۹۰، ۸۷، ۸۵)، الکنی و الالقاب (۳۹-۳۷ / ۳)، قاموس المحيط (مقدمه / ۴۸-۴۷)، لغت‌نامه (ذیل / فیروزآبادی)، معجم المؤلفین (۱۱۹-۱۱۸ / ۱۲)، هدیه الاحباب (۲۱۳)، هدیه العارفین (۱۸۱-۱۸۰ / ۲).

فیروز مهر، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی فیروز مهر

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۶۲ وارد حوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) در رستمکلاهی بهشهر شدم تا سال ۶۴ مقدمات دروس حوزوی را به اتمام رساندم و سال تحصیلی ۶۵ روانه مشهد شدم و تا سال ۶۹ در حوزه مشهد اشتغال به تحصیل داشتم؛ زمستان ۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح حوزوی را ادامه دادم. سال ۷۲ سطح را به اتمام رساندم و به دنبال آن در درس خارج فقه آیت الله فاضل لنکرانی و خارج اصول آیت الله صالحی مازندرانی حضور پیدا کردم و همزمان با آن در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن شرکت کردم که سال ۷۷ دوره چهار ساله این رشته علمی را به پایان رساندم و همزمان با تحصیل در این رشته، سال ۷۶ دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه قم را آغاز کردم که در سال ۷۹ از پایان نامه این دوره دفاع کرده و مدرک این رشته را اخذ کردم. همزمان با تحصیل در تخصصی تفسیر و علوم قرآن و تحصیل در دانشگاه با مرکز فرهنگ و معارف قرآن به عنوان محقق علوم قرآنی همکاری می‌کردم که تا الآن کم و بیش ادامه دارد.

فیض الاسلام، علینقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۶۴ - ۱۲۸۴ ش)، عالم دینی، شارح و مصحح. در سال ۱۲۸۴، در چنین خانواده‌ای که به صفای معنوی آراسته بود، کودکی دیده به جهان گشود که سید علی نقی نامیده شد و بعدها به سید علی نقی سده‌ی اصفهانی آل دیباج مشهور و به فیض الاسلام موسوم گشت. لفظ سده در پسوند نامش، به زادگاهش اشاره دارد که در دوازده کیلومتری شمال غربی اصفهان است و اکنون خمینی شهر نامیده می‌شود. وی دانشمندی پرکار و پرثمر بود، و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ ضیاءالدین عراقی، آقا شیخ محمد کاظم شیرزای اجازه‌ی اجتهاد داشت و نیز صاحب اجازه‌ی روایتی از آیت‌الله حاج شیخ علی اکبر نهبانوندی و حاج شیخ عباس محدث قمی بود. وی بیش از چهل سال پیش «نهج البلاغه» را به فارسی روان ترجمه و شرح کرد که این کتاب به «نهج البلاغه» فیض الاسلام مشهور است. از دیگر آثارش: ترجمه و شرح «صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه»، که در ۱۳۷۵ ق منتشر شده؛ «قرآن عظیم»، ترجمه و خلاصه تفسیر، در سه مجلد که مؤلف حدود چهارده سال وقت خود را صرف تألیف این کتاب نموده؛ «اشارات الرضویه»؛ «افاضات الغریبه فی اصول الفقیه»، عربی؛ «چراغ راه»؛ «رهبر گمشدگان در رجعت»، ردی بر عبدالوهاب فرید. [۱]

سید علینقی مشهور به (فیض الاسلام) صاحب ترجمه نهج البلاغه که در سده از حیات سلطان دختر شیخ فاضل آقا ملا محمدصادق سده‌ی به دنیا آمده و تحصیلات خود را در سده و اصفهان و قم و نجف اشرف نموده و بعد رحل اقامت به تهران افکنده و تا حال تحریر در کسوت روحانیت به کار تجارت و تبلیغ دین و تألیف اشتغال و آثار گرانقدری که ذیلاً می‌نگارم از خود به یادگار گذارده است.

۱- ترجمه نهج البلاغه در ۶ جزء که در دو مجلد مکرر به طبع رسیده.

۲- ترجمه صحیفه سجادیه. ۳- تفسیر کلام‌الله مجید ۴- ترجمه صحیفه علویه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۲، ص ۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۰-۶۰۹ / ۴)، نهج البلاغه (مقدمه).

فیض کاشانی، محسن

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۹۱ - ۱۰۰۷ ق)، عالم، عارف، محقق، فقیه، محدث، مفسر، حکیم متأله، متکلم، ادیب و شاعر. فیض و پدرش، ملا شاه مرتضی، و فرزندش، محمد علم‌الهدی، و برادرش، ملا عبدالغفور بن شاه مرتضی، و فرزند برادرش، ملا محمد مومن بن عبدالغفور، و برادر دیگرش، نورالدین کاشانی، و فرزند برادرش، ملا-محمد هادی یک خانواده علمی جلیل را تشکیل داده‌اند. فیض در قم نشوونما یافت. آن‌گاه به شیراز رفت و در محضر سید ماجد بحرانی علوم شرعی را آموخت و از فیلسوف بزرگ ملاصدرا، صدرالمآلهین، علوم عقلی را فراگرفت و با دختر وی ازدواج کرد. فیض از دو استادش و همچنین از شیخ بهائی و ملا محمد صالح مازندرانی و ملا محمد طاهر قمی و ملا خلیل قزوینی و شیخ محمد فرزند صاحب «معالم» حدیث روایت کرده است. علامه مجلسی و سید نعمت‌الله جزایری از وی اجازه‌ی حدیث گرفتند. گسترده‌ی علمی او تا بدانجاست که عده‌ای نسبت به وی، له و علیه، تعصب

ورزیدند و مدح و ذمّش نمودند. گرچه عده‌ای از مخالفان آن گاه که بر حقیقت مطلع شدند به سویش رفتند و در مقام اعتذار خطاب به او (یا محسن! قد اتاک المسیء) گفتند. فیض در تمام فنون شعری مهارت داشت و اشعار زیبایی از خود به جای گذاشت. او در کاشان در گذشت و قبر و قبه او در آنجا مشهور است. فیض در حدود یکصد و بیست اثر در فنون مختلف دارد، که از آن جمله: «الصابی»، تفسیر قرآن کریم با احادیث، و ملخص آن به نام «الصفی»، و خلاصه‌ی «الاصفی» به نام «المصفی»؛ «الوافی»، در جمع و ترتیب احادیث کتب اربعه، با توضیح و بیان مشلکات آنها؛ «الشافی»، که خلاصه و لباب «وافی» است؛ «مفاتیح الشرایع»، تمامی مهمات احکام و مسائل دوره‌ی فقه؛ «عم‌الیقین فی اصول‌الدین»، و ملخص آن «المعارف»؛ «عین‌الیقین فی اصول‌الدین»؛ «الحق‌الیقین»؛ «خلاصه‌الاذکار»؛ «بشاره‌الشیعه»؛ «المحجّه‌البیضاء فی احیاء الاحیاء»، در علم اخلاق، که در آن «احیاء‌العلوم» غزالی را مهذب کرد و مطالب حقی آن را با اخبار و احادیث معصومین (ع) تایید نمود؛ «الحقائق»، که لباب و ملخص «محجّه» است؛ «نقد‌الاصول»؛ «نوادیر الاخبار»؛ «سفینه‌النجاه»؛ شرح مختصر «صحیفه‌سجادیه»؛ «من لا یحضره‌التقویم»؛ «تشریح‌العالم»، در هئیت؛ «دیوان» شعر؛ «مثنویات»؛ «گلزار قدس»، در مرثی و قصائد و رباعیات و غزلیات. [۱]

(فیض) ملا محسن محمد بن شاه ملقب به محسن و معروف به ملا محسن فیض کاشانی از اجله‌ی علمای امامیه‌ی قرن یازدهم هجری قمری و عهد شاه عباس دوم صفوی است که در فقه و حدیث و تفسیر و حکمت و ادب و علوم عقلی و نقلی متبحر و استاد بوده است. وی در قم اقامت داشت لیکن برای تحصیل به شیراز مسافرت نموده علوم شرعی را از سید ماجد و علوم عقلی را از ملاصدرا و میرداماد دریافته و با دختر ملاصدرا نیز ازدواج کرد. آثارش متجاوز از ۱۲۰ می‌باشد و از میان آنها میتوان: مثنوی آب زلال، ابواب‌الجنان، الاستقلالیه، اصول‌العقاید، اصول‌المعارف، الامالی، انوار‌الحکمه، الشافی، حاشیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه، شراب‌طهور، من لا یحضره‌التقویم، الوافی، نقد‌الاصول‌الفقهیه، نوادیر‌الخبر، والصابی را نام برد. وفاتش در سال ۱۰۹۱ ه.ق در کاشان اتفاق افتاد و همانجا مدفون است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: ایضاح‌المکنون (۷۰۱، ۶۷۹، ۶۷۴، ۶۱۳، ۵۸۹، ۵۲۱، ۵۰۸، ۴۵۶، ۴۴۲، ۴۰۰، ۳۹۸، ۳۷۹، ۳۷۸، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۱۲، ۱۴۸، ۱۳۲، ۱۱۹، ۷۵، ۶۳، ۶۰، ۳۹، ۱۹، ۲ / ۶۰۶، ۵۵۹، ۵۴۳، ۴۳۳، ۴۰۸، ۴۱۰، ۳۳۵، ۳۶۳، ۲۹۰، ۲۸۷، ۱۸۳، ۱۴۳، ۹۳، ۹۱، ۵۴، ۳۲ / ۱، بحار‌الانوار (۱۲۴ / ۱۰۷)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۶۰ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۶- ۳۲۸ / ۵)، تاریخ برگزیدگان (۳۸- ۳۷)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۰۱- ۱۹۸)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۵۵- ۵۵۱)، تاریخ کاشان (۲۷۸- ۲۷۷)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۵)، خاتمه مستدرک الوسایل (۲۳۶- ۲۳۵ / ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۷۱ / ۲)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۲۵۸- ۲۵۴)، دویست سخنور (۳۱۳- ۳۱۱)، الذریعه (۲۰۵- ۹۹، ۹۸- ۷۴، ۱۴- ۱۳ / ۲۵، ۳۴۴، ۲۷۳، ۲۷۳ / ۱۰۳، ۹۸- ۹۷ / ۲۴، ۳۱۷- ۳۱۶ / ۲۳، ۴۱۸، ۴۳۱، ۴۰۶، ۳۷۶، ۳۲۲، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۲ / ۳۰۳، ۲۸۰، ۲۷۹- ۲۱۰، ۱۸۷، ۱۳۰ / ۶۸- ۶۷ / ۲۱، ۲۶۰- ۲۵۹- ۱۴۶- ۱۴۵ / ۲۰، ۲۱۰، ۲۱۰، ۱۴۳، ۱۹ / ۲۸۶، ۲۸۲، ۲۸۱- ۲۵۷، ۲۱۸، ۱۲۰، ۱۱۹- ۱۱۹، ۱۱۶ / ۱۸، ۷۵ / ۳۹۳، ۳۸۵، ۶۶- ۶۵ / ۱۶، ۳۷۴، ۳۲۶، ۱۲۷، ۵ / ۱۵، ۲۵۲، ۲۴۷ / ۱۴، ۳۵۹، ۱۴ / ۲۴۷، ۱۰، ۹- ۱۳ / ۲۰۳، ۲۰۲- ۱۲۴، ۳- ۲ / ۱۲، ۲۴۵ / ۱۱، ۸۵۴- ۸۵۳ / ۶۹۹، ۹ / ۲۸۲، ۸ / ۲۱۱، ۳۸، ۲۸، ۷ / ۱۴۶، ۹۰ / ۶، ۱۹۳، ۱۷۲، ۱۲۶، ۱۲۵، ۸۵، ۸۲، ۱۷، ۱۶- ۵ / ۴۵۹، ۴۷۱، ۴۸۱، ۵ / ۳۹۸، ۴۰۳- ۴۰۳ / ۲۳۴، ۲۰۱، ۱۸۹- ۱۸۸، ۱۸۲، ۱۱۷، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۰، ۱۰۹- ۱۰۶، ۹۶ / ۴، ۱۱۶- ۱۱۵ / ۳، ۴۸۴- ۴۸۵، ۳ / ۳۹۸، ۴۰۳، ۳۴۹، ۳۱۲، ۲۹۳، ۲۶۱، ۲۴۴، ۲۲۳، ۲۱۲، ۲۱۱- ۱۹۸، ۱۷۹- ۱۷۸، ۱۲۴، ۳۳ / ۲، ۴۲۴، ۴۰۶، ۲۸۴، ۷۷، ۵۳، ۲۴ / ۱، روضات الجنات (۹۷- ۷۳ / ۶)، ریاض‌العارفین (۲۲۶- ۲۲۵)، ریاض‌العلماء (۱۸۲- ۱۸۰ / ۵)، ریحانه (۳۷۹- ۳۶۹ / ۴)، شخصیت‌های نامی (۳۸۳- ۳۸۲)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۴- ۴۰۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۴۹۲- ۴۹۱ / ۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۸۶- ۳۸۵)، فرهنگ سخنوران (۷۲۴)، فلاسفه‌ی شیعه (۵۶۰- ۵۵۶)، فوائد‌الرضویه (۶۴۲- ۶۳۳)، الکنی و الالقاب (۴۲- ۳۹ / ۳)،

لغت‌نامه (ذیل / فیض)، مجمع الفصحا (۴۹- ۴۸ / ۴)، مرقد المعارف (۴۰۵- ۴۰۴ / ۱)، مستدرک اعیان (۳۰۹- ۳۰۸ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۸- ۷۹۹ / ۵)، نتایج الافکار (۵۴۱)، وقایع السنین و الاعوام (۵۳۶- ۵۳۵)، هدیه الاحباب (۲۳۳).

فیض، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا فیض

محل تولد: مشکین شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی رضا فیض پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در ملایر و تهران در سال ۱۳۵۵ در رشته مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تحصیل شدم و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۷۰ واحد از این دوره را پشت سر گذاشتم. با پیروزی انقلاب و لزوم فعالیت در مؤسسات و نهادهای انقلاب اسلامی در نهاد مقدس جهاد سازندگی مشغول به کار شدم و تا سال ۱۳۶۱ در این نهاد و نیز ستاد مردمی هیئت های هفت نفره واگذاری و احیاء اراضی کشاورزی فعالیت نمودم. تلاش برای به تصویب رساندن قانون و آیین نامه واگذاری و احیاء در اراضی از جمله فعالیت های من در این دو نهاد است. در این زمان به علت علاقه مندی به علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم شده و تا سال ۱۳۷۲ به سطح و پنج سال خارج و یک سال تخصصی تفسیر و علوم قرآنی مشغول بودم. در این سال از طرف سازمان تبلیغات اسلامی (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) تا سال ۱۳۷۵ به بلغارستان اعزام و به عنوان نماینده فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مشغول تبلیغ و تدریس بودم. پس از بازگشت به عنوان مدیر مدرسه الهادی (ع) مشغول کار شدم و تا سال ۱۳۷۹ در این مدرسه و نیز برنامه ریزی تحصیلی و نیز ارزیابی تحصیلی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم مشغول به کار شدم. در این مدت دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی (سطح ۴) را نیز پشت سر گذاشتم. در سال ۱۳۷۹ پس از طی دوره یک ساله کارآموزی قضایی وارد قوه قضائیه شدم و اکنون به عنوان دادیار در دادسرای عمومی و انقلاب قم مشغول فعالیت می باشم. از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۹ روزانه یک یا دو درس ادبیات و فقه و اصول و اخلاق نیز تدریس نموده ام.

قابل، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی قابل

محل تولد: تربت جام

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۴/۵

زندگینامه علمی

مختصر از زندگی علمی و سیاسی آقای هادی قابل (جامی) در پنجم تیرماه ۱۳۳۴ شمسی در خانواده مذهبی و روحانی متولد شد. پدر ایشان از علمای مشهد مقدس و امام جمعه شهرستان فریمان بود. در سال ۱۳۴۹ پس از اخذ مدرک ششم ابتدایی وارد حوزه علمیه مشهد شد. دروس مقدماتی تا شرح لمعه را در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی میلانی گذراند. سپس با هجرت به قم تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم ادامه داد تا به درجه اجتهاد رسید. اساتید ایشان در ادبیات، حضرات آیات و حجج اسلام حجت هاشمی، رضوانی، ذاکری، اسلامی (در مشهد مقدس) و منطق، شرح نظام و منظومه، واعظی، آقا شیخ یحیی انصاری، نعیم آبادی و در اصول، شهید حاج شیخ عباس شیرازی، احمد بهشتی، دوزدوزانی، ستوده، موسوی تهرانی، سید علی محقق و در فقه، فاضل هرنندی، علوی گرگانی، ستوده، دوزدوزانی، طاهری خرم آبادی و در خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: منتظری، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، موسوی اردبیلی و یوسف صانعی بوده اند. همچنین از محضر اساتید بزرگوار، مشکینی، جوادی آملی، شهید حقانی و... دروس تفسیر قرآن، اخلاق و فلسفه را فرا گرفت. از آغاز طلبگی با مبارزات روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) آشنا شد. از سال ۱۳۵۳ که منبر و تبلیغ را آغاز کرد به بیان اندیشه های امام و مبارزاتی همچون مرحوم طاقانی، آیت الله منتظری، بازرگان و شریعتی پرداخت. در خرداد سال ۱۳۵۴ در مدرسه فیضیه پس از مضروب شدن، توسط مأموران گارد دستگیر و روانه زندان اوین شد. سپس به سربازی اعزام گردید که تا سال ۱۳۶۵ ادامه یافت. پس از مراجعه مجدد به حوزه علمیه و ادامه تحصیل، مبارزات خود را با جدیت بیشتری پیگیری کرد. در زمان اوج گیری مبارزات ملت ایران در سالهای ۵۶ و ۵۷ در شهرهای قم، نایین، تربت جام، فریمان و مشهد، هم پای ملت بزرگ ایران در تمامی صحنه ها حاضر بود.

قادری، عاصم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بن محمد باقر شریف کاشانی اصفهانی، استاد فن و تجوید و قرائت در اواخر قرن ۱۳ هجری در اصفهان بوده، و در نزد اساتیدش فن در کاشان و اصفهان قراءات را آموخته، و قریب چهل سال در اصفهان استاد قراء این شهر بوده، و عده ای کثیر شاگرد تربیت نموده.

از آثارش کتاب «وجیزه التجوید» به چاپ رسیده.

کتاب مزبور را شاگرد ایشان: مرحوم میرزا عبدالغفور شمس القراء استنساخ و تصحیح نموده، و پس از قریب چهل سال از فوت او به طبع رسانیده است، و در مقدمه ی آن عالم جلیل مرحوم آقا شیخ محمد حسین مشکینی تقریظ نوشته اند.

فوت عاصم در حدود سال ۱۳۲۰ روی داده است.

در کتاب نامبرده (۱۸۹) گوید: سند روایت خود را از طریق «منهاج النشر فی قراءات العشر» به عاصم می‌رسانم. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاری، محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن لطف‌الله معروف به ملا- شاه و ملا- حافظ. ظاهراً از شاگردان محقق کرکی، و خود و پدرش از علما و دانایان به علوم تجوید و قراءت می‌باشند. در سال ۹۶۳ نسخه‌ای از رساله‌ی رضاعیه‌ی استاد را استنساخ نموده ضمن مجموعه‌ی از رسائل استاد، همچنین حواشی محقق کرکی را در این سال بر کتاب شریع نوشته است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاری، محمد حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن حاج میرزا محمّد مهدی قاری اصفهانی از دانایان به علم تجوید و قرائت و از خطاطین معروف اواخر قرن سیزدهم است. یک نسخه از کتاب «تحفه حکیم مؤمن» به خطّ زیبای او در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است. در اصفهان در محله مسجد حکیم سکونت داشته است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قاسملو خویی، یعقوب

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یعقوب قاسملو خویی

محل تولد: خوی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

حقیق در شهرستان خوی از توابع آذربایجان غربی متولد شدم و پس از دوران کودکی در مدرسه بابالو شهبانق تحصیلات ابتدایی و

راهنمایی را به اتمام رساندم با توجه به اینکه در سوم راهنمایی شاگرد ممتاز شده بودم برادرانم پیشنهاد دادند که در رشته ریاضی فیزیک مشغول تحصیل شوم ولی برادر بزرگم چون فنی بود و در رشته برق استاد بود به من گفت که در هنرستان شهید رجایی خوی مشغول تحصیل شوم بنده نیز حرف او را گوش دادیم و در رشته برق در هنرستان مشغول شدم و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ دیپلم فنی شدم با توجه به اینکه برادرم در سال ۱۳۶۴ به فیض شهادت نایل شده بود و مادر مرحومه ام همیشه به من می گفت که تو باید راه برادرت را ادامه بدهی این فرمایش او همیشه در ذهنم بود و هنوز هم هست. باعث شد که ما جذب حوزه علمیه بشویم ابتدا تا پایه ششم در حوزه علمیه تبریز مشغول تحصیل شدیم از اساتید بنده در تبریز می توانم حجه الاسلام والمسلمین پور محمدی و حجه الاسلام وثوقی را نام ببرم که هر دو آدمهای اخلاقی و ملایی بودند. سپس در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و همزمان در دانشگاه مفید مشغول تحصیل در رشته فلسفه محض شدم و دانشگاه از محضر اساتیدی همچون حجج الاسلام دیوانی، انتظام، کامران و ادیب بهره های فراوانی بردم و در رسائل و مکاسب از محضر استاد بزرگوار حجه الاسلام و المسلمین محمد باقری شاهرودی بهره بردم و کفایه را نیز از محضر آیت الله اعتمادی بهره بردم سپس در سال ۱۳۸۵ به قصد تبلیغ در وزارت دفاع مشغول شدم همزمان در درس خارج فقه حضرت آیت الله خامنه ای و در خارج اصول حضرت آیت الله شاهرودی به مدت دو سال استفاده های معنوی و علمی بردیم و با توجه به اتمام ماموریت در وزارت دفاع به قم باز گشتم و به امر تبلیغ و تالیف و تحصیل مشغول هستم اینجانب دارای تالیفات زیر می باشم. ۱. دین و آزادی ۲. طیب عاشقان (خاطرات و اشعار علامه طباطبایی) ۳. فروغ دانایی (خاطرات علامه جعفری) ۴. خلاصه الغدیر ۵. گامی به سوی تدوین منشور وحدت اسلامی ۶. مقاله در زمینه اشعار علامه طباطبایی در کتاب مرزبان وحی چاپ دفتر تبلیغات اسلامی.

قاسمی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین قاسمی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین قاسمی متولد شهرستان کاشان، پس از گذراندن تحصیلات کلاسیک در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مرحوم آیت الله یثربی در کاشان شدم و پس از طی مقدمات و سطوح ابتدائی حوزه در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و از آن زمان تاکنون سطوح مختلف حوزوی را گذرانده و اکنون در مقطع خارجی سطح مشغول به تحصیل هستم. البته در کنار دروس حوزوی در زمینه های فلسفی و کلامی مطالعاتی در رشته و دارم و در ضمن تالیفاتی نیز در هر دو حوزه فقهی و فلسفی داشته ام.

قاسمی، علی محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی محمد قاسمی

محل تولد: نیک آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم قسمتی از دوره سطح را در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی و قسمتی دیگر را بطور آزاد در محضر اساتید بزرگوار هم چون آیت الله ستوده، آیت الله اعتمادی، آیت الله پایانی و آیت الله فاضل گذارندم پس از پیروزی انقلاب و اتمام تقریبی سطح از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام، وحید خراسانی و تبریزی بیشترین استفاده را کردم و قبل از آن از محضر آیات عظام آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله جوادی آملی نیز بهره مند شدم، کنار درسهای فقه و اصول و همزمان با شروع درس خارج دوره آموزشی مؤسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقر العلوم را با موفقیت گذراندم (بین سالهای ۶۸-۶۱) و در بنیاد باقر العلوم، در کنار برنامه آموزشی شروع به کارهای تحقیقاتی بطور دسته جمعی نمودیم. در کنار کارهای تحقیقاتی و همزمان با گذراندن دوره آموزشی کارشناسی ارشد موفق به اخذ کارشناسی ارشد از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم. خدای متعال توفیق داد که بیش از ۱۵ سال در مدرسه عترت (ع) مشغول تدریس اصول و کلام شدم که هم اکنون نیز ادامه دارد و از سال ۷۷ تا کنون نیز در مؤسسه امام خمینی (ره) قبل از آن در مؤسسه در راه حق و گاهی در برخی مؤسسات همانند جامعه الزهراء، مرکز جهانی علوم اسلامی و... اشتغال به تدریس دروس معارف و تفسیر موضوعی قرآن دارم. حدود پنج سال است که عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره) مشغول تدریس و در ساعاتی که فراغت باشد مشغول تهیه معجم موضوعی معاد و توحید هستم.

قاضی القضاة همدانی اسدآبادی، ابوالحسن، ابوالحسن عبدالجبار

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۵ / ۴۱۴ ق)، عالم امامی، قاضی، متکلم، مفسر، فقیه شافعی و اصولی معتزلی. وی شیخ معتزلیان در روزگار خود بود و آنان وی را به لقب قاضی القضاة ملقب ساخته بودند. از علی بن ابراهیم بن سلمه قطان قزوینی و از عبدالله بن جعفر بن فارس اصفهانی

در اصفهان استماع حدیث کرد و همچنین از زیبر بن عبدالواحد اسدآبادی حفاظ و عبدالرحمن بن حمدان حدیث شنید. در بازگشت از حج به بغداد رفت و در آن جا حدیث گفت. ابوالقاسم تنوخی و حسن بن علی صیمری فقیه و ابویوسف عبدالسلام قزوینی مفسر و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. او از استادان سیدرضی و با یک واسطه از مشایخ روایت خطیب بغدادی است. مناظره‌ی شیخ مفید با او در موضوع حدیث غدیر و اصحاب جمل مشهور است که در پایان مفید را به جای خود بر مسند نشانند و گفت حقا که تو مفیدی. او به دعوت صاحب بن عباد و وزیر از بغداد به ری آمد و به تدریس مشغول شد و همچنین عهده‌دار مقام قضاوت ری و تمام توابع آن بود و در همان جا نیز درگذشت. مصنفات بسیاری در مذهب اعتزال بدو منسوب است و گویند که هزاران ورق بوده است. از آثار وی: «تنزیه القرآن عن المطاعن»؛ «علم الکیمیا»؛ «العمده فی اصول الفقه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «دلائل النبوه»؛ «امال» یا «الامالی»، در حدیث؛ «طبقات المعتزله»؛ «المجتبی فی القرات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴۷ / ۴)، انساب سمعانی (۱۳۷- ۱۳۶ / ۱)، ایضاح المکنون (۴۳۰ / ۲، ۴۷۸، ۳۲۹ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۹، ۲۷۹ / ۱)، تاریخ بغداد (۱۱۵- ۱۱۳ / ۱۱)، روضات الجنات (۱۸- ۱۶ / ۵)، ریحانه (۴۱۶- ۴۱۵ / ۴)، سیر النبلاء (۲۴۵- ۲۴۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۰۳- ۲۰۲ / ۳)، العبر (۲۲۹ / ۲)، الکامل (۳۱۵ / ۷)، کشف الظنون (۱۱۰۷)، الکنی و الالقاب (۵۳ / ۳)، لسان المیزان (۲۱۳- ۲۱۱ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل / عبدالجبار)، معجم المؤلفین (۷۹- ۷۸ / ۵)، الوافی بالوفیات (۳۴- ۳۱ / ۱۸)، هدیه العارفین (۴۹۹- ۴۹۸ / ۱).

قاضی رئیس نسوی، ابوعمرو، ابوعمر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۸- ۳۷۸ ق)، قاضی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، مفتی، ادیب و شاعر. در نسای خراسان به دنیا آمد و در آنجا نشوونما یافت، و از قاضی حسن دامانی نسوی فقه آموخت. سپس به عراق و مصر و شام و مکه مسافرت کرد و تحصیل علم نمود و از ابو بکر حیری و ابواسحاق اسفراینی در نیشابور و ابوذر هروی در مکه و ابن‌نظیف در مصر و ابوالحسن علی بن موسی سمسار در دمشق و ابوعمر اسماعیلی در گرگان حدیث شنید. او مجالس املائی حدیث برپا کرد و درباره‌ی احادیث سخن گفت. ابو عبدالله فراوی و عبدالمنعم قشیری و دیگران از وی روایت کردند. وی مورد اعتماد سلجوقیان بود و در رسالت‌های مهم از وی استفاده می‌کردند. امیر طغرل بیگ او را به دارالخلافه‌ی بغداد فرستاد و وی از جانب ملک‌شاه سلجوقی مأموریت یافت تا دختر خلیفه را خواستگاری کند. القائم بامرالله او را عهده‌دار امر قضاوت خوارزم کرد و به وی لقب اقصی القضاة بخشید. اهل خوارزم از وی حدیث روایت کرده‌اند. او دارای آثاری در زمینه‌ی «فقه» و «تفسیر» بود. وی در ادبیات نیز مهارت داشت و شعر می‌گفت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶۴ / ۷)، سیر النبلاء (۴۷۸- ۴۷۷ / ۱۸)، طبقات المفسرین الداوودی (۱۸۱- ۱۷۸ / ۲).

قاضی زاده، کاظم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کازم قاضی زاده

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات دبستان و دبیرستان را به سرعت طی کرد و در سال ۱۳۵۶ (۱۶ سالگی) به دانشگاه و در رشته فیزیک مشغول تحصیل شد. همراه با انقلاب فرهنگی به حوزه علمیه قم آمد دروس سطح را نیز در حدود شش سال فرا گرفت و از سال ۱۳۶۶ به درس خارج اساتید حوزه حاضر شد. وی تا سال ۱۳۸۰ (به مدت ۱۵ سال) از دروس خارج حوزه بهره برد. اهم اساتید وی به ترتیب استفاده زمانی بیشتر عبارتند از: آیت الله تبریزی، آیت الله سید کاظم حائری، آیت الله منتظری، آیت الله سید محمود هاشمی، آیت الله جوادی آملی (در تفسیر)، آیت الله سید موسی شبیری، آیت الله محمد فاضل لنکرانی و آیت الله وحید خراسانی. گرچه وی اقدامی جهت اخذ مدرک رسمی از حوزه علمیه نکرده است اما در امتحان کتبی و شفاهی مجلس خبرگان در سال ۱۳۷۷ که در سطح تایید تجربی در اجتهاد داوطلبان شرکت و در نامزدی مجلس خبرگان رهبری برگزار می شد شرکت کرده و با درجه عالی موفق به قبولی در امتحانات مربوطه شد. وی در سال ۱۳۷۱ همزمان با تحصیلات فردی در دوره کارشناسی ارشد تربیت مدرس قم تحصیل کرد و با ادامه آن در مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث در این رشته نیز موفق به اتمام شد. اهم فعالیت‌های علمی وی تدریس در حوزه و دانشگاه بوده است. از سال ۱۳۶۰ تدریس حوزوی را با تدریس ادبیات و منطق شروع کرد و در ادامه با تدریس فقه و اصول ادامه داد. در آغاز مدارس رضویه و رسالت محل تدریس وی بود ولی در سطوح عالی حوزه در مدرسه آیت الله گلپایگانی، مسجد امام زین العابدین و مدرسه آیت الله بروجردی مشغول به تدریس بوده و هست. هم اکنون پنج سال است که به تدریس خارج فقه اشتغال دارد. از سال ۱۳۸۰ نیز تدریس در دانشگاه را آغاز کرد و هم اکنون در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد به تدریس تفسیر و علوم قرآن، حدیث و رجال نیز اشتغال دارد.

قاضی سعید، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۰۳-۱۰۴۹ ق)، حکیم، ادیب، عارف، مفسر، محدث، محقق، قاضی و عالم امامی. معروف به قاضی سعید و ملا سعید قمی و ملقب به حکیم کوچک. از دانشمندان بزرگ شیعه و از مفاخر حدیث و حکمت و عرفان و ادبیات بود. وی از شاگردان ملا محسن فیض کاشانی و ملا- عبدالرزاق لاهیجی و ملا- رجبعلی تبریزی بود. او بسیار مورد توجه و تجلیل شاه‌عباس دوم و درباریانش بود. مدتی عهده‌دار منصب قضاوت قم بود و این خود حاکی از تبحر وی در شرعیات می باشد. در قم درگذشت. از آثار وی: شرحی بر کتاب «توحید» صدوق، در چند مجلد؛ «اسرار الصنایع»، در صناعات خمسه‌ی قیاسیه منطقیه: شعر، خطابه، برهان، جدل و مغالطه که از «صنایع» میرفندرسکی الهام گرفته است؛ «شرح حدیث بساط»، که در ۱۰۹۹ ق، در اصفهان، از تألیف آن فراغت یافت؛ رساله‌ی

«کلید بهشت» در اشتراک لفظی اسماء الله، به فارسی؛ حاشیه بر «اثولوجیا»ی ارسطو؛ حاشیه «شرح اشارات خواجه»؛ «الاربعون حدیثا»، شرح چهل حدیث در معارف که سراسر تحقیقات علمی است؛ رساله‌ی «الاربعونیات لکشف الأنوار القدسیات»، چهل رساله، در چهل باب از معارف که هر یک از آنها را به اسمی خاص نامیده است، رساله اول «روح الصلاه»، که آن را به استادش ملا محسن فیض کاشانی اهداء نموده و دیگری «حقیقه الصلاه» و دیگری «فوائد رضویه» و دیگری «الحدیقه الوردیه و السوانح المعراجیه» و... برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۴۴/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۰-۳۳۶/۵)، الذریعه (۱۳۲/۱۸، ۳۴۱-۳۴۰/۱۶، ۱۵۴-۱۵۳/۱۳، ۴۹، ۷/۳۹۱، ۱۱۱، ۱۲، ۶/۴۷۹، ۴/۵۱، ۲/۴۳۷-۴۳۶، ۴۱۸-۴۱۷/۱)، روضات الجنات (۱۲-۱۰/۴)، ریاض العلماء (۲۸۵-۲۸۴/۲)، ریحانه (۴۱۳-۴۱۲/۴، ۵۹/۲)، الکنی و الالقاب (۵۲/۳)، معجم المؤلفین (۳۸/۱۰).

قاضی بزدی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، عالم امامی و مفسر. احتمالاً-وی از سادات و به هر حال از بزرگان علمای امامیه قرن یازدهم هجری است. لقب اصلی او قاضی است. از آثار وی: شرح «آیات الاحکام»، به فارسی موسوم به «تفسیر قطب شاهی» که تفسیر پانصد آیه احکام قرآنی است که به نام سلطان محمد قطب شاه تالیف شده است؛ تفسیر آیه «و جزاء سیئه سیئه مثلها»؛ شرح حدیث «ان الله لا یجمع امتی علی ضلاله»؛ رساله‌ای در «الجمع بین قول النبی (ص): ما عرفناک حق معرفتک، و قول امیرالمومنین (ع): ما شککت فی الحق منذ رایته، و لو کشف الغطاء ما ازدت یقینا».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۳۰/۷)، الذریعه (۱۳۴/۵، ۳۰۲-۳۰۱/۴)، ریحانه (۱۷۴-۱۷۳/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/۲۵۵).

قاضی، علی آقا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید علی آقا قاضی فرزند حاج سید حسین قاضی است. ایشان در سیزدهم ماه ذی الحجّه الحرام سال ۱۲۸۲ هـ.ق. از بطن دختر حاج میرزا محسن قاضی، در تبریز متولد شد و او را علی نام نهادند، بعد از بلوغ و رشد به تحصیل علوم ادبیه و دینیه مشغول گردید و مدتی در نزد پدر بزرگوار خود و میرزا موسی تبریزی و میرزا محمد علی قراچه داغی درس خواند.

در ایشان، سید حسین قاضی، انسانی بزرگ و وارسته بود که از شاگردان برجسته آیت الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی بود و از ایشان اجازه اجتهاد داشت.

درباره ایشان گفته اند زمانی که قصد داشت سامرا را ترک کند و به زادگاه خویش تبریز باز گردد استادش میرزای شیرازی به وی فرمود در شبانه روز یک ساعت را برای خودت بگذار.

یک سال بعد چند نفر از تجار تبریز به سامرا مشرف می‌شوند و با آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی ملاقات می‌کنند؛ وقتی ایشان احوال شاگرد خویش را جویا می‌شود، می‌گویند:

« یک ساعتی که شما نصیحت فرموده اید، تمام اوقات ایشان را گرفته، و در شب و روز با خدای خود مراوده دارند. » تحصیلات سید علی قاضی از همان ابتدای جوانی تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوار سید حسین قاضی و میرزا موسوی تبریزی و میرزا محمد علی قراچه داغی آغاز کرد.

پدرش به علم تفسیر علاقه و رغبت خاص و ید طولایی داشته است، چنانکه سید علی آقا خودش تصریح کرده که تفسیر کشاف را خدمت پدرش خوانده است. همچنین ایشان ادبیات عربی و فارسی را پیش شاعر نامی و دانشمند معروف میرزا محمد تقی تبریزی معروف به «حجۀ الاسلام» و متخلص به «نیر» خوانده و از ایشان اشعار زیادی به فارسی و عربی نقل می‌کرد و شعر طنز ایشان را که هزار بیت بود از بر کرده بود و می‌خواند.

ایشان در سال ۱۳۰۸ هـ.ق. در سن ۲۶ سالگی به نجف اشرف مشرف شد و تا آخر عمر آن جا را موطن اصلی خویش قرار داد. آیت الله سید علی آقا قاضی از زمانی که وارد نجف اشرف شد، دیگر از آنجا به هیچ عنوان خارج نشد مگر یک بار برای زیارت مشهد مقدس حدود سال ۱۳۳۰ هـ.ق به ایران سفر کرد و بعد از زیارت به طهران بازگشت و مدت کوتاهی در شهری در جوار شاه عبدالعظیم اقامت گزید. اساتید

ایشان در نجف نزد مرحوم فاضل شرایبانی، شیخ محمد حسن مامقانی، شیخ فتح الله شریعت، آخوند خراسانی، عارف کامل حاج امامقلی نخجوانی و حاجی میرزا حسین خلیلی درس خواند و مخصوصاً از بهترین شاگردان این استاد اخیر به شمار می‌آمد که در خدمت وی تهذیب اخلاق را تحصیل کرد. آقازاده سید علی آقا قاضی نقل می‌کند:

« ... میرزا علی آقا قاضی بسیار از استادش میرزا حسین خلیلی یاد می‌کرد و او را به نیکی نام می‌برد و من ندیدم کسی مثل این استادش او را در شگفتی اندازد و هر وقت نام این استاد نزدش برده می‌شد به او حالت بهت و سکوت دست می‌داد و غرق تأملات و تفکرات می‌شد! »

ایشان از سن نوجوانی تحت تربیت والد گرامی، آقا سید حسین قاضی بود و جوهره حرکت و سلوک ایشان از پدر بزرگوارشان می‌باشد و بعد از آن که به نجف اشرف مشرف شدند، نزد آیت الله شیخ محمد بهاری و آیت الله سید احمد کربلایی معروف به واحد العین و به کسب مکارم اخلاقی و عرفانی پرداخت و این دو نیز از میرزترین شاگردان ملاحسینقلی همدانی (ره) بودند. درباره ملاحسینقلی همدانی حکایات های بس شگفت آوری نقل شده، که گویای عظمت، روح بلند و نفوذ معنوی ایشان می‌باشد. او با عشق و همت بی نظیر زمان زیادی از عمرش را به تربیت مستعدین سپری کرد تا این که توانست ۳۰۰ نفر را تربیت کند که هر یک از آنها یکی از اولیای الهی شدند، مانند شیخ محمد بهاری، مرحوم سید احمد کربلایی، مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و ...

سلسه اساتید ملاحسینقلی همدانی به حاج سید علی شوشتری و سپس به شخصی به نام ملاقلی جولا می‌رسد. آقا سید علی قاضی در عراق به خدمت جمعی از اکابر اولیاء رسید و از آن جمله سالهایی چند در تحت تربیت مرحوم آقا سید احمد کربلایی معروف به واحد العین، قرار گرفت و از صحبت آن بزرگوار به درجات اولیاء ابرار ارتقاء گزید، چندان که در تهذیب اخلاق شاگردان و مریدان و ملازمان چندی را تربیت کرد.

آقا سید علی آقای قاضی درباره این استادش می‌فرماید:

« شبی از شبها را به مسجد سهله می‌گذارندم - زاده الله شرفاً - به تنهایی به نیمه شب یکی در آمد و به مقام ابراهیم علیه السلام مقام

کرد و از پی فریضه صبح در سجده شد تا طلوع خورشید. آنگاه برفتم و دیدم عین الانسان و الانسان العین آقا سید احمد کربلایی بکاء است، و از شدت گریه، خاک سجده گاه گل کرده است! و صبح برفت و در حجره نشست و چنان می خندید که صدای او به بیرون مسجد می رسید.»

آیت الله شیخ علی سعادت پرور نقل می کند:

« وقتی مرحوم آقا سید علی قاضی جوانی بیش نبود، پدر مرحومش آقا سید حسین قاضی که خود از دست پروردگان مرحوم عارف کامل حاج امامقلی نخجوانی بود به آقای قاضی سفارش کرده بود که هر روز به محضر استاد مشرف شده و چند ساعتی در محضرش بنشیند، اگر صحبت و کلامی شد که بهره گیرد و گرنه به صورت و هیئت استاد نظاره نماید. در آن روزها، مرض وبا در نجف غوغا می کرد، فرزندان مرحوم آقا امامقلی نخجوانی یکی پس از دیگری در اثر مرض وبا رحلت می کردند و ایشان بدون هیچ ناراحتی و انزجار قلبی به شکرگزاری مشغول بود. وقتی از وی علت این عمل را جویا شدند فرمود:

قباله های زمین را دیده اید که وقتی کسی صاحب یکی از آنها شد، هر کاری که دلش خواست با زمین اش انجام می دهد؛ حالا هم خدای سبحان صاحب و مالک اصلی این فرزندان و همه چیز من است و هر کاری که بخواهد با آنان انجام می دهد و کسی را حق سوال و اعتراض نیست! » درجه اجتهاد

پس از اقامت در نجف اشرف، تحصیلات حوزوی خود را نزد اساتیدی از جمله فاضل شریانی، شیخ محمد مامقانی، شیخ فتح الله شریعت، آخوند خراسانی و... ادامه دادند و سرانجام کوشش های خستگی ناپذیر مرحوم آیت الله قاضی در راه کسب علم، کمال و دانش، در سن ۲۷ سالگی به ثمر نشست و این جوان بلند همت در عنفوان جوانی به درجه اجتهاد رسید. جامعیت علمی آقا سید هاشم حداد از شاگردان ایشان می فرمود:

« مرحوم آقا (قاضی) یک عالمی بود که از جهت فقهت بی نظیر بود. از جهت فهم روایت و حدیث بی نظیر بود. از جهت تفسیر و علوم قرآنی بی نظیر بود. از جهت ادبیات عرب و لغت و فصاحت بی نظیر بود، حتی از جهت تجوید و قرائت قرآن. و در مجالس فاتحه ای که احیاناً حضور پیدا می نمود، کمتر قاری قرآن بود که جرأت خواندن در حضور وی را داشته باشد، چرا که اشکالهای تجویدی و نحوه قرائتشان را می گفت... »

آیت الله خسروشاهی از علامه طباطبائی نقل می کردند که:

کتابهای معقول را خواندم ولی وقتی خدمت سید علی آقا قاضی رسیدم فهمیدم که یک کلمه هم نفهمیدم!

مرحوم قاضی در لغت عرب بی نظیر بود، گویند: چهل هزار لغت از حفظ داشت. و شعر عربی را چنان می سرود که اعراب تشخیص نمی دادند سراینده این شعر عجمی (غیر عرب) است. روزی در بین مذاکرات، مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالله مامقانی (ره) به ایشان می گوید:

من آن قدر در لغت و شعر عرب تسلط دارم که اگر شخص غیر عرب، شعری عربی بسراید من می فهمم که سراینده عجم است، اگرچه آن شعر در اعلی درجه از فصاحت و بلاغت باشد. مرحوم قاضی یکی از قصائد عربی را که سراینده اش عرب بود شروع به خواندن می کند و در بین آن قصیده، از خود چند شعر بالبداهه اضافه می کند و سپس به ایشان می گوید: کدام یک از اینها را غیر عرب سروده است؟ و ایشان نتوانستند تشخیص دهند.

مرحوم قاضی در تفسیر قرآن کریم و معانی آن ید طولائی داشت و علامه طهرانی از قول مرحوم استاد علامه طباطبائی می فرمودند: « این سبک تفسیر آیه به آیه را مرحوم قاضی به ما تعلیم دادند و ما در تفسیر {المیزان}، از مسیر و روش ایشان پیروی می کنیم. ایشان در فهم معانی روایات وارده از ائمه معصومین علیهم السلام ذهن بسیار باز و روشنی داشتند و ما طریقه فهم احادیث را که « فقه الحدیث » گویند از ایشان آموخته ایم. » شاگردان

آیت الله قاضی طی سه دوره، اخلاق و عرفان اسلامی را با کلام نافذ و عمل صالح خویش تدریس فرمودند و در هر دوره شاگردانی پرورش دادند که هر کدام از بزرگان وادی عرفان و اخلاق محسوب می شوند؛ و البته فقط نام تعدادی از آن ها بر ما معلوم است و این که ایشان در حقیقت چه کسانی را تا قله های بلند عرفان و معنویت بالا کشیده و از شراب گوارای معرفت بر کامشان ریختند، برای ما بصورت کامل و دقیق آشکار نیست. اما به تعدادی از آن ها که مبرز و شناخته شده هستند، اشاره می کنیم:

آیت الله شیخ محمد تقی آملی (ره)

آیت الله سید محمد حسین طباطبائی (ره)

آیت الله سید محمد حسن طباطبائی (ره)

آیت الله محمد تقی بهجت فومنی (حفظه الله)

آیت الله سید عباس کاشانی (حفظه الله)

آیت الله سید عبد الکریم کشمیری (ره)

آیت الله شهید سید عبدالحسین دستغیب (ره)

آیت الله علی اکبر مرندی (ره)

آیت الله سید حسن مصطفوی تبریزی

آیت الله علی محمد بروجردی (ره)

آیت الله نجابت شیرازی (ره)

آیت الله سید محمد حسینی همدانی

آیت الله سید حسن مسقطی (ره)

آیت الله سید هاشم رضوی کشمیری (ره)

حاج سید هاشم حداد (ره)

و ... در پی محبوب

ایشان از جوانی به دنبال تزکیه و تهذیب نفس و کسب معنویت و معارف بلند اسلام بود و در این راه چهل سال صبر و مجاهده کرد و چهل سال درد طلب و عشق، آرام و قرار و خواب و خوراک را از وی ربوده بود.

ضمیر الهی اش او را به عالم قدس می خواند و او که قصد کوی جانان را در سر دارد، می خواهد به هر نحو شده از این خاکدان طبیعت به عالم نور و ملکوت پا گذارد.

می داند که جانب عشق عظیم است و نباید به راحتی از دستش بدهد و فرو بگذاردش، برای همین چهل سال است که مشغول مجاهده است.

چهل سال است که آداب عبودیت می آموزد و هنوز معشوق به حضور خود راهش نداده است!

خود ایشان می گوید:

« نزد هر کس احتمال می دادم از او چیزی بفهمم، می نشستم اگر مطلبی را می فهمیدم، که خود خدا نعمت داده بود و اگر نمی فهمیدم دیگر به آن شخص مراجعه نمی کردم. » تقید تام به آداب شرع

برای همین آن قدر خود را به ضوابط و آداب شرع و رعایت مستحبات و ترک مکروهات ملزم ساخته بود تا امری از محبوب فرو نماند و آن قدر بر آن اصرار می کند که به حسب طاقت بشری هیچ مستحبی از او فوت نمی شود تا آن جا که بعضی از مخالفان و معاندان می گویند:

« قاضی که این قدر خود را مقید به آداب کرده شخصی ریایی و خودنماست. »
 و عده ای دیگر هم با وجود مخالفت باز نمی توانند تحسینش نکنند.
 یکی از مخالفین ایشان می گوید:

« من سفر بسیار کردم، با بزرگان عالم اسلام محشور بوده ام و از احوال بسیاری از آنان بالمشاهده آگاهم اما حقیقتاً هیچ کس را همانند قاضی تا بدین حد مقید به آداب شرع ندیده ام. »
 خود ایشان می گوید:

« چون بیست سال تمام چشمم را کنترل کرده بودم، چشم ترس برای من آمده بود، چنان که هر وقت می خواست نامحرمی وارد شود از دو دقیقه قبل خود به خود چشم هایم بسته می شد و خداوند به من منت گذاشت که چشم من بی اختیار روی هم می آمد و آن مشقت از من رفته بود. »

و ایشان نا امید نمی شود، می داند که طلب حقیقی جدا از مطلوب نیست زیرا که شنیده است:
 « اذا تقرب الی شبراً تقربت الیه ذراعاً: »

و هر گاه به اندازه یک وجب به من نزدیک شود به اندازه زراعی به او نزدیک شوم.»
 این قدم ها باید برداشته شود و آن نزدیکی باید حاصل گردد تا زمانی که عاشق به معشوق برسد و پرده ها کامل برداشته شود و وصال صورت گیرد و البته معلوم است که معشوق خود در همه جا پیشقدم و مشتاق تر است.
 « او نیز اطمینان دارد که باز نشدن در روحانیت، نه از ناحیه بی التفاتی معشوق است بلکه اگر در، بی موقع باز شود صد در صد خام از کار در آید! »

و بعدها آیت الله قاضی که خود چهل سال پشت در مانده، و صادق بودن خود را در آن عشق و محبت به محبوب و معبود ازل ثابت کرده، درس استقامت و صبوری را به شاگردانش هم می آموزد و چنین می گوید:
 « اگر به جستجوی آب زمین را کندی، نباید خسته و ناامید شوی، اگر وقتش باشد به آب می رسی، و گرنه ناامید مشو که بالاخره به آب می رسی و حتی آبرایت فوران می کند. »
 آیت الله نجابت از قول ایشان می گوید:

« چهل سال است دم از پروردگار عالم زدم. چند مرتبه خواستند مرا بکشند، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی نگذاشت و خدا هم کمکم کرد! در این مدت نه خوابی دیدم، نه مکاشفه ای، نه رفیقی، نه همدردی، چهل سال است که در را می کوبم و خبری نیست. » صبر و استقامت چهل ساله

بیت زیر از اشعار ایشان می باشد:

ولا تکن کمثل من ان فتح الباب خرج

والزم و کن کمثل من ان فتح الباب ولج

اگر دری باز شد، تو بیشتر استقامت به خرج بده؛ بگو خدایا! افزونش کن؛ باید در عبودیت استقامت ورزید، یعنی صبور شد؛ اگر خواستند بکشندش، بگوید من از خدا دست بر نمی دارم؛ اگر نان و آبش را قطع کردند، استقامت کند، و حتی اگر دنیا جمع شود و بگویند بیا صرفنظر کن بگوید صرفنظر نمی کنم.

و آیت الله قاضی به این زودی ها خسته نمی شود.

و می گوید:

« هر چه بادا باد، در بحر جنون پا می زنم، امشب کشفی نصیبم شد شد، نشد نشد، امشب خوابی دیدم دیدم، ندیدم ندیدم، من

کشف نمی خواهم تمام این مدت چهل سال آن هم برای زرق و برق و کشف و کرامتی چند، نه! من معرفت خودش را می خواهم، من خودش را می خواهم.»

اسم اعظم را استقامت بر وحدانیت خدای جل و علا می داند و می گوید:

« اگر شخص در طلب، استقامت پیدا کرد، اسم اعظم در روح او جا پیدا می کند و آن وقت لایق اسرار ربوبی می گردد.»
و خود چون استقامت دارد، سرانجام صدای فرشتگان را می شنود که:

« ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تنزل علیهم الملائکه الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنه التي کنتم توعدون:

آنان که گفتند پروردگار ما الله است و بر این ایمان پایدار ماندند، فرشتگان بر آن ها نازل شوند که دیگر هیچ ترسی و حزن و اندوهی نداشته باشید و شما را به همان بهشتی که وعده دادند بشارت باد. سوره فصلت آیه ۳۰.» فتح باب

آیت الله قاضی همیشه نماز مغرب و عشاء را، در حرمین شرفین امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام به جا می آورد، و چون به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام می رسد، با خود می اندیشد که تا به حال در مدت این چهل سال هیچ چیز از عالم معنا برایم ظهور نکرده، هر چه دارم به عنایت خدا و به برکت ثبات است.

در راه سید ترک زبانی که دیوانه است، به طرف او می دود و می گوید؛ سید علی، سید علی، امروز مرجع اولیاء در تمام دنیا حضرت ابوالفضل علیه السلام هستند، و او آن قدر سر در گریبان است که متوجه نمی شود آن سید چه می گوید! به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام می رود. اذن دخول و زیارت و نماز زیارت می خواند و می خواهد که مشغول نماز مغرب شود.
آیت الله نجابت می گوید:

« تکبیره الاحرام را که می گوید، می بیند که وضع در اطراف حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام به طور کلی عوض می شود، آن گونه که نه چشمی تا به حال دیده و نه گوشی شنیده و نه به قلب بشری خطور کرده است. قرائت را کمی نگه می دارد تا وضع تخفیف یابد و بعد دوباره نماز را ادامه می دهد، مستحبات را کم می کند و نماز را سریع تر از همیشه به پایان می رساند. به حرم امام حسین علیه السلام نمی رود و به دنبال جایی خلوت به خانه رفته و برای این که با اهل منزل هم برخورد نکند به پشت بام می رود. آن جا دراز می کشد و دوباره آن حال می آید و بیشتر می ماند. تا اهل منزل سینی چای را می آورد، آن حال می رود. نماز عشاء را می خواند و دوباره آن وضع بر می گردد؛ چیزی که تا به حال حتی به گفته خودش یک ذره اش را هم ندیده است و حالا که دیده نه می تواند در بدن بماند و نه می تواند بیرون بیاید. دوباره که شام را می آوردند، آن حال قطع می شود و نیمه شب دوباره بر می گردد و مدت بیشتری طول می کشد.»

آری و بالاخره درهای آسمان برایش گشوده و فتح باب می شود.
می گوید:

« آن چه را می خواستم، تماماً بدست آوردم و امام حسین علیه السلام در را به رویم گشود. ابن فارض یک قصیده تائیه برای استادش گفته؛ من هم یک قصیده تائیه برای امام حسین علیه السلام گفته ام نمره یک! که کار مرا ایشان درست کرد و در غیب را به نحو اتم برایم باز کرد.»

« او در اثر طلب حقیقی و استقامت به خانه که نه، به خود صاحبخانه رسیده است و یار او را به درون خانه راه داده؛ او از حصار تنگ دنیا که خیال و سرابی بیش نبوده و حقیقی ندارد، گذشته و به عالم روح و مجردات پیوسته است و چون فهمیده که از عالم خیال چیزی نصیبش نمی شود، باب خیال برایش بسته می شود.»

آیت الله نجابت نقل می کند:

دفعه اولی که ما آیت الله قاضی را دیدیم، خیلی با ما گرم گرفتند و ما را تحویل گرفتند. در اثر این التفات زیاد، من زبانم باز شد و

گفتم: آقا این وضع اهل معرفت به خیال است یا به حقیقت؟ ناگهان ایشان چشمهایش درشت شد و گفت: «ای فرزندم من چهل سال است با حضرت حق هستم و دم از او می‌زنم این پندار و خیال است؟!» رحلت به هر حال، میرزا علی آقا قاضی پس از سالها تدریس معارف بلند اسلامی و تربیت شاگردان الهی، در روز دوشنبه چهارم ماه ربیع المولود سال ۱۳۶۶ مطابق هفتم بهمن ماه در نجف اشرف وفات کرد و در وادی الاسلام نزد پدر خود دفن شد. مدت عمر شریف ایشان هشتاد و سه سال و دو ماه و بیست و یک روز بوده است.

ایشان در سال‌های آخر عمر عطش و بی‌تابی، جسم و روحش را با هم می‌سوزاند و او مرتب آب می‌خواهد و می‌گوید: «در سینه ام آتش است ساکت نمی‌شود.»

و دائم با خود تکرار می‌کند:

گفت من مستسقی ام آبم کشد

گر چه می‌دانم که هم آبم کشد

طبیعیست به وی می‌گوید:

«آقا من طیب شما هستم، به شما می‌گویم در این ماه رمضان روزی ۳-۲ لیوان آب بخورید.»

و او که می‌داند این آب آن آتش را خاموش نمی‌کند تا آخر روزه هایش را کامل می‌گیرد و می‌گوید:

«رها کن تا که چون ماهی گدازان غمش باشم»

لحظات احتضار سخت‌ترین لحظات برای زمین و زیباترین لحظات برای عارف است.

آیت الله کشمیری می‌فرمودند:

هنگام احتضار، خودش با اشاره به بدن خود می‌فرمود:

«این دارد می‌رود.»

و هنگام غسل مشاهده شد که صورتش باز و لبانش خندان بود.

باز آیت الله کشمیری فرمودند:

«بعد از وفاتش خواستم بفهمم مقام ایشان چقدر است، در رؤیا دیدم از قبر آقای قاضی تا به آسمان نور کشیده شده است، فهمیدم

خیلی مقام والایی دارد.»

سید عبدالحسین قاضی نوه ایشان جریان شب رحلت آقای قاضی را این‌طور بیان می‌کند:

«ایشان مدتی بیمار بودند. یک شب به پدرم که در آن زمان ۲۰ ساله بودند می‌گویند که امشب نخواب و بیدار باش. پدرم هم

متوجه نمی‌شود که جریان چیست.

ایشان نقل می‌کند که ساعتی از نیمه شب آقای قاضی او را صدا می‌زنند و رو به قبله دراز می‌کشند و می‌گویند من در حال

مرگ هستم و به او سفارش می‌کنند که همسر و بچه‌های دیگرشان را بیدار نکند و تا صبح بالای سرشان بنشیند و قرآن بخواند.

پدرم می‌گوید علی‌رغم این که اگر کسی بداند که پدرش در حال مرگ است و هیچ‌نگوید، سخت است، اما من این موضوع را با

کمال آرامش پذیرفتم و به کسی هیچ‌نگفتم و پیش او نشستم.

آقای قاضی به من فرمودند که دارم راحت می‌شوم و این راحتی از طرف پاهایم شروع شده و به طرف بالا می‌آید. سپس فرمودند

فقط قلبم درد می‌کند بعد فرمودند که رویم را بپوشان، من هم روی صورتشان را پوشاندم و ایشان از دنیا رفتند.

من بدون هیچ‌دغدغه و اضطراب تا صبح پیش ایشان نشستم و قرآن خواندم تا آن که هنگام اذان صبح شد و خانواده آمدند و

پرسیدند که جریان چیست و من هم گفتم که پدر فوت شده است و فریاد و سر و صدا از اهل خانه بلند شد و در آن لحظه تازه

متوجه تصرف او شدم و فهمیدم چه اتفاقی افتاده است و از مرگ پدرم بسیار متأثر شدم.»

او که عمری با عشق و سرسپردگی به مولایش امام حسین علیه السلام سر کرده، غریب نیست اگر حضرتش، کریمانه، خود کسی را سراغش بفرستد تا کارهای دفن و کفن او را بجا آورد. آقا یحیی هرگز آقای قاضی را نمی شناخته ولی از طرف امام حسین علیه السلام در حالت خواب یا مکاشفه برای این امر مأموریت پیدا می کند و تمام کارهای کفن و دفن ایشان را انجام می دهد. آیت الله بهجت می فرمودند:

« شب قبل از وفات آقای قاضی، کسی خواب دیده بود که تابوتی را می برند که رویش نوشته شده بود «توفی ولی الله» فردا دیدند آقای قاضی وفات کرده است.» تناثر نجوم در رحلت ایشان

مرحوم علامه آقا سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی نقل نمود که از استاد مرحوم آیت الله العظمی خوئی شنیدم که فرمود:

« در ایام وفات استاد اخلاق آقا سید علی قاضی تبریزی تناثر نجوم رخ داد و این به جهت رفعت مقام آن مرحوم بود.

مرحوم طباطبائی یزدی نقل کرد که ما گفتیم: این اصلاً محال است که ستاره ها به خاطر کسی ریزش کنند و سقوط نمایند ولی استادمان آقای خوئی تأکید نمود، شما انکار کنید من که خودم این واقعه شگفت انگیز را با چشمان خود دیدم و نمی توانم چیزی را که در پیش من یقینی است، انکار نمایم.»

قائنی، ابوشریف محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۳۹ ق)، عالم امامی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، متکلم، فیلسوف و خوشنویس. چون در مناظرات علمی کسی را یارای سخن گفتن با او نبود به سلطان العلماء مشهور شد. در چهارده سالگی به تحصیل روی آورد. دوران تحصیلات عالی خود را در اصفهان به پایان رساند. در حوزه علمی قاین، به تدریس فقه و فلسفه می پرداخت و گاه به نقاط دیگر جهت مباحثات علمی سفر می کرد، که سفر ۱۱۱۵ ق او به هرات و مباحثه او با علمای اهل سنت از آن جمله است. سرانجام در ماه رمضان درگذشت و (بماه رمضان) ماده تاریخش گشت. سلطان محمد پدر قطب الدین قاینی عالم ریاضی است. از آثارش: «تهذیب الامه»، تفسیر مفصلی بر قرآن؛ «تطهیر الائمه (ع)»؛ «الامامه»؛ «رساله فی الوجود»، شامل مباحث و فوائد فلسفی درباره‌ی وجود؛ «ام الوسائل فی ام المسائل»، تفسیر سوره‌ی حمد و برگرفته از تفسیر مفصل، به زبان عربی؛ حاشیه بر «الشرح الجدید للتجريد»؛ کتابت «ضیاء القلوب»، در حدیث، به خط نستعلیق.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۵۳۷-۵۳۱)، الذریعه (۳۶ / ۲۵، ۱۱۶-۱۱۵ / ۶، ۳۲۷-۳۲۶ / ۲)، ریحانه (۶۰-۵۹ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۷-۳۱۶ / ۱۲).

قربانی، علی اصغر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اصغر قربانی ده برزویی

محل تولد: ده برزو

شهرت: قربانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ اول فروردین سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار هجری شمسی با سواد قرآنی و خواندن و نوشتن وارد حوزه علمیه شدم؛ مدرسه فولاد در تربت حیدریه، صرف میر و شرح المثلثه را در محضر استاد شیخ حسن کله (قده) فرا گرفتم. کتابهای: ملامحسن، هدایه، قطر الندی و نحو را از محضر مرحوم آقای بحر آموختم. خط را از هنر شیخ محمود هروی بهره بردم. سیوطی، مغنی، مختصر، منطق (حاشیه ملا عبدالله) و اندکی از اصول فقه مظهر و لمعه را از محضر استاد فرزانه مرحوم صدر الدین ربانی فرا گرفتم. در ضمن، کلاس پنجم ابتدایی را به صورت شبانه آزاد همزمان خواندم. در سال ۵۷ حدود پنج ماهی زندان و کیل اندر مشهد زندانی شده و در آنجا از محضر برخی اساتید، مانند جناب آقای جواد منصوری مقداری از مسایل سیاسی و اقتصادی را آموختم. در سال پنجاه و هشت که به قم آمدم ادامه اصول مظفر را از محضر استاد مصطفی محقق داماد (جلد اول را) و استاد مرحوم عثمانی (جلد دوم) را فرا گرفته و ادامه درس لمعه را هم از محضر سرورانی، چون شماعی همدانی، نظری و وجدانی فخر و مقدار اندکی از آن را هم در محضر آیت الله اشتهاردی فرا گرفتم. بخشی از کتابهای اصول فقه و لمعه و تفسیر را هم از محضر مرحوم استاد محامی و عرفانی کسب فیض کردم. هم زمان با درسهای فقه و اصول برای تکمیل مباحث ادبیات و منطق چند صباحی پای دروس منطق استاد انصاری شیرازی و مطون استاد مرحوم مدرس افغانی حاضر شدم. استاد محمد رضا حکیمی که از دیر باز مورد علاقه من بود، درسی از کتاب الحیات را در حوزه آغاز فرمودند که بنده متأسفانه در آن شرکت می کردم و مطالب ارزنده ای تصمیم می شد. درسهای اخلاق استاد و بزرگوار آیت الله مشکینی هم حال و هوای خاص خود داشت. که بنده از پای بندان به شرکت در آن بودم. بخشی از درسهای تفسیر ایشان را هم شرکت کردم. درس اخلاق حضرت آیت الله بهاء الدینی روزهای پنجشنبه در مدرس زیر کتابخانه فیضیه زمزمه محبتی بود که تا پنجشنبه دیگر جانم را سرشار از طراوت می کرد. از حدود سال ۶۰ رسایل را در محضر اعتمادی تبریزی در شبستان آیت الله گلپایگانی مسجد اعظم قم هر روز ساعت هفت صبح شرکت کردم؛ اما این درس مصادف با جنگ تحمیلی و ماجرای جانبازی بنده شد به همین دلیل مقداری طولانی شد و تا سال حدوداً ۶۴ طول کشید همزمان با این درس، درس مکاسب را در محضر استاد گرانقدر سید حسن طاهری خرم آبادی حاضر می شدم تا بیع و خیارات را به پایان بردم، اما مکاسب درس کفایتین را در محضر استاد صالحی مازندارانی رحمه الله آموختم. پس از اتمام دروس سطح عالی خارج اصول را با شرکت در درس حضرت آیت الله فاضل آغاز کردم. بخشی از خارج اصول را هم پای درس استاد فرزانه حضرت آیت الله مکارم شیرازی نشستیم، در مدرسه امام امیر المؤمنین، عصرها یک ساعت به غروب، درس خارج فقه؛ کتاب الظهاره و بخشی از کتاب الصلاة و کتاب القضا را (البته کتاب القضاء روزهای چهارشنبه هر هفته) در مسجد اعظم در شبستان آیت الله بروجردی (ره) از محضر حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی (ره) به مدت هشت سال کسب فیض کردم. درس خارج فقه حضرت آیت الله نوری همدانی مدظله را هم حدود دو سال شرکت می کردم و بهره فراوانی بردم، به ویژه که موظف بودیم آن را با جمعی از دوستان به عربی بنویسیم و نوشته ها مان ارزیابی و نقد و بررسی می شد؛ علاوه بر آن رجال سند هم به دقت تمام بررسی و جرح و تعدیل می شد. این درس در مدرسه آیت العظمی گلپایگانی خیابان ارم (در مدرس بزرگ یا مسجد مدرسه) برگزار می شد و موضوع بحث کتاب الصلاة بود. و سرانجام؛ درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی که از اواخر جلد اول کفایه، مباحث قطع و علم رجال و مباحث

اصول عملیه و تاکنون که بحث تعادل و ترجیح است و هنوز مشغول به آن هستم.

قزوینی حلی نجفی، معزالدین محمد مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۰ - ۱۲۲۲ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مفسر، رجالی و شاعر. اصلش از قزوین بود. نسب این خاندان به محمد بن زید شهید فرزند امام زین العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد و در حله ساکن شد. او را قزوینی کبیر نیز نامیده‌اند، تا در مقابل یکی از فرزندانزادگانش به نام مهدی بن هادی بن میرزا صالح بن محمد مهدی، قزوینی صغیر صاحب «دیوان»، مشخص باشد. سید مهدی در نجف از محضر شیخ موسی و شیخ علی و شیخ حسن، فرزندان شیخ جعفر صاحب «کاشف الغطاء»، و سید باقر قزوینی و سید علی قزوینی و سید محمد تقی قزوینی استفاده کرد و از آنها اجازه‌ی روایت گرفت. او نزد شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی تلمذ کرد و در بیست سالگی به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از مشایخ اجازه‌ی علامه نوری صاحب «مستدرک الوسائل» بود. او علاوه بر تبحری که در فقه و اصول و کلام و حکمت و توحید و امامت و تفسیر و حدیث داشت در کمالات نفسانی نیز کم‌نظیر بود. در بازگشت از حج در گذشت و در نجف، در مقبره‌ی آل قزوین دفن شد. از وی متجاوز از سی اثر باقی مانده است. از آن جمله: «اسماء قبائل العرب» یا «اسماء القبائل والعشائر»؛ «البحر الزاخر فی اصول الاوائل والواخر»؛ «تفسیر سوره الاخلاص، الفاتحه و القدر»؛ «فلک النجاه فی احکام الهداه»؛ «التقیه»؛ «آیات الوصول الی علم الاصول»، در مباحث الفاظ از مسائل اصول فقه، به عربی؛ «فرائد الاصول» یا «الفرائد»، در اصول؛ «بصائر المجتهدین»، در شرح «تبصره المتعلمین» علامه حلی؛ «الاقفال»، در نحو و شرح آن به نام «المفاتیح» یا «مفاتیح الاقلال»؛ «مواهب الافهام»، در شرح «شرایع الاسلام»؛ «الصوارم الماضیه لرد الفرقه الهاویه و تحقیق الفرقه الناجیه»، در امامت؛ «آیات المتوسمین»، در حکمت الهی؛ «منظومه تامه» در اصول؛ منظومه در تمام عبادات، متجاوز از پانزده هزار بیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷ / ۳۳۵)، اعیان الشیعه (۱۴۶ - ۱۴۵ / ۱۰)، خاتمه مستدرک الوسائل (۱۳۶ - ۱۲۷ / ۲)، الذریعه (۶۲ / ۲۵)، ۲۳۹ / ۲۴، ۲۹۲، ۲۳۸، ۱۲۲ / ۲۳، ۲۹۹، ۱۳۴ - ۱۳۳، ۳۳ / ۲۱، ۱۶۱ / ۱۷، ۱۳۴ - ۱۳۳، ۳۱۳ - ۳۱۴، ۱۳۲ / ۱۶، ۳۱۷، ۹۳ / ۱۵، ۳۲۹ / ۱۳، ۸۳ / ۷، ۲۱۰ / ۶، ۴۰۵، ۳۴۲، ۳۴۱، ۳۳۶ / ۴، ۱۲۵، ۴۰ / ۳، ۳۸۹، ۲۷۴، ۶۸، ۳۴، ۶ / ۲، ۴۸۵، ۴۶۲، ۴۴۹، ۴۹، ۴۸، ۱ / ۱، ریحانه (۴۵۷ - ۴۵۶ / ۴)، علماء معاصرین (۱۱ - ۶)، لغت‌نامه (ذیل / قزوینی)، معجم المؤلفین (۵۶ / ۱۲)، مینو در (۹۷۴، ۹۶۳، ۹۵۱، ۹۵۰، ۹۲۱ - ۹۲۰، ۹۱۸، ۸۶۰ - ۸۵۹، ۸۴۷، ۸۵۱، ۸۴۰، ۸۲۱، ۸۰۴، ۷۷۶، ۳۱۱ - ۳۱۰، ۲۹۲، ۲۳۹، ۲۳۲، ۲۳۱، ۱۳۵، ۱۱۴ - ۱۱۳، ۹۴، ۸۴، ۸۱، ۶۸، ۶۳، ۱۰ - ۲ / ۸).

قزوینی، فاطمه

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

حدود ۱۱۷۲ - حدود ۱۲۶۰ ق، از زنان عالم، فاضل، محدث و مفسر، وی دختر سید حسین قزوینی (۱۲۰۸ ق) بود و در قزوین به دنیا

آمد. او نزد پدرش و سید محمد مهدی بحر العلوم و عمویش سید حسن قزوینی (۱۱۹۸ ق) درس خواند و هنگامی که به سن رشد رسید با شیخ محمدعلی فرزند شیخ عبدالکریم قزوینی ازدواج کرد. سپس در درس فقه و اصول و حدیث همسرش حضور یافت تا اینکه در اغلب علوم معقول و منقول نابغه شد. علاوه بر این او حافظ قرآن و خطیب و سخنور ماهری بود، منبر می‌رفت و صدای بلند و رسایی داشت و در وعظ و خطابه توانا بود. فاطمه سخنرانی می‌کرد و درس می‌داد و زنان از مجلس درس، وعظ و سخنرانی او استفاده می‌کردند. وی بسیار پارسا و باتقوا بود و مجلس درس داشت. وی سه پسر داشت که همه از علمای زمان خود بودند. دخترش آمنه خانم قزوینی نیز همانند مادر از زنان عالم، فاضل، ادیب و شاعر بود.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: اعیان الشیعه (مستدرکات)، ۱۵۹ / ۳.

قشیری نیشابوری، ابوالقاسم، زین الاسلام، عبدالکریم

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۶۵-۳۸۶ ق)، صوفی، فقیه، محدث و مفسر. مشهور به امام و استاد امام. از نظر اصول اشعری و از نظر فروع شافعی بود. نسبت وی از جانب پدر به قبیله قشیرین کعب می‌رسید، و از طرف مادر به سلمی منسوب بود. در ناحیه استواء نیشابور (قوچان کنونی) متولد شد. خاندان او از بزرگان دهقانان این ناحیه بودند. خود او نیز از محدثان بنام اهل تصوف بود. در کودکی پدر خود را از دست داد و در محضر درس ابوالقاسم یمانی، پرورش یافت و مقدمات ادب فارسی و عربی را نزد او فراگرفت، بعدها در نیشابور ساکن شد و از ابوحسین خفاف و ابونعیم اسفراینی و حاکم نیشابوری و ابوعبدالرحمن سلمی و دیگر ارباب حدیث و بزرگان صوفیه حدیث شنید و فقه را از ابوبکر محمد بن بکر طسی و علم کلام را از استاد ابوبکر بن فورک فراگرفت و تصوف را از ابوعلی دقاق نیشابوری آموخت و پس از وفات وی با ابوعبدالرحمن سلمی معاشرت کرد و عاقبت استاد خراسان گردید. از شاگردان وی می‌توان به احمد بن اسماعیل جوهری که «رساله‌ی قشیریه» را بر قشیری خوانده و سمعانی از وی اجازه گرفته، و سید اسماعیل جرجانی صاحب «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» و ابوعبدالله حسین بن احمد بیهقی، ابوالقاسم فضل بن محمد عطار ابیوردی، ابوالمظفر محمد بن احمد هروی و شعیب بن نوح رازی صوفی اشاره کرد. قشیری از معاصرین و منکران ابوسعید ابوالخیر بود که در نهایت به او گروید. آثار بسیاری از خود به جای گذاشته و در سرودن شعر به زبان عربی دست داشته است. طریقه‌ی او در تصوف به واسطه‌ی ابوعلی دقاق به جنید و معروف کرخی می‌رسد. وی در نیشابور درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «الرساله‌ القشیریه»، در علم تصوف و بیان رؤس مسائل علم باطن که مورد مراجعه و استناد بزرگان صوفیه و اهل ذوق است؛ «لطائف الاشارات»؛ «التحیر فی علم التذکیر»؛ «آداب الصوفیه»؛ «عیون الاجوبه فی فنون الاسئله»؛ «الاربعین»؛ «فصل الخطاب فی فضل النطق المستطاب»؛ «حیاء الارواح و الدلیل الی طریق الصلاح».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۰ / ۴)، ایضاح المکنون (۱۹۴ / ۲، ۴۲۴، ۱۹۴ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۷، ۲۱۸ / ۲)، تاریخ بغداد (۸۳ / ۱۱)، تاریخ گزیده (۶۵۹)، تاریخ نیشابور (۲۲۶، ۲۲۵)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (مقدمه)، جستجو در تصوف (۶۷-۶۴)، روضات الجنات (۹۴-۸۹ / ۵)، ریحانه (۴۶۱-۴۶۰ / ۴)، سیر النبلاء (۲۳۲-۲۳۰ / ۱۸)، الکامل (۱۱۸ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۳۵)، ۱۹۲۰، ۱۸۵۸، ۱۶۴۰، ۱۵۵۱، ۱۴۶۰، ۱۲۶۰، ۱۱۸۳، ۸۸۲، ۵۲۰، ۴۵۷، ۳۵۴، ۵۸، کشف المحجوب (۲۰۹)، الکنی و الالقاب (۶۷-۶۶)

۶۵ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / عبدالکریم)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۴۶۵)، معجم المؤلفین (۶ / ۶)، نفحات الانس (۱۳۸)، و فیات الاعیان (۲۰۸ - ۲۰۵ / ۳)، هدیه الاحباب (۲۱۷)، هدیه العارفین (۶۰۸ - ۶۰۷ / ۱).

قصری زاده، منصور

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران استاد " منصور قصری زاده " دارنده ی رتبه نخست مسابقات قرآنی دانشجویان سراسر کشور در سال های ۶۵ و ۶۷ و مقام اول مسابقات بین المللی قرآن کریم در مالزی در سال ۷۰ و نیز حفظ کل قرآن کریم و از افتخارهای ایران زمین است . او متولد ۱۳۴۶ در شهر تهران و در خانواده ی متدین و مذهبی به دنیا آمد . پدر و مادر او با فراهم کردن فضای مناسبی در خانه و همراهی صمیمانه و نیز تشویق های سازنده موجبات موفقیت او را فراهم کردند از جمله مشوقین اصلی او، دایی شان آقای اکبر شریعتمداری بود که خود قاری قرآن بود . استاد موفقیتش را مدیون خانواده و دایی خود می داند و می گوید همین قضیه باعث شده که آنها از من راضی باشند و از اینکه آنها از من راضی اند خیالم راحت است . او مدرک فوق لیسانس رشته ی الهیات و علوم حدیث از دانشگاه تهران دارد و صاحب سه فرزند صالح و دوست داشتنی است که در راه پدر گام بر می دارند . دخترشان کلاس اول راهنمایی و از قاریان ممتاز مدرسه است و محمد حسین ، پسر ۷ ساله ایشان نیز در جلسات قرآنی شرکت می کند و محمد مهدی ۲ ساله هم فعلاً ادای قرآن خوانها را در می آورد .

پدر این خانواده قرآنی، استاد قصری زاده از ۹ سالگی کار قرائت قرآن را به سبک استاد عبدالباسط شروع کرد ۱۵ ساله بود که انقلاب جمهوری اسلامی ایران پیروز شد و پس از آن رادیو جمهوری اسلامی با اعلان عمومی از همه قراء دعوت کرد که در تست و گزینش شرکت کنند او هم در گزینش حاضر شد ، قرائت زیبای او را برگزیدند و از او خواستند در کلاسهای فراگیری نغمه ها و دستگاههای استاد سید محسن موسوی بلده شرکت کند و پس از اتمام دوره در رادیو پذیرفته شد . در سال ۶۵ قرائت ایشان را از مسجد شیخ فضل الله نوری ضبط و در تلویزیون پخش کردند و بعد از آن ایشان به صورت کلاسیک کار تجوید و قرائت را ادامه داد و از محضر اساتیدی چون مرحوم اربابی استفاده و در مسابقات بسیاری شرکت کرد که از شاخص ترین آنها در سال ۶۶ مسابقات دانشجویی بود که امتیاز نفر اول را کسب کرد و همچنین مسابقات حج بود که در همان سال برگزار شد و باز نفر نخست مسابقات شد و در سال ۶۸ در مسابقات استان تهران نفر اول شد و در مسابقات کشوری سال ۶۹ نفر دوم و برای شرکت در مسابقات جهانی مالزی انتخاب و به همراه داور مسابقه استاد عبایی به مالزی رفت و آن سال مصادف بود با جنگ عراق و آمریکا و جنگ خلیج فارس و به همین خاطر ایران را از شرکت در مسابقات محروم کرده بودند و آنها اطلاع نداشتند و تا مالزی رفتند و بدون شرکت در مسابقه برگشتند . سال ۷۰ بار دیگر برای شرکت در مسابقات جهانی مالزی انتخاب و به یاری خداوند نفر اول شد .

خاطره از دوران جوانی :

سال ۷۱ بعد از اینکه از مسابقات مالزی برگشته بودم همراه پدرم خدمت رهبر عزیز " آیت الله خامنه ای " رسیدیم و هدیه ای را که آنجا به من داده بودند که قرآنی در یک کاپ نقره ای بود ، خدمت ایشان تقدیم کردیم .ایشان سؤالاتی از من کردند در رابطه با آن قرآن و چاپ آن و وضعیت مسابقات و بسیار تشویق کردند برای ادامه ی راه و آن دیدار برای من بسیار شیرین و به یاد ماندنی بود .

مسافرتهاى خارج از کشور او قریب به ۴۰ کشور است ؛از جمله سوریه ، چین ، پاکستان ، انگلیس ، اتریش ، تایلند ، ماداگاسکار ،

اتیوپی، عراق، سریلانکا و... در خاطراتی از سفرهایش می‌گوید: اخیراً در سفری که به انگلیس رفتیم آنجا قاریان مصری هم دعوت شده بودند. حقیقتاً وقتی بچه‌های ایرانی قرائت می‌کردند قرائتشان چیزی کمتر از قراء مصری نبود حداقل اینکه شانه به شانه مصریان بودند و این نظر من از باب استقبال مردمی بود که در مقابل قراء ایرانی نشان می‌دادند و با شوق فراوان به قرائت ایرانیان گوش می‌سپردند. و این نشان می‌دهد که به رغم آنکه ایرانیان فارسی زبان‌اند و تقلیدشان بیشتر از استماع است تا بحث‌های علمی و نقل‌های سینه به سینه ولی در بسیاری از موارد از مصریان جلوتر هستند. من در سال ۷۰ که در مسابقات مالزی شرکت کردم یکی از رقبای من مصری بود. بنده به کمک خداوند مقام اول را آوردم و او نفر پنجم شد. یک غلط اعرابی هم داشت و غلط قرائت کرد.

ولی قراء مصری شهرت جهانی دارند چرا؟ استاد در پاسخ می‌گوید: در کل می‌توان گفت مصریان صاحب سبک‌اند و سبک و سیاق قرائت قرآن را مصریان ابداع کردند و مصر یکی از کشورهای صاحب تمدن و فرهنگ است و ذوق خواندن در مدایح و ابتهالات دینی در مردمش وجود دارد قشرهای مذهبی در قرائت و قشرهای غیرمذهبی در زمینه‌های دیگر و احساس می‌شود که قرائت قرآن به سبک مصری با فطرت انسان منطبق است این یکی از ریشه‌های شهرت قراء مصری می‌باشد.

در مورد جذابیت و گیرایی قرائت می‌گوید:

جذابیت‌های صوت و لحن در قرائت بسیار دارد. اگر شما نیم ساعت ترتیل گوش کنید شاید گوشتان از نظر موسیقایی خسته شود اما در قرائت اختیارات انسان در صوت و لحن بیشتر است و قاری قدرت مانور دارد؛ در آیات عذاب می‌تواند حزین و اندوهگین بخواند و در آیات بهشتی مهیج و شاد بخواند. مثلاً در قرائت تحقیق استاد عبدالباسط "اذا الشمس" و... جذابیت و زیبایی و اثرگذاری قرائت متجلی است. خدا رحمت کند کسانی مانند عبدالباسط زمینه را فراهم کردند و دنیا را با این قرائت‌ها هدایت کردند و الان حدود ۹۹٪ قراء جهان از سبک آنها پیروی می‌کنند.

استاد قصری زاده اگر چه الان در جلسات قرآنی زیادی حضور ندارد. اما از قرآن جدا نشده و همواره قرآن چراغ روشن گر راه زندگی او در زندگی شخصی و اجتماعی اش است ایشان همچنین در مسابقات خارج از کشور و در مراسمات حج تمتع دعوت می‌شود و حضور دارد.

در حال حاضر جلسات هفتگی قرائت قرآن کریم در مسجد شهدا واقع در خیابان ۱۷ شهریور، اتوبان شهید محلاتی، شبهای جمعه، قبل از نماز مغرب و عشاء با حضور استاد منصور قصری زاده برگزار می‌شود. این جلسات بیست سال است که با کمک هیئت امناء، امام جماعت و بسیج مسجد دایر است. منابع زندگینامه: مجله راه قرآن ش ۲۱

قطب رازی، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۷۶ / ۷۶۶-۶۹۴ ق)، عالم امامی، فقیه، حکیم و ادیب. ملقب به قطب‌الدین و قطب‌المحققین و موصوف به علامه‌ی رازی. چون در مدرسه‌ای که وی تحصیل می‌کرد شخص دیگری که لقب قطب داشت مشغول تحصیل بود وی به قطب تحتانی اشتهار یافت. در ورامین از نواحی ری به دنیا آمد و چون در آنجا نشوونما پیدا کرد به رازی شهرت یافت. بدیهی است چون نسبش به آل‌بویه می‌رسد و موافق فرموده شهید ثانی از آل‌بویه قمی است که جد عالی شیخ صدوق می‌باشد. او از بزرگترین شاگردان علامه‌ی حلی بود. او کتاب «قواعد الاحکام» علامه را به خط خود نوشته و بر او قرائت کرده و علامه نیز در پشت کتاب برایش اجازه نوشته و با

عبارات بلندی او را ستوده است. قطب رازی از مشایخ شهید اول محمد بن مکی است. از دیگر شاگردان او می‌توان به میرسید شریف جرجانی و سعدالدین تفتازانی اشاره کرد. بیشتر علمای شیعه از جمله محقق ثانی و میرزا عبدالله، صاحب «ریاض العلماء»، و قاضی شوشتری و شیخ حر عاملی او را شیعه دانسته‌اند، اما صاحب «روضات الجنات» وی را سنی می‌داند و در «شذرات الذهب»، شافعی به حساب آمده است. قطب رازی مدتی در خدمت سلطان ابوسعید و وزیرش خواجه غیاث‌الدین محمد بود و دو کتاب «شرح شمسیه» و «شرح مطالع» را به نام آن وزیر نگاشت. پس از درگذشت سلطان ابوسعید به شام رفت و در دمشق درگذشت. از آثار وی: «المحاکمات بین شرحی الاشارات»، که محاکمه مابین دو شرح «اشارات» فخر رازی و خواجه نصیر طوسی است و این کتاب را به خواست استادش، قطب شیرازی، به تحریر کشید؛ «تحریر القواعد المنطقیه فی شحر الشمسیه»؛ «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار»، در منطق؛ «تحفه الاشراف» و «بحر الاصداف» دو حاشیه بزرگ و کوچک بر «الکشاف»؛ «تحقیق معنی التصور و التصدیق»؛ شرح و حاشیه بر «قواعد الاحکام» علامه حلی؛ رساله در «تحقیق کلیات»؛ «تقسیم العلم»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی. [۱]

رازی، محمد بن محمد بن ابوجعفر ملقب به قطب‌الدین و قطب‌المحققین و علامه رازی و سلطان‌المحققین دانشمند معروف ایرانی (ف. ۷۷۶ ه.ق). وی از شاگردان میرزا علامه حلی است و قواعد علامه را به خط خود استنساخ کرده و علامه در پشت همان نسخه به سال ۷۱۳ ه.ق در قصبه‌ی ورامین برای او اجازه نوشته است. پس از وفات او را در مقبره‌ی صالحیه‌ی دمشق دفن کردند و سپس به موضعی دیگر بردند. او راست: بحر الاصداف حاشیه و شرح تفسیر کشاف، تحریر القواعد المنطقیه در شرح شمسیه، تحفه الاشراف فی شرح الکشاف که شرحی است بر کشاف و مفصلتر از بحر الاصداف، تحقیق معنی التصور و التصدیق، تقسیم العلم، حاشیه‌ی قواعد علامه مشهور به حواشی قطبیه، شرح الاشارات، شرح مطالع که شرحی است بر مطالع الانوار قاضی سراج‌الدین ارموی در منطق و کلام، المحاکمات بین شرحی الاشارات که محاکمه‌ای است بین دو شرح اشارات فخر رازی و نصیرالدین طوسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] الاعلام (۷ / ۲۶۸)، اعیان الشیعه (۹ / ۴۱۳)، ایضاح المکنون (۲ / ۵۶، ۴۰۳، ۲۳۳ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۸۹، ۲۵۶، ۲۵۴-۲۵۳، ۲۴۶-۲۴۴، ۲۳۷، ۱۴۷، ۴۷ / ۳)، تأسیس الشیعه (۴۰۱-۴۰۰)، حبیب السیر (۲۲۱ / ۳)، دایره‌المعارف فارسی (۲ / ۲۰۵۹)، الذریعه (۲۰ / ۱۰۷، ۱۸ / ۳۵۹، ۱۷ / ۱۵۶، ۱۴ / ۶۹، ۱۳ / ۳۳۷، ۱۹۹-۱۹۸ / ۴، ۳ / ۳۸۸)، روضات الجنات (۴۷ / ۳۷-۳۶)، ریاض العلماء (۱۷۲-۱۶۸ / ۱۵۶، ۵ / ۱۵۶)، ریحانه (۴۶۷-۴۶۵ / ۴)، ری باستان (۳۸۱-۳۸۰ / ۲)، شذرات الذهب (۲۰۷ / ۶)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی و ورامینی، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۲-۲۰۰ / ۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۹۹-۳۹۸)، فوائد الرضویه (۶۱۸-۶۱۶)، کارنامه بزرگان (۲۴۵)، کشف الظنون (۱۷۱۶-۱۷۱۵، ۸۸۶، ۶۲۶، ۹۵)، الکنی و الالقاب (۷۱-۷۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قطب‌الدین رازی)، مجالس المؤمنین (۲۱۳-۱۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۱۶-۲۱۵ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۹-۷۱۶ / ۵)، النجوم الزاهره (۷۰ / ۱۱)، هدیه الاحباب (۲۱۸-۲۱۷)، هدیه العارفین (۱۶۳ / ۲).

قطب راوندی، قطب‌الدین، ابوالحسن، سعید

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۷۳ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، متکلم، محدث، مفسر و شاعر. خانواده‌ی وی از جد و پدر و برادر و دو فرزندش عمادالدین علی بن سعید و ظهیرالدین محمد بن سعید همه از علمای بزرگ شیعه بودند. وی از شیخ ابوعلی طبرسی، صاحب «مجمع البیان»، و عمادالدین طبری و سید مرتضی رازی و برادرش، سید مجتبی رازی، و ابن‌الشجری بغدادی و الآمدی و سید ناصح‌الدین

ابوالبرکات مشهدی و پدر خواجه نصیر طوسی و گروهی دیگر روایت کرده است. او از طریق شیخ عبدالرحیم بغدادی، معرف به ابن الاخوه، از دختر سید مرتضی علم‌الهدی از عموی او سید رضی روایت می‌کند. ابن شهر آشوب و شیخ منتجب‌الدین رازی از شاگردان وی بودند. در قم وفات یافت و در صحن مطهر حضرت معصومه (س) دفن شد و قبرش امروزه مزاری معروف است. از آثار وی: «آیات الاحکام» یا «فقه القرآن»، اولین اثر در شرح و تفسیر آیات الاحکام؛ «احکام الاحام»؛ «اسباب النزول»؛ «الاعراب/ الاغراب فی الاعراب»؛ «الانجاز فی شرح الایجاز»، در شرح «الایجاز» شیخ طوسی؛ «بیان الانفرادات»؛ «تحفه العلیل»، در ادعیه، احراز و آداب؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «تفسیر قطب»؛ «الدعوات» یا «دعوات راوندی» یا «سلوه الحزین»؛ «تهافت الفلاسفه»؛ «جواهر الکلام فی شرح مقدمه الکلام»؛ «الخراجه و الجرایح»، در معجزات معصومین (ع)؛ «خلاصه التفاسیر»، در ده مجلد؛ «ضیاء الشهاب»، در شرح «شهاب الاخبار»؛ «المغنی»، در شرح «النهایه» شیخ طوسی، در ده مجلد؛ «منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه»؛ «الرابع فی الشرایع»؛ «المستقصى»، در شرح «الذریعه»؛ «قصص الانبیاء»؛ «لب اللباب» [۱].

راوندی، سعید بن هبة الله بن حسن مکنی به ابو محسن یا ابوالحسین، محدث و مفسر معروف شیعه (ف. ق. ۵۷۳ ه. ق). وی از شیخ طبرسی و عمادالدین طبری و سید مرتضی سید مجتبی رازی و پدر نصیرالدین طوسی و جمعی دیگر روایت کرده و خود از مشایخ ابن شهر آشوب و شیخ منتجب‌الدین است. او راست: آیات الاحکام، احکام الاحکام، الاختلافات الواقعة بین الشیخ المفید والسید المرتضی فی بعض المسائل الکلامیه، اسباب النزول، ام القرآن، الانجاز فی شرح الایجاز، تفسیر القرآن معروف به تفسیر قطب، خلاصه التفاسیر، المغنی فی شرح النهایه، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه و غیره. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] خاتمه مستدرک الوسائل (۹۰- ۷۹ / ۳)، الذریعه (۴۳۱، ۲۴۴، ۱۴، ۲۴، ۱۵۸، ۱۵۷- / ۲۳، ۲۹۶، ۶۶، ۱۳، ۲۱، / ۲۸۹، ۲۸۰، ۱۸ / ۱۰۵، ۱۷ / ۲۹۵، ۱۶ / ۱۲۴- ۱۲۳ / ۱۵، ۱۲۶، ۱۱۰، ۴۱، ۱۴ / ۳۷۲، ۳۴۴، ۲۷۷، ۱۱۶، ۵۶، ۵۵- / ۱۳، ۲۲۳، ۷۲- ۷۱ / ۱۲، ۶۶، ۱۰ / ۲۰۱، ۸ / ۲۲۰، ۱۴۶- ۱۴۵ / ۲۷۷، ۷ / ۵، ۵۰۲، ۳۰۲- ۳۰۱ / ۲۲۸، ۴ / ۴۵۶، ۱۷۶، ۲۹ / ۳، ۳۶۴، ۳۰۳، ۲۵۱، ۲۳۴ / ۱۲، ۲ / ۳۶۲، ۳۶۱- ۲۹۱، ۴۲ / ۱)، روضات الجنات (۱۰ / ۷- ۴)، ریحانه (۴۶۹- ۴۶۷ / ۴)، فوائد الرضویه (۲۰۲- ۲۰۰)، الکنی و الالقاب (۷۳- ۷۲ / ۳)، هدیه الاحباب (۲۱۹- ۲۱۸).

قطب‌الدین شیرازی، ابوالثناء محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۱۰- ۶۳۴ ق)، طبیب، ریاضیدان، منجم، فیزیک‌دان، فیلسوف، عالم اشعری شافعی و مفسر. معروف به قطب شیرازی و ملقب به علامه. در شیراز به دنیا آمد. پدرش ضیاء‌الدین مسعود پزشک و مدرس طب در بیمارستان مظفری شیراز و در همان حال از بزرگان فرقه سهروردیه بود. قطب‌الدین محمود علم طب را نزد پدر و عموی خود فراگرفت. خرقة‌ی تصوف را در ده سالگی از دست پدر خود پوشید و از نجیب‌الدین علی بن بزغش شیرازی نیز خرقة گرفت. در چهارده سالگی پدرش فوت کرد و او به جای پدر به عنوان چشم‌پزشک در بیمارستان شروع به کار نمود. وی قرائت و شروح «قانون» را نزد استادان شیراز فراگرفت. چندی نیز شاگرد نجم‌الدین کاتبی قزوینی بود. سپس به مراغه رفت و در آنجا علم هئیت و «اشارات» ابن سینا را در خدمت خواجه نصیرالدین طوسی آموخت و نزد آن استاد و به یاری او به حل مشکلات «قانون» توفیق یافت. او همچنین سفرهایی به خراسان، عراق عجم، بغداد و روم داشت. در قونیه به خدمت صدرالدین قونیوی رسید و علم شریعت و طریقت را نزد او فراگرفت. قطب‌الدین شیرازی از

دانشمندان جامع و بزرگ، و در معقول یگانه زمان خود بود. او در طب و ریاضیات و نجوم و حکمت و موسیقی دست داشت و در نظم و نثر پارسی و عربی دارای مهارت کامل بود. عده‌ای از رجال علم و دانش در محضر او شاگردی کرده‌اند. از جمله شاگردان وی: قطب‌الدین رازی، کمال‌الدین فارسی و نظام‌الدین اعرج بودند. قطب‌الدین در اواخر عمر در تبریز سکنی گزید و در همان جا درگذشت و در مقبره‌ی چرنداب تبریز در کنار قاضی بیضاوی دفن شد. از آثارش: «دره التاج لغره‌الدیباج / الدباج»، معروف به «انموذج العلوم»، به فارسی؛ که به خواهش امیر دباج، پادشاه اسحاق‌وند گیلان، تألیف کرد؛ «تحفه‌ی شاهی»، در علم هئیت، به فارسی؛ «نهایه‌الادراک فی درایه‌الافلاک»، در علم هئیت، به فارسی؛ «اختیارات مظفری»، در هئیت و نجوم؛ «شرح حکمه‌الاشراق»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی، قسمت سوم؛ شرح «مختصر الاصول» حاجبی؛ «فتح المنان فی تفسیر القرآن»، در حدود ۴۰ مجلد؛ «مشکلات التفاسیر» [۱].

شیرازی، محمود بن مسعود بن مصلح فارسی کازرونی اشعری شافعی مکنی به ابوالثناء، دانشمند معروف (ف. تبریز ۷۱۰ یا ۷۱۶ ه.ق). وی نزد نصیرالدین طوسی علم آموخت و سپس به روم (آسیای صغیر) رفت و نزد صدرالدین قونوی تلمذ کرد و قاضی سیواس، ملطیه و زارالشام گردید و سپس در تبریز ساکن شد و در امر رصدخانه با خواجه نصیر همکاری داشت. وی در اغلب علوم عصر مانند طب و نجوم و حکمت و موسیقی تبحر و نیز ذوق ادبی و قریحه‌ی شعری داشت. او راست: شرح قانون ابن سینا، شرح حکمه‌الاشراق، دره‌التاج شامل علوم حکمی به فارسی، التحفه‌الشاهیة، ترجمه‌ی تحریر اقلیدس، شرح مفتاح العلوم سکاکی، نهایه‌الادراک فی درایه‌الافلاک.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آثار عجم (۳۲۸)، الاعلام (۶۶-۶۵ / ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۳۰-۱۲۲۷ / ۳)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۷۶-۴۶۰)، تاریخ گزیده (۷۰۲-۷۰۱)، تاریخ نجوم اسلامی (۵۳-۵۲)، تاریخ مغول (۵۰۷-۵۰۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۸-۱۴۷)، تذکره‌ی روز روشن (۶۶۲-۶۶۱)، حیب السیر (۱۱۷-۱۱۶ / ۳)، دائره‌المعارف فارسی (۲۰۵۹ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۴-۲۰۵ / ۴)، الذریعه (۸۸۴ / ۹)، روضات الجنات (۱۲۹ / ۸)، ریحانه (۴۷۲-۴۷۰ / ۴)، زندگینامه‌ی ریاضی‌دانان (۳۵۴-۳۵۱)، شخصیت‌های نامی (۳۹۵-۳۹۴)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی ورامینی (۹۶-۹۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۴-۲۱۲ / ۸)، العبر (۲۵ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۴۷۲)، کشف الظنون (۱۶۹۵، ۱۹۸۵، ۱۲۳۵، ۷۳۸، ۳۶۷، ۳۵)، الکنی و الالقاب (۷۳ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قطب‌الدین شیرازی)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۷۱۰)، مرآت الفصاحه (۵۰۴-۵۰۱)، معجم المؤلفین (۲۰۳-۲۰۲ / ۱۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱-۸۹ / ۶)، هدیه‌الاحباب (۲۱۹)، هدیه‌العارفین (۴۰۷-۴۰۶ / ۲)، هفت اقلیم (۲۰۹-۲۰۸ / ۱).

قطب‌الدین طریثی نیشابوری، ابوالمعالی مسعود

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۷۸-۵۰۵ ق)، محدث، مدرس، مفسر، ادیب، واعظ و فقیه شافعی. اصل وی از طریثی نیشابور است. وی یگانه پیشوای شافعیان زمان خود بود. نزد پدرش و محمد بن یحیی، شاگرد غزالی، و عمر بن علی، معروف به سلطان، و در مرو نزد ابواسحاق ابراهیم بن محمد فقه آموخت و از هبه‌الله بن سهل سیدی و عبدالجبار خواری حدیث شنید. قطب‌الدین از پدرش ادبیات را نیز فراگرفت و برآمد و در روزگار اساتیدش وعظ گفت و فتوا داد. وی مدتی نیز در نظامیه‌ی نیشابور به نیابت از جوینی تدریس کرد. در ۵۳۸ ق

به بغداد رفت و وعظ گفت و مورد توجه قرار گرفت. وی برای سلطان صلاح‌الدین ایوبی کتاب «عقیده» را تألیف کرد و در آن جمیع مسائل دینی مورد نیاز را گردآوری نمود. سپس در دمشق ساکن شد و با ابونصر قشیری ملاقات کرد. در روزگار فقیه ابوالفتح مصیصی در دمشق مورد توجه قرار گرفت و در مجاهدیه درس گفت و پس از مرگ ابوالفتح تدریس در غزالیه را عهده‌دار شد، سپس راهی حلب شد و در آن جا در دو مدرسه‌ای که نورالدین و اسدالدین بنا نهاده بودند درس گفت. سپس به همدان رفت. مدتی در آنجا تدریس کرد. سرانجام به دمشق بازگشت و درس در غزالیه را از سر گرفت و به شاگردانش فقه آموخت. او همچنین در جاروخیهی دمشق درس گفت، سپس به نمایندگی به بغداد رفت و داماد ابوالفتح اسفرانی شد. حافظ ضیاء از وی اجازه حدیث داشت. ابوالموهوب ابن صصری و برادرش حسین و تاج ابن حمویه و دیگران از وی روایت کردند. در دمشق درگذشت. در مقبره‌ای در نزدیکی مقبره‌ی صوفیه‌ی غربی دفن شد. از دیگر آثار وی کتاب «الهادی» در فقه است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۱۵ / ۸)، سیر النبلاء (۱۰۹- ۱۰۶ / ۲۱)، شذرات الذهب (۲۶۳ / ۴)، النجوم الزاهره (۸۶ / ۶)، وفيات الاعیان (۱۹۷- ۱۹۶ / ۵).

قلی زاده مشکول، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجتبی قلی زاده مشکول

محل تولد: خلخال

شهرت: قلی زاده

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۳/۷

زندگینامه علمی

اینجانب مجتبی قلی زاده در تاریخ ۷/۳/۱۳۵۳ در یکی از توابع شهرستان خلخال در یک خانواده کشاورز و معنوی به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در آن محل پشت سر گذاشتم و در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه خلخال شدم که چون حوزه علمیه در حال ساخت و توسعه بود نتوانستم خوب بهره علمی بگیرم لذا هجرت کردیم و به حوزه علمیه کاشان وارد شدیم. و پس از پایان مقدمات در سال ۱۳۷۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از سپری کردن پایه‌های تحصیلی در سال ۱۳۸۴ از محضر مراجع گرانقدر درس خارج فقه اصول بهره می‌گیرم. «و من الله التوفیق» و اکنون مشغول تحقیق و یادداشت برداری هستم. امیدوارم توفیق الهی همراه من و شما عزیزان باشد.

قمی لاهوری، ابوالقاسم بن حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۴ ق)، عالم امامی، مفسر و مصنف. در کشمیر به دنیا آمد. نواب ناصر علی خان، مروج مذهب جعفری در لاهور، از وی خواست تا به لاهور رود و او به لاهور رفت و به کمک و تایید نواب ناصر علی خان توانست کتابهای خود را تألیف کند و به همت نواب نوازش علی خان کابلی تصانیفش به چاپ رسید. وی در لاهور در گذشت. از آثار وی: «عصمه الانبیاء و الملائکه»، به فارسی؛ کتاب «برهان شق القمر و رد النیر الا-کبر»، به عربی، که آن را برای نواب ناصر علی خان در ۱۲۹۶ ق نوشته است؛ تفسیر «لوامع التنزیل و سواطع التاویل»، در شرح رساله‌ی «موده القربی» سید علی بن شهاب‌الدین همدانی؛ «الاجوبه الزاهره»؛ «ابطال التناسخ» یا «بطلان النسخ و المسخ»؛ «ارض العتاق»، به فارسی؛ «ازاله الغین فی رویه العین»، به فارسی؛ «برهان البیان»، در خلافت و امامت و تفسیر آیه استخلاف، به اردو.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶ / ۲۴ / ۱۹۴، ۲۱ / ۳۶۶-۳۶۵ / ۱۸ / ۲۷۴، ۱۵ / ۱۲۸، ۱۱۸، ۹۷-۹۶ / ۹۴، ۳ / ۵۲۹، ۵۲۴، ۲۷۷-۲۷۶ / ۶۷، ۱ / ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۸۶-۸۵)، الکنی و الالقاب (۱۴۱-۱۴۰ / ۱).

قمی مهدی، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۰۷ ق)، فقیه، مفسر، محدث، ادیب و عالم. وی با علامه محقق سبزواری و علامه مجلسی صاحب «بحارالانوار» و فیض کاشانی معاصر بود او از شاگردان علامه مجلسی و از ایشان، در ۱۱۰۷ ق، به دریافت اجازه نایل آمد. شیخ حر عاملی در «امل الامل» او را از فضیلتی معاصر خود می‌شمارد. از آثار وی: «کنز الدقائق و بحر الغرائب» یا «کنز الحقائق و بحر الدقائق»، در تفسیر قرآن که در حدود یکصد و بیست هزار بیت است و استادش علامه مجلسی در پشت این تفسیر تقریظی، در ۱۱۰۲ ق، نگاشته و در آن او را ستوده است؛ «شرح المنظومه» موسوم به «نجاح المطالب» یا «ارجوزه»، منظومه‌ای در صد بیت، در معانی و بیان، و شرح آن موسوم به «انجاح المطالب فی الفوز بالمارب»؛ رساله در «احکام صید و ذباحت»، به عربی؛ «التحفه الحسینیة»، در ادعیه؛ «سلم درجات الجنة»؛ «شرح الزیارة الرجیة»؛ «شرح الصحیفه السجادیة»؛ «شرح التصریف فی علم التصریف»، به نظم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تلامذه العلامة المجلسی (۷۲-۷۱)، الذریعه (۶۴ / ۲۴، ۱۵۴-۱۵۳ / ۱۵۲-۱۵۱ / ۱۸ / ۹۲، ۱۴ / ۳۵۶، ۳۰۷-۳۰۶ / ۱۴۵ / ۱۳ / ۲۲۰، ۱۲ / ۴۳۰-۴۲۹ / ۳ / ۳۶۴-۳۶۳ / ۲ / ۴۹۶، ۱ / ۱)، روضات الجنات (۱۰۶-۱۰۵ / ۷)، فوائد الرضویه (۶۱۸، ۵۳۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۷ / ۱).

قمی، ابوالقاسم سعد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۱ / ۳۰۰ / ۲۹۹ / ۲۹۷ ق)، محدث و فقیه امامی. اهل قم بود. در طلب حدیث سفرها نمود و از احادیث عامه بسیار شنید، و محدثین سرشناس آنها چون حسن بن عرفه و محمد بن عبدالملک دیقی و ابوحاتم رازی و عباس ترقفی را ملاقات کرد. برخی گفته‌اند که او امام حسن عسکری (ع) را نیز ملاقات کرده است. سعد کتب بسیاری تصنیف نمود. از آثارش: کتاب «الرحمه»؛ «فضل النبی (ص)»؛ «فضل ابی طالب و عبدالمطلب و عبدالله»؛ «مقالات الامامیه»؛ «مناقب رواه الحدیث»؛ «مثالب رواه الحدیث»؛ «بصائر الدرجات»؛ در چهار جزء؛ «فضل قم و الکوفه»؛ «المنتخبات»؛ در حدود یک هزار برگ؛ «مناقب الشیعه»؛ «فضل العرب»؛ «ناسخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابهه»؛ «الرد علی الغلاه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۳۶- ۱۳۵ / ۳)، الذریعه (۳۶۲، ۳۲۸، ۳۲۷ / ۲۲، ۷۶، ۷۵ / ۱۹، ۲۷۵، ۲۷۲، ۲۷۰، ۲۶۷ / ۱۶، ۱۲۱ / ۱۵، ۲۲۲، ۲۱۴، ۲۱۲- ۲۱۱ / ۱۰ / ۲۸۳، ۱ / ۱)، رجال الطوسی (۴۳۱)، رجال نجاشی (۴۰۴- ۴۰۱ / ۱)، الفهرست للطوسی (۱۵۳- ۱۵۲)، معجم رجال الحدیث (۸۷- ۷۴ / ۸).

قمی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ عباس قمی در سال ۱۲۹۴ هجری قمری در شهر مقدس قم چشم به جهان گشود. وی تحصیل علوم اسلامی را در زادگاه خود شروع کرد و در سال ۱۳۱۶ ه. ق. راهی نجف اشرف شد و در آنجا به تحصیل و تکمیل علوم و معارف اسلامی پرداخت؛ او اندوخته‌های علمی خود را در اختیار فضلا و طلاب دیگر نیز قرار داد و توانست شاگردان زیادی را تربیت نماید. محدث قمی سرانجام در سال ۱۳۵۹ ه. ق. دار فانی را وداع گفت. گروه: علوم انسانیرشته: الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه‌ای: شیخ عباس قمی تحصیل علوم اسلامی را نزد علمای سرشناس قم آغاز کرد سپس در سال ۱۳۱۶ ه. ق. راهی نجف اشرف شد و در جوار با عظمت و پرشکوه مولای متقیان امیرمومنان حضرت علی به تحصیل و تکمیل علوم و معارف اسلامی پرداخت. استادان و مربیان: شیخ عباس قمی به خاطر علاقه بسیار زیادی که با احادیث و اخبار اهل بیت داشت، همساز محدث نوری شد و رابطه این دو بزرگوار از استاد و شاگردی گذشت و به مرید و مرادی تبدیل شد و لذا این دو تن بسیاری از کتابهای محدث نوری را با هم استنساخ و مقابله و تصحیح می‌کردند. وقایع میانسال: شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۱ ق، به درخواست جمعی از فضلا و طلاب شهر مشهد، در مدرسه میرزا جعفر شروع به تدریس نمود. اما حوادث خونین مسجد گوهر شاد که توسط رضا خان پهلوی صورت گرفت، او را وادار نمود مجدداً به نجف مهاجرت نماید. محدث قمی انسانی زاهد و پارسا بود ساده زیست لباس وی عبارت بود از یک قبای کرباس بسیار نظیف و تمیز و فرش خانه اش نیز گلیم و غذایش هم بسیار ساده. او از سهم امام استفاده نمی‌کرد، مردی از بازرگانان خیر تهران تا آخر عمر تبرعا وجه مختصری به ایشان می‌داد و وی در کمال قناعت زندگی می‌کرد: «روزی در نجف اشرف دو زن محترم که در بمبئی سکونت داشتند و از بستگان آفا کوچک - از محترمان نجف بودند، به حضور آن مرحوم رسیدند و تقاضا کردند هر ماه مبلغ ۷۵ روپیه برایشان تقدیم کنند، تا از لحاظ زندگی در رفاه باشد حاج شیخ عباس از پذیرفتن آن خودداری می‌کند. میرزا محسن محدث زاده فرزند کوچک آن مرحوم اصرار نمود تا قبول نماید، ولی ایشان نپذیرفت تا اینکه زنان محترم ناامید شدند، او را ترک کردند. پس از رفتن آنها فرزند به پدر گرفت من هم دیگر از کسبه بازار برای مخارج روزانه

قرض نمی‌کنم. حاج شیخ عباس میگوید ساکت باش این همین مقدار هم که الان خرج می‌کنم، نمیدانم فردای قیامت چگونه جواب خدا و امام زمان (عج) را بدهم در جواب این مقدار معطل هستم. و نیز در اواخر عمرش شخصی همدانی به دیدن او در نجف می‌زود و از وضع داخلی ایشان جويا میشود، مرحوم محدث قمی هر چه اصرار کرد ایشان نپذیرفت پس از رفتن فرد مذکور فرزند بزرگش پرسید، پدر چرا نپذیرفتند. جواب می‌دهد: نازک و بدنم ضعیف است طاقت جواب خدا را در قیامت ندارم و سپس داستان امیرالمومنین در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان را نقل می‌کند. آنگاه می‌گوید و به موعظه اهل خانه می‌پرداخت. در یکی از سالها مرد نیکوکاری از محدث قمی خواهش می‌کند که در مجلس او سخنرانی و موعظه بنماید و او را متعهد کرد که مبلغ پنجاه دینار و عراقی به ایشان بدهد اما محدث قمی گفت: من برای امام حسین به منبر می‌روم نه برای دیگری و مبلغ را نگرفت. زمان و علت فوت: شیخ عباس قمی در مدت اقامت در عراق همواره به کشورهای خوش آب و هوا سفر میکرد لیکن در سال ۱۳۵۹ ه. ق به خاطر تیرگی روابط عراق و سوریه نتوانست به سوریه و لبنان مسافرت کند و در نتیجه در همان هوای بسیار گرم نجف بسر برد، لذا این امر موجب شدت بیماری و کسالت دائمی وی شد تا اینکه نهایتاً در سن ۶۵ سالگی شب سه شنبه ۲۳ ذی الحجه الحرام سال ۱۳۵۹ ه. ق فوت کرد. فعالیت‌های آموزشی: شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۱ ه. ق بنا به درخواست عده‌ای از فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد، آموزش درس اخلاقی را در شبهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه میرزا جعفر شروع کرد. می‌گویند: قریب هزار نفر از طلاب و علمای در شهر مجالس درس وی حاضر می‌شدند. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی، از دوستان و همنشینان شیخ عباس قمی، از وی چنین یاد می‌کند: محدث قمی پیوسته سرگرم کار بود، عشقی شدید به نوشتن و تالیف و بحث و تحقیق داشت، هیچ امری او را از این شوق و عشق منصرف نمی‌کرد، و مانعی در این راه نمی‌شناخت. محدث قمی در زمان اقامت در عراق تابستانها برای زیارت و تجدید قوا به کشورهای خوش آب و هوای لبنان و سوریه سفر کرد. آثار: الدار النظیم فی لغات القرآن العظیم ویزگی اثر: کتاب در عین حالی که لغات قرآن را کاملاً شرح داده و معانی آنها را روشن ساخته مختصر و موجز است لذا استفاده از آن بسیار آسان است در مورد همین ویزگی مولف چنین نگاشته است. هذا مختصر منیف و سفر لطیف، عملیه فی توضیح لغات القرآن الشریف فی غایه الایجاز و الاختصار، لیسهل علی الطالبین تحصیله و لا- تفسیر علیهم مصاحبه و تحویله این کتاب مختصر است و لطیف و بسیار نیکو، آن را در شرح و توضیح لغات قرآن شریف در نهایت ایجاز و اختصار نگاشتن با اینکه استفاده از آن برای خوانندگان آسان باشد و همراه بردن و نقل و انتقالش مشکل نباشد ب: منابع و ماخذ کتاب آثار کهن و گران سنج و در نتیجه مورد اطمینان است لذا کتاب از اعتبار خاصی برخوردار است. ج: مولف صرفاً بشرح لغات بسنده نکرده بلکه به مسائل صرف و نحو نیز پرداخته و میتوان گفت کتاب سرشار از بحثهای ادبی است. د: در لابلاي مطالب به مناسبتهای گوناگون، روایات جالب و روشنگر مطلب وارد شده است. که این امر راهگشای بسیاری از مسایل است. [کیهان فرهنگی، شماره ۵، مرداد ۱۳۶۶، ص ۳۷ و ۳۸]

منابع زندگینامه: کیهان فرهنگی، شماره ۵، مرداد ۱۳۶۶، ص ۳۶

قمی، محمد بن رضا

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ حر عاملی در کتاب امل‌الامل گوید: آنجناب از فضلاء معاصرین بوده و گوید او راست شرح منظومه در معانی و بیان که

یکصد بیت است و آن را «انجاح المطالب» نامیده و صاحب روضات گوید المولی میرزا محمد بن المولی محمد بن رضا بن المولی اسماعیل ابن جمال‌الدین المشهدی القمی مردی فاضل و عالمی عامل و جامع و ادیب و محدث و فقیه و منسر و نبیه و موثق و وجیه و از علماء زمان علامه سبزواری (جناب مولى محمدباقر ابن محمد مؤمن سبزواری اصفهانی) و علامه مجلسی (صاحب بحار) و مرحوم فیض کاشانی است او راست کتاب تفسیر کبیر موسوم به «کنزالدقایق و بحر الغرائب» که تقریباً یکصد و بیست هزار بیت است و سبقت نگرفته است او را به این طرز تفسیر احدی از علماء قدیماً و جدیداً و از برای اوست ایضاً کتاب کبیری در اعمال سال به فارسی که خوش طرز و پرفایده است و رساله‌ای به عربی در احکام صید و ذباجه با نهایت استدلال و غیر اینها از کتب دیگر برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از علماء و وعاظ درجه اول قم بود که در ترتیب مطالب منبری و حسن ابتکار آن ربطی عظیم داشت و منبرش برای عموم خصوصاً طبقه عوام زیاد نافع بود. در سال ۱۲۶۶ در قم متولد شده و در اوائل جوانی تحصیل فقه و اصول نموده و چندی هم در قم امامت جماعت داشت دارای ذوقی سلیم و طبعی سرشار بود و در مرثی حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و خاندان مظلوم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم اشعاری داشت که اکنون نزد فرزند ارجمندش حجة الاسلام آقای حاج میرزا ابوالفضل زاهدی موجود می‌باشد. در دوره اول مشروطی از طرف اهالی قم به وکالت مجلس شورا و پارلمان انتخاب گردید و می‌فرمود من در کتابخانه خود بدون اطلاع و خبری نشسته بودم که خبر دادند اهالی شما را به وکالت مجلس انتخاب نموده‌اند. پس در همان دوره اول به تهران عزیمت نمود و در مجلس شرکت کرد.

از آثار آن مرحوم است چهار جلد کتاب که در مواعظ و مجالس منبری ترتیب و تألیف نموده که خیلی با سلیقه و مفید و خوب نوشته‌اند. دیگر در اواخر عمر کتابی هم در فضیلت صلوات مرقوم نموده‌اند در سن ۸۷ سالگی در سال ۱۳۵۱ هجری وفات نموده و در صحن کهنه مقابل بقعه محمد شاه مدفون گردید. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قنادی، صالح

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صالح قنادی

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب صالح قنادی پس از اخذ دیپلم در رشته الکترونیک و قبولی در دانش سرای تربیت معلم و دانشگاه تهران، دروس طلبگی را در مدرسه حاج آقای مجتهدی تهران شروع کردم. از سال حدود ۶۳ تا ۶۷ دروس مقدماتی تا اوایل رسایل و مکاسب را گذراندم و برای ادامه تحصیل به قم عزیمت کردم و از محضر اساتید محقق داماد و استادی و اعتمادی جهت رسایل و مکاسب استفاده کردم و کفایه را نزد آیت الله قدیری گذراندم و حدود هشت سال درس فقه آیت الله میرزا جواد تبریزی و اصول آیت الله وحید خراسانی گذراندم و هم زمان رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را گذراندم و در این زمان پایان نامه سطح ۳ مدارج علمی را با موضوع اجتماعی امر و نهی دفاع کردم و پایان نامه سطح ۴ با عنوان صفات جمالیه و جلالیه خداوند با رویکرد تجلی صفات در نظام تکوین و تشریح و نظام آخرت. حظ عبد از این صفات به پایان رساندم و در سال ۷۹ با موفقیت دفاع کردم. هم زمان و در ادامه سه جلد تفسیر موضوعی با عنوان مفاهیم اعتقادی در قرآن، اخلاق در قرآن و مفاهیم اخلاقی در قرآن جهت مدارس علمیه خارج از کشور تالیف کردم و با همکاری آقایان حمید محمدی و غلام علی همایی شش جلد تفسیر تربیتی بشری تدوین شده است که اکنون کتاب درسی حوزه های خواهران می باشد. هم چنین کتاب قرآن شناسی با همکاری جمعی از محققان با جمع آوری پرسش و پاسخهای دانشجویان تدوین شده است. و حدود بیست جلد کتاب پرسش و پاسخهای دانشجویی را به عنوان مسئول اداره مشاوره و پاسخ نهاد رهبری در دانشگاهها تنظیم و به چاپ رسانیدم. هم زمان به تدریس در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد در موضوعات تفسیر تربیتی و تفسیر موضوعی داشته ام و به عنوان استاد راهنما و مشاور و داور حدود ۱۰ پایان نامه را عهده دار بودم.

قوام السنه اصفهانی، ابوالقاسم اسماعیل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۵- ۴۵۷ ق)، مفسر، حافظ، محدث و لغوی شافعی. معروف به جوزی و قوام السنه جوزی. از ابو عمرو عبدالوهاب بن منده و عائشه بنت حسن و ابراهیم بن طیان و قاضی ابو منصور شکرویه و محمد بن احمد سمسار و احمد ذکوانی و رئیس ابو عبدالله ثقفی و عاصم بن حسن و محمد زینی و ابوبکر بن خلف شیرازی و ابونصر سراج و عبدالرحمان واحدی در اصفهان و بغداد و نیشابور حدیث شنید. او همچنین سالی را در مجاورت مکه گذرانید و املاء و تصنیف نمود. ابوسعید سمعانی و ابوالعلاء همدانی و ابوطاهر سلفی و ابوالقاسم بن عساکر و ابوموسی مدینی و ابوسعید صائغ و عبدالله بن محمد خباز و ابوالمجد زاهر بن احمد ثقفی و محمود عبدکوی از شاگردان وی در حدیث می باشند. ابوموسی مدینی او را پیشگام و استاد علمای زمانش می داند. یحیی بن منده گوید که در عصر او مثل او نبود. او در تفسیر، معانی، اعراب و فقه سرآمد اقران بود. فتاوی او در شهر و روستا شهرت داشت. وی کتاب بسیاری به عربی و فارسی نگاشت. از آثارش: «الجامع»، در تفسیر، سی مجلد؛ «المعتمد»، تفسیری در ده مجلد؛ «الایضاح»، در تفسیر، در چهار مجلد؛ «الموضح»، تفسیری به فارسی در چندین مجلد؛ «دلایل النبوه»، «التذکره»، حدود سی جزء؛ «سیر السلف»، در شرح حال صحابه و تابعین؛ «الترغیب و الترهیب»؛ «شرح الصحیحین»؛ «المغازی»؛ «اعراب القرآن».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۲۳- ۳۲۲ / ۱)، الاعلام بوفیات الاعلام (۳۵۶ / ۱)، سیر النبلاء (۸۸- ۸۰ / ۲۰)، شذرات الذهب (۱۰۶ -

۱۰۵ / ۴)، طبقات الحفاظ (۴۶۴-۴۶۳)، العبر (۴۴۷-۴۴۶ / ۲)، الکامل (۳۶۹ / ۸)، كشف الظنون (۱۹۰۴، ۱۷۳۲، ۱۴۰۴، ۷۶۰، ۶۳۱، ۵۷۵، ۵۷۱، ۵۵۸، ۵۵۴، ۴۴۲، ۴۰۰، ۲۱۱، ۱۲۳)، النجوم الزاهره (۲۶۱ / ۵)، الوافی بالوفیات (۲۱۱ / ۹)، هدیه العارفین (۲۱۱ / ۱).

قوامی، تقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تقی قوامی

محل تولد: شهرری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر ری در خانواده روحانی چشم باز کردم؛ پدرم حضرت آیت الله میرزا محمد حسن قوام الشریعه. (که این لقب را مرحوم آیت الله حکیم، مرحوم آیت الله شوانی و مرحوم آیت الله دکتر مشکاه به ایشان داده اند). سطح را در محضر بزرگانی چون آیت الله علامه شوانی و همچنین آیت الله شیخ محمد حسین تهرانی که شاگرد مرحوم آخوند بودند گذراندم؛ همچنین از حضرت آیت الله العظمی سلطانی طباطبایی، بروجردی و آیات عظام: خوانساری، گلپایگانی و مرعشی نجفی استفاده کرده و تا زمان این بزرگواران به مباحثه بحث خارج فقه و اصول جمعی اشتغال و پس از درگذشت این عزیزان درس خارج فقه و اصول و تفسیر می گویم و چند سالی است که برای تبلیغ داخل و خارج کشور به تربیت مبلغ مشغول هستم. منظومه هایی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بصورت فکاهی و در ذم طاغوت به چاپ رسیده است.

قوشچی سمرقندی، علاءالدین علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۷۹ ق)، عالم، منجم، مفسر، محقق، متکلم، مدرس و ریاضیدان. معروف به ملا- علی قوشچی و فاضل قوشچی. چون در نوجوانی مرغبان سلطان الغریگ و موظف به حفظ مرغان شکاری او بود به قوشچی مشهور شد. اصل و زادگاهش سمرقند بود. در آنجا اغلب علوم متداول از جمله هئیت و ریاضیات را از قاضی زاده‌ی رومی و الغریگ بن شاهرخ گورکانی فراگرفت. سپس به کرمان رفت و بعد از تکمیل تحصیلات علمی‌اش به سمرقند بازگشت و به ارائه «رساله فی حل اشکال القمر» مشتمل بر حل بعض جهات اشکال قمری که از زمانهای قدیم مبهم و حل نشده باقی مانده بود دوباره به الغریگ نزدیک شد. وی از تقرب بسیاری که در نزد سلطان الغریگ داشت به فرزند وی مخاطب بود. سلطان الغریگ وی را به تکمیل رصدخانه‌ای که در سمرقند تأسیس کرده بود واداشت، و «زیج الغریگی»، یا «زیج جدید» را که غیاث‌الدین جمشید و قاضی زاده‌ی رومی قبل از وی متصدی این امر بودند و

قبل از مرگ نتوانستند به اتمام برسانند، با نام «سلم السماء» که شرح «زیج الغیگ» است به اتمام رسانید. بعد از مرگ میرزا الغیگ عازم حج شد و در تبریز مورد توجه اوزون حسن، از حکمرانان آق قویونلو، قرار گرفت و باری عقد مصالحه اوزون حسن و سلطان محمدخان ثانی عثمانی به استانبول رفت و پس از انجام وظیفه به تبریز بازگشت و به درخواست سلطان محمد فاتح به استانبول رفت و در آن جا ساکن شد و «الرساله محمدیه»، در علم حساب، به عربی، را به نام همین پادشاه نوشت و بعدها به مدرسه‌ی مدرس‌یه ایاصوفیا منسوب شد. در استانبول درگذشت و در جوار قبر ابویوب انصاری دفن شد. از دیگر آثار وی: حاشیه بر «شرح کشف تفتازانی»، در تفسیر؛ شرح «تجرید الکلام» خواجه نصیر طوسی، که به «شرح جدید» نیز معروف است؛ «العنقود الزواهر فی نظم الجواهر»، در علم صرف؛ «محبوب الحمائل فی کشف المسائل»؛ «الرساله الفتحیه»، در علم هیئت، به عربی، که آن را به نام فتح‌السلطان نامگذاری کرد؛ «رساله فی علم الهیئه»، به فارسی، معروف به «هیئت فارسی»، از کتب درسی علم هیئت؛ «تفسیر الزهراوین»، سوره بقره و آل عمران؛ «رساله فی الحمد»؛ «میزان الحساب»، در علم حساب، فارسی. [۱]

(قوشچی؛ تر. بخش ۱، وی باز مخصوص الغیگ را در شکارگاه نگاه می‌داشته) (ملا) علی علاء‌الدین علی بن محمد سمرقندی، عالم و ریاضی و متکلم ایرانی (ف. استانبول ۸۷۹ ه.ق). وی به فرمان سلطان الغیگ مأمور تشکیل رصدخانه‌ی سمرقند گردید و زیج الغیگی را به پایان رسانید. پس از مرگ سلطان به سفر حج رفت و مورد توجه اوزون حسن آق قویونلو شد و از جانب وی به سفارت و عقد مصالحه به دربار سلطان محمدخان ثانی به استانبول رفت. پس از عقد صلح بار دیگر به استانبول بازگشت و مدرس مدرس‌یه ایاصوفیا شد. از تألیفات اوست: حاشیه‌ی شرح کشف تفتازانی، شرح تجرید خواجه، رساله‌ی محمدیه، هیئت فارسی، العقود الزواهر، محبوب الحمائل.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۶۲ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۶ - ۱۰۵ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۰ - ۲۶۹)، دایره‌المعارف (۲۰۹۳ - ۲۰۹۲ / ۲)، الذریعه (۲۵۸، ۲۴۷، ۲۵ / ۱۱۳، ۶ / ۴۹۵ - ۴۹۶)، ریحانه (۴۹۵ - ۴۹۶ / ۴)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۶۴ - ۳۶۱)، کشف الظنون (۱۶۷۶، ۱۶۱۱، ۱۴۷۹، ۱۲۳۶، ۱۱۷۴، ۹۶۶، ۹۵۲، ۸۹۴، ۸۸۹، ۸۸۴، ۸۶۲، ۴۹۷، ۴۴۸، ۳۴۸)، الکنی و الالقاب (۹۶ - ۹۴ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / علاء‌الدین قوشچی، قوشچی سمرقندی)، معجم المؤلفین (۲۲۷ / ۷)، هدیه الاحباب (۲۲۲ - ۲۲۱)، هدیه العارفین (۷۳۶ / ۱).

کازرونی، ابوبکر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم و پنجم ق)، حافظ و محدث. معروف به ده زور. اهل کازرون بود. به عراق و مکه رفت. در مکه از ابوالحسن احمد بن ابراهیم بن فراس عبقرسی و در بصره از ابوبکر احمد بن یعقوب طائی و دیگران حدیث شنید. وی شیخی ثقه و مورد اعتماد بود. ابومحمد عبدالعزیز بن محمد بن محمد نخشی (م ۴۵۷ ق) از وی روایت کرده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵ / ۱۴).

کازرونی، منصور

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۶۰ ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث و متکلم. در ۸۵۸ ق مجاور مکه شد و در همان جا تا پایان عمر در حال گوشه‌گیری از مردم باقی ماند. او در مکه درگذشت. تصانیف وی را در حدود صد اثر ذکر کرده‌اند که از آن جمله: «لطائف اللطاف فی تحقیق التفسیر و نقد الکشاف»؛ شرح «الجامع الصحیح» بخاری؛ «حجۀ السفرۀ البررۀ علی المبتدعۀ الفجرۀ»، در نقد «الفصوص» ابن عربی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/۲۳۶)، ایضاح المکنون (۲/۴۰۳)، شذرات الذهب (۷/۲۹۷)، معجم المؤلفین (۱۲-۱۱/۱۳).

کاشانی نجفی، مصطفی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۶/۱۳۳۷- ۱۲۶۸/۱۲۶۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، مفسر، ریاضیدان، ادیب و شاعر. در کاشان به دنیا آمد. بعد از گذراندن مقدمات، فقه و اصول و معقول و منقول و ریاضیات را در حوزه‌ی درس پدرش فراگرفت. سپس به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمد تقی، صاحب حاشیه «معالم»، بهره گرفت، تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. در ۱۲۹۲ ق در حالی که جامع جمیع علوم و ماهر در فقه و اصول و تفسیر و حکمت و ریاضی بود به تهران آمد. در ۱۲۹۶ ق پس از فوت پدرش قائم مقام منصب او گشت و چندین سال ریاست علمی و مرجعیت مذهبی مردم را عهده‌دار بود. در ۱۳۱۳ ق حج گزارد و در بازگشت در نجف سکنی گزید و از علمای آنجا بهره برد و خود حوزه‌ی درس و بحث مستقل تشکیل داد و یکی از علمای بزرگ نجف به شمار آمد. در ۱۳۳۳ ق به همراه علمای مجاهد قیام مردمی ضد انگلیس را اداره و رهبری کرد. او سپس تا پایان عمر در کاظمین ماند و در آنجا درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش: «التجری»، پیرامون مسائل اصول فقه؛ «الاجزاء»؛ «رساله فی منجزات المریض»؛ «الاستصحاب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی. [۱]

(حاج سید) مصطفی بن (حاج سید) حسین کاشانی الاصل تهرانی المسکن، از بزرگان علمای امامی (ف. ۱۳۳۷ ه.ق). وی سالها در تهران ریاست علمی و مرجعیت عمومی داشت. او بعد از تحصیل مقدمات متداول، فقه و اصول و معقول و منقول و اخلاق و کلام و ریاضیات و رجال را در حوزه‌ی درس پدر خود تکمیل کرد و بعد از وفات او به اصفهان رفت ولی حوزه‌ی علمی آنجا را فراخور استعداد خود ندید. پس عزیمت نجف کرد و در آنجا یکی از مراجع علمی گردید و حوزه‌ی دینی او مرجع استفاده‌ی افاضل بود. وی قریحه‌ی شعر نیز داشت و دیوانی هم در مناقب و مراثی معصومین دارد. او در استصحاب و تجزی و تفسیر مختصر قرآن و حاشیه‌ی ارشاد علامه و حاشیه‌ی شرایع و علامت ظن و قاعده‌ی لاضرر و منجزات مریض، تألیفاتی داشته ولی اکثر آنها تلف شده (ریحانۃ الادب، لغ.).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۳۳-۸/۱۳۲)، اعیان الشیعه (۱۲۸-۱۰/۱۲۷)، الذریعه (۲۳/۱۹)، ۲/۲۵، ۶/۱۰۲، ۹/۱۰۵۵، ۳/۳۵۰، ۲۷۵-۱/۲۷۴، ریحانه (۵/۲۱)، طبقات اعلام الشیعه (۱۳/۴۱۳)، علماء معاصرین (۱۱۲-۱۱۱)، لغت‌نامه (ذیل / مصطفی)، المآثر و الآثار (۱۶۰)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۳۱-۳/۱۰۳۰)، معجم المؤلفین (۱۲/۲۴۸).

کاشانی، عبدالرزاق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرزاق کاشانی در قرن سیزدهم در کاشان متولد شد. وی چنان که در نامه خود به علاءالدوله سمنانی اظهار می‌دارد «در اوایل جوانی از بحث فضلیات و شرعیات فارغ شده بود و از بحث اصول فقه و اصول کلام هیچ تحقیقی نگشود». و در ادامه در «بحث معقولات و علم الهی» جست‌وجو کرد و در این زمینه به درجه‌ای از کمال رسید. بر اثر این حیرت و انقلاب درونی، همچون غزالی به تصوف روی آورد از محضر اساتید برجسته آن دوران بهره گرفت. در حیطه راهنمانگاری کاشانی بدون شک یگانه است و هیچ یک از نامبرداران اندیشه خانقاهی در سرتاسر حوزه تمدن اسلامی - حتی خود شیخ اکبر هم - درخشش او را ندارد. در این زمینه می‌توان به اثر عظیم وی به نام «لطایف‌الاعلام فی اشارات اهل‌الهام» اشاره کرد که آن را می‌توان «بزرگترین اصطلاحات‌نامه همه حوزه‌های صوفیان» نام برد. جامعیت این اثر که تلخیصی از آن با عنوان اصطلاحات‌الصوفیه نیز یکی از منابع مهم صوفیه در این زمینه است ثابت می‌کند که به حق «عبدالرزاق یکه‌تاز میدان اصطلاحات نگاری است». گروه: علوم انسانیرشته: علوم قرآنیتحصیلات رسمی و حرفه ای: عبدالرزاق کاشانی چنان که در نامه خود به علاءالدوله سمنانی اظهار می‌دارد «در اوایل جوانی از بحث فضلیات و شرعیات فارغ شده بود و از بحث اصول فقه و اصول کلام هیچ تحقیقی نگشود». پس از این دوران، روح پرتلاطم وی از جست‌وجوی آرامش و سکون بازماند و آن را در وادی دیگر یعنی در «بحث معقولات و علم الهی» جست‌وجو کرد و در این زمینه به درجه‌ای از کمال رسید که «بهتر از آن صورت نبندد». ولی این مایه تحصیل علوم نیز نه تنها وی را از قید و سرگردانی نجات نداد بلکه «چندان وحشت و اضطراب و احتجاج از آن پیدا شد که قرار نماند و معلوم شد که معرفت مطلوب از طور عقل برتر است». بر اثر این حیرت و انقلاب درونی، همچون غزالی به تصوف روی آورد و به صحبت نورالدین عبدالصمد نطنزی، از مشایخ سهروردیه، رسید و پس از او نیز از محضر اساتید و مشایخ دیگری نظیر صدرالدین روزبهان ثانی، شمس‌الدین کیشی و اصل‌الدین عبدا... بهره گرفت. کاشانی با مطالعه فصوص‌الحکم با عقاید ابن عربی آشنا شد و این آشنایی، سرفصل مهمی در زندگی عبدالرزاق بود؛ چرا که وی با اینکه از مشایخ سهروردیه ارشاد یافته بود به یکی از بزرگترین شارحان و مروجان مکتب وحدت وجودی پس از صدرالدین قونوی تبدیل شد، به طوری که با وجود چهره‌های برجسته‌ای در میان شاگردان و مروجان عقاید شیخ اکبر، نظیر عقیف‌الدین تلمسانی، مؤیدالدین جندی، سعید فرغانی، فخرالدین عراقی، شاه نعمت‌الله ولی و ...، کاشانی از جایگاهی والا- و منحصر به فرد برخوردار است؛ زیرا وی با بیان ساده، روشن و محققانه به نظام‌مندی نظریات شیخ اکبر پرداخت و برخی از آثارش مثل شرح فصوص‌الحکم، تاویلات‌القرآن، لطایف‌الاعلام فی اشارات اهل‌الهام در نوع خود بی‌بدیل است و بیش از هر اثر دیگری مورد رجوع و استفاده طالبان بوده است. استادان و مریبان: بر اثر حیرت و انقلاب درونی، همچون غزالی کاشانی به تصوف روی آورد و به صحبت نورالدین عبدالصمد نطنزی، از مشایخ سهروردیه، رسید و پس از او نیز از محضر اساتید و مشایخ دیگری نظیر صدرالدین روزبهان ثانی، شمس‌الدین کیشی و اصل‌الدین عبدا... بهره گرفت. در میان شاگردان و مروجان عقاید شیخ اکبر، کاشانی از جایگاهی والا و منحصر به فرد برخوردار است. چگونگی عرضه آثار: در حیطه راهنمانگاری کاشانی بدون شک یگانه است و هیچ یک از نامبرداران اندیشه خانقاهی در سرتاسر حوزه تمدن اسلامی - حتی خود شیخ اکبر هم - درخشش او را ندارد. در این زمینه می‌توان به اثر عظیم وی به نام «لطایف‌الاعلام فی اشارات اهل‌الهام» اشاره کرد که آن را می‌توان «بزرگترین اصطلاحات‌نامه همه حوزه‌های صوفیان» نام برد. جامعیت این اثر که تلخیصی از آن با عنوان اصطلاحات‌الصوفیه نیز یکی از منابع مهم صوفیه در این زمینه است ثابت می‌کند که به حق «عبدالرزاق یکه‌تاز میدان اصطلاحات نگاری است». یکی دیگر از

ویژگی‌های کاشانی تلاش وی در جهت تحکیم مبانی علمی مکتب وحدت وجودی از طریق تقریب آن با شریعت و قرآن کریم است و نامه وی به علاءالدوله سمنانی در جهت دفاع از عقاید شیخ اکبر و اثبات نبود مغایرت آن با شریعت و نیز تدوین تاویلات القرآن را می‌توان در این راستا برشمرد که در آن کاشانی آیات قرآنی را منطبق با مشرب وحدت وجودی تاویل کرده است. از امتیازات دیگر کاشانی، گرایش‌های شیعی وی است. عبدالرزاق به گرامی داشت اهل بیت و ائمه اطهار (ع)، به خصوص حضرت علی (ع) و امام جعفر صادق (ع)، می‌پردازد. عبدالرزاق کاشانی یکی از نام‌آوران عرصه ترویج و انتظام بنای فکری و مکتب محی‌الدین ابن عربی است. از وی آثار گرانسنگ متعددی بر جای مانده که برخی از آنها در نوع خود در تاریخ تصوف بی‌بدیل است. در واقع، کاشانی در شمار پرکارترین نویسندگان تمام حوزه‌های تصوف اسلامی است، چه در دوران تکامل و رواج عرفان - دورانی که با حضور شیخ اکبر و ابن فارض آغاز شد - کمتر نویسنده‌ای بسان کاشانی به تدوین نظرگاه‌های خانقاهیان پرداخته است، به گونه‌ای که در این دوران نه تنها دست‌نوشته‌های بزرگانی همچون تلمسانی، جندی و فرغانی به تنوع و حجم آثار کاشانی نیست، بلکه حتی شیخ کبیر در این وادی همسان عبدالرزاق کاشانی نیست.

آثار: تاویلات القرآن و ویژگی اثر: تاویلات القرآن بی‌تردید گرانسنگ‌ترین اثر کاشانی است. به جرات می‌توان آن را در میدان تفسیر باطنی قرآن اثری منحصر به فرد دانست، چنانکه امام خمینی (ره) در تفسیر سوره حمد خویش از آن یاد می‌کنند. در این اثر، عبدالرزاق تفسیر قرآن را به شیوه تاویلی - مبتنی بر کشف و شهود - به اختصار در ۲ مجلد فراهم آورده است. مجلد اول دربرگیرنده مقدمه مؤلف و تاویل سوره‌های آغازین قرآن تا پایان سوره کهف است و مجلد دوم مشتمل بر تاویل سوره مریم تا انتهای قرآن است. تاویلات القرآن به عقیده «لوری» پژوهشگر آثار کاشانی اثری منحصر به فرد در زمینه تفسیر باطنی قرآن است که نه تنها در میان متشرعه، بلکه در میان تفاسیر متصوفه نیز نمی‌توان برای آن نظیری یافت. در هر صورت در میان مسلمین، صوفیه، باطنیان و اخوان‌الصفا در بسیاری از موارد به تاویل تمسک جسته‌اند و حتی از قدمای متصوفه نیز چون واسطی، شبلی، نوری و حلاج تاویل‌هایی در باب برخی از آیات قرآن نقل شده است. در تاریخ متصوفه، از قرن سوم به بعد، تفاسیری از بخشی از یک سوره یا قسمتی از قرآن یا تمام قرآن به دست رسیده است که در آنها نشانه‌هایی از ذوق و تاویل باطنی را می‌توان سراغ گرفت. «تاویلات القرآن» در حدود یک قرن پس از دوران شیخ اکبر و در زمانی به رشته تحریر درآمد که اندیشه متصوفه با طرح نظریات ابن عربی و رواج آن در محافل صوفی توسط قونوی، فرغانی، جندی و ... به اوج خود رسیده بود. به علاوه، کاشانی که با حکمت و فلسفه نیز آشنایی داشته و از طرفی در طریقت پیرو سهروردیه بوده است، در تاویلات، بر پرداخته‌هایش که غالباً رنگ محی‌الدینی دارند چاشنی فلسفه و ادراک ذوقی سهروردیه را نیز افزوده است. به علاوه، شیوه ساده، روان، آموزشی و به دور از طمطراق‌های ادبی، آن را به اثری قابل فهم و منبعی مهم برای رجوع طالبان تبدیل کرده است. از ویژگی‌های دیگر تاویلات، ارائه کلیدها و رهنمودهایی به سالک در جهت فهم معنی باطنی آیات قرآنی است. کاشانی خود در مقدمه اثرش از این نکته به عنوان یکی از انگیزه‌های اصلی تدوین تاویلات یاد می‌کند. کاشانی در بخشی از این کتاب به تبیین مفاهیم تاویل و تفسیر و تفاوت این دو و نیز به مختصری از تاریخچه سیر تاویل باطنی متصوفه در اسلام می‌پردازد. او چند نوع تفسیر را از هم متمایز می‌کند: ۱ - تفسیر قرآن بر اساس شواهدی از دستور زبان، علم‌اللغه، احادیث و روایات است. این رویکرد، که تفسیر ظاهری نام دارد، به برداشت ظاهری از بیانات قرآنی اکتفا کرده و به شدت از دخالت رای و نظر شخصی پرهیز می‌کند. غالب تفاسیر به خصوص در نزد متشرعه رسمی سنی از این نوع است. ۲ - تاویل، که مبتنی بر دخالت نظر و تفکر مفسر است و خود دارای ۲ گرایش تاویل عقلی و تاویل کشفی است. تاویل عقلی، که جسورانه‌ترین نمونه‌های آن در مذهب معتزله نگاشته شده است، علاوه بر به کارگیری تمام امکانات تفسیر ظاهری، نتیجه تفکرات شخصی مفسر را نیز در خود دخیل می‌کند. تاویل کشفی یا تاویل باطنی عبارت است از راه کشف درونی از طریق

درک مستقیم و شهودی مفهوم باطنی کلمات و آیات قرآنی. تاویلات عبدالرزاق کاشانی در این گروه جای دارد. وی نیز به جست و جوی «هسته‌های تاویل باطنی» در خود قرآن کریم می‌پردازد و آیات نور، میثاق الست و آیات مربوط به معراج پیامبر(ع) را در زمره این «هسته‌ها» برمی‌شمارد. همچنین عبدالرزاق مسئله انتساب تاویلات القرآن به ابن عربی را مورد کنکاش قرار داده است. وی با بحثی دقیق اشتباه بودن انتساب آن به ابن عربی را اثبات و براهینی بر آن اقامه می‌کند: اولاً غالب نسخ خطی تاویلات به عبدالرزاق منسوب است. شیخ حیدر آملی به کرات در جامع‌الاسرار از آن یاد کرده و مؤلف آن را «ولی‌الاعظم کمال‌الحق و المله‌والدین عبدالرزاق قدس... سره» نامیده است. جامی و شمس‌الدین محمد ابن حمزه فناری نیز در آثار خود تاویلات را تالیف عبدالرزاق کاشانی دانسته‌اند. شیخ بهایی نیز در کشکول ضمن بیان حدیثی از امام جعفر صادق (علیه‌السلام) که عیناً در مقدمه تاویلات نیز آمده است، می‌نویسد: «روی‌العارف الربانی مولانا عبدالرزاق القاسانی فی تاویلاته». به هر روی، هدف عبدالرزاق تفسیر مسلسل و آیه به آیه تمام آیات قرآن یا تفسیر موضوعی قرآن نیست. وی که از سویی به وجود معانی باطنی در ورای ظاهر آیات قرآنی معتقد است و از سوی دیگر اهل کشف و شهود است و از جهتی نیز دغدغه ارائه کلیدها و رهنمون‌هایی به سالکان جهت تسهیل درک معنوی قرآن را دارد، شروع به تدوین تاویل قرآن، بر اساس ادراک شهودی و با بیانی ساده و آموزشی، کرد. بنابراین، تاویلات باطنی عبدالرزاق حاصل تجربه شخصی او است. از آنجا که کاشانی، به اختصارنویسی گرایش دارد، از این رو، آیاتی با مضمون ۲ شرح فصوص‌الحکم لطایف‌الاعلام فی اشارات اهل‌الالهام منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

کاشانی، عبدالمطلب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب، مفسر، طیب، مورخ و شاعر. مشهور به ادیب کاشانی. سلسله نسب وی به طایفه غفاری و بنا به قول صاحب «گنج شایگان» به ابوذر غفاری می‌رسد. وی در عصر ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق) می‌زیست. میرزا عبدالمطلب، خواهرزاده‌ی میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی صنیع‌الملک بود. وی در قواعد عربی، علوم ادبی، تفسیر و علم طب بی نظیر بود و همگان او را در فنون مزبور به استادی قبول داشتند. ادیب کاشانی تاریخی نیز تألیف کرده که گویا از بین رفته است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۱۸۰-۱۱۷۹/۲)، شرح حال رجال (۱۵۰/۶)، گنج شایگان (۳۴۸-۳۴۵).

کاشانی، علم الهدی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۰۷ ق)، فقیه، محدث، مفسر و ریاضیدان. از نوادگان صاحب «معالم» بود که در کاشان می‌زیست. از آثارش کتابی در «فقه استدلالی» است که در ۱۱۰۷ ق از تألیف آن فراغت یافت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۱۴۹ / ۸)، الذریعه (۲۸۸ / ۱۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۴۸۸ / ۱۲)، معجم المؤلفین (۲۹۴ / ۶).

کاشانی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۵- ۱۲۹۲ ق)، فقیه، مفسر و زاهد. در کاشان به دنیا آمد. نسب وی به سی و چهار واسطه به امام زین العابدین (ع) می‌رسد. خانواده‌ی او از خاندان‌های اصیل کاشان است. از اوایل جوانی به تحصیل نزد علمای بزرگ کاشان همچون آیت‌الله ملا محمد حسین نطنزی و آیت‌الله ملا- حبیب‌الله کاشانی پرداخت. او از بسیاری از بزرگان روایت کرد و عده‌ای بسیار همچون فرزندش، آیت‌الله سید عباس کاشانی، از وی روایت کرده‌اند. در ۱۳۴۰ ق به عتبات رفت و در کربلا مقیم شد و مشغول به تدریس و تألیف گردید و کتابخانه‌ی نفیسی را گردآوری کرد. وی داماد آیت‌الله آقا سید محمد صادق اصفهانی، از مجتهدین و مراجع زمان خود، بود. در کربلا از دنیا رفت و در صحن مطهر امام حسین (ع) به خاک سپرده شد. در سوک او شعرای بزرگ فارسی گوی و عرب اشعاری سرودند و ماده تاریخ تنظیم کردند. از آثارش: تفسیر «سوره‌ی یوسف»؛ تفسیر «سوره‌ی جمعه»؛ تفسیر «سوره‌ی عم»؛ تفسیر «سوره‌ی یس»؛ «ریاض الانس»، در پنج جلد؛ «کشکول کاشانی»؛ «مکارم الآثار»؛ «التحفة العلوئیة»؛ «مناقب آل محمد (ع)»؛ «الرحلة الحجازیة»؛ «النصیحة العالیة»؛ «حلیة المرتلین»؛ «پرتو نور»، در امامت، به فارسی. [۱]

حجه الاسلام والمسلمین عالم ربانی محقق مدقق و عابد زاهد مرحوم حاج سید علی اکبر حسینی کاشانی حایری والد معظم مترجم گرامی ما از اجلاء علماء و اعظام اتقیاء عالمی جلیل‌القدر و متعبدی زاهد و منبع فیوضات ربانی بوده تولدش در سال ۱۲۹۲ قمری در کاشان واقع شده و در خاندان فضیلت و شرف چشم به جهان گشوده و از اوائل جوانی شخصیتی برجسته و مورد توجه و عنایت خاص و عام و منزلش ماواى فقراء و مستمندان و مرجع تهیدستان بوده است بیشتر مشکلات اجتماعی و گرفتاریهای عجیب به دستش حل می‌گشته لیاقت عجیب در قضاء و رفع خصومات داشته مدتها نزد اعظام علماء کاشان مانند مرحوم آیت‌الله ملا محمد حسین نطنزی و آیت‌الله ملا- حبیب‌الله کاشانی و غیر ایشان تلمذ نموده و از جمع کثیری از بزرگان روایت می‌کند و عده‌ای از بزرگان و علماء که از آنهاست نجل جلیل مذکورش آیت‌الله حاج سید عباس کاشانی از وی روایت می‌نمایند.

در سال ۱۳۴۰ قمری با یک دنیا شخصیت و عظمت که داشته مقام ارجمند را زیرپا گذارده و به قصد عتبات عالیات مهاجرت و در شهر کربلا اقامت و مشغول به تدریس و تألیف گردیده و مولفات عدیده از خود به یادگار گذارده است که از آن جمله است:

۱- تفسیر سوره یوسف ۲- تفسیر سوره عم ۳- تفسیر سوره جمعه ۴- تفسیر سوره یس ۵- ریاض الانس ۵ مجلد ۶- کشکول کاشانی ۷- مکارم الآثار ۸- التحفه العلوئیة ۹- مناقب آل محمد ۱۰- الرحله الحجازیه ۱۱- النصیحة العالیة ۱۲- حلیة المرتلین و ده‌ها کتب دیگر که تمامی آنها نزد نجل زکیش آیت‌الله حاج سید عباس موجود و به طبع خواهد رسید انشاءالله.

جمعی از بزرگان مانند حاج شیخ آقابزرگ تهرانی ترجمه آن مرحوم را در کتب الذریعه و اعلام الشیعه ذکر نموده است. معظم‌له عالمی عابد و زاهدی بی‌بدیل و ورعی بی‌مثیل بوده و در ترویج احکام و نشر احادیث اهل بیت علیهم‌السلام سعی بلیغ داشته است وی بسی و چهار واسطه به حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام می‌رسد و خاندان او از اجل خاندان و بیوتات اصیله کاشان بوده است مضافاً بر این اصالت و نبالت داماد معظم آیت‌الله العظمی حاج سید محمدصادق اصفهانی اعلی‌الله مقامه که یکی از مجتهدین و مراجع زمان خود بودند می‌باشند. وی در روز یکشنبه ۲۴ محرم ۱۳۶۵ قمری بدرود حیات گفته و روز وفاتش شورش عجیبی در کربلا- برپا و تجلیل وافر از تشییع او به عمل آمده و در مقبره شخصی خود در صحن مطهر حضرت امام حسین علیه‌السلام مدفون گردید.

از شدت زهد و ورعی که داشت پیوسته به فرزند جلیش توصیه می‌فرمود که (ایاک و التصدی بامر القضاء و المرجعیه و حتی الامامه) و می‌فرمود تا می‌توانی انزوا را اختیار و از شهرت طلبی و جاه‌پرستی پرهیز کن و علیک بتقوی الله فی السر و العلانیه و ادع الی الله و روح دین اجدادک الطاهرین و لا تقصر عن نصره الدین و اهله.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (۱۴/۱۶۰۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۰-۲۳۸/۲).

کاشانی، فتح‌الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۸۸ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، محقق، مفسر، محدث و مورخ. از علمای بزرگ اواخر قرن دهم قمری و از شاگردان مفسر بزرگ، ابوالحسن علی بن حسن زواری، بود که به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت کرده است. او همچنین از ضیاءالدین محمد بن محمود، از مقدس اردبیلی، روایت می‌کند. در «مشیخه» سید حسین کرکی سال وفاتش ۹۹۷ ق ذکر شده اما ماده تاریخ وفات وی (ملاذ الفقهاء) برابر با ۹۸۸ ق می‌باشد. از آثار وی: ترجمه قرآن به فارسی؛ «منهج الصادقین فی تفسیر القرآن المبین و الزام المخالفین»، به فارسی، در یکصد و هفتاد هزار سطر؛ «خلاصه المنهج»، به فارسی، که ملخص «تفسیر منهج» است، در سه مجلد؛ «زبدۃ التفاسیر»، تفسیری به عربی، در حدود هشتاد هزار سطر؛ شرح «نهج البلاغه»، به نام «تنبيه الغافلین و تذکرۃ العارفین»، به فارسی؛ «کشف الاحتجاج»، در ترجمه‌ی «احتجاج» طبرسی، به فارسی، که آن را برای شاه طهماسب صفوی تألیف کرده است. [۱]

(ملا) فتح‌الله بن شکرالله، فقیه و محقق و متکلم و مفسر امامی (ف. ۹۸۸ ه.ق). وی شاگرد علی بن حسن زواری بود و به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت دارد. او در همه‌ی علوم دینی متداول متبحر بود خصوصاً در تفسیر، وی راست: ترجمه‌ی احتجاج طبرسی که به نام کشف الاحتجاج مذکور است، ترجمه‌ی قرآن به فارسی (و آن غیر از سه فقره تفسیر قرآن مذکور در ذیل است)، تنبیه الغافلین و تذکرۃ العارفین (شرح فارسی نهج البلاغه)، خلاصه المنهج (ملخص تفسیر منهج الصادقین مذکور در ذیل)، زبدۃ التفاسیر (تفسیر قرآن به عربی)، کشف الاحتجاج (ترجمه‌ی فارسی احتجاج طبرسی که برای شاه طهماسب تألیف شده)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین (تفسیر بزرگ به فارسی) (ریحانۃ الادب، لغ).

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۸/۳۹۲)، ایضاح المکنون (۲/۵۹۲)، تاریخ کاشان (۲۸۰-۲۷۹)، الذریعه (۱۹۴-۱۹۳/۲۳، ۸-۷ / ۱۸، ۱۲/۲۳، ۲۳۴-۲۳۳/۷، ۴/۴۴۷)، روضات الجنات (۳۳۱-۳۳۰/۵)، ریاض العلماء (۳۱۹-۳۱۸/۴)، ریحانه (۵/۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۸-۱۷۷/۱۰)، فوائد الرضویه (۳۴۶-۳۴۵)، لغت‌نامه (ذیل / کاشانی)، معجم المؤلفین (۸/۵۱)، هدیه العارفین (۱/۸۱۵).

کاشف‌النظاء

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ع. برطرف کننده‌ی پرده) لقب (شیخ) جعفر بن (شیخ) خضر بن (شیخ) یحیی حلی جناحی الاصل و نجفی المسکن والمدفن معروف به شیخ اکبر و شیخ نجفی، از بزرگان علمای امامیه و فقیه و مجتهد (ف. نجف ۱۲۲۷ یا ۱۲۲۸ ه.ق) وی شاگرد آقای بهبهانی و سید مهدی بحر العلوم و سید صادق فخام و جز ایشان بود؛ و صاحب جواهر و حجة الاسلام رشتی و شیخ محمدتقی صاحب هدایة المسترشدین و سید صدرالدین موسوی عاملی و سید جواد صاحب مفتاح الکرامة و شیخ عبدالحسین اعسم و حاجی کلباسی و گروهی دیگر از شاگردان اویند و از او روایت دارند. او راست: اثبات الفرقة الناجية من بين الفرق الاسلامية، احکام الاموات، بغية الطالب في معرفة المفروض والواجب (رساله‌ای است عملیه و مطلب اول آن در اصول عقاید و مطلب دوم در احکام طهارت و نماز است)، الحق المبین فیتصویب المجتهدین و تخطئة جهال الاخباریین (که در آن حقیقت مذهب طرفین را نگاشته و گوید که هر دو در اصول دین متحد و در فروع نیز مرجع هر دو فرقه، روایات ایمة ۴ است و در حقیقت مجتهد اخباری و اخباری نیز مجتهد و فضلالی طرفین ناجی و طعن کنندگان در هلاکتند)، شرح قواعد علامه (که در آن بعضی از ابواب مکاسب را تا مبحث خیارات شرح کرده)، العقائد الجعفریة، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (این کتاب حاکی از کثرت اطلاع و فهم و جودت فکر و حسن سلیقه‌ی او و حاوی اصول و فروع دینی است. شهرت شیخ جعفر به کاشف الغطاء به مناسبت نام همین کتاب است). وی نزد بزرگان عصر محترم بود و ریاست علمی داشت و بسیار حلیم و متواضع بود. مدفن او در نجف در محله‌ی عماره در مقبره‌ی مخصوص خانواده‌ی اوست. خاندان او را به نام آل کاشف الغطاء می‌نامند و هر یک از آنان را نیز به لقب کاشف الغطاء می‌خوانند، از آن جمله کسان ذیل از آن نامبردارند:

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کاشفی سبزواری هروی، معین‌الدین، حسین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۱۰ ق)، فقیه، محدث، حافظ، مفسر، واعظ، صوفی، ادیب و شاعر. مشهور به ملا حسین کاشفی یا ملاحسین واعظ. در سبزواری به دنیا آمد. دوره‌ی جوانی را در آن شهر گذراند و در آنجا و نیشابور و هرات نشو و نما یافت. در زمان سلطان حسین میرزای بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد می‌پرداخت و با صوتی خوش آیات قرآن و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب بیان می‌کرد. وی از ملازمان امیر علی شیرنویابی بود. پس از ملاقات مولانا جامی و معاشرت با وی طریقت نقشبندی را پذیرفت. درباره‌ی مذهب وی اختلاف است، وی را به جهت گرایش به تصوف ملازمت با امیر علیشیرنویابی و نسبت خانوادگی نزدیک به ملا عبدالرحمان جامی سنی مذهب و به جهت نگارش کتاب «روضه الشهداء» و محل رشد و تربیتش سبزواری که از شهرهای اهل تشیع بوده، شیعه مذهب دانسته‌اند. به هر حال وی در هرات به شیعه بودن و در سبزواری به تسنن اشتها داشت. کاشفی در هرات درگذشت. از آثار وی: «جواهر التفسیر لتحفة الامیر»، به نام امیر علیشیرنویابی؛ «مختصر الجواهر»، تفسیری دیگر در حدود بیست هزار سطر؛ «جامع الستین»، در تفسیر «سوره‌ی یوسف»؛ «المواهب العلیة»، معروف به «تفسیر حسینی»، به نام سلطان حسین بایقرا؛ «روضه الشهداء»، در مقاتل و ذکر مصیبت اهل بیت (ع) و واقعه‌ی کربلا، که چون اهل منبر از روی این کتاب می‌خواندند به روضه‌خوان مشهور شدند؛ «الاربعین»، در احادیث موعظه؛ «المرصد الاسنی»، در شرح اسماء الله الحسنی؛ «اخلاق محسنی»؛ «مخزن الانشاء»، در فن ترسل که برای سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیرنویابی، در ۹۰۷ ق، تألیف نموده؛ «انوار سهیلی»، در تدابیر حکم و آداب از زبان حیوانات، بازنویسی از «کليلة و دمنه» نصرالله منشی، که آن را برای امیر شیخ احمد سهیلی از امرای عهد سلطان

حسین بایقرا نوشت؛ «اسرار قاسمی»، در سحر و طلسمات و کیمیا؛ «بدایع الافکار فی صنایع الاشعار»، در ذکر صناعات ادبی؛ شرح «مثنوی» مولوی؛ «لب المثنوی»؛ «لب اللب مثنوی»؛ «اختیارات النجوم»، به نام «الواح القمر»؛ «السبعة الکاشفیه»، شامل هفت وسیله در علم نجوم. [۱]

(بخش ۱: کاشف) حسین بن علی بیهقی سبزواری واعظ ملقب به کمال‌الدین، دانشمند و واعظ معروف (ف. ۹۰۶ یا ۹۱۰ ه.ق) وی در علوم دینی و معارف الهی و فنون غریبه و ریاضیات و نجوم دست داشت. او در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد مشغول بود و با صوتی خوش و آهنگی دلکش آیات قرآنی و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب ایراد می‌کرد. او راست: آینه‌ی اسکندری به فارسی (در استخراج مطلوب و حاوی ۸ جدول و ۲۰ دایره) و آن را جام جم نیز گویند، الاختیارات یا اختیارات النجوم (حاوی یک مقدمه و یک خاتمه و دو مقاله)، اخلاق محسنی (ذیل فرهنگ حاضر)، الاربعون حدیثاً در مواعظ بنام الرسالة العلیه فی الاحادیث النبویه (این کتاب به فارسی و حوال ۴۰ حدیث است)، اسرار قاسمی (ذیل فرهنگ حاضر)، انوار سهیلی (ذیل فرهنگ حاضر)، بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، تحفه الصلوات (به پارسی)، جامع الستین (تفسیر فارسی عرفانی و ادبی و اخلاقی و تاریخی سوره‌ی یوسف)، روضه الشهداء (م.ه) سبعة کاشفیه (۷ رساله در علم نجوم)، شرح مثنوی، جواهر التفسیر لتحفه الامیر یا عروس (عروس)، اللباب المعنوی فی انتخاب المثنوی، مختصر الجواهر (مختصر جواهر التفسیر یا عروس مذکور)، مخزن الانشاء به پارسی، المرصد الاسنی فی شرح اسماء الله الحسنی، مطلع الانوار، المواهب العلیه (مواهب العیله) (لغ). برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از سعدی تا جامی (۶۸۱، ۶۴۷، ۶۴۶، ۶۴۵، ۶۴۴، ۶۴۳-۶۴۱، ۶۳۹-۶۳۶، ۶۲۸، ۳۲۹)، اعیان الشیعه (۱۲۴) - ۶/۱۲۱، ایضاح المکنون (۶۷۴، ۲/۴۱۶، ۱/۷۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۶-۵۲۳/۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۸-۲۴۵)، حبیب السیر (۳۴۶-۳۴۵/۴)، الذریعه (۱۹۴-۱۹۳/۲۰، ۲۹۱، ۱۸/۱۹۰-۱۲۵۲، ۹/۸۹۹، ۵۸-۵/۵۷، ۳/۴۵۵، ۲/۴۳۰، ۱/۵۰)، روضات الجنات (۲۲۳-۲۱۷/۳)، ریاض العارفین (۲۳۱-۲۳۰)، ریحانه (۳۲-۵/۲۹)، طرائق الحقائق (۳/۱۱۴)، کشف الظنون (۱۹۱۶، ۱۸۹۶، ۱۶۴۸، ۱۵۷۴، ۱۳۰۵، ۳۹۸)، الکنی و الالقاب (۳/۱۰۵)، لغت‌نامه (ذیل / کاشفی)، مجالس المؤمنین (۵۴۸-۵۴۷/۱)، مجالس النفائس (۹۳)، معجم المؤلفین (۳۵-۴/۳۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۶-۲/۸۱۰).

کاشی، کمال‌الدین، ابوالغنائم عبدالرزاق

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۳۵/۷۳۰ ق)، حکیم، مفسر، عارف و صوفی. از مشاهیر عرفا و متصوفه علمای امامیه بود. وی معاصر با علامه حلی و شیخ علاءالدوله سمنانی می‌باشد. مابین وی و شیخ علاءالدوله سمنانی مباحثات و مکاتباتی برقرار بوده است. کاشانی در عرفان عملی و سلوک شاگرد نورالدین عبدالصمد نطنزی اصفهانی و خلیفه او در طریقه‌ی سهروردیه بد. در «ریحانه الادب» پدر صاحب عنوان، جمال‌الدین اسحاق کاشانی سمرقندی ذکر شده است. از آثارش: «اصطلاحات الصوفیه»؛ «تأویلات القرآن» یا «تأویل الآیات»؛ «تحفه الاخوان فی خصائص الفتیان»، در آیین فتوت؛ شرح «فصوص الحکم» ابن عربی؛ «خلاصه التدریس»؛ «شرح الزلال»، در شرح «الالفاظ المتداوله بین ارباب الاذواق و الاحوال»؛ «القضا و القدر»؛ «السراج الوهاج»، در تفسیر قرآن؛ شرح «منازل السائرن» خواجه عبدالله انصاری هروی؛ «فتوت نامه»؛ «کشف الوجوه الغر لمعانی نظم الدر»، در شرح «التائیه» ابن فارض، در تصوف؛ «لطائف الاعلام فی اشارات اهل الافهام»، در اصطلاحات صوفیه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱/۵۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶۴، ۸۰۹، ۸۰۸، ۱۷۲، ۳/۱۷۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۸)، الذریعه (۱۷۴/۲۰، ۵۱/۱۹، ۳۱۳، ۱۸/۶۷، ۱۷/۱۴۸، ۳۲۰، ۱۶/۱۱۵، ۱۴/۸۸، ۱۳/۳۸۲، ۲۳۴-۲۳۳/۱۲، ۲۱۹-۲۱۸/۷، ۳۳۰/۴، ۴۱۶-۴۱۵، ۳/۳۰۳، ۲/۱۲۲)، ریحانه (۵/۳۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۳-۱۱۲/۸)، کشف الظنون (۱۸۲۸، ۱۵۵۲، ۱۴۹۶، ۱۲۶۳، ۹۸۵-۹۸۴، ۳۳۶، ۲۶۶، ۱۰۷)، لغت‌نامه (ذیل / کاشی)، مجالس المؤمنین (۷۰-۶۹/۲)، معجم المؤلفین (۵/۲۱۵)، نفحات الانس (۴۸۴-۴۸۳، ۴۸۲-۴۸۱)، هدیه العارفین (۱/۵۶۷).

کامجرى مروزی، ابویعقوب اسحاق

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۴۶ / ۲۴۵-۱۵۰ ق)، حافظ و محدث. اصل وی از خراسان و ساکن بغداد بود. از عبدالقدوس بن حبیب شامی و حماد بن زید و محمد بن جابر یمامی و عبدالوارث بن سعید و هشام بن یوسف صنعانی و کثیر بن عبدالله ابلی، از راویان انس بن مالک، و جعفر بن سلیمان و سفیان بن عیینه و عبدالواحد بن زید و عبدالرحمان بن ابی‌زناد حدیث شنید. وی زائده بن قدامه را ملاقات کرد. ابوداود و، به واسطه‌ای، نسایی و عبدالله بن احمد بن حنبل و یعقوب بن شیبه و محمد بن اسماعیل بخاری، در کتاب «الادب»، و ابوبکر احمد بن علی مروزی و عبدالله بن محمد بن ناجیه و ابویحیی صاعقه و فضل بن سهل اعرج و ابوالقاسم بغوی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۲۲)، تاریخ بغداد (۳۶۲-۳۵۶/۶)، التاریخ الکبیر (۱/۳۸۰)، تذکره الحفاظ (۴۸۶-۴۸۴/۲)، تهذیب التهذیب (۲۰۳-۲۰۲/۱)، سیر النبلاء (۴۷۸-۴۷۶/۱۱)، طبقات ابن سعد (۷/۲۵۲)، العبر (۱/۳۴۹)، میزان الاعتدال (۲۰۷-۲۰۶/۱).

کجی بصری، ابومسلم ابراهیم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۹۲-۲۰۰ ق)، حافظ، محدث و مفسر. معروف به کجی و کشی. نسبتش به کج خوزستان می‌رسد. مسند زمان خود و ساکن بغداد بود. از محمد بن عبدالله انصاری و عبدالرحمان بن حماد و ابوعاصم نبیل و عبدالملک بن قریب اصمعی و عبدالله بن رجاء و سلیمان بن حرب و ابوولید طیالسی و عبدالله بن مسلم قعنبی و عمرو بن مرزوق و سعید بن سلام عطار و سعید بن اوس انصاری و حجاج بن منهال انماطی و عثمان بن هشتم موذن و مسلم بن ابراهیم و عفان بن مسلم و عمرو بن حکام و محمد بن کثیر عبدی و جماعتی دیگر حدیث شنید. او در بغداد در رجه‌ی غسان املای حدیث می‌کرد. در مجلس او حدود چهل هزار نفر دوات به دست برای ثبت حدیث شرکت می‌کردند و هفت نفر مستملی به ترتیب سخن او را به مستمعین دوردست می‌رساندند. ابوالقاسم بغوی و ابوالقاسم طبرانی و اسماعیل بن محمد صفار و ابوبکر نجاد و ابوبکر شافعی و حبیب قزاز و ابوبکر قطیعی و قاضی ابواحمد عسال

اصفهانی و احمد بن طاهر میانجی و ابوبکر آجری و ابوسهل بن زیاد و محمد بن جعفر آدمی و عبدالباقی بن قانع و ابومحمد بن ماسی و دیگران از وی روایت کردند. در بغداد در گذشت و پیکرش به بصره منتقل و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: کتاب «السنن»؛ کتاب «المسند»؛ «ناسخ القرآن و منسوخه».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۴۲)، انساب سمعانی (۵/۳۶)، تاریخ بغداد (۶/۱۲۰-۱۲۴)، تذکره الحفاظ (۶۲۱-۶۲۰/۲)، سیر النبلاء (۴۲۵-۴۲۳/۱۳)، شذرات الذهب (۲/۲۱۰)، طبقات الحفاظ (۲۹۶-۲۹۵)، طبقات المفسرین داودی (۱/۱۱)، العبر (۱/۴۲۲)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۴۲۲)، معجم البلدان (۴/۴۹۷)، المنتظم (۷/۳۶۲-۳۶۳)، الوافی بالوفیات (۶/۳۰-۲۹).

کرمانی، شمس‌الدین، ابو عبدالله محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۸۶-۷۱۷ ق)، فقیه شافعی، اصولی، محدث، مفسر، متکلم و نحوی. اصل وی از کرمان است. مدت سی سال در بغداد به نشر دانش مشغول بود و در آنجا صاحب نام و آوازه گشت. مدتی نیز در مکه اقامت کرد. در راه بازگشت از مکه به بغداد در گذشت. جنازه‌اش به بغداد منتقل و در آنجا دفن شد. از آثار وی: «الکواکب الدراری»، در شرح «الجامع الصحیح» بخاری، بیست و پنج مجلد کوچک و یا چهار مجلد بزرگ؛ «ضمائم القرآن»، و مختصر آن؛ «النقود و الردود فی الاصول»؛ شرح «مختصر» ابن حاجب، به نام «السبعة السیارة»، که در آن هفت شرح جمع آوری شده است؛ شرح «اخلاق» قاضی عضدالدین ایجی؛ در معانی و بیان، که آن را «تحقیق الفوائد» نامید؛ شرح «المواقف» قاضی عضدالدین ایجی، در علم کلام؛ حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر، در چهار مجلد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۸-۲۷/۸)، کشف الظنون (۱۸۹۱، ۱۶۶۲، ۱۲۹۹، ۵۴۶، ۱۸۹، ۳۷)، معجم المؤلفین (۱۳۰-۱۲۹/۱۲)، هدیة العارفین (۲/۱۷۲).

کرمانی، علی اصغر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۴۰-۱۰۵۱ ق)، عالم دینی، مفسر و صوفی. اصل وی از مدینه بود. چون یکی از اجدادش به کرمان مهاجرت کرد به کرمانی شهرت یافتند. وی در قنوج به دنیا آمد و در همان شهر نیز از دنیا رفت. از آثارش: «اللطائف العلیة فی المعارف الالهیة» به شیوه‌ی «فصوص الحکم» ابن عربی؛ «تبصرة المدارج»، در علم سلوک؛ «ثواب التنزیل»، در تفسیر قرآن، همانند «تفسیر الجلالین»، که در «ایضاح المکنون» به نام «ثواب التنزیل» آمده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷۱-۷۰/۵)، ایضاح المکنون (۱/۳۴۸)، معجم المؤلفین (۷/۳۸)، هدیة العارفین (۱/۷۶۶).

کرمانی، نورالدین، ابوالقاسم محمود

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۵۰۰ ق)، مقری، مفسر، فقیه شافعی و نحوی. معروف به تاج القراء. او عالم در قرآآت بود. از آثارش: «لباب التأویل و عجائب التأویل»، در دو مجلد؛ «البرهان فی توجیه متشابه القرآن لما فيه من الحجّة و البیان»؛ «عجائب القرآن» یا «الغرائب و العجائب فی تفسیر القرآن الکریم» یا «العجائب و الغرائب» که تحت عنوان «لباب التفاسیر» می‌باشند؛ «الافاده»، در نحو؛ «الایجاز»، مختصر «الایضاح» ابوعلی فارسی نحوی، در نحو؛ شرح «اللمع» ابن جنی ابوالفتح عثمان موصلی، در نحو؛ «العنوان»، در نحو. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/۴۴)، کشف الظنون (۱۵۶۲، ۱۵۴۱، ۱۱۹۷، ۱۱۷۷، ۱۱۲۶، ۲۴۱، ۲۱۳، ۱۳۱)، معجم الادباء (۱۹/۱۲۵)، معجم المؤلفین (۱۲/۱۶۱)، هدیة العارفين (۲/۴۰۲).

کریمی والا، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا کریمی والا

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیق در سال ۱۳۷۰ افتخار ورود به حوزه را کسب نمودم. ابتدا در حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان بناب مشغول تحصیل شدم و تا سال ۱۳۷۴، پایه ششم را تمام نمودم. سال ۱۳۷۴ عازم قم شدم و دروس سطح را آغاز کردم و از محضر اساتید فیض بردم. در سال ۱۳۷۵ وارد دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی موسسه امام خمینی (ره) شده و در سال ۱۳۸۰ پایان نامه این دوره را دفاع نمودم سپس به مدت دو سال به حوزه علمیه بناب برگشتم و دروس مقدمات را در این حوزه تدریس کردم. بعد از بازگشت به قم شروع به تدوین پایان نامه سطح چهار نمودم و در سال ۱۳۸۵ پایان نامه را دفاع کردم. ضمناً از سال ۷۷ الی ۸۱ در درس خارج شرکت می‌کردم. همچنین از ۸۳ الی ۸۶ در دروس خارج شرکت می‌کردم. حقیق به مدت ۸ ترم در دانشگاه آزاد تهران جنوب، به مدت ۴ ترم در دانشگاه تربیت معلم تهران، به مدت ۲ ترم در دانشگاه قم، همچنین امسال یعنی (۸۷ - ۸۶) مشغول تدریس بدایة المعارف و شرح لمعه در حوزه علمیه مدرسه معصومیه بودم و مشغول تدریس دروس معارف بودم.

کریمی، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جعفر کریمی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله سید جعفر کریمی در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی در روستای دیوکلا از توابع بابل و در میان خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم سید رضا کریمی، که به درخواست والده فاضله‌اش و تشویق دایی خود مرحوم آیه‌الله العظمی حاج سید احمد استاد مصمم بود به تحصیل علوم دینی مشغول شود. در اثر فوت والده و نیز پیش آمد مشکلات دیگر ناگزیر به پیشینه کشاورزی روی آورده و از تحصیل بازماند. مادرش نیز زنی پاکدامن و روحانی زاده بود که نقش بسزایی در تربیت فرزند خود ایفا می‌کرد.

اقوام آیت الله کریمی بیشتر از طبقه برجسته و بنام روحانیان بودند و برای اشتغال به تحصیل علوم دینی ارزش فراوان قائل می‌شدند. دوران کودکی آیت الله کریمی با اوج ستم رضا خانی همراه بود. او تا پایان شهریور ۱۳۲۰ تنها به فراگیری قرآن در مکتب خانه بسنده کرده بود و از سال ۱۳۲۱ برای فراگیری مقدمات، به نزد ثقة الاسلام سید محمود موحدی رفت و بخشی از جامع المقدمات را فرا گرفت. از مهرماه ۱۳۲۳ به حوزه علمیه بابل رفت و تا مهر ۱۳۲۶ در محضر استادان و عالمان آن حوزه به فراگیری ادبیات عرب اشتغال داشت. در مهرماه ۱۳۲۶ عازم قم شد تا در حوزه علمیه قم و در محضر استادان و عالمان آن دیار، پله‌های پیشرفت علمی و عملی را پیماید. دروس دوره سطح را تا سال ۱۳۳۲ در محضر استادان برجسته قم به پایان برد و سپس به درس خارج علمای بزرگ حوزه علمیه قم مشرف شد.

در دی ماه سال ۱۳۳۳ به سفارش پدر، به نجف اشرف، مشرف شد تا به محضر استادان آن حوزه عظیم نیز شرفیاب شود. حضور او در نجف تا سال ۱۳۵۷ ادامه پیدا کرد. در طی سالهایی که امام (ره) در نجف اشرف حضور داشت، همواره به درس ایشان می‌رفت و هنگامی که دولت عراق به محاصره بیت ایشان پرداخته و آن مرجع بزرگ را به خروج از عراق وادار کرده بود، او با گروهی، امام (ره) را تا مرز صفوان بدرقه کرد. او در طی این سالها، خود نیز به تدریس دروسی که آموخته بود پرداخت و نیز از محضر دروس اخلاق استادان خود بهره‌مند بود. آیت الله سید جعفر کریمی در سالهای تحصیل خود، به محضر استادان گرانقدر بسیاری شرفیاب شد. او که بخشی از جامع المقدمات را نزد ثقة الاسلام سید محمود موحدی در زادگاه خود آموخته بود، در حوزه علمیه بابل، دروس مقدمات را نزد حجج اسلام حاج سید حسن استاذزاده، حاج شیخ علی موحد، حاج سید محمد محقق، حاج شیخ محمد علی طبرستانی و آیت الله حاج شیخ ولی الله مدرس آموخت. در قم نیز دروس سطح را نزد حضرات آیات: صدوقی، شیخ محمد فکور یزدی، طباطبایی و ... به پایان رساند. سپس حدود یک سال در درس خارج آیت الله العظمی حاج شیخ مهدی امامی امیری (ره) و مدتی در درس خارج فقه آیت الله العظمی بروجردی (ره) شرکت کرد. وی در حوزه علمیه نجف نیز، از محضر

استادان بسیاری بهره برد.

او مدت هشت سال در دروس خاج فقه و اصول آیت الله العظمی آملی (ره) شرکت کرد. او مدت ۲۴ سال در درس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی خویی (ره) حضور داشت و مدت ۱۲ سال نیز در درس خارج فقه آیت الله العظمی شاهرودی (ره) شرکت جست. در میان سالهای یاد شده، مدت چهار ماه به بحث خارج فقه آیت الله العظمی اصطهباناتی (ره) و مدت شش ماه به درس خارج اصول آیت الله العظمی یزدی (ره) رفت. او از مهر ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ در درس خارج فقه آیت الله حلی شرکت کرد و مدت ۳ سال در درس خارج فقه آیت الله العظمی حکیم (ره) حاضر شد.

آیت الله سید جعفر کریمی، با ورود حضرت امام خمینی (ره) به نجف اشرف، از سال ۱۳۴۴ تا تیرماه ۱۳۵۷ یعنی آخرین سال حضور امام (ره) در نجف، در درس خارج فقه ایشان، حضور مستمر داشت. آیت الله سید جعفر کریمی، در سالهای تحصیل و پس از آن با بسیاری از طلاب و فضلاء آن روز رابطه دوستی و رفاقت داشت که از میان آنها می‌توان از مرحوم آیت الله سید عباس خاتم یزدی نام برد.

زندگی آیت الله کریمی، تاکنون از خدمات علمی و فرهنگی بسیار سرشار بوده است. او در سالهای تحصیل خود تقریرات درس استادان خود را نگاشته است که از میان آنها می‌توان به تقریرات درس خارج فقه حضرات آیات عظام: (حلی و حکیم) و تقریرات درس اصول آیت الله العظمی خویی اشاره کرد. جلد چهارم تقریرات درس فقه آیت الله العظمی آملی نیز با عنوان «کشف الحقائق عن الفقه الجعفری» به چاپ رسیده است. آیت الله سید جعفر کریمی تا به حال دروس منطق، ادبیات عرب، فقه و اصول تا سطوح عالی را چندین بار تدریس فرموده است و به مدت یک سال در مدرسه عالی قضایی و تربیتی قم و دو سال در مدرسه عالی شهید مطهری و مدرسه علوم قضایی تهران (دانشکده علوم قضایی) تدریس داشته است. آیت الله کریمی از سال ۱۳۷۰ در حوزه علمیه قم به تدریس خارج فقه قضا اشتغال ورزید و هم اکنون نیز چندین سال است به تدریس خارج فقه عبادات و معاملات می‌پردازد.

امام خمینی (ره) پس از ورود به نجف و ملاحظه نابسامانیهای موجود در آن حوزه شریف، به آیت الله کریمی و دو تن از فضلاء حوزه دستور دادند که با مذاکره با بیت آیت الله العظمی خویی (ره)، هیأت مشترکی برای تنظیم برنامه و امتحانات تشکیل دهند که این امر، با کارشکنی برخی از آقایان روبرو شد. از این رو امام (ره) تصمیم گرفت خود، به این امر اقدام نماید و مسئولیت برگزاری امتحانات طلاب و نظارت بر دفتر شهریه را به آیت الله کریمی واگذاشت. در سال ۱۳۴۵، تحقیق و بازنگری و تصحیح رساله عملیه عربی زبده الاحکام و رساله فارسی توضیح المسائل را امام (ره) به آیت الله کریمی واگذار کرد و در سال ۱۳۴۶، آیت الله کریمی با همکاری آیت الله خاتم یزدی (ره) کتاب البیع امام (ره) را تحت نظارت و اشراف ایشان، در بهترین اسلوب و در پنج جلد در نجف اشرف به چاپ رسانید. او کتاب خلل صلات امام را نیز به امر معظم له در نجف اشرف تحقیق و تصحیح کرد که بعدها در ایران به چاپ رسید.

آیت الله کریمی از سال ۱۳۴۷ تا پایان مدت حضور امام (ره) در نجف، نوشتن پاسخ استفتائات تحت نظارت امام (ره) را در بیت ایشان به عهده داشت. این مسئولیت در ایران نیز از سال ۱۳۵۸ تا پایان عمر آن مرجع بزرگ، در قم به عهده ایشان بود. او بارها برای استعلام نظر مبارک امام (ره) در زمینه‌های گوناگون به تهران سفر می‌کرد و با استاد و مراد خود دیدار می‌نمود. با انتخاب آیت الله خامنه‌ای به رهبری انقلاب در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، و در مرداد همان سال، آیت الله کریمی عهده دار پاسخ دادن به استفتائات ایشان شد که پاسخها با نظارت ایشان، هم اکنون نیز ادامه دارد. از مهر ماه ۱۳۶۸ تاکنون شورای افتای رهبری، غالباً هفته‌ای یک بار با حضور رهبر انقلاب تشکیل می‌شود که آیت الله کریمی همواره در آن حضور دارند. مباحث فقهی و مسائل مستحدثه به صورت استدلالی مورد بحث قرار می‌گیرد. مقام معظم رهبری تنظیم استفتائات در قالب کتاب را نیز بر عهده آیت الله کریمی نهادند که تاکنون دو جلد آن به چاپ رسیده است. او از زمان حضور امام خمینی (ره) تاکنون در جلسات استفتای بعثه او و بعثه مقام معظم

رهبری حضور دارد و همواره به زائران بیت الله الحرام در مدینه و مکه خدمت می‌رساند. آیت الله کریمی از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۹ در شورای عالی حوزه علمیه قم حضور داشت و به برنامه ریزی درسی و اخلاقی برای طلاب و نیز برقراری جلسات امتحان نهایی طلاب می‌پرداخت.

آیت الله سید جعفر کریمی، از سنین نوجوانی تا به امروز در عرصه‌های گوناگون سیاسی، به انجام دادن وظیفه می‌پرداخته است. او که در سنین کودکی و نوجوانی طعم تلخ استبداد رضاخانی را چشیده بود و حس مبارزه و انگیزه برچینی بساط ظلم در وجودش جوانه زده بود، در سال ۱۳۲۷ به جمع فدائیان اسلام به رهبری شهید مجتبی نواب صفوی پیوست و در صحنه‌های گوناگون مبارزه حضور فعال داشت. پس از کودتای ۲۸ مرداد و اقدام جدی حکومت ستم‌شاهی بر تعقیب و دستگیری اعضای جمعیت فدائیان اسلام به سفارش پدر برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت. در سال ۱۳۴۸ رژیم بعثی عراق، قصد انحلال حوزه علمیه نجف را در سر می‌پروراند و امام (ره) تصمیم گرفت با ازدیاد شهریه، طلاب را به درس خواندن و پایداری در برابر رژیم بعثی، تشویق کند؛ اما در حوزه علمیه نجف، افراد مشکوک و ناصالحی وجود داشتند که گاه وابسته به حزب بعث بودند و امام (ره) خوش نمی‌داشت که سهم امام را نصیب آنان کند. از این رو به آیت الله سید جعفر کریمی دستور داد که به پاک سازی حوزه از عناصر وابسته به رژیم بپردازد. این امر باعث شد که آیت الله کریمی با سازمان امنیت عراق درگیر شود و مورد احضار قرار گیرد.

از دیگر فعالیت‌های وی در نجف اشرف، ورود به جمع حامیان آیت الله العظمی حکیم (ره) در مبارزه با حزب توده بود. او در کنار بارگاه مقدس علوی همواره یار و مدافع امام (ره) بود و پس از تبعید امام به ترکیه، همواره در معیت دوست دیرین حضرت امام مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ نصرالله خلخالی با برقراری جلسات توجیهی در نجف اشرف به حمایت از اهداف امام (ره) در تشکیل حکومت اسلامی می‌پرداخت. و با تنظیم تلگراف و ارسال آن به سفارتخانه‌های دولتهای اسلامی در بغداد آنان را از حوادث دنیای اسلام آگاه می‌ساخت. در سال ۱۳۵۶ اخبار جسته گریخته‌ای مبنی بر سوء قصد به جان امام (ره) به گوش می‌رسید. این اخبار را بیشتر عمال رژیم شاه پخش می‌کردند. امام در تاریخ ۲۷ ذی حجه ۱۳۹۷ هجری قمری، آقایان سید جعفر کریمی، شیخ حبیب الله اراکی، سید عباس خاتم یزدی و رضوانی خمینی را وصی خود قرار داد و وصیت نامه را در پاکتی سر بسته تحویل آنان داد و پشت پاکت نوشته بود: این پاکت نزد جناب آقای سید جعفر کریمی محفوظ باشد و پس از فوت این جانب آن را باز کنند و مطالعه کنند.

آیت الله کریمی، پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز، در مسؤولیت‌های گوناگونی به انجام وظیفه پرداخت. او در مرداد سال ۱۳۵۸ با فرمان امام (ره)، داوطلب نمایندگی مجلس خبرگان قانون اساسی شد که با رأی مردم مازندران به آن مجلس راه یافت و در پاره‌ای از موضوعات رابط مجلس و امام (ره) بود. در سال ۱۳۶۰، آیت الله کریمی به نمایندگی از سوی امام (ره) به همراه آیت الله احمدی میانجی (ره) در شورای عالی اقتصاد، بر لوایح قانونی و تنظیم برنامه متناسب با نظام در زمان دولت آقای میر حسین موسوی حضور داشت و در همان سال، با عضویت در دادگاه عالی انقلاب، به بازنگری پرونده‌های محاکم می‌پرداخت. آیت الله کریمی از سال ۱۳۵۸ به عضویت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در آمد و در طی این سالها، نقش مهم و مثبتی در احیای حوزه‌های علمیه و اعتلای اسلام ناب محمدی ایفا کرده است. او هم اکنون در قم به تدریس بحث خارج فقه معاملات اشتغال دارد و در دفتر مقام معظم رهبری به پاسخ استفتائات و خدمت‌رسانی به مردم انقلابی می‌پردازد.

کریمی، جلال

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جلال کریمی مهرجردی

محل تولد: مهرجرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جلال کریمی مهرجردی فرزند «حیب»، دروس ابتدایی را در مدرسه ابتدایی «فارابی» در مهرجرد و دروس راهنمایی را در مدرسه راهنمایی «ابن سینا» گذراندم. در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه میبد شدم. هر چند در دوران نوجوانی به سر می بردم ولی در راه پیمائی ها و پخش اعلامیه ها و حتی تکثیر آنها بوسیله کارین، نقش داشتم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی یک سال در حوزه علمیه «مصلاهی یزد» و مدرسه «خان یزد» تحصیل کردم. در سال ۱۳۶۴ به حوزه علمیه قم وارد شدم و پایه چهارم را ادامه دادم (از سال ۱۳۵۹ در منطقه محروم سیستان، بلوچستان و منطقه سوسنگرد و ... بودم).

در سال ۱۳۷۳ وارد مرکز تفسیر و علوم قرآن شدم که در سال ۱۳۷۶ در سطح چهار فارغ التحصیل شدم. از سال ۱۳۶۴ شروع به حفظ قرآن نمودم که پس از سه سال، بیش از ۲۰ جزء را همزمان با تحصیل حفظ کردم. از اساتید جامعه القرآن جهت حفظ یک ساله بودم. کارشناس شبکه قرآن سیما و برنامه «آیه های زندگی» در شبکه رادیویی معارف بودم. نشریه پیام و راهنما را تهیه و ویراستاری می کردم (این نشریه مختص روحانیون سپاه می باشد). تحقیقات دوران مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز دارم. کتاب روش حفظ قرآن در ۵ مرحله را نوشتم که در دو مرحله چاپ شده است. در آزمون تفسیر قرآن کریم توسط ستاد قرآن کریم، جزء ممتازین بودم که به عمره مفرده اعزام شدم. در چندین مرحله مسابقات حفظ شرکت کردم و رتبه اول را کسب کردم. از طرف سازمان مدارس علمیه خارج از کشور، عازم «ساحل عاج» شدم که در معهد اهل البيت (علیهم السلام) تدریس می کردم که برای همه موضوعات تدریسی ام جزوه به زبان عربی نوشته ام.

کریمی، علیجان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیجان کریمی

محل تولد: محلات

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از پایان تحصیلات ابتدایی با تشویق والد بزرگوارم راهی حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی به تحصیل مقدمات علوم حوزوی پرداختم و از اساتید نامی چون: (حاج حسن آقا تهرانی، صلواتی، کریمی جهرمی، تقوی اشتهاردی و ...) بهره وافر بردم. در سال ۱۳۵۶ با شروع انقلاب اسلامی به حوزه آزاد وارد شده و در دروس فقه و اصول: «آیت الله بنی فضل» و «وجدانی فخر» شرکت جستیم.

در سال ۱۳۵۹ در اولین دوره مدرسه «عالی تربیتی و قضایی طلاب قم» که به منظور تربیت مربی و دبیر بینش دینی از سوی شورای انقلاب تأسیس گردید؛ شرکت کرده و پس از فارغ التحصیلی در دوره کوتاه مدّت، برای تدریس در دبیرستان‌ها راهی شهرستان ایلام شده و به مدّت سه سال در دبیرستانهای این شهر به تدریس پرداختم. در کنار آن به تدریس دروس حوزوی نیز تا حدودی می‌پرداختم.

از سال ۱۳۶۴ مجدداً به حوزه علمیه قم مراجعت نموده و بخشی از دروس حوزه را مجدداً بازخوانی کردم. در سال ۱۳۶۷ در اولین دوره مرکز تربیت مدرس که به منظور تربیت استاد معارف برای دانشگاهها تأسیس گردید شرکت نمودم. پس از فارغ التحصیلی به مدّت پنج ترم در دانشگاه اصفهان و نیز در دانشگاه آزاد اراک، پیام نور ساوه و دانشگاه آزاد محلات به تدریس (معارف، تاریخ اسلام و متون ادبی) پرداختم. ناگفته نماند که در خلال سالهای ۱۳۶۴ - ۱۳۶۸ از دروس فقه «آیت الله ستوده» و «علوی گرگانی» بهره می‌بردم.

در سال ۱۳۶۸ در درس خارج فقه «آیت الله منتظری» حاضر شدم و به مدّت هفت سال از محضر ایشان استفاده کردم، از سال ۱۳۷۱ - ۱۳۷۳ در درس خارج اصول «آیت الله میرزا جواد تبریزی» شرکت جستیم و از سال ۱۳۷۱ تاکنون در مرکز (فرهنگ و معارف قرآن) به پژوهشهای قرآنی اشتغال دارم، حاصل کار تحقیقات این دوره که به صورت کار جمعی صورت می‌پذیرد عبارتند از:

۱. فرهنگ موضوعی تفاسیر در سه جلد.
 ۲. فرهنگ موضوعی قرآن (۱۰ جلد آن تاکنون چاپ شده) که پیش‌بینی می‌شود به ۳۰ جلد برسد.
- در همین سالها مقالاتی نیز تدوین نموده‌ام از جمله: مقاله «مبانی تفسیر عرفانی امام خمینی (ره)» که در سلسله مقالات کنگره اخلاقی عرفانی امام خمینی به چاپ رسید. و در مقاله با عنوان «ویژگیهای جامعه الهی» به ستاد نشر رسانه‌ای مرکز فرهنگ و معارف قرآن ارائه گردید تا در رسانه‌های مکتوب به چاپ رسد. مقاله‌ای نیز با عنوان «حقوق خانواده در قرآن» به بنیاد پژوهشهای مشهد مقدس ارائه شد تا در مجموعه‌ای به چاپ رسد. ناگفته نماند که در خلال سالهای ۱۳۶۴ - ۱۳۷۰ از دروس تفسیر «آیت الله جوادی»، درس اسفار «مصباح یزدی» (از طریق نوار)، شفای «بوعلی» (تدریس مصباح یزدی و از طریق نوار)، استفاده بردم و چندی نیز در درس اسفار «انصاری شیرازی» شرکت جستیم.

اینجانب در سال ۱۳۶۷ با وجود مأموریت‌هایی که برای تبلیغ در جبهه داشتم و با توجه به فاصله چند ساله‌ای که با دروس حوزه داشتم مجدداً در امتحانات حوزه از پایه چهارم تا نهم شرکت کردم و در سال ۱۳۶۷ رتبه سوم را کسب نموده و از جانب امام خمینی و آیت الله گلپایگانی (همه ممتازین و از جمله اینجانب) مورد تشویق قرار گرفته و جوایزی به اینجانب اهدا شد و در روزنامه جمهوری آن زمان نیز لیست ممتازین منتشر شد. چند بار در امتحان تفسیر که از سوی ستاد تفسیر قرآن برگزار شده، شرکت کرده و هر بار جز ممتازین بوده و جوایزی دریافت کرده‌ام.

در سال ۱۳۸۲ جهت آماده کردن پرونده خود در شورای مدیریت، جهت نوشتن پایان‌نامه سطح چهارم حوزه در مصاحبه درس خارج شرکت کردم و پس از آن به عنوان کسب رتبه ممتاز از این حین، فوق‌العاده و نیز افزایش شهریه مقام رهبری به مدت یک سال بهره‌مند شدم. اکنون نیز در مرکز (فرهنگ و معارف قرآن) به عنوان عضو شورای علمی گروه به تحقیق در علوم و تفسیر قرآن

اشتغال دارم و امیدوارم که خداوند متعال در ظل عنایات خود و حضرت ولی عصر این توفیق را از اینجانب سلب نکرده که تا آخر عمر در خدمت قرآن کریم بوده باشم.

کریمی، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی کریمی

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

مصطفی کریمی در سال ۱۳۴۸ در روستای «دستجرد» از استان همدان متولد شد. دوره ابتدایی را در روستای خود و دوره راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان گذراند. در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شد. حدود هفت سال در دروس خارج فقه و اصول از محضر: «آیت الله سبحانی»، «آیت الله مکارم شیرازی» و «حجت الاسلام و المسلمین لاریجانی» و در تفسیر از محضر: «آیت الله جوادی آملی» و در علوم قرآنی از محضر: «آیت الله معرفت» (حفظهم الله) بهره برد و در کنار دروس حوزه از سال ۱۳۶۹ دوره عمومی پنج ساله موسسه امام خمینی (قدس سره) را گذراند و از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰، دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی (کارشناسی ارشد) را به پایان رساند. در مراکز حوزوی و دانشگاهی فعالیتهای علمی وی در سه بخش: مدیریت علمی - آموزشی، پژوهش و تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی بوده است.

کریمیان میقلان، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی کریمیان میقلان

محل تولد: فومن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای علی کریمیان در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام

در شهرستان «فومن» دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها)، وی را رهسپار قم و در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود، ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع)، با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۶ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله جوادی آملی»، «استاد فیاضی»، «آیت الله مصباح»، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «مبانی نظری» در مقطع دکترا در سال ۱۳۸۷ از موسسه پژوهشی آموزشی امام خمینی فارغ التحصیل گردید. وی پس از طی تحصیلات، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم اکنون در دانشگاه گیلان علاوه بر تدریس، «مسئول نهاد رهبری» در این دانشگاه نیز می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل: «اسوه حسنه» و «سه مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه» را به رشته تحریر در آورده است.

کسائی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی کسائی

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سید علی کسائی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در خانواده ای پاک، با صفاء، متدین و کاملاً آگاه به مسائل مذهبی در رشت دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شد. از نخستین روزهای ورود به حوزه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون: «آیت الله باقری کنی»، «آیت الله سید حسن مصطفوی» و دیگر اساتید بهره ها برد.

وی در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در مقطع کارشناسی ارشد در رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق علیه السلام در سال ۱۳۶۹ فارغ التحصیل شد و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان «جنگ تحمیلی» دفاع کرد و سالهای متمادی است که در مدرسه عالی سوره، و دیگر دانشگاهها به تدریس مشغول می باشد.

ایشان در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و در کتابخانه ملی تهران مشغول تحقیق و پژوهش می باشد و آثار متعددی از جمله: «کتابخانه های ملی جهان»، «نسخه های خطی و اسلامی در جهان»، «تاریخ اوقاف در جهان» و ...

را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

کسروی اصفهانی، ابوحسین علی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، حافظ، فقیه شافعی، ادیب، نحوی و شاعر. اصل وی از اصفهان و ساکن بغداد بود. معلم هارون، فرزند ابوالحسن علی بن یحیی بن ندیم، بود. او سپس به ابی النجم بدر معتضدی والی اصفهان، در زمان معتضد عباسی، پیوست. وی راوی شعر و تاریخ و سیر، و بر کتاب «العین» خلیل بن احمد مسلط بود. بین کسروی و ابن المعتز عبدالله نامه‌نگاری و مراجعات بسیار بوده است و اشعار زیادی را سروده به هم ارسال می‌کردند. کسروی در عهد خلافت معتضد (۲۸۹-۲۷۹ ق) از دنیا رفت. سال مرگ وی در «کشف الظنون» و «هدیه العارفين»، ۳۳۰ ق ذکر شده است. از آثارش: «الخصال»، مجموعه‌ای از اشعار و حکم و امثال؛ «الاعیاد و النواریز»؛ «تأویل الاحادیث المشکلات الواردة فی الصفات»؛ «مراسلات الاخوان و محاورات الخلان»، که در «هدیه العارفين»، «مجاوبات الخلان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲/۴۶۳، ۱/۲۲۰)، ریحانه (۵/۵۸)، الفهرست لابن الندیم (۲۱۴)، کشف الظنون (۱۳۹۴، ۷۰۵)، لغت نامه (ذیل / علی کسروی)، معجم الادباء (۹۶-۸۸/۱۵)، معجم المؤلفین (۷/۲۴۷)، هدیه العارفين (۱/۶۷۸).

کشفی دارابی بروجردی، جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۲۶۷-۱۱۸۹ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، محدث، مفسر، متکلم، نحوی، عارف، ادیب و شاعر. نسب وی با سی و چهار واسطه به حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد. چون اهل عرفان و ریاضت‌های شاق و کشف و شهود بود به سید کشفی معروف شد. اصل وی از داراب شیراز بود. تحصیلات مقدماتی را در اصطهبانات گذراند. در ۱۲۰۸ ق به نجف رفت و از محضر اساتید وقت استفاده نمود و در فقه و حدیث برآمد. به تدریس و تصنیف پرداخت و مدت‌ها از مدرسین حوزه‌ی نجف بود. وی به اصرار محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه، پسر فتحعلی شاه، حاکم بروجرد به بروجرد رفت و در آنجا به تدریس پرداخت. وی همچنین در شهرهای اصفهان، یزد و اصطهبانات نیز چند سالی تدریس کرده است. او با صاحب «جواهر» و سید محمد باقر حجت الاسلام شفتی معاصر بود. سید حسین بروجردی، صاحب «نخبه المقال» و حاج میرزا صالح لرستانی و اورنگ زیب میرزا، فرزند حسام‌السلطنه محمد تقی میرزا حاکم بروجرد، و ملا-عبدالله بروجردی از شاگردان وی بودند. در بروجرد درگذشت. از آثار وی: «اجابه المضطربین»، در اصول دین، حاوی تحقیقات عرفانی؛ «البلد الامین»، منظومه‌ای به عربی، در علم کلام و اصول دین؛ «تحفة الملوك»، در سیر و سلوک و عقل و جهل و تعدیل قوا؛ «جمع الشتات»؛ «الرطب الیابس»؛ «الرق المنشور»؛ «الشریفیه»، در منطق؛ «الشموس و العکوس»؛ «صید البحر»؛ «کفایة الایتام»، در فقه، در سه جلد؛ «میزان الملوك»، در عدالت سلطان؛ «نخبه العقول فی علم الاصول»؛

«سنابرق فی شرح البارق من الشرق»، در شرح دعای رجب؛ «برق و شرق» که به آن «شرق و غرب» نیز گفته‌اند، در شرح بعضی از احادیث عرفانی؛ «دیوان» شعر. [۱]

مرحوم سید جعفر کشفی دارابی از اعظام علماء قرن ۱۳ سیزدهم (۱۲۶۷-۱۱۹۱ هجری قمری) و دارای تألیفات متعدد و بسیار مشهور است که یکی از آنها کتاب معروف «میزان الملوک و الطوائف و صراط المستقیم فی سلوک الخلائف» در اندیشه سیاسی اسلام و از نشریات مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی قم در سال ۱۳۵۷ می‌باشد. که یکی از آثار بی بدیل در روند تحولات اندیشه سیاسی در حوزه تفکر اسلامی بوده و از میراث گرانبهای سیاسی دانشوران سلف و به عنوان گنجینه‌ای پر ارج از دانشوران دوره قاجار تلقی می‌گردد.

باید دانست که مرحوم علامه سید جعفر کشفی تحصیلات مقدماتی را نزد مادر فاضل خویش آموخته و مدتی در یزد به تحصیل مقدمات مشغول و بعداً رهسپار نجف اشرف و در آنجا از محضر اساتیدی نظیر مرحوم سید محمد مهدی بحر العلوم استفاده کرده و رفته رفته به عنوان فقیه اصولی و عارفی سالک و حکیمی آگاه به زمان، شهره آفاق گردید. از علمای جامعین مابین علم و ایقان و ذوق و عرفان شناخته شده و در اجتهاد و فتاوی شهر و در علم تفسیر و حدیث بی نظیر و در ردیف اعظام علمای امامیه در قرن ۱۳ هجری محسوب می‌گردد و تا آنجا که آقا بزرگ تهرانی در اعلام الشیعه او را «هو من اعاجیب الزمان و اغالیط الدهر» خوانده است. در اواسط سلطنت فتحعلی شاه قاجار در بروجرد مقیم بوده و در سال ۱۲۶۷ در همان جا وفات و مدفون گردیده است. از سایر بزرگان این سلسله سید علی عارف کشفی و سید موسی نجل مرحوم سید جعفر کشفی و حجت الاسلام و المسلمین سید حجت کشفی از فقیهان حوزه علمیه قم و استاد خط ثلث در قید حیات می‌باشند. از بزرگان دیگر این خانواده، مرحوم محمد صالح کشفی خوشنویس قرن ۱۱ هجری که در صفحه ۷۱ کتاب خوشنویسان اصفهان به قلم مرحوم منوچهر قدسی از او نام برده شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۱۰۳)، اعیان الشیعه (۴/۸۵)، ایضاح المکنون (۶۳۱، ۵۸، ۴۸/۲، ۲۵۹/۱)، تاریخ بروجرد (۳۰۶-۳۰۳، ۲۹۶، ۲۸۰-۲۷۳، ۲۷۲/۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۰-۸۸/۲)، الذریعه (۲۴/۹۷، ۳۲۷-۳۲۶، ۴۹/۲۳، ۲۲۵/۲۱، ۸۹-۸۸/۱۸، ۱۵/۱۰۵، ۱۴/۲۵۹، ۱۲/۲۳۲، ۱۷۷، ۱۷۶-۱۰/۱۷۶، ۹/۹۱۱، ۳/۸۷، ۱۲۱، ۱/۱۲۰)، ریحانه (۶۱-۵/۶۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۲-۲۴۱/۱۳)، طرائق الحقائق (۳/۴۵۵)، فارسنامه (۲/۱۲۶۰)، لغت‌نامه (ذیل/ دارابی)، المآثر و الآثار (۱۵۶)، معجم رجال‌الفکر و الادب فی النجف (۱۰۷۹-۳/۱۰۷۸)، مکارم الآثار (۱۸۵۸-۵/۱۸۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۳۳۲-۳۳۳)، هدیه العارفین (۱/۲۵۶).

کشی جرجانی، ابوزرعه محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۹۰ ق)، حافظ، محدث و نسابه. اصل وی از کَش جرجان است. از ابوالعباس دغولی و مکی بن عبدان نیشابوری و ابونعیم عبدالملک بن محمد بن عدی جرجانی و محمد بن عبدک شعرانی و عبدالرحمان بن ابوحاتم رازی و موسی بن عباس آزاد یاری و هم‌طبقه‌ی آنها در خراسان و عراق و حجاز حدیث شنید. قاضی ابوالعلاء واسطی و ابوالقاسم ازهری و عبدالعزیز ازجی و حمزه بن یوسف سهمی از وی حدیث شنیدند. کشی در مسجد جامع بصره املائی حدیث می‌کرد. در پایان عمر در مکه مجاور شد و سالها در آنجا حدیث گفت و در همان جا درگذشت. از او گردآوریه‌ها و مصنفاتی در «ابواب» و «مشایخ» به جا ماند. صاحب «کشف

الظنون» به نقل از ابن عبدالبر در «الاستیعاب»، کتاب «الموثق فی الانساب» را به او نسبت می‌دهد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۷۸-۷۷/۵)، تاریخ بغداد (۴۰۹-۴۰۸/۳)، تذکره الحفاظ (۹۹۸-۹۹۷/۳)، توضیح المشتبیه (۳۳۶/۷)، سیر النبلاء (۴۵-۴۴/۱۷)، شذرات الذهب (۳/۱۳۴)، طبقات الحفاظ (۴۱۳)، العبر (۱۸۰-۱۷۹/۲)، معجم البلدان (۴/۵۲۵)، معجم المؤلفین (۱۲/۱۲۴)، المنتظم (۹/۶۶)، هدیة العارفين (۲/۵۶).

کعبی، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس کعبی

محل تولد: اهواز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام و المسلمین کعبی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در منطقه «لشکرآباد اهواز» و در میان خانواده‌ای متدین و معتقد به مبانی مستحکم اسلام به دنیا آمد. عشق به اهل بیت (ع) و روحانیت شیعه از وی انسانی متدین و مجاهد ساخته و در همان دوران نوجوانی او را به خدمت در راه تعالی اسلام و تشیع علاقه‌مند ساخته بود. حجة الاسلام و المسلمین کعبی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در مدارس اهواز سپری نمود. شرکت وی در مجالس و محافل مذهبی و حضور علمایی همچون: «حاج شیخ صالح طرفی» و «مرحوم حاج سید عبدالمطلب جزایری» در مسجد جامع لشکرآباد سبب شد تا در سن سیزده سالگی و بنا به توصیه پدر، همزمان با تحصیل در مقطع دبیرستان به مدرسه علمیه «آیه الله کرمی» رفته، دروس حوزوی را فرا گیرد.

وی در سال ۱۳۵۵ به حوزه علمیه اهواز رفته به صورت رسمی تحصیلات حوزوی خود را پی می‌گیرد. با اوج‌گیری انقلاب و حضور جدی در مبارزات پیش از انقلاب و نیز فعالیت‌های پس از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی وقفه‌ای چند ساله در سیر درسی ایشان ایجاد می‌شود اما در سال ۱۳۶۰ مجدداً تحصیلات حوزوی را پی گرفته برای استحکام بنیه علمی خود، دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی اهواز بازآموزی می‌کند. در سال ۱۳۶۴ به قم مهاجرت کرده و پس از اتمام دوره سطح در درس خارج حضرات آیات: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «صافی گلپایگانی»، «جعفر سبحانی»، «سید کاظم حائری» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شرکت کرد.

حجة الاسلام و المسلمین کعبی با اهتمام ویژه‌ای که به مباحث تفسیری و معارف اسلامی داشت از محضر حضرات آیات: «مشکینی»، «جوادی آملی»، «مصباح یزدی» و «مظاهری» کسب فیض نمود. وی در طول سالهای تحصیل خود در درسهای اخلاق شرکت می‌جست و به تهذیب نفس (به عنوان مهمترین دغدغه درسی خود) اهمیت بسیار می‌داد. حجة الاسلام و المسلمین کعبی همزمان به تحصیل در دانشگاه نیز پرداخته مقطع کارشناسی رشته حقوق از مجتمع آموزش عالی قم و مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه تهران را به پایان رساند.

حجة الاسلام و المسلمین کعبی فعالیت‌های بسیاری را در زمینه تدریس و تألیف به انجام رسانده است. او تدریس علوم دینی را از آغازین سالهای طلبگی شروع کرده و تاکنون به تدریس دروس بسیاری از جمله تدریس کتابهای: (لمعه، رسائل، مکاسب، حلقات اصول شهید صدر و نیز شش سال خارج فقه و اصول) توفیق یافته است. همچنین مباحثی نظیر: (علوم حدیث، درایه، نهج البلاغه، تاریخ اسلام، ولایت فقیه، فلسفه و فقه روابط بین الملل) را بارها تدریس فرموده‌اند. استاد کعبی در دانشگاه نیز دروسی همچون: (فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، نظام حقوقی در اسلام، دولت و نظام سیاسی در اسلام، حقوق کار و ...) را بارها تدریس کرده است. وی همچنین بیش از پنجاه دوره حقوق اساسی را تدریس کرده است.

او در زمینه مباحث فقهی و حقوقی دارای تألیفات بسیاری است که از آن جمله می‌توان به کتاب: «الحصیله فی حکم الجهاد الابتدائی فی عصر الغیبه»، «احکام المیت»، «النظام القانونی فی الاسلام مقارناً بالنظم الوضعیه المعاصره»، «فلسفه سیاست» و ... اشاره کرد. بسیاری از جزوات و دست نوشته‌های ایشان به عنوان کتب درسی در مراکز حوزوی و دانشگاهی در حال تدریس است. جزواتی نظیر: «علوم الحدیث و الدرایه»، «مصادر الحدیث»، «مجموعه درسهایی از نهج البلاغه»، «ضمانت اجرائی قانون اساسی»، «تبیین ولایت فقیه از منظر فقهی، حقوقی و سیاسی». ارائه مقالات علمی در همایشها، ضمن طرح راهکارهای مناسب در حل برخی معضلات و پرسشهای فقهی و حقوقی از ویژگیهای بارز استاد کعبی است. بیشترین این مقالات در زمینه‌های فقهی و حقوقی بوده که از جمله آنها می‌توان به «نوآوریهای فقهی آیه الله نائینی و آیه الله شیخ فضل الله نوری»، «کنکاشی در اختیارات رهبری»، «شیوه مجازات اسلامی و اجرای علنی حدود» و «دبیر علمی همایش مردم سالاری دینی» که مجموعه مقالات آن در دو مجلد منتشر گردید، اشاره کرد.

او در کارنامه خود، سفرها و مصاحبه‌های علمی بسیاری را به ثبت رسانده که «حضور در کنفرانس دین و توسعه دانشگاه بیروت» و «انجام مصاحبه و مناظره با آقای تیموتی ویلیام واترز استاد دانشگاه هاروارد در کنفرانس حقوق بشر» از آن جمله‌اند. فعالیت‌های علمی و فرهنگی، استاد کعبی را از فعالیت‌های گوناگون در عرصه سیاست باز نداشته است. او که همواره پایبندی خود را به امام (ره)، نظام و ارزشهای انقلاب اعلام داشته از سنین جوانی در فعالیت‌های مبارزاتی پیش از انقلاب حضوری جدی داشته است. پس از پیروزی انقلاب در جهاد سازندگی در زمینه محرومیت زدایی و توزیع زمین برای خانه سازی محرومان و نیز مبارزه با گرانفروشی حضوری جدی داشت.

با شروع جنگ تحمیلی وارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و فعالیت‌های فرهنگی و نظامی خود را در بخش عربی سپاه آغاز کرد. در سال ۱۳۶۰ به لبنان رفت و همراه با شهید سید عباس موسوی دبیر کل سابق حزب الله لبنان و سیدحسن نصرالله به سازماندهی تشکیلات حزب الله پرداخت. او مدت ۴۶ ماه از عمر خود را در جبهه‌های دفاع مقدس گذرانده و دو بار نیز در مناطق عملیاتی مجروح شده است. از جمله فعالیت‌های حجة الاسلام و المسلمین کعبی در این عرصه، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، مخبری کمیسیون سیاسی - اجتماعی، نایب رئیسی کمیسیون حراست و پاسداری از ولایت فقیه و نیز عضویت در کمیسیون تحقیق است. استاد کعبی هم اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از حقوقدانان شورای نگهبان است.

کلابادی بخاری، شمس الدین، ابوالعلاء محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۰۰-۶۴۴ق)، فقیه حنفی، حافظ و محدث. نسبت وی به کلاباد بخارا می‌رسد. در خراسان و بغداد و شام و مصر به فراگیری علم و دانش پرداخت، تا از عالمان دین و از مفتیان آگاه به حدیث شد و تصانیفی در فرائض نگاشت و حلقه درس و اشتغال برقرار کرد. او در ماردین، شمال عراق، درگذشت. از آثار وی: «ضوء السراج» در شرح «الفرائض السراجیه»، و مختصر آن «المنهاج المنتخب من ضوء السراج»؛ کتابی در «مشتبه النسبه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/۴۲)، شذرات الذهب (۴۵۸-۴۵۷/۵)، کشف الظنون (۱۲۴۹).

کلابادی، ابونصر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۹۸ / ۳۷۸-۳۲۳ق)، فقیه حنفی، حافظ و محدث. از کلاباد بخارا بود. از هیثم بن کلب شاشی و عبدالمؤمن بن خلف نسفی و ابوجعفر محمد بن محمد بغدادی الجمال و عبدالله بن محمد بن یعقوب استاد و علی بن محتاج کشانی و محمد بن محمود بن عنبر نسفی و محمد بن احمد بن خنب و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. ابوالحسن دارقطنی در کتاب خود «المدیج» و حاکم نیشابوری و جعفر بن محمد مستغفری و دیگران از وی روایت کرده‌اند. دارقطنی وی را در حدیث ثقه دانسته است و حاکم او را دارای فهم و شناخت عالی معرفی کرده و مستغفری گوید که او پرحافظه‌ترین فرد زمان خود در ماوراء النهر بوده است. ابوسعید خلیل بن احمد سجزی نیز از وی حدیثی روایت کرده است. کلابادی در بخارا درگذشت. از آثار وی: تصنیفی در شناخت رجال «صحیح» بخاری به نام «الارشاد فی معرفه رجال البخاری» یا «الهدایه و الارشاد فی معرفه اهل الثقه و السداد» یا «اسماء رجال صحیح بخاری».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۱۱۴)، ایضاح المکنون (۲/۷۲۴)، تاریخ بغداد (۴۳۵-۴۳۴/۴)، تاریخ نیشابور (۱۵۲)، تذکره الحفاظ (۳/۱۰۲۷)، سیر النبلاء (۹۶-۱۷/۹۴)، شذرات الذهب (۳/۱۵۱)، طبقات الحفاظ (۴۲۳)، العبر (۲/۱۹۳)، کشف الظنون (۵۵۵، ۸۸)، معجم المؤلفین (۲/۹۵)، وفيات الاعیان (۲۱۱-۲۱۰/۴)، هدیة العارفين (۱/۶۹).

کلانتری، ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم کلانتری

محل تولد: مرو دشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابراهیم کلانتری پس از اتمام دوره ابتدایی در روستای محل تولد (شوراب) برای فراگیری علوم اسلامی به مدرسه علمیه «حضرت امام صادق (علیه السلام)» شهرستان «مرودشت» آمدم. پس از یکسال با اوج گیری انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) مدتی حوزه تعطیل گردید که بنده در این مدت به فعالیت‌های انقلابی مشغول بودم تا اینکه مجدداً دروس حوزه دایر گردید و بنده نیز به تحصیل ادامه دادم. در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه «آقا باباخان شیراز» عزیمت نمودم و تحصیلات حوزوی را در این مدرسه تا سال ۱۳۶۴ ادامه دادم. همزمان با تحصیل در شیراز و بازگشایی دانشگاهها پس از انقلاب فرهنگی، چند نیم سال تحصیلی در دانشگاه شیراز به تدریس دروس عمومی از قبیل: (صرف و نحو عرب، منطق و متدولوژی) مشغول بودم. تابستان ۱۳۶۴ برای ادامه تحصیل علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم و به صورت ممحض به تحصیل مشغول بودم.

از محضر ارجمند حجج اسلام: (خدایی، موسوی نژاد و موحد شیرازی) در شهرستان و در قم از محضر بزرگان حوزه حضرات آیات: (اعتمادی، پایانی و ستوده) و دروس خارج را از محضر حضرات آیات: (جعفر سبحانی، وحید خراسانی و فاضل لنکرانی) بهره‌مند شدم. تحصیلات در حوزه قم تا تابستان سال ۱۳۷۳ ادامه داشت. همزمان با تحصیل در حوزه قم، دروس متوسطه را ادامه دادم و سال تحصیلی ۷۱ - ۷۰ پس از قبولی در مرکز تربیت مدرس، کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را آغاز و در تابستان ۱۳۷۴ از رساله کارشناسی ارشد تحت عنوان: «تکامل زیستی موجودات زنده و پیامدهای کلامی آن» دفاع و با درجه عالی و نمره ۱۹ به پایان رساندم.

از بهمن ماه ۱۳۷۵ در مقطع دکتری الهیات گرایش (علوم قرآن و حدیث) تحصیل خود را آغاز و پس از اتمام واحدهای نظری به تحقیق در موضوع «قرآن و چگونگی پاسخگویی به نیازهای زمان» پرداختم. در دی ماه ۱۳۸۱ از رساله دکتری خود تحت همان موضوع دفاع کردم و با نمره ۲۳/۱۷ و درجه خوب فارغ التحصیل شدم. از سال ۱۳۷۳ (مهرماه) به دانشگاه اصفهان عزیمت نمودم و همزمان با فعالیت‌های دینی، فرهنگی در مسئولیت «نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه مذکور»، به تدریس دروس الهیات و معارف اسلامی مشغول شدم. در طول سالهای تدریس در دانشگاه، علی‌رغم گرفتاریهای بسیار کاری در موضوعات مختلفی نیز به تحقیق و پژوهش پرداخته‌ام. نتایج برخی از پژوهش‌ها تا کنون منتشر گردیده اما نتایج برخی نیز هنوز به مرحله انتشار نرسیده است. در حال حاضر عضو هیأت علمی دانشگاه هستم و با مرتبه استادیاری به تدریس در دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها) مشغول می‌باشم.

کمره‌ای، خلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۵ - ۱۳۱۷ ق)، فقیه، اصولی و استاد. در کمره، از توابع خمین، به دنیا آمد. پس از کسب علوم مقدماتی در جاپلق، به خوانسار رفت و در محضر آخوند ملا- محمد بیدهندی و سید علی اکبر بید هندی و آقا سید احمد جاده‌ای تلمذ کرد. در ۱۳۳۷ ق به سلطان‌آباد (اراک) رفت و از شاگردان نخست آیت‌الله حایری گشت و علم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس آبادی آموخت، و نزد سایر اساتید علوم عقلی و ریاضی و اخلاق را فراگرفت. در ۱۳۴۰ ق ساکن قم شد. و به

افاده و استفاده مشغول گشت، و از درس میرزا علی اکبر حکمی یزدی بهره گرفت و «اسفار» را نزد آیت‌الله رفیعی قزوینی و حدیث را از محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی و آیت‌الله سید محسن جبل عاملی و اخلاق و عرفان را نزد آیت‌الله حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی تکمیل کرد و اجازه‌ی اجتهاد و نقل حدیث از استادان خود گرفت. از این زمان به حاج میرزا خلیل مجتهد معرف شد و خود به تدریس «کفایه» و «مکاسب» و اصول فقه و معقول و هیئت و هندسه پرداخت. او از مدرسین معقول و منقول حوزه و دانشگاه بود و مدت‌ها به تدریس «تفسیر» ی که بر قرآن نوشته بود اشتغال داشت. دکتر خزائی، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله کاظم گلپایگانی، حجه‌الاسلام انصاری قمی و حجه‌الاسلام تربتی از شاگردان وی بودند. در ۱۳۵۴ ق در رابطه با مسأله کشف حجاب دستگیر و زندانی و پس از یک ماه آزاد شد. آیت‌الله کمره‌ای در ۱۳۷۱ ق، به همراه آیت‌الله سید محمود طالقانی و آیت‌الله سید رضا زنجانی و سید صدرالدین بلاغی به پاکستان دعوت و در کراچی، به ریاست مؤتمر عالم اسلامی انتخاب شد. در ۱۳۷۹ ق با همین سمت به بیت‌المقدس رفت و به دستور آیت‌الله بروجردی با شیخ محمد شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر، درباره‌ی اتحاد اسلامی دیدار و گفتگو کرد. در ۱۳۹۵ ق، پاپ پل ششم، پیشوای کاتولیک‌های جهان، توسط سفارت واتیکان در تهران، دوازده مشکل کلامی را از وی استعلام نمود و پاسخ ایشان به فرانسه ترجمه و ارسال شد. از آیت‌الله کمره‌ای در حدود هفتاد اثر به جای مانده است از جمله: شرح «نهج البلاغه»، در بیست و سه جلد؛ «عنصر شجاعت»، در هفت مجلد؛ «افق وحی»؛ «افق اعلی»؛ «ملکه اسلام»؛ «علی و الزهراء»؛ «قبله اسلام»؛ تفسیر «سوره‌ی نور»؛ «آثار مقدس، احادیث و اخبار اسلام»؛ «علم الحدیث و طبقه‌الکبری»؛ «اسرار حج»؛ «بیت‌المقدس و تحول قبله»؛ «مادر، وظائف زن در اسلام». [۱]

حاج میرزا خلیل کمره‌ای دامت برکاته از علماء و حکماء و دانشمندان و نویسندگان طراز اول تهرانست که در خیابان زرین نعل ساکن و در مسجد معروف فخرالدوله واقع در دروازه شمیران اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر قرآن مبین نموده و تنویر افکار و قلوب ارادتمندان و دانش جویان و حقیقت طلبان را می‌نمایند.

در سال ۱۳۱۷ قمری برابر ۱۲۷۶ شمسی در جنوب جلگه کمره که بسیار حاصلخیز و پر برکت و از قدیم مسکن شیعیان خالص بوده در بلد کوهستانی و سرچشمه رودخانه‌ها چشم بجهان باز کرده و پس از پرورش در آن هوای آزاد و تحصیل علوم ابتدائی و مقدماتی برای کسب علوم عالیتر مجبور به هجرت از وطن شده و برای ادامه تحصیلات خونسار را که یکی از زیباترین مناطق کوهساری بشمار می‌رود انتخاب نموده و در آنجا از محضر یکی از اوتاد زمان بنام آخوند ملا محمد بید هندی علاوه بر تحصیل مقدمات و فنون علم و قرائت قرآن از پارسائی و وارستگی محضر آن مرد روحانی بیش از پیش استفاده نموده و در سال ۱۳۳۷ قمری با فوت مرحوم آخوند بید هندی برای ادامه تحصیلات نزد مجتهد بزرگوار حاج سید علی اکبر بید هندی و آسید احمد جاده‌ای رهسپار شده و از محضر آن دو عالم ربانی استفاده شایان نموده و در نوروز همان سال بکمره برگشته و در سن بیست سالگی تأهل اختیار کرده و برای تحصیلات بیشتری به شهرستان اراک که مرکز علم و دانش بوده آمده و مشغول ادامه تحصیل شده و سه سال تمام در اراک علوم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد آقای سید محمد بروجردی و هم چنین درس خارج را در سال ۱۳۴۰ قمری از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی تلمذ نموده و در نوروز آنسال که آن مرحوم به قم مهاجرت و تشکیل حوزه دادند بنا بر دعوت آن مرحوم با قافله‌ای از طلاب کاروانی تشکیل و با وسایل آن روز به قم رهسپار شده و اقامت نمودند.

در آن موقع استاد فلسفه و حکمت قم مرحوم حاج میرزا علی اکبر یزدی مدرس و همدرس مرحوم فیلسوف شهیر میرزا جهانگیر خان قشقائی که در عصر خود بی نظیر بوده، دوره فلسفه و حکمت حاجی سبزواری و فلسفه عالی صدر المتألهین و دوره ریاضیات را نزد حکیم مزبور فرا گرفته و نیز دو دوره درس اصول و یکدوره درس خارج فقه را در حوزه مرحوم آیت‌الله حایری یزدی تلمذ نموده و این دروس بالغ بر چهارده سال که در قم اقامت داشتند ادامه داشت و طرز اصول اصحاب سامرا را بوسیله آیت‌الله حایری و

اصول اصحاب نجف را بوسیله دیگران مانند آیت‌الله میرزا سید علی یشربی کاشانی فراگرفته و از مقایسه بین دو طرز اصول و تکمیل فلسفه و معقول و غور در مباحث عقلی که پیش آمده بود لذت وافری می‌بردند.

متعاقب آن بتدریس کفایه و مکاسب و اصول فقه و معقول و همچنین بتدریس هیئت و هندسه مشغول بودند.

در سال ۱۳۵۴ ق که غائله تغییر لباس پیش آمد ایشان تبعید به تهران شده و حدود یک ماه زندانی شده آنگاه بقید توقف در تهران آزاد گردیده و تاکنون چهل سال است که در عاصمه تشیع بخدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

در سال ۱۳۶۷ ق بمکه معظمه مشرف شده و در سال ۱۳۷۱ ق بدعوت شعوب المسلمین پاکستان بکراچی رفته و در آن حفله و کنفرانس بزرگ اسلامی بیاناتی ایراد نموده که موجب اعجاب همگی گردیده و نیز سفری به بیت المقدس نموده و در مؤتمره اسلامی آنجا شرکت کرده و هم در کنگره اسلامی حجاز و مکه معظمه دعوت شده در تمام این مراحل نداء شیعه را که مغز و لب و حقیقت اسلام است ظاهر نموده و اثرات عمیقی در روح دانشمندان مسلمین گذارده است.

نگارنده گوید: علامه کمره‌ای از دانشمندان بزرگوار است که بسهم خود خدمات بسیار ارزنده از راه بیان و قلم بعالم اسلام نموده است. تألیفات و تصنیفات آموزنده‌ای شاهد این گفتار و گواه این مدعا است و فهرست آن در رساله‌ی جداگانه‌ای بطبع رسیده با شرحی از کتب مفیده آنجناب که اسامی آنها را می‌نگارم:

- ۱- کتاب افق وحی ۲- کتاب افق اعلی‌نگاهی بچهره محمد و علی علیهما السلام ۳- علی و الزهراء- سرچشمه آب حیات ۴- ملکه اسلام فاطمه زهراء علیها سلام ۵- ترجمه قصیده النبی محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۶- نهج البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان ۷- نهج البلاغه و جنگ ۸- پیام میلاد امیرالمومنین علیه السلام بسلاطین اهل قبله ۹- کتابی بقلم امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۰- نامه کودک در مسجد ۱۱- محنت اسلام ۱۲- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن جلد اول ۱۳- جلد دوم عنصر شجاعت ۱۴- جلد سوم عنصر شجاعت ۱۵- جلد چهارم عنصر شجاعت (مسلم بن عقیل) ۱۶- چند مرحله از زندگانی امام حسین ۱۷- تاج مأمون الرشید ۱۸- مجلس مباحثه امام رضا علیه السلام با عمران صابی ۱۹- فلسفه غیبت امام زمان عجل الله فرجه ۲۰- امامزاده عبدالله علیه السلام در ری ۲۱- شرح حال محمد بن ابی بکر ۲۲- پیام ایران بنجد و حجاز و مصر ۲۳- امناء الهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری ۲۴- خواب دیدن ائمه اطهار علیهم السلام ۲۵- قبله اسلام کعبه یا مسجد الحرام ۲۶- بیت المقدس و تحول قبله ۲۷- آفاق کعبه ۲۸- پنج رساله در حج و قبله ۲۹- نهیب پیغمبر صلی الله علیه و آله بملوک و امراء و فقهاء علماء از خیف منی ۳۰- کلید امن جهان ۳۱- کلید امن دنیا ۳۲- رساله مناسک و مسائل حج و عمره ۳۳- ندائی از سرزمین بیت المقدس ۳۴- اجتماع پیرامون خانه تقدیس ۳۵- اسرار حج ۳۶- تفسیر سوره نور ۳۷- ندای اذان و ثواب آن بفارسی ۳۸- دروس متون احادیث ۳۹- الحدیث عند الشیعه تا تاریخ تدوین حدیث ۴۰- تصحیح تفسیر دانشگاه (بفارسی) ۴۱- غروب آفتاب در اندلس ۴۲- کتاب مادر ۴۳- مقدمه مواقع النجوم ۴۴- تحشیه رساله لقاء الله ۴۵- تصحیح و تحشیه مراقبات السنه ۴۶- من روح الفرج بعد الشده (بعربی) ۴۷- مقاله در سالنامه نور دانش سال ۱۳۲۶ تحت عنوان اسرار موت و حیات ۴۸- آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام ۴۹- علی علیه السلام و آل محمد صلی الله علیه و آله ۵۰- آل رسول الله ۵۱- رابطه عالم اسلامی بزبان فارسی در جواب علماء کردستان ۵۲- رابطه عالم اسلامی قبس من ولاء علی علیه السلام بزبان عربی ۵۳- آراء ائمه الشیعه الامامیه فی الغلاه.

آثاری که آماده طبع است

- ۱- جلد پنجم عنصر شجاعت ۲- جلد دوم قبله اسلام ۳- جلد دوم افق اعلی ۴- تفسیر تعدادی از سور قرآن ۵- جلد دوم سرچشمه آب حیات ۶- جلد دوم افق وحی ۷- جلد دوم دروس متون احادیث ۸- پیام بلال حبشی مولای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از با کعبه بسیاهان جهان ۹- ترجمه کتاب الاسلام علی مفترق الطرق.

معظم له دارای فرزندان برومندی می‌باشند که در میان آنان دانشمند معظم و فاضل برومند جناب آقای حاج میرزا محمدحسن ناصر

آقای کمره‌ای بفضل و تقوا و اطلاعات عمیقی موصوف و بیشتر امور والد ماجدش بدست با کفایت و نظر صائب او انجام می‌گیرد. علم ربانی.

تولد: ۱۳۱۷ (۱۲۷۶ ق.)، کمره از توابع اراک.

درگذشت: ۱۹ مهر ۱۳۶۳، تهران.

آیت‌الله خلیل کمره‌ای بعد از تحصیل علوم ابتدایی و مقدماتی برای کسب علوم عالی‌تر به خوانسار رفت و نزد آخوند ملا محمد بیدهندی مقدمات و متون علم قرائت قرآن را فراگرفت. با فوت ملا محمد بیدهندی به نزد سید علی‌اکبر بیدهندی و سید احمد جاده‌ای رفت و به تحصیل علوم پرداخت شد.

در سال ۱۳۳۷ ق. به حوزه‌ی علمیه‌ی اراک (مدرسه‌ی سپهدار) که توسط آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی تأسیس گردیده بود ملحق شد و جزو اولین شاگردان حوزه‌ی علمیه‌ی وی بود. سه سال تمام فقه و اصول را نزد شیخ عبدالغنی و شیخ عباس ادریس آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد سید محمد بروجردی و درس خارج را در سال ۱۳۴۰ ق. نزد آیت‌الله حائری یزدی تلمذ نمود.

در سال ۱۳۳۹ ق. از حوزه‌ی علمیه‌ی اراک به همراه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به قم منتقل شد و در آنجا ساکن شد و به تحصیل سطوح و فقه و اصول پرداخت در درس خارج آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی نیز حاضر می‌شد و معقول را نیز نزد آقا میرزا علی‌اکبر یزدی معروف به «حکیم» تلمذ می‌نمود پس از وفات آقا میرزا علی‌اکبر حکیم الهیات به معنی اخص اسفار را با حضرت امام خمینی (ره) مذاکره‌ی بینابین داشتند و همچنین مقداری خارج فقه جواهر را با حضرت امام (ره) و آیت‌الله میرزا عبدالله تبریزی مذاکره می‌نمود.

اساتید دیگر وی عبارتند از: آیت‌الله ملکی تبریزی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله محدث قمی و علامه عاملی. آیت‌الله کمره‌ای سپس در قم به تدریس سطوح و تفسیر و فلسفه پرداخت.

آیت‌الله کمره‌ای در سال ۱۳۴۱ ق.، به سبب مخالفت با کشف حجاب، به دستور رضاشاه دستگیر و زندانی شد و سپس در تهران نفی بلد گردید. در سال ۱۳۷۱ ق. در کراچی به ریاست مؤتمر اسلامی انتخاب گردید و بار دیگر در سال ۱۳۷۹ ق. در مؤتمر اسلامی اردن شرکت کرد. در پایان مؤتمر به اشاره‌ی آیت‌الله سید حسین بروجردی همراه آیت‌الله مرتضی طالقانی برای تشکر از شیخ محمود شلتوت، مفتی اهل سنت و رئیس جامع‌الازهر، درباره‌ی فتوای ایشان در به رسمیت شناختن مذهب تشیع، به قاهره رفت و با شیخ شلتوت دیدار و گفتگو کرد. در سال ۱۳۸۵ ق. در مکه در مؤتمر عالم اسلامی شرکت کرد و به ریاست مؤتمر برگزیده شد.

آیت‌الله کمره‌ای در سال ۱۳۴۹ در هزاره‌ی شیخ طوسی درباره‌ی مقام علمی شیخ طوسی ایراد کرد.

آیت‌الله کمره‌ای در شروع انقلاب اسلامی همگام با مردم حرکت نمود و در راهپیمایی تاسوعای ۱۳۷۵ به اتفاق آیت‌الله طالقانی شرکت جست. پس از حمله عراق به ایران با نوشتن مقاله «عرب این ننگ را به کجا می‌بری؟»، در روزنامه‌ی «اطلاعات» به حمایت از موضع به حق ایران برخاست.

آیت‌الله کمره‌ای در دوره‌ی دکترای دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس می‌نمود.

از آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر سوره‌ی نور (در دو مجلد)؛ عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (در تراجم شهدای کربلا، چهار جلد)؛ شرح نهج البلاغه؛ نهج البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان؛ نهج البلاغه و جنگ؛ ملکه اسلام فاطمه زهرا؛ نوید اسلام؛ ندای اذان و احادیث استحباب آن؛ مادر و وظیفه زن در اسلام؛ فتح مکه غروب آفتاب در اندلس؛ اسرار حج؛ قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام؛ یک دوره کامل تفسیر قرآن؛ افق وحی؛ افق اعلی؛ نگاهی به چهره محمد (ص) و علی (ع)؛

علی و الزهراء سرچشمه‌ی آب حیات؛ ترجمه قصیده‌النبی (ص) پیام امیرالمؤمنین به سلطان اهل قبله؛ کتابی به قلم امیرالمؤمنین (ع) نامه‌ی کودک در مسجد، محنت اسلام؛ چند مرحله اسلام؛ چند مرحله از زندگانی امام حسین (ع)؛ تاج مأمون الرشید؛ مجلس مباحثه‌ی امام رضا (ع) با عمران صایب؛ فلسفه غیبت امام زمان (ع) (عج) امامزاده عبدالله (ع) در ری؛ شرح حال محمد بن بکر؛ پیام ایران به نجد و حجاز و مصر؛ امناء الهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری؛ خواب دیدن ائمه اطهار (ع)؛ بیت المقدس و تحول قبله؛ پنج رساله در حج و قبله؛ کلید امن جهان؛ کلید امن دنیا؛ رساله مناسک و مسائل و حج و عمره؛ ندایی از سرزمین بیت المقدس؛ اجتماع پیرامون خانه مقدس دروس متون احادیث؛ الحدیث؛ تصحیح تفسیر دانشگاه (به فارسی)؛ کتاب مادر؛ مقدمه مواقع النجوم؛ تحشیه رساله لقاءالله؛ تصحیح و تحشیه مراقبات السنه، من روح الفرج بعد الشده (به عربی)؛ آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام؛ علی (ع) و آل محمد؛ آل محمد رسول الله؛ رابطه اسلامی (به زبان فارسی)؛ در جواب علمای کردستان؛ رابطه‌ی عالم اسلامی قبس من ولاء علی (ع) به زبان عربی؛ آراء ائمه الشیعه فی الغلاة نهیب پیغمبر (ص) به ملوک و امراء و فقهاء از خیف منی. آثاری که آماده طبع است: جلد پنجم عنصر شجاع؛ جلد دوم قبله اسلام؛ جلد دوم افق اعلی؛ تفسیر تعدادی از سوره‌های قرآن؛ جلد دوم سرچشمه آب حیات؛ جلد دوم افق وحی جلد دوم دروس متون احادیث؛ پیام بلال حبشی مولای رسول خدا (ص) از بام کعبه به سیاهان جهان؛ ترجمه کتاب علی مفترق الطرق.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینه دانشوران (۴۹۳-۴۹۱، ۱۸۸-۱۸۷)، الذریعه (۲۱۹/۲۲، ۴۴/۱۷، ۳۵۲/۱۵، ۱۲۶-۱۲۵/۱۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۰۵-۷۰۴/۱۳)، عنصر تلاش و کوشش، گلزار معانی (۵۸۲-۵۶۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳/۵، ۵۴۰-۵۳۵/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵-۳۲/۳).

کوتاه اصفهانی، ابوحامد محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۸۳ ق)، حافظ و محدث. از حفاظ حدیث بود که به شناخت آن شهرت داشت. در نوجوانی و جوانی احادیث بسیار شنید و تمای آنها را به خط خویش نگاشت. از آثار وی کتاب «اسباب الحدیث» به سبک «اسباب النزول» واحدی است. او همچنین کتابی بزرگ در «تاریخ اصفهان» جمع آوری کرد که موفق به تدوین آن نگشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۵۶)، الوافی بالوفیات (۳/۲۱۸).

کوتاه جویباری اصفهانی، ابوسعود عبدالجلیل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۵۳-۴۷۶ ق)، حافظ و محدث. از رزق الله تمیمی و ابوبکر بن ماجه ابهری و قاسم بن فضل ثقفی و احمد بن عبدالرحمان ذکوانی و ابن اشته و عده‌ای از یاران ابوسعید نقاش و ابونعیم و ابوطاهر بن عبدالرحیم حدیث شنید. او در علم و اخلاق یگانه دورانش بود و

در حدیث از شناخت کافی برخوردار بود. مدتی که در اصفهان بود با پدر سمعانی مصاحبت داشت. کوتاه سفری به نیشابور نمود و از عبدالغفار شیروی حدیث شنید. ابوالقاسم بن عساکر و یوسف بن احمد شیرازی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعان (۲/۱۰۷)، تذکره الحفاظ (۱۳۱۵-۴/۱۳۱۴)، سیر النبلاء (۳۳۱-۳۲۹/۲۰)، شذرات الذهب (۱۶۷/۴)، طبقات الحفاظ (۴۷۳-۴۷۲)، العبر (۳/۲۰)، معجم البلدان (۲/۲۰۴)، المنتظم (۱۰/۱۸۲)، النجوم الزاهرة (۵/۳۱۴).

کوثری، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس کوثری

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۴۸ وارد حوزه علمیه هراتی شهرستان «تربت حیدریه» شدم و جامع المقدمات، سیوطی، بخشی از مغنی اللیب (که در ادبیات عرب است) را نزد اساتید آن حوزه فرا گرفتم. سپس جهت ادامه تحصیل رهسپار حوزه علمیه مشهد شدم و ادبیات تکمیلی، منطق، معانی بیان و بدیع را در محضر اساتید بزرگوار آن سامان به ویژه آقای: «واعظی» و آقای «حجت هاشمی» به پایان رساندم. پس از اتمام معالم الاصول و شرح لمعه، کتاب مکاسب شیخ انصاری را (که در معاملات نگاشته شده) در نزد «آیت الله میرزا علی فلسفی» شروع نمودم و در سال ۱۳۵۴ به قم آمدم. جهت ادامه مکاسب در درس «آیت الله ستوده» حاضر شدم، کفایة الاصول مرحوم آخوند خراسانی را نزد اساتید معروف قم از آن جمله: «آیت الله فاضل لنکرانی» و «آیت الله سلطانی» خواندم و سال ۱۳۵۶ برای خارج فقه و اصول در درس «آیت الله وحید خراسانی» حاضر شدم و حدود بیست سال، آن را ادامه دادم و مدت حدود دو سال نیز از درس خارج فقه و اصول «آیت الله تبریزی» نیز استفاده بردم.

در کنار درس های فقهی و اصولی، کتابهای فلسفی را از محضر اساتید فلسفه آموختم: (شرح منظومه) را نزد «آیت الله انصاری شیرازی»، (نهایة الحکمه) را نزد «آیت الله مصباح» و (اسفار ملاصدرا) را از محضر «آیت الله جوادی» بهره مند شدم. این در حالی است که در کنار تحصیل، همواره به تدریس، اشتغال داشته ام که از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد: (مکاسب، کفایة الاصول، تدریس ادبیات، فقه و اصول). همچنین در زمینه های مختلف به ویژه موضوعات قرآنی دارای تالیفاتی که در قبل ذکر شده می باشم.

کوسج مروزی، ابویعقوب اسحاق

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۱ ق)، حافظ، محدث و فقیه حنبلی. در مرو به دنیا آمد و در نیشابور نشو و نما یافت. برای فراگیری فقه و حدیث به عراق و حجاز و شام سفر کرد و از سفیان بن عینه و یحیی بن سعید قطان و عبدالرحمان بن مهدی و وکیع بن جراح و محمد بن یوسف فریابی و ابواسامه و نضر بن شمیل و ابویمان حکم بن نافع حدیث شنید. او از احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه و یحیی بن معین مسائل فقهی آموخت و آموخته‌های خود را مدون ساخت و در خراسان آنها را روایت کرد و چون در آن مسائل تشکیک کردند به بغداد رفت و صحت آنها را از احمد اعتراف گرفت. اسحاق بن منصور در بغداد حدیث گفت. بخاری و مسلم و نسائی و ترمذی و ابن ماجه قزوینی و ابوزرعه رازی و ابوبکر بن خزیمه و ابوالعباس سراج و مؤمل بن حسن ماسرجسی و احمد بن حمدون اعمشی و محمد بن احمد بن زهیر و ابراهیم بن اسحاق حربی و عبدالله بن احمد بن حنبل و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. سرانجام در نیشابور سکنی گزید و همان جا از دنیا رفت و در کنار اسحاق بن راهویه و محمد بن رافع به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۳۶۴-۳۶۲/۶)، تاریخ الکبیر (۴۰۴/۱)، تذکره الحفاظ (۵۲۵-۵۲۴/۲)، تهذیب التهذیب (۲۲۷-۲۲۶/۱)، تهذیب الکمال (۷۷-۷۴/۲)، الثقات (۱۱۸/۸)، الجرح و التعديل (ج ۱ ق ۲۳۴/۱)، سیر النبلاء (۲۶۰-۲۵۸/۱۲)، شذرات الذهب (۱۲۳/۲)، طبقات الحنابلة (۱۱۵-۱۱۳/۱)، طبقات الحفاظ (۲۵۳)، العبر (۳۶۰/۱)، الکامل (۳۳۰/۵)، معجم المؤلفین (۲۳۹/۲)، النجوم الزاهرة (۳۹۸/۲)، الوافی بالوفیات (۴۲۶/۸).

کوملادی همدانی، ابوالفضل صالح

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۸۴-۳۰۳ ق)، حافظ، محدث و عارف. او از دانشمندان و محدثان مشهور همدان بود. از پدرش و ابوالعباس فضل بن سهل بن سری قزوینی و محمد ابن حمویه و علی بن حسن بن سعد بزاز و احمد بن حسن بن عزون و قاسم بن ابراهیم و محمد بن عبدالله بن نبیل و قاسم بن ابوصالح و عبدالرحمان بن ابوحاتم رازی و محمد بن قارن رازی و علی بن محمد بن مهرویه قزوینی و عبدالسلام بن عبدیل و احمد بن محمد بن اویس و جماعتی دیگر حدیث شنید. طاهر بن عبدالله بن ماهله و حمد زجاج و احمد بن زنجویه عمری و طاهر بن احمد امام و ابوالفتح بن ابی الفوارس و احمد بن حسین بن زنبیل نهانندی و دیگران از وی حدیث شنیدند. در «انساب» سمعانی و «سیر النبلاء» صاحب عنوان تحت نام کوملابادی ذکر شده است. از آثارش: «سنن الحدیث» یا «سنن التحدیث»؛ «طبقات العلماء لاهل همدان» یا «طبقات الهمدانیین»، که در برخی از مآخذ به جای آن، کتاب «تاریخ همدان» برای وی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱۱۲/۵)، ایضاح المکنون (۲/۲۸، ۲/۲۱۹، ۱/۲۱۹)، تاریخ بغداد (۳۳۱/۹)، تذکره الحفاظ (۹۸۶-۹۸۵/۳)، طبقات الحفاظ (۴۰۹)، سیر النبلاء (۵۱۹-۵۱۸/۱۶)، شذرات الذهب (۱۱۰/۳)، العبر (۱۶۴/۲)، کشف الظنون (۳۱۰)، معجم البلدان (۵۶۳-۵۶۲/۴)، معجم المؤلفین (۳۲۰/۴)، الوافی بالوفیات (۲۴۷/۱۶)، هدیة العارفین (۴۲۲/۱).

کیا هراسی طبری، شمس الاسلام عمادالدین، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۰۴ - ۴۵۰ ق)، فقیه شافعی، محدث، مفسر و مدرس. مشهور به عماد طبری یا عمادالدین طبری یا عماد کیا یا عمادالدین کیا و معروف به کیا هراسی. اهل طبرستان بود و در آنجا به دنیا آمد. وی را تالی و ثانی ابو حامد غزالی بلکه شایسته‌تر از وی می‌دانند. در نیشابور از امام الحرمین، ابوالمعالی جوینی، فقه آموخت و در مذهب و اصول برآمد. او در نظامیه نیشابور پس از اتمام درس توسط استاد، درس او را برای شاگردان حوزه تقریر و اعاده می‌نمود. سپس در بیهق به تدریس اشتغال یافت. آن گاه به بغداد رفت و تا پایان عمر در نظامیه تدریس کرد. وی شیخ الشافعیه بغداد بود. او از زید بن صالح آملی و جماعتی دیگر حدیث روایت کرد. سعد الخیر و عبدالله بن محمد بن غالب و ابوطاهر سلفی از وی روایت کرده‌اند. او لعن به یزید بن معاویه را به صراحت جایز می‌دانست. ابن اثیر گوید که جهال به او اتهام عقیده و مذهب باطنی (اسماعیلیه) بستند و سلطان محمد او را دستگیر و زندانی کرد و آن گاه که جمعی از علما بر برائتش گواهی دادند آزاد شد. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب ابرز در کنار ابواسحاق شیرازی به خاک سپرده شد. از او آثار نیکویی بجا ماند. از آثارش: «احکام القرآن»، در چهار مجلد؛ «شفاء المسترشدين فی مباحث المجتهدين»، در خلافيات؛ «لوامع الدلائل فی زوایا المسائل»؛ «تعلیق فی اصول الفقه»؛ نقض و ردی بر «مفردات الامم احمد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵/۱۴۹)، التفسیر و المفسرون (۴۴۷-۴۴۴/۲)، ریحانه (۶/۳۵۹-۱۰۷-۵/۱۰۶)، سیر النبلاء (۳۵۲-۳۵۰/۱۹)، شذرات الذهب (۱۰-۸/۴)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲۹۴-۲۹۲/۲)، طبقات الشافعیه ابن قاضی شبهه (۱/۲۸۸)، طبقات الشافعیه سبکی (۲۳۴-۲۳۱/۷)، العبر (۲/۳۸۶)، الکامل (۸/۲۶۲)، کشف الظنون (۱۵۶۹، ۱۰۵۶، ۴۲۳، ۲۰)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۹/۱۹۷)، معجم المؤلفین (۷/۲۲۰)، المنتظم (۱۱۱-۱۱۰/۱۰)، النجوم الزاهره (۱۹۹-۱۹۸/۵)، الوافی بالوفیات (۸۴-۸۲/۲۲)، وفیات الاعیان (۲۹۰-۲۸۶/۳)، هدیة العارفین (۱/۶۹۴).

کیوان قزوینی، عباسعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۷-۱۲۷۷ ق)، مفسر، واعظ، صوفی و شاعر، متخلص به کیوان. ملقب به منصور علیشاه. در قزوین به دنیا آمد. برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و از محضر شیخ حبیب‌الله رشتی استفاده کرد تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت در ۱۳۱۳ ق به گناباد و خراسان رفت و به فرقه‌ی دراویش گنابادی پیوست. آن گاه به تهران آمد و به وعظ و ارشاد پرداخت و به شهرت فراوانی دست یافت اما به دلایلی به فقط از سلسله‌ی گنابادیه برید بلکه بر ضد آنها به تبلیغ پرداخت. وی در رشت درگذشت و در سلیمان داراب به خاک سپرده شد. از آثارش: «کنوز الفوائد»؛ «رازگشا»؛ «تفسیر کیوان»؛ «استوارنامه»؛ «بهین سخن»؛ «دیوان» شعر. [۱]

عباس ابن اسماعیل بن علی بن معصوم قزوینی مشهور به حاج ملا-عباسعلی کیوان، از علمای دینی و عارف و واعظ (و. قزوین ۱۲۷۷- ف. ۱۳۷۷ ه. ش). وی پس از تحصیل در نجف و کربلا و سامره اجازه‌ی اجتهاد گرفت و به خراسان رفت. در آنجا نزد حاج

ملا-سلطانعلی به تحصیل عرفان و تصوف پرداخت. در اواخر عمر از تصوف بیزار گردید و کتابهایی در رد آن نوشت. وی مفسر قرآن به عربی و فارسی است که چند مجلد آن بطبع رسیده، اشعار خیام را شرح کرده و از جمله تألیفات وی از: «کیوان‌نامه»، «استوار»، «راز گشا»، «حج‌نامه»، «عرفان»، «میوه‌ی زندگانی»، «فریاد بشر» را باید نام برد. کیوان معتقد است که بزرگترین عارف و صوفی خیام و بزرگترین حکیم بوعلی سیناست. وی عرفان را به عرفان علمی و عرفان عملی تقسیم نمود و سلوک و درویشی را عرفان عملی می‌داند.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه [۱] الذریعه (۱۸/۱۷۴، ۱۰/۵۸، ۹/۹۲۸)، شرح حال رجال (۶/۱۳۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۱۶۱۸)، ۹۳۴، ۱/۵۴۶، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۸، ص ۵-۴)، لغت‌نامه (ذیل / کیوان قزوینی)، مولفین کتب چاپی (۳/۶۹۳-۶۹۴)، یادداشتهای قزوینی (۸/۲۲۷).

گرگانی، ابوالمحاسن حسین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم و دهم ق)، عالم، محدث و مفسر. از مشاهیر علمای امامیه بود و مؤلف تفسیری به نام «جلاء الاذهان و جلاء الاحزان فی تفسیر القرآن»، که حاوی اخبار ائمه (ع) و روایات امامیه و یکی از معروفترین کتابهای تفسیر فارسی است. تفسیر «جلاء الاذهان» همان تفسیری است که به «تفسیر گازر» مشهور است. قدیمی‌ترین نسخه‌هایی که از این تفسیر، چه در ایران و چه در خارج از ایران، باقی مانده است تاریخ قرن دهم را دارد؛ لذا به گفته‌ی آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی تألیف کتاب در همان قرن یا قرن قبل از آن بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵/۴۷۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۲)، تفسیر گازر (۱/مقدمه)، الذریعه (۵/۱۲۳، ۴/۳۰۹-۳۱۰)، ریاض العلماء (۲/۸۵-۸۶)، ریحانه (۱/۴۰۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲-۶۱/۱۰)، لغت‌نامه (ذیل / حسین جرجانی).

گنجی، ابوعبدالله محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۵۸ ق)، حافظ، عالم، محدث شافعی و شاعر. معروف به فخر گنجی. ساکن دمشق بود. به دنبال حدیث بسیار سفر کرد و دستاورد نیکویی داشت. او که از محدثان پیشگام بود، گرایش به مکتب شیعه داشت و کتبی در زمینه تشیع گردآوری کرد. از آثارش: «کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب (ع)»؛ «البيان فی اخبار صاحب الزمان (ع)»، که در تبریز به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۱۱۷-۱۱۶/۵)، کشف الظنون (۱۸۴۴، ۱۴۹۷، ۲۶۳)، الکنی و الالقاب (۳/۱۲۳)، معجم المؤلفین (۱۳۴/۱۲)، الوافی بالوفیات (۵/۲۵۴).

گیلانی استرآبادی، عبدالوحید

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، فقیه، مفسر، متکلم و عارف. معاصر شیخ بهائی (م ح ۱۰۳۰ ق) و از شاگردان وی به حساب می‌آید. در «ریاض العلماء» نزدیک به شصت اثر به وی نسبت داده شده است. از آثار وی: «آیات البينات فی خلق الله الارض و السماوات»؛ «اسرار القرآن فی تفسیر الفرقان»؛ «الحبل المتین فی آداب الدعاء و الداعی»؛ «اثبات الشوق»؛ رساله «اعلیٰ علین»، در معنی عبادت؛ «آینه‌ی غیب نما»، در اسرار و احوال قلب، به فارسی؛ «اسرار التوحید»، در شرح اسم اعظم؛ «انیس الواعظین» صغیر و وسیط و کبیر؛ «طب القلوب»، در معالجه امراض روحی؛ «کشف الغطاء فی اسباب الضلال و الغرور»؛ «میزان العدالة»، در فقه؛ «تهذیب الاخلاق فی تزکیة النفس»؛ «نثار السماع»، در تصوف؛ «البرزخ الجامع»؛ «الجنة النعیم»؛ «معراج السماء»، در وصف علم و علماء؛ «معیار الصلاة»، در اسرار نماز.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۸/۱۳۱)، الذریعه (۲۳/۳۱۵، ۴۶/۱۸، ۱۵/۱۴۳، ۶/۲۳۹، ۲۴۳، ۵۴/۴۳، ۲، ۹۶، ۵۴-۵۳، ۴۷-۴۶/۱)، ریاض العلماء (۲۸۶-۲۸۴/۳)، ریحانه (۵/۱۱۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۶۳-۳۶۱/۱۱)، فوائد الرضویه (۲۶۰).

گیوه چی مفرد، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن گیوه چی مفرد

محل تولد: مشهد

شهرت: پویا

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اخذ سیکل نظام قدیم (قبل از نظام راهنمایی) سال اول دبیرستان را در رشته طبیعی نیز خواندم. پس از آن در مکتب امام صادق (ع) در مشهد شبها به دروس حوزوی مشغول بودم. سپس در سال ۵۵ - ۵۶ به صورت نیمه روزه در مدرسه معروف به مدرسه آقای موسوی نژاد مشغول به تحصیل شدم و سپس در مدرسه آیت الله شیخ غلامحسین تبریزی حجره گرفتم و به صورت خصوصی به دروس حوزه به صورت تمام وقت ادامه دادم و در تمام ایام سال جز جمعه‌ها و یا تعطیلات مهم به درس مشغول بودم به صورتی که در سال ۵۹ که به قم آمدم به درس مکاسب مرحوم آیت الله ستوده و کفایه مرحوم آیت الله پایانی رحمهما الله رفتم و یک جلد از کفایه را نیز نزد آیت الله دوزدوزانی خواندم و بخشی از آن را با نوار، در این اثنا نوارهای دروس بدایه و نهایت آیت الله مصباح را نیز گوش می‌کردم عمدتاً در مشهد به صورت خصوصی درس خواندم و تنها به درس تفسیر مرحوم آیت الله میرزا

جواد آقا تهرانی حاضر می‌شدم. و بخشهایی از کتاب شرح لمعه را نیز در دروس حوزه مشهد شرکت می‌کردم. پس از اتمام سطح به درس خارج اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی که از ابتدای اصول شروع شده بود شرکت کردم و جز ایامی که در دوران دفاع مقدس به جبهه می‌رفتم تقریباً یک دوره اصول کامل درس ایشان را شرکت کردم و همزمان به درس فقه ایشان که آن زمان کتاب البیع بود و چهارشنبه‌ها بحث کتاب القضاء بود شرکت می‌کردم. ضمناً از ابتدایی که آیت الله منتظری به قم آمدند و در منزلشان درس فقه را شروع کردند تقریباً تا آخرین روزهای درس ایشان شرکت کردم. در این اثنا کتاب اشارات را به صورت کامل در آخرین دوره درس آیت الله حسن زاده آملی خواندم که بسیار از نظر معنوی پر بهره بود. تا اینکه در سال ۱۳۶۴ با تاسیس موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) که اینجانب از هسته‌های اولیه و اصلی آن بودم ابتداء کلاسهای آموزشی که تا آن روز درحوزه متداول نبود و به اعتقاد ما نیاز حوزویان بود برگزار شد و بنده ضمن برنامه ریزی و برگزاری اجرایی آنها در همه آنها شرکت کردم که آنها عبارتند از: دوره مدیریت منابع انسانی، تشریح انسان، اقتصاد، تاریخ معاصر ایران و جهان، کلام جدید، علوم قرآن و تفسیر، اخلاق، روان شناسی عمومی، روان شناسی کودک، جامعه شناسی، تند خوانی و ... برخی از این کلاسها به صورت اردوهای آموزشی در مشهد و تهران برگزار شد و حتی به صورت عملی مثل شرکت در سالن تشریح، شرکت در برخی ادارات وابسته به بنیاد مستضعفان در حین درس مدیریت و ... عمدتاً از اساتید برجسته و طراز اول آن زمان از دانشگاه مثل استاد شعاری نژاد، زرگر نژاد، ابطحی، سروش، آیت الله معرفت، حسن پور، حائری و ... استفاده می‌شد. با پایان یافتن این دوره‌ها و نیز تاسیس مراکز مختلف آموزشی در قم و شروع به کار اولین فصلنامه تخصصی قرآن و تفسیر با نام بینات در سال ۱۳۷۳، اینجانب ضمن شرکت در یک درس خارج، تمام وقت و همت خود را مصروف مباحث قرآنی کردم و به لطف خداوند تا کنون که سال دوازدهم نشر این نشریه است همچنان در سطح بسیار بالایی می‌درخشد. (ضمناً قبل از نشریه بینات از آغاز تاسیس و نشر مجله حوزه اینجانب در گروه اخلاق آن نشریه فعالیت داشتم تا اینکه در سال حدوداً ۷۵ - ۷۶ از مجله خارج شدم.) اینجانب همزمان با برخی از دورس به تدریس نیز اشتغال داشتم بویژه ادبیات، علوم قرآن و ... که به لحاظ موقعیت آن زمان به صورت غیر آکادمیک و مباحثه‌های طلبه‌ای بوده است. همزمان با سردبیری نشریه بینات، معاونت پژوهشی موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام را پس از دوران مسوولیت آموزشی به عهده داشتم و سپس جزو هیات تحریریه دو نشریه قرآنی دیگر یعنی بشارت و آفاق نور بوده و هستم. در ضمن مدتی در معاونت بین الملل وزارت ارشاد به عنوان کارشناس جهت اعزام به رایزنی ایران در لاهور بوده ام و سفری به آنجا رفتم. سپس در سال ۱۳۷۹ معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) را پذیرفتم و در سال ۸۳ مدیریت طرح و برنامه و اکنون نیز معاونت پژوهشی موسسه می‌باشم که به لطف خداوند تا کنون دهها جلد از آثار حضرت امام (ره) و یا درباره امام خمینی (ره) از آن سال تا کنون منتشر شده است.

لالکائی، ابوالقاسم هبة الله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۸ ق)، فقیه شافعی، محدث، مفتی و حافظ. اصل وی از طبرستان بود. به بغداد رفت و از شیخ ابوحامد اسفراینی فقه آموخت. از ابوالقاسم عیسی بن علی وزیر و ابوطاهر مخلص و ابوالحسن بن جندی و جعفر بن عبدالله فناکی رازی و علی بن محمد قصار و علاء بن محمد رویانی و ابوحامد فرضی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. ابوبکر خطیب و پسر او محمد بن هبة الله و ابوبکر

احمد بن علی طریثی و مکی کرجی سلار و دیگران از وی روایت کردند. در دینور درگذشت. از وی تصنیفاتی بر جای مانده است، از جمله: «السنن»، شرح اصول اعتقادی اهل تسنن بر اساس کتاب (قرآن)، سنت و اجماع صحابه؛ شرح «السنة» بغوی؛ «معرفة اسماء من فی الصحیحین» یا «رجال الصحیحین» یا «اسماء رجال الصحیحین» بخاری و مسلم؛ «المسائل المنثورة»، در نحو و تفسیر و غیره؛ «کرامات اولیاء الله».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/۵۷)، انساب سمعانی (۵/۶۶۹)، تاریخ بغداد (۷۱-۷۰/۱۴)، تذکره الحفاظ (۱۰۸۵-۱۰۸۳/۳)، سیر النبلاء (۴۲۰-۴۱۹/۱۷)، شذرات الذهب (۳/۲۱۱)، طبقات الحفاظ (۴۳۸)، طبقات الشافعیه ی اسنوی (۲/۱۹۱)، العبر (۲/۲۳۶)، الکامل (۷/۳۳۰)، کشف الظنون (۱۰۴۰، ۸۳۵، ۸۸)، معجم المؤلفین (۱۳/۱۳۶)، المنتظم (۹/۲۱۴)، هدیة العارفین (۲/۵۰۴).

لاهیجی، محمدباقر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدباقر بن محمد بن محمد لاهیجی مشهور به (نواب) از بزرگان حکمای قرن سیزدهم و معاصر با فتحعلیشاه قاجار بوده و در حکمت ید طولانی و در نجوم نیز مهارت بسزائی داشته و در تفسیر قرآن اوحد زمان خود بوده و از زایجه طالع ولادت جعفرخان زند استخراج کرد که جعفرخان پس از فوت کریم‌خان زند به سلطنت خواهد رسید.

و پس از آنکه صدق قضیه به وقوع پیوست جعفرخان نیز نواب را به وزارت منصوب داشت و بعد از وفات جعفرخان در اصفهان مشغول تدریس معقول گردید و بسیار محترم زندگی کرد تا در تهران از دنیا رفت و در ری مدفون گردید.

از تالیفات اوست. ۱- تحفه الخاقان فی تفسیر القرآن که به خواهش فتحعلی شاه در پنج مجلد تالیف نموده است.

۲- شرح نهج البلاغه که باز به اشاره فتحعلی شاه تالیف نموده.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لطیفی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود لطیفی

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۳ سال ورود اینجانب به حوزه علمیه قم است. اوائل سال تحصیلی ۴۶-۴۷ به حوزه علمیه نجف اشرف منتقل شدم و ادامه تحصیل تا پایان سطح در محضر استاد بزرگوارم مرحوم سید ابوالقاسم حصاری ارومی بوده ام. هم چنین یک دوره تفسیر قرآن، تفسیر صافی، نیمی از نهج البلاغه، یک دوره ریاضیات، هیئت، خلاصه الحساب، شرح چفمینی، شرح منظومه منطق و نیمی از فلسفه در محضر ایشان بوده ام. سال تحصیلی ۵۱-۵۲ به خاطر برخی از مشکلات خانوادگی به ایران آمدم و در آن سال تنها به تکمیل باقی مانده کفایه در محضر آیه الله فاضل موفق شدم. از سال ۵۲-۵۳ نخست برای مدتی در درس آیه الله میرزا هاشم آملی و مکارم شیرازی رفته و سپس بصورت منظم در درس فقه و اصول آیه الله ملکوتی تا پیروزی انقلاب اسلامی بودم. پس از پیروزی انقلاب و مدتی ترک تحصیل در سال ۶۰-۶۱ در محضر آیه الله وحید خراسانی شرکت نموده و پس از آن با اشتغال درحوزه تبریز عملاً موفق به بهرمندی از اساتید نشدم. ضمناً ادامه حکمت منظومه را در محضر آیه الله انصاری شیرازی و مجلدات اسناد را از محضر شهید بزرگوار مطهری و حاج آقا رضا صدر و آیه الله یزدی و صالحی مازندرانی خوانده ام. تمهید القواعد را از محضر آیه الله جوادی و شرح فصوص قیصری را در محضر آیه الله حسن زاده بوده ام.

لؤلؤی بخلی، یحیی زکریا

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۳۲ / ۲۳۰ ق)، فقیه، محدث و حافظ. از ابومطیع حکم بن عبدالله بلخی، مفتی بلخ، و عبدالله بن نمیر و وکیع و حکم بن مبارک و ابواسامه و قاسم بن حکم عرنی و همطبقه‌ی آنها روایت کرد. بخاری و ترمذی و ابوسعید یحیی بن منصور هروی زاهد و جعفر فریابی و احمد بن سیار مروزی و اسماعیل بن محمد بن ابی‌کثیر قاضی و عبدالصمد بن سلیمان بلخی از وی روایت کردند. از آثارش کتاب «الایمان» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲/۲۷۷)، تذکره الحفاظ (۵۱۸-۵۱۷/۲)، تهذیب التهذیب (۲۹۸-۲۹۷/۳)، تهذیب الکمال (۳۲۱-۳۲۰/۶)، الثقات (۸/۲۵۴)، معجم المؤلفین (۴/۱۸۴).

متفکر، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین متفکر

محل تولد: مرند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حسین متفکر متولد ۱۳۴۱، در روستای کشکسرای مرند آبی در یک خانواده کاملاً مذهبی به دنیا آمد. دوران ابتدایی را در دبستان رازی و مقطع راهنمایی را در مدرسه راهنمایی شیخ هلال روستای کشکسرای با رتبه اول به پایان رساند. در کنار تحصیل به دامداری و کشاورزی نیز مشغول بود. در سال ۵۷-۵۶ وارد دبیرستان شد، سال اول را با رتبه اول به پایان رساند. علاوه بر شرکت در تمامی راهپیماییها، اولین راهپیمایی کشکسرای را سازماندهی کرده و اقدام به سخنرانی علیه شاه نمود که با این فعالیتها تحت تعقیب ساواک قرار گرفت. در این دوران به آموزش نیروهای جوان و انقلابی پرداخته و حدود هزار نفر از افراد کشکسرای و حومه را تحت آموزش قرار داد. در اوایل سال ۵۸ به عضویت رسمی سپاه درآمد. در این زمان و بعد از پیروزی انقلاب در مبارزه با منافقین و حزب توده، چریکهای فدایی خلق، روشنفکر مآبان، متحجرین و مقدس مآبان، شرکت نمود. با شروع مبارزات حزب خلق مسلمان علیه انقلاب متفکر که در تبریز برای مقابله با آنها در اکثر صحنه ها از جمله باز پس گیری صدا و سیما، بخشهایی از دانشگاه تبریز و تصرف مقر حزب خلق مسلمان و برخورد های خیابانی حضور فعال داشت. در سال ۶۱ عازم جبهه شد و به عنوان مسئول آموزش پیرانشهر مشغول فعالیت شد و به صورت غیر متوالی حدود ۴۵ ماه در جبهه ها حاضر شد.

مجتهد بروجردی، جمال الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مآثر و آثار گوید: وی خلف حاج مولی اسدالله مشهور بحجه الاسلام مقام فقاها و تبخرش در حدیث و تفسیر و درجه فضل و تتبعش در جمیع علوم شرعیه و فنون اسلامیة مسلم بود و در اواخر بمشهد رضوی مشرف شد و از آنجا بدارالخلافة آمد و چندین سال بترویج شریعت و ارشاد عباد اشتغال داشت نظیر لسان او را در منبر کمتر نشان داده اند و سرعت قبول عامه که برای او در تهران افتاد در حق کسی شنیده نشده است فوتش در سال ۱۳۱۲ ق بوقوع پیوست چنانکه در جریده ایران نگاشته ایم و تمام مناصب و مراتب وی حسب الارث والاستحقاق بفرزند دانشمندش شریعتمدار زین الائمہ نجم الدین آقا علی اکبر انتقال یافت و اختصاص یافت. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجتهد تبریزی، محمد علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۱۰ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، متکلم، مفسر، عروضی و زاهد. اصلش از قره داغ تبریز (ارسباران فعلی) بود. به نجف رفت و در محضر شیخ مرتضی انصاری اصول و در محضر شیخ مهدی کاشف الغطاء فقه را تلمذ نمود و به درجه ای عالی در اجتهاد رسید و با اجازه از استادش شیخ مهدی کاشف الغطاء، روایت کرد. سپس به تبریز بازگشت و متصدی بحث و تألیف و تدریس و افتاء گردید. او در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم عربی و فنون ادبی متبحر بود و تألیفاتش گویای مراتب علمی

اوست. از آثارش: «اللمعة البيضاء»، در شرح «خطبة الزهراء (ع)»، و این شرح گسترده‌گی اطلاعات و مهارت وی را در علوم عربی می‌رساند؛ «الاربعین»؛ «اسرار الحج»؛ «الاصول المهمة»، در اصول دین؛ «الامر بین الامرین»؛ «البداء»؛ تفسیر «سوره‌ی یس» یا «تفسیر قراچه‌داغی»؛ «تفسیر الكبير»؛ «التنقيحات الاصولية»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول»؛ حاشیه بر «رياض المسائل»؛ حاشیه بر «الفصول»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول»، به نام «حديقة البساتین فی شرح القوانین»؛ حاشیه بر «الروضه البهیه»، به نام «حديقة الروضة»، که حاشیه‌ی «شرح لمعه» است؛ شرح «اخبار الطینة»؛ «صیغ العقود و الایقات»؛ «الفتوحات الرضویة»، در احکام فقهی؛ رساله‌ای در علم «العروض و القافیه»؛ «التحفة المحمدیة»، در عربیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵/ ۱۰)، الذریعه (۳۵۰/ ۱۸، ۲۷۳/ ۱۶، ۲۵۹، ۱۹۷، ۳۶/ ۱۵، ۳۶۳/ ۱۳، ۳۸۲، ۱۷۷، ۱۶۶، ۱۵۹، ۱۰۱، ۹۵، ۶۱/ ۶، ۴۶۸، ۳۴۴، ۳۰۱/ ۴، ۲۱۳/ ۲، ۴۲۲/ ۱)، ریحانه (۴۳۹- ۴۳۸/ ۴)، علماء معاصرین (۳۴۵- ۳۴۳)، المآثر و الآثار (۱۷۶- ۱۷۵)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۲۸۶/ ۱)، معجم المؤلفین (۳۵/ ۱۱).

محبی پروشی، صاحب علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صاحب علی محبّی پروشی

محل تولد: لنگرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۳/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳، در روستایی به نام: «پروش» از توابع شهرستان «لنگرود» استان «گیلان» در خانواده‌ای که در دوران خفقان، از خانواده‌های مذهبی محسوب می‌شد، به دنیا آمد. و از وجود دو نعمت پدر و مادر در دوران کودکی و دبستان تا چهارم ابتدائی در همان روستا بهره‌مند بود. در بین خانواده که همگی مذهبی و متدین بودند، یکی از دو برادرهای ایشان به نام مرحوم «قربان»، بسیار مشتاق آموختن مسایل دینی و مذهبی بود، ولی از این که به دلیل مشکلات زندگی، نتوانست به خواسته‌اش دست یابد، سخت ناراحت بود؛ از این رو با توجه به علاقه و زمینه بسیار مساعدی که در ایشان ملاحظه می‌کرد، به اهل خانواده، پیشنهاد کرد که حداقل، من که این توفیق را نیافتم، «صاحب» را برای آموختن دروس طلبگی، به حوزه بفرستیم، که در اصل آن (طلبگی)، جملگی، اعم از پدر، مادر و برادر بزرگ که اکنون نیز در قید حیات هستند، موافقت کردند، تنها یک نظر هم این بود که پس از اخذ دیپلم برای این رشته بروند که این نظر نیز از سوی همان برادر «قربان»، به این دلیل که چون محیط امروز بسیار نامساعد است و اگر ایشان تحصیلات جدید را تا سطح دیپلم ادامه دهد، ممکن است ذوق و علاقه فعلی مورد تهدید قرار گیرد، ردّ شد. در اینکه چه کسانی در تشویق ایشان یا خانواده برای روی آوردن ایشان به دروس علمی و مذهبی نقش داشتند، باید گفت که این بیت در آن روستا، پاتوق علماء، فضلا و روحانیون معزّزی بود که برای امر تبلیغ به آنجا می‌آمدند؛ لذا رفتار عملی و انس آنان با خانواده از نزدیک و

نیز ارتباط ایشان با آنها، نه فقط این شوق را در ایشان، بلکه در مجموع خانواده، به ویژه در برادر بزرگتر از خودش (قربان) ایجاد کرد، تا جایی که بحمدالله این تشویقها و این انسها، منجر به یک تصمیم جدی شد که مایه خیر و برکت الهی در دنیا و آخرت شد. البته ناگفته نماند، از بین روحانیونی که به این بیت رفت و آمد داشتند، یکی از آنها به نام حاج آقای رضائی (که اکنون پدر عیال ایشان می‌باشند)، نقش فوق‌العاده‌ای داشت؛ زیرا ایشان نه تنها در ایام تبلیغ، بلکه به‌طور مستمر با خانواده، در ارتباط بودند، تا جایی که در آن زمان، ایشان هر هفته از راه دور، برای ذکر مصایب اهل بیت در شبهای جمعه، به آن بیت دعوت می‌شدند؛ از این رو این ارتباط مستمر ایشان، و نیز تشویقهای پی‌درپی ایشان نسبت به نماز و عبادت و روی آوردن به دروس علمی و حوزوی، در بین نقش سایر عزیزان برجسته‌تر و بهتر و بیشتر بوده است. آغاز دروس حوزوی

ایشان پس از اخذ مدرک چهارم ابتدایی، به حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) لنگرود برای شروع دروس دینی در سال ۱۳۵۳، رفتند و تا چهار سال تمام در این مدرسه مشغول درس و هم‌زمان تدریس در سطحی که خوانده بودند مشغول بودند و در ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷، هم‌زمان با جنایت رژیم پهلوی در جمعه سیاه در میدان ژاله سابق تهران و میدان شهدای فعلی، با نهایت سختی، وارد «حوزه علمیه قم» شدند. اساتید

در لنگرود، نزد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علیرضا ممدج، حدود چهار سال دروس پایه و بعداً پس از مراجعه به قم، در ایام تعطیلی و مأموریت‌های تبلیغی در آن دیار، دروس سطح را نزد ایشان خواندند؛ وی استاد برجسته و متبحری بودند و نسبت به ایشان نیز، با توجه به ویژگیهایی که ملاحظه کرده بودند، علاقه خاصی داشت. تلاش این استاد نیز، نسبت به ایشان، تلاش ویژه‌ای بود. که بعدها، در مورد این استاد، ایشان، مصاحبه‌ای با رادیو گیلان در سالهای گذشته انجام دادند که اکنون در برخی از سایت‌ها، موجود است. همچنین در قم نزد آقایان: صلواتی، نیکونام، عالمی، شوشتری، استادی، جلال طاهر شمس، مرحوم آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله منتظری، مرحوم آیت‌الله ستوده، مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله شب‌زنده‌دار، آیت‌الله مصباح یزدی، آقای فیاض، آیت‌الله وحید خراسانی، آقای سیدی، مرحوم آیت‌الله تهرانی، مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مظاهری، آیت‌الله شاهرودی (رئیس قوه قضائیه)، آیت‌الله مرحوم سید محمد شیرازی، مرحوم آیت‌الله وجدانی، آقای شمّاعی و... سالهاست که تلمّذ کرده‌اند و دروسی که نزد مجموع این بزرگواران طی شده عبارتند از: فقه و اصول سطح و خارج و تفسیر، اخلاق، فلسفه، اقتصاد، کلام، ادیان و... .

محقق، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی محقق در سال ۱۳۰۸ شمسی در مشهد به دنیا آمد، و پس از تحصیلات مقدماتی، علوم حوزه‌ای را در مشهد و تهران تا حد اجتهاد طی کرد. پس از اخذ لیسانس از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۳۹ به دبیری دبیرستانها و اداره بخش نسخ خطی کتابخانه ملی فرهنگ پرداخت. در سال ۱۳۳۷ دکترای الهیات و معارف اسلامی را به پایان رسانید و در سال ۱۳۳۸ دکترای زبان و ادبیات فارسی اخذ نمود. در سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال ۱۳۴۶ به درجه استادی ارتقا یافت. استاد از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و بعد از انقلاب نیز به مدت یک سال عهده دار ریاست دانشکده دماوند گردید. او به مدت دو سال به عنوان استاد مهمان در دانشگاه لندن و مدت هشت سال به تناوب در دانشگاه مک

گیل کانادا به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۴۷ شعبه موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل را در تهران تاسیس کرد. ایشان عضو و رییس انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیات امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. استاد همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر می باشد و در فرهنگستان های اردن، سوریه، هند و مجمع بین المللی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین المللی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد. استاد محقق در سال ۱۳۶۱ از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد، امام صادق (ع)، تربیت مدرس، الزهراء و شهید مطهری تدریس کرده است. ایشان برگزیده همایش طرح سپاس بهمن ۸۵ در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: مهدی محقق فرزند حاج شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی و نوه مرحوم آخوند ملا بمانعلی دامغانی می باشد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: مهمترین حادثه بوقوع پیوسته در دوران کودکی مهدی محقق، واقعه خونین مسجد گوهرشاد مشهد بود. استاد از این واقعه چنین تعریف می کند: «هنوز صدای صفیر گلوله هایی که در شب واقعه شلیک می شد در گوش من طنین انداز است خصوصاً که این واقعه مصادف شد با پنهان زیستن پدرم زیرا او از کسانی بود که در شب واقعه منبر رفته بود و در ضمن در سخنانش گفته بود: «گویی ما در زیر پرچم انگلیس هستیم که هرچه آنان بخواهند باید اطاعت شود.» سرانجام پدرم پس از مدتها زندگی مخفی خود را به شهربانی مشهد معرفی نمود و از آنجا به زندان قصر منتقل شد و بیش از سه سال را در آنجا گذراند.» در سال ۱۳۱۷ با آزادی پدر از زندان، به اتفاق خانواده به تهران رهسپار شده که این مهاجرت با ممنوع المنبر شدن پدر و اوضاع بد اقتصادی خانواده توأم گشت، ناچار پدر و دو برادر بزرگترش به حجره ای در مدرسه سپهسالار رفتند و بقیه خانواده نیز در اتاقی کوچک که در بازارچه نایب السلطنه قرار داشت مقیم شدند. اوضاع نابسامان مادی و بی اطلاعی پدر باعث به تعویق افتادن تحصیل دکتر محقق شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات مهدی محقق در دبستان فرهنگ آغاز گردید و در سال ۱۳۲۱ وارد دبیرستان گردید، اما به دلیل شرایط سخت مادی برای مدتی از تحصیل فاصله گرفت و جهت کسب درآمد وارد بازار شد، طولی نکشید استاد محقق وارد مدرسه خان مروی شد و تحصیلات خود را پی گرفت. در مدت ۴ ماه صرف میر و عوامل ملا محسن و انموذج و صمدیه را نزد حاج سید هادی ورامینی فراگرفت. محقق جهت فراگیری درس سیوطی و حاشیه وارد مدرسه سپهسالار قدیم شد. پس از گذراندن این دوران و استفاده از استادان مدارس تهران، به مشهد رفته و در حوزه علمیه این شهر به کسب علم نزد علمای بزرگ پرداخت، او از این دوران به دلیل بهره مند شدن از «استادان فاضل و دانشمند» به نیکی یاد می کند. استاد در شهریور سال ۱۳۲۷ در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول به عنوان نفر سوم برگزیده شد؛ او در سال های ۱۳۲۷ و ۱۳۳۰ همزمان با تحصیل در این دانشکده در درس مدرسان بزرگ تهران شرکت می کرد. در سال ۱۳۳۰ برای اخذ لیسانس دوم که منتهی به دکترای هم شد وارد دانشکده ادبیات شده و در سال ۱۳۳۳ لیسانس زبان و ادبیات فارسی را اخذ نمود و بلافاصله در دوره دکتری شرکت نمود. در سال ۱۳۳۴ با افتتاح دوره دکتری علوم معقول و منقول، در دوره دکتری معقول ثبت نام کرد. او توانست در سال ۱۳۳۶ دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را و در سال ۱۳۳۷ دوره دکتری علوم معقول و منقول را به پایان برد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مهدی محقق مدتی اداره ی بخش نسخ خطی کتابخانه ملی را عهده دار بود و با شروع فعالیت های آموزشی از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران را به عهده گرفت و پس از انقلاب به مدت یک سال ریاست دانشکده دماوند به وی سپرده شد. از دیگر مشاغل دکتر محقق، عضویت و ریاست انجمن استادان زبان و ادبیات

فارسی و عضویت هیئت امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیئت امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. وی همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر است و در فرهنگستان های اردن، سوریه، هند و مجمع بین المللی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین المللی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد.

فعالیت های آموزشی: شروع کار تدریس مهدی محقق به تشویق آیت الله کاشانی بود، استاد می گوید: «مرحوم آیت الله کاشانی معتقد بود که در من فصاحتی وجود دارد که در معلمی باید از آن استفاده کنم و وقتی تعلل مرا در امر استخدام دید گفت «شما بیسوادا خودتونو کنار می کشین که همه جاها را کافرا گرفتن» کلمه «بیسواد» تکیه کلام آن مرحوم بود لذا نامه ای در صلاحیت من به وزارت فرهنگ نوشت و من به تشویق آن مرحوم از آن سال کار تدریس را شروع کردم.» پس از اخذ لیسانس از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۹ به دبیری دبیرستان ها برگزیده شد و از سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سپس به درجه ی استادی ارتقاء یافت. او در سال ۱۳۴۰ به مدت دو سال به عنوان استاد مهمان در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن و از سال ۱۳۴۴ به مدت هشت سال به تناوب در مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس زبان و ادبیات فارسی، تاریخ تمدن ایران و فلسفه و کلام اسلامی پرداخت. در بازگشت، مدتی در حوزه علمیه قم عهده دار تدریس «روش تصحیح انتقادی و نشر متون اسلامی» بود. استاد محقق در سال ۱۳۶۱ از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد، امام صادق (ع)، تربیت مدرس، الزهرا و شهید مطهری تدریس کرده است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: مهدی محقق در سال ۱۳۴۷ شعبه ی مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا را در تهران تأسیس کرد. وی همچنین در بنیان گذاری «دائرة المعارف تشیع» و «دائرة المعارف اسلامی» هم سهمی داشته است. او در کانادا پیشنهاد تأسیس کرسی «فکر شیعه» را ارائه نمود و خود وی نیز عهده دار آن گردید و فلسفه و کلام و اصول فقه شیعه تدریس نمود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مهدی محقق در چندین کنگره بین المللی و ملی شرکت نموده و در همه ی آنها خطابه ایراد کرده است، که از آن جمله عبارتند از: کنگره مؤتمر اسلامی (قاهره - ۱۳۳۴)، انجمن شعر لندن (۱۳۴۰)، سمینار مقایسه ی گرامر زبان های سامی (دانشگاه لندن - ۱۳۴۱)، سمینار میراث مشترک فرهنگی ایران و پاکستان و ترکیه (تهران - ۱۳۴۳)، انجمن آمریکایی خاورشناسی (فیلادلفیا - ۱۳۴۵، نیوهاون - ۱۳۴۶ و دانشگاه برکلی کالیفرنیا - ۱۳۴۷)، کنگره بین المللی مستشرقین (میشیگان - ۱۳۴۶) و هفته ی فرهنگی ایران (دانشگاه مک گیل مونترال - ۱۳۴۶). وی علاوه بر تألیف چندین کتاب، مجموعه مقالاتی را نیز به زبان های فارسی، عربی و انگلیسی در ایران و کشورهای همجوار همچون لبنان، سوریه، هند، پاکستان، به رشته ی تحریر درآورده است که از آن جمله، انتشار مقالات متعدد در مجلات دانشکده ادبیات، یغما، راهنمای کتاب، فرهنگ ایران زمین، آستان قدس رضوی، وحید، مهر، الاخاء و نشریه ی کتابخانه ی مرکزی دانشگاه می باشد.

آرا و گرایشهای خاص: مهدی محقق ممیزه و مشخصه فرهنگ اسلامی نسبت به سایر فرهنگها را این می داند که هیچوقت دروازه های فرهنگ اسلامی بسته نبوده و همیشه از خاصیت تسامح برای پذیرفتن فکر تازه و جدید برخوردار بوده است. بدان علت آنچه از علوم و معارف و دانستنی ها و دانش ها که مفید تشخیص داده شده بود، از ملت های مختلف گرفته شده است، این علوم و معارف را از یونانی، سریانی، سانسکریت ترجمه کردند و در حقیقت تکامل و ترقی فرهنگ اسلامی را در این دانستند که آن را به موضوع خاصی منحصر نکنند.

جوایز و نشانها: مهدی محقق برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۵ در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.

چگونگی عرضه آثار: مهدی محقق، درباره اولین کتاب خود وجوه قرآن این چنین میگوید: «اولین کتاب من «وجوه قرآن»

از حبیب بن ابراهیم تغلیسی، پزشک، لغت شناس و قرآن شناس در سال ؟؟؟؟ منتشر شد. من این کتاب را تصحیح کردم، مقدمه نوشتم و «وجوه قرآن» را توضیح دادم. در این کتاب لغات قرآن یک به یک ذکر می شود که به چه معنایی آمده و بعد آیه اش هم ذکر می شود. کسانی که در حوزه قرآن مطالعه می کنند و در زمینه تفسیر کاری کنند، این کتاب مورد نیازشان خواهد بود. «وجوه قرآن» از علومی است که همیشه مورد توجه مفسران و دانشمندان قرآن شناس بود. «وجوه قرآن» در قرن هفتم نوشته شده و از نسخه های خطی نادر و منحصر به فردی بود که مرحوم مجتبی مینوی، زمانی که رایزن فرهنگی ایران در ترکیه بود، میکروفیلم این کتاب و حدود پنج هزار کتاب دیگر را برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هدیه آورد. این اثر در همان دوره با سرمایه دکتر یحیی مهدوی چاپ شد که حقوق دانشگاهی اش را وقف چاپ آثار علمی و خطی کرده بود و تفسیر سورآبادی و وجوه قرآن به این صورت چاپ شد. کتاب «تأثیر قرآن در اشعار ناصر خسرو» نیز از آثار وی است که درباره این اثر این چنین میگوید: «تأثیر قرآن در آثار ناصر خسرو خیلی بیشتر و آشکارتر است. هم ناصر خسرو و هم حافظ هر دو قرآن را از حفظ بودند. حافظ می سراید «قرآن زبر بخوانم با چهارده روایت» و یا «به قرآنی که اندر سینه داری» و... از آن طرف هم ناصر خسرو می گوید «کتابت زبردارم اندر ضمیر» و... تأثیر قرآن در آثار ناصر خسرو به شکل استفاده از مضامین قرآنی، استفاده از لغات قرآنی است. وی درباره کتاب شرح و تفسیر پانزده قصیده ناصر خسرو نیز میگوید: «این کتاب بعدها تبدیل به شرح و تفسیر سی قصیده شد و جزو کتاب های درسی دانشگاهی است. ناصر خسرو عالم به علوم زمان خودش بود. آثارش تجسمی از فرهنگ غنی اسلامی است و از قرآن، از حدیث، از اوستا و عهد عتیق استفاده کرده است. از فلسفه یونان هم بهره می گیرد. ناصر خسرو شاعر جامع الاطرافی بود که تربیت شده فرهنگ غنی اسلامی بود.

آثار:

۱ بستان الاطباء

۲ بیست گفتار در مباحث فلسفی و کلامی

۳ تأثیر قرآن در اشعار ناصر خسرو

۴ تحلیل اشعار ناصر خسرو

۵ ترجمه ی شرح منظومه ی غرالفرائد سبزواری

ویژگی اثر: به انضمام مقدمه ی فارسی و انگلیسی و اصطلاحات.

۶ تصحیح کتاب «مفتاح الطب و منهاج الطلاب»

ویژگی اثر: با همکاری محمد تقی دانش پژوه (کتاب برگزیده سال)

۷ تعلیقات، مقدمه و تصحیح اشترنامه عطار

۸ تعلیقات، مقدمه و تصحیح وجوه قرآن تغلیسی

۹ شرح الهیات شفا ملا مهدی نراقی

۱۰ شرح باب حادی عشر علامه حلی

۱۱ شرح مشکلات و مقدمه بر پانزده قصیده از ناصر خسرو

۱۲ شیعه در حدیث دیگران

۱۳ فیلسوف ری

۱۴ فیلسوف ری محمد بن زکریای رازی

۱۵ مقدمه در شرح احوال و آثار و افکار السیره الفلسفیه رازی

۱۶ مقدمه و فرهنگ لغات لسان التزیل

۱۷ وجوه قرآن

۱۸ یادنامه ادیب نیشابوری

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه: بانک رسانه‌ها- روزنامه ایران- ۲۵-۱۲-۱۳۸۱" امروز با دکتر مهدی محقق" ۲۱ برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور، دفتر شورای جذب نخبگان، ۲۵۵- ۳- کیهان فرهنگی، شماره ۳، خرداد ۱۳۶۶ مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال شانزدهم، شماره ی ۱ و ۲، آذر ۱۳۴۷ میزگرد/ فرهنگ و تمدن اسلامی، نامه فرهنگ. سال سوم، شماره چهارم. شماره مسلسل ۱۲، زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۳

محققان گورتانی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا محققان گورتانی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۴/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب شیخ رضا محققان گورتانی فرزند حاج اسماعیل در تاریخ ۱۰/۴/۱۳۴۸ در اصفهان متولد شده و پس از سپری کردن دوران دبستان و راهنمایی به سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه اصفهان شده و دروس مقدمات و مقداری از سطح را در حوزه علمیه اصفهان در مدرسه ذوالفقار فرا گرفته و در اصفهان در دروس حضرات آیات مرحوم سید احمد امامی و حاج سید حسن امامی و حاج آقا حجت ابطحی و شیخ علی اکبر فقیه و... شرکت نمودم.

در سال ۱۳۶۸ به حوزه علمیه قم هجرت نمودم و دروس خارج را در محضر آیات عظام آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی و آیت الله وحید خراسانی و... فرا گرفتم و در این مدت رشته تخصصی تفسیر سطح چهار را سپری نموده و موفق به حفظ کامل قرآن کریم شدم و قریب به ۱۰ سال است که به تدریس علوم حوزوی و تدریس مکاسب و رسائل و... اشتغال دارم. هم اکنون در مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه مشغول به باز نویسی و باز نگری قانون مجازات اسلامی قصاص و دیات می باشم.

محلانی شیرازی، صدرالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۹ - ۱۲۸۳ ش)، عالم دینی، فقیه، مفسر، نویسنده، استاد و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. پدرش آیت الله میرزا ابوالفضل محلانی

از علما و روحانیون بنام و دانشمند فارس بود. صدرالدین پس از تحصیل مقدمات به عتبات عالیات رفت و مدتی از محضر استادان آنجا بهره گرفت و به شیراز بازگشت. چندی در اصفهانی و قم تحصیلات علوم دینی خود را ادامه داد تا موفق به کسب درجه‌ی اجتهاد شد و سپس به شیراز بازگشت و در شیراز حوزه‌ی تدریس بنیان نهاد و حلقه‌ی تفسیر قرآنی ترتیب داد. از بدو تأسیس دانشکده‌ی ادبیات در شیراز به تدریس زبان عربی و ادبیات اشتغال ورزید. او علاوه بر تحقیق و نویسندگی، شعر هم می‌سرود و چون به طریقه‌ی ذهبیه مایل بود اشعارش مضامین عرفانی داشت. از ۱۳۳۴ ش صبحهای جمعه انجمن ادبی صدر را در خانه خود تشکیل داد. وی از اعضای مؤسس کانون دانش پارس نیز بود. این کانون مجالس دبی داشت و تألیفات گوناگون اعضای کانون را به چاپ می‌رساند و دارای نشریه بود. آثار علمی و ادبی محلاتی در این نشریه به چاپ می‌رسید. از آثار وی: تفسیر «سوره‌ی والعصر»؛ «شأن نزول آیات قرآن»؛ «مناسک حج»؛ «اسرار حج»؛ «دار العلم شیراز»؛ «ولایت فارس در زمان خلفاء»؛ «مکتب عرفان سعدی»؛ «مقدمه تاریخ ادب عرب».[۱]

مؤلف، محقق، شاعر.

تولد: ۱۲۸۴، شیراز.

درگذشت: ۷ اسفند ۱۳۵۹، شیراز.

صدرالدین محلاتی، متخلص به «صدر» فرزند آیت‌الله میرزا ابوالفضل محلاتی پس از تحصیل مقدمات، به عتبات رفت و مدتی در آنجا از محضر استادان استفاده نمود و به شیراز بازگشت. چندی در اصفهان و قم به ادامه‌ی تحصیلات علوم دینی پرداخت و موفق به کسب جواز اجتهاد شد. سپس به شیراز مراجعه کرد و سال‌ها رییس دفترخانه‌ی اسناد رسمی شماره‌ی یک بود. از بدو تأسیس دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه شیراز به دعوت دکتر لطفعلی صورتگر به تدریس زبان عربی و ادبیات اشتغال ورزید و تا اواخر عمر، استاد آن دانشکده بود. صدرالدین علاوه بر تحقیق و نویسندگی، شعر هم می‌گفت و چون اهل عرفان بود، اشعارش مضامین عرفانی داشت. طبع او بیشتر به غزل‌سرایی مایل بود.

از سال ۱۳۲۴ صبح‌های جمعه در خانه‌ی خود انجمن ادب تشکیل می‌داد و عده‌ای از شاعران و نویسندگان و شعر دوستان در آن شرکت می‌کردند. مباحث اعضای انجمن درباره‌ی مسائل ادبی، تفسیر، شعرخوانی و تصحیح اشعار بود. وی یکی از مؤسسان کانون دانش پارس است.

همیشه مقالات علمی و ادبی وی در جراید «پارس» منتشر می‌شد. از وی آثاری به چاپ رسید که از آن جمله است: دارالعلم شیراز (۱۳۳۳)؛ تفسیر سوره والعصر (۱۳۳۸)؛ شأن نزول آیات قرآن (۱۳۳۴)؛ مناسک حج، اسرار حج، مکتب عرفان سعدی، مقدمه‌ی تاریخ ادب عرب، ولایت فارس در زمان خلفاء (۱۳۳۴). تألیفاتی که از او باقی مانده ولی به چاپ نرسیده‌اند به این شرح است: مبانی عرفان قرآن، تصوف و عرفان سعدی، تاریخ مکه، تاریخ اسلام یا محمد (در دو جلد)؛ تاریخ ادب (در دو جلد)؛ شأن نزول آیات قرآن (جلد دوم)؛ اثبات وجود خدا.

او در هفتم اسفند ۱۳۵۹ در سن هفتاد سالگی در شیراز درگذشت و در جوار آرامگاه حضرت علی بن حمزه در مقبره‌ی خانوادگی در کنار مزار پدرش، به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینه (س ۶، ش ۱ و ۲، ص ۱۵۷-۱۵۶)، انجمن‌های ادبی شیراز (۴۷۸-۴۷۵، ۴۰۵)، الذریعه (۱۴۳/۲۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۴، ۲/۲۰۷۵، ۱۳۲۰، ۱/۹۲۹)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۲۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳/۵۴۰).

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن محمدی عراقی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب محسن محمدی عراقی حدود سال ۱۳۴۸ تحصیلات حوزوی خود را در حوزه مقدسه نجف اشرف زیر نظر مرحوم آیت الله والد آغاز کردم. مقدمات و قسمتی از سطوح را نزد مرحوم والد (مرحوم آیت الله العظمی میرزا حبیب الله اراکی) گذراندم. قسمتی دیگر از سطوح را نزد آیات: خاتم یزدی، سید کاظم حائری، سید محمود هاشمی شاهرودی، مرتضوی، روشنی، رضوانی، شیخ محمد تقی جواهری به پایان رساندم. در تفسیر از محضر آیات: سید محمد باقر حکیم، محمد هادی معرفت و حاج آقا مصطفی خمینی استفاده کردم. در فلسفه و عرفان از محضر آیت عظمی مرحوم آقای شیخ عباس قوچانی استفاده کردم. پس از پایان دوره سطح در خارج فقه از مرحوم آیت الله العظمی خویی و نیز از خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر استفاده کردم.

در آغاز سال ۱۳۵۴ پس از تحت تعقیب قرار گرفتن از سوی رژیم بعثی صدام به ایران آمدم و از همان آغاز در درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی میرزا کاظم تبریزی شرکت کردم و حدود ۴ سال از فقه ایشان بهره بردم (کتاب الطهاره). قریب یک دوره خارج اصول از محضر آیت الله العظمی وحید خراسانی استفاده کردم و قریب یک دوره خارج اصول نیز از محضر آیت الله حائری استفاده کردم. در خارج فقه نیز صلاه، مکاسب محرمه، احیاء میراث را از محضر آیت الله وحید خراسانی، کتاب الاجاره، کتاب الخمس، فقه العقود، کتاب القضاء، اجتهاد و تقلید، حکومت اسلامی، را از محضر آیت الله سید کاظم حائری بهره بردم. در فلسفه بخشی از اسفار را از محضر آیت الله جوادی آملی و بخشی دیگر را از محضر آیت الله شهید مطهری بهره بردم. نهایتاً حکمه را خدمت استاد آیت الله مصباح یزدی گذراندم. و از محضر ایشان بهره های فراوان بردم. در فلسفه غرب از محضر آیت الله شهید بهشتی استفاده کردم. در مجموع از ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۷۴ از محضر اساتید در فنون مختلف بهره بردم.

در تمام این مدت از آغاز آنچه می خواندم تدریس می کردم. از سال ۱۳۴۹ تدریس مقدمات را آغاز نمودم. از سال ۱۳۵۱ به تدریس لمعه و سپس رسائل و مکاسب و کفایه پرداختم و در کنار تدریس فقه و اصول سال ها به تدریس فلسفه و تفسیر نیز اشتغال داشتم. از ابتدای حضور در حوزه قم در مدارس: حقانی، آیت الله گلپایگانی، رضویه و سپس در مدارس شهیدین، باقرالعلوم (ع)، الهادی و غیر آنها تدریس کردم. سال ۱۳۵۸ حوزه علمیه ای در خرمشهر تاسیس کردم که با شروع جنگ متوقف شد. از سال ۱۳۶۰ در حوزه علمیه امام خمینی (ره) تدریس کردم. در سال ۱۳۶۵ که به دزفول رفتم در حوزه آنجا تدریس کردم و حوزه دزفول را راه اندازی نمودم.

در حوزه قم به طور آزاد موارد متعددی نظیر لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه، اشارات شیخ، شرح منظومه، شرح تجرید، خارج فقه و اصول، تفسیر و حدیث تدریس کرده ام و هم اکنون به تدریس خارج فقه و اصول و نیز تفسیر و حدیث اشتغال دارم. در سال ۱۳۶۶ مجمع الفکر الاسلامی را تاسیس کردم و در سال ۱۳۷۳ کنگره شیخ انصاری را بر پا کردم و به عنوان دبیر کلی آن فعالیت می‌کردم، و از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۸۳ در لندن به سمت نمایندگی مقام معظم رهبری (مد ظله) حضور داشتم که در آنجا موسسات زیادی تاسیس نمودم. از جمله: مرکز اسلامی انگلیس، کالج اسلامی لندن، اکسفورد و اکادمی که بعد به دانشگاه آزاد اسلامی واگذار شد و هم اکنون به عنوان **Azad univercity** فعالیت می‌کند، موسسه بوک اکسترا و ... در سال ۱۳۷۶ دانشکده اصول دین دزفول را تاسیس کردم که هم اکنون مشغول فعالیت است.

محمدی عراقی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود محمدی عراقی

محل تولد: کنگاور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجت الاسلام والمسلمین محمود محمدی عراقی در سال ۱۳۳۱ در خانواده‌ای روحانی، با تقوا و اهل علم در کرمانشاه دیده به جهان گشود؛ جد بزرگ وی مرحوم حاج آقا بزرگ محمدی عراقی که از حوزه علمیه اراک برخاسته و بدین لحاظ به محمدی عراقی شهرت پیدا کرده بود، از بزرگان علم و معرفت بود که به دستور مرجع تقلید بزرگ زمان، مرحوم شیخ مرتضی انصاری (ره) به کرمانشاه عزیمت پدر وی، حجت الاسلام والمسلمین بهاء الدین محمدی عراقی نیز پس از سالها خدمت به ساحت علم و معرفت و مردم خطه کرمانشاه در سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید. محمدی عراقی، پس از طی تحصیلات عمومی در کرمانشاه جهت تکمیل تحصیلات علوم دینی به شهر قم عزیمت کرد و همزمان با تحصیلات جدید، در به ثمر رسیدن پیروزی انقلاب تلاش‌های قابل توجهی کرد. وی در دوران تحصیل از محضر اندیشمندانی نظیر شهید آیت الله دکتر بهشتی، شهید آیت الله قدوسی و جمعی دیگر از بزرگان علم و ادب بهره‌ای وافر برد و علاوه بر علوم متداول در حوزه‌های علمیه، به صورت تخصصی در حوزه فلسفه و علوم قرآنی مدارج علمی را طی کرد. محمدی عراقی پس از پیروزی انقلاب و سازماندهی فعالیتهای اجتماعی و قبول مسئولیت‌های مختلف در نهادهای انقلاب اسلامی، به فعالیتهای علمی و پژوهشی روی آورد. وی در شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه مشارکت داشته و چندین سال مسئولیت این دفتر و سرپرستی گروه جامعه‌شناسی را بر عهده داشت. نمایندگی حضرت امام در سپاه پاسداران نمایندگی رهبری در دانشگاه تهران و عضویت در شورای نظارت بر صداوسیما از دیگر سوابق او است. محمدی عراقی همچنین برای سالها ریاست سازمان تبلیغات اسلامی را بر عهده داشت و پس از آن، برای دو دوره و به مدت شش سال رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی شد. او در حال حاضر با حکم مقام معظم رهبری عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز، عضو

شورای عالی نمایندگان ولی فقیه در دانشگاهها است.

محمدی مظفر، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن محمدی مظفر

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به حوزه علمیه رشت وارد شدم و تا سال ۱۳۷۰ به تحصیل دروس مقدماتی و سطح در آنجا اشتغال داشتم و همزمان دروس مقدماتی را نیز تدریس می کردم (عمدتاً معانی و بیان) و از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ به مدت دو سال برای ادامه تحصیلات حوزوی، به حوزه علمیه مشهد رفتم و پس از آن از سال ۱۳۷۲ به حوزه علمیه قم آمدم و همزمان با تحصیلات حوزوی، به تحصیل در رشته فلسفه در دانشگاه مفید قم پرداختم و با پایان یافتن این دوره در سال ۱۳۷۶ به مرحله بعد یعنی کارشناسی ارشد در رشته فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه قم راه یافتم و این دوره را نیز با اتمام پایان نامه که موضوعش تصحیح الفرقه الناجیه شیخ ابراهیم قطینعی بود، در سال ۱۳۷۹ به پایان رساندم و در سال ۱۳۸۴ در رشته علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و هم اکنون در این دوره به تحصیل اشتغال دارم. همچنین از ابتدای سال ۱۳۷۶ که مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب به طور رسمی و عمومی کار خود را آغاز کرد، در این مرکز به آموزش و پژوهش مجله هفت آسمان نیز به بنده سپرده شده است. علاوه بر اینها تاکنون سعی کرده ام که با دروس حوزوی قطع رابطه نکنم و تا حد امکان سعی می کنم در درس خارج حوزه شرکت کنم. همچنین از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۴ به مدت سه ترم در مدرسه امام خمینی (ره) برای رشته مذاهب به تدریس زبان تخصصی در رشته مذاهب اسلامی اشتغال دارم. در سالهای اخیر آثاری نیز اعم از کتاب یا مقاله در قالب تصحیح، تألیف و ترجمه داشته ام که برخی از آنها چاپ شده و برخی چاپ نشده است و فهرستی از آنها را در صفحه مربوط به آنها عرضه کرده ام.

محمدی، اردشیر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اردشیر محمدی

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اردشیر محمدی متولد ۱۳۵۱ در شهرستان دزفول به دنیا آمدم. دوران ابتدائی و راهنمایی و دبیرستان را در اهواز سپری کردم و بعد از اتمام دبیرستان وارد حوزه علمیه مسجد سلیمان شده و بعد از اتمام مقدمات عازم قم شدم و هم اکنون ۸ سال است مشغول به تحصیل در درس خارج می باشم. از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ دوره تخصصی کلام اسلامی را گذراندم (سطح چهارم) و پایان نامه سطح چهار اینجانب با عنوان نقش دین در بهداشت روان از منظر قرآن می باشد. در ضمن حدود ۵ سال است که در دانشگاه‌های مختلف مشغول تبلیغ و تدریس بوده ام و هم اکنون جزء هیئت علمی دانشگاه پیام نور استان خوزستان می باشم و همچنین جزء هیئت منتخب گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور می باشم.

محمدی، صادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید صادق محمدی

محل تولد : خرمشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم، دروس مقدماتی و دوره سطح را در مدرسه علمیه ملا محمد جعفر مشهور به مدرسه علمیه مجتهدی تهرانی و سپس در مدرسه علمیه مروی تهران گذراندم و در طول این مدت نیز قسمتی از منظومه ملاحادی سبزواری را در محضر آیت الله سید رضی شیرازی تلمذ نمودم و پس از آن در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس خارج فقه و اصول را نزد آیت الله العظمی تبریزی و وحید خراسانی آغاز نمودم و حدود ده سال از نظرات فقهی و اصولی این دو فقیه عالی قدر استفاده نمودم و همچنین حدود شش سال در موسسه بقیة الله العظمی دوره تخصصی فقه و اصول را گذراندم. اینجانب از همان اوائل طلبگی مشغول تدریس بوده و تاکنون در حدود ۲۰ سال مشغول تدریس کتب حوزوی بوده و هم اکنون مشغول تدریس دروس سطح می باشم.

محمدی، محمد حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین محمدی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۶/۲

زندگینامه علمی

اینجانب در شهریور ماه سال ۱۳۳۹ در شهرستان مقدس قم در خانواده‌ای مذهبی و روحانی به دنیا آمدم و بعد از گذراندن دوره ابتدایی و دوران راهنمایی در سال ۱۳۵۷ با ذوق و علاقه شخصی و راهنمایی پدرم وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه علمیه رسالت مشغول به تحصیل گردیدم. با توجه به شروع انقلاب اسلامی در راهپیمایی‌ها و تظاهراتی که برگزار می‌گردید به طور جدی شرکت نموده و اطلاعیه‌های حضرت امام خمینی (ره) را در سطح شهر قم پخش کرده و به دست مردم و جوانان می‌رساندم تا این که در سال ۱۳۵۸ در شهر قم توسط عوامل مزدور شاه دستگیر شدم و مدتی را در زندان به سر بردم و به یاری خداوند بعد از مدتی آزاد گردیدم، سپس بعد از آزادی به ادامه تحصیل در شهر مقدس قم ادامه داده و درس مقدمات را نزد اساتیدی چون حسینی بوشهری و استاد مرحوم طالقانی و مرحوم مدرس افغانی و ... سپری کردم. دروس لمعه را نزد استاد وجدانی فخر و فقیه شیرازی و استاد ابوالفضل احمدی و استاد گنجی و ... تمام نمودم و سپس در سال ۱۳۶۱ به علت نیاز منطقه در شهر هرسین کرمانشاه در حوزه علمیه امام صادق (ع) مشغول تدریس ادبیات و منطق به مدت یک سال گردیدم. سپس بعد از مراجعت از هرسین دروس حوزه را ادامه دادم و درس مکاسب را نیز در محضر استاد احمدی و مرحوم استاد ستوده و مرحوم استاد پایانی تلمذ نمودم و در درس کفایه نیز در محضر استاد ستوده بودم و بعد از اتمام دروس سطح، در درس خارج آیت الله وحید خراسانی و مدتی محضر حضرت آیت الله ملکی تبریزی ولی اکثر درس خارج فقه و اصول را از محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده نمودم. سپس بعد از اعلام شروع رشته‌های تخصصی توسط حوزه در سال ۱۳۷۷ وارد اولین دوره رشته تخصصی تفسیر شدم و به مدت چهار سال دوره آموزشی نزد آیات مکارم شیرازی، جوادی آملی، معرفت، شب زنده دار، خزعلی و محقق داماد و اساتید دیگر گذراندم و همزمان با دروس مرکز به درس خارج نیز ادامه دادم و در ضمن مشغول به تدریس مباحث تفسیری و علوم قرآنی در مراکز دانشگاهی و حوزوی شدم که سوابق تدریس این جانب پیوست می‌باشد.

محمودی، امیر ملک

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیر ملک محمودی

محل تولد: الیگودرز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب امیر ملک محمودی فرزند جواد شماره شناسنامه: ۱۳۴۷ متولد ۱۳۵۱ صادره از الیگودرز لرستان پس از تحصیلات دوره راهنمایی در روستای «مغانک سفلی» از توابع شهرستان الیگودرز در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی به درس‌های کلاسیک نیز ادامه دادم و نیز کلاسهای کامپیوتر، ورزش، نویسندگی، روش تحقیق و نگارش، دوره‌های تربیت مربی کودکان و نوجوانان، دوره تربیتی مربی قرآن و مهارت‌های تبلیغ و تخصصی تبلیغ را نیز با موفقیت طی نمودم.

در کنار تحصیل با جدیت و در حدّ توان به تبلیغ علوم اسلامی در سطح شهرستانها مساجد، روستاها، مدارس، دبیرستانها، دانشگاهها، زندانهای مختلف در سراسر کشور پرداخته و سپس به عشق و علاقه‌ای که به نوشتن داشتم از سال ۱۳۶۰ تاکنون به کارهای مقاله نویسی و نوشتن ادامه داده که در سال ۱۳۷۴ با جدیت به کار چاپ و نشر روی آوردم که تاکنون به لطف الهی توفیق داشته‌ام بیش از پنجاه اثر در زمینه‌های مختلف: دینی، اجتماعی، خانوادگی، روان شناسی، جوانان تألیف نمایم.

اکثر کتب اینجانب به بیش از بیست بار تجدید چاپ شده‌اند و بعضی از تألیفات اینجانب در سطح کشور در وزارت خانه‌های مختلف و سایر مراکز به صورت کتاب مسابقه انتخاب شده است و فعلاً نیز با عنایت باری تعالی و عشق و علاقه‌ای که به کار علمی، پژوهشی و تألیف دارم با تمام توان مشغول به کار نوشتن و تألیف هستم.

محمودی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن محمودی

محل تولد: کرج

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

. اینجانب حسن محمودی متولد ۱۳۵۶ در محمدشهر کرج می باشم در سال ۱۳۷۶ بواسطه اشنایی با آقای محسن عباسی راهی حوزه علمیه اصفهان شدم و درانجا از محضر اساتید بزرگوار چون ایت الله مظاهری و ایت الله ناصری دولت آبادی و ایت الله مهدوی و حجج اسلام آقایان عبودیت و کشکولی و معمار منتظرین و دیگر بزرگان بهره‌ها بردم

محمودی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محسن محمودی

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۰ توفیق تشریف به حوزه علمیه قم یافتم. در مدرسه مرحوم آیة‌الله العظمی گلپایگانی قدس سره مشغول تحصیل شدم، سپس در درس شرح لمعه مرحوم آیة‌الله وجدانی فخر(ره) حضور یافتم، مکاسب را در محضر مرحوم آیة‌الله پایانی (ره) و بالاخره کفایه را در محضر آیة‌الله اعتمادی مدظله خواندم. خارج فقه و اصول را در محضر آیة‌الله العظمی مکارم شیرازی مدظله آغاز کردم. بالاخره فقه ایشان را بیش از ۱۰ سال ادامه داده و نظر به تعطیل شدن اصول ایشان، یک دوره اصول را در محضر حضرت آیة‌الله سبحانی مدظله خواندم در درس فقه حضرت آیات عظام فاضل لنکرانی، صافی گلپایگانی مدظله و تبریزی (ره) حضور یافتم. از محضر حضرت آیة‌الله جوادی آملی در تفسیر و حضرت آیة‌الله مظاهری در اخلاق بهره‌مند شدم. فلسفه را در محضر آیة‌الله ممدوحی آموختم.

سپس در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی دوره چهار ساله را گذراندم. هم‌اکنون نیز در دانشگاه آزاد اسلامی، حوزه علمیه و دانشگاه شهید محلاتی تدریس داشته و توفیق همکاری با رادیو معارف را به عنوان کارشناس داشته‌ام. بیش از ۱۰ سال است که با انتشار مقالات و مطالب در زمینه‌های گوناگون در دو هفته‌نامه فرهنگ اسلام در عرصه مطبوعات حضور دارم. آنچه که نوشتم امتثال امر بود و گرنه هرگز خود را لایق ندانسته و آنچه نصیبت گردیده به برکت دعای خیر والدین و فضل الهی بود که امیدوارم توفیق شکرگذاری آن را داشته باشم.

محمودی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد محمودی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه شیراز شدم و در مدرسه حکیم که زیر نظر شهید محراب آیه الله دستغیب قدس سره اداره می شد مشغول تحصیل شدم. ادبیات را نزد اساتید بزرگوار آقایان سید محمود آیه اللهی و سید هاشم دستغیب خواندم. منطق را نیز نزد مرحوم حجة الاسلام والمسلمین سید احمد آیه اللهی تلمذ نمودم. سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه حجتیه ساکن شدم اصول فقه را نزد مرحوم حجة الاسلام والمسلمین سلطانی (امام جمعه اردستان) خواندم و شرح لمعه را از حجج اسلام آقایان باکوئی (زین العابدین) و وجدانی فخر قدس سره آموختم. رسائل را نزد جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اصغر حجتی زاده خواندم. مکاسب محرمة را نزد حجة الاسلام والمسلمین سید علی محقق داماد خواندم و بیع را از مرحوم آیه الله شیخ نقی ستوده آموختم. خیارات مکاسب را نزد آیه الله علوی گرگانی خواندم. استاد کفایه مرحوم آیه الله ستوده می باشند که عمده آن را نزد وی خواندم و بخشی از آن را نزد آیه الله محسن دوزدوزانی و اندکی نیز نزد مرحوم آقای عبایی خراسانی خواندم. شرح منظومه سبزواری را نزد آیه الله ممدوحی خواندم و در درس بدایة الحکمه آقای جلیلی تبریزی شرکت کردم.

از سال ۱۳۶۳ پس از پایان سطح، نزد حضرات آیات عظام مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره دروس خارج فقه و اصول را خواندم که البته دوره کامل اصول را نزد آیه الله العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته، همزمان در درس فقه معظم له نیز شرکت می کردم کتاب الحج و حدود و دیات را نزد آیه الله العظمی فاضل لنکرانی دامت برکاته تلمذ نمودم و کتاب الصلاة را نزد مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره خواندم. در کنار دروس اصلی حوزه هم زمان در محضر عموی پدرم مرحوم آیه الله علامه محمد باقر محمودی قدس سره به تحقیق و تصحیح در متون حدیث و تفسیر به ویژه مناقب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام پرداختم.

اولین اثری که منتشر شد فهرست جامع و کامل شواهد التنزیل حاکم حسکانی نیشابوری بود که به عنوان جلد سوم این کتاب ارزشمند در سال ۱۴۱۱ هجری قمری به چاپ رسید. اکنون در جاهای مختلف علمی و چند مرکز تحقیقاتی به پژوهش، تالیف و تصحیح متون حدیثی اشتغال دارم که بیشترین آنها در مجمع احیاء فرهنگ اسلامی قم می باشد که عضو هیئت علمی و هیئت امناء آن نیز می باشم، همچنین در بخش تحقیقات کتابخانه بزرگ آیه الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره با جمعی از دوستان به تالیف مجموعه ارزشمند در موسوعه الامامه فی نصوص اهل السنه مشغولم که تا کنون پنج جلد آن منتشر شده است که در سال ۱۳۸۵ به عنوان ممتاز کتاب سال حوزه دست یافته است. با دار الحدیث نیز همکاری علمی دارم. همچنین با میراث قرآنی شیعه که زیر نظر کتابخانه تخصصی قرآن و وابسته به دفتر آیه الله العظمی سیستانی منتشر میشود همکاری دارم.

مختاری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی مختاری

محل تولد: تیران کرون اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۹/۲

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم، مدرسه المهدی زیر نظر آیت الله گلپایگانی شدم و از اساتید آنجا مثل حضرات آیات مرحوم آیت الله تقوی اشتهاردی، حسن امینیان، و... و اساتید حسین مظاهری، مرتضی مقتدایی، حسن تهرانی، رضا استادی، نجفی شهرضایی، عالمی، غلامرضا صلواتی، و... بهره بردم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر استفاده از اساتید نامبرده، از اساتیدی چون آیات مصباح یزدی، خزعلی، جوادی آملی، جعفر سبحانی، یحیی انصاری شیرازی، مرحوم سید رضا صدر، طاهرشمس، سید مصطفی محقق و سید علی محقق، آیت الله العظمی گلپایگانی و بسیاری از مراجع حاضر بهره برده، و درسهای رایج حوزه، نظیر، فقه، اصول، رجال، تفسیر، منطق، فلسفه و... را بسان سایر طلاب خواندم. در فصل تابستان و تعطیلی حوزه قم، اکثراً به حوزه های علمیه سایر شهرستانها می رفتم و به درس یا تدریس می پرداختم مثل حوزه علمیه فیروز آباد فارس حدود ۴ سال، خوانسار، حدود ۵ سال، و دو سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ فصل تابستان در مدرسه نیم آور اصفهان تحت نظر و اشراف آیت الله ناصر اصفهانی بودم. و از اساتید حوزه اصفهان از جمله آیت الله ناصر (درس لمعه) بهره می بردم. با شروع دوره های تخصصی تفسیر و علوم قرآن، کلام و... در حوزه علمیه قم، حقیر در اولین دوره تفسیر علوم قرآن شرکت کردم و تاکنون بخش عمده تلاش هایم در خدمت قرآن کریم و تفسیر است. در اولین دوره دانشگاه قم (آن زمان به نام مدرسه عالی قضایی و تربیتی طلاب) و نیز اولین دوره دانشگاه تربیت مدرس شعبه قم مقطع فوق لیسانس که آن زمان در دارالشفاء تاسیس شد شرکت کردم و قبول شدم ولی حوزه علمیه را ترجیح دادم. ضمن تحصیل هرگاه موقعیتی مناسب بوده است به تدریس ادبیات، فقه، عقاید، علوم قرآن، علوم حدیث و تفسیر پرداخته ام. بیش از ده سال است از طرف چند مرکز علمی و فرهنگی به کتابشناسی و داوری و ارزیابی کتاب، مقاله و... اشتغال دارم. و یکی از تخصصهای حقیر، همین داوری کتاب است. اکنون عمدتاً به تالیف و تصحیح و یا مسافرتهای تبلیغی اشتغال دارم. موضوع مقالاتم به اقتضای زمان و نیاز، و یا سفارش دهندگان در تفسیر، ترجمه از عربی، اخلاق، مسائل فرهنگی و اجتماعی، فقه، تاریخ، حدیث، نقد و بررسی، کتابشناسی و... بوده است.

مدیر شانه‌چی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: فقه و مبانی اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

گذراندن تحصیلات حوزوی نزد اساتید عظام مشهد حاج شیخ هاشم مدرس قزوینی، حاج میرزا احمد خراسانی، حاج سید محمد هادی میلانی و اخذ درجه اجتهاد در سال ۱۳۳۶.

مرتبہ علمی:

استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۳۷ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعات و پژوهشهای فقهی و مذهبی، تألیف کتاب <مسندالنبی> شامل هزاران حدیث نبویه فقهی در پاسخ به اهل سنت که احادیث امامیه را فتاوی شخصی ائمه تلقی می‌کنند. تألیف کتاب تاریخ فقه شیعه و فقهای بزرگ آن مذهب، عضویت در مجمع تقریب بین‌المذاهب و بنیاد نهج‌البلاغه، سفرهای تحقیقاتی به کشورهای اسلامی، حضور در بیش از ۲۰ سمینار و کنگره داخلی و خارجی و ارائه مقالات در زمینه علوم اسلامی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی تألیفات:

علم‌الحديث، فقه و مبانی اسلامی، کتابشناسی، تاریخ اسلام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

تاریخ مشاهیر اسلام، کتابخانه‌های اسلامی، کلام و اعتقادات، مزارات خراسان، مبانی حقوق اسلامی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مراغی، علی‌اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملا احمد بن علی‌اکبر مراغی ساکن تبریز عالمی جلیل از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بوده و تقریرات فقه او را نوشته است دارای تالیفاتی مانند حاشیه بر رسائل و تفسیر مشکلات القرآن و شرح نهج‌البلاغه و تحفه المظفریه در رد حاج کریم‌خان شیخی و حاشیه بر قوانین و حاشیه بر شرح الشمسیه و حاشیه صمدیه و حاشیه مطول و حاشیه تنقیدات المصاییح نظام العلماء تبریزی و غیره بوده و در پنجم محرم ۱۳۱۰ قمری به مرض و یا از دنیا رفته و نعش او را به وادی‌السلام نجف حمل نمودند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرتضوی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد مرتضوی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ورود به حوزه علمیه جناب آقای سید محمد مرتضوی شاهرودی ۱۳۵۲ می‌باشد ایشان پس از سیر تحصیلات ابتدائی و راهنمایی شاهرود زمانی که خفقان شدید بر کشور حاکم بود و روحانیت از هر جهت در ترس صدمات رژیم منحوس پهلوی بود وارد حوزه علمیه مشهد گردید. تحصیلات مقدماتی را در همان بدو ورود به حوزه علمیه نزد آیت الله حجت هاشمی سپری کرد و شرح لمعه را از محضر آیت الله صالحی ۱۳۵۴ کسب فیض کرد. تحصیلات سطوح عالی را در محضر آیت الله رضازاده و فلسفی گذراند و در سال ۱۳۵۹ با ورود به درس خارج فقه و اصول در محضر آیت الله مرحوم فلسفی تلمذ کرد در کنار تحصیلات حوزوی، به تحصیل در دروس دانشگاهی هم سوی آورد و در مقطع دکترا رشته علوم قرآنی از دانشگاه قم فارغ التحصیل گشت و در مدتی که در قم بود سمت مدیر گروهی مرکز تحقیقات سپاه را بر عهده داشت. ایشان هیچ وقت از علم آموزی هم غافل نماند و در حوزه‌های مشهد و قم به تدریس علوم دینی برای طلاب جوان پرداخت.

مردانی ولندانی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی مردانی ولندانی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اول ابتدایی ۱۳۴۵ و سال ۱۳۵۷-۱۳۵۶ دیپلم ادبی از دبیرستان ادب اصفهان گرفتم . ۱۳۵۹ جامع المقدمات را شروع نمودم و ۱۳۷۱ در حوزه اصفهان مشغول بودم و با شروع جنگ تحمیلی و دفاع مقدس تا سال ۱۳۷۱ با سپاه به عنوان مربی عقیدتی همکاری کامل داشتم و ۱۳۷۱ شهریور ماه مشرف به شهر مقدس قم گردیدم و با تشکیل پرونده علوم حوزوی را ادامه دادم. در طول دفاع مقدس در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ لیسانس کارشناسی ارشد با گرایش علوم اجتماعی پژوهشگری شدم. از سال ۱۳۷۲

به استخدام رسمی آموزش و پرورش در آمدم و فعلاً ۱۳۸۷ فعالیت هایم با آموزش و پرورش ادامه دارد. سال ۱۳۸۵ مشغول کارشناسی ارشد در دارالحدیث قم با گرایش کلام - علوم قرآن و حدیث گردیدم - همواره تبلیغ و منبر در شهر مخصوصاً اصفهان داشته ام. و مدت سه سال در دانشگاه هنر تهران، خ ولی عصر، و شعبه کرج به تدریس معارف ۱ و معارف ۲ و اخلاق و متون و مدت یک سال در دانشکده سوره وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی تهران تدریس معارف داشته ام. همچنین از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ در دانشگاه آزاد قم به تدریس معارف و اخلاق مشغول بوده ام.

مرعی خراسانی، ابوالفضل احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۳۵ ق)، عالم دینی، متکلم، مفسر، محدث و حکیم. وی از شاگردان وحید بهبهانی بود و از او و شیخ یوسف بحرانی، صاحب «الحدائق الناظره»، روایت کرده است. او در سفر و حضر با فتحعلی شاه قاجار بود. گفته‌اند وی را با خوراندن سم شهید کردند. بر پاره‌ای از آثار وی اجازات و تقاریضی از استادان و علمای معاصرش وجود دارد. از آثارش: «اغاثه اللهفان من ورمات النیران»، در مواعظ؛ «التهذیب»، در اخلاق؛ شرح «الفوائد الجدیة» بهبهانی؛ شرح «کفایه» سبزواری؛ «غنیة المصلی»، در تعقیبات؛ «منهج السداد»، در شرح «الارشاد».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳/۲۲۰)، ریحانه (۵/۲۸۸)، معجم المؤلفین (۲/۱۳۶).

مرعی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۰ - ۱۱۹۸ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب و شاعر. از فرزندزادگان علامه سید حسین سلطان العلماء (خلیفه سلطان) بود. او در اصفهان در گذشت و در تخت فولاد دفن شد. از آثارش: «تفسیر قرآن»؛ شرح «زبدة الاصول»؛ شرح «تشریح الافلاک»؛ «سفرنامه‌ی هندوستان»؛ کتاب «اجازات»؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/۳۸۲)، تذکره القبور (۴۸۸)، معجم المؤلفین (۱۰/۱۸۸).

مرغینانی، برهان‌الدین، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۱۷/۵۹۳-۵۳۰ ق)، فقیه حنفی، محدث و مفسر. مشهور به شیخ الاسلام. نسبتش به مرغینان، از توابع فرغانه می‌رسد. او جامع تمام علوم متداول زمان خود و از مشاهیر علمای عامه بود. به آورده‌ی «ریحانۃ الادب»، به هنگام فتنه‌ی چنگیزی ساکن مرغینان بود و از طرف اهالی به عنوان سفیر صلح انتخاب و برای مذاکرات و عقد مصالحه به سوی چنگیزخان فرستاده شد. اما عاقبت چون با مفاد پیمان مخالفت کرد، شهر مورد تهاجم و قتل عام قرار گرفت و مرغینانی در آن غائله از میان رفت، در این صورت وفات وی در ۶۱۷ ق صحیح تر به نظر می‌رسد. از آثارش: «بداية المبتدی»، در فقه حنفی؛ «الهدایة فی شرح البدایة»؛ «کفایة المنتهی»؛ «التجنیس و المزید»؛ «الفرائض»؛ «مختارات مجموع النوازل»؛ «نشر المذاهب»؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷۳/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/۲۶۳)، ریحانه (۲۹۳/۵، ۲۵۶/۱)، سیر النبلاء (۲۳۲/۲۱)، کشف الظنون (۲۰۳۲-۲۰۳۱، ۱۹۵۳، ۱۸۵۲، ۱۶۲۴، ۱۵۰۱، ۱۲۵۱-۱۲۵۰، ۵۶۹، ۳۵۳-۳۵۲، ۲۲۸-۲۲۷)، معجم المؤلفین (۴۶-۴۵/۷)، هدیه العارفین (۷۰۲/۱).

مرورودی، ابوالحارث سرج

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۳۵ ق)، حافظ، محدث، مفسر، فقیه و عابد. او ساکن بغداد بود. از سفیان بن عیینه و هشیم بن بشیر و عباد بن عباد مهلبی و عبدالله بن ادریس و حمید بن عبدالرحمان رؤاسی و اسماعیل بن علی و یوسف بن یعقوب ماجشون و اسماعیل بن مجالد و ابواسماعیل ابراهیم بن سلیمان مودب و یحیی بن زکریا بن ابی زائده و مروان بن شجاع و سلم بن سالم بلخی و خالد بن نافع اشعری و اسماعیل بن جعفر و ابراهیم بن خثیم بن عراق حدیث شنید. مسلم بن حجاج نیشابوری و بقی بن مخلد اندلسی و ابوزرعی رازی و موسی بن هارون و ابوالقاسم بغوی و احمد بن حسن صوفی و ابوحاتم محمد بن ادریس رازی و عبدالله بن احمد بن حنبل و ابوبکر احمد بن علی مروزی و حامد بن محمد بن شعیب بلخی و محمد بن عبدالله حضرمی و عبدالله بن محمد بن ابی دنیا از وی روایت کرده‌اند. بخاری و نسایی نیز به واسطه‌ی ابویحیی محمد بن عبدالرحیم صاعقه از او روایت نموده‌اند. از آثارش: «التفسیر»؛ «التاریخ»؛ «الناسخ و المنسوخ»؛ «القرآت»؛ «السنن»، در فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۲۲۱-۲۱۹/۹)، التاریخ الکبیر (۲۰۵/۴)، تهذیب التهذیب (۴۰۰-۳۹۹/۳)، تهذیب الکمال (۶۲-۵۹/۷)، الثقات (۳۰۷/۸)، الجرح و التعذیل (ج ۲، ق ۳۰۵/۱)، سیر النبلاء (۱۴۷-۱۴۶/۱۱)، شذرات الذهب (۸۵-۸۴/۲)، العبر (۳۳۱/۱)، الفهرست ابن‌الندیم، ترجمه (۴۲۰)، معجم المؤلفین (۲۰۹/۴)، النجوم الزاهرة (۳۳۸/۲).

مروزی، ابوبکر ابراهیم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۱۱/۲۱۰ ق)، فقیه حنفی و محدث. اهل کرمان و ساکن مرو بود. وی در حدیث ثقة بود. چندین بار به بغداد رفت و در آنجا

حدیث روایت کرد. از محمد بن حسن شیبانی فقه آموخت. از منصور بن عبدالحمید و مالک بن انس و محمد بن عبدالرحمان بن ابی ذئب و سفیان ثوری و شعبه بن حجاج و لیث بن سعد و قیس بن ربیع و یعقوب قمی و حماد بن سلمه و ابو حمزه سکری و اسماعیل بن عیاش و نوح بن ابی مریم و خارجه بن مصعب و بقیه بن ولید حدیث شنید. سعید بن سلیمان سعدویه و احمد بن حنبل و زهیر بن حرب و ایوب بن حسن و علی بن حسن هلالی و حسین بن حسن مروزی و محمد بن عبدالرحمان سعدی از او حدیث شنیدند. مأمون او را به خویش نزدیک و به وی پیشنهاد منصب قضا کرد اما وی نپذیرفت. در نیشابور درگذشت و در باب معمر دفن شد. از آثارش: «نوادر»، در فروع.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الاسلام (حوادث ۴۰- ۳۹- ۲۱۰- ۲۰۱)، تاریخ بغداد (۷۴- ۷۲/۶)، الثقات (۸/۷۰)، طبقات ابن سعد (۲۶۵/۷)، کشف الظنون (۱۹۸۱)، لسان المیزان (۸۴- ۸۲/۱)، معجم المؤلفین (۱/۳۱)، المنتظم (۶/۲۱۸)، میزان الاعتدال (۵۶- ۵۵/۱).

مروزی، ابو عثمان سعید

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۲۷ ق)، حافظ، مفسر و محدث. به وی طالقانی نیز گفته‌اند. در جوزجان به دنیا آمد و در بلخ نشو و نما یافت و در مکه مجاور گردید. در خراسان و حجاز و عراق و مصر و شام و جزیره و سایر نقاط از مالک بن انس و حماد بن زید و ابی قدامه حارث بن عبید ایادی و داوود بن عبدالرحمان عطار و مهدی بن میمون و ابو عوانه و ضاح بن عبدالله و حسان بن ابراهیم کرمانی و اسماعیل بن عیاش و لیث بن سعد و فضیل بن عیاض و جریر بن عبدالحمید و اسماعیل بن زکریا و دیگران حدیث شنید. احمد بن حنبل و مسلم و ابوداود و احمد بن سهل اهوازی و احمد بن نجده هروی و اسماعیل بن عبدالله سمویه اصفهانی و حرب بن اسماعیل کرمانی و حسن بن محمد زعفرانی و حسین بن اسحاق شوشتری و ابوزرعیه رازی و عمرو بن منصور نسایی و ابوحاتم رازی و محمد بن ایوب رازی و یحیی بن موسی بلخی و یحیی بن یونس شیرازی و یعقوب بن سفیان فارسی و ابوالموجه محمد بن عمرو مروزی و جماعتی از وی روایت کردند. در مکه درگذشت. سال وفات وی به اختلاف از ۲۲۶ تا ۲۲۹ ق ذکر شده است. از آثارش: «السنن»، در حدیث، که در «طبقات الحفاظ» تحت عنوان «السنن و الزهد» آمده است؛ «تفسیر قرآن».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ الکبیر (۳/۵۱۶)، تذکره الحفاظ (۴۱۷- ۴۱۶/۲)، تهذیب التهذیب (۸۰- ۷۹/۴)، تهذیب الکمال (۳۰۸- ۳۰۵/۷)، الثقات (۲۶۹- ۲۶۸/۸)، الجرح و التعديل (ج ۲، ق ۱/۶۸)، سیر النبلاء (۵۹۰- ۵۸۶/۱۰)، شذرات الذهب (۲/۶۲)، کشف الظنون (۱۰۰۷- ۴۴۹)، طبقات ابن سعد (۶/۴۴)، طبقات الحفاظ (۲۰۱)، العبر (۱/۳۱۴)، معجم المؤلفین (۴/۲۳۲)، میزان الاعتدال (۲/۱۲۷)، الوافی بالوفیات (۱۵/۲۶۳)، هدیة العارفين (۱/۳۸۸).

مسجد جامعی، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج میرزا محمدحسین بن العلم العلام و الحجه الاسلام المرحوم حاج میرزا محمود مسجد جامعی تهرانی از علماء میرز و فضلاء برجسته حوزه علمیه قم است.

در سال ۱۳۳۶ قمری در تهران متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم آمده و چند سالی توقف و سطوح متوسط و عالی را از مدرسین و علماء حوزه علمیه آموخته آنگاه مهاجرت به نجف اشرف و چندین سال از محضر آیات عظام و مراجع کرام نجف چون آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی مدظله استفاده نموده تا به مدارج عالی علم و کمال رسیده سپس در سال ۱۳۷۸ قمری مراجعت به ایران و در (قم حرم آل محمد علیهم السلام) رحل اقامت افکنده و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمر آن جناب استفاده نموده و پس از رحلت آن مرحوم منحصرأ به درس فقه و اصول حضرت آیت‌الله العظمی اراکی شرکت و ضمناً به تدریس سطوح عالی اشتغال دارند.

و از خصایص آنجنابست که متون علوم ادبیه و فقه و اصول و فلسفه و بالاخص تمام کلام‌الله مجید رامن البدوالی الختم از حفظ دارند و این از نوادر روحانیت و افتخارات جامعه تشیع است.

نگارنده گوید علامه مسجد جامعی از دانشمندان بسیار آراسته و دارای ملکات فاضله اخلاقی و واجد محاسن آداب و مکارم اخلاق و معرض از شئون روحی از امامت و غیره می‌باشند و غالباً هم در منزل خود به مطالعات و مباحثات علمی اشتغال دارند و کمتر در اجتماعات شرکت می‌نمایند.

از آثار ایشانست تقریرات و در اسات دروس فقه و اصول استادش آیت‌الله العظمی اراکی که به رشته تحریر درآورده است. برادر ارجمند ایشان جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا مصطفی مسجد جامعی از علماء فعال و خدمتگذار تهران است که در مسجد المصطفی (همت‌آباد سابق) اقامه جماعت نموده و تبلیغ دین و احکام مبین اسلامی را می‌نمایند. و مخفی نماند که این دو برادر از بیوتات اصیل و ریشه‌دار روحانیت تهران است که از چند قرن قبل تاکنون ریاست علمی و روحانی مرکز را داشته و دارند. مرحوم آیت‌الله حاج میرزا عبدالله سعید تهرانی عموی معظم آنان و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا عبدالعلی تهرانی دائی گرامی ایشان می‌باشد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مسعودزاده، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا مسعودزاده

محل تولد: باب انار - جهرم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۶/۵ زندگینامه علمی

اینجناب محمدرضا مسعود زاده متولد ۱۳۳۸ در قریه باب انار از توابع شهرستان جهرم (استان فارس) تحصیلات خود را بعد از اخذ دیپلم فنی رشته برق در سال ۱۳۵۵ کاردانی رشته مزبور الکتروتکنیک از انستیتو شیراز در سال ۱۳۵۸ پس از مدت کوتاهی در سپاه پاسداران (۶ماه) در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس حوزوی را شروع کردم در سال ۱۳۶۷ پس از اتمام سطح وارد

دروس خارج گردیدم در سال ۱۳۷۴ وارد دروس تخصصی رشته تفسیر و علوم قرآنی گردیدم و هم اکنون مشغول تدوین پایان نامه آن می باشم.

مسعودی، عبدالهادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالهادی مسعودی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی به مدرسه رفتم و در ۱۳۶۲ هجری شمسی دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم و پس از یکسال درس مهندسی صنایع در دانشگاه صنعتی شریف، کلیه درس های جدید را رها کرده و به درس حوزه که از دبیرستان آغاز کرده بودم به صورت تمام وقت پرداختم و از محضر اساتیدی همچون پدرم، مرحوم روشنی، آیت الله قدیری، مرحوم پایانی، آقای نیری همدانی و مرحوم آیت الله زاده اراکی سود بردم پس از اتمام تحصیلات سطح در سال ۱۳۶۹ هجری شمسی به درس خارج آیت الله شیخ جواد تبریزی حاضر شدم و دو سال اصول فقه و ۵ سال فقه طهارت و حدود را نزد ایشان تلمذ کردم و سپس به مدت ۸ سال درس اصول آیه الله وحید خراسانی و ۵ سال فقه استاد آیت الله شبیری زنجانی شرکت جستم. از سال ۱۳۶۹ هجری شمسی کار بر روی حدیث را به صورت جدی و رسمی آغاز کردم و تاکنون به صورت مطالعه و فیش برداری موضوعی کتب حدیث، تبویب و دسته بندی احادیث شیعه و اهل سنت، ترجمه، تلخیص و ... تدوین رساله ها، مقاله ها و کتاب های مربوط به حدیث، کارهایی ارائه داده ام. همچنین با مراکز مختلف علمی و پژوهشی ارتباط مشورتی داشته و سالهاست در دو حوزه فقه و حدیث، در حوزه و دانشگاه تدریس می کنم. اینجانب در کنار دروس اصلی فقه و اصول اندکی فلسفه و منطق نیز خوانده ام و با کلام نیز به گونه ای مختصر آشنا هستم. همچنین سالهاست که به دلیل ارتباط کاری از قرآن و تفاسیر آن نیز استفاده می برم و به همین دلیل مطالعه احادیث اخلاقی و نه عمل به آن، مطالبی را در رادیو معارف و رادیو قرآن و نیز سیمای جمهوری اسلامی ارائه داده ام. زندگی علمی من در مطالعه حدیث و علوم جانبی آن، نشر مقالات حدیثی و تدریس فقه و حدیث و سخنرانی و نیز ترجمه احادیث و تلخیص بوده و هم اکنون نیز ادامه دارد

مسعودی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی مسعودی

محل تولد : اقلید

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۳/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی مسعودی در سال ۱۳۵۷ در اقلید فارس متولد شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در زادگاهم گذراندم. در سال ۱۳۷۶ در دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۰ از این دانشگاه با احراز رتبه اول در میان فارغ التحصیلان سال مذکور فارغ التحصیل گردیدم. در همین سال در دوره کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم پذیرفته و از این دانشگاه نیز در سال ۱۳۸۲ با احراز رتبه اول فارغ التحصیل شدم. سپس به خدمت سربازی رفته و بخشی از آن را در دانشگاه امام حسین (ع) با اشتغال به فعالیتهای پژوهشی و بخش دیگر را در پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه با اشتغال به فعالیتهای اجرایی و پژوهشی گروه الهیات پشت سر گذاشتم. پس از آن مدتی با موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث - دانشکده علوم حدیث قم همکاری نمودم و بالاخره در دوره دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم پذیرفته شدم و هم اکنون در این دانشگاه مشغول به تحصیل می باشم. اینجانب مدتی با دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و هم اکنون نیز با دانشگاه آزاد واحد اقلید همکاری علمی دارم.

مشکی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مشکی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه شدم و در حقیقت کارها علمی نوشتاری از سال ۱۳۷۲ شروع شد کتب و مقالات و تحقیقات زیادی دارم که بعضی چاپ و بعضی در دست اقدام می باشد. همراه با تحصیلات حوزوی موفق به اخذ دکتری در رشته حقوق خصوصی شدم و تحصیلات حوزوی هم اجتهاد می باشد. و فعلا به عنوان عضو هیئت علمی رسمی دانشگاه آزاد مشغول به تدریس هستم.

مشکینی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیة الله علی اکبر فیض معروف به مشکینی در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی در روستایی از توابع بلوک مشکین شهر و در میان خانواده‌ای متدین و اهل علم چشم به جهان گشود. پدرش مردی مومن و عالم بود و در روستای آلتی زندگی ساده ای داشت. او در کسوت روحانیت به تحصیل علم و رتق و فتق امور مردم می‌پرداخت. آیة الله مشکینی هنگامی که همراه با پدر در نجف اشرف مقیم بود، به مکتب خانه رفت. هنوز بیش از دو سال از اقامت خانواده آیة الله مشکینی در نجف نگذشته بود که مادرش چشم از جهان فرو بست. آیة الله مشکینی به همراه پدر به وطن بازگشت و مقداری از مقدمات علوم دینی را نزد پدر فرا گرفت. وی پس از مدتی پدر را نیز از دست داد. خود می‌گوید: "پس از فوت پدرم ما یتیم بودیم و هیچ چیز نداشتیم". ایشان با وجود سختی و مرارت و فقر، عزم سفر کرد و راهی حوزه علمیه اردبیل شد و پس از اندکی به فکر مهاجرت افتاد. ایشان دربارہ سال‌های سخت دوران یتیمی خویش می‌گوید: "با وجود همه سختی‌ها و نبود امکانات، چیزی که ما را امیدوار کرده بود؛ توکل به خدا و ایمان به راهی بود که در آن پای نهاده بودیم. هر چند در این غربت و تنهایی سایه پدر و مادر نبوده لکن همواره خدا بود و باور این حضور، ما را از یاس و ناامیدی نجات می‌داد". وی برای تحصیل علوم دینی به شهرستان اردبیل سفر کرد و مقداری از صرف و نحو را در آنجا فرا گرفت. سپس در معیت عالم بزرگواری که از زخمیان حادثه مسجد گوهرشاد مشهد در زمان رضاخان بود، به شهر قم آمد و در آن دیار به تحصیل علوم دینی پرداخت. ایشان دربارہ سفارش پدرش برای تحصیل علم می‌گوید: "پدرم در آخرین لحظات عمرش تنها سفارشی که برای من کرد این بود که فرمود: پسر! در روز قیامت به پیش من رو سیاه می‌آیی اگر احکام و عقاید و تفسیر را فرا نگرفته باشی". این بود که آیة الله مشکینی در کنار فقه و اصول، در عقاید و تفسیر نیز زحمات زیادی کشید و در این علوم نیز تبحر خاصی به دست آورد. او در حضور اساتید بزرگی چون امام خمینی را درک کرد و چندین سال نیز در محضر این مرد بزرگ، کمالات علمی را فراگرفت و به ژرفای اندیشه و عرفان و معنویت وی پی برد و شیفته اش گردید. ایشان در زمانی که سایه منحوس رژیم پهلوی بر کشور مستولی و تحصیل در حوزه‌های علمیه بسیار دشوار بود. دروس دوره سطح را به خوبی به پایان رساند و در درس خارج فقه و اصول استادان مشهور دوره خود، حاضر شد. وی نزدیک به هفت ماه نیز در نجف اشرف حضور داشت و در درس‌های خارج استادان آن دیار، به ویژه امام خمینی (ره) شرکت می‌کرد اما به دلیل هوای گرم نجف و ضعف مزاجی مجبور به بازگشت به ایران شد. آیة الله علی اکبر مشکینی در سال‌های تحصیل خود، به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. وی در دروس خارج فقه و اصول آیة الله العظمی بروجردی (ره) و آیة الله العظمی محقق داماد (ره) شرکت می‌کرد. در نجف نیز به محضر عالمان و استادان آن دیار شرفیاب می‌شد و در درس خارج امام خمینی (ره) شرکت جدی داشت. آیة الله مشکینی در سال‌های تحصیل و پس از آن با فضلا و اساتید بسیار، رابطه دوستی داشت که از آن جمله می‌توان آیة الله جوادی آملی و آیة الله امینی را نام برد.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی :

آیة الله مشکینی در سال‌های عمر با برکت خود منشأ خدمات، فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری بود. او طی سال‌ها تدریس مقدمات، سطح و دروس خارج فقه و اصول در حوزه، شاگردان بسیاری را تربیت کرد که از استادان و علمای امروز حوزه به شمار می‌آیند. وی کتب دوره مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سال‌ها به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشته است. همچنین

درس تفسیر آیه الله مشکینی از دروس مشهور حوزه علمیه قم بوده است. از فعالیت‌های مهم وی در این عرصه، تأسیس مؤسسه الهادی است که به چاپ کتب مفید و اسلامی برای سطوح گوناگون جامعه می‌پردازد و مردم را با حقایق و معارف اسلامی آشنا می‌سازد. آیت الله مشکینی همچنین کتاب‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی تألیف و منتشر ساخته است که برخی از مجموعه آثار ایشان به شرح زیر است: ۱- اصطلاح الاصول ۲- مصطلحات الفقه ۳- الفقه الماثور (دوره فقه به طرزی نوین) ۴- دروس فی الاخلاق (یک دوره اخلاق عربی) ۵- ازدواج در اسلام ۶- المنافع العامه (شرح کتاب احیاء الموات شرایع) ۷- مفتاح الجنان (کتاب دعا تکمیل مصباح المنیر) ۸- المواعظ العددیه ۹- واجب و حرام احکام الزامی (دوره فقه) ۱۰- قصار الجمل (احادیث کوتاه تحت عناوین لغوی دو جلد) ۱۱- ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی ۱۲- الهدی الی موضوعات نهج البلاغه ۱۳- المبسوط (تفسیر سوره آل عمران) ۱۴- واجبات و محرمات (استقصاء آنچه در شرع واجب و حرام اعتقادی و عملی است) ۱۵- تفسیر سوره (ص) ۱۶- بحث تکامل از نظر قرآن ۱۷- مسلکنا فی العقائد و الاخلاق و العمل ۱۸- زمین و آنچه در آن است ۱۹- تقلید چیست؟ ۲۰- رساله خمس ۲۱- حاشیه توضیحی بر کتاب مضاربه، عروء الوثقی ۲۲- نهج البلاغه موضوعی ۲۳- تحریر المواعظ ۲۴- تحریر المعالم ۲۵- الرسائل الجدیده ۲۶- تلخیص المکاسب (در دست چاپ) ۲۷- تفسیر روان برای نسل جوان (در دست چاپ) ۲۸- ترجمه و شرح فارسی سه کتاب مضاربه، مزارعه و شرکت در عروء الوثقی (در دست چاپ) همچنین از وی مقالات بسیاری در نشریات نور علم، پاسدار اسلام و ... نیز در روزنامه جمهوری اسلامی و ... به چاپ رسیده است. فعالیت‌های سیاسی:

زندگی آیه الله مشکینی سرشار از مبارزات و تلاش‌های سیاسی برای تحقق حکومت اسلامی است. وی از نخستین افرادی بود که به نهضت امام خمینی (ره) پیوست. مشکینی در جلسات مخفی مبارزان شرکت می‌کرد از این رو حدود چهار ماه در تهران متواری شده بود و سپس ایران را به مقصد عراق ترک کرد. با بازگشت به قم در همان روز اول دستگیر شد و ساواک از او خواسته بود تا ۴۸ ساعت بعد از قم خارج شود. از این رو به مشهد رفت و ۱۵ ماه در آنجا مشغول تدریس شد و بار دیگر به حوزه علمیه قم آمد و مبارزات را پی گرفت؛ اما پس از مدتی به همراه ۲۷ نفر از اساتید و فضلاء حوزه تبعید شد. از این رو به زادگاه خود رفت ولی پس از سه ماه ساواک وی را دستگیر و به ماهان کرمان و گلپایگان تبعید کرد. وی پس از دو سال نیز به کاشمر تبعید شد و در طول دوره تبعید نیز دست از مبارزه برنمی‌داشت؛ این گونه بود که ساواک او را به مکان دیگری منتقل می‌کرد. وی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آیه الله مشکینی در مسئولیت‌های گوناگونی به ایفای نقش پرداخت از جمله عضویت در خبرگان تدوین قانون اساسی، مسئول گزینش و اعزام قضات با حکم امام (ره)، ریاست مجلس خبرگان رهبری در هر سه دوره، امامت جمعه قم با حکم امام (ره) و رهبر انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی. آیت الله مشکینی که به بیماری خونی مزمنی دچار بودند، در بیمارستان بقیه الله بستری شدند. سرانجام عصر روز دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۸۶ ایشان به خلد آشیان رحلت نمودند.

مشهدی، هدایه الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۸-۱۱۷۸ ق)، عالم امامی، فقیه، مفسر و نحوی. در محضر پدرش تلمذ نمود. پس از رسیدن به درجات عالی علمی عهده‌دار ریاست دینی مردم گردید. زمانی که شاهزاده شجاع السلطنه از خراسان رفت و آن منطقه مورد تجاوز سید محمد خان کلاتی قرار گرفت، میرزا هدایت‌الله مشهدی شاگرد خویش، ملا قربان نیشابوری، را به همراه نامه‌ای به کلات فرستد و خان متجاوز را از ظلم و

تعدی بر حذر داشت و خان مزبور فرمان او را اطاعت کرد. او در مشهد درگذشت و در صفه‌ی طهماسبی دفن شد. از آثارش: تفسیر قرآن مجید معروف به «تفسیر میرزا هدایه‌الله»، ده جزء اول قرآن و ده جزء آخر آن می‌باشد.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الاعلام (۹/۶۹)، اعیان الشیعه (۱۰/۲۶۳)، الذریعه (۴/۳۲۱)، هدیه‌ العارفین (۲/۵۰۷).

مصدرالامور، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی مصدرالامور

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مرتضی مصدرالامور در سال ۱۳۵۶ هجری شمسی وارد حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی قم شدم و دوره‌ی سطح را در مدت دوازده سال سپری کردم و در سال ۱۳۶۸ به درس خارج راه یافتم، مدت ۸ سال در درس خارج فقه حضرت آیه‌الله العظمی آقای مکارم شیرازی دامت برکاته العالیه در موضوعات صلوٰة المسافر، خمس و حدود و تعزیرات شرکت کردم و همزمان در درس خارج اصول ایشان حضور یافتم و در سال ۱۳۷۶ وارد درس خارج فقه و اصول حضرت آیه‌الله العظمی آقای وحید خراسانی شدم و همزمان در درس خارج فقه (صلوة) مرحوم آیه‌الله العظمی حاج میرزا جواد آقا تبریزی نیز شرکت می‌جستم و در مجموع ۱۸ سال است که در دروس خارج حوزه شرکت می‌کنم که اگر ضمیمه شود به دوره‌ی سطح قریب به ۳۰ سال می‌شود. در سال ۱۳۷۴ وارد رشته‌ی تخصصی تفسیر قرآن کریم شدم و در سال ۱۳۷۸ فارغ‌التحصیل شدم. از سال ۱۳۶۰ تاکنون به مدت ۲۵ سال است که در سنگر منبر به تبلیغ معارف دینی و قرآنی می‌پردازم.

مطهری، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی، محقق، استاد.

تولد: ۱۲۹۹، قریه فریمان (مشهد).

شهادت: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله مرتضی مطهری در سن سیزده سالگی به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد رفت. اولین استاد وی در آنجا مهدی شهیدی رضوی مدرس فلسفه الهی بود. پس از چهار سال تحصیل در آن حوزه، به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت. وی تا سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ به آموختن ادبیات، منطق، سطوح متوسط و عالی، فقه و اصول پرداخت، سطوح نهایی فرائد و مکاسب و کفایه از اساتیدی چون آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی (ره) فراگرفت. دوازده سال در درس اخلاق امام شرکت کرد، منظومه حاجی ملاهادی سبزواری و اسفار ملا صدرای شیرازی و تفسیر را در محضر امام خمینی و مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی خواند. خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله بروجرودی و آیت‌الله سید علی یربیبی کاشانی و امام خمینی (ره) و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر فراگرفت. مرتضی مطهری بعد از پانزده سال تحصیل در حوزه‌ی علمیه‌ی قم عازم تهران شد و پس از مدتی تدریس خصوصی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی و نیز مدرسه‌ی علمیه‌ی مروی و حوزه‌ی علمیه‌ی قم پرداخت. ابتدا به تدریس ادبیات و در اواخر به تدریس شرح منظومه، منطق (شرح مطالع) کلام (شرح تجرید) و گاهی به تدریس مکاسب و کفایه مشغول بود.

در پانزده خرداد ۱۳۴۲ آیت‌الله مطهری به دلیل سخنرانی ضد شاه و سازماندهی نهضت در تهران، توسط ساواک بازداشت و حدود دو ماه در زندان شهربانی به سر برد. بنیانگذاری حسینیه‌ی ارشاد و فعالیت در این مؤسسه، سخنرانی در انجمن‌های اسلامی پزشکان و مهندسان و نیز سخنرانی در مساجد مختلف و همچنین اداره‌ی مسجدالجواد برای مدتی حدود سه سال، مهم‌ترین فعالیت‌های استاد را پس از ورود ایشان به تهران را تشکیل می‌دهد.

پس از اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران، آیت‌الله مطهری در سال ۱۳۵۷ برای دیدار با امام خمینی (ره) عازم پاریس شد. در این دیدار نخستین هسته‌ی شورای انقلاب اسلامی شکل گرفت. سرانجام دو ماه و نیم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مطهری در حالی که ریاست شورای انقلاب اسلامی را به عهده داشت توسط گروه فرقان به شهادت رسید.

از آیت‌الله مطهری آثاری به یادگار مانده است که از آن جمله‌اند: مقدمه و شرح بر اصول و روش رئالیسم (پنج جلد)؛ خدمات متقابل اسلام و ایران؛ عدل الهی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ علل گرایش به مادگرایی؛ مسئله حجاب؛ نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (شش جلد شامل انسان و ایمان؛ وحی و نبوت؛ انسان در قرآن؛ جامعه و تاریخ؛ انسان و سرنوشت؛ زندگی جاوید یا حیات اخروی)؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ سیری در نهج‌البلاغه؛ آشنایی با علوم اسلامی (چهار جلد شامل اصول فقه و فقه؛ کلام و عرفان؛ منطق و فلسفه؛ حکمت عملی)؛ شرح منظومه‌ی حاج ملاهادی سبزواری (این کتاب در اولین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه و حکمت انتخاب شد)؛ جاذبه و دافعه حضرت علی (ع)؛ شرح مبسوط منظومه (این کتاب در نهمین دوره کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه اسلامی انتخاب شد)؛ نقدی بر مارکسیسم؛ جهان بینی توحیدی؛ اسلام و مقتضیات زمان (دو جلد)؛ امامت و رهبری؛ جهاد؛ داستان راستان سیری در سیره نبوی؛ ختم نبوت؛ پیامبر امی؛ ولاءها و ولایت‌ها؛ جاذبه و دافعه علی (ع)؛ عرفان حافظ؛ آشنایی با قرآن (پنج جلد)؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ فلسفه اخلاق؛ ده گفتار؛ بیست گفتار؛ گفتارهای معنوی؛ پیرامون جمهوری اسلامی؛ اخلاق جنسی؛ پاسخ‌های استاد؛ امدادهای غیبی در زندگی بشر؛ حق و باطل (به ضمیمه: احیای تفکر اسلامی)؛ تکامل اجتماعی انسان؛ مسأله ربا به ضمیمه بیمه، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، مسئله شناخت؛ انسان کامل؛ نظری به نظام اقتصادی اسلام؛ فلسفه تاریخ (۱)؛ فطرت؛ خاتمیت؛ توحید؛ نبوت؛ معاد؛ حکمت‌ها و اندرزها؛ طرح‌های رسالت پیرامون خدمت و زمامداری.

آیت‌الله مطهری در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ در تهران به شهادت رسید و پیکر وی در حرم حضرت معصومه (ص) نزدیک آرامگاه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به خاک سپرده شد.

۱- حجة الاسلام و استاد عالی‌مقام جناب حاج شیخ مرتضی مطهری فریمانی از دانشمندان و افاضل مدرسین و گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست.

وی در حدود ۱۳۳۸ قمری در فریمان متولد شده و دروس ابتدائی را در آنجا خوانده انگاه به مشهد آمده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح وسطی را در مشهد فرا گرفته و در سال ۱۳۵۶ ق مهاجر به قم نموده و سطوح نهائی فرائد و مکاسب و کفایه را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه قم مانند مرحوم آیت الله محقق داماد و آیت الله العظمی موسوی و دیگران آموخته و منظومه و اسفار و تفسیر را از محضر آیت الله العظمی موسوی و مرحوم آ میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی استفاده نموده و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و مرحوم آیت الله العظمی آقای آ میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت الله موسوی مذکور مدظله و مرحوم آیت الله خونساری و آیت الله صدر بهره‌مند شده و به مدارج عالی علم ارتقا یافته و پس از فوت مرحوم آیت الله بروجردی به تهران منتقل و به تدریس و تألیف کتب مفیده و تبلیغ دین و نشر معارف تا حال حاضر اشتغال دارد. دارای بیانی رسا و منطقی شیوا و قلمی زیبا می‌باشد. از آثار مطبوع و ارزنده ایشان کتب زیر می‌باشد.

۱- اصول فلسفه و روش رئالیسم (مقدمه و توضیح و پاورقی)

۲- انسان و سرنوشت ۳- خدمات متقابل اسلام و ایران ۴- خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند.

۵- داستان راستان ۶- عدل الهی ۷- علل گرایش به مادی‌گری ۸- مسئله حجاب ۹- نظام حقوق زن در اسلام ۱۰- سیری در نهج البلاغه

و تألیفات ارزنده دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

(ح ۱۲۹۸- شهادت ۱۳۵۸ ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، فیلسوف، متکلم، واعظ، نویسنده و استاد دانشگاه. در فریمان خراسان در یک خانواده‌ی اصیل و روحانی به دنیا آمد. پدرش که مردی باایمان و باتقوا بود در تربیت وی نهایت کوشش را نمود و ویژگی‌های عقیدتی خود را به فرزندش سپرد. در دوازده سالگی به مشهد عزیمت نمود و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و قسمتی از سطوح پرداخت. در ۱۳۱۶ ش در هجده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و حدود پانزده سال در آنجا ماند و سطوح نهایی را از آیت الله محقق داماد و امام خمینی و منظومه و اسفار و تفسیر را از فیلسوف بزرگ آقا میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی و امام خمینی و خارج فقه و اصول را از محضر آیت الله بروجردی و آیت الله یثربی کاشانی و آیت الله حجت و آیت الله خوانساری و آیت الله صدر فرا گرفت. در ۱۳۲۰ ش در محضر آقای حاج میرزا علی شیرازی با نهج البلاغه آشنا شد. از ۱۳۲۵ ش با کتب ماتریالیستها آشنا شد و از آنجا که به فلسفه علاقه‌مند بود مطالعه کتب مادیین را پی‌گیر و بر این عقیده راسخ شد که فلسفه مادی فلسفه کسی است که فلسفه نمی‌داند. در ۱۳۲۹ ش در حوزه‌ی درس خصوصی علامه طباطبائی که برای بررسی فلسفه مادی تشکیل شده بود، زمینه‌ی تألیف کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» فراهم شد. او در سالهای آخر اقامت در قم و نیز سالهای اول مهاجرت به تهران به تحقیق بیشتر درباره‌ی این موضوع پرداخت و تا پایان عمر مبارزه با اندیشه‌های انحرافی را ادامه داد. از ۱۳۳۱ ش به موازات تدریس و تألیف، در تهران، سخنرانی‌های تحقیقی خویش را در دانشگاه‌ها، انجمن‌های اسلامی و مجالس خصوصی آغاز نمود. در ۱۳۳۴ ش تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی را شروع کرد و بیست و دو سال تدریس و تحقیق را در آنجا ادامه داد. استاد مطهری متخصص فلسفه مشاء بود. او به کتب ابن سینا احاطه کامل داشت و متن «شفاء» و «نجات» و «اشارات» را در دوره‌ی دکترا تدریس می‌کرد. وی علاوه بر کتب شیخ، «شرح منظومه» سبزواری و «شواهد الربوبیه» ملا صدرا را نیز تدریس می‌نمود. در خرداد ۱۳۴۲ ش به همراه عده‌ای از علما و روحانیون مدتی به زندان افتاد و تا پیروزی انقلاب اسلامی از ارکان فکری نهضت به حساب می‌آمد. استاد مطهری کمتر از سه ماه پس از پیروزی انقلاب به دست گروه فرقان به شهادت رسید. از آثارش: «آشنایی با علوم اسلامی»، «آشنایی با قرآن»، «اسلام و مقتضیات زمان»، شرح و توضیح «اصول فلسفه و

روش رئالیسم؛ «امدادهای غیبی در زندگی بشر»؛ «انسان و سرنوشت»؛ «جاذبه و دافعه علی (ع)»؛ «حماسه‌ی حسینی»؛ «خدمات متقابل اسلام و ایران»؛ «خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند»؛ «داستان راستان»؛ «درسه‌های اسفار»؛ «ربا، بانک، بیمه»؛ «سیری در سیره نبوی (ص)»؛ «سیره ائمه اطهار (ع)»؛ «سیری در امیرالمؤمنین»؛ شرح مبسوط «منظومه‌ی سبزواری»؛ «عدل الهی»؛ «علل گرایش به مادیگری»؛ «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»؛ «نظام حقوق زن در اسلام». [۱]

علامه محقق و استاد بزرگوار حاج شیخ مرتضی ابن حجه‌الاسلام حاج شیخ حسین مطهری فریمانی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم و شاگردان برجسته آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله استاد علامه طباطبائی می‌باشند. وی در ماه جمادی الثانی ۱۳۳۸ ق برابر با ۱۲۹۹ هجری شمسی در خراسان دیده به جهان گشود.

این مجاهد بزرگ در سال ۱۳۵۶ هجری قمری برابر با ۱۳۱۶ ه شمسی از حوزه علمیه خراسان وارد حوزه علمی قم گردید و پانزده سال در دانشگاه بزرگ قم رحل اقامت افکند و از اساتید این حوزه مانند مرحوم آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله داماد و علامه طباطبائی و بالاخص امام خمینی و دیگران بهره‌های کافی برد سپس در سال ۱۳۷۱ برابر با ۱۳۳۱ شمسی قم را به عزم تهران ترک گفت و در طول اقامت خود در تهران آنی از خدمات علمی و قلمی و تبلیغی غفلت نرزید علاوه بر تدریس در دانشکده الهیات و مدرسه علمیه مروی در منزل شخصی خود برای گروهی از دل‌باختگان فلسفه و تفسیر تدریس می‌کرد جلسات پر ارج دیگری نیز مانند جلسه انجمن اسلامی مهندسان و انجمن اسلامی پزشکان را اداره می‌کرد. موج حادثه شهادت مرحوم مطهری.

مرحوم حجه‌الاسلام مطهری که بیش از چهل سال با ایشان آشنائی داشتم و در بسیاری از مباحث فقهی و اصولی و استفاده از محاضر آیات عظام مرحوم بروجردی و یتربی کاشانی و آیت‌الله حجت و دیگر آیات چون نایب‌الامام آیت‌الله العظمی خمینی با معظم‌له شرکت داشته و تا حدودی از نزدیک ایشانرا می‌شناختم دانشمندی محقق و فیلسوفی مدقق و حکیمی فرزانه و استادی آگاه و روشن بین و نویسنده‌ای مبارز و گوینده‌ای مجاهد بود از خود آثاری گرانقدر گذاشت که قسمتی از آنرا در ضمن ترجمه‌اش یاد نمودم.

حادثه شهادت و فاجعه ناگهانی شهید شدنش در ساعت ده و نیم بعد از ظهر دهم اردیبهشت برابر شب پنجم جمادی‌الثانی ۹۹ چنان موجی در سراسر ایران بی‌نظیر بوده و میلیونها نفر از مسلمین جهان و حتی اقلیتهای مذهبی چون مسیحیان و کلیمیان و زردتشتیان در سوک و ماتم او نشسته و صدها هزار نفر در تشییع جنازه او از دانشگاه تهران تا صحن مطهر حضرت معصومه (ع) قم و آرامگاه او شرکت و فریاد مطهری مطهری شهید انقلاب است به آسمان رسانیدند.

مرحوم مطهری شهید رئیس شورا انقلاب و دومین قربانی بزرگ و ذبح عظیم بعد از رأی جمهوری اسلامی است. مرحوم مطهری سالها از مدرسین حوزه علمیه قم بوده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی که به تهران منتقل نیز تا آخر عمرش در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس علوم و فنون مختلفه اسلامی اشتغال داشته و شهادتش ضایعه جبران ناپذیری در جهان علم و معارف الهی ایجاد و رخنه‌ای به وجود آورد که به این زودی تدارک نشود.

آری مرگ این فیلسوف اسلامی شرق اثر عمیق در حوزه‌های علمی و سیاسی رهبران دینی و آیات عظام و اساتید والامقام و بالاخص مرحوم عالیقدر و قائد عظیم‌الشأن آیت‌الله العظمی نایب‌الامام آقای خمینی مدظله گذارد و تمام مراجع بزرگ تقلید و زعماء حوزه‌های علمی تأثرات قلبی و درون خود را در این شرایط سخت از شهادت و فقدان جانکاه مرحوم مطهری در ضمن ایراد بیانیه‌ای اعلام که عموم مردم از طریق رادیو و تلویزیون استماع نمودند.

در میان آن اعلامیه و بیانیه‌ها از همه جالب‌تر و عمیق‌تر بیانات رهبر عالیقدر انقلاب نایب‌الامام است که دارای ویژگی‌های خاصی برای عموم مردم مبارز و رزمندگان و پاسداران انقلاب و نیز معرفی مقامات علمی و اجتماعی و سیاسی و معنوی مرحوم مطهری

شهید است از زبان خالی از اغراق و مبالغه امام مدظله و گرچه تمام اقشار مردم از دور و نزدیک به وسیله فرستنده‌های روز شنیده‌اند اما چون شنیده‌ها فراموش شدنی است لازم دیدم که متن آن را در اینجا ثبت کنم که روشنگر آیندگان باشد که نهضت و انقلاب اسلامی چه قربانیهای ارجمندی داده و چه خونهای گرانبه‌ای برای برقراری جمهوری آن اهداء گردیده است. متن بیانات امام در ضایعه شهادت مطهری.

بسم الله الرحمن الرحيم.

انا لله و انا اليه راجعون.

این جانب به اسلام و اولیاء عظیم‌الشان آن و به ملت اسلام و خصوصاً ملت مبارز ایران ضایعه اسف‌انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالی‌مقام آقای حاج شیخ مرتضی مطهری قدس سره را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. تسلیت در شهادت شخصی که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجرویه‌ها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.

تسلیت در شهادت مردی که در اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود.

من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوک او نشستم که از شخصیت‌هایی بود که حاصل عمرم محسوب می‌شد.

در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه‌ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست.

و تبریک در داشتن این شخصیت‌های فداکار که در زندگی و پس از آن با جلوه خود نورافشانی کرده و می‌کنند من تربیت چنین فرزندان که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می‌بخشند و به ظلمت‌ها نور می‌افشانند به اسلام بزرگ و مربی انسانها و امت اسلامی تبریک می‌گویم.

من اگر چه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد. مطهری که در طهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود رفت و به ملاء اعلاء پیوست لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفیش نمی‌رود ترورها نمی‌تواند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند آنان نمی‌دانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم‌تر می‌شوند ملت ما راه خود را یافته و در قطع ریشه‌های گندیده رژیم سابق و طرفداران منحوس آن از پای نمی‌نشیند.

اسلام عزیز با فداکاری و فدائی دادن عزیزان رشد نموده برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توأم با شهامت بوده قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأی برنامه‌های اسلام است.

(و ما لكم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان) اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند آنها گمان نکردند که از هر موی شهیدی از ما و از قطره خونی که به زمین می‌ریزد انسان‌های مصمم و مبارزی به وجود می‌آید.

شما مگر تمام افراد ملت شجاع را ترور کنید و الا ترور فرد هرچه بزرگ باشد برای اعاده چپاول‌گری سودی ندارد.

ملتی که با اعتماد به خدای بزرگ و برای احیای اسلام به پا خاسته با این تلاشهای مذبح‌خانه عقب‌گرد نمی‌کنند. ما برای فداکاری حاضر و برای شهادت در راه خدا مها هستیم.

اینجانب روز پنجشنبه سیزدهم اردیبهشت ۵۸ را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت عزای عمومی اعلام میکنم و خودم در مدرسه فیضیه روز پنجشنبه، و جمعه به سوک می‌نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند عزیز اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسئلت می‌نمایم.

سلام بر شهدای راه حق و آزادی.

روح‌الله الموسوی الخمینی.

شهادت مطهری.

این بزرگوار سرانجام آفتاب عمر پر برکتش که قریب ۶۰ سال در خدمت اسلام و علم بود در شب چهارشنبه دوازدهم اردیبهشت (۵۸) برابر پنجم جمادی الثانی ۱۳۹۹ غروب کرد اتفاقاً در همان ماهی که دیده به جهان گشوده بود دیده از جهان فرو بست.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] پاره‌ای از خورشید (۴۳-۱۷)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری (۲۴-۱۹)، سرگذشت‌های ویژه از زندگی استاد مطهری (۵۱-۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۸/۶)، مصلح بیدار (۴۲-۲۳)، یادنامه (۲۶-۹).

مظاهری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از این عالمان بزرگ و سالکان مسلک دوست، معلم اخلاق و مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ حسین مظاهری مد ظله العالی است که از محضر عالمانی بزرگوار بهره برده و از نفس گرم پیران طریقت، گرمای حیات بخش معنوی گرفته‌اند.

تولد جسمانی و روحانی:

آیة الله مظاهری در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی، وارسته و مذهبی پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارند. معظم له پس از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی در سال ۱۳۲۶ شمسی بمنظور تحصیل علوم دینی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شده و پس از اتمام دروس مقدمات، مقداری از دروس سطح حوزوی در بخش‌های فقه، اصول و فلسفه را در محضر حضرات آیات خادمی، فیاض، طیب، ادیب و مفید «رحمة الله علیهم» تلمذ می‌نمایند.

ورود به حوزه‌ی علمیه‌ی قم، محضر استادان علم و عمل:

در سال ۱۳۳۱ شمسی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان را به قصد حوزه‌ی علمیه‌ی قم ترک گفته و در جوار مرقد کریمه‌ی اهل بیت حضرت فاطمه معصومه «سلام الله علیها» رحل اقامت می‌افکنند و باقیمانده‌ی دروس سطح را از محضر حضرت آیات مرعشی نجفی، حاج شیخ مرتضی حائری، و حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی «رحمة الله علیهم» استفاده کرده و سپس در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: امام خمینی، بروجردی و محقق داماد «قدس سرهم» حاضر می‌شوند. استفاده‌ی بیش از هشت سال از محضر علمی و معنوی آیت الله العظمی بروجردی، مرجع علی الاطلاق شیعه در آن عصر و نیز بهره‌برداری از محفل دانش و تقوای حضرت امام خمینی در طول نزدیک به ده سال و همچنین خوشه‌چینی از خرمن علم و عمل مرحوم آیة الله العظمی سید محمد محقق داماد و نیز استفاده‌ی سالیان متمادی از دروس فلسفه و عرفان حجة الحق، حضرت استاد علامه‌ی طباطبایی «قدس سرهم»، همه و همه موجب استحکام و اتقان پایه‌های علمی و توان عملی و اخلاقی آیة الله العظمی مظاهری شده است. ثمرات این استفاده‌های ارجمند، صدها صفحه تقریرات فقهی و اصولی دروس و افادات و افاضات این اساتید عالی مقام است که در ۱۵ عنوان گرد آوری شده است.

ثمره‌ی دانش اندوزی، آثار و تألیفات:

افزون بر اینها، تألیفات معظم له می‌باشد که بویژه در زمینه‌های اخلاقی مورد استقبال گسترده علاقمندان به علم اخلاق و خصوصاً نسل جوان واقع شده است.

فهرست کلی تألیفات منتشر شده‌ی ایشان عبارت است از:

۳ جلد در زمینه‌ی علم فقه، ۲۵ جلد در زمینه‌ی علم اخلاق، ۵ جلد در زمینه‌ی علم اقتصاد، ۳ جلد در زمینه‌ی اعتقادات، ۲ جلد در زمینه‌ی تاریخ و حدیث.

همچنین فهرست کلی آثار غیرمطبوع ایشان بدین شرح است:

۱۷ عنوان در زمینه‌ی فقه، ۳ عنوان در زمینه‌ی علم اصول، ۲۴ عنوان در زمینه‌ی علم اخلاق و عرفان، ۸ عنوان در زمینه‌ی علم کلام و اعتقادات، ۵ عنوان در زمینه‌ی تفسیر قرآن شریف، ۴ عنوان در زمینه‌ی علم اقتصاد، ۷ عنوان در زمینه‌ی تاریخ و متفرقات. استاد در کرسی تدریس:

آیة الله العظمی مظاهری یکی از اساتید با سابقه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشند که از سال ۱۳۵۶ شمسی حوزه‌ی درس خارج فقه و اصول داشته و دهها تن از شاگردان و تلامیذ ایشان اینک در مناصب مختلف حوزوی، دانشگاهی، فرهنگی، قضایی و سیاسی در خدمت نظام مقدس اسلامی قرار دارند.

هم اکنون نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، دروس خارج فقه و اصول ایشان، بزرگترین حوزه‌ی درسی خارج و محفل تعلیم افاضل و روحانیون محترم است و به تعبیر مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین «از لحاظ شکوه و عظمت خود درس و اجتماع طلاب، در اصفهان سابقه ندارد».

افزون بر اینها، معظم له یکی از معلمان بزرگ اخلاق در عصر حاضر بوده و اینک متجاوز از سی سال است که بر بلندای منبر اخلاق، سالکان مسلک سلوک را با دروس شیوا و دلنشین اخلاقی خود، رهنمون می‌شوند. دروس اخلاق ایشان در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، یکی از دروس باعظمت و شکوهمندی بود که در زمان حیات مبارک حضرت امام خمینی «رضوان الله علیه» مورد توجه و تقدیر ایشان واقع گردید و اینک نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، مشتاقان معارف اخلاقی اسلام از دروس معظم له بهره‌ی معنوی و اخلاقی می‌گیرند.

پیش از پیروزی انقلاب، دو جبهه فرهنگی و سیاسی:

همچنین معظم له به همراهی حضرات آیت مصباح یزدی و سید محسن خرازی و حجة الاسلام و المسلمین دکتر احمد احمدی دام عزم، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با تأسیس «مؤسسه‌ی در راه حق» گام نوینی را در ایجاد ارتباط علمی و فرهنگی بین حوزه و دانشگاه برداشته و صدها تن از مشتاقان معارف اسلامی در حوزه‌های علمیه را با یک سلسله از علوم جدید و معارف مورد نیاز جامعه اسلامی آشنا کرده که ثمرات بسیار عظیم آن نهاد علمی و دینی و کارنامه‌ی درخشان آن بر آگاهان پوشیده نیست.

آیة الله العظمی مظاهری یکی از اعضاء با سابقه و عالیرتبه‌ی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم بودند و در زمان نهضت اسلامی و دوران مبارزات ملت عظیم‌الشأن ایران علیه رژیم ستم‌شاهی، بسیاری از اعلامیه‌های مهم اساتید و بزرگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به امضاء ایشان نیز رسیده است.

پس از پیروزی انقلاب، استمرار تلاش در هر دو جبهه:

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز، معظم له با استمرار مشاغل و فعالیت‌های علمی و حوزوی، در راستای تلاش برای ارتقاء سطح فرهنگی و فرهنگ دینی جامعه اسلامی، با ارائه‌ی سلسله دروس اخلاق برای نسل جوان و بویژه بسیجیان و رزم‌آوران هشت سال دفاع مقدس، به اداء مسئولیت سنگین حوزوی و دینی پرداخته و همیشه در صف مقدم یاران و پیروان قائد راحل عظیم‌الشأن حضرت امام خمینی «سلام الله علیه» بوده‌اند.

در سال‌های اول انقلاب، معظم له به همراه استاد اندیشمند و فرزانه حضرت آیت الله مصباح یزدی «دام ظلّه» براساس تفکرات نوینی که برای ساماندهی وضعیت تشکیلاتی حوزه‌های علمیه داشتند، پیگیری‌هایی را در این خصوص از محضر امام خمینی «قدس سره الشریف» و مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی «رضوان الله علیه» انجام دادند که نتیجه‌ی آن پیگیری‌ها، تشکیل شورای مدیریت حوزه علمیه قم و ایجاد یک ساختار جدید تشکیلاتی برای این حوزه مقدسه بود.

هجرت، آغاز مرحله‌ای نوین و تحولی مبارک:

یکی از نقاط عطف تاریخ زندگی پربرکت آیه الله العظمی مظاهری، هجرت تاریخی و شکوهمند ایشان از حوزه مقدسه علمیه قم به حوزه مقدسه علمیه اصفهان بود که در اوایل زمستان سال ۱۳۷۴ شمسی مطابق با شعبان ۱۴۱۶ قمری واقع شد.

این هجرت مبارک علاوه بر آن که در نوع خود در طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی ایران بی نظیر بود، همچنین سرآغاز تحولی خجسته و مبارک در حوزه علمیه اصفهان گردید و نمونه‌ای بارز از این فرمایش بلند حضرت امام خمینی «اعلی الله کلمته» در «منشور روحانیت» شد که فرمودند: «صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه گاه محرومان بوده است. همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهاء بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدت علمی و فرهنگی آنان که بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان است که بگذاریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارته‌ها و تلخی‌هایی را متحمل شده‌اند».

باری حوزه شکوهمند اصفهان با سابقه‌ای دیرینه و برابر با چندین قرن، همواره پشتوانه‌ای عظیم برای فقه و فقاہت و حراست از کیان معرفت دینی و معارف اسلامی بشمار می‌رفته است. عالمان بزرگ، فقیهان سترگ و فیلسوفان بلند پایه و عارفان روشن ضمیری که نامشان قرین اصفهان و تاریخ باعظمت این سامان است، خبر از این واقعیت بلند می‌دهند که حوزه‌ی این دیار در زمانی نه چندان دور، جایگاه رفیع علم و دانش و معرفت دین را در قبضه‌ی اختیار و اقتدار خود داشته و وجود فرزنانگانی چون شیخ بهایی، علامه‌ی مجلسی، میرداماد، سید شفتی، جهانگیرخان قشقایی و دهها و صدها تن دیگر از نام‌آوران تاریخ اسلامی ایران، در این حوزه باعظمت که آراء علمی و مقامات برجسته‌ی معنوی و فرهنگی و سیاسی‌اشان، آنان را شهره‌ی آفاق ساخته است، همه و همه نشان از شکوه دیرین این نهاد بلند مرتبه‌ی دینی و فرهنگی تشیع دارد و به تعبیر زیبای ولی امر مسلمین و مقام معظم رهبری «مد ظلّه العالی» این حوزه‌ی کهن و ریشه‌دار، سلف حوزه‌ی عظیم الشان قم محسوب می‌گردد.

اما این حوزه‌ی باسابقه در دهه‌های اخیر به دلیل افول ستارگان درخشان آسمان علم و به دلایل متعدد دیگری که مجال بسط آن در این فرصت کوتاه نیست به تدریج دچار رکود گردیده بود. بر این اساس مدتها بود که علماء بزرگ و فضلاء و طلاب عزیز حوزه علمیه اصفهان به دنبال راهکاری برای جبران و اصلاح نظام تشکیلاتی و علمی این حوزه مقدسه بودند، اما این حرکت به یک «محوریت کارآمد» و یک «مرکزیت استوار» نیازمند بود تا این که با افزایش این احساس نیاز، از بین شخصیت‌های برجسته و مردان الهی، نظرها به سوی فقیهی وارسته و مجاهدی تلاشگر و معلمی بزرگ معطوف شد. این شخصیت کسی نبود جز آیه الله العظمی مظاهری.

علماء بزرگ و فضلاء ارجمند حوزه علمیه اصفهان پیش از آن تاریخ، بارها از محضر آیه الله العظمی مظاهری خواسته بودند که ایشان از قم هجرت کرده و در اصفهان رحل اقامت افکنند اما آن بزرگوار به دلایل مختلف از پذیرش این درخواست امتناع می‌کردند تا آن که پس از رحلت مرحوم حضرت آیه الله آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی «قدس سره»، اساطین و علماء بزرگ حوزه علمیه اصفهان، در آبان ماه سال ۱۳۷۴، طی نامه‌ی بسیار مهمی که یکی از اسناد افتخار تاریخ شکوهمند حوزه علمیه اصفهان است، به حضور ولی امر مسلمین و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مد ظلّه العالی»، با اشاره به مشکلات روزافزون این حوزه مقدسه، چنین مرقوم داشتند: «... با توجه به استنباط از فحواوی کلام حضرت تعالی نسبت به فاضل معاصر، معلم اخلاق، فقیه

متبحر و اصولی کار آمد، مجتهد عالم به زمان و مکان حضرت آیه الله مظاهری دامت برکاته که یکی از برجستگان درس مرحوم امام خمینی «رحمة الله علیه» بوده‌اند، حوزه علمی اصفهان آمادگی خود را جهت استقبال شایان از ایشان اعلام می‌نماید...».

در فاصله‌ای که نامه‌ی اساتید و علماء حوزه علمی اصفهان به محضر مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» تقدیم شد و پاسخ معظم له، تلاش‌های گسترده‌ای برای جلب رضایت آیه الله العظمی مظاهری در جهت اجابت این درخواست از سوی حوزویان و دیگر اقشار مختلف صورت پذیرفت.

بالاخره، آیه الله العظمی مظاهری با توجه به اهمیت شایان عنایت درخواست علماء بزرگ حوزه علمی اصفهان و نیز استقبال و علاقمندی بسیار زیاد همراه با تواضع و صفای باطن مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» در این زمینه، متقاعد شده و با نشان دادن مراتب تبعیت عملی خود از ولایت فقیه، و آماده شدن برای هجرت به حوزه علمی اصفهان پس از متجاوز از چهل سال تحقیق و تتبع و دانش‌اندوزی و تدریس، یکی از زیباترین صحنه‌های تاریخی التزام عالمان دین به اعتقادات علمی خود را به منصفی ظهور و بروز در آورند.

پس از آن رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۹ آذر ۱۳۷۴ طی پیام بسیار مهمی خطاب به آیه الله العظمی مظاهری، با یادآوری سابقه‌ی باعظمت حوزه علمی اصفهان نقش علماء آن در انقلاب اسلامی که مظهر اطاعت از امام راحل عظیم‌الشأن بوده است، چنین فرمودند: «بحمد الله و المنه خود آن جناب نیز از حسنات اصفهان و هدیه‌ای ارزشمند از آن شهر فضیلت پرور به حوزه و الامقام قم و به طلاب و جویندگان علم و معرفت و اخلاق می‌باشید، و سال‌های متمادی پس از آنکه حظ عظیمی از آن سرچشمه‌ی جوشان فقه و علم و معرفت به دست آورده‌اید، خود در مسند استادی فقه و اخلاق، جمع کثیری از فضلاء و مستعدان را از فیوضات بهره‌مند ساخته‌اید. اینک اصفهان، حوزه علمی و مردم آن، جنابعالی را به اصفهان فرامی‌خوانند، قاطبه‌ی علمای محترم و عزیز اصفهان که در میان آنان شخصیت‌های برجسته‌ی علمی و دینی نیز حضور دارند و همواره مایه‌ی اعتلای حوزه علمی اصفهان بوده‌اند، در نامه‌ای این را از اینجانب درخواست کرده و شوق خود و مردم را منعکس ساخته‌اند. لذا اینجانب مقتضی می‌دانم که جنابعالی به اصفهان نقل مکان فرموده و پایگاه رفیعی از درس و تعلیم و تحقیق بنا نهید و تربیت طلاب و فضلاء و ارشاد و هدایت عموم مردم و پاسخ‌گویی به مراجعات دینی و شرعی آنان را وجهه‌ی همت سازید. بی‌شک مردم مؤمن و فرهنگ دوست و هوشمند استان و شهر اصفهان که به روحانیت معظم عشق می‌ورزند، مقدم جنابعالی را گرامی می‌دارند، و با قدردانی از برکات وجود شریف بهره‌ای وافر از حضور علمی و اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی آن جناب خواهند برد. ان شاء الله.»

پیام عدیم‌النظیر ولی امر مسلمین و مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» و تجلیل معظم له از مرتبت بلند مردم مجاهد و غیور و مؤمن اصفهان و نیز تمجید از مقام شامخ آیه الله العظمی مظاهری با آن عبارات زیبا و دلنشین، همگان را به تحسین و شگفتی واداشت. دو روز پس از صدور این پیام مهم، آیه الله العظمی مظاهری در روز یکشنبه ۷۴/۹/۱۲ مصادف با ۱۰ رجب ۱۴۱۶ میلاد پربرکت حضرت جوادالائمه علیه السلام در میان استقبال عظیم علماء، طلاب و اقشار مختلف مردم بزرگوار اصفهان وارد این شهر شده و در این سامان رحل اقامت افکندند.

تبیین حوادث مبارک و باشکوهی که پس از ورود معظم له به اصفهان رخ داد مجالس واسع می‌طلبد. آنچه شایان گفتن است آن است که امروز پس از گذشت نزدیک به سه سال از آن هجرت مبارک، آرزوی بلند علماء و اساطین حوزه علمی اصفهان در شکوفایی و بالندگی دوباره‌ی این حوزه مقدسه و همچنین آرمان ارجمند رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولی امر مسلمین «مد ظله العالی» به مرحله‌ی بروز و ظهور رسیده است و امید است با استمرار برکات این هجرت شکوهمند، حوزه علمی اصفهان، سابقه‌ی عظیم‌الشأن تاریخی خود را به دست آورد.

حوزه علمی اصفهان، برکات نعمت حضور:

حرکت عظیمی که با این هجرت تحت حمایت‌های مقام معظم رهبری آغاز شد، در ذات و ماهیت خود یک حرکت به تمام معنی فرهنگی بود گر چه برکات دیگری نیز از زوایای مختلف آن جاری شده است.

این حرکت شکوهمند از ابتدای آغاز در دو بعد مهم «حوزوی» و «فراحوزوی» جریان یافته و با عنایات الهی همچنان ادامه دارد: در «بعد حوزوی» سه محور اساسی «ایجاد نظم و تشکیلات منجسم مدیریتی»؛ «تقویت بنیه علمی و ارتقاء سطح آموزشی» و «ایجاد خدمات و تسهیلات رفاهی»، مورد توجه و امعان نظر ویژه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان قرار گرفته است.

در این راستا به فهرستواره‌ای از برخی از اقدامات انجام شده اشاره می‌شود:

- ۱- تشکیل شورای طرح و برنامه حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور سیاستگذاری برنامه‌های کلان.
- ۲- تأسیس مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور ایجاد نظام تشکیلاتی این حوزه.
- ۳- تأسیس مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان که دارای واحدهای بیمه درمانی طلاب، صندوق قرض الحسنه طلاب، دفتر پشتیبانی و رفاه مسکن طلاب، دفتر فنی و عمرانی می‌باشد.
- ۴- تأسیس مرکز آموزش و تحقیقات رایانه‌ای حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.
- ۵- تصویب و ثبت رسمی اساسنامه‌های حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.
- ۶- تأسیس مرکز آموزش‌های تخصصی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و ایجاد سه رشته‌ی تخصصی در گرایش‌های فقه و اصول، تفسیر، تبلیغ.

۷- پذیرش نزدیک به یک هزار نفر طلاب جدید الورد در سال‌های تحصیلی ۷۶-۷۷ و ۷۷-۷۸.

۸- استقلال امور مشمولیت طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان براساس اخذ فرمان فرماندهی معظم کل قوا.

۹- بناء درسی منظم و محققانه در بخش خارج فقه و اصول توسط شخص آیه الله العظمی مظاهری.

۱۰- برگزاری دروس جنبی حوزوی در زمینه‌های رجال، تفسیر، اعتقادات، فلسفه و...

۱۱- آغاز طرح بزرگ انبوه‌سازی مسکن سازمانی طلاب به استعداد نزدیک به ۴۰۰ واحد مسکونی.

هجرت در بعد فراحوزوی:

در «بعد فراحوزوی» نیز در سه محور «رسیدگی به امور مساجد»؛ «توجه به مراکز فرهنگی، اجتماعی، نظامی» و «ارتباط نزدیک با توده‌ی مردم و اقشار مؤمنین» فعالیت‌های مهمی صورت گرفته که گوشه‌هایی از آن بدین شرح است:

- ۱- تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد استان اصفهان و تنظیم اساسنامه و ثبت رسمی این مرکز.
- ۲- ارتباط مستمر و برگزاری سلسله دروس اخلاقی توسط ریاست معظم حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان برای دانشگاهیان، قضات عالی‌رتبه و فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی و زنان و بانوان.

۳- برگزاری جلسات دروس اخلاق برای اقشار مؤمنین در مسجد حکیم اصفهان که پس از حضور آیه الله العظمی مظاهری در اصفهان، اینک به یک پایگاه رفیع برای اعتلاء معارف اسلام و انقلاب شکوهمند اسلامی تبدیل شده است.

این همه از دولت لطف خداست:

بدون تردید وجود این همه برکات که بر این هجرت تاریخی مترتب شده است اثر عنایات لایزال الهی و الطاف حضرت ولی الله الاعظم «ارواحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء» و توجهات ویژه‌ی ولی امر مسلمین و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله العالی» و همچنین مجاهدت و تلاش پیگیر زعیم عالقدر حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان «دامت برکاته» است و اگر نبود آن عنایات و الطاف و توجهات و این مجاهدتها، بدون تردید نیل به مقاصد عالی‌ای که گوشه‌هایی از آن بصورت فهرست گونه بیان شد، به هیچ روی ممکن نبود.

از خداوند منان و رحمان استمرار و استدامه‌ی این برکات را در سایه‌ی نظام بلند پایه‌ی جمهوری اسلامی طلب می‌کنیم.
انه ولی النعم و التوفیق.

آذر ماه ۱۳۷۷

شعبان المعظم ۱۴۱۹

بسم الله الرحمن الرحيم

مصاحبه‌ی مجله‌ی حوزه با

مرجع عالیقدر

حضرت آیه الله العظمی مظاهری

«مد ظله العالی»

منتشر شده در:

مجله‌ی حوزه (ویژه‌ی حوزه‌های علوم دینی).

شماره‌ی ۶۸-۶۹ (خرداد، تیر، مرداد و شهریور ۷۴)

ما، مسافریم و روزهای عمر، به منزله‌ی منزلهای سفر.

در این منزلها، برای عاقبت‌اندیشان، بهره‌هاست. بهره برای فردا. فردایی که آنچه کشته شده باشد، درویده خواهد شد. حال، برای فردا، چه کشت شود، تا به کار آید و خریدار داشته باشد، چگونه از آفات دورشان داشت، تا بمانند برای روز درو، مسأله‌ای است مهم که باید از راهیان راه معرفت و سالکان مسلک سعادت، جو یا شد.

به فرمان آنان، گردن نهاد و دوره سخت اصلاح نفس و پیرایش و پرورش باطن خویش را آغاز کرد، تا به مرحله‌ای رسید که بتوان از منزلها بهره برد و آن بذر که افشاند می‌شود حاصلی نیکو دهد و در روز واپسین، درخور عرضه به پیشگاه حق باشد. برای این مهم، به محضر معلم اخلاق، فقیه بزرگوار، حضرت آیه الله حاج شیخ حسین مظاهری، که از محضر معلمان بزرگ اخلاق بهره برده و الگوهای نیک در این سیر روحانی داشته و خود در این راه ریاضتها کشیده، شرفیاب شدیم، تا برای گذر از این راه پرخطر راهنمایی بخواهیم و از نفس گرمش، گرما بگیریم.

امید آن که آنچه از این مجلس روحانی برگرفته‌ایم و اینک تقدیم می‌داریم، همگان، بویژه علاقه‌مندان به سیر سلوک را مفید افتد. حوزه: با تشکر از حضرت عالی که مصاحبه‌ی با مجله‌ی حوزه را پذیرفتید، لطفاً، در ابتدا، شمه‌ای از زندگی تحصیلی و علمی خود را بیان بفرمایید.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقده من لسانی یفقهوا قولی.

خدا را شکر می‌کنم که توانستم خدمت شما عزیزان باشم. امیدوارم که آنچه می‌گویم، برای خود و شما و خوانندگان، مفید باشد. البته، تمایل قلبی من این است که در این مصاحبه، از مطالب کلی صحبت کنم؛ اما از باب «فاما بنعمه ربك فحدث» و به لحاظ انتقال تجربیات دیرینه به نسل حاضر و طلاب جوان و از باب این که یادی و ذکری از اساتید و بزرگان و حقداران خود کرده باشم و نیز در جهت اجابت درخواست مجله‌ی وزین حوزه، عرض می‌کنم:

در سال ۱۳۱۲ شمسی در خانواده‌ای وارسته و مذهبی متولد شده‌ام. پس از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی، در سال ۱۳۲۶ شمسی، برای تحصیل علوم دینی، وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شدم.

حوزهی اصفهان، چنان که می‌دانید، سابقه‌ی کهن و درخشانی دارد و حیف که آن سابقه‌ی ارجمند با این لاحقہ فعلی، هماهنگ نیست. در سال ۱۳۲۶، وضع حوزه‌ی علمیه اصفهان، گرچه همانند صد سال پیش نبود، ولی با وضع فعلی هم، تفاوت جدی داشت. تقریباً، از لحاظ درس و بحث، حوزه‌ی گرمی بود.

من، در مدرسه مسجد سید اصفهان، که مقبره مرحوم حجة الاسلام علی الاطلاق، یعنی سید شفتی هم در آن جاست و مسجد، منتسب به ایشان است، حجره گرفتم و مشغول تحصیل شدم.

ادبیات را خدمت دو ادیب بزرگوار، مرحوم حاج آقا جمال خوانساری و حاج آقا احمد مقدس، فراگرفتم.

سطح را خدمت حضرات آیات: خادمی، فیاض، و طیب و ادیب خواندم.

منظومه‌ی حاجی سبزواری را در محضر مرحوم آیت الله مفید، خواندم.

این اساتید، مردان بزرگی بودند و حق بسیاری هم بر ذمه من دارند. خداوند، همه آنان را غریق رحمت خود فرماید.

در سال ۱۳۳۱ شمسی به قم آمدم. مقداری از کتاب شریف مکاسب و کتاب ارزشمند کفایه را نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد

الجواد جبل عاملی، مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری تدریس کردم و بعد، بیش از

هشت سال در خدمت حضرت آیت الله العظمی بروجردی و بیش از ده سال، در خدمت حضرت امام و بیش از دوازده سال در

خدمت آیت الله العظمی مرحوم داماد، خارج فقه و اصول را استفاده کردم.

اسفار ملاصدرا و شفای بوعلی را هم از محضر استاد بزرگوار، علامه طباطبایی فراگرفتم.

از آغاز تحصیل، مفید بودم، تدریس هم داشته باشم. به یاد دارم که سیوطی می‌خواندم، صمدیه را تدریس می‌کردم از این روی،

در اصفهان که بودم، ادبیات تدریس می‌کردم. به حوزه‌ی علمیه‌ی قم که وارد شدم، تدریس سطح را شروع کردم اکنون هم، قریب

به بیست سال است که به تدریس خارج فقه و اصول، مشغول هستم.

منظومه، نه‌ایه و قسمتهایی از اسفار را نیز، چندین مرتبه تدریس کرده‌ام.

و توصیه‌ام هم به طلاب این است که تا می‌توانند تدریس را فراموش نکنند. تدریس، افزون بر این که ادای زکات علم است، باعث

تقویت پایه‌های علمی نیز هست.

حوزه: اگر خاطره‌ای از اساتید خود دارید، بفرمایید، بویژه از مرحوم آیه الله مفید که قدری ناشناخته‌اند.

-: دوران تحصیل، آن هم در محضر این بزرگان، همه‌اش خاطره است. ولی گفتید از مرحوم آیه الله مفید بگویم، چند جمله‌ای

راجع به ایشان، عرض می‌کنم:

مرحوم آیت الله مفید، از فقها و فلاسفه‌ی اصفهان بود. انسان فوق‌العاده وارسته‌ای بود، شاگرد دوست و شاگرد پرور بود. افزون بر

فلسفه، خارج فقه و اصول نیز، تدریس می‌کرد.

ایشان، در بیدآباد اصفهان منزل داشتند، ما نیز همسایه‌ی ایشان بودیم. از آن جا، تا مدرسه‌ی صدر اصفهان، مسافت زیادی، راه بود،

هر روز در خدمت ایشان، پیاده می‌آمدیم تا مدرسه، این، توفیقی بود برای من که بیشتر از محضر آن بزرگوار، بهره ببرم.

بارها از بی‌اعتباری دنیا برایم سخن می‌گفت. نسبت به اهتمام به درس، بسیار سفارش می‌فرمود.

می‌فرمود:

«طلبه، اگر نامش در دفتر امام زمان، ثبت شود، هم دنیا دارد و هم آخرت.

طلبه، نباید از مشکلات هراسی به دل راه بدهد. با مشکلات باید دست و پنجه نرم کند، تا به جایی برسد».

گاه، این روایت مشهور را برایم می‌خواند:

أوحی الله تعالی الی داود (ع) یا داود انی وضعت خمسه فی خمسه، و الناس یطلبونها فی خمسه غیرها فلا یجدونها: وضعت العلم فی

الجوع و الجهد و هم يطلبونه فی الشبع و الراحة فلا يجدونه...»

بحار، ج ۴۵۳/۷۸

خداوند به داوود (ع) وحی کرد ای داوود من پنج چیز را در پنج چیز نهادم مردم آن را در غیر آن پنج چیز می‌جویند و نخواهند یافت: علم را در گرسنگی و تلاش نهادم آنان آن را در سیری و راحتی می‌جویند نخواهند یافت... می‌فرمود:

«من، در ایام تحصیل، مشکلات فراوان دیده‌ام. بسیاری از اوقات، لباس، به قدر نیاز نداشتم. بارها، با دست خالی به منزل رفته‌ام، ولی به لطف الهی همه را پشت سر گذاشتم و همسرم، با فداکاری این وضعیت را تحمل می‌کرد و مرا نگران نمی‌ساخت.» ایشان، مقید بود، از سهم مبارک امام، استفاده نبرد، از این روی، به همان اندازه‌ای که خویشان و بستگان وی، به ایشان هدیه می‌کردند اکتفا می‌کرد. دنیای ایشان، ختم به خیر شد و آخرت ایشان هم معلوم است. آن بزرگوار، در سال ۱۳۸۲ ه. ق رحلت کرد و در قبرستان شریف تخت فولاد اصفهان، در بقعه‌ی مرحوم آقا محمد بیدآبادی «قده» دفن شد. چنین انسانهایی بی‌یقین، مصداق این آیه شریفه‌اند:

«يا ايها النفس المطمئنة ارجعي الي ربك راضية مرضية فادخلي في عبادي و ادخلي جنتي.»

ای روح آرامش یافته، خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت بازگرد و در زمهری بندگان من داخل شو. و به بهشت من درآی. حوزه: هر یک از اساتید، شیوه‌ای خاص در تدریس دارند، لطفاً بفرمایید اساتید شما چه شیوه‌هایی داشتند و مزایای هر کدام، در چه بود.

عرض کردم از جمله اساتید ما، حضرت آیت الله العظمی بروجردی بود. شیوه‌ی ایشان، شیوه‌ی مجتهد پرور بود. ایشان در تدریس فقه، به چند نکته اهمیت می‌دادند:

۱. بیان تاریخ تشریحی یک مسأله و ذکر اجمالی تطورات آن، از آغاز، تا پایان، در ادوار فقه شیعی و سنی. این مطلب، نگاه فقیه را به مسأله، باز می‌کند و می‌تواند تغییرات صورت گرفته در یک مسأله و علل آن را بفهمد.

۲. اهمیت به اقوال قدماء. ایشان، معتقد بودند که فقه ما، مسائل متفرقه‌ای دارد که فقها، به متون فقه، افزوده‌اند و مسائلی هم دارد که از معصومین اخذ شده و تعبیر خودشان: «اصول متلقاة» است. ایشان این دو دسته را در بحثها از هم، جدا می‌کرد و برای متون قدماء به لحاظ نزدیکی به زمان معصومین (که ویژگی مهمی بود)، اصالت خاصی قائل می‌شد خصوصاً به اقوال مرحوم شیخ الطائفه، اهمیت زیادی می‌داد و از آن فقیه بزرگوار، با احترام خاصی یاد می‌فرمود.

۳. در جمع بین روایات، بسیار محققانه عمل می‌کرد و بحق، فقیه ممتاز، زبردست و عالی قدری بود.

۴. اگر چه، همیشه در درس می‌فرمود: «احتیاط، در ترک احتیاط است»، اما در مقام فتوا، جرأت بی‌جهت و بی‌دلیل نداشت و به لحاظ مقام عملی و تقدس خاصی که داشت جانب احتیاط را از دست نمی‌داد.

اما شیوه‌ی درس امام خمینی: امتیاز درسی ایشان در چند چیز بود که به عرض می‌رسانم:

۱. فهم عرفی. این امتیاز را از استاد بزرگوارش، مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری گرفته بود. اهمیت این امتیاز در استنباط و اجتهاد برای اهل فن روشن است، مخصوصاً در مورد کسی مثل حضرت امام که یک فیلسوف و حکیم متأله بودند.

۲. بیان شیوا و سلیس، روان و گویا، که در میان همه‌ی مدرسین آن زمان، بی‌نظیر و ممتاز بود.

۳. شاگرد پروری: آن بزرگوار، به شاگرد، میدان بحث و ارائه‌ی نظر می‌داد. شاگرد را تشویق می‌کرد.

این خصوصیت، خصوصیت کوچکی نیست. بزرگان ما، اگر در درسهایشان میدانی برای ارائه نظرات خود نمی‌داشتند، چگونه رشد می‌کردند؟

۴. ایشان، از سر تحقیق، تابع دلیل بود. از این روی، از بیان قولی که احتمالاً خلاف مشهور باشد، در صورتی که مستندش به نظر ایشان قوی باشد، باکی نداشت.

۵. به اقوال شیخ انصاری اهمیت بسیار می‌داد و برای نظرات آن فقیه عالی مقام، احترام خاصی قائل می‌شد. خلاصه، چه درس فقه ایشان و چه درس اصول ایشان، درس ارزشمند و ممتعی بود. خداوند، درجات این مرد عالی مقدار را متعالی کند.

اما شیوه درس آیه الله العظمی داماد:

۱. مرحوم آقای داماد، حقیقتاً، محقق بود و برای تدریس، زحمت بسیاری می‌کشید، مکرر از ایشان شنیدم که فرمود: «من، دیشب برای این بحث، هفت ساعت، هشت ساعت، زحمت کشیدم».

۲. موشکافیهای عالمانه‌ای در بحث‌های ایشان وجود داشت. نظریات خود را با دقت‌های ظریفی از روایات، استخراج می‌کرد. اگر چه درس ایشان، به شلوغی برخی از درسهای دیگر نبود، ولی حقا درس ارزشمند و قابل استفاده‌ای بود. حق ایشان بر گردن من و حق دیگر اساتید، جز با لطف خداوند، ادا نمی‌شود. حوزه: از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خود بفرماید.

- از الطاف الهی نسبت به بنده این بود که از همان آغاز ورود به قم، در محضر حضرت امام بودم. ایشان، ما را به شاگردی پذیرفتند. بودن ما در خدمت حضرت امام، خواه ناخواه ما را در مسیر حرکت سیاسی-انقلابی امام قرار می‌داد. بنده و جمعی از دوستان، از همان سال ۴۱، ۴۰ در خدمت این انقلاب بوده‌ایم و تاکنون هم، به لطف الهی توانسته‌ایم به اندازه وضع خود، از این انقلاب و نظام حمایت کنیم.

این را از امام عزیزمان آموخته‌ایم: «خدمت به این نظام، واجب عینی است».

تذکر این نکته را لازم می‌دانم: همان طوری که امام بزرگوار، فرمودند: حفظ این نعمت و امانت الهی از اصل به دست آوردن آن، بسیار مشکل تر است. از این روی، باید با نهایت دقت، و احتیاط، از این نظام ارزشمند حفاظت کرد هر کسی به اندازه‌ی وظیفه خود و به اندازه‌ی وسع خود، باید در خدمت انقلاب و آرمانهای اسلامی آن قرار گیرد و سپاسگزار و قدردان این نعمت بزرگ باشد. حوزه: شکر خدا حضرت عالی در کسب دانش دین موفق بوده‌اید، لطفا عوامل موفقیت خود را بیان کنید.

-: اگر لطف خداوند متعال و توجهات صاحب حوزه‌ی علمیه نبود، هیچ کس توفیقی نمی‌داشت. اگر ما هم توفیقی کسب کرده‌ایم، به لطف خدا بوده است.

در عین حال، من سعی کرده‌ام که اموری را در درس و تحصیل رعایت کنم که آن هم اگر انجام پذیرفته، به لطف خداوند متعال و عنایت اهل بیت، علیهم السلام، بوده است. از جمله آن امور:

۱. انتخاب اساتید خوب که نام آن بزرگان را بردم. استاد، نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت انسان دارد، مرحوم علامه طباطبایی، از استادشان مرحوم حضرت آقای قاضی، نقل می‌فرمودند که: «اگر نصف عمر در طلب استاد بگذرد جا دارد».

۲. انتخاب هم مباحثه‌ی خوب.

۳. سعی کرده‌ام که امور دنیوی، مانع تحصیل نشود. از این روی، به لطف خدا و اعتقادی که به این راه داشته‌ام، روزانه، بیش از ده دوازده ساعت، مشغول تحصیل بوده‌ام.

۴. نظم.

استاد بزرگوار ما، حضرت امام، افزون بر این که خود منظم بود، از این که شاگردی بی‌نظم به درس حاضر می‌شد، به شدت ناراحت می‌گردید و می‌فرمود:

«من نمی‌گویم به درس من بیایید، ولی اگر می‌خواهید بیایید، منظم بیایید.»

نظم، بسیار خوب است، به عمر انسان، برکت می‌دهد. یک طلبه بانظم، بازدهی‌اش، چند برابر طلبه بی‌نظم است.

۵. خوب خواندن. این که بعضی از طلبه‌ها ده سال، بیست سال درس خارج می‌روند، ولی به جایی نمی‌رسند، به خاطر این است که دروس پایه را خوب و دقیق، نخوانده‌اند، بویژه ادبیات. طلبه، باید ادیب باشد. به این معنی که وقتی عبارت عربی را می‌بیند، ناخودآگاه، آن را صحیح بخواند. همچنین سطح را باید خوب بخواند.

حوزه: آیا در مسائل اخلاقی، استاد خاصی داشته‌اید.

-: استاد خاص به معنای مصطلح، خیر موافق آن هم نیستم. زیرا،

اولاً، استاد خصوصی، خیلی کم است، مخصوصاً در حوزه‌ی فعلی ما، که حدود سی هزار طلبه دارد، اگر بخواهیم به نسبت این تعداد، استاد خصوصی اخلاق داشته باشیم، باید تعداد زیادی استاد اخلاق داشته باشیم که چنین چیزی در حوزه‌ی فعلی ما، ممکن نیست.

این که حضرت امام، بارها نسبت به مرحوم شاه‌آبادی، اظهار ارادت می‌کرد و از ایشان، باعظمت یاد می‌کرد، بدین خاطر بود که امام، پس از تلاشهای بسیار، موفق شده بود، استادی در اخلاق، آن گونه که می‌خواهد، بیابد.

ثانیاً، استاد خصوصی به این معنی که انسان خود را در اختیار او بگذارد و فقه و اصول و دیگر مباحث را در حاشیه‌ی کار قرار دهد، این نیز، افراط است و نادرست. به عقیده‌ی من، نه تنها سودی نخواهد داشت، که ممکن است ضرر نیز داشته باشد. علم و تزکیه باید همراه هم باشند.

افرادی را سراغ دارم که با ولع بسیار مسائل اخلاقی را این گونه دنبال می‌کردند، استاد خصوصی داشتند و... ولی در نهایت، راه به جایی نبردند و منحرف شدند و با حوزه‌ی علمیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی به معارضه برخاستند.

بنابراین، با این گونه استاد خصوصی داشتن در اخلاق، موافق نیستم و خود نیز، استاد خصوصی نداشته‌ام.

البته، از محضر حضرت امام و علامه طباطبایی، استفاده‌های اخلاقی و معنوی فراوان برده‌ام و خدا را همواره، بر این جهت شاکرم که در زمانی وارد حوزه‌ی قم شدم که دو استاد برجسته مانند امام و علامه، در آن، حضور داشتند و من توانستم در فقه، اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق از خدمت آن دو بزرگوار، بهره ببرم.

حوزه: لطفاً شمه‌ای از ویژگیهای اخلاقی امام خمینی را بیان فرمایید:

- حضرت امام مجسمه‌ی اخلاق اسلامی بود و حقیقتاً باید گفت که جنبه‌ی سیاسی ایشان بعد از نهضت، جنبه‌های دیگر آن مرد بزرگ، بویژه جنبه‌ی علمی و جنبه‌ی اخلاقی ایشان را تا قدری تحت الشعاع قرار داد.

۱. از امتیازهای بارز ایشان، احتراز از محرمات بود. سالهای متمادی که در خدمت ایشان بودم، یک عمل مکروه از آن مرد ملاحظه نشد، حتی اگر شبهه‌ی گناه پیش می‌آمد، حالت نگرانی از ایشان نمایان می‌شد و لذا در مقابل انجام محرمات مخصوصاً از قشر طلبه عکس‌العمل شدید نشان می‌داد.

۲. ویژگی اخلاقی دیگر امام، احترام ایشان به علماء اسلام بود.

از وحید بهبهانی، آن محقق جلیل، نقل شده است:

«اگر به جایی رسیده‌ام مرهون احترامی است که برای فقهاء و علمای اسلام قائل شده‌ام.»

و این خصلت در امام، همیشه جلوه‌گر بود، نه تنها به مثل شیخ طوسی و صاحب جواهر و شیخ انصاری احترام ویژه می‌نهاد و با تجلیل از آن یاد می‌کردند، بلکه درباره‌ی امثال آیه‌الله مؤسس یا آیه‌الله بروجردی نیز، بارها می‌فرمود: «در سر حد کرامت است که یک پیرمرد، به این خوبی حوزه علمیه و بلکه عالم تشیع را اداره می‌کند.»

۳. از دیگر خصائص اخلاقی ایشان، تواضع بود و همان طور که مقام و ریاست در شخصیت رسول اکرم و ائمه طاهرین، علیهم السلام، نتوانست اثری بگذارد، در مورد این فرزند عالی مقدار آنان هم این گونه بود. همان تواضعی که در دوران پیش از مرجعیت داشتند، تا آخر عمر پربرکت خود حفظ فرمودند و ما می‌دیدیم که ایشان چگونه در مقابل مردم و یا جوانان بسیجی و یا خانواده‌ی معظم شهدا و فرزندان آنان و یا جانبازان، کوچکی و تواضع و خفص جناح می‌فرمودند.

۴. امتیاز اخلاقی دیگر امام، زهد آن مرد بزرگ بود. زهد، یعنی دل نبستن به دنیا و همدل نشدن با مادیات. ساده زیستی امام همیشه زبانزد بود. از تشریفات و تجملات، حقیقات رنج می‌برد و همیشه دیگران و بالخصوص طلاب را به زهد و ساده زیستی و حفظ زی طلبگی نصیحت و توصیه می‌فرمود و شما دیدید که در همان دورانی که در رأس قدرت بودند، همان زندگی بی‌آلایش روحانی را حفظ فرمودند و اجازه ذره‌ای تجاوز از آن را به اطرافیان ندادند.

۵. خصیصه‌ی مهم دیگر شخصیت دادن به افراد بود. چنان که از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است ایشان چنان با اصحاب خود رفتار می‌کردند که هر فردی گمان می‌کرد که اعز افراد نزد پیامبر اکرم (ص) است استاد بزرگوار ما در برخورد با شاگردان و بویژه در درسهای حوزوی خود، این گونه عمل می‌کردند و با این حرکت خود، استعداد شاگردان را شکوفا می‌کردند.

۶. ویژگی دیگر ایشان که برای خود من اعجاب‌انگیز و پند بزرگی بود، این مسأله است که در مجالس غیردرسی، وقتی فرعی از فروع علمی مطرح می‌شد و هر کس به فراخور خود مطلبی را ارائه می‌کرد، تنها اگر از ایشان اظهارنظری می‌خواستند، صحبت می‌فرمود، آن هم در حد اختصار. این روش از نظر اهل علم، جدا فضیلت بزرگی به شمار می‌آید. هینثا لارباب النعیم نعیمهم.

۷. از ویژگیهای دیگر ایشان که به نظر من تناسب تام با خصائص اخلاقی ایشان دارد، درک ایشان از مقام امامت و ولایت بود؛ چرا که چنان درکی را جز به متخلقان اخلاق الهی نمی‌دهند. شما اگر به کتب عرفانی امام و شروحنی که بر ادعیه و روایات مرقوم فرموده‌اند، مراجعه کنید، به خوبی درمی‌یابید که ایشان مقام امامت و ولایت کبری را یافته است، نظیر آدم تشنه‌ای که تشنگی را با سراسر وجود خود دریافته. هینثا له و رزقنا الله و ایاکم. و متأسفانه حق این کتاب‌های ارزشمند و دیگر کتب ایشان در حوزه رعایت نشده است، این کتابها مورد تدریس و تدریس و مراجعه‌ی اهل تحقیق باشد.

به هر صورت مجموعه‌ی این خصائل و صفات بارز دیگر موجب شد که آن بزرگوار حاکمیت بر قلوب پیدا کند. این مطلب در قرآن شریف و روایات معصومین (ع) به صراحت وجود دارد که محبت افراد متقی در قلوب ریخته می‌شود و ابهت آنان نیز در دلها رسوخ می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

«ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا».

مریم، ۹۶

و امام حسن (ع) نیز در توصیه‌های پایان عمر شریف خود، به جناده بن ابی امیه می‌فرماید:

«و اذا اردت عزا بلا عشیره و هیبه بلا سلطان، فاخرج من ذل معصیه الله الی عز طاعة الله عزوجل».

بحارالانوار، ج ۱۳۹/۴۴

امام حقا مصداق این آیه و روایت بود.

حوزه: حضرت عالی از اساتید درس اخلاق در حوزه‌ی عملیه قم هستید، لطفا بفرمایید که چه عاملی سبب شد که به تدریس اخلاق بپردازید.

- مسأله تهذیب نفس، موضوع مهمی است. قرآن شریف، به این مسأله، بسیار اهمیت داده است. تا آن جا که بعثت همه‌ی انبیاء و رسول گرامی اسلام و نزول قرآن را برای تحقق همین مهم می‌داند.

«هو الذی بعث فی الامیین رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال

مبین.»

جمعه؛ ۲

اوست خدایی که به میان مردمی بی کتاب، پیامبری از خودشان مبعوث داشت، تا آیاتش بر آنان بخواند و کتاب و حکمتشان بیاموزد. اگر چه پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند.

تهذیب نفس برای طلبه، از اهمیت بیشتری برخوردار است. طلبه، همان وقتی که می گوید:

«بدان ایدک الله تعالی فی الدارین»، باید بگوید: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم...» دو بال علم و تهذیب، باید با هم باشند. اگر بال علم باشد، بدون تهذیب، افزون بر این که علم، برای شخص، حجاب اکبر می شود، وزر و بالش نیز، دامنگیر افراد جامعه می شود.

امام خمینی، رضوان الله علیه، به مسأله تهذیب نفس، بسیار اهمیت می داد. هم خود مرد عمل بود و هم دیگران را، بویژه طلاب علوم دینی را هشدار می داد. حتی در آخرین سخن به جای مانده از ایشان؛ یعنی در وصیت نامه سیاسی-الهی مرقوم فرموده است:

«از بالاترین و والاترین حوزه هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد. علوم معنوی اسلامی، از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله، رزقنا الله و ایاکم، که جهاد اکبر می باشد.»

امام، در عین این که به فراگیری فقه جواهری و تمسک به روش سنتی تاکید می ورزید، تهذیب اخلاق و تزکیه نفس را هم سفارش می فرمود.

بنده، پیش از آن که به حوزه بیایم، به مسائل اخلاقی و مجالس موعظه، علاقه مند بودم. یادم هست بچه بودم در ایام محرم، در مجالس روضه می نشستم و از منبرهای اخلاقی و مفید، بهره می بردم.

پس از طلبگی، این ذوق نسبت به مسائل اخلاقی، در من تشدید شد.

حضرت امام، روزهای شروع درس و پایان درس، مطالب اخلاقی می فرمود. این روزها، برای من، شادی آفرین بود. خیلی به وجد می آمدم.

اما این که چه شد درس اخلاق شروع کردم؟ پس از تبعید حضرت امام به ترکیه، گروهی از آقایان طلاب، به بنده اصرار کردند که درس اخلاق شروع کنم. من نپذیرفتم، زیرا خود را شایسته آن نمی دانستم.

تا این که یک روز، برای خواندن نماز ظهر به مدرسه فیضیه رفته بودم، آقای آمد استخاره ای خواست. استخاره گرفتم، خیلی خوب آمد. فردای آن روز، که روز پنج شنبه بود، تعدادی از طلاب آمدند که اعلامیه ای پخش شده که شما شب جمعه، درس اخلاق می گوئید! معلوم شد، آن استخاره روز گذشته، برای همین بوده است. گفتند: ما هر چه اصرار کردیم، شما نپذیرفتید، استخاره کردیم، خوب آمد، اعلامیه را پخش کردیم.

دیدم، در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته ام. ناچار شب آمدم فیضیه، در مدرس زیر کتابخانه، که محل درس اعلام کرده بودند، درس اخلاق را شروع کردم. مدتی درس ادامه یافت. جمعیت زیادی شرکت می کردند و استقبال، خیلی خوب بود. تا این که ساواک، ما را از مدرسه فیضیه بیرون کرد. به مدرسه ای حجتیه رفتیم، از آن جا هم ما را بیرون کردند. حسینیه اراک رفتیم. چون افراد شرکت کننده زیاد بودند، بسیاری از افراد، بیرون حسینیه، در کوچه می ایستادند و راه مردم مسدود می شد، تصمیم گرفتیم به جای وسیع تری درس را انتقال دهیم. تا این که پس از تلاش بسیار برخی از طلاب، توانستیم به مسجد اعظم برویم.

پس از انقلاب هم، این درس ادامه یافت و بحمد الله جمعیت خوبی شرکت می کرد.

یک وقتی، یکی از علمای بزرگ می فرماید:

«به امام عرض کردم، فلانی درس اخلاق می گوید. جمعیت زیادی شرکت می کند.

امام، آن قدر خوشحال شد که سه مرتبه فرمود: الحمد لله رب العالمین».

این، نشان‌دهنده‌ی اهتمام ایشان، به علم اخلاق است و لزوم برگزاری جلسات درس اخلاق.

بنابراین، درس اخلاق من، خود به خود پیش آمد و تمایل ذاتی و ذوق اخلاقی من هم، کمک کار شد، که بتوانم آن را ادامه دهم. به لطف الهی، تلاش فراوان کرده‌ام که این درسها برای خود و شنوندگان، مفید باشد. البته درس اخلاق، درس انسان‌سازی است و کاری بسیار مشکل. به تعبیر حضرت امام که می‌فرمود:

«می‌گویند: ملا شدن چه آسان، آدم شدن، چه مشکل، اما شیخ ما می‌فرمود: ملا شدن چه مشکل، آدم شدن، محال است». واقعیت هم، همین است. کار بسیار طاقت‌فرسایی است.

حوزه: حضرت عالی وضع کنونی اخلاق و دیگر علوم را در حوزه‌ها، چگونه می‌بینید.

- در حال حاضر، حوزه را، نه تنها از نظر اخلاق، که از نظر توجه به فقه و اصول نیز آن چنان که شایسته است، در مخاطره می‌بینم. گر چه می‌دانم، با لطف خداوند و تلاش مدرسان و طلاب، آسیبی به آن نخواهد رسید. فراموش نمی‌کنم راجع به تشکیل شورای مدیریت، با چند نفر از بزرگان، رفته بودیم خدمت حضرت امام. بنده به ایشان عرض کردم: آقا! حوزه را از نظر علمی در مخاطره می‌بینیم.

ایشان، با خونسردی فرمود:

«غم این که حوزه در مخاطره است، نخورید. در زمان رضا شاه، وضع به قدری بد بود که طلبه‌ها، روزها می‌رفتند بیرون از حوزه و به باغهای اطراف شهر پناه می‌بردند و شب به حوزه برمی‌گشتند. در عین حال، حوزه حفظ شد و از خطر، نجات یافت». بعد راجع به تشکیلات مدیریت فرمود:

«فکر کنید که چه باید کرد. اگر چیزی به من مربوط شد، اقدام می‌کنم». به بنده فرمود:

«برو خدمت آقای گلپایگانی، از ایشان نظرخواهی بکن».

شب، با آیه الله مصباح یزدی، خدمت آیه الله العظمی گلپایگانی رفتیم. در محضر ایشان هم، من از وضعیت علمی حوزه، اظهار نگرانی کردم. از قضا، ایشان هم فرمود:

«نگران نباشید، حوزه صاحب دارد».

ایشان هم مانند امام، به سختی‌ها و رنج‌های دوران رضا شاه اشاره کرد.

این که بنده عرض می‌کنم، حوزه در مخاطره است، نه این که آسیب‌پذیر باشد. بنده، با توجه به انتظارات فراوانی که امروز هست، عرض می‌کنم: توجه به اخلاق و فقه و اصول، کم رنگ شده است و گرنه کارهای جنبی که اکنون در حوزه برای حفظ نظام و عالم تشیع می‌شود، بسیار است. امروز، در حوزه‌های علمیه، کارهای مفید فراوانی انجام می‌شود که جای تشکر آن باقی است. ولی توصیه حضرت امام، به تهذیب و اخلاق و تأکید ایشان بر فقه و اصول را نباید از یاد ببریم لذا توصیه می‌کنم به طلاب عزیز که به اخلاق، اهمیت بدهند. فقه و اصول را جدی بگیرند. فقه، فقه جواهری و اصول هم، اصول سنتی. مقصودم از اصول سنتی، اصول، به روش بزرگان و اساتید گذشته است، نه فرو رفتن در مسائل اصول و مطرح کردن نظریه‌ای و اقوال گوناگون را درباره‌ی آن نقل کردن و به نقد و بررسی گذاردن و آن گاه، نظریه‌ای را پذیرفتن و چندین روز برای آن استدلال آوردن و...

مقصودم از اهمیت دادن به اصول، این نیست، هر چند، کار علمی است. ولی بزرگان ما، مرحوم حضرات آیات: حکیم، بروجردی، حائری، داماد، امام و... یک دوره اصول را پنج - شش سال به پایان می‌رساندند، بدون این که مطلبی را کم بگذارند و به مباحث لازم و ضروری توجه کنند.

امام بزرگوار، از این جهت بسیار خوب عمل می‌کردند. بعضی از این مباحث، نظیر بحث طلب و اراده، بحث‌های مهم و ارزشمندی هستند، اما در جای خود. اینها به علم اصول ربطی ندارند.

به قول مرحوم آیه الله العظمی بروجردی:

«اصول ما، به واسطه‌ی همین زوائد، آماس شد و باید برای زوائد آن، فکر اساسی بشود.»

امام، در بحث خارج اصول خود، وقتی به بحث انسداد رسیدند، فرمودند:

«ما چون حجیت خبر واحد را اثبات کردیم، احتیاجی به این بحث نداریم.»

در تقریراتی که از اصول ایشان نوشته‌ام، در جمادی الاولی ۱۳۷۴، این مطلب را این گونه تقریر کرده‌ام:

«هذا، تمام الکلام فی حجیة الخبر الواحد و حیث اثبتناه فدلیل الانسداد باطل بدهة اذ فی مقدماته عدم الدلیل، و الخبر الواحد، دلیل واف بمعظم الفقه، بل بتمامه مع ضم الاجماع و المشهورات و حیث ان العمر قصیر و لکل شی آفات و البحث عن دلیل الانسداد تطویل بلا طائل، بل یمكن ان یقال، ان بحثه لا یخلو عن الاشکال، فالاعرض عنه أحسن، بل واجب.»

نظر همین مطلب را در حواشی بر کفایه، که اخیراً از ایشان منتشر شده، آورده‌اند.

(انوار الهدایه، ج ۳۱۷/۱).

بنابراین، به جای چندین سال معطل ماندن در اصول و طرح مباحث صرفاً علمی، به قرآن و دیگر معارف اسلامی بالاخص علم اخلاق پردازیم. امروز، نیاز فراوان به این گونه بحثهاست. حوزه، چشم و چراغ تشیع و جهان اسلام است.

من دو سال پیش، در جواب درخواستی از مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چهل و پنج موضوع لازم به بحث را معرفی کردم و گفتم روی این موضوعات، که بعضی فقهی و بعضی اصولی و بعضی اقتصادی بود، کار تفصیلی که نیاز امروز مردم و حکومت اسلامی را برآورده کند، نشده و این، وظیفه‌ی حوزه‌هاست که به این امور لازم پردازند.

حوزه: اگر ممکن است، فهرست آن موضوعات را برای استفاده خوانندگان مجله بفرماید.

- موضوعات، چنانکه گفتم، در سه بخش: فقهی، اصولی و اقتصادی بود، بدین شرح:

فقهی:

۱. بررسی تحلیلی «تغییرات» و اختیارات دولت اسلامی در این رابطه.

۲. نگرش فقهی به مسأله «حفظ و سلامت محیط زیست».

۳. بررسی فقهی مسأله «کنترل جمعیت و موالید» و حدود و اختیارات دولت اسلامی.

۴. حدود اختیارات ولی فقیه.

۵. بررسی تحلیلی «قوانین مدنی» - عام و خاص - در فقه اسلامی.

۶. بررسی مسائل مستحدثه حج.

۷. بررسی مسائل مستحدثه‌ی قضا.

۸. بررسی تحلیلی آراء و انظار امام خمینی و سیر تحولات این دیدگاهها. (به عنوان اولین ولی فقیه که موفق به تشکیل حکومت اسلامی شدند).

۹. هنرهای تجسمی: مجسمه‌سازی، معماری و...

۱۰. هنرهای تصویری: فیلم، عکس و...

۱۱. بررسی فقهی مسأله «حجاب». (با عنایت به ضرورت احیای چادر که از ارزشهای اسلامی و ملی در کشور ماست).

۱۲. بررسی فقهی معضلات و تنگناهای پزشکی: پیوند اعضا خرید و فروش اعضا و خون، تلقیح مصنوعی، جلوگیری از بارداری

و...

۱۳. فقه سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی.

۱۴. فقه دفاع و امور نظامی.

۱۵. بررسی تحلیلی «موسیقی و غنا». (با عنایت به آراء سهل‌انگاران‌ایکه بعضا در این باب ارائه می‌شود).
موضوعات اقتصادی:

۱. بررسی معاملات ارزی.

۲. بررسی و تحلیل بورس اوراق بهادار.

۳. کنترل و نظارت بر قیمتها و حدود اختیارات نظام اسلامی.

۴. بررسی مالیات و خودیاری‌ها و اختیارات نظام اسلامی.

۵. تحلیل محدوددهی نظام مالکیت فردی و حل تعارضات آن با مالکیت دولت.

۶. بررسی معضلات و اشکالات وارده بر بانکداری اسلامی.

۷. نگرش فقهی به مسأله زمین.

۸. تجارت خارجی و جایگاه آن در فقه اسلامی.

۹. بررسی انفال و ثروت‌های عمومی ملی و شئون و اختیارات دولت اسلامی در رابطه با آن.

۱۰. بازننگری فقهی باب مزارعه.

۱۱. بازننگری فقهی باب مضاربه.

۱۲. بازننگری فقهی باب اجاره.

۱۳. بازننگری فقهی باب رهن.

۱۴. قواعد اصولی و کلی در باب معاملات.

۱۵. بررسی روابط کارگر و کارفرما.

موضوعات اصولی:

۱. تکلیف مدرکات حقیقی و اعتباری «حقایق و اعتباریات» در علم اصول و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه استنباط فقهی.

۲. جایگاه «عرف» در علم اصول و ارزش آن در دستیابی به قوانین فقهی.

۳. تنقیح مناط و محدوددهی ارزشی آن در فقه.

۴. بررسی تحلیلی عناصر مکان و زمان در اجتهاد.

۵. کاربرد و تأثیرات فلسفه در علم اصول.

۶. کاربرد و تأثیرات منطق در علم اصول.

۷. کاربرد و تأثیرات نحو در علم اصول.

۸. بررسی تحلیلی سیره‌ی مسلمانان و محدوددهی ارزشی آن در استنباط فقهی.

۹. تفکیک اوامر ولایی و تبلیغی معصومین و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه‌ی استنباط فقهی.

۱۰. نگرش روش‌شناسانه «حجیت‌ظهور» و بررسی شیوه‌های استظهار و ارزش این شیوه‌ها در استنباط.

۱۱. سیر تاریخی علم اصول و بررسی بالندگی و رکود آن در بستر تاریخ.

۱۲. بررسی و شناخت مذاق شریعت و روح فقه و محدوددهی ارزشی آن در استنباط فقهی. (روح فقه، عبارت است از نظریه‌های

عملی و اصولی که ساختار زیربنایی قوانین فقهی را شکل می‌دهد و به تعبیر دیگر زیربنای فقهی، که منشاء احکام فقهی می‌شود و فقیه در موارد سکوت ادله، یا تناقض و یا ابهام و تنافی آن، به آنها استناد می‌کند.

۱۳. جایگاه بنای عقلاء و ارزش آن، در دستیابی به قوانین فقهی.

۱۴. میزان کاربرد عملی علم اصول در فقه (این که در کتابهای فقهی، حقیقتاً، به چه میزان از علم اصول بهره‌برداری می‌شود).

۱۵. تفکیک و تعیین مباحث کم‌فایده و بی‌ثمر در علم اصول.

حوزه: در جهت اصلاح وضعیت اخلاقی حوزه، چه پیشنهادی دارید.

- پیشنهادی به مدرسان و گردانندگان حوزه دارم و توصیه‌ای به طلاب عزیز.

پیشنهادم این است که درس اخلاق را در حوزه زیاد کنند. یکی از بزرگان می‌گفت:

«در زمان مرحوم آقا سید عبدالهادی شیرازی در حوزه‌ی نجف، سی درس اخلاق بود.» در حوزه ما، حداقل، اکنون باید سی درس

اخلاق باشد. البته کسانی که می‌خواهند درس اخلاق بگویند، باید افراد مهذب باشند که بحمدالله چنین افرادی هستند در حوزه.

مدرسانی که درس فقه و اصول و ادبیات می‌گویند، می‌توانند در ضمن بحث‌ها، نکات اخلاقی را یادآور شوند و حداقل، یک روز

در هفته را به تذکرات اخلاقی اختصاص بدهند، چنانکه روش برخی از بزرگان ما بوده است.

سفارشی هم به طلبه‌ها دارم. از اینان می‌خواهم که به اخلاق و تهذیب نفس، اهمیت بدهند. کتابهای اخلاقی را زیاد بخوانند. قرآن

را، با این نگاه، زیاد بخوانند. اصول کافی، بخصوص جلد دوم آن، روایات مفیدی را مرحوم کلینی دسته‌بندی کرده است.

این را بدانید که علم بدون تهذیب نفس، ضررش، بیش از نفعش است. حجابی می‌شود که خدای نکرده، انسان را به انحراف

می‌کشاند.

حوزه: از حضرت عالی، اخیراً اثری منتشر شده به نام «دراسات فی الاخلاق و شؤون الحکمة العملية» لطفاً بفرمایید به چه انگیزه‌ای

دست به نگارش آن زدید و چه خلای‌احساس می‌کردید.

- برخی از مباحث اخلاقی که پس از انقلاب اسلامی، در نهادها و ارگانها داشته‌ام، به صورت موضوعی و مجموعه‌ای چاپ شده

است که به بیش از بیست جلد می‌رسد. با اینکه گفتار بوده و تبدیل گفتار به نوشتار، نواقصی را، خواه ناخواه، در پی دارد، ولی

مورد استقبال واقع شده، به گونه‌ای که برخی از آنها، تیراژ بسیار بالایی دارد. از این روی احساس کردم، جامعه به این گونه آثار

نیاز دارد. از سویی، آثار مکتوب در اخلاق، کم داریم و آنها هم، کمبودهایی دارند. مثلاً، «احیاء العلوم» نوشته غزالی، ام‌الکتب در

اخلاق است. این اثر، با اینکه اثری است ارزشمند، ولی نواقصی دارد، هم در محتوا و هم در روش.

مرحوم فیض، زحمت کشید و این کتاب را خلاصه کرد و روایات اهل بیت را بدان افزود، با این حال «محجۀ البیضاء» نیز، خالی از

اشکال نیست. زیرا هر چه باشد، تهذیب و تصحیح همان «احیاء العلوم» است.

من، تعجب می‌کنم که چرا مرحوم فیض، با آن همه توانایی علمی، اثری مستقل در اخلاق، ننگاشت.

بعدها مرحوم نراقی، جامع السعادات را ننگاشت. این اثر هم، متأثر از احیاء العلوم غزالی است. از این روی، وقتی به بحثهای سنگین و

ظریف اخلاقی می‌رسد، از آنچه در «احیاء العلوم» تجاوز نمی‌کند. و ضمناً متأثر از اخلاق ارسطویی و یونانی هم هست.

معراج السعاده هم، تلخیص و ترجمه جامع السعادات است به اضافه‌ی برخی از اشعار فارسی.

دیدم کتاب اخلاقی متکی بر ثقلین (کتاب و عترت) که از متن دین استخراج شده باشد، کم است. به این نکته توجه اساسی کرده‌ام

که علم اخلاق باید دلربا و دل‌انگیز باشد و اگر قرار شد علم اخلاق را با مصطلحات و انقسامات فلسفی مخطوط کنیم و همان

شیوه‌ی یونانی و ارسطویی را در این علم دنبال کنیم، همان طوری که ابن‌مسکویه در «طهارة الاعراق» و خواجه نصیر در بعض

کتابهایش و نراقی در «جامع السعادات» و دیگران کرده‌اند، کام هیچ خواننده‌ای شیرین نخواهد شد و اثر لازم را در دل سالکان

نخواهد گذارد و به عکس اگر اخلاق از متن دین، یعنی از دل کتاب و سنت که سرشار از معارف عمیق اخلاقی هستند، استخراج شود، بی هیچ تردید آن طراوت و حلاوت لازم را پیدا خواهد کرد و عقیم نخواهد ماند. از خداوند متعال، خواستم توفیق دهد، تا بتوانم، اثری در اخلاق، با تکیه بر قرآن و عترت، بنویسم.

ابتدا تصمیم داشتم، گروهی تشکیل بدهم و چندین جلد اخلاق به زبان فارسی، با استفاده از دیگر علوم وابسته، بنویسم، ولی مقدر نشد. از این روی تصمیم گرفتم، به زبان عربی بنویسم، اگر مورد قبول افتاد، دیگران آن را ترجمه کنند، تعلیقه بزنند و اشکالاتش را برطرف سازند.

تاکنون، یک جلد آن چاپ شده، مجلدات دیگر نیز، در دست اقدام است. به نظر خودم، آن چه می‌خواستم، موفق شده‌ام، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

حوزه: حضرت عالی تألیفات دیگری هم دارید، درباره‌ی آنها توضیح بفرمایید.

- در فقه و اصول، هم تألیف دارم و هم تقریر. از حضرت امام، آیه الله العظمی بروجردی و آیه الله العظمی داماد تقریرات بسیاری در فقه و اصول نوشته‌ام.

حوزه: در پایان، تقاضا داریم، توصیه‌ای برای ما و خوانندگان مجله بفرمایید.

- به جای این که خود توصیه کنم، در توصیه، از دو استاد بزرگوار خود، حضرت امام و علامه طباطبایی، برای شما نقل می‌کنم: اوایل پیروزی انقلاب، روزی خدمت امام بودیم. گروهی از شرکت نفت، برای ملاقات و بیعت با رهبری، خدمت امام آمده بودند. سخنگوی آنان، خیلی خوب، صحبت کرد. از جمله گفت:

«آقا! نیامده‌ایم بگوییم از انقلاب، چه می‌خواهیم آمده‌ایم بگوییم انقلاب، از ما چه می‌خواهد».

امام، از این سخن، بسیار خوشش آمد و برافروخته شد. آن گاه در پاسخ این عزیزان فرمود:

«انقلاب، از شما، دو چیز می‌خواهد:

یکی تهذیب نفس. چون اگر انسان، مهذب نباشد، نمی‌تواند برای انسانیت و جامعه‌اش، مفید باشد. خودگرا و خودمحور می‌شود آن گاه، هم خود بیچاره می‌شود و هم دیگران را بیچاره می‌کند. هر چه پست و مقام، بالاتر باشد، ضررش بیشتر خواهد شد. دومین چیزی که انقلاب از شما می‌خواهد، عمل به وظیفه است. هر کس، هر جا که هست آن چه را که وظیفه‌ی اوست، خوب انجام دهد.»

راستی اگر، همه‌ی ما، این دو توصیه حضرت امام را عمل می‌کردیم، خیلی پیشرفت ما بیشتر بود.

متأسفانه، این چند ساله، هر ضربه‌ای که خورده‌ایم، یا به خاطر این بوده است که خودساخته نبوده‌ایم، یا این که در عمل به وظیفه، کوتاهی کرده‌ایم.

من، این توصیه امام را تکرار می‌کنم که ما در این نظام مقدس و این نعمت بزرگ الهی، دو وظیفه داریم:

۱. تهذیب نفس.

۲. عمل به وظیفه.

اما توصیه‌ای از مرحوم علامه طباطبائی: آخرین جلسه‌ای بود که با گروهی از بزرگان، خدمت ایشان رفتیم. حال ایشان، خوب نبود. به احترام جمع، نشست، ولی حرف نمی‌زد. جلسه، طول کشید. بنده به ایشان عرض کردم، توصیه‌ای بفرمایید، تا مرخص شویم. ایشان فرمود: «چیزی یادم نیست» بعد، بلافاصله فرمود:

«این آیه، یادم آمد: اذکرونی، اذکرکم و اشکروا لی و لا تکفرون».

بعد از آن جلسه، حال ایشان بد می‌شود و ایشان را به بیمارستان می‌برند. لحظات آخر عمر شریف بود که به ملاقات ایشان رفتیم. ما

که از اتاق آمدیم بیرون، از قول خانم ایشان نقل کردند:

«لحظه‌ی مرگ، ایشان چشمها را باز کردند و به گوشه‌ای خیر شدند. آن گاه، سه مرتبه فرمودند: توجه! توجه! توجه! از دنیا رفتند.» این آخرین جمله ایشان، با آن آخرین، توصیه‌ی ایشان، هر دو، برای ما، یک پیام دارد که به یاد خدا باشید، همه ما، در محضر خداییم. توجه به نعمتهای خدا، توجه به این که ما در این دنیا، باید به کمال برسیم. توجه به این که قبری هست، برزخی هست، معادی هست.

مرحوم شهید، در دستورالعمل اخلاقی خود، توصیه می‌فرماید:

«انسان، در هر روز، حداقل، باید دو مرتبه به یاد مرگ باشد.»

توجه به این که ما ساخته شده‌ایم که در رفاه مطلق و لذت مطلق باشیم. هر کسی به اندازه‌ی سعه وجودی خود.

یکی لذت مطلقش، در «جنات تجری من تحت الانهار» است.

و یکی در صحبت کردن خدا با او «سلام قولا من رب رحیم». مباد که این لذتها را از یاد ببریم و فرو رویم در لذت‌های زودگذر

دنیا اگر لذت باشند و بشود اسم لذت روی آنها گذارد.

این جمله علامه، خیلی مهم است: توجه.

از خداوند می‌خواهم، این حال توجه را به همه‌ی ما عطا کند.

حوزه: از این که مزاحم وقت شریف حضرت عالی شدیم، پوزش می‌طلبیم و از حضرت عالی، به خاطر این لطف، سپاسگزاریم.

- من هم از شما تشکر می‌کنم و امیدوارم آنچه گفتم، مورد رضایت حضرت ولی عصر (عج) و مورد توجه شما واقع شود و اگر

وقت شما را گرفتم، گفته‌هایم مفید باشند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

مظفر، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۱۵ ق)، حکیم، طبیب، صوفی و شاعر، متخلص به مظفر. ملقب به مظفر علیشاه. برخی از تذکره‌ها تخلص وی را طریقتی ذکر کرده‌اند. در کرمان به دنیا آمد. در ابتدای جوانی تحصیل علوم عقلی و نقلی کرد. در کربلا نزد شریف العلماء فقه و اصول خواند. در حکمت الهی و طبیعی و علوم ادبی و عربی مرتبه‌ای عالی یافت. در نظم و نثر تحقیقات جامعی کرد. وی از مریدان و شیفتگان مشتاق علیشاه بود که پس از کشته شدن مراد، «دیوان» شعری به نام وی سرود، به همین دلیل مظفرعلیشاه را مولوی ثانی یا مولوی کرمانی خوانده‌اند، چرا که همچون ملای رومی در فراق مراد خود دیوانی سروده است. به قول صاحب «عرفای کرمان» وی پس از مشتاق علیشاه به خدمت نورعلیشاه و رونق علیشاه رسید و به دستور نورعلیشاه از رونق علیشاه ارشاد و تلقین گرفت تا اجازه‌ی ارشاد یافت و از خلفای او شد. وی سرانجام در کرمانشاه درگذشت. در چگونگی مرگ او نیز اقوال متفاوتی وجود دارد. از آثار وی: «بحر الاسرار»، شعر؛ «مجمع البحار» یا «جامع البحار»، تفسیر «سوره‌ی فاتحه»، در شرح «بحر الاسرار»؛ «دیوان مشتاقیه»، شعر؛ «کبریت احمر»؛ «خلاصه‌ی العلوم». [۱]

محمدتقی بن محمد کاظم از عارفان بنام سلسله نعمه‌اللهمیه (ف. کرمانشاه ۱۳۱۵ ه. ق). وی در علوم طبیعی، ریاضی و علوم نقلی از اصول و فروع بهره کافی داشت و گروهی از محضر درس او استفاده می‌کردند. در آغاز مجذوب مشتاق علیشاه کرمانی شد و به

خدمت نور علیشاه رسید و از نور علیشاه تلقین ذکر یافت. پس از قتل مشتاق علی شاه، مظفر علی به انشاء غزلیات و قصاید و قطعات و ترجیعات و رباعیات دیوان مشتاقیه پرداخت. فتحعلی شاه به اصرار آقا محمدعلی کرمانشاهی او را به تهران احضار کرد و به صوابدید حاجی ابراهیم خان او را به کرمانشاه فرستاد و در همان شهر در گذشت. از اوست تفسیر منظوم به نام بحرالاسرار، تفسیر منثور بنام مجمع البحار، رساله کبریت احمر (مشمول بر اوراد و اذکار طریقت نعمت‌اللهیه)، دیوان مشتاقیه. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۳۳)، تذکره‌ی مشاعران کرمان (۴۷۷-۴۷۱)، حدیقه الشعراء (۱۶۸۱-۱۶۷۱/۳)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۳۲۲)، الذریعه (۲۰/۲۱، ۲۰/۲۶۰، ۱۷/۱۰۶۱، ۹/۲۳۰، ۷/۲۹، ۳/۲۸۱-۳۰۲)، ستارگان کرمان (۳۶۱-۳۵۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۲۲۵)، طرائق الحقائق (۲۰۸-۳/۲۰۷)، عرفای کرمان (۱۰۸-۱۰۷)، فرهنگ سخنوران (۸۵۴)، لغت نامه (ذیل / مظفر کرمانی)، مجمع الفصحا (۹۴۳-۵/۹۳۴)، معجم المؤلفین (۱۲/۸۱)، مکارم الآثار (۵۶۰-۵۵۶/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۹-۲/۲۳۸)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۵۴).

مظفر، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین مظفر

محل تولد: بصره عراق

شهرت

تابعیت: عراق

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین مظفر فرزند یحیی در سال ۱۹۷۳ میلادی مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم، سپس وارد دانشکده «اداره و اقتصاد» دانشگاه مستنصریه بغداد و پس از آن به دانشگاه بصره منتقل شدم، و در سال ۱۹۷۷ میلادی مدرک لیسانس مدیریت و حسابداری دریافت کردم و در همین سال در مرحله کارشناسی ارشد بیمه به عنوان نفر اول در دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه بغداد و در حدود سال ۱۹۸۰ میلادی کامل کردم مرحله کارشناسی ارشد. و ممانعت حزب بعث از معرفی اینجانب به عنوان فارغ التحصیل سپس وارد حوزه علمیه نجف به ارشاد مرحوم شهید صدر و پایان نامه بیمه نزد ایشان ماند. در مدرسه دارالحکمه مرحوم حکیم زیر نظر شهید محمد حسین حکیم مقدمات را خواندم و نیز درس اخلاق را نزد مرحوم شهید سید صاحب حکیم و بعد از شهادت مرحوم صدر به ایران پناهنده شدم و وارد حوزه علمیه قم و به خاطر شرایط منفی سال های سال ترک درس کردم و سپس به دروس حوزوی بازگشتم. در سال ۱۳۷۷ در کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشگاه رضوی قبول شدم و در سال ۱۳۸۲ ش فارغ التحصیل شدم و در این مدت مشغول به پژوهش و تحقیق در پژوهشگاه دانشگاه رضوی و قبل از اینکه فارغ التحصیل بشوم پیشنهاد به راه افتادن درس صحیفه سجادیه در مرحله کارشناسی را دادم و جواب از وزارت علوم مثبت آمد و صحیفه سجادیه را تدریس کردم. در همان دانشگاه به مدت چهار ترم همچنین تدریس اصول فقه و فقه اللغه و صرف ساده به حوزه علمیه قم سپس باز گشتم و وارد درس خارج شیخ وحید در اصول و فقه و در سال دوم ادامه درس اصول وحید و در فقه خدمت استاد مکارم شیرازی.

مظهری، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسن مظهری

محل تولد: دامغان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات کلاسیک از دبستان تا دبیرستان در رشته علوم تجربی تا سال ۱۳۶۵ را در شهرستان دامغان گذراندم. تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۶۵ در حوزه علمیه قم شروع کرده و پس از اتمام سطح هم اکنون حدود ۶ سال دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده ام. در درس تفسیر حضرت آیه الله جوادی آملی حدود ۸ سال شرکت کردم. ۵ سال نیز در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در قم در رشته کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی تحصیل نموده و پس از تدوین پایان نامه به اخذ مدرک کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی موفق گردیدم. از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ تاکنون در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما ایران به ارزیابی، بررسی طرح و مشاوره پژوهش مشغول می باشم و تاکنون ده ها کتاب و جزوات پژوهشی با نظارت اینجانب به چاپ رسیده است.

معرفت، محمدهادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدهادی معرفت در سال ۱۳۰۹ هـ.ش در شهر کربلا- فرزندى دیده به جهان گشود که نام وی را «محمدهادی» گذاشتند. گروه: علوم انسانی رسته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: پدر محمدهادی شیخ علی، فرزند میرزا محمدعلی از نوادگان شیخ عبدالعالی میسی اصفهانی بود که به اتفاق والدین و دیگر اعضای خانواده در سال ۱۲۹۰ هـ.ش از سده اصفهان به کربلائی معلی مهاجرت کرد. شیخ علی دانشمند و خطیبی توانا و مورد احترام مردم کربلا بود که پدرانیش تا سه قرن همگی از سلسله جلیله روحانیت بودند. مادر استاد «سید زهرا» دختر سیدهاشم تاجر رشتی و متوطن در کربلا بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: «محمدهادی» از سن پنج سالگی برای کسب سواد به مکتب خانه شیخ باقر اصفهانی فرستاده شد. آنگاه مقدمات علوم اسلامی را

نزد پدر فرزانه خود و تنی چند از اساتید معروف نظیر حاج شیخ اکبر نائینی، سید سعید تنکابنی، شیخ محمد حسین مازندرانی، سیدمرتضی قزوینی و سید محمد شیرازی فراگرفت. مبادی فلسفه و دوره‌های فقه و اصول تا سطوح عالی را در کربلا و نزد پدر بزرگوار و برخی از اساتید بزرگ بهره گرفت و خوشه‌چین معارف الهیه شد. استاد معرفت در آغاز سال ۱۳۴۰ هـ.ش و پس از فوت پدر بزرگوارشان -رحمه الله علیه- به منظور تکمیل تحصیلات و رفعت هر چه بیشتر بنای دانش خویش همراه با خانواده به نجف اشرف مهاجرت کردند. در این سالها نجف اشرف منزلگاه اساتید فرهیخته و آیات عظامی همچون سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلّی، سیدعلی فانی اصفهانی و اخیراً حضرت امام خمینی -قدس سره- هم بود؛ استاد فرصت بهره‌گیری از این گلستان معرفت را قدر دانسته از هر گلی شهدی نوشید و مجمع فضائل خوبان شد. خاطرات و وقایع تحصیل: انگیزه حضرت استاد در رو آوردن به پژوهشهای قرآنی را از قلم معظمه استفاده میکنیم: هنگام مراجعه و مطالعه برای آمادگی تدریس تفسیر به حقیقت تلخی برخورد کردم و آن، فقدان بحث زنده پیرامون مسائل قرآنی، در کتابخانه‌های فعلی تشیع بود. این برخورد تلخ از آنجا بود که برای تهیه مقاله‌ای پیرامون مسأله «ترجمه قرآن»، به کتابخانه تخصصی قرآن مراجعه میکردم و در این زمینه کتابهای زیادی که برخی در دو مجلد و نیز رساله‌ها و مقالات بسیاری از مصر و غیره در اختیار بود که دانشمندان معاصر آن دیار نوشته بودند، ولی در حوزه نجف جز یک برگ اعلامیه حضرت آیت الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء چیز دیگری نیافتم. این امر بر من گران آمد و مرا بر آن داشت که در زمینه مسائل قرآنی به طور گسترده، دیدگاههای دانشمندان گذشته و حال مکتب را روشن و عرضه کنم، نتیجه آن تلاش پیگیر هفت مجلد «التمهید» و دو مجلد «التفسیر و المفسرون» گردید. در نوشته اخیر تکمیل «مافات» نوشته «محمدحسین ذهبی» مصری را انجام دادم که به ناحق جایگاه تشیع را در حیطه قرآنی نادیده گرفته بودم. فعالیتهای ضمن تحصیل: سال ۱۳۵۱ ش حکمت الهی اقتضا کرد تا عدو سبب خیر شود و استاد از عراق به ایران مهاجرت نماید حکومت بعث عراق دستور بازگرداندن ایرانیان مهاجر را از عراق صادر کرد و استاد فرزانه حاج شیخ محمدهادی معرفت با کولهباری از فضل و دانش به اتفاق خانواده رهسپار ایران و ساکن قم شد. این فاضل جوان در بهار ۴۲ سالگی، فرصت حضور در درس اصول میرزا هاشم آملی -رحمه الله علیه- را که از شاگردان میرزا آغا ضیاء عراقی بود، غنیمت شمرد و از خرمن دانش آن پیر فرزانه خوشه‌های معرفت چید. و به این ترتیب شخصیت علمی محقق فرهیخته، استاد معرفت شکل گرفت و دوران طولانی بهره‌گیری علمی از اساتید برجسته و ممتاز حوزه‌های علمیه کربلا، نجف اشرف و قم، از او مجتهدی مسلط بر مبانی فقهی، اصولی ساخت که روح دانشاندوزی را با جدیت، تلاش، نوآوری، شجاعت در ابراز عقیده، توجه به آرای سلف در کنار نقد و بررسی آنها، نخبه‌گویی و حذف زوائد و تأمل در مسائل مهم، همراه کرد و با این سرمایه عظیم در سه حوزه تدریس، پژوهش و تألیف و به خصوص ورود به عرصه‌های نو و راه‌های طی نشده دست به کار شد. در عنفوان جوانی و همزمان با تحصیل دروس فقه و اصول، با همکاری جمعی از فضلاء مشهور کربلا از جمله سیدمحمد شیرازی، سیدعبدالرضا شهرستانی، سیدمحمدعلی بحرانی، شیخ محمدباقر بهبودی و ... دست به تأسیس و نشر ماهنامه‌های با نام «اجوبه المسائل الدینیة» زدند. این گروه در اطلاعیهای آمادگی خود را برای پاسخگویی به سؤالات دینی مردم اعلام کردند و در مدت سالیان متمادی با جدیت تمام به پاسخ سؤالات رسیده، پرداختند. این ماهنامه با استقبال فراوان مردم از جمله دانشگاههای عراق و حتی خارج از کشور روبرو شد. و حاصل پاسخها که گاه در شکل مقالات علمی - تحقیقی تحریر میشد بعضاً صورت مستقل چاپ و منتشر گردید. استادان و مربیان: از استادان محمدهادی معرفت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شیخ محمد کلباسی شیخ محمد حسین مازندرانی شیخ محمد خطیب سید حسن آغامیر قزوینی حاج شیخ اکبر نائینی سید سعید تنکابنی شیخ محمد حسین مازندرانی سیدمرتضی قزوینی سید محمد شیرازی شیخ یوسف بی‌ارجمندی خراسانیهم دوره‌ای‌ها و همکاران: محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلّی، سیدعلی فانی اصفهانی و اخیراً حضرت امام خمینی (قدس سره) ازهمدوره‌ایهای شیخ محمدهادی معرفت بوده‌اند. زمان و علت

فوت: شیخ محمد هادی معرفت در سال ۱۳۸۵ دار فانی را وداع گفتند. فعالیتهای آموزشی: حضرت آیت الله معرفت از آغازین سالهای تحصیل علوم اسلامی به امر تدریس و تحقیق پرداختند. علوم ادبی و علمی را متناسب با میزان رشد علمی تدریس کردند و در هفته یکبار برای جوانان کربلا، جلسات پرشور علمی اسلامی برپا کردند. با هجرت استاد معرفت به قم فعالیتهای تدریسی، تحقیقی و تألیفی ایشان گسترش یافت. وی عمده وقت خود را به تدریس رسائل، مکاسب، کفایه و سپس خارج فقه و اصول اختصاص داد و از جمله در مدرسه عالی حقانی و به دعوت شهید قدوسی مدیر محترم مدرسه، به تدریس مسائل قرآنی و به ویژه علوم قرآن پرداختند. محصول تلاش استاد در سنگر تدریس تربیت صدها شاگرد در موضوعات فقهی، اصولی و قرآنی است و سپس برای جمعی از طلاب جوان و با علاقه، مباحث علوم قرآنی را در مؤسسه آموزشی - تحقیقاتی معارف اسلامی امام رضا (ع) تدریس میکردند. این محقق برجسته به دنبال سکونت در قم، تحقیقات انجام شده در نجف اشرف را به طور گسترده مورد بازبینی و تعمیق و توسعه قرار داد. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: از جمله کارهایی که شیخ معرفت انجام داده اند، تاسیس و نشر ماهنامه ای به نام اجوبه المسائل الدینیة بود. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: استاد معرفت در نجف اشرف بخش عمدهای از وقت خود را مصروف تدریس و تحقیق نمودند؛ صبحها علاوه بر تحصیل، به تدریس میپرداختند و عصرها را به امر تحقیق و تدوین اختصاص دادند. در این زمان بود که با گروهی از فضلاء مشهور نجف اشرف از جمله «سید جمال خویی فرزند برومند آیت الله العظمی خویی سید محمد نوری، سید عبدالعزیز طباطبائی، شیخ محمد رضا جعفری اشکوری، دکتر محمد صادقی و در سالهای اخیر استاد عمید زنجانی جلسات هفتگی تشکیل و پیرامون مباحث و موضوعات مختلف به بحث و تحقیق همت گماردند. هر یک از این فضلاء رشتههای از علوم اسلامی را موضوع تحقیق خود قرار دادند. در اینجا بود که حضرت استاد معرفت پژوهشهای خود را در رشته «علوم قرآنی» پایه گذاری کردند. چگونگی عرضه آثار: از جمله مقاله های استاد معرفت که به زبان عربی تألیف و برخی از آنها به فارسی ترجمه و منتشر شد، میتوان به این موارد اشاره کرد: «حقوق زن در اسلام»، «ترجمه قرآن، امکان، ضرورت»، «دو فرقه شیخیه، اسکویی، کریمخانی»، «اهمیت نماز و تاثیر آن در صیانت فردی و اجتماعی». آثار: آموزش علوم قرآنی، احکام شرعی، التفسیر الاثری الجامع، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، التمهید فی علوم القرآن و ویژگی اثر: جزوات «التمهید» یکی پس از دیگری به زیور طبع آراسته شد و به دنبال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی چاپ «التمهید» که به سه جلد رسیده بود، به همت انتشارات جامعه مدرسین تجدید چاپ و مابقی مجلدات آن تا شش مجلد انتشار یافت. ۶ تاریخ قرآن، تفسیر و مفسران و ویژگی اثر: جدید چاپ کتاب تفسیر و مفسران در دو جلد و ترجمه آن به زبان فارسی، جلوه های دیگر از مراحل کمال تحقیق و پژوهش استاد میباشد. ۸. تلخیص التمهید، تمهید القواعد، تناسخ الارواح (بازگشت روح)، جامعه مدنی (مجموعه مقالات)، حدیث لاتعاد، حدیث من زاد فی صلاته، شبهات وردود حول القرآن و ویژگی اثر: حضرت استاد در پاسخ شبهات وارده بر قرآن که بهطور عمده از سوی شرقشناسان و برخی روشنفکران دنیای عرب و ایران مطرح میشد دست به تألیف کتاب «شبهات وردود» زدند که در سال ۱۳۸۲ به زیور طبع آراسته شد. این حدیثشناس، مفسر و فقیه مکتب اهل بیت (ع) که معتقد به ضرورت استفاده از تراث سلف و نگران کوتاهی در نقادی روایات تفسیری هستند، از سال ۱۳۷۹ ش محصول تجارب ارزنده خود را به خدمت تألیف تفسیری جامع از آثار گذشتگان در آورد و به جمعآوری و تنسیق روایات تفسیری فریقین پرداخت. ایشان در این کار گروهی که با مساعدت دو گروه ده نفره از شاگردان و نخبگان حوزوی و تربیت یافتگان مدرسه قرآنی صورت گرفته است، روایات تفسیری را که جملگی به صورت خام در کتابها عرضه شده، به محک نقد و بررسی گذاشته و برای جدا سازی سلیم و سقیم این روایات و قیمتگذاری و تعیین ارزش هر یک از آنها اهتمام نموده اند. تاکنون یک مجلد از این اثر ارزنده با نام «التفسیر الاثری الجامع» به زیور طبع آراسته شده است. ۱۴. صیانه القرآن من التحریف و ویژگی اثر: ایشان با توجه به مهمترین سؤالاها یا شبههای مخالف با کرامت قرآن و یا مذهب تشیع دست به کار تألیف شدند، از جمله کتاب «صیانه القرآن من التحریف» را در دفاع از حریم قرآن و حراست از کرامت

آن نوشتند. «احسان الهی ظهیر»، نویسنده متعصب پاکستانی، شیعیان را متهم ساخت که قائل به تحریف قرآن میباشند؛ استاد مجاهد و پاسدار ارزشهای اسلامی در مدت شش ماه کتاب «صیانه القرآن»... را در جواب وی به رشته تحریر درآورد و در تاریخ ۲/۸/۶۶ ش، به چاپ رساند. ۱۵ علوم قرآنی، مالکیه الارض، ولایت فقیه، ولایه الفقیه ابعادها و حدودها منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما ۱k - /www.hawzah.net

معزی، محمد کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قرآن شناس معروف معاصر، استاد حاج سید علی کمالی دزفولی، صاحب آثار عدیده ی قرآنی، درباره ی مرحوم معزی که با ایشان خویشاوندی هم داشته چنین فرموده اند: شیخ محمد کاظم فرزند شیخ محمد و او فرزند حاج شیخ محمد رضا فقیه به نام، از اولاد معزالدین، عالم معروف دوران صفویه، در سال ۱۲۹۸ ش در دزفول به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۸ ش در تهران وفات یافت و در مقبره ی شیخان قم مدفون گردید. تحصیلات بعد از مکتب خانه ی او در خدمت جدش حاج شیخ محمدرضا شروع شد و زیر توجه و علاقه ی خاص او مدارج علمی را به طور مضاعف طی کرد. استادانش در دزفول، جد مادری اش آقا شیخ محمد باقر و عموزاده اش آقا میرزا محمد علی، و چند سالی در قم، آیت الله بروجردی تا نیل به درجه ی اجتهاد بود. علاوه بر عربی، به زبان انگلیسی هم آشنا بود. چند سالی در دانشکده ی الهیات دانشگاه تهران تدریس کرد. معلومات او از محدوده ی تحصیلات متداول بسیار فراتر بود. اثر مهمش ترجمه ی قرآن مجید به فارسی است، که اشتباهاتی ناچیز و اندک از قبیل کاربرد ماضی و مضارع به جای همدیگر در آن یافت می شود و ترجمه اش هنوز در میان ترجمه های امروز می درخشد. نمونه ی اخلاق و فروتنی اسلامی بود. رحمه الله علیه. (برگرفته از بیانات استاد حاج سید علی کمالی دزفولی).

مفتح، محمد هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد هادی مفتح

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۲۰

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۲ تحصیلات ابتدایی را در دبستان نیکان تهران آغاز نموده و تمامی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی و دبیرستان را در مدرسه دبستان راهنمایی و دبیرستان نیکان به اتمام رساندم. در سال ۱۳۶۴ مدرک دیپلم در رشته ریاضی فیزیک با معدل ۱۹.۵ اخذ کردم.

ورود من به دانشگاه در سال ۱۳۶۴ و در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه تهران می باشد که با توجه به حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل و بروز مشکلاتی همچون تعطیل ترم دانشگاه ها بر اثر موشک باران در آبان ماه سال ۱۳۷۰ مدرک مهندسی برق و الکترونیک را از دانشکده فنی دانشگاه تهران اخذ نمودم.

در کنار تحصیل در دبیرستان و دانشگاه به طی مدارج علمی حوزوی و حضور در دروس حوزه های علمی تهران پرداختم به نحوی که در سال ۱۳۷۰ همزمان با اخذ مدرک دانشگاهی لیسانس، دروس حوزوی را نیز تا مکاسب محرمه و قطع و ظن رسائل به انتها رسانده بودم.

پاره ای از اساتید دروس حوزوی اینجانب تا این مرحله عبارتند از: آیت الله سید علی هاشمی گلپایگانی اصول فقه (مظفر)؛ پاره ای از کتب شرح لمعه

آیت الله سید حسین مصطفوی عمده کتابهای شرح لمعه

آیت الله سید حسن مصطفوی شرح تجرید

دکتر ابوالقاسم گرجی مکاسب محرمه

آیت الله سید رضی شیرازی قطع و ظن (رسائل)؛ شرح منظومه سبزواری (حکمت)

پس از حضور در حوزه علمیه قم دروس سطح عالی را تکمیل نمودم که اساتید این دوره تخصصی عبارتند از: استاد علی محمدی: براءت (رسائل)

استاد اعتمادی: استصحاب (رسائل)

آیت الله رضا استادی: بیع (مکاسب)

آیت الله سید علی محقق داماد: خیارات (مکاسب)

آیت الله قدیری: کفایه

با اتمام دروس سطح عالی و بجهت گذراندن دوره خدمت سربازی به تهران بازگشته و با حکم مأموریت از سپاه پاسداران به عنوان کارشناس کامپیوتر در وزارت صنایع و شرکت شیشه قزوین مشغول گشتم. و نیز مسئولیت گروه معارف صدای جمهوری اسلامی را به مدت قریب دو سال عهده دار بودم. در این دو سال از دروس خارج فقه و اصول تهران استفاده می نمودم که اساتید این دروس عبارتند از:

آیت الله خامنه ای: خارج فقه (جهاد)

آیت الله مجتبی تهرانی: خارج اصول، خارج فقه (ولایت فقیه و مکاسب محرمه)

آیت الله محمدی گیلانی: خارج فقه (صلاه مسافر)

پس از بازگشت به قم در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه شرکت نمودم که اساتید این دوره عبارتند از:

آیت الله فاضل لنکرانی: خارج اصول

آیت الله شبیری زنجانی: خارج فقه (خمس، نکاح)

آیت الله مومن: خارج اصول

آیت الله جوادی آملی: خارج اسفار (فلسفه تخصصی)

از سال ۱۳۷۵ و پس از شرکت در آزمون مقطع کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) رشته علوم قرآن و حدیث به تحصیل در این رشته در دانشکده اصول الدین پرداختم که این دوره تحصیلی با ارائه پایان نامه و کسب نمره نهایی ۱۹ در سال ۱۳۷۸ پایان یافت.

سال ۱۳۸۳ پس از قبولی در کنکور سراسری مقطع دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشکده اصول الدین به تحصیل اشتغال

یافتم، که با دفاع از رساله دکتری در ۲۲ خردادماه ۱۳۸۷، و با کسب درجه عالی و نمره ۱۹ بابت این رساله، دوره تحصیل دکتری را به پایان رساندم.

در کنار ادامه تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و اشتغال به مسئولیت‌های اجرایی و علمی مختلفی همچون تاسیس و راه‌اندازی شبکه سراسری رادیو معارف طراحی و ادامه تولید سیستم جامع مکانیزه مدیریت حوزه علمیه قم و ... به تدریس دروس حوزوی و دانشگاهی پرداختم، که در این زمینه تا کنون دروس بدایه الحکمه؛ اصول فقه (مظفر)، مکاسب (محرمه، بیع، خیارات) هر کدام یک دوره، کفایه (اوامر، نواهی، اصول عملیه) دو دوره، و رسائل (قطع و ظن، برائت، استصحاب) سه دوره تدریس شده‌اند. و نیز دروس دانشگاهی تحریف قرآن، رابطه قرآن و سنت، تفسیر موضوعی، اعجاز قرآن، روش‌شناسی استنباط از متون دینی، تفسیر فقهی، تفسیر عقلی، تفسیر روایی، قرائت و درک متون عرفانی، منطق، علوم قرآنی ۱، علوم قرآنی ۲، علوم قرآنی ۳، و ... تدریس شده‌اند.

مفتون دنبلی آذربایجانی، عبدالرزاق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۳-۱۱۷۶ ق)، ادیب، مورخ، عالم، مفسر، نویسنده، عارف و شاعر، متخلص به مفتون. در خوی آذربایجان به دنیا آمد. هنگامی که کریم خان زند برای اطمینان خاطر از جانب امرای آذربایجان، اولاد آنان را به گروگان گرفت، پدر مفتون، او را به جای برادرش، در ده سالگی، به شیراز فرستاد. وی چهارده سال در شیراز بود و در این مدت به تحصیل علم و معرفت و کسب فضل و دانش پرداخت. بعد از فوت کریم خان و تسخیر شیراز به دست علیمراد خان زند، گروگانها از آنجا به اصفهان برده شدند و پس از فوت علیمرادخان، در ۱۱۹۹ ق، آقا محمد خان، آنان را آزاد نمود و اجازه داد تا به آذربایجان بازگردند. وی به نظم و نثر فارسی و عربی مسلط بود و به هر دو زبان شعر می‌سرود. در انواع شعر نیز به قصیده و مثنوی بیشتر تمایل داشت. او در ۱۲۴۱ ق به زیارت عتبات عالیات و بیت‌الله الحرام رفت و پس از بازگشت در تبریز درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «مآثر خاقانی»، در تاریخ قاجاریه؛ «مآثر سلطانی» یا «مآثر سلطانی»، مبنی بر مآثر سلطنت فتحعلی‌شاه، از زمان جلوس تا ۱۲۴۱ ق؛ «حدائق الجنان»، در سرگذشت خودش در شیراز و شرح حال شعرا و فضیلت آن شهر، همراه شمه‌ای از احوالات کریم خان زند؛ «نگارستان دارا»، در شرح حال شعرای دوره فتحعلی‌شاه؛ «تجربه الاحرار و تسلیه الابرا»، در شرح حال عده‌ای از علما و معاریف و شعرای معاصر خود؛ شرح «مشاعر» ملا صدرا؛ ترجمه «عبرت نامه» (بصیرت نامه) از ترکی به فارسی؛ «حقایق الانوار»، در شرح حال شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدائق الادباء»، شامل منشآت و مطارحات شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدیقه»، در شرح حال شعرای عرب و معانی بعضی از اشعار آنها، به فارسی؛ مثنوی «ناز و نیاز»؛ مثنوی «همایون نامه»، در احوال مختار ثقفی؛ مثنوی دیگری در بحر رمل؛ «ریاض الجنه»، در تاریخ سلسله‌ی دنباله؛ «روضه الآداب و جنه الالباب»، در شرح حال شعرای عرب، به عربی؛ «دیوان» شعر. گویند مفتون در تألیف تاریخ «زینة التواریخ» با میرزا رضی، متخلص به بنده، مشارکت داشته است. [۱]

(شاعر) عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص به «مفتون» (و. ۱۱۷۶ ه. ق- ف. تبریز ۱۲۴۳ ه. ق) یکی از دانشمندان و سخنوران بزرگ آذربایجان در دوره قاجاریه بود. وی در سال ۱۲۷۶ ه. ق در شهر خوی متولد شد، از سن ده سالگی تا ۲۴ سالگی (چهارده سال) به عنوان گروگان در شیراز بازداشت بود و در این مدت به تحصیل علم و ادب پرداخت، در زمان آغا محمدخان قاجار مرخص شده و به آذربایجان برگشت. در زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه به منصب استیفا و نویسندگی ارقام دیوانی نایل گردید. وی تألیفات

گرانبهائی از خود به یادگار گذاشت از جمله: حدائق الجنان، روضة الاداب و جنة الالباب. حدائق الادباء، مآثر سلطانی، کلیات دیوان و غزلیات، مثنوی ناز و نیاز، منظومه‌ای بنام مختارنامه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۷/۴۷۰)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۰۱-۳۹۹/۲، ۶۹۰-۶۸۹/۱)، تجربه الاحرار و تسلیه الابرار (مقدمه، ۴۶۴-۴۵۵، ۱۳۷-۱۲۱)، حدیقه الشعراء (۱۶۹۳-۱۶۹۰/۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۷-۳۵۳)، الذریعه (۳۴۳، ۳۱۷، ۲۸۸، ۵/۱۹، ۹۲-۹۱/۱۲، ۳۲۳، ۲۸۴/۱۱، ۱۰۸۳/۹)، ریحانه (۳۵۶-۳۵۵/۵)، سبک شناسی (۳۳۱-۳۱۹/۳)، سفینه المحمود (۶۷۰-۶۶۹/۲)، شرح حال رجال (۲/۲۶۴)، فرهنگ سخنوران (۸۶۶-۸۶۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۲۸۵)، لغت نامه (ذیل/مفتون دنبلی)، مجمع الفصحا (۱۰۰۸-۱۰۰۷/۶)، مکارم الآثار (۱۲۰۴-۱۲۰۳/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۷-۸۴۶/۳)، نگارستان دارا (مقدمه/و-ی، ۲۹۷-۲۸۲).

مفسر تهرانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مفسر تهرانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و مانند مرحوم حمام گلشنی سلمان زمان خود و در زهد و ورع ابی ذر اوان و دارای مقامات معنوی و صفاء باطنی بوده بسیاری از افاضل دانشمندان و اخیار بازرگانان و اصناف تهران در مسجد جامع از تفسیر او استفاده نموده‌اند. از علماء مرحوم حجة الاسلام حاج آقا حسین اثنی عشری شاه عبدالعظیمی صاحب تفسیر مطبوع اثنا عشری و مرحوم ثقة الاسلام آقای آشیخ محمد حسین زاهد و از تجار جناب عمدةالتجار و الاخیار حاج میرزا عبدالحسین محسنی از شاگردان وی بوده‌اند.

از آثار آن بزرگوار تفسیر شریف مقتنیات است در ده جلد که به سعی حاج میرزا عبدالحسین محسنی مذکور به طبع رسیده است. آن مرحوم در حدود ۱۳۶۲ قمری از دنیا رفته و در مقبره خصوصی واقع در قسمت شمالی صحن امامزاده عبدالله شهر ری مدفون گردید و در جلالت آن بزرگوار کفایت که بعضی از ثقات و مردم با معنویت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف را در سر قبر او دیده‌اند چنانچه به آن اشاره گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مفسر نیشابوری، ابونصر منصور

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۲-۳۳۷ ق)، مفسر و محدث. از خاندان علم و فضیلت بود. از ابوالعباس اصم و ابوالحسن فارسی و ابوعلی نیشابوری حافظ حدیث شنید. شیخ الاسلام ابواسماعیل خواجه عبدالله انصاری و عبدالواحد قشیری و گروهی دیگر از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۴۴۲-۴۴۱/۱۷)، طبقات المفسرین داودی (۳۳۸/۲)، العبر (۲/۲۴۹).

مفید، محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید است در جلالت و کرامتش کافی است تویع شریف از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف برای او وراثتی که در مرگش فرمودند.

لاصوت الناعی لفقده انه

یوم علی آل الرسول عظیم

ولادتش در سال ۳۳۶ قمری و وفاتش در ماه رمضان سال ۴۱۳ در سن ۷۶ سالگی در بغداد واقع شد و هشتاد نفر از شیعیان در تشیع او شرکت نموده و او را در کاظمین در پائین پای قبر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام دفن نمودند و بیش از دویست تصنیف و تألیف برای او نوشته‌اند که از آنهاست ارشاد و اختصاص والمقنعه در فقه و مسار الشیعه والمجالس والعیون والمحاسن و... برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مقدسی شیرازی، ابوالفرج عبدالواحد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۸۶ ق)، فقیه حنبلی، اصولی، واعظ و مفسر. در عراق به مقدسی معروف بود. اصلش از شیراز است. در حران به دنیا آمد. وی به بغداد رفت و ملازم ابویعلی بن فراء قاضی شد و از او فقه آموخت و خود به تدریس و وعظ پرداخت. آنگاه به شام رفت و در بیت المقدس سکنی گزید و در همان جا به ترویج مذهب امام احمد حنبل پرداخت و تصانیفی در فقه و اصول نگاشت. از ابوالحسن بن سمسار و شیخ الاسلام ابوعثمان صابونی و عبدالرزاق بن فضل کلاعی و جماعتی دیگر در دمشق حدیث شنید. او شیخ شام و شیخ الاسلام زمان خویش بود. در دمشق درگذشت و در مقبره‌ی باب الصغیر دفن شد و قبرش مزاری مشهور گردید. از آثارش: «الجواهر»، در تفسیر قرآن؛ «المبهبج» و «الایضاح»، در فروع فقه حنفی؛ «التبصره»، در اصول دین؛ «مختصر فی الحدود»؛ «مختصر فی اصول الفقه»؛ «مسائل الامتحان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۴۲۵، ۲/۲۸۷، ۱/۱۵۵)، تذکره الحفاظ (۳/۱۱۹۹)، ذیل طبقات الحنابله ابن رجب (۷۳-۶۸/۳)، سیر النبلاء (۵۳-۱۹/۵۱)، شذرات الذهب (۳/۳۷۸)، طبقات الفقهاء الحنابله (۳۳۴-۳۳/۲)، طبقات المفسرین داودی (۳۶۲-۳۶۰/۱)، العبر (۲/۳۵۲)، الکامل (۸/۱۶۹)، معجم المؤلفین (۶/۲۱۲)، هدیة العارفین (۱/۶۳۴).

مقصودی، فریا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فریبا مقصودی کرمانشاهی در سال ۱۳۴۰، در کرمانشاه متولد گردید. وی از دانش آموزان ممتاز در دوران ابتدایی و متوسطه بود که از دبیرستان وابسته به دانشگاه رازی کرمانشاه در رشته ی ریاضی با معدل برتر و احراز رتبه ی ممتاز فارغ التحصیل شد؛ همزمان با تعطیلی دانشگاه ها در ابتدای انقلاب به هنر خوشنویسی روی آورد و پس از استفاده از استادان صاحب نام، در سال ۱۳۶۴ به دریافت گواهینامه ی ممتاز از انجمن خوشنویسان ایران نائل گردید. مقصودی پس از آنکه هنر خوشنویسی را با درجه ممتاز به پایان رساند به تدریس و تعلیم هنر خوشنویسی در انجمن خوشنویسان ایران و دانشگاه تهران و مراکز هنری و علمی دیگر اشتغال یافت. گروه: هنررشته: خوشنویسیوالدین و انساب: فریبا مقصودی کرمانشاهی، فرزند کریم و طوبی از ایل گوران، در سوم اسفند ۱۳۴۰ در کرمانشاه دیده به جهان گشود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: فریبا مقصودی کرمانشاهی از دانش آموزان ممتاز در دوران ابتدایی و متوسطه بود که از دبیرستان وابسته به دانشگاه رازی کرمانشاه در رشته ی ریاضی با معدل برتر و احراز رتبه ی ممتاز فارغ التحصیل شد؛ همزمان با تعطیلی دانشگاه ها در ابتدای انقلاب به هنر خوشنویسی روی آورد و پس از استفاده از استادان صاحب نام، در سال ۱۳۶۴ به دریافت گواهینامه ی ممتاز از انجمن خوشنویسان ایران نائل گردید. استادان و مربیان: فریبا مقصودی کرمانشاهی در زمینه ی خوشنویسی از استادانی چون ابوالفضل عطوفی کرمانشاهی، عبدالله جواری کرمانشاهی، رضا منوری یزدی، معین الکتاب اصفهانی، یدالله کابلی خوانساری، کرملی شیرازی، غلامحسین امیرخانی و آیت الله حاج سیدمرتضی نجومی استفاده های فراوان برد. فعالیتهای آموزشی: فریبا مقصودی کرمانشاهی پس از آنکه هنر خوشنویسی را با درجه ممتاز به پایان رساند به تدریس و تعلیم هنر خوشنویسی در انجمن خوشنویسان ایران و دانشگاه تهران و مراکز هنری و علمی دیگر اشتغال یافت. آرا و گرایشهای خاص: از آنجا که تحصیل هنری فریبا مقصودی کرمانشاهی در خوشنویسی، در زمینه نستعلیق بوده و از آغاز کتابت، نستعلیق را رشته اصلی خود قرار داده است، زیرا معتقد می باشد که در طی قریب پانزده سال تلمذ و تعلیم به اعتلاء و جاودانگی و تاثیر فرهنگی و هنری کتابت، بیش از گونه های دیگر خوشنویسی پی برده است. جوایز و نشانها: خوشنویسی مصحف شریف به خط نستعلیق براساس نسخه عقمان طه از جمله کارهای برجسته ی هنری خانم مقصودی می باشد که بعد از تایید استادان و کارشناسان هنری و با نظارت مصححین دارالقرآن، به در مراسم اختتامیه مسابقات بین المللی حفظ و قرائت قرآن در پنچشنبه سیزدهم آذرماه ۱۳۷۶، به محضر مقام معظم رهبری اهداء و مورد تقدیر قرار گرفت. فریبا مقصودی کرمانشاهی در پنجمین نمایشگاه قرآن مجید - ۲۵ دی ماه ۱۳۷۶ - و مراسم تجلیل از خادمان قرآن معرفی و به دریافت لوح تقدیر از ریاست محترم جمهوری ایران، نایل شد.

آثار: تاریخ شعر وادبیان محلی کرمانشاهان ویرگی اثر: این کتاب یک دوره ی پنج جلدی است. ۲ دیوان پروین اعتصامی دیوان سید یعقوب ماهیدشتی کرمانشاهی شرح زیارت عاشورا کنز العرفان ویرگی اثر: دیوان میر محمد صالحی الحسنی نعمه اللهی ماهیدشتی، معروف به حیران کرمانشاهی. ۶ کوچه باغی ها مناسک حج یادنامه علامه طباطبایی یادنامه ی استاد شهید مرتضی مطهری

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

مقیسه، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین مقیسه

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات ابتدائی، حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه شدم، دو سال در حوزه مشهد و بقیه را در قم بوده ام. حدود چهار سال پس از شروع تحصیلات حوزوی، سفرهای حوزوی - تبلیغی و کلاسهای قرآن داشته ام، حدود سال ۱۳۶۵ مدتی در جامعه الزهرا (س) تدریس اعتقادات و در حوزه تدریس دروس حوزوی داشته ام. سال ۶۶ در آزمون تربیت مدرس دارالشفاء شرکت و پذیرفته شدم و پس از گذراندن دوره سه ساله آن در دانشگاه شهید بهشتی تهران و در گروه معارف اسلامی عضو هیئت علمی شدم و تدریس دروس معارف اسلامی را آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد. علاوه بر دانشگاه شهید بهشتی در دانشگاههای تهران، علامه، بهزیستی، آزاد علمی کاربردی و علوم پزشکی شهید بهشتی و تهران هم تدریس و همکاری علمی داشته ام. تاکنون بیش از ۱۱ مقاله در موضوعات مختلف معارفی و قرآنی در مجلات مختلف و مجموعه مقالات همایشها و نیز کتاب نظم هستی که پایان نامه دوره تربیت مدرس قم بود با اضافات و اصلاحاتی توسط بوستان کتاب چاپ و منتشر شده در تهیه و تنظیم کتاب مفتاح مجمع البیان نیز همراه و همکار نویسنده آن بوده ام که به اهتمام پژوهشکده باقرالعلوم (ع) و انتشارات اسوه چاپ شد. حدود ده سال هم هست که توفیق همراهی با حجاج خانه خدا و تشریف به حرمین شریفین و عتبات عالیات را به عنوان روحانی کاروان دارم. نوشته های چاپ نشده متعددی هم دارم که احتمالاً در آینده اگر خدا بخواهد منتشر خواهد شد.

مقیسه، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین مقیسه

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات ابتدائی، حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه شدم، دو سال در حوزه مشهد و بقیه را در قم بوده ام. حدود چهار سال پس از شروع تحصیلات حوزوی، سفرهای حوزوی - تبلیغی و کلاسهای قرآن داشته ام، حدود سال ۱۳۶۵ مدتی در جامعه الزهرا (س) تدریس اعتقادات و در حوزه تدریس دروس حوزوی داشته ام. سال ۶۶ در آزمون تربیت مدرس دارالشفاء شرکت و پذیرفته شدم و پس از گذراندن دوره سه ساله آن در دانشگاه شهید بهشتی تهران و در گروه معارف اسلامی عضو هیئت علمی شدم و تدریس دروس معارف اسلامی را آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد. علاوه بر دانشگاه شهید بهشتی در دانشگاههای تهران، علامه، بهزیستی، آزاد علمی کاربردی و علوم پزشکی شهید بهشتی و تهران هم تدریس و همکاری علمی داشته ام.

تاکنون بیش از ۱۱ مقاله در موضوعات مختلف معارفی و قرآنی در مجلات مختلف و مجموعه مقالات همایشها و نیز کتاب نظم هستی که پایان نامه دوره تربیت مدرس قم بود با اضافات و اصلاحاتی توسط بوستان کتاب چاپ و منتشر شده در تهیه و تنظیم کتاب مفتاح مجمع البیان نیز همراه و همکار نویسندگان آن بوده ام که به اهتمام پژوهشکده باقرالعلوم (ع) و انتشارات اسوه چاپ شد. حدود ده سال هم هست که توفیق همراهی با حجاج خانه خدا و تشریف به حرمین شریفین و عتبات عالیات را به عنوان روحانی کاروان دارم. نوشته های چاپ نشده متعددی هم دارم که احتمالاً در آینده اگر خدا بخواهد منتشر خواهد شد.

مکارم شیرازی، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والفاضل العلام آقای علامه ناصر مکارم، از اساتید بنام و مدرسین والامقام و علماء کرام و نویسندگان فخام و گویندگان عظام حوزه علمیه قم و افتخار استان فارس و بلکه ایران و جهان تشیع است در ۲۲ ماه شعبان ۱۳۴۷ قمری در شیراز در یک خانواده اصیل به دنیا آمده و تحصیلات جدید خود را در مدارس جدید شیراز خوانده و در مدت کوتاهی به واسطه استعداد و حافظه فوق العاده مقدمات و ادبیات را در مدرسه آقاباباخان فرا گرفته و سطوح نهائی فقه و اصول را از مدرسین شیراز خوانده و ضمناً از تدریس خود عده‌ای را بهره‌مند می‌نمود تا در سال ۱۳۲۴ شمسی که از وطن خود مهاجرت به قم و دانشگاه جعفری شیعه یعنی حوزه علمیه نموده و در درس مرحوم آیت الله العظمی حجت و آیت الله العظمی بروجردی طاب ثراهما حاضر شده و کاملاً با صحبت کردن در بحث آن آیات عظام جلب توجه آنها و کلیه شرکاء درس را می‌نمودند و خاطر این نویسنده است که در آن اوقات مترجم معظم ما سنین عمرش از بیست سال نگذشته بود که در درس علمین مذکورین اشکال می‌کرد و جواب می‌گرفت.

مسافرتی در سال ۱۳۶۹ قمری به نجف اشرف نموده و حدود یکسال توقف و از محضر آیات عظام و مدرسین بزرگ حوزه نجف استفاده کرده و مورد توجه مخصوص آنان قرار گرفته که نائل به دریافت اجازه اجتهاد از آنها گشته و در اثر گرمی هوا و نبودن وسائل آن روز در ماه شعبان ۱۳۷۰ قمری به قم مراجعت و از درس آیت الله العظمی بروجردی و سایر آیات بهره‌مند گردیده و دروس معقول را از استاد علامه طباطبائی فرا گرفته و به تدریس دروس عالیه پرداخته است.

استاد مکارم حوزه درس تحلیل فقه و اصول دارند که عده کثیری از فضلاء و محصلین فهمیده و با استعداد از نظریاتشان استفاده می‌کنند و غالب آنها را یادداشت می‌نمایند که امید است روزی به عنوان یک اثر ارزنده در فقه و اصول به طبع برسد.

جلسات درس عقاید و مذاهب وی نیز با سبک جدید و متد خاصی انجام می‌گیرد که صدها نفر را به طرز نوینی با این مسائل آشنا

نموده و کتابهایی که حاوی فشرده آن جلسات علمی است تالیف نموده و در بررسی‌های خود از اصول علمی که مورد پذیرش محیطهای علمی امروز است کمک گرفته است.

آثار علمی ایشان که نتیجه همان جلسات درس و همچنین کتابهای ارزنده دیگر ایشان اشاره می‌کنم.

۱ و ۲ و ۳- کتاب القواعد الفقہیہ که جلد اول آن در سال ۱۳۴۳ شمسی و دوم و سوم آن در سالهای بعد به طبع رسیده است.

۴- فیلسوف نماها که برنده جایزه بهترین کتاب سال گردید این کتاب درباره عقاید مادیها بحث می‌کند.

۵- آفریدگار جهان در اثبات صانع و پاسخ به شبهات مادیها.

۶- چگونه خدا را بشناسیم.

۷- رهبران بزرگ و مسئولیتهای بزرگتر در پیرامون نبوت عامه.

۸- قرآن و آخرین پیامبر در پیرامون نبوت خاصه.

۹- داروینیسیم یا آخرین فرضیه‌های تکامل. ۱۰- بحثی درباره ماتریالیسم و کومینسم. بحث در اصول فلسفه (مادیها) که مکرر چاپ شده است.

۱۱- و ۱۲- ترجمه جلد اول المیزان در دو جزء که چاپ شده است.

۱۳- شرح و ترجمه اصل الشیعه ۱۴- در جستجوی خدا ۱۵- همه می‌خواهند بدانند ۱۶- جلوه حق.

۱۷- اسرار عقب ماندگی ۱۸- مشکلات جنسی جوانان ۱۹- آنچه از اسلام باید بدانیم.

۲۰- مقدمه بر کتاب وحی ۲۱- این مسائل مطرح است

۲۲- سرکوبیهای خطرناک ۲۳- نماز مکتب عالی تربیت ۲۴- فرآورده‌های دینی.

۲۵- عود ارواح ۲۶- جوانان را دریابید ۲۷- تربیت و نمونه‌های آن

یکی از آثار و خدمات استاد علامه مکارم تاسیس مجله درسهایی از مکتب اسلام است که از سال ۱۳۴۰ شمسی تاکنون با نشر این مجله که ارگان حوزه علمیه قم است خدمات ارزنده‌ای انجام داده است و این مجله از بهترین مجله‌ها و منشورات اسلامی شیعه است که به تمام کشور و خارج کشور منتشر و مقالات بسیار جالب و بحثهای ارزنده‌ای را به قلم اساتید و مدرسین بزرگ حوزه مطرح و پخش می‌نماید و این مجله که در زیر نظر هیئت تحریریه که همه از افاضل برجسته‌اند از ابتکارات فکر بکر ایشانست.

مراتب ولاء و علاقه او به اهل بیت عصمت و طهارت و بالاخص به پیشوای بزرگ جهان حضرت امیر مومنان علیه‌السلام از اشعار و سرودهای نغز او در توحید و در مراثی و مدایح آن متجلی است.

(مکارم شیرازی) در حال حاضر از مراجع تقلید و مدرسین بزرگ و آیات عظام حوزه علمیه قم می‌باشند.

رساله علمیه و توضیح المسائل ایشان در سال ۱۳۶۹ شمسی و ۱۴۱۰ قمری به طبع رسیده و منتشر گردیده و اکنون درس خارج فقه و اصول ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس استدلالی قم می‌باشد. و چون آثار ایشان از تألیفات و مدارس علمیه و غیره بسیار شده لازم دیده در اینجا استدارک نمایم.

۱- تفسیر نمونه ۲۷ جلد، مطبوع.

۲- تعلیقات بر عروه الوثقی، مطبوع.

۳- قرآن و آخرین پیامبر، مطبوع.

۴- معاد در جهان پس از مرگ، مطبوع.

۵- مهدی علیه‌السلام انقلابی بزرگ، مطبوع.

۶- عقیده یک مسلمان، مطبوع.

- ۷- اقتصاد اسلامی، مطبوع.
- ۸- انگیزه پیدایش مذهب، مطبوع.
- ۹- روش تطبیقی در شناخت، مطبوع.
- ۱۰- پایان عمر مارکسیسم، مطبوع.
- ۱۱- ارزشهای فراموش شده، مطبوع.
- ۱۲- پرسشها و پاسخها، مطبوع.
- ۱۳- این است آئین ما، مطبوع.
- ۱۴- آخرین فرضیه‌های تکامل، مطبوع.
- ۱۵- همه می‌خواهند بدانند، مطبوع.
- ۱۶- ده درس خدانشناسی، مطبوع.
- ۱۷- ده درس پیامبرشناسی، مطبوع.
- ۱۸- ده درس معادشناسی، مطبوع.
- ۱۹- ده درس عدل‌شناسی، مطبوع.
- ۲۰- جوانان را دریابید، مطبوع.
- ۲۱- زندگی در پرتو اخلاق، مطبوع.
- ۲۲- جلوه حق، مطبوع.
- ۲۳- معمای هستی، مطبوع.
- ۲۴- اسرار عقب ماندگی، مطبوع.
- ۲۵- در یک بررسی کوتاه، مطبوع.
- ۲۶- در جستجوی خدا، مطبوع.
- ۲۷- مشکلات جنسی جوانان، مطبوع.
- ۲۸- آنچه از اسلام باید بدانیم، مطبوع.
- ۲۹- بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم، مطبوع.
- ۳۰- تقلید با تحقیق، مطبوع.
- ۳۱- خمس پشتوانه بیت‌المال، مطبوع.
- ۳۲- مساله انتظار، مطبوع.
- ۳۳- تفسیر به رای، مطبوع.
- ۳۴- تفسیر سپری برای مبارزه عمیقتر، مطبوع.
- ۳۵- این مسائل برای همه جوانان مطرح است، مطبوع.
- ۳۶- یکصد و پنجاه درس زندگی، مطبوع.
- ۳۷- طرح حکومت اسلامی، مطبوع.
- ۳۸- رساله مقدمه وحی، مطبوع.
- ۳۹- مکتبهای التقاطی، مطبوع.

- ۴۰- فلسفه روزه، مطبوع.
- ۴۱- فلسفه شهادت، مطبوع.
- ۴۲- با شخصیت‌ترین زن جهان، مطبوع.
- ۴۳- به یاد مهدی، مطبوع.
- ۴۴- مناظرات تاریخی امام رضا (ع)، مطبوع.
- ۴۵- تفسیر موضوعی پیام قرآن، مطبوع.
- ۴۶- مدیریت و فرماندهی در اسلام، مطبوع.
- ۴۷- آفریدگار جهان، مطبوع.
- ۴۸- توضیح المسائل - رساله علمیه، مطبوع.
- ۴۹- انوار الفقاهه، مطبوع.
- سخنی کوتاه از:

مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع) و مدارس و موسسات وابسته به آن

قم - حوزه علمیه

مدرسه امام، امیرالمؤمنین (ع) (مرکز مطالعات اسلامی) در سال ۱۳۵۰ شمسی در زمینی به مساحت ششصد متر، به وسیله حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نیکوکاران تأسیس گردید و تحت عنوان «جمعیت خیریه خدمات اسلامی» رسماً به ثبت رسید.

این مدرسه یکی از فعالترین مدارس حوزه علمیه قم می‌باشد و دارای چاپخانه که در طبقه زیرین قرار دارد و سه طبقه دیگر شامل هیجده حجره و یک سالن که گنجایش هزار نفر را دارد که جهت جلسات درس منظور گردیده و یک کتابخانه که حدود چهار هزار جلد کتاب خوب دارد، می‌باشد.

این مدرسه یک موسسه تحقیقاتی و تبلیغی است که تاکنون در زمینه عقائد، تفسیر و فقه و اصول و حدیث و اقتصاد اسلامی و احیاء تراث و تبلیغات اسلامی توسط مؤسس محترم آن و یا زیر نظر معظم‌له با همکاری جمعی از دانشمندان و فضیلاي حوزه علمیه فعالیتها و تحقیقات ارزنده‌ای به طلاب و فضیلاي محترم حوزه علمیه و جامعه مسلمان از راه تشکیل جلسات درس و نشر آثار سودمند و جزوات مختلف ارائه داده و می‌دهد.

و تاکنون فضیلاي بی‌شماری را تقدیم جامعه مسلمان کرده است که بعضاً بعد از انقلاب اسلامی ملت ایران در پستهای حساسی مشغول انجام وظیفه می‌باشند.

منابع مالی: آن عبارت است از سهم مبارک امام (ع) و کمک مردان خیر انتشارات نسل جوان که بخش دیگری از این موسسه است تاکنون متجاوز از ۵۴ کتاب برای قشر جوان از نویسندگان مختلف نشر داده است که بعضاً دهها بار به چاپ رسیده است.

دائرة پاسخ به سئوالات: نیز یکی از بخشهای مهم و فعال این موسسه می‌باشد و از طریق پاسخ به سئوالات دینی، اجتماعی، اخلاقی و ارسال کتب و جزوات برای کتابخانه‌ها و در پاسخ سئوالات، فعالیت چشمگیری داشته و دارد.

و به خاطر این ارتباط مستمر، مخصوصاً با قشر جوان و اطلاع از مشکلات آنها غالب انتشارات نسل جوان که بر این محور تنظیم گردیده، در میان قشر جوان مورد استقبال کم‌نظیری قرار گرفته و دهها بار به چاپ رسیده است.

مطبوعاتی هدف:

این مطبوعاتی از راه نشر و طبع آثار ارزنده اسلامی خود تاکنون خدمات موثری به جامعه مسلمان ارائه داده و می‌دهد.

مدارس وابسته به مدرسه امام امیرالمؤمنین (مرکز مطالعات اسلامی)

۱- مدرسه علمیه امام مجتبی (ع)- که در زمینی به مساحت هشتصد متر در سال ۱۳۶۱ نیز توسط حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی و با همت جمعی از مردان خیر و نیکوکار برای سکونت طلاب محترم تأسیس گردید.
این مدرسه از سه طبقه تشکیل گردیده و دارای ۴۱ حجره می‌باشد و هم اکنون تعداد ۸۰ طلبه از داخل و خارج در آن سکونت دارد.

امتیازات این مدرسه:

این مدرسه دارای یک سالن درس (مدرس) است که در طبقه زیرین آن قرار دارد و تمام اطاقها مجهز به دستگاه تهویه و شوفاژ می‌باشد و همچنین دارای تعداد پنج دستگاه یخچال بزرگ حمامهای مجهز و آبسرد کن و نیز برای طلابی که شهریه کمتری از حوزه می‌گیرند و کفاف مخارجشان را نمی‌کند شهریه‌ای مقرر می‌گردد.

۲- مدرسه امام حسین (ع)- که هم اکنون زمینی به مساحت پانصد و پنجاه و هفت متر برای آن توسط یکی از نیکوکاران تهیه گردیده و جمعی از مهندسين معروف کشور هم اکنون به تهیه نقشه آن اشتغال دارند و امید است به خواست خداوند متعال در آینده نه چندان دور به صورت یک مدرسه مدرن و مجهز در اختیار طلاب عزیز قرار گیرد.

این مدرسه نیز توسط حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی و با مشارکت مالی جمعی از مردان خیر و نیکوکار ساخته می‌شود.
آدرس مدارس فوق:

مدرسه الامام امیرالمؤمنین، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا.

مدرسه امام مجتبی (ع)، حوزه علمیه قم، خیابان شهدا، کوچه آمار، پشت مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).

مدرسه امام حسین (ع)، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا، کوچه آمار، مقابل مدرسه امام مجتبی (ع).

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ملاحسنی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا ملاحسنی

محل تولد: کرج- اشتهارد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه شدم. با علاقه ای که به امور فرهنگی داشتم ابتداء به کارهای فرهنگی خاصه جوانان در عرصه های فرهنگی فعالیت داشتم. پس از گذاراندن مقدمات حروه. در مدرسه علمیه امیرالمؤمنین در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم. و در سال ۱۳۶۹ جهت کار تفسیری با مرکز فرهنگ و معارف قرآن و دفتر تبلیغات همکاری را آغاز کردم. و از آن زمان تا کنون در گرایش تفسیر (علوم قرآنی، تا حدودی با روانشناسی و جامعه شناسی، حقوق به مقتضای نیاز

کار آشنا شدم) و کار گروهی تفسیر که ۲۳ دفتر دست نوشته حضرت آیه هاشمی رفسنجانی بود جهت تصحیحات و ساماندهی اطلاعات آغاز کردم. در کنار این پروژه و کارهای دیگر تفسیر که نام فرهنگ موضوعی تفسیر که ۲ دوره تفسیر از شیعه و اهل سنت بر این مورد مطالعه و در دستور کار گروه قرار گرفت. تفسیر راهنما در ۲۰ جلد به چاپ رسید و فاز اول فرهنگ موضوعی تفسیر در سه جلد به چاپ رسید و هر دو به عنوان کتاب سال معرفی شدند. و فاز دوم فرهنگ موضوعی تفسیر در ۱۴ دوره با ۱۷۸ جلد تفسیر مراحل چاپ را می گذراند. با فرصتی که در خدمت قرآن دارم. بسیار علاقمند مقاله و نوشتار شخصی خویش را بیشتر ادامه دهم و لی متاسفانه وقتی نیست و تاکنون قریب به دو مقاله ارائه شده که هر دو بر گزیده بودند امیدوارم خداوند توفیق دهد تا بتوانم بیشتر در این راستا قدم بردارم والسلام

ملاصدراى شیرازی، صدرالدین محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۵۰-۹۷۹ ق)، فیلسوف، حکیم، مفسر و مدرس. ملقب به صدرالدین و مشهور به صدرالمتالهین و ملا صدرا. در شیراز به دنیا آمد و پس از درگذشت پدرش برای تحصیل به اصفهان رفت. استاد او در علوم نقلی شیخ بهائی است. همچنین او در معقول نزد میرداماد از اکابر فیلسوفان و عرفای عصر صفوی تحصیل حکمت و معرفت نمود. وی حکمت الهی را وارد مرحله جدیدی کرد. استاد مطهری در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» آورده است که فلسفه ملا صدرا از یک نظر به منزله‌ی چهار راهی است که در آن چهار جریان یعنی حکمت مشایی ارسطویی و سینیایی و حکمت اشراقی سهروردی و عرفان نظری محیی‌الدینی، و معانی و مفاهیم کلامی با یکدیگر تلاقی کرده و مانند چهار نهر سر به هم برآورده، رودخانه‌ای خروشان به وجود آورده‌اند. از نظر دیگر به منزله‌ی صورتی است که بر چهار عنصر مختلف پس از یک سلسله فعل و انفعال‌ها اضافه شود و به آنها ماهیت و واقعیت نوین بخشد، که با ماهیت هر یک از مواد آن صورت متغایر است. فلسفه خاص ملا صدرا را اصطلاحاً حکمت متعالیه می‌گویند. حکمت متعالیه نوعی جهش است که پس از یک سلسله حرکتهای مداوم و تدریجی در معارف عقلی اسلامی رخ داده است. وی در برهه‌ای از سالهای زندگانی خویش در روستای کهک قم در حالت انزوا زیست و در این دوره به تصوف و عرفان اسلامی گرایش یافت. خود او در این زمینه می‌نویسد که نفس خویش را با طول مجاهده مشغول کردم و دل من با کثرت ریاضتهای سخت افروخته گشت، تا انوار ملکوت بر آن سرازیر شد... بلکه آنچه پیش از این به برهان فراگرفته بودم با فزونی‌های بیشتری از راه شهود و بالعیان دیدم. وی در اواخر عمر به خواهش الله وردی خان حاکم فارس به شیراز رفت و در مدرسه‌ی خان به تدریس پرداخت. ملا صدرا در راه هفتمین سفر حج خویش در بصره درگذشت و همان جا دفن گردید. از شاگردان معروف او، دو دامادش، ملا محسن فیض کاشانی و شیخ عبد الرزاق فیاض لاهیجی می‌باشند که از جانب استاد ملقب به فیض و فیاض گردیدند. از دیگر شاگردان او شیخ حسین تنکابنی، ملا محمد ایروانی، ابوالولی شیرازی و قوام‌الدین احمد پسر صدرا می‌باشند. از آثارش: «الحکمة المتعالیة» یا «الاسفار الاربعه»، که معروف به «اسفار» است؛ «الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة»؛ «الحکمة العرشیه»؛ «المشاعر»؛ «المبدأ و المعاد»، شرح «الهدایة الاثیریة»؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ شرح «اصول کافی»؛ «مفاتیح الغیب»؛ تفسیر «آیت الکرسی»؛ تفسیر «آیه‌ی نور»؛ تفسیر سوره‌های: «اعلی»، «حدید»، «جمعه»، «فاتحه»، «طلاق»، «ضحی»، «زلزال»، «واقع»، «یس»، «طارق» و قسمتی از سوره‌ی «بقره»؛ «الواردات القلییة»؛ «القواعد الملکوئیة»؛ «کسر اصنام الجاهلیة»؛ «جوابات المسائل العویصه»، در

حکمت. [۱]

شیرازی محمد بن ابراهیم معروف به «ملاصدرا» و «صدرالمآلهین» فیلسوف بزرگ ایرانی (و. شیراز اوایل قرن ۱۰ ه. ق. - ف. بصره ۱۰۵۰ ه. ق.). وی در جوانی به اصفهان رفت و نزد میرمحمد باقر مشهور به میرداماد حکمت آموخت و علوم شرعی را نزد شیخ بهاءالدین عاملی فراگرفت و در ریاضی نیز مهارت یافت. مدتی در قم به افاضه مشغول گردید و سپس به امر شاه عباس دوم به شیراز بازگشت و در موطن خود به تدریس و افاده مشغول شد. او هفت سفر به حج رفت و در آخرین سفر در بصره درگذشت و همانجا مدفون شد. او شاگردان بسیار داشت که از آن جمله باید ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی را که به دامادی او مفتخر گشتند- نام برد. از آثار اوست در فلسفه: «اسفار اربعه» (اسفار)، شواهد الربوبیه، مبدأ و معاد، مشاعر، عرشیه، شرح «هدایه اثیری» حاشیه بر «الهیات شفا»، تعلیقه بر «حکمه الاشراق»، شرح «کافی». صدرالدین حکمت اشراق و حکمت مشاء و فلسفه عرفانی محیی‌الدین بن عربی را درهم آمیخته و حقایق ذوقی را با براهین فلسفی مزج کرده است. خود گوید: «نحن قد جعلنا مکاشفاتهم الذوقیه مطابقه للقوانین البرهانیه» (اسفار ج ۳). صدرالدین بر «حکمه الاشراق» سهروردی تعلیقه‌ای سودمند نوشته که در حاشیه شرح حکمه الاشراق قطب‌الدین شیرازی چاپ شده (حکمت اشراق و فرهنگ ایران م. معین ۴۸) ملاصدرا با اینکه حکیم اشراقی است، طریقه مشائین را نیز می‌پسندد و ضمن بیان آراء حکمای سلف، هر جا که نظر انتقادی دارد به توضیح آن می‌پردازد، چنانکه برخلاف نظر مشائین که موجودات را حقایق متباین می‌پندارند، او وجود را که اصل و حقیقت هر چیز است هیئت واحد می‌داند و برای آن مراتب متعددی که از حیث ضعف و شدت و نقص و کمال با هم فرق دارند. قایل است. این نظر ملاصدرا با نظر شیخ اشراق هم متفاوت است، چه سهروردی، شدت و ضعف و نقص و کمال را در ماهیت قایل است نه در وجود. موضوع دیگری که ملاصدرا در آن ابتکار نشان داده است، فرضیه مشهور به «حرکت جوهری» است. پیش از او اکثریت حکما از آن جمله ابن سینا حرکت را در اعراض جسم طبیعی میدانسته. ملاصدرا جوهر را نیز متحرک اعلام کرد، ولی تصریح نمود که تغییری که بر اثر این حرکت در جوهر پدید می‌آید، تغییریست اشتدادی و استکمالی، و به حقیقت جوهر جسم خدشه وارد نمی‌سازد، و آن را دگرگون نمی‌کند. چنانکه تغییراتی که انسان را در ادوار مختلف زندگی عارض می‌گردد از حیث شدت و ضعف انسانیت است نه از حیث حقیقت انسان، یعنی جوهر جسم و هسته اصلی وجود او. ملاصدرا از فرضیه حرکت جوهری نتایجی چند میگیرد از آن جمله اثبات معاد جسمانی است. قبل از او حکما درباره بقای نفس و معاد روحانی به تفصیل بحث کرده و دلایلی آورده بودند، لیکن درباره معاد جسمانی معمولاً به سکوت بر گزار می‌کردند یا منکر آن می‌شدند. بیان ملاصدرا در اثبات معاد جسمانی مفصل است و حاصل کلام او این است که در روز رستاخیز روح انسان به همان هسته اصلی و جوهر ثابت که ماده جسم است (نه به صورت جسم که محسوس است و در مدت حیات دستخوش تغییرات و تحولات) می‌پیوندد و آدمی به این کیفیت برای پس دادن حساب دوباره زنده می‌شود. صدرالدین برای اینکه از سب و شتم و تکفیر مصون ماند می‌کوشید تا مطالب فلسفی را با احادیث و اخبار وفق دهد و مدلل دارد که شرع و حکمت معارض یکدیگر نیستند و تألیف شرح کافی روی همین نظر بوده است (دکتر سیاسی. مبانی فلسفه. ۱۳۴۲ ص ۵۶۱-۵۵۹)

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۹۴-۱۹۳/۶)، اعیان الشیعه (۳۳۰-۳۲۱/۹)، ایضاح المکنون (۶۹۹، ۳۵۳، ۳۳۲، ۵۹، ۲/۵۸، ۴۱۴، ۳۰۲، ۱۱۵، ۷۹، ۷۴، ۱۴/۱)، بزرگان فلسفه (۳۸۵-۳۸۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۵-۳۱۹/۵)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۴۷-۵۲۴)، تذکره العلماء (۲۰۶-۲۰۵)، الذریعه (۲۵/۱۰، ۳۰۵۳۸، ۳۷-۲۱/۱۹، ۲۹۴-۲۹۳، ۱۷/۱۹۱، ۲۴۴/۱۵، ۲۴۳، ۱۴/۱۷۵، ۱۰۰-۹۹/۱۳، ۵۹، ۵۸-۷/۱۴۳، ۴۳/۶، ۲۲۸/۵، ۳۴۴، ۳۴۳، ۳۴۰، ۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۴، ۳۳۱/۴، ۶۰/۲)، ریحانه (۴۲۰-۴۱۷/۳)، سیر فلسفه در ایران (۱۰۸-۱۰۷)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۸۶-۳۷۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۲-۲۹۱/۱۱)، فوائد الرضویه (۳۸۱-۳۷۸)، قصص العلماء (۳۳۳-۳۲۹)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۰۴)، الکنی و الالقاب (۴۱۱-۴۱۰/۲)، لغت نامه

(ذیل / ملا صدرا)، لوامع العارفین فی احوال صدر المتالیهین (۳۰-۱۵)، معجم المؤلفین (۲۰۴-۲۰۳/۸)، منتخبی از تاریخ فلاسفه جهان اسلام (۲۱۶-۲۰۳)، هدیه الاحباب (۱۸۶-۱۸۵)، هدیه العارفین (۲/۲۷۹).

ملا محمدی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ملا محمدی

محل تولد: اشتهارد کرج

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ملا محمدی مشهور به محمد محمدی اشتهاردی در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی در اشتهارد (واقع در ۵۹ کیلومتری غرب کرج) در یک خانواده متوسط مذهبی متولد شدم و پس از دوره ابتدائی، در حوزه علمیه اشتهارد - که در آن موقع از چند نفر محدود تشکیل می شد- به تحصیل علوم حوزوی و ادبیات پرداختم و پس از خواندن کتاب سیوطی، در سال ۱۳۳۸ شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم. درس سطح را بیشتر در محضر حجج اسلام و آیات بزرگوار آقایان: آیت الله حاج شیخ حسین شب زنده دار، آیت الله حاج شیخ غلامرضا صلواتی، آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، آیت الله علی مشکینی و آیت الله ناصر مکارم شیرازی خواندم و چند سال در درس خارج آیت الله حاج شیخ هاشم آملی، و آیت الله ناصر مکارم شیرازی و چندی در درس خارج آیت الله العظمی گلپایگانی شرکت نمودم.

و مقداری از منظومه سیزواری و فلسفه را در محضر استاد آیت الله جعفر سبحانی و استاد حاج آقا مهدی حائری آموختم. و بخشی از علوم روز را از محضر درس دانشمند گرانمایه، شیخ محمد محقق لاهیجی (نماینده آیت الله بروجردی در هامبورگ آلمان) یاد گرفتم. از خاطرات من در این دوره اینکه از نظر وضع معیشتی بسیار در سختی به سر می بردم. در مدرسه حجتیه قم در حجره ای با دو طلبه دیگر سکونت داشتیم، ظاهراً سال ۱۳۴۰ شمسی بود. یک شب در حجره را زدند، در را گشودم دیدم دو نفر از فضلا وارد حجره شدند، دفتری در دستشان بود، پرسیدند: در این حجره چند نفر هستید؟ گفتم: سه نفر. فرمودند: ما از جانب آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی (ره) آمده ایم، ایشان مبلغی به عنوان فوق العاده (نه شهریه) به طلاب مرحمت فرموده اند. نام ما را نوشتند و به هر نفر پانزده تومان دادند و رفتند که در آن وقت مبلغ قابل ملاحظه ای بود و برکت و نورانیت خاصی داشت و این نخستین باری بود که از طرف حضرت امام (ره) به طلبه ها پول دادند

ملک پور، محمد جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جعفر ملک پور

محل تولد: آذر شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته تجربی از دبیرستان آذر شهر (تبریز) جهت ادامه تحصیل در مجتمع آموزشی عالی قم در رشته مدیریت به قم مقدس رفته و در دروس ادبیات عربی حوزه در مدرسه خان قم به موازات تحصیلات دانشگاهی را ادامه دادم و همزمان ضمن آشنایی با هیئت تحریریه تنها مجله اسلامی آن زمان (مکتب اسلام) از آموزشهای مختلف آنها استفاده کرده و در تنظیم و اجرای چاپ آن مجله همکاری داشتم.

در سال ۱۳۵۸ با فراغت از تحصیل دانشگاهی به جهت انقلاب اسلامی در ایران پس از گذراندن یک دوره کوتاه ۲ ماهه بعنوان موسس و سرپرست دایره عقیدتی و سیاسی پایگاه دریایی جزیره خارک مشغول تدریس و امور فرهنگی و اجرائی در منطقه شده و پس از سال ۱۳۶۱ به قم عزیمت نموده ضمن پیگیری ادامه تحصیلات حوزوی در محیطهای علمی حضور پیدا کرده از آن جمله از سال ۶۳ به همراه تعداد محدودی از طلاب در جلسه تفسیر قرآن استاد جوادی آملی در مسجد محمدیه سه راه موزه شرکت نموده و هنوز هم ادامه دارد.

در سال ۷۱ در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران قبول شده و در سال ۷۳ موفق به اتمام کارشناسی ارشد در رشته مذکور شدم و به موازات ادامه تحصیل در حوزه در دانشگاههای پیام نور و آزاد اسلامی قم و دانشگاه قم به تدریس پرداختم که هنوز هم ادامه دارد.

در سال ۸۲ به درخواست سازمان مدارس حوزه های علمیه خارج از کشور قم به کشور آذربایجان شوروی بعنوان مدیر و مدرس اعزام شدم که بجهت مشکلات سیاسی آنجا و تعطیلی فعالیت های علمی و آموزشی ایران در آنجا محل ماموریت به کشور گرجستان (تفلیس) عوض شد که پس از دو سال مدیریت و تدریس در مدارس علمیه گرجستان^۱ مرکز مطالعات اسلام و مسیحیت را در تفلیس تشکیل داده و به ایران مراجعت نمودم. در شرکت امتحان متون نهاد رهبری مقام معظم رهبری در دانشگاهها مجوز تدریس متون را علاوه بر دروس فقه و حقوق دریافت نمودم که واحدهایی از معارف و متون نیز در دانشگاهها تدریس نمودم که ادامه دارد. به مدت ۲ سال از سال ۸۰ تا ۸۲ با واحد برنامه و ساختار نویسی مرکز جهانی علوم اسلامی در زمان مدیریت حاج آقا مهدویان شرکت نموده و در تدوین اساسنامه مراکز مختلف مرکز جهانی فعالیت موثری داشتم.

ملک زاده، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین ملک زاده

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۶/۱۴

زندگینامه علمی

تولد و خانواده در سال ۱۳۵۸ در خانواده‌های اهل علم و روحانی در تهران به دنیا آمد. نامش را «محمد حسین» و لقبش را «امین الاسلام» نهادند. پدر وی عالم زاهد آیه‌الله حاج شیخ محمد رضا ملکزاده و مادر بزرگوارش علویه صالحه، دختر مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد علمالهدی میباشد. گامهای نخستین وی در خردسالی و پیش از رفتن به مدرسه، خواندن و نوشتن را به خوبی آموخت و بخشهایی از قرآن را حفظ کرد. از همان سنین با فعالیتهای فرهنگی و مذهبی مساجد و همچنین دیگر مراکز و کانونهای فرهنگی و هنری همچون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انس گرفت و به طور مثال در همین مراکز بود که با برخی از هنرهای تجسمی، عکاسی و فیلمسازی آشنا شد و همزمان در جلسات قرآنی که در مساجد و دیگر اماکن مذهبی برپا میشد شرکتی فعال و مستمر داشت و به سرعت تعلیمات اولیه قرآنی را فرا گرفت. و البته در سالهای بعد به شکل کاملتری و زیر نظر برجستهترین اساتید کشور با علوم و فنون قرائت قرآن و اختلاف قراءات آشنا شد. آغاز تدریس از ۸ سالگی با گردهم آوردن جمعی از کودکان هم سن خود یا چند سالی بزرگتر، تدریس قرآن به آن جمع را به عهده گرفت و از ۱۰ سالگی به صورت رسمی (ابتدا زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و در سالهای بعد زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی و...) تدریس قرآن و معارف اسلامی را آغاز کرد. حفظ قرآن در همین سنین با جدیت بیشتری به حفظ قرآن پرداخت و البته به دلیل وقفهایی که در مسیر حفظ قرآن برایش پیش آمد، حفظ کامل قرآن توسط وی چند سالی به طول انجامید. مطالعه جدی کتاب در کودکی عمدهترین سرگرمیاش در آن زمان یعنی در انتهای کودکی و آغاز نوجوانی، مطالعه کتابهایی درباره علوم و تاریخ قرآن، مفاهیم قرآنی و بعداً کتابهایی در زمینه مسائل فکری و فرهنگی، کتب اعتقادی و کتابهایی درباره مکاتب فکری مختلف دنیا و نقد آنها بود که به طور مثال سری جزوهای کوتاه «پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک»، کتابهایی در زمینه آموزش ساده فلسفه یا تاریخ فلسفه یا کتابهای اصول اعتقادی و همچنین بسیاری از کتابهای استاد شهید مرتضی مطهری - با صرف نظر از عنوان و موضوعشان - کتابهای محبوب و مورد علاقه این دوران او بود. شروع نگارش و ارتباط با مطبوعات همین پشتوانه کارهای قرآنی، حفظ قرآن و مطالعه آثار علمی و به صورت مطلق، انس با کتاب و نیز مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و هنری و سرودن شعر، سبب شد تا بتواند به سرعت دست به قلم شده و از طریق مکاتبه، برای نشریات متناسب با سن خود، مطلب، (شعر، داستان و گزارش) بفرستد. تأسیس مراکز فرهنگی در کودکی پدر ایشان به شدت مقید بود که در تمامی ایام تبلیغی برای رساندن معارف اسلامی به آحاد مردم به نقاط گوناگون کشور - به ویژه شهرها و روستاهای دور افتاده - سفر نماید. و معمولاً در این سفرها خانوادهاش را هم با خود میبرد. جالب آنکه در این سفرها فقط پدر نبود که فعالیتهای اسلامی انجام میداد بلکه پسر کم سن و سال او نیز فعالانه وارد عرصه میشد و برای کودکان و نوجوانان آن منطقه برنامههای زیادی را ترتیب میداد که از جمله این فعالیتهای تأسیس چندین مرکز فرهنگی، کتابخانه و نوارخانه مذهبی در شهرها و روستاهای مختلف کشور بود. علاوه بر اینها در محل زندگی خود نیز در هنگام تحصیل در کلاس چهارم ابتدایی، گروه فرهنگی الزهرا (ع) را راهاندازی کرد که عمده فعالیت این مرکز، انتشار گاهنامههایی به مناسبتهای مختلف و نیز برگزاری مسابقات کتبی با موضوعات مذهبی - سیاسی ویژه کودکان و نوجوانان بود. در ۱۲ سالگی و در زمانی که

هنوز کار تواشیح و همخوانی عربی و قرآنی در ایران، بسیار نویا بود گروه تواشیحی تأسیس کرد. در ۱۳ سالگی اقدام به تشکیل مرکزی به نام «نور القرآن» کرد که کارش برگزاری جلسات آموزشی و مسابقات قرائت و حفظ قرآن بود. تدریس در مراکز مختلف (تدریس در دانشگاه در ۱۴ سالگی) از این سن به بعد فعالیت علمی - تدریسی وی در زمینه قرآن در برخی ادارات، سازمانها، مراکز و نهادهای گوناگون و به ویژه پایگاههای فرهنگی مساجد، کانون قرآن دانشگاهها و دیگر کانونهای فرهنگی و تربیتی شکل گستردهتری به خود گرفت. تا آنجا که در سن ۱۴ سالگی (در هنگام تحصیل در کلاس اول دبیرستان) مدتی به طور غیر رسمی در دانشکده علوم قرآنی به تدریس پرداخت و بر این اساس شاید بتوان گفت وی جوانترین مدرّس علوم قرآنی در دانشگاه و یا به صورت مطلق، جوانترین مدرّسی بود که تا آن زمان به تدریس در دانشگاه پرداخته بود. جوانترین روزنامهنگار قرآنی کشور در زمینه فعالیت‌های مطبوعاتی افزون بر انتشار گاهنامه و نیز مکاتبه با برخی مجلات در دوره کودکی و نوجوانی، از سال ۱۳۷۲ (در سن ۱۴ سالگی) ضمن همکاری کوتاهی با نخستین مجله قرآنی به زبان فارسی به نام «پیام قرآن» (به صاحب امتیازی دارالقرآن الکریم آیة‌الله گلپایگانی) به عنوان جوانترین روزنامهنگار قرآنی به صورت فعال وارد عرصه مطبوعات شد و تا به حال صدها نوشتار مختلف از وی در نشریات معتبر و کثیرالانتشار به چاپ رسیده است. نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان یکی از فعالیت‌های مطبوعاتی ایشان تأسیس صفحه قرآنی «بهار در بهار» در روزنامه کیهان بود. این صفحه که در زمستان ۱۳۷۵ و به مناسبت ماه مبارک رمضان، راهاندازی شد، نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان به شمار می‌آید. آغاز تألیف کتاب حدود ۱۴-۱۵ سال سن داشت که موفق به نگارش جلد اول، دوم و بخش اندکی از جلد سوم و چهارم کتاب پنج جلدی «اصول فنی قرائت قرآن کریم» گردید. نخستین دارالقرآن در مدارس کشور آقای ملکزاده در سالهای آغازین دهه هفتاد شمسی (سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵) در چندین دبیرستان در تهران و قم، اقدام به تأسیس دارالقرآن الکریم نمود. این دارالقرآن‌ها اولین دارالقرآنهای مدارس کشور بودند. نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآن ویژه جوانان و نوجوانان (تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» و «جامعه الکعبه») در سال ۱۳۷۵ موفق به تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» شد. این مرکز که نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآنی به جوانان و نوجوانان (طلّاب جوان، دانشجویان و دانشآموزان) بود تا سال ۱۳۸۱ به فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی خود در داخل و خارج از کشور (سوریه، هلند، لبنان، انگلستان و...) ادامه داد. از سال ۱۳۸۱ و با تبدیل مجمع قرآنی کعبه به مؤسسه آموزشی و پژوهشی «جامعه الکعبه» فعالیت‌های قرآنی این مجمع در قالب گروه علوم قرآنی که یکی از گروههای علمی جامعه الکعبه میباشد، ادامه یافته است. و اما جامعه الکعبه مرکزی است جهت آموزش و پژوهش در باب علوم انسانی و اجتماعی و مباحث فکری و فرهنگی از منظر اسلام. این مرکز از سال ۱۳۸۱ تاکنون مشغول به فعالیت میباشد. ورود به حوزه علمیه پس از اتمام دوره دبیرستان به صورت رسمی به تحصیل علوم و معارف اسلامی در حوزه علمیه پرداخت و از آنجا که برخی از مباحث مقدماتی حوزه را از چند سال قبل شخصاً مطالعه کرده بود، توانست با علاقه زیاد، انگیزه قوی و تلاشی مثال زدنی با استفاده از تمامی فرصتها و بدون کمترین وقفه و تعطیلی به صورتی که برنامه درسی وی به هیچ وجه تعطیل نمی شد و علاوه بر ایام عادی تحصیل، در تمامی روزهای تعطیل، جمعه‌ها، تابستان، نوروز و ... هم به درس و مطالعه مشغول بود، و همچنین با بهره بردن از نبوغ کم‌نظیر خدادادی، دروس مقدماتی و سطح حوزه را که معمولاً در طول ۱۰ سال خوانده میشود، به توفیق الهی در ظرف مدّت سه سال و نیم، به بهترین شکل و کیفیت به پایان رساند. دروس خارج و اساتید از زمستان سال ۱۳۷۹ با مشورت و توصیه یکی از اساتید محترم حوزه (حضرت آیة‌الله شیخ جعفر سبحانی) در دروس خارج حاضر شد. در آغاز به درس خارج اصول ایشان و سپس به دروس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیات عظام: مرحوم میرزا جواد تبریزی (کتاب الصلاة، سه سال و نیم) و سید کاظم حسینی حائری (کتاب الصلاة، حدود یک سال و اصول، از ابتدای حضور در دروس خارج تاکنون) وارد شد. در ادامه نیز در دروس خارج فقه حضرت آیة‌الله شیخ حسن شریعتی نیاسر (کتاب های خمس، وقف، حبس و اخواته، صدقه، هبه، زکاة، اجاره، مضاربه، مزارعه و... از سال ۸۱ تاکنون. البته این درسها

در تابستانها و دیگر ایام تعطیل هم برقرار بوده است.) و حضرت آیه‌الله شیخ محمد تقی بهجت (کتاب الحج، از فروردین ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) شرکت کرد. البته مدت کوتاهی هم از درس فقه حضرات آیات سید محمد حسین فضل الله (در بیروت) و مرحوم شیخ علی فلسفی (در مشهد) و درس اصول آیه‌الله شیخ حسین وحید خراسانی (در قم) بهره برد. تفسیر قرآن پیش از ورود به درس خارج، حدود یک سال از درس تفسیر آیه‌الله شیخ عبدالله جوادی آملی نیز بهره‌مند شده بود. اگر چه بعداً در درس تفسیر بزرگانی همچون حضرات آیات شیخ ناصر مکارم شیرازی و مرحوم شیخ محمد هادی معرفت هم حاضر شده، بهره‌های فراوانی برد. فلسفه، اخلاق و عرفان همزمان با حضور در دروس خارج فقه و اصول، از دروس اسفار آیه‌الله شیخ یحیی انصاری شیرازی نیز استفاده نمود. مدت کوتاهی هم در درس اشارات شرکت کرد. علاوه بر اینها در برخی دوره‌ها و درس و بحث‌های فلسفی که به موضوعاتی خاص در فلسفه می‌پرداختند نیز مشارکت داشته است. همچنین در زمینه اخلاق نیز از پیش از ورود به حوزه تا کنون محضر پر فیض اساتید و فرهیختگان متعددی از جمله حضرات آیات شیخ محمد تقی مصباح یزدی، شیخ جواد کربلایی، مرحوم شیخ علی پناه اشتهاردی، مرحوم حاج آقای مجتهدی و برخی بزرگان دیگر را درک کرده است. البته استفاده وی از آیه‌الله مصباح یزدی منحصر به شرکت در درس‌های اخلاق ایشان نبوده بلکه طی سالیان متمادی از بسیاری از مباحث فلسفی و کلامی و سایر بحث‌های ایشان در زمینه اندیشه و معارف اسلامی - به صورت محض و یا به صورت تطبیقی با مکاتب دیگر - بهره‌های قابل توجهی برده است. از دیگر اساتید وی میتوان به پدر بزرگوار ایشان اشاره کرد که علاوه بر مراتب علمی، از نظر معنوی و روحانی نیز دارای مقام رفیعی میباشند و بدین جهت هم در زمینه فقه، اصول و فلسفه و هم در زمینه اخلاق و عرفان - از مقدمات تا خارج - به تدریس و راهنمایی فرزند خویش پرداخته‌اند. اجازات وی تا به حال موفق به اخذ چندین اجازه مختلف - و از جمله اجازه اجتهاد - از علماء و مراجع عظام تقلید در قم و مشهد شده است. جوانترین طلبه نویسنده در این سالها کار نگارش کتاب را نیز ادامه داد و در اولین دوره انتخاب کتاب سال حوزه علمیه (سال ۱۳۷۷) به عنوان جوانترین طلبه نویسنده انتخاب شده، موفق به اخذ جایزه و لوح تقدیر گردید. زبانهای دیگر و فعالیت در خارج از کشور با تسلط بر زبانهای عربی و انگلیسی و اندکی آشنایی با زبان فرانسوی و چند زبان دیگر، توانست به کشورهای زیادی سفر کند و در سطح بینالمللی به فعالیتهای علمی، فرهنگی و اسلامی و تبلیغ دین مبین اسلام و معرفی مکتب اهل بیت (ع) پردازد. حضور در دانشگاهها طی این سالها به دانشگاههای بزرگ و معتبری در داخل و خارج از ایران دعوت شده و در این دانشگاهها به تدریس، سخنرانی، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و یا برگزاری کارگاههای علمی و آموزشی پرداخته است. مطالعات تاریخی افزون بر تحصیل و تدریس علوم مختلف اسلامی، از زمستان ۱۳۸۱ به مدت ۳ سال در رشته تخصصی تاریخ که برای اولین بار در حوزه علمیه قم تأسیس شده بود شرکت نمود و مطالعات زیادی را در زمینه تاریخ اسلام و فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن به انجام رساند. مسائل جدید به مدت یک سال در دوره «شبهشناسی و پاسخگویی به شبهات» که به وسیله مؤسسه «در راه حق» و با تدریس جمعی از صاحب نظران و اساتید برجسته، برگزار گردید شرکت کرد و با رتبه اول فارغالتحصیل شد. مسائل و شبهاتی که در این دوره مورد بحث قرار گرفتند در دو زمینه «کلام قدیم» (با توجه ویژه به عقاید و هابیت) و «کلام جدید، فلسفه دین و معرفتشناسی» بودند. البته آشنایی وی با بعضی از مکاتب فلسفی غرب، کلام جدید، معرفت شناسی، برخی از فلسفه‌های مضاف و مباحث و مسائلی که در دوران جدید در حوزه دینپژوهی مطرح شده است به سالیانی پیشتر از شرکت در این دوره باز میگردد. و همچنان که قبلاً نیز اشاره شد از نوجوانی به مطالعاتی از این دست علاقه خاصی داشته و علاوه بر مطالعات منظمی که به صورت شخصی در این زمینهها داشته است، همایشها، جلسات بحث، سخنرانیها و یا مناظره‌هایی درباره این مسائل را هم پیگیری کرده و در برخی از کلاسها یا دوره‌هایی که با موضوع علوم جدید از منظر اسلام - همچون دروس جامعه شناسی اسلامی - یا معرفتشناسی و کلام جدید برگزار میشده است نیز شرکت کرده است. و همین آشنایی با مباحث فکری و فرهنگی جدید یکی از مهمترین عوامل موفقیت وی در پاسخگویی به پرسشهای نسل جوان تحصیلکرده و

دانشگاهی در داخل و خارج از کشور بوده است. تدریس مباحث حوزوی در زمینه تدریس دروس حوزوی برنامه وی بدین صورت بوده است که تا پیش از ورود به درس خارج به تدریس ادبیات و منطق و همچنین اصول (البته فقط حلقه اولی از حلقات اصول شهید صدر)، پرداخته و از هنگام ورود به درس خارج تاکنون به تدریس شرح لمعه، اصولاللفقه، حلقات اصول، رسائل، مکاسب و کفایه الاصول اشتغال داشته است. بحث خارج از مهر سال ۱۳۸۴ (شعبان ۱۴۲۶ق) ضمن ادامه حضور در دروس خارج فقه و اصول علمای اعلام، تدریس استدلالی اصول را با تبیین و نقد نظریه «حق الطاعه» و بدیل آن یعنی «قاعده قبح عقاب بلا بیان» برای جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم آغاز نموده است. همکاری تحقیقی با مؤسسات و نگارش دانشنامه از دیگر کارهای وی علاوه بر موارد گذشته و به جز تدریس مباحث مختلف قرآنی، کلامی و تاریخی (در مجمع قرآنی کعبه و سپس در جامعه الکعبه) میتوان به همکاری با مرکز فرهنگی حوزه علمیه قم در پاسخگویی به سؤالات و شبهات اشاره نمود. همچنین در نگارش «دانشنامه قرآن و قرآنپژوهی» و مدت کوتاهی در «دانشنامه مسجد» و «فرهنگنامه مسجد» به عنوان محقق و نویسنده همکاری کرده است. تدریس یک دور مباحث تفسیری (از ابتدا تا انتهای قرآن، طی سالهای ۷۵ تا ۸۳): از سال ۱۳۷۵ تا اوائل سال ۱۳۸۱ در جلسه مرکزی مجمع قرآنی کعبه که به صورت هفتگی در صبح روزهای جمعه برگزار میگردید و سپس در ادامه سال ۸۱ و همچنین سال ۸۲ و ۸۳ در جلسات «مطالعات اسلامی» (بررسی مباحث کلیدی و چارچوبهای اساسی در تفکر اسلامی) که به منظور استحکام پایههای معرفتی کادرهای اولیه جامعه الکعبه برگزار میشد، به تدریس مباحث تفسیری پرداخت و با تشریح اهم مفاهیم و معارف قرآنی، موفق به تدریس یک دور تفسیر قرآن کریم شد. آثار و تألیفات جناب آقای ملک زاده، کار نگارش کتاب را که با توفیق الهی از نوجوانی آغاز کرده بود، با توجه به زمینه های مطالعاتی و پژوهش هایی که داشت و در عرصه موضوعاتی که ضروری می انگاشت دنبال نمود تا آنجا که به جز مقالات منتشر شده در مطبوعات و یا ارائه شده به همایش های متعدد، تا سال ۱۳۸۷ شمسی یعنی تا پیش از ۳۰ سالگی، بیش از هفتاد جلد کتاب تألیف کرد که البته در این میان، یکی دو جلد هم ترجمه بود. علاوه بر آثار مکتوب، بخشی از سخنرانیها یا تدریسهای ایشان در موضوعات مختلف نیز در قالب CD ارائه شده و نرم افزارهایی هم بر اساس کتابهای ایشان و یا تحت اشراف علمی وی، طراحی و به بازار عرضه شده است.

ملکی متهور، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید ملکی متهور

محل تولد: کیوتر آهنگ همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۱ موفق به اخذ دیپلم تجربی از دبیرستان امام خمینی (ره) همدان شدم. در همان سال وارد حوزه علمیه «آیت الله مجتهدی

تهران» شدم. و پایه اول را در آنجا خواندم. سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس مقدمات و ادبیات عرب را از محضر اساتیدی چون: «طالقانی»، «موسوی گرگانی»، «فتوحی»، «مدرس افغانی» و ... بهره بردم.

دروس لمعه و اصول را از محضر اساتیدی چون: «آیت الله شب زنده دار»، «آیت الله استادی»، «آیت الله وجدانی فخر» و «صالحی افغانی» و ... استفاده کردم. دروس رسائل و مکاسب را نزد اساتیدی چون: «آیت الله پایانی»، «آیت الله طاهری خرم آبادی» و «آیت الله اعتمادی» زانو زدم. درس کفایتین را از محضر «آیت الله ستوده» خوشه چینی کردم. سال ۱۳۶۸ دروس سطح را به پایان رساندم و وارد مقطع خارج شدم.

قابل ذکر است که حقیر از سال دوم طلبگی مشغول تدریس به صورت آزاد نیز بودم که تا کنون نیز ادامه دارد. علاوه بر تدریس مشغول تبلیغ و سخنرانی در مناسبت های تبلیغی در جوامع مختلف می باشم. حدود ۱۰ سال در درس خارج آیات عظام: «تبریزی»، «مکارم»، «فاضل لنکرانی»، «وحید خراسانی» و «سبحانی» شرکت کردم. حدود ۷ سال است که در درس خارج خصوصی «آیت الله معرفت» شرکت می کنم. در کنار دوسر فقہ و اصول حوزه در رشته تخصصی تفسیر نیز شرکت کردم و بحمد الله با موفقیت آن را به اتمام رساندم که موضوع پایان نامه «عصمت انبیاء در قرآن» می باشد.

ملکی میانجی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدباقر ملکی میانجی فرزند عبدالعظیم فرزند حاج علیمرادى از علماء متقى معاصر در میانج آذربایجان می باشند، که در سال ۱۳۲۴ قمری در قصبه ترک (بفتح تاء و سکون راء و کاف) از محال گرمروید شهرستان میانه به دنیا آمده و بعد از تحصیلات فارسی ادبیات و قسمتی از قوانین و ریاض را در زادگاهش خدمت آقا سید واسع کاظمی ترکی (ره) که از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بوده فراگرفته است.

سپس در سال ۱۳۴۹ قمری به مشهد رضوی عزیمت نموده و در حوزه علمیه مشهد اشتغال به تحصیل رسائل و کفایه از مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و فلسفه و کلام را در حضور مرحوم آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی و قسمتی از خارج فقہ را از مرحوم حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و همچنین قسمتی از خارج فقہ و اصول و یک دوره کامل معارف اسلامی را از محضر عالم ربانی و علامه سبحانی آیت الله میرزا مهدی غروی اصفهانی فراگرفته و در سال ۱۳۶۳ قمری از آن مرحوم دریافت اجازه اجتهاد و روایتی نموده و سپس به سوی آذربایجان و قصبه ترک زادگاهش که مرکز محال گرمروید میانه است عزیمت و در آنجا سکونت نموده و به خدمات دینی از امامت و تفسیر قرآن و معارف اسلام و ترویج دین و درس اخلاق پرداخته و خدمات شایانی نموده و در اواخر ۱۳۷۸ قمری به قم آمده و در حوزه به تدریس خارج اصول و تفسیر و معارف اسلامی اشتغال یافته است.

آثار علمی ایشان از این قرار است

۱- تفسیر آیات الاحکام

۲- بدایع الکلام به طبع رسیده است.

۳- یکدوره معارف اسلامی تا آخر معاد (مخطوط).

۴- تفسیر قرآن از اول تا سوره نساء و از سوره مزمل تا آخر قرآن.

۵- یکدوره تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی (مخطوط).

(توح ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مفسر. در ترک از توابع میانه آذربایجان به دنیا آمد. در همان جا ادبیات عرب، منطق، اصول و فقه را در محضر سید واسع کاظمی ترکی، که از شاگردان برجسته‌ی آخوند خراسانی بود، فراگرفت. در ۱۳۴۹ ق به مشهد رفت و در سطوح عالی نزد آیت‌الله شیخ هاشم قزوینی و در فلسفه و کلام نزد آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی و در درس خارج نزد زعیم حوزه‌ی علمیه مشهد، آیت‌الله میرزا محمد آقازاده‌ی خراسانی، تلمذ کرد. او همچنین یک دوره اصول فقه و یک دوره‌ی کامل اصول عقاید و معارف اسلامی را از محضر آیت‌الله میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نمود و از ایشان به دریافت اجازه اجتهاد و نقل حدیث نایل آمد، اجازه‌ای که آیت‌الله حجت کوه کمری نیز آن را تأیید کرد. او از معتقدان به مکتب تفکیک محسوب می‌شد. بعدها در قم مورد توجه آیت‌الله بروجردی قرار گرفت و پس از سکونت در آنجا عهده‌دار تدریس خارج اصول و تعلیم تفسیر و معارف اسلامی گردید. او در طول عمر خویش تلاش بسیاری برای کمک به محرومان و اقدامات زیادی در امور عام المنفعه نمود. از آثارش: «بدائع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام»؛ تفسیر «فاتحه‌ی الکتاب»؛ «مناهج البیان»، در تفسیر قرآن؛ «تفسیر القرآن الکریم»؛ «الرشاد»، در توحید و معاد؛ دوره‌ی کامل درس «اصول» آیت‌الله آقا میرزا مهدی اصفهانی؛ رساله در «حبط و تکفیر»؛ رساله در «خمس».[۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه: [۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۴۱-۴۰).

ملکی، باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین حاج میرزا باقر ترکی ملکی میانجی عالمی عامل و فاضلی کامل و مفسری بصیر و محدثی خبیر و از اوتاد و اخیر علماء حوزه علمیه قم است تولدش در میانه واقع شده و به مشهد مقدس مهاجرت نموده و سالها در حوزه علمیه خراسان به تحصیل و تکمیل مبانی علوم پرداخته آنگاه در حیات مرحوم زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه به قم آمده و رحل اقامت افکنده و چندین سال از محضر آن علامه بزرگوار و بعد آیت‌الله العظمی شریعتمداری ایده‌الله استفاده نموده و به تدریس فقه و تفسیر پرداخته و عده‌ای از فضلاء و محصلین قم را از بیانات دقیقه و اخلاق حمیده بهره‌مند می‌سازد.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومندشان جناب ثقه الاسلام و مصباح الظلام آقای آقا میرزا صادق ملکی داماد آیت‌الله حاج شیخ راضی نجفی تبریزی از فضلاء آراسته موصوف به فضل و تقوا است سالها در مشهد و قم از محضر بزرگان و آیات عظام استفاده کرده و برای تبلیغ به خارج کشور بحرین و قطر و غیره مسافرت و انجام وظیفه نموده و اکنون رحل اقامت به تهران افکنده و به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ممدوحی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن ممدوحی

محل تولد: کرمانشاه

شهرت: ممدوحی کرمانشاهی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تولد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در کرمانشاه در خانواده‌ای متدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتدا با مخالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشی از دروس دوره مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دوره مقدمات پرداخت و سپس به درس شرح لمعتین رفت. حجره او در قم در مدرسه علمیه حجتیه قرار داشت و شرط ورود به آن، امتحان دادن شرح لمعه بود؛ امّا سفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مدرسه بپذیرند. با پایان یافتن دوره سطح، به درس خارج استادان برجسته دوره خود رفت و در کنار آن از تحصیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصی علامه طباطبایی (ره) به شمار می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با استادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسیاری از آن بزرگواران در سینه داشته باشد. همچنین در دروس اخلاق آن روزگار شرکت ویژه داشت و از این رهگذر، به تهذیب نفس و کسب ملکات فاضله می‌پرداخت. او در این سالها، از تدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تدریس فرمود. استادان و دوستان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، محضر عالمان بسیاری را درک کرد. او که شرح لمعه را نزد «آیت‌الله ستوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت‌الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفایه را خدمت «آیت‌الله سلطانی» فرا گرفت. با اتمام دوره سطح و ورود به درس خارج، در درس فقه مرحوم «محقق داماد» شرکت کرد و مدت چهارده سال به درس آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) رفت و تا دو سال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضر او کسب فیض کرد. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسفار علامه عظیم الشان سید محمد حسین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوه اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوک او بهره‌های فراوان می‌برد.

با رحلت علامه طباطبایی، در درس اسفار و فصوص الحکم «آیت‌الله جوادی آملی» شرکت نمود و بعدها به درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضر این دو عالم بزرگوار نیز به بهترین وجه استفاده می‌نمود. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلا مباحثه، مرافقت و دوستی داشت که از جمله آنان به آیت‌الله سید محسن خرازی، آیت‌الله رضا استادی و آقای شیخ قدرت‌الله نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.

فعالتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر خود بارها کتب درسی فقهی و اصولی تا سطح کفایه الاصول را تدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسیاری را تربیت

نموده است؛ اما با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورت‌های موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تدریس کتب *بداية الحكمة* و *نهاية الحكمة* علامه طباطبایی، شرح اشارات ابن سینا و شرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب *اسفار می‌پردازد*. او چندی است به تدریس کتاب شریف توحید صدوق با روش کارشناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسلام ارزانی داشته است که از آن میان می‌توان به شرح صحیفه سجادیه، شرح نهج البلاغه، شرح رساله الولاية علامه طباطبایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، اجتهاد و تقلید، حکمت حکومت فقیه و شرح رساله الوجود کاشف الغطاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شهرهای گوناگون به سخنرانی و تبلیغ مبانی اسلام و شیعه پرداخته است که همواره با استقبال اقبال گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شده است. فعالیت‌های سیاسی: آیت‌الله ممدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول سالیان حکومت خاندان پهلوی از هیچ تلاشی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدید قرار گرفت. او همکاری خود با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را از همان سالها آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسجم می‌پرداخت. او در اماکن و شهرهای گوناگون سخنرانی‌های تنیدی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دستگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شناخت هجمه‌های فرهنگی و ضرورت تلاش فرهنگی برای خنثی کردن شبهه‌های مارکسیسم و کمونیسم به تلاش برای آشنایی جوانان با مبانی اسلام و نقد دیدگاه‌های مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممدوحی پس از انقلاب نیز به حمایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشتغال دارد و چند سالی است که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.

ایشان شرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می‌نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن ۱۴ الی ۱۵ سال درس خارج فقه و حدود ۷ سال خارج اصول روی به تدریس متون عالیه از رسائل، کفایه و غیره آورده و چندین بار دوره های آن کتب علمی را در عرصه تدریس خود داشته‌ام. با اضافه تعلیقه و حواشی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصیل علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره های فلسفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیده و سپس به تدریس جملگی آنها پرداختم و با تدریس و شرح و حواشی و تعلیقه شاگردان توان مندی را بحمدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشته‌ایم که خود موجب گسترش فن عقلانی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.

در حین اشتغال به دروس فوق الذکر از تالیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تالیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم بحثان از مسافرت های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتزم شدیم.

از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با مراجعه شروح روایی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و *مرآة العقول* علامه مجلسی جملگی را به رشته بحث در آوردیم که همراه آن رسائل سبعة علامه طباطبایی: *رسالة الانسان قبل الدنيا و الانسان بعد الدنيا و الانسان في الدنيا*. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه ای بس عظیم فرآورده آن مباحث خواهد شد ان شاءالله. به امید آنکه در آینده تدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلک دروس حوزوی در

آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم گیری بگذارد.

حسن ممدوحی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت : ممدوحی کرمانشاهی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۱/۱

تصویر بزرگتر

آدرس اینترنتی

پست الکترونیکی : myname@site.com

بستن [X]زندگینامه علمی

تولد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در کرمانشاه در خانواده‌ای متدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتدا با مخالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشی از دروس دوره مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دوره مقدمات پرداخت و سپس به درس شرح لمعتین رفت. حجره او در قم در مدرسه علمیه حجّیه قرار داشت و شرط ورود به آن، امتحان دادن شرح لعمه بود؛ امّا سفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مدرسه بپذیرند. با پایان یافتن دوره سطح، به درس خارج استادان برجسته دوره خود رفت و در کنار آن از تحصیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصی علامه طباطبایی (ره) به شمار می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با استادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسیاری از آن بزرگواران در سینه داشته باشد. همچنین در دروس اخلاق آن روزگار شرکت ویژه داشت و از این رهگذر، به تهذیب نفس و کسب ملکات فاضله می‌پرداخت. او در این سالها، از تدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تدریس فرمود. استادان و دوستان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، محضر عالمان بسیاری را درک کرد. او که شرح لعمه را نزد «آیت‌الله ستوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت‌الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفایه را خدمت «آیت‌الله سلطانی» فرا گرفت. با اتمام دوره سطح و ورود به درس خارج، در درس فقه مرحوم «محقق داماد» شرکت کرد و مدت چهارده سال به درس آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) رفت و تا دو سال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضر او کسب فیض کرد. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسفار علامه عظیم الشان سید محمد حسین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنجشنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوه اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوک او بهره‌های فراوان می‌برد.

با رحلت علامه طباطبایی، در درس اسفار و فصوص الحکم «آیت‌الله جوادی آملی» شرکت نمود و بعدها به درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضر این دو عالم بزرگوار نیز به بهترین وجه استفاده می‌نمود. آیت‌الله ممدوحی در سالهای

تحصیل خود با طلاب و فضلا مباحثه، مرافقت و دوستی داشت که از جمله آنان به آیت‌الله سید محسن خرازی، آیت‌الله رضا استادی و آقای شیخ قدرت‌الله نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.

فعالتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر خود بارها کتب درسی فقهی و اصولی تا سطح کفایه‌الاصول را تدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسیاری را تربیت نموده است؛ اما با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورت‌های موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تدریس کتب بدایه‌الحکمه و نهایه‌الحکمه علامه طباطبایی، شرح اشارات ابن سینا و شرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب اسفار می‌پردازد. او چندی است به تدریس کتاب شریف توحید صدوق با روش کارشناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسلام ارزانی داشته است که از آن میان می‌توان به شرح صحیفه سجاده، شرح نهج‌البلاغه، شرح رساله‌الولایه علامه طباطبایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، اجتهاد و تقلید، حکمت حکومت فقیه و شرح رساله‌الوجود کاشف‌الغطاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شهرهای گوناگون به سخنرانی و تبلیغ مبانی اسلام و شیعه پرداخته است که همواره با استقبال اقبال‌گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شده است. فعالتهای سیاسی: آیت‌الله ممدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول سالیان حکومت خاندان پهلوی از هیچ تلاشی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدید قرار گرفت. او همکاری خود با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را از همان سالها آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسجم می‌پرداخت. او در اماکن و شهرهای گوناگون سخنرانیهای تنیدی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دستگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شناخت هجمه‌های فرهنگی و ضرورت تلاش فرهنگی برای خنثی کردن شبهه‌های مارکسیسم و کمونیسم به تلاش برای آشنایی جوانان با مبانی اسلام و نقد دیدگاههای مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممدوحی پس از انقلاب نیز به حمایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشتغال دارد و چند سالی است که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.

ایشان شرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می‌نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن ۱۴ الی ۱۵ سال درس خارج فقه و حدود ۷ سال خارج اصول روی به تدریس متون عالی از رسائل، کفایه و غیره آورده و چندین بار دوره‌های آن کتب علمی را در عرصه تدریس خود داشته‌ام. با اضافه تعلیقه و حواشی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصیل علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره‌های فلسفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیده و سپس به تدریس جملگی آنها پرداختم و با تدریس و شرح و حواشی و تعلیقه شاگردان توان مندی را بحمدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشته‌ایم که خود موجب گسترش فن عقلانی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.

در حین اشتغال به دروس فوق‌الذکر از تالیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تالیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم‌بحثان از مسافرت‌های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتمز شدیم.

از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی‌ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با

مراجعه شروح روایی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و مرآة العقول علامه مجلسی
جملگی را به رشته بحث در آوردم که همراه آن رسائل سبعة علامه طباطبایی: رساله الانسان قبل الدنيا و الانسان بعد الدنيا و
الانسان فی الدنيا. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه ای بس عظیم
فرآورده آن مباحث خواهد شد ان شاءالله. به امید آنکه در آینده تدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلك دروس حوزوی در
آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم گیری بگذارد.

منصوری، کریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کریم منصوری

حافظ و قاری قرآن کریم

متولد ۱۳۴۷ _ آبادان

تحصیلات: دیپلم

شغل: کارمند وزارت امور خارجه

نام اساتید: سید صالح، گروسی، رکابی، منصوری، عبدالله زاده، موسوی، اربابی و خدام حسینی.

شروع فعالیت: وی از ۵۹ با شرکت در جلسات قرآنی آموزش قرآن کریم را به صورت فنی دنبال کرد و موفق شد در مدت زمان
کوتاهی به فنون قرائت در حد مطلوبی تسلط یابد و با استفاده از نوار قرائت قاریان مشهور مصری سطح قرائت خود را ارتقا بخشد و
توفیق یافت کل قرآن کریم را نیز حفظ کند.

مقام های داخلی:

نفر دوم مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه (سالهای ۶۷ و ۷۲).

نفر اول مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه (سال ۶۹ و ۷۶).

نفر اول مسابقات قرآن کریم اوقاف و امور خیریه استان تهران در رشته حفظ کل.

مقام های بین المللی:

نفر دوم مسابقات بین المللی قرآن کریم مالزی (سال ۶۹).

نفر دوم مسابقات بین المللی قرآن کریم عربستان سعودی (سال ۷۱).

نفر اول مسابقات بین المللی قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران (سال ۷۶).

مأموریت های قرآنی در داخل کشور:

تلاوت قرآن کریم در محافل انس با قرآن و برنامه های متعدد قرآنی در سراسر کشور.

تلاوت قرآن کریم در مراسم افتتاحیه اجلاس سران کشورهای اسلامی در سال ۷۶.

مأموریت های قرآنی در خارج از کشور:

سفر به حدود بیست کشور جهان از جمله کشورهای مغرب، سوریه و عمان.

سفر به عربستان سعودی جهت تلاوت قرآن کریم در مراسم سیاسی عبادی حج تمتع.

منصوری، مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۳ ق)، عالم دینی و مفسر. در قریه‌ی منصورآباد جهرد قم به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در ۱۳۴۳ ق به قم رفت و سطوح اولیه را از میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و «مکاسب» و «کفایه» را از آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و حجت‌الاسلام میرزا محمد همدانی و فلسفه و معقول را از آیت‌الله شاه آبادی و آیت‌الله میرزا خلیل کمره‌ای فراگرفت و همچنین از محضر آیت‌الله فیض و آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله گلپایگانی بهره‌مند شد. او به مدت چهار سال در درس آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی شرکت کرد و پس از ایشان از محضر آیت‌الله حجت و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله بروجردی استفاده نمود. پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، به امر آیت‌الله شریعتمداری به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت و انجام امور دینی پرداخت. از آثارش: «حیوة الست»؛ تفسیر «سوره‌ی انعام»؛ تفسیر «سوره‌ی عم یتسائلون»؛ رساله‌ای در «غناء»؛ رساله‌ی «چرا لازم است خدا را شناخته و معتقد به وجود او شد»؛ جزواتی در «تقریرات» فقه و اصول اساتید خود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینه‌ی دانشوران (۳۷۲-۳۷۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۹-۶۸/۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۹/۶).

موحدی محب، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله موحدی محب

محل تولد: بیدگل کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۲/۳

زندگینامه علمی

ورود به حوزه علمیه قم ۱/۷/۱۳۴۷، شروع به تدریس متون حوزوی ۱۳۵۴: سیوطی، مغنی، معالم، مختصر، شرح لمعه، اصول فقه و ...، بازگشت به کاشان پس از تعطیلات تحصیلی بر حوزه متعاقب شهادت شهید غفاری (ره) و شروع به تدریس و تبلیغ و امامت جماعت در کاشان ۱۳۵۵ (مواد تدریس در حوزه کاشان همان درسهای یاد شده)، نماینده ولی فقیه در اوقاف کاشان ۱۳۵۸، قاضی در دادگستری کاشان و عضو کمیسیون ۵ نفری حل اختلافات ۱۳۵۸، تدریس در دبیرستانهای کاشان در ۱۳۵۸، فعالیت‌های سیاسی اجتماعی، عضویت در کمیسیونهای مختلف در فرمانداری کاشان ۱۳۵۸.

بازگشت به قم و شروع فعالیت تحصیلی و تدریس ۱۳۵۹ (مواد درسی همان درسهای یاد شده در بالا)، شروع به تدریس در دانشگاه کاشان (مدرسه عالی علوم) نیمسال اول تحصیلی ۱۳۶۲، هم زمان تدریس در دانشگاه علوم پزشکی کاشان ۶۷ - ۱۳۶۶

(مواد درسی دروس معارف اسلامی)، راهیابی به دوره فوق لیسانس «مدرسه عالی دارالشفای قم» ۱۳۶۷، دفاع از رساله کارشناسی ارشد ۱۳۷۱ فروردین با درجه عالی نمره ۲۰ و استاد راهنما جناب استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دنیانی - استاد مشاور جناب حجة الاسلام حسین توفیقی - استاد داور حضرت آیت الله انصاری شیرازی (دامت توفیقاتهم)، استخدام در دانشگاه کاشان ۱۳۷۱ اردیبهشت، تدریس در دانشگاه قم از سال ۷۱ تا ۷۵ (موارد درسی علوم بلاغت، عربی، بدیع فارسی، علم کلام اسلامی).

راهیابی به دوره دکترای «علوم قرآن و حدیث» بهمن ماه ۱۳۷۵، دفاع از رساله دکترای با درجه عالی و نمره ۲۰ (۱۳۸۱/۶/۱۳) استاد راهنما جناب حجة الاسلام دکتر سید محمد باقر حجتی - استاد مشاور حجة الاسلام دکتر احمد بهشتی و حجة الاسلام محمد علی مهدوی راد - اساتید داور حضرت آیت الله داوری اصفهانی و حضرت آیت الله فاضل گلپایگانی (دامت برکاتهم).

اساتید: صرف و نحو حجة الاسلام «حاج آقا رضا رضوی» در حوزه علمیه کاشان سال ۴۵ و ۴۶، معانی و بیان: استاد «احمد امین شیرازی» سال ۴۷ در قم، فقه: لمعه «آیت الله موسوی تبریزی»، مکاسب: «مرحوم آیت الله ستوده»، اصول قوانین: «حضرت آیت الله دوزدوستانی» رسائل: آیات بزرگوار «مرحوم حرم پناهی (ره)»، «استاد آیت الله اعتمادی»، آیت الله خزعلی (دامت برکاتهم) کفایه مرحوم آیت الله ستوده و حضرت آیت الله مظاهری درس خارج اصول: حضرت آیت الله مظاهری «تقریباً یک دوره کامل اصول» فقه: حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی (دامت برکاتهم)، هم اکنون هم عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان استادیار پایه ۱۵ و در قم: مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء، مرکز تخصصی نهج البلاغه قم، فی الجمله فعالیت آموزشی و ... دارد، مقالات چاپ نشده از قبیل تحقیقات دانشگاهی و تقریرات دروس حضرات آیات: «فاضل لنکرانی» و «مظاهری» (دامت برکاتهم) مقداری نوشته چاپ نشده.

مودب، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید رضا مودب

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۴ به شهر مقدس قم برای تحصیل به حوزه علمیه مسافرت نمودم و تا دو سال در مدرسه علمیه «حضرت آیت الله گلپایگانی» به مقدمات پرداختم. در سال ۱۳۵۶ به مدرسه رسالت جهت تحصیل منتقل شدم و دروس سطح یک و دو حوزه را در آنجا سپری نمودم و از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ در حوزه علمیه به ادامه تحصیل پرداختم. درس مکاسب و کفایه را از محضر استادان گرانقدر: «حضرت آیه الله علوی گرگانی» و حضرات آیات: «وجدانی فخر»، «پایانی» و «ستوده» استفاده کردم و در درس خارج حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «مکارم شیرازی» و «علوی گرگانی» شرکت نمودم و یک دوره فقه و اصول را سپری کردم.

از سال ۶۹ در مرکز تربیت مدرس قم مشغول به تحصیل شدم و همزمان در دانشگاه تهران تدریس دروس معارف را آغاز نمودم که تا سال ۱۳۷۸ در دانشکده های فنی و مهندسی، علوم، ادبیات، حقوق و ... ادامه داشته است و همزمان در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۲ در مقطع دکتری ادامه تحصیل داده در سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل در گرایش «علوم قرآن و حدیث» شدم و از ۱۳۷۶ عضو هیئت علمی دانشگاه قم در آمدم و تاکنون عضو هیئت علمی رسمی دانشگاه هستم.

در دانشگاه اصفهان تدریس معارف و در دانشکده علوم قرآنی و حدیث و دانشکده شهید محلاتی سپاه تدریس داشته ام. در دانشگاه قم در موضوعات علوم قرآن و حدیث چندین جزوه علمی تهیه نموده ام. در دانشگاه و دیگر محافل علمی چندین کنفرانس علمی در موضوعات قرآنی ارائه کرده ام. در مرکز تفسیر برای طلاب حوزه و در مرکز جهانی علوم اسلامی برای طلاب خارجی تدریس داشته و دارم. پایان نامه های متعددی در دانشگاه قم و مؤسسه امام خمینی سرپرستی نموده ام. چندین کتاب و اثر پژوهشی فراهم آورده ام که در آثار پژوهشی آمده و اکنون نیز در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، عضو حلقه کارشناسی مقاله های آن مرکز هستم. در رادیو معارف و ... مباحثی علمی در موضوعات قرآنی داشته ام.

مؤذن زاده، رحیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رحیم مؤذن زاده :

پدرش، مرحوم شیخ عبدالکریم اردبیلی، مؤذن بود و زمانی که در مسجد امام تهران اذان می خواند، صدایش به طور زنده از رادیو پخش می شد. شیخ عبدالکریم اردبیلی، تا سال ۱۳۲۲ در منطقه اردبیل به وعظ و اذان گویی مشغول بود و نخستین بار به خاطر اذانی که در این سال در رادیو گفته بود، شهرت پیدا کرد و سپس تا سال ۱۳۲۶ برنامه سحری رادیو را به صورت زنده، از طریق مسجد امام (مسجد شاه سابق) اجرا می کرد و در سال ۱۳۲۹ از دنیا رفت. در خانواده مؤذن زاده که اغلب به فعالیت های مذهبی و اذان گویی پرداخته اند، رحیم مؤذن زاده، فرزند ارشد شیخ عبدالکریم است، راه پدر را با جدیت بیشتری گرفت و عملاً پس از درگذشت پدرش به جای او قرائت اذان را ادامه داد. اذان مشهور مؤذن زاده که در گوشه روح الایرواح آواز بیات ترک (زند) خوانده شده است، اذانی است که رحیم مؤذن زاده در سال ۱۳۳۴ در میدان ۱۵ خرداد در استودیوی ۶ خوانده است. به روایت خود مؤذن زاده، او در حالی که روزه دار بوده می خواسته است اذانی بگوید تا برای فرهنگ ایران و اسلام یادگاری ارزنده باشد. مؤذن زاده برای ضبط این اذان گوشه های مختلفی را می آزماید، اما هیچ کدام مورد پسندش واقع نمی شود، تا این که مناسب ترین گوشه را برای قرائت اذان، روح الایرواح می بیند. ایشان بارها گفته است: "از ضبط این اثر همیشه یک احساس غرور معنوی در طول سال های گذشته با من همراه بوده است و اگر تنها همین ثروت معنوی باقی بماند برای من کافی است."

استاد مؤذن زاده در روزهای پایانی حیات خود، زندگی اش را اینگونه توصیف کرده بود:

«من سال ۱۳۰۴ در اردبیل به دنبال آمدم، در آن دوران ما عوض دبیرستان مکتب می رفتیم. همه هم متدین بودند. خانواده ها در دوره ی ما در ابتدای امر بچه ها را با قرآن مانوس می کردند. ما هم پس از طی این مرحله به مدرسه حاج ابراهیم آمدم. طلبه بودیم به اصطلاح امروز، ولی در حین طلبگی، این اذان با ما همراه بود. صبح و ظهر و عصر و شب در مسجد و اماکن مذهبی هر روز اذان می خواندیم، تا اینکه یک شب که پدرم در خیابان ایران اردبیل ساکن شد. او عادت داشت هر کجا که میهمانی هم برود صبح پشت بام رفته و اذان بگوید، صبح آن روزی که پدرم اذان گفت: امام جمعه ی اردبیل گفته بود که من صدای ملکوتی می شنوم، ببینید

این صدا از کجا می‌آید. آن‌ها همه خانه‌ها را گشته بودند تا اینکه صاحب خانه‌ی ما گفته بود شیخ عبدالکریم اردبیلی اینجا آمده و اوست که اذان گفته است. ما را خواستند و آوردند در مسجد و در داخل مسجد به ما ۲ تا اتاق دادند. مرحوم پدرم سال ۱۳۲۲ برای نخستین بار اذان را در رادیو گفت و همین طور تا ۱۳۲۶ که برنامه‌ی سحری را به صورت زنده اجرا می‌کرد. او در سال ۱۳۲۹ سکنه کرد و من قبول کردم جای او اذان بگویم تا الآن که با این سن و سال هنوز مشغولم و افتخار دارم که با گفتن آن یک اذان، برای اسلام و مملکت کاری کرده‌ام. ما که نه ثروت داریم و نه مکتب و همین یک اذان برایمان بهترین خیر است. هر روز تلفن می‌زنند و می‌گویند که این اذان خیلی زیبا گفته شده است، می‌دانید چرا؟ من جوابتان را می‌دهم برای این که باطن - اشاره به قلب - خوشگل است، برای این که این اذان را با دهن روزه پر کردم تا قربه الی الله باشد. این یک کار مادی نبود بلکه معنوی بود نتیجه‌اش را هم می‌بینید. واعظ تهرانی درجایی گفته بود اذان همه قبول باشد اذان است اما این اذان مؤذن زاده آدم را وادار می‌کند که به مسجد بیاید.

البته این اذان گفتن در خانواده‌ی ما موروثی است. ۱۵۰ سال است که خانواده‌ی ما اذان می‌گویند. حتی زمانی که در اردبیل آن موقع‌ها شناسنامه می‌دادند به تناسب شغل و حرفه نام خانوادگی انتخاب می‌کردند. به بابایم هم گفته بودند تو چیکاره‌ای؟ گفته بود مؤذن. گفته بودند نام خانوادگی شما مؤذن است. زمانی که سال ۱۳۲۹ پدرم فوت کرد و من جای او رفتم. گوینده‌ها می‌گفتند اذان، اذانی که به وسیله استاد مؤذن "، زاده اردبیلی" گفته شده است. لذا این "زاده اردبیلی" از آن موقع به اسم ما اضافه شد. یک روزی هم تصمیم گرفتم تا یک اذان یادگیری را بگویم. در استودیوی ۶ صدا و سیما هر گوشه‌ای انداختم نشد تا اینکه آن را در روح‌الارواح آواز بیات ترک به این شکل که بیش از ۵۰ سال پخش می‌شود گفتم. ما ایرانی هستیم و اذان ما باید برخاسته از خودمان باشد. الان اذان خوان‌هایی هستند که تقلید می‌کنند از عربستان و این پسندیده نیست و خود ما باید ابتکار به خرج دهیم. الآن ۵۰ سال است که کسی نتوانسته روی این اذان من اذان بگوید حتی برادرم سلیم که آن صدای گیرا و زیبا را دارد و این خواست خداست. همان خدایی که می‌گوید اگر با من یک صدایی کنید، محبت شما را به قلوب همه می‌اندازم. البته ۲۰ سال پیش می‌خواستم یک اذان دیگر به مدت ۱۵ دقیقه که در وسط آن دعا است را پر کنم اما نگذاشتند و گفتند که اذان ۶ دقیقه بیشتر نمی‌شود. ولی در کل می‌خواهم بگویم در هر کاری که خدا و اخلاص در نظر گرفته شود آن کار جواب مثبتی خواهد داشت.»

مؤذن زاده اردبیلی که زمانی در اردبیل زندگی می‌کرد، بعدها به مهر شهر کرج کوچید و در آنجا ساکن شد. این اذان گوی سرشناس ایرانی، در سن هشتاد سالگی بر اثر بیماری روز پنجشنبه ۵ خرداد ۸۴ در تهران دعوت حق را لبیک گفت. روحش شاد...

مؤذن زاده، رحیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رحیم مؤذن زاده اردبیلی :

پدرش، مرحوم شیخ عبدالکریم اردبیلی، مؤذن بود و زمانی که در مسجد امام تهران اذان می‌خواند، صدایش به طور زنده از رادیو پخش می‌شد. شیخ عبدالکریم اردبیلی، تا سال ۱۳۲۲ در منطقه اردبیل به وعظ و اذان‌گویی مشغول بود و نخستین بار به خاطر اذانی که در این سال در رادیو گفته بود، شهرت پیدا کرد و سپس تا سال ۱۳۲۶ برنامه سحری رادیو را به صورت زنده، از طریق مسجد امام (مسجد شاه سابق) اجرا می‌کرد و در سال ۱۳۲۹ از دنیا رفت. در خانواده مؤذن زاده که اغلب به فعالیت‌های مذهبی و

اذان گویی پرداخته اند، رحیم مؤذن زاده، فرزند ارشد شیخ عبدالکریم است، راه پدر را با جدیت بیشتر پی گرفت و عملاً پس از درگذشت پدرش به جای او قرائت اذان را ادامه داد. اذان مشهور مؤذن زاده که در گوشه روح الارواح آواز بیات ترک (زند) خوانده شده است، اذانی است که رحیم مؤذن زاده در سال ۱۳۳۴ در میدان ۱۵ خرداد در استودیوی ۶ خوانده است. به روایت خود مؤذن زاده، او در حالی که روزه‌دار بوده می‌خواست است اذانی بگوید تا برای فرهنگ ایران و اسلام یادگاری ارزنده باشد. مؤذن زاده برای ضبط این اذان گوشه‌های مختلفی را می‌آزماید، اما هیچ کدام مورد پسندش واقع نمی‌شود، تا این که مناسب ترین گوشه را برای قرائت اذان، روح الارواح می‌بیند. ایشان بارها گفته است: "از ضبط این اثر همیشه یک احساس غرور معنوی در طول سال‌های گذشته با من همراه بوده است و اگر تنها همین ثروت معنوی باقی بماند برای من کافی است."

استاد مؤذن زاده در روزهای پایانی حیات خود، زندگی اش را اینگونه توصیف کرده بود:

«من سال ۱۳۰۴ در اردبیل به دنبال آمدم، در آن دوران ما عوض دبیرستان مکتب می‌رفتیم. همه هم متدین بودند. خانواده‌ها در دوره‌ی ما در ابتدای امر بچه‌ها را با قرآن مانوس می‌کردند. ما هم پس از طی این مرحله به مدرسه حاج ابراهیم آمدم. طلبه بودیم به اصطلاح امروز، ولی در حین طلبگی، این اذان با ما همراه بود. صبح و ظهر و عصر و شب در مسجد و اماکن مذهبی هر روز اذان می‌خواندیم، تا اینکه یک شب که پدرم در خیابان ایران اردبیل ساکن شد. او عادت داشت هر کجا که میهمانی هم برود صبح پشت بام رفته و اذان بگوید، صبح آن روزی که پدرم اذان گفت: امام جمعه‌ی اردبیل گفته بود که من صدای ملکوتی می‌شنوم، ببینید این صدا از کجا می‌آید. آن‌ها همه خانه‌ها را گشته بودند تا اینکه صاحب خانه‌ی ما گفته بود شیخ عبدالکریم اردبیلی اینجا آمده و اوست که اذان گفته است. ما را خواستند و آوردند در مسجد و در داخل مسجد به ما ۲ تا افاق دادند. مرحوم پدرم سال ۱۳۲۲ برای نخستین بار اذان را در رادیو گفت و همین طور تا ۱۳۲۶ که برنامه‌ی سحری را به صورت زنده اجرا می‌کرد. او در سال ۱۳۲۹ سکتی کرد و من قبول کردم جای او اذان بگویم تا الآن که با این سن و سال هنوز مشغولم و افتخار دارم که با گفتن آن یک اذان، برای اسلام و مملکت کاری کرده‌ام. ما که نه ثروت داریم و نه مکتب و همین یک اذان برایمان بهترین خیر است. هر روز تلفن می‌زنند و می‌گویند که این اذان خیلی زیبا گفته شده است، می‌دانید چرا؟ من جوابتان را می‌دهم برای این که باطن - اشاره به قلب - خوشگل است، برای این که این اذان را با دهن روزه پر کردم تا قربه الی الله باشد. این یک کار مادی نبود بلکه معنوی بود نتیجه‌اش را هم می‌بینید. واعظ تهرانی درجایی گفته بود اذان همه قبول باشد اذان است اما این اذان مؤذن زاده آدم را وادار می‌کند که به مسجد بیاید.

البته این اذان گفتن در خانواده‌ی ما موروثی است. ۱۵۰ سال است که خانواده‌ی ما اذان می‌گویند. حتی زمانی که در اردبیل آن موقع‌ها شناسنامه می‌دادند به تناسب شغل و حرفه نام خانوادگی انتخاب می‌کردند. به بابایم هم گفته بودند تو چیکاره‌ای؟ گفته بود مؤذن. گفته بودند نام خانوادگی شما مؤذن است. زمانی که سال ۱۳۲۹ پدرم فوت کرد و من جای او رفتم. گوینده‌ها می‌گفتند اذان، اذانی که به وسیله استاد مؤذن "، زاده اردبیلی" گفته شده است. لذا این "زاده اردبیلی" از آن موقع به اسم ما اضافه شد. یک روزی هم تصمیم گرفتم تا یک اذان یادگاری را بگویم. در استودیوی ۶ صدا و سیما هر گوشه‌ای انداختم نشد تا اینکه آن را در روح الارواح آواز بیات ترک به این شکل که بیش از ۵۰ سال پخش می‌شود گفتم. ما ایرانی هستیم و اذان ما باید برخاسته از خودمان باشد. الان اذان خوان‌هایی هستند که تقلید می‌کنند از عربستان و این پسندیده نیست و خود ما باید ابتکار به خرج دهیم. الآن ۵۰ سال است که کسی نتوانسته روی این اذان من اذان بگوید حتی برادرم سلیم که آن صدای گیرا و زیبا را دارد و این خواست خداست. همان خدایی که می‌گوید اگر با من یک صدایی کنی، محبت شما را به قلوب همه می‌اندازم. البته ۲۰ سال پیش می‌خواستم یک اذان دیگر به مدت ۱۵ دقیقه که در وسط آن دعا است را پر کنم اما نگذاشتند و گفتند که اذان ۶ دقیقه بیشتر نمی‌شود. ولی در کل می‌خواهم بگویم در هر کاری که خدا و اخلاص در نظر گرفته شود آن کار جواب مثبتی خواهد داشت.»

مؤذن زاده اردبیلی که زمانی در اردبیل زندگی می‌کرد، بعدها به مهر شهر کرج کوچید و در آنجا ساکن شد. این اذان گوی سرشناس ایرانی، در سن هشتاد سالگی بر اثر بیماری روز پنجشنبه ۵ خرداد ۸۴ در تهران دعوت حق را لبیک گفت.

موسوی احمد آبادی، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مجتبی موسوی احمد آبادی

محل تولد: اردکان یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۳۸ در یکی از روستاهای استان یزد «احمد آباد» متولد شدم. دوران ابتدایی و راهنمایی را در آنجا به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۶ جهت ادامه تحصیل به سفارش پدرم راهی قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. دروس مقدمات تا شرح لمعه را در آن مدرسه به پایان رساندم و سپس به صورت آزاد در درس های حوزه شرکت نمودم. شرح لمعه را نزد اساتید محترم: «مرحوم وجدانی فخر» و «آقای پاکویی»، اصول الفقه را نزد «آیت الله طهرانی» و «عرفانیان»، مکاسب را نزد «استاد پایانی» و مقداری از آن نزد «آقای دوزدوزانی» و «بنی فضل» و رسایل و کفایتن را نزد استاد محترم «آقای اعتمادی» به پایان رساندم. پس از اتمام دوره سطح، به مدت هفت سال در درس خارج فقه و اصول حضرت «آیت الله مکارم» شرکت نمودم و حدود سه سال در درس خارج فقه «آیت الله العظمی آقای تبریزی (ره)» کسب فیض نمودم. در سال ۱۳۷۳ در گروه تخصصی تفسیر پذیرفته شدم. دوره چهار ساله را در سال ۱۳۷۷ با موفقیت به پایان رساندم. بعد از اتمام دوره تخصصی تفسیر از سال ۱۳۷۷ تاکنون به مدت هشت سال در گروه فرهنگ و معارف قرآن بخش دایره المعارف قرآن در دفتر تبلیغات به عنوان محقق به تحقیقات و بررسی موضوعات قرآنی مشغول هستم.

موسوی برزکی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد موسوی برزکی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در مدرسه رسالت قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی و دینی شدم. پس از اتمام مقدمات در فیضیه و مسجد اعظم و ... تحصیلات خود را ادامه دادم. کتاب شرح لمعه را در محضر «آیت الله استادی» و «وجدانی فخر» و رسائل و کفایه را در محضر «آیت الله اعتمادی» و مکاسب را در محضر «آیت الله پایانی» بوده‌ام.

دروس خارج فقه و اصول را از خرمن علم آیات عظام: «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی» و «شیخ جواد تبریزی» خوشه‌چینی نمودم و تفسیر و فلسفه را از محضر «آیت الله جوادی آملی» پس از ده سال حضور در دروس خارج و احساس با نیازی از حضور در سر کلاس آیات عظام به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا کفایه مشغول شدم.

همچنین در دانشگاه آزاد تدریس دروس عمومی را مثل معارف اخلاق وصیت نامه امام (ره) تفسیر به عهده گرفتم. همچنین در کنار تدریس، پژوهش و تحقیق در موضوعات مختلف را آغاز نمودم و هم‌اکنون امامت جمعه شهرستان اردستان را داشته و در کنار آن تدریس کفایه‌الاصول (حوزه) و دروس عمومی دانشگاه، تالیف مقالات، کتاب و اداره مدرسه علمیه زینبه را به عهده دارم.

موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله سید عبدالاعلی موسوی سبزواری، فقیه، مفسر و قرآن‌پژوه بزرگ جهان تشیع و از مفاخر علمی و برجسته اسلام در دوره معاصر است که عمر شریف خویش را در نشر و گسترش معارف اسلام و قرآن مصروف داشت. وی در ۱۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۸ هـ.ق، مصادف با عید غدیر خم، در سبزواری دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی پدر بزرگوارش طی کرد و مقدمات ادبیات عرب، فقه، اصول و ... را از پدر و عمویش، آیت‌الله «سید عبدالله برهان» (م ۱۳۸۴ هـ.ق) فراگرفت و تا سن چهارده سالگی در زادگاه خود به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و عربی پرداخت. در سال ۱۳۴۲ هـ.ق به مشهد مقدس رفت و در آنجا از محضر بزرگانی چون علامه میرزا «عبدالجواد ادیب نیشابوری» (م ۱۳۴۴ هـ.ق)، میرزا عسکر شهیدی، معروف به آقا بزرگ حکیم (م ۱۳۵۴ هـ.ق)، آیت‌الله سید محمد عصار لواسانی (م ۱۳۵۶ هـ.ق) و شیخ علی‌اکبر نهاوندی (م ۱۳۶۹ هـ.ق) بهره برد. مرحوم آیت‌الله سبزواری پس از حدود هشت سال اقامت در مشهد، برای تکمیل دروس سطح فقه و اصول و نیز فلسفه و تفسیر و دیگر علوم اسلامی عزم سفر نجف اشرف کرد و در آن شهر در درس آیات عظام مرحوم نائینی (م ۱۳۵۵ هـ.ق)، آقا ضیاءالدین عراقی (م ۱۳۶۱ هـ.ق)، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (م ۱۳۶۱ هـ.ق)، سید ابوالحسن اصفهانی و سید حسین بادکوبه‌ای (م ۱۳۵۸ هـ.ق) شرکت و آموخته‌های فقهی و فلسفی خویش را تکمیل کرد. وی تفسیر قرآن و مناظره و کلام را با حضور در جلسات تفسیری علامه «محمدجواد بلاغی» فراگرفت. او هم‌چنین از علامه مامقانی (م ۱۳۵۱ هـ.ق) و شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ هـ.ق) و دیگر مشایخ و استادان خود اجازات روایتی و اجتهادی کسب کرد و در حالی که ۳۶ سال داشت، در سال ۱۳۶۵ هـ.ق خود عهده‌دار تدریس خارج فقه و اصول شد و به تربیت شاگردان و دانشوران پرداخت. آیت‌الله سبزواری در کنار فقیه برجسته اهل بیت (ع)، آیت‌الله

سیدابوالقاسم خوئی (م ۱۴۱۳ هـ.ق) خدمات شایانی به حوزه نجف اشرف کرد و چراغ فقاهاست را در آن حوزه نورانی نگه داشت و خود چیزی کمتر از یک سال - بعد از آیت‌الله خوئی - عهده‌دار ریاست آن حوزه علمی شد. سرانجام این فقیه فرزانه و مفسر عالی‌قدر تشیع و عالم وارسته، بعد از عمری تدریس و تحقیق و تألیف و مجاهدت در روز دوشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۷۲ هـ.ش (۲۷ صفر ۱۴۱۴ هـ.ق)، مصادف با شب رحلت رسول خدا(ص) و شهادت امام حسن مجتبی(ع) در نجف اشرف در گذشت و به دیدار حق شتافت که البته برخی معتقدند که وی توسط رژیم بعث عراق مسموم و شهید شده است.

برگرفته از کتاب: راسخون

موسوی نسب، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جعفر موسوی نسب

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه و در مشهد مقدس سطح را به پایان رساندم. در محضر اساتیدی همچون: «آیت‌الله صالحی»، «آیت‌الله مرحوم سبزواری»، «آیت‌الله رضا زاده»، «حضرت آیت‌الله وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «سبحانی» و «فاضل لنکرانی» تلمذ نموده ام.

گذراندن دوره مرکز ادیان و مذهب اسلامی و دوره مهدویت در مرکز تخصصی مهدویت و دارای تالیفات، تدریس، مقالات متعدد، تحقیق و تدوین در حوزه و دانشگاه از دیگر فعالیت‌های بنده بوده است. در حال حاضر نیز مسئول مرکز تخصصی امامت و مهدویت خراسان رضوی هستم.

موسوی، محمد اسماعیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد اسماعیل موسوی

محل تولد: کوه‌دشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۵/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۷۳ با یاری خداوند به حوزه علمیه قم رفتم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی (ره) مشغول به یادگیری درس های حوزه شدم. با یاری خداوند سطح یک را به پایان رساندم و وارد سطح دوم حوزه شدم. مشغول سطح دوم حوزه بودم که در آزمون پذیرش سطح دوم رشته تخصصی «تفسیر و علوم قرآن» شرکت کردم و به لطف خداوند پذیرش شدم و پس از سه سال در سطح سوم رشته تخصصی «تفسیر و علوم قرآن» پذیرش شدم و الحمدلله امسال به پایان رساندم و هم اکنون در حال ارائه موضوع هستم.

موسویان، ابوالفضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالفضل موسویان

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید ابوالفضل موسویان فرزند حسن در سال ۱۳۳۴ در شهر مقدس مشهد دیده به جهان گشودم. پس از دوران ابتدائی، وارد حوزه شده و مقدمات را از برخی از فضلاء مشهد و عمدتاً از مرحوم ابوی آموختم. مختصر المعانی را از استاد «حجت هاشمی»، معالم را از استاد «بنی هاشمی» و لمعتین را در محضر والد به پایان رساندم. سپس راهی قم شدم و رسائل را از محضر اساتید: «اعتمادی» و «دوزدوزانی»، مکاسب را از مرحوم استاد «ستوده» و کفایه را از استاد «سبحانی» استفاده کردم. از اوائل سال ۱۳۵۲ درس خارج اصول و فقه را شروع کردم و از آیات عظام: «وحید خراسانی»، «شیخ جواد تبریزی»، و عمدتاً از «آیة الله منتظری» بهره بردم. در کنار فقه و اصول، به فراگیری فلسفه نیز مشغول شدم و از اساتید بزرگوار «انصاری» و «جوادی آملی» استفاده کردم. منظومه و برخی از جلد های اسفار را خواندم. سپس التمهید قیصری و فصوص الحکم را با استفاده از آیة الله معرفت، اخلاق را از آیة الله حسن زاده آملی فرا گرفتم.

اینجانب بعد از چند سال تحصیل، همانند دیگر حوزویان، در سهای پائین تر را به دیگران می آموختم. لذا از حوزه علمیه مشهد تاکنون به تدریس اشتغال داشته ام. و دروس عمومی را در دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه مفید تدریس کرده و می کنم. و اکنون عضو هیئت عملی دانشگاه مفید هستم. در کنار تدریس و تبلیغ، مکتوباتی نیز داشته ام و مقالاتی را در مجلات و روزنامه ها به چاپ رسانده ام.

موسویان، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عباس موسویان

محل تولد: عجب شیر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۳/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید عباس موسویان فرزند سید علی در تاریخ دوم خرداد سال ۱۳۳۹ در یکی از بخشهای استان آذربایجان شرقی به نام «عجب شیر» متولد شدم و تا سال ۱۳۵۴ در آن شهر زندگی می‌کردم. از سال ۱۳۵۴ برای ادامه تحصیل به شهرستان تبریز آمده و در هنرستان صنعتی تبریز در رشته برق ثبت نام کردم. سال آخر دبیرستان که مواجه با انقلاب بود و مدرسه ما در جریان انقلاب نقش فعالی داشت؛ باعث شد گرایش زیادی به مسائل دینی و اسلامی پیدا کنم و همین امر موجب شد بعد از دوره دبیرستان در کنار درس دانشگاهی (که باز در رشته برق قبول شده بودم) به فعالیت در مراکز انقلابی و اسلامی چون جهاد سازندگی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روی آورم و با آغاز جنگ تحمیلی و تعطیلی دانشگاهها (به خاطر انقلاب فرهنگی) به صورت تمام وقت به سپاه تبریز رفته مشغول خدمت در سپاه شدم و از آن طریق چند مرتبه در جبهه شرکت کردم.

تابستان سال ۱۳۶۰ از طرف سپاه به خانه شهید آیت الله مدنی و به عنوان محافظ خدمت ایشان بودم، ایمان و اعتقاد خالص، صفا و صمیمیت ایشان موجب شد که علاقه زیادی به درس حوزوی و صنف روحانیت پیدا کنم و بر همین اساس چند روز قبل از شهادت ایشان به همراه چند نفر از دوستان از سپاه استعفا کرده و برای ثبت نام به حوزه علمیه قم آمدم. از مهرماه ۱۳۶۰ در مدرسه رسول اکرم (ص) مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۶۷ دوره سطح را به اتمام رساندم.

از آن سال در کنار درس خارج فقه و اصول در رشته اقتصاد دانشگاه مفید شرکت کردم و در سال ۱۳۷۳ در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی تهران در رشته اقتصاد قبول شدم و در سال ۱۳۷۵ فارغ التحصیل شدم. از سال ۱۳۷۳ در کنار تحصیل، در بخش تحقیقات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، کار پژوهش و تحقیق را شروع کردم و از سال ۱۳۷۵ به عنوان مدیر گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و از سال ۱۳۷۷ به عنوان رئیس پژوهشکده نظامهای اسلامی، علاوه بر انجام تحقیقات شخصی به مدیریت امور پژوهشی نیز اشتغال دارم.

مهدوی راد، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی مهدوی راد

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

«محمد علی مهدوی راد (غلامی اسخارزوگاران)» به سال ۱۳۳۴ در روستایی به نام (ینگجه) از بخش سر ولایت نیشابور دیده به جهان گشود. مدرسه ابتدایی را در همان دیار گذراند پس از آنکه با مقدماتی از ادب عربی نیز در همان دیار آشنا شد. آنگاه به سال ۱۳۴۸ وارد حوزه علمیه مشهد شد و در مدرسه «آیت الله العظمی میلانی» که به شیوه ای نو و با برنامه ای منظم اداره می شد؛ تحصیل علوم دینی را آغاز کرد.

وی در ۷ سال اقامت در حوزه علمیه مشهد، دروس: مقدمات، ادبیات عرب، و سطوح عالی حوزوی را در محضر استادان آن دیار بیاموخت. از استادان آن روز می توان: «حجت هاشمی خراسانی، امینی نیشابوری، صالحی نیشابوری و روانشاد سید علی اکبر بنی هاشمی و محقق ذاکری اختری (عباس علی)» را برشمرد. وی در جنب درس های حوزوی سه سال به درس تفسیر روانشاد «آیت الله حاج میرزا جواد تهرانی» و جلساتی بسیار نیز «حضرت آیت الله سید عزالدین زنجانی» و روشنگر و مهم مقام معظم رهبری «آیت الله خامنه ای» که پنجشنبه و جمعه تشکیل می شد و نیز دیگر بحثهای فکری و ایدئولوژی وی حاضر شد و این دروس اولین بذرهای علاقه و کشش به معارف قرآنی را در جان وی پاشید.

مهدوی راد پس از ۷ سال اقامت در مشهد به لحاظ تلاشهای سیاسی و تعقیب ساواک خراسان با صلاحدید خطیب بلند آوازه روزگار و مجاهد نستوه و شجاع «شهید هاشمی نژاد»، مشهد را ترک نمود و به قم هجرت کرد و در قم بود که برای ایمنی از جستجوی ساواک، نام خانوادگی اش را از غلامی به مهدوی راد تغییر داد. در قم درسهای حوزوی را پی گرفت. در قم: رسائل، مکاسب، کفایه و آنگاه دوره عالی اجتهادی فقه و اصول را از محضر استادان ارجمند آن حوزه ارجمند فرا گرفت. برخی از استادان وی در این حوزه عبارتند از حضرات آیات: «اعتمادی»، «موسوی»، «تبریزی (سید ابوالفضل)»، «پایانی»، «فاضل لنکرانی»، «ستوده»، «بهشتی»، «احمد فاضل هرنندی»، «صانعی»، «حاج شیخ جواد تبریزی»، «وحید خراسانی» و «منتظری» که بیشترین بهره را در فقه از محضر آیت الله منتظری برد که به طور مستمر بیش از ده سال در درس وی شرکت کرد و بیشتر این بهره در اصول از درس آیت الله فاضل لنکرانی که تقریباً تمام اصول دوره اول خارج وی را شرکت کرد. مهدوی راد فلسفه را در محضر حضرات آیات: «انصاری شیرازی»، «محمدی گیلانی» و «مصباح» فرا گرفت.

اولین اثر قلمی وی به سال ۱۳۵۵ با عنوان: «اسلام و شعر» در قالب مقاله ای بلند در مجله نسل نو نشر یافت. وی پس از انقلاب اسلامی ایران مدتی را در مسئولیتهای اجرایی گذراند از جمله: مسئولیت عقیدتی و سیاسی پایگاه نهم شکاری و آنگاه به حوزه بازگشت و به سال ۶۲ و پس از مقدماتی با جمعی از دوستان و همراهان، مجله حوزه را بنیاد نهاد و از شماره ۱۶ تا ۳۶ سردبیری آن را بر عهده داشت و مقالات بسیاری در نقد و معرفی کتابهای درسی حوزه، مسائل معرفتی دین و نقد و معرفی تفاسیر شیعه و سنی و تحلیل گرایشهای تفسیری در آن مجله نگاشت.

پس از آن با همکاری برخی از همراهنانش مجله بینات را بنیاد نهادند که از آغازین شماره آن مدیر مسئولی مجله را به عهده گرفت. این مجله نخستین مجله قرآنی است که مهدوی راد تا شماره ۱۲ مدیر مسئول آن بوده است و پس از آن در جایگاه عضویت هیئت تحریریه آن ماند اما از مدیر مسئولی آن کناره گرفت. در راه اندازی مجله های میقات و علوم حدیث مورد مشورت

بود که در هیئت تحریریه های آنها نیز حضور می یافت و مقالات بسیاری در هر دو مجله یاد شده رقم زد. وی به سال ۱۳۶۹ پیشنهاد مجله ای را در نقد کتابهای حوزه دین به انگیزه بهسازی آثار مکتوب دینی به دفتر تبلیغات اسلامی داد و خود سردبیری آن را به عهده گرفت که اکنون ۱۷ سال است نشر می یابد و ادامه دارد و مهمترین مجله «نقد کتاب در حوزه دین» است که در این مجله نیز مقالات بسیاری نگاشته است.

مهدوی راد به سال ۱۳۶۹ وارد دانشگاه شد و از همان آغاز، تدریس مقاطع تحصیلات تکمیلی را در علوم قرآن و حدیث به عهده گرفت، اکنون بیش از ۱۵ سال حضور در دانشگاه تربیت مدرس حضور دارد و چهار سال مدیریت گروه علوم قرآن و حدیث را به عهده داشت.

مهدوی نیا، محمدتقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد تقی مهدوی نیا

محل تولد: زرین شهر اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از گذراندن دوره ابتدائی و دبیرستان در «زرین شهر اصفهان» وارد حوزه علمیه زرین شهر شدم و تا سال ۱۳۵۰ بخشی از مقدمات را گذراندم. سپس برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۵۷ دروس سطح را گذراندم. سپس به خارج فقه و اصول مشغول شدم و به مدت ۱۵ سال دروس خارج فقه و اصول را نزد اساتید مختلفی مانند: «آقای فاضل لنکرانی»، «مرحوم آقای شیخ جواد تبریزی»، «آقای وحید خراسانی» و ... فرا گرفتم.

همزمان با تحصیل در حوزه، در موسسه امام خمینی (ره) از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۸ دوره عمومی و تخصصی را گذرانده و در رشته «علوم قرآنی» فارغ التحصیل شدم. ضمناً در این مدت به تحقیق و پژوهش در موضوعات گوناگون «تفسیری و علوم قرآنی» پرداختم و مقالات گوناگونی در زمینه «مصونیت قرآن از تحریف»، «مصاحف منسوب به اصحاب»، «روش تفسیر اهل بیت ع»، «معیارهای تمدن» و «وجوه اعجاز قرآن» به صورت فردی یا گروهی نوشتم. تدریس در حوزه های علمیه، ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی و دانشگاه، همچنین مدیریت حوزه علمیه جزء برنامه هایی از این سنوات بوده است. از سال ۱۳۵۴ تاکنون در مناسبت های گوناگون در شهرهای مختلف و روستاها به تبلیغ دین اسلام نیز اشتغال داشتم.

مهدی زاده، مسلم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسلم مهدی زاده چافی

محل تولد: لنگرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۵/۲

زندگینامه علمی

به تاریخ دوم تیرماه ۱۳۵۵ در روستای «چاف» بالاتر از شهرستان لنگرود، استان گیلان به دنیا آمده و دروس دوره ابتدائی را در همان روستا گذراندم. دوره راهنمایی را در روستای مجاور با فاصله دو کیلومتری در سرما و گرما با موفقیت طی نموده و بعد از آن در سال ۱۳۶۹ جهت کسب علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. به مدت دو سال در مدرسه علمیه «حقانی» و بعد از آن یک سال هم در مدرسه «الهادی (ع)» دوره مقدمات (ادبیات عرب) را پشت سر گذاشتم. در مدرسه «رضویه» از محضر اساتید بزرگوارى سود برده تا از لمعه و کتب مربوطه به پایه های چهارم، پنجم و ششم خوشه چینی نمایم.

اندوخته های علمی سالهای ۶۹ به بعد کمک کرد تا دوره سطح را با موفقیت از محضر اساتید بزرگوارى در مدرسه های علمیه «گلپایگانی» و «فیضیه» به پایان برسانم. در کنار مطالعه و درس، تحقیق علوم حدیث و تفسیر سبب شد تا در سال ۷۹ در گروه تفسیر در موسسه علوم حدیث مشغول به همکاری شدم. بعد از دو سال و اندی به گروه احیاء پیوسته و تاکنون در گروه احیاء، جهت کار بر کتاب شریف الکافی با گروه احیاء مشغول همکاری هستم.

مهدی زاده، میرستار

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرستار مهدی زاده

محل تولد: مرند - روستای النق

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ در آذربایجان شرقی، شهرستان مرند، روستای «النَجَق» به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه یاسر و راهنمایی را در مدرسه شهید هاشمی نژاد همان روستا تحصیل کردم و در کنار تحصیل، به کشاورزی و دامپروری مشغول بودیم. بعد از اتمام

راهنمایی به حوزه علمیه شهر مرند «صاحب الزمان (عج)» وارد شده و بعد از سه ماه به حوزه علمیه «ولی عصر (عج)» شهر تبریز رفتم و دوباره از اول شروع به تحصیل علوم دینی کردم و تا مقداری از سیوطی را در طول دو سال خواندم. در سال ۷۱ - ۷۲ به قم آمده و در امتحانات ورودی حوزه شرکت کرده و در مدرسه «معصومیه (س)» پذیرش شدم و دوباره دروس را از ابتدا شروع کردم، چون مدارس به این شرط قبول می کردند و انتقالی نمی پذیرفتند. مدت سه سال در مدرسه معصومیه (س) و یک سال در مدرسه امام صادق (ع) درس خواندم که در سال آخر تحصیل در مدرسه معصومیه (س) نامزد شده و در سال ۷۳ عروسی کردیم. در مدرسه امام صادق (ع) «۱ سال» و در مدرسه امام باقر (ع) «۴ سال» در درسها شرکت کردم و مقدمات را به پایان رسانده و در سطح مشغول شدیم.

در مدرسه «آیه الله گلپایگانی» مشغول به درس رسائل و در مدرسه فیضیه مشغول درس مکاسب شدم اما همزمان با این، در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما (از سال ۷۸) به عنوان نقد و ارزیابی کننده و پژوهشگر مشغول فعالیت شدم و این کارهای پژوهشی به اضافه برخی کارهای پژوهشی مستقل مثل تالیف کتاب «سفرهای شگفت انگیز ائمه (ع)» و «چرا زلزله» باعث شد که از درس فاصله حدود ۵ - ۶ سال از تدریس در حوزه فاصله بگیرم اگرچه در این سال در همه امتحانات حوزه شرکت می کردم اما در هیچ کلاسی شرکت نمی کردم و تا پایه ۸ نیز درس را ادامه دادم.

در آکادمی فرهنگستان علوم اسلامی نیز برای آموزش در دوره آموزشی ۵ و در گروه ششم شرکت کردم و با این مرکز و اندیشه هایش تا حدودی آشنا شدم که برایم بسیار جالب و مطلوب بود چرا که به برخی از این نتایج فکری آنان دست یافته بودم و آنجا را به عنوان افقی دریائی از اندیشه های مطلوب خود می دیدم. برای کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه (س) نیز دو مقاله ارائه کردم که در کتاب مجموعه مقالات جلد اول مجموعاً در ۱۵۰ صفحه چاپ شد. در این مدت طرح ها، اشعار زیادی نوشتم که اثرآ موجود است.

مبانی تفسیر قرآن در ۳۷ مینا، طرحهای گوناگون در مورد ولایت اهل بیت (ع)، مسائل تربیتی و اخلاقی و عرفانی، مسائل هنری و فلسفه هنر از جمله موضوعاتی است در مورد آنها طرحهایی دارم که مضبوط است. طبع و قلمی روان، استعداد فهم در گرو بیان مطلوب معارف روانی و به روز نویسی مطالب از جمله الطاف و نعمت های الهی است که به این گنجهکار بی لیاقت ارزانی داشته است. امیدوارم با بازگشت به تحصیل عمیق و استدلال علوم حوزوی و ادامه کار پژوهش و تربیت عمر اخلاقی، خداوند نعمتهای خود را در حق ما به اتمام رساند، و ما را به هدف غایی که از خلقت ما داشته به لطف خود برساند.

مهری، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه الله مهری در سال ۱۳۳۳ هجری قمری در شهر مهر واقع در جنوب استان فارس، و در خانواده‌ای روحانی از سلاله رسول الله (ص) قدم به عرصه وجود گذاشت. او را عباس نامیدند شاید تقدیر الهی چنین بود زیرا که او در همان اوان کودکی روحیه ظلم ستیزی در نهادش نهفته بود و بعدها خود الگویی برای مبارزان طریق حقیقت و مراد پویندگان راه رفع ظلم و ستم شد.

دوران کودکی

هنوز دوازده سال از عمر مبارکش نگذشته بود که سایه پر مهر پدر از او گرفته شد و برای همیشه از پدر محرم گردید. پس از آن

تحت تکفل برادر ارجمندش عالم عاضل حاج سید هاشم مهری قرار گرفت و براستی چون پدری مهربان و دلسوز به تعلیم و تربیت او پرداخت با اینکه سالهای سخت تنگدستی را می‌گذارند. هرگز نگذاشتت برادر عزیزش احساس فقر سختی کند. از همین ور بود که ایشان همیشه از برادرش به خیر و خوبی یاد می‌کرد و می‌گفت: من نمی‌توانم آن همه محبت و مهربانی را پاسخگو باشم. (۱)

نسب شریف

نام مبارکش سید عباس حسینی و مشهور به مهری فرزند سید حسن حسینی از سادات بزرگ و معروف مهر موسوم به سید هاشمی (منسوب به جد اعلای ایشان مرحوم سید هاشم) است. و از طریق مارد نسب وی به محدث و مفسر عالیقدر، علامه سید هاشم بحرانی (مؤف تفسیر برهان) می‌رسد. نام مارد دانشمندش خدیجه، دختر سید حسن علامه مهری از سادات جلیل القدر مهر و از نوادگان علامه بزرگوار بحرانی می‌باشد. (۲)

یادکردی از مهر

مهر از شهرهای مرکزی و جنوبی استان فارس و دارای تاریخی عمیق و درخشان است. تاریخ مهر همواره با نام دانشمندان و سادات و الامقام آن دیار گره خورده است. این شهر با همه کوچکی آن زادگاه بسیاری از علما، نویسندگان، و صاحب منصبان سیاسی و اجتماعی بوده و هست. این شهر علاوه بر موقعیت علمی که همچون گوهر تابناک می‌درخشیده، به لحاظ حضور مبارک سادات که جمعیت غالب شهر را تشکیل می‌داده‌اند و نیز به داشتن مردمی خوب دارای موقعیت اجتماعی ویژه‌ای در منطقه بوده است که ملجأ مهاجران زیادی شده که به این شهر پناهنده گردیده‌اند. اجداد آیه الله مهری از نخستین گروه سادات این ناحیه هستند که از منطقه احصاء به این محل هجرت نموده‌اند. (۳) نوشی از جام نور

ایشان پس از گذراندن دوره مقدمات در زادگاهش مهر برای تحصیل علوم و معارف دینی و استفاده از انوار قدسی بارگاه ملکوتی جد بزرگوارش با مشقتی فراوان و عشقی زایدالوصف راهی نجف اشرف گردید با جدیت به کسب معارف مشغول گردید، به گونه‌ای که خود می‌گوید: به قدری درسهای فشرده بود که بعضی از روزها سه درس می‌گرفتم و دو درس می‌دادم و سه درس را نیز به مباحثه می‌گذراندم، غذایم معمولاً نان و ماست و هوانه بود. (۴) وی با آنکه مدت زیادی نتوانست در نجف اشرف بماند و به درخواست جمعی از مؤمنان برای امر تبلیغ به کویت عظیمت کرد منتهی در همین مدت کم توانست با جدیت تمام مدارج علمی را پشت سر بگذارد و از محضر اساتید بزرگوار هم چون آیه الله سید محمود شاهرودی (ره) و آیه الله سید باقر محلاتی (ره) و آیه الله سید محمد تقی بحرالعلوم (ره) بهره کافی ببرد. (۵)

هجرت به کویت

در نجف اشرف، پس از چند سال بحث و درس فشرده، مردم مسلمان کویت با اصرار و تقاضای فراوان از برخی عالمان آن زمان از ایشان می‌خواهند که برای راهنمایی و ارشاد آنها به کویت بروند. (۶) آقای مهری در آغاز رازی نمی‌شود، زیرا می‌خواستند که درس خود را ادامه دهد ولی، به درخواست بیشتر از حد مردم و اصرار برخی از علماء ناچار به آن دیار مهاجرت می‌نماید. او در این باره می‌گوید: وقتی به کویت آمدم مردم حتی نمی‌توانستند درست وضو یا تیمم کنند و از مسائل معمول شرعی خود بی‌خبر بودند. (۷) استاد عالیقدر حضرت آیه الله وحید خراسانی که بهترین گواه بر زحمات و فعالیت‌های آن مهری می‌باشد چنین تعبیر آورده‌اند: چ مرحوم آقای مهری احیای موات کردند. (۸) فعالیت‌های علمی و اجتماعی در کویت

در کویت ضمن هدایت و ارشاد و پرداختن به مسائل شرعی و حل مشکلات اجتماعی مردم، به مباحثه کتابی علمی با برخی از علما ادامه می‌دهد و هر چند یکبار که به نجف اشرف مشرف می‌شود در آنجا برای همان چند روز نیز دست از درس و بحث نمی‌کشد. آن بزرگوار افزون بر انجام تکلیف نسبت به اسلام و مسلمین که - به بهترین وجه ادا می‌شد - به تدریس علوم دینی می‌پرداخت و از

همه اقشار مردم میخواست که اوقات فراغت خود را به درس و بحث بپردازد و عمر خود بیهوده صرف نکنند و خود مجالس درس را اداره می‌کرد. همه شب پس از اداء نماز جماعت در مسجد شعبان - که اکنون به صورت بارزترین پایگاه انقلاب اسلامی در کویت در آمده است- به منبر می‌رفت و پس از گفتن چند مسئله، به موعظه می‌پرداخت و مشکلات اجتماعی مردم را گوش زد می‌نمود و هر چند برای مردم آن زمان، باور کردنی نبود که فردی روحانی پیرامون مسائل سیاسی با مردم سخن گوید، او از گفتن آنها باکی نداشت و اوضاع جهان اسلام را تا آنجا که برایش ممکن بود بیان می‌کرد و مردم را از خطر استعمار و استعمار زدگی بر حذر می‌داشت. (۹) گفتار امام راحل (ره) خطاب به آن بزرگوار تا اندکی از این امر پرده بر میدارد. ایشان در ضمن نامه به آیه الله مه‌ری می‌نویسد: مساعی جمیله جنابعالی در ترویج شریعت مقدس اسلام در آن حدود مورد کمال، تقدیر و تشکر و امید است ان شاء الله مورد توجه خاصه حضرت ولی عصر- عجل الله تعالی فرجه الشریف- واقع گردیده و مأجور باشید. دوام توفیقات آن جناب را در اعلاء کلمه طیبه الاسلام از خدای متعال خواستارم. (۱۰) مبارزات سیاسی

آنچه بیشتر از هر خصوصیت دیگر، آیه الله مه‌ری را ممتاز کرده بود، روح ظلم ستیزی و مبارزه همیشگی او بر ضد ستم در شکل‌های گوناگونش بوده در این باره می‌فرمود: هنوز بالغ نبودم و عمرم از سیزده سال تجاوز نکرده بود ولی نسبت به شاه احساس دیگری - جدای از مردم آن زمان - داشتند. من او را ظالم و غاصب حق می‌دانستم و از اینکه برخی از روحانیون از او تجلیل می‌کردند سخت منزجر می‌شدم. من معتقد بودم باید قدرت در دست مرجع تقلید باشد و اگر کسی را او تعیین کند واجب اطاعه است و الا فلا. (۱۱) ناگفته نماند که همواره ظلم ستیزی وی مشکلات زیادی برایش به وجود می‌آورد. خود در این باره طی مصاحبه‌ای می‌گوید بنده قبل از اینکه به نجف بروم و سپس در کویت اقامت گزینم در ایران حبس رفتم، شکنجه شدم، پای برهنه مرا در پشت اسبها می‌دواندند و برادرم نیز در این مصائب با من شریک بود. ما هرگز ساکت نبوده‌ایم و فکر کردیم وقتی به کویت می‌رویم آقایان مراجع پشتیبان ما خواهند بود و با حمایت آنان بنده می‌توانم علیه ظلم مبارزه کنم. ولی هیچ کس در آن زمان حاضر نشد علیه ظلم حرفی بزند تا اینکه آقای خمینی (ره)، این بزرگوار سر بلند کرده و از ابتدایی که امام شروع به مبارزه علیه ظلم نمود امیدی خاص در من ظاهر شد، زیرا یک راهنما و پیشوا پیدا شده بود، پس می‌توانستیم به احکام و نظریات این بزرگوار عمل کنیم. (۱۲) در راه مبارزه مستمر و بی‌امان با دستگاه طاغوت در آغاز نهضت حرکت همه جانبه را علیه دستگاه ظلم پهلوی شروع کرد و با برپایی مجالس سخنرانی به مناسبت‌های گوناگون و با ارسال تلگراف و نامه به محضر علماء و مراجع و با اجتماع با شخصیت‌های گوناگون مذهبی و سیاسی و با پخش اعلامیه‌ها و پیام‌ها و نوارهای حضرت امام و دیگر بزرگان، لحظه‌ای از قیام و فعالیت باز نایستاده و در مقابل، سفارت ایران در کویت، فعالیت گسترده‌ای علیه او شروع کرد و مردم را با تهدید و تخویف و تطمیع و با پخش شایعه‌های گوناگون وادار به دوری جستن از او و مسجد و مجلسش می‌نمود، از سوی دیگر کمتر روزی بود که تلفن‌های تهدیدآمیز و اینکه اگر ساکت نشوی تو را می‌کشیم و در امشب پس از نماز در وسط سخنرانی تو را ترور می‌کنیم و خانه ات را آتش می‌زنیم و بچه هایت را از بین می‌بریم و ... به او زده نمی‌شد، ولی او همچنان پابرجا و استوار و بی‌اعتنا به آن همه تهدیدات، پیش می‌رفت و وظیفه خود را قاطعانه دنبال می‌کرد و هرگز اهمیت نمی‌داد که روزانه از عدد نماز گزاران مسجد یا ملاقات کنندگانش در منزل - بر اثر تهدیدهای دشمنان - کاسته می‌شود. (۱۳)

در خواست قیام علی طاقت

فرزند با اخلاص سرزمین مهر - همانگونه که اشاره شد- همواره با ارسال نامه و تلگراف از علماء و مراجع دعوت به مبارزه علیه طاغوت و پشتیبانی از حرکت امام می‌کرد، منتهی هیچ وقت منتظر پاسخ آقایان نمی‌نشست و فقط به وظیفه عمل می‌کرد. در آغاز نهضت تلگراف شدید لحنی به مراجع وقت در نجف اشرف و قم مخابره کرد و آنان را به قیام دعوت نمود. در آن تلگراف چنین آمده است: مصیبت‌هایی که این روزها بر سر مسلمین در ایران فرود می‌آید دل هر آزاده‌ای را آزرده ساخته است و سکوت شما در

برابر این فجایع، بر این درد افزوده است ما منتظر اقدام سریع شما برای تسکین دردها و جلب رضایت حضرت ولی عصر(عج) می‌باشیم. سه نفر از مراجع وقت نجف آیة الله حکیم رحمه الله، آیة الله شاهرودی رحمه الله و آیة الله خویی رحمه الله پاسخ‌هایی دادند و ایشان دستور داد همان پاسخ‌ها را تکثیر و در دسترس عموم مردم قرار دادند و به همین پاسخ برای تأیید نهضت اکتفا می‌کرد و می‌فرمود! ما در حد توانمان به قیام دست زدیم. ما مردم را هدایت می‌کردیم تا کمک به ظلم و جور نکنند و با اشخاصی که علیه دین اسلام قدم بر می‌داشتند، هم قدم نشوند. در آن زمان حضرت امام به همه نماینده هایش دستور داده بودند که به این گونه مسائل توجه گردد و بنده یکی از نمایندگان ایشان بودم که به این امر عمل نمودم. حتی از دیگران نیز درخواست دعوت کردم تا همزمان با ما، در دیگر بلاد اسلامی، جلوی ظلم ظالمین را بگیرند و در این خصوص بعضی از آقایان متأسفانه با بنده هم زبان نشدند و بعضی‌ها نیز بنده را سرزنش و تویخ می‌نمودند که چرا علیه حکومت شاه به پا خواسته‌ام. و بنده تمام جوانب را تحمل نمودم. و به اعمال و رفتار آن آقایان نیز اعتنا نکردم و مطالبمان را هرچه بود بر زبان آوردیم ... تلگرام آتشین

به جرات می‌توان گفت که اولین مرید و مؤید امام از علماء خارج از کشور آقای مه‌ری بود. و اولین حرکتش تلگرام تند و آتشی‌نی در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی پس از سخنرانی سرنوشت ساز امام به شخص محمد رضای خائن بود. و به این ترتیب او لب به سخنی گشود که می‌بایست در نهایت گفته می‌شد (زیرا که انقلاب اسلامی سخن آخرش را اول می‌گوید) (۱۴) و پس از این تلگرام، از ورود ایشان به ایران جلوگیری شد تا اینکه انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. کانون اندیشه‌ها

منزل آیة الله مه‌ری در دوران نهضت همواره کانون اندیشه‌های انقلابیون و مبارزان مسلمان به ویژه روحانیون بود که در آنجا جلسات زیادی پیرامون شیوه‌های مبارزه از سوی مبارزانی همچون شهید آیة الله سعیدی، آیة الله خزعلی و شهید حجة الاسلام محمد منتظری و سایر عزیزان پیرو امام از ابتدا شروع نهضت تا پیروزی انقلاب برپا می‌شد و برای پیش برد نهضت در داخل و خارج کشور، تبادل نظر صورت می‌گرفت و آن بزرگوار واسطه‌ای بین حضرت امام در نجف اشرف و پیروان و ادامه دهندگان راهشان در ایران، اروپا، آمریکا و سایر کشورها بود. او در این راه نه تنها از مال دنیا و جان خود و فرزندانش مایه می‌گذاشت که از عزت و آبروی خویش نیز می‌گذشت و در راه مرادش از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کرد به گونه‌ای که منزل ایشان خانه دوم امام شده بود و انقلابیون به طور دایم در آن خانه به نشر انقلاب اسلامی و فرامین امام، می‌پرداختند، به طور مثال همه کتابهای امام و اعلامیه‌ها و فتاوی ایشان در کویت با همت و نظارت مستقیم ایشان چاپ و نشر و به طور رایگان در اختیار مردم مسلمان مخصوصاً ملت ایران قرار می‌گرفت. (۱۵) یک خاطره

روزی یکی از مراجع می‌خواست به کویت بیاید تا از آنجا به مکه مشرف شود. چون در اتاق پذیرایی آقا فقط عکس حضرت امام بود، به او عرض کردیم یا موقتاً این عکس را برداریم یا اجازه دهید چند روزی عکس آن آقا را نیز در این جا نصب کنیم! ایشان با ناراحتی پاسخ داد مگر من عکس پرست هستم یا با عکس می‌خواهم خود شیرینی کنم؟ عکس امام برای من یک شعار است. من با نصب کردن این عکس، راه و روش خود را به مردم نشان می‌دهم، و می‌خواهم از راه امام تبلیغ کنم و گرنه خوب بود عکس دهها مرجع تقلید، که طی چندین سال همه با من ارتباط داشته‌اند و بدون درخواست من، مرا نماینده خویش در کویت قرار داده بودند، بر در و دیوار بیرونی من نصب شده باشد! (۱۶)

عشق مرید به مراد

آیة الله مه‌ری با تمام اخلاص عاشق امام خیمنی بود. از روزی که توسط آیة الله ابوالقاسم خزعلی و شهید آیة الله سید محمد رضا سعیدی با امام آشنا گشته و به هنگام سفر به ایران در قم به جلسه‌ای در درس ایشان مشرف شده بود (۱۷) تا پسین دم حیات دست از امام و راه او برنداشت. علاقه او به امام برای کسب شهرت و مقام نبود بلکه امام را واجد جمیع شرایط دیده و مرید او شده بود. هر وقت از او درخواست می‌کردم عکس از او با امام برای یادگاری بگیرم ممانعت می‌کرد و می‌گفت: من نیاز به عکس ندارم، من

اگر با خمینی از روز اول پیمان بسته‌ام برای خدا بوده است نه برای کسب شخصیت. (۱۸) آری، او به خوبی از عهده این پیمان بر آمد و همه هستی اش را فدای امام کرد ولی دست از او برنداشت. مرید و مراد همانگونه که مهری امام را خوب درک کرده و به او عشق می‌ورزید امام نیز در مقابل به او محبت و علاقه خاصی داشت. وقتی که امام از عراق به طرف کویت هجرت کرده و با همراهان قصد منزل ایشان را داشت، خفاشان زمان به محض شناخت امام وحشت زده از ورود امام به کویت ممانعت کردند، آقای مهری می‌خواست با رئیس آنها صحبت کند تا شاید در قلب سخت آنها اثری کند، امام فرمود: ابد! حیف نیست وجه خود را پیش این ناکس بفروشی؟! ما بر می‌گردیم، ما با خدا هستیم. (۱۹) امام که ناراحتی آقای مهری را می‌دانست بعد از برگشت به عراق و هجرت به فرانسه به محض رسیدن به آقای فردوسی پور امر کرده بود که: به فلانی تلفن بکنید که او خیلی ناراحت است. (۲۰) ایشان هم امثال امر کرده و برای رفع ناراحتی ایشان به کویت تلفن زده بودند. آری، امام نیز مرید خود را خوب شناخته بود. انتصاب به امامت جمعه

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و به بار نشستن آرزوی دیرینه امام و یاران باوفایش برای ارتقاع رشد فکری جامعه اسلامی و بیداری هرچه بیشتر مسلمانان جهان و صدور انقلاب و جامه عمل پوشاندن و به یکی از آرزوهای شیعیان کویت یعنی برپایی نماز دشمن شکن عبادی، سیاسی جمعه حضرت امام - رضوان الله تعالی علیه - حضرت آیه الله مهری را طی حکمی در مورخ ۵۸/۷/۲ به امامت جمعه در کشور کویت منصوب نمودند (۲۱) ولیکن با تبعید ایشان از طرف حکام کویت همراه با تمامی اعضای خانواده به ایران اسلامی نماز جمعه در این کشور برگزار نگردید. تبعید به ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی و به ثمر رسیدن زحمات چندین ساله امام و یارانش آیه الله مهری نه تنها از حرکت نایستاد بلکه برای استحکام بخشیدن به پایه‌های حکومت اسلامی بر شدت تلاشهایش افزود. و او سربلند و مفتخر از اینکه توانسته است، در راه حاکمیت الله قدمهای بردارد سر از پا نشناخته، لذا تمام وقت خود را صرف سامان بخشیدن به مسائل انقلاب و پاکسازی محیط جامعه اسلامی از تفاله‌های طاغوت نمود که از آن جمله پاکسازی سفارت ایران در کویت می‌باشد و باز به این حد بسنده ننمود و فعالیت‌های زیادی متکفل شد، تا آنجایی که شیخ دستنشانده کویت به الهام از اربابان انگلیسی و آمریکایی اش تاب تحمل وجود او را ننمود و بر خلاف تمام موازین و مقررات بین المللی تابعیت مسلم درجه یک وی را از اعتبار ساقط و بی درنگ وی و تمام اعضای خانواده اش را از خانه و کاشانه خود اخراج و به ایران تبعید نمود. (۲۲)

مبارزه بزرگ

آن بزرگوار نه تنها با طاغوتهای خارجی مبارزه‌ای بی امان داشت ولی بیش از هر چیز با طاغوت نفس مبارزه می‌کرد و برای کوبیدن طاغوت سرکش نفس آنقدر نسبت به مؤمنین تواضع و محبت ورزید که در کمتر کس چنین روحیه‌ای می‌توان یافت. او نه تنها خود را از همه علماء و خدمتگزاران دین کوچکتر می‌دانست که در برابر مردم عادی نیز متواضع بود. هر کس بر او وارد می‌شد، حتی اگر نوجوان کم سن و سالی بود، تمام قد از جا برمی‌خواست و به او احترام می‌گذاشت و احوالپرسی می‌کرد. یکی از روزهای بیماری، سائلی وارد شد، ما اعتنایی چندانی نکردیم ولی او با آن حال بد، از جا برخاست و مانند دیگران احترام کرد. پس از رفتن با ناراحتی به او عرض کردم: شما با این کار خودتان را اذیت می‌کنید. تازه او کسی نبود که برایش تا این حد احترام قائل شوید! با نگرانی به من پاسخ داد: تو از کجا علم داری که مقام من نزد خدا، از او بالاتر باشد؟! او در تواضع و تجلیل از مؤمنان به قدری افراط می‌کرد که ما ناراحت می‌شدیم و گاهی به او اعتراض می‌کردیم. در پاسخ می‌گفت: من هنوز نتوانسته‌ام به این فراز از آیه ... اذلة علی المؤمنین (۲۳) عمل کرده باشیم. (۲۴) آقا با رفتار خود به اطرافیان درس می‌داد که مؤمن واقعی به همان مقدار که در برابر دشمنان خدا و ظالمان ستمگر، با خشونت رفتار می‌کند و حاضر نیست کوچکترین نرمش از خود نشان بدهد، در برابر یاران خدا و مؤمنان متواضع و فروتن است اشداء علی الکفار رحماء بینهم (۲۵). برخی از ویژگی‌های اخلاقی

همیشه با وضو بود، به مستحبات با دقت عمل می‌کرد و از مکروهات مانند حرامها گریزان بود. نماز با طمأنینه کامل و مستحبات و تعقیبات انجام می‌داد و مقید بود که هرگز نوافل را ترک نکند. دو ساعت قبل از طلوع فجر از خواب بیدار و مشغول نماز شب و تهجد و دعا خواندن و استغفار می‌شد، و هیچ‌گاه نماز شبش ترک نمی‌شد. شبها قبل از خواب درست در همان لحظه‌ای که همه اهل منزل به خواب رفته بودند، زیر آسمان می‌رفت و دستها را به آسمان بلند می‌کرد و با گریه و زاری، استغفار می‌نمود. هرگز سؤال کننده را محروم نمی‌کرد، حتی اگر به مقداری غذا یا لباس باشد. اگر روزی لباس نو یا عمامه نویی می‌پوشید و کسی از آن لباس تعریف می‌کرد، فوری آن را به او می‌بخشید و خودش به لباس کهنه اکتفا می‌کرد. گاهی که همسرشان به ایشان اعتراض می‌کرد که چرا نمی‌توانی لباس نو را لااقل برای چند ماه نگهداری، بالبخند می‌گفت: مگر آن لباسها چه عیبی دارد؟ با اینکه خود سید بود نسبت به سادات احترام شدید و تجلیل کامل می‌نمود. بسیار مهمان نواز بود و حتی اگر بعضی روزها مهمان نداشت یک نفر از مسجedian را با خود می‌آورد تا بی مهمان غذا نخورد. علاقه عجیبی به اهل بیت (ع) داشت. هرگاه نام مبارک امام حسین (ع) را می‌شنید بی اختیار اشکش جاری می‌شد و روزهای عاشورا مانند کسی که تازه پدرش را از دست داده، با صدای بلند گریه می‌کرد تا جایی که بی حال می‌شد از این رو همه ساله دو ماه محرم و سفر و هر شب دوشنبه جلسه روضه و عزاداری برگزار می‌شد و بعد از اینکه به ایران تبعید شدند در طول نه سال زندگی در ایران صبحهای جمعه همان مجلس، با شکوه تمام برگزار می‌شد. و در مراسم مولودی یا اعیاد اسلامی ضمن برقراری مجالس جشن و سرور، با شیرینی و شربت و گاهی هم با پول از حاضرین پذیرایی می‌کرد. کارهای منزل را تا حد توان خودش انجام میداد حتی بعضی از کارهای بنایی خانه. و با این کارش به فرزندانش می‌فهماند که نباید در همه کارها به دیگران متکی بود. از اسراف و زیاده روی خیلی متنفر بود و اگر می‌دید چراغی بدون سبب در اطافی روشن مانده است با عصبانیت بازخواست می‌کرد و این کار را نکوهش می‌نمود. با اینکه انواع کاغذ و دفترها در منزل یافت می‌شد از یک کاغذ پاره هم استفاده می‌کرد و کمتر روزی بود که در مذمت اسراف با افراد خانواده سخن نگوید. از افراد سخن چین بیش از همه کس متنفر بود. و کمتر سخنرانی ای داشت که در آن، نام را نکوهش نکند. در روحیه‌اش ذره‌ای خود خواهی یافت نمی‌شد و برای اینکه با این روحیه مبارزه کند ریاضتهای عجیبی داشت گاهی در گاری سه چرخ سوار می‌شد و به مسجد می‌رفت. محال بود هر کسی بگذرد و به او سلام نکند، حتی اگر بچه خردسالی بود در مجلسی که وارد می‌شد هر جا که خالی بود می‌نشست و هیچ‌گاه مقید نبود که در صدر مجلس یا اطراف آن بنشیند، اگر در بحث با بعضی از روحانیون، احساس می‌کرد طرف از ادامه بحث یا پاسخ به سؤال درمانده شده است، خود بحث را عوض می‌کرد و نمی‌گذاشت حاضران متوجه ضعف طرف مقابل شوند. همیشه در کارهای اساسی با دیگران مشورت می‌کرد و برای اینکه به فرزندانش احترام بگذارد چه در جمع و چه خصوصی با آنها به مشورت می‌پرداخت و اگر رأی آنها مورد قبول قرار نمی‌گرفت با استدلال آنها را قانع می‌نمود. همیشه در پی استدلال و برهان بود لذا به فرزندانش توصیه می‌فرمود: شما فکر نکنید که چون پدر و مادرتان شیعه‌اند، باید شیعه باشید. بروید کتاب بخوانید و خودتان با دلیل و برهان، حق را دریابید ... به مظاهر اسلامی خیلی اهمیت می‌داد، حتی در لباس، مسکن و غذا مسائل اسلامی را مراعات می‌نمود. فعالیتهای اجتماعی

ایشان در امر بازسازی و تجدید بنای مدارس علمیه از جمله مدرسه قزوینی و مدرسه بخارایی در نجف اشرف سعی و تلاش فراوان کرد. برای شیعیان ساکن در منطقه خلیج فارس (از جمله کویت، بحرین، قطر و امارات عربی متحده) مساجدی را تأسیس کرد و تأسیس و تعمیر مساجد زیادی در گوشه و کنار ایران اسلامی را بر عهده گرفت. در کویت اولین مدرسه دخترانه به نام مدرسه جعفری برای دوران ابتدایی تا دبیرستان به همت عالی او تأسیس شد. جذب مبلغان از حوزه‌های علمیه نجف اشرف و قم و مشهد برای تبلیغ در مناطق کویت و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس از دیگر تلاشهای آیه اخلاص آیه الله مهری بود که این امر تا قبل از رحلت ایشان ادامه داشت. چاپ و نشر و ترجمه کتب امام و غیر آن در سطح بسیار وسیع و توزیع رایگان در میان مردم. تشکیل

جلسات شورای فقهی و سیاسی با روحانیان مقیم کویت به منظور حل معضلات و مشکلات، از فعالیتهای ارزشمند او محسوب می‌شود. بسیج عده‌ای از اهالی منطقه فارس و شهرستان لامرد (۲۶)، برای توزیع مواد غذایی مورد نیاز مردم در زمان قحطی پس از جنگ جهانی دوم. تأسیس و راه اندازی اولین درمانگاه در شهرستان لامرد. تأسیس بیمارستان و زایشگاه مجهز و گسترده در شهر مهر. رهبری مدبرانه نهضت اسلامی ملت کویت پس از اخراج از کویت و حمایت حرکتهای اسلامی و انقلابی جوانان مسلمان. کمکهای مستمر به مراکز مذهبی، فرهنگی (مدارس، مساجد، حسینیه‌ها) در قم و سایر نقاط. بازسازی مراکز خدماتی (آب انبارها و راهها و ...) مناطقی از ایران. تأسیس بنیاد معارف اسلامی قم به منظور تحقیق و تدوین تاریخ جامعی برای تشیع از آغاز تاکنون، که این یکی از ارزنده‌ترین آثار جاودانه آن بزرگمرد است.

سفر به کوی دوست

سر انجام پس از عمری کوشش، مبارزه و تلاش همه جانبه، و نیل به اهداف عالیش که رفع ظلم ستم شاهی و استقرار نظام عدل الهی بود در جوار مشوق واقعی اش که همه دوران زندگی را بر آستانش چهره ساییده بود آرمید، آیه الله حاج سید عباس مهری پس از ۷۵ سال زندگی پرخیز در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۲۶ هجری شمسی، در تهران، ستاره درخشان وجودش از آسمان علم و فضیلت برخاک فروغلتید و در جوار حضرت فاطمه معصومه (س) در خاک نهران شد. و تمام خویشان و دوستداران و ارادتمندان را به سوگ نشانید. (۲۷)

در سنگر علم

مرحوم آیه الله مهری با همه اشتغالات سیاسی و اجتماعی در بیان معارف اسلامی و دفاع از کیان اسلام و تشیع نیز غافل نماند و در این زمینه آثاری به یاد ماندنی از خویش به جای گذاشت که برخی از آن آثار چاپ شده بدین قرار است:

۱- شعاع من التاریخ این کتاب ارزشمند در پاسخ به هتاک‌های ابراهیم جبهان در مجله رأیه الاسلام چاپ ریاض به مذهب تشیع و ائمه اطهار (ع) در سال ۱۳۸۱ هجری / ۱۹۶۱ میلادی به رشته تحریر در آورده است. مرحوم مهری علاوه بر مبارزه با این فرد که منجر به تبعید شبانه وی از سوی دولت کویت به عربستان سعودی گردید به مبارزه علمی نیز با وی پرداخته و در ضمن کتابی به گفته‌های سرا پا کذب وی پاسخ می‌گفت. این کتاب را به موجب نامساعد بودن جو سیاسی آن زمان کویت به نام برادر ارجمندشان عالم فاضل سید هاشم مهری به طبع رسانده‌اند و اکنون در کتابخانه عمومی مرحوم آیه الله نجفی به شماره ۷۵۳۰ ردیف ۵ و قفسه ۲۳ موجود می‌باشد. ۲- شعاع من سیرتنا سنتنا این کتاب اگر چه در بعضی نوشته‌ها از جمله آثار قلمی مرحوم آقای مهری شمرده شده است ولی از مقدمه کتاب چنین استفاده می‌گردد که شخصی از ایشان در موضوع صحت سجده بر خاک مطالبی طلب می‌کند و ایشان پس از پاسخ به خواسته ایشان به پیشنهاد یکی از مؤمنان اهل اطلاع به سخنرانی علامه امینی پیرامون موضوع سجده و آنچه سجده بر آن صحیح است که در سال ۱۳۸۴ هجری در سوریه ایراد فرموده‌اند دست می‌یابد و با تمام خلوص به جای چاپ مقاله خود به انتشار سخنرانی علامه امینی مبادرت می‌ورزند. این کتاب به شماره ۵۴۴۷۸ در کتابخانه عمومی مرحوم آیه الله نجفی مرعشی موجود می‌باشد. ۳- تفسیر سوره والعصر. ۴- اهل الکتاب. ۵- دروس فی الدین. ۶- رساله‌ای در بیان حرمت گوشت خوک. از دیگر آثار قلمی این دانشور پرتلاش است. یادش گرامی و راهش جاوید پاورقی:

۱- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان سید محمد جواد مهری. ۲- برای آشنایی بیشتر با حیات علامه بحرانی به کتابهای زیر مراجعه فرمایید: علامه بحرینی، سید محمد براتی، العلامة السید هاشم البحرانی، فارسی تبریزیان، علامه بحرانی آینه ابرار، تألیف نگارنده. ۳- برای آشنایی بیشتر با این شهر و عالمان آن می‌تونید به کتاب سیمای مهر تألیف نگارنده مراجعه نمایید. ۴- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۵- خلاصه زندگی نامه آیت الله مهری، ص ۲. ۶- شایان ذکر است که در آن زمان هنوز نفت در کویت کشف نشده بود و مردم با سادگی، زندگی متواضعانه‌ای می‌گذراندند. ۷- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۸-

کنایه از اینکه کویت مانند یک زمین مرده‌ای بود که وی با زحمات خویش آن را زنده و آباد کرد. ۹- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۰ - ۱۱- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۲- روزنامه ابرار ۳۱/۳/۱۳۶۶. ۱۳- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۴- خلاصه‌ای از زندگینامه آیت الله سید عباس مه‌ری، ص ۳. ۱۵- با استفاده از خلاصه زندگي نامه آیت الله مه‌ری، ص ۳ و ۴. ۱۶- از خاطرات فرزند ارجمندشان سید محمد جواد مه‌ری. ۱۷- سرگذشتهای ویژه از زندگي حضرت امام، ج ۶، ص ۱۵۷ و ۱۵۸. ۱۸- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۹- سرگذشتهای ویژه از زندگي حضرت امام، ج ۶، ص ۱۶۴ و ۱۶۵. ۲۰- همان. ۲۱- صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۹۷. ۲۲- خلاصه زندگینامه آیت الله مه‌ری، ص ۴. ۲۳- مائده / آیه ۵۴. ۲۴- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۲۵- فتح / آیه ۲۹. ۲۶- از شهرهای جنوبی استان فارس می‌باشد. ۲۷- از آیت الله مه‌ری ۱۱ فرزند (۷ پسر و ۴ دختر) به یادگار ماند. ۱- حجۀ الاسلام و المسلمین حاج سید محمد مه‌ری. ۲- حجۀ الاسلام و المسلمین حاج سید مرتضی مه‌ری، از محققان و اساتید حوزه علمیه قم. ۳- جناب آقای سید احمد مه‌ری. ۴- جناب آقای سید علی اصغر مه‌ری. ۵- دانشمند محترم جناب آقای سید محمد جواد مه‌ری. ۶- سید محسن مه‌ری. ۷- سید محمد رضا مه‌ری.

میبدی، رشیدالدین ابوالفضل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۰ ق)، عالم، صوفی و مفسر. او یکی از صوفیان بنام قرن ششم قمری است. از آثار وی «کشف الاسرار و عده الابرار»، تفسیر عرفانی قرآن به فارسی است که در ۵۲۰ ق تألیف نموده است. وی در تألیف این تفسیر به «تفسیر» خواجه عبدالله انصاری نظر داشته و در واقع تفسیر خواجه را شرح و بسط نموده و از کلمات خواجه استشهاد نموده است، لذا «کشف الاسرار» به «تفسیر خواجه عبدالله انصاری» نیز معروف گردیده است. میبدی در تفسیر خود به دو موضوع نظر داشته: نخست بیان همه‌ی اقوال مفسران عامه در وجوه قرآت و تفسیر آیات و احکام، و دوم تفسیر آیات بنابر نظر عرفا و تأویلات غریب. مؤلف «کشف الظنون» به اشتباه این تفسیر را به سعدالدین تفتازانی نسبت داده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۴۷۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۳۲- ۹۳۰، ۲/۲۵۷)، تاریخ نظم و نثر (۷۲۹- ۷۲۸)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹۴۴، ۲/۲۲۲۴)، الذریعه (۱۸/۱۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۱۰- ۴۰۹)، کشف الاسرار و عده الابرار (۱/ مقدمه)، کشف الظنون (۱۴۸۷)، لغت نامه (ذیل/ میبدی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۷- ۲۱۶/ ۱).

میبدی، محمدفاکر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد فاکر میبدی

محل تولد: میبد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱۰/۲۰

زندگینامه علمی

محمد فاکر میبیدی، فرزند علی اکبر در تاریخ ۱۳۳۸/۲۰/۱۰ خورشیدی، برابر با ۱۳ رجب ۱۳۷۹ قمری، در شهرستان میبید دیده به جهان گشود، در سه سالگی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی مادر مؤمن و متدین خویش قرار گرفت. وی دوران کودکی خود را به دلیل محرومیت از نعمت پدر، با سختی و مشکلات پشت سر گذاشت. و دوران تحصیلات کلاسیک را با کار و فعالیت سپری نمود. سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شمسی که مقارن بود با مبارزات ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و منتهی به پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران شد. وی در این زمان همراه با دیگر اقشار مختلف مردم میبید در راهپیماییها و تظاهرات علیه رژیم شاه شرکت داشت و به پخش عکس، اطلاعیه و قرائت آن مبادرت می کرد، به همین دلیل یک بار توسط عوامل رژیم احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. به دلیل علاقه زیاد نامبرده به مسائل انقلاب نسخه ای از اعلامیه ها و بیانیه های انقلابیون کشور و به ویژه پیشگامان انقلاب در استان یزد و به خصوص شهید محراب حضرت آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی، آیت الله حاج سید روح الله خاتمی، و آیت الله حاج شیخ محمد ابراهیم اعرافی، «قدس الله انفسهم الزکیه» که از ارکان انقلاب در منطقه بودند در کتابخانه وی نگه داری می شود. نامبرده تحصیلات کلاسیک خود را تا ششم در مدرسه امام میبید به انجام رسانید و در سال ۱۳۵۵ جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه میبید شد و مقدمات، ادبیات، منطق و بخشی از دروس سطح را در آن حوزه فرا گرفت. لازم به یاد آوری است که در رشته فقه و اصول بیشترین بهره را از حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی و در دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن بیشترین استفاده را از حضرت آیت الله معرفت برده است.

میر داماد نجف آبادی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی میر داماد نجف آبادی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید علی میرداماد نجف آبادی در سال ۱۳۴۹ متولد شدم. دوره ابتدائی تا سوم ابتدائی را در اهواز گذراندم و سال چهارم و پنجم ابتدائی در مشهد. دوره راهنمایی و دبیرستان در قم. سال ۱۳۶۸ وارد حوزه شدم (همزمان دیپلم گرفتم سال ۱۳۶۸). شش سال در مدرسه «معصومیه» دوره مقدمات را گذراندم. اساتیدم در دوره مقدمات: آقایان نائینی، مسعودی کاشانی، ترابی، اسلامی، حیاتی.

دوره سطح را در مدرسه آیت الله گلپایگانی گذراندم. اساتید این دوره: موسوی تهرانی، اعتمادی، هادوی تهرانی. سه سال درس خارج فقه و اصول آیت الله هادوی تهرانی. یک سال درس خارج فقه «آیت الله جوادی آملی». از سال ۱۳۷۱ تدریس در مرکز جهانی علوم اسلامی را آغاز کردم و تاکنون ادامه دارد. مدت ۵ الی ۶ سال هم در مدارس مرکز مدیریت حوزه تدریس داشتم.

میر عبداللہی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمود میر عبداللہی

محل تولد: چادگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمود میر عبداللہی شهرت حسینی به شماره شناسنامه ۱۱ صادره از چادگان متولد ۱۳۲۵ از منطقه فریدن هستم. اینجانب در سال ۱۳۳۷ در سن ۱۲ سالگی در اصفهان مشغول تحصیل علوم دینی شدم و بعد از گذراندن دو سال در سال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. مدت پنج سال در مدرسه «جانی خان» واقع در خیابان آذر میدان کهنه روبروی مسجد جامع قم، ادبیات را خدمت آقای نحوی و مختصر المعانی را خدمت آیت الله دوزدوزانی و معالم و قوانین الاصول را خدمت آقای اعتمادی و فرائد الاصول را خدمت آقای نوری و مکاسب را خدمت آیت الله فاضل لنکرانی و جلدین کفایة الاصول را خدمت آیت الله سلطانی خواندم.

مدت ۱۵ سال درس خارج فقه «حضرت آیت الله العظمی مرحوم آقای گلپایگانی» شرکت می کردم و مدت ۱۵ سال درس خارج فقه و اصول «حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری» شرکت داشتم و لمعتین را خدمت آقای ستوده خواندم و در سال ۱۳۶۰ از طرف دفتر حضرت امام خمینی (ره) به امامت جمعه شاهین شهر منصوب شدم و قبل از پیروزی انقلاب مدتی را در پیروزآباد شیراز تبعید بودم.

در سال ۱۳۶۲ در شاهین شهر به وسیله یک نفر منافق به نام «کریم» اهل شهرضا مورد ترور قرار گرفتم. نام برده دستگیر و اعدام شد. چون شخص نام برده در اصفهان شخص به نام آقای بهشتی نژاد را با فرزندش جلو درب خانه اش ترور کرده بود. در سال ۱۳۶۵ از شاهین شهر به شهرستان لردگان که از توابع شهر کرد است؛ منتقل شدم. بعد از سه سال آنجا به ابوان غرب از توابع ایلام است؛ منتقل شدم. بعد از سه سال از آنجا به میمه اصفهان منتقل شدم. در این مدت که امام جمعه بودم؛ تدریس هم داشتم. دروس حوزوی و هم در دانشگاه‌ها: معارف اخلاق و تفسیر تدریس می کردم و فعلاً هم در قم مشغول تدریس هستم.

این بود خلاصه از زندگی اینجانب و ضمناً کتاب‌های حقیر چاپ نشده. «تبیین منابع فلسفه»، «سعادت و شقاوت از دیدگاه فلاسفه»، «تلخیص اخلاق فرانکنا»، «سؤال و جواب از علوم قرآنی»، «سؤال و جواب درباره مهدویت و اسلام». ضمناً اضافه می کنم که در سال

۱۳۶۲ که مورد ترور منافق قرار گرفتم؛ چند روز که گذشت یک شب ساعت ۲ بعد از نصف شب منزل بنده را به رگبار بستند از طرفداران سید مهدی هاشمی. و همینطور قبل از اینکه مورد ترور قرار بگیرم در سال ۱۳۶۱ درب منزل اینجانب مواد منفجره گذاشته بودند که در این چند جا خداوند نجاتم داد. در تمام این جریانات حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای نمازی که در آن وقت فرمانده سپاه اصفهان بودند به من کمک کردند و آقای نمازی فعلاً امام جمعه کاشان می‌باشند.

میر جلیلی، علی محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی محمد میر جلیلی

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۳/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب علی محمد میر جلیلی فرزند حاج میرزا یدالله در تاریخ ۱۰/۳/۱۳۴۴ ه.ش در شهر یزد - شاهدیه متولد گشتم. پدرم از مؤمنین و عاشقان خاندان رسالت بود و همواره در مجالسی که به نام اهل بیت تشکیل می‌شد؛ شرکت می‌کرد. او در سنین نوجوانی به بیماری سختی مبتلا شده بود. و با توسل به اهل بیت (ع) شفا یافته بود. از این رو با شنیدن نام آن بزرگواران اشکش جاری می‌شد. و چون دو فرزند پسرش را از دست داده بود. نذر کرد چنانچه خداوند به او پسری دیگری عنایت کند او را به حوزه علمیه، برای فراگیری علوم اسلامی بفرستد. او به نذر خود عمل و مراهرسپار حوزه کرد. پدرم از نظر مالی در مضیقه بود و زندگی خود را از درآمد ناچیز کارگری تامین می‌کرد و بسیار قانع و زاهد بود.

مادرم مرحومه حاجیه بی بی مرضیه حاج امام از سادات و خاندان حاج امامی ابرند آباد بود که به تقوی معروف بودند. جد سوم ایشان مرحوم امیر اکبر از سادات دارای کرامت بود. همچنین پدر بزرگ ایشان مرحوم حاج سید محمد باقر حاج امام از روحانیون دارای فضل و تقوی در یزد بود که به سال ۱۳۳۶ ه.ش از دنیا رحلت کرده است و آرامگاه این بزرگواران در یزد «شاهدیه» ابرند آباد زیارتگاه می‌باشد که بسیاری از مردم منطقه با توسل به ارواح پاکشان از خداوند طلب حاجت می‌کنند.

پدرم مرا در کودکی با خود به مجالس وعظ و خطابه می‌برد و دوست داشت من را ذاکر حضرت سید الشهداء (ع) تربیت نماید. در شش سالگی به دبستان عنصری در شاهدیه رفتم. در سال چهارم دبستان بر اثر تشویق استاد بزرگوارم جناب آقای سید علی بمان میر جلیلی تمام سعی خود را در راه تحصیل به کار گرفتم و از آن به بعد همواره از دانش آموزان ممتاز استان یزد شمرده شدم. در مقطع اول راهنمایی به عنوان ممتازترین دانش آموز استان یزد انتخاب شدم و مورد تشویق قرار گرفتم.

پس از گذراندن اول دبیرستان با توجه به علاقه شخصی خود و تشویق های مرحوم پدرم و حضرت آیت الله حاج سید جواد مدرسی و استاد دکتر عباس برهانی در مهرماه ۱۳۵۹ ه.ش وارد حوزه علمیه یزد شدم و از محضر اساتید بزرگواران چون حجج

اسلام آقایان: شیخ کمالی زارچی، شیخ محمد رضا فلاح تفتی و شیخ علی مفیدی فر به فراگیری ادبیات عرب پرداختم و با شرکت در کلاس منطق آیت الله علاقه بند یزدی، خوشه چین کمالات علمی وی گشتم. از خاطرات جالب آن دوره حفظ اشعار الفیة بن مالک در حوزه یزد بود که از طرف حضرت آیت الله حاج محمود علمی مسئول حوزه خان یزد، مورد تشویق قرار گرفتم و مفتخر به اخذ دوره تفسیر منهج الصادقین از محضر مبارک ایشان شدم.

در سال ۱۳۶۱ ه.ش جهت استفاده از محضر اساتید حوزه علمیه قم به این شهر رفتم. شرط ورود به حوزه علمیه قم، اتمام لمعتین بود ولی من آن را نخوانده بودم. طی نامه ای به محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی از ایشان درخواست کردم مرا در مدرسه امام حسن مجتبی (ع) که تازه شروع به کار می کرد؛ بپذیرد. در آن نامه خود را حافظ الفیة بن مالک معرفی کردم. ایشان حقیر را به حضور طلبید و پس از امتحان و سؤال از سوابق خانوادگی و تحصیلیم، با ورود اینجانب به حوزه قم موافقت کرد. برای تکمیل ادبیات عرب به درس استاد بزرگ ادب مرحوم مدرس افغانی که در نحو و سایر علوم ادبی تسلط داشت؛ رفتم. او دارای بیانی شیوا بود و سخت ترین مباحث علمی را با مثال هایی ساده تفهیم می کرد و دارای تالیفاتی از قبیل المدرس الافضل (شرح مطول تفتازانی) و مکررات (شرح کتاب سیوطی در نحو) بود. نزد ایشان مغنی اللیب از ابن هشام و مطول تفتازانی را فرا گرفتم.

همچنین کشف المراد علامه حلی را نزد آیت الله مکارم شیرازی، بخشی از تفسیر مجمع البیان را نزد آقای امامی از نویسندگان تفسیر نمونه؛ فرا گرفتم. آنگاه برای فراگیری فقه نزد استاد آیت الله وجدانی فخر (ره) شتافتم. ایشان دارای زبانی گویا، تسلط کامل بر مباحث فقهی و اخلاصی کم نظیر بود. فراموش نمی کنم که همواره قبل از نشستن بر کرسی تدریس، دعا می کرد. هم زمان اصول مظفر را نزد استاد صالحی افغانی فرا گرفتم. در این دوره بود که به جهت الطاف الهی و تلاش فراوان، رتبه اول حوزه قم را در پایه ششم بدست آوردم و به دریافت یک دوره کامل بحارالانوار از مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی (ره) مفتخر گشتم. آنگاه برای فراگیری بهتر اصول به نزد استاد بزرگ حوزه قم، حضرت آیت الله مصطفی اعتمادی شتافتم. زبان گویا و تسلط والای او در تبیین مباحث اصول، از او استاد زبردستی ساخته بود که حدود هزار نفر در کلاس درسش حاضر می شدند. رسائل شیخ انصاری را از ایشان فرا گرفتم. مکاسب را نزد استاد بزرگ مرحوم حاج شیخ احمد پایانی آموختم و باز برای آموزش بیشتر اصول، در درس کفایة استاد اعتمادی حاضر شدم.

همزمان با فراگیری مکاسب و کفایه به حفظ قرآن همت گماردم و نزدیک به نصف قرآن را حفظ کردم. از الطاف الهی بر اینجانب در این دوره توفیق حضور در کلاس تفسیر مفسر بزرگ، عارف ربانی و فقیه صمدانی حضرت آیت الله عبدالله جوادی آملی (روحی فداه) بود، استادی بی نظیر در قدرت کلام، جامع علوم مختلف و از همه مهمتر دارای منش اخلاقی بسیار والا. در طی حدود ده سال که از حضور پرفیض تفسیر ثلث اول قرآن را فرا گرفتم؛ هرگز ندیدم به شاگردی توهین نماید. سوال های طلاب را با حوصله پاسخ می داد و همواره برای پاسخ دهی به اشکال های حاضرالذهن بود. اکنون پس از بازگشت به وطن از اینکه نمی توانم از محضر پرفیضش استفاده کنم؛ همواره تاسف می خورم.

از سال ۱۳۷۱ ه.ش همزمان با شرکت در کلاس تفسیر استاد جوادی، به فراگیری خارج فقه و اصول پرداختم و از محضر بزرگانی چون آیات عظام: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، امیرزا جواد تبریزی بهره بردم. در سال ۱۳۷۴ از دانشگاه قم، مرکز تربیت مدرس در رشته الهیات و معارف اسلامی (کارشناسی ارشد) فارغ التحصیل شدم و در سال بعد در آزمون دکتری علوم قرآن و حدیث شرکت کردم که سرانجام در سال ۱۳۸۱ ه.ش از دانشگاه فارغ التحصیل شدم. حضرت آیت الله هادی معرفت، آیت الله مسلم داوری، استاد محمّد علی مهدوی راد و دکتر غلامعلی حداد عادل و دکتر سید محمد رضا حاجتی از اساتید برجسته دوره دانشگاهیم می باشند.

میرخانی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۰ (۱۳۳۵ ق.)، تهران.

درگذشت: ۲ آبان ۱۳۷۲ (۹ جمادی‌الاولی ۱۴۱۴ ق.).

آیت‌الله حاج سید احمد میرخانی پس از طی دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری خواندن و نوشتن و قرآن به شوق تحصیل علوم دینی، به یادگیری ادبیات و سطح پرداخت. پس از آن به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و از محضر آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مکاسب و کافیه را فراگرفت و سپس به درس خارج آیات عظام کوه‌کمره‌ای و خوانساری حاضر شد. با ورود آیت‌الله بروجردی به قم، تنها به درس ایشان رفت و تا پایان عمر آن استاد از بحث‌های فقهی و اصولی او استفاده نمود و پس از وفات وی، به تهران آمد و به خدمات دینی، از جمله اقامه‌ی جماعت در مسجد ولی‌عصر، اعزام مبلغ به اطراف تهران، تألیف و نشر کتب دینی (که زندگانی برخی امامان و ترجمه برخی از مجلات بحارالانوار از جمله آنهاست)، ساخت مساجد و حوزه‌ی علمیه، اقامه‌ی مجالس دینی در عصرهای جمعه و راهنمایی و ارشاد جوانان و تشکیل مجالس دعای ندبه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) اشتغال ورزید. از آثار قلمی ایشان یا کتابهایی که خوشنویسی کرده‌اند می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: آیات الاحکام (در دو جلد)؛ سیر حدیث در اسلام؛ شرح زیارت عاشورا (تألیف با خط فریبا مقصودی کرمانشاهی)؛ تاریخ اجتهاد و تقلید (تهران، ۱۳۷۲)؛ قرآن کریم با ترجمه فارسی (مهدی الهی قمشه‌ای، با خط احمد میرخانی، تهران، ۱۳۷۴)؛ کلیات مفاتیح الجنان (به خط احمد میرخانی)؛ سوره مبارکه انعام به انضمام: دعای شریفه توسل، کمیل، ندبه و گنج عرض (مترجم مهدی الهی قمشه‌ی با خط احمد میرخانی).

حاج میر سید احمد میرخانی از علماء میرز و مروج معاصر تهرانست.

وی در حدود سال ۱۳۳۵ قمری در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول به قم مهاجرت نموده و سطح کفایه و مکاسب را از محضر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن از درس خارج مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی قدس الله اسرارهم بهره‌مند گردیده آنگاه مراجعت به تهران و بخدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج احکام و تعظیم شعائر مذهبی در مسجد (حضرت ولی عصر عجل الله فرجه) واقع در خیابان (حشمت‌الدوله) پرداخته است.

نگارنده گوید: آقای میرخانی از علماء خدوم و مروجین متین و مورد توجه مردم تهرانست. خدمات بسیاری در تهران و حومه آن نموده که از آنها اعزام مبلغ بقرآء و دهات اطراف تهران می‌باشد.

چند سالی در شبهای جمعه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام احیاء و دعاء کمیل و غیره داشتند و صدها نفر را بدین وسیله بسوی خدا و استغفار رهبری می‌نمودند. و اکنون در عصرهای جمعه در مسجد خود مجلس باشکوهی دارند و جمع کثیری از جوانان و غیره را بوسیله دعاء ندبه و سمات و غیره بخداوند متعال جلت عظمته و ولی الله اعظم حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء هدایت و ارشاد می‌نمایند.

از آثار و خدمات دینی و اجتماعی ایشان تعمیر و بناء مساجد و غیره در حومه تهران می‌باشد که بوسیله گویندگان و فضلاء و

مبلغینی که به آنجاها فرستاده انجام داده است.

(ح ۱۴۱۴ - ۱۳۳۵ ق)، عالم دینی. در تهران به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به قم رفت و سطوح «کفایه» و «مکاسب» را از محضر آیت‌الله مرعشی فراگرفت. سپس در درس خارج آیت‌الله حجت کوه کمری و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری حاضر شد و استفاده‌ها نمود. پس از ورود آیت‌الله بروجردی به قم، وی از درس و بحثهای فقهی و اصولی ایشان بهره برد. پس از درگذشت استادش، آیت‌الله بروجردی، به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت، تألیف و نشر کتب دینی، ترویج احکام، اقامه مجالس و عظ و ارشاد و سایر امور دینی پرداخت. در تهران درگذشت. از آثارش: «آیات الاحکام»، در دو مجلد؛ «سیر حدیث در اسلام» [۱]. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] کلک (س ۴، ش ۴۵ و ۴۶، ص ۳۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۷۶ - ۵۷۵ / ۴).

میرداماد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میر محمدباقر بن محمد استرآبادی مشهور به «میرداماد» (ف. ۱۰۴۰ یا ۱۰۴۱ ه.ق) از فلاسفه و دانشمندان معروف عصر صفویه که مورد توجه مخصوص شاه عباس بوده است. منشأش استرآباد و محل تحصیلش مشهد بود و بیشتر عمر خود را در اصفهان بسر برد. وی از تلامذه‌ی شیخ حسین عاملی و شیخ عبدالعالی و بعضی از اکابر دیگر بود. ملاصدرای شیرازی از شاگردان وی بود. میرداماد در فقه و حکمت تألیفات متعدد دارد. و از آن جمله است: «الصرط المستقیم»، «قبسات»، «انموذج العلوم»، «التقدیسات» و غیره. میرداماد شاعر نیز بوده و در شعر «اشراق» تخلص می‌کرده است. یک مثنوی به نام «مشرق الانوار» سروده است.

(وف ۱۰۴۱ ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، عارف، ریاضیدان و شاعر، متخلص به اشراق. اصلش از استرآباد و ساکن اصفهان بود. پدرش داماد شیخ علی محقق ثانی است. میرداماد از دوستان بسیار نزدیک شیخ بهائی و از علما و فلاسفه بزرگ عصر صفوی و از مقربان درگاه شاه عباس اول و شاه صفی محسوب می‌شد. وی در علوم نقلی از شاگردان سید نورالدین علی بن ابی الحسن الموسوی و شیخ حسین عاملی، پدر شیخ بهائی، و دایی خود، شیخ عبدالعالی بن محقق ثانی، بود و از دایی خود به دریافت اجازه نایل آمد. او همچنین در علوم عقلی، مدتی در محضر امیر فخرالدین سماکی، شاگرد امیر غیاث‌الدین منصور شیرازی، به مباحثات فلسفی اشتغال ورزید. وی در جمیع علوم غریبه نیز دست داشت. از شاگردان مشهورش می‌توان به قطب‌الدین اشکوری عارف، صدرالدین شیرازی معروف به ملا صدرا، ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی اشاره نمود. میر داماد حکیمی اشراقی است وی را نمودار کامل از یک فیلسوف شیعی دانسته‌اند علو مرتبه او در حکمت از لقب معلم ثالث که به او داده‌اند پیداست. وی فلسفه مشاء و آثار ابن‌سینا را به طور کامل مطالعه کرده و تعالیم اشراقی سهروردی و معارف صوفیه را نیز درک نموده و بر روی هم تأثیرات اشراقی و عرفانی در افکار فلسفی وی مجالی وسیع یافته است. میرداماد در سفری، به همراه شاه صفی، به عتبات عالیات، در بین راه کربلا- و نجف، درگذشت. از آثارش: «قبسات حق القین فی حدوث العالم»، که به اختصار به «القبسات» معروف است؛ «حدوث العالم ذاتا و قدمه زمانا» یا «الجمع و التوفیق بین رأی الحکیمین فی حدوث العالم»؛ «الافق المبین»، در حکمت الهی؛ «تأویل المقطعات»، در اوایل سوره‌های قرآن؛ تفسیر «سوره‌ی اخلاص»؛ «تقویم الایمان» و مقدمه آن و شرح مقدمه؛ «الایقاضات»، در خلق اعمال و افعال بندگان؛ «التقدیسات»، در حکمت الهی و رد شبهه‌ی ابن کمونه؛ «الرواشح السماویه فی شرح احادیث الامامیه»؛ «شارع النجاة»، رساله فتوایه‌ی فارسی، در اصول و فروع دین؛ «نبراس الضیاء فی معنی البداء»؛ «انموذج العلوم»، حل بیست اشکال ریاضی و

کلام و فقه؛ «السبع الشداد»؛ «الصرط المستقیم»، در حکمت؛ «نفی الجبر و التفویض»؛ حاشیه «شرح مختصر عضدی»؛ حاشیه «مختلف» علامه حلی؛ حاشیه «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه «استبصار»؛ حاشیه «رجال» کشی؛ «مرآة الزمان»؛ «حبل المتین»، در حکمت؛ «دیوان» شعر. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۶/۲۷۲)، اعیان الشیعه (۹/۱۸۹)، بزرگان فلسفه (۴۰۱-۴۰۰)، صبح گلشن (۵/۳۰۶)، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی (۴۶۷-۴۶۱)، تذکره العلماء (۱۷۹-۱۷۷)، الذریعه (۲۴/۳۸، ۱۷/۳۲، ۱۵/۳۵، ۱۳/۴، ۱۱/۲۵۷، ۲۳۹، ۲۹۴، ۲۲۳-۲۲۳)، سفینه البحار (۱/۴۶۲)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۶۸-۳۶۵)، طبقات اعلام الشیعه (۷۰-۶۷/۱۱)، فرهنگ سخنوران (۶۴)، فوائد الرضویه (۴۲۵-۴۱۸)، القیسات (مقدمه)، عالم آرای عباسی (۱۴۷-۱/۱۴۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۹۷-۲۹۶)، لغت نامه (ذیل / داماد)، معجم المؤلفین (۹/۹۳).

میردامادی، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مجتبی میر دامادی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۲/۱۳

زندگینامه علمی

اینجانب متولد ۱۴/۲/۱۳۴۷ در مشهد مقدس در خانواده مذهبی و روحانی می باشم. پدرم و جدم (سید حسن، سید هاشم) میردامادی معروف به «نجف آبادی» از علماء مشهور مشهد بودند، در مسجد جامع گوهرشاد سالیان متمادی تفسیر قرآن داشتند و مردم مشهد و خصوصاً اقشار تحصیل کرده از جلسات تفسیر آن دو استفاده می نمودند. نسل اینجانب به میرداماد فیلسوف بزرگ اسلامی می رسد (به ۹ واسطه).

همراه اتمام دوره متوسطه در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۶ و چندی قبل از آن، مقدمات ادبیات عرب را نیز شروع نمودم. ابتداء نزد برادر بزرگتر و گاهی نزد فضلاء حوزه و چندی بعد در حوزه درس ادبیات مشهد، ادیب نامور جناب آقای «حجت هاشمی خراسانی» (حفظه الله): سیوطی، مغنی، مطول، حاشیه ملاعبدالله و معالم را فرا گرفتم. در همان زمان در امتحانات حوزه علمیه مشهد با نمره خوب پذیرفته گردیدم.

اصول فقه و رسائل را نزد «آیت الله شیخ مصطفی شاهرودی» و لمعتین را نزد آیات عظام: «سبزواری» و «صالحی» از اساتید به نام مشهد آموختم. مکاسب را نزد «آیت الله مرتضوی» و «سید محمد شاهرودی» فرا گرفتم. کفایتین را از استاد رضا زاده و بعد از ده سال، درس خارج (فقه و اصول) را نزد «آیت الله میرزا علی فلسفی» (حفظه الله) و «آیت الله شیخ مصطفی اشرفی شاهرودی» تلمذ نمودم و بعد از حدود ۵ سال در مهر ماه ۱۳۷۸ به قم مهاجرت کردم.

در ابتداء ورود دروس فقه «آیت الله سبحانی» و بعد فقه «آیت الله شیخ جواد تبریزی» به مدت ۲ سال (ایشان بحث اذان و اقامه و بعداً صلاة را شروع کردند). همزمان دروس فقه و اصول استاد «آیت الله وحید خراسانی» شرکت کردم. بحث براءت و استصحاب از اصول و بیع و خياراتشان تاکنون مورد استفاده اینجانب می باشد. در علوم عقلی در مشهد ابتداء بدایه را نزد یکی از اساتید و بعد منطق و بخشی از فلسفه منظومه و نهاییه را نزد استاد صالحی و مدتی هم در درس اسفار ج ۸ مرحوم علامه سید جلال الدین آشتیانی بهره بردم. شرح تجرید و مقداری از کلام به صورت محاضرات را نزد «آیت الله شیخ عبد النبی کجوری» بهره بردم. تفسیر قرآن را که هنوز زمزمه دلنواز آن در گوش طنین انداز است را از نوجوانی شروع نمودم. مرحوم پدر همه شب سال در مسجد جامع گوهر شاد تفسیر قرآن بیان می نمود. تدریس کتب حوزوی از اوائل طلبگی شروع شد و تقریباً کتب سطح را از مقدمات تا سطوح عالی یک دوره تدریس نموده ام و بعضی از آنها را چند دوره و فعلاً در مدرسه آیت الله گلپایگانی رسائل تدریس می نمایم.

میر محمدی، ابوالفضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابوالفضل میر محمدی

محل تولد: ساوه

شهرت: میر محمدی زرنندی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیه الله سید ابوالفضل میر محمدی زرنندی در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی در بخش «زاویه زرنند» از توابع شهرستان ساوه در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به پایان رسانید. در سال ۱۳۲۰ ایامی که کیان حوزه‌های علمیه در خطر بود و کمتر کسی رغبت به تحصیل علوم حوزوی داشت، روحیه و علاقه وافرش به تحصیل علوم دینی او را به حوزه مقدس علمیه قم رهنمون ساخت.

وی پس از فراگیری علوم اولیه صرف، نحو، معانی بیان و منطق در سال ۱۳۲۵ جهت زیارت عتبات عالیات و ادامه تحصیل عازم عراق شده و توسط دایی مرحوم والدش «آیه الله آقای حاج میرزا یحیی زرنندی (ره)» که از مجتهدین مقیم آن دیار بود؛ در شهر کربلا حجره‌ای اختیار کرد ولی با اصرار پدر بازگشت، بواسطه وابستگی عاطفی که به ایشان داشت، به ناچار امر ادامه تحصیل را در قم پیگیری نمود.

از همان ابتدای تحصیل به حداقل امکانات معیشتی فراهم شده توسط پدرش که به امر کشاورزی و کسب اشتغال داشت؛ بسنده کرده و از دریافت شهریه و وجوه شرعی امتناع نمود و تا به حال نیز بدین امر مقید بوده است. ایشان داماد فقیه وارسته «آیه الله العظمی مرحوم آقای حاج سید احمد زنجانی (ره)» می باشند که همواره این وصلت را از جمله توفیقات خود می دانند.

پس از گذراندن دروس مقدماتی در سطوح عالی حوزه، رسائل را از محضر مرحوم «آیه الله حاج شیخ موسی زنجانی (ره)»، مکاسب

را از محضر مرحوم «آیه‌الله سید حسین قاضی (ره)»، کفایه را از محضر حضرات آیات: «سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی» و «علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)» و شرح تجرید را از محضر مرحوم «آیه‌الله حاج میرزا اسحاق آستارایی (ره)» تلمذ نمود. حدود سال ۱۳۲۸ از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «حجت کوه کمره‌ای» و «بروجردی (رضوان الله علیهما)» حدود دو سال بهره برد. سپس حضرت «آیه‌الله العظمی آقای حاج سید محمد محقق داماد (ره)» را به عنوان استاد درس خارج به نحو مستمر اختیار نموده و طی ۱۵ سال یک دوره کامل اصول و چندین کتاب فقهی را از محضرشان استفاده نمود.

ایشان در مقاطع مختلف تحصیل حوزوی، تدریس مقطع پایین تر را به عهده گرفته و بیش از ۲۰ سال به تدریس دروس سطح عالی حوزه از قبیل رسائل، مکاسب و کفایتین پرداخته است. بیش از ۱۰ سال نیز در دانشگاه اقدام به تدریس فقه و علوم قرآنی در مقطع دکتری و کارشناسی ارشد نموده و پیوسته نیز استاد راهنمای رساله‌های مختلف دوره دکتری در دانشگاه و حوزه بوده است. شایان ذکر است رتبه دانشگاهی ایشان در بدو ورود به فعالیت‌های دانشگاهی دانشیار اعلام شده و سپس به جهت تألیف، تدریس، مدیریت و سایر خدمات دانشگاهی رتبه استادی که بالاترین رتبه علمی دانشگاهی است به وی اعطا شده است.

مباحثه تفسیر قرآن را از حدود سال ۱۳۲۶ در روزهای پنجشنبه و جمعه هر هفته با دوستان صمیمی و هم دوره‌ای خود همچون حضرات آیات: (مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد آذری قمی، حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی، مرحوم حاج شیخ محمد حقی، حاج شیخ احمد پایانی، مرحوم حاج میرزا محمد امین رضوی و ...) آغاز نمود که به مرور مورد توجه واقع شده و بر اعضای آن افزوده گردید. این جلسه وزین که بیش از پنجاه سال سابقه دارد با نوساناتی در ترکیب اعضا کماکان به قوت خود باقی است.

ایشان از همان ایام حضور در درس خارج فقه و اصول در جلسه بحث فقهی که حضرات آیات: «آقای حاج سید موسی شبیری زنجانی، مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد آذری قمی، آقای حاج سید جلال‌الدین طاهری اصفهانی، آقای حاج شیخ عبدالرحیم جودی» داشتند، حضور پیدا می‌کرد. این جلسه نیز اکنون با تغییر برخی اعضای آن ادامه دارد.

آقای میر محمدی به همراه سایر فضلا و روحانیون از مدافعین نهضت اسلامی بوده و در امضاء برخی از اعلامیه‌ها علیه رژیم ستم شاهی و حمایت از حضرت امام نقش داشته است که از جمله آن می‌توان به ارسال نامه‌ای سرگشاده با عنوان «نامه جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم به هویدا نخست وزیر وقت در خصوص اعتراض به اقدامات خلاف قوانین اسلام و قانون اساسی، جو خفقان و سانسور، دستگیری حضرت امام خمینی و ...» اشاره نمود.

در سال ۱۳۶۴ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران که پس از شهادت آیه‌الله دکتر مفتاح توسط سرپرست اداره می‌شد، منصوب گشت. وی در مدت یازده سال مسؤولیت ضمن تلاش مؤثر جهت راه‌اندازی مجدد دوره دکتری و کارشناسی ارشد و نیز افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان مقاطع مذکور، از آنجایی که اهتمام جدی به وحدت حوزه و دانشگاه داشته و خود نیز با ورود به فعالیت‌های مستمر دانشگاهی از قبیل: (مدیریت، تدریس و تألیف) از مصادیق این وحدت به شمار می‌رفت از فضلاء شاخص حوزه با هدف ارتقاء کیفی سطح تحصیلات دانشجویان جهت تدریس دعوت می‌نمود.

شایان ذکر است این توسعه دانشکده که به همت ایشان و با عنایت بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب حضرت آیه‌الله خامنه‌ای و مساعدت رئیس جمهور وقت جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی و ... در مساحتی حدود ۷۰۰۰ متر صورت گرفت، دانشکده را از تنگنای شدید فضای آموزشی و رفاهی خارج ساخت.

میر محمدی، کمال الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید کمال الدین میر محمدی

محل تولد: جلفا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید کمال الدین میر محمدی در سال ۵۱ در شهرستان جلفا متولد شدم. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به خاطر علاقه وافر به علوم دینی وارد حوزه علمیه «هادی شهر» شدم. به مدت دو سال تحصیل در آن حوزه و کسب نمرات ممتاز جهت ادامه تحصیل به حوزه علمیه «حضرت عبدالعظیم شهر ری» رفتم و با جدیت تمام و نمرات عالی سطح یک را به پایان رساندم و برای ادامه تحصیل در سال ۷۵ وارد حوزه علمیه قم شدم و با گذراندن سطح عالی مشغول به درس خارج شدم که از سال ۷۹ به صورت مستمر در درس خارج فقه و اصول استاد «احمد عابدی» (دامت برکاته) شرکت کرده ام. در کنار تحصیل به کارهای پژوهشی رو آوردم که از سال ۷۹ در مرکز فرهنگ و معارف و قرآن با عنوان محقق ارزیاب مشغول به تحقیق و پژوهش هستم.

میر مسیب، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی میر مسیب

محل تولد: شهرضا

شهرت: میر مسیب

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۲۵

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحيم حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) در بزرگداشت قلم فرموده است «...و القلم من الله نعمه عظیمه و لولا القلم لم يستقم الملك و الدین و لم یکن عیش صالح» (محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۵۸، ح ۲، باب ۱۲ استجاب تعلم الکتابه).

سال ۱۳۴۳ در شهرضا به دنیا آمدم. پس از گذراندن دوره راهنمایی نزد معلمانی نوعاً ارزشمند چون سردار رشید سپاه اسلام شهید

همت، جهت تحصیل علوم حوزوی به مدرسه علمیه صاحب الزمان (علیه السلام) شهرضا رفتم و پس از چهار سال تحصیل در این مدرسه به حوزه علمیه قم عزیمت نمودم و پس از یکسال استفاده آزاد از دروس حوزه علمیه قم، خدمت حجج اسلام و المسلمین سید هاشم حسینی بوشهری و سید عبدالعظیم حسینی به مدرسه مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی رفتم و به تحصیل ادامه دادم و پس از دو سال تلمذ در محضر مبارک اساتید آن مدرسه، محضر برخی از اساتید دوره سطح و عالی از جمله حجج اسلام و المسلمین: «موسوی تهرانی»، «طاهری خرم آبادی» و آیات عظام: «صالحی مازندرانی»، «مظاهری»، و ... را درک نمودم که اکنون نیز ادامه دارد.

تقریباً از سال ۱۳۷۰ دست به قلم شده و تألیف و تحقیق را آغاز نمودم ولی بیشتر آنها به دلیلهای مختلفی به چاپ نرسیده است از جمله آنهاست:

۱. سعاده الطالبین (توضیحی بر آداب المتعلمین خواجه نصیرالدین طوسی)

۲. طریق العیش (نکاتی از زندگانی یکی از اصدقاء)

۳. الحجرات (گذری بر سوره مبارکه حجرات)

۴. تحقیق و تصحیح کتاب داستان فکاهی، علامه فقیه آیه الله میرجهانی

۵. آیین عشق (جمع و توضیح اشعار حکیم اسدالله قمشه ای همراه مطالبی سودمند): در همان هنگام از کلیه شعرای شهرضا نمونه شعرهایی گرفتم و آماده سازی کردم ولی در ترتیب قرار دادن نام آنها با مشکل روبرو شدم لذا به چاپ نرسید البته چکیده ای از این اشعار را در کتاب آئین عشق به کار برده ام.

۶. تحقیق، تصحیح، آماده سازی و چاپ مطالبی دست نویس در موضوع عقیدتی، اخلاقی و سیر و سلوک از دانشمند متأله شهرمان «حضرت آیه الله نجفی قمشه ای» که با عنوان: «با سالکان وادی نور» به چاپ رسید. کتابهای دیگری نیز از معظم له آماده سازی نموده ام که از آن جمله است:

الف- اخلاق نظری (ویژه طلاب علوم دینی پایه های ۱ تا ۳).

ب- مرد فریاد و سکوت (زندگینامه معظم له).

ج- رهیافتهای ویژه (درسهای از معظم له در سیر و سلوک).

د- قطره ای از دریای معارف که در حال آماده سازی است و امیدوارم به لطف الهی به زودی به زیور طبع آراسته گردد انشاء الله.

۷. تحقیق و تصحیح کتاب: «جذبه حقیقت یا ایدئولوژی ولایت» از دانشمند معظم و خطیب توانای شهرمان آقای حاج شیخ قدرت الله صالحپور که به نام: «خورشید امامت و ولایت» به چاپ رسیده است.

۸. مرغ باغ ملکوت (۱): یادنامه استاد فقیه حجت الاسلام و المسلمین سید رضا محسنی همزمان با ارتحال آن مرحوم (خرداد ۱۳۷۲).

۹. مرغ باغ ملکوت (۲): گذری به زندگانی و وصیتنامه استاد معظم، خدوم و فقیه، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ مرتضی عظیمی به مناسبت ارتحال آن بزرگوار (خرداد ۱۳۸۷) و ...

کتابهای دیگری نیز تحقیق و تصحیح نموده ام که برخی از آنها آماده چاپ و برخی در دست آماده سازی است. ضمناً برخی از دوستان اهل قلم در تدوین کتابهای خویش از اینجانب کمک گرفته‌اند که در ابتدا یا انتهای کتابشان به این مسئله اشاره کرده‌اند مثل کتاب: «سیمای شهرضا» و کتاب: «مجالس توحید فطری». ویرایش و مقابله مطالب برخی از نشریات مثل نشریه اطلاع رسانی معارف ویژه اساتید دروس معارف اسلامی دانشگاههای کشور و ره توشه تبلیغ، ویژه ماه مبارک رمضان سال ۱۴۲۷ که توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم منتشر گردیده است را عهده دار بوده‌ام.

در برخی مساجد شهرضا امامت جماعت و وعظ و سخنرانی داشته ام مثل مسجد امیرالمؤمنین (ع)، مسجد الرسول (ص)، مسجد نو و ... در سعادت آباد جرقویه و عباس آباد پاکدشت نیز فعالیت تبلیغی و در جبهه های جنگ به عنوان نیروی رزمی تبلیغی حضور داشته ام. امیدوارم خداوند رحمان و رحیم از همگی قبول بفرماید آمین رب العالمین. در پایان، موفقیت و سرافرازی همه عزیزان و بزرگواران علم و قلم را از خداوند قلم به دستان، همان خدائی که به قلم ارزش داده و به آن سوگند یاد کرده است خواهان و خواستارم. و السلام

میقانی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا میقانی

محل تولد: شاهرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۵/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضا میقانی از سال ۱۳۵۰ وارد حوزه مقدسه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی که در آن دوران اولین مدرسه به سبک روز و استاندارد بود مشغول تحصیل گردیدم و در سال ۵۶ به مدت شش ماه در درس مرحوم استاد مطهری ره شرکت کردم ایشان در حوزه امتحان از سطح برای طلاب گذاشتند و در آن موفق شدم و ممتاز گردیدم بنا داشتند گروه های تحقیق در حوزه ایجاد نمایند که انقلاب اسلامی شروع و دیگر به قم تشریف نیاوردند و در همان سال ها از محضر دکتر مفتاح در فلسفه و سید کاظم حائری که کتب شهید صدر را تدریس می کردند بهره ها بردم و از سال ۵۸ در درس خارج استاد وحید خراسانی و تبریزی و لنکرانی شرکت کردم و حدود ۲۰ سال از خرمن پر فیض فقهای بزرگ استفاده کردم و در ضمن تحصیل در سال ۵۴ به حوزه تبلیغ وارد شدم و تا کنون به اکثر استان های کشور برای ترویج مکتب اهل بیت سفر داشته ام و در سال ۵۹ وارد موسسه در راه حق وارد شدم و پس از سه سال آموزش به کارهای پژوهشی پرداختم و در خدمت استاد مصباح سالیان طولانی استفاده کردم از جمله کارهای پژوهشی معجم موضوعی قرآن بود که چند صد هزار فیش برداری گردید. و از آن تحقیقات اکنون یکی دو جلد در زمینه اسماء و صفات و معاد و برزخ به زیور چاپ آراسته شده است و مقالات فراوان در زمینه قرآن پژوهی در اطراف کتاب فصل الخطاب حاجی نوری انجام دادیم.

و در همان سال ها چند سال در کنفرانس های دار القرآن مرحوم آیت الله گلپایگانی در محضر استاد سبحانی بوده و نتیجه آن کتاب روش اهل بیت در تفسیر قرآن است که دار القرآن چاپ کرده و در مدارس علمیه حجتیه و مومنیه و معصومیه تدریس داشته ام. حدود ۱۵ سال هم به زائران خانه معبود به عنوان روحانی کاروان اداء وظیفه می کنم. و در جهت خدمت به طلاب وظیفه نمایندگی طلاب شهرستان شاهرود را به عهده داردم.

ناصری دولت آبادی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حضرت آیت الله حاج شیخ محمد ناصری دولت آبادی، به سال هزار و سیصد و نه هجری شمسی، در شهر دولت آباد برخوار واقع در ده کیلومتری شهر اصفهان، در خانواده‌ای که سهمی بسزا از زهد و تقوا و دانش دینی تحصیل کرده بود؛ به دنیا آمد. پدر ایشان، زاهد متقی حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد باقر ناصری نام داشت، که خود در شمار عالمان فرهیخته آن دوران بود؛ و محضر دانشیان گرانسنگی همچون علامه آخوند کاشی و نیز جهانگیرخان قشقائی را به خوبی دریافته بود، و در شمار یاران و تلامذ مورد عنایت خاص علامه مرحوم حاج آقارحیم ارباب نیز قرار داشت ایشان به هنگام آمدن این فرزند، او را «محمدعلی» خواند، و او بعدها به نام «محمد» شهره شد. محمد هنوز در دوران خردی به سر می‌برد، که پدر به اشاره مرحوم علامه ارباب راهی نجف اشرف شد؛ تا خدمت فقیهان و عارفان بزرگ آن دیار همچون آیت الله آقامیرزا عبدالهادی شیرازی و آیت الله سید محمود شاهرودی و آیه الله آقا سید جمال الدین گلپایگانی را دریابد. بعد از مهاجرت پدر به نجف اشرف، حضرت آیه الله ناصری تحصیل را در همان دوران خردی آغازید. این دوران با حضور در مکتب خانه‌ای در دولت آباد آغاز، و بعد از یکی دو سال با ورود به حوزه علمیه اصفهان و تحصیل علوم ادبی رائج در آن حوزه، ادامه یافت. در این دوران که ایشان هنوز در دوران نوجوانی به سر می‌بردند، لطف امیرمؤمنان شامل حالشان می‌شود، و استاد به همراه پدر و خانواده به نجف اشرف کوچ می‌کند. ایشان در این زمان چهارده سالی بیشتر نداشته‌اند. اگر چه در نجف اشرف مشکلات و فقر و کمبود امکانات اولیه این خانواده پنج نفره را در سختی بسیار قرار می‌دهد، اما خاطرات شیرین استاد از آن دوران، نشان دهنده روحیه علم و معرفت جوی ایشان در همان آغازین دوران ورود ایشان به نجف اشرف می‌باشد. این دوران دوسالی بیشتر به طول نمی‌انجامد؛ چه در این هنگام مادر رخت از این دنیای گذران به دار دیگر می‌کشد؛ و سعادت او را، که علیرغم غربتی که در آن شهر مقدس داشت، در قبری در صحن مطهر علوی که فاصله چندانی تا روضه منوره نداشت، برای همیشه آرام می‌گیرد. یک سالی پس از آن، خانواده پدر به ایران باز می‌گردد، و ایشان را در سن هفده سالگی برای ادامه تحصیل در نجف اشرف تنها می‌گذارد. این دوران، با رخت کشیدن ایشان به مدرسه صدر نجف آغاز؛ و فصلی جدید در زندگی ایشان آغاز می‌شود. پدر پیش از جدائی از فرزند، او را نخست به امیرمؤمنان و زان پس به مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین دهاقانی که در شمار اعلام و اوتاد آن شهر مقدس بود، می‌سپارد؛ والحق که آن فقیه عارف فرزانه نیز در تربیت این جوان از هیچ دقیقه‌ای فروگذار نمی‌کند. در این دوران، ایشان گذشته از شرکت در دروس علمی نجف اشرف، با شماری از اهل معانی این شهر مقدس همچون مرحوم حضرت حاج شیخ محمد کوفی نیز آشنا، و در طریق معرفت ائمه هدی دست به دامن آنان می‌زنند. ایشان در این دوران، بخشی از علوم ادبی، حاشیه ملاعبده الله، معالم الاصول و قسمتی از شرح لمعه را، نزد مرحوم علامه آیت الله مدرس افغانی فرا می‌گیرد. ادامه شرح لمعه را از محضر آیت الله شیخ مجتبی لنکرانی، مکاسب را از محضر آیت الله حاج سید عبدالاعلی سبزواری، رسائل را از محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم کرونی اصفهانی که بعدها به دامادی ایشان نیز سرافراز می‌شود، کفایه را از محضر آیت الله حاج شیخ محمد حسین دهاقانی، و برای دومین مرتبه باز در محضر آیت الله شیخ صدرا بادکوبه‌ای، خارج مکاسب محرمه را از محضر آیت الله میرزا هاشم آملی، بحث خارج صلاة آیات را از محضر آیت الله سید عبدالهادی شیرازی، و خارج بیع و خیارات را از محضر مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی استفاده می‌کند. گذشته از این، در شماری دیگر از دروس همچون بحث خارج کتاب الحج آیت الله حاج سید محمود شاهرودی نیز شرکت، و یک دوره کامل اصول

فقه را از محضر آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی فرا می‌گیرد. در این دوران، با مرحوم آیت‌الله حاج سید جواد آل‌علی که در شمار علمای کشور کویت قرار داشتند، مجالس علمی مرتبی برقرار می‌نمودند، و بخش عمده این دروس را با هم مباحثه می‌کردند. ایشان در سراسر این دوران، محضر اخلاقی/عرفانی زاهد و عارف نامدار مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد کشمیری فرزند عارف بزرگ آیت‌الله سید مرتضی کشمیری را سخت غنیمت شمردند، و بسیار از محضر او آموختند و به عمل درآوردند. گذشته از ایشان، با بزرگان دیگری همچون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباس قوچانی وصی مرحوم علامه قاضی نیز آشنا و به درک محضر آنان می‌پرداختند. در این شماراست مرحوم حضرت آقا سید هاشم حدّاد، که حضرت آیت‌الله ناصر گزیده از استفاده از تعالیم ایشان، با شماری از یاران ایشان همچون مرحوم علامه طباطبائی و حاج عبدالزهراء گرعاوی نیز بواسطه همین مجالس آشنا می‌شوند. در همین دوران با مرحوم عارف بزرگ جناب حاج آقا اسماعیل دولابی نیز آشنا می‌شوند، و این آشنائی تا پایان عمر آن فقید سعید ادامه داشت. ایشان، هر از چندی که به اصفهان می‌آمدند به دیدار این دوست قدیمی نیز می‌شتافتند و در منزل از ایشان دیدار می‌کردند. عارف گمنام مولوی قندهاری که الحق سراسر عمر را به توجّه و مراقبه گذرانید نیز در شمار یاران ایشان قرار داشت. میان این دو بزرگمرد، عقد اخوتی بسته شده بود، و از همین رو تا پایان عمر جناب مولوی، این دو هرگز یکدیگر را فراموش نکردند. حضرت آیت‌الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی نیز در همین شمار قرار داشت، که دوستی دیرینی میان این دو در دوران اقامت در نجف اشرف برقرار بود. حضرت آیت‌الله ناصر پس از آنکه به امر استادشان مرحوم آیت‌الله کشمیری به اصفهان بازگشت، گذشته از مجالس تدریس فقه و اصول و تفسیری که سالیانی دراز در حوزه علمیه این شهر اقامه نمود و تا کنون نیز ادامه دارد، به تربیت نفوس مستعدّ و طالب معارف الهی نیز همت گماشت. گذشته از جلسات درس اخلاق ایشان که در شماری از مدارس علمیه این شهر برگزار می‌شود، نماز جماعت و مجالس وعظ و تذکیر ایشان که در مسجد کمرزین اصفهان برپاست، در میان عاشقان اهل بیت و طالبان معرفت الله از شهرتی بسزا برخوردار است. امید می‌بریم که خداوند وجود مبارک و شریف آن استاد فرزانه را پایدار دارد، و از تمامی مکروهات مصون نماید.

ناصری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی ناصری

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۷/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در روستای «مژده» از توابع شهر رشت در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. تحصیلات دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در محل تولد گذراند و تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۶۱ از مدرسه علمیه امام صادق (ع) رشت

آغاز و تا سال ۱۳۷۶ در حوزه علمیه مشهد مقدس دنبال نمود. در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شد و طی ده سال در حوزه علمیه مشهد و قم در دروس خارج فقه و اصول از محضر اساتید معزز و آیات عظام: «مرتضوی»، «فلسفی»، «رضازاده»، «میزرا جواد تبریزی»، «معرفت» و «سبحانی» بهره جست.

وی تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی در رشته «علوم قرآن و حدیث و ادیان و عرفان» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه فردوسی مشهد دنبال نمود. و در سال ۱۳۷۸ در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی جایگاه هنر در کتاب و سنت» و در سال ۱۳۸۲ در همین دانشکده از رساله دکترای خود با عنوان «بررسی مکتب تفسیری صدرالمآلهین» دفاع نمود. وی در طی این سال‌ها در کنار تدریس، در زمینه‌های تحقیق، مدیریت پژوهش، ارائه طرح‌های آموزشی و پژوهشی فعالیت داشته است. در ادامه نمایه فعالیت‌های ایشان در زمینه‌های فوق منعکس شده است.

ناطق، غلامحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلام حسین ناطقی

محل تولد: بامیان

شهرت

تابعیت: افغانستان

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلام حسین ناطقی تبعه افغانستان در سال ۱۳۵۴ شمسی در خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم و پس از دوران کودکی به دلیل تعطیل بودن مدارس دولتی به خاطر انقلاب به مکتب خانه رفتم و در مدت ۴ - ۵ ماه حضور در آن، افزون بر آموزش روخوانی قرآن کریم، بر خواندن متون فارسی نیز تسلط پیدا کردم به گونه ای که به راحتی می توانستم هر متن فارسی را بخوانم به همین دلیل مورد تشویق معلم و بستگان به ویژه خانواده ام قرار گرفتم و آنان تشویق نمودند که طلبه بشوم ولی به خاطر تعطیل بودن مدرسه علمیه ای که در محل سکونت ما بود و نیز کم بودن سنم که مانع رفتنم در جای دیگر می شد؛ چند سالی نتوانستم به مدرسه علمیه بروم.

در سال ۶۸ شمسی مدرسه علمیه «محمدیه» در نزدیک محل منطقه سکونت ما احیاء شد و من از فرصت استفاده نموده و به این مدرسه رفتم و به آموزش صرف و برخی از کتابهای جامع المقدمات مثل: (عوامل فی النحو و ملامحسن) مشغول شدم ولی به دلیل نبود امکانات به ویژه در دسترس نبودن استاد، اکثر ایام این مدرسه تعطیل بود. لذا در سال ۱۳۶۹ تصمیم گرفتم که به مدرسه علمیه «بلخاب» بروم و در آنجا ادامه تحصیل بدهم. پس از مسافرت به این مدرسه و مدتی تحصیل دریافتم که متأسفانه وضعیت این مدرسه نیز بهتر از مدرسه محل سکونت من نیست لذا بر آن شدم که به جمهوری اسلامی ایران بروم و در حوزه علمیه قم به فراگیری علوم اسلامی بپردازم.

به همین منظور در اواخر پاییز ۱۳۷۰ شمسی عازم جمهوری اسلامی ایران شده و پس از ورود به جمهوری اسلامی ایران و حضور در مرقد مطهر ثامن الائمه حضرت امام رضا به قم آمده و در حوزه علمیه مشغول تحصیل شدم. مدت دو سال به صورت آزاد درس

خواندم و در سال ۱۳۷۳ در آزمون پذیرشی مرکز جهانی علوم اسلامی شرکت کرده و پذیرفته شدم. پس از قبولی در این مرکز، مدت دو سال به همان شیوه سنتی (یعنی تمرکز دوره فقه و اصول) تنها و غافل از سایر علوم مورد نیاز یک روحانی و مبلغ تعالیم عالیه اسلام، ادامه تحصیل دادم ولی به این نتیجه رسیدم که این شیوه کارآیی کمتری دارد و نمی‌تواند پاسخگوی تمام نیازهای جامعه امروزی مسلمانان بوده باشد.

لذا در سال ۱۳۷۵ با توجه به سامان یابی آموزشی مرکز جهانی علوم اسلامی و هدایت بخشی از طلاب به مدارس علمیه، به مدرسه علمیه مومنیه رفته و سطح دوم حوزه را تا سال ۱۳۷۸ به پایان رساندم. در همین سال آزمون کارشناسی ارشد در رشته «علوم قرآن و حدیث» از سوی مرکز جهانی برگزار شد و در آن شرکت کرده و پذیرفته شدم. پس از این، به مدرسه عالی امام خمینی انتقال یافتم و در آنجا ادامه تحصیل دادم و سطح سه را در این مدرسه به پایان رسانده و در سال ۱۳۸۴ از پایان نامه خود تحت عنوان: «بررسی آرای شرق شناسان پیرامون گزارشات تاریخی قرآن» با درجه عالی دفاع نمودم و اکنون در سطح چهار حوزه مشغول به تحصیل می‌باشم.

ضمن اشتغال در دروس حوزه، در امتحانات دروس کلاسیک شرکت و به صورت جهشی امتحان داده و دیپلم خود را در رشته معارف اسلامی گرفتم. مدتی است که دست به قلم نیز هستم و در برخی از همایش های علمی پژوهشی شرکت کرده ام از جمله: اولین همایش ملی پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه که مقاله «واقع نمایی زبان قرآن در گزاره ها تاریخی» را ارائه دادم و از مقالات برتر شناخته شد و حق ارائه یافتم و آن را در کمیسیون تخصصی «قرآن و جامعه شناسی» ارائه و به سوالات اساتید پیرامون آن پاسخ دادم.

نبوی، ابوالفضل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله آقای حاج سید ابوالفضل بن العالم الجلیل السید علی نبوی حسینی قمی از علماء اعلام و مجتهدین کرام و مصنفین عظام و ناطقین و گویندگان عالی مقام حوزه علمیه و شهرستان قم است که در ۲۴ رجب سال ۱۳۴۴ قمری هجری در قم متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید در شهریور ۱۳۲۰ شمسی وارد تحصیل علوم دینی گردیده و پس از طی دوره مقدمات به آموختن سطوح پرداخته و به ترتیب در محاضر اساتید معظم مرحوم آقا شیخ یوسف شاهرودی و آیت الله فاضل لنکرانی و مرحوم آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی و حاج شیخ محمدعلی کرمانی و آیت الله داماد به تحصیل فقه و اصول پرداخته هیئت و نجوم را در محضر مرحوم آقای شیخ علی حکمی و آیت الله معاصر علامه طباطبائی و علم درایه و رجال را در محضر علامه معاصر آیت الله العظمی مرعشی نجفی مدظله آموخته آنگاه به تحصیل خارج پرداخته چندین سال به درس مرحوم آیت الله حجت و آیت الله صدر و آیت الله حاج سید محمدتقی خونساری حاضر گردیده و از ناحیه اخیر موفق به تصدیق اجتهاد شده که همین تصدیق اجتهاد را بعدا که مدتی در نجف اشرف در محضر مرحوم آیت الله حاج سید عبدالهادی شیرازی بودند معظم له با حاشیه خود تایید و تصویب فرمودند.

پس از ورود مرحوم آیت الله العظمی بروجردی مرتبا بدون وقفه تمام مباحث فقهی و اصولی آن مرحوم را استفاده کرده و مجموع آنها را در هفت مجلد از فقه و اصول تقریر فرموده و آن مرحوم اکثر آنها را شخصا مطالعه کرده و ایشان را با اعطاء جایزه مفتخر

فرمودند.

ده سال مرتباً در محضر درس مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی اراکی حاضر شده و چهار جلد اصول ایشان را تقریر نموده و همه آماده طبع می‌باشد. در تمام این اوقات مباحث فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید را تدریس می‌نمودند که برخی از همان مباحث را به طبع رسانیده‌اند.

تالیفات ایشان: فهرست مجموع تالیفات معظم له ۷۰ عدد می‌باشد که در آخر کتاب (غالیه الدرر فی مصب قاعده الضرر) مطبوع سنه ۱۳۸۵ قمری درج گردیده است.

و تالیفات مطبوعه ایشان از این قرار است:

۱- کمونیزم از نظر عقل و اسلام مطبوع ۱۳۳۲ شمسی.

۲- لالی منثور در تفسیر سوره طور مطبوع ۱۳۳۵ شمسی ۳- غالیه الدرر مطبوع سنه ۱۳۸۵ قمری.

۴- امراء هستی مطبوع ۱۳۴۵ شمسی ۵- درس سخنوری در ماه رمضان ۶- درس سخنوری در ماه محرم ۷- درس سخنوری در ماه صفر مجموعاً در سنه ۱۳۵۰ شمسی طبع شده ۸- کشف الارتیاب فی ادله الحجاب.

۹- اشعاه‌ای از سوره نجم ۱۰- جلاء القران در رد کتاب اعجاز القرآن تالیف یدالله نیازمند شیرازی.

این سه کتاب اخیر مجموعه مقالاتی است که در مجلات و جرائد: آئین اسلام، مجله مسلمین، روح آزادی، ندای حق، قبلا به چاپ رسیده است.

و آنچه آماده طبع است به قرار زیر است:

۱- حواشی بر عروه از کتاب طهارت تا آخر صوم.

۲- حواشی بر مکاسب شیخ ۳- ۹ هفت مجلد در تقریر محاضرات علامه بروجردی ۱۰- ۱۳ چهار جلد در تقریر محاضرات آیت‌الله شیخ عبدالنبی اراکی ۱۴- حواشی بر منظومه سبزواری در حکمت ۱۵- حواشی بر رساله عسر و حرج آشتیانی ۱۶- حلیه الوسمه در حقیقت عصمت ۱۷- حقوق زن و مرد در اسلام ۱۸- بدرالدجی در شرایط الدعاء ۱۹- اضائه السراج در اثبات معراج. ۲۰- ارغام المبارز در اثبات المعاجز ۲۱- رساله در عدم توقف حجیه خبر الواحد بر حصول الظن ۲۲- نورالافاق در مباحث اخلاق ۲۳- شرع موبد در خاتمیه محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۲۴- اسرار العوالم مصاحبه موسی علیه السلام مع العالم ۲۵- رساله در اعتراف اعداء بعظمه الاسلام ۲۶- رساله در اعتراف مخالفین بفضائل علی علیه السلام ۲۷- فیض الرحمن فی علوم المكتسبه من القرآن ۲۸- جامع الانوار اثبات توحید ۲۹- مقصد الابرار در اثبات الامامه ۳۰- مخزن الاسرار در اثبات النبوه ۳۱- مرتع الافکار در تفسیر انا انزلنا. ۳۲- معدن الاثار در ضبط حکم والاخبار ۳۳- حواشی بر بعضی کتب سنگلجی ۳۴- حیاة الفواد در اثبات المعاد ۳۵- تفسیر سوره فجر ۳۶- تفسیر سوره والضحی ۳۷- تفسیر سوره لا اقسام بهذا البلد ۳۸- تفسیر سوره والعصر ۳۹- تفسیر سوره والتین ۴۰- تفسیر سوره یوسف ۴۱-۴۷ در فلسفه احکام عبادات و معاملات ۴۸- دیوان اشعار عربی و فارسی ۴۹- صحو المعلوم در رد کتاب محو الموهوم سنگلجی ۵۰- کمال الایمان در اثبات وجود صاحب الزمان (عج) ۵۰- ۵۷ در ۷ جلد ضبط مجالس تبلیغی که در نقاط مختلف ایراد نموده‌اند.

۵۸- لب اللباب در حکم معاشره اهل الکتاب ۵۹- مقالات النبویه در رد بعضی شبهات الدینییه ۶۰- معراج پیغمبر اسلام از جنبه عقل و نقل که آماده طبع می‌باشد.

استاد نبوی اکنون در حوزه علمیه تدریس خارج فقه و اصول دارند و در ایام تعطیل محرم و صفر و ماه رمضان در مسجد حسین آباد شمیران تهران اقامه جماعت نموده و از بیانات خود در منبر افاضات تبلیغی و مواعظ سودمند و نکات جذاب، منابرشان همواره برای طلاب و سخنران درس سخنوری بوده و می‌باشد.

خداوند امثال ایشان را برای حوزه‌های علمی و مسلمین باقی داشته و موید بدارد .
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نجار زادگان، فتح الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فتح الله نجار زادگان

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۷ در شهر اصفهان به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شد. در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه اصفهان رفت و تا سال ۱۳۶۴ دروس مقدمات، اصول، شرح لمعه و متون دیگر عمومی را خواند. در این سال با ورود به حوزه علمیه قم و شروع رسائل و مکاسب از واحد آموزش عالی دفتر تبلیغات، لیسانس گرفت و سپس به تربیت مدرس دانشگاه قم راه یافت و همزمان با دروس حوزه در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته «الهیات و معارف اسلامی» شد. در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه تهران در رشته «علوم قرآن و حدیث»، مقطع دکتری و در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در رشته «فقه و اصول» در همان مقطع، پذیرفته شد اما به دلیل علاقه به رشته علوم قرآن به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۳۷۸ رساله خود را دفاع کرد. در طی این مدت به دروس حوزوی نیز کم و بیش مشغول بود. آنگاه در سال ۱۳۷۹ در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی از گروه‌های دانشکده الهیات است، به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که هم اکنون نیز ادامه دارد.

تدریس در موضوعات: اصول، فلسفه، علوم قرآن، حدیث، تفسیر (به ویژه تفسیر تطبیقی) در حوزه و نیز تدریس علوم قرآنی، حدیث و تفسیر در دانشکده اصول الدین و مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی و تدریس اخلاق، متون اسلامی، معارف در دانشگاهها بخشی از فعالیتهای علمی ایشان محسوب می شود که هم اکنون نیز ادامه دارد. مدتی با پژوهشکده حوزه و دانشگاه و نیز شورای برنامه ریزی مرکز جهانی همکاری داشته و هم اکنون نیز در رتبه دانشیاری با پایه ۱۲ عضو گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران می باشد.

نجار شوشتری، محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۴۱ / ۱۱۴۰ ق)، عالم دینی، محدث، مفسر، واعظ و خطیب. بنا به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی از «تذکره‌ی عبداللّه جزایری» او از شاگردان جد صاحب تذکره، سید نعمه‌اللّه جزایری است و از وی روایت نموده است. نجار در طلب علم به اصفهان و مشهد مسافرت کرد و نزد ملا عبدالرحیم جامی و دیگران تلمذ نمود. و آثارش: «مجمع التفاسیر»، مشهور به «تفسیر ابن النجار» که از تفاسیر بزرگ قرآن است، رساله‌ای در «سیرالملوک»، به فارسی؛ جمع بین متن «الاستبصار» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «کشف الاسرار»، و همچنین جمع بین متن «التهدیب» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «غایه المرام»؛ تدوین «عقود المرجان فی حواشی القرآن» استادش، سید نعمت‌اللّه جزایری، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۹ / ۱۰)، الذریعه (۲۴ / ۲۰، ۱۷ / ۱۸، ۱۹، ۱۸- / ۱۶، ۳۰۵ / ۱۵، ۲۴۹ / ۴)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۰۷- / ۷۰۶، ۱۲ / ۶۷-۶۶ / ۱۱).

نجارزادگان، فتح الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجّه الاسلام دکتر فتح الله نجار زادگان در سال ۱۳۳۷ ش. در شهر اصفهان به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در رشته علوم قرآن و حدیث مقطع تا مقطع دکتری ادامه داد و توأم با تحصیل در رشته مذکور تحصیلات حوزوی را نیز کم بیش ادامه داد. فتح الله نجار زادگان در سال ۱۳۷۹ در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی از گروه‌های دانشکده الهیات است به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که این همکاری هم اکنون نیز ادامه دارد. کتاب "سلامه القرآن من التحریف" تالیف فتح الله نجار زادگان، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم قرآنی تحصیلات رسمی و حرفه ای: فتح الله نجار زادگان در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شد. در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه اصفهان رفت و تا سال ۱۳۶۴ دروس مقدمات و اصول و شرح لمعه و متون دیگر عمومی را خواند. در این سال با ورود به حوزه علمیه قم و شروع رسائل و مکاسب از واحد آموزش عالی دفتر تبلیغات، لیسانس گرفت و سپس به تربیت مدرس دانشگاه قم راه یافت و همزمان با دروس حوزه در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی شد. در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه تهران در رشته علوم قرآن و حدیث مقطع دکتری و در دانشگاه امام صادق (ع) در رشته فقه و اصول در همان مقطع پذیرفته شد اما به دلیل علاقه به رشته علوم قرآنی به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۳۷۸ رساله خود را دفاع کرد و در طی این مدت دروس حوزوی را نیز کم و بیش ادامه داد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فتح الله نجار زادگان در سال ۱۳۷۹ در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی از گروه‌های دانشکده الهیات است به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که این همکاری هم اکنون نیز ادامه دارد. فعالیتهای آموزشی: فعالیت های آموزشی فتح الله نجار زادگان به قرار زیر است: تدریس در موضوعات اصول، فقه، فلسفه، و حدیث در حوزه علمیه و نیز تدریس علوم قرآنی، حدیث و تفسیر در دانشکده اصول الدین و مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی بخشی از فعالیت های ایشان محسوب می شود. ۱. تدریس و پژوهش / مرکز جهانی علوم اسلامی / ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳ ۲. عضو شورای علمی گروه علوم قرآن / پژوهشکده حوزه و دانشگاه / ۱۳۷۹ - ۱۳۸۲ ۳. تدریس و پژوهش / دانشگاه تهران / ۱۳۷۸ ادامه دارد ۴. عضو هیئت مدیره مجمع احیاء فرهنگ اسلامی / پژوهش و برنامه ریزی / ۱۳۸۰ ادامه دارد. جوایز و نشانها: کتاب "سلامه القرآن من التحریف

"تالیف فتح الله نجار زادگان، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: فتح الله نجار زادگان بیش از ۲۱ مقاله در زمینه رشته تخصصی خود دارد.

آثار: ۱ التوسل و التبرک و الصلح مع العدو الصهيونی فی رسالتین بین واعظ زاده و بن باز ویژگی اثر: نشر مشعر/ ۱۳۸۳ ۲ پژوهش نامه در س اخلاق و تربیت اسلامی دانشگاهها ویژگی اثر: مرکز برنامه ریزی و تدوین متون درسی/ ۱۳۸۳ ۳ تحریف ناپذیری قرآن ویژگی اثر: مرکز تحقیقات حج با همکاری مرکز مطالعات فرهنگی حوزه علمیه قم/ ۱۳۸۴ ۴ تراث الشیعه القرآن ج ۱ ویژگی اثر: یکی از مدیران علمی طرح / ۱۳۸۴۵ تراث الشیعه القرآن ج ۲ ویژگی اثر: یکی از مدیران علمی طرح / ۱۳۸۵۶ تفسیر تطبیقی (بررسی تطبیقی مبانی و معارفی از آیات در دیدگاه فریقین) ویژگی اثر: مرکز جهانی علوم اسلامی/ ۱۳۸۳ ۷ درسنامه متون اسلامی ویژگی اثر: مجمع احیای فرهنگ اسلامی/ ۱۳۸۳ ۸ سلامه القرآن من التحریف ویژگی اثر: تهران، چاپ اول ۱۳۷۸، چاپ دوم با اضافات فراوان/ ۱۳۸۲ / کتاب سال جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۳ و رتبه نخست دوازدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن ۱۳۸۳. آشنایی با کتاب: سلامه القرآن من التحریف و تفنید الافتراءات علی الشیعه الامامیه سلامه القرآن من التحریف و تفنید الافتراءات علی الشیعه الامامیه/ فتح الله المحمدی (نजारزادگان). - تهران: مشعر، ۱۳۸۲. ۷۵۸ ص. کتابنامه ۱. قرآن - تحریف ۲. قرآن - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها ۳. شیعه - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها اهمیت قرآن کریم به عنوان یکی از دو ثقل اکبر بازمانده از آورنده عظیم الشأن آن و نقش بارز و محوری این کتاب کریم الهی در ایجاد و ابقا اتحاد امت مسلمان از مسائل بارز و قابل توجه در خصوص این متن و حیانی الهی است. به اعتقاد عموم مسلمانان قرآن از هر گونه تحریف و تغییر مصون بوده، دست تحولات و تغییران زمان را به دامن مطهر آن راهی نیست و این تحقق وعده الهی است، چنان که به صراحت در متن قرآن کریم ذکر شده است. یکی از اتهاماتی که به ناروا بر شیعه وارد شده و گاه بر آن اصرار شده است، اتهام اعتقاد به تعریف قرآن است که این امر بویژه در کتابی با عنوان اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه تألیف ناصر علی قفاری بتفصیل مورد بحث قرار گرفته است. مؤلف با عنایت به این کتاب و برخی کتب دیگر که قبل از آن تألیف شده و در آنها این اتهام به شیعه مطرح گردیده است، اقدام به تألیف کتاب سلامه القرآن من التحریف نموده است. کتاب در دو بخش اصلی تنظیم شده است: بخش اول به مسأله سلامت قرآن از تحریف در نظر فریقین، با قطع نظر از آراء و افتراءات برخی افراد، پرداخته است. در بخش دوم به مسأله اتهاماتی که در خصوص تحریف قرآن بر شیعه وارد شده پرداخته شده است. بررسی ادله مصونیت قرآن از تحریف از نظر شیعه امامیه، بررسی روایات تحریف قرآن در کتب شیعه، بررسی کتاب فصل الخطاب محدث نوری، شهادت علمای امامیه به مصونیت قرآن از تحریف، بررسی احادیث تحریف قرآن در کتب اهل سنت، و پاسخگویی به شبهات دکتر ناصر بن علی قفاری در کتاب اصول مذهب الشیعه، احسان الهی ظهیر در کتاب الشیعه والقرآن و محمد مال الله در کتاب الشیعه و تحریف القرآن، از مهم ترین مباحث کتاب است. ۹ مصاف بی پایان با شیطان ویژگی اثر: قم بوستان کتاب/ چاپ اول ۷۹ - چاپ دوم ۱۳۸۲۱۰ معانی بیان الفاظ القرآن ویژگی اثر: تحقیق نسخه خطی/ ۱۳۸۴ ۱۱ ویژگی های امام علی ترجمه خصائص امام علی(ع) ویژگی اثر: ترجمه/ بوستان کتاب / ۱۳۸۲ / کتاب سال حوزه علمیه در سال ۱۳۸۳ در بخش ترجمه منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

نجفی اصفهانی مجدالدین، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۸۶.

درگذشت: ۱۳۶۱.

از آثار اوست: الیواقیت الحسان فی تفسیر سوره الرحمن، المختار من القوائد و الاشعار (تفسیر سوره رحمان همراه با اشعار عربی؛ ۱۳۶۷).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

نجفی کاشانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۳۰۰ (۱۱ شعبان ۱۳۳۹ ق.)، محله محترم کاشان.

درگذشت: ۲۳ مرداد ۲۳۵۶، کاشان.

آیت‌الله علی نجفی کاشانی، فرزند آیت‌الله مهدی نجفی از علمای کاشان، در بیست و دو سالگی برای کسب علم به نجف اشرف رفت. تمام دوره‌ی سطح و خارج خود را در مدت ده سال گذراند و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. اندکی از ورودش به نجف نگذشته بود که در کنار کسب علم و تحصیل، به تدریس علوم حوزوی نیز مشغول شد. پس از آن که مکاسب و کفایه را نزد آیت‌الله حسن یزدی به پایان رسانید، و در درس خارج مراجع نجف به ویژه از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله خویی بهره‌ها گرفت، پس از ده سال اقامت در نجف عازم ایران شد. پس از توقف کوتاهی در کاشان و مسافرتی به مشهد و اصفهان و بازگشت به کاشان، بار دیگر دو سالی راهی نجف شد و سپس به واسطه‌ی کسالت مزاج و حوادث دیگر به ایران بازگشت. بعد از ورود به ایران سه سالی در قم مشغول تدریس شد. وی در قم از مدرسین بلندپایه‌ی سطوح عالی حوزه بود و در «مدرسه‌ی بزرگ آخوند» حجره داشت و همان جا تدریس می‌کرد. اما به دلایلی به شهر خود بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس پرداخت. از همان آغاز ورودش به کاشان، علاوه بر تدریس خصوصی درس‌های حوزوی، تفسیر قرآن را به عنوان وظیفه اصلی خود قرار داد. در ابتدا، این جلسه‌ها به تفسیر موضوعی و بحث‌های پراکنده اخلاقی می‌گذشت اما بعد از چند مسافرت به مشهد مقدس، تصمیم گرفت که قرآن را از آغاز تا انجام تفسیر کند و در ضمن آن برای مردم به بحث‌های اخلاقی و اجتماعی و تفسیر موضوعی نیز بپردازد. این نوع تفسیر تا یک سال قبل از درگذشتن (یعنی تا سال ۱۳۶۴) ادامه داشت. در حدود این سی و چند سال دو مرتبه قرآن را از ابتدا تا انتها تفسیر کرد. دوره‌ی دوم تفسیری وی هیجده سال طول کشید. ایشان نه تنها در فقه، اصول، رجال، درایه، کلام، ادبیات، معانی بیان و تجرید و تفسیر متبحر بود، بلکه در علم هیئت و نجوم قدیم هم ید طولانی داشت و آنها را تدریس می‌کرد.

تألیفات و آثار آیت‌الله نجفی کاشانی به این شرح هستند: برداشتی از نماز؛ پیرامون شراب؛ لنگرهای زمین مولودی اندر خانه کعبه؛ بعث محمد (ص) و قرآن در بحران جاهلیت؛ زمان چیست و چگونه می‌گذرد؛ صدق؛ بزرگترین فضیلت؛ سرانجام کافر؛ یک خرق عادت شکفت یا معجزه‌ای بزرگ؛ اشتباه عمدی؛ افسانه‌ها یا کرامت‌های خیالی (سه جلد). اما نوشته‌هایی که از ایشان به طبع نرسیده است: فضایل ثلثه (سه رساله آماده چاپ در مورد سلمان، ابوذر، مقداد)؛ ملتقطات (یادداشت‌های پراکنده ایشان در نحو،

عروض، نجوم، فقه، اخلاق و عرفان و نیز نقد چند کتاب از نویسندگان معاصر و جواب سئوال‌هایی که از ایشان پیرامون مسائل مختلف مطرح می‌شده است؛ رساله‌ای در فضیلت نماز؛ رساله‌ای در فضیلت علم؛ رساله‌ای در فضل قرآن (قرآن چه کتابی است)؛ رساله‌ای در مورد امام زمان (ع)؛ رساله‌ای تحت عنوان حق کاوی؛ رساله‌ای تحت عنوان اینجا و آنجا؛ رساله‌ای تحت عنوان دین راست؛ آسان؛ هموار؛ تفسیر سوره کهف (به عربی)؛ تفسیر سوره مریم (به عربی)؛ تفسیر سوره طه (به عربی)؛ تفسیر سوره انبیاء (به عربی)؛ تفسیر سوره حج (به عربی)؛ تفسیر سوره عم (ناقص است)؛ دفتری مفصل مشتمل بر مجموعه‌ای از احادیث موضوع‌بندی شده که به ترتیب الفبا تنظیم شده است؛ حواشی و تعلیقات ایشان بر کتب روایی، کلامی، تفسیر، فقه و اصول و... از استاد همچنین نوارهای بسیاری در تفسیر سوره‌های قرآن به جا مانده است.

آیت‌الله نجفی کاشانی عصر روز پنجشنبه بیست و سوم مرداد ۱۳۵۶ مصادف با شب عرفه در کاشان فوت کرد.

(۱۴۰۷ - ۱۳۳۹ ق)، عالم دینی، مدرس و مفسر. در کاشان به دنیا آمد و تحت نظر پدرش، که از علمای کاشان بود، نشو و نما یافت. در ۱۳۶۱ ق به نجف رفت. «مکاسب» و «کفایه» را در محضر آیت‌الله میرزا حسن یزدی و خارج فقه و اصول را در محضر آیت‌الله خوئی آموخت و نیز از درس فقه آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی بهره گرفت و به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به ایران بازگشت و مدت سه سال در قم ساکن گردید و از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده نمود و خود به تدریس پرداخت. سرانجام به خواش مردم کاشان و به علت بیماری پدرش به کاشان رفت و در همان جا ساکن گردید و به تدریس و امامت جماعت و انجام امور دینی پرداخت و در آن شهر درگذشت. از آثارش: «لنگرهای زمین»؛ «برداشتی از نماز»؛ «مولودی اندرخانه‌ی کعبه»؛ «بعث محمد (ص) و قرآن در بحران جاهلیت»؛ «صدق بزرگترین فضیلت»؛ «افسانه‌ها یا کرامتهای خیالی»؛ «ملقطات»؛ تفسیر سوره‌های «کهف»، «مریم»، «طه»، «انبیاء»، «حج» و «عم یتسألون»؛ رساله‌ای در «فضیلت قرآن». [۱]

شیخ مهدی نجفی کاشانی از افاضل دانشمندان معاصر کاشانست. وی در تاریخ یازدهم شعبان ۱۳۳۹ ق در دارالمؤمنین کاشان محله محتشم متولد شده و در دامن مادر عفیفه و صالحه خود که نمونه‌ای از عفت و تقوا بود و ظل توجهات والد ماجدشان که عالم ربانی و آیت سبحانی بود پرورش یافته و در سال ۱۳۶۱ قمری برای تحصیل علوم دینی به نجف اشرف عزیمت نموده و علوم مقدماتی را نزد عده‌ای از فضلاء نجف که همه از اوتاد و ابرار و اختیار حوزه علمیه نجف بودند خوانده و سطوح عالی مانند مکاسب مرحوم شیخ و کفایه مرحوم آخوند را پیش مرحوم آیت‌الله آقا میرزا حسن یزدی به پایان رسانیده و سپس به درس خارج آیت‌الله العظمی خوئی مدظله حاضر شده و مقداری از اصول و فقه معظم له استفاده نموده و نیز از محضر درس فقه مرحوم آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حاج سید عبدالهادی شیرازی بهره‌مند شده و تا مدت ده سال با پشت کار فراوان و کوشش عجیب به درس و بحث و تدریس اشتغال داشته و به قول بعضی به اندازه سی سال در این ده سال زحمت کشیده و در تمام ایام حتی پنجشنبه و جمعه و روزهای تعطیلی دیگر مسامحه در کار درس و بحث ننموده تا پس از این مدت بر اثر خستگی زیاد و کسالت مزاج مجبور به مراجعت به ایران شده و به کاشان آمده و سفری به مشهد مقدس و بعد به اصفهان و آنگاه در کاشان تأمل و باز به نجف اشرف مسافرت و مدت دو سال توقف و از محضر بزرگان مراجع استفاده نموده تا اینکه به واسطه کسالت مزاج و حوادث دیگری به ایران آمده و مدت سه سال در قم مانده و از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده و در آن هنگام بر اثر ضعف فراوان و بیحالی و کسالت والدش با اصرار مردم کاشان به وطن برگشته و تا حال حاضر که سال ۱۳۹۵ قمریست به وظائف شرعی از اقامه جماعت و تدریس و جلسه‌های مختلف اشتغال دارند.

و ضمناً جزوه‌هایی در موضوعات متنوع نگاشته و به طبع رسانیده که ذیلاً می‌نگارم.

۱- پیروان شراب ۲- لنگرهای زمین ۳- علی بن ابیطالب در خانه خدا بدنیا آمد.

۵- بعثت محمد و قرآن در بحران جاهلیت ۵- زمان چیست و چگونه می‌گذرد.

۶- اشتباه عمدی ۷- صدق بزرگترین فضیلت ۸- سرانجام کافر ۹ و ۱۰ و ۱۱- یک سلسله افسانه‌ها یا کرامت‌های خیالی ۱۲- یک خرق عادت شگفت یا فضیلت و منقبتی بزرگ و تألیفات دیگر که هنوز به طبع نرسیده است. معظم له از همان اول ورود به کاشان شروع به بحث و تفسیر قرآن نموده که تاکنون ادامه دارد و هر شب گروهی از مؤمنین و بالخصوص عده‌ای از جوانان استفاده می‌کنند و نیز در جمعه‌ها جلسه تبلیغی وعظ و ارشاد منظم دارند. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۶، ص ۵۶، س ۴، ش ۶، ص ۳۴-۳۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۶-۲۷۵/۶).

نجفی یزدی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد نجفی یزدی

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در خانواده‌ای مؤمن و متوسط متولد شده و پدرم از روحانیون و علماء نجف اشرف بوده و خانواده‌ما (عموها، دو برادر و ...) از اهل علم می‌باشند. در همان سال‌های اولیه دوران دبیرستان برای مطالب دینی، عقاید و فقه بسیار حساس بودم و همواره به دنبال ادله تحقیقی مطالب بوده و کتاب‌های متعددی را مطالعه می‌کردم. همین نکته (به همراه عنایت و شوق الهی) مرا به حوزه علمیه و دروس دینی کشاند و در تهران مدرسه «آیت الله مجتهدی» (حفظه الله) مشغول شدم. حدود سه سال به فراگیری ادبیات و منطق پرداختم و سپس راهی حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح را نزد اساتید بزرگوار آنجا خواندم از جمله: «آیت الله استادی»، «اشتهاردی»، «محقق»، «خرازی»، «موسوی» و ...

سپس در سال ۶۰ یا ۶۱ به درس خارج «آیت الله وحید» و «آیت الله تبریزی» رفتم؛ پس از مدتی به عللی منحصر در درس «آیت الله تبریزی» را برگزیدم و فقه و اصول را نزد ایشان بیش از ۱۲ سال گذراندم. از همان سال‌های شروع بحث و درس در حوزه، به تدریس پرداختم و تا کنون نیز روزی چهار ساعت بحث دارم، حتی ایام تعطیل نیز برای عده‌ای از دوستان بحث‌های مختلفی دارم. عمده مباحث اینجانب در فقه و اصول است که عمده به بحث خارج فقه، مکاسب محرمة اختصاص دارد. البته چون اینجانب به عنوان هیئت علمی در مدرسه امام خمینی (قدس سره) به تدریس مشغول هستم و مقداری از وقت اینجانب آنجا صرف می‌شود.

نجفی، محمدصادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صادق نجفی

محل تولد : شبستر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صادق نجمی به سال ۱۳۱۵ شمسی در روستای هریس از توابع شبستر به دنیا آمدم. پدرم ثقة الاسلام حاج میرزا احمد آقا هریسی و چند تن از اجدادم از علما و روحانیون مورد اعتماد مردم بوده اند. مادرم از سادات کوه کمری است. پدر وی حاج میری آقا عموی آیت الله العظمی حجت (ره) می باشد. اینجانب تا حدود ۱۵ سالگی در همان روستا که دارای مردمی متدین می باشند رشد کرده ام. روستائی که در اثر فراوانی آب از طراوت و خرمی برخوردار است. مردم این روستا علاقه مند به مذهب و اهل بیت (ع) و پایبند به اصول اخلاقی می باشند و سابقه طولانی وجود خانواده های متعدد و بزرگی از سادات و روحانیون در این محل موجب شد تا آنان به دین علاقه مند شوند و از ایمان راسخ برخوردار گردند. مراجع و عالمان بزرگ و معروفی مانند آیت الله العظمی سید حسین کوه کمری (ره) و سید علی آقا پدر آیت الله العظمی حجت در این روستا متولد شدند و دوران کودکی خود را در این محل سپری کرده اند. دوران کودکی ام را در دامان چنین پدر و مادری و در چنین محیط مذهبی سپری کردم و شالوده فکری و اعتقادی من در چنین محیطی پی ریزی شد.

دوران تحصیل:

هشت نه ساله بودم که به مکتب خانه رفتم. تحصیل را با روخوانی قرآن شروع کردم و پس از آن با بخشی از ادبیات فارسی آشنا شدم. در آن روز در مکتب خانه های آذربایجان، گلستان سعدی، نصاب الصبیان، تاریخ و صاف، ابواب الجنان و تنبیه الغافلین و... آموزش داده می شد. در تدریس برخی از این کتابها علاوه بر فراگیری ادبیات فارسی، آموزش مسائل اخلاقی نیز مورد توجه بود. پس از این دوره، در نزد پدرم جامع المقدمات، سیوطی و شرح جامی را فرا گرفتم. تقریباً در پانزده سالگی پدرم مرا به مدرسه طالبیه تبریز برد و از آن زمان به بعد من هم به صف طالبان علوم دینی پیوستم. شوق فراوانی نسبت به تحصیل علوم دینی داشتم. پس از یک سال و چند ماه توقف در تبریز و تکمیل کردن درس هایی که نزد پدرم آغاز کرده بودم، سرانجام در اواخر تابستان سال ۱۳۳۲ شمسی - با این که از لحاظ تأمین معاش وضع مناسبی نداشتم - ره سپار حوزه علمیه قم شدم و با فضل خداوند در مدرسه فیضیه سکونت گزیدم. ورود اینجانب به قم، مصادف بود با ماه محرم سال ۱۳۷۲ قمری، چهار ماه پس از ورودم به قم، در ماه جمادی الاولی، حضرت آیت الله العظمی حجت رحلت کرد.

دوران تحصیل این جانب از این تاریخ تا سال ۱۳۵۹ شمسی، یعنی تقریباً سی سال ادامه داشت. در این مدت علاوه بر تحصیل و تدریس دروس متداول حوزه علمیه به تألیف و ترجمه کتاب های متعددی موفق شدم و هذا من فضل ربی. بیش ترین تحصیل این جانب در حوزه علمیه قم و بخشی دیگر در حوزه علمیه مشهد بود؛ زیرا تقریباً نه ماه پس از ورودم به قم که هوا رو به گرمی می رفت، والدینم به قصد زیارت مشهد، وارد قم شدند و من نیز به همراه آنان به مشهد مقدس عزیمت نمودم. در این سفر، پدرم مقدمات توقفم را در تعطیلات تابستانی در حوزه علمیه مشهد فراهم کرد و اجازه اقامتم را در یکی از حجره های مدرسه خیرات خان از متولی این مدرسه آقای دربندی دریافت نمود. این برنامه که مصادف با اولین ماه های ورود آیت الله العظمی میلانی از عراق به مشهد مقدس برای تعطیلات تابستانی بود، در سال های بعد هم برایم الگو شد و اکثر تعطیلات تابستانی را در مشهد مقدس

مشغول تحصیل و مطالعه می شدم. تألیف کتاب سیری در صحیحین از ثمرات این حوزه مقدس و از عنایات حضرت علی بن موسی الرضا(ع) می باشد.

در حوزه علمیه قم مدتی در مدرسه فیضیه و مدتی در مدرسه آیت الله العظمی آقای بروجردی (مدرسه خان) و مدتی نیز در مدرسه حجتیه اقامت داشتم. در مشهد مقدس نیز گاهی در مدرسه خیرات خان و گاهی در مدرسه میرزا جعفر - داخل صحن مطهر - اقامت داشتم. پس از انتشار جلد اول کتاب سیری در صحیحین چند ماه با اجازه آیت الله العظمی میلانی در مدرسه وی و در حجره مخصوص او اقامت داشتم. این در شرایطی بود که مطالعه و تألیف جلد دوم همین کتاب را پی گیری می کردم و عنایات خاص آن مرد بزرگ نیز تشویقی بر ادامه این تألیف بود و جلد اول همین کتاب را با تفسیر المیزان و المراجعات به عنوان جایزه به طلاب هدیه می داد.

تحصیلات من تنها در علوم حوزوی بود؛ اما با تلاش آیت الله شهید بهشتی یک کلاس آموزش زبان انگلیسی شبانه در دبیرستان دین و دانش قم تشکیل می شد و عده ای از طلاب که بنده هم جزء آنان بودم - با وجود محدودیت و عدم استقبال از این درس - در آن شرکت می نمودیم.

اساتید:

در دوران تحصیل از اساتید متعددی استفاده نمودم و از محضر بزرگانی بهره مند شدم که معروف ترین آنان به همراه دروسی که از آنان فرا گرفته ام، عبارتند از:

۱- قسمتی از مغنی را از شیخ علی اکبر اهری معروف به نحوی در تبریز فرا گرفته ام. وی در عین کهولت سن، دقایق و ظرایف مغنی را با تمام شوق و علاقه به شاگردان می فهماند.

۲- قسمتی از مطول را از درس شیخ ابوالفضل علمایی سرابی در قم و بخش دیگر آن را از شیخ عبد الله نورانی در مشهد مقدس استفاده کرده ام. شرح شمسیه را به طور خصوصی و به همراه آقای عمید زنجانی از مرحوم آقای صائینی زنجانی و شرح منظومه سبزواری را از مرحوم استاد شهید مفتاح فرا گرفتم. از درس فلسفه مرحوم شهید مطهری که در ایام تعطیلی در قم تدریس داشتند، و همچنین از درس فلسفه مرحوم آقای الهی برادر علامه طباطبائی نیز بهره گرفته ام. بخش مهم جلدین لمعه را از سید جواد خطیبی که در تدریس لمعه معروف بود و سابقه ای طولانی داشت، و بخش دیگر را از آقای جاج شیخ محمد حقی سرابی فرا گرفتم و قسمتی از ابواب این کتاب را که آن روز تدریس آن ها رایج نبود، با یکی از دوستانم مباحثه می کردم.

۳- بخش مهم مکاسب را از آیت الله مشکینی و بعضی از ابواب آن را از استاتید دیگر مانند آیه الله سبحانی فرا گرفتم. قوانین را از آیه الله موسوی اردبیلی و بخشی از رسائل را از آیه الله مشکینی و قسمتی دیگر را از آقای سبحانی و باب تعادل و تراجیح را از آیه الله احمدی میانجی آموختم. بخشی مهم کفایه الاصول را از آیه الله سلطانی و بخش دیگرش را از آقای مجاهدی فرا گرفتم.

در تفسیر ابتدا از آیه الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی و مدتی از تفسیر علامه طباطبائی، آیه الله مشکینی و آیه الله خزعلی بهره بردم. از حسن اتفاق استاد علامه حسن زاده آملی در بدو ورودشان به قم، مدتی در مدرسه حجتیه اقامت گزیدم. در این فرصت به ایشان ارادت پیدا کردم و بخشی از هیئت قدیم را از ایشان استفاده کردم و این موجب شد که پس از تعطیلی این درس با مباحثه هیئت فلاماریون با هیئت جدید نیز تا حدی آشنا شوم. در درس خارج فقه و اصول از اساتید متعددی مانند میلانی، شیخ مرتضی حائری، گلپایگانی، داماد و سایر بزرگان و اساتید بهره بردم. مدت بهره بری از برخی آنان طولانی و از بعضی دیگر نسبتاً کوتاه بوده است. مدت استفاده ام از درس امام(ره) خیلی کوتاه بوده؛ زیرا درست در شرایطی که آماده استفاده از درس آن زعیم عالی قدر می شدم، رژیم طاغوتی حوزه را از وجود وی محروم نمود.

دوستان و معاشران:

در طی دوران طولانی تحصیل طبعا دوستان و هم دوستان و هم درسان فراوانی داشتم که تعدادی را که با آنان معاشرت بیش تر و دوستی طولانی تری داشته ام، نام می برم:

برادران مجتهد شبستری، شیخ حسین حقانی زنجانی، ابوالفضل موسوی تبریزی، عمید زنجانی، سید هادی خسرو شاهی، آقای سید مجید ایروانی (ره) و آقای هاشم زاده هریسی نماینده فعلی تبریز در مجلس شورای اسلامی و... گفتنی است با آقای هریسی علاوه برهم بحث بودن در زمینه تألیف یا ترجمه کتاب نیز همکاری داشتم و تاکنون هفت اثر را به اتفاق ایشان تألیف یا ترجمه کردم. عوامل موثر بر شخصیت علمی و اخلاقی: من خود را از لحاظ علم و اخلاق در سطحی قابل طرح نمی دانم؛ ولی از باب و اَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّث اشاره می کنم که در روی آوری اینجانب به تحصیل علم و دانش، دو عامل مؤثر بوده است.

۱- روحانی بودن پدرم؛ او عاشق کتاب و مشتاق مطالعه بود و هیچ گاه اطرافش از کتاب خالی نبود و این در حالی بود که در آن دوران دست رسی به نشریات مذهبی مشکل بود و به جز هفته نامه ندای حق و مجله مکتب اسلام نشریه مذهبی دیگری وجود نداشت. وی مدتی طولانی جزء مشترکان این هفته نامه ها بود. وقتی به بهانه های مختلف از سوی رژیم طاغوت این مجلات توقیف می شد، پدرم بسیار ناراحت می شد و بی صبرانه منتظر رفع توقیف آن بود و چنین محیطی در جلب توجه و ایجاد علاقه من به مطالعه و درس بسیار مؤثر بود. همان گونه که در بینش اجتماعی و سیاسی این جانب نیز بی تأثیر نبود. جالب این که اولین مقاله حقیر تحت عنوان صبر از نظر اسلام هم در همان هفته نامه منتشر شد.

۲- تشویق و ترغیب پدر؛ علاوه بر شرایط محیط خانواده، پدرم با بیانات مختلف مرا به درس و بحث تشویق و ترغیب می نمود و از مزایای علم و دانش و تکامل معنوی با من سخن می گفت و گاهی با این جمله مورد خطابم قرار می داد که اگر بخواهی به مراتب عالی از نظر علم و عمل نایل گردی، باید اراده ات آن چنان قوی و همت آن چنان عالی باشد که خواهان رسیدن به مرتبه امام صادق (ع) باشی؛ زیرا اگر قصد کنی که به درجه علامه حلی برسی، به مرتبه یک عالم متوسط خواهی رسید. به توفیق الهی از اوایل ورودم به حوزه علمیه قم با جلسه درس اخلاق و دعای ندبه آیه الله حاج شیخ عباس تهرانى آشنا شدم. این درس در سالن کتاب خانه مدرسه حجتیه و به دستور آیه الله العظمی حجت تشکیل می شد. این برنامه سالیان متمادی و تا هنگام وفات آقای تهرانى ادامه داشت. در بعضی از شب های جمعه در جلسه درس اخلاق و دعای کمیل آقای حاج سید حسین (معروف به پیرمرد) شرکت می جستم. او مردی اخلاقی و ابوذر زمان بود و از نظر تربیتی و تأثیر معنوی. فوق العاده بود. در ایامی که هوا مساعد بود شب های جمعه را پیاده به مسجد جمکران مشرف می شدیم و از معنویت این مسجد بهره می گرفتیم.

عوامل موثر بر شخصیت سیاسی و اجتماعی: تقریباً در همان سال های اول ورودم به قم دو سید بزرگوار (شهید نواب صفوی و شهید واحدی) با قیافه های نورانی در نماز جماعت مدرسه فیضیه توجه مرا به خود جلب کردند. آنان با سخنرانیهای شور انگیز خود بر ضد طاغوت در گرایش من به مباحث سیاسی، تأثیری عمیق داشتند. حضور شهید نواب صفوی در نماز جماعت فیضیه با آن قیافه معنوی و با عمامه سبز که به صورت ساده و آخر صفوف عبای خویش را زیر اندز می کرد، برای همه کسانی که با مبارزه او با بی دینی و حرکتش در اعدام انقلابی کسروی، هژبر و رزم آرا آشنا بودند، جاذبه خاصی داشت. آزادی خلیل طهماسبی - عامل مستقیم اعدام رزم آرا - از زندان و ورود وی به شهر قم و اجتماع مردم در خیابان های این شهر برای تقدیر از این سمبل شجاعت و از خود گذشتگی در راه ایمان و عقیده، خاطره ای جالب و فراموش نشدنی و برای من شور انگیز و حرکت آفرین بود.

این علاقه موجب شد تا جریان فدائیان اسلام و محاکمه آنان را که پس از تیراندازی ناموفق به حسین علاء نخست وزیر وقت به وقوع پیوست، تعقیب کنم. جریان شهادت شهید واحدی به دست تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران و شهادت و شجاعت شهید نواب و یارانش در جلسات محاکمه و به هنگام شهادتشان که تکبیر گویان به سوی میدان تیر حرکت کردند، نقل مجالس و درس عشق و فداکاری بود و بیش از پیش در روحیه این جانب اثر گذاشت. عکس شهید نواب صفوی را که با لباس شخصی و بدون

عمامه در دادگاه نظامی حاضر شده بود، در همان تاریخ در پشت جلد کتاب عروه الوثقی چسبانده بودم. امروز هم برای من جالب و خاطره انگیز است. این جریانات موجب شد که به عالمان مبارزی چون آیت الله کاشانی اردات بیش تری پیدا کنم. گرچه در زمان حیات آیت الله العظمی بروجردی، نسبت به امام امت به عنوان یکی از مراجع حوزه ارادت می ورزیدم و گاهی به زیارتش می شتافتم، ولی پس از ارتحال آیت الله بروجردی علاقه ام به او بیش تر شد، حرکت متواضعانه و مخلصانه امام (ره) در رد تقاضای انتشار رساله عملیه و دوری از حریم ریاست و مرجعیت با وجود شرایط مناسب و حضور جدی آن بزرگوار در صحنه مبارزه- در جریان انجمن های ایالتی و ولایتی و سخن رانی ها و اعلامیه های صریح وی- موجب ارادت و علاقه بیش تر این جانب به وی گردید و گویا گم شده خود را در وجود او پیدا کردم. این ارادت با تشدید مبارزات در سالهای بعد و با زندانی و تبعید شدن امام (ره) افزون تر شد تا این که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و ما خود را موظف دانستیم تا آن جا که در توان داریم، در خدمت انقلاب باشیم و در مسیری که امام ترسیم می کردند، حرکت کنیم.

فعالیت های علمی:

اینجانب به فضل پروردگار علاوه بر تحصیل علوم حوزوی بر بعضی از کتاب های درسی مانند رسائل، شرح نوشته ام و تقریرات دروس خارج را تدوین کرده ام. هم چنین به مطالعه و تحقیق در حدیث و تاریخ پرداختم که نتیجه آن تألیف و ترجمه بیش از سی جلد کتاب است که برخی را با همکاری آقای هریسی تألیف کرده ام، اینجانب بر اثر علاقه فراوانی که به مطالعه و دیدار از کتاب خانه دارم در سال ۱۳۵۴ شمسی به دمشق مسافرت کرده، ضمن دیدار از کتاب خانه ها به ویژه کتاب خانه ظاهریه- که قدیمی ترین و غنی ترین کتاب خانه موجود آن روز پیش از تأسیس کتاب خانه الاسد بود- بهره وافر بردم. در بهار سال ۱۳۵۶ شمسی نیز به همین منظور سفری به ترکیه نمودم و از شهرهای مختلف این کشور دیدن کردم و بیش ترین مدت اقامت من در استانبول بوده که در این مدت از کتاب خانه سلیمانیه که از جامع ترین و غنی ترین کتاب خانه ها در خاورمیانه است، استفاده نمودم. در زمستان سال ۱۳۶۰ شمسی به دعوت علمای شیعه هند به این کشور سفر کردم و در مدت اقامت بیش از یک ماه از شهرهای بمبئی، لکهنو، بناری، جانپور و.... دیدار و از کتاب خانه مرحوم صاحب عقبات و مدرسه الواعظین در لکهنو بهره مند شدم.

فعالیت های و مبارزات سیاسی:

پس از پانزدهم خرداد و دستگیری امام (ره) تصور من از روحانیت آذربایجان این بود که اکثر آنان شناختی از امام و حرکت او ندارند و این تصور و برداشت موجب شد تا به شهرهای مختلف مسافرت کنم و روحانیون آذربایجان را از اوضاع روز آگاه نمایم. از این رو، به شهرهای مختلف، مانند سلماس، خوی و ماکو- از شهرهای آذربایجان غربی- مسافرت کرده، با بعضی از آنان تماس گرفتم که متأسفانه با بی مهری و عدم پذیرش بعضی از آنان روبه رو شدم که یکی از علل آن، جوانی و بی تجربگی بنده از نظر آنان بود.

در ۲۵ محرم در مسجد جامع ماکو پس از یک سخنرانی تند و بیان صریح مواضع امام، دستگیر شدم و به زندان ساواک شهرستان خوی منتقل گردیدم. پس از چند روز- طبق سیاست کلی طاغوت درباره آزادی روحانیون - به جای اعزام به تهران به ظاهر آزاد شدم؛ اما تحت مراقبت و نظارت پاسگاه محل قرار گرفتم. این مزاحمت ها و محدودیت ها به صورت مختلف در قم ادامه داشت.

فعالیت های اجتماعی:

از فعالیت های اجتماعی اینجانب تکمیل و راه اندازی مدرسه نمازی خوی بود که پس از انقلاب به دستور امام (ره) تجدید بنا شد و پس از ورود این جانب به خوی، کار ساختمانی آن با کمک اهالی و روحانیت محترم ادامه یافت و مورد بهره برداری قرار گرفت. تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی خوی در خرداد ماه ۱۳۶۴ از دیگر فعالیت های این جانب است. فعالیت این دانشگاه با چهار هزار دانش جو در دو بخش جداگانه پسرانه و دخترانه الگویی برای دانشگاه ها می باشد.

مسئولیت‌ها:

مسئولیت علمی انتشارات جامعه مدرسین، اولین مسئولیت اینجانب بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تأسیس انتشارات جامعه مدرسین، مسئولیت علمی این مؤسسه به عهده این جانب گذاشته شد. از اواسط سال ۱۳۵۹ تا اواسط سال ۱۳۶۰ شمسی به طور موقت عهده دار امامت جمعه سلیمان بودم و پس از آن برای تکمیل تألیفات و ادامه تحقیق و بررسی‌های قبلی به قم مراجعت نمودم. در تاریخ ۱۹/۱/۱۳۶۱ شمسی از سوی امام امت (ره) به سمت امامت جمعه خوی منصوب گردیدم. در سال ۱۳۶۹ شمسی از سوی جامعه مدرسین و جامعه روحانیت مبارز تهران برای نمایندگی دوره دوم مجلس خبرگان از آذربایجان غربی داوطلب شدم و از سوی مردم این استان به نمایندگی برگزیده شدم. در مدت اقامت در سلیمان و خوی در دوران دفاع مقدس تا آنجا که امکانات اجازه می‌داد، در خدمت دفاع مقدس بودم. علاوه بر تشویق برای تأمین نیروی انسانی و کمک‌های مردمی، در مقاطع مختلف به ویژه در هنگام عملیات رزمندگان اسلام در جبهه غرب یا جنوب کشور توفیق حضور در کنار این عزیزان شامل حال ما می‌گردید و در داخل سنگرها و در زیر چادرها از معنویات این عزیزان و از روحیه والای آنان نیرو می‌گرفتم و درس‌ها می‌آموختم.

نسفی، برهان‌الدین، ابوالفضایل

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۶۰۰ - وف ۶۸۸ - ۶۸۴ / ۶۷۹ ق)، فقیه حنفی، مفسر، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و شاعر. معروف به برهان. وی از علمای بزرگ حنفی بود. در علم تفسیر و اصول فقه و علم کلام صاحب تألیف می‌باشد. ساکن بغداد بود. در همان جا در گذشت و جنب مقبره‌ی ابوحنیفه دفن شد. «العقائد النسفیة» که ملا سعد تفتازانی آن را شرح کرده، به وی نسبت داده شده است. در «کشف‌الظنون» فقط یک عنوان کتاب تحت نام «عقائد النسفی» مربوط به نجم‌الدین عمر بن حمد نسفی ذکر شده است. از دیگر آثارش: «المقدمة فی علم الخلاف» یا «المقدمة البرهانیة» یا «فصول النسفی فی علم الجدل» یا «مقدمة فی الجدل والخلاف والنظر»؛ «منشأ النظر»؛ در علم خلاف و شرح آن؛ «الواضح»، که مختصر «تفسیر کبیر» فخر رازی است؛ رساله‌ای در «دور و تسلسل»؛ شرح «الاسماء الحسنی»؛ شرح «الاشارات والتنبیها» ابن سینا؛ شرح «الرسالة القدسیة» غزالی؛ «مطلع السعادة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲ / ۱۹۴)، ریحانه (۱۷۴ - ۱۷۳ / ۶)، شذرات الذهب (۵ / ۳۸۵)، کشف‌الظنون (۱۸۶۱، ۱۸۰۳، ۱۷۹۹ - ۱۷۹۸، ۱۷۵۶، ۱۷۲۰، ۱۲۹۶، ۱۲۷۲، ۱۰۳۲، ۸۸۲، ۸۶۵، ۹۵)، معجم‌المؤلفین (۱۱ / ۲۹۷)، هدیة‌العارفین (۱۳۶ - ۱۳۵ / ۲).

نسفی، حافظ‌الدین، ابوالبرکات عبدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۱۰ / ۷۰۱ ق)، فقیه حنفی، محدث، اصولی، مفسر و متکلم. اصل وی از نسف و اهل ایذه‌ی اصفهان بود. او از مشاهیر فقها و اصولیین و محدثین حنفی و در علم کلام متبحر و بر معاصرین خود مقدم بود. به آورده‌ی بعضی از مآخذ وی در ایذه در گذشت.

اما در «ریحانة الادب» مکان وفات وی بغداد ذکر شده است. از آثارش: «الوافی»، در فقه و شرح آن به نام «الکافی»؛ «کنزالدقائق»، در تلخیص «الوافی»؛ «عمدة العقائد» یا «عمدة عقيدة اهل السنة والجماعة»، در کلام و شرح آن به نام «اعتماد الاعتقاد»؛ «منار الانوار» و شرح آن به نام «کشف الاسرار»؛ «مدارک التنزیل و حقائق التأویل»، در تفسیر که به «تفسیر نسفی» معروف می‌باشد؛ «المستصفی»، در شرح کتاب «نافع» شیخ ابوالقاسم محمد حسینی (م ۶۵۶ ق).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/۱۹۲)، ایضاح المکنون (۱/۹۸)، ریحانه (۶/۱۷۱)، کشف الظنون (۲۰۳۴، ۱۹۹۷، ۱۹۲۲، ۱۸۶۷، ۱۸۴۹، ۱۸۲۳، ۱۶۷۵، ۱۶۴۱، ۱۶۴۰-۱۵۱۵، ۱۲۷۴، ۱۱۶۸، ۱۱۹)، معجم المؤلفین (۶/۳۲)، هدیة العارفین

نسفی، نجم‌الدین، ابوحفص عمر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۵۳۷-۴۶۱ ق)، فقیه حنفی، اصولی، حافظ، محدث، مفسر، متکلم، ادیب و شاعر. معروف به مفتی الثقلین، به جهت اینکه گویند جن و انس از محضرش تعلیم می‌گرفته‌اند. اهل سمرقند بود و در نسف به دنیا آمد. او در زمینه‌ی فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و فنون شعری متبحر بود. در بغداد از ابوالقاسم بن بیان حدیث شنید و از اسماعیل بن محمد نوحی و حسن بن عبدالملک قاضی و مهدی بن محمد علوی و عبدالله بن علی نسفی و ابوالیسر محمد نسفی و حسین کاشغری و ابو محمد حسن بن احمد سمرقندی و علی بن حسن ماتریدی روایت کرد. فرزندش، ابواللیث احمد بن عمر، و محمد بن ابراهیم تورپشتی از وی روایت کرده‌اند. حدود صد اثر را به وی نسبت می‌دهند. کتاب «العقائد» یا «عقاید النسفی» که بر آن شروح بسیاری، از جمله شرح سعدالدین تفتازانی نگاشته شده، به وی منسوب است. البته در صحت انتساب این کتاب به وی تردید می‌باشد، چنان که بعضی آن را به برهان‌الدین محمد بن محمد نسفی منسوب کرده‌اند. در سمرقند درگذشت. از دیگر آثارش: «الاکمل الاطول»، در تفسیر؛ «التیسیر فی التفسیر»؛ «قید الاوابد»؛ «تاریخ بخارا»؛ «القدر فی تاریخ علماء سمرقند»؛ «یواقیت المواقیت»؛ «طلبة الطلبة»؛ «تطویل الاسفار لتحصیل الاخبار»؛ «مشارع الشارع»؛ «منهاج الدراية»، در فروع؛ «النجاح فی شرح اخبار کتاب الصحاح»؛ «الخصائل فی الفروع»؛ «دعوات المستغفرین»؛ «الاشعار بالمختار من الاشعار» یا «المختار من الاشعار»، در بیست مجلد؛ «منظومة الخلافات» یا «منظومة فی الخلاف»؛ نظم «الجامع الصغیر» امام محمد شببانی، در فروع. [۱]

عمر بن محمد ابن احمد نسفی سمرقندی حنفی (۴۶۱ ه. ق- ف. ۵۳۷ ه. ق) ملقب به نجم‌الدین و مکنی به ابی حفص عالمی متکلم، اصولی، فقیه، مفسر و محدث بود. قریب یکصد رساله در مباحث فقهی و جز آن تصنیف کرده است. از اوست: «اکمل الاطول» (ه.م) «والتیسیر فی التفسیر» و «العقائد النسفیة» و «طلبة الطلبة» و «تاریخ سمرقند» و جز آن.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۵/۲۲۲)، ایضاح المکنون (۱۱۷، ۲۵/۱)، ریحانه (۱۷۳-۶/۱۷۲)، سیر النبلاء (۱۲۷-۲۰/۱۲۶)، شذرات الذهب (۴/۱۱۵)، طبقات المفسرین داودی (۷-۵/۲)، العبر (۴۵۳-۲/۴۵۲)، کشف الظنون (۲۰۵۴، ۲۰۴۸، ۱۹۲۹، ۱۸۷۱، ۱۸۶۷، ۱۷۳۱، ۱۶۸۶، ۱۶۰۲، ۱۳۵۶، ۱۲۳۰، ۱۱۴۵، ۱۱۲۵، ۱۱۱۴، ۷۵۶، ۷۰۶، ۶۶۸، ۶۰۲، ۵۶۴، ۵۵۳، ۵۱۹، ۴۱۸، ۴۱۵، ۲۹۶، ۲۴۷)، لسان‌المیزان (۲۳۰-۵/۲۲۹)، معجم‌الادباء (۷۱-۱۶/۷۰)، معجم‌المؤلفین (۳۰۶-۷/۳۰۵)، هدیة الاحباب (۲۵۵)، هدیة العارفین (۱/۷۸۳).

نصیری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی نصیری

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در روستای «مژده» از توابع شهر رشت در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. تحصیلات دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در محل تولد گذراند و تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۶۱ از مدرسه علمیه «امام صادق (ع) رشت» آغاز و تا سال ۱۳۷۶ در حوزه علمیه مشهد مقدس دنبال نمود. در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شد و طی ده سال در حوزه علمیه مشهد و قم در دروس خارج فقه و اصول از محضر اساتید معزز و آیات عظام: «مرتضوی»، «فلسفی»، «رضازاده»، «میزراجواد تبریزی»، «معرفت» و «سبحانی» بهره جست.

وی تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی در رشته «علوم قرآن و حدیث» و «ادیان و عرفان» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه فردوسی مشهد دنبال نمود. و در سال ۱۳۷۸ در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «بررسی جایگاه هنر در کتاب و سنت» و در سال ۱۳۸۲ در همین دانشکده از رساله دکترای خود با عنوان: «بررسی مکتب تفسیری صدرالمآلهین» دفاع نمود. وی در طی این سال‌ها در کنار تدریس، در زمینه‌های تحقیق، مدیریت پژوهش و ارائه طرح‌های آموزشی و پژوهشی فعالیت داشته است.

نظری منفرد، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی نظری منفرد

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۲۶ در شهر قم در خانواده ای روحانی متولد شدم و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در سال هزار و سیصد و چهل، وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن (ادبیات، دروس مقدماتی، فقه و اصول) به نجف اشرف در سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ رفتم و سپس به ایران و شهر قم بازگشتم و سطح را به پایان بردم. سپس در آزمون دارالفنون تهران در رشته (معقول و منقول) شرکت نمودم و قبول شدم و پس از اتمام دروس سطح، در درس خارج اساتید مثل: «مرحوم آیت الله محقق داماد»، «مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی»، و «مرحوم آیت الله اراکی» شرکت کردم و فلسفه و حکمت را از محضر «شهید مفتاح»، «شهید مطهری» و دیگر اساتید حوزه بهره بردم.

در همان وقت به کار تبلیغ نیز مشغول بودم و در منزل، جلسات بحث و گفتگو پیرامون مسائل کلامی و اعتقادی هر هفته برقرار بود که تحت تعقیب ساواک قرار گرفته و منجر به تعطیل آن مجالس گردید تا پیروزی انقلاب و در همان اوائل پیروزی و انتخابات دوره اول و دوم مجلس از طرف مردم (آبادیه فارس) به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب گردیدم و پس از اتمام دوره نمایندگی به قم و حوزه علمیه بازگشتم و به تدریس و تالیف پرداختم و اکنون به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول هستم.

نعیمی جرجانی، ابومنصور، احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۵ ق)، حافظ، محدث و مورخ. اهل جرجان بود. از ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد غطریفی و ابواحمد بن عدی و ابواحمد نیشابوری حافظ و ابوعمرو حیری و نصر بن عبدالملک اندلسی و دیگران روایت کرد. از آثارش «اخبار الجبل» است. این کتاب در «الانساب» سمعانی تحت نام «اخبار الجبل» و در «الاعلام» زرکلی به نام «اخبار الحیل» آمده است. از دیگر آثارش: «المجتبی»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۱۸۶)، انساب سمعانی (۵/۵۱۲)، سیرالنبلاء (۱۷/۳۴۰)، معجم المؤلفین (۲/۴۶).

نقاش اصفهانی، ابوسعید محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۴ ق)، حافظ، محدث و فقیه حنبلی. در طلب حدیث به جاهای مختلف سفر کرد و در اصفهان از جد مادرش اش، احمد بن حسن بن ایوب تمیمی، و عبدالله بن عیسی خشاب و عبدالله بن جعفر بن فارس اصفهانی و احمد سمسار اصفهانی و ابواحمد عسال اصفهانی و همطبقه‌ی آنها و در بغداد از ابوبکر شافعی و ابن مقسم و ابوعلی بن صواف و در بصره از ابواسحاق هجیمی و فاروق خطایی و حبیب قزاز و در کوفه از قاضی نذیر محاربی و صباح بن محمد نهدی و در مرو از حاضر بن محمد فقیه و در جرجان از ابوبکر اسماعیلی و در هرات از ابوحامد حسنویه و ابومنصور ازهری و در دینور از ابن السنی و از جماعتی دیگر در حرین و نیشابور و همدان و نهاوند حدیث شنید و شنیده‌های خود را جمع‌آوری کرد و تصنیفاتی به وجود آورد. او همچنین املائی حدیث نمود. فضل بن علی حنفی و ابوالعباس ابن اشته و ابومطیع صحاف و سلیمان حافظ و ابوالفتح سوزرجانی اصفهانی از وی روایت کرده‌اند.

از آثارش: کتاب «القضاء» یا «القضاء والشهود»؛ کتاب «طبقات الصوفیة»؛ «مالی»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶۱- ۷/۱۶۰)، تذکره الحفاظ (۱۰۶۱- ۳/۱۰۵۹)، سیرالنبلاء (۳۰۸- ۱۷/۳۰۷)، شذرات الذهب (۲۰۱/ ۳)، طبقات الحفاظ (۴۳۱)، العبر (۲/۲۲۸)، کشف الظنون (۱۱۰۴)، الوافی بالوفیات (۴/۱۱۹)، هدیة العارفين (۲/۶۲).

نکبونی، ابوزکریا یحیی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۴۳ ق)، حافظ، محدث و مفسر. اصلش از بیند ماوراءالنهر و ساکن قریه نکبون، از قرای بخارا بود. در طلب حدیث به عراق و حجاز سفر کرد. از فرزندش، حسین بن یحیی بیکندی، و اسحاق بن سلیمان رازی و عبدالرزاق بن همام و محمد بن عبدالله انصاری و مروان بن معاویه فزاری و معاذ بن هشام دستوایی و یزید بن هارون و سفیان بن عیینه و محمد بن فضیل بن غزوان و وکیع بن جراح و ابومعاویه محمد بن حازم ضریر و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. فرزندش، حسین بن یحیی بیکندی، و محمد بن اسماعیل بخاری و عبیدالله بن واصل و خلف بن عامر و ابوجعفر احمد بن یونس بن جنید و ابومعشر حمدویه مستملی بخاری و سریح بن موسی مؤذن و سهل بن بشر کنندی و سهیل بن سهل مؤذن و عبدالله شیبانی و عبیدالله بن واصل بیکندی و علی بن حسن نجاد و ابوجعفر بن ابی حاتم و راق بخاری و محمد بن عبدالله سعدی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «تفسیر القرآن». سمعانی در «الانساب» تصنیفاتی، در «صوم» و «صلاة»، و «مناسک» و «معاملات»، برای وی ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۵۲۲)، تذکره الحفاظ (۲/۴۸۷)، تهذیب التهذیب (۱۱/۱۷۰)، تهذیب الکمال (۴۹- ۲۰/۴۸)، الثقات (۹/۲۶۸)، سیرالنبلاء (۱۰۱- ۱۲/۱۰۰)، طبقات الحفاظ (۲۳۵)، هدیة العارفين (۲/۵۱۵).

نمازی اصفهانی، ملا فتح الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملافتح الله اصفهانی

در زمستان سال ۱۲۲۸ ش. (۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۶ ق) (۱۴۲۷) باز شدن غنچه ای در خانه محمد جواد نمازی اصفهانی، بهار را نوید داد. آن غنچه خوشبو را فتح الله نامیدند.

فتح الله در دامان پر مهر مادری مومن که هیچ گاه او را بدون وضو شیر نمی داد و پدری دلسوز که لحظه ای از تربیت فرزندش غافل نمی شد، رشد کرد و پس از سپری کردن دوران بازیهای کودکانه راهی کلاس قرآن و دیگر کتابهای مذهبی شد.

در حوزه های نور

او ابتدا در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل مشغول شد. استعداد و پشتکار فتح الله موجب شد که بتواند با سرعت، مقدمات علوم اسلامی را فرا گرفته، در درس فقه و اصول بزرگان مدارس علمیه زانوی ادب به زمین بزند. با این حال حضور در درس بهترین

اساتید حوزه علمیه اصفهان نتوانست تشنگی دانش اندوزی او را فرو نشانند. از این رو راهی حوزه علمیه مشهد مقدس شد. در آن شهر از محضر اساتید برجسته ای چون آیه الله حاج میرزا نصرالله مدرس، آیه الله محمد ابراهیم بروجردی و سید مرتضی حائری بهره فراوان جست تا در ردیف اساتید آن دیار شناخته شد. سپس به سوی اصفهان مراجعت کرد. تا آن زمان نظریات شیخ مرتضی انصاری در اصفهان شهرتی نداشت ولی شیخ شریعت به بیان مسلک شیخ مرتضی انصاری همت گماشت (۱۴۲۸) او در سال ۱۲۹۵ ق. راهی نجف اشرف شد و در محضر مراجع تقلید آن زمان (آیات بزرگوار شیخ محمد حسین کاظمی و میرزا حبیب الله رشتی) حاضر شد و خود نیز مجلس درس مهمی تشکیل داد که بسیاری از دانشمندان حوزه علمیه نجف در آن شرکت می کردند.

شیخ الشریعه در سال ۱۳۱۳ ق. به شوق معشوق رو به خانه معبود نهاد. او در مکه به مباحثه و گفتگو با علمای اهل سنت پرداخت به گونه ای که آنها از احاطه کامل وی به کتابهای اهل سنت در شگفت شدند (۱۴۲۹) پس از بازگشت از حج پروانه های فضیلت پیرامون آن شمع شریعت گرد آمدند. در این زمان درس او از مهم ترین درسهای نجف به شمار می رفت که صدها نفر در آن شرکت می کردند. این درسها عبارت بودند از:

۱. دروس عالی فقه و اصول
۲. رجال و درآیه
۳. تفسیر و علوم قرآن
۴. فلسفه و کلام
۵. درس خلاقیات که در این درس علت اختلاف نظریات و فتوهای فقیه بررسی می شد. او بعلاوه خطیبی توانا بود که جمعه ها منبر می رفت و به موعظه پرداخت. از دیگر امتیازات ایشان اینکه وی به تحصیل طب و ریاضیات همت گماشته و علاوه بر فرمولها و معادلات ریاضی مطالب زیادی درباره علم پزشکی آموخته بود.
- گویند روزی ایشان بیمار شد و وقتی پزشک برای معالجه بر بالین او آمد شیخ الشریعه در مورد بیماری اش از کتاب قانون بوعلی سینا مطلبی گفت. پزشک تصور کرد چون شیخ نوع بیماری خود را می دانسته تنها همان قسمت کتاب را به خاطر سپرده است ولی در گفتگوهای بعدی مشخص شد او بیشتر مطالب قانون را آماده در ذهن دارد.

اساتید

شیخ الشریعه در محضر شریعتمداران زیادی درس شریعت آموخت تا شیخ شریعت شد به پاس احترامشان نام آنان در ذیل می آید:

۱. ملا حیدر علی اصفهانی
۲. آیه الله نصر الله مدرس
۳. شیخ محمد صادق تنکابنی
۴. ملا احمد سبزواری
۵. شیخ عبدالجواد خراسانی
۶. آیه الله ملا محمد باقر اصفهانی
۷. شیخ حسین علی تویسرکانی ملایری
۸. آیه الله شیخ محمد تقی هروی
۹. آیه الله شیخ محمد رحیم بروجردی
۱۰. آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی

۱۱. آیه الله میرزا حبیب الله رشتی

شاگردان

صدها نفر از طلاب علوم دینی در جلسات درس ایشان شرکت می کردند که بسیاری از آنان بعدها در زمره مراجع تقلید در آمدند و نامی ترین آنان عبارتند از:

آیات عظام : ۱. شیخ عبدالکریم حائری

۲. سید محمد حسین بروجردی

۳. سید ضیاء الدین عراقی

۴. سید ضیاء الدین عراقی

۵. سید شهاب الدین مرعشی نجفی

۶. سید عبدالهادی حسینی شیرازی

۷. سید محسن طباطبایی حکیم

۸. سید محمد کوه کمره ای (حجت)

۹. سید محمد تقی خوانساری

۱۰. محمد علی شاه آبادی .

قلم نور

از آنجا که شریعت در علوم گوناگون اسلامی مهارت داشت در بسیاری از رشته ها نوشته هایی پر بها از خود به یادگار گذاشت که هر یک در علوم مختلف حاکی از فزونی دانش اوست . از آن همه ، پاره ای رساله در موضوعات فقهی و اصولی است . در علم تفسیر، فلسفه ، کلام و ادبیات عرب نیز دارای آثاری نیکوست .

مرجعیت

پس از وفات آیه الله میرزا حبیب الله رشتی و آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی شماری از مردم از شیخ الشریعه تقلید می کردند ولی پس از رحلت میرزا محمد تقی شیرازی ، شیخ الشریعه یگانه مرجع جهان تشیع شد. با این حال وی رهبری دینی را چون باری سنگین بر دوش خود احساس می کرد. او در خلوت دیده شده بود که اشک ریزان با خدای خود چنین مناجات می کرد:

((خدایا، در آخرین روزها زندگیم در دنیا به ریاست مبتلا!) شده ام و باید سنگینی این بار امانت را به دوش کشم ! بار الهی، من طاقت تحمل این امر بزرگ را ندارم ... و حال آنکه تو فردای قیامت از من سوال خواهی کرد...))

شیخون

شیخ الشریعه در پی مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن کتابخانه مهمی ایجاد کرد که دانش پژوهان از آن استفاده می کردند و از دیگر اقدامات ایشان صدور اعلامیه های فراوان بود که پرده از چهره استعمار می زدود در قسمتهائی از یکی از این اعلامیه ها آمده است .

((خدمت علمای بزرگ ... و عموم مردم روستاها و شهرها و کوچ نشینان ...

بر آقایان و هوشیاران ... پوشیده نیست که بیگانگان از سده های پیشین و مدتها قبل کوشیده اند دارایی مسلمانان را برزدند و شهر و کشورشان را تصاحب کنند... قرآن سراسر حکمت را از میان آنان بردارند و آنچه از وسایل مادی و معنوی نزد آنان است نابود سازند، بیگانگان همواره برای دستیابی به این هدفها نقشه هایی ترتیب داده اند، آنگاه آیه الله شریعت چندین نمونه از نقشه ها و هدفهای دشمن را در ۱۰ مورد بازگو کرده ، در پایان دردمندانه از مسلمانان و ایرانیان می خواهد که در صف واحد در برابر دشمن

متجاوز بایستند.(۱۴۳۰)

دزدان فرهنگ

در زمانی که عراق تحت سلطه انگلستان بود حکومت استعمارگر به مزدوران خود دستور داده بود هر جا کتاب نفیس و قدیمی یافتند آن را تصاحب کرده، به کتابخانه لندن بفرستند!

در این میان روحانیون آگاهی که نمی خواستند فرهنگ اسلامی به دست کفار غارت شود در مقابل آنان می ایستادند و استعمارگران با به زندان افکندن ایشان سعی می کردند به اهداف شوم خود جامه عمل بپوشانند. ولی شیخ شریعت به کمک طلاب آمده، آنها را از بند نجات می داد. برای نمونه می توان به زندان افتادن آیه الله مرعشی نجفی برای خریدن یک کتاب و سپس آزادی او به همت شیخ الشریعه اشاره کرد.

تقسیم ایران

یک سال پس از انقلاب مشروطه (در سال ۱۹۰۷ م) دو کشور استعمارگر روسیه و انگلستان در یک توافق سری ایران را به ۳ منطقه تقسیم کردند؛ مناطق جنوبی سهمیه انگلستان و شمال ایران از آن روسیه شد و برای آنکه با هم اختلافی پیدا نکنند قسمتهای مرکزی را به عنوان منطقه بی طرف سهم ایران قرار دادند. در این هنگام که تمامیت ارضی و استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار داشت، شیخ الشریعه و دیگر علما درسهای حوزه علمیه را تعطیل و خود را برای جهاد آماده کردند؛ چنانکه در تلگرافی که بدین مناسبت انتشار دادند می خوانیم:

((اخبار موحشه مداخله اجانب در بلاد اسلامیة خصوصاً به اشتهاار معاهده میثومه جدیده با دولتین موجب وحشت عموم علمای اعلام... (شده است.) قاطبه علمای این مشاهد مشرفه وظایف مقامیه را تعطیل و در حفظ اسلام به ادای آخرین تکلیف (جهاد) حاضر...))

ایران در آتش

در سال ۱۳۳۰ ق با حمله روسیه به ایران شهرهای تبریز، گیلان، رشت، مشهد مقدس و چندین شهر و روستای ایران اشغال شد. در این زمان که ایران در سراسیمی سقوط قرار گرفته بود مراجع تقلید شیعه که در آن ایام در عراق بودند تصمیم گرفتند با مقاومتی قهرمانانه جلو متجاوزان را بگیرند.

در یازدهم محرم ۱۳۳۰ هیات علمیه نجف به همراه صدها نفر از طلاب حوزه علمیه و دوست هزار تن از عشایر مسلح به طرف ایران حرکت کردند. آنان تصمیم گرفتند در سر راه خود به ایران چند روزی در کاظمین توقف کرده، پس از آماده کردن مقدمات لازم به طرف ایران حرکت کنند. از جمله اقدامات آنان در کاظمین می توان به ارسال هیات هایی به کشورهای مختلف برای مذاکره با سران آن کشورها و ارسال اطلاعیه های فراوان به مسلمانان جهان اشاره کرد.

و دیگر آماده کردن عشایر ایران برای جهاد بود که با ارسال تلگرافهای متعدد آنان را به جهاد دعوت کردند. در یکی از این برگهای زرین چنین می خوانیم:

به عموم حجج اسلام، سرداران عظام و روسای عشایر... از قدیم زمان الی کنون به واسطه مردانگی عشایر... هرگز به خیال اجانب نمی رسید که دست اندازی به خاک ایران نمایند چه رسد به سوق عساکر و جسارت... در ممالک اسلامیة. مگر در این عصر مردانگی ایرانیان محو و نابود و عقاید اسلام پشت گوشها افتاده.. یا للمسلمین یک مشهد مقدس... در مملکت شماس، آیا رواست که با وجود امثال شماها به تصرف کفار درآید و ننگ تاریخی برای شما، باقی بماند!...)) (۱۴۳۱)

وقتی مردم مسلمان و عشایر غیور ایران خود را برای دفاعی جانانه آماده کردند و ثوق الدوله که در آن زمان ریاست هیات وزرا را به عهده داشت با نیرنگ اولاً از حرکت علما به طرف ایران ممانعت کرد. وانگهی از عشایر و دیگر امت مسلمان ایران خواست از هر گونه اقدامی که مخالف سیاستهای روسیه و انگلستان باشد خودداری کنند و به آنها هشدار داد که اگر با نیروهای در حال

پیشروی انگلستان مقابله کنند دولت آنها را مواخذه خواهد کرد. و از طرف دیگر مصرانه از علما خواست که از کاظمین متفرق شوند.

عقب نشینی نیروهای روسیه و اقدامات و ثوق الدوله کارگر افتاد و تندی که می رفت خصم را بسوزد توسط دولت ایران خاموش شد و علما که نمی خواستند جنگ داخلی مشکلات ایران را دو چندان کنند از حرکت به طرف ایران منصرف شدند.

نبرد اقتصادی

شیخ شریعت در کنار دیگر علما در برابر هجوم اقتصادی دشمن دو اقدام مهم انجام داد.

۱- تشویق مردم به ایجاد شرکت های تعاونی

۲. تحریم خرید و فروش اجناس و وسایل روسیه و انگلستان .

البته در این جبهه نیز زمانی که می رفت این مبارزه منفی شکوفه دهد سفارت انگلیس با یک نامه فدایت شوم به وثوق الدوله نوشت که از علما بخواهد فتوای خود را ملغی اعلام کنند و وثوق هم همین کار را کرد.

مجتهد مجاهد

عراق در جنگ جهانی اول به تصرف انگلستان درآمد و شیخ الشریعه ضمن صدور فتوای جهاد خود به جبهه شتافت و فرماندهی جبهه قرنه را به عهده گرفت .

یکبار که مجتهد مجاهد با کشتی کوچکی به طرف یکی از جبهه ها در حرکت بود. کشتی آنها شکست و نزدیک بود ایشان غرق شود که دیگر مجاهدان وی را نجات دادند.

نیروهای مردمی به فرماندهی علما به مدت هیجده ماه در برابر نیروهای عظیم انگلستان مقاومت کردند و اگر پیروزی نهایی متفقین و ضعف شکست عثمانی و دیگر متحدانش نبود اشغالگران هیچ گاه موفق به اشغال عراق نمی شدند.(۱۴۳۲)

در بستر انقلاب

نیروهای انگلستان و همدستانش در جنگ جهانی اول با طرح این شعار که هدف ما رهایی کامل ملت‌هاست توانستند عراق و دیگر کشورهای عربی را تصرف کنند اما پس از اشغال عراق نه تنها به آنها استقلال ندادند که سعی کردند با برگزاری فرماندم فرمایشی به اشغال خود حالت قانونی دهند و آنگاه که عده ای از آزادیخواهان درخواست استقلال کردند آنها را تبعید و زندانی کردند و متعاقب این اوضاع شیخ الشریعه با ارسال تلگرافهایی به حاکمان انگلیسی و فرماندهان ارشد نظامی آنان از این درخواست سرباز زدند و سعی کردند با سرکوب جلو انقلاب را بگیرند.

در این هنگام آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی با صدور فتوایی به عراقیان اجازه داد که اگر انگلیسیان از دادن حقوق آنها سرباز زدند آنان دست به اسلحه برند و حق خود را باز پس گیرند. و این گونه بود که آتش انقلاب در عراق زبانه کشید.

در هنگامی که تمامی شهرهای عراق در آتش انقلاب می سوخت ناگهان آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی که در این زمان رهبری انقلاب را به عهده داشت به طور مرموزانه ای درگذشت ولی در آن لحظات حساس آیه الله شریعت اصفهانی علم بر زمین افتاده میرزای شیرازی را برداشت و با صدور بیانیه ای از مردم عراق خواست به انقلاب ادامه دهند و سپس در اجتماعی که در صحن حضرت علی علیه السلام برگزار شده بود حاضر شد و در حالی که به علت کهولت و ناتوانی نمی توانست به تنهایی راه برود با کمک چند نفر از اطرافیان بر فراز منبر قرار گرفت و پس از تسلیت از دست دادن میرزا، مجاهدان را به استقامت فراخواند و آنگاه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی را به عنوان نماینده خود انتخاب کرد و پرچم جهاد را به دست او سپرد.

در همین ایام ویلسون ، نماینده انگلستان در عراق تصمیم گرفت با فرستادن پیام تسلیتی باب گفتگو با شیخ را باز کند، او را به پندار خود بفریبد اما نتوانست و انقلاب همچنان ادامه یافت. (۱۴۳۳)

متعاقب این اوضاع نیروهای انگلیسی که در ایران و هند مستقر بودند به طرف عراق روانه شدند تا اینکه تعداد آنها به یکصد و پنجاه هزار نفر رسید که به انواع سلاحهای پیشرفته و هواپیماهای جنگی مجهز بودند. قدرت روز افزون نیروهای انگلستان، تمام شدن منابع مالی مجاهدان و قرار گرفتن آنان در محاصره اقتصادی و نظامی، نیز تغییر سیاست انگلستان و پیشنهاد تشکیل حکومت ملی در عراق از طرف دیگر موجب شد که بین رهبران جهاد اختلاف افتد و انقلاب متوقف شود. دولت انگلستان به طور رسمی تغییر سیاست خود را اعلام کرد و بدین سان استقلال خود را هر چند ناقص به دست آورد. اگر انقلاب به پیروزی نظامی می رسید علما می توانستند با تشکیل حکومت اسلامی عراقی آباد و آزاد بسازند عوامل فوق در کنار سستی که به مناسبت شروع فصل کشاورزی در مردم عراق پدید آورده بود باعث شد که نیروهای انگلستان بتوانند به طرف شهرهای مقدس پیشروی و کربلا، کوفه و آنگاه نجف را اشغال کنند.

پس از اشغال نجف ۱۷ تن از علما و از جمله حسن فرزند شیخ الشریعه دستگیر و برای تبعید روانه بصره شدند.
خاندان

آیه الله شریعت با یکی از نوادگان آیه الله شیخ محمد حسین اصفهانی مولف کتاب فصول ازدواج کرده بود و حاصل این ازدواج ۳ فرزند پسر بود:

۱. شیخ حسن: وی فرزند بزرگ شیخ الشریعه بود و در انقلاب نقش بسزایی داشت.
 ۲. شیخ مهدی، او تقریرات درس پدرش را به رشته تحریر کشید و کتاب ((اعلام الاعلام بمولد خیر الانام)) از اوست.
 ۳. شیخ محمد شریعت (۱۲۸۳ - ۱۳۵۷ ق.): وی در نجف به تکمیل علوم خود پرداخت. در سال ۱۳۳۱ ش. آیه الله بروجردی او را به عنوان نماینده خود راهی اصفهان کرد. شیخ محمد پس از رحلت آیه الله بروجردی امام امت (ره) را به عنوان مرجع اعلم معرفی کرد که عده ای از علمای پاکستان هم به پیروی از ایشان امام را مرجع تقلید اعلم به مردم معرفی کردند. (۱۴۳۴)
- صبح تیره

سرانجام روح پر فتوح آیه الله شریعت اصفهانی پس از عمری تلاش در راه اسلام و قرآن در شب یکشنبه هشتم ربیع الثانی سال ۱۳۳۹ ق. قفس تن را درید و آن نفس مطمئنه به سوی پروردگارش پر کشید و پیکر مطهرش در جوار قبر امیر مؤمنان علیه السلام به خاک سپرده شد.

در سال ۱۳۶۶ ق. که آیه الله حاج آقا حسین قمی دار فانی را وداع کرد و می خواستند او را کنار شیخ الشریعه دفن کنند در هنگام حفر قبر مقداری از قبر شیخ شریعت خراب شد و حاضران با تعجب دیدند جسد آن فقیه فرزانه هنوز کاملاً تازه است چنانکه گویا روز پیش به خاک سپرده شده است.

نمازی شاهرودی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی نمازی شاهرودی فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج شیخ محمد نمازی شاهرودی از علماء مبرز و متقی و دانشمندان متبع و نویسندگان متبحر حوزه علمیه مشهد مقدس بوده‌اند.

در سال ۱۳۳۲ قمری در شهرستان شاهرود متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در زادگاه خود نزد والدشان و سایر اساتید فراگرفته و آنگاه برای تکمیل مبانی فقه و اصول مهاجرت به مشهد مقدس نموده و از محضر آیات عظام و

فقهاء کرام آن سامان به ویژه مرحوم آیت‌الله حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی که در معارف اهل بیت عصمت و طهارت نادره زمان و اغلوطه اوان بوده و شاگردان مکتبش چون حاج شیخ مجتبی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و میرزا جواد آقای تهرانی و صدها نفر دیگر امثالهم از آیات بزرگ و دانشمندان بنام معاصر بودند استفاده فقه و معارف الهی نموده و به نجف اشرف مشرف و چندی هم در آنجا اقامت و از مبانی مدرسین و مجتهدین حوزه نجف مطلع و استفاده نموده و به مشهد مراجعت و به تألیف کتب مفیده و تدریس پرداخته و مهارتی عجیب در مناظره با پیروان ادیان دیگر و مذاهب باطله داشت و نیز در احتجاج و مباحثه با اهل سنت و جماعتی و در سفرهای عدیده‌اش به حجاز و کشور سعودی مباحثاتی با حضرات داشته که موجب استبصار عده‌ای از مردم پاکستان و هندوستان شده است.

آن مرحوم در علوم غریبه و علم طلب قدیم و گیاه‌شناسی و ریاضی هم اطلاع عمیق داشته و با زبان فرانسه هم آشنائی داشته حدود سه دوره بحارالانوار را از اول تا آخر مطالعه و در اثر این مطالعات موفق به تألیف مستدرک البحار در ده مجلد شده که پنج جلد آن در زمان حیات خودش به طبع رسیده و پنج مجلد آن پس از رحلتش فرزند یاد شده‌اش اقدام به طبع و نشر آن نموده و حافظ تمام قرآن و یا اکثر آن بوده زیرا از هر آیه که می‌پرسیدند فوراً آدرس درس آن را می‌داد و به گفته برخی از مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی قدس‌الله سره از ایشان پرسیده بودند فرموده بود که آقای نمازی مجلسی زمان ما بوده است.

نگارنده این کتاب چون مدتی در مدرسه نواب مشهد با ایشان همسایه و مرواده داشتم ایشان را از جهاتی کم‌نظیر یافتم. تألیفات بسیاری دارد که از دیدگان عزیزان می‌گذرانم.

- ۱- اثبات ولایت که ۶ مرتبه به چاپ رسیده.
 - ۲- ابواب رحمت ۲ مرتبه چاپ شده.
 - ۳- تاریخ فلسفه و تصوف ۲ مرتبه چاپ شده.
 - ۴- مقام قرآن و عترت ۳ مرتبه چاپ شده.
 - ۵- ارکان دین ۲ مرتبه چاپ شده در خداشناسی و پیغمبر و امام‌شناسی و فروع دین و نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت. و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری و رجعت و قیامت کبری تدوین شده است.
 - ۶- الهدی الی صراط مستقیم.
 - ۷- دوره مستدرک سفینه‌البحار در ده جلد به طبع رسیده.
 - ۸- رساله تفویض
 - ۹- تاریخ مجالس روضه‌خوانی
 - ۱۰- زندگانی حبیب بن مظاهر
 - ۱۱- اصول دین
 - ۱۲- الاسلام الهادیه فی الاعتبار الکتب الاربعه
 - ۱۳- رساله نور الابصار
 - ۱۴- مناسک حج- مشتمل بر وجوب حج و مذمت تارک آن و خلقت کعبه و حجرالاسود و حرم و قضایای آن.
- تألیفات طبع نشده علامه نمازی
- ۱- روضات النظرات، دوره فقه استدلالی ده جلد.
 - ۲- مستدرکات علم رجال، ده جلد.
 - ۳- مستطرفات المعالی در احوال راویان احادیث.

۴- دوره معارف القرآن مشتمل بر چهل و سه جزو.

۵- رساله‌ای در طب.

۶- معرفه‌الاشیاء - گیاه‌ها - درختها حیوانات و جمادات.

۷- مباحث اصول.

متأسفانه این دانشمند متتبع و محدث متبحر و مؤلف مکثر در شب دوشنبه دوم ماه ذیحجه سال ۱۴۰۵ هجری قمری برابر ۲۸ مرداد ماه ۱۳۶۴ شمسی از دنیا رفته و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه‌الصلوة والسلام مدفون گردید عاش سعیدا و مات سعیدا حشره الله مع الشهداء والسعداء آمین یاالله.

محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۴ ق.، شاهرود.

درگذشت: ۲۸ مرداد ۱۳۶۴، (دوم ذیحجه سال ۱۴۰۵ ق.).

آیت‌الله علی‌نمازی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمد‌نمازی شاهرودی، مقدمات و سطوح عالی را در شاهرود نزد پدر و دیگر اساتید فراگرفت. سپس رهپسار مشهد شد. در آنجا مدارج عالیه فقه و اصول را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت به گونه‌ای که در بیست و دو سالگی شروع به تقریر فقه استدلالی نمود.

مدتی نیز به حوزه‌ی نجف اشرف رفت و در آنجا به تحصیل فقه و مبانی اصول پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در مشهد مقیم شد. ایشان همچنین به علم ریاضی و تاریخ و نیز خطاطی آشنایی داشت و به ویژه کتاب‌هایش را به خط خودش می‌نوشت. آیت‌الله نمازی به زبان عربی مسلط بود و با زبان فرانسوی هم آشنایی داشت. وی طب سنتی و گیاه‌شناسی و علوم غریبه را خوب می‌دانست، ضمناً به روش‌های مباحثه و مناظره نیز مسلط بود. فعالیت عمده و اساسی ایشان پیرامون احادیث و رجال حدیث بحارالانوار اختصاص داشت.

آثار ایشان عبارتند از: مستدرک سفینه البحار (در ده جلد)؛ الاحتجاج بالتاج علی اصحاب اللجاج (الهادی)؛ الاعلام الهادیه فی اعتبار الکتب الاربعه؛ ابواب رحمت (جلد اول، مشهد، ۱۳۳۷، ق.، قم، ۱۳۶۲)؛ تاریخ فلسفه و تصوف (یا مناظره دکتر با سیاح پیاده، جلد اول، ۱۳۷۷ ق.)؛ مناسک حج؛ رساله تفویض؛ رساله علم غیب (ع)؛ اصول دین؛ رساله نورالانوار؛ ارکان دین؛ زندگانی حبیب بن مظاهر اسدی؛ تاریخچه‌ی مجالس روضه‌خوانی و عزاداری سید مظلومان (ع) قرآن و عترت در اسلام.

آثار علمی خطی چاپ نشده وی به این شرح هستند: مستطرفات المعالی؛ مستدرکات علم رجال (پانزده جلد)؛ روضات النظرات؛ مجموعه نفیسه در طب؛ معرفه‌الاشیاء (گیاه‌شناسی)؛ مطرف الهیه؛ حواشی بر بعضی کتب مانند: حاشیه بر تفسیر برهان، حاشیه بر رجال ممقانی، حاشیه بر رجال آیت‌الله خویی؛ حاشیه بر رجال شیخ طوسی و تصحیح آن، حاشیه بر کتاب جواهر در فقه تألیف محمدحسن نجفی، حاشیه بر کتاب وقایع المشهور، حاشیه بر کتاب بحارالانوار آیت‌الله غروری، حاشیه بر رساله‌ی شریف رجبیه محدث بیرجندی و حواشی دیگر.

(توح ۱۳۳۲ ق.)، عالم دینی، فقیه، محدث و متکلم. در شاهرود به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و استفاده از محضر پدرش، به مشهد مهاجرت نمود و سطوح را نزد مدرسین بزرگ حوزه‌ی مشهد به پایان رسانید. آنگاه از بحثهای معارف و اخلاق آیت‌الله آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند گشت. او علاوه بر امامت جماعت یکی از مساجد مشهد به کار تألیف و تصنیف کتب دینی و تحقیقات در این زمینه اشتغال داشت و تألیفات بسیاری از خود باقی گذاشت. از آثارش: «مستدرک سفینه‌البحار»؛ «ابواب رحمت»؛ «تاریخ فلسفه و تصوف»؛ «ارکان دین»؛ «مقام قرآن و عترت در اسلام»؛ فهرست «منتقی الجمان»؛ کتاب «اثبات ولایت»؛ تزییلات کتاب «مجموعه‌الاخبار»؛ «شرح زندگانی حبیب بن مظاهر»؛ «تاریخچه‌ی مجالس روضه‌خوانی»؛ «مناسک حج و وجوب و فضیلت

آن؛ «نورالانوار»، به فارسی و عربی؛ رساله‌ای در «علم غیب امام (ع)». [۱]

علی ابن العالم الکامل و العابد الزاهد آیت‌الله حاج شیخ محمد معروف به (نمازی) شاهرودی از علماء و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند.

وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری متولد شده و در بیت علم و ورع و تحت تربیت پدر دانشمند و زاهدش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه مشهد به پایان رسانیده سپس از محضر مرحوم عالم ربانی و آیت‌الله سبحانی مریمی نفوس و مذهب اخلاق آیت‌الله الملک‌العلام آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی سالهای متمادی استفاده نموده و با هم از محضر آیات دیگر مشهد بهره‌مند گردیده و در مسجدی از مساجد بالا-خیابان به اقامه جماعت و تبلیغ احکام تا حال تحریر اشتغال دارند

نگارنده گوید از سال ۱۳۶۴ ق که در مشهد اقامت داشتم و در مدرسه نواب از محضر مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی خارج مبحث حج را استفاده مینمودم با معظم‌له آشنا شده و بعد از درس مذاکره بحث را می نمودیم وی را دانشمندی متقی و پارسا و مشغول به مطالعه و تألیف شناختم خداوند امثال ایشان را همواره موفق بدارد.

تألیفات مطبوع ایشان از اینقرار است.

۱- ابواب رحمت دو مرتبه به طبع رسیده ۲- تاریخ فلسفه تصوف ۳- متدرسک سفینه البحار ج ۱ و ۲ بطبع رسیده ۴- کتاب ارکان دین در آن شرح اصول دین (خداشناسی و فروع دین نماز و زکوة و روزه و حج و ولایت و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری (رجعت) و قیامت کبری) ۵- مقام قرآن و عترت در اسلام ۶- فهرست منتقى الجمان ۷- تذیلات کتاب مجموعه الاخیار ۸- شرح زندگانی حبیب ابن مظاهر ۹- تاریخچه مجالس روضه خوانی ۱۰- مناسک حج و وجوب و فضیلت آن ۱۱- کتاب اثبات ولایت ۱۳- ۱۲- نورالانوار فارسی و عربی ۱۴- رساله‌ای در علم غیب امام (ع)

تألیفات مخلوط ایشان

۱- تمه مستدرک سفینه البحار ده جلد ۱۱- مستدرکات علم رجال شیخ ۵ جلد ۱۶- کتاب اصول دین ۱۷- کتاب مستطرفات المعالی در احوال رجال و راویان اخبار ۱۸- روضات النضرات در فقه استدلالی ده مجلد ۱۹- معارف الهیه ۲۰- مجموعه نفیسه در طب ۲۱- معرفه الاشیاء و غیره

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۴- ۱۸۳/۷، ۳۷۴/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴/۴۳۷).

نواب اصفهانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۴۰ ق)، عالم دینی، مفسر، حکیم و منجم. مشهور به نواب و میرزا باقر نواب. اصلش از لاهیجان و ساکن اصفهان بود. وی از حکما و علمای عهد فتحعلی شاه قاجار است. در حکمت، فلسفه، منطق و نجوم متبحر و چندی نیز عهده‌دار سمت وزارت جعفرخان زند بود. با مرگ جعفر خان، میرزا باقر به کار تألیف و تدریس در اصفهان مشغول شد و از عالم سیاست کناره گرفت. وی در تهران درگذشت و در شهر ری به خاک سپرده شد. از آثارش «تحفه الخاقان»، در تفسیر قرآن به اسلوبی جدید، در چهار مجلد: اولی در «قصص»، دومی در «ذکری»، سومی در «احکام» و چهارمی در «وقایع یوم‌القیام». در «الذریعه» و «طبقات اعلام‌الشیعه»

این کتاب در پنج بخش شامل: «آیات القصص»، «آیات الاحکام»، «آیات المعارف»، «آیات المواعظ» و «آیات الوعید» معرفی شده که آن را به خواهش فتحعلی شاه قاجار تألیف نموده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۹/۴۰۷)، تذکره‌القبور (۱۸۹-۱۸۸)، الذریعه (۱۴۵-۱۴۴/۴، ۴۳۲-۴۳۱/۳)، روضات‌الجنت (۱۴۷-۱۴۶/۷)، ریحانه (۵/۱۲۳)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۸۹-۱۸۸/۱۳)، فوائد الرضویه (۶۲۱)، کتاب گیلان (۶۷۶-۶۷۵/۲)، مکارم‌الآثار (۱۲۳۴-۱۲۲۹/۴)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۰۸).

نوروزی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد نوروزی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

جناب آقای محمد نوروزی در سال ۱۳۴۹ در شهر مقدس مشهد و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک عصمت و طهارت «علیه‌السلام» به دنیا آمد، پدر او علی نام داشت. ایشان در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه مشهد گردید، مقدمات را از محضر «آقای ملکی» فرا گرفت. سپس دروس سطح را از محضر بزرگانی چون: «آیت الله رضا زاده»، «آیت الله مهدی مروارید» و «فیاض صابری» به پایان رساند.

با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج فقه حضرت «آیت الله مرتضوی» و خارج اصول «حضرت آیت الله فلسفی» راه یافت و از محضر علماء بهره‌ای فراوان برد، ایشان علاوه بر تدریس، به تدریس خود آموخته‌ای خویش پرداخت تا در این زمینه نیز دین خویش را نسبت به علوم فرا گرفته ادا نماید. البته ایشان از امر پژوهش نیز غافل نبود و در این راستا نیز زحمات فراوانی کشیده است.

نوری فرد، نورعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نورعلی نوری فرد

محل تولد: روستای طرزم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نور علی نوری فرزند لطف الله در سال ۱۳۱۱ در یکی از روستاهای اهر متولد شدم. سال ۱۳۲۸ وارد حوزه تبریز شده ام و از شهریور ۳۳ وارد حوزه علمیه قم شده و شروع به ادامه تحصیل نموده ام و هم اکنون نیز در حال تالیفات کتاب هستم و در همه مواردی که موسسه علوم آل محمد در زمینه های مختلف داشته است؛ فعالیت موثر داشته ام.

نوری همدانی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه

حضرت آیت ا... العظمی نوری همدانی دامت برکاته:

ولادت:

ایشان در سال ۱۳۰۴ شمسی در یک خانواده مذهبی در شهر همدان دیده به جهان گشودند. پدر ایشان مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ ابراهیم نوری همدانی از علمای وارسته همدان، معاصر با حضرت آیت ا... العظمی آخوند ملاعلی همدانی و هم حجره ایشان بود. تحصیلات:

معظم له در سن هفت سالگی آموختن را آغاز نموده، ادبیات فارسی، گلستان سعدی، انشاء، ترسل نصاب و... تا معالم الاصول را پیش والد مکرم خویش فرا گرفتند. سپس در سال ۱۳۲۱ شمسی وارد مدرسه مرحوم آخوند همدانی شده و حدود یک سال و نیم در آنجا به فراگیری علوم پرداختند. ولی اشتیاق و عطش ایشان به آموختن و استعداد مثال زدنی فراگیری در وجود معظم له، وادارشان ساخت تا بعد از اقامت مدت کوتاهی در همدان، به شهر مقدس قم عزیمت نموده و در آشیانه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) اقامت افکنده، با به جان خریدن همه مشقتهای جان فرسای آن روز، به بهره گیری از دروس اساتید برجسته حوزه علمیه قم پردازند. اساتید:

همانگونه که بیان شد ایشان دروس ابتدایی را در خدمت پدر بزرگوارشان آموخته، سپس در محضر بزرگان حوزه علمیه همدان به ویژه مرحوم آیت ا... العظمی آخوند ملاعلی همدانی زانوی شاگردی زدند. بعد از ورود به حوزه علمیه قم، بیشترین استفاده علمی را از خدمت آیات عظام: داماد، حجت کوهکمره ای، علامه طباطبایی، بروجردی و حضرت امام خمینی (علیهم الرحمه) داشته اند که این قسمت را از زبان خود حضرت آیت ا... العظمی نوری همدانی می خوانیم: یکی دیگر از اساتید مهم ما مرحوم آیت الله

العظمی سید محمد داماد می باشد که حدود ۱۲ سال در درس فقه و اصول معظم له شرکت نمودم. چند نفر بودیم در حوزه که به شاگردان داماد معروف بودیم. ایشان مرد بسیار دقیقی بود و دقت نظر ایشان انصافاً خیلی خوب بود. در تربیت شاگرد و عنایت به شاگرد هم ممتاز بود. نوشته هایی از درس آن مرحوم را بنده دارم. من درسهای ایشان را می نوشتم و بعداً خدمت ایشان میدادم. مطالعه می کردند و با دقت در حاشیه اش چیزهایی می نوشتند که اکنون وقتی نگاه میکنم برای من یک یادگار آموزنده و مهمی است. در تواضع، اخلاص و ساده زیستی کم نظیر بود. این را فراموش نمی کنم یک روز درس میگفتند، در مسئله وضو به اینجا رسیدند که در موقع گرفتن وضو باید انسان خودش آب بریزد و خودش وضو بگیرد و کسی کمک نکند. البته کمک هم مراتب دارد. بعضی مراتب باطل میکند و بعضی مراتبش مکروه است. روایتی خواندند از «وسائل» که حضرت امام رضا (ع) زمانی که به مجلس مأمون وارد شدند و مأمون در حال وضو گرفتن بود، بدین نحو که یک نفر آب میریخت در مشت او و او وضو میگرفت. حضرت امام رضا (ع) به مأمون فرمودند: «لا تشرک بالله یا امیر المؤمنین». این کلمه را که ایشان خواندند، که حضرت رضا به مأمون، امیر المؤمنین گفته باشد. در اثنای بحث این کلمه (امیر المؤمنین) ایشان را منقلب کرد به طوری که به شدت گریه کرد و نتوانست آنروز درس بگوید. متأسف شد که وضع طوری باشد که امام رضا (ع) به مأمون بگوید امیر المؤمنین! اخلاصش را دارم، میگویم که آنروز با گریه اش همه را منقلب کرد و نتوانست درس بگوید. عبايش را بر سرش گرفت و جلسه را ترک کرد. از جمله کسانی که باز پیش آنها درس خواندم آیت الله علامه طباطبایی بود که پنج سال بنده به درس اسفار ایشان رفتم. البته عظمت و بزرگواری آیت الله علامه طباطبایی از لحاظ اخلاق، کمال و معلومات و تربیت شاگرد، معلوم است و نیاز به توضیح ندارد. یکی دیگر از اساتید بزرگ ما حضرت آیت الله العظمی آقای سید محمد حجت کوهکمری بود. من در درس ایشان مدتی شرکت می کردم. درس معظم له، در آن زمان در قم ممتاز بود. استادی بسیار بزرگ و خیلی خوش بیان بودند. در درس گفتن سلیقه خوبی داشتند. مطالب را دسته بندی می کردند. دسته بندی مطالب بگونه ای بود که نوشتنش خیلی راحت بود. روش آن مرحوم باید برای ما درس باشد که مطالب را تنظیم کنیم. مثلاً بیع فضولی که می گفت، در بیع فضولی چند تا مبنای مبنای مرحوم شیخ انصاری، مبنای مرحوم آخوند خراسانی که از حاشیه آخوند بر مکاسب استفاده می شود _ مبنای مرحوم سید محمد کاظم یزدی، مبنای مرحوم شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی و مبنای خودش، پنج شش تا مبنای بود. از اول بیع فضولی تا آخر، هر روز مطلب هر کس را روی مبنای خودش، بطوری تنظیم می کرد که انسان از این بیان و دسته بندی تعجب می کرد. درس را به این ترتیب می گفت و مقتضای مبنای هر کس را در مسأله، بیان می کرد، یا در صحت و نفوذ بیع فضولی و در بحث اجازه مثلا در نقل و اقسام کشف و ... تقسیم بندی بسیار جالبی داشت. نکته دیگری که در رابطه با ایشان بنظم رسید، آن است که روزی که در آستانه احتضار قرار گرفته بود رفتن منزل ایشان، نزدیک مدرسه حجتیه. من توی حیاط بودم و اشخاص دیگری هم بودند. همه ناراحت و متأثر بودیم. یک نفر آمد و گفت: برای ایشان، مقداری تربت سید الشهداء (ع) آوردند، تربت را با آب قاطی کردند. تا ایشان بخورند. ایشان هم برداشت و نزدیک لبش آورد و گفت: (آخر زادی من الدنيا تربة الحسين). و آنگاه نوشید و اشهد ان لا اله الا الله را گفت و روبرو قبله، به جوار حق پیوست. یکی دیگر از اساتید بنده حضرت آیت الله العظمی بروجردی بودند، بنده از روزی که ایشان به قم تشریف آوردند تا روزی که از دنیا رحلت کردند، یعنی: در حدود ۱۵ سال در تمام درسهای ایشان افتخار شرکت کردن راداشتم و مقدار زیادی از درسهای فقه و اصول آن استاد بزرگ (اعلی الله مقامه) رانوشته ام و در ضمن شرکت در درس گاهی مطالبی در رابطه با درس می نوشتم و در درس به محضر مبارکشان تقدیم می کردم، معظم له آن را می خواندند و گاهی هم با بزرگواری خاصی که داشتند مودر تشویق قرار می دادند. آیت الله بروجردی، از لحاظ سخاوت و کرم دارای امتیاز خاصی بودند. برای نمونه، یک وقت ایشان در بیرونی نشسته بودند، زنی وارد شد و آقا آن زن رادید. به پیش خدمت خود فرمودند: ببینید این زن چه میخواهد. پیشخدمت گفت: این زن علویه است، پول یک چادری می خواست، پنجاه

تومان به ایشان داده شد. آقا تا اسم علویه را شنیدند، فرمودند: علویه و پنجاه تومان؟ گویی ایشان، پنجاه تومان را برای علویه توهین دانستند. در حالی که در آن زمان، پنجاه تومان کم پولی نبود. فرمودند: اقلاً چهارصد - پانصد تومان به آن زن بدهید. به طور کلی، همیشه اشخاصی که نزد ایشان می آمدند، ایشان بیش از آن مقداری که اشخاص توقع داشتند به آنان عنایت می کردند. یکی از اساتید بزرگ ما، حضرت امام خمینی (رحمه الله) بودند. راجع به حضرت امام، باید عرض کنم، اولین وسیله آشنایی من با ایشان، در ابتدای ورودم به قم، سال هزار و سیصد و شصت و دو قمری، در درس اخلاق ایشان بود، که روزهای جمعه عصرها تقریباً یک ساعت به مغرب مانده در مدرسه فیضیه، زیر کتابخانه درس اخلاق می فرمودند. بعد توسط حضرت آیت الله العظمی خوانساری، نماز جماعت اقامه می شد. بنده هم در درس اخلاقی، عرفانی و علمی ایشان، شرکت می کردم. این درس، بسیار سازنده و کامل بود. آیات و احادیث آمیخته با برداشت علمی، اخلاقی با بیان بسیار رسا و کافی از دل برمیخاست و بر دل می نشست. تحولی عمیق در شنونده ایجاد می کرد. مدرس مملو از جمعیت میشد. صفا و معنویت اعضای مجلس را فرا میگرفت. در همان موقع هم ایشان یکی از علمای بزرگ و مشهور بودند و در تیز بینی و ژرف اندیشی و واقع نگری و وسعت نظر ممتاز بودند. یکی از چیزهایی که در معرفی فکر ایشان، خیلی مؤثر بود کتاب (کشف الاسرار) ایشان بود. که آن موقع این کتاب چاپ شده بود و در دسترس بود. البته هنوز هم این کتاب بسیار ارزشمند و عالی است. شخصیت ایشان، دارای ابعاد مختلفی است. یکی از جهت بعد فلسفی که شاید الآن مثل ایشان، کسی را سراغ نداریم. اگر چه در آن زمان در تهران مرحوم آشتیانی را داشتیم، علامه طباطبائی آن موقع در نجف بودند. همچنین، استاد معقول حضرت امام، مرحوم آیه الله العظمی آقا سید ابو الحسن قزوینی، معروف به علامه رفیعی بودند که چند ماهی قم تشریف آوردند و درس معقول می فرمودند و بنده هم درس ایشان می رفتم. درباره شخصیت ایشان از جهات مختلفی می شود صحبت کرد، که از نظر بنده، آنچه مهم است، مسأله شناخت زمان است. در متون دینی ما هست که عالم، باید عارف به زمان باشد. ایشان، از لحاظ شناخت جریانات و مقتضیات زمان، دارای امتیاز خاصی بودند و در میان علماء بزرگ، هر یک از آنان که فکر و فعالیتشان، با زمان هماهنگ بوده است، توانسته است تحولی ایجاد کند. تکریم از اساتید:

معظم له با الهام از آیات قرآنی و روایات اسلامی و با تأسی بر سلف صالح خویش در مورد تعظیم و تکریم اساتید خود از هیچ کوششی فروگذار نکرده، پیوسته یکی از توصیه های ایشان به شاگردان و مخاطبان خود تکریم و تجلیل از اساتید خود می باشد تا جایی که بارها فرموده اند: «من اسامی همه اساتید خود را یاد داشت نموده، در نماز شب خود برای آنان دعا می کنم، چرا که این عمل دارای برکات فراوانی بوده، باعث توفیق روز افزون انسان می گردد». تدریس:

حضرت آیت الله نوری از بدو ورود به حوزه علمیه قم همزمان با تحصیل، تدریس را نیز آغاز نموده و در موضوعات مختلف فقهی، اصولی، کلامی، اخلاقی و... حوزه درسی شلوغی داشته و شاگردان زیادی از محضر پرفیض ایشان بهره می گرفتند. تا جایی که درس نهج البلاغه معظم له در مسجد اعظم در زمان طاغوت از درسهای پر محتوای حوزه علمیه آن روز به حساب آمده، مباحث مطروحه در آن از حیث منطق و استدلال چنان عرصه را بر کارگزاران رژیم طاغوت تنگ کرد که چاره ای جز تعطیلی آن ندیده و با تعطیل کردن آن صدها تن از فضلاء حوزه علمیه را - که اینک هریک از بزرگان حوزه و خدمت گزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی محسوب می شوند - از آن نعمت محروم کردند. و اینک نیز قریب به سی سال است که به تدریس درس خارج مشغولند که حدود یکهزار نفر از فضلاء و علمای برجسته از محضر ایشان کسب فیض می نمایند. تألیفات:

حضرت آیت ا... العظمی نوری همدانی از حیث نوشتن مطالب علمی تقید خاصی دارند و یکی از سفارشات جدی ایشان به طلاب این است که باید اهل قلم باشند و در زمینه های گوناگون بتوانند قلم فرسایی کنند. روی این اصل معظم له نوشته های فراوانی در زمینه موضوعات مختلف دارند که بالغ بر ۵۰ جلد می شود. برخی از آن نوشته ها چاپ شده و بعضی دیگر در آستانه چاپ قرار

دارد و برخی از آنها در حال آماده سازی جهت چاپ می باشد. کتابهایی که تاکنون به زیور چاپ آراسته شده اند، عبارت است از: ۱- الخمس ۲- مسائل من اجتهاد و تقلید ۳- امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام- عربی ۴- امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام- فارسی ۵- اسلام مجسم - شرح حال علمای بزرگ اسلام ۶- جایگاه بانوان در اسلام ۷- جهاد - فارسی ۸- ربا ۹- دانش عصر فضا ۱۰- شگفتی های آفرینش ۱۱- جهان آفرینش ۱۲- انسان و جهان ۱۳- خوارج از دیدگاه نهج البلاغه ۱۴- یک حرکت انقلابی در مصر ۱۵- داستان باستان ۱۶- ما و مسائل روز ۱۷- بیت المال از دیدگاه نهج البلاغه ۱۸- اقتصاد اسلامی ۱۹- منطق خدا شناسی ۲۰- جمهوری اسلامی ۲۱- رساله توضیح المسائل ۲۲- آمادگی رزمی و مزداری در اسلام ۲۳- هزار و یک مسئله فقهی - استفتائات ج ۱ و ۲۴۲- مناسک حج - عربی ۲۵- مناسک حج - فارسی ۲۶- منتخب المسائل - عربی که هریک از نوشته های فوق مخاطبان خاصی داشته و مورد استفاده اقشار مختلف قرار می گیرد. فعالیتهای سیاسی و اجتماعی: ایشان به لحاظ اینک شاگرد حضرت امام خمینی (ره) بوده و در حد عشق به ایشان دلبسته بودند، از هر حیث به ویژه از جهت سیاسی به شدت تحت تأثیر آموزه های بنیانگذار جمهوری اسلامی قرار داشتند، لذا در کنار فعالیتهای علمی عمیق، از ورود در عرصه سیاسی و اجتماعی غفلت نورزیده، پیوسته در صفوف مقدم مبارزه علیه رژیم ستم شاهی حرکت می کردند و در این راه از زندان و تبعید و... نهراسیده و همه خطرها را به جان خریده و با توکل بر خدا در مسیر انجام رسالت انقلابی با تمام وجود تلاش فرمودند که بخشی از این فعالیتهای را از زبان معظم له می شنویم: من از جمله کسانی هستم که توفیق داشتم چند سالی در مکتب پرفیض حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، درس بخوانم و علاوه بر مطالب علمی، از سجایای اخلاقی ایشان نیز، بهره ببرم. در طول این سالیان با توجه به متون و موازین اسلامی در یافته بودم که مسئولیت روحانیت، خلاصه در درس خواندن و درس گفتن نمی شود. به این جهت از آن روز که حضرت ایشان انقلاب و تحول را آغاز کردند. من سعی کردم که پشت سر ایشان بقدر توانم گام بردارم. در آن زمان، جلسات مرتبی با رفقای همفکر خود داشتیم که در آن نسبت به مسائل جاری گفتگو میشد و برای پیشبرد امور تصمیماتی اتخاذ می گردید. گاهی اعلامیه‌هایی علیه رژیم و شاه امضاء می کردیم. البته متن بعضی از آن اعلامیه‌ها را نیز گاهی من تنظیم می کردم. در نشر و توزیع آنها نیز، همکاری نزدیک داشتم. افرادی را به این منظور به نقاط مختلف کشور می فرستادیم.

زندان قزل قلعه: بعد از این که حضرت امام را به ترکیه تبعید کردند؛ اعلامیه‌هایی که علیه رژیم از قم صادر می شد امضای من را نیز داشت. به همین جهت در آن زمان چند نفر مأمور از طرف ساواک به منزل ما ریختند بطور دقیق همه جا را گشتند. حتی یادم هست که کتابها را نیز، ورق می زدند. مقدای از کتابها را برداشتند بردند و مرا نیز، دستگیر کردند و به ساواک قم، که در خیابان راه آهن بود، بردند. شبی را آنجا بسر بردیم؛ بعد منتقل شدم به تهران، زندان قزل قلعه. قزل قلعه یکی از زندانهای رژیم شاه بود که افراد را در آن زمان به آنجا می بردند، در زندان، متوجه شدم که آقایان دیگری نیز آنجا هستند؛ البته همگی ما در سلولهای انفرادی بودیم و فقط روزی سه مرتبه صبح، ظهر و شام درب سلول را باز می کردند و ما حق داشتیم برای تجدید وضو از آن خارج بشویم. هنگامی که مرا برای دستشویی می بردند از دور این آقایان را دیدم و فهمیدم که این آقایان هم آنجا هستند. داخل سلول لامپ نبود؛ تنها از روزنه کوچکی که بالای درها وجود داشت شعاع کم و سوئی از روشنایی داخل سالن به درون سلول می تابید. این سلولها به اندازه‌ای کوچک بود که اگر دست‌هایمان را باز می کردیم به دیوارهای دو طرف می رسید. کف سلولها را با آجرهای ناهموار فرش کرده بودند به گونه‌ای که موقع خوابیدن پشت و کمر انسان را به سختی می آزد. حدود سه ماه بدون محاکمه و ممنوع الملاقات با این وضع، در این سلولها بودم و بجز هنگام تجدید وضو از آن نمی توانستم خارج شوم. بعد از محاکمه، روزی فقط ده دقیقه ما را به عنوان هواخوری داخل حیاط زندان می بردند که قدم بزنیم. هنگامی که مرا برای بازجویی بردند، مهم‌ترین حرف آنان این بود که شما طرفدار حضرت امام هستید و به پشتیبانی از ایشان اعلامیه می نویسید و امضاء می کنید.

نزدیک دو ماه که از تاریخ محاکمه گذشت من آزاد شدم. چند ماه از آزادی من نگذشته بود که مسافرتی به همدان داشتم. در همدان علماء و غیرعلماء به دیدن بنده آمدند. تابستان بود، من در مدرسه همدان، درسی شروع کردم که مورد استقبال واقع شد. ساواک همدان از این موضع که جوانهای شهر و مردم با من رابطه داشتند و به درس و بحث می‌آمدند نگران بود؛ به این جهت مرا به بهانه‌ای گرفتند و به تهران فرستادند. دوباره روانه زندان قزل قلعه شدم و چندین ماه دیگر در آنجا زندانی گشتم. بعد از آزادی از زندان، مدت زیادی به اصطلاح ممنوع المنبر بودم و حق نداشتم به وعظ و خطابه بپردازم به رفسنجان رفتم. بعد از دو سه منبر، ساواک کرمان مطلع شد و از ادامه جلسات سخنرانی، جلوگیری کرد. روز تاریخی ۱۹ دی ۵۶: از آن تاریخ به قم برگشتم و مشغول درس بحث شدم و در فرصت‌های مناسب و موقعیت‌های گوناگون هدف خود را تعقیب می‌کردم تا این که جریان ۱۹ دی ۵۶ بوجود آمد، و آن به این شرح است: در روزنامه اطلاعات ۱۷ دی ۵۶ مقاله توهین آمیز و تندی علیه حضرت امام، که آن زمان در نجف تشریف داشتند، چاپ شد. انتشار این مقاله، خشم آقایان اساتید و فضلالی حوزه قم را برانگیخت. به همین مناسبت جلسه‌ای در منزل این جانب برگزار شد که در آن آقایان: مشکینی، وحید خراسانی نیز حضور یافتند. در آن جلسه تصمیم گرفته شد که به عنوان اعتراض به انتشار چنین مقاله‌ای در اولین گام حوزه و بازار قم تعطیل شود. حوزه قم و بازار تعطیل شد. فضلالی حوزه و آقایان بازاریها به منزل مراجع و اساتید بزرگ می‌رفتند که در آنجا جلسات سخنرانی در اعتراض به رژیم برگزار می‌شد. روز ۱۹ دی، که قبل از ظهر آقایان به منزل بعضی از اساتید رفته بودند، قرار گذاشته بودند که بعد از ظهر در منزل ما اجتماع کنند. این قرار در نماز جماعات هم اعلام گردیده بود. از حدود ساعت یک بعد از ظهر عده‌ای آمدند و چندین بلندگو داخل منزل و کوچه نصب کردند. رفته رفته جمعیت می‌آمد داخل حیاط و پشت بامها؛ و کوچه از جمعیت متراکم شده بود به گونه‌ای که جمعیت به خیابان رسیده بود. نخست داماد اینجانب آقای سید حسین موسوی تبریزی سخنرانی کردند، سپس بنده وظیفه خود دانستم که صحبت کنم و جنایات رژیم ستمشاهی را به صراحت بیان کنم، لذا سخنرانی جامع و تندی علیه جنایتهای رژیم شاه، انجام دادم. در آن سخنرانی من لازم دانستم که انگشت روی مرکز و منبع اصلی جنایتها بگذارم؛ از این رو مرکزیت را هدف قرار داده و در مقایسه حرکت نجات بخش حضرت امام که از اسلام و قرآن و روش اهل بیت عصمت نشأت می‌گرفت با عکس العملی که از استکبار جهانی و دست نشاندهگان آن صادر شد این اشعار را خواندم: مه فشانند نور و سگ عو عو کند هر کسی بر طینت خود می‌تند چون تو خفاشان بسی بینند خواب کاین جهان ماند یتیم از آفتاب کی شود دریا زپوز سگ نجس کی شود خورشید از پف منظمس در شب مهتاب مه را بر سماک از سگان و عوعو ایشان چه باک کارک خود می‌گذارد هر کسی آب نگدارد صفا بهر خسی ای بریده آن لب و حلق و دهان که کند تف سوی ماه آسمان خس، خسانه می‌رود بر روی آب آب صافی می‌رود بی‌اضطراب مصطفی مه می‌شکافد نیمه شب ژاژ میخاید ز کینه بو لهب آن مسیحا مرده زنده می‌کند آن جهود از خشم سبلیت می‌کند مردم از این صحبت جامع و منطقی و کوبنده شارژ شدند و با شعارهای تند از منزل حرکت کردند. من خود نیز، لازم دانستم که با مردم حرت کنم. آمدیم بیرون، از کوچه که گذشتیم وارد خیابان شدیم. ابتدای جمعیت به چهارراه مقابل کلانتری رسیده بود. در اینجامزدوران رژیم، مردم را به گلوله بستند و با سلاح گرم به مردمی که هیچگونه وسیله دفاعی نداشتند حمله کردند. عده‌ای از مردم شهید شدند؛ عده‌ای مجروح و زخمی و عده‌ای هم توانستند جان سالم بدر برند. همین جریان، موجب حرکت و قیام مردم در دیگر شهرهای مختلف ایران شد. به مناسبت بزرگداشت شهدای این روز، قیام فراگیر ملت ایران از تبریز آغاز و رفته رفته تمام ایران را فرار گرفت. به همین مناسبت کوچه ما کوچه قیام نام گذاری شد. و وقتی حضرت امام (رحمه الله) به قم مشرف شدند به منزل ما نیز تشریف آوردند، و به محضر ایشان عرض شد که انقلاب اسلامی از این خانه آغاز شده است. بعد از جریان این سخنرانی در روز ۱۹ دی، در انتظار این بودم که ساواک دنبالم بیاید و دستگیرم کند؛ به این جهت در تهران کاری داشتم رفتم که آن را انجام دهم. وقتی به تهران رفته بودم. شبانه به منزل ما ریخته و همه جا را گشته بودند. وقتی از تهران برگشتم

و جریان را به من گفتند. خودم را بیشتر آماده کردم و بعد از خداحافظی و آماده شدن، به ساواک تلفن زد و گفتم: اگر با من کاری دارید از تهران برگشته‌ام. حدود نیم ساعت بعد آمدند و مرا به شهربانی قم بردند، و از آنجا مرا به خلخال تبعید کردند. تبعیدی من در خلخال چندین ماه به طول انجامید. در این مدت نسبت به من سخت‌گیری فراوان میشد. هر روز لازم بود به شهربانی رفته و دفتری را امضا کنم. منزل ما را شدیداً کنترل می‌کردند؛ حتی رفت و آمدهای عادی را زیر نظر داشتند. تهیه ارزاق عمومی را برای ما مشکل کرده بودند و به کسبه سفارش می‌کردند که از فروش اجناس مورد لزوم به ما خودداری کنند. یک روز صبح که برای امضا دفتر رفته بودم؛ به من گفته شد که دیگر به منزل برنگردم؛ چون می‌خواستند مرا به سقز ببرند. هر چه اصرار کردم که بروم و حداقل خبر بدهم پذیرفته نشد. مرا به همراه چند مأمور به سقز منتقل کردند. در سقز چند نفر دیگر از آقایان نیز تبعید بودند. دوران تبعید را با مشکلات فراوان سپری می‌کردیم. دولت شریف امامی که روی کار آمد برای کسب و جاهت - به اصطلاح - زندانی‌های سیاسی را آزاد می‌کرد و تبعیدیها را برمی‌گرداند. در این زمان نیز من از تبعید گاه آزاد شدم. از آخرین تبعید گاه خود یعنی سقز کردستان که آزاد شدم امام خمینی «رضوان الله علیه» در پاریس «نوفل لوشاتو» بودند، پس از چند روز در قم به پاریس رفته، در نوفل لوشاتو به محضر مقدس امام «رضوان الله علیه» شرفیاب و چند روز در جلساتی که در محضر آن پرچمدار نهضت اسلامی و استاد بزرگ تشکیل می‌شد شرکت می‌نمودم و چند دفعه با معظم له ملاقات خصوصی داشتم. و در هنگام محرت برای ایران به بنده ورقه‌ای که با خط مبارک خود نوشته و مطالبی که درباره حکومت اسلامی بعد از سقوط رژیم ستم شاهی در آن مرقوم داشته بودند دادند که بنده آنرا با آقایان دکتر بهشتی و استاد مطهری مورد مذاکره قرار بدهم و نتیجه را به نوفل لوشاتو گزارش بدهم که انجام دادم. تلاش برای اعلام مرجعیت حضرت امام خمینی (رحمه الله):

از جمله جریانهایی که در آن دوران پیش آمد، جریان در گذشت آیه الله العظمی حکیم (ره) بود. ما به لحاظ خصوصیات علمی و دیگر خصائص روشن و بارزی که در حضرت امام، سراغ داشتیم، تصمیم گرفتیم کاری کنیم که چهره ایشان، خارج از حوزه‌های علمیه نیز برای مردم بهتر و کاملتر شناخته شود. از این جهت تصمیم گرفتیم اعلامیه‌ای بدهیم که: بعد از مرحوم آقای حکیم، مردم به حضرت امام مراجعه کنند. دوازده نفر از مدرسین حوزه علمیه قم، که اینجانب نیز جزء ایشان بودم این اعلامیه را در تأیید مرجعیت حضرت امام بعد از مرحوم آقای حکیم امضاء کرده و پخش کردیم. علمای شهرستانها از این اعلامیه استقبال خوبی کردند و در بعضی از مراکز، آقایان اعلامیه را روی منبر برای مردم خوانده بودند که تأثیری گذاشته بود. بعد از صدور این اعلامیه، منتظر بودم که دنبالم بیایند؛ چرا که می‌دانستم صدور چنین اعلامیه‌ای بی‌عاقبت نیست. همین طور هم شد، یک روز ظهر مأمورین ساواک به منزل ما ریختند، و ما در این جریانات نیز به وظیفه خود عمل کردیم. مسافرت‌های علمی - فرهنگی:

آیت ا... العظمی نوری همدانی با الهام از توصیه قرآنی مبنی بر «سیروافی الارض» سفرهای زیادی به اقصا نقاط جهان داشته و در این سفرها ضمن انجام مباحثات علمی با برخورد با افکار و فرهنگهای گوناگون بر تجارب خویش می‌افزودند. ایشان در مورد مسافرت‌های خارج از ایران خود چنین می‌فرمایند: من در سال ۵۸ و ۵۹ که نماینده حضرت امام در اروپا بودم و به آن دیار رفت و آمد داشتم در ظرف این دو سال در موقع تحصیل در قم اشتغال به تدریس داشتم ولی در موقع تعطیلی حوزه به کشورهای اروپا از قبیل: انگلستان، فرانسه، آلمان، اتریش، ایتالیا، سوئد، بلژیک، هلند، دانمارک، سوئیس، نروژ، فنلاند، اسپانیا، یونان، و ترکیه مسافرت می‌کردم، و در طی ملاقاتها و مصاحبه و تشکیل مجالس حقایق اسلام و عظمت انقلاب اسلامی را بیان می‌کردم، و به سؤالات علمی و مذهبی با توفیق خداوند پاسخ می‌دادم، و سفرهائی به پاکستان و یک سفر هم به تایلند، پاکستان، بنگلادش و هندوستان رفته‌ام و در این سفرها علاوه بر معاشرت با فرقه‌های گوناگون و بیان معارف و مبانی اسلام، توجه بیشتر به بیان مزایای انقلاب اسلامی ایران و نشان دادن چهره استکبار جهانی بود.

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۰۵، مشهد.

درگذشت: ۱۵ آبان ۱۳۷۱، مشهد.

آیت‌الله مهدی نوغانی، فرزند میرزا علی‌اکبر نوغانی مؤلف «سه مقاله‌ی نوغانی» و «دو مقاله‌ی نوغانی»، پس از تحصیل دوره‌ی ابتدایی، به حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان پیوست و در مدرسه نواب به تحصیل اشتغال یافت. استادان آیت‌الله نوغانی به شرح زیر بودند: آیت‌الله علی‌اکبر نوغانی، آیت‌الله عبدالجواد ادیب نیشابوری (ادیب اول)، آیت‌الله محمدتقی ادیب ثانی، آیت‌الله احمد مدرس، آیت‌الله هاشم قزوینی، آیت‌الله مهدی اصفهانی خراسانی، آیت‌الله سید محمدهادی میلانی.

در تابستان سال ۱۳۳۳ آیت‌الله میلانی به مشهد رفت و ابتدا حدود یک سال در منزل آیت‌الله مهدی نوغانی اقامت گزید و از ایشان مدت چهارده سال از دروس آیت‌الله میلانی بهره برد و مراتب علمی‌اش مورد تأیید آیت‌الله میلانی قرار گرفت. همچنین به دستور وی امامت جماعت مسجد فاضل را پذیرفت. آیت‌الله نوغانی خود نیز به تدریس و تربیت طلاب اشغال ورزید و کتاب‌های المعالم الاصول و مکاسب شیخ مرتضی انصاری را درس می‌داد و در کار تدریس جدیت داشت. وی مدت بیست و دو سال تفسیر تدریس می‌کرد و در این مدت یک بار تفسیر تمام قرآن تدریس شد و بار دوم تا آیه‌ی دهم از سوره «انبیاء» تفسیر شد، از جمله فعالیت‌های دیگر ایشان تدریس نهج‌البلاغه، اقامه‌ی مجالس عزاداری و ذکر مصیبت و قرائت دعای کمیل، تصدی مدیریت چند مدرسه علمیه و از جمله مدرسه‌ی باقریه، ایجاد صندوق قرض‌الحسنه «جاوید» و مشارکت در تأسیس مؤسسه‌ی خیریه‌ی حضرت ولی‌عصر (ع) (انصار الحجّه) بود. آیت‌الله نوغانی در مبارزات علیه نظام پهلوی نیز مشارکت فعال داشت و اعلامیه‌هایی که صادر می‌شد، امضاء می‌کرد. از نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲ وارد این مبارزات شد و در حرکت انقلاب خراسان سهم مؤثری داشت. وی همچنین سفرهایی به کشورهای خارجی (و از جمله کویت) برای تبلیغ اسلام داشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

نوقاتی سجستانی، ابو عمر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۲ ق)، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. اصل وی از نوقات، از توابع سیستان است. در طلب حدیث به خراسان مسافرت کرد و در هرات، مرو، بلخ و ماوراءالنهر حدیث شنید. وی از ابو عبدالله محمد بن اسحاق قرشی و حاکم ابو عبدالله نیشابوری و ابوحاتم ابن حبان بستی و ابویعلی عبدالؤمن بن خلف نسفی و محمد بن خیو بن حامد ترمذی و ابی‌حامد احمد بن محمد بن حسین بوشنجی و عبدالرحمان بن محمد بن علویه ابهری و ابوسلیمان خطابی و دیگران حدیث شنید. دو فرزندش، عمر و عثمان، و نیز علی بن بشری لثی و علی بن طاهر شروطی و حسین بن محمد کرابیسی و قاسم بن عباس صلحی و احمد بن سعید تونی و جماعتی دیگر از وی روایت نموده‌اند. از آثارش: «آداب المسافرین»؛ «العتاب» یا «العتاب و الاعتاب»؛ کتاب «التعظّه»؛ کتاب «الشیب»؛ کتاب «صون

المشيب؛ «الرياحين» يا «فضل الرياحين»؛ كتاب «العلم» يا «العلم والعلماء»؛ «محنة الظراف في اخبار العشاق»؛ «معاشره الاهلين»؛ المسلسلات».

بر گرفته از كتاب: اثر آفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه: سير النبلاء (۱۴۵- ۱۴۴ / ۱۷)، لغت نامه (ذيل / نوقاتی)، معجم الادباء (۲۰۸- ۲۰۵ / ۱۷)، معجم البلدان (۵ / ۳۶۰)، معجم المؤلفين (۹ / ۷، ۲۶۶- ۲۶۵ / ۸)، الوافي بالوفيات (۹۱- ۲ / ۹۰)، هديه العارفين (۲ / ۵۳).

نيريزي، ارشدالدين، ابوالحسن علي

قرن: ۶

جنسيت: مرد

مليت: ايران

(وف ۶۰۴ ق)، عالم ديني، فقيه، محدث، مفسر و اديب. در «مجمل فصيحی» و «فارسنامه‌ی ناصری» نام وی محمد بن علي ذکر شده است. او جامع علوم شرعيه و در علم تفسير و حديث متبحر بود. مدتها در مسجد جامع عتيق شيراز امامت نمود و نوشته‌اند که به مدت هفتاد سال عهده‌دار منصب افتاء بود. او را عالمی خيرخواه و داراي اخلاق نيكو و اوصاف مرضيه دانسته‌اند. در طلب علم به حجاز و عراق مسافرت نمود و مشايخ و علمای بزرگی چون: شيخ توران كبير، زاهد ابومنصور، ابوالوفا احمد بن ابراهيم فيروزآبادی، ابومقاتل مناور بن فرکوه ديلمی را درک نمود. شيخ روزبهان بقلی شيرازی و سراج‌الدين مكرم قاضی القضاة فارس و عارف معروف عزالدين مودود زرکوب و فرزندش، عمادالدين ابوالفضل محمد بن مودود زرکوب، و ملك معين‌الدين ابوذر کتکی مفتی از شاگردان او بودند. در شيراز درگذشت و در رباطی که خود در نزديکی مصلاي شيراز بنا کرده بود، دفن شد. از آثارش: «مجمع البحرين»، در تفسير و تأويل، در ده مجلد؛ «تنوير المصابيح»، در شرح «المصابيح»، در حديث؛ «باکوره الطلب لاهل الادب».

بر گرفته از كتاب: اثر آفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه: شد الازار (۳۷۶- ۳۷۲)، شيرازنامه (۱۷۰- ۱۶۹)، فارسنامه ناصری (۲ / ۱۵۶۷)، مجمل فصیحی (ذيل / سال ۶۰۴)، معجم المؤلفين (۷ / ۲۲۴).

نیشابوری، ابوالحسن علي

قرن: ۵

جنسيت: مرد

مليت: ايران

(وف ۴۹۱ ق)، مفسر، عالم دينی و زاهد. اهل نيشابور بود. مراتب علم و فضل، همچنين زهد و اخلاق او را ستوده‌اند و وی را دانای به تفسير و عالم در اين فن دانسته‌اند. وی از شاگردان ابوالحسن واحدی مفسر بود. از ابوعثمان صابونی و ابوعثمان بحیری و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن و عبدالغفار فارسی و جمعی ديگر حديث شنيد. از آثارش: كتاب «التفسير»؛ «زاد الحاضر والبادی»؛ كتاب «مكارم الاخلاق».

بر گرفته از كتاب: اثر آفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه: طبقات الشافعيه اسنوی (۲ / ۲۲۳)، طبقات الشافعيه سبکی (۲۵۹- ۲۵۸ / ۵)، معجم المؤلفين (۷ / ۱۰۶)، الوافي بالوفيات (۲۱ / ۱۵۰).

نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۵۵ ق)، حافظ و محدث. از محمد بن ایوب بجلي رازی و محمد بن ابراهیم بوشنجی و یوسف بن یعقوب قاضی و ابو عمر قتات و محمد بن عمرو قشمری و همطبقه‌ی آنها در خراسان و جبال و عراق حدیث شنید. عبدالله بن سعد حافظ گوید بیش از هزار حدیث از ابوالحسن نیشابوری نوشتم. پدرش و عمویش، عبدوس بن حسین، از وی روایت کرده‌اند. در اواخر عمر بینایی خود را از دست داد و در نیشابور درگذشت. از آثارش: کتاب «الحديث»، که آن را به شیوه‌ی ابن خزیمه تألیف نموده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۸۸۶- ۸۸۵ / ۳)، سیر النبلاء (۶۷- ۶۶ / ۱۶)، شذرات الذهب (۱۷ / ۳)، طبقات الحفاظ (۳۷۹)، معجم المؤلفین (۱۸۸ / ۹)، هدیة العارفين (۴۶ / ۲).

نیشابوری، ابوالفضل احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۲۸۰ ق)، حافظ و محدث. حاکم نیشابوری گوید که وی یکی از ارکان حدیث بود. از هدبه بن خالد و شیبان بن فروخ و سهل بن عثمان عسکری و ابامصعب زهری و اسحاق بن راهویه و عبیدالله بن معاذ عنبری و عمرو بن زراره نیشابوری و احمد بن یحیی بلخی و حسن بن عمر بلخی و سلیمان بن داوود زهرانی و محمد بن رافع قشیری و محمد بن مهران رازی و جماعتی دیگر حدیث شنید. بخاری در «صحیح» خود و ابو حامد بن شرقی و ابن اخرم ابو عبدالله شیبانی و احمد بن اسحاق صیدلانی و محمد بن صالح بن هانی و ابوالفضل محمد بن ابراهیم هاشمی و علی بن عیسی حیری و ابوزکریا یحیی بن محمد عنبری از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نیشابور (۱۱۲)، تذکره الحفاظ (۶۴۶- ۶۴۵ / ۲)، تهذیب التهذیب (۸۰- ۷۹ / ۱)، تهذیب الکمال (۲۸۸- ۲۸۷ / ۱)، سیر النبلاء (۵۶۵- ۵۶۴ / ۱۳)، شذرات الذهب (۲۰۵ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۰۴)، معجم المؤلفین (۱۹۶ / ۲).

نیشابوری، ابوالقاسم سلمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۱۲ / ۵۱۱ ق)، فقیه شافعی، مفسر، متکلم، زاهد و صوفی. ملقب به امام المتکلمین. اصل وی از ارغیان، از قرای نیشابور بود. در نیشابور به دنیا آمد. علم حدیث و تصوف را در نزد ابوالقاسم قشیری تحصیل کرد. سپس به حجاز و بغداد و شام مسافرت کرد و مشایخ آن روزگار را درک نمود. آنگاه به نیشابور بازگشت و ملازم امام الحرمین جوینی گردید. وی در فقه از شاگردان

امام‌الحرمین و در علم طریقت و فن تصوف صاحب قدم و اهل عمل بود. از فضل‌الله میهنی و ابوحسین عبدالغافر فارسی و ابوحسین بن مکی و کریمه مروزیه و ابوصالح مؤذن و ابوالقاسم قشیری و جماعتی دیگر روایت کرد. ابن‌سمعانی از وی اجازه روایت داشت. در نیشابور درگذشت. از آثارش: شرح «الارشاد» امام‌الحرمین جوینی، در علم کلام؛ «الغنیة»، در فقه شافعی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۷۱- ۱۷۰/۳)، سیرالنبلاء (۴۱۲/۱۹)، شذرات الذهب (۳۴/۴)، طبقات الشافعیه ابن قاضی شهبه (۲۸۴- ۲۸۳/۱)، طبقات الشافعیه اسنوی (۴۳- ۴۲/۱)، طبقات الشافعیه سبکی (۹۹- ۹۶/۷)، طبقات المفسرین داودی (۱۹۴- ۱۹۳/۱)، کشف‌الظنون (۱۴۳۴، ۱۲۱۲، ۶۸)، معجم‌المؤلفین (۴/۲۴۰)، الوافی بالوفیات (۱۵/۳۱۴).

نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۱۸/۳۱۹- ۲۴۲ ق)، فقیه شافعی، محدث، حافظ، مجتهد و مفسر. اصلش از نیشابور و ساکن مکه و شیخ‌الحرم و شیخ‌الاسلام شافعیه بود. از محمد بن عبدالله بن عبدالحکم مصری و ربیع بن سلیمان مرادی و محمد بن اسماعیل صائغ و محمد بن میمون و علی بن عبدالعزیز روایت کرد. ابوبکر بن مقری و محمد بن یحیی بن عمار دمیاطی و حسن بن علی بن شعبان و برادرش، حسین بن علی بن شعبان و ابوطاهر محمد بن ابراهیم اصفهانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی در علم خلاف متبحر بود. در مکه درگذشت. در بعضی از مآخذ سال وفات وی ۳۰۹ یا ۳۱۰ ق ذکر شده است. اما ذهبی گوید که این تاریخ درست نیست چرا که ابن‌عمار دمیاطی در ۳۱۶ ق او را ملاقات کرده است. از آثار او: «المبسوط»، در اختلاف آرای فقهی علمای مذاهب؛ «الاشراف فی معرفة الخلاف» یا «الاشراف فی اختلاف العلماء»؛ «الاوسط» که در واقع اصل کتاب «الاشراف» است؛ «التفسیر» یا «تفسیر القرآن»، در چندین مجلد؛ «جامع الاذکار»؛ کتاب «الاجماع»؛ «الاقناع»؛ کتاب «السنن والاجماع والاختلاف». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/۱۸۴)، ایضاح‌المکنون (۳۵۰- ۳۴۹/۱)، تذکره الحفاظ (۷۸۳- ۷۸۲/۳)، سیرالنبلاء (۴۹۲- ۴۹۰/۱۴)، شذرات الذهب (۲/۲۸۰)، طبقات الحفاظ (۳۴۷)، طبقات الشافعیه ابن قاضی شهبه (۹۹- ۹۸/۱)، طبقات الشافعیه سبکی (۱۰۸- ۱۰۲/۳)، طبقات المفسرین داودی (۵۱- ۵۰/۲)، کشف‌الظنون (۱۳۸۵، ۴۶۰، ۴۴۰، ۲۰۲- ۲۰۱، ۱۰۳)، لسان‌المیزان (۶۲۸- ۶۲۶/۵)، معجم‌المؤلفین (۸/۲۲۰، ۱/۱۱۵)، میزان الاعتدال (۳/۴۳۶)، الوافی بالوفیات (۱/۳۳۶)، وفیات الاعیان (۴/۲۰۷)، هدیة‌العارفین (۳۱/۲).

نیشابوری، ابوزکریا یحیی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۲۶- ۱۴۲ ق)، فقیه، حافظ و محدث. شیخ‌الاسلام و عالم خراسان بود. اصل وی از مرو است. محدثین اهل سنت مراتب فضل و کمال زهد و ورع او را ستوده‌اند و از قول احمد بن حنبل نقل شده که از خراسان، پس از ابن‌مبارک، کسی همانند یحیی بن یحیی

برنخاسته است. در خراسان، حجاز، عراق، شام و مصر به طلب حدیث پرداخت. او از تابعین، کثیر بن سلیم را ملاقات کرد و از او حدیث آموخت. همچنین از عبدالله بن جعفر مخرمی و یزید بن مقدم و مالک و سلیمان بن بلال و شریک قاضی و لیث بن سعد و ابراهیم بن سعد و داوود بن عبدالرحمان عطار و مسلم بن خالد و اسماعیل بن علی و جعفر بن سلیمان ضبعی و حماد بن سلمه و حمید بن عبدالرحمان رواسی و ابن الاحوص وابوقدومه حارث بن عبید ایادی و جریر بن عبدالحمید و اسماعیل بن جعفر مدنی و اسماعیل بن عیاش و حفص بن غیاث نخعی و معاویه بن عمار دهنی و معاویه بن سلام حبشی و محمد بن مسلم طائفی و یوسف بن یعقوب ماجشون و عبدالرحمان بن ابی الزناد و ابن فضیل و سفیان بن عیینه و عبدالله بن مبارک و عبدالعزیز بن محمد درآوردی و محمد بن ثابت عبدی و معتمر بن سلیمان و مغیره بن عبدالرحمان حزامی و هشام بن بشیر و وکیع بن جراح و یزید بن هارون و ابوبکر بن عیاش و جماعتی دیگر روایت کرد. مسلم و بخاری و ترمذی و نسایی و حمید بن زنجویه و محمد بن نصر مروزی و محمد بن یحیی ذهلی و فرزندش، یحیی بن محمد بن یحیی ذهلی، و ابوازهر احمد بن ازهر و اسحاق بن راهویه و عبدالله بن عبدالرحمان دارمی و احمد بن یوسف سلمی و احمد بن سلمه نیشابوری و فضل بن یعقوب رخامی و محمد بن اسلم طوسی و ابواحمد فراء و یعقوب بن سفیان فارسی و احمد بن سیار و عثمان بن سعید دارمی و زکریا بن داوود خفاف و ابراهیم بن علی ذهلی و داوود بن حسین بیهقی و علی بن حسین صفار و محمد بن عبدالسلام بن بشار وراق و حسین بن منصور سلمی و عبیدالله بن فضاله نسائی و عصمه بن ابراهیم نیشابوری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در نیشابور درگذشت و در این شهر به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/۲۲۳)، التاريخ الكبير (۸/۳۰۱)، تذکره الحفاظ (۴۱۶-۴۱۶/۲)، تهذیب التهذیب (۲۶۰-۲۵۷/۱۱)، تهذیب الکمال (۲۵۷-۲۵۳/۲۰)، الجرح والتعديل (ج ۴، ق ۱۹۷/۲)، سیر النبلاء (۵۱۹-۵۱۲/۱۰)، شذرات الذهب (۲/۵۹)، طبقات الحفاظ (۲۰۱-۲۰۰)، العبر (۱/۳۱۲)، الکامل (۵/۲۶۴)، المنتظم (۳۵۰-۳۴۸/۶)، النجوم الزاهرة (۲/۳۰۲).

نیشابوری، ابوسعید، ابوسعید عبدالملک

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۰۶/۴۰۷ ق)، فقیه شافعی، محدث، مفسر، وعظ و زاهد. معروف به ابوسعید یا ابوسعید خرگوشی. نزد ابوالحسن ماسرجسی فقه آموخت. در طلب حدیث به عراق سفر کرد. پس از آن به سوی حجاز رهسپار گشت. و در مکه مجاور شد. سپس به خراسان مراجعت نمود و طریق زهد و خدمت به خلق پیشه کرد. وی از حامد بن محمد رفاء و یحیی بن منصور قاضی و اسماعیل بن نجید و محمد بن حسن سراج و ابواحمد شیبانی نیشابوری و محمد بن عبدالملک نسوی و بشر بن احمد اسفراینی و علی بن بندار صوفی و ابواسحاق مزکی و ابوعمرو بن مطر و ابوسهل صعلوکی روایت کرد. حاکم نیشابوری و حسن بن محمد خلال و ابوالقاسم تنوخی و علی بن محمد حنایی و ابوعلی اهوازی و حافظ ابوبکر بیهقی و عبدالعزیز ازجی و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن و ابوبکر ابن خلف شیرازی و ابوالقاسم ازهری و جمعی دیگر از وی روایت نموده‌اند. مرتبه‌ی وی را در فقاہت و زهد ستوده‌اند. و او را از دانشمندانی دانسته‌اند که علاوه بر مقام علمی و زهد به حوائج عامه مردم و فقرا رسیدگی می‌کرده و ابنیه‌ی خیریه‌ای تأسیس می‌نموده است. از جمله بنای بیمارستانی را به وی نسبت می‌دهند. او در نیشابور درگذشت و در خرکوش نیشابور دفن شد. از آثارش: «تهذیب الاسرار فی طبقات الاخیار»؛ «شرف المصطفی (ص)»، در هشت مجلد؛ اللوامع؛ «سیر العباد والزهاد»؛ «شعائر

الصالحین» یا «شعار الصالحین»؛ «دلائل النبوة»؛ کتاب «التفسیر»؛ کتاب «الزهد»؛ «البشارة والندارة».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۳۵۱-۳۵۰/۲)، تاریخ بغداد (۴۳۲/۱۰)، تاریخ نیشابور (۱۶۹)، تذکره الحفاظ (۱۰۶۷-۱۰۶۶/۳)، سیر النبلاء (۲۵۷-۱۷/۲۵۶)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲۲۹-۱/۲۲۸)، طبقات الشافعیه سبکی (۲۲۳-۵/۲۲۲)، العبر (۲/۲۱۴)، کشف الظنون (۱۵۶۹، ۱۰۴۷، ۱۰۴۵، ۵۱۴، ۲۴۵)، لب اللباب (۱/۲۸۱)، معجم البلدان (۴۱۳-۲/۴۱۲)، معجم المؤلفین (۱۸۹-۱۸۸، ۱۰۸/۶)، المنتظم (۹/۱۴۶)، هدیة العارفين (۱/۶۲۵).

نیشابوری، ابوسعید احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۵۳-۲۸۸ ق)، حافظ و محدث. وی از مرزداران بلاد اسلامی در سرحدات روم بود. در خراسان، عراق و جبال از ابو عمرو خفاف و عبدالله بن شیرویه و حسن بن سفیان و هیشم بن خلف دوری و حامد بن شعیب و قاسم بن فضل رازی و همطبقه‌های آنها حدیث شنید. حاکم نیشابوری از او روایت کرده است. وی در طرسوس به شهادت رسید. از آثارش: «التفسیر الکبیر» یا «تفسیر النیشابوری القدیم»؛ «الصحیح المخرج علی کتاب مسلم»؛ «الابواب» یا «الابواب والشیوخ».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۳/۹۲۰)، سیر النبلاء (۱۵/۲۵۸)، شذرات الذهب (۳/۱۲)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲۷۱-۲۷۰/۲)، طبقات الشافعیه سبکی (۳/۴۳)، کشف الظنون (۴۶۰)، معجم المؤلفین (۲/۱۰۵)، هدیة العارفين (۱/۶۴).

نیشابوری، ابو عبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۴۵ ق)، حافظ، محدث و زاهد. اهل نیشابور بود. حاکم نیشابوری او را شیخ عصر خویش در خراسان می‌داند وی از ابن عیینه و سلیمان بن داوود طیالسی و حسین بن علی جعفی و عبدالله بن ابراهیم صنعانی و ابراهیم بن عمر صنعانی و اسماعیل بن عبدالکریم صنعانی و سریق بن نعمان و هشام بن سعید طالقانی و اسحاق بن سلیمان رازی و حسین بن محمد مروزی و حفص بن عبدالرحمان بلخی و ابوقتیبه و شبابه بن سوار و عبدالله بن نمیر و عبدالرزاق بن همام و علی بن حسین مروزی و محمد بن بشر عبدی و معن بن عیسی قزاز و وکیع بن جراح و یونس بن بکیر شیبانی و ولید بن عقبه شیبانی و یحیی بن یحیی نیشابوری و وهب بن جریر و یحیی بن اسحاق و عبدالله بن ادریس و دیگران حدیث شنید. بخاری و مسلم و ابوداوود و نسائی و ترمذی در «صحاح» خود و نیز ابوزرعه رازی و ابوحاتم رازی و ابراهیم بن ابی‌طالب و محمد بن یحیی ذهلی و ابن خزیمه و ابوالعباس سراج و حاجب بن احمد طوسی و احمد بن سلمه و اسحاق بن ابراهیم نیشابوری و تمیم بن محمد طوسی و جعفر بن محمد بن سوار و زنجویه بن محمد و ابن شاذان و محمد بن عقیل خزاعی و محمد بن نعیم نیشابوری و ابواللیث انصاری و یحیی بن زکریا نیشابوری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/۳۵۹)، التاريخ الكبير (۸۲- ۱/۸۱)، تاريخ نيشابور (۹۷)، تذکره الحفاظ (۵۱۰- ۲/۵۰۹)، تهذيب التهذيب (۱۳۸- ۹/۱۳۶)، تهذيب الكمال (۲۷۰- ۱۶/۲۶۷)، الثقات (۹/۱۰۲)، الجرح والتعديل (ج ۳، ق ۲/۲۵۴)، سير النبلاء (۲۱۸- ۱۲/۲۱۴)، شذرات الذهب (۲/۱۰۹)، طبقات الحفاظ (۲۴۶- ۲۴۵)، العبر (۱/۳۵۰)، النجوم الزاهرة (۲/۳۸۵)، الوافی بالوفیات (۶۸/۳).

نیشابوری، ابوعلی حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۹- ۲۷۷ ق)، حافظ، محدث و فقیه. در نیشابور به دنیا آمد. او از مشایخ حاکم نیشابوری است. در نیشابور از ابراهیم بن ابی طالب و علی بن حسن صفار و عبدالله بن شیرویه و ابن خزیمه و احمد بن محمد ماسرجسی و جعفر بن احمد حافظ و در هرات از حسین بن ادریس و محمد بن عبدالرحمان سامی و در نسا از حسن بن سفیان و در جرجان از عمران بن موسی بن مجاشع و در مرو از عبدالله بن محمود و در ری از ابراهیم بن یوسف هسنجانی و در بغداد از عبدالله بن ناجیه و محمد بن حبان و قاسم مطرز و در کوفه از محمد بن جعفر قتات و در بصره از ابوخلیفه جمحی و زکریا ساجی و در واسط از جعفر بن احمد بن سنان و در اهواز از عبدان اهوازی و در اصفهان از محمد بن نصیر و در موصل از ابوعلی بن مثنی و در مصر از ابو عبدالرحمان نسائی و در غزه از حسن بن فرج عزی و در مکه از مفضل جندی و در شام از اصحاب ابراهیم بن علا و معافی بن سلیمان حدیث شنید. ابوبکر احمد بن اسحاق صبغی و ابوولید فقیه و ابن منده و حاکم و ابو عبدالرحمان سلمی و ابوطاهر بن محمش و دیگران از وی روایت کرده‌اند. صاحب عنوان را به قوت حافظه و کثرت احادیثی که از حفظ داشته است ستوده‌اند. به ویژه شاگردش حاکم نیشابوری او را یگانه عصر خود در حفظ حدیث، زهد و ورع می‌داند. او در نیشابور درگذشت و در مقبره‌ی باب معمر دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۶۶)، تاريخ بغداد (۷۲- ۸/۷۱)، تاريخ نيشابور (۲۲۴، ۱۶۰)، تذکره الحفاظ (۹۰۵- ۳/۹۰۲)، سير النبلاء (۵۹- ۱۶/۵۱)، شذرات الذهب (۲/۳۸۰)، طبقات الحفاظ (۳۸۵- ۳۸۴)، طبقات الشافعيه ابن قاضي شهيه (۱/۱۲۸)، طبقات الشافعيه اسنوي (۲/۲۷۰)، طبقات الشافعيه سبكي (۲۸۰- ۳/۲۷۶)، العبر (۲/۸۱)، معجم البلدان (۳۸۴- ۵/۳۸۳)، المنتظم (۸/۳۰۰)، النجوم الزاهرة (۳/۳۷۰).

نیشابوری، ابوعمرو محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۹۶ ق)، حافظ و محدث. او را از حفاظ حدیث و ثقه دانسته‌اند. در طلب علم به عراق و حجاز سفر کرد. از پدرش و یحیی بن منصور قاضی و عبدالله بن محمد کعبی و محمد بن مومل بن حسن و ابابکر قطیعی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. فرزندش، ابوعثمان سعید بن محمد بحیری، و ابو عبدالله حاکم نیشابوری و ابوالعلاء واسطی و محمد بن شعیب رویانی از وی روایت کرده‌اند.

در نیشابور در گذشت و در مقبره‌ی ملقباد دفن گردید. از آثارش: «الاربعون المرویه» یا «اربعون حدیثاً».
بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/۲۹۱)، ایضاح المکنون (۱/۵۳)، تاریخ نیشابور (۱۷۵)، تذکره الحفاظ (۱۰۸۳-۱۰۸۲/۳)، سیر النبلاء (۱۷/۹۰)، شذرات الذهب (۳/۱۴۸)، طبقات الحفاظ (۴۳۸)، معجم المؤلفین (۹/۳)، المنتظم (۹/۹۲)، هدیة العارفين (۵۷/۲).

نیشابوری، نجم‌الدین، ابوالقاسم محمود

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۵۰ ق)، فقیه، مفسر، ادیب، لغوی و شاعر. ملقب به بیان الحق. مؤلف «معجم الادباء» وی را عالمی بارع و مفسری دانشمند توصیف کرده است. او در علم لغت و فقه متبحر بود. همچنین وی را متفنن در علوم و تصانیف او را کم‌نظیر دانسته‌اند. از آثارش: «ایجاز البیان فی معانی القرآن»؛ «خلق الانسان»؛ «جمل الغرائب»، در تفسیر حدیث؛ «التذکره والتبصره».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/۴۳)، کشف الظنون (۱۲۰۵، ۷۲۲، ۶۰۲، ۶۰۱-۶۰۲، ۳۹۳، ۲۰۵)، معجم الادباء (۱۲۵-۱۲۴/۱۹)، معجم المؤلفین (۱۵۸-۱۵۷/۱۲).

وائقی نیا، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین وائقی نیا

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۳۶ شمسی در قم متولد شدم. پیش از هفت سالگی، قرائت قرآن و نوشتن و خواندن را در مکتب خانه آموختم و در تابستان سالهای بعد تکمیل کردم. هنگامی که به هفت سالگی رسیدم به دبستان دولتی رفتم و پس از گذراندن دوره شش ساله دبستان، به دبیرستان رفتم. در نیمه سال چهارم دبیرستان بود که آن را رها کردم و به حوزه پیوستم. (سال ۱۳۵۲ ش)

مقدمات را نزد اساتید متعدد از جمله: «مرحوم حاج شیخ محمد علی»، معروف به مدرس افغانی فرا گرفتم. بیشتر شرح لمعه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ قدرت الله وجدانی فخر»، و بقیه را نزد چند نفر دیگر فرا گرفتم. بخش عمده رسائل را نزد «آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی» و بقیه را نزد «آیت الله حاج شیخ حسین کریمی قمی» آموختم. مکاسب و قسمت عمده کفایه را نزد

مرحوم «آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده اراکی» گذراندم و بخشی از کفایه را نزد «آیت الله حاج سید محمد حسینی کاشانی» خواندم که در حقیقت خارج آن را برای ما می گفت و شیوه نقد آرائی بزرگان را به ما می آموخت. خارج فقه و اصول فقه از دروس اساتید گرامی همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی»، به مدت بیست سال بهره بردم و بسیاری از تقریرات دروس آن بزرگان را نوشتم و اگر چیزی بر خلاف نظر استاد به ذهنم آمد؛ در پاورقی به عنوان «يقول التلميذ» یادداشت کردم که همه به صورت مسوده باقی است و چون خود آن اساتید عزیز یا برخی از شاگردانشان در صدد چاپ آن دروس برآمدند من به پاکنویس و چاپ آنها دست نزددم. فلسفه و عرفان را نزد اساتید مختلف به ویژه «آیت الله معظم حسن زاده آملی» حاضر شدم.

در سالهای ۵۴ تا ۵۷ همگام با مردم مسلمان ایران و علمای اسلام در مبارزات با رژیم پهلوی شرکت جستیم و با ایراد سخنرانیهای انقلابی و پخش و تکثیر اعلامیه ها و نوارهای کاست انقلابی، به راه حضرت امام خمینی (رحمه الله) پیوستم. دو بار دستگیر شدم؛ «یک بار در قم و یک بار در بوشهر» که برای تبلیغ دهه محرم رفته بودم و مدتی را در زندان همراه با شکنجه بسیار گذراندم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی شغل دولتی نگرفتم. در سالهای ۵۸ تا ۶۰ دو سال در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم همراه با دوستان به تبلیغات مکتوب دست زدیم. در دوره جنگ تحمیلی به تفاریق، بیش از دو سال را در میان رزمندگان گرامی برای تبلیغات اسلامی سپری کردم. هفت سال تمام از آغاز تاسیس (۱۳۷۶) تا اول تابستان ۱۳۸۳ «مدیریت مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام» را که حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی تاسیس کردند به عهده داشتم و موفق به خدماتی شدم مانند: (تاسیس کتابخانه تخصصی فقهی، سایت اینترنتی فعال، بخش آموزش، بخش تحقیقات، و چاپ بیش از بیست جلد کتاب) که امیدوارم دوستان، آن فعالیتها را بنگارند.

واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۸ ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث، نحوی، لغوی و مدرس. اصل وی از ساوه بود. در نیشابور به دنیا آمد و برخلاف پیشه‌ی اجدادش که تجارت بود، او و برادرش عبدالرحمان، به کسب علم پرداختند و در سلک محدثین و علما درآمدند. وی را از نویسندگان بزرگ و امام و استاد بی نظیر عصر خود در ادبیات، تفسیر، حدیث، فقه و نحو دانسته‌اند. او نزد خواجه نظام الملک، وزیر مقتدر سلجوقیان، تقریبی تمام داشت. ادبیات و لغت را نزد ابوالفضل عروسی ادیب و نحو را نزد ابوالحسن ضریر قهندزی و ابوعمران مغربی مالکی فراگرفت و برای تکمیل معلومات خویش به مسافرت پرداخت. وی در علم تفسیر از محضر ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی استفاده نمود. از ابوطاهر بن محمش و قاضی ابوبکر حیری و ابوابراهیم اسماعیل بن ابراهیم واعظ و محمد بن ابراهیم مزکی و عبدالرحمان بن حمدان نصروری و احمد بن ابراهیم نجار و دیگران حدیث شنید. احمد بن عمر ارغیانی و عبدالجبار بن محمد خواری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور درگذشت. در «النجوم الزاهرة» سال وفات وی ۴۶۹ ق ذکر شده است. از آثارش: تفاسیر سه گانه: «البسیط»، «الوسیط» و «الوجیز» که به «الحاوی لجمع المعانی» موسوم و به «تفسیر واحدی» معروف است؛ «اسباب النزول» یا «اسباب التنزیل»؛ «الدعوات والمحصل»؛ «المغازی»؛ شرح «دیوان» متنبی؛ «الاعراب فی الاعراب» یا «الاعراب فی علم الاعراب»، در نحو؛ «تفسیر النبی (ص)»؛ «نفی التحریف عن القرآن الشریف»؛ «التحیر فی شرح الاسماء الحسنی» یا «التنجیز فی شرح اسماء الله الحسنی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶۰-۵۹/۵)، ایضاح المکنون (۶۷۴-۶۷۳/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/۲۶۰)، دمیة القصر (۱۰۲۰-۱۷/۱۰۲)، الذریعه (۲۵/۴۲، ۲۰/۱۸۸، ۴/۳۱۹)، روضات الجنات (۲۳۶-۲۳۴/۵)، ریحانه (۲۸۶-۲۸۵/۶)، سیر النبلاء (۳۴۲-۳۳۹/۱۸)، شذرات الذهب (۳/۳۳۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۸/۵)، طبقات الشافعیه ابن قاضی شهبه (۲۵۸-۲۵۶/۱)، طبقات الشافعیه سبکی (۲۴۳-۲۴۰/۵)، طبقات المفسرین داودی (۳۹۰-۳۸۷/۱)، العبر (۲/۳۲۴)، الکامل (۸/۱۲۳)، کشف الظنون (۲۰۰۲، ۱۷۴۷، ۱۴۶۰، ۱۴۱۷، ۱۲۷۷، ۸۰۹، ۳۵۵، ۲۴۵، ۱۲۵، ۷۶)، الکنی واللقاب (۳/۲۷۷)، معجم الادباء (۲۷۰-۲۵۷/۱۲)، معجم المؤلفین (۲۷-۲۶/۷)، النجوم الزاهره (۵/۱۰۵)، وفیات الاعیان (۳۰۴-۳۰۳/۳)، هدیة الاحباب (۲۶۰)، هدیة العارفین (۶۹۲/۱).

واعظ یزدی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا بن حاج ابراهیم یزدی خراسانی عالمی کامل و فاضلی بارع از مفاخر دانشمندان و گویندگان و معاصر شهرستان یزد بوده‌اند.

تولد آن جناب در سال ۱۲۹۵ قمری در خراسان واقع شده و بعد از آموختن اولیات در سال ۱۳۱۴ مهاجرت به اصفهان نموده و مقدمات علوم را از بعضی از افاضل آنجا آموخته و در سال ۱۳۱۹ به نجف اشرف عزیمت نموده و از محضر مرحوم حاج میرزا حسین خلیلی و مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی صاحب عروه و حاج شیخ هادی تهرانی و بعد به علامه میرزا محمدباقر اصطهباناتی پیوسته و در معیت آن مرحوم به شیراز مسافرت و در سال ۱۳۲۵ قمری به یزد برگشته و به وظائف شرعی از اقامه جماعت و ارشاد مردم از طریق منبر و غیره پرداخته و مسافرت‌های عدیده‌ای به طبرس و مشهد مقدس نموده و در همه جا مردم را از مواعظ حسنه خود بهره‌مند ساخته تا در روز ۲۶ ذی‌الحجه سال ۱۳۷۸ قمری در قریه طزرجان یزد بدرود حیات گفته و مردم علاقمند یزد و حومه آن جنازه وی را از طزرجان که در پنجاه کیلومتری یزد است با دوش خود به شهر یزد آورده و در امامزاده جعفر در مقبره شخصی دفن نمودند.

دارای آثار خالده‌ای مانند کتاب (مفتاح علوم القرآن) که در سال ۱۳۶۱ شروع و در سال ۱۳۶۵ ق تکمیل نموده و در آن تاریخ ولادت و بعضی حالات و اسفار خود را ذکر کرده است می‌باشد.

نگارنده گوید: به خاطر دارم که آن مرحوم در اوائل سال ۱۳۶۳ قمری با فرزند فاضل و برومندش از مکه مراجعت و در قم مورد استقبال گرم و توجه مخصوص مراجع بزرگ و فضلا عالیقدر فراگرفته.

و بنابر اصرار آیات عظام و دانشمندان حوزه چند ماهی اقامت و در مدرسه فیضیه اقامه جماعت و درس تفسیر گذارده و اکابر وقت مانند مرحوم آیت‌الله محقق داماد و غیره شرکت می‌نمودند.

و در همان سال فرزند مذکورش مریض و بدرود حیات گفتند و آقایان دروس را با احترام آن پدر تعطیل و برای تشییع حاضر ولی آن مرحوم درس خود را تعطیل نکرد و فرمود ما برای مرگ فرزندمان درس را تعطیل نمی‌کنیم و بعد از اتمام درس تشییع باشکوهی نمودند و خود آن مرحوم با دلی قرص و بدون اضطراب بر جنازه فرزندش نماز خوانده و پیوسته شکر و ذکر خدا بر زبانش جاری بود و تمام بزرگان از صبر و طاقت او تعجب می‌کردند رحمه‌الله علیه.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

وحید خراسانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج شیخ حسین خراسانی معروف به وحید عالمی محقق و فقیهی مدقق و مدرس علامه و استادی فرزانه مجتهدی کامل و مصنفی فاضل جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول می‌باشد. تولدش در سال ۱۳۰۰ شمسی در مشهد واقع شده و پس از گذراندن دوران صباوت و خواندن ادبیات و سطوح اولی و نهائی را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد نهاوندی صاحب تفسیر فرا گرفته و به درس خارج مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی و آیت‌الله آشتیانی حاضر شده و استفاده‌ها نموده و به واسطه داشتن استعداد و نبوغ فکری به مدارج عالی

علم و اجتهاد ارتقا یافته و علوم عقلیه فلسفه و حکمت را از مرحوم به میرزا ابوالقاسم الهی و میرزا مهدی آشتیانی فرا گرفته و در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در شهر ری به دیدن مرحوم سیدنا الاستاد آیت‌الله العظمی حجت کوهکمری رضوان‌الله علیه شرفیاب شده و پس از مذاکرات علمی مفتخر به دریافت اجازه اجتهاد مطلق گردیده و به قصد تکمیل مبانی و دیدن نظریات آیات و مراجع عظام عراق مجتهدا در سن ۲۷ سالگی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در درس مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و بالاخص آیت‌الله العظمی خوئی شرکت کرده و از سال ۱۳۷۸ قمری شروع به گفتن درس خارج فقه و اصول نموده است. معظم‌له حدود دوازده سال در نجف تدریس خارج داشت تا در سال ۱۳۹۰ که به ایران برگشته و بنا بر اسرار فضلاء محصلین مشهد و علماء خراسان و امر بعضی از مراجع یکسالی در مشهد توقف و به تدریس پرداخته و بعد از آن مهاجرت به قم نموده و اکنون در حوزه علمیه اشتغال به تدریس خارج فقه و اصول دارد و حوزه درسش بسیار جالب و بیش از صد نفر از فضلا و محصلین خوش فهم شرکت دارند که اغلب آنها دراسات و تقریرات معظم‌له را به رشته تحریر آورده و بعضی برای طبع آماده نموده‌اند. علامه وحید بیانی جامع و زیبا دارد و از فکر شاگرد و تلمیذ خود رفع هر گونه ابهام و اشتباه می‌کند. جزوات در فقه و اصول از دراسات و تقریرات آیت‌الله خوئی و دیگران دارد و آثار علمی دیگر او که دیدم از این قرار است ۱- شرح بر شرایع الاسلام ۲- حاشیه‌ای بر کفایه ۳- حاشیه‌ای بر مکاسب.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

وخشی بلخی، ابوعلی حسن

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۱-۳۸۵ ق)، حافظ، محدث، زاهد و ادیب. اصل وی از وخش، قریه‌ای در حوالی بلخ است. در طلب حدیث به عراق، جبال، شام و مصر سفرهای طولانی نمود و در بلخ، نساپور، بغداد، اصفهان، دمشق، بصره، مصر، عسقلان، تنیس، رمله، قدس، عکا، حلب و همدان از ابوالقاسم خزاعی و ابوسعید صیرفی و یحیی بن ابراهیم مزکی و ابو عمر بن مهدی فارسی و ابونعیم حافظ و ابو حسین بن بشران و ابو محمد نحاس و تمام بن محمد رازی و محمد بن احمد بن محمد بن مزدین و ابوسعید بن حسنویه و ابوالحسن علی بن

قاسم نجاد و عقیل بن عبدان و قاضی ابوبکر حیری و عبدالواحد بن محمد بن مهدی و محمد بن حسین بن فضل قطان و محمد بن احمد بن ابوالفوارس و از جماعتی دیگر حدیث شنید. خطیب بغدادی و عمر بن محمد سرخسی و عمر بن علی محمودی و جماعتی دیگر از او روایت کرده‌اند. خواجه نظام‌الملک در بلخ از وی حدیث شنید. در بغداد خلیفه عباسی به اتهام قدری بودن دستور به غرق کردن او داد. پس به مصر گریخت و بعد از چندی دوباره مخفیانه به بغداد آمد و از آنجا به بلخ بازگشت، در بلخ به امر خواجه نظام‌الملک برای وی مدرسه‌ای بنا نمودند تا در آن حدیث گوید. او در بلخ درگذشت. وی برگزیده‌ای از احادیثی را که از ابونعیم حافظ شنیده بود، در پنج جزء تحت نام «وخشیات» نگاشت. در «کشف‌الظنون» و به تبع آن در «هدیه‌العارفین»، «الامالی»، در حدیث و کتاب «التوقیر» از آثار وی شمرده شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۱/۳۱۲)، انساب سمعانی (۵/۵۷۹)، ایضاح‌المکنون (۱/۳۴۰)، تذکره‌الحفاظ (۱۱۷۴) - (۳/۱۱۷۱)، توضیح‌المشبه (۹/۱۷۶)، سیرالنبلاء (۳۶۷-۳۶۵/۱۸)، شذرات‌الذهب (۳/۳۳۹)، طبقات‌الحفاظ (۴۵۹)، العبر (۲/۳۲۹)، کشف‌الظنون (۵۰۸، ۱۶۳)، لسان‌المیزان (۴۴۶-۴۴۵/۲)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۰۳-۱۰۲/۱۹)، معجم‌البلدان (۵/۴۱۹)، معجم‌المؤلفین (۳/۲۶۰)، الوافی بالوفیات (۱۲/۱۶۳)، هدیه‌العارفین (۱/۲۷۷).

ورنوسفادرانی سدهی، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمد کاظم ورنوسفادرانی. عالم فاضل متبحر، مؤلف تفسیر مختصری است بر قرآن کریم، و در اول آن گوید: تفسیر بعضی از کلمات قرآن است و قرائت و صیغه و عدد آیات و حروف آن، تاریخ فراغت: سلخ ذی قعدة ۱۲۴۱. فرزندش محمد مهدی نام داشته، و او این تفسیر را وقف نموده است در سال ۱۲۶۳. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

وفا، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر وفا

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۴/۹

زندگینامه علمی

جعفر وفا در سال ۱۳۳۴ در زنجان در یک خانواده مذهبی تولد یافت و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه با اشتیاق تمام و با

تشویق والدین خود، به سال ۱۳۴۸ در حوزه علمیه این شهر به فرا گرفتن علوم دینی پرداخت و در سال ۱۳۵۲ راهی حوزه علمیه قم گردید و در ادبیات عرب، فلسفه، تفسیر و علم کلام، طرفی برگرفت و در سطوح عالی فقه و اصول به مراتب لازم، نائل آمد. در طی این مراحل در دو حوزه زنجان و قم به ترتیب از محضر اساتید برجسته ای همانند حجج اسلام استاد علوی، قائمی، خاتمی و آیات عظامی همانند آیت الله جوادی آملی، پایانی، اعتمادی، حیدری زنجانی، ناصر مکارم شیرازی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی، نوری همدانی و ... استفاده نمود.

او از سال ۱۳۶۲ با درک ضرورت زمان، کارهای قلمی، سخنوری و آموزشی خود را آغاز کرد و وارد عرصه پژوهش گردید و در علوم قرآن، تاریخ اسلام، و تعلیم و تربیت به تتبع و تحقیق پرداخت که ارائه ده ها مقاله علمی و قرآنی، در نشریه های آموزشی و تربیتی و انتشار بیش از بیست جلد کتاب از محصولات این پژوهش است که برخی از آنها، از کتاب های درسی دانشگاه امام حسین (ع) می باشد؛ همانند: ثروت از دیدگاه قرآن (چاپ سوم)، تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه (چاپ سوم)، تفسیر موضوعی تولی و تبری (چاپ سوم)

ایشان در سال ۱۳۸۳ از سوی نخستین همایش پاسداران اهل قلم، نویسنده برتر شناخته شد و از سوی شخصیت های بلند پایه سپاه پاسداران و وزارت ارشاد، تشویق و موفق به دریافت جوایز و لوح تقدیر گردید. وی هم اکنون صاحب کرسی تدریس در دانشکده های دانشگاه امام حسین (ع) است و همگام با تدوین و انجام پژوهش های قلمی، در رشته های علوم قرآنی و تاریخ اسلام تدریس می کند. وی در سال ۱۳۶۰ با همفکری برخی از جوانان در تهران کانون هجرت را بینان نهاد و در پرتو آن به تشکیل کلاس های نهج البلاغه، عقاید و انتشار نشریه «هجرت» پرداخت. کتاب «وظایف اخلاقی معلم و شاگرد» از این نویسنده از سوی آموزش و پرورش کتاب برگزیده اعلام و برنده جایزه شد. او از سال ۶۹ تا سال ۸۲ عضو کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی و هیئت تحریریه فصلنامه مریبان بوده است.

وفایی شوشتری، محمد مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی وفایی شوشتری مولف عالم و بزرگواری بود. او پیشوای با فضیلت و دارای مکارم اخلاقی بود. نام وی محمد مهدی، مشهور به شرف الدین فرزند شیخ محمد شرف الدین است. او مقدمات و علوم ادبی را از صرف و نحو، منطق، معانی بیان، حساب و هندسه، فقه و اصول، علم کلام و تفسیر را آموخته بود. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: محمد مهدی وفایی شوشتری از خاندانی علمی و روحانی به نام خاندان شرف الدین می باشد. خاندانی که همواره یا در میان آن افرادی ممتاز و برجسته به پا خاسته و رهبری مذهبی مردم را بعهدده داشته اند. همین امر احترام و توجه قاطبه اهالی خوزستان به ویژه شوشتر را در پی آورده است. تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد مهدی وفایی شوشتری مقدمات و علوم ادبی را از صرف و نحو، منطق، معانی و بیان و سپس حساب هندسه، هئیت، فقه و اصول، علم کلام و تفسیر را نزد فضلا و بزرگان مردم زادگاه خود شوشتر فرا گرفت پس از آن در سال ۱۳۰۴ شمسی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مهاجرت نموده و از حوزه درس اساتید بزرگ آن سامان بهره مند شد. استادان و مریبان: مهمترین اساتید محمد مهدی وفایی شوشتری در دوران تحصیل در نجف و اماکن دیگر عبارتند از: آیت الله حاج میرزا حسین نائینی، آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی، آیت الله آقا سید ابوالحسن

اصفهانی، آیت الله سید میرزا ابراهیم خراسانی، آقا سید هبه الدین شهرستانی، آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی، آیت الله آقا میرزا محمد سامرایی، آیت الله میرزا محمود شیرازی، آقا سید امام شوشتری، شیخ شعبان گیلانی، آیت الله آقا سید هادی میلانی، آقا شیخ محمد علی غروی اردوبادی، مرحوم حاج شیخ عباس قمی، سید مهدی کاظمی اصفهانی، سید ابراهیم راوی شافعی، سید خلیل راوی شافعی و سید محمد راوی شافعی. فعالیت‌های آموزشی: محمد مهدی وفایی شوشتری در میان مردم محبوبیتی به سزا داشت و با خوشرویی و محبتی خاص مراجعین رامی پذیرفت. آورده اند که مواعظ وی که مهمترین فعالیتش بود، مانند مواعظ جد والا- و تبارش علامه حاج ملا- جعفر شرف الدین تاثیر بی شکرگف و در قلوب مردم می نهاده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمد مهدی وفایی شوشتری بطور کلی اوقات خود را صرف امور مذهبی و هدایت مردم از تدریس اقامه نماز جماعت، تالیف و نگارش و موعظه و سخنرانی مذهبی می کرد. آرا و گرایشهای خاص: محمد وفایی وفایی شوشتری علاقه وافری به تحقیقات تاریخی و آثار باستانی داشت و در مطالب تاریخی صاحب نظر و بیان کننده نکات جالبی است و بر همین اصل و مدتی را صرف مطالعه آثار مشکوفه سومرو بابل درموزه بغداد نموده و از کتابخانه مشهور بغداد مطالعات ارزشمندی داشته است. آثار: تاریخ شوشتری ویژگی اثر: این کتاب چاپ نشده است ولی درباره احوال دانشمندان شوشتری می باشد. ۲. ترجمه اول تفسیر فخر رازی، ترجمه کتاب «فضائل» شاذان ۴ رساله شرفیات و ویژگی اثر: این کتاب سوالاتی است که شوشتری از علامه آقا سید هبت الدین شهرستانی نموده و ایشان جواب داده اند. ۵. عقاید اسلامیه و ویژگی اثر: این کتاب ترجمه کتاب نکت الاعتقاد تالیف شیخ مفید است. ۶. مطالعات و مشاهدات

منابع زندگینامه: شرف الدین شوشتری، شرح حال علامه ادیب فقید وفایی شوشتری، تهران: انتشارات کتابخانه صدر، بی تا، ص

۱

و ه ب

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴- مقول ۱۱۶/۱۱۴/۱۱۳/۱۱۰ ق)، حافظ، محدث، مورخ، اخباری، زاهد و عابد. اصل او از هرات بود. پدرش، منبه، در دوره ی پادشاهی کسری انوشیروان از هرات خارج شد و به جزیره العرب رفت، سپس در زمان پیامبر (ص) اسلام آورد و در یمن سکنی گزید. وهب در زمان خلافت عثمان در یمن به دنیا آمد. اصحاب تراجم مراتب علم، زهد و جهد او را در عبادت ستوده اند. در زمان عمر بن عبدالعزیز وی عهده دار منصب قضاوت صنعا در یمن بود. روایات سنددار (مسند) کمی را نقل کرده، عمده ی دانش وی درباره ی اسرائیلیات و صحائف اهل کتاب بوده است. به آورده ی صاحب «کشف الظنون» وی اولین کسی است که در موضوع قصص انبیاء کتاب نوشته است. احمد بن حنبل گوید که او قدری بود، سپس از این عقیده بازگشت. از برادرش، همام بن منبه، و ابن عباس و ابوهریره و ابوسعید و نعمان بن بشیر و جابر بن عبدالله و عبدالله بن عمرو بن عاص و عبدالله بن عمر خطاب و طاووس بن کیسان و انس بن مالک و عمرو بن شعیب و فنج یمانی حدیث شنید. فرزندانش، عبدالله و عبدالرحمان، و برادرزاده هایش عقیل بن معقل و عبدالصمد بن معقل، و نواده اش، ادریس بن سنان، و عمرو بن دینار و سماک بن فضل و عوف اعرابی و عاصم بن رجاء و یزید بن مسلم و یزید بن جابر و عبدالله بن عثمان بن خثیم و اسرائیل ابوموسی و همام بن نافع و عیسی بن سنان و مغیره بن حکیم و منذر بن نعمان و جماعتی دیگر از وی روایت کرده اند. او در پایان عمر توسط یوسف بن عمر ثقفی حاکم یمن محبوس و توسط عمال وی به قتل رسید. از آثار او: «تفسیر القرآن»؛ کتابی در «ذکر الملوک المتوجه من حمیر و اخبارهم و قصصهم و

قبورهم و اشعارهم»؛ «قصص الانبیاء»؛ «قصص الاخیار»؛ «فتوح البلاد»؛ «الاسرائیلیات»؛ کتاب «القدر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۰ / ۹)، تاریخ الاسلام (حوادث ۵۰۰ - ۴۹۷ / ۱۲۰ - ۱۰۱)، تذکره الحفاظ (۱۰۱ - ۱۰۰ / ۱)، تهذیب التهذیب (۱۴۸ - ۱۴۷ / ۱۱)، تهذیب الکمال (۵۰۲ - ۴۸۷ / ۱۹)، الثقات (۴۸۸ - ۴۸۷ / ۵)، الجرح والتعديل (ج ۴، ق ۲ / ۲۴)، حلیة الاولیاء (۸۱ - ۲۳ / ۴)، سیر النبلاء (۵۵۷ - ۵۴۴ / ۴)، شذرات الذهب (۱ / ۱۵۰)، طبقات ابن سعد (۷۱ - ۷۰ / ۶)، طبقات الحفاظ (۵۲)، العبر (۱ / ۱۰۹)، کشف الظنون (۱۳۲۸)، معجم الادباء (۲۶۰ - ۲۵۹ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۳ / ۱۷۴)، میزان الاعتدال (۳۲۴ - ۳۲۳ / ۴)، وفيات الاعیان (۳۶ - ۳۵ / ۶)، هدیة العارفين (۲ / ۵۰۱).

هادوی، اصغر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اصغر هادوی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

جناب آقای اصغر هادوی در سال ۱۳۳۹ در شهر کاشان در خانواده ای متدین و مذهبی متولد شد. ایشان پس از پایان موفقیت آمیز تحصیلات دوران متوسطه و به دنبال شور و علاقه فراوان به معارف ناب اسلامی، وارد حوزه علمیه کاشان گردید که پس از طی دوره مقدماتی و برای ادامه تحصیلات عالی، وارد حوزه علمیه قم گردید و در حلقه درس خارج «آیت الله العظمی وحید» و «مرحوم شیخ جواد تبریزی» حاضر و به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت.

در کنار دروس حوزوی، به تحصیل در دانشگاه هم روی آورد و در مقطع ارشد رشته «اقتصاد» از دانشگاه صنعتی اصفهان فارغ التحصیل گردید. ایشان که پژوهشگری تواناست علاوه بر تدریس در دانشگاههای مختلف، مقالات فراوانی به کنگره های علمی کشور ارائه داده است که از جمله می توان به «مراتب انس با قرآن»، «عبادت در قرآن» و «جامعیت قرآن از نگاه حدیث» اشاره کرد.

هاشمی رفسنجانی، اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد

به سال ۳۱۳ هجری شمسی، در جلگه‌ی نوق - از جلگه‌های رفسنجان - در خانواده‌ای متدین، پسری چشم بر جهان گشود؛ با نام اکبر هاشمی، فرزند حاج میرزا علی و ماه بی‌بی.

روزگار کودکی

کسی نمی‌دانست که نوزاد امروز شخصیت سیاسی - فرهنگی پر آوازه‌ی فردای کشور خواهد بود، تا همه‌ی جزئیات زندگی‌اش را ثبت کند. از بایگانی خاطره‌ها نیز چندان نکته‌ای نمی‌توان برکشید؛ جز این که او در کودکی نیز - در مقایسه با هم سالانش - ویژگی‌های برجسته داشت، چنان که مدرسه را از پنج سالگی همراه برادری که از او دو سال بزرگ‌تر بود آغاز کرد. دو راهی مکتب و مدرسه

در دو راهی مکتب و مدرسه، دست سرنوشت او را به مکتب خانه سپرد. پدر مکتب خانه را انتخاب کرد؛ چرا که مدرسه از روستا چندان دور بود که دشواری‌های آن را کمتر خانواده‌ای پذیرا می‌شد. گذشته از این برای خانواده‌های مذهبی - به دلایلی که شرح آن در این فرصت نمی‌گنجد - مدرسه چندان جاذبه‌ای نداشت.

شکل‌گیری شخصیت

شرایط دشوار زندگی، از هفت تا چهارده سالگی تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر شکل‌گیری شخصیت مقاوم، صبور و چند بعدی او داشت. مشارکت و کمک به خانواده در امور باغ و دام و طیور و کوشش در حفظ دستمایه‌ی معیشت روستایی، معاشرت و تفریح و ورزش‌های سالم و تحمل مشقات زندگی در روستای دورافتاده‌ی نیم قرن پیش برای او زمینه‌ی آشنایی با واقعیت‌های زندگی بود و از این همه تلاش و تقلا تجربه‌های گران‌اندوخت. از پدری متدین و آگاه، اخلاق و معرفت آموخت، و در چند مکتب خانه از چند معلم مقدمات علم را فراگرفت.

وسوسه‌ی هجرت و دل‌کنند از زادگاه

روستای بهرمان روح پرتکاپوی نوجوانی مانند او را گنجا نبود. ناگزیر باید فضایی دیگر و میدانی پنهان‌تر او را آغوش می‌گشود. آن روزها، آوازه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم را در خانواده‌های مذهبی طینی پرجاذبه بود که رفته‌رفته چنان او و پسرعمویش را اثرپذیر ساخت که هجرت به شهر مقدس قم آن هر دو را وسوسه‌ای روزافزون شد. از سویی، دل‌کنند از خاک زادگاه هم چندان آسان نبود، چنان که یک بار گفت و گو با پدر برای گرفتن رضایت و رخصت هجرت، با انفجار غم در گلو و فرو غلتیدن دانه‌های اشک بر گونه‌ها، همراه بود. با این همه، سرانجام پدر رضایت داد و زمینه‌ی سفر فراهم شد.

با کاروان عشق

هر چند اکنون نیز، چون همیشه، عشق زیارت کربلا - عشقی است زنده و چنگ انداخته بر دل‌های بی‌شمار، اما زیارت قدیم را حکایت دیگری است. از همان روز که مشتاقان برای ماه‌ها بعد تدارک سفر می‌دیدند، خدا می‌داند که چند و چندین بار با زمزمه و یاد سفر، چشمان‌شان در اشک شوق غوطه می‌خورد. تا فرا رسیدن روز موعود و حرکت کاروان، که طنین صدای چاووشی خوان آه از نهاد همه برمی‌آورد؛ گریه‌ی شوق بدرقه شوندگان و اشک حسرت بدرقه کنندگان، خاطره‌ای بر جای می‌نهد که با یاد آن بارها و بارها دل‌ها می‌شکست و دیده‌ها تر می‌شد.

این بار سخن از کاروانیانی است که بر آن شده‌اند تا دو فرزند دل‌بندشان را در میان راه به شهر قم بپارند؛ شهری که خود زیارتگاه است و هم در آن روزگار، گذرگاهی بر سر راه زایرانی بسیار که مشهد رضوی، یا کربلای حسینی را آهنگ زیارت داشتند، با ویژگی و امتیازی که تأسیس حوزه‌ی علمیه در آن روزها به این شهر داده بود.

تجربه‌های تلخ و شیرین

از همان روز که سفر آغاز شد، تجربه‌هایی تلخ و شیرین به بار آورد که هر یک را به نوبه‌ی خود در سازندگی و زمینه‌سازی

بالندگی اش، بیش یا کم، نقش و اثری بود که در این فرصت باید از آن یاد کرد:

تجربه‌ی سفر

بی‌تردید، سفر برای نوجوانی که برای نخستین بار پا از روستا بیرون می‌گذارد تجربه‌ای است یگانه، شیرین و به یاد ماندنی. در این تجربه‌ی تاریخی، به فراوانی فرصت تجربه‌ی پدیده‌هایی نو فراهم می‌شود که همه از مقوله‌ی اولین‌هاست: دیدن و سوار شدن اتوبوس، برای اولین بار؛ حضور در شهر و رویارویی با همه‌ی آنچه ویژگی شهر است، برای اولین بار...؛

بی‌شک دشواری و رنج در سفرهای دور آن روزگار نیز بسیار بوده است؛ هر چند لذتی که از آن همه مشاهدات نو به نو، نوجوانی رسته از قفس روستا را پیش می‌آید، تلخی‌ها و سختی‌ها را نیز شیرین می‌کند.

تجربه‌ی غربت

با این همه، رنج غربت چنان تلخ و جانکاه است که به هر حال فرصتی برای خودنمایی می‌یابد؛ هر چند که از نخستین روز شرایط بهتری - در مقایسه با همگنانی که در حجره‌ی مدرسه‌ها زندگی می‌کردند - برای او فراهم است و حضرات اخوان مرعشی، که آن روز از فضایی حوزه به شمار بوده‌اند، بر حسب پیوند خویشاوندی و با قراردادی مسئولیتی را در این زمینه می‌پذیرند؛ مسئولیتی که بی‌اجر هم نبوده است. بدین سان زندگی در قم از خانه‌ی اخوان

مرعشی آغاز می‌شود؛ در سوز سرمای زمستان. هر چند سرمای کویر کرمان نیز بی‌سوز نبوده است، اما سوز سرمای قم را در آن ایام حکایتی دیگر است!

تجربه‌ی آشنایی

از دست آورده‌های ارزشمند روزگار طلبگی، آشنایی‌هاست. بهانه‌ی این آشنایی‌ها، پیش از هر چیز، نیاز طلبه به کسی است که درس را با او مباحثه کند. رفته رفته، دامنه‌ی این آشنایی گسترده و گسترده‌تر می‌شود: بحث مشترک، گرایش مشترک، اندیشه و آرمان مشترک... آشنایی‌هایی از این دست احساس غربت را چندان مجال نمی‌دهد که طلبه‌ای مصمم را از پا در آورد. چنین است که پدر و مادرش در بازگشت از زیارت - حدود سه ماه بعد از مهاجرت فرزند - جای نگرانی نمی‌بینند؛ پس از چند روز، آسوده خاطر، آهنگ دیار می‌کنند و او آموختن را پی می‌گیرد، با اندوخته‌ای ناشناخته و عزیز: نیایش مادری دل سوخته در حایر حسینی!

تجربه‌ی ارادت

در حوزه‌های علوم اسلامی، تحصیل، تهذیب، تعلم و تزکیه را پیوندی تنگ‌انگ بوده است. نقش تعیین کننده در سیر و سلوک معنوی، دل بستن است و دل سپردن به مرادی که چونان اسوه‌ای، در تسخیر قلعه‌ی کمال معنوی، در باور و دل ارادتمند، جایگاهی بیابد؛ در این نگاه، بسا میان امروز و دیروز تفاوتی باشد. به هر حال، در آن روز، حضور آیت‌الله العظمی بروجردی در قم نه تنها برای او، که برای خیل طلاب، چنین نقشی داشت؛ چنان، که دیدنش برای‌شان راستی را که آرزو بود. هر روز می‌کوشیدند یک یا چند بار زیارتش کنند. او نیز چونان پدری مهربان طلبه‌ها را دوست می‌داشت و برای تشویق افرادی که بتوانند استواری و درخشندگی را به نمایش بگذارند بخشی از وقت خویش را آزاد می‌گذاشت: طلبه‌ای که شعرهای الفیه‌ی ابن مالک را - که یک دوره‌ی کامل نحو است - و متن منطق تفتازانی یا بخشی از قرآن را حفظ می‌کرد با دریافت جایزه‌ای از دست مرجع تقلید شیعیان نواخته می‌شد و برایش دلگرمی و امتیازی بود. برای او چنین فرصتی دست داد و خاطره‌ای شیرین به یادگار گذاشت؛ هر چند شیرینی‌های این زندگی فروردین همیشه با تلخی‌هایی آمیخته است و در این مورد نیز چنین بود.

تجربه‌ی تبلیغ

آمیختگی تحصیل و تبلیغ، ویژگی مهمی است و تفاوتی عمده و اساسی میان حوزه‌ی قم و نجف. ریشه‌یابی این تفاوت در فرصت کنونی نمی‌گنجد؛ تنها به اشاره‌ای بسنده می‌شود: در حالی که حوزه‌ی نجف وعظ و خطابه را برای کسی که جایگاهی معتبر و

مقامی عالی در فقاقت را آهنگ کند کاستی می‌شمرده است، در حوزه‌ی قم، آشایی با فن خطابه را چونان هنری ارزشمند - برای هر کس و در هر مقام - ارج می‌نهاده‌اند. فرزندان این حوزه بر آن بوده‌اند که از همه‌ی فرصت‌ها و مناسبت‌های دینی برای تبلیغ سود برند. افزون بر این، سفر تبلیغی برای طلاب قم راه‌گذران معاش هم بوده است. چنین بود که او نیز در فاصله‌ای کوتاه سفر تبلیغی را بال‌گشود، نخست به زادگاه و سپس به دیگر جاها، در سرتاسر ایران.

تجربه‌ی شکست

اگر نیازهای زندگی نبود، بسا زندگی از فراز و فرود خالی بود. نیاز را با انگیزه‌ی جدی پیوندی است تنگاتنگ، چنان که بی‌آن مشکل بتوان از انگیزه تصور روشنی داشت. بی‌تردید انگیزه‌هایی که ما می‌شناسیم بی‌پیوند با نیازی نیستند. در این میان، نیازهای مادی را نقشی است بسیار مهم و سودمند.

چنین است که تن دادن به سفرهای تبلیغی سخت از آن زمان آغاز می‌شود که زندگی مستقل، دشواری‌هایی را - که بهای آزادی و استقلال است - در نگاه می‌نشانند، یا از آن نیز فراتر می‌رود! به ویژه که رفته‌رفته دیگر برادرها را نیز وسوسه‌ی هجرت برانگیخته است و در منزل برادر اطراق کرده‌اند. درآمدی در کار نیست، جز آنچه پدر حواله می‌کند که نسبت به هزینه‌ی زندگی ناچیز است. ناگزیر باید چون دیگران سفرهای تبلیغی را - در تعطیلی‌های حوزه - باربرست، هم فال است و هم تماشا، هم انجام وظیفه است و هم ادای مسؤلیت تبلیغ، و هم امداد غیر غیبی زندگی. اما نخستین تجربه در این راه شکستی است تلخ که غرور این فرزند کویر را جریحه‌دار می‌کند. از این پس، هر چند مسؤلیت تبلیغ فراموش نمی‌شود، ولی این اندیشه قوت می‌گیرد که باید حساب تبلیغ و امرار معاش را از یکدیگر جدا کرد. در این راه نیز تجربه‌های نخست موفقیت‌آمیز نیست، هر چند سرانجام تلاش و همت به بار می‌نشیند. در راه همین تلاش، از حجره‌ای در مدرسه‌ی حاج ملاصادق، پایگاهی پدید می‌آید که چون یک مرکز تجمع، جمعی هم‌اندیش، هم دل و هم باور را در عرصه‌ی تلاش فرهنگی فراهم می‌آورد و رفته‌رفته مکتب تشیع با هم کاری شهید دکتر باهنر پایه‌گذاری می‌شود، با پی‌آمدهایی ارزشمند و زمینه‌ساز آشنایی گسترده و گسترده‌تر با افراد و جمعیت‌های تلاشگر و خواستار گسترش اندیشه‌ی اسلامی و هواداران آرمان‌های مترقی، در سراسر کشور. به تعبیری دیگر می‌توان گفت: انتشار مکتب تشیع سرمایه‌ی ارتباطی گسترده در اختیار او گذاشت تا ببینیم که در حفظ و بهره‌برداری از این ارتباط ارزشمند چه خواهد کرد. در این میان، زمینه‌ی ازدواج و پایه‌گذاری زندگی مشترک فراهم می‌شود که در آن روزها خالی از دشواری‌هایی نبوده است، به ویژه فراهم کردن هزینه‌ها؛ به هر حال، گردنه‌ای است در روند زندگی که باید آن را پشت سر گذاشت. در این میان، آنچه ماندگار است خاطراتی است روشنگر چگونگی برخورد با سختی‌ها که در آن تجربه‌هایی آموزنده و سازنده موج می‌زند.

آشنایی با حضرت امام قدس سره

در بازی سرنوشت، او را از نخستین روزهای هجرت به قم فرصت طلایی فراهم شد که زمینه‌ساز آشنایی با شخصیتی بود که در شکوفایی استعدادهایش بهترین و بیشترین نقش را داشت. منزل اخوان مرعشی در نزدیکی بیت حضرت امام بود، چنان که او را هر روز فرصت چشم دوختن به چهره‌ی جذاب و پرابهت او دست می‌داد؛ چهره‌ای که با نخستین نگاه دل او را با عشقی روزافزون تسخیر کرد. گاه می‌کوشید که بهانه‌ی پرسشی، مسافتی را با امام هم‌گام شود، بی‌خبر که در سرنوشتش هم گامی دیگری رقم خورده است تاریخی و تاریخ ساز....

تجربه‌های سیاسی

از منظری دیگر، حوزه‌ی قم در آن روزها دستخوش التهاب‌های سیاسی تکان‌دهنده‌ای بود. هر چند موضع مرجع تقلید وقت، کناره‌گیری از سیاست - از موضع تقیه - بود؛ با این همه پی‌آمدهای آزادی‌های پس از شهریور ۲۰ افراد و گروه‌هایی را فرصت تحرک فراهم کرد و پیدایش حرکت‌هایی را زمینه‌ساز شد. جبهه‌ی ملی، حزب توده و از همه نزدیک‌تر به حوزه، جمعیت فداییان

اسلام و هواداران آیت‌الله کاشانی، که در قم نیز بی‌پایگاه نبودند و از پشتیبانی یکی از علمای برجسته‌ی قم که زهد و تقوای او نیز زبانزد همگان بود، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، برخوردار بودند. چنین بود که پیش از اختلاف دکتر مصدق با آیت‌الله کاشانی، نهضت ملی نیز - به خصوص در جریان مبارزه با استعمار انگلیس - از حمایت جدی آیت‌الله خوانساری برخوردار بود. اگر موضع‌گیری الحادی حزب توده، تنش میان دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی و پاره‌ای حرکت‌های تند و ناپخته نبود، به عوامل دربار کمتر فرصت جوسازی و بهره‌برداری داده می‌شد و در نتیجه، حرکت‌های ملی - مذهبی از حمایت آیت‌الله العظمی بروجردی نیز نصیب می‌بردند.

به هر حال، در آن روزگار، در آماده‌سازی و رشد سیاسی نسل جوان حوزه موج این حرکت‌ها بی‌تردید اثرگذار بود؛ به ویژه که در مواردی مانند آوردن جنازه‌ی رضاشاه به قم و تظاهرات در مخالفت با آن، ماجرای سید علی‌اکبر برقی، سفر آیت‌الله کاشانی به قم و جلوس در بیت آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، این نسل به صحنه می‌آمد و به رغم تبعیدی که در برابر مرجع تقلید خود داشت، در عمل نسبت به حرکت سیاسی احساسی مثبت نشان می‌داد.

برآیند این همه، محبوبیت ممتاز حضرت امام بود در دل نسل جوان و بالنده‌ی حوزه، که رفته‌رفته او، در شمار یکی از نمایندگان برجسته‌اش، جایگاه معتبری یافت او با شماری از هم‌فکران، بیت ایشان را - پیش از آغاز نهضت - پایگاه خود ساختند؛ گویی در جهان آرمان‌ها، جانشین آیت‌الله العظمی بروجردی را در مقام مرجعیت شیعه انتخاب کرده بودند. هر چند در ارزیابی‌های ظاهری - با توجه به مشی حضرت امام و پرهیز جدی از شائبه هرگونه حضور در میدان رقابت‌ها - چنین آرزویی را زمینه‌ی تحقق نبود.

رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی

ناگهان انتشار خبر درگذشت مرجع تقلید شیعیان جهان مانند زلزله سهمگین، ایران را به لرزه در افکند و انبوه مردم را فرصت حضوری پرهیجان فراهم کرد. حضور گسترده‌ی مردم در جریان تشییع جنازه و مراسم بی‌شمار یادبود در سراسر کشور، نمایشی بود از قدرت مردمی روحانیت و مرجعیت. هر چند که دربار نیز خود را مصیبت‌زده وانمود کرد و فراتر از آن، در گرفتن ژست صاحب عزا بازی‌ها در آورد. هر چند ساده‌اندیشانی در هر کسوت بودند که به ریاکاری‌های دربار فریفته می‌شدند. اما واقعیت این بود که چنین نمایشی با شکوه، دربار و درباریان را سخت نگران می‌کرد؛ بگذریم که برای شخص شاه این نمایش مفهومی دیگر داشت، اگر فراموش نکرده باشیم که چندی پیش با جنازه‌ی پدرش در همین شهر قم چگونه برخورد شد!

چنین بود که در بطون سیاست دربار پیش‌گیری از تمرکز مرجعیت اصلی بود خدشه‌ناپذیر؛ بانداکی ژرف‌بینی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تلگراف تسلیت به نجف ترفندی بود برای تجزیه‌ی مرجعیت و انتقال آن به نجف. نگاهی گذرا به مطبوعات آن روزها روشنگر دوگانگی کامل سیاست دربار است که به ظاهر در جهت انتقال مرجعیت به نجف تلاش کرد، در حالی که مطبوعات می‌کوشند تا هر شخصیتی که بیش یا کم هوادارانی دارد، مطرح شود. در چنین فضایی بود که او و دیگر شاگردان ارادتمند حضرت امام فرصت یافتند که از یک سو نامزد مورد قبول خود برای مقام مرجعیت را در مطبوعات مطرح کنند و از سوی دیگر، از فرصت مراسم یادبود آیت‌الله بروجردی در روشنگری و در میان گذاشتن آرمان‌ها و ایده‌های خود با توده‌ی مردم و روحانیت بهره‌برداری کنند. سخنرانی او در مسجد اعظم مانند سخنرانی شماری از هم‌فکرانش نموداری است از چنان تکاپویی؛ با این همه، همه‌ی شواهد بیانگر ناکامی آنان در این تلاش بود، چنان که پس از فرونشستن موج سوگواری در نگاه سطحی، همه با افسوس باور کردند که حضرت امام همچنان منزوی خواهند ماند.

طنین فریادی در سکوت

ناگهان با طنین فریادی در سکوت، خطای دوست و دشمن در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری افشا شد: در میان تلگراف‌هایی که به نخست‌وزیر وقت - در اعتراض به تصویب‌نامه‌ی دولت - در نگاه‌ها نشست، تلگراف حضرت امام را آهنگی دیگر بود؛ آهنگی که دل

دوستان را با خیزآبی از شادی نواخت، و دربار و درباریان را با موجی از وحشت هراسان ساخت. شاید بیش و پیش از همه، شخص شاه پریشان شد. هر چند حجاب قدرت مانع ژرف بینی بود و ساده‌اندیشانه چنین پنداشتند که با بی‌پاسخ گذاشتن تلگراف حضرت امام، او حذف خواهد شد؛ بی‌خبر که پیام این سکوت برای نسل جوان و هوشیار حوزه از هر روشنگری روشنی بخش‌تر بود. نسل بالنده، و هوشیار حوزه پیش از همه دریافت که در انتخاب خود به خطا نرفته است، و او نماینده‌ی همین نسل بود.

چنین بود که او و همه‌ی هم‌باورانش در این باور بیش از پیش هم داستان شدند که اگر مرجعیت دچار تجزیه شد، رهبری را دریابند، با آن که باید در مورد مرجعیت حضرت امام نیز تلاش کنند. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

با آن که در نهضت ده ماهه‌ی روحانیت و درگیری با دولت علم به بهانه‌ی تصویب‌نامه‌ای در مورد انجمن‌های ایالتی و ولایتی، همه‌ی مراجع قم - با بهره‌مندی از حمایت مراجع نجف - هم گام بودند، ولی رهبری حرکت با حضرت امام بود و با همین رهبری مبارزه در گام نخست به پیروزی رسید؛ پیروزی امیدآفرینی که می‌توان آن را از جهاتی با پیروزی مسلمانان در بدر مقایسه کرد: روحانیت، مراجع و مردم به رهبری حضرت امام بی‌هیچ تلفاتی به پیروزی بزرگی دست یافتند؛ دولت علم رسماً عقب‌نشینی کرد و با فشار و اصرار حضرت امام مطبوعات لغو تصویب‌نامه را اعلام کردند. شرح این بخش از داستان مبارزه و انقلاب را فرصتی دیگر باید؛ پس به اشاره‌ای باید بسنده کرد که حضور او و هم‌کوشان و هم‌باورانش در این عرصه‌ی تاریخی چنان بود که گویی ماهیانی تشنه‌اند که اینک خود را به برکه‌ای لبریز از آب زلال رسانده‌اند.

شکستی پس از پیروزی

با آن که حماسه‌ی ۱۵ خرداد را، با پی‌آمدهای سیاسی و فرهنگی آن، نباید شکست ارزیابی کرد، چرا که رمز و راز پیروزی انقلاب در همین حماسه‌ی تاریخی نهفته است؛ با این همه، بر حسب مفهوم متعارف پیروزی و شکست - در فراز و فرود راه مبارزه - می‌توان چنان شکستی از آن یاد کرد، شکستی بس همانند با شکست مسلمانان در احد! دشمن در پی شکستی که ناگزیر بدان تن داده بود نیروهای خود را بسیج کرد و این بار شخص شاه به میدان آمد، با شعار انقلاب سفید و با حربه‌ی رفراندم؛ شعاری دنیاپسند و حربه‌ای کارآمد که مخالفان را - که در مبارزه‌ی گذشته با استناد به اصولی از متمم قانون اساسی پایگاهی قانونی داشتند - در نخستین برخورد خلع سلاح کند. در برابر، دلگرمی پیروزی گذشته - که هیچ کامی شیرینی آن را از یاد نبرده بود - مراجع، علما، روحانیت و انبوهی از مردم را به صحنه آورد و بدین‌سان صف‌آرایی جدی‌تری از گذشته شکل گرفت. اگر پاره‌ای خواص چنان نسل جوان و بالنده‌ی حوزه و انبوه مردم رهبری حضرت امام را گردن می‌نهادند، بسا درگیری این دو صف به گونه‌ای دیگر رخ می‌داد. به هر حال، درگیری خیلی زود پیش آمد، در آستانه‌ی رفراندم ۶ بهمن ۴۱، یک روز پیش از آمدن شاه به قم؛ در قم با بهانه‌ای و در تهران با بهانه‌ای دیگر. بدین‌سان نهضت زمستان سرد و سوزانی را پشت سر گذاشت؛ زمستانی که در آن، اختناق رژیم بر همه‌ی پایگاه‌های روحانیت و مردم سایه‌ای سنگین گسترده بود، چنان که در رمضان نیز فریادها در گلو - مگر در پاره‌ای موارد استثنایی - حبس می‌نمود.

در طلوعه‌ی بهار طبیعت، با پیام تحریم مراجع، جنبش جان گرفت. به ویژه پیام امام در تحریم عید و نیز پاسخ به درخواست حضرت آیت‌الله سید محسن حکیم مبنی بر مهاجرت مراجع به نجف، جهت اتخاذ تصمیمی مشترک، و از همه اثر گذارتر، سخنرانی امام در عصر چهارشنبه‌ی پایان سال ۴۱، که روح قیام را در قم دمید. زایرانی که از جای جای ایران - برای حضور در حرم حضرت معصومه (ع) در لحظات تحویل سال نو - همه ساله به قم مشرف می‌شدند، در نوروز ۴۲، قم را دگرگون یافتند و از نهضت روحانیت در برابر رژیم آگاه شدند و از نزدیک یورش نیروهای سرکوبگر شاه به فیضیه را یا تماشاگر بودند یا آثار آن را همان روز و روزهای بعد به چشم دیدند. موج این خبر سراسر ایران را فراگرفت و زمینه را برای آنچه حضرت امام و یاران آگاهش سال‌ها آرزو داشتند فراهم کرد.

هر چند حضرت امام، یورش عمال رژیم به فیضیه را بی‌پاسخ نگذاشت و از همان روز رویداد هرازگاه به بهانه‌ای سوگ فیضیه را فریاد زد؛ اما در واقع فریاد را در گلو بیش از هفتاد روز حبس کرد، تا به هنگام، در واپسین ساعت عاشورا، در حضور ده‌ها هزار عزادار آماده‌ی شهادت آن را بر سر شخص شاه فرود آورد و شکوه دروغینش را در هم بشکند. گویی فریاد عصر عاشورای حضرت امام فریاد مظلومان تاریخ اسلام و ایران است که قرن‌ها در گلوی زمان زندانی زورگویی و اختناق بوده است و اینک به هنگام، با زمینه‌سازی بسیار خردپذیر و سنجیده، آزاد می‌شود و موج می‌افکند و مردمی قرن‌ها چشم به راه، هم اکنون عزیز زندانی خویش را پذیرا می‌شوند و به گرمی آغوش می‌کشایند.

محرم و عاشورای ۴۲، محرم و عاشورایی بود پرشور، که در زمینه‌سازی آن کمتر شهری یافت می‌شد که پیک و پیام حضرت امام را دریافت نکرده باشد. پیامی که دستور زنده کردن عاشورا و تجدید عهد با پیام عاشورا بود. پی‌آمد آن فریاد تاریخی و پرطنین، دستگیری فریادگر بود، با فاصله‌ای اندک، و در پی آن، حماسه‌ی ۱۵ خرداد، با قربانیان بسیار.

خورشید روز دوازدهم محرم سال ۱۳۴۲، بر انبوه پیکرهای به خون خفته تأیید و غروب آن، نه تنها سیاهی شب را در پی داشت که گویی حاکمیت ظلم و ظلمت را در برهه‌ای دیگر از زمان، همراه خشونت و خفقان، مهر تأیید می‌نهاد.

هر چند با دستگیری حضرت امام و تنی چند از عالمان و سخنوران، دیگر مراجع، علما و به ویژه نسل بالنده و جوان حوزه‌ها از پای ننشستند، ولی به هر حال چندی آهنگ نهضت شتاب گذشته را از دست داد.

حضور نهضت در پادگان‌های نظامی!

گویی سرنوشت در حماسه‌ی ۱۵ خرداد سهم او را انجام مأموریتی در فضایی دیگر رقم زده بود: فضای پادگان‌های نظامی که در حصار دژی آهنین با مردم بیگانه بود. داستان سربازگیری از حوزه‌ی قم - در پی یورش به فیضیه - را در تاریخ انقلاب جایگاهی است با اهمیت که در این فرصت، ناگزیر باید به اشاره‌ای بسنده کرد و از آن گذشت، با یادآوری این نکته که حضور او را در جمع طلبه‌هایی که در فروردین سال ۴۲ - از حوزه‌ی قم - به سربازخانه اعزام شدند، در مجموع می‌توان بسیار مثبت ارزیابی کرد، با آثاری از این دست: تقویت روحیه‌ی جمع، رسیدن پیام نهضت به اختناق زده‌ترین قشر جامعه؛ چنان که در عاشورای سال ۴۲ شعار مبارزه در جای جای پادگان نظامی عشرت‌آباد نیز در نگاه می‌نشست از این همه ارزشمندتر، اندوخته شدن یکی از نیروهای فعال نهضت برای روزگار غربت انقلاب که در نخستین غیبت رهبری بتواند اثرگذار باشد. نمی‌دانیم، شاید اگر او در نیمه‌ی فروردین تا نیمه‌ی خرداد سال ۴۲ در در سربازخانه نبود، از دستگیرشدگان آن روزها بود و در این صورت، بسا مسائل که دستخوش تغییراتی می‌شد که پس گویی آن بسیار دشوار است. به هر حال، تا نیمه‌ی خرداد در پادگان حضور داشت و بیم آن می‌رفت که برایش پرونده‌سازی سنگینی شود که به هنگام، از سربازخانه گریخت و به جمع علمای مهاجر در تهران پیوست و با شماری از هم‌اندیشان به بهره‌برداری هر چه بیشتر از آن هجرت تاریخی پرداخت. در همین احوال حساس و در حالی که همراه و هم‌گام به شهید دکتر محمدجواد باهنر می‌کوشید تا از حضور و نفوذ مهاجرین بیشترین بهره‌برداری - در جهت اهداف نهضت شود، ناگهان گام در دامی نهاد که در راهش گسترده شده بود و می‌رفت که با عنوان سرباز فراری، متهم به فعالیت‌هایی در بیرون و درون پادگان، به مراجع قضایی نیروهای مسلح سپرده شود و در آن فضای آکنده از خشونت، احیانا محکومیت سنگینی پیدا کند، که با چابکی و هوشیاری از این دام نیز گریخت و از این پس، چندی به صورت سربازی فراری روزگار را کرانه کرد.

بدین‌سان فرصتی پیش آمد که کار ترجمه‌ی کتاب سرگذشت فلسطین یا کارنامه‌ی سیاه استعمار را به انجام رساند، کاری کارستان و کارساز و اثرگذار بر بینش سیاسی حوزه از یک سو، و بر برداشت دیگران از فرزندان فیضیه از سویی دیگر. پرونده‌ی او با انتشار این کتاب - پس از چندی که از روزگار تألیف می‌گذشت - شکل گرفت و نخستین احضار و بازجویی به آن راجع است.

(سندهای شماره ۰۰۰۱ تا ۱۵/۲)

به هر حال، در اختناق سال ۴۲، او به عنوان سربازی گریخته از پادگان که دارای پرونده‌ی سیاسی نیز بود، فرصت خوبی برای اندیشه‌ی بیشتر یافت و اوقات فراغت را با تلاش فرهنگی و سیاسی ثمربخشی پر کرد.

حضور دوباره در قم

رفته‌رفته، جو اختناق شکسته شد و رژیم - که اعدام حضرت امام را در مقام مرجعی مقتدر، محبوب و بهره‌مند از پشتیبانی بی‌دریغ اقشار میلیونی مردم، با مصالح سیاسی خود ناسازگار ارزیابی کرده بود - پی آمدهای زندانی نگه داشتن، محاکمه و محکومیت وی را نیز ناصواب شناخت و بر آن شد که در جست و جوی راهی برای تحمل و کنار آمدن بکوشد. از آنجا که آزادی ناگهانی نیز چنان موجی از احساسات مردم را می‌توانست برانگیزد که مهار آن بیرون از توان نیروهای رژیم ارزیابی می‌شد، ناگزیر برنامه‌ریزی به گونه‌ای انجام شد که نخست حضرت امام از حبس به حصر منتقل شدند و پس از چندی، شهر قم دیگر بار حضورش را آغوش گشود. در این میان، کابینه‌ی علم نیز سقوط کرد و حسنعلی منصور تشکیل کابینه را مأموریت یافت. در نرمنشی که در سیاست رژیم ضمن اجرای این برنامه پیش آمد، فضای سیاسی دیگری پدید آمد که او با احساس امنیت، در قم حضور یافت و در چنین فضایی مقدمات انتشار سرگذشت فلسطین یا کارنامه‌ی سیاه استعمار فراهم شد. در همین فضای جدید، هم‌اندیشان را فرصتی پیش آمد تا به بحث‌های جدی‌تری بپردازند. چنین بود که زمینه‌ای برای شکل‌گیری تشکلی با نام «جمعیت اصلاح حوزه» فراهم شد که هدف اصلی آن بررسی اصلاح جامعه از طریق ایجاد حکومت اسلامی بود.

جشن‌های آزادی امام

ناگهان موج خبر آزادی حضرت امام همه را غافلگیر و هیجان‌زده کرد. رهبری فرزندان فیضیه را در ابراز عواطف و برگزاری جشن‌های آزادی در راستای هدف‌های نهضت، جمعی از بهترین یاران و شاگردان حضرت امام عهده‌دار بودند که او، چونان شمع جمع، روشنی می‌بخشید، هر چند که در آن جمع کوچک، شخصیت‌های برجسته‌ی بزرگ‌تری نیز حضور داشتند. می‌توان گفت که در پی آزادی حضرت امام، در شیفتگان و هواداران برگزیده‌اش، دو گرایش و دو خط سیاسی و فکری پدید آمد:

۱- گروهی به شخص حضرت امام می‌اندیشیدند و استقرارش را در مقام مرجعیت شیعه هدف اصلی می‌پنداشتند، تا آنجا که ناخودآگاه گرایشی به سازش داشتند.

۲. گروهی دیگر، که نهضت اسلامی را اصالت می‌دادند و مسائلی چونان مرجعیت را در جنب آن ارجی - قیاس‌پذیر با نهضت - نمی‌شناختند. در جشن فیضیه، نمودی از این دوگانگی نمودار شد، هر چند که جز شماری اندک از خواص کمتر توجهی به آن داشتند. ابتکار عمل در برگزاری جشن‌ها، به ویژه جشن فیضیه - که از آن به مثابه تمرین تلاش جمعی طلاب و فعالیت تشکیلاتی آنان می‌توان یاد کرد - با گروه دوم بود.

در این میان، ساواک او و شماری از عناصر فعال را شناسایی کرده بود و می‌کوشید اطلاعات خود را درباره‌ی آنان کامل و کامل‌تر کند. (سند شماره ۰۰۰۷)

شور و هیجان و نشاط تاریخی حوزه‌ی قم

سال ۴۳، در تاریخ حوزه‌ی قم، سالی استثنایی است. در فروردین این سال، حوزه با شوری وصف‌ناپذیر حضرت امام را آغوش گشود و جشن‌هایی پرشکوه را در سرتاسر شاهد بود. با فاصله‌ای بسیار کوتاه، درس آغاز شد، با سخنرانی تاریخی و طولانی پر نکته‌ای که در آن، ضمن جمع‌بندی مسائل مبارزه، خط مشی آینده نیز ترسیم گردید. هر چند آن درس پرشکوه را در نگاه دل‌باختگان حضرت امام ارجی فراوان بود، اما هر نهضت، انقلابی در ارزش‌هاست و با نهضت اسلامی نیز ارزش‌هایی نمایش یافت که در برابر آن ارزش‌های گذشته رنگ می‌بافت؛ چنین بود که برای عناصری چونان او ارزش‌های نوین را جاذبه‌ای دیگر بود:

نشست‌های خصوصی و ضمن آن، آشنایی‌ها، پیوندها و شناخت‌هایی کارساز برای آینده‌ی نهضت، در هشت ماه اول سال ۴۳ و در نشست‌های خصوصی بیت حضرت امام، چنین پیوندها و آشنایی‌ها را ارزشی کارساز بود، به ویژه پیوند قم با تهران و شناخت‌های بیشتر و بیشتر یاران از همدیگر.

با فرا رسیدن تابستان، درس تعطیل شد، امام حضرت امام که گویی احساس می‌کرد اقامتش در قم چندان نمی‌یابد، از فرصت تابستان نیز بهره‌ای دیگر گرفت و درسی را در منزل عهده‌دار شد، با عنوان «مسائل مستحده» که هر چند محتوای آن را با درس‌های متعارف حوزه فاصله‌ی چندان زیادی نبود. اما عنوان آن را پیامی دیگر بود. در این میان تاریخ انقلاب اسلامی، رضانی خاطره‌انگیز در گذرگاه خود داشت؛ بگذریم که در سراسر ایامی که حضرت امام در قم اقامت داشتند، مسجد امام به صورت پایگاه تبلیغی نهضت، همه شب آکنده از انبوه شنوندگانی بود که گویی نمادی بودند از نیازهای نو جامعه و تحول در تبلیغ. سالگرد ۱۵ خرداد نیز فرصتی پیش آورد برای تلاش و تکاپویی دیگر.

مبارزه با آهنگی دیگر

ناگهان موج خبری تازه همه چیز را دگرگون کرد؛ خبر سخنرانی حضرت امام بر ضد لایحه‌ای که موضوع آن را اعطای امتیازی بود به مستشاران آمریکا در ایران. پیش از هرگونه موضع‌گیری، تحقیقات در این زمینه به او واگذار شده بود که در انجام این مهم بعضی از شخصیت‌های سیاسی روز هم‌کاری‌هایی کردند.

پی‌آمد این سخنرانی که هم زمان با آن مفصل‌ترین اعلامیه‌ی حضرت امام در گسترده‌ترین سطح در همه جای کشور پخش شد، دستگیری بود و تبعید به ترکیه و استقرار حکومت نظامی و فرورفتن کشور در اختناق بسیار سنگین.

عملکرد رژیم این بار چنان بود که هیچ واکنش فراگیری را فرصت نداد. خشم مردم امکان بروز نیافت و هر فریاد اعتراضی در سینه‌ها حبس شد. از سوی دیگر، در مدت اقامت حضرت امام در قم، برای پاره‌ای بیوت، رنجش‌هایی پیش آمد که پی‌آمد آن عدم حضور متحد آنان در صحنه‌ی مبارزه بود. در نتیجه، مسؤولیت رهبری حرکت بر دوش جمعی از عالمان جوان‌تر و فضلالی حوزه سنگینی می‌کرد که او را در میان جمع آنان درخششی چشمگیر بود. چنین بود که کانون‌های مقاومت در قم، تهران و شماری شهرهای دیگر - به گونه‌ای متفاوت با گذشته - شکل گرفت. در قم، شماری از فضلالی برجسته و مدرسان سطح عالی گرد می‌آمدند و نیروهای جوان و بالنده‌ی هوادار و شیفته‌ی حضرت امام را رهبری می‌کردند. نمودی از این جنبش هدایت شده به صورت سخنرانی‌های پی‌درپی، درس‌ها، تشکیل جلسه‌ی دعای توسل در مسجد بالاسر - در حرم حضرت معصومه (ع) - و سر دادن شعار صلوات در مجالس پرجمعیتی که به هر بهانه تشکیل می‌شد، در خاطره‌ها ثبت است. در نیمه‌ی شعبان سال ۴۳ هجری شمسی نیز مجلسی با شکوه در مسجد اعظم قم برگزار شد که نمایشی از حضور نسل جوان و انقلابی حوزه‌ی قم در صحنه‌ی مبارزه بود. از این همه با اهمیت‌تر، بهره‌برداری گسترده‌ی تبلیغاتی از نخستین ماه رمضان پس از تبعید حضرت امام را باید به شمار آورد، به ویژه در تهران و مسجد جامع بازار که به وضوح از فعالیت متشکل گروهی حکایت داشت که با برخورداری از پایگاه مردمی رهبری نهضت را در غیبت رهبر تبعیدی خود توانا بودند. او به رغم نقشی که در پشت پرده عهده‌دار آن بود، در جلساتی نیز حضور آشکار داشت و در سخنرانی‌های نه چندان عمومی به روشنگری می‌پرداخت. (سند‌های شماره‌ی ۰۰۱۷ تا ۰۰۲۶/۲)

صفیر گلوله‌ی بخارایی

در این میان، موج خبر قتل نخست‌وزیر رژیم، حسنعلی منصور، فضای سیاسی کشور را دگرگون ساخت و جوی تازه پدید آورد که گویی آمیزه‌ای بود از شادی، غرور، بهت، نگرانی، ابهام و نیز خشم و خشونت جنون‌آسا؛ در همین فضای نوین، بر حسب تصادفی، نیروهای وفادار نهضت را فرصت نمایشی باشکوه فراهم شد، با بهانه‌ی تجلیل از عالمی کهن سال و شیفته‌ی نهضت و حضرت امام. خیل عظیم هواداران نهضت در تهران، در حالی که به مراسم تشییع جنازه‌ی آیت‌الله فومنی شتافتند که زخم نخست‌وزیر تیرخورده‌ی

رژیم، دل‌های جریحه‌دارشان را مرهمی شده بود و در جرقه‌ای آشنا روزنه‌ای را چشم دوخته بودند که آینده‌ای روشن را در نگاه می‌نشانند.

پی‌آمد قتل منصور، تهاجمی گسترده بود به نیروهای نهضت و موجی فزاینده از دستگیری؛ در همین شرایط او که خطرهایی تهدیدش می‌کرد - با همکاری شماری از هم‌زمان - در تدارک فراهم کردن نامه‌ای سرگشاده به هویدا (نخست‌وزیر جدید که از سوی رژیم هدایت کشور در بحران به او سپرده شده بود) بودند و برگزاری سالگرد یورش به مدرسه‌ی فیضیه، با چنان شور و هیجانی که حساسیت مأموران اطلاعاتی رژیم را بیش از پیش جلب می‌کرد (سندهای شماره‌ی ۰۰۲۷/۱ تا ۰۰۳۷) و هر روز برگی به پرونده‌اش می‌افزود.

دستگیری نگران‌کننده!

خبر دستگیری او - به تاریخ ۴۳/۱۲/۱۱ - موجی از نگرانی هواداران نهضت را در شعاعی گسترده در پی داشت. هیچ کس باور نداشت که به فرض رهیدن او از خطر اعدام، به این زودی‌ها، حضورش در صحنه‌ی مبارزه و بیرون از زندان تجدید شود. همه بر این باور بودند که - در خوشبینانه‌ترین فرض - سالیانی دراز، جای هاشمی رفسنجانی را در محافل خود خالی بینند. پی‌آمد دستگیری او، آمیزه‌ای بود از نگرانی، اندوه و نیایش، همراه با هرگونه تلاش که از آن امید نتیجه‌ای می‌رفت. در همین حال، بازجویی با سخت‌ترین شکنجه‌های رایج آن روزگار آغاز شده بود و جلسات آن پی‌درپی ادامه داشت.

هر چند تلاشی گسترده برای فشار بر رژیم - با بهره‌گیری از اهرم‌هایی که هواداران نهضت در اختیار داشتند - برای رهایی او انجام می‌شد، اما اگر دو عامل اساسی نبود، اثرگذاری این تلاش‌ها بسیار اندک بود:

۱. هوشیاری او در همه‌ی مراحل بازجویی.

۲. فشار شخصیت‌های ذی نفوذ بر رژیم.

این دو عامل بیش از هر چیز در رهایی او نقش داشتند. (سندهای شماره‌ی ۰۰۳۸ تا ۰۰۷۷) به ویژه شادروان آیت‌الله حکیم را نباید در تسریع آزادی او بدون محکومیت نادیده گرفت. با این همه، دو عامل پیش‌گفته نقش اصلی و درجه‌ی اول داشتند. (سندهای شماره‌ی ۰۰۶۹/۱ و ۰۰۶۹/۲)

آزادی از زندان

خبر آزادی او از زندان - به تاریخ ۴۴/۴/۱۴ موجی از شادی برای هواداران نهضت، به ویژه در قم و تهران، به ارمغان آورد و حضور مجددش در صحنه‌ی مبارزه - در مقطعی بسیار حساس چنان نشاط‌آور و دلگرم‌کننده بود که قلم از تصویر آن ناتوان است.

پس از آزادی

گزارش‌های گزارشگران ساواک، به وضوح بیانگر واقعیت است که دستگیری، شکنجه و زندان، او را جز تجربه، هوشیاری و پایداری نیفزود. از همان دم که گام از زندان بیرون نهاد، چونان پولادی آبدیده، با عزمی استوارتر از گذشته، راه مبارزه را پی گرفت. (سندهای شماره‌ی ۰۰۷۷ تا ۰۰۸۶) نه تنها در محافل خصوصی، که در مجامع عمومی نیز - در سخت‌ترین شرایط اختناق - با گفتار و رفتار، ضربه‌هایی بس کوبنده بر هیولای بیم‌فرود می‌آورد و به هواداران نهضت روحیه و نشاط می‌داد. (سند شماره‌ی ۰۰۸۴)

نگاهی به فضای جامعه در سال ۴۵

اینک فرصتی است مناسب برای بررسی فضای سیاسی ایران، در سال ۴۵. رژیم در سیاست خارجی، بیش و کم از مشکلاتی رنج می‌برد، هر چند که چندان انعکاسی نداشت:

از یک سو، به نظر می‌رسید که هویدا در برقراری موازنه و جلب رضایت شوروی - با خریدهای تسلیحاتی - اندکی زیاده‌روی

کرده است. از سوی دیگر، در جریان جنگ اعراب و اسرائیل، موضع آمریکا پسند رژیم عواطف مذهبی مردم را سخت جریحه‌دار کرده بود. در همین حال، تشنج در روابط سیاسی ایران و عراق به اوج رسیده بود، که نمودی روشن از امدادهای غیبی برای نهضت ارزیابی می‌شد. چه، با نبودن چنین تشنجی فشارهای بیشتری بر حضرت امام و حواریونش در نجف سنگینی می‌کرد. کودتاها و ضد کودتاها عراق را نیز اگر با چنین دیدگاهی بررسی کنیم، خالی از لطف نیست.

در همین حال، سرکوبی نهضت آهنگ بسیار تندی داشت و در همان روزهای اول سال، قم شاهد یورش سخت و دستگیری‌هایی گسترده بود که پی‌آمد پاره‌ای واکنش‌ها تشکیل کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی بود، در ساعت ۹ صبح روز ۴۵/۲/۳ و امضای حکم تبعید

شماری از عناصر پی‌گیر و فعال، و دستور مراقبت بیشتر، بر اعمال شماری دیگر. (سند ۰۰۸۹/۱ و ۰۰۸۹/۲)

کشف جمعیت سری اصلاح حوزه

در چنین فضایی اساسنامه‌ی جمعیتی در قم به دست رژیم افتاد که حساسیت دستگاه اطلاعاتی و امنیتی را بیش از پیش برانگیخت و متواری شدن او را در پی داشت.

(برای آشنایی با جزئیات بیشتری در این زمینه، ر.ک به نشریه‌ی یاد، شماره‌ی ۲۰، صفحات ۱۰ تا ۱۹) شگفتا که در همان شرایط نیز از هر فرصتی برای روشنگری به سود نهضت بهره‌برداری می‌کرده است. (سند شماره ۰۰۹۸)

به هر حال، بخش عمده‌ای از سال ۴۵ را به دلیل کشف اساسنامه‌ی جمعیت سری - که از پایگاه‌های مهم نهضت به شمار می‌رفت - متواری بود، که سرانجام بر آن شد رحل اقامت از قم به تهران افکند. (سند شماره‌ی ۰۰۸۷ تا ۰۱۰۳). تألیف کتاب امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار ثمره‌ی درخشانی است از نخستین ماه‌های اقامت در تهران با یک زندگی نیمه مخفی.

ارزشمندترین دست‌آورد این زمان تحکیم بیش از پیش دوستی و صمیمیت اوست با مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای؛ هر چند که این دوستی بر سابقه‌ای دور استوار بود، با این همه زندگی مشترک چند ماهه، به صورت نیمه مخفی، در تحکیم پایه‌هایش نقشی ماندگار داشت.

نیمه‌ی اول سال ۴۶

رفته‌رفته، تداوم زندگی نیمه مخفی در تهران کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر و تبدیل به زندگی عادی می‌شد. چنان که از ۴۶/۴/۱۰، سخنرانی‌های هفتگی او در مسجد موسی بن جعفر - که از پایگاه‌های پرآوازه و مهم نهضت در جنوب تهران بود - موجی گسترده پدید آورد و آن پایگاه را بیش از پیش رونق بخشید. مکتب حسین نیز از نخستین محافل است که سخنرانی‌هایش را - در این احوال - آغوش گشود. (سند شماره‌ی ۱۰۶/۱ تا ۱۱۷). گویی ساواک نیز در دستگیری مجدد او در آن روزها از شتاب‌زدگی پرهیز داشت؛ نمی‌دانیم، چه بسا ساواک امید داشت که با تعقیب و مراقب به سر نخ‌هایی دست یابد. این در شرایطی بود که نهضت به حضور او در تهران سخت نیازمند بود، هم از نظر فرهنگی و هم فراتر از آن، از نظر سیاسی. چنان که می‌توان پیدایش کانون‌ها و پایگاه‌هایی مانند مدرسه‌ی رفاه و جلسات متشکل روحانیت مبارز را از ثمرات آن برشمرد. ساواک نیز با حساسیت در تعقیب و مراقبت از او فعال بود و هرازگاه برگی به پرونده‌اش افزوده می‌شد. (سند شماره‌ی ۰۱۱۸ تا ۰۱۲۸) بگذریم که در شرایط پنهان کاری گامجای تلاش‌ها بیشتر گم می‌شود و کمتر سرنخی از آن به دست رژیم می‌افتاد.

جشن‌های تاجگذاری

در نیمه‌ی دوم سال ۴۶، برگزاری جشن‌ها تاجگذاری بهانه‌ی دیگری شد برای سرکوبی و خشونت بیشتر، هم در واکنش نسبت به تحرکات تازه‌ی نهضت و موضع‌گیریهایی حضرت امام در نجف، و هم به عنوان پیش‌یری از فعالیت‌های قابل پیش‌بینی. چنین بود که نمایندگان حضرت امام در قم تبعید شدند و کتابخانه‌ی معظم له نیز غارت شد.

در چنین فضایی، اعلامیه‌ای با عنوان عزایی به نام جشن منتشر شد که در پی گیری آن گامجایی از او کشف شد و به دستگیری مجددش به تاریخ ۴۶/۸/۲۰ انجامید و بار دیگر بازجویی‌ها آغاز شد، هر چند نه به خشونت بازجویی‌های گذشته. این بار نیز پایداری و هوشیاری او کارسازی بسیار داشت، گرچه محکومیتی نه چندان زیاد پی‌آمد این دستگیری بود. (سند شماره‌ی ۰۱۲۹ تا ۰۱۶۳).

اینک فرصتی است مناسب تا از نقش شخصیتی چون شادروان آیت‌الله سید احمد خوانساری در چنین رویدادهایی یاد شود. (سند شماره ۰۱۳۹) تا فراموش نکنیم که هر چند خط مشی سیاسی چهره‌هایی چون او با مشی سیاسی روحانیت مبارز متفاوت بوده است، اما پیوندی مشترک و مستحکم را در این میان، باید مانع گسستگی این مجموعه ارزیابی کرد. سال ۱۳۴۷، در یک نگاه

فشار روزافزون رژیم، هر چند نیروهای مبارز را در تنگنایی سخت قرار می‌داد، با این همه، در همین تنگنا نیروها پالایش می‌شدند. در این پالایش طبیعی، همچنان تنها عناصری به نهضت وفادار می‌ماندند که شخصیتی استوار داشتند. چه جای تردید که باید یک مبارز را با چنین ویژگی، از هزاران تماشاچی متزلزل ارزشمندتر داشت. چنین بود که در سخت‌ترین شرایط اختناق که نمایندگان حضرت امام در قم، چونان دیگر استوانه‌های نهضت، تبعید و زندانی بودند و مدارس علوم دینی - از جمله مدرسه‌ی حاج ابوالفتح تهران - با دسیسه‌ی سازمان اوقاف آلت دست ساواک به حال تعطیل در آمده بود، آری در فضایی چنین، عناصر وفادار به نهضت، هیچ فرصتی را در تعقیب هدف‌های مبارزه نادیده نمی‌گرفتند. از درج آگهی تسلیت و برگزاری مراسم یادبود، تا مجالس سوگ و سرور اهل بیت (سند‌های شماره‌ی ۱۸۰، ۰۱۷۵، ۰۱۶۵، و نیز سند ۰۱۶۴) از ورزشگاه امجدیه (دو سال بعد مسابقه‌ی فوتبال بین ایران و اسرائیل بهانه‌ای برای ابراز احساسات شدید بر ضد اسرائیل شد)، تا مراسم مذهبی باشکوه و جهان شمول حج (همه سال پیام حضرت امام در حج پخش می‌شد. سال ۴۷ با توجه به سفر شاه و حضورش در مراسم حج، این اقدام مفهوم دیگری داشت.)، از کمک به زلزله‌زدگان خراسان، تا امداد مبارزان فلسطین - که بدین منظور حسابی با امضای حضرات آیات علامه‌ی طباطبایی، شهید مطهری و سید ابوالفضل موسوی زنجانی افتتاح و رسماً اعلام شده بود. در همین زمان، کودتای حزب بعث را در عراق که طی آن حسن البکر رییس جمهور شد، در مجموع باید - در آن شرایط - به سود نهضت ارزیابی کرد. تبدیل جلسات مذهبی به پایگاه مبارزه

هر چند که سیاسی شدن مساجد و حسینیه‌ها را از پی‌آمدهای حماسه‌ی ۱۵ خرداد - در همه جای کشور - باید به حساب آورد، اما حضور او در تهران فصل دیگری است از این داستان:

از مسجد قائمیه در پل سیمان و جلسه‌ی قرائت قرآن در حسین‌آباد بی‌بی زبیده - جنوبی‌ترین نقطه‌ی تهران - تا جلسات پی‌درپی و پرشور هیئت انصار الحسین (سند‌های شماره ۰۱۶۷ تا ۰۲۶۰/۱، ۰۲۵۵/۲ تا ۰۳۵۳). و مسجد هدایت (سند ۰۳۰۵/۱ تا ۰۳۱۷) - در مرکز شهر - تا حسینیه‌ی ارشاد در شمال تهران، (سند‌های شماره‌ی ۰۲۵۷/۱ تا ۰۲۵۸ و ۰۲۹۵/۱ تا ۰۲۹۵/۲، ۰۳۳۱/۱ تا ۰۳۳۱/۲)، همه جا مردم با عشق و عطش از سخنرانی‌هایش استقبال می‌کردند و امید می‌گرفتند. این جلسات لبریز از شور و نشاط تا چندی، به رغم ممنوع‌المنبر بودن او پی‌گیری‌های ساواک (سند شماره ۰۳۳۳-۰۳۳۸)، ادامه داشت. گفتنی است این سخنرانی‌ها از دو نظر - در آن سال - مهم و ارزشمند بود:

۱. از نظر سیاسی، که نقش آن در فروزان داشتن آتش مبارزه، بی‌نیاز از هر توضیح است.
 ۲. از نظر فرهنگی، با توجه به حضور جدی‌تر سازمان‌های مخفی و متشکل وابسته به مارکسیست‌ها و جریان کمونیستی در صحنه، و ترویج ایدئولوژی الحادی در میان نسل جوان.
- پیوند با دانشجویان مبارز خارج کشور

تلاش در تحکیم و تعمیق پیوند با نهادها و نیروهای مبارز در فراسوی مرزها - که فراهم شدن زمینه‌ی آن از ارزشمندترین دست‌آوردهای حماسه‌ی ۱۵ خرداد است - فصلی دیگر از کارنامه‌ی اوست، هر چند انعکاس آن در گزارش‌های ساواک بسیار کم‌رنگ است (سند‌های شماره‌ی ۰۳۲۰ تا ۰۳۲۱/۵ و نیز ۰۳۴۳ تا ۰۳۴۴)، و از آن کم‌رنگ‌تر - که بسا ردیابی آن جز در بایگانی خاطره‌ها امکان‌پذیر نباشد - پیوند اوست با نهادها و سازمان‌هایی که در آن روزگار پرچمدار مبارزه با اسرائیل بودند.

جمع‌بندی مسائل عمده‌ی نهضت در سال ۴۸

با هوشیاری و متانت حضرت امام از یک سو، و روند تحولات ایران و عراق از دیگر سو، پیش‌بینی‌های کارشناسان ساواک تحقق نیافت و سرنوشت، رهبر نهضت اسلامی را بر بلندای مرجعیت جای داد. آنچه در این سال بر ابهت و شکوه حضرت امام می‌افزود، موضع‌گیری‌های بهت‌آورش در دفاع از آیت‌الله حکیم و ایرانیان مقیم عراق بود که از سوی حزب بعث مورد اهانت و آزار بودند. آتش‌سوزی مسجدالاقصی در این سال احساسات هواداران نهضت اسلامی را شعله‌ور ساخت. در همین حال، جدایی روحانیت سنتی از نهضت و راه امام، که هر روز نمایان و نمایان‌تر می‌شد، به جریاناتی دیگر فرصت حضور بیشتر و بیشتر در صحنه‌ی مبارزه می‌داد؛ جریاناتی که در براندازی رژیم با نهضت اسلامی هم‌سوئی داشتند، در حالی که برای آینده‌ی کشور خواب و خیال‌هایی دیگر می‌پروراندند. در این میان، عالم نمایانی که ترس خود را از رژیم با توجیهاتی چونان دفاع از ولایت سرپوش می‌نهادند، روحانیت مبارز را تخطئه و تضعیف می‌کردند؛ این همه در حالی بود که نشانه‌های ظاهری بیانگر استواری رژیم بود، با موقعیت بسیار مطلوبی از نظر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل.

طرح شعار حکومت اسلامی

در جمع‌بندی آنچه اشارتی رفت، تصویری از مسائل سال ۴۸ در نگاه می‌نشیند که مواضع و عملکرد حضرت امام را جلوه و درخششی ویژه می‌دهد:

حضرت امام از یک سو با فرود آوردن نهیب فریاد بر سر عالم نمایان مخالف مبارزه - با عنوان روحانیون درباری - به تقویت روحانیت مبارز می‌پردازند، از سوی دیگر، با طرح شعار حکومت اسلامی - با عنوان ولایت فقیه - بر سینه‌ی خیل نامحرمانی که بیم آن می‌رفت که در صفوف مبارزان رخنه کنند دست رد می‌زنند و همچنان با طرح بحث‌های اخلاقی، معنویت مبارزه را مورد تأکید قرار می‌دهند و در تضعیف گرایش به مادگرایی - که در آن روزها آفت نهضت بود - می‌کوشند. و او سخت می‌کوشید که با آنچه در آن روزها بر ایران می‌گذشت، کاستی‌ها را جبران کند، جای خالی رفیق‌های نیمه راه را پر کند، نسل جوان را یاری دهد و آتش مبارزه را با کمک در پخش پیام‌های رهبر، فروزان نگه دارد. این همه، در شرایطی بود که عوامل اطلاعاتی رژیم با همه‌ی امکانات، او را در منظر خود داشتند و می‌کوشیدند هر گام‌جایش را با صد نگاه پی گیرند. (سند شماره‌ی ۰۳۵۳ تا ۰۳۷۷).

او نیز از یک سو در هدایت نیروها و پیش‌گیری از سوءاستفاده‌ها، به هر بهانه و با هر شعار، می‌کوشید (سند شماره ۰۳۷۸/۱ تا ۰۳۸۱/۲)، و از سوی دیگر با حضور در جلسه‌های تشکل یافته‌ی روحانیت مبارز در جهت گسترش و تقویت جبهه‌ی هوادار نهضت و امام تلاش می‌کرد. (سند شماره‌ی ۰۳۸۲ تا ۰۴۲۶/۲) هم‌زمان با سخنرانی‌های پی‌درپی در مسجد هدایت، هیئت انصارالحسین، جلسه‌های خصوصی و مسجد همت تجریش - که رفته‌رفته، به صورت پایگاه دیگری برای نهضت در آمده بود - حضور نسلی نو و بالنده را در فرازی حساس از تاریخ پاسداری می‌کرد. (سند‌های شماره‌ی ۰۴۲۸/۱ تا ۰۴۹۰) به این همه، باید تلاش‌های ظریف‌تری را افزود که نیازهای نو به نو مبارزه زمینه‌سازشان بود و می‌بایست چنان انجام شود که نه تنها از چشم و گوش دشمن و عناصر مشکوک، که حتی از چشم و گوش بسیاری از دوستان، پنهان باشند؛ در این مورد به نمونه‌ای بسنده می‌شود که از آن انعکاسی کم‌رنگ در اسناد به جای مانده است، و بیش از این را تنها باید از بایگانی خاطره‌ها فرا کشید:

در پی طرح بحث ولایت فقیه در نجف، نخستین گامی که برای تکثیر جزوه‌های آن برداشته شد، با اطلاع و حمایت بی‌دریغ او بود.

با این همه، واکنش او در جلسه‌ی دوستان صمیمی چنان بود که گویی کمترین اطلاعی در این زمینه ندارد. (سندهای ۱/۴۷۲ و ۲/۴۷۲).

نگاهی به فضای سیاسی کشور در سال ۴۹

سال ۱۳۴۹ هجری شمسی، شاهد رویدادهایی است که هر یک بیش یا کم، بر روند و سرنوشت نهضت اسلامی در کشورمان اثر گذاشته‌اند. اهم این رویدادها را می‌توان چنین برشمرد:

۱. درگذشت جمال عبدالناصر و انتخاب انور سادات به ریاست جمهوری مصر.

۲. برقراری مجدد روابط سیاسی مصر با ایران، اندکی پیش از درگذشت ناصر.

۳. زمامداری حافظ اسد در سوریه، در پی کودتای بی‌خونریزی.

۴. حضور گسترده‌ی سرمایه‌گذاران آمریکایی در ایران که شهادت آیت‌الله سعیدی را به دنبال داشت.

۵. رحلت آیت‌الله العظمی حکیم در عراق که هواداران حضرت امام را بر آن داشت تا بی‌پروا تر از گذشته، در جهت ترویج مرجعیت حضرت امام تلاش کنند و واکنش رژیم و تبعید تنی چند از مدرسین قم را در پی داشت و حساسیت بیشتر نسبت به پایگاه‌های نهضت در تهران و تبعید و دستگیری شماری از چهره‌های برجسته‌ی روحانیت مبارز.

نقش مهم جلسه‌ی روحانیت مبارز

از اولین سال‌های حضور او در تهران تشکلی در میان شماری از روحانیون هوادار نهضت شکل گرفت که کانون مقاومتی بود در بدترین روزهای اختناق، با جلسه‌های هفتگی. می‌توان گفت که نقش این جلسه‌ها در بهره‌برداری از مجالس یادبود آیت‌العظمی حکیم و رودرویی با جبهه‌ای از روحانیت سنتی که خواهان انزوای حضرت امام بودند، بر روند و سرنوشت نهضت بسیار مهم و اثرگذار بوده است. (سندهای شماره‌ی ۱/۴۹۸ تا ۲/۵۰۴) از این پس رژیم با حساسیت بیشتری، حضور او را در پایگاه‌های چونان هیئت انصارالحسین پی‌گیری می‌کرد. (سندهای شماره ۰۵۰۷ و ۰۵۰۹) با این همه، نه تنها او فعالیت گذشته را ادامه می‌داد، حتی در سنگرها و پایگاه‌هایی جدید حضور می‌یافت که در این میان، نقش وی را در محال دانشگاهی و نیز حسینی‌ی ارشاد، با دقت بیشتری باید بررسی و تحلیل کرد. (سندهای شماره‌ی ۱/۵۲۴ تا ۲/۵۷۲).

موج مبارزه‌ی مسلحانه

سال ۱۳۵۰، نقطه‌ی عطفی است در تاریخ انقلاب اسلامی ایران. با نگاه به گذشته و بر پایه‌ی جمع‌بندی پی‌آمدهای حماسه‌ی ۱۵ خرداد، اینک می‌توان گفت:

گروه‌های مسلح و متشکل، با محوریت دو سازمان نیرومند به نام سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، و - در غیاب حضرت امام - با داعیه‌هایی، ناگهان در صحنه حضور یافتند، با گزینش سنجیده‌ی زمانی مناسب؛ زمانی که رژیم، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را در سطحی گسترده تدارک می‌دید. هر چند که این حرکت در روند انقلاب به سرنوشتی اسف‌بار دچار شد؛ اما در تحلیل آن باید پژوهشی گسترده صورت گیرد که در حوصله‌ی این دفتر نیست؛ با این همه، جنبش مسلحانه در آن جو خشونت و اختناق، چنان جاذبه‌ی نیرومندی داشت که از نسل جوان دل می‌ربود و چشم و گوشش را بر هر نغمه‌ی مخالف فرومی‌بست. به ویژه که در غیاب حضرت امام و با فشارهای رژیم، میدان برای مقابله‌ی با آن خالی مانده بود. شمار شخصیت‌های روحانی که به مبارزه وفادار مانده بودند اندک می‌نمود، هر چند که خیل فرزندان فیضیه را دل در گرو عشق امام بود. بگذریم که کسانی هم از پشت یاران را خنجر می‌زدند. اگر بخواهیم تصویر روشن‌تری از فضای آن روزها ارائه کنیم، می‌توان اشاره‌ای کرد به داستان بازگشت آیت‌الله شهید دکتر بهشتی و جوسازی وحشتناکی که به بهانه‌ی برخی اظهارنظرهای وی - هم سو با کتاب مسأله‌ی حجاب آیت‌الله شهید مطهری - در حسینه‌ی ارشاد، ترتیب یافت. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. مثال دیگری که فضای

آن روزها را تا حدودی در نگاه می‌نشانند، دشوارهایی است که در برگزاری مراسم یادبود مهندس پسندیده - فرزند آیت‌الله پسندیده - برای هواداران نهضت پیش آمد.

اما و اگرهای تاریخ

واقعیت این است که در تاریخ، پس‌بینی آسان‌تر از پیش‌بینی نیست. به راستی اگر در آن روزها پایگاه‌هایی چونان هیئت انصارالحسین، مسجد هدایت، مسجد الجواد، حسینیه‌ی ارشاد... نسل جوان و شیفته‌ی انقلاب را پذیرا نمی‌بودند، یا شماری انگشت‌شمار چونان او به نهضت وفادار نمی‌ماندند، چه پیش می‌آمد؟ پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، بسیار دشوار است. به هر حال او می‌بایست بار سنگینی را - که بسیاری از برداشتن آن شانه خالی کرده بودند - به دوش می‌کشید. چنین بود که هم زمان، دو گونه تلاش ناسازگار را تن می‌داد.

۱. تلاش‌های پشت پرده که ردیابی آن جز در لابلاهای اسناد و - بیش از آن - در پرده‌ی خاطرات، امکان‌پذیر نیست. (سند‌های شماره‌ی ۰۵۷۵/۱ تا ۰۶۰۳/۱، ۰۵۹۷، ۰۵۸۱، ۰۵۷۶ و ۰۶۰۷/۱، ۰۳۰۶/۲، ۰۶۱۰/۱ و ۰۶۰۷/۲، ۰۶۲۰، ۰۶۲۷/۱ و ۰۶۱۰/۲، ۰۶۱۳ و ۰۶۳۵/۱، ۰۶۳۷/۲ و ۰۶۲۷/۲، ۰۶۳۷/۱، ۰۶۳۵/۲ و ۰۶۴۷/۱، ۰۶۳۷/۲ و ۰۶۵۲، ۰۶۴۷/۲).

۲. تلاش‌های آشکار که در این سال بیش از پیش در اوج بود، چنان که بهار این سال با سخنرانی در رفسنجان - با بهره‌گیری از فرصت تعطیلات عید - آغاز می‌شود. (سند‌های شماره‌ی ۰۵۷۴/۱ و ۰۵۷۴/۲) و به رغم حساسیت رژیم - به خاطر برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و پیش‌بینی کارشکنی‌هایی از سوی انگشت‌شمار عناصری چونان او، (سند‌های شماره‌ی ۰۶۳۰/۱، ۰۶۲۲، ۰۶۱۶ و ۰۶۳۰/۲). و به رغم، ممنوع‌المنبر شدن وی (سند‌های شماره‌ی ۰۵۹۴ و ۰۵۹۵ و ۰۶۰۲) همچنان در مجالسی چون هیئت انصارالحسین، مسجد هدایت، مسجد الجواد و غیره حضور می‌یابد و علاوه بر آن به شهرهای همدان (سند‌های شماره‌ی ۰۶۰۰/۱ و ۰۶۰۰/۲)، قزوین (سند‌های شماره‌ی ۰۶۳۱/۱) تا

۰۶۳۴/۲) و اصفهان (سند‌های شماره‌ی ۰۶۱۴ تا ۰۶۱۵ و ۰۶۱۹) نیز سفر می‌کند و خشم رژیم را بیش از پیش برمی‌انگیزد. هر یک از این سخنرانی‌ها را مزاحمت‌هایی چون احضار و بازداشت پی‌آمد بود. هر چند به زندان نینجامید. در این میان، تنها در اصفهان با خشونت بیشتری برخورد شد، که چند روزی زندان آن شهر را هم تجربه کرده است.

دستگیری مجدد

سرانجام، بار دیگر به تاریخ ۵۰/۷/۱۴ دستگیر و به زندان قزل قلعه سپرده می‌شود که دیگر بار، موجی از نگرانی دوستان را در پی دارد و هر هفته، خیل هواداران نهضت در پایگاهی چند - به ویژه هیئت انصارالحسین - جای او را با حسرت و تأسف خالی می‌دیدند.

برای، بازجویی، شکنجه و تهدید، به هیچ وجه تازگی ندارد، و با هوشیاری این مرحله را نیز می‌گذراند. (سند‌های شماره ۰۶۵۳ تا ۰۶۸۵/۲).

روند مبارزه در سال ۵۱

در سال ۵۱ که رژیم شاه به ظاهر موقعیت مطلوبی از نظر سیاست خارجی داشت، چنان که می‌توان گفت - صرف‌نظر از تشنج در روابط ایران و عراق و برخی کشورهای عربی هم جوار - مشکل عمده‌ای دیده نمی‌شد، در همین حال، مشکلات حادی در کشور نمودار بود. در این سال، ۱۳۰ مورد انفجار مهم، ۱۲ زد و خورد خیابانی، ۸ مورد اعدام فردی و گروهی و صدها مورد دستگیری سیاسی، فضای سیاسی کشور را دگرگون کرده بود. دانشگاه‌ها ناآرام بود، به ویژه شورش در دانشگاه تبریز، رژیم را با موجی از نگرانی در تنگنا گذاشته بود. فیضیه نیز صحنه‌ی تظاهرات مکرر و چشمگیرتر از گذشته بود که در پی‌آمد آن - گذشته از دستگیری شماری از فضلا و طلاب - می‌توان به سربازگیری طلاب اشاره کرد. ترور سرتیپ طاهری و مرگ سرهنگ مولوی در

ساحنه‌ی هوایی، موجی از شادی - به ویژه در تهران - به دنبال داشت انفجارهای پی‌درپی در جریان سفر نیکسون به تهران خشم رژیم را برانگیخته بود.

برای کسانی مانند او که مبارزه با رژیم را جدی گرفته بودند، چنین تحولی، بسیار مهم ارزیابی می‌شد و طبیعی بود که از پاره‌ای کاستی‌ها - در سازمانی که در این تحول نقش عمده را داشت، هر چند که زمینه‌ی اصلی آن را حماسه‌ی ۱۵ خرداد فراهم کرده بود - با اغماض بگذرند و به حل و جبران آن بکوشند و امیدوار باشند. از سوی دیگر، انحراف‌های فکری سازمان، در آغاز چندان آشکار نبود و شماری از سران، در ظاهر سازی و ریاکاری، بسیار چیره‌دست بودند. چنین بود که با پیش زمینه‌هایی از گذشته، زندان قزل قلعه در واپسین ماه‌های سال ۵۰ و نخستین ماه‌های سال ۵۱، زمینه‌ای برای ارزیابی او از موج نوین و مبارزه‌ی مسلحانه شد، با نگاهی در مجموع مثبت که حمایت مشروط وی از این جریان را در پی داشت؛ هر چند که از این حمایت سوءاستفاده‌های ناجوانمردانه‌ای شد، ولی نمی‌توان این واقعیت آشکار را منکر شد که در تقویت نهضت اسلامی نیز، این جریان بی‌تأثیر نبوده است که ارزیابی آن، موضوع پژوهش و تحلیلی است پیچیده و ظریف، به دور از تنگ‌نظری و تعصب.

او بار دیگر به زندان افتاد، مدت این زندان، چیزی کمتر از یک سال بود: دو ماه در اوین قدیم، دو ماه در قزل قلعه و چند ماه در زندان عشرت‌آباد. هر یک از این مراحل دست‌آوردی داشت، در اولین و در سلول انفرادی که فرصت هیچ کاری نبود، حدود نیمی از قرآن را حفظ کرد.

ماه‌های نخستین از سال ۵۱ را در زندان قزل قلعه پشت سر گذاشت و پس از آزادی، از همان لحظه‌ی نخست (سند‌های شماره ۰۶۸۶ تا ۰۶۸۷) با احساس مسئولیت سنگین در شرایط حساس جدید - بی‌پروا به تلاشی جدی‌تر از گذشته پرداخت، چنان که حساسیت رژیم را بیش از پیش برانگیخت. و بار دیگر دستگیری او را آهنگ کردند. (سند‌های شماره‌ی ۰۶۸۸ تا ۰۷۳۸/۲) و چند هفته پس از آزادی در رفسنجان بازداشت و پس از چند روز تحمل زندان در کرمان به قزل قلعه در تهران منتقل شد و چهل و پنج روز دیگر در زندان انفرادی ماند. در همین دوره‌ی کوتاه زندان، یادداشت‌های ارزشمندی در موضوع «اشرافیت در قرآن» با استفاده از قرآن که تنها مونس او در زندان بود تهیه می‌کرد. پس از رهایی، در حالی که نامش در ردیف اول لیس ممنوع المنبرها بود، (سند شماره ۰۷۴۰)، تلاش می‌کرد تا از فرصت رمضان به سود مبارزه بهره‌برداری شود (سند شماره‌ی ۰۷۴۸)، و خود نیز از مجامعی برای سخنرانی استفاده می‌کرد (سند‌های شماره‌ی ۰۷۵۷ و ۰۷۶۴/۱ تا ۰۷۹۷/۲)، علاوه بر حضور مستمر در جلسه‌های هم‌اندیشان، پس از تعطیل جلسه‌ی گذشته، به دلیل اطلاع از رخنه کردن عوامل ساواک در آن. (سند‌های شماره‌ی ۰۷۶۵/۱ و ۰۷۶۵/۲). سرانجام، ناگزیر سخنرانی در مجامع عمومی - به ویژه هیئت انصارالحسین - را به دیگران و انهاد (سند شماره‌ی ۰۷۹۸/۱ و ۰۷۹۸/۲)، و خود تلاش‌های اساسی تری را عهده‌دار شد.

موج گسترده‌ی تبعید مدرسین قم، در پی تعطیل پایگاه‌های نهضت در تهران

هرچند موقعیت رژیم در سیاست بین‌المللی بیش از پیش تثبیت شده ارزیابی می‌شد و تلاش وزارت خارجه در ایجاد موازنه در سیاست خارجی موفقیت‌آمیز به نظر می‌رسید، با این همه، موج فزاینده‌ی نارضایتی در نسل جوان دانشگاهی و پیوند معنوی نسل نو حوزه با دانشگاه و اتحادشان در گرایش به براندازی رژیم، به صورت مشکلی سیاسی و اساسی نمایان شد. در این میان، جنگ اعراب و اسرائیل و پی‌آمدهای آن، این مشکل را بغرنج‌تر و پیچیده‌تر کرد؛ چرا که، با همه‌ی تلاش تبلیغاتی رژیم در جهت القای این باور که شاه را نقشی است میانجی‌گرانه و اصلاح‌گرایانه، تبلیغات نهضت، شاه و اسرائیل را در یک جبهه قلمداد می‌کرد و موج عواطف اسلامی را بر ضد آن برمی‌انگیخت. در همین شرایط، موضع‌گیری مردم در حمایت از مبارزان فلسطین، موجی شکننده را به سوی رژیم گسیل می‌کرد. افزون بر این همه، آنچه در این سال افغانستان پیش آمد و پی‌آمدهای قابل پیش‌بینی آن نیز برای رژیم خالی از نگرانی نبود. افزایش نرخ نفت هم در این سال واکنش‌ها و پی‌آمدهای داشت که در تحلیل سیاست خارجی و داخلی

ایران در آن زمان نباید نادیده گرفت.

شاید بتوان با جمع‌بندی نکته‌های بالا و ترسیم فضای سیاسی کشور در سال ۵۲، تا حدودی ریشه‌یابی و زمینه‌شناسی خشونت رژیم را در سرکوبی نهضت، توفیق یافت. به هر حال ساواک با خشونت به قلع و قمع هواداران نهضت پرداخت و علاوه بر دستگیری گسترده‌ی دانشجویان و طلاب، و در پی تهاجم به مسجد هدایت، مسجد الجواد و حسینیه‌ی ارشاد و پایگاه‌های نهضت در تهران در سال ۵۱، حوزه‌ی قم را در این سال مورد یورش قرار داد و شماری در خور ملاحظه از فضلا و مدرسین را به سرتاسر کشور تبعید کرد. اینگونه تلاش‌های رژیم، هر چند که موجی از ترس و وحشت را در کوتاه مدت در پی داشت، در بلند مدت به سود نهضت انجامید. حضور هر تبعیدی در هر منطقه، شعاع مبارزه را گسترده و گسترده‌تر می‌کرد، چنان که تعطیل شماری از پایگاه‌های نهضت، پیدایش پایگاهی جدید را به دنبال داشت. در مثل، اگر مسجد هدایت، مسجد الجواد و حسینیه‌ی ارشاد بسته می‌شد، نام پایگاهی دیگر چون مسجد جاوید بر سر زبان‌ها می‌افتاد...

در فضایی با این ویژگی‌ها، و در حالی که ساواک از همه سو در مراقبت او نیروهایش را بسیج کرده بود (سند‌های شماره‌ی ۰۸۰۶ تا ۰۸۱۴) او از یک سو در جهت هدایت موج عواطف ضد صهیونیستی تلاش می‌کرد، (سند‌های شماره‌ی ۰۸۲۷ تا ۰۸۵۱)، و از دیگر سو با پیوندهای ناشی از امدادسانی به فلسطینی‌ها از رهگذر سفارتخانه‌های کشورهای عربی، در جهت دامن زدن به موج مبارزه بر ضد رژیم و گسترش دامنه‌ی آن به فراسوی مرزها می‌کوشید. نمونه‌ای از این تلاش، سبب‌سازی ظریفی است در وادار کردن سفارت مصر، تا عراق را تحت فشار قرار دهد و از همکاری با رژیم، در انتقال حضرت امام از نجف، که آن روزها شایعه‌های نگران‌کننده‌ای در این زمینه پخش شده بود. (سند‌های شماره‌ی ۰۸۱۸/۱ و ۰۸۱۸/۲)، باز دارد.

سال ۵۱-۵۳

خشونت روز افزون رژیم او را در این مقطع به پنهان کاری هر چه بیشتر کشاند؛ چنان که هر چه عوامل اطلاعاتی رژیم بیشتر می‌کوشیدند، کمتر سرنخی نصیب می‌بردند. (سند‌های شماره‌ی ۰۸۲۸/۱ تا ۰۸۴۷) پاره‌ای اسناد بیانگر این واقعیت است که اگر در رویدادی - چونان دستگیری بعضی دوستان - نیاز به خبرگیری از سرنوشت آنان بود، از روابط خانم‌ها - که به هر حال انعکاسی طبیعی‌تر داشت - استفاده می‌شد. (سند شماره‌ی ۰۸۴۴).

یکبار هم حضور همسر او در جمع بانوان متحصن در قم برایش پی‌آمدی داشت، چنانچه دیگر بار، در سفری به نوق، در رفسنجان دستگیر و پس از حدود پنجاه روز آزاد شد. هوشیاری‌اش در این دستگیری، ساواک را به موضع انفعال کشانید که زمینه‌ای شد برای فراهم کردن ملاقاتی با مقدم. او کوشید که از این ملاقات در جهت حل مشکلی اساسی و برداشتن سدی از راه مبارزه سود جوید و مقدم را قانع کند که شکنجه‌ها و اهانت‌های بی‌حساب نه تنها مجاهدان را از میدان به در نمی‌کند که مصمم‌تر نیز می‌کند. در ترسیم فضای سال ۵۳ یادآوری نکته‌هایی سودمند است:

با درگذشت آیت‌الله شاهرودی که - به ویژه در استان خراسان - مقلدان فراوانی داشت، زمینه‌ی دیگری در ترویج مرجعیت حضرت امام فراهم شد. شاید به همین دلیل، مشهد شاهد خشونت سخت‌تری بود که دستگیری مقام معظم رهبری را که - در آن استان محور اصلی نهضت بود - در پی داشت. درگذشت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین غفاری در زندان قصر نیز در قم بازتابی بسیار گسترده داشت، با شایعاتی فراگیر به عنوان شکنجه و شهادت وی. موضع‌گیری حزب مردم در مجلس نیز در این سال پرسش برانگیز و زمینه‌ی پژوهشی جدی است.

از مسائل داخلی که بگذریم، در سیاست خارجی نیز رویدادهایی مهم اثرگذار بود که عمده‌ی آن، حل اختلاف ایران و عراق است و انعقاد قراردادی میان دو کشور در الجزایر به عنوان کشور میزبان، که پیروزی قابل توجهی برای ایران ثبت کرد. شرکت در عرفات به عنوان نماینده‌ی فلسطین در سازمان ملل نیز آغاز حرکتی بود در جهت حل یکی از مشکلاتی که همواره برای رژیم شاه نیز مسئله

آفرین بود. بدین سان می‌توان گفت که رژیم به چشم‌انداز روشن‌تری در موقعیت جهانی خود چشم دوخته بود. در همین حال در پیوند با افزایش نرخ نفت، امکانات مالی بیشتری در اختیار رژیم قرار گرفت.

سال ۵۳-۵۴

با تنگ شدن عرصه بر مبارزان، هر جریانی می‌کوشید ضلعی از میدان مبارزه را به فراسوی مرزها بکشاند و بیرون از کشور، هسته‌ها و پایگاه‌هایی ایجاد کند. با حضور امام در عراق، زمینه‌سازی مطلوبی در این میدان برای نهضت اسلامی شده بود که نیاز به تقویت، بهره‌برداری و رسیدگی داشت.

چنین بود که سفرهایی بیرون از مرزها و در دو نوبت، بخشی عمده از کارنامه‌ی مبارزاتی او را در این مقطع به خود اختصاص داد، با دست آوردهایی فراوان و ارزشمند، به ویژه دیدار و گفت و گو با امام پس از سال‌های سنگین فراق و نیز بازدید اردوگاه‌های فلسطین، همراه امام موسی صدر، و ایجاد هماهنگی بین نیروهای مبارز اسلامی ایرانی با امکانات مطلوب شیعیان لبنانی و مجاهدان فلسطین.

سوریه و لبنان، عراق، فرانسه، انگلیس، آلمان، هلند و ایالت‌هایی از آمریکا را با این انگیزه در نوردید. ژاپن، ترکیه، پاکستان، ایتالیا، یوگسلاوی و کشورهای اسکاندیناوی - هر یک به دلیلی - به این مجموعه اضافه شدند. کمک به نیروهای همراه در خارج و تلاش برای رفع اختلافات و ابهامات‌شان بخشی از ثمرات آشکار این سفرهاست.

از سوی دیگر، آشنایی با دو رویه‌ی تمدن غرب از ضرورت‌هایی بود که هر کس انگیزه و فکری اصلاحی داشت نیاز به آن را احساس می‌کرد. در این سفرها برای او هم فرصتی پیش آمد که چنین نیازی را پاسخگو باشد. از دیوار برلن تا موزه‌ی بمباران هیروشیما، از آسمان خراش‌های شیکاگو تا موزه‌ها و مراکز فرهنگی لندن و از جنگل‌های ردوود تا محله‌های هالیوود... همه در این قلمرو قرار گرفتند.

سال ۵۴-۵۵

گویی تقدیر الهی چنین است که رژیم‌های خودکامه، در اوج موفقیت، با بازی هنرمندانه‌ی سرنوشت به روند واژگونی کشانده شوند. در داستان انقلاب اسلامی ایران نیز یک بار دیگر ایران و جهان تماشای چنین هنری را در بازی سرنوشت فرصت یافتند:

سال ۵۴ - در پی قرارداد الجزایر - هویدا به عراق سفر کرد. گویی رژیم در ایجاد موازنه در سیاست خارجی به جایگاه دلخواه رسیده است؛ چنان که این جایگاه، ستایش مقامات رسمی چین کمونیست را - که در آن روزها قبله‌ی جریانات چپ در این مرز و بوم بود - نیز برانگیخت. اظهارات شاه هم بیانگر این نکته بود که در میان رهبران کمونیست مشکلی جز با فیدل کاسترو اظهارات شاه هم بیانگر این نکته بود که در میان رهبران کمونیست مشکلی جز با فیدل کاسترو برجای نمانده است. پیوند تنگاتنگ ایران و غرب به ویژه آمریکا نیز بیش از پیش مستحکم می‌نمود، چنان که خشم و حسادت شیوخ جنوب خلیج فارس به ویژه عربستان را برانگیخته بود.

در سیاست داخلی نیز، اعلام مواضع مارکسیستی سازمان مجاهدین خلق - به رغم اندرزهای عالمان مبارز - موجی از شادی رژیم و نویدی قشرهای مبارز را در پی داشت، و در پی آن دستگیری حضرات آیات طالقانی، هاشمی رفسنجانی، مهدوی کنی و... هر چند که با فاصله‌ای کوتاه موج تندی از ترور و انفجار در تهران و سرتاسر کشور گزارش می‌شد، ولی برای ساواک بیش از دیگران روشن بود که این، نه از قدرت سازمان، که از متلاشی شدن آن حکایت می‌کند، چیزی همانند انتحار.

اعلام تأسیس حزب فراگیر رستاخیز، تبدیل تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی و پاره‌ای الدرمد بلدرهم‌های شاه در برابر غرب - در پیوند با افزایش نرخ نفت - همه ناشی از غرور و شاه و رژیم بود....

ناگهان گویی ورق برگشته است و نشانه‌هایی از دوگانگی مهمی در سیاست آمریکا نسبت به شاه و رژیمش نمایان شد که ملاقات

شاه و راکفلر در جزیره‌ی خارک را می‌توان از واکنش‌های مربوط به این دوگانگی دانست. در همین حال، در پاره‌ای مصاحبه‌های شاه، اشاره به وصیتنامه‌ای شد که شایعه‌ی بیماری وی را دامن می‌زد. نمی‌دانیم، شاید همین بیماری، در دوگانگی سیاست آمریکا بی‌اثر نبود. به هر حال، پیروزی کارتر در انتخاب آمریکا، شاه و رژیم را نگران کرد. کارتر نیز که ارزیابی درستی از قدرت مذهبیون و حضرت امام در ایران نداشت، با فشار بر شاه برای باز کردن فضای سیاسی کشور، دست به اقداماتی زد که به زودی پشیمانی او و حزبش را در پی داشت، هر چند که دیگر دیر شده بود.

سال ۵۶-۵۷

شگفتا: او که در اوج اختناق رژیم و غربت انقلاب، همیشه در صحنه حضور داشت و عشق به مبارزه در راه آزادی و عدالت، لحظه‌ای آرامش نمی‌گذاشت و با همه‌ی هوشیاری و فطانت و به رغم نیازی که همگان در حراست از وی احساس می‌کردند، هرازگاه دل به دریا می‌زد و در استقبال خطر آغوش می‌گشود، آری، با این همه، بازی سرنوشت چنین پیش آورد که در پرهیجان‌ترین شرایط از مبارزه و مردم دور باشد! در محرم و عاشورای ۴۲ و در آستانه‌ی حماسه‌ی ۱۵ خرداد، دست سرنوشت او را به بندگان پادگان‌های نظامی کشانید. اینک نیز که به هر حال، فضای باز سیاسی پیش آمده است و هر روز خبری هیجان‌انگیز موج می‌افکند، خبرهایی چون لغو محکامه‌ی سری نظامی، عفو پی در پی زندانیان سیاسی، برداشته شدن شکنجه، بهبود وضع زندان‌ها، برداشته شدن گارد دانشگاه، بیانیه‌های پی‌درپی احزاب، نامه‌های سرگشاده از چپ و راست، درج خبرهای تظاهرات در روزنامه‌ها، بازدید نمایندگان صلیب سرخ از زندان‌ها، استعفای مهره‌های پرآوازه‌ی رژیم، تغییر کابینه، تظاهرات فراگیر دانشگاه‌ها، اعلام موجودیت جمعیت‌های سیاسی، برپایی مجالس پرشکوه سیاسی، موج فزاینده‌ی تظاهرات در خارج از کشور، در گذشت دکتر شریعتی و پی‌آمدهای آن، و از همه مهم‌تر، رحلت آیت‌الله سید مصطفی خمینی - که در آن فضا مشکوک تلقی می‌شد - ناگهان چونان زلزله‌ای سیاسی کشور را تکان داد و همه‌ی محاسبات و معادلات را در هم ریخت....

اینک که آتش انقلاب شعله‌ور شده است، سرنوشت، به او مجال جوشیدن در این آتش شعله‌ور را نمی‌دهد! با شماری هم‌اندیشان در گوشه‌ی زندان اوین از دور دستی بر آتش دارند. هرچند که او و هم‌بندانش، زندان اوین را نیز به کانونی فعال بدل کرده بودند و در پاسخ به یکی از نیازهای حساس و مبرم انقلاب نقشی بسیار مؤثر داشتند. (سند شماره‌ی ۰۸۷۹) او، با آن که پرونده‌ای بسیار سنگین داشت، به ویژه با تک‌نویسی کینه‌توزانه‌ی وحید افراخته که کوشیده بود بدترین ذهنیت را در مورد وی شکل دهد، (سند‌های شماره‌ی ۰۸۹۰/۱ و

۰۸۹۰/۲ و نیز سند شماره ۰۹۰۶/۱ و ۰۹۰۶/۲)، با این همه، قبل از آنکه به سرنوشت خویش بیندیشد، به سرنوشت انقلاب می‌اندیشد. هر چند هوشیاری و زیرکی وی در پنبه کردن رشته‌های عناصری ناجوانمرد و چند چهره، در نگاه انقلاب آشنایان برگ‌هایی است زرین در کارنامه‌ی سیاسی او، اما از آن زرین‌تر و افتخار آفرین‌تر، برگ‌هایی است نانبشته که از نگاه دشمن پنهان مانده و در اسناد از آن انعکاسی نمی‌توان یافت و ردیابی این همه جز با جست و جو در بایگانی خاطره‌ها امکان‌پذیر نیست.

افزون بر این همه، تلاش فرهنگی اوست، بیرون و درون زندان که این فرصت می‌توان به دو کار اساسی اشاره کرد:

۱. تلاش در نگارش زندگی‌نامه‌ی امامان معصوم که در سال‌های ۵۳-۵۴ آغاز شد و ناتمام ماند و اینک شماری از فضلاء حوزه‌ی قم در تلاش تکمیل و پردازش آن هستند. ۲. فراهم کردن بانک اطلاعات قرآنی که کارهای زیربنایی آن در زندان اوین به انجام رسید و اینک در جهت تکمیل و پردازش آن نهادی در قم پدید آمده است و مجلداتی از آن آثار منتشر شده است.

آزادی از زندان

سرانجام در پاییز سال ۵۷، در طلیعه‌ی بهار آزادی، با انقلاب مردم به پاخاسته درهای زندان گشوده شد و مردم انقلابی ایران، حضرات آیات طالقانی، منتظری، هاشمی رفسنجانی و دیگران را در آغوش گرفتند و در پیوند با رهبری اسلامی در نوفل لوشاتو،

کانونی نیرومند در ایران هدایت انقلاب را عهده‌دار شد. از این پس، هر روز رویداد و رویدادهایی عظیم را شاهد بود که در روز شمارهای انقلاب اسلامی به بسیاری از آن رویدادها اشاره شده است. در میان این رویدادهای بی‌شمار، دو مورد ویژگی خاصی دارد:

۱. پیدایش شورای انقلاب در ایران که او از محورهای تعیین کننده در آن بود.
 ۲. نخستین اقدام رسمی حضرت امام و اعزام هیئتی به خوزستان با مأموریت رسیدگی به مسایل نفت با عضویت و نقش تعیین کننده‌ی او در آن هیئت (کیهان، شماره‌ی ۱۶، ۱۰۶۰۵ دی ماه ۱۳۵۷).
- بدین سان موج توفنده‌ی انقلاب اسلامی به سوی پیروزی تاریخی ایران و اسلام راه می‌پیمود و در واپسین روزهای نابودی رژیم خودکامه‌ی پهلوی، در محضر حضرت امام، او بود که فرمان نخست‌وزیری انقلاب را قرائت کرد. (کیهان، شماره‌ی ۱۷، ۱۰۶۳۱ بهمن ماه ۱۳۵۷). ما را در سرفصلی مهم و در روزهایی سراسر هیجان‌گویی این آیه در گوش‌ها طنین می‌افکند که: عسی ربکم أن یهلک عدوکم و یتخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون. (قرآن کریم، سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۱۲۶).
- برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

هاشمی نژاد، عبدالکریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شهید حجه اسلام و المسلمین سید عبدالکریم هاشمی نژاد در سال ۱۳۱۱ شمسی (۱۳۵۱ ق) در خانواده‌ای متدین در « بهشهر » مازندران دیده به جهان گشود و از ۱۴ سالگی در محضر آیت الله کوهستانی و سپس در قم به مدت چهارده سال نزد آیات عظام: سید حسین بروجردی و امام خمینی (ره) به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی در دوران مبارزات اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) با خطبه‌ها و سخنرانی‌های حماسی و آتشین خویش، در نشر افکار انقلابی اسلام و افشای ماهیت رژیم پهلوی، تمامی توان خود را به کار برد و در این راه متحمل سختی‌ها و شکنجه‌های ایادی رژیم گردید. وی از ابتدای مبارزه تا پیروزی انقلاب اسلامی، چندین بار دستگیر و به زندان‌های طولانی مدت محکوم گردید. این مجاهد انقلابی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان نماینده استان مازندران در مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد، در تدوین قانون اساسی و به خصوص در جهت تثبیت اصل ولایت فقیه، زحمات بسیاری کشید. حجت الاسلام هاشمی نژاد پس از پایان دوره مجلس خبرگان و تدوین قانون اساسی مقام دبیری حزب جمهوری اسلامی مشهد را به عهده گرفت و از این پایگاه، حملات مداوم خود را متوجه نفاق حاکم بر بعضی مکان‌های دولتی و ارتجاع کرد و با ضد انقلاب به مبارزه سختی پرداخت. وی با شروع جنگ تحمیلی، در جبهه‌های غرب و جنوب حضور یافت و با سخنرانی‌های پرشور خود، در بالا بردن روحیه رزمندگان نقش بسزایی ایفا کرد. آن شهید بزرگوار، پشتوانه محکمی برای انقلاب بود، از این رو نقشه ترور وی طرح شد و در سالروز شهادت امام جواد (ع) در هفتم مهر ۱۳۶۰ در چهل و نه سالگی به دست یکی از منافقان کوردل، بر اثر انفجار نارنجک به شهادت رسید. بدن پاره پاره این شهید عالی مقام پس از تشییع باشکوه مردم، در جوار مرقد منور امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

هروی بغدادی، ابوعبید قاسم

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۲۴/۲۲۳/۲۲۲-۱۵۷ ق)، حافظ، محدث، فقیه، مجتهد، ادیب و لغوی. در هرات به دنیا آمد. پدرش از غلامان رومی و در خدمت مردی از اهل هرات بود. ادبیات و فقه را از اساتید بزرگ آن زمان فراگرفت. قرآن و لغت را نزد ابوالحسن کسایی و اسماعیل بن جعفر و شجاع بن ابونصر بلخی و ابوعمر و شیبانی و فراء و ابوزیاد کلابی و ابوعبیده و اصمعی و یزیدی و ابوزید انصاری و عده‌ای دیگر آموخت. وی در قرآنت، فقه، لغت و شعر متبحر بود. از اسحاق بن سلیمان رازی و اسماعیل بن جعفر و شریک بن عبدالله و اسماعیل بن عیاش و هشیم بن بشیر و سفیان بن عینه و اسماعیل بن علی و یزید بن هارون و یحیی بن سعید قطان و حجاج بن محمد و ابومعاویه ضریر و صفوان بن عیسی و عبدالرحمان بن مهدی و حماد بن مسعده و مروان بن معاویه و ابوبکر بن عیاش و محمد بن جعفر غندر و سعید بن عبدالرحمان جمحی و عبیدالله اشجعی و وکیع بن جراح و عبدالله بن ادیس و جریر بن عبدالحمید و عباد بن عباد مهلبی و معاذ بن معاذ عنبری و عمر بن یونس و عبدالله بن مبارک و اسحاق ازرق و دیگران حدیث شنید. استادش، سعید بن ابومریم مصری، و نصر بن داوود بن طوق صاغانی و محمد بن اسحاق صاغانی و حسن بن مکرم و احمد بن یوسف تغلبی و ابوبکر بن ابی الدنیا و حارث بن ابی اسامه و محمد بن یحیی مروزی و علی بن عبدالعزیز بغوی و عبدالله بن عبدالرحمان دارمی و عباس دوری و محمد بن حفص دوری و احمد بن یحیی بلاذری و عبدالمجید بوشنجی و ابوالحسن علی بن عبدالله طوسی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی مدتی در بغداد اقامت گزید. سپس در زمان امیر ثابت بن نصر بن مالک خزاعی به منصب قضاوت شهر طرسوس گمارده شد. در اواخر عمر به مکه رفت و همان جا در گذشت. از آثارش: «الغریب» یا «غریب الحدیث»؛ «غریب القرآن»؛ «الغریب المصنف فی علم اللسان»؛ «فضائل القرآن»؛ «ادب القاضی»؛ «الاحوال»؛ «الشعراء»؛ «الناسخ والمنسوخ»؛ «المواعظ»؛ «القرآت»؛ «النسب»؛ «معانی القرآن»؛ «المجاز فی القرآن»؛ «عدد آی القرآن»؛ «الامثال السائرة»؛ «المقصود والممدود»؛ «الطهارة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۰/۶)، تاریخ بغداد (۴۱۶-۴۰۳/۱۲)، التاریخ الکبیر (۱۷۲/۷)، تذکره الحفاظ (۴۱۸-۴۱۷/۱)، تهذیب التهذیب (۲۷۶-۲۷۴/۸)، تهذیب الکمال (۱۵۴-۱۴۵/۱۵)، الجرح والتعدیل (ج ۳، ق ۱۱۱/۲)، سیر النبلاء (۵۰۹-۴۹۰/۱۰)، شذرات الذهب (۵۵-۵۴/۲)، صفه الصفوة (۳۲۸-۳۲۷/۲)، طبقات ابن سعد (۲۵۴-۲۵۳/۷)، طبقات الشافعیه سبکی (۱۶۰-۱۵۳/۲)، طبقات الفقهاء الحنابله (۳۶۴-۳۶۰/۱)، طبقات المفسرین داودی (۳۷-۳۲/۲)، العبر (۳۰۸/۱)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۱۲۱-۱۲۰)، الکامل (۲۵۹/۵)، معجم الادباء (۲۶۱-۲۵۴/۱۶)، المنتظم (۳۳۶-۳۳۴/۶)، میزان الاعتدال (۳۵۹/۳)، النجوم الزاهرة (۲۹۴/۲)، وفيات الاعیان (۶۳-۶۰/۴).

هروی، ابواسحاق احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۴ ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به ابن یاسین حداد. وی از عثمان بن سعید دارمی و موسی بن احمد فریابی و عبید بن محمد و راق حافظ و معاذ بن مثنی و فضل بن عبدالله یشکری و همطبقه آنها حدیث شنید. ابوعبدالله بن ابی ذهل و منصور بن عبدالله خالدی و خلیل بن احمد قاضی و محمد بن علی بن محمد باشانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در فن

تاریخ‌نویسی دست داشت و کتابی با عنوان «تاریخ هرات» تصنیف نمود. در «میزان الاعتدال» سال درگذشت وی ۲۳۴ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۸۷۸-۳/۸۷۷)، سیر النبلاء (۳۴۰-۱۵/۳۳۹)، شذرات الذهب (۲/۳۳۵)، طبقات الحفاظ (۳۷۵)، لسان المیزان (۱/۴۳۷)، معجم المؤلفین (۲/۱۶۸)، میزان الاعتدال (۱/۱۷۵)، هدیة العارفين (۱/۴۷).

هروی، ابوذر عبد، عبدالله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۳۴-۳۵۶/۳۵۵ ق)، فقیه مالکی، حافظ، محدث و صوفی. معروف به ابن سماک. اصل او از هرات و از علمای بزرگ مالکی و شیخ الحرم زمانش بود. در طلب علم و حدیث به مسافرت‌های طولانی پرداخت. علم کلام را از ابن باقلانی فرار گرفت. وی در هرات از ابوالفضل بن خمیرویه و بشر بن محمد مزنی و عده‌ای دیگر و در سرخس از ابومحمد بن حمویه و زاهر بن احمد فقیه و در بلخ از ابواسحاق مستملی و در مرو از ابوهیثم کشمیهنی و در بصره از ابوبکر هلال بن محمد بن محمد و شیبان بن محمد ضبعی و در بغداد از ابوالفضل زهری و ابوالحسن دارقطنی و ابوعمر بن حیویه و در دمشق از عبدالوهاب بن حسن کلابی و در مصر از ابومسلم کاتب و در مکه از ابواسحاق ابراهیم بن محمد دینوری و عده‌ای دیگر حدیث شنید. وی راوی «صحیح» بخاری از مستملی و حموی و کشمیهنی بود. فرزندش عیسی و علی بن محمد بن ابوالهول و موسی بن عیسی صقلی و عبدالله بن حسن تیسسی و ابوصالح نیشابوری موذن و علی بن بکار صوری و احمد بن محمد قزوینی و ابوطاهر اسماعیل بن سعید نحوی و ابوحسین بن مهتدی بالله و ابوولید باجی و عبدالله بن سعید شنتجالی و عبدالحق بن هارون سهمی و ابوبکر احمد بن علی طریثی و ابوشاکر احمد بن علی عثمانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. ابوبکر خطیب بغدادی و ابوعمر بن عبدالبر و احمد بن عبدالقادر یوسفی و ابوعبدالله احمد بن محمد بن غلبون خولانی از او اجازه‌ی روایت داشته‌اند. او را حافظی کثیرالشیوخ دانسته‌اند. وی مدتی در مکه مجاور گشت و در آنجا به تصنیف کتب و گردآوری «معجم» مشایخ خود پرداخت. بعدها در ناحیه سروات، در حوالی مکه، سکنی گزید. او هر سال در موسم حج به مکه می‌رفت و سرانجام نیز در مکه درگذشت. از دیگر آثارش: تفسیر قرآن؛ «السنة والصفات»؛ «الجامع»؛ «الدعاء»؛ «فضائل القرآن»؛ «دلایل النبوة»؛ «المستدرک علی الصحیحین»؛ «الصحیح المسند المخرج علی الصحیحین» یا «المسند الصحیح المجرّد علی البخاری و مسلم»؛ «شهادة الزور»؛ «فضائل ملک بن انس»؛ «العیدین» یا «فضائل العیدین»؛ «مسانید الموطات»؛ «فضل یوم عاشوراء»؛ «المناسک»؛ «الربا» و «الیمین الفاجرة»؛ «کرامات الاولیاء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۱۱/۱۴۱)، تذکره الحفاظ (۱۱۰۸-۳/۱۱۰۳)، سیر النبلاء (۵۶۳-۱۷/۵۵۴)، شذرات الذهب (۳/۲۵۴)، طبقات الحفاظ (۴۴۳)، طبقات المفسرین داودی (۳۶۸-۱/۳۶۶)، العبر (۲/۲۶۹)، الکامل (۸/۳۶)، کشف الظنون (۱۸۳۰، ۱۶۷۳-۱۶۷۲، ۴۴۱)، معجم المؤلفین (۵۶-۵/۶۵)، المنتظم (۹/۳۱۱)، النجوم الزاهرة (۵/۳۸)، هدیة العارفين (۱/۴۳۷-۴۳۸).

هروی، ابوسعید ابراهیم

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۶۸/۱۶۳ ق)، حافظ، فقیه و محدث. در اواخر روزگار صحابه‌ی صغار (آنان که در زمان رحلت پیامبر (ص) کم سن و سال بودند) در هرات به دنیا آمد. اصلش از قریه‌ی باشان هرات بود. در نیشابور نشو و نما یافت. در طلب علم به مسافرت پرداخت و عده‌ای از تابعین را ملاقات نمود و از آنها حدیث شنید. از جمله از عبدالله بن دینار و ثابت بنانی و ابوحازم اعرج و ابواسحاق سیعی و ساک بن حرب و موسی بن عقبه و ابوزبیر محمد بن مسلم قرشی و محمد بن زیاد جمحی قرشی و یحیی بن سعید انصاری. همچنین از منصور بن معتمر و ابی‌جمره ضبعی و عاصم بن بهدله و عاصم بن سلیمان و حسین معلم و آدم بن علی و عبدالعزیز بن رفیع و ابوحصین عثمان اسدی و حمید طویل و حجاج بن حجاج باهل و عطاء بن ابی‌مسلم خراسانی و عبدالعزیز بن صهیب و مطر وراق و دیگران حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. سپس به مکه رفت و در آنجا مجاور شد. فرزندش، عبدالخالق بن ابراهیم، و استادش، صفوان بن سلیم، و ابوحنیفه نعمان بن ثابت و محمد بن جعفر بن ابی‌کثیر و عبدالله بن مبارک و حفص بن عبدالله سلمی نیشابوری و ابو‌عامر عقدی و سفیان بن عینه و خالد بن نزار و وکیع بن جراح و حسین بن ولید نیشابوری و عبدالرحمان بن عبدالله دشتکی رازی و غسان بن سلیمان هروی و برادرش، مالک بن سلیمان هروی، و عمر بن عبدالله بن رزین و عبدالرحمان بن مهدی و محمد بن سابق و معن قرزاز و یحیی بن ابوبکر کرمانی و یحیی بن ضریس بجلی رازی و ابوحذیفه نهدی و عبدالرحمان بن سلام جمحی و محمد بن سنان عوقی و جماعتی دیگر از او روایت کرده‌اند. در مکه درگذشت. از آثارش: «السنن»، در فقه؛ «المناقب»؛ کتاب «العیدین»؛ کتاب «التفسیر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۱۶۸ / ۲)، تاریخ بغداد (۱۱۱ - ۱۰۵ / ۶)، التاریخ الکبیر (۲۹۴ / ۱)، تذکره‌الحفاظ (۲۱۳ / ۱)، تهذیب‌التهذیب (۱۱۸ - ۱۱۷ / ۱)، تهذیب‌الکمال (۳۶۸ - ۳۶۴ / ۱)، الثقات (۲۷ / ۶)، سیرالنبلاء (۳۸۵ - ۳۷۸ / ۷)، شذرات‌الذهب (۲۵۷ / ۱)، طبقات‌الحفاظ (۱۰۶ - ۱۰۵)، طبقات‌المفسرین داودی (۱۱ - ۱۰ / ۱)، العبر (۱۸۵ / ۱)، الفهرست ابن‌الندیم، ترجمه (۴۱۶)، الکامل (۶۴ / ۵)، لسان‌المیزان (۱۹۱ / ۸)، معجم‌البلدان (۳۸۳ / ۱)، معجم‌المؤلفین (۴۱ / ۱)، میزان‌الاعتدال (۶۳ / ۱)، الوافی بالوفیات (۲۴ - ۲۳ / ۶).

هروی، ابو‌عبدالرحمان، ابو‌جعفر محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۳ / ۳۰۲ ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به شکر. وی از محمد بن رافع قشیری و علی بن خشرم و علی بن حرب و احمد بن عیسی مصری و عمر بن شبه و احمد بن منصور و رمادی و هم‌مطبقه‌ی آنها حدیث شنید. حاکم نیشابوری گوید که وی در مرو، طوس، سرخس، مرو رود، بخارا و نیشابور نقل حدیث کرد. ابو‌ولید حسان بن محمد و محمد بن جعفر بن مطر و ابوبکر احمد بن علی رازی و ابو‌حامد بن شرقی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در هرات درگذشت. از آثارش: کتاب «تاریخ هرات»؛ کتاب «الجواهر»؛ «العجائب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نیشابور (۱۲۷)، تذکره‌الحفاظ (۷۴۹ - ۷۴۸ / ۲)، سیرالنبلاء (۲۲۲ - ۲۲۱ / ۱۴)، شذرات‌الذهب (۲۴۲ / ۲)،

طبقات الحفاظ (۳۳۶-۳۳۵)، العبر (۱/۴۴۶)، كشف الظنون (۱۴۳۷)، معجم المؤلفین (۵۱-۵۰/۱۲)، الوافی بالوفیات (۵/۶۷).

هروی، ابو عبدالله، محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۲/۳۰۱ ق)، حافظ و محدث. اصل وی از هرات بود. از احمد بن یونس یربوعی و همطبقه‌ی او در کوفه و اسماعیل بن ابی‌اویس و عده‌ای دیگر در مدینه و احمد بن حنبل و همطبقه‌ی او در بغداد و ابراهیم بن محمد شافعی در مکه و محمد بن معاویه نیشابوری و محمد بن مقاتل مروزی حدیث شنید. سامی از مشایخ ابوحاتم بن حبان بستی است و ابن حبان در «صحیح» خود و نیز عباس بن فضل نصروری و بشر بن محمد مزنی و دیگر علمای هرات از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۶۹۸-۶۹۷/۲)، سیر النبلاء (۱۱۵-۱۱۴/۱۴)، شذرات الذهب (۲/۲۳۵)، طبقات الحفاظ (۳۲۴)، العبر (۱/۴۴۲)، معجم المؤلفین (۱۵۷/۱۰)، الوافی بالوفیات (۳/۲۲۶).

هروی، ابوعلی حسین

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۰۱-۲۰۷ ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به ابن خرم. وی از سعید بن منصور و خالد بن هیاج و داوود بن رشید و هشام بن عمار و سوید بن سعید و محمد بن عبدالله به عمار و عثمان بن ابی‌شیبه و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. بشر بن محمد مزنی و منصور بن عباس و ابوحاتم بن حبان و ابوبکر نقاش مفسر و محمد بن عبدالله بن خمیره و اهل هرات از وی روایت کرده‌اند. دارقطنی او را در حدیث ثقه می‌داند. از آثار وی کتابی در تاریخ است که بر اساس سنوات مرتب شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۵۱)، انساب سمعانی (۵/۶۳۷)، تذکره الحفاظ (۶۹۵-۶۹۶/۲)، توضیح المشته (۲۱۹-۲۱۸/۳)، الثقات (۸/۱۹۳)، الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۴۷/۲)، سیر النبلاء (۱۱۴-۱۱۳/۱۴)، شذرات الذهب (۲/۲۳۵)، طبقات الحفاظ (۳۲۲)، العبر (۱/۴۴۱)، لسان المیزان (۵۰۳-۵۰۲/۲)، معجم المؤلفین (۳/۲۰۵)، میزان الاعتدال (۱/۵۲۴)، النجوم الزاهرة (۳/۲۰۴)، الوافی بالوفیات (۱۲/۳۴۰).

هروی، ابو محمد عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۱ ق)، حافظ و محدث. اصل وی از هرات بود. از ابوسعید اشج و زعفرانی و محمد بن ولید بسری و حسن بن عرفه و

همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. محمد بن احمد بن ازهری لغوی و محمد بن عبدالله سیاری و ابومنصور محمد بن عبدالله بزاز هروی و اهل هرات از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: کتاب «الاقضية».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲/۲۷۰)، تذکره الحفاظ (۷۸۷-۷۸۶/۳)، سیر النبلاء (۱۴/۲۹۴)، شذرات الذهب (۲/۲۶۲)، طبقات الحفاظ (۳۴۹)، العبر (۱/۴۶۲)، معجم المؤلفین (۸۳-۸۲/۶)، هدیة العارفين (۱/۴۴۳).

هزار، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا هزار

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۷۱ در شهر مشهد مقدس آغاز و از همان تاریخ هم تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه «الهیات فردوسی مشهد» شروع کردم. در سال ۷۷-۷۶ به قم آمدم و تحصیلات حوزوی و دانشگاهی ام را ادامه دادم و در سال ۷۹-۷۸ موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته «الهیات علوم قرآن و حدیث» شدم. سپس به لبنان رفتم و مدتی در آنجا به ادامه تحصیلات پرداختم و کارشناسی «روان شناسی» را از آنجا دریافت کردم. در سال ۸۴-۱۳۸۳ نیز موفق به اخذ دکتری در رشته الهیات از دانشگاه ICIS کشور انگلستان شدم.

در طول ۷ سال گذشته در شهر قم، در پژوهشکده دارالحدیث قم و در واحدهای احیاء تراث، فهرستگان نسخ خطی؛ و غیره فعالیت کرده‌ام. مدتی نیز در واحد احقاق الحق، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی به پژوهش مشغول بوده‌ام. از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ نیز در مؤسسه فرهنگی توحید مشغول به کار بوده‌ام. از سال ۱۳۸۰ تاکنون هم در دانشگاه‌های مختلفی مانند دانشگاه قم؛ دانشگاه آزاد قم، دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد نراق، دانشگاه جامع علمی- کاربردی و دانشکده علوم حدیث شهر ری به تدریس اشتغال داشته‌ام.

کارگاه‌های تخصصی مختلفی نیز مانند کارگاه بهداشت روانی از دیدگاه اسلام، فنون و هنر تدریس، دانسته‌ها و بایسته‌های ازدواج، آرامش جوان و غیره نیز در دانشگاه‌های مختلف کشور به ویژه در دانشگاه بو علی سینا همدان توسط بنده اجرا و انجام شده است. تاکنون ۱۵ عنوان کتاب و بیش از ۳۰ مقاله، منتشر کرده‌ام. آخرین کار علمی انجام شده ام: «نظارت علمی بر طرح کلان تدوین مآخذ شناسی امام علی علیه السلام» بوده است که توسط پایگاه اطلاع رسانی پارسا انجام شده است.

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۱ ق)، حافظ و محدث. اصل وی از هسنجان، از قرای ری بود. در طلب حدیث به عراق، شام و مصر سفر کرد و از طالوت بن عباد و عبدالاعلی بن حماد نرسی و هشام بن عمار و عبدالواحد بن غیاث و محمد بن عبید بن حساب و احمد بن ابی الحواری و همطبقه‌های آنان حدیث شنید. ابوجعفر محمد بن عمرو عقیلی و ابوعمرو بن مطر مقری و ابوبکر اسماعیلی و ابوحسین محمد بن عبدالله رازی و عبدالله بن عدی و ابوعلی حسین بن علی و ابوجعفر بن مردویه اصفهانی و احمد بن علی دیلمی و عباس بن حسین صفار و دیگران از وی روایت کرده‌اند. هسنجانی دارای «مسند»ی در حدیث بوده است، با بیش از صد جزء، که میسرۀ بن علی قزوینی آن را از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۷۶)، انساب سمعانی (۵/۶۴۲)، تذکره الحفاظ (۲/۶۹۲)، ری باستان (۲/۲۷۲، ۶۳۹)، سیر النبلاء (۱۱۷) - (۱۴/۱۱۵)، شذرات الذهب (۲/۲۳۵)، طبقات الحفاظ (۳۲۱)، العبر (۱/۴۴۱)، کشف الظنون (۱۶۸۵)، معجم البلدان (۵/۴۶۷)، معجم المؤلفین (۱/۱۳۱)، الوافی بالوفیات (۶/۱۷۲).

هلالی خراسانی، ابومحمد، ابوالقاسم ضحاک

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۶/۱۰۵/۱۰۲ ق)، محدث، مفسر و مدرس. اصلش از بلخ و مدتی در بلخ و سمرقند و نیشابور ساکن بود. او در تفسیر و قصص تبحر داشت. علم تفسیر را از سعید بن جبیر در ری آموخت. از ابن عباس و ابوسعید خدری و عبدالله بن عمر و انس بن مالک و اسود بن زید نخعی و سعید بن جبیر و عطاء بن ابی رباح و طاووس بن کیسان و طائفه‌های دیگر حدیث شنید. ابن حبان ملاقات وی را با صحابه و حدیث شنیدنش از آنها صحیح نمی‌داند و احادیث وی را منسوب به تابعین می‌کند. عماره بن ابی حفصه و ابوسعید سعید بن مرزبان بقال و جویر بن سعید و مقاتل بن حیان نبطی و علی بن حکم و ابوروق عطیه بن حارث کوفی و ابوجناب یحیی بن ابی حیه کلبی و ابوسنان سعید بن سنان شیبانی اصغر و ابوسنان ضرار بن مره شیبانی اکبر و ابوعیسی سلیمان بن کیسان خراسانی و عبدالرحمان بن عوسجه و ابوالحارث عبید بن سلیمان باهلی خراسانی و مالک بن سعید بلخی و محمد بن سلیم خراسانی و ابوعبدالله میمون وراق خراسانی و نهشل بن سعید و عمر ابن رماح و عبدالعزیز بن ابی‌رواد و قره بن خالد سدوسی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی معلم کودکان بود و نوشته‌اند که هزاران دانش‌آموز در مکتب وی به کسب علم می‌پرداختند و او برای تعلیم و تدریس اجرت و مزدی دریافت نمی‌کرد. وی در خراسان درگذشت. از آثارش: «التفسیر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳/۳۱۰)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۱۴-۱۱۲، ۸/۱۲۰-۱۰۱)، تهذیب‌التهذیب (۴۱۸-۴۱۷/۴)، تهذیب‌الکمال (۱۷۷-۱۷۳/۹)، الثقات (۴۸۲-۴۸۰/۶)، سیر النبلاء (۶۰۰-۵۹۸/۴)، شذرات الذهب (۱۲۵-۱۲۴/۱)، طبقات ابن سعد (۷/۲۶۱)، طبقات المفسرین داودی (۱/۲۱۶)، العبر (۱/۹۴)، معجم المؤلفین (۵/۲۷)، میزان الاعتدال (۲/۲۵۰)، النجوم الزاهرة (۱/۳۱۷).

همدانی، ابوالعلاء حسن

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۶۹-۴۸۳/۴۸۳ ق)، مقری، حافظ، محدث، مفسر، ادیب، نحوی، لغوی و زاهد. شیخ همدان و امام العراقین در قرآنت بود. در همدان به دنیا آمد. در طلب علم مسافرت‌های بسیاری نمود. علم قرائت را نزد ابوعلی حداد اصفهانی و ابوالعز قلانسی و ابو عبدالله بارع حسین دباس و ابوبکر مزرفی فراگرفت و در همدان از عبدالرحمان بن حمد دونی و در اصفهان از محمود اشقر و ابوعلی حداد اصفهانی و در بغداد از ابوالقاسم بن بیان و ابن حصین و ابوعلی ابن مهدی و ابوعلی بن نبهان و در خراسان از ابو عبدالله فراوی حدیث شنید. آنگاه به همدان بازگشت و تا پایان عمر در این شهر زندگی نمود. او در علم تفسیر، حدیث، انساب و تاریخ متبحر بود. ابواحمد بن سکینه و ابوالحسن ابن دباس و محمد بن محمد بن کیال علم قرائت را در نزد وی فراگرفتند. شیخ منتجب‌الدین، صاحب «الفهرست»، نیز از شاگردان وی بود و کتاب «الهادی» را نزد او خواند. منتجب‌الدین استادش ابوالعلاء را صدرالحفاظ و در علم حدیث و قرائت علامه معرفی کرده است. فرزندان، احمد و عبدالبر و فاطمه، و نوادگانش، قاضی علی و محمد و عبدالحمید پسران عبدالرشید بن علی بن بنیمان، و ابوالموهب ابن صصری و عبدالقادر حافظ و یوسف بن احمد شیرازی حافظ و محمد بن محمود حمّامی و عتیق بن بدل مکی و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. ابوالحسن ابن المقیر از وی اجازه‌ی روایت داشت و شیخ هاشم بن محمد در «مصباح‌الانوار» خویش از وی روایت کرده است. در «معجم‌الادباء» وفات وی ۵۹۹ ق آمده است. از آثارش: «زاد المسافر»، در پنجاه مجلد؛ «غایة الاختصار»، در قرآنت دهگانه؛ «الهادی الی معرفه المقاطع والمبادی»، در وقوف قرآن؛ «الانتصار فی معرفه قراء المدن والامصار» که «طبقات القراء» است؛ «مفردات القراء»؛ «مولد امیرالمؤمنین (ع)»؛ کتاب «الادب فی حسان الحدیث».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۱۹۵)، اعیان‌الشیعه (۴/۶۳۴)، ایضاح‌المکنون (۲/۷۱۵، ۱/۶۰۶)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۲۸- ۱/۱۲۶)، تذکره‌الحفاظ (۱۳۲۸-۴/۱۳۲۴)، الذریعه (۱۵۱-۲۵/۱۵۰، ۱۲/۸)، روضات‌الجنت (۸۷-۳/۸۶)، ریحانه (۷/۲۰۶)، سیرالنبلاء (۴۷-۲۱/۴۰، ۱۹/۳۰۴)، شذرات‌الذهب (۲۳۲-۴/۲۳۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۵۴-۶/۵۳)، طبقات‌الحفاظ (۴۹۸- ۴۹۷)، طبقات‌المفسرین داودی (۱۳۱-۱/۱۲۸)، العبر (۳/۵۶)، فهرست منتجب‌الدین (۶۶-۶۵)، الکامل (۹/۱۲۹)، کشف‌الظنون (۲۰۲۶، ۱۷۷۳، ۱۳۸۷، ۱۱۸۹، ۱۱۰۶، ۹۴۶، ۱۱۴)، معجم‌الادباء (۵۲-۵/۸)، معجم رجال‌الحدیث (۲۸۴-۴/۲۸۳)، معجم‌المؤلفین (۱۹۸-۳/۱۹۷)، المنتظم (۱۰/۵۱۸)، هدیة‌العارفین (۱/۲۸۰).

همدانی، ابوجعفر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بعد از ۵۳۱-۴۴۰ ق)، حافظ، محدث و زاهد. در طلب حدیث به مسافرت پرداخت. در بغداد از ابن نقور و ابوالقاسم بن بسری و ابونصر زینی و در نیشابور از فضل بن محب و ابوصالح مؤذن و در مکه از ابوعلی شافعی و سعد زنجانی و در جرجان از اسماعیل

بن مسعده و در مرو از ابوالخیر محمد بن ابوعمران و در هرات از ابواسماعیل انصاری و جماعتی دیگر حدیث شنید. وی «الجامع» ابوعیسی ترمذی را از ابوعامر ازدی و محمد بن محمد بن علاء و ثابت بن سهلک قاضی به نقل از جراحی روایت کرد. این طاهر مقدسی و ابوالعلاء عطار و عبدالرحمان بن عبدالوهاب بن معزم و عده‌ای دیگر از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «البدایة والنهایة فی الموعظة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیرالنبلاء (۱۰۲- ۱۰۱/۲۰)، شذرات الذهب (۴/۹۷)، طبقات الحفاظ (۴۷۰)، العبر (۲/۴۴۰)، کشف الظنون (۲۲۸)، معجم المؤلفین (۱۱/۶۹)، النجوم الزاهرة (۵/۲۵۳).

یابری محمد، صادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صادق یابری محمد

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱۲/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب صادق یابری محمد فرزند محمد بعد از اخذ دیپلم و در سال ۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس مقدماتی را در مدرسه «امام صادق (ع) شاه ابراهیم، نیروگاه (مدرسه مرحوم آقای خلخالی)» گذراندم؛ آن هم در ایام اوج جنگ و دفاع. آنگاه دروس سطح عالی را در فیضیه و مدرسه مرحوم آیه‌الله گلپایگانی و ... با اساتید چون: «آیه الله بنی فضل»، «صالحی مازندرانی» و ... و دروس جانبی همچون: رجال، درایه و نهج البلاغه به ترتیب آیات عظام: «سبحانی»، «مرحوم فاضل لنکرانی» و علوم قرآن و حدیث: مرحوم «آیه‌الله محمد هادی معرفت» و ... و همچنین دروس خارج حدود ۱۰ سال با آقایان: «آیه‌الله مکارم شیرازی»، «وحید خراسانی»، «موسوی اردبیلی» و ... گذراندم.

و در همین ایام، لیسانس: (زبان و ادبیات عرب) و فوق لیسانس: (الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث) را از دانشگاه اخذ کردم. و در همین ایام فعالیت پژوهشی، حدیث، علوم قرآن و مقالات و نوشتن کتاب را شروع کردم که متأسفانه به علت عدم تمکن مالی نتوانستم آنها را چاپ کنم. همچنین به فعالیت تدریس در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی با اخذ مجوز تدریس در دانشگاه پرداختم و در همین مدت در سال ۷۶-۷۵ به آفریقا جهت کارشناسی، تدریس، مدیریت و تبلیغ ایام مخصوص پرداختم. همچنین به فعالیت به عنوان استاد راهنما و داور در جامعه‌الاصطفی مدرسه عالی فقه و معارف پرداختم.

یزدی، رشیدالدین

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رشیدالدین یزدی از علماء آن سامان است که یک نسخه از تفسیر فارسی او مشتمل بر سوره هود و یوسف و رعد در ۲۰۸ صفحه به شماره ۴۳۲ در کتابخانه ملک موجود است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یزدی، علی‌اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۸۷ ق)، عالم دینی، مفسر، ادیب و لغوی. اصل وی از یزد و از دانشمندان سده‌ی سیزدهم هجری می‌باشد. صاحب عنوان در زمینه ادبیات، لغت و تفسیر قرآن دارای تصانیفی بوده است. از آثار او: «نخبه‌المیزان» یا «نخبه‌اللغات»، در لغت که در ۱۲۸۷ ق آن را تألیف نمود و در ۱۲۸۸ ق در تهران به چاپ رسید؛ تفسیر قرآن تا آخر «سوره‌ی نساء»؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبه‌ الزهراء (ع)»؛ شرح «خطبه‌ الشقشقیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۸/۱۷۱)، الذریعه (۱۰۰-۹۹، ۹۸/۲۴)، معجم‌المؤلفین (۷/۴۰).

یزدی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد یزدی

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آیه‌الله محمد یزدی در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و ارادتمند به خاندان پیامبر، چشم به جهان گشود. جدش، مرحوم شیخ محمد علی، حدود صد سال پیش از یزد به اصفهان هجرت کرد و در مدت زمان کوتاهی، در حوزه علمیه اصفهان، به درجات علمی بالایی نائل آمد. مرحوم «آقا نجفی» که در آن دوره، ریاست حوزه علمیه اصفهان را بر عهده داشت، شیخ محمد علی را مأمور بحث و مناظره با کشیش‌های ارامنه جلفای اصفهان کرد که شیخ محمد علی توانست بر تمامی آنها فائق آید و از آن پس، «شیخ یزدی» شهرت یافت.

پدر آیه الله یزدی، مرحوم «شیخ علی یزدی» نام داشت که از شاگردان «شیخ عبدالکریم حائری» و از روحانیون معروف اصفهان بود که امامت جماعت یکی از مساجد اصفهان را بر عهده داشت و به حل مشکلات مردم عالم پرور اصفهان می‌پرداخت. از ویژگیهای او آشنایی با علوم غریبه بود.

مادر آیه الله یزدی نیز زنی مؤمن از خانواده متدین و دوستدار اهل بیت (ع) بود که پدرش از مریدان «شیخ یزدی» به شمار می‌آمد و ارادت او به «شیخ یزدی» در ازدواج پدر و مادر وی بی‌تأثیر نبوده است.

آیه الله محمد یزدی تحصیلات خود را ابتداء در محضر پدر و با فراگیری زبان فارسی آغاز کرد و پس از آن، عازم مکتب خانه شد. مکتب خانه‌های آن روزگار اغلب در مسجد بود و فاقد میز و صندلی! پس از گذراندن دوره مکتب، برای گذراندن کلاس چهارم آن نظام آموزشی، به نخستین مدرسه‌ای که در اصفهان به سبک جدید تأسیس شده بود و یکی از روحانیون که با پدر او نیز سابقه دوستی داشت، آن را اداره می‌کرد، رفت. شش کلاس آن نظام را در آن مدرسه گذراند.

تحصیلات حوزه را که در آغاز، نزد پدر آموخته بود، در مدرسه «کاسه گران» اصفهان ادامه داد و سپس به مدرسه «ملا عبدالله» رفت و به تحصیل شرح لمعه مشغول شد. پس از آن به مدرسه «صدر» آمد و به خواندن «قوانین» پرداخت و در این میان، از محضر عالمان بزرگ اصفهان نیز در زمینه‌های علمی و معنوی بهره می‌برد.

با تشریف فرمایی حضرت آیت الله بروجردی به قم، شور و بی‌قراری زائد الوصفی وجود این طلبه جوان را فرا گرفت و با اصرار فراوان به پدر، خواستار حضور و تحصیل در حوزه علمیه قم شد. پدر، در ابتداء با این سفر مخالف بود، ولی با واسطه قرار گرفتن یکی از علمای یزد، به سفر فرزند خود رضایت داد. در بدو ورود به قم، در مدرسه فیضیه مستقر شد. در آن زمان، آیه الله بروجردی، از برخی طلاب به سبب آشنایی با میزان توانایی علمی آنان، امتحان به عمل می‌آورد. وی با شرکت در دروس سطح، کتاب‌های رسائل، مکاسب و کفایه الاصول را به خوبی فرا گرفت و در درس خارج علمای بزرگ حوزه، از جمله آیه الله بروجردی (ره) و امام خمینی (ره) شرکت کرد. تلاش علمی ایشان در آن سال‌ها باعث شد تا بتواند از حضرت امام خمینی (ره) اجازه نامه اجتهاد دریافت کند.

وی در طول آن سال‌ها و حتی تا هم‌اکنون، از طریق شهریه، معاش گذرانده است و وضعیت خانوادگی، به ویژه علاقه مندی پدر به تحصیلات حوزوی، استادان بزرگوار حوزه و صبر و بردباری همسر و فرزندان خود را از عوامل مهم رشد علمی و فرهنگی خود می‌داند.

دوران تحصیل آیه الله یزدی، سرشار از تحصیل در محضر عالمان بزرگ بوده است. از استادان وی، هنگام تحصیل در اصفهان، می‌توان از آقایان: «شیخ حسن نجف آبادی»، «فقیه»، «سید محمد علی ابطحی» نام برد که بخشی از کتب دوره سطح را در خدمتشان فرا گرفت. با ورود به قم به دروس مرحوم «آیه الله لاکانی»، مرحوم «حاج آقا حسین بی‌دلا» و مرحوم «زاهدی» رفت و رسائل، مکاسب و کفایه الاصول را در محضر «آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری»، «آیه الله مرعشی» و «آیه الله سلطانی» فرا گرفت و در درس تفسیر «علامه طباطبایی» نیز حاضر شد. وی در درس خارج علمای بزرگی همچون: «آیه الله بروجردی (ره)»، «آیه الله اراکی»، «آیه الله شیخ محمد تقی آملی»، «آیه الله شاهرودی» و نیز یک دوره کامل در درس خارج «امام خمینی (ره)» شرکت کرد.

آیه الله یزدی، ویژگی درس امام (ره) را چنین بر می‌شمارد:

«حضرت امام (ره) قبل و بعد از شروع سال تحصیلی به نصیحت طلاب می‌پرداختند و در اکثر مواقع هم به یاد دارم که شاگردان تحت تأثیر نفوذ کلام حضرت امام (ره) به گریه می‌افتادند. عجیب اینجا بود که مسائل مطروحه از سوی امام، گاه از اهمیت چندانی برخوردار نبود، ولی بحث و بیان امام به گونه‌ای بود که همه را به گریه می‌انداخت.»

همچنین در باره همراه بودن درس امام (ره) با بینش سیاسی می‌گوید:

ایشان در مسائل سیاسی و آموزش آن، در کنار دروس رسمی حوزه شیوه‌های عجیبی داشتند. برای مثال عرض می‌کنم که یک بار در کلاس درس اصول، از این شیوه استفاده کردند. در اصول فقه، بحثی وجود دارد تحت این عنوان که «امر و نهی در صورتی معنا دارد که مخاطب آن قابلیت تأثیر پذیری و انبعاث داشته باشد». اکثر اساتید وقتی به این مبحث می‌رسند، در مقام مثال زدن می‌گویند: به دیوار و سنگ نمی‌توان گفت چنین کن! اما حضرت امام می‌فرمودند: به «خروشچف» نمی‌شود امر کرد که نماز بخوان! خود به خود برای ما که شاگرد ایشان بودیم، این سؤال پیش می‌آمد که «خروشچف» دیگر چیست یا کیست؟ بعد می‌رفتیم دنبال پاسخ به این سؤال و همین امر بینش سیاسی ما را افزایش می‌داد و به گسترش افق دید ما کمک می‌کرد.

از دوستان و معاشران آیه الله یزدی در ایام تحصیل در اصفهان می‌توان از آقایان: فقیه ایمانی، مدنی، اخوان «ابطحی»، سید محمد علی مجلسی و سید محمد باقر مجلسی را نام برد. همچنین وی در نخستین سال‌های طلبگی با آیه الله «سید محمد حسین بهشتی» آشنا شد و نظم آن شهید سعید را شایان ستایش می‌داند. از دوستان ایشان در زمان تحصیل در قم نیز می‌توان از آقایان: «محمدی گیلانی»، «شیخ حسین مظاهری»، «شیخ محمد تقی مصباح یزدی»، «سید علی اکبر موسوی یزدی» و «حاج شیخ مرتضی تهرانی (انصاری)» نام برد.

زندگی آیه الله یزدی، همواره با تلاش‌ها و دغدغه‌های علمی و فرهنگی همراه بوده است. بخشی از این تلاشها در قالب سخنرانیها و تدریسها تبلور یافته است که اغلب، اساسی‌ترین مباحث اسلام و تشیع در آن مورد مذاقه قرار گرفته است و تا هم اکنون نیز ادامه دارد. بخش دیگر آن نیز در قالب مقالات و کتب مفیدی است که جوانان و طالبان علم را از معارف والای مکتب تشیع بهره‌مند می‌سازد. ایشان نخستین مقاله‌های خود را در نشریه «حکمت» به چاپ رساند. از جمله کتب ایشان که در زمان طاغوت به چاپ رسید، کتاب «گمشده شما» بود که چاپ آن باعث شد فردی به نام «مردوخ» به بهانه آن، تهمت‌های ناروایی را به ساحت تشیع ابراز دارد. این مسأله باعث شد که آیه الله یزدی تهمت‌های او را در کتابی با عنوان «پاسخ به تهمت‌های مردوخ» پاسخ دهد که هر دو کتاب «گمشده شما» و «پاسخ به تهمت‌های مردوخ» مورد عنایت زعیم عالیقدر شیعه، حضرت امام خمینی (ره) قرار گرفت. آیه الله یزدی در طول دوران مبارزه بر ضد رژیم شاهنشاهی، حتی در زمان تبعید، دست از نگاشتن در جهت تبیین معارف اسلامی برنداشت و تا کنون، کتابها و مقالات بسیاری را به چاپ رسانده‌اند.

زندگی سیاسی حضرت آیه الله یزدی، با توجه به مبارزه بی‌امان ایشان با رژیم شاه و نیز افشاگری‌های فراوان که به تبعید و شکنجه معظم له منجر می‌شد و با نگاه به سابقه مدیریت ایشان در دوران پیروزی انقلاب اسلامی، بخشی از تاریخ انقلاب را تشکیل می‌دهد و مطالعه آن، فضای مبارزه و مقاومت را در اذهان دوستداران انقلاب زنده می‌سازد. آیه الله یزدی با ورود به حوزه علمیه قم، مبارزه و درس را توأمان آغاز می‌کند و با شرکت در درس امام خمینی (ره) و جلسات عمومی و خصوصی ایشان، توانایی و عزم خود را برای پی‌گیری جریان‌های سیاسی و پیروی از خط مشی امام (ره) اعلام می‌دارد. ارتباط وی با امام با حاضر شدن در درس خارج اصول ایشان در مسجد سلماسی و پرسش‌های علمی و سیاسی در پایان درس آغاز شد.

در آن ایام، در عصرهای جمعه، بیشتر جوانان به سینما می‌رفتند و جو سینماها آکنده از فیلم‌های زشت و مبتذل بود. حضرت امام (ره) با توجه به این معضل، از علماء و طلاب خواسته بودند که جلساتی را در عصرهای جمعه برقرار کنند. رساندن این پیام امام (ره) در برخی از شهرها، به عهده آیه الله یزدی بود. یکی از آن جلسات، جلسه معروف مسجد امام حسن عسگری (ع) واقع در قم بود که هر یک از علماء، ده شب در آنجا به سخنرانی می‌پرداخت. هنگامی که نوبت به آیه الله یزدی رسید، به جای ده شب، بیست شب آن جلسه را اداره کرد. عنوان بحث‌های وی در آن بیست شب، «انقلاب‌های تاریک و روشن» بود که امام (ره) نیز یک شب به آن محفل آمد و تا پایان جلسه هم حضور داشت.

سخنرانی‌های ایشان در آن ایام، چنان مؤثر و شور آفرین بود که باعث شد امام خمینی (ره) ایشان را احضار فرماید و شیشه عطری

هدیه و برای ایشان دعا نماید. ویژگی سخنرانی‌های آیه الله یزدی این بود که در سخنرانی خود ضمن بیان مکتب و روش اهل بیت و نیز خط مشی دشمنان آنها، واقعیات مبارزه و مصداق‌های کنونی دشمنی با اهل بیت را بیان می‌کرد؛ مثلاً در باره نهضت امام حسین (ع) سخن می‌گفت و بدی و پلیدی یزید و پیروانش را به مردم گوشزد می‌کرد. سپس حسینیان زمان و یزیدیان این دوره را با ویژگی‌های آنها و با انطباق با صدر اسلام بیان می‌فرمود. کتاب «حسین بن علی را بهتر بشناسیم» حاصل این سخنرانیها بود که چند بار، ساواک آن را از بازار جمع‌آوری کرد. ساواک که این گونه افشاگریها را بر نمی‌تافت، آیه الله یزدی را بارها دستگیر و ممنوع المنبر کرد؛ از جمله دستگیری بعد از ۲۱ رمضان در مسجد جامع قم و پس از سخنرانی در منزل آیه الله گلپایگانی را می‌توان نام برد. ساواک بارها ایشان را تبعید کرد که طولانی‌ترین آنها پس از بندر لنگه و بوشهر، رودبار بود؛ اما آیه الله یزدی در دوره تبعید نیز دست از مبارزه بر نمی‌داشت و بارها به طور مخفیانه به تهران و قم می‌آمد و در جریان امور قرار می‌گرفت و اعلامیه‌های امام را برای مردم و علمای شهرها می‌برد. ایشان در قم و تهران جلساتی را به صورت مخفی تشکیل می‌داد و با افراد و جریانهای گوناگون به تبادل نظر می‌پرداخت که به (جلسات زیرزمینی) شهرت یافته بود.

از دیگر فعالیت‌هایی که در کارنامه سیاسی آیه الله یزدی می‌درخشد؛ پناه دادن به آن دسته از سربازان فراری بود که پس از دستور امام (ره) و پیش از پیروزی انقلاب، از ارتش گریخته و به مردم پیوسته بودند. منزل او در آستانه پیروزی انقلاب، مرکز تلاش‌ها و نیز حل و فصل بسیاری از امور جریان‌های انقلاب بود. همان منزلی که امام (ره) پس از پیروزی انقلاب و مراجعت به قم، در آن ساکن شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در اولین سخنرانی امام (ره) در فیضیه که شور و شوق فراوان و کثرت جمعیت مانع از انجام این سخنرانی بود؛ حضرت امام به ایشان دستور می‌فرمایند برای آرام کردن مردم ایراد سخن نکنند و ایشان نیز امر امام را اطاعت نمودند که خاطره آن در اذهان حاضران در آن روز بزرگ، باقی مانده است.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از مراکز بسیار مهمی بود که در زمان رژیم طاغوت، خدمات شایانی را به مبارزات ملت ایران برای دست‌یابی به انقلاب اسلامی انجام داده است. آیه الله محمد یزدی، از آغازین روزهای تأسیس این مرکز، با آن همکاری داشته است و این همکاری تا کنون نیز ادامه دارد. ایشان خود در باره جامعه مدرسین می‌گوید:

«جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در شمار مراکزی بود که بی‌آنکه تبلیغات هنگفتی برای اثبات ارزش و اعتبار خود بنماید، توانست احترام توده مردم را نسبت به خود جلب کند. مردم اعضای جامعه را افرادی متدین و فاضل یافته بودند و عمیقاً به این باور رسیده بودند که اینان کسانی نیستند که برای قصد و غرض دنیوی کاری انجام داده و سخنی بگویند و جز برای خیر و انجام وظیفه دینی و الهی خود کاری نمی‌کنند.

آیه الله محمد یزدی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همواره در خدمت نظام و بازوی توانای امام و رهبری بود. ایشان در مسؤولیتهای بسیار مهمی ایفای نقش نموده‌اند

یزدی، معین‌الدین

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ف. ۷۸۹ ه.ق) مؤلف کتاب «مواهب الهی» که تاریخی است درباره خاندان مظفری از آغاز تا هنگام جنگ شاه شجاع و برادرش شاه محمود که به سال ۷۵۷ ه.ق اتفاق افتاده است. معین‌الدین در شیراز مجلس درس داشته و گاه ممدوح وی شاه شجاع در مجلس درس وی حاضر می‌شده. وی مدتی در کرمان به مدرسی یکی از مدارس مشغول بود.

حاج معین‌الدین یزدی از دانشمندان روزگار محمد مظفر بوده و در سال ۷۵۷ تاریخ آل مظفر را نوشته و به مواهب الهی موسوم ساخته و نیز کتابی به نام حدائق الحقایق در تفسیر سوره یوسف دارد.

وی بنابر نقل جامع مفیدی اعلم علماء وافقه فقهای زمان خود بوده و به تدریس علوم عقلی و نقلی اشتغال داشته است و در سال ۷۸۰ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

